

ترجمہ من

کتاب
الحق
من لا

شیخ صدوق - ابن ابی

مجلد دوم

ترجمہ و متن

کتاب

مِنْ لَاحِظِ الْفَقِيهِ

تأليف

شیخ صدوق - ابن بابویه

ابی جعفر محمد بن علی بن حسین قمی

متوفای سال - ۳۸۱ ہجری

جزء دوم

۱۳۶۹



مرکز تحقیقات کتاب و میراث علوم اسلامی



- | | |
|----------|--|
| نام کتاب | • ترجمه و شرح من لا یحضره الفقیه - مجلد ۲ |
| مؤلف | • شیخ صدوق - ابن بابویه |
| مترجم | • جناب آقای صدر بلاغی، و محمد جواد غفاری |
| نوبت چاپ | • اول - مورخ ۱۳۶۹ |
| تیراژ | • ۳۲۰۰ |
| حروفچینی | • خواجه |
| چاپ | • چاپخانه خواجه |
| ناشر | • نشر صدوق - بهارستان - اول نظامیه - پلاک ۹۵ |
- کلیه مراحل تصحیح، ترجمه، مونتاژ و اعراب گذاری تحت نظر علی اکبر غفاری بوده است



این مجلد شامل: تحقیقات کتب دیگر علوم اسلامی

دنباله کتاب صلاة

کتاب زکات

کتاب صوم

کتاب اعتکاف

توضیحاتی که به عنوان شرح بعضاً ذیل احادیث آمده از اینجانب است.

علی اکبر غفاری

۲
۴۰۱ - ۴۰۲ - ۴۰۳
۴۰۴ - ۴۰۵ - ۴۰۶
بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

(بَابُ صَلَاةِ الْمَرِيضِ وَالْمُعْمَى عَلَيْهِ وَالضَّعِيفِ)

(وَالْمَبْظُونِ وَالشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَغَيْرِ ذَلِكَ)

۱۰۳۳- قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يُصَلِّي الْمَرِيضُ قَائِمًا، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى ذَلِكَ صَلَّى جَالِسًا، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ أَنْ يُصَلِّيَ جَالِسًا صَلَّى مُسْتَلْقِيًا يُكَبِّرُ ثُمَّ يَقْرَأُ فَإِذَا أَرَادَ الرُّكُوعَ غَمَضَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ سَبَّحَ فَإِذَا سَبَّحَ فَتَحَ عَيْنَيْهِ فَيَكُونُ قَتَعُ عَيْنَيْهِ رَفَعَ رَأْيِهِ مِنَ الرُّكُوعِ، فَإِذَا أَرَادَ أَنْ يَسْجُدَ غَمَضَ عَيْنَيْهِ ثُمَّ سَبَّحَ، فَإِذَا سَبَّحَ فَتَحَ عَيْنَيْهِ فَيَكُونُ قَتَعُ عَيْنَيْهِ رَفَعَ رَأْيَهُ مِنَ السُّجُودِ، ثُمَّ يَتَشَهُدُ وَيَنْصَرِفُ».

باب /

(در بیان چگونگی و احکام نماز بیمار، و مدهوش و بی خبر، و ناتوان)
(و شخصی که بیماری شکم داشته باشد، و بیرکهن سال، و مانند ایشان)

۱۰۳۳- امام صادق علیه السلام فرمود: شخص بیمار ایستاده نماز میخواند، و اگر بر اینکار قادر نباشد نشسته نماز میخواند و چنانچه نشسته هم نتواند، بر پشت دراز کشیده نماز بخواند باین نحو که تکبیر الاحرام را بگوید آنگاه به قرائت پردازد، و هنگام رکوع چشمانش را بر هم گذاشته آنگاه تسبیح رکوع را بگوید، و چون تسبیح گفت چشمانش را بگشاید، در این حال گشودن چشمان بمنزله سر برداشتن از رکوع است، و چون خواهد سجده کند چشمان را بر هم نهد و بعد تسبیح سجده را بگوید، و وقتی تسبیح گفت، چشمان را بگشاید، در اینصورت باز کردن چشمان او بمنزله و بجای سر برداشتن از سجود است، آنگاه تشهد میگوید و نمازش را تمام میکند.

شرح: «آن بخش از حدیث را که میگوید اگر بیمار نتواند نشسته نماز بخواند، به پشت دراز بکشد حل کرده اند بر زمانیکه بیمار نتواند بر پهلو دراز کشیده و نماز بخواند، در این صورت می تواند بر پشت خوابیده و نماز گزارد، زیرا ظاهراً خلافی نیست در اینکه خوابیدن بر پهلو مقدم بر دراز کشیدن به پشت است، ولی در اینکه

۱۰۳۴- وَ سُئِلَ «عَنِ الْمَرِيضِ لَا يَسْتَطِيعُ الْجُلُوسَ أَيْصَلِّي وَهُوَ مُضْطَجِعٌ وَ يَضَعُ عَلَى جَبْهَتِهِ شَيْئاً؟» فَقَالَ: نَعَمْ لَمْ يُكَلِّفَهُ اللَّهُ إِلَّا طَاقَتَهُ.

۱۰۳۵- وَ سَأَلَهُ سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ «عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي عَيْتِهِ الْمَاءُ فَيَشْتَرِجُ الْمَاءَ مِنْهَا فَيَسْتَلْقِي عَلَى ظَهْرِهِ الْأَيَّامَ الْكَثِيرَةَ أَرْبَعِينَ يَوْماً أَوْ أَقَلَّ أَوْ أَكْثَرَ فَيَمْتَنِعُ مِنَ الصَّلَاةِ إِلَّا إِيْمَاءً وَهُوَ عَلَى حَالِهِ؟» فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ.

۱۰۳۶- وَ سَأَلَهُ بَرِيعُ الْمُؤَدَّنُ فَقَالَ لَهُ: «إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَقْدَحَ عَيْنِي، فَقَالَ لِي: أَفْعَلْ، فَقُلْتُ: إِنَّهُمْ يَزْعُمُونَ أَنَّهُ يُلْقَى عَلَى قَفَاءٍ كَذَا وَ كَذَا يَوْماً لَا يُصَلِّي قَاعِداً، قَالَ: أَفْعَلْ».

۱۰۳۷- وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الْمَرِيضُ يُصَلِّي قَائِماً، فَإِنْ

خوابیدن بر پهلو راست مقدم است بر خوابیدن بر پهلو چپ خلاف است».

(۱) ۱۰۳۴- و از آنحضرت سؤال کردند: درباره بیماری که نتواند بنشیند، آیا چنین کسی بر پهلو میخوابد و چیزی که سجده بر آن جایز باشد بر پیشانی خود میگذارد و نماز میخواند؟ فرمود: آری، خداوند هرگز او را تکلیف نفرموده مگر باندازه طاقت و توانش.

(۲) ۱۰۳۵- و سماعة بن مهران از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) سؤال کرد: در مورد شخصی که چشمانش آب آورده باشد، و خواهند که آب چشم بیمار را بیرون بکشند، و او مدتی طولانی حدود چهل روز یا کمتری بیشتر بر پشت میخوابد و نمی تواند نماز بخواند مگر بهمان حالت خوابیده بر پشت و با ایما و اشاره آیا این گونه نماز خواندن صحیح است؟ فرمود: اشکالی ندارد.

(۳) ۱۰۳۶- منقول است از بزیع اذان گو که از امام صادق علیه السلام سؤال کرده گفت: چشمانم آب آورده و میخواهم آب آنرا بیرون آورم، بزیع گوید آنحضرت بمن فرمود: بیرون آر، عرض کردم: اطباء میگویند که بیمار باید چندین روز و چندین روز (که بالغ بر بیست روز می شود) بر پشت خوابیده، و نشسته نماز نخواند باین ترتیب تکلیف من چیست؟ آنحضرت فرمود: همین کار را بکن (هر چند نتوانی مدتی نشسته یا بر پهلو نماز بخوانی).

(۴) ۱۰۳۷- رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: بیمار ایستاده نماز میخواند، و

لَمْ يَسْتَطِيعْ صَلَّى جَالِسًا، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِيعْ صَلَّى عَلَى جَنْبِهِ الْأَيْمَنِ، وَإِنْ لَمْ يَسْتَطِيعْ صَلَّى عَلَى جَنْبِهِ الْأَيْسَرِ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِيعْ اسْتَلْقَى وَأَوْمَأَ إِيمَاءً وَجَعَلَ وَجْهَهُ نَحْوَ الْقِبْلَةِ، وَجَعَلَ سُجُودَهُ أَخْفَضَ مِنْ رُكُوعِهِ».

وَيَجُوزُ لِلْمَرِيضِ أَنْ يُصَلِّيَ الْفَرِيضَةَ عَلَى الدَّابَّةِ يَسْتَقْبِلُ بِهَا الْقِبْلَةَ، وَيُخْرِجُهَا فَاتِحَةَ الْكِتَابِ، وَيَضَعُ جَبْهَتَهُ فِي الْفَرِيضَةِ عَلَى مَا أَمَكْنَهُ مِنْ شَيْءٍ، وَيُؤْمِي فِي النَّافِلَةِ إِيمَاءً.

۱۰۳۸ - وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «دَخَلَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَلَى رَجُلٍ مِنَ الْأَنْصَارِ - وَقَدْ شَبَّكَتُهُ الرِّيحُ - فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ كَيْفَ أَصَلِّي؟

اگر نتواند ایستاده بخواند نشسته نماز میکند، و اگر باز هم نتواند بر پهلوی راست دراز کشیده و نماز میخواند، و اگر باز هم نتواند بر پهلوی چپ نماز میگذارد، و اگر باین نحو هم نتوانست به پشت روی زمین میخوابد و ایماء و اشاره می‌کند، و روی خود را بسوی قبله میگرداند، و سجودش را پائین‌تر و پست‌تر از رکوع خود میکند.

شرح: «یعنی در ایماء رکوع سر را کمتر از ایماء سجود خم می‌کند».

و جایز است که بیمار نماز واجب را بر پشت چهار پا بجا آورد بدین نحو که روی او را بسوی قبله گردانند و کافی است سوره حمد را بخواند، و در نماز واجب پیشانی خود را بر هر چیز که بتواند و ممکن باشد گذارد، و در نماز سنت و نافله فقط ایماء میکند.

شرح: «یعنی پیشانی گذاشتن لازم نیست، و در حدیث حلبی گذشت که پیشانی گذاشتن مستحب است. و دور نیست مراد در اینجا چنین باشد که رکوع را حتی المقدور درست بجا آورد، و در سجود نیز پیشانی خود را بر قسمت پیشین زمین یا امثال آن بر هر چیز ممکن باشد گذارد، و این ترتیب واجب باشد، ولی اگر نتواند پیشانی خود را بر چیزی گذارد، و ایماء و اشاره کند، در این صورت پیشانی نهادن سنت باشد، و این معنی با توجه به عبارت أظهر است. والله تعالی یعلم».

۱۰۳۸ - (۱) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: روزی رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بر مردی از انصار که بدنش از بیماری باد آورده و متورم شده بود وارد شد، آن

فَقَالَ: إِنْ اسْتَطَعْتُمْ أَنْ تُجْلِسُوهُ فَأَجْلِسُوهُ وَإِلَّا فَوَجِّهُوهُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَمُرُوهُ فَلْيَوْمِ بِرَأْسِهِ إِيْمَاءً وَيَجْعَلُ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ، وَإِنْ كَانَ لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَقْرَأَ فَأَقْرَأُوا عِنْدَهُ وَأَسْمِعُوهُ».

۱۰۳۹- وَرَوَى عُمَرُ بْنُ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرِيضِ كَيْفَ يَسْجُدُ؟ فَقَالَ: عَلَى خُمْرَةٍ أَوْ عَلَى مِرْوَحَةٍ أَوْ عَلَى سِوَاكِ يَرْفَعُ إِلَيْهِ وَهُوَ أَفْضَلُ مِنَ الْإِيْمَاءِ، إِنَّمَا كَرِهَ مِنَ كَرِهَ السُّجُودَ عَلَى الْمِرْوَحَةِ مِنْ أَجْلِ الْأَوْتَانِ الَّتِي كَانَتْ تُعْبَذُ مِنْ ذَوْنِ اللَّهِ وَإِنَّا لَمْ نَعْبُدْ غَيْرَ اللَّهِ قَطُّ فَاسْجُدُوا عَلَى الْمِرْوَحَةِ وَعَلَى السِّوَاكِ وَعَلَى عُودٍ».

شخص به پیامبر عرض کرد: ای رسول خدا من با این وضع چگونه باید نماز بخوانم؟ آنحضرت به اطرافیان بیمار فرمود: اگر می‌توانید او را بنشانید که بنشانیدش، وگرنه او را رو بقبله کنید و دستور دهید تا با سر خود ایفاء کند و سجود را در ایفاء پست‌تر از رکوع بجا آورد، و اگر خود نتواند قراءت را بخواند، شما نزد او قراءت کنید، و بگوش او برسانید تا بشنود.

۱۰۳۹- (۷) عُمَرُ بْنُ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ وَآوِازِ اِمَامِ بَاقِرِ عَلِيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتِ كَرْدِه گويد: از آنحضرت در مورد بیمار پرسیدم که چگونه سجده کند؟ فرمود: بر سجاده (یا بر حصیر سجاده‌ای) یا بر بادبز، یا بر مسواک (چوبین) که آنها را بلند کرده و بر آن سجده میکنند. و سجده بر اینها بهتر از ایفاء است، و کسانی که (از اهل تسنن) سجده بر بادبز را مکروه میدانند بخاطر اینکه این عمل را شبیه بت پرستی میدانند و میگویند قرار دادن بادبز و امثال آن پیش روی، پرستش غیر خدا و بتها است، ایشان ایفاء را بهتر از سجده بر سجاده و بادبز و مسواک یا بلند کردن و بر پیشانی گذاشتن و سجده بر آنها می‌دانند لذا بر اینها سجده نمی‌کنند، در حالیکه غلط می‌گویند و دچار خطا شده‌اند زیرا ما هرگز غیر خدا را نمی‌پرستیم (و مقصودمان از سجده بر اینها آنست که تذلل و شکستگی در سجود زیاده گردد، نه سجده بردن بر نفس آن وسائل که همانند بت پرستی محسوب شود پس ما هیچگاه غیر خداوند متعال را عبادت نکرده و نمی‌کنیم) پس بر بادبز و بر مسواک و بر چوب عود سجده کنید.

۱۰۴۰- وَ سَأَلَ الْحَلَبِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الْمَرِيضِ هَلْ يَقْضِي الصَّلَوَاتِ إِذَا اُغْمِيَ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: لَا إِلَّا الصَّلَاةَ الَّتِي أَفَاقَ فِيهَا».

۱۰۴۱- وَ كَتَبَ أَيُّوبُ بْنُ نُوحٍ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «يَسْأَلُهُ عَنِ الْمُغْمَى عَلَيْهِ يَوْمًا أَوْ أَكْثَرَ هَلْ يَقْضِي مَافَاتَهُ مِنَ الصَّلَوَاتِ أَمْ لَا؟ فَكَتَبَ لَا يَقْضِي الصَّوْمَ وَلَا يَقْضِي الصَّلَاةَ».

۱۰۴۲- وَ سَأَلَهُ عَلِيُّ بْنُ مَهْزِيَارٍ عَنْ هَذِهِ الْمَسْأَلَةِ فَقَالَ: «لَا يَقْضِي الصَّوْمَ وَلَا الصَّلَاةَ وَ كُلُّ مَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَأَلَّهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ».

فَأَمَّا الْأَخْبَارُ الَّتِي رُوِيََتْ فِي الْمَغْمَى عَلَيْهِ أَنَّهُ يَقْضِي جَمِيعَ مَافَاتِهِ، وَمَا

① ۱۰۴۰- حلبی از امام صادق علیه السلام درباره شخص بیمار سؤال کرد: بیماری که بیهوش بود، آیا نمازهایش را که در حالت اغما کرده یا از او فوت شده قضاء میکند؟ آنحضرت فرمود: خیر قضا نمیکند مگر نمازی را که در وقت آن بیهوش آمده است.

② ۱۰۴۱- ایوب بن نوح به امام هادی علیه السلام عریضه نوشت و از آن حضرت سؤال کرد درباره کسیکه یک روز یا بیشتر در حالت بیهوشی بسر برده آیا نمازهایی را که از او فوت شده قضا می کند یا نه؟ آنحضرت در پاسخ او نوشت: قضا نمیکند نه روزه اش را و نه نمازهایش را.

③ ۱۰۴۲- و علی بن مهزیار نیز درباره همین مسأله از آنحضرت سؤال کرد و آنحضرت در پاسخ فرمود: شخص مغمى عليه نه روزه را قضا می کند و نه نماز را، و نیز در تمامی مواردی که خداوند عارضه ای را بر بنده مسلط ساخته و او را بی اراده و اختیار گردانیده خود به پذیرفتن عذر او سزاوارتر از هر کسی است. (یعنی در مواردی که خداوند متعال علی را بر بنده ای عارض ساخته و به سبب آن عارضه بنده از انجام تکلیف عاجز باشد خداوند خود سزاوارتر از هر کس دیگری است که او را از ادای تکلیف معاف دارد).

و اما اخباری که در مورد مغمى عليه (بیهوش و بی اراده) روایت کرده اند و اشاره و اشعار دارد بر اینکه همه نمازهایی را که از او فوت شده باید قضا کند، و نیز

رُوی أَنَّهُ یَقْضِی صَلَاةَ شَهْرِ، وَمَا رُوی أَنَّهُ یَقْضِی صَلَاةَ ثَلَاثَةِ آیَاتٍ، فَهِيَ صَحِیْحَةٌ وَلَکِنَّهَا عَلَی الاسْتِحْبَابِ لَا عَلَی الْإِجْبَابِ وَالْأَصْلُ أَنَّهُ لَا قَضَاءَ عَلَیْهِ.

۱۰۴۳- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَیْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «صَاحِبُ الْبَيْتِ الْغَالِبِ یَتَوَضَّأُ وَ یَبْنِیْ عَلَی صَلَاتِهِ».

۱۰۴۴- وَقَالَ مُرَازِمُ بْنُ حُکَیمٍ الْأَزْدِیُّ «مَرِضْتُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ لَمْ أَتَقَنَّ فِیْهَا فَقُلْتُ ذَلِکَ لِأَبِی عَبْدِ اللَّهِ عَلَیْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: لَیْسَ عَلَیْكَ قَضَاءٌ إِنْ الْمَرِیضُ لَیْسَ کَالصَّحِیحِ کُلَّمَا غَلَبَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَیْهِ فَاللهُ أَوْلَى بِالْعُذْرِ».

۱۰۴۵- وَ سَأَلَ عَلِیُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَیْهِمَا السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ هَلْ یَضِلُّ لَهُ أَنْ یَسْتَنِدَ إِلَى حَائِطِ الْمَسْجِدِ وَهُوَ یُصَلِّی أَوْ یَضَعُ يَدَهُ عَلَی الْحَائِطِ وَهُوَ قَائِمٌ مِنْ غَیْرِ مَرَضٍ وَلَا عِلَّةٍ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ، وَ عَنِ الرَّجُلِ یَكُونُ فِی

آنچه منقول است که نمازهای یکماه را قضا میکند، و همچنین آنچه مروی است که نماز سه روز را قضا میکند، همه اینها صحیح است، لکن جملگی محمول بر استحباب است نه وجوب، و اصل اینست که قضا بر او نیست.

① ۱۰۴۳- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: کسی که مبتلا به اسهال باشد (یا باصطلاح عامیانه شکم روشن داشته باشد، و یا به تعبیر بعضی کسی که مبتلا به ضعف دستگاو گوارشی و معدی باشد و بی اختیار از او بادی صادر شود) و در اثنای نماز این علت بر او غالب شود، وضو می سازد و باز می گردد و نماز را از همانجا که قطع شده ادامه می دهد.

② ۱۰۴۴- از مُرَازِمُ بْنُ حُکَیمٍ از دی روایت کرده اند که گفت: من چهار ماه بیمار بودم و در این مدت نافله نمی خواندم، این موضوع را به امام صادق علیه السلام عرض کردم، آنحضرت فرمود: قضای آن بر تو لازم نیست، همانا وضع بیمار مانند شخص تندرست نیست. و هر چه از امراض و بلاها را که خداوند تعالی بر چنین شخصی وارد سازد، پس خداوند خود اولی به قبول عذر است.

③ ۱۰۴۵- عَلِیُّ بْنُ جَعْفَرٍ از برادر خود موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال کرد آیا شخص می تواند در حال نماز به دیوار مسجد تکیه دهد، یا وقتی بنماز ایستاده

صَلَاةٍ قَرِيبَةٍ فَيَقُومُ فِي الرَّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ هَلْ يَصْلُحُ لَهُ أَنْ يَتَنَاوَلَ جَانِبَ الْمَسْجِدِ فَيَنْهَضَ يَسْتَعِينُ بِهِ عَلَى الْقِيَامِ مِنْ غَيْرِ ضَعْفٍ وَلَا عِلَّةٍ؟ قَالُوا: لَا بَأْسَ بِهِ.

۱۰۴۶ - وَقَالَ حَمَّادُ بْنُ عُمَانَ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَدْ اشْتَدَّ

عَلَيَّ الْقِيَامُ فِي الصَّلَاةِ، قَالُوا: إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُدْرِكَ صَلَاةَ الْقَائِمِ فَأَقْرَأْ وَأَنْتَ جَالِسٌ فَإِذَا بَقِيَ مِنَ السُّورَةِ آيَاتٍ قُمْ وَأَيِّمَ مَا بَقِيَ وَارْكَعْ وَاسْجُدْ فَذَلِكَ صَلَاةُ الْقَائِمِ».

۱۰۴۷ - وَسَأَلَ سَهْلُ بْنُ الْبَيْسِ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ

يُصَلِّي النَافِلَةَ قَاعِدًا وَلَيْسَتْ بِهِ عِلَّةٌ فِي سَفَرٍ أَوْ حَضَرٍ، قَالُوا: لَا بَأْسَ بِهِ».

۱۰۴۸ - وَقَالَ أَبُو بَصِيرٍ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّا نَتَحَدَّثُ

وَنَقُولُ: مَنْ صَلَّى وَهُوَ جَالِسٌ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ كَانَتْ صَلَاتُهُ رَكْعَتَيْنِ بِرَكْعَةٍ وَسَجْدَتَيْنِ

دست خود را بر دیوار نهد، بدون اینکه مریض باشد و یا علتی اقتضای اینکار را کند؟ آنحضرت فرمود: اشکالی ندارد، و نیز سؤال کرد در مورد شخصی که در نماز واجب باشد و در دو رکعت اول بخواند برخیزد، آیا می تواند دست خود را به دیوار مسجد بگیرد و یکمک آن از جا برخیزد، بدون اینکه او را ضعف عارض شده و یا علتی در کار باشد؟ آنحضرت فرمود: اشکالی ندارد.

① ۱۰۴۶ - حَمَّادُ بْنُ عُمَانَ گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: بر پا ایستادن در نماز برایم دشوار شده است، فرمود: هرگاه خواستی ثواب نماز ایستاده یابی (با وجود اینکه نماز نشسته میخوانی) در اینصورت قراءت را نشسته بخوان، و وقتی از سوره دو آیه باقی مانده برخیز و آن دو آیه را بخوان و سوره را تمام کن و رکوع و سجود را بجا آور که این نماز ایستاده باشد.

② ۱۰۴۷ - سَهْلُ بْنُ الْبَيْسِ از امام کاظم علیه السلام سؤال کرد در مورد شخصی که نافله را نشسته میخواند بدون قلائی در سفر یا در حضر، آنحضرت فرمود: اشکالی ندارد.

③ ۱۰۴۸ - أَبُو بَصِيرٍ گوید: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: ما سخن میگوئیم و اعتقاد داریم هر کس بدون علت نشسته نماز کند هر دو رکعت نماز او یک رکعت محسوب میشود، و هر دو سجده یک سجده، آیا همینطور است؟ آنحضرت

يَسْجُدُ؟ فَقَالَ: لَيْسَ هُوَ هَكَذَا هِيَ تَامَةٌ لَكُمْ».

۱۰۴۹- وَ رُوِيَ عَنْ حُمْرَانَ بْنِ أَغْيَنَ، عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا صَلَّى جَالِسًا تَرَبَّعَ فَإِذَا رَكَعَ ثَنَى رِجْلَيْهِ».

۱۰۵۰- وَ رَوَى مُعَاوِيَةُ بْنُ مَيْسَرَةَ أَنَّهُ «سَأَلَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيُّصَلِّي الرَّجُلُ وَهُوَ جَالِسٌ مُتَرَبِّعٌ وَمَبْسُوطُ الرَّجْلَيْنِ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ».

۱۰۵۱- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي الصَّلَاةِ فِي التَّحْمِيلِ صَلَاتُ مُتَرَبِّعًا وَمَنْدُودَ الرَّجْلَيْنِ وَكَيْفَ مَا أَمَكَّنَكَ».

۱۰۵۲- وَ رُوِيَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي زِيَادٍ الْكَرْخِيِّ أَنَّهُ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي- عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ شَيْخٌ كَبِيرٌ لَا يَسْتَطِيعُ الْقِيَامَ إِلَى الْخَلَاءِ لِيُصَغِّفَهُ وَلَا يُمَكِّنُهُ

فرمود: اینچنین نیست بلکه برای شما (شیعیان) آن نماز تمام محسوب می شود، یعنی نماز نشسته شما بجای ایستاده محسوب است.

شرح: «ممکن است مراد از شما شیعیان اهل بیت علیهم السلام نباشد بلکه محتملاً شما ضعیفان و کهن سالان باشد، مراد از علت نیز بیماری باشد».

① ۱۰۴۹- از حمران بن اُغین روایت کرده اند که او از یکی از دو امام (یعنی امام باقر یا صادق) علیهما السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود: هرگاه پدرم نشسته نماز میخواند چهارزانو می نشست، و چون به رکوع میرفت پاهای خود را کج میکرد (یا دوزانو می نشست).

② ۱۰۵۰- معاویه بن مَیسَرَة روایت کرده است که از امام صادق علیه السلام پرسیده: آیا شخص می تواند در حالیکه چهارزانو نشسته و پاهایش را دراز کرده (یا از هم گشوده) نماز بخواند؟ آنحضرت فرمود: اشکالی ندارد.

③ ۱۰۵۱- امام صادق علیه السلام درباره نماز در کجاوه (سایبانی که بر روی شتر یا چهار پا می بندند) و مانند آن فرمود: چهارزانو و یا در حالتی که پاها را دراز کرده ای و یا بهر صورت دیگری که برایت میسر است نماز را بجا آور.

④ ۱۰۵۲- از ابراهیم بن ابی زیاد کرخی روایت کرده اند که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: شخصی که بسیار پیر و فرتوت شده و از شدت

الرُّكُوعُ وَالسُّجُودُ فَقَالَ: لِيَوْمٍ يَرَأِيهِ إِيْمَاءٌ، وَإِنْ كَانَ لَهُ مَنْ يَرْفَعُ إِلَيْهِ الْحُمْرَةَ فَلْيَسْجُدْ، فَإِنْ لَمْ يُمْكِنْ ذَلِكَ فَلْيَوْمٍ يَرَأِيهِ نَحْوَ الْقِيَلَةِ إِيْمَاءٌ، قُلْتُ: فَالصَّيَامُ؟ قَالَ: إِذَا كَانَ فِي ذَلِكَ الْحَدِّ فَقَدْ وَضَعَ اللَّهُ عَنَّهُ، فَإِنْ كَانَ لَهُ مَقْدِرَةٌ فَصَدَقَهُ مُدٌّ مِنَ الطَّعَامِ يَدُلُّ كُلُّ يَوْمٍ أَحَبَّ إِلَيَّ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ يَسَارُ [ذَلِكَ] فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ».

۱۰۵۳ - وَ سَأَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سُلَيْمَانَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَأْخُذُهُ الرُّعَافُ فِي الصَّلَاةِ وَلَا يَزِيدُ عَلَى أَنْ يَسْتَشْفِفَهُ أَيْجُوزُ ذَلِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ».

۱۰۵۴ - وَ رَوَى بَكِيرُ بْنُ أَعْيَنَ «أَنَّ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَأَى رَجُلًا رَعِيفَ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ وَأَدْخَلَ يَدَهُ فِي أَثْنَيْهِ فَأَخْرَجَ قِطْعًا فَأَشَارَ إِلَيْهِ بِيَدِهِ أَفْرَكُهُ بِيَدِكَ وَصَلَّ».

ناتوانی و مستی نمی تواند به مستراح رود و قادر به انجام رکوع و سجود هم نیست، چه کند؟ آنحضرت فرمود: برای رکوع و سجود باید با سر خود اشاره کند، و اگر کسی را داشته باشد که سجاده یا مهر را برایش بلند کند بر آن سجده کند، و اگر چنین کسی نباشد با سر خود بسوی قبله اشاره کند. عرض کردم: برای روزه چه کند؟ فرمود: اگر شخص باین درجه از ناتوانی برسد که خداوند تکلیف روزه را از او ساقط کرده است حال اگر می تواند بجای هر روز یک مُد طعام تصدق کند اینکار نزد من خوشتر است، و اگر نمی تواند یا بآسانی برایش امکان ندارد تکلیفی بر عهده او نیست.

① ۱۰۵۳ - عبدالله بن سلیمان از امام صادق علیه السلام پرسید: هرگاه در میان نماز از بینی کسی خون جاری شود، و او نتواند کاری بیش از اینکه پنبه در بینی خود گذارد انجام دهد آیا اینکار جایز است؟ آنحضرت فرمود: آری.

② ۱۰۵۴ - بکیر بن أعین روایت کرده است که امام باقر علیه السلام مردی را دید که از بینی خود خون آورد یعنی در حالیکه مشغول نماز بود دست خود را در بینی اش کرده و خون از آن بیرون آورد، آنحضرت با دست خود اشاره فرمود که با دستت خون را خشک کن (یا با مالیدن دست بجامه یا بدست دیگر) و نمازت را ادامه بده. (این خبر را حمل کرده اند به زمانی که مقدار خون مجموعاً کمتر از اندازه یک درهم باشد).

۱۰۵۵- وَ سَأَلَ لَيْثُ الْمُرَادِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَرْغَفُ زَوَالَ الشَّمْسِ حَتَّى يَذْهَبَ اللَّيْلُ، قَالَ: يُؤْمِي إِمَاءٌ بِرَأْسِهِ عَنْ كُلِّ صَلَاةٍ».

۱۰۵۶- وَ رَوَى عُمَرُ بْنُ أُذَيْنَةَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سَأَلَهُ «عَنِ الرَّجُلِ يَرْغَفُ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ وَقَدْ صَلَّى بَعْضَ صَلَاتِهِ، فَقَالَ: إِنْ كَانَ الْمَاءُ عَنْ يَمِينِهِ أَوْ عَنْ شِمَالِهِ أَوْ عَنْ خَلْفِهِ فَلْيَغْسِلْهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يُلْتَفِتَ وَلْيَبْنِ عَلَى صَلَاتِهِ، فَإِنْ لَمْ يَجِدِ الْمَاءَ حَتَّى يُلْتَفِتَ فَلْيُعِدِّ الصَّلَاةَ، قَالَ: وَالْقِيَاءُ مِثْلُ ذَلِكَ».

۱۰۵۷- وَ فِي رِوَايَةِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «إِنْ تَكَلَّمْتَ أَوْ صَرَفْتَ وَجْهَكَ عَنِ الْقِبْلَةِ فَأَعِدِّ الصَّلَاةَ».

۱۰۵۸- وَ قَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: «أَسْمَعُ الْعَطْسَةَ فَأُحْمَدُ اللَّهَ تَعَالَى وَأُصَلِّي عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَأَنَا فِي الصَّلَاةِ؟ قَالَ: نَعَمْ، وَإِنْ كَانَ بَيْنَكَ وَبَيْنَ

﴿۱﴾ ۱۰۵۵- لَيْث مرادی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: هرگاه شخصی از وقت نماز پیشین خون از بینی اش روان شود و خون بند نیاید تا بیشتر شب درگذرد چه کند؟ فرمود: برای رکوع و سجود با سر خود اشاره کند در تمام نمازها.

﴿۲﴾ ۱۰۵۶- وعمر بن اذینه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که از آنحضرت پرسید: هرگاه در هنگام نماز خون از بینی کسی جاری شود در حالیکه بخشی از نمازش را خوانده است چه باید بکند؟ آنحضرت فرمود: اگر آب در سمت راست او یا چپ او یا پشت سرش باشد بدون اینکه روی از قبله بگرداند بینی خود را بشوید و نماز را از همانجا که قطع کرده ادامه دهد و تمام کند، ولی اگر آب پیدا نشود مگر اینکه روی از قبله بگرداند در اینصورت نماز را اعاده کند، و بعد فرمود: قی نیز همین حکم را دارد.

﴿۳﴾ ۱۰۵۷- در روایت ابی بصیر از آنحضرت آمده است: هرگاه در میان نماز سخنی گفتی یا رویت را از قبله گردانیدی پس نماز را اعاده کن.

﴿۴﴾ ۱۰۵۸- ابوبصیر به امام صادق علیه السلام عرض کرد: گاه در حالیکه نماز میخوانم می شنوم که کسی عطسه میکند، و من خداوند تعالی را حمد می گویم و بر پیامبر صلوات می فرستم، اینکار درست است؟ آنحضرت فرمود: بلی خوبست، اینکار را

صَاحِبُكَ الَّتِي.»

۱۰۵۹- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْأَعْمَى إِذَا صَلَّى لِغَيْرِ الْقِبْلَةِ فَإِنْ كَانَ فِي وَقْتٍ فَلْيُعِدُّ، وَإِنْ كَانَ قَدْ مَضَى الْوَقْتُ فَلَا يُعِدُّ.»

۱۰۶۰- وَرَوَى عَنِ الْفَضْلِ بْنِ يَسَارٍ أَنَّهُ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَكُونُ فِي الصَّلَاةِ فَأُجِدُ غَمَزاً فِي بَطْنِي أَوْ أَرَأَ أَوْ ضَرْبَاناً، فَقَالَ: انْصَرِفْ وَتَوَضَّأْ وَابْنِ عَلَى مَا مَضَى مِنْ صَلَاتِكَ مَا لَمْ تَنْقُضِ الصَّلَاةَ بِالْكَلَامِ مُتَعَمِّداً، فَإِنْ تَكَلَّمْتَ نَاسِياً فَلَا شَيْءَ عَلَيْكَ وَهُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ تَكَلَّمَ فِي الصَّلَاةِ نَاسِياً، قُلْتُ: وَإِنْ قَلَبَ وَجْهَهُ عَنِ الْقِبْلَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ وَإِنْ قَلَبَ وَجْهَهُ عَنِ الْقِبْلَةِ.»

بکن هر چند میان تو و عطسه کننده دریائی فاصله باشد.

۱۰۵۹- و نیز آنحضرت فرمود: شخص کور و نابینا اگر روی به غیر قبله نماز کند (یعنی نماز کند و بعد معلوم شود رو به قبله نبوده) چنانچه وقت هنوز باقی است نماز را اعاده کند، و اگر وقت گذشته اعاده نمی‌کند.

۱۰۶۰- از فضیل بن یسار روایت کرده‌اند که گفت: به امام باقر علیه السلام عرض کردم: گاهی که در نماز هستم در شکم خود پیچش باد و سرو صدا یا قرقری حس می‌کنم، چه کنم؟ آنحضرت فرمود: برگرد و وضو بگیر و نماز را از آنجا که رها کرده‌ای ادامه بده بشرط اینکه نماز را با سخن گفتن عمدی باطل نکنی، و اگر از روی سهو و فراموشی سخن گفتی چیزی بر تو نیست و این بمنزله کسی است که از روی فراموشی در نماز سخنی بگوید، عرض کردم: هر چند چنین کسی روی از قبله بگرداند؟ فرمود: آری، اگر چه روی از قبله هم بگرداند.

شرح: «ظاهراً امام علیه السلام از بازگشتن از قضاء حاجت به لفظ «برگرد و وضو بساز» تعبیر فرموده‌اند، چنانکه چنین تعبیری شایع است، و الا بر تقدیر قبول این حکم لازم می‌آید که صرفاً شنیدن صدا از شکم موجب بطلان وضو باشد، و بدنبال قبول فرض اخیر لاجرم لازم می‌آید که ناقض نماز نیز باشد. و دور نیست مراد مواردی باشد که شدت هیجان و حرکت باد در شکم منتهی بخروج غیرارادی آن از شخص گردد، والله تعالی یعلم، و نیز در طریق صدوق به فضیل بن یسار علی بن حسین

- ۱۰۶۱- وَ سَأَلَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَجَّاجِ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الْفَغْرِ يُصِيبُ الرَّجُلَ فِي بَطْنِهِ وَهُوَ يَسْتَطِيعُ أَنْ يَصْبِرَ عَلَيْهِ أَيْصَلِّيَ عَلَى تِلْكَ الْحَالَةِ أَمْ لَا يُصَلِّي؟ فَقَالَ: إِنْ اخْتَمَلَ الصَّبْرَ وَلَمْ يَخَفْ إِعْجَالاً عَنِ الصَّلَاةِ فَلْيُصَلِّ وَلْيَصْبِرْ».
- ۱۰۶۲- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا يَنْقُطُ التَّبَسُّمُ الصَّلَاةَ وَلا يَنْقُطُهَا الْقَهْقَهَةُ وَلا تَنْقُصُ الْوُضُوءُ».

سعدآبادی قرار دارد که توثیق نشده، لکن شیخ الطائفه در تهذیب همین روایت را بسند صحیح نقل کرده است، فلذا بعضی از فقها قائل هستند که در چنین حالتی باید بنا را بر آنچه از نماز خوانده شده گذاشت. همچنین در مورد روی گردانیدن از قبله (همچنانکه قبلاً احکام آن گذشت) ظاهراً در اینجا نیز محمول بر زمانی است که رو بجانب راست و چپ بگردد، وگرنه چنانچه التفات فاحش باشد و روبه پشت سر بگردد یا نماز گزار بدن را کاملاً از قبله بگرداند نماز باطل میگردد. چنانکه در صحیح زراره منقول است که امام باقر علیه السلام فرمود: التفات هرگاه بجمیع بدن باشد نماز را قطع می کند. البته ظاهر اخبار مربوط به رو کردن به پشت اینست که شخص نماز گزار روی خود را بجانب چپ و راست کند بنحوی که بتواند پشت سر را ببیند، نه اینکه روی او محاذی پشت شود یعنی بدون اینکه بدن بچرخد، که این فرض عملاً نادر الوقوع است».

⑤ ۱۰۶۱- عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ حَجَّاجٍ از امام موسی کاظم علیه السلام پرسید: هرگاه شخص در شکم خود احساس پیچش میکند ولی می تواند خودداری کند (یعنی بدون اینکه حَدَثٌ از او سر بزنند بنماز ادامه دهد)، آیا با همان حال نماز میخواند یا نباید با چنان حالت نماز بخواند؟ آنحضرت در پاسخ فرمود: اگر می تواند با آن حال خویشنداری کند و بیم آن نداشته باشد که موجب شتاب و تعجیل در نماز شود باید نماز کند و صبر و خودداری ورزد.

⑥ ۱۰۶۲- امام صادق علیه السلام فرمود: تبسم و لبخند زدن نماز را قطع نمی کند، ولی قهقهه و خنده صدا دار نماز را قطع می کند بدون اینکه وضو را باطل سازد. شرح: «ظاهراً تصریح به باطل نشدن وضو در اثر قهقهه بدلیل اینست که پاره ای از علمای عامه آنرا موجب بطلان وضو میدانند».

(بَابُ التَّسْلِيمِ عَلَى الْمُصَلِّي)

١٠٦٣ - سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يُسَلِّمُ عَلَى الْقَوْمِ فِي الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: إِذَا سَلَّمَ عَلَيْكَ مُسْلِمٌ وَأَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ تَقُولُ: «السَّلَامُ عَلَيْكَ» وَأَشِيرَ بِإِصْبَعِكَ».

١٠٦٤ - وَسَأَلَ عَمَّارُ السَّابَّاطِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ التَّسْلِيمِ عَلَى الْمُصَلِّي فَقَالَ: إِذَا سَلَّمَ عَلَيْكَ رَجُلٌ مِنَ الْمُسْلِمِينَ وَأَنْتَ فِي الصَّلَاةِ فَرُدَّ عَلَيْهِ فِيمَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ نَفْسِكَ وَلَا تَرْفَعْ صَوْتَكَ».

{بَابُ /
/ (سلام کردن بر نمازگزار) *} {

١٠٦٣ - محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام سؤال کرد: آیا شخص می تواند بر جمعی که در حال نماز هستند سلام کند؟ آنحضرت فرمود: هرگاه مسلمانی بر تو سلام کرد در حالیکه تو در نماز بودی. پس باو سلام کن و چنین میگوئی: «السَّلَامُ عَلَيْكَ» یعنی رحمت الهی و سلامت بر تو باد، و با انگشت خود باو اشاره کن. (که بفهمد جواب او را داده ای).

١٠٦٤ - عمار سباطی از امام صادق علیه السلام در مورد سلام کردن بر نمازگزار سؤال کرد، آنحضرت فرمود: هرگاه کسی از مسلمانان بر تو سلام کرد و تو در نماز بودی باو جواب بده بنحوی که خود تو و او آنرا بفهمید یعنی آهسته جواب بده، و صدايت را بلند نکن.

شرح: «مراد از آهسته گفتن جواب سلام اینست که منافق وضع و حال نمازگزار نباشد، و از این خبر چنین ظاهر می شود که واجب است جواب سلام را آهسته بگویند و این مطلب را حل بر تقیه کرده اند، زیرا اخبار دیگری که در این خصوص وارد شده جواب سلام گفتن را بطور مطلق واجب اعلام می کند، لکن جمعی از علمای اهل تسنن جواب سلام را در نماز جایز نمیدانند، و پاره ای نیز قائلند که به اشاره باید جواب داد، لذا آهسته جواب دادن و اشاره با انگشت (که در حدیث قبل گذشت) بعید نیست با توجه باین ملاحظات و بر سبیل تقیه بوده باشد، چنانکه در

۱۰۶۵- وَ رَوَى عَنْهُ مَنصُورُ بْنُ حَازِمٍ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا سَلِمَ عَلَى الرَّجُلِ وَهُوَ يُصَلِّي يَرُدُّ عَلَيْهِ خَفِيًّا كَمَا قَالَ».

۱۰۶۶- وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «سَلَّمَ عَمَارٌ عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَرَدَّ عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ السَّلَامَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

* (بَابُ الْمُصَلِّي تَعْرِضُ لَهُ السِّبَاغُ وَالْهَوَامُّ فَيَقْتُلُهَا) *

۱۰۶۷- سَأَلَ الْحُسَيْنُ بْنُ أَبِي الْعَلَاءِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَرَى الْحَيَّةَ وَالْعَقْرَبَ وَهُوَ يُصَلِّي قَالَ: يَقْتُلُهُمَا».

۱۰۶۸- وَ سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ تُؤْذِيهِ الذَّابَّةُ وَهُوَ يُصَلِّي؟ قَالَ: يُلْقِيهَا عَنْهُ إِنْ شَاءَ أَوْ يَدْفِنُهَا فِي الْحَصَى».

مواقعی که خوف توجه ضرری در میان نیست یعنی در غیر مورد تقیه احوط آنست که جواب را بگوش سلام کننده برسانند.

① ۱۰۶۵- و منصور بن حازم از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) روایت کرده که فرمود: هرگاه کسی سلام کند بر شخصی که مشغول نماز است، جواب سلام او را آهسته میگوید، همان نحو که او سلام کرده است.

② ۱۰۶۶- امام باقر علیه السلام فرمود: عمار یاسر بر رسول خدا صلی الله علیه و آله در حالیکه نماز میخواند سلام کرد، و آنحضرت باو جواب سلام داد، آنگاه امام باقر علیه السلام فرمود: همانا سلام اسمی از اسماء خداوند عز و جل است.

* (بَابُ نَمَازِ گَزَارِیْکِه دَرِنْدِ گَان وَ حَشْرَات وَ گَزِنْدِ گَان) *

⑤ (بِرَاوِ حَمْلَه کَتَنَد وَاوَانْهَا رَا بَکُشَد) ⑤

⑥ ۱۰۶۷- حسین بن ابی العلاء از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: هرگاه شخص مار و عقرب را ببیند و در نماز باشد تکلیف او چیست؟ آنحضرت فرمود: آنها را می کشد، یا می تواند آنها را بکشد.

⑦ ۱۰۶۸- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام پرسید: شخصی که مشغول

۱۰۶۹- وَ سَأَلَ الْحَلَبِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَخْتَكُّ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ قَالَ: لَا بَأْسَ».

۱۰۷۰- وَ سَأَلَهُ «عَنِ الرَّجُلِ يَقْتُلُ الْبَقَّةَ وَ الْبُرْغُوثَ وَ الْقَمَلَةَ وَ الدُّبَابَ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ أَيْتَقُضُ ذَلِكَ صَلَاتُهُ وَ وُضُوْعُهُ؟ قَالَ: لَا».

۱۰۷۱- وَ سَأَلَهُ سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ «عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةِ قَائِمًا فَيَنْسِي كَيْسَهُ أَوْ مَتَاعَهُ يَخَافُ ضَيْعَتَهُ أَوْ هَلَاكَهُ؟ قَالَ: يَقْطَعُ صَلَاتَهُ وَ يَخْرُزُ مَتَاعَهُ، قَالَ: قُلْتُ: فَتَقْلَعُ عَلَيْهِ دَابَّتَهُ فَيَخَافُ أَنْ تَذْهَبَ أَوْ يُصِيبَهُ فِيهَا غَنَّتُ

نماز است و جنبنده ای (حشرات مانند شپش و کک و کنه و امثال آنها) او را آزار میدهد چه کند؟ آنحضرت فرمود: اگر بخواهد او را فرو میاندازد یا آنرا در میان سنگریزه دفن میکند.

شرح: «عبارت دفن میکند نشانه آنست که مراد از جنبنده فقط شپش است و مؤید این سخن اخبار دیگری است که از جمله خبر صحیح أبان از محمد بن مسلم که گفت: امام باقر علیه السلام هرگاه شپشی در مسجد می دید آنرا در سنگریزه دفن میفرمود: همچنین در صحیح عبدالله بن سنان نقل شده که امام صادق علیه السلام فرمود: اگر در میان نماز شپشی یافتی آنرا در سنگریزه دفن کن، و اخباری دیگر مشعر بر اینکه شپش را باید در سنگریزه دفن کرد».

⑤ ۱۰۶۹- حلبی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: هرگاه شخص در میان نماز بدنش خارش پیدا کند و او بخاراند اشکالی دارد؟ آنحضرت فرمود: باکی نیست.

⑥ ۱۰۷۰- و باز از آنحضرت پرسید: شخصی که مشغول نماز است و پشه و کک و شپش و مگس را در آن حال می کشد آیا اینها نمازش را باطل می سازد؟ و یا وضویش را می شکند؟ آنحضرت فرمود: نه.

⑦ ۱۰۷۱- سماعة بن مهران از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) پرسید: هرگاه شخصی که به نماز واجب ایستاده بخاطرش برسد که کیسه خود را جانی گذاشته یا کالایش را فراموش کرده است بردارد، و می ترسد اگر نماز را تمام کند و بدنبالش رود دزد آنرا برده و یا از بین رفته باشد چه کند؟ آنحضرت فرمود: نمازش را

فَقَالَ: لَا بَأْسَ أَنْ يَقْطَعَ صَلَاتُهُ وَيَحْرُزَ وَيُعُودَ إِلَى صَلَاتِهِ».

۱۰۷۲- وَ سَأَلَهُ عَمَّارُ السَّابَّاطِيُّ «عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي الصَّلَاةِ فَيَرَى حَيَّةً

بِحَيَالِهِ هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَتَأَوَّلَهَا وَيَقْتُلَهَا؟ قَالَ: إِنْ كَانَ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ خُطْوَةٌ وَاحِدَةٌ فَلْيَحْطُ وَيَقْتُلْهَا وَإِلَّا فَلَا».

۱۰۷۳- وَ رَوَى حَرِيزٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا كُنْتَ فِي

صَلَاةِ الْفَرِيضَةِ فَرَأَيْتَ غُلَامًا لَكَ قَدْ أَبَقَ، أَوْ غَرَمًا لَكَ عَلَيْهِ مَاءٌ، أَوْ حَيَّةً تَتَخَوَّفُهَا عَلَى نَفْسِكَ فَأَقْطَعْ الصَّلَاةَ وَاتَّبِعْ غُلَامَكَ أَوْ غَرِيمَكَ وَاقْتُلِ الْحَيَّةَ».

قطع کرده و متاع خود را به چنگ میآورد، راوی گوید: گفتم: اگر چهار پای او در میان نماز بجهد و او بترسد که حیوان برود و نتواند پس از نماز باو برسد یا در گرفتنش دچار زحمت بسیار شود چه کند؟ آنحضرت فرمود: اشکالی ندارد که نمازش را قطع کند و حیوان را بگیرد و باز به سر نماز خود برگردد.

۱۰۷۲- عَمَّارُ سَابَّاطِيُّ از آنحضرت (امام باقر علیه السلام) سؤال کرد: اگر شخص مشغول نماز باشد و ماری را در نزدیکی یا دور و بر خود ببیند آیا جایز است آنرا بگیرد و بکشد؟ آنحضرت فرمود: اگر میان مار و او یک گام فاصله باشد گام بردارد و او را بکشد در غیر این صورت نه.

شرح: «این حدیث را حمل کرده اند بر زمانی که خوف ضرر رسانیدن مار نباشد یا در صورتی که خوف باشد چون گرفتن و کشتن آن فعل کثیری می شود نماز را قطع کند و این کار را انجام دهد».

۱۰۷۳- حَرِيزٌ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هرگاه در نماز واجب باشی و ببینی که غلامت گریخت، یا بدهکاری را ببینی که مالی از او طلب داری و ممکن است بگیرد، و یا ماری را ببینی که بترسی مبادا تو را آسیب رساند در این صورتها نماز را قطع کن و بدنبال غلامت یا از پی بدهکارت برو، و مار را بکش.

شرح: «در پایان باب یادآور می شود که در اخبار این باب خبری که متضمن حکم مربوط به سباع (درندگان) باشد نیامده بود، در حالیکه عنوان باب درندگان و گزندگانی بود که نمازگزار دچار آنها می شود، ظاهراً سهوی از ناحیه نسخ

* (بَابُ الْمُصَلِّي يُرِيدُ الْحَاجَةَ) *

۱۰۷۴- رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْقُوبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي الرَّجُلِ يُرِيدُ الْحَاجَةَ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ، فَقَالَ: يُؤْمِي بِرَأْسِهِ وَيُشِيرُ بِيَدِهِ، وَالْمَرْأَةُ إِذَا أَرَادَتْ الْحَاجَةَ تَصْفِقُ».

۱۰۷۵- وَرَوَى الْحَلْبِيُّ أَنَّهُ سَأَلَهُ «عَنِ الرَّجُلِ يُرِيدُ الْحَاجَةَ وَهُوَ يُصَلِّي، فَقَالَ: يُؤْمِي بِرَأْسِهِ وَيُشِيرُ بِيَدِهِ وَيُسَبِّحُ، وَالْمَرْأَةُ إِذَا أَرَادَتْ الْحَاجَةَ وَهِيَ تُصَلِّي تَصْفِقُ بِيَدَيْهَا».

۱۰۷۶- وَسَأَلَهُ حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ «أَيُّومِي الرَّجُلُ فِي الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ قَدْ أَوْمَأَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلُهُ فِي مَسْجِدٍ مِنْ مَسَاجِدِ الْأَنْصَارِ بِمِخْجَنِ كَانَ مَقَعَهُ

یا در تبویب یا از جهت دیگر صورت گرفته باشد».

باب ۱۲

* (در بیان اینکه اگر نمازگزار را کاری پیش آید چه باید بکند) *

① ۱۰۷۴- عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْقُوبٍ عَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتٌ كَرَدَهُ أَنَّ أَحْضَرَتَ فِي مَوْجِدٍ كَسَى كَهْ مَشْغُولٌ نَمَازٌ بَاشَدُ وَ كَارِي بِرَاشِشِ پِشِ آید وَ بَخَوَاهدِ دِیْگَرِی رَا آگَاهِ كَندِ فَرَمُود: بَا سَرِ وَ دَسْتِ خُودِ اِیْمَاءِ وَ اِشَارَه مِیكُند وَ اِگَر زَن رَا كَارِي دَر نَمَازِ پِشِ آید دَسْتِها رَا بَر هَم مِیزنَد.

② ۱۰۷۵- وَحَلْبِيُّ رَوَايَتٌ كَرَدَهُ أَنَّ أَحْضَرَتَ پَرَسِیدَه: هَر گَاهِ مَرْدِی رَا دَر حَالِیكَه نَمَاز مِیخوانَد كَارِي پِشِ آید چَه بَایَدِ بَكُند؟ أَحْضَرَتَ فَرَمُود: بَا سَرِ وَ دَسْتِ اِشَارَه كَند وَ تَسْبِیحِ گُویَد (یعنی مَطْلُوبِ خُودِ رَا بَا اِشَارَه بَه اطْرَاقِیانی كَه بَا صَدایِ تَسْبِیحِ مَتَوَجِّه اَوْ شَدَه اَنْد بَفَهْمَانَد) وَ زَن اِگَر كَارِي دَاشْتَه وَ مَشْغُولِ نَمَاز بَاشَد دَسْتِهاش رَا بَه مِیزنَد.

③ ۱۰۷۶- حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ عَنْ أَحْضَرَتِ سَوَّالٌ كَرَدَ: آیا مَرْد مِی تَوانَد دَر نَمَازِ حَاجَتِ وَ مَقْصُودِش رَا بَا سَرِ اِشَارَه كَند؟ أَحْضَرَتَ فَرَمُود: آری، پِیامِبرِ خُدا صَلَّی اللَّهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ دَر مَسْجِدِی از مَسَاجِدِ اَنْصارِ بَا عَصَا یا چوبِ دَسْتِی سَر كِج (چوگان) خُود كَه بَهْمَرَاهِ دَاشْتِ دَر مِیَانِ نَمَازِ بَشْخْصِی اِشَارَه فَرَمُود، حَنانُ گُویَد: مَن گَمانِ

قَالَ حَنَانٌ: وَلَا أَعْلَمُهُ إِلَّا مَسْجِدَ بَنِي عَبْدِ الْأَشْهَلِ.

۱۰۷۷- وَ سَأَلَهُ عَمَارُ بْنُ مُوسَى «عَنِ الرَّجُلِ يَسْمَعُ صَوْتًا بِالْبَابِ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَيَتَنَحَّنُ لِيَسْمَعَ جَارِيَتَهُ أَوْ أَهْلَهُ لِيَأْتِيَهُ فَيُشِيرَ إِلَيْهَا بِيَدِهِ، لِيُعْلِمَهَا مَنْ بِالْبَابِ لِيَنْظُرَ مَنْ هُوَ، فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، وَعَنِ الرَّجُلِ وَالْمَرْأَةِ يَكُونَانِ فِي الصَّلَاةِ وَيُرِيدَانِ شَيْئًا أَيْجُوزُ لَهُمَا أَنْ يَقُولَا: «سُبْحَانَ اللَّهِ»؟ قَالَ: نَعَمْ وَ يُؤْمِيَا [ن] إِلَى مَا يُرِيدَانِ، وَالْمَرْأَةُ إِذَا أَرَادَتْ شَيْئًا ضَرَبَتْ عَلَى فَخْذَيْهَا وَ هِيَ فِي الصَّلَاةِ».

۱۰۷۸- «وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ بَجِيلٍ أَخُو عَلِيِّ بْنِ بَجِيلٍ قَالَ: «رَأَيْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي فَمَرَّ بِهِ رَجُلٌ وَهُوَ بَيْنَ السَّجْدَتَيْنِ فَرَمَاهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بِخِصَاءٍ فَأَقْبَلَ الرَّجُلُ إِلَيْهِ».

نمی‌کنم مسجدی که امام علیه السلام فرموده جز مسجد بنی عبدالاشهل مسجد دیگری بوده باشد یا بعبارت دیگر گمان دارم آنحضرت فرموده باشد مسجد بنی عبدالاشهل بوده.

۱۰۷۷- عمار بن موسی از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) سؤال کرد: هرگاه شخصی در حال نماز باشد و صدای در خانه را بشنود آنگاه تنحنح کند تا کنیزک او یا خانواده اش این صدا را شنیده و نزد او آیند و او با دست خود اشاره کند و باو بفهماند که بین چه کسی بر در خانه است یا در را می‌زنند، آیا اینکار جایز است؟ آنحضرت فرمود: اشکالی ندارد، و باز از آنحضرت پرسید: مرد یا زن که مشغول نماز باشند و چیزی بخواهند آیا جایز است که بگویند: «سُبْحَانَ اللَّهِ» آنحضرت فرمود: آری، و به هر چه که بخواهند می‌توانند ایما کنند، ولی زن هرگاه در نماز باشد و چیزی بخواهد با دست بر رانهای خود میزند تا متوجه او شوند. (یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ» را بلند بر زبان نیاورد مبادا نامحرمی صدای او را بشنود).

۱۰۷۸- محمد بن بجیل برادر علی بن بجیل روایت کرده گوید: امام صادق علیه السلام را دیدم که مشغول نماز بود، و مردی از مقابل او گذشت در حالیکه آنحضرت در میان دو سجده بود سنگ ریزه‌ای بسوی او پرتاب کرد: و آن مرد متوجه شده بطرف او بازگشت.

۱۰۷۹- وَرَوَى عَنْ أَبِي زَكْرِيَّا الْأَعْمَرِي قَالَ: «رَأَيْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي قَائِمًا وَإِلَى جَانِبِهِ رَجُلٌ كَبِيرٌ يُرِيدُ أَنْ يَقُومَ وَمَعَهُ عَصَا لَهُ فَأَرَادَ أَنْ يَتَنَاوَلَهَا فَأَنَحَظَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ قَائِمٌ فِي صَلَاتِهِ فَنَآوَلَ الرَّجُلُ الْعَصَا ثُمَّ عَادَ إِلَى مَوْضِعِهِ إِلَى صَلَاتِهِ».

۱۰۸۰- وَقَالَ أَبُو حَبِيبٍ نَاجِيَةً لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «إِنَّ لِي رَحَى أَطْلَعَنُ فِيهَا السِّمْسِمَ فَأُقُومُ وَأُصَلِّي وَأَعْلَمُ أَنَّ الْعَلَامَ نَائِمٌ فَأَضْرِبُ الْحَائِظَ لِأَوْقِظَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ أَنْتَ فِي طَاعَةِ رَبِّكَ تَطْلُبُ رِزْقَكَ لَا بَأْسَ».

* (بَابُ آدَبِ الْمَرْأَةِ فِي الصَّلَاةِ) *

لَيْسَ عَلَى الْمَرْأَةِ أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ وَلَا جُمُعَةٌ وَلَا جَمَاعَةٌ.

وَإِذَا قَامَتِ الْمَرْأَةُ فِي صَلَاتِهَا جَمَعَتْ بَيْنَ قَدَمَيْهَا وَلَمْ تُفَرِّجْ بَيْنَهُمَا،

① ۱۰۷۹- از ابی زکریا الأعمری روایت کرده اند که گفت: امام کاظم علیه السلام را دیدم بنماز ایستاده بود، و در کنار او پیرمردی بود که میخواست از زمین برخیزد و عصائی داشت و میخواست آنرا بردارد (و نمی توانست)، پس امام کاظم علیه السلام در حالیکه ایستاده بود و نماز میخواند خم شد و عصا را برداشته به آن پیرمرد داد، آنگاه به نمازش بازگشت (به جایی که نمازش را قطع کرده بود بازگشته و نمازش را ادامه داد).

② ۱۰۸۰- ابوحبیب ناجیه به امام صادق علیه السلام عرض کرد: من آسیائی دارم که در آن کنجد خرد می کنم (یا روغن کشی می کنم) و بسیار است که بنماز شب برمیخیزم و متوجه می شوم که پسرک خوابیده است پس (با دست) بدیوار میزنم تا او را بیدار کنم (و او آسیا را که از گردش بازمانده دوباره بحرکت اندازد) آیا اینکار جایز است؟ آنحضرت فرمود: آری. تو در طاعت پروردگار خود هستی و در پی طلب روزیت هستی اشکالی ندارد.

باب

* (در بیان آدابى که زنان هنگام نماز باید رعایت کنند) *

③ بر زنان اذان و اقامه نماز و جمعه و جماعت نیست، و هنگامیکه زن بنماز

وَوَضَعَتْ يَدَيْهَا عَلَى صَدْرِهَا لِمَكَانِ تَذَاتُهَا، فَإِذَا رَكَعَتْ وَضَعَتْ يَدَيْهَا فَوْقَ رُكْبَتَيْهَا عَلَى فَخِذَيْهَا لِمَلَا تَقَاطَعًا كَثِيرًا فَتَرْتَفِعَ عَجِيزَتُهَا، وَإِذَا أَرَادَتْ السُّجُودَ جَلَسَتْ ثُمَّ سَجَدَتْ لَاطِئَةً بِالْأَرْضِ، وَتَضَعُ ذِرَاعَيْهَا فِي الْأَرْضِ فَإِذَا أَرَادَتْ التَّهَوُّضَ إِلَى الْقِيَامِ رَفَعَتْ رَأْسَهَا مِنَ السُّجُودِ وَجَلَسَتْ عَلَى إِلَيْتَيْهَا لَيْسَ كَمَا يُفْعِلُ الرَّجُلُ، ثُمَّ نَهَضَتْ إِلَى الْقِيَامِ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَرْفَعَ عَجِيزَتَهَا، تَتَسَلَّ أَنْبِلَالًا، وَإِذَا قَعَدَتْ لِلتَّشَهُدِ رَفَعَتْ رِجْلَيْهَا، وَضَعَتْ فَخِذَيْهَا، وَالْحُرَّةُ لَا تُصَلِّي إِلَّا بِقِنَاعٍ، وَالْأَمَةُ تُصَلِّي بِغَيْرِ قِنَاعٍ.

۱۰۸۱- وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الْمَرْأَةُ

تُصَلِّي فِي الدَّرْعِ وَالْمِقَنَعَةِ إِذَا كَانَ كَثِيفًا يَعْنِي سَتِيرًا».

۱۰۸۲- وَسَأَلَ يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي

می ایستد دوپایش را نزدیک بیکدیگر گذارد، و میان آنها را از هم باز نگذارد و فاصله نیندازد، و دستهایش را بر سینه خود روی پستانهایش قرار دهد، و چون به رکوع رود دستهایش را بالای زانوان بر روی رانهای خود گذارد تا زیاد خم نشود که سرین (باسن) یا نشیمنگاه او بالا بیاید، و چون خواست بسجده رود ابتدا بنشیند و بعد بسجده رود بنحویکه خود را به زمین بچسباند و فراهم نشیند (بر خلاف مردان که سنت است گشاده باشند) و دستهایش را تا مرفق بر زمین گذارد، و چون خواهد (که آماده شود) برخیزد و بایستد سرخویش را از سجده بردارد و بر نشیمنگاه نشیند ولی نه چنانکه مردها می نشینند (یعنی نه متورک و بر پاشنه پا) آنگاه روی پا، راست و به تدریج و تآنی بلند شود تا بایستد بدون آنکه خم شود و سرین خود را بلند کند و نشیمنگاه او ظاهر شود و جلب نظر نماید، و چون برای تشهد نشیند پاهای خود را بلند کند (که نشیمن گاه او بر زمین باشد)، و رانهایش را به یکدیگر بچسباند، و زن آزاد (و بالغ) نماز نمیگذارد مگر با مقنعه و روسری (که موی سر و گردن خود را بدان بپوشاند) ولی کنیز (و همچنین آزاد نابالغ) بدون روسری نماز میخواند.

۱۰۸۱- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: زن در پیراهن و مقنعه نماز میکند (یا می تواند نماز بخواند) اگر هر دو باندازه کافی بزرگ باشد و سراپا را بپوشاند.

۱۰۸۲- یونس بن یعقوب از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: آیا مرد

فِي ثَوْبٍ وَاحِدٍ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: قُلْتُ: فَالْمَرْأَةُ؟ قَالَ: لَا، وَلَا يَصْلَحُ لِلْحُرَّةِ إِذَا حَاضَتْ إِلَّا الْخِمَارُ إِلَّا أَنْ لَا تَجِدَهُ.

۱۰۸۳- وَ سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «عَنِ الْمَرْأَةِ لَيْسَ لَهَا إِلَّا مِلْحَفَةٌ وَاحِدَةٌ كَيْفَ تُصَلِّي؟ قَالَ: تَلْتَفُّ فِيهَا وَتُغْطِي رَأْسَهَا وَتُصَلِّي، فَإِنْ خَرَجَتْ رِجْلَيْهَا وَلَيْسَ تَقْدِرُ عَلَى غَيْرِ ذَلِكَ فَلَا بَأْسَ».

۱۰۸۴- وَ فِي رِوَايَةِ الْمُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تُصَلِّي فِي دِرْعٍ وَ مِلْحَفَةٍ لَيْسَ عَلَيْهَا إِزَارٌ وَلَا مِقْنَعَةٌ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ إِذَا التَّقَّتْ بِهَا وَإِنْ لَمْ تَكُنْ تَكْفِيهَا غَرْصًا جَعَلَتْهَا طَوْلًا».

می تواند در یک جامه نماز کند؟ فرمود: آری، گوید: عرض کردم: پس زن چگونه (آیا می تواند) فرمود: نه. و زن آزاد را هرگاه حائض شده باشد (یعنی بسن بلوغ رسیده باشد) جایز نیست نماز کند جز با رومری مگر آنکه نیابد یا نداشته باشد.

شرح: «مراد از یک جامه یک تکه جامه است، که سنت است زن در سه جامه یا سه تکه جامه نماز کند که یکی را به کمر می بندد یا زیر جامه یا لنگ و شبیه به آن، و تکه دیگر که بصورت پیراهن بالاتنه را بپوشاند، و تکه سوم مقنعه که موی سر و گردن او را بپوشاند. در روایت مراد این گونه جامه است که متعارف بوده و امام علیه السلام میفرماید در یک جامه جایز نیست ولی اگر چادری باشد که همه بدن را سرپا بپوشاند بدون شک بلا اشکال است».

① ۱۰۸۳- عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ سَأَلَ: هَرَّاهُ زَنْ جَزِيك چادر نداشته باشد چگونه نماز گزارد؟ آنحضرت فرمود: اندام خود را در همان چادر می پیچد و سرش را می پوشاند و نماز می کند، و اگر پاهایش برهنه بیرون ماند، و چیز دیگری نیز برای پوشانیدن آنها نیافت اشکالی ندارد.

② ۱۰۸۴- در روایت مُعَلَّى بْنِ خُنَيْسٍ از امام صادق علیه السلام آمده که از آنحضرت پرسیدم: آیا جایز است زن با پیراهنی و چادری نماز کند، و لنگ و مقنعه نداشته یا نپوشیده باشد؟ فرمود: هرگاه خود را در آن پیچد اشکالی ندارد، و اگر از عرض تمام بدن را فرا بگیرد آنرا از طول بخود پیچد.

۱۰۸۵- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَيْسَ عَلَى الْأُمَةِ قِنَاعٌ فِي الصَّلَاةِ، وَلَا عَلَى الْمُدَبِّرَةِ قِنَاعٌ فِي الصَّلَاةِ، وَلَا عَلَى الْمُكَاتِبَةِ إِذَا اشْتَرَطَ عَلَيْهَا مَوْلَاهَا قِنَاعٌ فِي الصَّلَاةِ وَهِيَ مَمْلُوكَةٌ حَتَّى تُؤَدِّيَ جَمِيعَ مَكَاتِبِهَا وَتَجْرِيَ عَلَيْهَا مَا يَجْرِي عَلَى الْمَمْلُوكِ فِي الْحُدُودِ كُلِّهَا».

۱۰۸۶- قَالَ: «وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْأُمَةِ إِذَا وَلَدَتْ عَلَيْهَا الْخِمَارُ؟ قَالَ: لَوْ كَانَ عَلَيْهَا لَكَانَ عَلَيْهَا إِذَا هِيَ حَاضَتْ، وَلَيْسَ عَلَيْهَا التَّقَنُّعُ فِي الصَّلَاةِ».

۱۰۸۷- وَ رَوَى عِيصُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي الرَّجُلِ يُضْلِي فِي إِزَارِ الْمَرْأَةِ وَفِي ثَوْبِهَا وَتَقْتُمُ بِخِمَارِهَا؟ قَالَ: إِذَا كَانَتْ مَأْمُونَةً أَفْلَا بَأْسُ».

① ۱۰۸۵- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: بر کنیز لازم نیست که در نماز سر را بپوشاند، و نیز بر مدبره در نماز مقنعه لازم نیست (یعنی کنیزی که مالک باو بگوید: بعد از وفات من آزادی، در این صورت تا مادامیکه مولا نموده او بنده یا کنیز است) و بر مکاتبه مشروطه نیز در نماز مقنعه لازم نیست و او همچنان بنده است تا جیع مال مورد مکاتبه و مقرره را بپردازد. و حدودی که بر مملوک است بتمامی بر او نیز جاری میگردد.

② ۱۰۸۶- و باز محمد بن مسلم گوید: از آنحضرت سؤال کردم: کنیز هرگاه از مولایش دارای فرزند شد، مقنعه بر او لازم است؟ آنحضرت فرمود: اگر بر کنیز مقنعه در نماز لازم بود، می بایست وقتی حائض می شد بر او لازم میگردید، بنابراین در نماز مقنعه و سرپوشیدن بر کنیزک لازم نیست.

③ ۱۰۸۷- عیص بن القاسم از امام صادق علیه السلام روایت کرده است در مورد مرد که آیا می تواند در لُنگ زن و یا جامه او نماز کند، و یا مقنعه زن را عمامه خود سازد؟ آنحضرت فرمود: اگر آن زن (که لباسهایش مورد استفاده مرد نمازگزار قرار گرفته) مأمونه باشد و از نجاسات اجتناب ورزد مرد می تواند از آنها استفاده کند.

۱۰۸۸- وَ رُوِيَ «أَنَّ خَيْرَ مَسَاجِدِ النِّسَاءِ الْبَيْتُ، وَ صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صُفَّتِهَا، وَ صَلَاتُهَا فِي صُفَّتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا، وَ صَلَاتُهَا فِي صَحْنِ دَارِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي سَطْحِ بَيْتِهَا، وَ تَكْرَرُ لِلْمَرْأَةِ الصَّلَاةُ فِي سَطْحٍ غَيْرِ مُحَجَّرٍ».

۱۰۸۹- وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا تُتْرَلُوا النِّسَاءَ الْغُرَفَ وَلَا تُعَلِّمُوهُنَّ الْكِتَابَةَ وَلَا تُعَلِّمُوهُنَّ سُورَةَ يُوسُفَ، وَ عَلِّمُوهُنَّ الْيَمُزْلَ وَ سُورَةَ النُّورِ». فَإِذَا سَبَحَتِ الْمَرْأَةُ عَقَدَتْ عَلَى الْأَثَامِلِ لِأَنَّهُنَّ مَسْئُولَاتٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ.

① ۱۰۸۸- و روایت کرده‌اند که بهترین مسجد زنان (که مناسب و مطلوبست نماز خود را آنجا بخوانند) همان خانه‌های ایشان است، و همچنین نماز زن درون اطاق بهتر از نماز او در صفت ایوان و درگاهی جلوی اطاق است و باز نماز او در صفت (درگاه و ایوان) اطاقش بهتر از نماز او در صحن خانه است، و باز نماز او در صحن خانه اش مقبولتر از نماز او بر پشت بام خانه است، و نماز خواندن بر بامی که دیوارکشی نشده برای زنان مکروه است.

② ۱۰۸۹- امام صادق علیه السلام فرمود: زنان را در بالاخانه‌ها منشانید یا جای ندهید، (یا شاید بطور کلی مراد کلیه اطاقها و اماکنی باشد که در طبقات فوقانی و مشرف به سراها و اطاقهای دیگر قرار دارد) و نیز خط نوشتن و سورة یوسف به آنان نیاموزید، بلکه به ایشان چرخ ریزی بیاموزید. و همچنین سورة نور.

شرح: «این امر و نهی در مورد آموختن بافندگی و سورة نور و عدم آموختن سورة یوسف حسب مورد محمول بر استحباب و کراهت است و چنانکه از کتاب کافی ج ۵ ص ۵۱۶ آشکار می‌شود این خبر از امام صادق علیه السلام روایت شده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمودند: زنان را در بالاخانه‌ها منشانید. و بقیه سورة یوسف و دیگر موارد ظاهراً کلام مؤلف است از خبری دیگر».

و زن هنگامی که تسبیح گوید حساب آنرا با بندهای انگشتان خود نگاهدارد، زیرا روز قیامت از انگشتان نیز (در مورد آنچه کرده‌اند) پرسش خواهند کرد. شرح: «منظور اینست که هنگام حسابخواهی در روز رستاخیز کار خیری داشته باشند که ارائه کنند. و از تعلیل پیدا است که حکم منحصر بزن تنها نیست بلکه مرد و

* (بَابُ الْآدَابِ فِي الْإِنْصِرَافِ عَنِ الصَّلَاةِ) *

۱۰۹۰- رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا

انْصَرَفْتَ مِنَ الصَّلَاةِ فَانْصَرِفْ عَنْ يَمِينِكَ».

* (بَابُ الْجَمَاعَةِ وَقَضَائِهَا) *

قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ» فَأَمَرَ اللَّهُ بِالْجَمَاعَةِ كَمَا أَمَرَ بِالصَّلَاةِ، وَفَرَضَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً، فِيهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ فِي جَمَاعَةٍ وَهِيَ الْجُمُعَةُ فَأَمَّا سَائِرُ الصَّلَوَاتِ فَلَيْسَ الْاجْتِمَاعُ إِلَيْهَا بِمَفْرُوضٍ وَلَكِنَّهُ سُنَّةٌ، مَنْ تَرَكَهَا رَغْبَةً عَنْهَا وَعَنْ جَمَاعَةِ الْمُسْلِمِينَ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ وَمَنْ تَرَكَ

زن مشترک خواهند بود.»

باب

* (دربیان آداب و چگونگی فارغ شدن از نماز) *

۱۰۹۰- محمد بن مسلم از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: وقتی نماز را به پایان رسانیدی (و خواستی از جای برخیزی) از سمت راست خود فارغ شو (یا از سمت راست خود از حالتی که نماز میخواندی جدا شو، یا هنگام برخاستن از جای به سمت راست رو کن).

باب

* (دربیان نماز جماعت و فضیلت آن) *

خداوند تبارک و تعالی فرماید: «وَأَقِمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَارْكَعُوا مَعَ الرَّاكِعِينَ»

یعنی: نماز را پیای دارید (نماز را با همه ارکان و شرایط و رعایت اوقات آن بجای آورید) و زکات اموال خود را بدهید و همراه با نماز گزاران نماز کنید. یعنی بجماعت. پس در این آیه مبارکه خداوند متعال همچنانکه به نماز امر میفرماید به جماعت نیز امر میفرماید، و نیز خداوند تبارک و تعالی از جمعه تا جمعه دیگر یعنی در مدت یک هفته سی و پنج نماز بر مردمان واجب گردانیده است، و در میان این

ثَلَاثَ جُمُعَاتٍ مُتَوَالِيَاتٍ مِنْ غَيْرِ عِلَّةٍ فَهُوَ مُنَافِقٌ، وَصَلَاةُ الرَّجُلِ فِي جَمَاعَةٍ تَفْضُلُ عَلَى صَلَاةِ الرَّجُلِ وَحْدَهُ بِخَمْسٍ وَعِشْرِينَ دَرَجَةً فِي الْجَنَّةِ، وَالصَّلَاةُ فِي الْجَمَاعَةِ تَفْضُلُ صَلَاةُ الْفَرْدِ بِأَرْبَعٍ وَعِشْرِينَ صَلَاةً فَيَكُونُ خَمْسًا وَعِشْرِينَ صَلَاةً.

۱۰۹۱- وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَا

صَلَاةَ لِمَنْ لَا يَشْهَدُ الصَّلَاةَ مِنْ جِبَرَانِ الْمَسْجِدِ إِلَّا مَرِيضٌ أَوْ مَشْغُولٌ».

۱۰۹۲- وَ«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِقَوْمٍ: لَتُخْضِرُنَّ الْمَسْجِدَ أَوْ

لَا تُخْرِقُنَّ عَلَيْكُمْ مَنَازِلَكُمْ».

۱۰۹۳- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ صَلَّى الصَّلَاةَ الْخُمْسَ جَمَاعَةً فَظَنُّوا بِهِ

كُلُّ خَيْرٍ».

نمازها یک نماز را بوجوب به جماعت مقرر فرموده و آن نماز جمعه است، و اما بقیة نمازها (که واجب است) اجتماع در آنها مفروض نیست لکن سنت است و هر کس که آنها ترک کند بسبب روی گرداندن از آن یا از روی بی علاقه‌گی به جماعت و اجتماع مسلمانان و انفراد را بهتر از آن بداند بدون علت و سبب موجب نمازش باطل است، و هر کس سه نماز جمعه را متوالیاً و بدون علت و سبب ترک کند منافق است، و نماز شخص به جماعت برتر و بالاتر است از نماز او به تنهایی و میزان بیست و پنج درجه در بهشت، پس نماز بجماعت برتری دارد بر نماز تنها به میزان بیست و چهار نماز که با اصل و زیادتی رویم بیست و پنج نماز میگردد.

① ۱۰۹۱- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: نماز آن کسی که از همسایگان مسجد باشد و در نماز جماعت حاضر نشود نماز نیست یا نمازش درست نیست، مگر کسی که بیمار یا گرفتار و درگیر کاری ضروری باشد.

② ۱۰۹۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله به جمعی فرمود: حتماً باید بنماز جماعت در مسجد حاضر شوید در غیر اینصورت بدون تردید خانه‌هایتان را آتش خواهیم زد.

③ ۱۰۹۳- و باز آنحضرت فرمود: هر کس نمازهای پنجگانه‌اش را بجماعت بجا آورد همه خوبیها را درباره‌اش گمان برید، یا گمان برید همه خوبیها را دارد.

۱۰۹۴- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْإِثْنَانِ جَمَاعَةٌ».

۱۰۹۵- وَسَأَلَ الْحَسَنُ الصَّبَّاءُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «عَنْ أَقَلِّ مَا تَكُونُ الْجَمَاعَةُ قَالَ: رَجُلٌ وَامْرَأَةٌ».

وَإِذَا لَمْ يَخْضِرِ الْمَسْجِدَ أَحَدٌ فَالْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ جَمَاعَةٌ لِأَنَّهُ مَتَى أُذِّنَ وَأَقَامَ صَلَّى خَلْفَهُ صَفَّائِنِ مِنَ الْمَلَائِكَةِ، وَمَتَى أَقَامَ وَلَمْ يُؤَذِّنْ صَلَّى خَلْفَهُ صَفٌّ وَاحِدٌ.

۱۰۹۶- وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ حُجَّةٌ، وَالْمُؤْمِنُ وَحْدَهُ جَمَاعَةٌ».

۱۰۹۷- وَ«صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْفَجْرَ ذَاتَ يَوْمٍ فَلَمَّا انْصَرَفَ أَقْبَلَ يُوْجِهِيهِ عَلَى أَصْحَابِهِ فَسَأَلَ عَنِ أَنَاسٍ يُسَمِّيهِمْ بِأَسْمَائِهِمْ هَلْ حَضَرُوا الصَّلَاةَ؟ قَالُوا: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ فَقَالَ: غُيِّبَ لَهُمْ فَقَالُوا: لَا يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: أَمَا إِنَّهُ لَيْسَ مِنْ

(۱) ۱۰۹۴- و نیز آنحضرت فرمود: دو تن جماعت هستند (یعنی جماعت با دو نفر حاصل میشود که یکی امام و دیگری مأموم باشد).

(۲) ۱۰۹۵- حسن بن زیاد صبیقل از امام صادق علیه السلام در مورد کمترین تعداد جماعت سؤال کرد: آنحضرت فرمود: یک مرد و یک زن.

و هرگاه کسی بسببی در مسجد حاضر نباشد (که بجماعت نماز کند) مؤمن خود بتنهائی جماعت است، زیرا وقتیکه او اذان و اقامه میگوید دو صف از فرشتگان پشت سر او بنماز می ایستند، و آنگاه که فقط اقامه میگوید و اذان نمیگوید پشت سر او یک صف از ملائکه می ایستند.

(۳) ۱۰۹۶- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: مؤمن به تنهائی حجت است، و مؤمن خود به تنهائی جماعت است.

(۴) ۱۰۹۷- روزی رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز صبح را بجا آورد و چون از نماز فارغ شد رو به اصحاب خویش فرمود و از آنان عده را که یک یک نامشان را می برد سؤال فرمود که آیا این افراد بنماز حاضر شده اند؟ گفتند: نه یا رسول الله، آنحضرت فرمود: آیا ایشان غایب اند و در شهر حضور ندارند؟ عرض کردند: نه یا رسول الله، آنحضرت فرمود: آگاه باشید و بدانید که هیچ نمازی بر منافقان سنگین تر و

صَلَاةٌ أَثْقَلَ عَلَى الْمُتَأَفِّقِينَ مِنْ هَذِهِ الصَّلَاةِ وَصَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، وَلَوْ عَلِمُوا الْفَضْلَ الَّذِي فِيهِمَا لَأَتَوْهُمَا وَلَوْ حَبَوًّا».

۱۰۹۸ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ صَلَّى الْغَدَاةَ وَالْعِشَاءَ الْآخِرَةَ فِي جَمَاعَةٍ فَهُوَ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَمَنْ ظَلَمَهُ فَإِنَّمَا يَظْلِمُ اللَّهَ، وَمَنْ حَقَرَهُ فَإِنَّمَا يُحَقِّرُ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ».

وَإِذَا كَانَ مَطَرٌ وَبَرَدٌ شَدِيدٌ فَجَائِزٌ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَلِّيَ فِي رَحْلِهِ وَلَا يَخْضُرَ الْمَسْجِدَ.

۱۰۹۹ - يَقُولُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِذَا ابْتَلَّتِ النِّعَالُ فَالْصَّلَاةُ فِي الرُّحَالِ».

وَقَالَ أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - فِي رِسَالَتِهِ إِلَيَّ: اِغْلَمْ يَا بُنَيَّ إِنَّ أَوْلَى النَّاسِ بِالتَّقَدُّمِ

سخت تر از این نماز (نماز صبح) و نماز عشاء نیست، و اگر مردم میدانستند چه فضیلتی در این دو نماز است حتماً در این دو نماز شرکت میکردند هر چند با کشیدن خود بر روی دست ها و زانو یا روی شکم (همچنانکه کودکان خرد راه می روند) باشد.

⑤ ۱۰۹۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس نماز صبح و نماز عشاء (خفتن) را بجماعت گزارد، در ذمه و امان خداوند عز و جل قرار گیرد، و هر کس بر چنین شخصی ستم روا دارد همانا خداوند را مورد ستم قرار داده، و هر که او را کوچک و خوار شمرد خداوند عز و جل را کوچک شمرده است.

و وقتی باران می بارد و برف شدید باشد جایز است که شخص در خانه اش نماز کند و در مسجد حاضر نشود.

⑥ ۱۰۹۹ - و این سخن (که گذشت) مبتنی بر اساس فرمایش رسول خدا صلی الله علیه و آله است که فرمود: هنگامیکه (در اثر بارندگی) پاها یا کفشها خیس یا گل آلوده می شود (و شخص دچار زحمت می شود) نماز را در خانه ها بجا آورید (یا به قول و تعبیری دیگر: هرگاه زمین سخت از باران تر شود در خانه هایتان نماز کنید).

و پدرم - رحمه الله - در رساله اش که برایم فرستاده گوید: پسرم بدانکه در نماز جماعت سزاوارترین افراد به پیش ایستادن (امامت جماعت یا پیشنمازی) کسی

فِي جَمَاعَةٍ أَقْرَبُ لَهُمُ لِلْقُرْآنِ، وَإِنْ كَانُوا فِي الْقِرَاءَةِ سَوَاءً فَأَقْبَهُهُمْ، وَإِنْ كَانُوا فِي الْفِقْهِ سَوَاءً فَأَقْدَمَهُمْ هِجْرَةً فَإِنْ كَانُوا فِي الْهِجْرَةِ سَوَاءً فَأَسَنَّهُمْ، فَإِنْ كَانُوا فِي الْبَيْتِ سَوَاءً فَأَصْبَحَهُمْ وَجْهًا، وَصَاحِبُ الْمَسْجِدِ أَوْلَى بِمَسْجِدِهِ، وَلَيْكُنْ مَنْ يَلِي الْإِمَامَ مِنْكُمْ أَوَّلُوا الْأَخْلَامَ وَالتَّقَى فَإِنْ نَبَى الْإِمَامُ أَوْ تَعَايَا فَقَوْمُوهُ، وَأَفْضَلُ الصُّفُوفِ أُولُهَا وَأَفْضَلُ أُولُهَا مَنْ دَنَى إِلَى الْإِمَامِ.

۱۱۰۰- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِمَامُ الْقَوْمِ وَإِدْلُهُمْ، فَقَدَّمُوا

أَفْضَلَكُمْ».

۱۱۰۱- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنْ سَرَّكُمْ أَنْ تَرْكُوا [۱] صَلَاتَكُمْ فَقَلِّمُوا

است که قرآن را بهتر بداند و بخواند، یا در قراءت بهتر باشد، و اگر چند تن همه در قراءت قرآن و جَوَدَت قِرَاءَت مساوی باشند پس آگاه‌ترین آنان بمسائل فقه و علوم شرعیّه، و اگر همه از جهت فقاہت برابر باشند، هر کدام از ایشان که زودتر هجرت کرده باشد (یعنی از بلاد کفار به بلاد اسلام هجرت کرده و قهراً بمسائل دینی آگاهی بیشتری پیدا نموده است) و اگر از حیث هجرت همه برابر باشند پس سالمندترین آنان (مراد سالهای اسلام آوردن است آنکه سابقه بیشتری به اسلام دارد) و اگر در سنّ همه مساوی باشند پس نکوروی‌ترین و خوشروی‌ترین آنان شایسته است که جلو بایستد، و صاحب مسجد (که در آنجا امامت می‌کند) در مسجد خود سزاوارتر از دیگران بامامت است، و کسانی که نزدیک به امام در جماعت می‌ایستند باید صاحبان خرد و پرهیزکاران باشند تا اگر امام دچار سهوی شود، یا در موردی درماند و نداند راه صواب چیست یا نتواند آنچه را فراموش کرده بخاطر آورد او را راهنمایی و اعلام کنند که چه باید انجام دهد، و با فضیلت‌ترین صفها صفهای اول است و با فضیلت‌ترین جاها در صفهای اول جای کسی است که به امام نزدیکتر است.

⑤ ۱۱۰۰- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: پیش‌نماز جماعت بمنزله شخصی است که بنماینده‌گی نزد پادشاه یا بزرگی گسیل می‌گردد، پس برترین و شایسته‌ترین شخص را در نماز پیش‌بدارید و به امامت گمارید.

⑥ ۱۱۰۱- و باز آنحضرت فرمود: اگر شما را خوش می‌آید یا خوش میدانید که

خياركم».

۱۱۰۲- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ صَلَّى بِقَوْمٍ وَفِيهِمْ مَنْ هُوَ أَعْلَمُ مِنْهُ لَمْ يَزَلْ أَمْرُهُمْ إِلَى سَفَالٍ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

وَقَالَ أَبُو ذَرٍّ: إِنَّ إِمَامَكَ شَفِيعُكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَلَا تَجْعَلْ شَفِيعَكَ سَفِيحاً وَلَا فَاسِقاً.

۱۱۰۳- وَرَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ كَثِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «سَأَلَهُ رَجُلٌ عَنِ الْقِرَاءَةِ خَلَفَ الْإِمَامَ فَقَالَ: لَا إِنَّ الْإِمَامَ ضَامِنٌ لِلْقِرَاءَةِ، وَلَيْسَ يَضْمَنُ الْإِمَامُ صَلَاةَ الَّذِينَ هُمْ مِنْ خَلْفِهِ إِنَّمَا يَضْمَنُ الْقِرَاءَةَ».

۱۱۰۴- وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «خَمْسَةٌ لَا يُؤْمِنُ النَّاسَ وَلَا يُصَلُّونَ بِهِمْ صَلَاةَ فَرِيضَةٍ فِي جَمَاعَةٍ: الْأَبْرَصُ

فمازتان نیکو شود پس خوبان و برگزیدگان را به امامت در نماز پیش اندازید.

۱۱۰۲- (۱) و نیز رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس بر گروهی امامت و پیشنمازی کند در حالیکه شخص دیگری که اعلم از اوست در میان آن گروه باشد، کار دین آن قوم پیوسته رو به پستی خواهد رفت تا روز قیامت.

شرح: «از این خبر استفاده می شود که تفضیل مفضول بر فاضل یا فاضل بر افضل سیر نزولی است و بقهقری رفتن جماعت و علامت هلاک است».

أبو ذر گفته است: همانا امام تو شفیع تو در نزد خداوند عز و جل است پس شفیع خویش را نادان و فاسق قرار مده.

۱۱۰۳- (۲) حسین بن کثیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که شخصی از آنحضرت پرسید آیا شخصی می تواند یا لازم است پشت سر امام سوره حمد را قرائت کند، آنحضرت فرمود: نه، همانا امام خود ضامن قرائت است، ولی امام ضامن صحیح بودن نماز کسانی که پشت سر او نماز می کنند نیست، فقط ضامن قرائت است.

۱۱۰۴- (۳) محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: پنج کس هستند که امامت و پیشنمازی مردم را نمی توانند کرد، و نمازهای

وَالْمَجْدُومُ وَوَلَدُ الزَّانَا وَالْأَعْرَابِيُّ حَتَّى يُهَاجِرَ وَالْمَخْدُودُ».

۱۱۰۵- وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا يُصَلِّيَنَّ أَحَدُكُمْ خَلْفَ

الْأَجْنَمِ وَالْأَبْرَصِ وَالْمَجْنُونِ وَالْمَخْدُودِ وَوَلَدِ الزَّانَا، وَالْأَعْرَابِيِّ لَا يَوْمَ الْمُهَاجِرَةِ».

۱۱۰۶- وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْأَعْلَفُ لَا يَوْمَ الْقَوْمِ وَلَوْ كَانَ أَقْرَاهُمْ

يَلْقُرَانِ لِأَنَّهُ ضَيَّعَ مِنَ السُّنَّةِ أَعْظَمَهَا، وَلَا تُقْبَلُ لَهُ شَهَادَةٌ، وَلَا يُصَلِّيُ عَلَيْهِ إِلَّا أَنْ

يَكُونَ تَرَكَ ذَلِكَ خَوْفًا عَلَى نَفْسِهِ».

۱۱۰۷- وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا يَوْمَ صَاحِبِ الْقَبْدِ الْمُطْلَقِينَ وَلَا

واجب را با ایشان صحیح نیست بجماعت بجا آورند: اول- کسیکه پیسی داشته باشد، دوم- کسی که خوره داشته باشد، سوم- آنکه از زنا متولد شده باشد، چهارم- کسی که بیابانی و بادیه نشین باشد (که از آداب بدور است) تا وقتی که به شهر مهاجرت کند، و پنجم- کسی که حد بر او جاری شده باشد.

① ۱۱۰۵- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هرگز کسی از شما شیعیان نباید پشت سر این افراد (که نام برده خواهند شد) نماز کند: مبتلا به جذام و بیماری پیسی، و دیوانه، و کسی که حد خورده باشد، و ولد الزنا. این افراد بطور مطلق نباید امامت کنند، و اعرابی یا عرب بادیه نشین پیشنمازی مهاجر نمی تواند کرد.

② ۱۱۰۶- و باز آنحضرت (امیرالمؤمنین علیه السلام) فرمود: کسی که ختنه نشده نمی تواند امامت و پیشنمازی مردم کند، هر چند در خواندن قرآن و از حیث جودت قراءت سرآمد سایرین باشد (با وجود اینکه در سایر موارد اقرأ مقدم بر دیگران است لکن در این مورد خاص حکم فرق می کند) زیرا چنین کسی از ستهای حضرت ختمی مرتبت صلی الله علیه وآله بزرگترین آنرا ضایع گذاشته و تباه ساخته است. و شهادت او را نمی پذیرند، و چون بمیرد بر او نماز نمی کنند (یعنی آن مبالغه که در نماز خواندن بر صلحا و امثال آنان و استغفاریکه پس از تکبیر چهارم بر میت می کنند در مورد او معمول نمیدارند تا سبب تنبیه ناظران گردد) مگر ترک ختنه از بیم آن باشد که مبادا هلاک شود (یعنی کسی پیدا نشود او را ختنه کند و او بترسد که اگر خود مبادرت به این امر کند جانش در خطر افتد).

③ ۱۱۰۷- امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که گرفتار بند و زنجیر است

يَوْمَ صَاحِبِ الْفَالِجِ الْأَصْحَاءِ».

۱۱۰۸ - وَقَالَ الْبَاقِرُ وَالصَّادِقُ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «لَا بَأْسَ أَنْ يَوْمَ الْأَعْمَى إِذَا رَضُوا بِهِ وَكَانَ أَكْثَرُهُمْ قِرَاءَةً وَأَفْقَهُهُمْ».

۱۱۰۹ - وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّمَا الْأَعْمَى أَغْمَى الْقَلْبَ فَإِنَّهَا لَا تَغْمَى الْأَبْصَارُ وَلَكِنْ تَغْمَى الْقُلُوبُ الَّتِي فِي الصُّلُوبِ».

۱۱۱۰ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «ثَلَاثَةٌ لَا يُصَلِّي خَلْفَهُمْ: الْمَجْهُولُ وَالْغَالِي وَإِنْ كَانَ يَقُولُ بِقَوْلِكَ، وَالْمُجَاهِرُ بِالْفِسْقِ وَإِنْ كَانَ مُقْتَصِدًا».

۱۱۱۱ - وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ، وَمُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «مَنْ

پیشنمازی افراد آزاد نمی کند یا نمی تواند و نباید امامت کند، و نیز کسی که مبتلا به فلج است نمی تواند برای افراد تندرست امامت و پیشنمازی کند.

⑦ ۱۱۰۸ - امام باقر و امام صادق علیهما السلام فرمودند: امامت و پیشنمازی شخص نابینا اشکالی ندارد مشروط بر اینکه مأمومین، بامامت او راضی باشند، و بیشتر از ایشان قرآن بدانند و عالمتر و آگاهتر از آنان باشد.

⑤ ۱۱۰۹ - امام باقر علیه السلام فرمود: کور نیست مگر آن کس که کور دل باشد (یا کوری ظاهری نابینائی نیست بلکه کوری، تنها محروم شدن چشم دل از بصیرت است) همانا چشم ظاهر نیست که دچار کوری می شود بلکه آن دلهائی که در سینه ها است از بصیرت کور می گردد.

④ ۱۱۱۰ - امام صادق علیه السلام فرمود: سه کس هستند که پشت سرشان نماز نمی توان کرد اول آنکه مجهول الحال است یعنی مذهب و اعتقادش معلوم نباشد، دوم کسی که غالی مذهب باشد (یعنی در مورد پیامبر و ائمه معصومین صلوات الله عليهم اجمعین غلو کند و ایشان را خدا بداند یا قدرت و سلطنتی برای آنان قائل باشد که در واقع واجد و حائز آن نباشند و شناخت آنانرا کافی از عمل بداند) هر چند در ظاهر اظهار تشیع کند و خود را شیعه امامی بداند، و سوم کسی که فسق او نمایان باشد هر چند زیاده روی هم نکند.

⑥ ۱۱۱۱ - امام جواد و امام هادی علیهما السلام فرمودند: کسی که قائل به

قَالَ بِالْجَنَمِ فَلَا تُعْطَوْنَ شَيْئًا مِنْ الرِّكَاعِ، وَلَا تُصَلُّوا خَلْفَهُ».

۱۱۱۲- وَ كَتَبَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ الْبَرْقِيُّ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَبْجُوزُ جُعِلَتْ فِدَاكَ - الصَّلَاةُ خَلْفَ مَنْ وَقَفَ عَلَى أَيْكَ وَحَدِّكَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ؟ فَأَجَابَ لَا تُصَلُّ وَرَاءَهُ».

۱۱۱۳- وَ سَأَلَ عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ إِمَامٍ لَا بَأْسَ بِهِ فِي جَمِيعِ أُمُورِهِ، عَارِفٌ غَيْرَ أَنَّهُ يُسْمِعُ أَبَوَيْهِ الْكَلَامَ الْغَلِيظَ الَّذِي يُغَيِّظُهُمَا أَقْرَبُ خَلْفَهُ؟ قَالَ: لَا تَقْرَأْ خَلْفَهُ مَا لَمْ يَكُنْ عَاقًا قَاطِعًا».

جسمیت خداوند متعال است از بابت زکات چیزی با و ندهید (یا بعبارت دیگر از محل زکات چیزی با و نمی توان داد و چنانچه داده شود چون به اهل آن تأدیه نگردیده است در واقع زکات پرداخت نشده و ذمه فارغ نگشته است) و پشت سر او نماز نکنید.

۱۱۱۲- أَبُو عَبْدِ اللَّهِ بَرَقَ عَرِيضَةً إِلَى إِمَامِ جَوَادٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ نُوْشْتَه و سَوَال کرده: فدایت گردم اجازه دارم پشت سر کسی که اعتقاد بامامت شما خاندان داشته باشد لکن امامت را محتوم به پدرتان و یا جدتان میدانند، نماز بخوانیم؟ (یعنی در اصطلاح شیعه هفت امامی یا هشت امامی است که بهرحال با شیعه اثنی عشریه اعتقادشان کاملاً متفاوت و مغایر است.) امام علیه السلام در پاسخ این سؤال فرمودند: پشت سر او نماز مکن.

۱۱۱۳- عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ إِلَى إِمَامِ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَوَال کرد در مورد امام و پیشنمازی که اشکالی در کار او نیست و عیبی از عیوب شرعیه در دینش مشاهده نمی شود و مرتکب گناه نمی شود مگر اینکه با پدر و مادر خود سخن درشت میگوید و ایشان را بخشم میآورد، آیا پشت سر چنین کسی می توانم نماز بخوانم یا جایز است به او اقتدا کنم (بعبارت روشن تر و با توجه به ظاهر عبارت و پاسخ امام علیه السلام سؤال چنین است: آیا در صورتیکه ناچار شوم می توانم با او اقتدا کنم و صورت اقتدا را واقع سازم ولی خود حمد و سوره را قرائت کنم).

آنحضرت فرمود: پشت سر او قرائت مکن مادام که عاق قطعاً پدر و مادر نباشد و از ایشان نبریده و قطع نکرده باشد.

- ۱۱۱۴- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلَبِيُّ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَا تُصَلِّ خَلْفَ مَنْ يَشْهَدُ عَلَيْكَ بِالْكُفْرِ، وَلَا خَلْفَ مَنْ شَهِدْتَ عَلَيْهِ بِالْكُفْرِ».
- ۱۱۱۵- وَ رَوَى سَعْدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ أَبِيهِ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُقَارِفُ الذَّنْبَ يُصَلِّي خَلْفَهُ أَمْ لَا؟ قَالَ: لَا».
- ۱۱۱۶- وَ رَوَى عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُ سَأَلَ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الصَّلَاةِ خَلْفَ رَجُلٍ يَكْذِبُ بِقَدْرِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ؟ قَالَ: يُعِيدُ كُلَّ صَلَاةٍ صَلَّاهَا خَلْفَهُ».
- ۱۱۱۷- وَ قَالَ إِسْمَاعِيلُ الْجُعْفِيُّ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَجُلٌ يُجِبُّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يَتَّبِعُهُ مِنْ عَدُوِّهِ وَيَقُولُ هُوَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ خَالَفِهِ؟ قَالَ: هَذَا مُخْلِطٌ وَهُوَ عَدُوٌّ فَلَا تُصَلِّ وَرَاءَهُ وَلَا كَرَامَةً إِلَّا أَنْ تَنْتَقِيَهُ».

① ۱۱۱۴- محمد بن علی حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: پشت سر کسی که شهادت کفر بر تو میدهد نماز نکن، و همچنین پشت سر کسی که تو خود شهادت بکفر او میدهی نماز مکن.

② ۱۱۱۵- سعد بن اسماعیل از پدرش و او از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که از آنحضرت پرسید آیا شخصی که در امورش مرتکب گناهان نیز میشود پشت سر او نماز می توان خواند یا نه؟ آنحضرت پاسخ فرمود: نه، نمی توان.

③ ۱۱۱۶- از اسماعیل بن مسلم سکونی روایت کرده اند که از امام صادق علیه السلام پرسید: نماز خواندن پشت سر کسی که معتقد به قضا و قدر خداوند عز و جل نیست و منکر آنست چگونه است؟ آنحضرت فرمود: باید تمامی نمازهایی را که پشت سر چنین شخصی خوانده اعاده کند (در این مورد فرق نمیکند که از مفوضه باشد یا جبریه).

④ ۱۱۱۷- اسماعیل جعفی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: شخصی امیرالمؤمنین علیه السلام را دوست میدارد ولی از دشمنان او نیز بیزاری و تبری نمی جوید و میگوید: البته امیرالمؤمنین علیه السلام نزد من محبوبتر از آن کسانی است که با آنحضرت (در مسأله خلافت) بمخالفت برخاستند، چنین شخصی از نظر شما چگونه است (آیا می توان پشت سر او نماز خواند؟) آنحضرت در پاسخ فرمود: چنین

وَقَالَ أَبِي - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فِي رِسَالَتِهِ إِلَيَّ: لَا تُضَلَّ خَلْفَ أَحَدٍ إِلَّا خَلْفَ رَجُلَيْنِ أَحَدُهُمَا مَنْ تَثِقُ بِيَدَيْهِ وَوَرَعِهِ، وَآخَرُ تَتَقَي سَيِّئَهُ وَسَطْوَتَهُ وَشَنَاعَتَهُ عَلَى الدِّينِ، وَصَلَّ خَلْفَهُ عَلَى سَبِيلِ التَّقِيَّةِ وَالْمُدَارَاةِ وَأَذَّنَ لِنَفْسِكَ وَأَقِمَّ وَاقِرَةً لَهَا غَيْرَ مُؤْتَمٍّ بِهِ فَإِنْ فَرَعْتَ مِنْ قِرَاءَةِ السُّورَةِ قَبْلَهُ فَأَبْقِ مِنْهَا آيَةً وَمَجْدِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ، فَإِذَا رَكَعَ الْإِمَامُ فَاقْرَأِ الْآيَةَ وَادْكَعْ بِهَا، فَإِنْ لَمْ تَلْحَقِ الْقِرَاءَةَ وَخَشِيتَ أَنْ يَرَكَعَ فَقُلْ مَا حَدَّثَهُ الْإِمَامُ مِنَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ وَادْكَعْ، وَإِنْ كُنْتَ فِي صَلَاةٍ نَافِلَةٍ وَأَقِيَمْتَ الصَّلَاةَ فَاقْطَعْهَا وَصَلِّ الْفَرِيضَةَ، وَإِنْ كُنْتَ فِي الْفَرِيضَةِ فَلَا تَقْطَعْهَا وَاجْمَعْهَا نَافِلَةً وَسَلِّمْ فِي الرَّكَعَتَيْنِ، ثُمَّ صَلِّ مَعَ الْإِمَامِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ الْإِمَامُ مِمَّنْ يُسْتَقَى فَلَا تَقْطَعْ صَلَاتَكَ وَلَا

کسی عوضی و دشمن آنحضرت است و پشت سر او نماز ممکن، و هیچ کرامتی هم ندارد که راه به نجات برد، مگر اینکه از روی تقیه پشت سر او نماز کنی.

⑦ و پدرم - رضی الله عنه - در رساله ای که برایم فرستاده گوید: پشت سر هیچکس نماز ممکن مگر دو کس: یکی آنکه به دین او اعتماد داشته باشی و به پرهیزکاری و تقوای او اطمینان کنی، و دیگر آن کسی که از زور شمشیر و خشم و هیبت او بیمناک باشی و بترسی که شمشیر و نار یا نه در کار است شاید بر دین تو تشیع کند و تو را متهم به نداشتن مذهب نماید، پشت سر چنین کسی از روی تقیه و تمایز نماز کن و برای خود آهسته اذان و اقامه بگو، و خود حد و سوره را قرائت کن بدون آنکه به او اقتداء کرده باشی، و اگر پیش از امام از قراءت فارغ شدی یک آیه را از آخر سوره باقی گذار و با اذکار به تمجید خداوند پرداز (غالباً اطلاق تمجید الهی به ذکر لا حول و لا قوة الا بالله می کنند) و چون امام به رکوع رفت آن یک آیه باقیمانده از سوره را بخوان و با او به رکوع برو، اگر وقتی به نماز رسیدی که چنانچه اذان و اقامه را بگویی قراءت فوت شود و امام به رکوع رود، پس آنچه را که امام از اذان و اقامه انداخته است خودت بخوان و رکوع کن، و هرگاه در نماز نافله باشی و اقامه نماز گفته شود پس نماز نافله را قطع کن و نماز فریضه را بخوان، و هرگاه در نماز واجب بودی و اقامه نماز گفته شد فریضه را قطع مکن بلکه نیت را از فریضه به نافله نقل کن و دو رکعت سبک بخوان و سلام بده خود را به امام برسان مگر آنکه

تَجْعَلُهَا نَافِلَةً وَلَكِنْ اخْطِ إِلَى الصَّفِّ وَصَلِّ مَعَهُ، فَإِذَا قَامَ الْإِمَامُ إِلَى رَابِعِيهِ فَقُمْ مَعَهُ وَتَشْهَدْ مِنْ قِيَامٍ وَسَلِّمْ مِنْ قِيَامٍ.

۱۱۱۸- وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَّى بِأَصْحَابِهِ جَالِسًا فَلَمَّا فَرَغَ قَالَ: لَا يُؤْمِنُ أَحَدُكُمْ بَعْدِي جَالِسًا».

۱۱۱۹- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَقَعَ عَنْ قَرَسٍ فَشَجَّ^۳ شِقَّهُ الْأَيْمَنُ فَصَلَّى بِهِمْ جَالِسًا فِي غُرْفَةِ أُمِّ إِبْرَاهِيمَ».

امام از کسانی باشد که باید از او تقیه کرد در این صورت نماز را قطع مکن و نقل نیت به نافله هم مکن (در صورتیکه فریضه باشد) ولی راه برو و خود را به صف نمازگزاران برسان و با امام نماز کن، و چون امام برای رکعت چهارم برخاست تو نیز با او برخیز (در این حال فرض ایست که نماز شخص بترتیبی که ذکر شد تمام شده است) و تشهد و سلام را همچنان در حالت قیام و ایستاده بخوان.

⑤ ۱۱۱۸- امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله نشسته با اصحاب خود نماز خواند و هنگامیکه از نماز فارغ شد فرمود: هرگز نباید هیچکس از شما پس از من نشسته امامت و پیشنمازی مردم کند.

شرح: «این موضوع ظاهراً مربوط به بیماری متقبل به رحلت آنحضرت است یعنی آنهنگام که شنید عایشه پدر خود ابوبکر را برای امامت به مسجد فرستاده است حضرت در حال بیماری و ضعف در حالیکه دستهایش را بر شانه امیرالمؤمنین علیه السلام و فضل بن عباس تکیه داده بود و پاهایش به زمین کشیده می شد به مسجد آمد و ابوبکر را کنار زده و خود بجای او در حالت نشسته با مردم که ایستاده بودند نماز کرد و این روایت را بخصوص جمله «هرگز نباید هیچیک از شما پس از من با مردم در حالت نشسته نماز کند یا نشسته امامت کند» همه فریقین باجماع نقل کرده اند.

⑥ ۱۱۱۹- امام صادق علیه السلام فرمود: پیامبر خدا صلی الله علیه و آله از اسب فرو افتاد و سمت راست سر و پیشانی آنحضرت شکست و مجروح و خون آلود شد (یا بنا به روایت عاقله سمت راست بدنش شکسته و یا مجروح شد) پس با اصحاب خود در غره و بالا خانه اُمّ ابراهیم (ماریه) نشسته نماز خواند.

۱۱۲۰- وَ سَأَلَ جَبِلُ بْنُ صَالِحٍ «أَيُّهُمَا أَفْضَلُ يُصَلِّي بِأَهْلِ مَسْجِدِهِ إِذَا كَانَ إِمَامَهُمْ؟ قَالَ: يُؤَخَّرُ وَيُصَلِّي بِأَهْلِ مَسْجِدِهِ إِذَا كَانَ هُوَ الْإِمَامَ».

۱۱۲۱- وَ سَأَلَهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: إِنَّ لِي مَسْجِدًا عَلَى بَابِ دَارِي فَأَيُّهُمَا أَفْضَلُ أَصَلِّي فِي مَتَرِي فَأُطِيلُ الصَّلَاةَ أَوْ أَصَلِّي بِهِمْ وَأُخَفِّفُ؟ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَلِّ بِهِمْ وَأُخِّينِ الصَّلَاةَ وَلَا تُثْقِلْ».

۱۱۲۲- وَ «إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ فِي رَجُلَيْنِ اخْتَلَفَا فَقَالَ أَحَدُهُمَا: كُنْتُ إِمَامَكَ وَقَالَ الْآخَرُ: كُنْتُ إِمَامَكَ قَالَ: صَلَاتُهُمَا تَامَّةٌ، قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ قَالَ أَحَدُهُمَا: كُنْتُ أَنَا بِكَ وَقَالَ الْآخَرُ: كُنْتُ أَنَا بِكَ، قَالَ: فَصَلَاتُهُمَا فَاسِدَةٌ فَلْيَسْتَأْنِفَا».

۱- ۱۱۲۰- و جبیل بن صالح (از امام صادق علیه السلام) پرسید: کدامیک از این دو کار فضیلت بیشتری دارد، اینکه شخص در اول وقت نماز را بتنهائی بخواند، یا اینکه آنرا مقداری به عقب اندازد و با مردم که در مسجد او جمع می شوند (در صورتیکه امام ایشان باشد) بجماعت نماز را بخواند؟ آنحضرت فرمود: چنانچه امام مردم باشد بهتر است که نماز را به تأخیر اندازد و با مردم بجماعت نماز بخواند.

۲- ۱۱۲۱- و باز شخصی از آنحضرت سؤال کرد و گفت: من مسجدی بر در خانه ام یا نزدیک خانه ام دارم کدامیک از این دو بهتر است، اینکه در خانه ام بتنهائی نماز بخوانم و آنرا طولانی بجا آورم، یا اینکه به مسجد بروم و امامت مردم کنم و نماز را سبک بخوانم (چون در نماز جماعت سبک خواندن مطلوب است) آنحضرت در پاسخ مرقوم فرمود: با مردم نماز کن و نماز را نیکو بجا آر و سنگین مکن. (نه چندان سنگین که مأمومین را ملال آورد، و نه چندان سبک که عاقه می کنند و حسن نماز را میکاهد).

۳- ۱۱۲۲- امیرالمؤمنین علیه السلام در مورد دو نفر که با هم نماز کرده و یکی از آن دو بدیگری گوید من امامت تو کردم، و دیگری نیز گوید من امام تو بودم فرمود: نماز آن دو نفر صحیح است، راوی گوید: عرض کردم: حال اگر یکی از آن دو بدیگری بگوید: من به تو اقتدا کردم، و دیگری نیز بگوید: من به تو اقتدا کردم چگونه است؟ آنحضرت فرمود: نماز هر دو باطل است و هر دو نفر باید نماز را دوباره بخوانند.

۱۱۲۳- وَسَالُ جَمِيلُ بْنُ ذُرَّاجٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ إِمَامٍ قَوْمٍ أُجْنَبَ وَلَيْسَ مَعَهُ مِنَ الْمَاءِ مَا يَكْفِيهِ لِلْغَسْلِ وَمَعَهُمْ مَاءٌ يَتَوَضَّأُونَ بِهِ فَيَتَوَضَّأُ بَعْضُهُمْ وَيَوْمُّهُمْ، قَالَ: لَا وَلَكِنْ يَتَيَمَّمُ الْإِمَامُ وَيَوْمُّهُمْ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ الْأَرْضَ ظَهْرًا كَمَا جَعَلَ الْمَاءَ ظَهْرًا».

۱۱۲۴- وَرَوَى عَنْهُ عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ أَنَّهُ قَالَ: «مَا مِنْكُمْ أَحَدٌ يُصَلِّي صَلَاةَ فَرِيضَةٍ فِي وَقْتِهَا ثُمَّ يُصَلِّي مَعَهُمْ صَلَاةَ تَقِيَّةٍ وَهُوَ مُتَوَضِّئٌ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بِهَا خَمْسًا وَعِشْرِينَ دَرَجَةً، فَارْتَعَبُوا فِي ذَلِكَ».

۱۱۲۵- وَرَوَى عَنْهُ حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ صَلَّى مَعَهُمْ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ كَانَ كَمَنْ صَلَّى خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ».

۱۱۲۶- وَرَوَى عَنْهُ حَفْصُ بْنُ الْبَخْتَرِيِّ أَنَّهُ قَالَ: «يُخَسَّبُ لَكَ إِذَا دَخَلْتَ

(۱) ۱۱۲۳- جمیل بن ذراج از امام صادق علیه السلام پرسید: هرگاه امام جمعی جُئِب باشد و همراه او آنقدر آب نباشد که برای غسل کفایت کند، و مردم نیز با خود آب بقدر وضو ساختن داشته باشند آیا بعضی از ایشان می تواند وضو بسازد و امامت دیگران کند؟ آنحضرت فرمود: نه، بلکه امام ایشان تیمم می کند و پیشنمازی آنان می کند، همانا خداوند عز و جل زمین را پاک و پاک کننده ساخت، همچنانکه آب را پاک و پاکی بخش قرار داد.

(۲) ۱۱۲۴- و عمر بن یزید از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) روایت کرده که فرمود: هیچیک از شما نیست که نماز فریضه را در وقت خود بخواند آنگاه با اهل سنت از روی تقیه و با وضو نماز کند مگر آنکه خداوند عز و جل برای او بخاطر آن نماز جماعت بیست و پنج درجه منظور فرماید پس به این نماز رغبت کنید.

(۳) ۱۱۲۵- حماد بن عثمان از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) روایت کرده که فرمود: هر کس با ایشان (اهل سنت) در صف اول نماز کند (البته از روی تقیه و به ترتیبی که گذشت) همانند کسی است که در صف اول پشت سر رسول خدا صلی الله علیه و آله نماز کرده باشد.

(۴) ۱۱۲۶- حفص بن البختری از آنحضرت روایت کرده است که فرمود:

مَعَهُمْ، وَإِنْ كُنْتَ لَا تَقْتَدِي بِهِمْ حُسْبَ لَكَ مِثْلُ مَا يُحْسِبُ لَكَ إِذَا كُنْتَ مَعَ مَنْ تَقْتَدِي بِهِ» .

۱۱۲۷- وَرَوَى مَسْعَدَةُ بْنُ صَدَقَةَ «أَنَّ قَائِلًا قَالَ لِيَجْعَزَ بْنِ عَمِدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي أَمُرُ بِقَوْمٍ نَاصِبِيَّةٍ وَقَدْ أُقِيمَتْ لَهُمُ الصَّلَاةُ وَأَنَا عَلَى غَيْرِ وُضُوئِهِ فَإِنْ لَمْ أَدْخُلْ مَعَهُمْ فِي الصَّلَاةِ قَالُوا مَا شَأْنُكَ أَنْ يَقُولُوا أَفَأَصَلِّيَ مَعَهُمْ ثُمَّ أَتَوَضَّأُ إِذَا انْصَرَفْتُ وَأَصَلِّي؟ قَالَ جَعْفَرُ بْنُ عَمِدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: سُبْحَانَ اللَّهِ أَفَمَا يَخَافُ مَنْ يُصَلِّي عَلَى غَيْرِ وُضُوئِهِ أَنْ تَأْخُذَهُ الْأَرْضُ خَشْفًا».

۱۱۲۸- وَرَوَى عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: زَيْدُ الشَّحَامُ أَنَّهُ قَالَ: «يَا زَيْدُ خَالِقُوا النَّاسَ بِأَخْلَاقِهِمْ، صَلُّوا فِي مَسَاجِدِهِمْ، وَعُودُوا مَرْضَاهُمْ، وَاشْهَدُوا جَنَائِزَهُمْ، وَإِنْ اسْتَظَلَّكُمْ أَنْ تَكُونُوا الْأَيْمَةُ وَالْمُؤَذِّنِينَ فَافْعَلُوا، فَإِنَّكُمْ إِذَا فَعَلْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا: هَؤُلَاءِ الْجَعْفَرِيَّةُ رَجِمَ اللَّهُ جَعْفَرَ كَانَ أَحْسَنَ مَا يُؤَذِّنُ أَصْحَابَهُ، وَإِذَا تَرَكْتُمْ ذَلِكَ قَالُوا: هَؤُلَاءِ

هرگاه در نماز جماعت اهل سنت داخل شوی اگر چه به ایشان اقتدا نمیکنی برای تو همانند وقتی که بشخص عادل واحد شرایطی اقتدا میکنی ثواب منظور می شود.

۱۱۲۷- مَسْعَدَةُ بْنُ صَدَقَةَ روایت کرده که شخصی به امام صادق علیه السلام عرض کرد: فدایت گردم گاه من به گروهی ناصبی (یعنی کسانی که آشکارا اظهار عداوت با اهل بیت علیهم السلام می کنند) برخورد می کنم و ایشان إقامة نماز گفته اند و من وضو ندارم، در این حال اگر با ایشان داخل در نماز نشوم هر چه بخواهند بمن میگویند آیا با ایشان بی وضو نماز بخوانم و پس از آن که از نماز آنان فارغ شدم وضو کنم و نماز را بخوانم؟ آنحضرت فرمود: سبحان الله آیا کسی که بدون وضو نماز میکند نمی ترسد که زمین بشکافد و او را در خود فروبرد.

شرح: «از خبر عدم جواز فهمیده میشود، بلکه حرمت آن».

۱۱۲۸- زید شحام از آنحضرت روایت کرده است که باو فرمود: ای زید با مردم (یا با اهل سنت با طریقه و آداب آنان معاشرت کنید، در مساجد آنان نماز بخوانید، و از بیمارانشان دیدن و احوالپرسی کنید و بر جنازه هایشان حاضر شوید و اگر توانستید که پیش نماز آنان باشید و اذان گوی ایشان شوید پس حتماً این کار را

الْجَعْفَرِيَّةُ فَقَالَ اللَّهُ يَجْعَلُ مَا كَانَ أَسْوَأَ مَا يُؤَدَّبُ أَصْحَابَهُ».

۱۱۲۹- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَذُنُ خَلْفَ مَنْ قَرَأَتْ خَلْفَهُ».

۱۱۳۰- وَقَالَ لَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلٌ: «أُصَلِّي فِي أَهْلِي ثُمَّ أَخْرُجُ إِلَى الْمَسْجِدِ

فَيَقُودُ مَوْنِي فَقَالَ: تَقَدَّمْ لَا عَلَيْكَ وَصَلَّ بِهِمْ».

۱۱۳۱- وَرَوَى هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي

الْصَّلَاةَ وَخَذَهُ ثُمَّ يَجِدُ جَمَاعَةً، قَالَ: يُصَلِّي مَعَهُمْ وَيَجْعَلُهَا الْفَرِيضَةَ إِنْ شَاءَ».

بکنید یا کوناھی نورزید، زیرا وقتی شما چنین رفتار می کنید آنان می گویند: اینان از شیعیان جعفری مذهب اند رحمت خداوند بر جعفر بن محمد باد که چه نیکو اصحاب خود را مؤذّب می کند و چون این رفتارهای شایسته را ترک می گوئید با خود می گویند: اینان شیعیان جعفری اند خداوند او را جزا دهد و چنین و چنان کند که اصحاب خود را چه بد پرورش داده است.

۱۱۲۹- امام صادق علیه السلام فرمود: پشت سر کسی که خود قرائت می کنی اذان را نیز خود بگو، (یعنی همچنانکه بقرائت او اعتماد نیست به اذان او نیز اعتماد نمی توان کرد).

۱۱۳۰- مردی به آنحضرت (امام صادق علیه السلام) عرض کرد: من در خانواده خود نماز (فرادی) می گزارم آنگاه بیرون رفته و به مسجد (اهل سنت یا شیعه) میروم و آنان مرا به امامت نماز پیش می اندازند چه کنم؟ آنحضرت فرمود: اشکالی ندارد جلو بایست و با ایشان (به امامت) نماز کن.

۱۱۳۱- هشام بن سالم از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) روایت کرده است که آنحضرت در مورد شخصی که خود به تنهایی نماز می کند آنگاه بر جماعتی برخورد می کند یا عده ای پیدا می شوند (که برای نماز آماده شده اند) فرمود: با ایشان هم نماز می کند و اگر بخواهد این نماز را قصد فریضه کند.

شرح: «ظاهراً این روایت جواز تغییر و بازگشت از نیت اول پس از انجام نماز است، ولی محتمل است که ضمیر راجع به الله باشد، در این صورت فاعل «يَجْعَلُهَا» خداوند عز و جل خواهد بود، یعنی خداوند آنرا فریضه محسوب فرماید، یا به تعبیر دیگر از میان دو نماز آن نمازی که دارای فضیلت بیشتری است خواهد پذیرفت چنانکه

۱۱۳۲- وَقَدْ رُوِيَ «أَنَّهُ يُحْسَبُ لَهُ أَفْضَلُهُمَا وَ أَتْمُّهُمَا».

۱۱۳۳- وَسَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «عَنِ

الرَّجُلِ هَلْ يُصَلِّي بِالْقَوْمِ وَعَلَيْهِ سَرَاوِيلُ وَرِدَاءٌ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ».

مضمون خبر آتی نیز مؤید همین نظر است، پاره‌ای گویند: مراد ظاهر حدیث است، یعنی آنچه انجام داده‌ام سنت و این نماز اخیر فریضه باشد، چنانکه گذشت، و محتمل است مراد این باشد که نماز اخیر را قضای فریضه‌ای که از او فوت شده قرار دهد. بهر حال آنچه در بین اصحاب مورد اتفاق نظر است جایز بودن اعاده نماز است برای کسی که خود بتنهائی نماز کرده و آنگاه جماعتی بهم رسیده‌اند، اعم از اینکه امامت ایشان کند یا اینکه خود اقتدا کند می‌تواند نماز انفرادی را بجماعت اعاده کند. اختلاف نظر در اینست که شخص با جماعتی نماز کند آنگاه به جماعت دیگری برخورد کند، در این مورد شهید- رضوان الله علیه- در کتاب «الذکر» در مسأله اخیر با توجه به عموم و اطلاق لفظ اعاده، حکم به استحباب اعاده فرموده است. صاحب مدارک با استناد به اینکه اکثر روایات وارده مربوط به کسی است که به تنهائی نماز کرده باشد به شهید معترض شده و نه تنها قائل به استحباب نیست بلکه میگوید احوط عدم اعاده نمازی است که به جماعت خوانده شده و بخواهند بار دیگر آنرا بخوانند».

① ۱۱۳۲- و روایت کرده‌اند که: بهترین و کاملترین نماز (از میان دو نمازی که شخص بجا آورده) بحساب او منظور می‌گردد.

شرح: «زیرا گاهی نماز انفرادی ثوابش بیشتر است از نماز جماعت و آن هنگامیست که جماعت با شرائط اسلام واقعی برپا نشده باشد.»

② ۱۱۳۳- عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ از برادرش موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال کرد: آیا شخص می‌تواند پیشنمازی جماعت کند در حالیکه فقط زیر جامه و ردائی بر تن داشته باشد آیا همین لباس کافی است؟ آنحضرت فرمود: اشکالی ندارد.

شرح: «باید توجه داشت با فرض اینکه شخص بیش از اینها جامه نداشته باشد همین زیر جامه و رداء کفایت می‌کند. و الا اگر بتواند جامه دیگر یا پیراهن بپوشد در این صورت با پیراهن افضل است.»

۱۱۳۴- وَرَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ آخِرَ صَلَاةٍ صَلَّاهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِالنَّاسِ فِي تَوْبٍ وَاحِدٍ قَدْ خَالَفَ بَيْنَ طَرَفَيْهِ، أَلَا أُرِيكَ التَّوْبَ؟ قُلْتُ: بَلَى. قَالَ: فَأُخْرِجْ وَلِحَقَّةٍ قَدَرَعْتُهَا وَكَانَتْ سَبْعَةَ أَذْرُعٍ فِي ثَمَانِيَةِ أَشْبَارٍ».

۱۱۳۵- وَسَأَلَ عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «عَنِ الرَّوَايَةِ الَّتِي يَرَوُونَ أَنَّهُ لَا يَتَّبِعُنِي أَنْ يَتَطَوَّعَ فِي وَقْتِ كُلِّ فَرِيضَةٍ مَا حَدُّ هَذَا الْوَقْتِ؟ فَقَالَ: إِذَا أَخَذَ الْمُقِيمُ فِي الْإِقَامَةِ، فَقَالَ لَهُ: إِنَّ النَّاسَ يَخْتَلِفُونَ فِي الْإِقَامَةِ؟ قَالَ: الْمُقِيمُ الَّذِي يُصَلِّي مَعَهُ».

۱۱۳۶- وَسَأَلَهُ حَفْصُ بْنُ سَالِمٍ «إِذَا قَالَ الْمُؤَذِّنُ: قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ أَيْقُمُوا

(۱) ۱۱۳۴- زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: همانا آخرین نمازی که پیامبر خدا صلی الله علیه وآله با مردم بجا آورد در یک جامه بود بدین صورت که سمت چپ آنرا روی شانه راست و سمت راست آنرا روی شانه چپ انداختند (یعنی مثل پارچه‌ای که معمولاً روی دوش انداخته و دو سر آنرا مخالف جهت یکدیگر بصورت «ضربدر» روی دو شانه می‌بندازند. یا اینکه یک طرف آنرا لنگ کرده و طرف دیگرش را رداء ساخت) میخواهی آن جامه را بتو نشان دهم؟ عرض کردم: بلی، راوی گوید: آنحضرت چادرشبی بیرون آورد و من آنرا اندازه کردم طول آن هفت ذراع و عرض آن هشت و جب بود.

(۲) ۱۱۳۵- عمر بن یزید از امام صادق علیه السلام در مورد این روایت سؤال کرد که میگویند نافله خواندن در وقت مقرر هر فریضه‌ای سزاوار نیست حدّ این وقت چه زمانی است؟ آنحضرت فرمود: هنگامیکه اقامه گوینده یا مؤذن شروع به اقامه کند، به آنحضرت عرضه داشت: مردمان در مورد اقامه اختلاف نظر دارند، کدام اقامه مراد است؟ آنحضرت فرمود: اقامه اقامه کننده‌ای که با او نماز میخوانند. شرح: «مراد آنستکه هنگامیکه اقامه گوینده «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» میگوید و

نماز بلافاصله پس از آن شروع میشود خواندن نماز مستحبی سزاوار نیست».

(۳) ۱۱۳۶- حفص بن سالم از امام صادق علیه السلام پرسید: هنگامیکه مؤذن گوید: «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» آیا مردم برمیخیزند یا منتظر می‌نشینند تا امامشان بیاید؟

التَّاسُ عَلَىٰ أَرْجُلِهِمْ أَوْ يَجْلِسُونَ حَتَّىٰ يَجِيءَ إِمَامُهُمْ؟ قَالَ: لَا بَلَّ يَقُومُونَ عَلَىٰ أَرْجُلِهِمْ فَإِنْ جَاءَ إِمَامُهُمْ وَإِلَّا فَلْيُؤَخِّذْ بِيَدِ رَجُلٍ مِنَ الْقَوْمِ فَيَقْدُمُ».

۱۱۳۷- وَرَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا أُقِيمَتِ الصَّلَاةُ حَرَّمَ الْكَلَامَ عَلَى الْإِمَامِ وَأَهْلِ الْمَسْجِدِ إِلَّا فِي تَقْدِيمِ إِمَامٍ».

۱۱۳۸- وَرَوَى عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُ «سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَوْمَ الرَّجُلَيْنِ قَالَ: يَتَقَدَّمُهَا وَلَا يَقُومُ بَيْنَهُمَا، وَعَنِ الرَّجُلَيْنِ يُصَلِّيانِ جَمَاعَةً، قَالَ: نَعَمْ يَجْعَلُهُ عَنْ يَمِينِهِ».

۱۱۳۹- قَالَ: وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَقِيمُوا صُفُوفَكُمْ فَإِنِّي أَرَاكُمْ مِنْ خَلْفِي كَمَا أَرَاكُمْ مِنْ قُدَّامِي، وَمِنْ بَيْنِ يَدَيَّ، وَلَا تُخَالِفُوا فَيُخَالِفَ اللَّهُ بَيْنَ قُلُوبِكُمْ».

آنحضرت فرمود: نه، بلکه برپا می ایستند در این حال اگر امام آنان آمده بود که با او نماز میخوانند و اگر نیامده بود باید دست یکی از حاضران را گرفته او را پیش بدارند و باو اقتدا کنند.

۱۱۳۷- زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هنگامیکه اقامه نماز گفته شد سخن گفتن بر امام و تمامی حاضران در مسجد حرام می شود، مگر در مورد تعیین و پیش انداختن امام.
شرح: «یعنی اینکه بگویند فلانی، تو امامت کن».

۱۱۳۸- از محمد بن مسلم روایت کرده اند که گفت: (از امام باقر علیه السلام) سؤال کردند درباره مردی که دو نفر را امامت کند، آنحضرت فرمود: جلومی ایستد و آن دو نفر پشت سر او قرار میگیرند و میان آن دو نمی ایستد، و باز سؤال کردند در مورد اینکه دو نفر می توانند به جماعت نماز کنند؟ آنحضرت فرمود: بلی، یکی از آن دو که امام باشد دیگری را در سمت راست خود قرار میدهد.

۱۱۳۹- و باز آنحضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به مأمومین فرمود: صفهای خود را راست و درست کنید که من شما را از پشت سر خود چنان می بینم که از پیش روی و مقابل خویش می بینم، و با یکدیگر در ترتیب مخالفت نکنید که خداوند در میان دلهای شما مخالفت و دوگانگی اندازد.

۱۱۴۰- وقال أبو الحسن موسى بن جعفر عليهما السلام: «إن الصلاة في الصف الأول كالجهاد في سبيل الله عز وجل».

۱۱۴۱- وروى الحلبي عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: «لا أرى بالصُفوف بين الأساطين بأساً».

۱۱۴۲- وقال عليه السلام: «أَيُّمُوا صُفُوفَكُمْ إِذَا رَأَيْتُمْ خَللاً وَلَا تَصُرُّكَ أَنْ تَتَأَخَّرَ وَرَاءَكَ إِذَا وَجَدْتَ ضِيقاً فِي الصَّفِّ الْأَوَّلِ إِلَى الصَّفِّ الَّذِي خَلْفَكَ وَتَمْشِي مُتَحَرِّفاً».

۱۱۴۳- وروى زرارة عن أبي جعفر عليه السلام أنه قال: «يَتَّبِعِي لِلصُّفُوفِ أَنْ تَكُونَ تَامَةً مُتَوَاصِلَةً بَعْضُهَا إِلَى بَعْضٍ، وَلَا يَكُونَ بَيْنَ الصَّفِّينِ مَالاً يُتَخَطَّى، يَكُونُ

۱۱۴۰ (۱) - موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: همانا نماز گزاردن در صف اول جماعت از نظر ارزش و ثواب همانند جهاد در راه خداوند عز و جل است. شرح: «مراد آنستکه هر چه زودتر بنماز حاضر شوند زیرا که کسانی که زودتر بنماز جماعت حاضر میشوند صف اول را اشغال می کنند».

۱۱۴۱ (۲) - حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: من اشکالی نمی بینم در صفهایی که میان ستونها تشکیل می شود. (اعم از صفهایی که ستونها آن را قطع می کند یا میان ستونها تشکیل میشود و در واقع ستون در حکم حائل است و این هر دو حالت ضرری ندارد).

۱۱۴۲ (۳) - و نیز آنحضرت فرمود: صفهای نماز را وقتی می بینید جائی از آن خللی یافته یا بازمانده و فاصله پیدا شده آنرا پر کنید، و اگر در صف اول فشار جمعیت جای ایستادن و نشستن را تنگ کرده ضرری به نماز تو نمی رساند که به صف پشت سر خود بروی و در میان فرجه بایستی و با حالت عدم انحراف از قبله (بدون آنکه پشت بقبله کنی) به عقب بروی.

۱۱۴۳ (۴) - زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود: سزاوار و شایسته است برای صفوف جماعت که پُر و بدون کاستی و متصل بیکدیگر باشد، و در میان دو صف چندان فاصله نباشد که بیش از برداشتن یک گام شود و اندازه آن فاصله مقداری است که چون انسان به سجده رود از زمین

قَدَرُ ذَلِكَ مَسْقَظُ جَسَدِ إِنْسَانٍ إِذَا سَجَدَ».

۱۱۴۴- وقال أبو جعفر عليه السلام: «إِنْ صَلَّى قَوْمٌ بَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الْإِمَامِ مَا لَا يَتَخَطَّى فَلَيْسَ ذَلِكَ الْإِمَامُ لَهُمْ بِإِمَامٍ، وَأَيُّ صَفٍّ كَانَ أَهْلُهُ يُصَلُّونَ بِصَلَاةِ إِمَامٍ وَبَيْنَهُمْ وَبَيْنَ الصَّفِّ الَّذِي يَتَقَدَّمُهُمْ مَا لَا يَتَخَطَّى فَلَيْسَ تِلْكَ لَهُمْ بِصَلَاةٍ، وَإِنْ كَانَ سِتْرًا أَوْ جِدَارًا فَلَيْسَ تِلْكَ لَهُمْ بِصَلَاةٍ إِلَّا مَنْ كَانَ جِوَالِ الْبَابِ قَالَ: هَذِهِ الْمَقَاصِيرُ إِنَّمَا أَخَذَتْهَا الْجَبَّارُونَ وَلَيْسَ لِمَنْ صَلَّى خَلْفَهَا مُقْتَدِيًا بِصَلَاةٍ مِنْ فِيهَا صَلَاةٌ، قَالَ: وَقَالَ: أَيُّمَا امْرَأَةٍ صَلَّتْ خَلْفَ إِمَامٍ وَبَيْنَهَا وَبَيْنَهُ مَا لَا يَتَخَطَّى فَلَيْسَ لَهَا تِلْكَ بِصَلَاةٍ قَالَ: قُلْتُ فَإِنْ جَاءَ إِنْسَانٌ يُرِيدُ أَنْ يُصَلِّيَ كَيْفَ يَصْنَعُ وَهِيَ إِلَى جَانِبِ الرَّجُلِ،

اشغال می کند.

۱۱۴۴- امام محمد باقر علیه السلام فرمود: هرگاه گروهی نماز بخوانند و میان آنان و امام چندان فاصله باشد که با برداشتن یک گام فراخی آن پر نشود آن امام برای ایشان امام نیست، و هر صف جماعتی که با پیششمازی نماز می کنند و فاصله میان آنان با نمازگزاران صف مابعد، چندان باشد که یک گام آنرا پر نکند، نماز ایشان نماز نیست یا تمام و درست نیست، و اگر در میانه آن دو، پرده یا دیواری باشد آن نماز برای ایشان نماز صحیح نیست، مگر نماز کسی که محاذی در می باشد (که بر آن دیوار باشد، چون ایشان صرفنظر از فاصله مأمومین می توانند امام را ببینند).

راوی (زراره) گوید: آنحضرت اضافه فرمود: این مقصوره های موجود (که امام در آن قرار گرفته و از نظر مأمومین دور و غیر قابل رؤیت می شود) ساخته دست ستمکاران است (مثل ستمگران و حکام بنی امیه، و در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین مقصوره ها نبود) و کسی که به امامی اقتدا کند که در مقصوره است از طرفین مقصوره (چون امام را خود نمی بیند و کسی که امام را ببیند نیز نمی بیند) نمازش صحیح نیست.

راوی می گوید: باز آنحضرت فرمود: هر زنی که به امامی اقتدا کرده و پشت سر او نماز بخواند ولی فاصله او با امام چندان باشد که با برداشتن یک گام آن فاصله طی نشود، نمازش صحیح نیست، راوی گوید: عرض کردم: اگر در این حال مردی بیاید و بخواهد به امام اقتدا کند، در حالیکه آن زن در جانب آن مرد است چه

قَالَ: يَدْخُلُ بَيْنَهَا وَبَيْنَ الرَّجُلِ وَتَحْدِرُ هِيَ شَيْئًا».

۱۱۴۵- وَفِي رِوَايَةِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَقْلُ مَا

يَكُونُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ الْقِبْلَةِ مَرِيضٌ عَثِرٌ وَأَكْثَرُ مَا يَكُونُ مَرَبْطٌ قَرِيسٌ».

۱۱۴۶- وَقَالَ عَمَّارُ بْنُ مُوسَى: «سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: عَنِ الْإِمَامِ

يُصَلِّي وَخَلَقَهُ قَوْمٌ أَسْفَلَ مِنَ الْمَوْضِعِ الَّذِي يُصَلِّي فِيهِ، قَالَ: إِنْ كَانَ الْإِمَامُ عَلَى
الَّذِي كَانَ أَوْ عَلَى أَرْقَعٍ مِنْ مَوْضِعِهِمْ لَمْ تَجْزِ صَلَاتُهُمْ، وَإِنْ كَانَ أَرْقَعٌ مِنْهُمْ بِإِصْبَعٍ أَوْ
أَكْثَرَ أَوْ أَقْلُ إِذَا كَانَ الِارْتِفَاعُ يَقْطَعُ سَبِيلَ وَإِنْ كَانَتْ الْأَرْضُ مَبْسُوطَةً وَكَانَ فِي
مَوْضِعِ مَنَاهَا ارْتِفَاعٌ فَقَامَ الْإِمَامُ فِي الْمَوْضِعِ الْمُرْفِيعِ وَقَامَ مَنْ خَلَقَهُ أَسْفَلَ مِنْهُ وَالْأَرْضُ

می‌کند؟ فرمود: میان آن زن و مرد می‌ایستد، وزن نیز خود را اندکی عقب می‌کشد.

۱۱۴۵- در روایت عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام منقول است

که آنحضرت فرمود: کمترین مقدار فاصله که میان تو و صف مقابل تو است باندازه قامت بزی است که خوابیده باشد، و بیشترین حد فاصله باندازه کاهدانی است که برای اسبان می‌بندند، یا بنا به نقل دیگری باندازه محل خوابیدن یک اسب.

۱۱۴۶- عمار سیاطی گوید از امام صادق علیه السلام سؤال کردند:

هرگاه امامی نماز کند و پشت سر او مأمومین در محلی قرار داشته باشند که سطح آن محل از جایی که امام نماز میخواند پائین‌تر باشد حکم آن چگونه است؟ آنحضرت فرمود: اگر امام بر موضعی مانند صفهای بلند و دکانهای بازار (که باندازه یک سکوی معمولی یا بیشتر از سطح زمین بلندتر است) یا بر جایی که از سطح مأمومین بسیار بلندتر است قرار داشته باشد نماز مأمومین صحیح نیست (ولی نماز امام صحیح است چون بمنزله نماز فردی است)، و اگر امام باندازه بلندی یک انگشت یا اندکی بیشتر یا کمتر از موضع مأمومین بلندتر باشد هرگاه این اختلاف ارتفاع، باندازه اختلاف سطح و ناهمواری از جهت میل باشد (یا چنانکه در پاره‌ای از نسخ تهذیب آمده بقدر شبر یعنی یکوجب یا بنسخه دیگر بقدر یسیر یعنی قدر کمی باشد) اشکالی ندارد، و هرگاه زمین همانند دشت گسترده و هموار باشد و فقط در جایی از آن برآمدگی طبیعی باشد، امام جماعت در محل برآمدگی می‌ایستد و مأمومین پشت سر او در سطح پست‌تر می‌ایستند ولی اگر زمین گسترده و هموار و باز باشد جز اینکه در

مَبْسُوطَةٌ إِلَّا أَنَّهُا فِي مَوْضِعٍ مُنْحَدِرٍ فَلَا بَأْسَ بِهِ، وَ سُئِلَ فَإِنْ قَامَ الْإِمَامُ أَسْفَلَ مِنْ مَوْضِعِ مَنْ يُصَلِّي خَلْفَهُ قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ، وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنْ كَانَ الرَّجُلُ فَوْقَ بَيْتِ أَوْغَيْرَ ذَلِكَ ذُكُنًا كَانَ أَوْ غَيْرُهُ وَكَانَ الْإِمَامُ يُصَلِّي عَلَى الْأَرْضِ وَالْإِمَامُ أَسْفَلَ مِنْهُ كَانَ لِلرَّجُلِ أَنْ يُصَلِّيَ خَلْفَهُ وَ يَقْتَدِيَ بِصَلَاتِهِ وَإِنْ كَانَ أَرْفَعَ مِنْهُ بِشَيْءٍ كَثِيرٍ.

۱۱۴۷- وَ سَأَلَ مُوسَى بْنُ يَكْرِ بْنِ الْحَسَنِ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «عَنْ

الرَّجُلِ يَقُومُ فِي الصَّفِّ وَخَدَهُ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ إِنَّمَا يَتَذَوُّ الصَّفَّ وَاجِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ».

۱۱۴۸- وَ رَوَى عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِذَا دَخَلْتَ الْمَسْجِدَ وَالْإِمَامُ رَاكِعٌ وَظَنَنْتَ أَنَّكَ إِنْ مَشَيْتَ إِلَيْهِ رَفَعَ

سراسیمه قرار گرفته یا فرو رفتگی در آن باشد اختلاف ارتفاع امام و مأمومین اشکالی ندارد. (یعنی طرف قبله بالا باشد و امام ناچار در آنجا بایستد در صورت استواء زمین اشکالی ندارد).

و سؤال کردند اگر امام در محلی پائین تر از موضع کسانی که پشت سر او نماز می کنند بایستد چه حکمی دارد؟ فرمود: اشکالی بر آن نیست. و باز آنحضرت فرمود: هرگاه شخص بر بام خانه یا مانند آن بایستد چه دکان باشد و چه محل دیگری و امام بر روی زمین نماز کند و سطح محلی که امام بر آن نماز می کند، پائین تر از آن شخص مأموم باشد آن شخص میتواند به او اقتدا کرده پشت سر امام نماز بخواند، هر چه ارتفاع مأموم باشد آن شخص میتواند به او اقتدا کرده پشت سر امام نماز بخواند، هر چه ارتفاع محل ایستادن او از امام بسیار بلندتر باشد (بطور خلاصه مأموم می تواند بر بلندی بایستد با هر ارتفاعی).

۱۱۴۷- موسی بن یکر از امام کاظم علیه السلام سؤال کرد در مورد شخصی که به تنهایی بعنوان یک صف بایستد، آنحضرت در پاسخ فرمود: اشکالی ندارد، صف خود از یکی یکی افراد که می آیند و در کنار هم می ایستند پدید می آید.

۱۱۴۸- از عبد الرحمن بن ابی عبد الله روایت کرده اند که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: هرگاه داخل مسجد شدی و امام در رکوع بود و بنظرت رسید که اگر بخواهی بطرف او بروی و به صف بررسی در این فاصله امام سر

رَأْسُهُ فَكَبَّرَ وَارْتَعَفَ فَإِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ فَاسْجُدْ مَكَانَكَ فَإِذَا قَامَ فَالْحَقَّ بِالصَّفِّ ، وَإِنْ جَلَسَ فَاجْلِسْ مَكَانَكَ فَإِذَا قَامَ فَالْحَقَّ بِالصَّفِّ».

۱۱۴۹- وَرَوَى أَنَّهُ «يَمْشِي فِي الصَّلَاةِ يَجُرُّ رِجْلَيْهِ وَلَا يَتَخَطَّى».

۱۱۵۰- وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا أَدْرَكْتَ

الْإِمَامَ وَقَدْ رَكَعَ فَكَبَّرْتَ قَبْلَ أَنْ يَرْفَعَ الْإِمَامُ رَأْسَهُ فَقَدْ أَدْرَكْتَ الرُّكْعَةَ، وَإِنْ رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ أَنْ تَرَكَعَ فَقَدْ فَاتَتْكَ الرُّكْعَةُ».

۱۱۵۱- وَرَوَى أَبُو أُسَامَةَ أَنَّهُ سَأَلَهُ «عَنْ رَجُلٍ انْتَهَى إِلَى الْإِمَامِ وَهُوَ رَاكِعٌ

قَالَ: إِذَا كَبَّرَ وَأَقَامَ صَلَاتَهُ ثُمَّ رَكَعَ، فَقَدْ أَدْرَكَ».

از رکوع برخواهد داشت، پس همانجا که هستی تکبیرة الاحرام بگو و به رکوع برو و چون امام سر برداشت همانجا سجده را بجای آر، و وقتی امام برخاست آنگاه پیش برو و به صف ملحق شو، و اگر امام نشست تو نیز همانجا بنشین و وقتی برخاست تو نیز برخیز و به صف نماز گزاران ملحق شو.

① ۱۱۴۹- و روایت کرده اند که شخص در نماز بدین نحو جلو میرود که پاهایش را بزمین میکشد و گند پیش میرود، و گام برنمیدارد (که با حالت عادی راه رفتن فرق داشته و منافی حال و وضع نماز گزار نباشد).

② ۱۱۵۰- حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هرگاه به امام برسی و او را در حالیکه به رکوع رفته بیایی و پیش از آنکه سر از رکوع بردارد تکبیرة الاحرام بگویی، آن رکعت را بجماعت دریافته ای، ولی اگر پیش از آنکه به رکوع روی، امام سر از رکوع بردارد، آن رکعت از دست تو رفته و فوت شده است.

شرح: «(ظاهراً و بقرینه قسمت اخیر روایت، باید لفظ «به رکوع بروی» پس از «تکبیرة الاحرام بگویی» از قلم نساخ افتاده باشد، زیرا فرق میان دو صورت معنونه در روایت که یکی موجب درک یک رکعت، و دیگری سبب فوت آن رکعت می شود تنها در بجا نیاوردن رکوع از طرف مأموم قبل از سر برداشتن امام از رکوع است».

③ ۱۱۵۱- أبو أُسَامَةَ روایت کرده است که از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) سؤال کرده است در مورد شخصی که به امام برسد و امام در رکوع

۱۱۵۲- وَقَالَ رَجُلٌ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنِّي إِمَامٌ مَسْجِدِ الْحَيِّ فَأَرْكَعُ بِهِمْ وَأَسْمَعُ خَفَقَانَ يُعَالِيهِمْ وَأَنَارَاكِعُ، فَقَالَ: اضْبِرْ رُكُوعَكَ وَمِثْلَ رُكُوعِكَ فَإِنْ انْقَطَعُوا وَإِلَّا فَأَنْتَ نَصِيبٌ قَائِمًا».

۱۱۵۳- وَرَوَى إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَنَّهُ قَالَ: «يَنْتَبِهُ لِلْإِمَامِ أَنْ يَكُونَ صَلَاتُهُ عَلَى صَلَاةٍ أَضْعَفَ مِنْ خَلْفِهِ».

۱۱۵۴- وَكَانَ مُعَاذٌ يَوْمٌ فِي مَسْجِدٍ عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيُطِيلُ الْقِرَاءَةَ وَأَنَّهُ مَرَّ بِهِ رَجُلٌ فَأَفْتَتَحَ سُورَةَ طَوِيلَةً فَقَرَأَ الرَّجُلُ لِنَفْسِهِ وَصَلَّى، ثُمَّ رَكِبَ رَاحِلَتَهُ فَبَلَغَ ذَلِكَ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَبَعَثَ إِيَّاهُ مُعَاذٌ فَقَالَ: يَا مُعَاذُ إِنِّي أُنْ

باشد، تکلیف او چیست؟ فرموده: اگر وقتی که در حال قیام باشد و تکبیر بگوید و آن گام به رکوع رود، به آن رکعت از نماز رسیده و آنرا بدست آورده است.

۱۱۵۲- شخصی به امام باقر علیه السلام عرض کرد: من امام مسجد قبله هستم، هنگام نماز که با ایشان به رکوع میروم صدای کفشهای اهل قبله را می شنوم (که بنماز می آیند) در حالیکه در رکوع هستم چه باید بکنم؟ آنحضرت فرمود: دو برابر رکوعی که همیشه می کنی صبر کن، اگر ایشان بنماز رسیدند که هوا مطلوب و اگر نه، از رکوع سر بردار و بایست.

۱۱۵۳- اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: امام را سزاوار آنست که غارش متناسب با حال ضعیف ترین کسی که پشت سر او است باشد (یعنی سبک بجا آورد و طولانی نسازد مگر اینکه پشت سر او افرادی باشند که همه توانائی تحمل نماز طولانی را داشته باشند).

۱۱۵۴- در زمان رسول خدا صلی الله علیه و آله معاذ بن جبل در مسجدی امامت میکرد و قراءت را طولانی می ساخت، اتفاقاً شخصی بر او گذشت، و خواست با او نماز جماعت کند که معاذ شروع بخواندن سورة طولانی و بلندی کرد، آن شخص که وضع را چنین دید، قصد انفراد کرده خود قراءت را خواند و نماز را به پایان رسانده بر مرکب خویش نشست و رفت، این خبر به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید، شخصی را نزد معاذ فرستاد و فرمود: معاذ زتهار از اینکه فتنه ساز باشی و کاری کنی که مردم نماز جماعت را ترک کنند تو را سفارش می کنم

تَكُونُ قَتَانًا، عَلَيْكَ بِالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَذَوَاتِهَا».

۱۱۵۵- و «إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ ذَاتَ يَوْمٍ يَوْمُ أَصْحَابِهِ فَيَسْمَعُ بُكَاءَ الصَّبِيِّ فَيَخَفِفُ الصَّلَاةَ».

وَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْرَأَ قِرَاءَةً وَسْطًا لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «وَلَا تَجْهَرُ بِصَلَاتِكَ وَلَا تُخَافِتُ بِهَا».

وَإِذَا قَرَعَ الْإِمَامُ مِنْ قِرَاءَةِ الْفَاتِحَةِ فَلْيَقُلِ الَّذِي خَلَفَهُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُقَالَ بَعْدَ قِرَاءَةِ فَاتِحَةِ الْكِتَابِ «آمِينَ» لِأَنَّ ذَلِكَ كَانَتْ تَقُولُهُ النَّصَارَى.

۱۱۵۶- وَرَوَى زُرَّارَةُ؛ وَمُحَمَّدُ بْنُ مُثَلِّمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «مَنْ قَرَأَ خَلَفَ إِمَامًا يَأْتُمُ بِهِ فَمَا تَبُيِّتَ عَلَى

که سوره های کوتاه مثل «وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا» و امثال آنرا بخوانی.

① ۱۱۵۵- همانا پیامبر خدا صلی الله علیه و اله روزی برای اصحاب خود امامت میفرمود، که صدای گریه کودک کی بگوش آنحضرت رسید، پس نماز را کوتاه و سُبُک بپایان رسانید (تا مادر طفل که در نماز بوده زودتر از نماز فارغ شود و بکودک خود پردازد).

و بر امام است که در نماز جهریه قراءت را با صدای متوسط (نه بسیار بلند و نه بسیار آهسته) بخواند، زیرا خداوند عز و جل میفرماید «نمازت را بلند بخوان، و بسیار آهسته نیز بخوان».

و چون امام از خواندن حمد فارغ شود، کسی که پشت سر او است باید بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و جایز نیست پس از خواندن سوره حمد مأمومین «آمین» بگویند، زیرا این کلمه را نصاری میگویند.

② ۱۱۵۶- زراره و محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده اند که آنحضرت فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمود: هرکس پشت سر امامی که به او اقتدا کرده قراءت را خود بخواند و بمبرد بر غیر فطرت اسلام مُرده است.

شرح: «ممکن است خبر در مورد نمازهای جهریه که صوت امام را میشنود باشد نه مطلق و ذیل خبر، این معنی را تأیید می کند از حیث مناسبت».

غَيْرِ فِطْرَةٍ».

۱۱۵۷- وَ رَوَى الْحَلْبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا صَلَّيْتَ خَلْفَ إِمَامٍ تَأْتُمُ بِهِ فَلَا تَقْرَأْ خَلْفَهُ، سَمِعْتَ قِرَاءَتَهُ أَوَّلَمَ تَسْمَعُ، إِلَّا أَنْ تَكُونَ صَلَاةً يُجَهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ فَلَمْ تَسْمَعْ قَافِرًا».

۱۱۵۸- وَ فِي رِوَايَةِ عُثَيْدِ بْنِ زُرَّارَةَ [عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ] «أَنَّهُ إِنْ سَمِعَ الِهْمَمَةَ فَلَا يَقْرَأْ».

۱۱۵۹- وَ رَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَا تَقْرَأَنَّ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ مِنَ الْأَرْبَعِ الرُّكْعَاتِ الْمَفْرُوضَاتِ شَيْئًا، إِمَامًا كُنْتَ أَوْ غَيْرَ إِمَامٍ، قَالَ: قُلْتُ فَمَا أَقُولُ فِيهَا؟ قَالَ: إِنْ كُنْتَ إِمَامًا أَوْ وَخَدَكَ قَتْلًا: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - تُكْمِلُهُ يَسْمَعُ تَسْبِيحَاتِ ثُمَّ تَكْبِيرُ وَتَرْكَعُ».

۱۱۶۰- وَ رَوَى وَهَيْبُ بْنُ حَفْصٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

۱۱۵۷- حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود: هرگاه پشت سر امامی که به او اقتدا کرده ای نماز کنی در عقب او خود قراءت مکن، خواه قراءت امام را بشنوی (که نماز جهریه باشد) و خواه نشنوی (که اخفاتیه باشد) مگر آنکه نماز جهریه ای باشد و بهیچوجه صدای امام را نشنوی، در این صورت خودت قراءت کن.

۱۱۵۸- و در روایت عبید بن زراره از آنحضرت منقول است که فرمود: در نماز جماعت اگر مأموم مهممه (یا صدای نامفهوم) را بشنود حمد و سوره را قراءت نکند.
 ۱۱۵۹- زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هرگز بهیچوجه در دو رکعت آخر نمازهای فریضه چهار رکعتی، قراءت (حمد و سوره های دیگر قرآن) بخوان چه امام باشی و چه نباشی، راوی گوید عرض کردم: پس چه بگویم در این دو رکعت؟ فرمود: خواه امام باشی و خواه تنها (چه در جماعت و چه انفراد) سه بار این تسبیحات را بخوان: «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» که نه ذکر را تمام کرده آنگاه تکبیر میگوئی و برکوع میروی.

۱۱۶۰- و هیب بن حفص از ابی بصیر و او از امام صادق علیه السلام

قال: أذننى ما يُجزى مِنَ الْقَوْلِ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ ثَلَاثُ تَسْبِيحَاتٍ أَنْ يَقُولَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ».

۱۱۶۱- و فی روایت زرارة عن ابی جعفر علیه السلام قال: «وَإِنْ كُنْتَ خَلْفَ إِمَامٍ فَلَا تَقْرَأَنَّ شَيْئاً فِي الْأَوَّلَتَيْنِ وَأَنْصِتْ لِقِرَاءَتِهِ وَلَا تَقْرَأَنَّ شَيْئاً فِي الْأَخِيرَتَيْنِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: يَلْمُؤْنَيْنِ: «وَإِذَا قُيَءَ الْقُرْآنُ (يَعْنِي فِي الْفَرِيضَةِ خَلْفَ الْإِمَامِ) فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» فَأَلَاخِيرَتَانِ تَبَعاً لِلأَوَّلَتَيْنِ».

روایت کرده است که آنحضرت فرمود: کمترین ذکرى که در دو رکعت آخر (نمازهای چهار رکعتی) کافی است خوانده شود سه تسبیح است بدین ترتیب که بگوئی «سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ».

۱۱۶۱ (۱) و در روایت زراره از امام باقر علیه السلام منقولست که فرمود: و اگر پشت سر امام بودی در دو رکعت اول هرگز چیزی (از حمد و سوره) بخوان، بلکه خاموش باش و قراءت امام را آنچه می خواند گوش کن، و در دو رکعت آخر نیز هرگز چیزی (از حمد و سوره) بخوان، زیرا خداوند عز و جل به مؤمنان خطاب میفرماید: «وَإِذَا قُرِءَ الْقُرْآنُ فَاسْتَمِعُوا لَهُ وَأَنْصِتُوا لَعَلَّكُمْ تُرْحَمُونَ» (یعنی ای مؤمنان هرگاه در نماز واجب پشت سر امام بودید و امام، قرآن می خواند (یعنی قراءت حمد و سوره) پس به قراءت او گوش فرا دارید و خود خاموش باشید، (باشد که مورد رحمت الهی قرار گیرید) [اعراف: ۲۰۴] دو رکعت آخر نمازهای چهار رکعتی نیز تابع دو رکعت نخستین است و همان حکم را دارد.

شرح: «معنی حدیث باختصار چنین است که پشت سر امام، مأموم نباید حمد و سوره را قراءت کند، در دو رکعت اول بنا بحکم آیه شریفه ای که گذشت، و در دو رکعت آخر بنا به فرمایش امام علیه السلام آنجا که میفرماید: دو رکعت آخر تابع حکم دو رکعت نخستین است، البته این حکم مربوط به خواندن حمد و سوره است و منافات با ذکر تسبیحات (در دو رکعت آخر) ندارد، همچنین از ظاهر این حدیث مستفاد میگردد که مطلق شنیدن قرآن موجب خاموش ماندن و گوش فرا داشتن به آن نمیگردد، بلکه این امر زمانی واجب است که شخص در نماز جماعت و پشت سر امام باشد، و مؤید این نظر پاره ای احادیث وارده است که از آن جمله در حدیثی قوی

۱۱۶۲- وَ رَوَى بَكْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِنِّي أَكْرَهُ لِلنَّاسِ أَنْ يُصَلِّيَ خَلْفَ الْإِمَامِ صَلَاةً لَا يُجَهِّرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ فَيَقُومُ كَأَنَّهُ جَمَارٌ، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ فَيَضَعُ مَاذَا؟ قَالَ: يُسَبِّحُ».

۱۱۶۳- وَ رَوَى عُمَرُ بْنُ أَذِينَةَ، عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا أَذْرَكَ الرَّجُلُ بَعْضَ الصَّلَاةِ وَفَاتَهُ بَعْضُ خَلْفٍ إِمَامٍ يُحْتَسِبُ بِالصَّلَاةِ خَلْفَهُ جَعَلَ مَا أَذْرَكَ أَوَّلَ صَلَاتِهِ إِنْ أَذْرَكَ مِنَ الظُّهْرِ أَوِ الْعَصْرِ أَوِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةَ رَكَعَتَيْنِ وَفَاتَهُ رَكَعَتَانِ

روایت شده که از امام صادق علیه السلام سؤال کردند در مورد قراءت پشت سر امام جماعت؟ و آنحضرت فرمود: هرگاه پشت سر امامی باشی که او را دوست میداری و باو اعتماد داری یعنی از شیعیان بوده و عادل باشد و فسق ظاهر نداشته باشد، همانا قراءت او از قراءت تو کفایت میکند، ولی اگر بخواهی می توانی در اخفاتیته خود قراءت کنی. اما اگر نماز جهریه باشد خاموش باش و به قراءت امام گوش فراده چنانکه خداوند متعال فرموده است: گوش دهید تا مورد رحمت قرار گیرید. شخصی عرض کرد: اگر امام کسی باشد که باو اعتماد نداشته باشم و بد مذهب یا فاسق باشد، آیا باو اقتدا کنم؟ و خود قراءت کنم؟ آنحضرت فرمود که پیش از او نماز خود را بجای آر یا بعد از او نماز کن - تا آخر حدیث».

۱۱۶۲- بکر بن محمد ازدی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: من دوست ندارم که شخص در نمازی که قراءت را در آن بلند نمی خوانند (یعنی نمازهای اخفاتیته) پشت سر امام نماز کند و مانند دراز گوش خاموش و بی صدا ایستاده باشد، راوی گوید: عرض کردم: فدایت گردم پس چه بکند؟ فرمود: تسبیح بگوید.

۱۱۶۳- عمر بن اذینه از زرارة و او از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود: هرگاه مأموم به بعضی از نماز برسد و بخشی از آنرا از دست بدهد و امام عادل باشد و بتوان بر او اعتماد کرد آنچه را در می یابد اول نماز خود حساب می کند در اینصورت اگر دو رکعت از نماز ظهر یا عصر یا عشا را دریابد و دو رکعت از او (مأموم) فوت شده باشد، در آن دو رکعتی که پشت سر امام دریافته نزد خود و از برای خویش الحمد را میخواند، و چون امام سلام داد او برمیخیزد و دو

۱۱۶۶- وَ سَأَلَهُ سَمَاعَةُ «عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَسْجِدَ وَقَدْ صَلَّى أَهْلُهُ يَتَذَعُّ بِالْمَكْتُوبَةِ أَوْ يَتَطَوَّعُ؟ فَقَالَ: إِنْ كَانَ فِي وَقْتٍ حَسَنٍ فَلَا بَأْسَ بِالتَّطَوُّعِ قَبْلَ الْفَرِيضَةِ وَإِنْ كَانَ خَافَ خُرُوجَ الْوَقْتِ أُخْرَى وَلْيَبْذَأْ بِالْفَرِيضَةِ وَهُوَ حَقُّ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ ثُمَّ لِيَتَطَوَّعَ مَا شَاءَ».

۱۱۶۷- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «فِي الرَّجُلِ يَدْخُلُ الْمَسْجِدَ فَيَخَافُ أَنْ تَفُوتَهُ الرُّكْعَةُ؟ قَالَ: يَرْكَعُ قَبْلَ أَنْ يَتْلُغَ إِلَى الْقِسْمِ وَيَتَمَشَّى وَهُوَ رَاكِعٌ حَتَّى يَتْلُغَهُمْ».

۱۱۶۸- وَ رَوَى إِبْرَاهِيمُ بْنُ مَيْمُونٍ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي الرَّجُلِ يَوْمَ النِّسَاءِ لَيْسَ مَعَهُنَّ رَجُلٌ فِي الْفَرِيضَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ وَإِنْ كَانَ مَعَهُ ضَبِيٌّ فَلْيَقُمْ إِلَى

۱۱۶۶- و نیز سماعه از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) پرسید: هرگاه شخص به مسجد درآید و اهل مسجد یا حاضران نماز کرده باشند، آیا او شروع به نماز واجب کند یا نافله را ابتدا بجای آورد؟ آنحضرت فرمود: اگر وقت مربوط بنماز نافله باشد و وقت نافله هنوز به پایان نرسیده باشد (مثل دو قدم در نافله ظهر و چهار قدم در نافله عصر) یا کسی نیست که نافله را پیش از نماز واجب بجا آورد، و اگر بیم دارد که وقت فضیلت نماز واجب از دست برود در این صورت نافله را به تأخیر اندازد و نماز واجب را ابتدا کند که آن حق خداوند عز و جل است. آنگاه نماز نافله را هر چه خواست بجا آورد.

۱۱۶۷- محمد بن مسلم از امام محمد باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت کرده است در مورد این مسأله که هرگاه شخص داخل مسجد شود و امام در رکوع باشد و بیم آن داشته باشد که مبدا امام سر از رکوع بردارد و او آن رکعت را از دست بدهد، چه کند؟ حضرت فرمود: همانجا به رکوع میروید (البته پس از اقتدا و ادای تکبیر الاحرام) و در حال رکوع راه میروید تا به صف نمازگزاران برسید.

۱۱۶۸- ابراهیم بن میمون از امام صادق علیه السلام روایت کرده است در مورد مردی که پیشمازی زنان کند در حالیکه مرد دیگری در نماز واجب با ایشان همراه نباشد، آیا جایز است؟ آنحضرت فرمود: بلی جایز است، و هرگاه با او کودک

جانبیه».

۱۱۶۹- وَرَوَى عَنْهُ عَمَارُ السَّاباطِيُّ أَنَّهُ «سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يُؤَدُّ وَيُقيمُ لِصَلَاتِي وَحْدَهُ فَيَجِيءُ رَجُلٌ آخَرُ فَيَقُولُ لَهُ أَتُصَلِّي جَمَاعَةً هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَا بِذَلِكَ الْأَذَانِ وَالْإِقَامَةِ قَالَ: لَا وَلَكِنْ يُؤَدُّ وَيُقيمُ».

۱۱۷۰- وَكَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «لَا بَأْسَ أَنْ يُؤَدَّ الْعَلَامُ قَبْلَ أَنْ يَحْتَلِمَ، وَلَا يُؤَمَّ حَتَّى يَحْتَلِمَ، فَإِنْ أُمَّ جَازَتْ صَلَاتُهُ وَفَسَدَتْ صَلَاةُ مَنْ يُصَلِّي خَلْفَهُ».

۱۱۷۱- وَسَأَلَ عَمَارُ السَّاباطِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ رَجُلٍ أَذَرَكَ الْإِمَامَ حِينَ يُسَلِّمُ؟ قَالَ: عَلَيْهِ أَنْ يُؤَدَّ وَيُقيمَ وَيُشَيِّعَ الصَّلَاةَ».

نابالغی باشد در جانب راست امام می ایستد (امام او را در سمت راست خود میگمارد).

۱۱۶۹- عمار سباطی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از آنحضرت سؤال کردند در مورد شخصی که اذان و اقامه بگوید تا به تنهایی نماز کند، بعد مرد دیگری بیاید و به او بگوید موافقی با هم نماز جماعت گزاریم، آیا جایز است آندو با همان اذان و اقامه نماز کنند؟ آنحضرت فرمود: نه، بلکه اذان و اقامه دیگری میگویند.

شرح: «این خبر دلالت دارد بر عدم اکتفاء باذان و اقامه منفرد برای جماعت».

۱۱۷۰- امیرالمؤمنین علیه السلام میفرمود: باکی نیست که پسر بچه قبل از رسیدن به سن بلوغ اذان بگوید ولی امامت نمی تواند بکند تا اینکه بسن بلوغ برسد، و اگر امامت کرد نماز او درست، و نماز کسانی که پشت سر او خوانده و باو اقتدا کرده اند باطل است.

۱۱۷۱- و عمار سباطی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: هرگاه شخصی امام را هنگامیکه سلام نماز را میدهد درک کند، چه باید بکند؟ آنحضرت فرمود: بر او است که اذان و اقامه بگوید، و نماز را شروع کند.

شرح: «شارح فقیه» مجلسی (ره) گفته است: این خبر محمول بر استحباب

۱۱۷۲- «عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي الْمَسْجِدَ فِي الصَّلَاةِ وَقَدْ سَبَقَهُ الْإِمَامُ بِرُكْعَةٍ فَيُكَبِّرُ فَيَعْتَلُ الْإِمَامُ فَيَأْخُذُ بِيَدِهِ وَيَكُونُ أَذْنَى الْقَوْمِ إِلَيْهِ، فَيَقْدُمُهُ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يُسَمُّ بِهِمُ الصَّلَاةَ، ثُمَّ يَجْلِسُ حَتَّى إِذَا فَرَّغُوا مِنَ الشَّهَادَةِ أَوْ مَا بَيْنَهُ عَنِ الْيَمِينِ وَالشَّمَالِ وَكَانَ ذَلِكَ الَّذِي يُؤْمِي بِيَدِهِ التَّسْلِيمَ أَوْ تَقْضِي صَلَاتِهِمْ، وَأَتَمَّ هُوَ مَا كَانَ فَاثَةً».

۱۱۷۳- وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ سَهْلٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «سَأَلْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَمَّنْ رَكَعَ مَعَ إِمَامٍ قَوْمٌ يُقْتَدُونَ بِهِ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ قَبْلَ الْإِمَامِ قَالَ: يُعِيدُ رُكُوعَهُ مَعَهُ».

۱۱۷۴- وَسَأَلَ الْفَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ رَجُلٍ صَلَّى مَعَ

اوست، هر چند اکتفا باذان و اقامه آن جماعت جایز است».

① ۱۱۷۲- و از آنحضرت سؤال کردند: هرگاه شخص بمسجد درآید و مردم در نماز جماعت باشند و امام یک رکعت از نماز را خوانده و از او جلو باشد، و او تکبیر گفته بنماز پردازد، آنگاه امام را علقی پدید آید که نتواند نماز را ادامه دهد و چون او نزدیکتر از دیگران به امام است امام دست او را بگیرد و او را برای امامت بجای خود پیش بدارد، چنین شخصی تکلیفش چیست؟ آنحضرت فرمود: نماز را با مأمومین تمام کند، آنگاه بنشیند تا وقتی ایشان تشهد گفته و از نماز فارغ شدند پس با اشاره از دست راست و چپ به مأمومین ایما کند یعنی که نماز را سلام دهید یا نماز شما تمام شده است تا ایشان سلام را بگویند، آنگاه خود برخیزد و آن یک رکعت را که از او قوت شده و از نماز عقب مانده بود بجا آورد و نماز خود را به پایان رساند.

② ۱۱۷۳- مُحَمَّدُ بْنُ سَهْلٍ از پدر خود روایت کرده که گفت: از امام رضا علیه السلام سؤال کردم در مورد حکم کسی که با امام گروهی که با او می توان نماز کرد به رکوع رود، آنگاه پیش از امام سر از رکوع بردارد چه باید بکند؟ آنحضرت فرمود: بار دیگر بر رکوع میرود و با امام یا پس از او سر از رکوع بر میدارد.

شرح: «باید توجه داشت که این عمل بقصد متابعت از امام صورت میگیرد و لذا از قاعده زیادتی رکن که موجب بطلان نماز است مستثنی بوده و در نماز جماعت بخشیده میشود».

③ ۱۱۷۴- فَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: هرگاه شخصی با امامی که می توان به او اقتدا کرد (یعنی شیعه و عادل و واجد شرایط) نماز

إمام يُؤْتَمُّ بِهِ ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ قَبْلَ أَنْ يَرْفَعَ الْإِمَامُ رَأْسَهُ مِنَ السُّجُودِ؟ قَالَ: فَلْيَسْجُدْ».

۱۱۷۵- وَرَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ يَسَارٍ أَنَّهُ سَمِعَ مَنْ يَسْأَلُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ رَجُلٍ صَلَّى إِلَى جَانِبِ رَجُلٍ فَقَامَ عَنْ يَسَارِهِ وَهُوَ لَا يَعْلَمُ، كَبَفَتْ يَضَعُ إِذَا عَلِمَ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ؟ قَالَ: يُحَوِّلُهُ إِلَى يَمِينِهِ».

۱۱۷۶- وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَانَ النِّسَاءُ يُصَلِّينَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَكُنَّ يُؤَمَّرْنَ أَنْ لَا يَرْفَعْنَ رُؤُوسَهُنَّ قَبْلَ الرُّجَالِ لِضَيْقِ الْأُزُرِ».

۱۱۷۷- وَمَا نَ هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الْمَرْأَةِ هَلْ تَوُمُّ النِّسَاءُ؟ قَالَ: تَوُمُّهُنَّ فِي النَّافِلَةِ فَأَمَّا فِي الْمَكْتُوبَةِ فَلَا، وَلَا تَتَقَدَّمُهُنَّ وَلَكِنْ تَقُومُ وَتَسْطُوهُنَّ».

کند، آنگاه قبل از اینکه امام سر از سجده بردارد، او سر خود را از سجده بلند کند تکلیفش چیست؟ آنحضرت فرمود: باید به سجده رود (و با امام سجده را بجای آورده و سر بردارد).

① ۱۱۷۵- حسین بن یسار روایت کرده که شنیده است کسی از امام رضا علیه السلام می پرسد: هرگاه شخصی پهلوی شخص دیگری که پیش نماز است، باو اقتدا کرده و نماز کند، و بدون اینکه امام بداند در سمت چپ او قرار گیرد، وقتی امام متوجه این موضوع شود چه باید بکند در حالیکه مشغول نماز است؟ (وقتی نمی تواند حرف بزند) آنحضرت فرمود: او را بجانب دست راست خود میکشد.

② ۱۱۷۶- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: زنان با پیامبر صلی الله علیه وآله نماز می گزاردند، آنحضرت دستور فرموده بود که زنان پیش از مردان سر از سجده برندارند، بخاطر تنگ بودن لنگ های مردان.

③ ۱۱۷۷- و هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام سؤال کرد در مورد زن که آیا زن می تواند امامت زنان کند؟ آنحضرت فرمود: در نافله می تواند اما در نمازهای واجب نمی تواند، و در نماز نافله یا مستحبی هم نباید جلوی زنان بایستد بلکه در میان ایشان می ایستد.

۱۱۷۸- وَ رَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ: الْمَرْأَةُ تَوُمُّ النِّسَاءَ؟ قَالَ: لَا إِلَّا عَلَى الْمَيِّتِ إِذَا لَمْ يَكُنْ أَحَدٌ أَوْلَى مِنْهَا، تَقُومُ وَتَسْطُفُنْ مَعَهُنَّ فِي الصَّفِّ فَتُكَبِّرُ وَيُكَبِّرُونَ».

۱۱۷۹- وَ رَوَى هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَلَاةُ الْمَرْأَةِ فِي مُخَذَّعِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي بَيْتِهَا، وَ صَلَاتُهَا فِي بَيْتِهَا أَفْضَلُ مِنْ صَلَاتِهَا فِي الدَّارِ».

وَ الرَّجُلُ إِذَا أُمُّ الْمَرْأَةِ كَانَتْ خَلْفَهُ عَنْ يَمِينِهِ سُجُودُهَا مَعَ رُكُوبَتَيْهِ.

۱۱۸۰- وَ سَأَلَهُ الْحَلَبِيُّ «عَنِ الرَّجُلِ يَوْمُ النِّسَاءِ؟ قَالَ: نَعَمْ وَإِنْ كَانَ مَعَهُنَّ

شرح: «مشهور جواز امامت زن است برای زنان در نماز واجب، و علامه حلی در کتاب تذکرة الفقهاء گوید: این قول جمله فقهای ما است، و از ابن جنید و سید مرتضی - رحمهما الله - نقل شده است که در نماز نافله نیز میتواند امامت کند، و از این کلام چنین استفاده میشود که در نوافل جماعت جایز است، مگر آنکه مراد از نافله نماز عیدین باشد و چون در زمان عدم حضور امام علیه السلام این دو نماز و نماز استسقاء مستحب است لکن بجماعت انجام میشود از اینرو نافله گفته شده است».

⑤ ۱۱۷۸- زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده گوید: بآنحضرت عرض کردم: آیا زن می تواند برای زنان امامت کند؟ فرمود: نه، مگر در نماز بر میت مادام که هیچکسی یا مردی سزاوارتر از او بر اینکار نباشد، در این صورت میان زنان در صف ایشان می ایستد و ابتدا او تکبیر میگوید و بعد زنان تکبیر میگویند.

⑥ ۱۱۷۹- هشام بن سالم از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: نماز زن در صندوقخانه اش بهتر از نماز او در میان اطاق است، و نماز او در اطاقش بهتر از نماز او در میان خانه است (بعبارت دیگر نماز زن هر چه به پوشیدگی و پنهانی از انظار نزدیکتر باشد نیکوتر و مقبولتر است، لذا نماز او در مسجد که در معرض انظار است واضح است که تا چه پایه از این غرض دور و به کراهت نزدیک است). و هنگامیکه مرد برای زنی امامت میکند، آن زن پشت سر مرد از جانب راست او می ایستد، بمقداری که در حالت سجود، سرش محاذی زانوان مرد باشد.

عِلْمًا فَاقِيمُوهُمْ بَيْنَ أَيْدِيهِمْ وَإِنْ كَانُوا غَبِيدًا».

۱۱۸۱- وَرَوَى دَاوُدُ بْنُ الْحَصَنِ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: «لَا يَوْمُ الْحَضَرِيِّ الْمُسَافِرِ، وَلَا يَوْمُ الْمُسَافِرِ الْحَضَرِيِّ، فَإِنْ ابْتُلِيَ الرَّجُلُ بِشَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ فَأَمَّ قَوْمًا حَاضِرِينَ فَإِذَا أَنْتُمْ الرَّكْعَتَيْنِ سَلَّمَ ثُمَّ أَخَذَ بِيَدِ أَحَدِهِمْ فَقَدَّمَهُ فَأَمَّهُمْ، فَإِذَا صَلَّى الْمُسَافِرُ خَلَفَ قَوْمَ حُضُورٍ، فَلْيَتِمَّ صَلَاتُهُ رَكْعَتَيْنِ وَيُسَلِّمْ».

۱۱۸۲- وَقَدْ رَوَى أَنَّهُ «إِنْ خَافَ عَلَى نَفْسِهِ مِنْ أَجْلِ مَنْ يُصَلِّي مَعَهُ صَلَّى الرَّكْعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ وَجَعَلَهَا تَطَوُّعًا».

۱۱۸۳- وَقَدْ رَوَى أَنَّهُ «إِنْ كَانَ فِي صَلَاةِ الظُّهْرِ جَعَلَ الْأَوَّلَتَيْنِ فَرِيضَةً

(۱) ۱۱۸۰- حلی از آنحضرت سؤال کرد: آیا مرد می تواند برای زنان امامت کند؟ آنحضرت فرمود: بلی، و اگر پسرای با زنان باشند، آنانرا در صف پیش از زنان نگه دارید (که زنان پشت پسران باشند) هر چند غلام بچه و بنده باشند.

(۲) ۱۱۸۱- داود بن حصین از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: حاضر، برای مسافر امامت نمیکند و مسافر نیز امامت حاضر نمیکند (یعنی مکروه است)، و اگر شخصی بموردی از این قبیل برخورد کند و مسافر، امامت گروهی غیر مسافر کند، هنگامیکه دو رکعت نماز تمام شود او سلام میدهد، آنگاه دست یکی از مأمومین را گرفته و او را پیش میاندازد و وی امامت ایشان می کند، و هرگاه مسافر پشت سر گروهی که غیر مسافر و در حضر هستند نماز کند، در اینصورت پس از دو رکعت خواندن، نماز را تمام میکند و سلام میدهد.

(۳) ۱۱۸۲- و روایت کرده اند از آنحضرت که فرمود: اگر شخص بر جان خود بیمناک باشد بخاطر کسیکه با او نماز میگذارد (چون اهل تسنن در سفر چهار رکعت را بهتر میدانند و اگر کسی در نماز جماعت با آنان دو رکعت گزارد آنرا دلیل رفض او بحساب میآوردند) در اینصورت دو رکعت اول را بقصد نماز واجب بجا میآورد و آن دو رکعت دوم را قصد نماز مستحبی میکند.

شرح: «مراد حال تقیه است چون اهل سنت قصر نماز را بر مسافر واجب نمی دانند و اگر کسی در مسافرت نماز را شکسته بخواند علامت تشیع او دانند».

(۴) ۱۱۸۳- و نیز از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) روایت کرده اند که

وَالْأَخِيرَتَيْنِ نَافِلَةً، وَإِنْ كَانَ فِي صَلَاةِ الْعَصْرِ جَعَلَ الْأَوَّلَتَيْنِ نَافِلَةً وَالْأَخِيرَتَيْنِ فَرِيضَةً».

۱۱۸۴- وَقَدْ رُوِيَ «أَنَّهُ إِنْ كَانَ فِي صَلَاةِ الظُّهْرِ جَعَلَ الْأَوَّلَتَيْنِ الظُّهْرَ وَالْأَخِيرَتَيْنِ الْعَصْرَ».

وَهَذِهِ الْأَخْبَارُ لَيْسَتْ بِمُخْتَلِفَةٍ وَالمُصَلِّي فِيهَا بِالْخِيَارِ بِأَيِّهَا أَخَذَ جَارَ.

۱۱۸۵- وَرَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ قَالَ: «كَانَ مَنْصُورُ بْنُ حَازِمٍ يَقُولُ: إِذَا أَتَيْتُ الْإِمَامَ وَهُوَ جَالِسٌ قَدْ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَكَبَّرَ، ثُمَّ اجْلَسَ، فَإِذَا قُمْتُ فَكَبَّرَ».

فرمود: هرگاه مسافر، داخل نماز عده ای مقیم و غیر مسافر گردد، اگر نماز ظهر باشد دو رکعت اول را بقصد واجب بجا میآورد، و دو رکعت آخر را به نیت نافله، و هرگاه آن نماز، نماز عصر باشد، شخص دو رکعت اول را بقصد نافله میخواند، و دو رکعت آخرین را به قصد نماز فریضه.

شرح: «چون نافله عصر قبل از عصر است و پس از آن نافله ای نیست».

۱۱۸۴- و نیز از آنحضرت روایت کرده اند (که در مسأله و فرض پیشین) هرگاه مسافر به نماز ظهر داخل شده باشد، دو رکعت اول را بقصد ظهر و دو رکعت آخر را به نیت نماز عصر بجا میآورد:

صدوق- رحمه الله- می فرماید: این اخبار (هر چند ظاهراً مختلف باشد) در واقع با یکدیگر اختلافی ندارد، و در هر یک از این صورتهای نماز گزار مختار است، پس هر کدام عمل کند جایز است.

۱۱۸۵- عبدالله بن مغیره روایت کرده گوید: منصور بن حازم همواره میگفت: هرگاه به امام رسیدی و او دو رکعت نماز کرده و نشسته بود، تکبیرة الاحرام بگو و بنشین، و وقتی بلند شدی بار دیگر تکبیرة الاحرام بگو.

شرح: «اگر نماز گزار قبل از رکوع امام را درک کرد آن رکعت باجماع درست است، و اگر در حال رکوع درک کرد این نیز بقول اصح بیک رکعت محسوب میشود یعنی امام که در حال رکوع است، وی تکبیرة الاحرام گفته و به امام ملحق میشود و اگر امام را پس از سر برداشتن از رکوع درک کرد میتواند تکبیر بگوید و اقتدا کند و با

۱۱۸۶- وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يُجْزِيكَ مِنَ الْقِرَاءَةِ إِذَا كُنْتَ مَعَهُمْ

مِثْلُ حَدِيثِ النَّفْسِ».

وَمَنْ صَلَّى خَلَفَ مُخَالِفٍ قَرَأَ الشَّجْدَةَ وَلَمْ يَسْجُدْ فَلْيَوْمٍ بِرَأْسِهِ.

وَ إِذَا قَالَ الْإِمَامُ «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» قَالَ الَّذِينَ خَلْفَهُ «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ

الْعَالَمِينَ» وَيَخْفَضُونَ أَصْوَاتِهِمْ، وَإِنْ كَانَ مَعَهُمْ قَالَ: «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ».

۱۱۸۷- وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ صَلَّى بِقَوْمٍ فَأَخْتَصَّ نَفْسَهُ

بِالدُّعَاءِ دُونَهُمْ فَقَدْ خَانَهُمْ».

امام سجده‌تین را بجا آورد. و برخیزد و احتیاط آنستکه تکبیرة الاحرام را تجدید کند و این رکعت که شروع کرده رکعت اول او محسوب است، و اگر در حال سجده امام را درک کرد او نیز حکمش مانند حکم کسی است که بعد از سر برداشتن امام از رکوع او را درک کرده است.

⑤ ۱۱۸۶- امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه با اهل تسنن نماز کنی از قراءت کافی است چنان بخوانی که در دل خود با خویشان صحبت میکنی. یعنی در کمال آهستگی.

و کسی که پشت سر مخالف شیعیان یا اهل سنت نماز میکند، و امام سوره سجده را میخواند و بسجده نمی رود مأوم خود در اثنای نماز، با سر به نیت سجده ایما می‌کند.

و وقتی امام می‌گوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» کسانی که پشت سر او هستند می‌گویند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ» و صدای خود را پائین می‌آورند (شاید بجهت تقیه و شاید بدلیل اینکه مطلوبست مأومین همه ذکرها را آهسته بگویند) و اگر با مخالفان شیعه یا با اهل سنت نماز میکرد، بگوید «رَبَّنَا لَكَ الْحَمْدُ».

⑥ ۱۱۸۷- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس امامت جمعی کند و خویشان را به دعا مختص سازد و دعا برای خود کند و برای مأومین نکند، در حق آنان خیانت ورزیده است.

شرح: «این خبر دلالت دارد بر اینکه امام باید ادعیه را بصیغه جمع بخواند و به انفراد دعا نکند».

۱۱۸۸- وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا تُسْمِعَنَّ الْإِمَامَ دُعَاءَكَ خَلْفَهُ».

۱۱۸۹- وَقَدْ رُوِيَ عَنْ أَبِي بَكْرٍ بْنِ أَبِي سَمَالٍ قَالَ: «صَلَّيْتُ خَلْفَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْفَجْرَ فَلَمَّا قَرَعَ مِنْ قِرَاءَتِهِ فِي الثَّانِيَةِ جَهَرَ بِصَوْتِهِ نَحْوًا مِمَّا كَانَ يَقْرَأُ وَقَالَ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۱۱۹۰- وَرَوَى حَفْصُ بْنُ الْبَخْتَرِيِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «يَتَّبِعِي لِإِمَامٍ أَنْ يَجْلِسَ حَتَّى يُنِمَّ مَنْ خَلْفَهُ صَلَاتُهُمْ وَيَتَّبِعِي لِإِمَامٍ أَنْ يُسْمِعَ مَنْ خَلْفَهُ التَّشَهُّدَ وَلَا يُسْمِعُونَهُ هُمْ شَيْئًا- يَعْنِي الشَّهَادَتَيْنِ- وَيُسْمِعُهُمْ أَيْضًا السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

(۱) ۱۱۸۸- ابوبصیر از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: دعائی را که پشت سر امام بعنوان مأموم میخوانی چنان مکن که بگوش امام برسانی.

شرح: «یعنی سزاوار آن است که امام آنچه میخواند بگوش مأومین رساند. نه مأومین آنچه از اذکار و ادعیه می خوانند، بگوش امام برسانند».

(۲) ۱۱۸۹- از ابوبکر بن ابی سمّال روایت کرده اند که گفت: من پشت سر امام صادق علیه السلام نماز صبح میگزاردم، هنگامیکه آنحضرت از قراءت رکعت دوم فراغت یافت به آواز بلند همچنانکه قراءت میخواند این دعا را خواند: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَعَافِنَا وَاعْفُ عَنَّا فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» (یعنی: بارخدایا، ما را بیامرز و از گناهانمان درگذر و بر ما رحمت فرما و ما را عافیت عطا فرما و گناهانمان را در دنیا و آخرت عفو فرما که همانا تو بر هر چیز توانایی).

(۳) ۱۱۹۰- حفص بن بختری از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: شایسته است که امام پس از نماز همچنان در جای خود بنشیند تا مأومین و آنانکه دیر رسیده اند نماز خود را تمام کنند، و نیز امام را شایسته آنست که تشهد را به مأومین بشنواند، و مأومین هیچ چیز از آنچه میخوانند- یعنی شهادتین- بگوش امام

۱۱۹۱- وقال الصادق عليه السلام: «أَقْسَدُ ابْنِ مَسْعُودٍ عَلَى النَّاسِ صَلَاتُهُمْ بِشَيْئَيْنِ يَقُولُهُ «تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ» وَ هَذَا شَيْءٌ قَالَتْهُ الْجَنُّ بِجَهَالَةٍ فَحَكَاهُ اللَّهُ تَعَالَى عَنْهَا، وَيَقُولُهُ: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ».

يعني في التشهد الأول، وأما في التشهد الثاني بعد الشهادتين فلا بأس به لأنَّ الْمُصَلِّي إِذَا تَشَهَّدَ الشَّهَادَتَيْنِ فِي التَّشْهِيدِ الْأَخِيرِ فَقَدْ فَرَّغَ مِنَ الصَّلَاةِ.

۱۱۹۲- وَ سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ خَلْفَ إِمَامٍ فَيُطَوُّ فِي التَّشْهِيدِ فَيَأْخُذُهُ الْبُؤْسُ أَوْ يَخَافُ عَلَى شَيْءٍ أَنْ يَفُوتَ أَوْ يَمْرُضَ لَهُ وَجَعٌ كَيْفَ يَضَعُ؟ قَالَ: يُسَلِّمُ وَيَتَصَرَّفُ وَيَدْعُو الْإِمَامَ».

وَعَلَى الْإِمَامِ أَنْ لَا يَقُومَ مِنْ مُصَلَاةٍ حَتَّى يُتِمَّ مِنْ خَلْفَتِهِ، الصَّلَاةَ، فَإِنْ قَامَ فَلَا

نرسانند، و نیز امام ذکر «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» را بگوش مأمومین برساند.

۱۱۹۱- امام صادق علیه السلام فرمود: عبدالله مسعود با دو چیز که از پیش خود گفته بود نماز مردم را باطل ساخت، یکی اینکه گفت (پس از رکوع بگوئید) «تَبَارَكَ اسْمُكَ وَتَعَالَى جَدُّكَ» - یعنی بزرگوار است نام تو و بلند است بخت تو- و این سخن را جَنِّیان از روی نادانی گفتند و خداوند تبارک و تعالی از قول ایشان آن عبارت را حکایت فرموده است (در سوره جن)، و دوم چیزیکه ابن مسعود از پیش خود ساخت اینکه گفت: «السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ» را در تشهد اول بگویند اما در تشهد دوم بعد از شهادتین، گفتن این سلام اشکالی ندارد، زیرا نماز گزار در تشهد آخر وقتی شهادتین را بگوید دیگر از نماز فارغ شده و سلام که موجب قطع نماز است خللی بنماز وارد نمی سازد.

۱۱۹۲- علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال کرد: شخصی که پشت سر امام نماز جماعت میخواند و امام تشهد را طولانی می کند و او را بول میگیرد یا بیم داشته باشد که کاری یا چیزی از دست برود یا دردی عارض او شود چه بکند؟ آنحضرت فرمود: سلام میدهد و از نماز فارغ می شود و امام را بحال خود میگذارد.

شَيْءٌ عَلَيْهِ.

وَقَالَ أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - فِي رِسَالَتِي إِلَيَّ: إِنَّ خَرَجْتَ مِنْكَ رِيحٌ أَوْ غَيْرُهَا مِمَّا يَنْقُضُ الْوُضُوءَ أَوْ ذَكَرْتَ أَنَّكَ عَلَى غَيْرِ وَضُوءٍ فَتَلِمَ فِي أَيِّ جَانِبٍ كُنْتَ فِي الصَّلَاةِ وَ قَدَّمَ رَجُلًا يُصَلِّي بِالْقَوْمِ بَقِيَّةَ صَلَاتِهِمْ وَ تَوَضَّأَ وَأَعَدَّ صَلَاتَكَ.

۱۱۹۳- وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا كَانَ مِنْ إِمَامٍ تَقَدَّمَ فِي الصَّلَاةِ وَهُوَ جُنُبٌ نَاسِيًا أَوْ أَخَذَتْ حَدَثًا أَوْ رَعِفَ رُغَافًا أَوْ أَرَأَا فِي بَقِيَّتِهِ، فَلْيَجْعَلْ تَوْبَةً عَلَى أَنْفِهِ، ثُمَّ لِيَتَصَرَّفْ وَلْيَأْخُذْ بِيَدِ رَجُلٍ فَلْيُصَلِّ مَكَانَهُ ثُمَّ لِيَتَوَضَّأَ وَلْيَتِمَّ مَا سَبَقَهُ بِهِ مِنَ الصَّلَاةِ وَإِنْ كَانَ جُنُبًا فَلْيَتَغَيَّلْ وَلْيُصَلِّ الصَّلَاةَ كُلَّهَا».

۱۱۹۴- وَرَوَى مُعَاوِيَةُ بْنُ مِيسَرَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

و بر امام جماعت است که از محل نماز خود برخیزد تا مأمومین پشت سر او نمازشان را تمام کنند، ولی اگر امام صبر نکند و برخیزد هم بر او چیزی نیست و مسئولیتی ندارد.

پدرم - رحمه الله - در رساله ای که برایم فرستاده گوید: اگر از توبادی یا حدثی خارج شد که وضو را باطل می سازد یا بخاطرش آمد که وضو نداری در هر حالی که در نماز هستی سلام بده و مردی را که اهل بیت داشته باشد پیش انداز تا با مردم باقیمانده نمازشان را امامت کند، و تو خود نیز وضو بساز و نمازت را دوباره

بخواند. ۱۱۹۳- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر امامی که امامت نمازگزاران کند و بخاطرش آید که جُنُب بوده است و فراموش کرده، یا حدثی از او سر بزند یا خون از بینی او روان شود یا باد و سرو صدائی در شکم او بیچد که نتواند آنرا نگاه دارد، باید جامه خود را بر بینی اش برگیرد، (و چنان بنماید که خون از بینی اش جاری شده آنگاه از حال نماز خارج شده) و دست یکی از مأمومین را گرفته و او را پیش بدارد تا بجای او نماز را ادامه دهد آنگاه خود وضو بسازد و امام جدید بقیة آنچه را که او از نماز با مردم خوانده به اتمام رساند و او خود پس از وضو بقیة نماز خویش را تمام کند و اگر جُنُب بوده است غسل کند و همه نماز را دوباره بخواند.

۱۱۹۴- معاویة بن میسرہ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که

«لَا يَتَّبِعِي لِإِمَامٍ إِذَا أَخَذَتْ أَنْ يَقْدِمَ إِلَّا مَنْ أَدْرَكَ الْإِقَامَةَ». فَإِنْ قَدَّمَ مَسْبُوقاً بِرُكْعَةٍ فَإِنَّ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ سِنَانٍ رَوَى عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ «إِذَا أَتَمَّ صَلَاتَهُ بِهِمْ فَلْيُؤَمِّرْهُمْ يَمِينًا وَشِمَالًا فَلْيَتَصَرَّفُوا، ثُمَّ لِيُكْمِلْ هُوَ مَا فَاتَهُ مِنْ صَلَاتِهِ».

۱۱۹۵- وَ رَوَى جَعْلُ بْنُ دُرَّاجٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي رَجُلٍ أَمَّ قَوْمًا عَلَى غَيْرِ وُضوءٍ فَأَنْصَرَفَ وَ قَدَّمَ رَجُلًا وَلَمْ يَذَرِ الْمُقَدِّمُ مَا صَلَّى الْإِمَامُ قَبْلَهُ؟ قَالَ: يُذَكِّرُهُ مِنْ خَلْفَةٍ».

۱۱۹۶- وَ قَالَ زُرَّارَةُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَجُلٌ دَخَلَ مَعَ قَوْمٍ فِي صَلَاتِهِمْ وَ هُوَ لَا يَتَوَيَّهَا صَلَاةً وَ أَخَذَتْ إِمَامُهُمْ فَأَخَذَ يَبِيدُ ذَلِكَ الرَّجُلِ فَقَدَّمَهُ فَقَصَلُوا بِهِمْ أَنْ يُخْرِجَهُمْ صَلَاتُهُمْ بِصَلَاتِيهِ وَ هُوَ لَا يَتَوَيَّهَا صَلَاةً؟ قَالَ: لَا يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ أَنْ يَدْخُلَ

آنحضرت فرمود: امام را شایسته نیست هرگاه محدث شود یا حدّثی از او سر بزنند کسی را پیش اندازد مگر آنکس را که اقامه امام را درک کرده باشد. و هرگاه مسبوق را که یک رکعت دیر رسیده پیش اندازد، عبدالله بن سنان از آنحضرت روایت کرده که در این مورد فرمود: چنین شخصی وقتی نماز را با آنان به پایان رسانید از دست راست و دست چپ ایما و اشاره می‌کند که شما نمازتان تمام شده برخیزید، آنگاه خود باید آنچه از نماز را که دیر رسیده و از دست داده بجا آورد.

① ۱۱۹۵- جَعْلُ بْنُ دُرَّاجٍ از آنحضرت روایت کرده است در این مورد که: شخصی بدون وضو امامت گروهی کند و وقتی متوجه شد از نماز خارج شود و مرد دیگری را بجای خود پیش اندازد و این شخص اخیر نداند امام قبلی چقدر از نماز را خوانده (و از کجا باید ادامه دهد) تکلیف او چیست؟ آنحضرت فرمود: کسانی که پشت سر او هستند (مأمومین) او را متوجه می‌سازند و با اشاره به او می‌فهمانند.

② ۱۱۹۶- زُرَّارَةُ به امام باقر علیه السلام عرض کرد: شخصی داخل در نماز گروهی شد و قصد نماز نداشت و امام آن قومی را حدّثی سرزد، پس دست آن مرد را گرفته و او را بجای خود پیش انداخت، و آن مرد با مردم نماز خواند، آیا نماز مردم که با او به جماعت خوانده‌اند صحیح است در حالیکه او قصد نماز نداشته است؟ آنحضرت فرمود: سزاوار نیست کسی که قصد نماز ندارد داخل در نماز جماعتی شود، بلکه شایسته آن است که قصد نماز کند، اگر چه پیشتر نماز کرده باشد، که البته نماز

مَعَ قَوْمٍ فِي صَلَاتِهِمْ وَهُوَ لَا يَتَوْبُهَا صَلَاةً، بَلْ يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يَتَوْبُهَا وَإِنْ كَانَ قَدْ صَلَّى فَإِنَّ لَهُ صَلَاةً أُخْرَى وَإِلَّا فَلَا يَدْخُلَنَّ مَعَهُمْ، وَقَدْ يُجْزِي عَنِ الْقَوْمِ صَلَاتُهُمْ وَإِنْ لَمْ يَتَوْبُوا».

۱۱۹۷- وَسَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «عَنْ إِمَامٍ أَخَذَتْ وَانْصَرَفَ وَلَمْ يُقَدِّمَ أَحَدًا مَا حَالَ الْقَوْمُ؟ قَالَ: لَا صَلَاةَ لَهُمْ إِلَّا بِإِمَامٍ فَلْيُقَدِّمُ بَعْضُهُمْ بَعْضَهُمْ فَلْيَتَّبِعْ بِهِمْ مَا بَقِيَ مِنْهَا وَقَدْ تَمَّتْ صَلَاتُهُمْ».

۱۱۹۸- وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَمَّ قَوْمًا وَصَلَّى بِهِمْ رُكْعَةً، ثُمَّ مَاتَ؟ قَالَ: يُقَدِّمُونَ رَجُلًا آخَرَ فَيَعْتَدُ بِالرُّكْعَةِ وَيُطَرِّحُونَ الْمَيْتَ خَلْفَهُمْ وَيُعْتَبِلُ مَنْ مَتَّه. وَمَنْ صَلَّى بِقَوْمٍ وَهُوَ جُنُبٌ أَوْ عَلَى غَيْرِ وُضُوءٍ فَعَلَيْهِ

دیگری برای او (در نامه اعمالش یا بهایش) منظور می‌کنند، در غیر اینصورت (وقتی قصد نماز نکرده است) هرگز نباید با ایشان داخل نماز شود، ولی نماز آن جماعت درست است هر چند امام قصد نماز نکرده باشد.

شرح: «این خبر بر این دلالت دارد که بطلان صلاة امام جماعت موجب بطلان نماز مأمومین نیست مادامیکه علم ببطولان نماز امام ندارند».

۱۱۹۷ (۱) - علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال کرد: هرگاه از امام حدّی سر بزنند و او از نماز منصرف شود و کسی را برای امامت بجای خود پیش نیاندازد، وضع و حال آن مأمومین چه خواهد بود؟ امام فرمود: نماز آنان درست نیست مگر با امام، پس باید بعضی از ایشان بعضی دیگر را بعنوان امام جلو بفرستند و او باقیمانده نماز را با ایشان بجا آورده و نماز را تمام کند، در اینصورت نماز آنان تمام شده است.

۱۱۹۸ (۲) - حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از آنحضرت سؤال کردند شخصی که امامت قومی میکند و یک رکعت نیز با ایشان خوانده آنگاه مرده است تکلیف مأمومین چیست؟ فرمود: شخص دیگری از آن مأمومین را پیش میدارند و بنا را بر آن رکعت خوانده شده میگذارند و جنازه امام متوفی را پشت سرشان قرار میدهند، و هر کس جسد را هنگامیکه سرد شده دست بزند غسل مس

الإعادة وَلَيْسَ عَلَيْهِمْ أَنْ يُعِيدُوا وَلَيْسَ عَلَيْهِ أَنْ يُعْلِمَهُمْ، وَلَوْ كَانَ ذَلِكَ عَلَيْهِ لَهَلَكَ، قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ كَانَ يَضَعُ يَمَنُ قَدْ خَرَجَ إِلَى خُرَاسَانَ؟ وَكَيْفَ كَانَ يَضَعُ يَمَنَ لَا يَعْرِفُ؟ قَالَ: هَذَا عَنَّهُ مَوْضُوعٌ».

۱۱۹۹- وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا فَاتَكَ شَيْءٌ مَعَ الْإِمَامِ فَاجْعَلْ أَوَّلَ صَلَاتِكَ مَا اسْتَقْبَلَتْ مِنْهَا، وَلَا تَجْعَلْ أَوَّلَ صَلَاتِكَ آخِرَهَا».

وَمَنْ أَجْلَسَهُ الْإِمَامُ فِي مَوْضِعٍ يَجِبُ أَنْ يَقُومَ فِيهِ تَجَافَى وَأَقْعَى إِقْعَاءَ وَلَمْ يَجْلِسْ مُتَمَكِّناً.

میت میکند. و هرکس با جماعتی به امامت نماز کند و جنب یا بدون وضو باشد بر او است که نماز را اعاده کند، و نماز گزارانی که به او اقتدا کرده اند لازم نیست نمازشان را اعاده کنند، و لازم هم نیست که چنین امامی مأمومین را از وضع خود (که جنب بوده یا وضو نداشته یا علت دیگری در او بوده) آگاه سازد، که اگر چنین مسئولیتی میداشت بی تردید هلاک می شد.

راوی گوید: عرض کردم: (اگر لازم می بود که امام وضع خود را به مأمومین اعلام نماید) آنگاه چه میکرد با کسی که بسوی خراسان عزیمت کرده، و چه میکرد با مأمومی که اساساً او را نمی شناخت؟ امام علیه السلام فرمود: این مسئولیتها از او برداشته شده و تکلیفی ندارد.

① ۱۱۹۹- حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هرگاه پس از شروع نماز به جماعت ملحق شوی و امام یک رکعت یا بیشتر از نماز را خوانده باشد که از توقوت شده پس آنچه را درمی یابی اول نماز خود قرار ده، و اول نماز خود را آخر نمازی که دریافته ای قرار مده (یعنی مثلاً اگر در رکعت سوم به امام ملحق شدی و نماز چهار رکعتی بود دو رکعت آخر امام - سوم و چهارم - را دو رکعت اول خود قرار ده، در اینصورت قرائتی که امام در دو رکعت نخستین کرده بجای قراءت تو نباشد بنابراین کافی نیست که تسبیح بگویی، ولی اگر حمد و سوره بخوانی آخر نماز امام را اول نماز خود ساخته ای).

و کسی که امام او را در جائی که لازم است بایستد می نشاند (مثلاً رکعت

۱۲۰۰- وَرَوَى عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي رَجُلٍ دَخَلَ مَعَ الْإِمَامِ فِي الصَّلَاةِ وَقَدْ سَبَقَهُ بِرُكْعَةٍ فَلَمَّا فَرَغَ الْإِمَامُ خَرَجَ مَعَ النَّاسِ، ثُمَّ ذَكَرَ أَنَّهُ فَاتَتْهُ رُكْعَةٌ، قَالَ: يُعِيدُ رُكْعَةً وَاحِدَةً».

۱۲۰۱- وَفِي كِتَابِ زِيَادِ بْنِ مَرْوَانَ الْقَنْدِيِّ، وَفِي نَوَادِرِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي عُمَيْرٍ أَنَّ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ «فِي رَجُلٍ صَلَّى بِقَوْمٍ مِنْ حَبِشٍ خَرَجُوا مِنْ خُرَاسَانَ حَتَّى قَدِمُوا مَكَّةَ فَإِذَا هُوَ يَهُودِيٌّ أَوْ نَصْرَانِيٌّ قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِمْ إِعَادَةٌ».

وَسَمِعْتُ جَمَاعَةً مِنْ مَشَائِخِنَا يَقُولُونَ: إِنَّهُ لَيْسَ عَلَيْهِمْ إِعَادَةُ شَيْءٍ مِمَّا جَهَرَ

دوم امام و رکعت اول اوست) نیم خیز و سر پا آماده بلند شدن می نشیند، نه مانند کسیکه لازم است بنشیند، و بطور کامل نشسته است (مانند مورد تشهد) او درست نمی نشیند.

۱۲۰۰- ⑤ عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ از امام صادق علیه السلام روایت کرده است در مورد شخصی که با امام داخل در نماز شود، در حالیکه امام پیش از او یک رکعت نماز خوانده باشد، و وقتی نماز امام به پایان رسید او نیز همراه دیگران برخیزد و از مسجد خارج شود، آنگاه بیاد آورد که یک رکعت از او فوت شده، آنحضرت فرمود: آن یک رکعت را برمیگردد و میخواند.

شرح: «فقها گویند مشروط بر اینکه روی از قبله نگردانده و پشت بقبله ننموده باشد ولی خبر مطلق است».

۱۲۰۱- ⑥ در کتاب زیاد بن مروان قندی؛ و در نوادر محمد بن ابی عمیر آمده است که امام صادق علیه السلام در مورد شخصی که گروهی را از هنگامیکه از خراسان خارج می شوند تا وقتی بگه برسند امامت کند، آنگاه معلوم شود که آن شخص یهودی یا نصرانی بوده است، فرمود: بر مأمومین لازم نیست نمازهای این مدت را اعاده کنند.

شرح: «خبر دلالت دارد بر اینکه چنانچه کفر و یا فسق امام بعداً ظاهر شود بر مأموم باکی نیست و اعاده نماز لازم نمی آید».

من از عده ای از استادان خود شنیده ام (در مورد این مسأله یا بطور کلی نماز کردن پشت سر کافر) قائلند: آنچه از نمازها که بلند خوانده می شود (نمازهای

فیه وعلیهم إعادة ما صلی بهم مما لم یجهر فیه، والحديث المفصل یتحكم علی الْمُجْمَل.

۱۲۰۲- و سأل علی بن جعفر أخاه موسى بن جعفر علیهما السلام «عن المرأة تؤم النساء ما حد رقع صوتها بالتکبیر والقراءة؟ فقال: قدر ما تسمع».

۱۲۰۳- وروی عمار الساباطی عن أبي عبد الله علیه السلام قال: «سألت عن الرجل یئسی وهو خلفت الإمام أن یتسبح فی السجود أو فی الركوع أو یئسی أن یقول بین السجدةین شیئاً، قال: لیس علیه شیء».

۱۲۰۴- وقال أبو جعفر علیه السلام لرجل: «أی شیء یقول هؤلاء فی الرجل إذا فاتته مع الإمام الركعتان؟ قلت: یقولون: یقرأ فی الركعتین بالحمد وسورة، فقال:

جهریه) لازم نیست مأمومین إعادة کنند، ولی غمازهائی که با صدای آهسته و غیر قابل شنیدن خوانده می شود (اخفاتیه) باید مأمومین إعادة کنند، و حدیثی که مفصل است بر حدیث مجمل حکومت دارد. (بنابر این قائل بتفصیل می شوم و میگوئیم اعاده غماز محمول بر غماز جهریه است).

شرح: «این احتیاط برای آنستکه کافر شاید حد و سوره را نمی خوانده».

① ۱۲۰۲- علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال کرد: در مورد زن که پیشنمازی زنان می کند چه اندازه صدایش را در تکبیر و قراءت بلند می کند؟ آنحضرت فرمود: مقداری که صدایش شنیده شود یا قابل شنیدن باشد.

② ۱۲۰۳- عمار ساباطی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است گوید: از آنحضرت سؤال کردم در مورد شخصی که پشت سر امام نماز می کند فراموش کند در سجود یا رکوع تسبیح گوید، یا فراموش کند که در بین دو سجده ذکر ی بگوید، یا دعای بین دو سجده را بخواند، آنحضرت فرمود: چیزی بر او نیست یا تکلیفی در این مورد بگردن او نیست.

③ ۱۲۰۴- امام باقر علیه السلام به شخصی فرمود: این اهل سنت چه میگویند در مورد کسی که وقتی بامام ملحق می شود دو رکعت اول نماز او فوت شده باشد (یعنی امام دو رکعت اول را خوانده و او حاضر نبوده و بعد بامام ملحق شده

هَذَا يُقَلِّبُ صَلَاتَهُ فَيَجْعَلُ أَوَّلَهَا آخِرَهَا، قُلْتُ: فَكَيْفَ يَضَعُ؟ قَالَ: يَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ».

۱۲۰۵- وَسَأَلَ عَمَّارُ السَّابَّاطِي أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ رَجُلٍ سَهَا خَلْفَ إِمَامٍ بَعْدَ مَا افْتَتَحَ الصَّلَاةَ فَلَمْ يَقُلْ شَيْئاً وَلَمْ يُكَبِّرْ وَلَمْ يُسَبِّحْ وَلَمْ يَتَشَهَّدْ حَتَّى يُسَلِّمَ؟ فَقَالَ: قَدْ جَازَتْ صَلَاتُهُ وَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ إِذَا سَهَا خَلْفَ الْإِمَامِ وَلَا سَجَدْنَا السُّهُوَّ لِأَنَّ الْإِمَامَ ضَامِنٌ لِمُضِلِّهِ مَنْ صَلَّى خَلْفَهُ».

است) راوی گوید: گفتم: ایشان قائلند: در دو رکعتی که به امام رسیده (دو رکعت آخر) حمد و سوره را میخواند، آنحضرت فرمود: چنین شخصی نمازش را وارونه ساخته و اول نماز را آخر آن قرار داده، گفتم: پس چه باید بکند؟ فرمود: در هر رکعت حمد را میخواند بدون سوره.

① ۱۲۰۵- عمار سباطی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: در مورد شخصی که پشت سر امام پس از شروع در نماز از یاد ببرد و هیچ چیزی نگوید نه تکبیر، نه تسبیح، نه تشهد تا اینکه نماز را سلام دهد، آنحضرت فرمود: نمازش درست است، و چیزی بر او نیست چنانچه پشت سر امام نماز کند، و سجده های سهو هم بر او نیست، زیرا امام ضامن نماز کسانی است که پشت سر او نماز می کنند.

شرح: «این سهو که خللی به صحت نماز وارد نمی سازد ظاهراً مربوط به زمانی است که شخص افعال و ارکان را بجا آورده، و اقوال و اذکار را از یاد برده باشد و مؤید این گفته جمله «هیچ چیزی نگوید» است که در متن حدیث آمده، و کسی را که رکوع و سجود بجا نیاورد و با امام قیام نکند نمی توان گفت که با امام، نماز جماعت میخواند. و در مورد نیت و تکبیر الاحرام که اساساً نماز با نیت و تکبیر شروع می شود و بدون این دو دخول در حال نماز بی معنی است و چنانچه اینها را از یاد ببرد عبارت «پس از شروع و دخول نماز» معنی نخواهد داشت. و مراد از لفظ «تکبیر نگوید» تکبیرات مستحبی است، و این عبارت حدیث که «امام ضامن نماز کسانی است که پشت سر او نماز می کنند» در واقع چنین است که امام آنچه در نماز میخواند بمنزله خواندن مأمومین است».

۱۲۰۶- وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ سَهْلٍ عَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «الْإِمَامُ يَحْمِلُ أَوْهَامَ مَنْ خَلَفَهُ إِلَّا تَكْبِيرَةَ الْإِفْتِاحِ».

۱۲۰۷- وَالَّذِي رَوَاهُ أَبُو بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ حِينَ قَالَ لَهُ: «أَيُّضُنُّ الْإِمَامُ الصَّلَاةَ؟ فَقَالَ: لَا لَيْسَ بِضَامِنٍ».

لَيْسَ بِخِلَافِ خَيْرِ عَمَّارٍ وَخَيْرِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَنَّ الْإِمَامَ ضَامِنٌ لِصَلَاةِ مَنْ صَلَّى خَلْفَهُ مَتَى سَهَا عَنْ شَيْءٍ مِنْهَا غَيْرَ تَكْبِيرَةِ الْإِفْتِاحِ، وَلَيْسَ بِضَامِنٍ لِمَا يَتْرُكُهُ الْمَأْمُومُ مُتَعَمِّدًا.

وَوَجْهُ آخَرُ وَهُوَ أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ ضِمَانٌ لِإِثْمَانِ الصَّلَاةِ بِالْقَوْمِ قَرِيبًا

۱۲۰۶- محمد بن سهل از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که فرمود: امام همه سهوهای مأمومین را برمیدارد مگر تکبیرة الاحرام را.

شرح: «تکبیرة الاحرام رکن است و ترک آن چه از روی عمد و چه به سهو سبب باطل شدن نماز است. در بقیة ادعیه و اذکار در صورت سهو همان ذکر امام کفایت میکند».

۱۲۰۷- و اما آن خبری که ابو بصیر (لیث مرادی) از امام صادق علیه السلام روایت کرده هنگامیکه از آن حضرت می پرسد: «آیا امام ضامن نماز مأمومین است؟ و آنحضرت میفرماید: نه، ضامن نیست، مخالف خبر عمار و خبر امام رضا علیه السلام نیست، زیرا امام ضامن نماز کسی است که پشت سر او نماز میکند، هرگاه چیزی از نماز را غیر از تکبیر احرام (که رکن است) سهواً یعنی از روی فراموشکاری ترک نماید. و گرنه آنچه را که مأموم از روی عمد ترک میکند امام ضامن آن نیست (پس بنابر آنچه گذشت آنجا که امام ضامن است مربوط به ترک غیر عمدی و سهوی مأمومین است، و آنجا که امام ضامن نماز مأمومین نیست، مربوط به ترک عمدی است - یعنی مأموم خود اسباب بطلان نماز را عمداً فراهم ساخته باشد -).

و وجه دیگر این است که بر عهده امام نیست و یا امام ضامن نیست که حتماً نماز را بپایان برساند، چه بسا حدّثی از او سر بزنند پیش از آنکه نماز جماعت را

حَدَّثَ بِهِ حَدَّثَ قَبْلَ أَنْ يُتِمَّهَا أَوْ يَذْكُرُ أَنَّهُ عَلَى غَيْرِ طَهْرٍ، وَتَصْدِيقُ ذَلِكَ:

۱۲۰۸- مَا رَوَاهُ حَمِيلُ بْنُ دُرَّاجٍ، عَنْ زُرَّارَةَ، عَنْ أَحَدَيْهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

«سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يُصَلِّي بِقَوْمٍ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ أَخْبَرَهُمْ أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى وُضُوئِهِ، قَالَ: يُتِمُّ

الْقَوْمُ صَلَاتَهُمْ فَإِنَّهُ لَيْسَ عَلَى الْإِمَامِ ضَمَانٌ».

جَلَّ حُجْبُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ تَكُونَ أَخْبَارُهُمْ مُخْتَلِفَةً إِلَّا لِاخْتِلَافِ الْأَحْوَالِ.

۱۲۰۹- وَقَالَ أَبُو الْمَغْرَا حَمِيدُ بْنُ الْمُثَنَّى: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

فَسَأَلَهُ حَفْصُ الْكَلْبِيِّ فَقَالَ: «أَكُونُ خَلْفَ الْإِمَامِ وَهُوَ يَجْهَرُ بِالْقِرَاءَةِ فَأَذْعُو وَأَتَعَوِّذُ؟

قَالَ: نَعَمْ فَأَذْعُ».

پایان برد، یا بخاطرش برسد که جنب بوده، یا وضو نداشته است و مؤید این مطلب حدیث ذیل است:

۱۲۰۸- و آن خبریست که حمیل بن دراج از زراره و او از امام باقر یا صادق علیهما السلام روایت کرده که گفت: از آنحضرت (امام باقر یا امام صادق علیهما السلام) سؤال کردم از پیشنمازی که دو رکعت از نماز را با مردم بخواند بعد به مردم اطلاع دهد و گوید که وضو نداشته است، در این صورت حکم چیست؟ امام فرمود: آن جماعت خود نمازشان را تمام می کنند همانا ضمانتی بر عهد امام نیست (که حتماً از او حدیثی سرزنند یا فراموشی او را دست ندهد).

مؤلف - رحمه الله - میگوید: حجت‌های الهی و ائمه معصومین علیهم السلام بسیار برتر و بلند مرتبه تر از آن هستند که اخبارشان باهم اختلاف داشته باشد، مگر بسبب اختلاف احوال - یعنی خبری که متضمن حکمی در حال خاصی است، در صورتیکه آن حال در جای دیگر تغییر پیدا کند حکم نیز به تبع حال اخیر دیگرگون شود -.

۱۲۰۹- ① أبوالمغرا حميد بن مثنى گوید: نزد امام صادق علیه السلام بودم که حفص کلبی از آنحضرت سؤال کرد: گاه که پشت سر امام جماعت نماز می کنم (هنگام شنیدن آیات رحمت) دعا میکنم و نیز بخدا پناه میبرم (در وقتی که امام آیات عذاب الهی را میخواند) این کار جایز است؟ آنحضرت فرمود: آری دعا بخوان، طلب رحمت و استعاذه کن.

- ۱۲۱۰- وَ رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْأَرْجَانِيُّ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ صَلَّى فِي مَسْجِدِي ثُمَّ أَتَى مَسْجِداً مِنْ مَسَاجِدِهِمْ فَصَلَّى مَعَهُمْ خَرَجَ بِحَسَنَاتِهِمْ».
- ۱۲۱۱- وَ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يُصَلِّي فِي الْوَقْتِ وَيَقْرَأُ ثُمَّ يَأْتِيهِمْ وَيُصَلِّي مَعَهُمْ وَهُوَ عَلَى وَضوءٍ إِلَّا كَتَبَ اللَّهُ لَهُ خَمْساً وَعَشْرِينَ دَرَجَةً».
- ۱۲۱۲- وَ قَالَ لَهُ أَيْضاً: «إِنَّ عَلَى بَابِي مَسْجِداً يَكُونُ فِيهِ قَوْمٌ مُخَالِفُونَ مُعَانِدُونَ فَهُمْ يُنْسَوْنَ فِي الصَّلَاةِ وَأَنَا أَصَلِّي الْعَصْرَ، ثُمَّ أَخْرُجُ فَأُصَلِّي مَعَهُمْ؟ فَقَالَ: أَمَا تَرْضَى أَنْ تُخَسَّبَ لَكَ بِأَرْبَعٍ وَعَشْرِينَ صَلَاةً».

① ۱۲۱۰- حسین بن عبدالله ارجانی از آنحضرت روایت کرده که فرمود: هر کس در مسجد خود نماز کند به مسجدی از مساجد اهل سنت یا مخالفین درآید و با ایشان نیز از روی تقیه نماز گزارد، وقتی از مسجد بیرون آید همه حسنائی که در صورت صحت و مقبول بودن برای آن نمازها مقدر بوده با خود همراه خواهد آورد یا از تمامی آن ثوابها برخوردار خواهد بود.

② ۱۲۱۱- عبدالله بن سنان از آنحضرت روایت کرده است که فرمود: هیچ بنده ای نیست که در وقت مقرر نماز کند و از نماز فارغ شود، آنگاه بمسجد مخالفین و اهل سنت رفته و با ایشان نیز نماز کند در حالیکه وضو داشته باشد مگر اینکه خداوند متعال بیست و پنج درجه که ثواب بیست و پنج نماز منفرد باشد برای او در نامه عملش منظور فرماید (منظور اینست که از روی تقیه با ایشان نماز کند و نافله بخواند).

③ ۱۲۱۲- و باز روایت کرده اند که عبدالله بن سنان به آنحضرت علیه السلام گفت: بر در خانه من مسجدی است و جماعتی از مخالفان که با اهل بیت علیهم السلام یا شیعیان دشمنی می ورزند در آن مسجد گرد می آیند و نماز عصر را نزدیک بغروب (چنانکه مذهب ابوحنیفه است) بجا می آورند، و من نماز عصر را در اول وقت می خوانم، آنگاه از خانه بیرون میروم و باز با ایشان نیز از روی تقیه نماز میکنم، اینکار چگونه است؟ آنحضرت فرمود: آیا خشنود نمی شوی از اینکه ثواب بیست و چهار نماز برایست منظور گردد؟ (یعنی ثواب بیست و چهار نماز، که با اصل بیست و پنج نماز می شود و

۱۲۱۳- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا صَلَّيْتَ مَعَهُمْ غُفِرَ لَكَ بِعَدِيدٍ مِّنْ

مُخَالَفَتِكَ».

۱۲۱۴- وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْهُ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا صَلَّيْتَ صَلَاةً

وَأَنْتَ فِي الْمَسْجِدِ فَأَقِمْتَ الصَّلَاةَ، فَإِنْ شِئْتَ فَأَخْرِجْ وَإِنْ شِئْتَ فَصَلِّ مَعَهُمْ وَاجْعَلْهَا تَشْبِيحًا».

۱۲۱۵- وَرَوَى إِسْحَاقُ بْنُ عَمَارٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «صَلِّ وَاجْعَلْهَا

لِمُفَاتِكَ».

۱۲۱۶- وَرَوَى مُعَاوِيَةُ بْنُ شُرَيْحٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا

جَاءَ الرَّجُلُ مُبَادِرًا وَالْإِمَامُ رَاكِعٌ أَجْزَأُ أَنْ تَكْبِيرَهُ وَاحِدَةً لِّدُخُولِهِ فِي الصَّلَاةِ وَالرُّكُوعِ».

وَمَنْ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَهُوَ سَاجِدٌ كَبَّرَ وَسَجَدَ مَعَهُ وَلَمْ يَتَغَيَّرْ بِهَا.

همان ثواب مقرر برای نماز جماعت باشد).

① ۱۲۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه با اهل سنت و مخالفان اهل بیت علیهم السلام یا مخالفین شیعیان، از روی تقیه نماز کنی خداوند متعال بعدد همه مخالفانت از گناهان تو بیامرزد.

② ۱۲۱۴- و نیز حلبی از آنحضرت (امام صادق) و آنحضرت از پدرش علیهما السلام روایت کرده که فرمود: هرگاه نماز خود را خوانده بودی و هنوز در مسجد بودی که اقامه نماز بجماعت برای همان نماز گفتند، اگر خواهی از مسجد بیرون رو، و اگر خواهی در مسجد بمان و با ایشان نماز کن و برای نماز اخیر قصد نافله کن.

③ ۱۲۱۵- اسحاق بن عمار از آنحضرت روایت کرده که در این مورد فرمود: بار دیگر نماز کن و آنرا بقصد نماز قضا بجای آور.

④ ۱۲۱۶- معاویه بن شریح از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هرگاه شخصی شتابان از راه رسید و خواست خود را با امام برساند در حالیکه امام در رکوع است برای وارد شدن به نماز جماعت و رکوع کافی است برای هر دو یک تکبیر بگویند.

و هر کس امام را زمانی دریابد که در سجده است، تکبیر بگوید و با او

وَمَنْ أَدْرَكَ الْإِمَامَ وَهُوَ فِي الرَّكْعَةِ الْآخِرَةِ فَقَدْ أَدْرَكَ فَضَلَ الْجَمَاعَةِ.
وَمَنْ أَدْرَكَهُ وَقَدْ رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ السَّجْدَةِ الْآخِرَةِ وَهُوَ فِي الشَّهَادَةِ فَقَدْ أَدْرَكَ
الْجَمَاعَةَ وَلَيْسَ عَلَيْهِ أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ.

وَمَنْ أَدْرَكَهُ وَقَدْ سَلَّمَ فَعَلَيْهِ الْأَذَانُ وَالْإِقَامَةُ.

وَلَا يَجُوزُ جَمَاعَتَانِ فِي مَسْجِدٍ فِي صَلَاةٍ وَاحِدَةٍ.

۱۲۱۷- فَقَدْ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ أَبِي عَلِيٍّ الْحَرَّانِيِّ قَالَ: «كُنَّا عِنْدَ

بسجود رود، ولی به آن سجده اعتماد نکند و بحساب نمازش نیست.

شرح: «یعنی برخیزد و رکعت بعد را اولین رکعت خود قرار دهد و تکبیر اول را تکبیر الاحرام خود قرار دهد و اعاده نکند».

و هر که امام را در رکعت آخر نماز دریابد (پیش از رکوع یا در رکوع) پس فضل نماز جماعت را دریافته است.

و کسی که امام را وقتی که سر از سجده آخر برداشته و در حال تشهد است دریابد فضیلت جماعت را درک کرده (لکن نماز جماعت را درک نکرده) اما اذان و اقامه بر او نیست.

شرح: «یعنی هنگامیکه امام در تشهد آخر نماز است اگر انسان اقتدا کند تکبیر گوید و بنشیند و نماز را امام تمام کند این شخص تنها ثواب جماعت را درک کرده نه نماز را».

و هر کس امام را وقتی سلام نماز را خوانده و فارغ شده دریابد باید، اذان و اقامه بگوید.

شرح: «مراد آنستکه در صورت تفرق جمعیت و بهم خوردن صورت جماعت آنوقت برای شخص وارد اذان و اقامه شایسته است».

و جایز نیست برای یک نماز در مسجدی دو جماعت تشکیل شود.

شرح: «ظاهراً مؤلف - رحمه الله - انعقاد دو جماعت را در یکوقت و یک نماز در یک مسجد جایز نمی داند و این حکم با دستورات اسلام سازگارتر است زیرا فرمود: «وَلَا تَفْرُقُوا». ولی دلیل وی مدعی را ثابت نمی کند».

۱۲۱۷- : دا محمد بن ابی عمر از ابی علی حرانی روایت کرده که گفت:

أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ: صَلَّيْنَا فِي مَسْجِدِ الْفَجْرِ فَأَنْصَرَفَ بَعْضُنَا وَجَلَسَ بَعْضٌ فِي التَّسْبِيحِ فَدَخَلَ عَلَيْنَا رَجُلٌ الْمَسْجِدَ فَأَذَّنَ فَمَتَّعْنَاهُ وَدَفَعْنَاهُ عَنْ ذَلِكَ، فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَحْسَنْتُمْ إِذْ قَعَمْتُمْ عَنْ ذَلِكَ وَامْتَنَعْتُمْ أَشَدَّ الْمَنْعِ، فَقُلْتُ لَهُ: فَإِنْ دَخَلَ جَمَاعَةٌ فَقَالَ: يَقُومُونَ فِي نَاحِيَةِ الْمَسْجِدِ وَلَا يَبِيدُوا لَهُمْ إِمَامٌ».

وَمَنْ نَسِيَ التَّسْلِيمَ خَلَفَ الْإِمَامَ أَجْزَاءَ تَسْلِيمِ الْإِمَامِ وَمَنْ سَهَا فَتَسَلَّمَ قَبْلَ الْإِمَامِ فَلَيْسَ بِهِ بَأْسٌ.

۱۲۱۸- وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ سَمَاعَةَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي رَجُلٍ سَبَقَهُ الْإِمَامُ بِرُكْعَةٍ ثُمَّ أَوْفَقَهُ الْإِمَامُ فَقَضَى خُتْمًا؟

ما در محضر امام صادق علیه السلام بودیم که مردی نزد آنحضرت آمده و گفت: ما در مسجد نماز صبح را خوانده بودیم بعضی رفته بودند و عده دیگر نشسته و مشغول تسبیحات و تعقیب نماز بودند که شخصی وارد مسجد شد و اذان گفت (که اقامه نماز کند) ما او را منع کرده از اینکار بازداشتیم، امام صادق علیه السلام فرمود: کار خوبی کردید مگذارید کسی بار دیگر اذان بگوید و بشدیدترین وجه او را منع کنید، من از آنحضرت سؤال کردم: اگر جماعتی وارد شدند و خواستند نماز جماعت کنند چه باید بکنند؟ فرمود: در گوشه‌ای از مسجد می‌ایستند و امام ایشان پیش نمی‌ایستد (بلکه در میان آنان می‌ایستد و باو اقتدا می‌کنند و مانند امام را تب مسجده جلوی جماعت نمی‌ایستد).

و هر کس فراموش کند پشت سر امام سلام نماز را بگوید همان سلام گفتن امام از او کفایت می‌کند، و هر کس از روی فراموشکاری قبل از امام سلام بگوید نیز اشکالی ندارد.

۱۲۱۸- حسن بن محبوب از جمیل بن صالح و او از سماعه و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده است در مورد شخصی که امام یک رکعت پیش از او نماز کرده باشد و او به امام ملحق شود، و چون برای رکعت چهارم برمیخیزد امام بگمان افتد که یک رکعت باقیمانده است پس امام نیز برخیزد (که در واقع رکعت پنجم امام می‌شود) آیا این رکعت را می‌تواند به امام اقتدا کند در صورتیکه رکعت پنجم

قال: يَقْضِي تِلْكَ الرُّكْعَةَ وَلَا يَتَعَتَّدُ بِوَلَّهِمُ الْإِمَامِ».

بَابُ

*** (وَجُوبُ الْجُمُعَةِ وَفَضْلُهَا وَمَنْ وَضَعَتْ عَنْهُ وَالصَّلَاةُ وَالْخُطْبَةُ فِيهَا) ***

۱۲۱۹- قال أبو جعفر الباقر عليه السلام لزراعة بن أعين: «إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى النَّاسِ مِنَ الْجُمُعَةِ إِلَى الْجُمُعَةِ خَمْسًا وَثَلَاثِينَ صَلَاةً، مِنْهَا صَلَاةٌ وَاحِدَةٌ فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي جَمَاعَةٍ وَهِيَ الْجُمُعَةُ، وَوَضَعَهَا عَنْ تِسْعَةٍ: عَنِ الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَالْمَجْنُونِ وَالْمُسَافِرِ وَالْعَبْدِ وَالْمَرْأَةِ وَالْمَرِيضِ وَالْأَعْمَى وَمَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ فَرَسَيْنِ، وَالْقِرَاءَةُ فِيهَا بِالْجَهْرِ وَالْغُسْلُ فِيهَا وَاجِبٌ [وَ] عَلَى الْإِمَامِ فِيهَا قُتُونَانِ قُنُوتٌ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى قَبْلَ الرُّكُوعِ وَفِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بَعْدَ الرُّكُوعِ.

وَمَنْ صَلَّاهَا وَخَذَهُ فَقَلْبُهُ قُنُوتٌ وَاحِدٌ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى قَبْلَ الرُّكُوعِ.

امام است؟ آنحضرت فرمود: آن رکعت را با قصد انفراد بجا میآورید و اعتماد بسهوا-
امام نمیکند.

بَابُ

*** (وَجُوبُ غَازِ جَمْعِهِ وَقَضِيلَتِ آن وَنَزْرُ جُغُونُگِیِ خُطْبِهِ وَغَازِ جَمْعِهِ) ***

۱۲۱۹- امام باقر علیه السلام به زرار بن أعین فرمود: همانا خداوند عز و جل از هر جمعه تا جمعه دیگر سی و پنج رکعت نماز بر مردمان واجب گردانیده است و از میان این نمازها تنها یک نماز است که خداوند عز و جل فرض گردانیده که بجماعت برگزار شود و آن نماز جمعه است و از نه گروه آنرا ساقط ساخته که عبارتند از: طفل صغیر، شخص سالخورده، مجنون، مسافر، بنده، زن، مریض، کور و نابینا، و کسی که در دو فرسخی از محل اقامه نماز جمعه سکونت داشته باشد. و قرائت را در نماز جمعه بلند باید خواند و غسل جمعه در نماز جمعه واجب است و نیز در نماز جمعه دو قنوت بر عهده امام است یکی پیش از رکوع در رکعت اول و دیگری پس از رکوع در رکعت دوم.

و هر کس بتنهائی نماز جمعه را بخواند (یعنی شرائط آن جمع نباشد و کس دیگری هم غیر از او نباشد یا بنماز جمعه نرسیده و ناگزیر باشد که بتنهائی آنرا اقامه

و تَقَرَّرَ بِهَذِهِ الرَّوَايَةِ حَرِيرٌ عَنْ زُرَّارَةَ.

وَالَّذِي اسْتَعْمَلَهُ وَأَفْتَى بِهِ وَقَضَى عَلَيْهِ مَشَايِخِي - رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِمْ - هُوَ أَنَّ الْقُنُوتَ فِي جَمِيعِ الصَّلَوَاتِ فِي الْجُمُعَةِ وَغَيْرِهَا فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ بَعْدَ الْقِرَاءَةِ وَقَبْلَ الرُّكُوعِ.

۱۲۲۰- وَقَالَ زُرَّارَةُ: «قُلْتُ لَهُ: عَلَى مَنْ يَجِبُ الْجُمُعَةُ؟ قَالَ: تَجِبُ عَلَى سَبْعَةِ نَفَرٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ. وَلَا جُمُعَةَ لِأَقَلِّ مِنْ خَمْسَةٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ أَحَدُهُمْ الْإِمَامُ. فَإِذَا اجْتَمَعَ سَبْعَةٌ وَلَمْ يَخَافُوا أَمَّهُمْ بَغْضُهُمْ وَخَطْبَتُهُمْ».

کند) چهار رکعت نماز ظهر می خواند و یک قنوت بر او است و آن پیش از رکوع در رکعت اول است. و آنچه در این گفتار در مورد رکوع آمده (که دو قنوت دارد) جز حریر که از زرارہ روایت کرده هیچکس دیگر آنرا روایت نکرده است.

و اما آنچه من خود بدان عمل می کنم و فتوی بدان می دهم که دیگران عمل کنند و استنادم - که رحمت خدا بر ایشان باد - بدان قائل بودند اینست که بطور کلی یک قنوت در تمامی نمازها چه در جمعه و چه غیر آن در رکعت دوم پس از قراءت پیش از رکوع است.

⑦ ۱۲۲۰- زرارہ گوید: بآنحضرت (امام باقر علیه السلام) عرض کردم: نماز جمعه بر چند نفر واجب است؟ آنحضرت فرمود: هفت نفر از مسلمانان که باهم جمع شوند نماز جمعه بر ایشان واجب است، و برای کمتر از پنج نفر از مسلمانان که یکی از آنان امام باشد نماز جمعه تشکیل نمی شود، پس اگر هفت نفر مسلمان گرد هم آیند و ترس از اهل سنت یا سایر مخالفان نداشته باشند بعضی از ایشان دیگران را امامت می کند و برای آنان خطبه میخواند.

مترجم گوید: «از آنچه گذشت چنین ظاہر می شود چنانچه هفت کس جمع شوند نماز جمعه واجب عینی و اگر پنج یا شش نفر گرد هم آیند نماز جمعه واجب تأخیری باشد، و مراد از امام در اجتماع پنج نفری پیش نماز است نه امام اصل».

شرح: «نماز جمعه در زمان حضور پیغمبر صلی اللہ علیہ وآلہ واجب بوده و کسی حق تخلف از آن را بدون عذر نداشته، و در زمان ائمه معصومین علیہم السلام همچنین واجب بوده است، لکن شروطی دارد که اگر آن شروط محقق شود واجب

۱۲۲۱- وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّمَا وُضِعَتِ الرَّكْعَتَانِ اللَّتَانِ أَضَافَهُمَا النَّبِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ لِلْمُقِيمِ لِمَكَانٍ الْخُطْبَتَيْنِ مَعَ الْإِمَامِ، فَمَنْ صَلَّى يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي غَيْرِ جَمَاعَةٍ فَلْيَصِلْهَا كَصَلَاةِ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ».

۱۲۲۲- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَقْتُ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ سَاعَةٌ تَزُولُ الشَّمْسُ، وَوَقْتُهَا فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ وَاحِدٌ وَهُوَ مِنَ الْمُضَيَّقِ، وَصَلَاةُ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي وَقْتِ الْأُولَى فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ».

۱۲۲۳- وَرَوَى عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَا بَأْسَ أَنْ تَدَعَ الْجُمُعَةَ فِي الْمُنْتَهَى».

یعنی است و اگر شروط تحقق نیابد واجب تحبیری است، یعنی اگر به نماز جمعه حاضر نشود و بخواند، نماز ظهر از او ساقط است، اگر به جمعه حاضر نشود نماز ظهر چهار رکعت بر او فرض است، و شروط وجوب نماز جمعه را در کتب فقه باید دید و در اینمقال مجال آن نیست.

① ۱۲۲۱- امام محمد باقر علیه السلام فرمود: آن دو رکعتی که پیامبر صلی الله علیه و آله برای شخص غیر مسافر و کسی که در حضر است بنمازهای چهار رکعتی افزود، آن دو رکعت از نماز جمعه بجای خطبه ای که امام در نماز میخواند برداشته شد، پس کسی که روز جمعه در غیر جماعت باشد (یعنی وقتی نماز جمعه را نخواند) نماز ظهر را چهار رکعت خواهد خواند (همانند بقیه روزهای هفته).

② ۱۲۲۲- و نیز آنحضرت فرمود: وقت نماز جمعه هنگام زوال آفتاب است (چون نوافل جمعه را پیشتر بجا میآورند و در اول وقت فریضه را میخوانند) و وقت آن در سفر و حضر یکی است و این بخاطر آن است که وقت جمعه تنگ است، و روز جمعه نماز عصر را در هنگام نماز ظهر سایر ایام هفته بجا میآورند (قبلاً گذشت که وقت نافله ظهر تا دو قدم از زوال خورشید است و پس از دو قدم وقت فریضه است که نماز جمعه را در وقت اخیر یعنی دو قدم پس از زوال میخوانند).

③ ۱۲۲۳- عبدالرحمن بن ابی عبدالله از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: اشکالی ندارد که وقتی باران می بارد نماز جمعه را بجا نیاورند. (البته گفته اند که جز در موارد مشقت شدید احوط آنست که ترک نماز جمعه نکنند).

۱۲۲۴- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «تَجِبُ الْجُمُعَةُ عَلَى سَبْعَةِ نَفَرٍ مِنَ الْمُؤْمِنِينَ، وَلَا تَجِبُ عَلَى أَقَلِّ مِنْهُمْ: الْإِمَامُ وَقَاضِيهِ، وَمُدَّعِيَا حَقٍّ، وَشَاهِدَانِ وَالَّذِي يَضْرِبُ الْخُدُودَ بَيْنَ يَدَيِ الْإِمَامِ.

۱۲۲۵- وَ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَوَّلُ وَقْتِ الْجُمُعَةِ سَاعَةُ تَزُولِ الشَّمْسِ إِلَى أَنْ تَمْضِيَ سَاعَةٌ قَحَافِظُ عَلَيْهَا، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: لَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَبْدًا فِيهَا خَيْرًا إِلَّا أُعْطَاهُ».

وَ قَالَ أَبِي - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فِي رِسَالَتِهِ إِلَيَّ: إِنَّ اسْتِثْنَاءَ أَنْ نَصِّيَ يَوْمَ

(۱) ۱۲۲۴- محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هرگاه تعداد مؤمنان به هفت نفر برسد یعنی وقتی هفت نفر از مؤمنان برای این منظور گرد هم آیند، آنگاه نماز جمعه بر ایشان واجب می شود، و بر کمتر از آنان (که هفت تن باشند) نماز جمعه واجب نیست، که آن هفت نفر عبارتند از: امام، قاضی منصوب از طرف امام، مدعی، و مدعی علیه، دو گواه، و بالاخره شخصی که در برابر امام وظیفه اجرای حد را بعهده دارد.

شرح: «مراد آنست که هیئت حاکمه خود موظف به اقامه نماز جمعه اند، و جمعیت مردم حضور نداشته باشند، و میان این خبر و خبر دیگر مبنی بر اینکه با حضور پنج نفر وجوب تأخیری و در هفت نفر وجوب عینی است جمع کرده اند».

(۲) ۱۲۲۵- امام محمد باقر علیه السلام فرمود: اول وقت نماز جمعه از هنگام زوال آفتاب است تا یک ساعت (که همانگونه که قبلاً بطور مشروح در جای خود مذکور افتاد و عبارت از دو قدم است از زوال) بگذرد، پس محافظت و مراقبت نماز بر این زمان که نماز جمعه را در این وقت بخوانی و حاجتی که داری از خداوند متعال بخواهی.

رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ بنده ای در این ساعت مطلب خوب و نیکوئی از خداوند عز و جل درخواست نکند مگر آنکه خداوند حتماً به او عطا فرماید.

و پدرم - که خداوند از او خشنود باد - در رساله اش که برایم فرستاده گوید: اگر بتوانی که در روز جمعه نماز کنی، در هنگام طلوع آفتاب، شش رکعت

الْجُمُعَةِ إِذَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ سِتَّ رَكَعَاتٍ، وَإِذَا انْتَسَطَتْ سِتَّ رَكَعَاتٍ وَقَبْلَ الْمَكْتُوبَةِ رَكَعَتَيْنِ وَبَعْدَ الْمَكْتُوبَةِ سِتَّ رَكَعَاتٍ فَأَفْعَلٌ.

وَفِي نَوَادِرِ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدَ بْنِ عِيسَى «وَرَكَعَتَيْنِ بَعْدَ الْعَصْرِ».

وَإِنْ قَدِمْتَ نَوَافِلَكَ كُلَّهَا فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ قَبْلَ الزَّوَالِ أَوْ أَخَّرْتَهَا إِلَى بَعْدِ الْمَكْتُوبَةِ فَهِيَ سِتُّ عَشْرَةَ رَكَعَةً، وَتَأْخِيرُهَا أَفْضَلُ مِنْ تَقْدِيمِهَا، فَإِذَا زَالَتِ الشَّمْسُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَلَا تُصَلِّ إِلَّا الْمَكْتُوبَةَ، وَاقْرَأْ فِي صَلَاةِ الْعِشَاءِ الْآخِرَةَ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ سُورَةَ الْجُمُعَةِ وَسَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ [الْأَعْلَى] وَفِي صَلَاةِ الْغَدَاةِ وَالظُّهْرِ وَالْعَصْرِ سُورَةَ الْجُمُعَةِ وَالْمُنَافِقِينَ، فَإِنْ نَسِيتَهُمَا أَوْ وَاحِدَهُمَا فِي صَلَاةِ الظُّهْرِ وَقَرَأْتَ غَيْرَهُمَا، ثُمَّ ذَكَرْتَ فَارْجِعْ إِلَى سُورَةِ الْجُمُعَةِ وَالْمُنَافِقِينَ مَا لَمْ تَقْرَأْ نِصْفَ السُّورَةِ، فَإِذَا قَرَأْتَ نِصْفَ السُّورَةِ فَتَمِّمِ السُّورَةَ وَاجْعَلْهَا رَكَعَتَيْنِ نَافِلَةً وَسَلِّمْ فِيهِمَا، وَأَعِدْ صَلَاتَكَ

بجای آن، و وقتی آفتاب پهن شد، یا روز بالا آمد نیرشش رکعت بخوان، و پیش از فریضه نیز (خواه نماز جمعه و خواه نماز ظهر) دو رکعت بخوان، و پس از نماز واجب شش رکعت بجای آور.

⑦ و در کتاب نوادر احمد بن محمد بن عیسی همین مطلب آمده باضافه اینکه گوید: دو رکعت دیگر هم پس از عصر بخوان و اگر همه نوافل خود را در روز جمعه جلواندازی و پیش از زوال بجای آوری یا همه را تأخیر کنی تا بعد از فریضه بخوانی در این صورت شانزده رکعت نماز خواهی کرد. البته تأخیر نوافل از فریضه، بهتر از پیش انداختن آن بر فریضه است. و چون زوال آفتاب شود در روز جمعه دیگر نمازی جز نماز واجب بخوان، و در نماز عشاء شب جمعه بعنوان سوره، سوره جمعه و سَبِّحْ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى را بخوان، و در نماز صبح و ظهر و عصر جمعه، سوره جمعه و سوره منافقون را قرائت کن، و اگر این دو سوره یا یکی از این دو را در نماز ظهر روز جمعه فراموش کردی بخوانی، و بجای آن سوره دیگری را خواندی، بعد در حین قرائت بیاد آوری که بایست سوره جمعه را میخواندی در اینصورت مادام که هنوز نصف آن سوره را قرائت نکرده ای بازگرد و سوره جمعه و منافقون را بخوان، و اگر نصف سوره را خوانده بودی در این صورت آنرا تمام کن و برای آن نماز قصد دو رکعت نافله نما و

بِسُورَةِ الْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ، وَلَا بَأْسَ بِأَنْ تُصَلِّيَ الْعِشَاءَ وَ الْغَدَاةَ وَ الْعَصْرَ بِغَيْرِ سُورَةِ الْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ إِلَّا أَنْ الْفَضْلَ فِي أَنْ تُصَلِّيَهَا بِالْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ. وَ مَنْ أَرَادَ أَنْ يَقْرَأَ فِي صَلَاتِهِ بِسُورَةٍ فَقَرَأَ غَيْرَهَا فَلْيَرْجِعْ إِلَيْهَا إِلَّا أَنْ تَكُونَ السُّورَةُ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فَلَا يَرْجِعْ مِنْهَا إِلَى غَيْرِهَا إِلَّا يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي صَلَاةِ الظُّهْرِ فَإِنَّهُ يَرْجِعُ مِنْهَا إِلَى سُورَةِ الْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ، وَ مَا رُوِيَ مِنَ الرَّخْصِ فِي قِرَاءَةِ غَيْرِ الْجُمُعَةِ وَ الْمُنَافِقِينَ فِي صَلَاةِ الظُّهْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَهِيَ لِلْمَرِيضِ وَ الْمُسْتَعْجِلِ وَ الْمُسَافِرِ.

۱۲۲۶- وَ رَوَى صَفْوَانُ بْنُ بَحْسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ يَقْطَنِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْجُمُعَةِ فِي السَّفَرِ مَا أَقْرَأَ فِيهِمَا؟ قَالَ: «إِقْرَأْ فِيهِمَا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».

۱۲۲۷- وَ رَوَى جَعْفَرُ بْنُ بَشِيرٍ وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ جَبَلَةَ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ

چون دو رکعت گزاری سلام نماز را بجای آور و آن نماز را با سورة جمعه و منافقون إعادہ کن. و در نمازهای عشاء و صبح و عصر روز جمعه اشکالی ندارد که سوره ای دیگر غیر از سورة جمعه و منافقون را بخوانی، جز اینکه فضیلت در اینست که این نمازها را نیز با سورة جمعه و منافقون بخوانی. و هر کس بخواند و قصد کند سورة خاصی را در نماز بخواند و بعد از روی فراموشی سورة دیگری را بخواند باید باز گردد و سورة مورد نظر را بخواند، مگر اینکه سورة اخیر (که بجای سوره مورد نظر سهواً میخواند) سورة قل هو الله أحد باشد در این صورت به سورة مورد نظر اولیه باز نمیگردد بلکه همان قل هو الله أحد را ادامه میدهد، بجز روز جمعه در نماز ظهر که از قل هو الله أحد برمیگردد و سورة جمعه یا منافقون را میخواند، و آن احادیثی که روایت کرده اند که رخصت داده شده در نماز ظهر روز جمعه سورة دیگری غیر از سورة جمعه و منافقون را در قراءت بخوانند آن رخصت مربوط به کسی است که بیمار باشد یا عجله داشته باشد و یا مسافر باشد.

(۱) ۱۲۲۶- صفوان بن بحسی از علی بن یقطین روایت کرده که گفت: از امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کردم در هنگام سفر در نماز جمعه کدام سوره را بخوانم؟ فرمود: در دو رکعت نماز قل هو الله أحد را بخوان.

(۲) ۱۲۲۷- جعفر بن بشیر و عبدالله بن جبله از عبدالله بن سنان، و او از امام

عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَمِعْتُهُ يَقُولُ فِي صَلَاةِ الْجُمُعَةِ: لَا بَأْسَ أَنْ تَقْرَأَ فِيهَا بِغَيْرِ الْجُمُعَةِ وَالْمُنَافِقِينَ إِذَا كُنْتَ مُسْتَعِجِلًا».

وَعُسْلُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ مِنْ وَقْتِ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى أَنْ تَرُونَ الشَّمْسَ وَهُوَ مُنْتَهَى وَاجِبَةٌ وَيُنْدَى فِيهَا بِالْوُضُوءِ.

۱۲۲۸- وَ «كَانَ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَنْتَهَى يَوْمَ الْخَمِيسِ لِلْجُمُعَةِ».

۱۲۲۹- وَ رَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «وَقْتُ الْجُمُعَةِ زَوَالُ الشَّمْسِ وَوَقْتُ صَلَاةِ الظُّهْرِ فِي السَّفَرِ زَوَالُ الشَّمْسِ وَوَقْتُ الْعَصْرِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ فِي الْحَضَرِ نَحْوُ مِنْ وَقْتِ الظُّهْرِ فِي غَيْرِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ».

۱۲۳۰- وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا كَلَامَ وَالْإِمَامُ يَخْطُبُ،

صادق علیه السلام روایت کرده گوید: شنیدم آنحضرت در مورد نماز جمعه میفرمود: هرگاه تعجیل و شتاب داشته باشی، اشکالی ندارد که در نماز جمعه سوره دیگری غیر از سوره جمعه و منافقین را بخوانی.

و غسل روز جمعه از هنگام طلوع صبح صادق است تا ابتدای زوال آفتاب (یعنی ظهر) و آن سنتی واجب است و ابتدا وضو میسازد و پس از آن غسل میکند.

① ۱۲۲۸- امام کاظم علیه السلام معمولاً روز پنجشنبه خود را برای روز جمعه آماده می ساخت.

شرح: «منظور اینست که پاره ای از اعمال مستحب مانند پاکسازی لباس و تراشیدن سر و کوتاه کردن ناخن و گرفتن موهای پشت لب و امثال آن را روز پیش انجام میداد که روز جمعه این امور باعث نشود عبادت آنحضرت به تأخیر افتد».

② ۱۲۲۹- حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود: وقت نماز جمعه از ابتدای زوال آفتاب است، و وقت نماز ظهر در سفر نیز هنگام زوال خورشید از دایره نصف النهار است، و وقت نماز عصر در روز جمعه در حضر همانند وقت ظهر است در غیر روز جمعه یا سایر آیام هفته (که دو قدم بعد از زوال آفتاب است).

③ ۱۲۳۰- أمير المؤمنين عليه السلام فرمود: وقتی امام خطبه میخواند سخن نباید

وَلَا التَّيَاتُ إِلَّا كَمَا يَجُلُّ فِي الصَّلَاةِ وَإِنَّمَا جُعِلَتِ الْجُمُعَةُ رَكْعَتَيْنِ مِنْ أَجْلِ الْخُطْبَتَيْنِ، جُعِلْنَا مَكَانَ الرُّكْعَتَيْنِ الْآخِرَتَيْنِ، فِيهِ صَلَاةٌ حَتَّى يَثْرُلَ الْإِمَامُ».

۱۲۳۱- وَ رَوَى الْعَلَاءُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا بَأْسَ أَنْ يَتَكَلَّمَ الرَّجُلُ إِذَا فَرَغَ الْإِمَامُ مِنَ الْخُطْبَةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ مَا يَشَاءُ وَيَبَيِّنُ أَنْ تُقَامَ الصَّلَاةُ وَإِنْ سَمِعَ الْقِرَاءَةَ أَوْ لَمْ يَسْمَعْ أَجْزَأَهُ».

۱۲۳۲- وَ رَوَى سَمَاعَةُ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «صَلَاةُ [يَوْمِ] الْجُمُعَةِ مَعَ الْإِمَامِ رَكْعَتَانِ فَمَنْ صَلَّى وَخَذَهُ فِيهِ أَرْبَعُ رَكْعَاتٍ».

۱۲۳۳- وَ رَوَى حَمَّادُ بْنُ عَثْمَانَ، عَنْ عُمَرَ بْنِ الْحَلْبِيِّ قَالَ: «سَبَّلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي الْجُمُعَةَ أَرْبَعَ رَكْعَاتٍ أَيْجَهَرُ فِيهَا بِالْقِرَاءَةِ؟ قَالَ: نَعَمْ وَالْقُنُوتُ فِي الثَّانِيَةِ».

گفت، و روی گردانیدن بچپ و راست و پشت سر جایز نیست مگر بهمان اندازه که در نماز بلا اشکال است، و نماز جمعه را بخاطر آن دو خطبه ای که خوانده می شود دو رکعت مقرر ساخته اند، که آن دو خطبه بجای دو رکعت آخر نماز محسوب میگردند، پس خطبه خود بمنزله نماز است تا امام از منبر فرود آید.

① ۱۲۳۱- علاء از محمد بن مسلم و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: وقتی امام از خطبه نماز جمعه فارغ می شود و از منبر فرود میآید تا هنگامیکه اقامه نماز گفته می شود در این فاصله سخن گفتن شخص اشکالی ندارد، هر چند قراءت را بشنود یا آنرا نشنود او را مجزئست.

② ۱۲۳۲- سماعه از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) روایت کرده است که فرمود نماز جمعه پشت سر امام دو رکعت است، و هر کس بتنهائی آنرا بخواند در اینصورت چهار رکعت است.

شرح: «یعنی باید نماز ظهر را مطابق هر روز بخواند».

③ ۱۲۳۳- حماد بن عثمان از عمران حلبی روایت کرده که گفت: از امام صادق علیه السلام پرسیدند در مورد شخصی که نماز جمعه را چهار رکعت میگزارد آیا قراءت را در آن بلند میخواند؟ فرمود: آری و قنوت را هم در رکعت دوم میخواند.

وَهَذِهِ رُخْصَةٌ الْأَخْذُ بِهَا جَائِزٌ وَالْأَصْلُ أَنَّهُ إِنَّمَا يَجْهَرُ فِيهَا إِذَا كَانَتْ خُطْبَةً فَإِذَا صَلَّاهَا الْإِنْسَانُ وَخَدَهُ فِيهِ كَصَلَاةِ الظُّهْرِ فِي سَائِرِ الْأَيَّامِ يُخْفِي فِيهَا الْقِرَاءَةَ وَكَذَلِكَ فِي السَّفَرِ مَنْ صَلَّى الْجُمُعَةَ جَمَاعَةً بِغَيْرِ خُطْبَةٍ جَهَرَ بِالْقِرَاءَةِ وَإِنْ أَنْكَرَ ذَلِكَ عَلَيْهِ وَكَذَلِكَ إِذَا صَلَّى رَكْعَتَيْنِ يَخُطِّبُ فِي السَّفَرِ جَهَرَ فِيهَا.

۱۲۳۴ - وَرَوَى الْفَضْلُ بْنُ عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

«إِذَا أَذْرَكَ الرَّجُلَ رَكْعَةً فَقَدْ أَذْرَكَ الْجُمُعَةَ وَإِنْ فَانَتْهُ فَلْيُصَلِّ أَرْبَعًا.

۱۲۳۵ - وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا أَذْرَكَتَ الْإِمَامَ

قَبْلَ أَنْ يَرْكَعَ الرَّكْعَةَ الْآخِرَةَ فَقَدْ أَذْرَكَتَ الصَّلَاةَ. وَإِنْ أَذْرَكَتَهُ بَعْدَ مَا رَكَعَ فِيهِ أَرْبَعٌ بِمَنْزِلَةِ الظُّهْرِ».

و اینکه نماز ظهر را بلند بخوانند بر سبیل رخصت است و عمل به آن جایز است ولی اصل اینست که وقتی خطبه میخوانند جهر می کنند در غیر اینصورت بلند نمی خوانند، پس وقتی انسان به تنهایی نماز جمعه می کند مثل نماز ظهر در سایر روزهای هفته است که قراءت را با صدای آرام و کوتاه میخواند، همچنین است در مواقع سفر، کسی که نماز جمعه را بجماعت و بدون خطبه میخواند قراءت را بلند میخواند هر چند آنرا بر او (اهل سنت) انکار کنند، و همچنین هنگامیکه در سفر دو رکعت و با خطبه میخواند در آن قراءت را جهر میکند.

① ۱۲۳۴ - فضل بن عبد الملک از امام صادق علیه السلام روایت کرده است

که فرمود: هرگاه شخص یک رکعت از نماز جمعه را (یا رکوع را) دریابد، نماز جمعه را دریافته است (یعنی یک رکعت دیگر را پس از سلام امام بجا میآورد) و اگر در رکعت دوم به امام نرسید نماز جمعه از او فوت شده پس باید چهار رکعت بخواند.

② ۱۲۳۵ - حلبی از آنحضرت روایت کرده که فرمود: هرگاه امام را پیش از

آنکه به رکوع رکعت آخر رود (یا پیش از آنکه رکوع را بجا آورد) دریابی، نماز جمعه را دریافته ای (یا عبارت ساده تر بنماز جمعه رسیده ای) ولی اگر امام را پس از آنکه به رکوع رفته و سر برداشته باشد دریابی، در اینصورت آن نماز را چهار رکعت ادا میکنی بجای نماز ظهر.

۱۲۳۶- وَ رَوَى عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْخُجَّاجِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي رَجُلٍ صَلَّى فِي جَمَاعَةٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَلَمَّا رَكَعَ الْإِمَامُ أَلْبَاهُ النَّاسُ إِلَى جِدَارٍ أَوْ اسْطَوَانَةٍ فَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى أَنْ يَرْكَعَ وَلَا [أَنْ] يَسْجُدَ حَتَّى يَرْفَعَ الْقَوْمُ رُؤُوسَهُمْ أَيْزَكِعُ ثُمَّ يَسْجُدُ وَيَلْحَقُ بِالصَّفِّ وَقَدْ قَامَ الْقَوْمُ أَمْ كَيْفَ يَضَعُ؟ فَقَالَ: يَرْكَعُ وَيَسْجُدُ، ثُمَّ يَقُومُ فِي الصَّفِّ وَلَا بَأْسَ بِذَلِكَ».

۱۲۳۷- وَ رَوَى سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْمُنْقَرِي عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ قَالَ «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ فِي رَجُلٍ أَذْرَكَ الْجُمُعَةَ وَقَدْ ازْدَحَمَ النَّاسُ فَكَبَّرَ مَعَ الْإِمَامِ وَرَكَعَ وَلَمْ يَقْدِرْ عَلَى السُّجُودِ وَقَامَ الْإِمَامُ وَالنَّاسُ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ وَقَامَ هَذَا مَعَهُمْ، فَرَكَعَ الْإِمَامُ فَلَمْ يَقْدِرْ هَذَا عَلَى الرُّكُوعِ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ مِنَ الرُّحَامِ وَقَدَّرَ عَلَى السُّجُودِ كَيْفَ يَضَعُ؟ فَقَالَ: أَمَّا الرُّكْعَةُ الْأُولَى فَهِيَ إِلَى عَبْدِ

۱۲۳۶- و عبد الرحمن بن حجاج از امام کاظم علیه السلام روایت کرده در مورد این مسأله که شخص در روز جمعه در نماز جمعه باشد و چون امام به رکوع رود بواسطه تنگی جای صفوف و فشار جمعیت مردم او را از صف بیرون کرده و به دیوار یا ستونی بچسبانند و بدین سبب او نتواند همراه جماعت رکوع کند و بسجده رود تا وقتی که مردمان از سجده سر بردارند، آیا چنین شخصی تنها رکوع می کند و سجود میرود و به صف نمازگزاران که برخاسته و متوجه رکعت دیگر شده اند می پیوندد؟ یا چکار دیگری می کند؟ امام علیه السلام در پاسخ این مسأله فرمود: رکوع و سجود میکند، آنگاه برمی خیزد و خود را به صف می رساند (و آن مقدار که با امام مفارقت پیدا کرده و از اختیار او خارج بوده) اشکالی ندارد.

۱۲۳۷- سلیمان بن داود منقری از حفص بن غیاث روایت کرده که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود درباره شخصی که نماز جمعه را دریابد در حالیکه مردم بسیار انبوه بوده و ازدحام کنند، و او با امام تکبیر گوید و به رکوع رود ولی از ازدحام جماعت نتواند بسجود رود، بعد امام و مأمومین برخیزند و مشغول رکعت دوم نماز شوند و او نیز با ایشان ایستاده باشد، پس امام به رکوع رکعت دوم رود و این شخص بسبب ازدحام و انبوهی نمازگزاران نتواند به رکوع رود ولی بتواند سجود کند، در این صورت چه کند؟ آنحضرت فرمود: اما رکعت اول این

الرُّكُوعَ تَامَةً. فَلَمَّا لَمْ يَسْجُدْ لَهَا حَتَّى دَخَلَ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ لَمْ يَكُنْ لَهُ ذَلِكَ فَلَمَّا سَجَدَ فِي الثَّانِيَةِ إِنْ كَانَ نَوَى هَاتَيْنِ السَّجْدَتَيْنِ لِلرُّكْعَةِ الْأُولَى فَقَدْ تَمَّتْ لَهُ الْأُولَى، فَإِذَا سَلَّمَ الْإِمَامُ قَامَ فَصَلَّى رُكْعَةً فَسَجَدَ بِهَا ثُمَّ تَشَهَّدَ وَسَلَّم، وَإِنْ كَانَ لَمْ يَكُنْ يَتَوَيَّ السَّجْدَتَيْنِ لِلرُّكْعَةِ الْأُولَى لَمْ تَجْزِ عَنْهُ الْأُولَى وَلَا الثَّانِيَةُ وَعَلَيْهِ أَنْ يَسْجُدَ سَجْدَتَيْنِ وَيَتَوَيَّ أَنَّهَا لِلرُّكْعَةِ الْأُولَى وَعَلَيْهِ بَعْدَ ذَلِكَ رُكْعَةً تَامَةً يَسْجُدُ فِيهَا».

۱۲۳۸- وَ رَوَى رِبْعِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ؛ وَفَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَيْسَ فِي السَّفَرِ جُمُعَةٌ وَلَا فِطْرٌ وَلَا أَضْحَى».

۱۲۳۹- وَ رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيُنَادِي كُلَّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٌ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ: أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَدْعُونِي لِآخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأُجِيبُهُ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَتُوبُ إِلَيَّ

شخص تا رکوع تمام بوده، و چون در رکعت اول بسجده نرفته پس آن رکعت از نمازش ناقص مانده و تمام نشده، تا هنگامیکه به رکوع دوم با امام رسیده و آنرا بجا نیاورده آن رکعت نیز تمام نیست، حال وقتی در رکعت دوم سجده را بجا میآورد اگر این دو سجده را برای رکعت اول قصد کند یک رکعت از نمازش تمام میشود در این صورت هنگامیکه امام نماز را سلام میدهد او برمیخیزد و یک رکعت نماز می‌کند و در آن قراءت و رکوع و سجود و تشهد را بجا میآورد و سلام میدهد، و اگر آن دو سجده را قصد و نیت رکعت اول نکند (یا برای رکعت دوم قصد کند یا نکند) نه رکعت اول او درست و تمام است و نه رکعت دوم او، بلکه بر او است که دو سجده دیگر کند یا نیت اینکه برای رکعت اول باشد (بدون توجه به دو سجده قبلی، و چون امام سلام داد) یک رکعت کامل دیگر نماز کند که در آن سجده را بجا آورد.

۱۲۳۸- رِبْعِيُّ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ وَفَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ صَادِقٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتٌ كَرَّمَهُ اللَّهُ أَنْهُ قَالَ: «لَيْسَ فِي السَّفَرِ جُمُعَةٌ وَلَا فِطْرٌ وَلَا أَضْحَى» نَاسِخٌ مِنْ رِوَايَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۱)

۱۲۳۹- أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتٌ كَرَّمَهُ اللَّهُ أَنْهُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيُنَادِي كُلَّ لَيْلَةٍ جُمُعَةٌ مِنْ فَوْقِ عَرْشِهِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ: أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَدْعُونِي لِآخِرَتِهِ وَدُنْيَاهُ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأُجِيبُهُ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ يَتُوبُ إِلَيَّ» نَاسِخٌ مِنْ رِوَايَةِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. (۲)

مِنْ ذُنُوبِهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَتُوبُ عَلَيْهِ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ قَدْ قَتَرْتُ عَلَيْهِ رِزْقَهُ يَسْأَلُنِي الزِّيَادَةَ فِي رِزْقِهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَوْسِعْ عَلَيْهِ، أَلَا عَبْدٌ [مُؤْمِنٌ] سَقِيمٌ يَسْأَلُنِي أَنْ أَشْفِيَهُ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأُعَافِيَهُ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ مَخْبُوسٌ مَعْمُومٌ يَسْأَلُنِي أَنْ أُطْلِقَهُ مِنْ حَبْسِهِ فَأَخْلِي سِيرَتَهُ؟ أَلَا عَبْدٌ مُؤْمِنٌ مَظْلُومٌ يَسْأَلُنِي أَنْ أَخْذُلَهُ بِظُلَامَتِيهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ، فَأَنْتَصِرَ لَهُ وَأَخْذُلَهُ بِظُلَامَتِيهِ؟ قَالَ: فَمَا يَرَأُ يُنَادِي بِهَذَا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ».

۱۲۴۰- وَ رَوَى عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي مَحْمُودٍ قَالَ: «قُلْتُ لِلرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ مَا تَقُولُ فِي الْحَدِيثِ الَّذِي يَرْوِيهِ النَّاسُ عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ

شب تا شبگیر (سحرگاه) ندا میدهد (یعنی فرشته‌ای از ملائکه که از طرف خداوند متعال ندا سر میدهد) آیا بنده مؤمنی نیست که پیش از بردمیدن صبح از من خواهشی برای آخرت یا دنیای خویش داشته باشد، تا التماس و خواسته او را برآورده سازم؟ آیا بنده مؤمنی نیست که پیش از برآمدن صبح برخیزد و بر آستان من از گناهان خویش توبه آورد تا او را اجابت کنم؟ و گناهانش را بیامرزم؟ آیا هیچ بنده مؤمنی نیست که روزیش را تنگ کرده باشم، و او پیش از طلوع صبح بدست بدعا بردارد و از من درخواست کند که روزیش را فراخ گردانم، و من روزی او را زیاده گردانم (و همان شب هنگام که هنوز صبح سر نر زده خواهش او را اجابت کنم) آیا هیچ بنده [مؤمنی] نیست که بیمار باشد و پیش از دمیدن صبح از من شفای خویش طلبد، و من خواسته او را اجابت کرده و وی را عافیت و تندرستی عطا نمایم. آیا هیچ بنده مؤمنی نیست که در بند زندان و اندوه گرفتار باشد و پیش از طلوع صبح از من درخواست کند که او را از گرفتاری رهایی بخشم و من او را از حبس و اندوه رهایی بخشم و خاطرش را آسوده گردانم، آیا بنده مؤمنی نیست که بر او ستم رفته باشد و پیش از دمیدن صبح از من درخواست و دادخواهی از ظالم کند؟ و من او را یاری کرده و داد او از ستمکار بستانم و حق او را بوی باز رسانم، آنحضرت فرمود: این ندا پیاپی از سوی خداوند متعال میرسد تا هنگامیکه صبح برسد.

① ۱۲۴۰- عبدالعظیم بن عبد الله حسنی - رضی الله عنه - از ابراهیم بن ابی محمود روایت کرده که گفت: به امام رضا علیه السلام عرض کردم: ای زاده رسول

وَتَعَالَى يُنْزِلُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ جُمُعَةً إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَعَنَ اللَّهُ الْمُحَرِّقِينَ الْكَلِمَ عَنْ مَوَاضِعِهِ وَاللَّهُ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذَلِكَ إِنَّمَا قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُنْزِلُ مَلَكًا إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا كُلَّ لَيْلَةٍ فِي الثَّلَاثِ الْآخِرِ وَلَيْلَةِ الْجُمُعَةِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَيَأْمُرُهُ فَيَنَادِي هَلْ مِنْ سَائِلٍ فَأُعْطِيهِ؟ هَلْ مِنْ تَائِبٍ فَاتُوبَ عَلَيْهِ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ فَأَغْفِرَ لَهُ؟ يَا طَائِبُ الْخَيْرِ أَقْبِلْ، وَيَا طَائِبُ الشَّرِّ أَقْصِرْ فَلَا يَزَالُ يُنَادِي بِهَذَا حَتَّى يَطْلُعَ الْفَجْرُ، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ عَادَ إِلَى مَحَلِّهِ مِنْ مَلَكَوَتِ السَّمَاءِ، حَدَّثَنِي بِذَلِكَ أَبِي، عَنْ جَدِّي، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

۱۲۴۱- وَرُوي أَنَّهُ «مَا طَلَعَتِ الشَّمْسُ فِي يَوْمٍ أَفْضَلَ مِنْ يَوْمِ الْجُمُعَةِ».

وَكَانَ الْيَوْمَ الَّذِي نَصَبَ فِيهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ

خدا در مورد این حدیثی که مردم از رسول خدا صلی الله علیه و آله روایت می کنند که: خداوند تبارک و تعالی در هر شب جمعه از عرش الهی به آسمان دنیا یا آسمان اول که بر فراز این زمین خاکی است فرود می آید چه میفرمائید؟ آنحضرت فرمود: لعنت خداوند بر آنانکه سخنان و احادیثی را که می شنوند از معنی و مفهوم واقعی آن دیگرگون ساخته و بازگو می کنند بخدا قسم رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز چنین سخنی نفرموده بلکه آنحضرت فرموده است: همانا خداوند تبارک و تعالی در ثلث آخر هر شب و هر شب جمعه از اول شب فرشته ای را به آسمان اول فرو میفرستد و او را مأمور می سازد ندا کند آیا کسی هست که خواهشی داشته باشد تا به او اعطا کنم؟ آیا کسی هست که توبه کند تا توبه او را بپذیرم؟ آیا کسی هست که درخواست آمرزش و مغفرت نماید تا او را ببخشم و از گناهانش درگذرم؟ ای آنکه خواهان خیر و در جستجوی نیکیها هستی روی بسوی ما آر، و ای کسی که از پی نابکاری و شر میروی از آن دست بدار. و این ندا همچنان تکرار میشود تا هنگامیکه صبح برسد، و چون صبح سرزد آن فرشته بجایگاه خود در ملکوت آسمان باز میگردد، این حدیث را پدرم از جدّم از پدراناش از رسول خدا صلی الله علیه و آله برای من نقل کرده است.

① ۱۲۴۱- و روایت کرده اند که: آفتاب در هیچ روزی طلوع نکرده است که بهتر و برتر از روز جمعه باشد.

آن روزی که رسول خدا صلی الله علیه و آله امیرالمؤمنین علیه السلام را در غدیر خم

عَلَيْهِ السَّلَامُ بِغَدِيرِ خُمٍ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَ قِيَامُ الْقَائِمِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكُونُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ، وَ تَقُومُ الْقِيَامَةُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ يَجْمَعُ اللَّهُ فِيهَا الْأَوَّلِينَ وَالْآخِرِينَ قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «ذَلِكَ يَوْمٌ مَجْمُوعٌ لَهُ النَّاسُ وَ ذَلِكَ يَوْمٌ مَشْهُودٌ».

۱۲۴۲- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي قَوْلِ يَعْقُوبَ لِيَتْبِعِهِ: «سَوْفَ أَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّي» قَالَ: أَخَّرَهَا إِلَى الشَّحْرِ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ».

۱۲۴۳- وَ رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ الْعَبْدَ الْمُؤْمِنَ لَيَسْأَلُ اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ الْحَاجَةَ فَيُؤَخِّرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَضَاءَ حَاجَتِهِ الَّتِي سَأَلَ إِلَى يَوْمِ الْجُمُعَةِ، لِيُخَصَّهُ بِفَضْلِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ».

۱۲۴۴- وَ رَوَى دَاوُدُ بْنُ سِرْحَانَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي قَوْلِ اللَّهِ

بامامت پس از خود منصوب فرمود روز جمعه بود، همچنین روزی که حضرت قائم علیه السلام قیام خواهد فرمود روز جمعه خواهد بود، قیامت نیز در روز جمعه بر پا خواهد شد که خداوند متعال (ملئها و نفوس) اولین و آخرین را در آن فراهم خواهد آورد و مؤید این سخن همانا قول خداوند عز و جل است که فرموده: «آن قیامت در روزی است که مردمان در آنروز فراهم آورده شوند، و نیز در آن روز همه عالمیان شهادت خواهند بر خویشان یا بر یکدیگر شهادت خواهند داد، یا جلگی در آنروز حاضر خواهند شد». سورة هود، آیه ۱۰۳.

(۱) ۱۲۴۲- و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که در مورد سخن یعقوب به فرزندانش که گفت: «بزودی از خدای خود برای شما طلب آمرزش خواهم کرد» آنحضرت فرمود: وقت دعا را یعقوب به تأخیر انداخت تا در سحرگاه شب جمعه دعا کند (که به استجاب نزدیکتر باشد).

(۲) ۱۲۴۳- و ابوبصیر از یکی از آندو امام (امام محمد باقر یا امام جعفر صادق علیهما السلام) روایت کرده که فرمود: همانا بنده مؤمن گاه از خداوند جل جلاله حاجتی میطلبد، و خداوند برآوردن حاجتش را که درخواست نموده تا روز جمعه به تأخیر میاندازد تا او را به زیادتیهائی که در روز جمعه کرامت میفرماید مخصوص گرداند.

(۳) ۱۲۴۴- داود بن سیرحان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که

عَزَّوَجَلَّ «وَسَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ» قَالَ: الشَّاهِدُ يَوْمُ الْجُمُعَةِ.

۱۲۴۵- وَ رَوَى الْمُعَلَّى بْنُ خُنَيْسٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَيْضاً أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ وَافَقَ مِشْكَمَ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَلَا يَشْتَغِلَنَّ بِشَيْءٍ غَيْرِ الْعِبَادَةِ فَإِنَّ فِيهَا يُغْفَرُ لِلْعِبَادِ وَتَنْزِلُ عَلَيْهِمُ الرَّحْمَةُ».

۱۲۴۶- وَ رَوَى الْأَصْبَغُ بْنُ نُبَاتَةَ عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَيْلَةُ الْجُمُعَةِ لَيْلَةُ غَرَاءٍ وَ يَوْمُهَا يَوْمٌ أَزْهَرُ مِنْ مَابِتِ لَيْلَةِ الْجُمُعَةِ كَتَبَ [اللَّهُ] لَهُ بَرَاءَةً مِنْ ضَعْفَةِ الْقَبْرِ وَمَنْ مَاتَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ بَرَاءَةً مِنَ النَّارِ».

۱۲۴۷- وَ رَوَى هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي الرَّجُلِ يُرِيدُ أَنْ يَعْمَلَ شَيْئاً مِنَ الْخَيْرِ مِثْلَ الصَّدَقَةِ وَالصَّوْمِ وَنَحْوِ هَذَا، قَالَ: يُسْتَحَبُّ أَنْ

آنحضرت در تفسیر این آیه که خداوند عز و جل میفرماید: «وَسَاهِدٍ وَمَشْهُودٍ» بروج: (۳) (یعنی سوگند به گواه و آنکه مورد گواهی و شهادت قرار گیرد) فرمود: مراد از شاهد و گواه روز جمعه است.

(۱) ۱۲۴۵- و نیز معلى بن خنيس از آنحضرت (امام صادق عليه السلام) روایت کرده است که فرمود: هر کس از شما که (برنامه خود را) با روز جمعه و عبادات و احکامی که جهت آن مقرر گردیده هماهنگ و همساز نماید باید هیچ چیز دیگری غیر از عبادت مشغول نشود زیرا که در آن روز گناهان بندگان آمرزیده شود، و بر آنان رحمت الهی فرو میریزد.

(۲) ۱۲۴۶- أصبغ بن نباته از امیرالمؤمنین علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود: شب جمعه شبی نورانی است و روز جمعه روزی منور و تابناک است، هر کس در شب جمعه وفات یابد [خداوند] برایش براءت و آزادی از فشار قبر می نویسد، و هر که در روز جمعه از دنیا رود خداوند متعال برایش دوری و براءت از آتش و دوزخ ثبت و مقرر فرماید.

(۳) ۱۲۴۷- و هشام بن حکم از امام صادق علیه السلام روایت کرده است در مورد اینکه شخص بخواهد اعمال خیر و نیکی از قبیل صدقه دادن و روزه داشتن و این گونه امور انجام دهد چه زمانی مطلوب است فرمود: مستحب است که این امور

يَكُونُ ذَلِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، فَإِنَّ الْعَمَلَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ يُضَاعَفُ».

۱۲۴۸- وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَطْرَفُوا أَهْلَكُمْ كُلَّ يَوْمٍ

جُمُعَةٍ بِشَيْءٍ مِنَ الْفَاكِهَةِ وَاللَّحْمِ حَتَّى يَفْرَحُوا بِالْجُمُعَةِ».

۱۲۴۹- وَ فِي رِوَايَةِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبِلَادِ، عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ أَنْشَدَ بَيْتَ شِعْرِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ فَهُوَ حَقُّهُ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ».

خبر را در روز جمعه بجا آورند، زیرا خیرات در روز جمعه مضاعف میشود.

① ۱۲۴۸- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: در روز جمعه برای اهل و خانواده خویش هر جمعه از انواع میوه و گوشت چیزی تازه فراهم کنید (که در سایر روزهای هفته تهیه نمی کنید) تا بدان از جمعه شادمان باشند.

② ۱۲۴۹- در روایت ابراهیم بن ابی البلاد از زراره و او از امام صادق علیه السلام آمده است که آنحضرت فرمود: هر کس در روز جمعه بیتی شعر بخواند بهره و نصیب او از روز جمعه (یا از آن روز پرفضیلت و پربرکت) فقط همان بیتی است که سروده است. (یا به تعبیری دیگر گفته اند: چنین شخصی بجای ثواب همه اعمال صالحه ای که انجام میدهد فقط همان بیت شعر را بهره و ثواب خواهد برد و از بابت سایر اعمالش باو چیزی پاداش نمی دهند یعنی: سرودن شعر ثواب سایر اعمال را زائل ساخته است).

مترجم گوید: «بنظر میرسد معنی حدیث بسیار ساده تر از تعبیراتی است که نسبت به آن معمول گردیده، یعنی هرگاه شخص با آنهمه فضیلت ها و اعمال پر ثواب که برای روز جمعه منظور گردیده (تا جائیکه سزاوار است شخص از امور اجتماعی بسیار جدی مانند کار و کوشش و صنعت و بیع و تجارت چشم پيوشد و به آن اعمال پردازد) در چنین شرایطی بنشیند و شعر بسراید در واقع خود خویشتن را از آن ثوابهای بزرگ محروم ساخته و تنها چند بیت شعر نصیب برده است نه اینکه سرودن شعر سبب ضبط اعمال نیک و ثواب آمیز او شده باشد، اعتقاد اخیر بسیار دور از منطق شرع مقدس می نماید، چه اگر انشاد شعر علی الإطلاقی هم باطل و حرام میبود همانند سایر معاصی ملازمه ای با ضبط اعمال نیک و دارای ثواب شخص نمیداشت تا چه رسد باینکه دلیلی بر حرمت آن هم وجود ندارد. و مهمتر اینکه حدیث منسوب به امام

۱۲۵۰ - وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِذَا رَأَيْتُمُ الشَّيْخَ يُحَدِّثُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بِأَحَادِيثِ الْجَاهِلِيَّةِ فَارْمُوا رَأْسَهُ وَلَوْ بِالتَّحْصِي».

۱۲۵۱ - وَرَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ قَالَ فِي آخِرِ سَجْدَةٍ مِنَ النَّافِلَةِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ لَيْلَةَ الْجُمُعَةِ وَإِنْ قَالَهُ كُلَّ لَيْلَةٍ فَهُوَ أَفْضَلُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ» سَبْعَ مَرَّاتٍ انْصَرَفَ وَقَدْ غُفِرَ لَهُ، قَالَ: وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كَانَتْ عَشِيَّةُ الْخَمِيسِ وَلَيْلَةُ الْجُمُعَةِ نَزَلَتْ مَلَائِكَةٌ مِنَ السَّمَاءِ وَمَعَهَا أَقْلَامُ الذَّهَبِ وَصُحُفُ الْفِضَّةِ لَا يَكْتُبُونَ عَشِيَّةَ الْخَمِيسِ [وَأ] لَيْلَةَ

صادق علیه السلام است چون در کافی و خصال «عمن رواه عن أبي عبد الله عليه السلام» آمده و این در حالی است که شعرانی همچون حمیری و فرزددق و کمیت ظهور کرده و مورد تفقد و تلافی اهل بیت علیهم السلام نیز قرار گرفته بودند.

۱۲۵۰ - و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرگاه دیدید در روز جمعه مرد سالحورده ای اخبار و حکایات جاهلیت را حکایت میکند سر او را سنگ بزنید اگر چه با سنگریزه باشد.

شرح: «مراد آنستکه نصیب آن مرد و اجرش سنگ است مانند «أَخْشُوا الثَّرَابَ فِي وُجُوهِ الْمَذَاجِينِ» که گفته اند مراد آنستکه چیزی بعنوان مزد با آنان مدهدید».

۱۲۵۱ - عبد الله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هر کس در سجده آخر نافله بعد از مغرب شب جمعه هفت بار این دعا را بخواند (البته اگر آنرا در هر شبی در سجده آخر بخواند افضل است) که: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَاسْمِكَ الْعَظِيمِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُغْفِرَ لِي ذَنْبِي الْعَظِيمَ» (یعنی: بار خدایا من بحق ذات مقدس کرم تو و بحق نام بزرگ و اعظم تو از تو میخواهم که بر محمد و آل محمد درود فرستی و گناه بزرگم را بیامیزی) چون از خواندن فارغ شود گناهایش، آمرزیده گردد، و نیز راوی گوید: آنحضرت فرمود: چون شامگاه پنجشنبه و شب جمعه فرا میرسد فرشتگانی از آسمان فرود میآیند که قلمهای زرین و صحیفه های سیمین به همراه دارند، و شامگاه پنجشنبه

الْجُمُعَةِ وَيَوْمَ الْجُمُعَةِ إِلَى أَنْ تَغِيَبَ الشَّمْسُ إِلَّا الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

۱۲۵۲- وَ «يُكْرَهُ السَّفَرُ وَالسَّيُّ فِي الْحَوَائِجِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ بُكْرَةً مِنْ أَجْلِ الصَّلَاةِ فَأَمَّا بَعْدَ الصَّلَاةِ فَجَائِزٌ يُتَبَرَّكُ بِهِ» وَرِدَ ذَلِكَ فِي جَوَابِ السَّرِيِّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

۱۲۵۳- وَ سَأَلَ أَبُو أَيُّوبَ الْخَزَّازُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» قَالَ: الصَّلَاةُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَالْإِنْتِشَارُ يَوْمَ السَّبْتِ».

۱۲۵۴- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «السَّبْتُ لِنَبِيِّ هَاشِمٍ وَالْأَحَدُ لِنَبِيِّ أُمَيَّةٍ فَاتَّقُوا أَخَذَ الْأَحَدَ».

و شب جمعه و روز جمعه تا هنگامیکه آفتاب از نظر پنهان شود و غروب کند هیچ چیزی نمی نویسند مگر صلوات و درود بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله .

(۱) ۱۲۵۲- در روز جمعه صبحگاه (تا هنگام نماز جمعه) به سفر رفتن و در تکاپوی حوائج مادی و کارهای روزمره بر آمدن مکروه است، و اما پس از نماز جمعه سفر و کوشش در راه معاش از روی تیمن و تبرک جایز است. این مضمون در جواب کتابت سري [بن سلامة] که امام هادی علیه السلام مرقوم فرموده وارد شده است.

(۲) ۱۲۵۳- ابو ایوب خزاز از امام صادق علیه السلام سؤال کرد در مورد تفسیر این آیه از سوره جمعه که خداوند عز و جل میفرماید: «فَإِذَا قُضِيَتِ الصَّلَاةُ فَانْتَشِرُوا فِي الْأَرْضِ وَابْتَغُوا مِنْ فَضْلِ اللَّهِ» آنحضرت فرمود (معنی آیه: و چون نماز کرده شود آنگاه در زمین پراکنده شوید و روزی خود را از فضل خداوند طلبید) نماز در روز جمعه است و متفرق شدن و بهر سوی رفتن در روز شنبه.

(۳) ۱۲۵۴- و باز آنحضرت (امام صادق علیه السلام) فرمود: شنبه روز مخصوص بنی هاشم، و یکشنبه روز بنی امیه است، پس بهره‌یزید از اینکه روز یکشنبه را به تیمن و تبرک در کارها بگیرید (یا اینکه: خود را از گرفتاری و شدت آن برکنار دارید).

۱۲۵۵- وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «اللَّهُمَّ بَارِكْ لَأُمَّتِي فِي بُكُورِهَا يَوْمَ سَبْتِهَا وَخَمِيسِهَا».

۱۲۵۶- وَ قَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ أَنْ لَا يَدْعَ أَنْ يَمَسَّ شَيْئًا مِنَ الطَّيِّبِ فِي كُلِّ يَوْمٍ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فَيَوْمَ [وَيَوْمَ]، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ فِي كُلِّ جُمُعَةٍ لَا يَدْعُ ذَلِكَ».

۱۲۵۷- وَ «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَلَمْ يُصِبْ طَبِيبًا دَعَا بِثَوْبٍ مَضْبُوعٍ بِزَعْفَرَانٍ فَرَشَّ عَلَيْهِ الْمَاءَ، ثُمَّ مَسَحَ بِيَدِهِ، ثُمَّ مَسَحَ بِهِ وَجْهَهُ».

وَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يَغْتَسِمَ الرَّجُلُ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَأَنْ يَلْبِسَ أَحْسَنَ ثِيَابِهِ وَانْفَلَقَهَا وَ يَتَّقِلَّ بِدَهْنٍ بِأَطْيَبِ دُهْنِهِ.

۱۲۵۸- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا

① ۱۲۵۵- رسول خدا صلی الله علیه وآله دعا فرمود که: بار خدایا بامدادان روز شنبه و پنجشنبه را برای امت من مبارک ساز.

② ۱۲۵۶- امام رضا علیه السلام فرمود: شایسته است که شخص بکار بردن بوی خوش یا اندکی از آن را هیچ روزی ترک نکند، و اگر چنین نتواند پس یک روز بکار برد و روز دیگر نه (باصطلاح یک روز در میان). و اگر چنین نیز نتواند پس هیچ روز جمعه ای آنرا ترک نکند و حتماً بوی خوش بکار برد.

③ ۱۲۵۷- و رسول خدا صلی الله علیه وآله هرگاه روز جمعه فرا میرسید و آنحضرت به بوی خوش دسترسی نداشت جامه ای را که زعفرانی بود (یعنی آنرا با زعفران رنگین ساخته بودند) می طلبید و به آن آب می پاشید، آنگاه دست خویش را بدان جامه می کشید و بصورت خود می مالید.

و مستحب است شخص روز جمعه عمامه بر سر نهد، و بهترین و پاکیزه ترین جامه های خود را بپوشد و بوی خوش بکار برد و خوشبوترین روغنی را که دارد، استعمال نماید.

④ ۱۲۵۸- و محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت

كَانَ بَيْنَ الْقَرِيَتَيْنِ ثَلَاثَةُ أَمْيَالٍ فَلَا تَأْسَ أَنْ يُجَمَعَ هَوْلَاءُ وَهَوْلَاءُ وَلَا يَكُونُ بَيْنَ الْجَمَاعَتَيْنِ أَقْلٌ مِنْ ثَلَاثَةِ أَمْيَالٍ».

۱۲۵۹- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «إِنَّ الثَّلَاثَةَ الْمُقَرَّبِينَ يَهَيِّطُونَ فِي كُلِّ يَوْمٍ جُمُعَةً مَعَهُمْ قَرَاطِيسُ الْفِضَّةِ وَأَقْلَامُ الذَّهَبِ فَيَجْلِسُونَ عَلَى كُلِّ أَبْوَابِ الْمَسَاجِدِ عَلَى كُرَاسِيٍّ مِنْ نُورٍ فَيَكْتُبُونَ مَنْ حَضَرَ الْجُمُعَةَ الْأَوَّلَ وَالثَّانِي وَالثَّلَاثَ حَتَّى يَخْرُجَ الْإِمَامُ، فَإِذَا خَرَجَ الْإِمَامُ ظَوُّوا صُحُفَهُمْ».

۱۲۶۰- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ أَتَى الْجُمُعَةَ إِيْمَانًا وَاجْتِسَابًا اسْتَأْنَفَ الْعَمَلَ».

۱۲۶۱- وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا يَشْرَبُ أَحَدُكُمْ الدَّوَاءَ يَوْمَ الْخَمِيسِ فَقِيلَ: يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَلِمَ [ذَلِكَ]؟ قَالَ: لِئَلَّا يَضَعِفَ عَنْ إِثْبَانِ

فرمود: هرگاه میان دو روستا یا آبادی سه میل فاصله باشد اشکالی ندارد که این جماعت و آن جماعت هر دو نماز جمعه بخوانند و بین دو جماعت (نماز جمعه) نباید کمتر از سه میل (یک فرسخ) فاصله باشد، ① ۱۲۵۹- و باز آنحضرت فرمود: در هر روز جمعه فرشتگان مقرب الهی به زمین فرود می‌آیند و همراه خود کاغذهای سیمین و قلمهای زرین می‌آورند و بر تمامی درهای مساجد روی کرسیها یا صندلیهای از نور می‌نشینند و نام هر کسی را که بنماز جمعه حاضر می‌شود اول و دوم و سوم بترتیب می‌نویسند تا زمانی که امام نماز را پایان رسانده و از مسجد خارج شود، و چون امام خارج شد صحیفه‌های خود را می‌پیچند و باز می‌گردند.

② ۱۲۶۰- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس از سر ایمان و اخلاص و تقرب به باری تعالی به نماز جمعه حاضر شود، اعمالش را از نو آغاز کند (یعنی نامه عملش از نو گردد) خداوند متعال به پاداش آن عبادت مخلصانه تمامی گناهان پیشین او را آمرزیده است.

③ ۱۲۶۱- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هیچکس از شما روز پنجشنبه دارو نخورد، گفتند: یا امیرالمؤمنین این حکم چه سبب دارد؟ فرمود: تا مبادا از حضور در

الْجُمُعَةِ».

۱۲۶۲- وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «كُلُّ وَاعِظٍ قِئْلَةٌ [لِلْمَوْعُظِ] وَكُلُّ مَوْعُظٍ قِئْلَةٌ لِلْوَاعِظِ».

یعنی فی الجُمُعَةِ وَ الْعیدِینِ وَ صَلَاةِ الْأَسْتِسْقَاءِ.

۱۲۶۳- وَخَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْجُمُعَةِ فَقَالَ:

«الْحَمْدُ لِلَّهِ الْوَلِيِّ الْحَمِيدِ الْحَكِيمِ الْمَجِيدِ، الْفَقَالِ لِمَا يُرِيدُ عَلَامِ الْغُيُوبِ، وَخَالِقِ الْخَلْقِ، وَمُنْزِلِ الْقُطْرِ، وَمُدَبِّرِ أَمْرِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، وَوَارِثِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، الَّذِي عَظَّمَ شَأْنَهُ فَلَا شَيْءَ مِثْلَهُ، تَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِعَظَمَتِهِ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لِعِزَّتِهِ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِقُدْرَتِهِ، وَقَرَّ كُلُّ شَيْءٍ بِقَرَارِهِ لَهَيْبَتِهِ وَخَضَعَ

نماز جمعه عاجز و ناتوان باشد، یا ضعیف شود و نتواند در نماز جمعه حضور پیدا کند.

شرح: «مراد از دار و ظاهراً مسهل است نه هر دارو، زیرا تعلیل داروی مضعف را میرساند نه مقوی را».

① ۱۲۶۲- پیامبر خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر واعظی قبله مخاطبین است، و هر مخاطبی نیز قبله خطیب است یعنی مقابل یا واعظ برای شنوندگان در حکم قبله است، و هر شنونده و مخاطبی نیز برای خطیب در حکم قبله است (که روی گرداندن آنان از یکدیگر جایز نیست).

منظور حدیث، در نمازهای جمعه و عیدین و استسقاء است.

② ۱۲۶۳- و امیرالمؤمنین علیه السلام در روز جمعه بخطبه برخاست و فرمود: ستایش و سپاس خدای را که سرپرست جهان، و ستوده بر هر زبان، و پدید آورنده اشیاء در منتهای احکام، و غایت ایتقان، و صاحب عزت و علو شأنست. خدائیکه اراده اش نافذ در هر زمان، و حاکم در هر مکان، و دانای اسرار و غیب و رازهای نهان، و خالق آفریدگان، و فروآورنده باران، و مدبر و مدیر هر دو جهان، و وارث زمین و آسمان است. خدائیکه شأنش چنان عظیم است که چیزی بمانند او نیست. همه چیز در برابر عظمتش به زانوی تواضع درآمده، و همه چیز در پیشگاه عزتش خوار و زبون گشته، و همه چیز در برابر قدرتش سر تسلیم فرود آورده، (و همه چیز در پیشگاه عزتش خوار و زبون گشته، و همه چیز در برابر قدرتش سر تسلیم فرود آورده)، و همه چیز

كُلُّ شَيْءٍ بِإِذْنِهِ وَرَبُّوِيَّتِهِ الَّذِي يُنْسِكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ،
وَأَنْ تَقُومَ السَّاعَةُ إِلَّا بِأَمْرِهِ، وَأَنْ يَخْذُلَ فِي السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ شَيْءٌ إِلَّا بِعِلْمِهِ،
نَحْمَدُهُ عَلَى مَا كَانَ، وَنَشْتَعِيهِ مِنْ أَمْرِنَا عَلَى مَا يَكُونُ، وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ،
وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، مَلِكٌ مُلْكُهُ، وَنَسِيبُ السَّادَاتِ،
وَجَبَّارُ الْأَرْضِ وَالسَّمَاوَاتِ الْقَهَّارُ الْكَبِيرُ الْمُتَعَالِ، ذُو الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، ذِيانِ يَوْمِ
الَّذِينَ، رَبُّ آبَائِنَا الْأَوَّلِينَ.

وَنَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ دَاعِيًا إِلَى الْحَقِّ، وَشَهِيدًا
عَلَى الْخَلْقِ، قَبْلَ تِلْكَ رِسَالَاتِ رَبِّهِ كَمَا أَمَرَهُ، لَا مُتَعَدِّيًا وَلَا مُقْصِرًا، وَجَاهِدَ فِي اللَّهِ
أَعْدَاءَهُ، لَا وَاثِيًا وَلَا نَاكِيلًا وَتَصَحَّ لَهُ فِي عِبَادِهِ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، فَقَبِضَهُ اللَّهُ إِلَيْهِ وَقَدْ

در برابر هیبتش در جای خود استوار مانده، و همه چیز در آستان سلطنت و ربوبیتش
خاضع و خاشع گشته. خدائی که آسمان را نگاه میدارد از آنکه جز به اذن او بر زمین
فرو افتد، و رستخیز بها نشود مگر به امر او، و در سراسر آسمانها و زمین چیزی پدید
نیاید مگر آنکه معلوم او است، ما بر آنچه شده هست او را سپاس میگذاریم، و برای
امور آینده خود از او یاری میجوئیم، و از او آمرزش می طلبیم و هدایت میخواهیم، و
شهادت میدهم که جز او خدای یکتای بی شریک معبودی نیست. خدائی که امیر
امیران و سرور سروران و سلطان زمین و آسمان است، خدائی که قهار است و کبیر و
متعال (تسخیر کننده گردنکشان، و خوار و زبون سازنده ایشان، و بزرگ و والا) و
صاحب جلال و اکرام، و قاضی و حاکم روز جزا، و پروردگار دنیا کان ما است.

① و شهادت میدهم که محمد بنده و فرستاده او است، که او را به آئین حق و
بعنوان دعوت کننده بحق، و شاهد بر خلق بفرستاد، پس او رسالتها و پیامهای
پروردگارش را بهمانگونه که مأمورش ساخته بود بی کم و کاست ابلاغ کرد. نه از
مرز مأموریت خود گامی فراتر نهاد و نه از انجام آن کوتاهی کرد، و در راه خدا با
دشمنان او بجهاد پرداخت، و در قیام به این وظیفه نه سستی کرد، و نه ضعف و جبن
از خود نشان داد، و با یکدلی در راه رضای خدا در جمع بندگان او اخلاص ورزید،
در حالیکه بر شدائد و مصائب صابر بود، و این صبر و تحمل را بحساب خدا محسوب
میداشت، و این جهاد سخت را همچنان ادامه داد، تا آنگاه که خدا او را بسوی خود

رَضِيَ عَمَلُهُ وَتَقَبَّلَ سَعْيَهُ، وَغَفَرَ ذَنْبَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ، وَاعْتِنَامِ مَا اسْتَظَعْتُمْ عَمَلًا بِهِ مِنْ طَاعَتِهِ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ الْخَالِيَةِ وَبِالرَّفْضِ يَهْدِي الدُّنْيَا التَّارِكَةَ لَكُمْ وَإِنْ لَمْ تَكُونُوا تُجِبُونَ تَرْكَهَا وَالْمُبَيَّةَ لَكُمْ وَإِنْ كُنْتُمْ تُجِبُونَ تَجْدِيدَهَا، فَإِنَّمَا مَثَلُكُمْ وَمَثَلُهَا كَرَكِبٍ سَلَكَ سَبِيلًا فَكَانَ قَدْ قَطَعُوهُ، وَأَفْضُوا إِلَى عِلْمٍ فَكَانَ قَدْ بَلَغُوهُ، وَكَمْ عَسَى الْمُجْرِي إِلَى الْغَايَةِ أَنْ يَجْرِيَ إِلَيْهَا حَتَّى يَبْلُغَهَا، وَكَمْ عَسَى أَنْ يَكُونَ بَقَاءٌ مِنْ لَهُ يَوْمٌ لَا يَعْدُوهُ، وَطَالِبٌ حَتَّى فِي الدُّنْيَا يَخْلُوهُ حَتَّى يُفَارِقَهَا، فَلَا تَتَنَاقَسُوا فِي عِزِّ الدُّنْيَا وَفَخْرِهَا وَلَا تُعْجِبُوا بِزِينَتِهَا وَنَعِيمِهَا، وَلَا تَجْرَعُوا مِنْ ضَرَائِهَا وَبُؤْسِهَا فَإِنَّ عِزَّ الدُّنْيَا وَفَخْرَهَا

فراخواند در حالیکه از عملش راضی بود، و سعیش را مورد قبول قرار داد، و برای مردم آشکار ساخت که برخلاف آنچه ایشان می پنداشتند او را هیچ گناهی (در دعوت بسوی توحید و راندن طاغوتها) نبوده است.

① ای بندگان خدا شما را سفارش میکنم بتقوای خدا و مغتنم شمردن هرگونه امکان و فرصتی برای عمل بطاعتش در این ایام زود گذر زندگی، و نیز (سفارش می کنم) به ترک این دنیائی که شما را وامیگذارد، اگر چه شما ترک آنرا خوش نیداشته اید، و شما را کهنه میسازد اگر چه شما نو ساختن آنرا دوست میداشته اید. همانا مثل شما و دنیا همچون کاروانیانی است که در راهی گام سپرده اند. چنانکه گوئی آنرا بپایان برده اند، و آهنگ فراز کوهی کرده اند چنانکه گوئی به آن رسیده اند (یا عنقریب خواهند رسید) و چون هر دو همچنان راه می پیمایند، چنانست که گوئی راه را بپایان رسانده اند، و چه بسیار باشد که کشتی روان شده بسوی سر منزلی همچنان جریان خود را ادامه دهد تا به آن سر منزل برسد (زیرا آن کشتی که لنگرش را کشیده، و بادبانها را افراشته اند، و امواج نیرومند باد شرطه بر آن میوزد، و آنرا با شتاب به پیش می برد، چنانست که هم اکنون بمنزل رسیده است) و چه بسیار کس باشد که بیش از یک روز تا أجل باقی ندارد، و چه بسیار باشد طالب دنیای حریصی که دنیا را پیش میراند (و در پی دنیا میتازد) تا آنگاه که از آن جدا شود. پس (حال که وضع آدمی با دنیا چنین است) در عزت دنیا و فخر آن رقابت مکنید. و بزینت و نعمت آن شیفته مگردید، و از سختی و ناسازگاری آن بی تاب و غمگین مشوید، زیرا

إِلَى انْقِطَاعٍ، وَإِنَّ زِينَتَهَا وَنَعِيمَهَا إِلَى زَوَالٍ، وَإِنَّ ضَرَّهَا وَبُؤْسَهَا إِلَى نَفَادٍ، وَكُلُّ مُدَّةٍ مِنْهَا إِلَى مُنْتَهَى، وَكُلُّ حَيٍّ مِنْهَا إِلَى فَنَاءٍ وَبَلَاءٍ، أَوَلَيْسَ لَكُمْ فِي آثَارِ الْأَوَّلِينَ وَفِي آبَائِكُمُ الْمَاضِينَ مُعْتَبَرٌ وَتَبَصُّرَةٌ إِنْ كُنْتُمْ تَعْقِلُونَ، أَلَمْ تَرَوْا إِلَى الْمَاضِينَ مِنْكُمْ لَا يَرْجِعُونَ، وَإِلَى الْخَلْفِ الْبَاقِينَ مِنْكُمْ لَا يَقِفُونَ، قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَحَرَامٌ عَلَى قَرْيَةٍ أَهْلَكْنَاهَا، أَنَّهُمْ لَا يَرْجِعُونَ» وَقَالَ: «كُلُّ نَفْسٍ ذَائِقَةُ الْمَوْتِ وَإِنَّمَا تُوَفُّونَ أَجُورَكُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ فَمَنْ زُحْزِحَ عَنِ النَّارِ وَأُدْخِلَ الْجَنَّةَ فَقَدْ فَازَ وَمَا الْحَيَاةُ الدُّنْيَا إِلَّا مَتَاعُ الْغُرُورِ» أَوَلَسْتُمْ تَرَوْنَ إِلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَهُمْ يُصْبِحُونَ وَيُمْسُونَ عَلَى أَحْوَالٍ شَتَّى، فَمَيِّتٌ يُبْكِي وَآخَرٌ يُعْرَى، وَصَرِيحٌ يَتْلُو وَغَائِيٌّ وَمَعُودٌ وَآخَرٌ يَنْفُسِيهِ يَجُودُ، وَطَالِبُ الدُّنْيَا وَالْمَوْتُ يَطْلُبُهُ، وَغَافِلٌ وَلَيْسَ بِمَغْفُولٍ عَنْهُ، وَعَلَى أَثَرِ

عزت و فخر دنیا رو به پایان است، و زینت و نعمتش زائل شدنی است، و سختی و ناسازگاریش برور رو به نابود شدن، و هر مدتی از آن رو به انتها است، و هر زنده‌ای از آن رهسپار دیار بلا و فنا است. آیا اگر اهل تعقل و اندیشیدن باشید. شما را در آثار پیشینیان و در سرگذشت پدران در گذشته‌تان عبرتی و مایه بصیرتی نیست؟ آیا به گذشتگان غمی اندیشید، که باز نمی‌گردند؟ و بنسلهای باقیمانده خودتان غمی نگرید که بر یکحال توقف نمی‌کنند؟ خداوند تبارک و تعالی فرموده است: «و حرام شده است بر قریه‌ای که ما آنرا بهلاک رساندیم [بازگشت]، البته که ایشان باز نخواهند گشت» و نیز فرموده است: «هر جانی چشنده شربت مرگ است، و همانا که در روز قیامت مزد اعمال‌تان را دریافت خواهید کرد، پس کسیکه از آتش جهنم بدور داشته شود، و به بهشت داخل گردد بحقیقت رستگار و برخوردار شده است. و زندگی دنیا جز متاع غرور نیست». آیا به اهل دنیا غمی نگرید که بر حالات مختلف شب را صبح می‌کنند، و روز را شب می‌سازند: یکی مرده‌ای است که بر او می‌گریند، و دیگری بازمانده‌ای است که به تسلیتش می‌روند، و دیگری بر زمین افتاده‌ای است که دست و پا می‌زند، و عیادت کننده‌ای است که بیدار بیماری می‌رود، و بیماری که از او عیادت می‌کنند و محتضری است که در حال جان‌کندن است، و دنیا طلبی که مرگ او را همی‌طلبد، و غافل که از او غفلت نمی‌شود. کاروان زندگی و زندگان همچنان

الْمَاضِينَ بِمُضَى الْبَاقِينَ، ^(کننا) وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، الَّذِي يَتَّقِي، وَيَقْنِي مَا سِوَاهُ، وَإِلَيْهِ يُؤْوِلُ الْخَلْقُ وَيَرْجِعُ الْأَمْرُ.

أَلَا إِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمَ جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ عِيداً وَهُوَ سَيِّدُ أَيَّامِكُمْ وَأَفْضَلُ أَعْيَادِكُمْ وَقَدْ أَمَرَكُمُ اللَّهُ فِي كِتَابِهِ بِالسَّعْيِ فِيهِ إِلَى ذِكْرِهِ، فَلْتَعَظُمَ رَغَبَتُكُمْ فِيهِ، وَلْتُخْلَصَ نِيَّتُكُمْ فِيهِ، وَآكْثِرُوا فِيهِ التَّصَرُّعَ وَالِدُّعَاءَ وَمَسْأَلَةَ الرَّحْمَةِ وَالْغُفْرَانِ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَسْتَجِيبُ لِكُلِّ مِنْ دَعَاةٍ، وَيُورِدُ النَّارَ مَنْ عَصَاهُ وَكُلَّ مُسْتَكْبِرٍ عَنْ عِبَادَتِهِ، قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «أَدْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَكْبِرُونَ عَنْ عِبَادَتِي سَيَدْخُلُونَ جَهَنَّمَ دَاخِرِينَ» وَفِيهِ سَاعَةٌ مُبَارَكَةٌ لَا يَسْأَلُ اللَّهُ عَبْدٌ مُؤْمِنٌ فِيهَا شَيْئاً إِلَّا أَعْطَاهُ، وَالْجُمُعَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مُؤْمِنٍ إِلَّا عَلَى الصَّبِيِّ وَالْمَرِيضِ وَالْمَجْنُونِ

روان است. و بازماندگان از پی در گذشتگان رهسپارند و سپاس و ستایش خداوند را که پروردگار عوالم هستی است. پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه، و پروردگار عرش عظیم است، همان خدائی که باقی می ماند، و ماسوای او فانی می شود، و خلق بسوی او می پیوندند، و کار به او باز می گردد.

بدانید همانا امروز روزی است که خدا آنرا برای شما عید قرار داده است. و آن، سرور روزهای شما و برترین اعیاد شما است. و خدا در این روز شما را به شتافتن بسوی ذکر خود فرمان داده است، پس همی باید که علاقه قلبی شما به این روز عظمت یابد، و نیت شما در این روز خالص گردد. و در این روز بر تصرع و دعای خود، و بر تقاضای رحمت و مغفرت بیفزائید. زیرا خداوند عز و جل هر کس را که دست دعا بسویش بردارد اجابت میکند، و هر که را به معصیت او اقدام کند و از عبادتش کبر ورزد، بدوزخ داخل می سازد. خداوند عز و جل فرموده است: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم. زیرا کسانی که از عبادت من کبر میورزند با خواری و نگوئساری بدوزخ داخل خواهند شد». و در این روز ساعت مبارکی است که هیچ بنده مؤمنی در آن ساعت چیزی از خدا نمیخواهد مگر آنکه آنرا به او عطا میکند. و نماز جمعه بر هر مؤمنی، جز کودک، و بیمار، و دیوانه، و پیر فرتوت و ناتوان، و نابینا، و

وَالشَّيْخَ الْكَبِيرَ وَالْأَعْمَى وَالْمُسَافِرَ وَالْمَرَأَ وَالْعَبْدَ الْمَمْلُوكَ، وَمَنْ كَانَ عَلَى رَأْسِ
فَرَسَتَيْنِ، غَفَرَ اللَّهُ لَنَا وَلَكُمْ سَالِفَ دُنُوبِنَا فِيمَا خَلَا مِنْ أَعْمَارِنَا، وَعَصَمَنَا وَأَيَّاكُمْ
مِنْ إِقْتِرَافِ الْآثَامِ بَيِّنَةِ أَيَّامِ دَهْرِنَا، إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَابْلَغَ التَّوَعُّظِ كِتَابُ اللَّهِ
عَزَّوَجَلَّ، أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ إِنَّ اللَّهَ هُوَ الْفَاتِحُ الْعَلِيمُ بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ
الرَّحِيمِ - ثُمَّ يَبْدُو بَعْدَ الْحَمْدِ يَقُولُ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، أَوْ يَقُولُ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، أَوْ إِذَا
زُلْزِلَتِ الْأَرْضُ زِلْزَالَهَا، أَوْ بِأَلْهِيكُمُ التَّكَاثُرُ أَوْ بِالْعَصْرِ، وَكَانَ مِمَّا يَدُومُ عَلَيْهِ قَوْلُ هُوَ
اللَّهُ أَحَدٌ.

ثُمَّ يَجْلِسُ جَلْسَةً خَفِيفَةً، ثُمَّ يَقُومُ فَيَقُولُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ
وَنُؤْمِنُ بِهِ، وَنَتَوَكَّلُ عَلَيْهِ، وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَنَّ
مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ وَسَلَامُهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَمَغْفِرَتُهُ وَرِضْوَانُهُ، اللَّهُمَّ صَلِّ
عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ صَلَاةً ثَامِيَةً زَاكِئَةً، تَرْفَعُ بِهَا دَرَجَتَهُ، وَتُبَيِّنُ بِهَا

مسافر، وزن، و بنده مملوک، و کسیکه در فاصله دو فرسخی باشد واجب است. خدا
گناهان پیشین ما در دوران گذشته عمرها مان را ببامرزد. و ما و شما را در باقیمانده
ایام زندگیمان از ارتکاب گناهان محفوظ بدارد. بیگمان بهترین حدیث و رساترین
موعظه کتاب خداوند عز و جل است. و مرسوم امیرالمؤمنین علیه السلام در نماز جمعه
چنین بود که پس از بیان خطبه میفرمود: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ، إِنَّ اللَّهَ هُوَ
الْفَاتِحُ الْعَلِيمُ، بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ، آنگاه پس از حمد شروع به خواندن «قل هو
الله أحد» میفرمود، و گاه سوره «قل يا أيها الكافرون» و یا «إذا زلزلت الأرض
زلزالها» و یا «ألهيكم التكاثر» و یا «والعصر» را میخواند. و از جمله سوره هائیکه بر
خواندن آن مداومت میفرمود «قل هو الله أحد» بود.

آنگاه کمی می نشست، سپس بپا برمیخاست، و میگفت: «حمد و ستایش
مخصوص خداوند است ای ای ستائیم، و از او یاری میجوئیم، و به او میگرویم، و بر
او توکل و اعتماد داریم، و شهادت میدهم که هیچ معبود حقّی جز خداوند یکتا و
بی شریک نیست. و گواهی میدهم که محمد بنده و فرستاده او است. درود و رحمت
خدا و سلام و تحیتش، و آمرزش و خشنودیش بر او و خاندان او باد، خدایا بر محمد

فَضْلُهُ وَصَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَارَكَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا صَلَّيْتَ
وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ، اللَّهُمَّ عَذِّبْ كَفَرَةَ
أَهْلِ الْكِتَابِ الَّذِينَ يَصُدُّونَ عَنْ سَبِيلِكَ وَيَجْحَدُونَ آيَاتِكَ، وَيُكَذِّبُونَ رُسُلَكَ، اللَّهُمَّ
خَالِفْ بَيْنَ كَلِمَتِهِمْ، وَأَلْقِ الرُّعْبَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَأَنْزِلْ عَلَيْهِمْ رِجْزَكَ وَنِقْمَتَكَ
وَبَأْسَكَ الَّذِي لَا تَرُدُّهُ عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ، اللَّهُمَّ انْصُرْ جُيُوشَ الْمُسْلِمِينَ وَسَرَايَاهُمْ
وَمُرَابِطِيهِمْ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَمَغَارِبِهَا إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ
لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ، اللَّهُمَّ اجْعَلِ التَّقْوَى زَادَهُمْ،
وَالْإِيمَانَ وَالْحِكْمَةَ فِي قُلُوبِهِمْ، وَأَوْزِعَهُمْ أَنْ يَشْكُرُوا نِعْمَتَكَ الَّتِي أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ،
وَأَنْ يُؤْفُوا بِعَهْدِكَ الَّذِي عَاهَدْتَهُمْ عَلَيْهِ إِلَهُ الْحَقِّ وَخَالِقِ الْخَلْقِ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِمَنْ



بندها، و فرستاده‌ها، و پیامبرت رحمت فرست، رحمت روینده و بالنده‌ای که در
پرتو آن درجه و مقامش را بلند گردانی، و بدان وسیله فضیلت و برتریش را آشکار
سازی. و درود و تحیت فرست و بر محمد و خاندان محمد، و تشریف و تمجیدی را که
بمحمد و خاندان او بخشیده‌ای پایداری و دوام بخش، همانسان که بر ابراهیم و
خاندان ابراهیم درود و تحیت فرستادی، و برکت بخشیدی، و رحمت آوردی. همانا که
تو ستوده‌ای، صاحب مجد و عظمتی. خدایا کفار اهل کتاب را که از پوئیدن راه تو
مانع می‌شوند، و آیات تو را انکار می‌کنند، و پیامبرانت را مورد تکذیب قرار میدهند،
عذاب و عقاب فرما. بار خدایا در میان گفته‌هایشان اختلاف انداز (و آنانرا دچار
اختلاف کلمه و آراء ساز) و در دل‌هایشان بیم و هراس (از مسلمانان) بیفکن، و آن
عذاب و خشم و بلایت را که از قوم گناهکاران و مجرمان باز نمی‌گردانی (و حتماً
عذابشان می‌فرمائی) بر آنان فرود آر خدایا سپاهیان مسلمان و گشتیهایشان و
مرزدارانشان در مغربها و مشرقهای عالم در همه جا یاریشان فرما، همانا که تو بر هر چیز
توانائی. خدایا مردان و زنان با ایمان، و مردان و زنان مسلمان را بیامرز، خدایا تقوی
را توشه راه آنان ساز، و ایمان و حکمت را در دل‌هایشان قرار ده، و ایشان را بیامرز و بر
آن دار که در برابر آن نعمتت که به آنان عطا فرموده‌ای شکر گزاری کنند، و به
پیمانی که با ایشان بسته‌ای وفا نمایند. ای معبود حق، و ای خالق خلق. خدایا آن

تُؤَفِّي مِنَ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ وَلِمَنْ هُوَ لَاحِقٌ بِهِمْ مِنْ
بَعْدِهِمْ مِنْهُمْ، إِنَّكَ أَنْتَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ» (إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَالْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي
الْقُرْبَى وَيَنْهَى عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ يَعِظُكُمْ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ) اذْكُرُوا اللَّهَ
يَذْكُرْكُمْ فَإِنَّه ذَاكِرٌ لِمَنْ ذَكَرَهُ وَاسْأَلُوا اللَّهَ مِنْ رَحْمَتِهِ وَفَضْلِهِ فَإِنَّه لَا يَخِيبُ عَلَيْهِ
دَاعٍ دَعَاءً. رَبَّنَا آتِنَا فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَفِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَقِنَا عَذَابَ النَّارِ.

وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَوَّلُ مَنْ قَدَّمَ الْخُطْبَةَ عَلَى الصَّلَاةِ يَوْمَ الْجُمُعَةِ
عُثْمَانُ لِأَنَّهُ كَانَ إِذَا صَلَّى لَمْ يَقِفِ النَّاسُ عَلَى خُطْبَتِهِ وَتَفَرَّقُوا وَقَالُوا مَا نَضَعُ بِمَوَاعِظِهِ
وَهُوَ لَا يَتَعَيَّظُ بِهَا وَقَدْ أَخَذْتَ مَا أَخَذْتَ، فَلَمَّا رَأَى ذَلِكَ قَدَّمَ الْخُطْبَتَيْنِ عَلَى الصَّلَاةِ».

گروه از مؤمنین و مؤمنات و مسلمین و مسلمات را که در گذشته اند، و کسانی را که
پس از آن گروه به ایشان خواهند پیوست بیاورز. همانا که تو توانا و حکیمی.
«خداوند به دادگری و نیکوکاری، و بخشش بخویشاوندان فرمان میدهد، و از
کارهای زشت و ناپسند و ظلم نهی میکند، باشد که شما متذکر شوید». خدا را یاد
کنید، تا شما را یاد کند، زیرا او یاد کننده کسی است که او را یاد کند، و هر چه
میخواهید از فضل و رحمت و احسان خداوند بخواهید، زیرا که البته او دعا کننده ای
را هرگز از اجابت محروم نخواهد ساخت «پروردگارا ما را در دنیا عطائی نیکو، و در
آخرت نیز عطائی نیکو بخش، و از عذاب دوزخان محفوظ بدار».

(۲) و امام صادق علیه السلام فرمود: اول کسیکه در روز جمعه خطبه نماز را بر نماز
مقدم داشت عثمان بود، زیرا وقتی نماز را پایان میرساند مردم متفرق می شدند
و برای شنیدن خطبه نمی ماندند و می گفتند: مواعظ این مرد را چه سود، در حالیکه
خود خلافهای انجام میدهد و پند نمی گیرد، چون عثمان چنین دید هر دو خطبه را پیش
انداخت.

شرح: «این خبر را، خبر شاذ گویند و با اخبار مستفیضه در وجوب تقدم خطبه
بر نماز تعارض دارد و جز صدوق کسی بآن فتوا نداده است» (۱)

(۱) قدس سره المؤلف - رحمه الله - فی کتاب علل الشرایع بناخیر الخطبة عن الصلاة
وقال : ان الخطبتين فی الجمعة والعیدین بعد الصلاة لانهما بمنزلة الرکتین الاخیرتین منهم -

وَسَأَلْتُ شَيْخَنَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ بْنِ الْوَلِيدِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - عَمَّا يَسْتَعْمِلُهُ الْعَامَّةُ مِنَ التَّهْلِيلِ وَالتَّكْبِيرِ عَلَى أَثَرِ الْجُمُعَةِ مَا هُوَ؟ فَقَالَ: رُوِيَ أَنَّ بَنِي أُمَيَّةَ كَانُوا يَلْعَنُونَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعْدَ صَلَاةِ الْجُمُعَةِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، فَلَمَّا وَلِيَ عُمَرُ بْنُ عَبْدِ الْعَزِيزِ نَهَى عَنْ ذَلِكَ وَقَالَ لِلنَّاسِ: التَّهْلِيلُ وَالتَّكْبِيرُ بَعْدَ الصَّلَاةِ أَفْضَلُ.

① و از استادمان محمد بن حسن بن ولید - رضی الله عنه - پرسیدم این تهلیلات (سه بار لا اله الا الله) و تکبیرات (سه بار الله اکبر) را که رسم شده این مردم پس از نمازها می گویند چیست؟ گفت برای من چنین روایت کرده اند که بنی امیه رسم کرده بودند که مردم پس از نماز جمعه، امیرالمؤمنین علی علیه السلام را سه بار لعن کنند (العیاذ بالله) و همه جا و در همه مجالس این رسم عملی بود، تا زمانیکه عمر بن عبدالعزیز بخلافت نشست آنرا منع کرد، و گفت تهلیل و تکبیر ای مردم بعد از نماز ثوابش بیشتر است.

شرح: «چنانکه از مطاوی تواریخ و بعض کتب حدیث استفاده میشود پیش از هشتاد سال که بالغ بر هزارماه میشود امیرمؤمنان و مولای متقیان در پس هر نماز و بالای هر منبر لعن می شد و مردم آنها یکی از اعمال نزدیک کننده بخدای پنداشتند، و در مجلسی از مجالس دینی نبود جز آنکه این عمل تکرار میشد و تنها سجستان را از تمامی ممالک و شهرستانهای اسلامی از گفتن لعن استثنا کرده اند با اینکه اهل آنجا همگی از خوارج می بودند، و این استمرار داشت تا اینکه عمر بن عبدالعزیز اموی بخلافت رسید و برای جلوگیری از اینکار زشت و حرام چاره ای اندیشید و چنانکه دیاربکری در «الخمیس» نقل کرده مرد یهودی را پنهانی خواند و با او گفتگویی کرد، و روزی آن مرد بدربار آمد و اظهار نمود که عرض مختصری با خلیفه دارد، عمر بن عبدالعزیز در حضور جمیع درباریان حاجت او را پرسید، وی گفت: اجازه می خواهم که دختر خلیفه را برای پسر خویش خواستگاری کنم، خلیفه و درباریان که این سخن را از مرد یهودی شنیدند با پرخاش و تندی او را مورد عتاب قرار داده، گفتند: ای مردک تو از یهودی و مسلمان دختر به کافر نمی دهی، مرد گفت: اگر این سخن درست است پس از چه رو رسول خدا دخترش را به علی بن ابی طالب داد، حاضران با - قال: ان اول من قدمها عثمان، و کذا فی العیون. و انما هذا وقع فی خطبة العید لا الجمعة.

* (بَابُ الصَّلَاةِ الَّتِي تُصَلَّى فِي كُلِّ وَقْتٍ) *

۱۲۶۴- رَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «أَرْبَعُ صَلَوَاتٍ

يُصَلِّيَهَا الرَّجُلُ فِي كُلِّ سَاعَةٍ صَلَاةٌ فَاتَتْكَ فَمَتَى مَا ذَكَرْتَهَا أَدَّبَتْهَا، وَصَلَاةٌ رَكَعَتِي طَوَافِ الْقَرِيبَةِ وَصَلَاةُ الْكُسُوفِ وَالصَّلَاةُ عَلَى الْعَتِيتِ هَذِهِ يُصَلِّيَنَّ الرَّجُلُ فِي السَّاعَاتِ كُلِّهَا».

خلیفه همگی گفتند: علیّ اوّل مسلمان بود و با سابقه‌ترین فرد مسلمانان است، مرد گفت اگر راست می‌گوئید پس چرا او را در منابر و مجالس لعن می‌کنید؟ خلیفه رو بخاضران کرد گفت: من برای او پاسخی ندارم یا شما جواب او را بدهید یا اینکه من دخترم را بجماله نکاح وی درخواهم آورد، واگر نه موافقت کنید که امری‌ای صادر شود به منع لعن، مهلتی گرفتند و پس از شور به منع لعن حاضر شدند و خلیفه دستور داد بجای لعن در خطبه نماز جمعه این آیه مبارکه را تلاوت کنند «إِنَّ اللَّهَ يَأْمُرُ بِالْعَدْلِ وَ الْإِحْسَانِ وَإِيتَاءِ ذِي الْقُرْبَىٰ وَيَنْهَىٰ عَنِ الْفَحْشَاءِ وَالْمُنْكَرِ وَالْبَغْيِ - تا آخر آیه» و در قنوت آیه مبارکه «رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَلِإِخْوَانِنَا الَّذِينَ سَبَقُونَا بِالْإِيمَانِ وَلَا تَجْعَلْ فِي قُلُوبِنَا غِلًا لِلَّذِينَ آمَنُوا رَبَّنَا إِنَّكَ رَؤُوفٌ رَحِيمٌ». و پس از نماز سه بار تهلیل و سه بار تکبیر گویند. و رفته رفته لعن برداشته شد مگر بین مردم احمق و بی‌فرهنگ و جاهل که الحمد لله آنان نیز هلاک و نابود شدند و شاید امروز در هیچ کجای جهان دشنام دهنده‌ای به علیّ علیه السلام وجود نداشته باشد».

باب

* (دربیان نمازهاییکه در تمامی اوقات آنها را میتوان خواند) *

(\ ۱۲۶۴- زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: چهار نماز است که شخص در هر ساعتی یا هر موقع از شب و روز می‌تواند آنها را بخواند، اول نمازی که از توفوت شده باشد، پس هرگاه بخاطر رسید آنها بجا می‌آوری، دوم دو رکعت نماز طواف واجبست، سوم نماز گرفتن خورشید (و ماه و زلزله و بلاهای طبیعی بزرگ که نماز آیات بر شخص واجب می‌شود و وقت آن زمانی است که این امور واقع می‌گردد، چهارم نماز بر میت، اینها نمازهایی است که شخص در هر ساعتی از شبانه روز می‌تواند آنها بخواند.

* (بَابُ الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ) *

۱۲۶۵ - رُوِيَ عَنْ زُرَّارَةَ وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمَا قَالَا: «قُلْنَا لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقُولُ فِي الصَّلَاةِ فِي السَّفَرِ كَيْفَ هِيَ، وَكَمْ هِيَ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصِرُوا مِنَ الصَّلَاةِ» فَصَارَ التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ وَاجِبًا كَوُجُوبِ التَّمَامِ فِي الْحَضَرِ، قَالَا: قُلْنَا: إِنَّمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ «فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ» وَلَمْ يَقُلْ: إِقْلُوا، فَكَيْفَ أَوْجَبَ ذَلِكَ كَمَا أَوْجَبَ التَّمَامُ فِي الْحَضَرِ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَوْ لَيْسَ قَدْ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي الصَّافَا وَالْمَرَوَةِ: «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَقْلُوفَ بِهِمَا» أَلَا تَرَوْنَ أَنَّ الظُّلُوفَ بِهِمَا وَاجِبٌ مَقْرُوضٌ، لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ ذَكَرَهُ فِي كِتَابِهِ وَصَنَعَهُ نَبِيُّهُ

باب

* (در بیان نماز سفر) *

① ۱۲۶۵ - از زراره و محمد بن مسلم روایت کرده اند که گفتند: به امام باقر علیه السلام عرض کردیم: در مورد نماز در سفر چه میفرمائید چگونه و چند رکعت است؟ آنحضرت فرمود: همانا خداوند عز و جل میفرماید: «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ - الْآيَةُ» (یعنی: و هرگاه در زمین سفر کنید بر شما حرجی نیست که نماز را کوتاه کنید یا از آن بکاهید) پس قصر کردن نماز در سفر واجب می شود همانگونه که تمام گزاردن نماز در حضر واجب است، گویند: گفتیم: خداوند عز و جل میفرماید: «(بر شما حرجی نیست)» و نمیفرماید: چنین کنید (یعنی بلفظ امر نفرموده قصر کنید که دلالت بر وجوب نماید) پس چگونه قصر و کوتاه ساختن در سفر همانند تمام کردن نماز در حضر واجب باشد؟ آنحضرت فرمود: مگر خداوند عز و جل در سعی میان صفا و مروه نفرموده: «فَمَنْ حَجَّ الْبَيْتَ أَوْ اعْتَمَرَ فَلَا جُنَاحَ عَلَيْهِ أَنْ يَقْلُوفَ بِهِمَا» (یعنی: هر که حج یا عمره کند حرجی نیست بر او که سعی صفا و مروه کند) آیا نمی بینید که سعی صفا و مروه واجب است زیرا خداوند عز و جل در کتاب خود آنرا ذکر فرموده و پیامبرش در بیان آیه سعی میان صفا و مروه را بفعال آورده است، و همین ترتیب کوتاه ساختن نماز در سفر عملی است که رسول خدا صلی الله علیه و آله بکار

عَلَيْهِ السَّلَامُ وَكَذَلِكَ التَّقْصِيرُ فِي السَّفَرِ شَيْءٌ صَنَعَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَذَكَرَهُ اللَّهُ تَعَالَى ذِكْرَهُ فِي كِتَابِهِ.

قَالَا: قُلْنَا لَهُ فَمَنْ صَلَّى فِي السَّفَرِ أَرْبَعًا أَيْعِدُ أَمْ لَا؟ قَالَ: إِنْ كَانَ قَدْ قُرِئَتْ عَلَيْهِ آيَةُ التَّقْصِيرِ وَفُتِّرَتْ لَهُ فَصَلَّى أَرْبَعًا أَعَادَ وَإِنْ لَمْ يَكُنْ قُرِئَتْ عَلَيْهِ وَلَمْ يَعْلَمْهَا فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْهِ، وَالصَّلَوَاتُ كُلُّهَا فِي السَّفَرِ الْفَرِيضَةُ رَكْعَتَانِ كُلِّ صَلَاةٍ إِلَّا الْمَغْرِبَ فَإِنَّهَا ثَلَاثٌ لَيْسَ فِيهَا تَقْصِيرٌ تَرَكُّهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ ثَلَاثَ رَكْعَاتٍ.

وقد سافر رسول الله صلى الله عليه وآله إلى ذي حشب وهي يوم من المدينة يكون إليها بریدان - أربعة وعشرون ميلاً - فقصر وأفطر فصارت سنة.

وقد سَمِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوْمًا صَامُوا حِينَ أَفْطَرَ الْعُصَاةَ، قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَهُمْ الْعُصَاةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ وَإِنَّا لَنَعْرِفُ أَبْنَاءَهُمْ وَأَبْنَاءَ أَبْنَائِهِمْ إِلَى يَوْمِنَا

بسته و خداوند تعالی بهمان لفظ در کتاب خود آنرا ذکر فرموده است.

⑦ زرارہ و محمد بن مسلم گویند: آنحضرت عرض کردیم: کسی که در سفر (نماز مقصوره را) چهار رکعت بخواند آیا نماز را اعاده میکند یا نه؟ فرمود: اگر آیه تقصیر را بر او خوانده و تفسیر کرده اند و با این وصف چهار رکعت خوانده در این صورت نماز را اعاده نمی‌کند، و اگر آن آیه را بر او نخوانده و او از مفاد آن آگاهی ندارد، در اینصورت بر او اعاده نماز لازم نیست؛ و همه نمازهای واجب در سفر دو رکعتی است مگر نماز مغرب که سه رکعت است و تقصیر در آن جاری نیست، و رسول خدا صلی الله علیه وآله در سفر و حضر آنرا بحال خود گذاشت تا سه رکعت باشد.

رسول خدا صلی الله علیه وآله به ذی حشب سفر فرمود، و این محل بفاصله یکروزه راه از مدینه است و از مدینه تا آنجا دو برید راه یا بیست و چهار میل است (که هشت فرسخ باشد) پس نماز را قصر خوانده و روزه را افطار فرمود و اینکار پس از آن سنت گردید.

و رسول خدا صلی الله علیه وآله گروهی را که وقتی آنحضرت افطار فرمود روزه گرفتند عصیانگر خواند، امام باقر علیه السلام فرمود: آری آن جماعت همگی تا

هَذَا».

- ۱۲۶۶- وَ سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: «الرَّجُلُ يُرِيدُ السَّفَرَ مَتَى يُقْصِرُ؟ قَالَ: إِذَا تَوَارَى مِنَ الْبُيُوتِ قَالَ: قُلْتُ [لَهُ]: الرَّجُلُ يُرِيدُ السَّفَرَ فَيَخْرُجُ حِينَ تَرَوْكَ الشَّمْسُ؟ فَقَالَ: إِذَا خَرَجْتَ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ».
- ۱۲۶۷- وَقَدْ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا خَرَجْتَ مِنْ مَثَرِكَ فَقَصِّرْ إِلَى أَنْ تَعُودَ إِلَيْهِ».

۱۲۶۸- وَسَمِعَهُ عَبْدَ اللَّهِ بْنَ يَحْيَى الْكَاهِلِيَّ يَقُولُ - فِي التَّقْصِيرِ فِي الصَّلَاةِ:

روز قیامت همچنان عاصی خواهند بود، و ما فرزندان و اولاد فرزندان ایشان را تا امروز می شناسیم.

① ۱۲۶۶- محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: شخص اراده سفر میکند و براه میافتد از چه زمانی (نماز و روزه را) قصر میکند؟ فرمود: آنگاه که از خانه ها پنهان شود یعنی اهل خانه های شهر او را نبینند - (ظاهر عبارت موافق آنچه ترجمه شد معنی میدهد، لکن اکثر علماء چنین فهمیده اند که خانه ها از دید شخص پنهان شود بنحوی که نتواند دیوار خانه ها را تمیز دهد - والله تعالی یعلم) محمد بن مسلم گوید: با آنحضرت عرض کردم: هرگاه شخص اراده سفر کند و بعد از زوال خورشید از خانه بیرون رود چه کند؟ فرمود: هرگاه بقصد سفر بیرون رفتی (چه پیش از ظهر و چه بعد از ظهر) نماز را دو رکعت بخوان.

② ۱۲۶۷- از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: هرگاه بقصد سفر از منزل خود خارج شدی تا هنگامیکه به خانه باز میگردی نماز را قصر یا کوتاه بخوان.

شرح: «اینکه امام میفرماید: «هرگاه از منزل خارج شدی» ممکن است مراد هنگامی باشد که شخص به محل تَرَخُّص رسیده باشد یعنی پنهان شدن شخص از خانه ها یا خانه ها از دید شخص محقق شده باشد، نه اینکه بمجرد پای نهادن به بیرون منزل نماز را قصر بخواند، و مؤید این مطلب مضمون حدیث سابق است».

③ ۱۲۶۸- و روایت کرده اند که عبدالله بن یحیی الکاهلی از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) شنیده است که در مورد کوتاه کردن نماز در سفر فرمود: قصر در

«بَرِيدٌ فِي بَرِيدٍ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرُونَ مِيلًا، ثُمَّ قَالَ: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ التَّقْصِيرَ لَمْ يُوضَعْ عَلَى الْبَغْلَةِ الشَّقَوَاءِ وَالذَّابَّةِ النَّاجِيَةِ، وَإِنَّمَا وَضِعَ عَلَى سَبْرِ الْقِطَارِ».

مسافرت یک برید با یک برید یا چهار فرسخ با چهار فرسخ است (مقصود عبارت اینست که نصاب مقرر مجموع دو برید که هشت فرسخ باشد نیست بلکه اگر شخص چهار فرسخ برود و در همان روز چهار فرسخ رفته را باز گردد نماز را قصر میکند) و مجموع یک برید در برید دیگر بیست و چهار میل است، آنگاه فرمود: پدرم میفرمود: این یکروزه راه مسافت را که برای تقصیر مقرر ساخته اند یک روز راهی نیست که استر تیزتک یا اسب راهوار می پیماید، بلکه مسافتی را مقرر ساخته اند که در یک روز شتر قطاری (یا کاروان شتران در سیر معمولی) طی می کند.

شرح: «مراد آنستکه هشت فرسخ را نه بحساب استر گذراند، و نه بحساب چهار پای تندرو قرار داده اند، بلکه بحساب قطار شتر میانه رو که در عرض یک روز تمام هشت فرسخ براحتی راه می پیماید بحساب آورده اند، و بنابراین ملاً یک سفر صرف هشت فرسخ ولو کمتر از یک روز تمام باشد نیست بلکه ملاً آنستکه انسان حداقل یک روز تمام در سفر باشد و مسافتی را که طی میکند ولو رفتن و برگشتن لا اقل هشت فرسخ باشد، پس در این صورت اگر هشت فرسخ را در کمتر از یک روز طی کند و روز تمام نشده بمقصد یا بمنزل برسد وی معلوم نیست مسافر باشد، و فقهای عظام ما - رضوان الله تعالی علیهم - که در طول قرون گذشته به هشت فرسخ مستقیم یا مُلَفَّق بَسَنده کرده اند از اینرو است که در آن روزگار با وسائل موجود آنزمان برای کسی میسر نبود بیش از هشت فرسخ چه رفتن و چه رفتن و برگشتن در یک روز راه طی نماید، و الاً بر طبق اخبار چنانکه در خبر صحیح در تهذیب از حسین بن سعید از نضر بن شویذ از عاصم بن حمید از لیث مرادی (ابوبصیر) آمده است که از امام صادق علیه السلام پرسید «كَمْ يَقْصُرُ الرَّجُلُ؟» قَالَ: فِي بَيَاضِ يَوْمٍ، أَوْ بَرِيدَيْنِ» یعنی حد تقصیر چیست؟ فرمود: یک روز تمام یا هشت فرسخ، و نیز از محمد بن علی بن محبوب از یعقوب بن یزید از ابن ابی عمیر از ابی ایوب خزاز از امام صادق علیه السلام «قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّقْصِيرِ، قَالَ: فَقَالَ فِي بَرِيدَيْنِ أَوْ بَيَاضِ يَوْمٍ» یعنی: هشت فرسخ یا لا اقل یک روز تمام، و اگر کسی بگوید اخبار هشت فرسخ اطلاق دارد، جواب آنستکه اگر «بَيَاضِ يَوْمٍ» اطلاق داشته باشد هشت فرسخ نیز اطلاق

وَمَتَى كَانَ سَفَرُ الرَّجُلِ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخَ فَالتَّقْصِيرُ وَاجِبٌ عَلَيْهِ، وَإِذَا كَانَ سَفَرُهُ أَرْبَعَةَ فَرَاسِخَ وَأَرَادَ الرَّجُوعَ مِنْ يَوْمِهِ فَالتَّقْصِيرُ عَلَيْهِ وَاجِبٌ، وَإِنْ كَانَ سَفَرُهُ أَرْبَعَةَ فَرَاسِخَ وَلَمْ يُرِدِ الرَّجُوعَ مِنْ يَوْمِهِ فَهُوَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ أَنْتُمْ وَإِنْ شَاءَ قَصَرَ.

۱۲۶۹- وَرَوَى مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا دَخَلْتَ بَلَدًا وَأَنْتَ تُرِيدُ الْمَقَامَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ حِينَ تَقْدُمُ، وَإِنْ أَرَدْتَ الْمَقَامَ

دارد، یعنی اگر کسی مثلاً چهار فرسخ برود و از راهی کمتر از چهار فرسخ به منزل بازگردد و جلگی در یک بیاض يوم تمام صورت گیرد باید مسافر محسوب شود، ولی چنین نیست، و اخبار هشت یا چهار فرسخ مطلقاً مقتد به بیاض يوم است، و بیشتر، و اساساً حکم قصر مسافر برای رفع حرج از اوست، چنانکه خبر علی فضل بن شاذان نص در آن است و مسافرت کمتر از بیاض يوم حرج ایجاد نمی کند تا مشمول این تخفیف شود، و برقم ۱۳۰۴ خبری از زکریا بن آدم اشعری از حضرت رضا علیه السلام خواهد آمد که میفرماید: «التَّقْصِيرُ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ وَ لَيْلَةٍ» (تقصیر در مسافت رفتن یکروز و یک شب خواهد بود) که البته مراد یک روز یا یک شب است، والعلم عندالله و ناگفته نماند که بخش مهمی از مسائل قصر و اتمام اختلافی است، پس صحیح آنستکه شخصی که قدرت اجتهاد ندارد به اعلم زمان خود رجوع کرده و دستور او را در هر مورد بکار بندد».

و هرگاه سفر شخص هشت فرسخ باشد تقصیر (در نماز و روزه) بر او واجب است. و هرگاه سفرش چهار فرسخ راه باشد و بخواهد در همان روز بازگردد (اگر چه بنا بعواملی خارج از اراده او نتواند بازگردد) باز هم تقصیر بر او واجب میشود، و اگر سفر شخص چهار فرسخ راه باشد و قصد بازگشت در آن روز نداشته باشد (که مجموع مسافت رفت و برگشت او هشت فرسخ گردد) در این صورت مختار است چنانچه بخواهد نماز را تمام میکند و اگر نخواهد نماز را قصر یا کوتاه می کند.

شرح: «(ظاهراً مراد اینست که او اختیار دارد که بماند و نماز را تمام بخواند و یا بازگردد که در اینصورت نماز را کوتاه بجا می آورد)».

۱۲۶۹- مُعَاوِيَةُ بْنُ وَهَبٍ عَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتَ كَرَدَهُ أَنَّكَ قَدْ فَرَمَ: هَرگاه در سفر بشهری وارد شوی و خواسته باشی ده روز در آنجا بمانی در

دُونَ الْعَشْرَةِ فَقَصَّرَ، وَإِنْ أَقَمْتَ تَقُولُ: غَدَا أَخْرُجُ وَبَعْدَ غَدٍ، وَلَمْ تُجْمِعْ عَلَى عَشْرَةِ
فَقَصَّرَ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ شَهْرٍ، فَإِذَا تَمَّ الشَّهْرُ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ، قَالَ: قُلْتُ: إِنْ دَخَلْتُ بَلَدًا
أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَسْتُ أَرِيدُ أَنْ أَقِيمَ عَشْرًا؟ فَقَالَ: قَصَّرَ، وَأَفْطَرُهُ، قُلْتُ: فَإِنْ
مَكَثْتُ كَذَلِكَ أَقُولُ غَدًا أَوْ بَعْدَ غَدٍ فَأَفْطِرُ الشَّهْرَ كُلَّهُ وَأَقْصِرُ؟ قَالَ: نَعَمْ هَذَا وَاحِدٌ إِذَا
قَصَّرتَ أَفْطَرْتَ وَإِذَا أَفْطَرْتَ قَصَّرتَ».

۱۲۷۰- وقال أبو ولاد الحنَّاطُ قلتُ لأبي عبد الله عليه السلام: «إني كنتُ
نَوَيْتُ حِينَ دَخَلْتُ الْمَدِينَةَ أَنْ أَقِيمَ بِهَا عَشْرًا فَأَتَمَمْتُ الصَّلَاةَ، ثُمَّ بَدَأَ لِي أَنْ لَا أَقِيمَ بِهَا
فَمَا تَرَى لِي أَيْمٌ أَمْ أَقْصِرُ؟ فقال لي: إِنْ كُنْتَ دَخَلْتَ الْمَدِينَةَ وَصَلَّيْتَ بِهَا صَلَاةً
وَاحِدَةً فَرِيضَةٌ بِتَمَامِ قَلْبِكَ أَنْ تَقْصَرَ حَتَّى تَخْرُجَ مِنْهَا، وَإِنْ كُنْتَ حِينَ دَخَلْتَهَا

اینصورت از هنگام وارد شدن نماز را تمام بخوان، و چنانچه بخواهی کمتر از ده روز
آنجا بمانی پس نماز را قصر بخوان (یعنی نمازهای چهار رکعتی را دو رکعت بخوان) و
هرگاه در شهری اقامت گزیده و مردد باشی و با خود گویی که فردا از این شهر
خواهم رفت و باز گویی پس فردا خواهم رفت و تصمیم ده روز ماندن نداشته باشی
پس در چنین حالتی (که نتوانستی تصمیم قطعی اتخاذ کنی) تا یکماه که چنین وضعی
داری نماز را قصر بخوان، و چون یکماه سپری شد نمازهایت را تمام بخوان راوی
گوید: عرض کردم: اگر روز اول ماه رمضان وارد شهری شوم و نخواهم ده روز
بمانم چه باید بکنم؟ آنحضرت فرمود: نماز را قصر کن و روزه را افطار نما، عرض کردم:
اگر بهمین ترتیب وارد شهری شوم و با خود بگویم که فردا خواهم رفت یا پس فردا
میروم (تا به یک ماه بالغ شود) در این صورت تمام یکماه را افطار کنم و نماز را هم
قصر بخوانم؟ آنحضرت فرمود: آری، این هر دو دارای یک حکم است هرگاه (و یا هر
کجا) نماز را کوتاه کردی روزه را نیز افطار میکنی، و هر کجا روزه را افطار کردی
نماز را نیز قصر میکنی.

① ۱۲۷۰- أبو ولاد حنَّاطُ گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من
در نظر داشتم وقتی وارد مدینه شدم ده روز در آنجا اقامت کنم بنابراین نماز را تمام
خواندم، آنگاه نظرم تغییر یافت و اراده کردم که (ده روز) در آنجا بمانم، حال نظر شما
درباره من چیست؟ آیا نماز را تمام بخوانم یا کوتاه سازم؟ آنحضرت در پاسخ من

عَلَى نِيَّتِكَ فِي التَّامِّ وَلَمْ تُصَلِّ فِيهَا صَلَاةً فَرِيضَةً وَاحِدَةً بِتَمَامٍ حَتَّى يَبْدَأَ لَكَ أَنْ لَا تُقِيمَ فَأَنْتَ فِي تِلْكَ الْحَالِ بِالْخِيَارِ، إِنْ شِئْتَ فَأَنْتَ الْمُقَامَ عَشْرًا وَآتِمَّ، وَإِنْ لَمْ تَنْتَوِ الْمُقَامَ عَشْرًا فَقَصَّرَ مَا بَيْنَكَ وَبَيْنَ شَهْرٍ، فَإِذَا مَضَى لَكَ شَهْرٌ فَأَنْتَ الصَّلَاةَ».

۱۲۷۱- وَسَأَلَ زُرَّارَةُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ مَعَ الْقَوْمِ فِي سَفَرٍ يُرِيدُهُ فَدَخَلَ عَلَيْهِ الْوَقْتُ وَقَدْ خَرَجَ مِنَ الْقَرْيَةِ عَلَى فَرَسَيْنِ فَصَلَّوْا وَانْصَرَفَ بَعْضُهُمْ فِي حَاجَةٍ فَلَمْ يُقْضَ لَهُمُ الْخُرُوجُ، مَا يَصْنَعُ بِالصَّلَاةِ الَّتِي كَانَ صَلَّاهَا رَكَعَتَيْنِ؟ قَالَ: تَمَّتْ صَلَاتُهُ وَلَا يُعِيدُ».

فرمود: اگر داخل مدینه شده‌ای و یک نماز واجب را هم در آنجا تمام گذارده‌ای در این صورت دیگر نمیتوانی نماز را کوتاه بخوانی تا هنگامیکه از آنجا خارج شوی. و اگر هنگامیکه به آنجا داخل شدی همچنان بر نیت خود در مورد تمام گزاردن نماز باقی بودی، ولی هنوز یک نماز واجب را تمام در آنجا نخوانده باشی تا زمانی که برایت تغییر رأی پیدا شده که در آنجا نمائی در این صورت مختاری، اگر خواستی قصد ده روز ماندن کن و نماز را تمام بجا آور، و اگر نخواستی ده روز بمانی اما بدلائلی آنجا ماندی پس نماز را تا یکماه کوتاه بخوان و پس از گذشتن یکماه نماز را تمام بگزار.

شرح: «این خبر دلالت دارد بر اینکه حکم شهر مدینه همانند سایر شهرهاست و از این حیث تفاوتی با سایر بلاد ندارد. ولی ما اخباری را در صفحات آتی ذکر خواهیم کرد که مفاد آنها خلاف مدلول این خبر است. بعید نیست مدینه را بر مطلق شهرها یعنی معنی لغوی آن حل کنیم، و یا دستور تقصیر در نماز را حل بر جواز و تمام گزاردن آنرا حل بر استحباب کنیم. بهر حال چنانچه روزه در حکم نماز گرفته شود و موافق مضمون این خبر عمل شود خالی از اشکال نخواهد بود».

① ۱۲۷۱- زراره از امام باقر علیه السلام سؤال کرد: شخصی همراه با گروهی بسفری که اراده آن کرده است بیرون میرود، و هنگامیکه دوفرسخ از شهر خارج می شود وقت نماز فرا میرسد و او با آن گروه نماز را کوتاه بجا می آورند و بعد بعضی از آنان بخاطر کاری که در شهر دارند باز می گردند و آن سفر انجام نمی شود، حال او با آن دو رکعت نمازی که کوتاه بجا آورده چه کند؟ آنحضرت فرمود: نمازش تمام و درست است و آنرا اعاده نمیکند.

۱۲۷۲- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ صَلَّى فِي الشَّفْرِ أَرْبَعًا فَأَنَا إِلَى اللَّهِ مِنْهُ بِرِّي» يَعْنِي: مُتَعَمِّدًا.

۱۲۷۳- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْمُتِمُّ فِي الشَّفْرِ كَالْمُقَصِّرِ فِي الْحَضَرِ».

۱۲۷۴- وَسَأَلَهُ أَبُو بَصِيرٍ «عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي فِي الشَّفْرِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ نَاسِبًا قَالَ: إِنْ ذَكَرَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ فَلْيُعِدْ، وَإِنْ لَمْ يَذْكُرْ حَتَّى يَنْقُضِيَ ذَلِكَ الْيَوْمَ فَلَا إِعَادَةَ عَلَيْهِ».

۱۲۷۵- وَرَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «أَرْبَعَةٌ يَجِبُ عَلَيْهِمُ التَّمَامُ فِي الشَّفْرِ كَانُوا أَوْ فِي الْحَضَرِ: الْمُكَارِبِيُّ، وَالْكُرِّيُّ، وَالرَّاعِي، وَالْأَشْتَقَانُ

① ۱۲۷۲- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس در سفر نماز (چهار رکعتی) را چهار رکعت بخواند و آنرا کوتاه نکند من در پیشگاه خداوند از او بیزارم (و شفاعت او را نزد خداوند نخواهم کرد).

مؤلف کتاب- رحمه الله- در ادامه حدیث میفرماید: یعنی شخص از روی عمد نماز را قصر بخواند و تمام بجا آورد.

شرح: «این خبر دلیل است که حکم تقصیر در سفر عزمت است نه رخصت، یعنی شخص مجبور است شکسته بخواند و مختار نیست».

② ۱۲۷۳- امام صادق علیه السلام فرمود: کسی که در سفر نماز را تمام میخواند همانند کسی است که در حضر نماز را کوتاه بجا میآورد.

③ ۱۲۷۴- و أبوبصير از آنحضرت سؤال کرد: شخصی در سفر از روی فراموشی نماز را چهار رکعت و تمام بجا میآورد و بعد متوجه می شود که در حال سفر بوده است، چه باید بکند؟ آنحضرت فرمود: اگر در همان روز بخاطر آورد باید نماز را اعاده کند، و اگر بیاد نیاورد که در حال سفر بوده تا اینکه آنروز سپری شود لازم نیست نماز را اعاده کند.

④ ۱۲۷۵- زراره از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود: چهار گروه هستند که برایشان واجبست در سفر و حضر نماز را تمام بخوانند

لأنه عملهم» وروى «الملاح» والأشتقان البريد.

۱۲۷۶- وروى محمد بن مسلم عن أحدهما عليهما السلام أنه قال: «ليس

على الملاحين في سفنهم تفصير، ولا على المكارى والجمال».

۱۲۷۷- وروى عبدالله بن سنان عن أبي عبدالله عليه السلام قال:

«المكارى إذا لم يستقِرَّ في منزله إلا خمسة أيام أو أقلَّ قَصَرَ في سفره بالنتهار وأتمَّ صلاة الليل وعليه صوم شهر رمضان، فإن كان له مقام في البلد الذي يذهب عشرة أيام أو أكثرَ ويَتَصَرَّف إلى منزله ويكون له مقام عشرة أيام أو أكثرَ قَصَرَ في سفره وأفطر».

که عبارتند از: مکاری یعنی چهار پادار که چهار پایان خود را کرایه میدهد، و کسی که خود را اجیر دیگری می سازد که قاصد باشد و پیامی بجائی برسد، و چوپان، و پیک، زیرا در حال سیر و گشت بودن، کار و حرفه ایشان است و سفر محسوب نمی شود.

و در خبر دیگری روایت کرده اند که ملاح یا کشتیبان و ناخدا نیز همین حکم را دارند و مراد از «أشتقان» که در حدیث آمده برید و قاصد است. (بعید نیست مراد از اشتقان همان کلمه فارسی اشتوان باشد که مغرب شده و بدین صورت در آمده است، یعنی امین نامه پست، یا نگهبان دشت و ده.

① ۱۲۷۶- محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: ناخدا و خدمه کشتی که در کشتی خود در حال حرکت هستند نباید نماز را کوتاه کنند، همچنین است حکم مکاری یعنی چهار پادار و شتربان که بدنبال شتران در حرکت است.

② ۱۲۷۷- عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرد، که آنحضرت فرمود: مکاری یا چهار پادار اگر در خانه خود نباشد مگر پنج روز یا کمتر، در سفر خود که در روز انجام میدهد نماز را قصر میخواند و نماز شب را تمام میگذارد، و روزه ماه رمضان را نیز باید بگیرد، و اگر مکاری به شهری میرود ده روز یا بیشتر اقامت کند و بعد به منزل خود بازگردد و در آنجا ده روز یا بیشتر اقامت کند در سفر خود نماز را کوتاه میخواند و روزه را افطار میکند.

۱۲۷۸- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْجَمَالُ وَالْمَكَارِي إِذَا جَدَّ بِهِمَا السَّيْرُ

قَصْرًا فِيمَا بَيْنَ الْمَنْزِلَيْنِ، وَأَتَمَّا فِي الْمَنْزِلَيْنِ».

۱۲۷۹- وَرَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ جَعْفَرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَزَلٍ قَالَ: «كَتَبْتُ إِلَى

أَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ أَنَّ لِي جَمَالًا وَبَيْنَ قَوَامٍ عَلَيْهَا وَلَسْتُ أَخْرُجُ فِيهَا إِلَّا فِي طَرِيقِ مَكَّةَ

➤ شرح: «بخش اول مبنی بر اینکه مکاری چنانچه در منزل خود پنج روز یا کمتر بماند نماز روز را قصر میکند و شب را تمام علامه حلی - رحمه الله - در کتاب مختلف آنرا حل بر کوتاه ساختن نوافل فرموده، یعنی نوافل روز از او ساقط می شود، و شیخ طوسی - رحمه الله علیه - در نهایه و مبسوط خود موافق این مضمون عمل فرموده است. و مراد از نماز شب نماز عشاء است، و اکثر اصحاب با توجه بمفاد اخبار دیگری قائلند که نماز روز را نیز باید تمام گزارد لکن این خبر خاص و مقدم بر عام است. و اما در خصوص قسمت اخیر حدیث که میفرماید: در سفر خود نماز را کوتاه میکند و روزه را افطار می نماید منظور سفری است که پس از بازگشت بمنزل خود با شرایط مذکور در حدیث عازم آن خواهد شد و این کوتاه ساختن متوقف بر دو امر است یعنی ده روز اقامت در شهری که بدانجا میرود و ده روز دیگر اقامت در منزل خود. بهرحال هر یک از دو امر مذکور بنحویست که از این حیث محتاج تأویل است».

① ۱۲۷۸- امام صادق علیه السلام فرمود: شربان و مکاری هرگاه در سفر بسرعت و تعجیل راه پیمایند در میان دو منزل نماز را کوتاه می کنند، و در دو منزل که بدان میرسند نماز را تمام می کنند.

شرح: «در بیان خبر چند قول است یکی آنکه مراد از «منزلین» منزلشان در حضر و در سفر است که فقط در راه نماز را شکسته می خوانند و دیگر اینکه هرگاه این دو (جمال و مکاری) قصد مسافرتی غیر شغلشان را داشته باشند باید در منزل و مقصد نماز را تمام بخوانند و در بین راه قصر، سوم اینکه اولین سفرشان باشد هر چند شغل آنان باشد و این توجیهات را برای آن کرده اند که جمال و مکاری حکمشان تمام است نه قصر».

② ۱۲۷۹- عبدالله بن جعفر از محمد بن جزک روایت کرده که گفت: ضمن عریضه ای به امام هادی علیه السلام نوشتم که مرا شترانی است و شتردارانی دارم که

لِرَغْبَتِي فِي الْحَجِّ أَوْ فِي الثَّوَرَةِ إِلَى بَعْضِ الْمَوَاضِعِ فَمَا يَجِبُ عَلَيَّ إِذَا أَنَا خَرَجْتُ مَعَهَا أَنْ أَعْمَلَ؟ أَيْجِبُ التَّقْصِيرُ فِي الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ فِي السَّفَرِ أَوْ الثَّمَامُ؟ فَوَقَعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا كُنْتَ لَا تَلْزِمُهَا وَلَا تَخْرُجُ مَعَهَا فِي كُلِّ سَفَرٍ إِلَّا إِلَى مَكَّةَ فَعَلَيْكَ تَقْصِيرٌ وَقَطْرٌ».

۱۲۸۰ - وَسَأَلَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَجَّاجِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ لَهُ

الضِّيَاعُ بَعْضُهَا قَرِيبٌ مِنْ بَعْضٍ فَيَخْرُجُ فَيَطُوفُ فِيهَا أَيُّنَّ أَوْ يَقْصُرُ؟ قَالَ: يُنَمُّ».

۱۲۸۱ - وَرَوَى إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي زِيَادٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «سَبْعَةٌ لَا يَقْصِرُونَ فِي الصَّلَاةِ: الْجَابِي الَّذِي يَدُورُ فِي جَبَابِيهِ

وَالْأَمِيرُ الَّذِي يَدُورُ فِي إِمَارَتِهِ، وَالتَّاجِرُ الَّذِي يَدُورُ فِي تِجَارَتِهِ مِنْ سَوْقٍ إِلَى سَوْقٍ،

وَالرَّاعِي، وَالبَدَوِيُّ، وَالَّذِي يَطْلُبُ مَوَاضِعَ الْقَطْرِ وَتَنْتَبِثُ الشَّجَرِ، وَالرَّجُلُ يَطْلُبُ الصَّيْدَ

همراه آنها است و خود بعنوان مکاری با شتران بیرون میروم مگر در سفر مکه بخاطر رغبت و میل فراوانی که به حج دارم و یا ندرتاً در بعضی جاهای دیگر، در این صورت وقتی که خود با شتران بیرون میروم چه چیز بر من واجبست و تکلیف من چیست آیا کوتاه ساختن غاز و افطار روزه در سفر بر من واجب است یا تمام گزاردن؟ آنحضرت ضمن ناهه و توضیحی فرمود: اگر تو در همه سفرها همراه آنها نیستی و با آنها بیرون نمیروی مگر در سفر مکه در این صورت باید نماز را کوتاه بگذاری و روزه را افطار کنی.

① ۱۲۸۰ - عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ حَجَّاجٍ أَسْأَلَ إِمَامَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سُؤَالَ كَرْدٍ: شَخْصِي دَارِي أَمْلاكَ وَ مَزْرَعَةً هِيَ وَ إِنِّي مَزْرَعَةً نَزْدِيكَ يَكْدِيكَرُ هَسْتَنْدِ وَ أُوْ بَرَايِ سَرَكْشِي بَأَنهَا مِيرُودِ وَ اطْرَافِ أَنهَا مِيكَرُودِ أَيَا غَازَ رَا تَمَامَ مِيخَوَانْدِ يَا قَصْرَ مِيكَنْدِ؟ آنحضرت فرمود: نماز را تمام میگذارد.

② ۱۲۸۱ - إِسْمَاعِيلُ بْنُ أَبِي زِيَادٍ (سَكُونِي) أَسْأَلَ إِمَامَ صَادِقٍ وَ آنحضرت از پدرش عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رَوَايَتِ كَرْدَه است که آنحضرت فرمود: هفت کس هستند که نماز را کوتاه نمیکنند و تمام میگذارند: اول عامل زکات که برای جمع کردن زکات در حوزه مأموریت خود میگذرد، دوم امیری که در ناحیه امارت خود به گشت میپردازد تا از احوال مردم مطلع شود، سوم تاجری که جهت انجام امور تجاری خود از بازار شهری به بازاری دیگر میرود، چهارم چوپان که به مقتضای حرفه خود بدنبال گوسفندان راه

يُرِيدُ بِهِ لَهَوَ الدُّنْيَا وَالْمُحَارِبُ الَّذِي يَقْطَعُ السَّبِيلَ».

۱۲۸۲- وَرَوَى مُوسَى بْنُ بَكْرِ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: إِذَا نَسِيَ الرَّجُلُ صَلَاةً أَوْ صَلَاتَهَا بِغَيْرِ ظَهْوٍ وَهُوَ مُقِيمٌ أَوْ مُسَافِرٌ فَذَكَرَهَا فَلْيَقْضِ الَّذِي وَجَبَ عَلَيْهِ لَا يُزِيدُ عَلَى ذَلِكَ وَلَا يَنْقُصُ، وَمَنْ نَسِيَ أَرْبَعًا قَضَى أَرْبَعًا حِينَ يَذْكُرُهَا مُسَافِرًا كَانَ أَوْ مُقِيمًا، وَإِنْ نَسِيَ رَكْعَتَيْنِ صَلَّى رَكْعَتَيْنِ حِينَ يَذْكُرُهَا مُسَافِرًا كَانَ أَوْ مُقِيمًا».

۱۲۸۳- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مِنْ الْأُمْرِ الْمَذْكُورِ إِتِمَامُ الصَّلَاةِ فِي أَرْبَعَةِ مَوَاطِنَ: بِمَكَّةَ، وَالْمَدِينَةِ، وَمَسْجِدِ الْكُوفَةِ، وَحَائِزِ الْحُسَيْنِ».

می پیماید، پنجم صحرائشینان که با توجه به وضع آب و هوا پیوسته کوچ می کنند، ششم: کسیکه پی آنگیرها و زمینهای سبز میگردد تا حیوانات خود را بچراند، هفتم: کسیکه برای تفریح پی شکار حیوانات میرود و نیازی به آن ندارد که بدان وسیله قوت خود را فراهم کند، و نیز راهزنان مسلح.

۱۲۸۲- موسی بن بکر از زراره و او از امام باقر علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود: هرگاه کسی نمازی را فراموش کند یا نماز خود را بدون وضو خوانده باشد خواه مقیم باشد و خواه مسافر و بعد آنرا بیاد آورد باید همان نمازی را که بر او واجب بوده و تکلیف او در وقتی که فراموش کرده بود بجا آورد نه چیزی بدان بیافزاید و نه چیزی از آن کم کند، و کسی که چهار رکعت نماز را فراموش کرده وقتی بیاد آورد چهار رکعت قضا کند چه در آنحال مسافر باشد و چه مقیم، و اگر دو رکعت را فراموش کرده هنگامیکه بیاد آورد همان دو رکعت را بخواند چه مسافر باشد و چه مقیم.

شرح: «حاصل اینکه آنچه از او فوت شده قضایش را خواه در سفر و خواه در حضر همانطور که از او فوت شده بجای می آورد».

۱۲۸۳- امام صادق علیه السلام فرمود: از امور بسیار مطلوب که ذخیره اعمال است (و یا از اموری که جزء اسرار احکام الهی است و پوشیده از عموم مردم) تمام گزاردن نماز در چهار موضع است: مکه، مدینه، مسجد کوفه، و در کنار مرقده حضرت سید الشهداء علیه السلام.

قَالَ مُصَنَّفُ هَذَا الْكِتَابِ رَحِمَهُ اللَّهُ: - يَعْنِي بِذَلِكَ أَنَّ تَعَزُّمَ عَلَى مُقَامِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ فِي هَذِهِ الْمَوْطِنِ حَتَّى يُتِمَّ، وَتَصْدِيقُ ذَلِكَ:

۱۲۸۴- ما رواه محمد بن إسماعيل بن بزيع عن أبي الحسن الرضا عليه السلام قال: «سألتُه عن الصلاة بِمَكَّةَ وَالْمَدِينَةِ يُقَصِّرُ أَوْ يُتِمُّ؟ قال: قَصِرْ مَا لَمْ تَعَزَّ عَلَى مُقَامِ عَشْرَةِ أَيَّامٍ».

۱۲۸۵- و ما رواه محمد بن خالد البرقي، عن حمزة بن عبد الله الجعفری قال: «لَمَّا أَنْ تَفَرْتُ مِنْ مَنَى نَوَيْتُ الْمَقَامَ بِمَكَّةَ فَأَتَمَمْتُ الصَّلَاةَ، ثُمَّ جَاءَ نِي خَبَرٍ مِنَ الْمَنَزِلِ فَلَمْ أَجِدْهُ مِنَ الْمَصِيرِ إِلَى الْمَنَزِلِ، فَلَمْ أَذِرْ أَيُّهُ أَمْ أَقْصِرْ، وَأَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَئِذٍ بِمَكَّةَ فَأَتَيْتُهُ فَقَصَصْتُ عَلَيْهِ الْقِصَّةَ فَقَالَ لِي: ارْجِعْ إِلَى التَّقْصِيرِ».

نویسنده این کتاب - رحمه الله - گوید: منظور اینست که شخص در این مواضع قصد اقامت ده روز و بیشتر کند تا نماز را تمام بجا آورد و مؤید این نظر روایت آنی است که:

(۱) ۱۲۸۴- محمد بن اسماعیل بن بزیع از امام رضا علیه السلام روایت کرده گوید: از آنحضرت پرسیدم که شخص در مکه و مدینه نماز را کوتاه میکند یا تمام میخواند؟ فرمود: مادام که قصد ده روز ماندن نکرده نماز را کوتاه میکند.

(۲) ۱۲۸۵- و نیز مؤید آن روایت دیگری است که محمد بن خالد برقی از حمزة بن عبد الله جعفری روایت کرده گوید: وقتی از منی بازگشتم قصد داشتم که در مکه بمانم بنابراین نماز را تمام گزاردم، آنگاه خبری از خانه ام بمن رسید که ناچار شدم بخانه ام برگردم و در آنجا بمانم، و نمیدانستم آن چند روزی را که خواهم ماند نماز را تمام کنم یا قصر بخوانم. و در همین زمان امام کاظم یا امام رضا علیهما السلام در مکه بودند، نزد ایشان رفتم و وضع خود را بعرض آنحضرت رسانیدم، در پاسخ بمن فرمود: به نماز قصر بازگرد.

شرح: «مشهور مواضع مذکور را منحصر به مسجد الحرام و مسجد النبی صلی الله علیه وآله، و حائر حسینی علیه السلام، و مسجد کوفه دانند و مسافر را مختار در قصر و اتمام آن، نه این شهرها، لکن نظر مؤلف همه شهر است».

۱۲۸۶- وَرَوَى الْفَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَيْسَ فِي السَّفَرِ جُمُعَةٌ وَلَا أَضْحَى وَلَا فِضْرٌ».

۱۲۸۷- وَرَوَى إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَابِرٍ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَدْخُلُ عَلَيَّ وَقْتُ الصَّلَاةِ وَأَنَا فِي السَّفَرِ فَلَا أَصَلِّي حَتَّى أَدْخُلَ أَهْلِي؟ فَقَالَ: صَلِّ وَأَتِمَّ الصَّلَاةَ، قُلْتُ: فَيَدْخُلُ عَلَيَّ وَقْتُ الصَّلَاةِ وَأَنَا فِي أَهْلِي أُرِيدُ السَّفَرَ فَلَا أَصَلِّي حَتَّى أَخْرُجَ؟ قَالَ: صَلِّ وَقَصِّرْ فَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ خَالَفْتَ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

۱۲۸۸- وَأَمَّا خَبَرُ حَرِيزٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يَدْخُلُ مِنْ سَفَرِهِ وَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ وَهُوَ فِي الْقَرْيَةِ قَالَ: يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَإِنْ خَرَجَ إِلَى سَفَرِهِ وَقَدْ دَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ فَلْيُصَلِّ أَرْبَعًا».

① ۱۲۸۶- فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت فرمود: در سفر نماز جمعه و نماز عید قربان و نماز عید فطر بر مسافر واجب نیست. (البته مضمون این خبر با استحباب منافات ندارد).

② ۱۲۸۷- اسماعیل بن جابر روایت کرده گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: گاهی وقت نماز فرا میرسد و من مسافر هستم، و نماز نمیکنم تا به خانواده خود وارد می شوم، در این صورت تکلیف من چیست؟ آنحضرت فرمود: نماز را بخوان و تمام بجا آور، عرض کردم: گاه است که وقت نماز فرا میرسد در حالیکه من در خانه خود هستم ولی میخواهم بسفر روم، و نماز نمیخوانم تا از خانه خارج شوم در این صورت چطور؟ آنحضرت فرمود: نماز را بخوان و کوتاه کن که اگر چنین نکنی البته با رسول خدا صلی الله علیه و آله مخالفت ورزیده ای. (یعنی هر کجا که نماز را انجام میدهی بحکم همانجا رفتار کن).

③ ۱۲۸۸- و اما خبر حریز، از محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام که گفت: از آنحضرت سؤال کردم در مورد شخصی که از سفر خود باز آمده و در حالیکه در راه بوده وقت نماز فرا رسیده است چه باید بکند؟ آنحضرت فرمود: نماز را دو رکعت میکند (یعنی شکسته)، و اگر در حضر است و اراده بیرون شدن بسفر را دارد وقت نماز درآید باید نماز را چهار رکعت بخواند.

فَأَنَّهُ يَغْنَى بِهِ إِذَا كَانَ لَا يَخَافُ قَوَاتِ خُرُوجِ الْوَقْتِ أَتَمَّ، وَإِنْ خَافَ خُرُوجَ الْوَقْتِ قَصَرَ، وَتَصْدِيقُ ذَلِكَ:

۱۲۸۹- في كتاب الحكم بن مسكين قال: قال أبو عبد الله عليه السلام: «في الرجل يقدّم من سفره في وقت صلاة، فقال: إن كان لا يخاف خروج الوقت فليتم وإن كان يخاف خروج الوقت فليقصّر». وهذا موافق لحديث إسماعيل بن جابر. ۱۲۹۰- و سأل إسحاق بن عمار أبا إبراهيم موسى بن جعفر عليهما السلام «في الرجل يكون مسافراً ثم يقدّم فيدخل بيوت الكوفة أتم الصلاة أم يكون مقصراً حتى يدخل إلى أهله؟ قال: بل يكون مقصراً حتى يدخل إلى أهله».

۱۲۹۱- وروى سيف التمار عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «قال له بعض أصحابنا كُنَّا نَقْضِي صَلَاةَ النَّهَارِ إِذَا نَزَلْنَا بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ، فَقَالَ:

صدوق - رحمه الله - در توضیح خبر میفرماید: همانا مراد آنحضرت اینست که هرگاه بیم فوت وقت نماز ندارد آنرا تمام بخواند (یعنی در محلّ اقامت) و اگر بیم دارد که وقت نماز فوت شود و از دست برود آنرا کوتاه کند (یعنی در راه) و مؤید این نظر حدیث آتی است که:

① ۱۲۸۹- در کتاب حکم بن مسکین نقل شده است و گوید: امام صادق علیه السلام در مورد شخصی که در وقت نماز از سفر خود باز میگردد، فرمود: چنین شخصی اگر بیم از دست شدن وقت نماز نداشته باشد باید نماز را تمام بخواند، و اگر بیم دارد که وقت نماز فوت شود در این صورت باید نماز را کوتاه کند. و مفاد این حدیث موافق خبر اسماعیل بن جابر است که گذشت.

⑤ ۱۲۹۰- اسحاق بن عمار از امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کرد که هرگاه شخص مسافر باشد، آنگاه از سفر بیاید و داخل در محدوده خانه های کوفه شود آیا نماز را تمام میکند یا همچنان کوتاه بجا میآورد تا داخل خانه یا محله خویش گردد؟ آنحضرت فرمود: البته نماز را کوتاه میگذارد تا زمانی که به خانه خود (و یا اهل و قبیله خویش که لابد در یک کوی و برزن مجتمع بوده اند) وارد شود.

③ ۱۲۹۱- سيف التمار از امام صادق علیه السلام روایت کرده گوید: یکی از یاران ما (شیعیان) به آنحضرت عرض کرد: روش معمول ما اینست که چون در منزلی

لَا، اللَّهُ أَعْلَمُ بِعِبَادِهِ حِينَ رَخَّصَ، إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْمُسَافِرِ رَكْعَتَيْنِ لِأَقْبَلَهُمَا وَلَا تَبْعَدُهُمَا شَيْءٌ إِلَّا صَلَاةُ اللَّيْلِ عَلَى بَعِيرِكَ حَيْثُ تَوَجَّهَ بِكَ».

۱۲۹۲- وَسُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ صَلَاةِ النَّافِلَةِ بِالنَّهَارِ فِي سَفَرٍ، فَقَالَ: لَوْ صَلَّحْتَ النَّافِلَةَ فِي السَّفَرِ تَمَّتِ الْفَرِيضَةُ».

وَلَا بَأْسَ بِقَضَاءِ صَلَاةِ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ فِي السَّفَرِ.

۱۲۹۳- وَ «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي عَلَى رَاجِلَيْهِ الْفَرِيضَةَ فِي

يَوْمٍ مَطِيرٍ».

۱۲۹۴- وَقَالَ إِبْرَاهِيمُ الْكَرْخِيُّ «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أَقْدِرُ أَنْ

فروود می‌آیم نماز ترک شده روز را (ظاهراً مراد نوافل روز یا بخشهای کوتاه شده و متروک از نمازهای روز باشد) در میان نماز مغرب و عشاء قضا میکنیم، آیا اینکار درست است؟ آنحضرت فرمود: نه، خداوند متعال به احوال بندگان خویش داناست که ایشان را رخصت داده و تکلیف آنان را سبک گردانیده و بر مسافر فقط دو رکعت واجب ساخته و پیش از آن دو رکعت و پس از آن نافله و چیز دیگری مقرر نفرموده، مگر نماز شب را که رخصت داده بر روی شتران و بهر طرف که رود، رو بهمان جانب بجا آوری.

① ۱۲۹۲- از امام صادق علیه السلام سؤال کردند در مورد نماز نافله در روز در حین سفر، آنحضرت فرمود: چنانچه نافله (که مستحب است) در هنگام سفر سنت (و مطلوب و مورد توجه) می بود، نماز واجب یومیّه تمام می بود قصر نمیشد (چنانکه در نمازهای چهار رکعتی فقط دو رکعت آنرا میخوانند و دو رکعت را شارع ساقط فرموده است).

و اشکال ندارد که در هنگام سفر قضای نماز شب را روز بجا آورند.

② ۱۲۹۳- رسول خدا صلی الله علیه وآله (وقتی هوا بارانی بود یا هنگام بارندگی) نماز فریضه را همچنانکه بر شتر سوار بود (یا به تعبیر روایتی دیگر همچنانکه در کجاوه یا محمل نشسته بود) بجا میآورد.

شرح: «مراد چنانکه از لفظ «راحله» پیداست سفر است نه حضور».

③ ۱۲۹۴- ابراهیم کرخی گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من

أَتَوَجَّهَ نَحْوَ الْقِبْلَةِ فِي الْمَحْمِلِ، فَقَالَ: هَذَا الضِّيقُ أَمَّا لَكُمْ فِي رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أُسْوَةٌ؟».

۱۲۹۵ - وَسَأَلَ سَعْدُ بْنُ سَعْدٍ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ تَكُونُ مَعَهُ الْمَرْأَةُ الْحَائِضُ فِي الْمَحْمِلِ أَيْصَلِّي وَهِيَ مَعَهُ؟ قَالَ: نَعَمْ».

۱۲۹۶ - وَسَأَلَ سَعِيدُ بْنُ يَسَارٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ وَهُوَ عَلَى دَابَّتِهِ أَلَا أَنْ يُعْطِيَ وَجْهَهُ وَهُوَ يُصَلِّي؟ قَالَ: أَمَّا إِذَا قَرَأْتُمْ، وَأَمَّا إِذَا أَوَّمَا بِوَجْهِهِ لِلسُّجُودِ فَلْيَكْشِفْهُ حَيْثُ [مَا] أَوَّمَاتَ بِهِ الدَّابَّةُ».

۱۲۹۷ - وَسَأَلَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَجَّاجِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يُصَلِّي التَّوَائِلَ فِي الْأَفْصَارِ وَهُوَ عَلَى دَابَّتِهِ حَيْثُمَا تَوَجَّهَتْ يَدُهُ؟ قَالَ: لَا بَأْسَ».

می توانم وقتی در کجاوه هستم رو بقبله کنم و نماز کنم، آنحضرت فرمود: این مقدار تحمل مشقت چه ضرورتی دارد (یا به تعبیر دیگری این چه تنگی است که بر خود روا میدارید) آیا شما رفتار پیامبر خدا صلی الله علیه وآله را سرمشق خود نمی سازید؟ (که آنحضرت وقتی در کجاوه نماز میخواند رو بقبله نمی کرد).

① ۱۲۹۵ - سعد بن سعد از امام رضا علیه السلام سؤال کرد: شخصی که زن حائض در کجاوه با او همراه است آیا می تواند با وجود آن زن حائض در کجاوه خود نماز کند (وزن محازی او باشد)؟ آنحضرت فرمود: آری می تواند.

شرح: «این روایت دلالت دارد بر اینکه محازی قرار گرفتن با زن هنگامیکه نماز نمیخواند بلا اشکال است».

② ۱۲۹۶ - سعید بن یسار از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: شخصی که بر چهار پا (سواره) نماز شب می کند آیا جایز است که صورت خود را در هنگام نماز بپوشاند؟ آنحضرت فرمود: هنگام قراءت می تواند بپوشاند، ولی وقتی برای سجود ایما می کند باید روی خود را بگشاید و بر جانب که چهار پا میرود بهمان سمت سجده کند.

③ ۱۲۹۷ - عبدالرحمن بن حجاج از امام صادق علیه السلام سؤال کرد: شخصی نمازهای نافله را بر روی چهار پا در حین سفر و حرکت میان شهرهای

۱۲۹۸- وَ سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ فِي السَّفَرِ ثُمَّ يَتَذَوُّلُهُ فِي الْإِقَامَةِ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ، قَالَ: يُسَمُّ إِذَا بَدَتْ لَهُ الْإِقَامَةُ وَعَنِ الرَّجُلِ يُشَيِّعُ أَخَاهُ إِلَى الْمَكَانِ الَّذِي يَجِبُ عَلَيْهِ فِيهِ التَّقْصِيرُ وَالْإِقْطَارُ، قَالَ: لَا بَأْسَ بِذَلِكَ».

وَلَا بَأْسَ بِالْجَمْعِ بَيْنَ الصَّلَاتَيْنِ فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ مِنْ عِلَّةٍ وَغَيْرِ عِلَّةٍ.

وَلَا بَأْسَ بِتَأْخِيرِ الْمَغْرِبِ فِي السَّفَرِ حَتَّى يَغِيبَ الشَّمْسُ.

وَلَا بَأْسَ بِتَأْخِيرِ الْمَغْرِبِ لِلْمُسَافِرِ إِذَا كَانَ فِي ظَلَبِ التَّمَثُّلِ إِلَى رُبْعِ اللَّيْلِ.

مختلف میخواند و بهر جانب که چهار پا رو میکند، روی او نیز بهمان سمت است، اینکار چه صورت دارد؟ آنحضرت فرمود: اشکالی ندارد.

۱۲۹۸- عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ از امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کرد: شخصی که بسفری رفته و در حال سفر مشغول نماز است، در اثنای آن جال (که بنای نماز را بر قصر گذاشته) در اراده اش تغییر پیدا شود و عزم کند که در آن شهر یا منزل ده روز یا بیشتر توقف نماید، در این صورت تکلیف او چیست؟ آنحضرت فرمود: هرگاه قصد اقامت کند (هر چند در حین نماز) نماز را تمام میخواند. همچنین از آنحضرت سؤال کرد هرگاه شخصی برادر مؤمن خود را که بسفر میرود تا مسافتی (معادل هشت فرسخ یا بیشتر) بدرقه کند که لازم باشد نماز را کوتاه بخواند و روزه را افطار کند، آیا این عمل (که بخاطر مشایعت برادر مؤمن خود نماز را قصر و روزه را افطار کند) جایز است؟ آنحضرت فرمود: اینکار اشکالی ندارد.

و نیز خواندن دو نماز (ظهر و عصر - مغرب و عشاء) در یک زمان و پشت سر هم چه در سفر و چه در حضر، با علت و بدون علت اشکالی ندارد. و نیز اشکالی ندارد که در سفر نماز مغرب را به تأخیر اندازند تا آنگاه که سرخی مغربی ناپدید شود.

و هرگاه مسافر در پی یافتن منزل و استراحتگاه باشد، در اینصورت اشکالی ندارد که نماز مغرب را تا یک چهارم از شب گذشته به تأخیر اندازد.

شرح: «البتة در بعضی از روایات از جمله در موثق کالصحيح از امام صادق علیه السلام روایت شده که آنحضرت فرمود در سفر وقت نماز مغرب تا ثلث از شب

- ۱۲۲۹- و في رواية أبي بصير عن أبي عبد الله عليه السلام أنه قال: «أنت في وقت المغرب في السفر إلى خمسة أميال من بعد غروب الشمس».
- ولا بأس بتعجيل العتمة في السفر قبل مغيب الشفق.
- ۱۳۰۰- وسأل عمار الشاطبي أبا عبد الله عليه السلام «عن حد الطين الذي لا يشجذ فيه ما هو؟ قال: إذا غرقت فيه الجبهة ولم تثبت على الأرض».
- ۱۳۰۱- وقال معاوية بن عمار لأبي عبد الله عليه السلام: «إن أهل مكة يُتمون الصلاة بعرقاب قال: ويلهم - أو ويحهم - وأي سفر أشد منه لأ، لا يتم».

گذشته است. همچنین کلینی - رحمه الله - در کافی روایت دیگری نقل کرده که بنا بر آن تا نیمه شب، وقت نماز مغرب است».

① ۱۲۹۹- و در روایت ابی بصیر از امام صادق علیه السلام منقول است که آنحضرت فرمود: در هنگام سفر تو تا پنج میل که پس از غروب آفتاب طی شود در وقت نماز مغرب هستی.

شرح: «پنج میل در حدود ده کیلومتر است و باید در نظر داشت که هنگام صدور خبر با وسائل آنروز ده کیلومتر را در چه مقدار از زمان طی میکرده اند و امروز مقدار آنزمان را بحساب آورد نه مسافت را و ظاهر روایت وقت نافله را میرساند نه فریضه را».

و نیز اشکالی ندارد که در سفر نماز عشاء را پیش از برطرف شدن سرخی شفق بجا آورند.

② ۱۳۰۰- عمار شاطبی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد مقدار و چگونگی گلی که سجده بر آن نمی توان کرد و سجده را شاید چیست؟ آنحضرت فرمود: هرگاه باندازه ای روان باشد که پیشانی در آن کاملاً فرو رود و به پیشانی بچسبد (و چون محکم نشده و خود را نگرفته هنگام برداشتن سر از سجده) روی زمین بند نشود بلکه با چسبیدن به پیشانی از روی زمین برداشته شود.

شرح: «این خبر بلحاظ اتفاقاتی که برای مسافر در سفر پیش می آید در اینجا ذکر شده، والا باید در احکام سجده ذکر میشد».

③ ۱۳۰۱- معاویه بن عمار به امام صادق علیه السلام عرض کرد: أهل مكة

۱۳۰۲ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا نَزَلَ عَلَيْهِ جِبْرِيلُ بِالتَّقْصِيرِ، قَالَ لَهُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: فِي كَمْ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: فِي بَرِيدٍ قَالَ: وَكَمْ الْبَرِيدُ؟ قَالَ: مَا بَيْنَ ظِلِّ غَيْرِ إِلَى فَيٍّ وَغَيْرِ قَدَرَعَتُهُ بَنُو أُمَيَّةَ ثُمَّ جَزْؤُهُ عَلَى اثْنَيْ عَشَرَ مِيلًا فَكَانَ كُلُّ مِيلٍ أَلْفًا وَخَمْسِمِائَةَ ذِرَاعٍ وَهُوَ أَرْبَعَةُ فَرَاسِخَ.»
یعنی آنکه إذا كَانَ السَّفَرُ أَرْبَعَةَ فَرَاسِخَ وَأَرَادَ الرُّجُوعَ مِنْ يَوْمِهِ فَالتَّقْصِيرُ عَلَيْهِ وَاجِبٌ، وَمَتَى لَمْ يُرِدِ الرُّجُوعَ مِنْ يَوْمِهِ فَهُوَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ أَتَمَّ وَإِنْ شَاءَ قَصَرَ. وَتَصْدِيقُ مَا قَسَرْتُ مِنْ ذَلِكَ:

۱۳۰۳ - خَبَرُ جَمِيلِ بْنِ دُرَّاجٍ، عَنْ زُرَّارَةَ بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّقْصِيرِ فَقَالَ: بَرِيدٌ ذَاهِبٌ وَبَرِيدٌ جَائِي، وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ

نماز را در عرفات تمام میخوانند، اینکار چگونه است؟ آنحضرت فرمود: وای بر آنان - یا خدا بر ایشان رحمت آورد - (راوی شک دارد امام علیه السلام کدامیک از دو عبارت را فرموده است) کدام سفر سختتر و مشکلتر از این سفر است، نه درست نیست، تمام نکنند، بلکه نماز را قصر بخوانند.

(۱) ۱۳۰۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: هنگامیکه جبرئیل بر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نازل شده و حکم تقصیر (یا کوتاه ساختن نماز برای مسافر) را آورد، پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ به او فرمود: در چه مسافتی قصر باید کرد؟ جبرئیل گفت: پس از طی یک برید راه آنحضرت پرسید: یک برید چه مسافتی است؟ عرض کرد: فاصله میان سایه کوه غیر تا سایه کوه وعیر، پس بنی امیه این فاصله را اندازه گیری کرده و به دوازده میل بخش و علامت گذاری نمودند که هر میل معادل هزار و پانصد ذراع و آن یک برید بود که عبارت از چهار فرسخ است.

مؤلف - رحمه الله علیه - میفرماید: تأویل حدیث این است که هرگاه سفر بمسافت چهار فرسخ باشد و شخص بخواهد همانروز این چهار فرسخ رفته را بازگردد در این صورت بر او واجب است که نماز را قصر کند، و هرگاه شخص اراده بازگشت در همانروز را ندارد در این صورت محیر است اگر خواهد نماز را تمام کند و اگر خواهد کوتاه بخواند. و مؤید این تأویل که بیان کردم خبر آئی است:

(۲) ۱۳۰۳ - و آن صحیحه جمیل بن دراج است از زرارة بن أعین که گفت: از

عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أُلِّيَ ذُبَاباً قَصَرَ». وَذُبَابٌ عَلَى بَرِيدٍ وَإِنَّمَا فَعَلَ ذَلِكَ لِأَنَّهُ إِذَا رَجَعَ كَانَ سَفَرُهُ بَرِيدَيْنِ ثَمَانِيَّةَ فَرَاسِخَ.

۱۳۰۴ - وَسَأَلَ زَكَرِيَّا بْنُ آدَمَ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ التَّقْصِيرِ فِي كَمْ يَقْصُرُ الرَّجُلُ إِذَا كَانَ فِي ضِيَاعِ أَهْلِ بَيْتِهِ وَأَمْرَةٌ جَائِزٌ فِيهَا يَسِيرُ فِي الضِّيَاعِ يَوْمَيْنِ وَلَيْلَتَيْنِ وَثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَيَالِيَهُنَّ؟ فَكَتَبَ: التَّقْصِيرُ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ».

۱۳۰۵ - وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ امْرَأَةٍ كَانَتْ فِي طَرِيقٍ مَكَّةَ فَصَلَّتْ ذَاهِبَةً

امام باقر علیه السلام در مورد تقصیر سؤال کردم، آنحضرت فرمود: چهار فرسخ رونده و چهار فرسخ باز آینده باشد (یا شخص چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد). و معمول رسول خدا صلی الله علیه و آله بود که هرگاه به باغهای ذباب تشریف می برد نماز را قصر می گزارد، و ذباب در فاصله یک برید با چهار فرسخی مدینه بود، و بدین سبب نماز را قصر می فرمود که چون از آنجا باز می گشت سفر آنحضرت در رفت و برگشت روهم مسافتی معادل دو برید یا هشت فرسخ می شد.

شرح: «مراد از «ذباب» روضات ذباب است، و ذباب خود کوهی است در مدینه، و قول مصنف که گفته است در صورتیکه چهار فرسخ بود و همان روز بازنگشت محیر است نماز را قصر یا تمام بخواند با صحیحۃ معاویه بن عمار که تحت رقم ۱۳۰۱ گذشت سازگار نیست، و خیریکه دلیل آورده نیز مدعای او را ثابت نمی کند».

(۱) ۱۳۰۴ - زَكَرِيَّا بْنُ آدَمَ از امام رضا علیه السلام در مورد قصر ساختن نماز سؤال کرد که شخص در چه مقدار از راه نماز را قصر می گزارد هنگامیکه در املاک و مزارع متعلق به خانواده خود که حکم و فرمانش در آن محالها همانند ملک خودش روا و نافذ باشد دو روز و دو شب یا سه روز و سه شب در گردش و راه پیمودن باشد؟ آنحضرت در پاسخ نوشت: قصر یا کوتاه و شکسته کردن نماز در مسافت یک شبانه روز است.

(۲) ۱۳۰۵ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ از محمد بن اسحاق بن عمار روایت کرده که گفت: از امام رضا علیه السلام این مسأله را پرسیدم که زنی در راه رفت و بازگشت از

وَجَابِيَةُ الْمَغْرِبِ رَكْعَتَيْنِ رَكَعَتَيْنِ فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْهَا إِعَادَةٌ.

وفي رواية الحسين بن سعيد، عن ابن أبي عمير، عن محمد بن إسحاق بن عمار عن أبي الحسن عليه السلام قال: «لَيْسَ عَلَيْهَا قَضَاءٌ».

۱۳۰۶- وفي رواية العلاء عن محمد بن مسلم عن أبي جعفر عليه السلام قال:

«إِذَا صَلَّى الْمَسَافِرُ خَلْفَ قَوْمٍ حُضِرَ قُلُوبُهُمْ صَلَاتُهُ رَكَعَتَيْنِ وَيُسَلِّمُ، وَإِنْ صَلَّى مَعَهُمْ

سفر مکه در طول مسیر خود همه جا نماز مغرب را دو رکعت گزارده است (ظاهراً بتصور اینکه نماز مغرب را قصر باید کرد) تکلیف او چیست؟ آنحضرت فرمود: اعاده آن نمازها بر او لازم نیست.

و در روایت حسین بن سعید که او نیز با همان واسطه خبر پیشین از امام رضا علیه السلام روایت می‌کند گوید آنحضرت فرمود: قضاء نمازهای مغرب بر آن زن نیست.

شرح: «این خبر دلالت دارد بر اینکه اگر شخص نداند که نماز مغرب را قصر نباید کرد و قصر کند معذور است، و این خلاف مشهور است چه اکثر اصحاب جاهل را در تمام کردن نماز معذور می‌دانند نه در کوتاه ساختن آن. و اما غرض مؤلف - رحمه الله - از تکرار به هر دو عبارت فوق الذکر اینست که چون این حکم در اصل محمد بن ابی عمیر و حسین بن سعید تکرر یافته و این امر در اصول نزد قدما دلیل صحت بوده لذا بمفاد خبر عمل فرمود است، و اما مرحوم فاضل تفرشی می‌فرماید: این روایت دلالت دارد بر اینکه اگر شخص بوجوب تمام کردن نماز در سفر جاهل بوده و قصر بجا آورد معذور است همچنانکه شخص جاهل بوجوب تقصیر هرگاه نماز را تمام کند معذور است. معذک شيخ طوسی - رحمه الله - در تهذیب حکم به شاذ بودن این روایت کرده و فرموده: اگر کسی در سفر نماز مغرب را قصر بجا آورد باید آنرا اعاده کند. با وجود همه این اقوال ممکن است این حکم مختص بهمان زن مورد سؤال بوده و قابل تعمیم نباشد».

(۷) ۱۳۰۶- و علاء بن رزین از محمد بن مسلم و او از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هرگاه مسافر با جمعی که در حضر هستند نماز کند باید نمازش را پس از دو رکعت که خواند سلام دهد، و اگر به نماز ظهر ایشان اقتدا

الظَهْرَ فَلْيَجْعَلِ الْأَوَّلَيْنِ الظَّهْرَ وَالْآخِرَتَيْنِ الْعَصْرَ»

۱۳۰۷ - وَسَأَلَ إِسْمَاعِيلُ بْنُ الْفَضْلِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ رَجُلٍ يُسَافِرُ مِنْ أَرْضٍ إِلَى أَرْضٍ وَإِنَّمَا يَنْزِلُ قُرَاهُ وَضَيْعَتُهُ، فَقَالَ: إِذَا نَزَلْتَ قُرَاكَ وَأَرْضَكَ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ، وَإِذَا كُنْتَ فِي غَيْرِ أَرْضِكَ فَقَصِّرْ».

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - : يَعْنِي بِذَلِكَ إِذَا أَرَادَ الْمَقَامَ فِي قُرَاهُ وَأَرْضِهِ عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَمَتَى لَمْ يُرِدِ الْمَقَامَ بِهَا عَشْرَةَ أَيَّامٍ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ بِهَا مَنْزِلٌ يَكُونُ فِيهِ السَّنَةُ سِتَّةَ أَشْهُرٍ، فَإِنْ كَانَ كَذَلِكَ أَتَمَّ مَتَى دَخَلَهَا، وَتَضْيِيقُ ذَلِكَ:

۱۳۰۸ - مَارَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يُقَصِّرُ فِي ضَيْعَتِهِ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَثْبُتْ مَقَامَ عَشْرَةَ

کرده در این صورت دو رکعت اول آنرا را نماز ظهر و دو رکعت دوم را نماز عصر خود قرار دهد. یا به عبارت دیگر به دو رکعت اول و دوم ایشان بعنوان نماز ظهر، و به دو رکعت سوم و چهارم بعنوان نماز عصر اقتدا کند. (صدوق - رحمه الله - باین ترتیب اقتداء نماز عصر به ظهر را جایز میدانند و روایات بسیار نیز مؤید این حکم است).

① ۱۳۰۷ - اسماعیل بن فضل از امام صادق علیه السلام سؤال کرد شخصی که از جایی به جای دیگر سفر میکند و در بین سفر گاه به دهات و مزارع خود میرسد نمازش چگونه است؟ آنحضرت فرمود: هرگاه به دهات و املاک خود رسی یا در آنجا منزل کردی نماز را تمام بخوان، و هرگاه در غیر زمین خود بودی نماز را قصر کن.

شیخ صدوق مصنف این کتاب - که رحمت خداوند بر او باد - در توضیح خبر میفرماید: مراد آنحضرت اینست که هرگاه شخص بخواهد در قریه ها و مزارع خود ده روز اقامت کند در این صورت نماز را تمام کند ولی چنانچه قصد اقامت ده روز ندارد نماز را قصر بخواند. مگر اینکه در آن ملک خانه ای داشته باشد که هر سالی ششماه در آنجا سکونت میکند اگر چنین خانه ای آنجا دارد در این صورت هرگاه وارد آن می شود نماز را تمام میکند، مؤید این حکم دو حدیث آتی است:

② ۱۳۰۸ - محمد بن اسماعیل بن بزیر از امام رضا علیه السلام روایت کرده گوید: از آنحضرت پرسیدم آیا شخص در مزرعه و زمین خود نماز را کوتاه (شکسته) میخواند؟ فرمود: مادام که قصد ده روز ماندن در آنجا نکرده اشکالی ندارد (شکسته

أَيَّامَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ بِهَا مَنَزْلٌ يَسْتَوِطُّهُ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: مَا إِلَّا شَيْطَانٌ؟ فَقَالَ: أَنْ يَكُونَ لَهُ بِهَا مَنَزْلٌ يُقِيمُ فِيهِ سِتَّةَ أَشْهُرٍ فَإِذَا كَانَ كَذَلِكَ يُتِمُّ فِيهَا مَتًى دَخَلَهَا». ۱۳۰۹ - وَمَا رَوَاهُ عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «كُلُّ مَنْزِلٍ مِنْ مَنَازِلِكَ لَا تَسْتَوِطُّهُ فَعَلَيْكَ فِيهِ التَّصْبِيرُ».

۱۳۱۰ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي الرَّجُلِ يَخْرُجُ إِلَى الصَّيْدِ مَسِيرَةَ يَوْمٍ أَوْ يَوْمَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةً أَوْ يَقْصِرُ أَوْ يَتِمُّ؟ فَقَالَ: إِنْ خَرَجَ لِقَوْنِهِ وَثَوْبٌ عِيَالِهِ فَلْيُقْصِرْ وَلْيُفْطِرْ وَإِنْ خَرَجَ لِقَلْبِ الْفُضُولِ فَلَا وَلَا كَرَامَةً».

۱۳۱۱ - وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ أَنَّهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَيْسَ عَلَى صَاحِبِ الصَّيْدِ

بخواند) مگر اینکه در آن محل دارای منزلی باشد که آنرا بعنوان اقامتگاه دائمی یا وطن خود اختیار کرده باشد، گوید: به آنحضرت عرض کردم: اختیار وطن یا اقامتگاه گزیدن چگونه محقق می شود؟ فرمود: باین ترتیب که در آن زمین یا مزرعه خانه ای داشته باشد که ششماه (از سال را) در آنجا اقامت کند، اگر چنین وضعی پیدا کرد در این صورت هر زمان که وارد آنجا شد نماز را تمام میکند.

۱۳۰۹ - و باز مؤید دیگر قول مصنف - رحمه الله - خبری است که علی بن - یقطین از امام موسی کاظم علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هر منزلی از منازل که متعلق به تو است ولی آنرا بعنوان وطن و اقامتگاه دائم اختیار نکرده ای باید نماز را در آنجا شکسته یا قصر بخوانی.

۱۳۱۰ - از امام صادق علیه السلام در مورد شخصی که مسافتی را یک روز یا دو روز یا سه روز بشکار میبرد سؤال کردند که آیا نماز را شکسته میخواند یا تمام؟ آنحضرت فرمود: اگر برای بدست آوردن غذای خود و خانواده اش بشکار رفته باید نماز را شکسته بخواند و روزه را افطار کند، اما اگر برای غرضی غیر از بدست آوردن غذای خود و خانواده اش رفته باشد (مثلاً برای تفریح یا لهو و لعب که هیچ فایده مشروعی در آن نیست یا برای افزونی مال و نظیر اینها) نماز را قصر نمی خواند و روزه را افطار نمیکند و هیچ کرامت و شایستگی در اینکار یا برای او نیست.

۱۳۱۱ - ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت

تَقْصِيرُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فَإِذَا جَاوَزَ الثَّلَاثَةَ لَزِمَهُ» يَعْنِي الصَّيْدَ لِلْفُضُولِ.

۱۳۱۲- وَرَوَى عَيْصُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ

يَتَصَيَّدُ، فَقَالَ: إِنْ كَانَ يَدُورُ حَوْلَهُ فَلَا يَقْصِرُ وَإِنْ كَانَ يُجَاوِزُ الْوَقْتَ فَلْيَقْصِرْ».

وَلَوْ أَنَّ مَسَافِرًا مِمَّنْ يَجِبُ عَلَيْهِ التَّقْصِيرُ مَالَ عَنْ طَرِيقِهِ إِلَى صَيْدٍ لَوَجِبَتْ عَلَيْهِ

الْإِثْمُ لِطَلَبِ الصَّيْدِ، فَإِنْ رَجَعَ مِنْ صَيْدِهِ إِلَى الطَّرِيقِ فَعَلَيْهِ فِي رُجُوعِهِ التَّقْصِيرُ.

وَمَنْ كَانَ سَفَرُهُ مَعْصِيَةً لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَعَلَيْهِ الْإِثْمُ فِي الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ.

وَعَلَى الْمَسَافِرِ أَنْ يَقُولَ: فِي ذُبْرِ كُلِّ صَلَاةٍ يُقْصِرُهَا «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ

فرمود: کسی که بشکار رود تا سه روز قصر کردن نماز بر او روا نیست، و چون از سه روز گذشت بر او لازم است نماز را شکسته بخواند.

صدوق - رحمه الله - فرماید: مراد آنحضرت صید فضولی است که برای غیر غذای خود و خانواده شخص بلکه بمنظور تفریح انجام شود.

شرح: «مفاد خبر آنست که اگر شکارچی برای تهیه قوت و روزی و امثال آن بصید سفر کرده تا سه روز نماز را تمام و بعد شکسته می خواند، و اگر برای تفریح و بازی بشکار سفر کرده باید تمام بخواند چه سه روز و چه بیشتر».

(۱) ۱۳۱۲- عیص بن قاسم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که از آنحضرت در مورد شخصی که بشکار پرداخته سؤال کردند فرمود: اگر این شخص بدور خود یا محور معینی یا اطراف منزل و شهر خود میگردد نماز را قصر نمیکند، ولی اگر از وقت (یعنی بیاض یوم، و یا یوم و لیلة) یا مسافت لازم و حد معینش گذشت نماز را شکسته میخواند.

و هرگاه مسافری که باید نماز را شکسته بخواند از راه خود منحرف شود، و از پی شکار رود و چون بدنبال شکار رفته و غرضش شکار است. باید نماز را تمام بخواند، و وقتی از شکار بازگشت و به راه اولیه آمد در هنگام بازگشت باید قصر کند. و هر کس سفرش بمنظور گناه و نافرمانی خداوند عز و جل باشد (یا بنا بر روایت دیگر سفرش بهر میزان و بهر نحو در جهت ایراد زیان و خسارت شخصی و تضعیف مادی و معنوی جامعه مسلمین باشد) باید نمازش را تمام بخواند و روزه را نیز افطار نکند. و بر مسافر است که در پی هر نمازی که شکسته میخواند سی مرتبه

وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» ثلاثين مرةً لتمام الصلاة.

۱۳۱۳- وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «إِنْ خَشِيتَ أَنْ لَا تَقُومَ

فِي آخِرِ اللَّيْلِ، أَوْ كَانَتْ بِكَ عِلَّةٌ أَوْ أَصَابَكَ بَرْدٌ فَصَلِّ وَأَوْتِرْ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فِي السَّفَرِ».

۱۳۱۴- وَسَأَلَ عَلِيُّ بْنُ سَعِيدٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَالْوُتْرِ

فِي السَّفَرِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ، قَالَ: نَعَمْ».

۱۳۱۵- وَسَأَلَ سَمَاعَةَ بْنُ مِهْرَانَ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ وَقْتِ

صَلَاةِ اللَّيْلِ فِي السَّفَرِ، فَقَالَ: مِنْ حِينَ تُصَلِّي الْعَتَمَةَ إِلَى أَنْ يَتَفَجَّرَ الصُّبْحُ».

۱۳۱۶- وَرَوَى حَرِيزٌ، عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «كَانَ

لَا يَرَى بَأْسًا بِأَنْ يُصَلِّيَ الْمَاشِي وَهُوَ يَمْشِي وَلَكِنْ لَا يَسُوقُ الْإِبِلَ».

تسبیحات اربعه «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» را بگوید تا نمازش تمام باشد یا ثواب نماز کامل را ببرد.

۱۳۱۳- حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود:

هرگاه نگران بودی که نتوانی آخر شب از خواب برخیزی و بنماز شب قیام کنی، یا بیماری داشتی، یا سرما مانع شود در این صورت در سفر نماز شب را (که هشت رکعت است) و نماز وتر را (که سه رکعت است) در همان آغاز شب بخوان.

شرح: «در مورد وقت نماز شب که پس از نیمه شب و یا ثلث آخر شب

است، و برای جمعی از مردم پس از خواندن نماز عشاء است به ص ۱۶۸ مراجعه شود».

۱۳۱۴- علی بن سعید از امام صادق علیه السلام پرسید آیا در سفر نماز شب

و نماز وتر را در اول شب می توان بجا آورد؟ آنحضرت فرمود: آری (البته چنانچه شخص در وقت مقرر بعلتی نتواند بدان قیام کند).

۱۳۱۵- سماعة بن مهران از امام موسی کاظم علیه السلام سؤال کرد در

مورد وقت نماز شب در سفر، آنحضرت فرمود: از هنگامیکه نماز عشاء را میخوانی تا وقتی صبح برآمد می توانی انجام کرد.

۱۳۱۶- حریر از شخصی که برایش از امام باقر علیه السلام نقل کرده

روایت می کند که آنحضرت فرمود: اشکالی نمی بیند در اینکه شخص پیاده در حال راه رفتن نماز بخواند، ولی شتر نباید براند.

توصیح ←

باب

* (الْعِلَّةُ الَّتِي مِنْ أَجْلِهَا لَا يُقْصَرُ الْمُصَلِّي فِي صَلَاةِ الْمَغْرِبِ) *

* (وَنَوَافِلُهَا فِي السَّفَرِ وَالْحَضَرِ) *

۱۳۱۷ - سَيَّلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «لِمَ صَارَتِ الْمَغْرِبُ ثَلَاثَ رَكَعَاتٍ وَأَرْبَعًا بَعْدَهَا لَيْسَ فِيهَا تَقْصِيرٌ فِي حَضَرٍ وَلَا سَفَرٍ؟ فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كُلَّ صَلَاةٍ رَكَعَتَيْنِ، فَأَصَافَ إِلَيْهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِكُلِّ صَلَاةٍ رَكَعَتَيْنِ فِي الْحَضَرِ، وَقَصَّرَ فِيهَا فِي السَّفَرِ إِلَّا الْمَغْرِبَ وَالْعِدَاةَ، فَلَمَّا صَلَّى عَلَيْهِ السَّلَامُ الْمَغْرِبَ بَلَغَهُ مَوْلِدُ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ فَأَصَافَ إِلَيْهَا رَكَعَةً، شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَلَمَّا أَنْ وُلِدَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَصَافَ إِلَيْهَا رَكَعَتَيْنِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ،

شرح: «ظاهراً مراد اینست که شخص راه پیا بکار دیگری که جز افعال نماز نیست اشتغال نداشته باشد غیر از راه رفتن که استثناء شده و بعنوان مثال از راندن شریاد شده است».

باب

* (دربیان علی که بخاطر آن نماز گزار نماز مغرب و نوافل آن را در سفر) *

* (و حضر شکسته نیمخواند و تمام میکند) *

۱۳۱۷ - از امام صادق علیه السلام پرسیدند: چرا نماز مغرب سه رکعت و نوافل پس از آن چهار رکعت مقرر شده و در سفر و حضر آنرا کوتاه یا شکسته نمیتوان خواند؟ آنحضرت فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی هر نمازی را دو رکعتی بر پیامبر خود (بعنوان تکلیف) فرو فرستاد، و رسول خدا صلی الله علیه و آله بهر نماز در حضر دو رکعت افزود و در سفر آن دو رکعت را انداخته و نماز را بصورت اولیه باقی گذاشت، مگر نماز مغرب و نماز صبح را، پس از زمانی پیامبر صلی الله علیه و آله نماز مغرب را (دو رکعت به شرحی که گذشت) میخواند که خبر ولادت حضرت فاطمه علیهما السلام را برایش آوردند پس از شکرگزاری به پیشگاه خداوند عز و جل پیاس مولود بدنیا آمده یک رکعت به نماز مغرب افزود، مدتی دیگر گذشت تا زمانی که حضرت امام حسن علیه السلام بدنیا آمد و رسول خدا صلی الله علیه و آله برای شکر

فَلَمَّا أَنْ وُلِدَ الْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَضَافَ إِلَيْهَا رَكَعَتَيْنِ شُكْرًا لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَقَالَ: «لِلذِّكْرِ مِثْلُ حُطِّ الْأُنثِيِّينَ» فَتَرَكَهَا عَلَى حَالِهَا فِي الْحَضَرِ وَالشَّفْرِ.

باب

* (عِلَّةُ التَّقْصِيرِ فِي الشَّفْرِ) *

۱۳۱۸- ذَكَرَ الْفَضْلُ بْنُ شَاذَانَ النَّيْسَابُورِيَّ - رَحِمَهُ اللَّهُ - فِي الْعِلَلِ الَّتِي سَمِعَهَا مِنَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَنَّ الصَّلَاةَ إِنَّمَا قُصِّرَتْ فِي الشَّفْرِ لِأَنَّ الصَّلَاةَ الْمَقْرُوضَةَ أَوَّلًا إِنَّمَا هِيَ عَشْرُ رَكَعَاتٍ، وَالسَّبْعُ إِنَّمَا زِيدَتْ فِيهَا بَعْدَ، فَخَفَّفَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَنِ الْعَبْدِ تِلْكَ الزِّيَادَةَ لِمَوْضِعِ سَفَرِهِ وَتَعَبِهِ وَاشْتِغَالِهِ بِأَمْرِ نَفْسِهِ وَطَعْنِهِ وَإِقَامَتِهِ لِيَلَّا يَشْتَغِلَ عَمَّا لَا بُدَّ مِنْهُ مِنْ مَعَيشَتِهِ رَحْمَةً مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَتَعَطُّفًا عَلَيْهِ، إِلَّا صَلَاةَ

گزارای به درگاه خداوند متعال دو رکعت نافله مغرب را افزود، و پس از مدتی که امام حسین علیه السلام متولد شد باز بعنوان شکرگزاری خداوند عز و جل دو رکعت دیگر به نافله شام افزود و این آیه را تلاوت فرمود: «لِلذِّكْرِ مِثْلُ حُطِّ الْأُنثِيِّينَ» (برای هر پسر برابر بهره و نصیب دو دختر است) پس این نمازها را در حضر و سفر همچنان بحال خود باقی گذاشت.

تذکر «این خبر را مصنف - رحمه الله - در کتاب عِلَلِ الشَّرَائِعِ پسندی ضعیف و مجهول و مُرْسَل آورده و بنظر از واقعیت بسیار دور می نماید»

باب

* (دربیان عِلَّتِ قِصْرِ یا شُكُوسَةِ خواندن نماز در سفر) *

۱۳۱۸- (۱) فَضْلُ بْنُ شَاذَانَ نَيْسَابُورِيٍّ - رَحِمَهُ اللَّهُ - جَزَأَ عَلِيٌّ كَهَ بَرَايِ قِصْرِ خَوَانْدَن نَمَاز دَر سَفَرِ اَز اِمَامِ رِضَا عَلِيهِ السَّلَامِ شَنِيدِه اِسْتِ يَادَاوَر شُدِه كِه اَنَحَضَرْتِ فَرَمُود: اَيْنَكِه نَمَاز دَر سَفَرِ كُوتَاه وَ شُكُوسَتِه شُدِه بَايِن جِهَتِ اِسْتِ كِه نَمَازِ وَاجِبِي كِه خَدَاوَنَد مَتَعَالِ دَر اِبْتِدَا بَر خَلَايِقِ مَقَرَّر فَرَمُود تَنهَا دِه رَكَعَتِ بُوَد، بَعْدِ هَفْتِ رَكَعَتِ دِيكَرِ نَبَز (وَسِيلَه پِيَا مَبَر خُدَا صَلَّي اللّٰهُ عَلَيْهِ وَآلِه) بَه اَن اَفْرُودِه شُد، پَس خَدَاوَنَد عَزَّ وَجَلَّ اَن هَفْتِ رَكَعَتِ زِيَادَتِي رَا (يَعْنِي اَكْثَر اَنْرَا كِه شَش رَكَعَتِ بَاشَد) اَز بِنْد گَان سَاقِطِ فَرَمُود بِخَاطِرِ وَضْعِ خَاصِّي كِه سَفَرِ دَاوَر و رَنج وَ مَشَقَّتِ اَن كِه مَسَافِرِ بَكَارِهَايِ خُود مِي پَر دَازد وَ بَايَد بَار بَر دَارَد وَ دَر جَائِي فَرُود آيَد وَ مَنزَلِ گَزِينَد كِه هَم لَازِمِه سَفَرِ اِسْتِ

الْمَغْرِبِ فَإِنَّهَا لَا تَقْصَرُ لِأَنَّهَا صَلَاةٌ مُقْصَرَةٌ فِي الْأَصْلِ. وَإِنَّمَا وَجِبَ التَّقْصِيرُ فِي ثَمَانِيَةِ فَرَاسِخَ لِأَقَلِّ مِنْ ذَلِكَ وَلَا أَكْثَرَ لِأَنَّ ثَمَانِيَةَ فَرَاسِخَ مَسِيرَةُ يَوْمٍ لِلْعَامَّةِ وَالْقَوَائِلِ وَالْأَثْقَالِ فَوَجِبَ التَّقْصِيرُ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ، وَلَوْ لَمْ يَجِبْ فِي مَسِيرَةِ يَوْمٍ لَمَا وَجِبَ فِي مَسِيرَةِ أَلْفِ سَنَةٍ، وَذَلِكَ لِأَنَّ كُلَّ يَوْمٍ يَكُونُ بَعْدَ هَذَا الْيَوْمِ فَإِنَّهَا هُوَ نَظِيرُ هَذَا الْيَوْمِ فَلَوْمْ يَجِبُ فِي هَذَا الْيَوْمِ لَمَا وَجِبَ فِي نَظِيرِهِ إِذَا كَانَ نَظِيرُهُ مِثْلُهُ لِأَفَرَقَ بَيْنَهُمَا، وَإِنَّمَا تُرِكَ تَطَوُّعُ النَّهَارِ وَلَمْ يُتْرَكْ تَطَوُّعُ اللَّيْلِ لِأَنَّ كُلَّ صَلَاةٍ لَا يَقْصَرُ فِيهَا لَا يَقْصَرُ فِي تَطَوُّعِهَا. وَذَلِكَ أَنَّ الْمَغْرِبَ لَا يَقْصَرُ فِيهَا فَلَا تَقْصِرُ فِيهَا بَعْدَهَا مِنَ التَّطَوُّعِ، وَكَذَلِكَ الْعَدَاةُ لَا تَقْصِرُ فِيهَا فَلَا تَقْصِرُ فِيهَا قَبْلَهَا مِنَ التَّطَوُّعِ، وَإِنَّمَا صَارَتِ الْعَتَمَةُ مَقْصُورَةً وَلَيْسَ تُتْرَكُ رُكْعَتُهَا لِأَنَّ الرُّكْعَتَيْنِ لَيْسَتَا مِنَ الْخَمْسِينَ وَإِنَّمَا هِيَ زِيَادَةٌ فِي الْخَمْسِينَ تَطَوُّعًا لِيَتِمَّ بِهَا بَدَلُ كُلِّ

تا از اموری که ناگزیر برای معاش خود باید مسافر بدان پردازد باز نماند، و این ناشی از رحمت و مهربانی خداوند عز و جلّ بر بندگان خویش است، مگر در مورد نماز مغرب که قصر نمی شود زیرا در اصل یکبار کوتاه شده و خود نماز شکسته است، و نیز قصر کردن نماز در هشت فرسخ واجب گردیده نه کمتر از آن و نه بیشتر از آن بعبارت دیگر به کمتر یا بیشتر از آن منوط نشده زیرا که هشت فرسخ برای عموم مردم و کاروانها و بارها که با مسافران جابجا می شود مسافتی است که در یکروز می پیمایند، پس قصر در مسافت یک روزه واجب شده است، اگر برای مسافت یک روز واجب نمی شد مسلماً برای مسافت هزار سال راه هم واجب نمیگردید چرا که هر روز که پس از امروز فرامیرسد خود همانند امروز است، پس چنانچه برای امروز واجب نشود برای روز بعد هم که همانند امروز است و هیچ فرقی بین آندو نیست هم واجب نمیگردد.

(۱) و اما چرا نافله روز ساقط شده و نافله شب ساقط نشده است زیرا هر نمازی که قصر در آن راه ندارد در نافله آن نیز تقصیر اعمال نمی شود، و باین ترتیب نماز مغرب که در سفر شکسته خوانده نمی شود در نافله پس از آن نیز قصر نمی کنند، و همچنین است نماز صبح که چون تقصیر در آن نمی شود در نافله صبح نیز که بعنوان سنت پیش از آن بجا میآورند نیز تقصیر راه ندارد. و اما چرا نماز خفتن کوتاه شده ولی در دو رکعت آن قصر نشده زیرا آن دو رکعت «وتیره» جزء پنجاه رکعت نمازهای واجب

رَكَعَةٍ مِنَ الْفَرِيضَةِ رَكَعَتَيْنِ مِنَ التَّطَوُّعِ، وَإِنَّمَا جَازَ لِلْمُسَافِرِ وَالْمَرِيضِ أَنْ يُصَلِّيَا صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ لِإِشْتِغَالِهِ وَضَعْفِهِ، وَلِيُخْرِزَ صَلَاتَهُ، فَيَسْتَرِيحَ الْمَرِيضُ فِي وَقْتِ رَاحَتِهِ، وَلِيَسْتَعِزَّ الْمُسَافِرُ بِإِشْتِغَالِهِ وَارْتِحَالِهِ وَتَفَرُّهِ».

۱۳۱۹- وَسَأَلَ سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيَّبِ عَمَّا بَنَ الْحَسَنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ: «مَتَى فُرِضَتِ الصَّلَاةُ عَلَى الْمُسْلِمِينَ عَلَى مَا هِيَ الْيَوْمَ عَلَيْهِ؟» فَقَالَ: بِالْمَدِينَةِ حِينَ ظَهَرَتِ الدَّعْوَةُ وَقَوِيَ الْإِسْلَامُ وَكَتَبَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ عَلَى الْمُسْلِمِينَ الْجِهَادَ زَادَ رَسُولُ اللَّهِ ﷺ فِي الصَّلَاةِ سَبْعَ رَكَعَاتٍ: فِي الظُّهْرِ رَكَعَتَيْنِ، وَفِي الْعَصْرِ رَكَعَتَيْنِ وَفِي الْمَغْرِبِ رَكَعَةً، وَفِي الْعِشَاءِ الْآخِرَةِ رَكَعَتَيْنِ، وَأَقْرَأَ الْفَجْرَ عَلَى مَا فُرِضَتْ بِمَكَّةَ لِتُعْجِلَ غُرُوجَ مَلَائِكَةِ اللَّيْلِ إِلَى السَّمَاءِ وَلِتُعْجِلَ نُزُولَ مَلَائِكَةِ النَّهَارِ إِلَى الْأَرْضِ فَكَانَتْ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ وَمَلَائِكَةُ اللَّيْلِ يَشْهَدُونَ مَعَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ صَلَاةَ الْفَجْرِ فَلِذَلِكَ قَالَ اللَّهُ

وَسِتُّ وَ مُؤَكَّدَه نیست، بلکه آن دو رکعت از روی استحباب به پنجاه رکعت یا بر نوافل افزوده شده تا بدل هر رکعت از فريضه دو رکعت از نافله بدان وسیله تمام و کامل شود. و نیز برای مسافر و بیمار جایز است که بخاطر اشتغال و ناتوانی نماز شب را در آغاز شب بجا آورند و نیز حالت مراقبت خود را بر نماز شب که مبدا از ایشان فوت شود حفظ کرده باشند، و بیمار بتواند در طول شب استراحت کرده، و مسافر نیز کارهای لازم را از حیث بارگیری و براه افتادن و ادامه سفر انجام دهد.

۱۳۱۹- (۱) سَعِيدُ بْنُ الْمُسَيَّبِ از امام سجاد علیه السلام سؤال کرد: از چه زمانی نماز بدینصورت که امروز مسلمانان میخوانند بر آنان واجب شد؟ آنحضرت فرمود: در مدینه و زمانی که دعوت عمومی به اسلام آشکار گردید و اسلام قوت یافت و خداوند عَزَّ وَجَلَّ جهاد را بر مسلمانان واجب فرمود رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هفت رکعت به نمازهای شبانه روز افزود باین ترتیب: دو رکعت به نماز ظهر، و دو رکعت به نماز عصر، و یک رکعت به نماز مغرب، و دو رکعت به نماز عشاء، و نماز صبح را بهمان صورت که در مکه واجب گردیده بود باقی گذاشت و بر آن نیفزود بخاطر شتاب ملائکه شب در بالا رفتن بسوی آسمان و تعجیل در فرود آمدن فرشتگان مأمور روز بجانب زمین، و بدین ترتیب بود که فرشتگان روز و فرشتگان شب با رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جلگی شاهد نماز صبح گشتند، بهمین جهت خداوند تبارک و تعالی

تَبَارَكَ وَتَعَالَى «وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً» يَشْهَدُهُ الْمُسْلِمُونَ وَتَشْهَدُهُ مَلَائِكَةُ النَّهَارِ وَمَلَائِكَةُ اللَّيْلِ.

باب

* (الصلوة في السفينة) *

۱۳۲۰ - سَأَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلَبِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ فَقَالَ: يَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ وَيَصِفُّ رِجْلَيْهِ فَإِنْ دَارَتْ وَاسْتَطَاعَ أَنْ يَتَوَجَّهَ إِلَى الْقِبْلَةِ [فَلْيَفْعَلْ] وَإِلَّا فَلْيُصَلِّ حَيْثُ تَوَجَّهَتْ بِهِ. وَإِنْ أَتَمَّكَتُهُ الْقِيَامُ فَلْيُصَلِّ قَائِماً وَإِلَّا فَلْيَقْعُدْ ثُمَّ يُصَلِّي».

۱۳۲۱ - وَقَالَ لَهُ جَمِيلُ بْنُ دُرَّاجٍ: «تَكُونُ السَّفِينَةُ قَرِيبَةً مِنَ الْجَدِّ فَأَخْرُجُ وَأُصَلِّي؟ قَالَ: صَلِّ فِيهَا، أَمَا تَرْضَى بِصَلَاةِ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

میفرماید: «وَقُرْآنَ الْفَجْرِ إِنَّ قُرْآنَ الْفَجْرِ كَانَ مَشْهُوداً» (یعنی بکوشید برای اقامه نماز صبح که نماز صبح مشهود جمله فرشتگان شب و روز است) مسلمانان و ملائکه روز و فرشتگان مأمور شب همه شاهد نماز صبح هستند.

باب

* (در بیان چگونگی و ترتیب نماز در کشتی) *

① ۱۳۲۰ - عبيدالله بن عليّ حلبی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد در مورد چگونگی نماز در کشتی، آنحضرت فرمود: روی بقبله کند و پاها را بیکدیگر بچسباند، و هرگاه کشتی از جهت خود گردش کرد و روی او از قبله منحرف شد چنانچه توانست، جهت خود را اصلاح و رو به قبله کند، و اگر نه بهر سمت که کشتی رود او نیز رو کند (بعبارت دیگر در جهت حرکت کشتی بایستد و نماز کند قهراً بهر سمت که کشتی رود روی او نیز بهمان طرف خواهد بود) و نیز اگر تواند ایستاده نماز گزارد ایستاده کند و اگر نه باید بنشیند و نشسته نماز کند.

② ۱۳۲۱ - و جميل بن درّاج به امام صادق علیه السلام عرض کرد: گاهی کشتی به کناری یا ساحل نزدیک است و من از آن خارج می شوم و در ساحل نماز میخوانم چطور است؟ آنحضرت فرمود: در همان کشتی نماز بخوان، مگر نماز خواندن همانند حضرت نوح علیه السلام را دوست نگیری؟

۱۳۲۲- وَقَالَ لَهُ إِبْرَاهِيمُ بْنُ مَيْمُونٍ: «تَخْرُجُ إِلَى الْأَهْوَازِ فِي الشُّقْنِ فَتَجْمَعُ فِيهَا الصَّلَاةُ؟» فَقَالَ: نَعَمْ لَيْسَ بِهِ بَأْسٌ، فَقَالَ لَهُ: فَتَسْجُدُ عَلَى مَا فِيهَا وَعَلَى الْقَبْرِ قَالَ: لَا بَأْسَ».

۱۳۲۳- وَرَوَى عَنْهُ مَنصُورُ بْنُ حَازِمٍ أَنَّهُ قَالَ: «الْقَبْرُ مِنْ نَبَاتِ الْأَرْضِ».

۱۳۲۴- وَسَأَلَ زُرَّارَةُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي الرَّجُلِ يُصَلِّي التَّوَاتُلَ فِي الشَّفِيتَةِ، قَالَ يُصَلِّي نَحْوَ رَأْسِهَا».

۱۳۲۵- وَسَأَلَ يُونُسُ بْنُ يَعْقُوبَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الصَّلَاةِ فِي الْفُرَاتِ وَمَا هُوَ أَصْغَرُ مِنَ الْأَنْهَارِ فِي الشَّفِيتَةِ فَقَالَ: إِنْ صَلَّيْتَ فَحَسَنٌ، وَإِنْ خَرَجْتَ فَحَسَنٌ، وَسَأَلَهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي الشَّفِيتَةِ وَهِيَ تَأْخُذُ شَرْقًا وَغَرْبًا فَقَالَ: اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ ثُمَّ

(۱) ۱۳۲۲- و نیز ابراهیم بن میمون به آنحضرت عرض کرد: گاهی که با کشتی به اهواز میروم در کشتی نماز را بجماعت میخوانیم، درست است؟ آنحضرت فرمود: بلی باکی نیست، عرض کرد: بر همان چیزها که در کشتی موجود است و بر قبر سجده می‌کنیم، آنحضرت فرمود: اشکالی ندارد.

(۲) ۱۳۲۳- منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: قبر از چیزهایی است که از زمین بیرون می‌آید. (پس می‌توان بر آن سجده کرد. قبلاً احادیثی در مورد جواز و منع از سجده بر آن گذشت).

(۳) ۱۳۲۴- زراره از امام محمد باقر علیه السلام سؤال کرد در مورد جهت شخصی که نوافل را در کشتی بجا می‌آورد، آنحضرت فرمود: رو بطرف دماغه و سر کشتی نماز میکند.

(۴) ۱۳۲۵- یونس بن یعقوب از امام صادق علیه السلام سؤال کرد در مورد نماز خواندن در کشتی بر روی قرات و سایر نهرهایی که کوچکتر از آن است (البته در حالیکه ساحل نزدیکست و از کشتی می‌توان بیرون آمد) آنحضرت فرمود: اگر در کشتی نماز بخوانی خوبست، و اگر از آن خارج شوی و در ساحل بخوانی نیز خوبست، و باز سؤال کرد در مورد نماز در کشتی در حالیکه به سمت شرق و غرب تغییر جهت میدهد، آنحضرت فرمود: رو بقبله کن و تکبیر احرام بگو آنگاه هماهنگ با کشتی بهر

كَثُرَتْ ثُمَّ دُرْمَعِ السَّفِينَةِ حَيْثُ دَارَتْ بِكَ».

۱۳۲۶ - وَسَأَلَهُ هَارُونُ بْنُ حَزْمَةَ الْغَنَوِيُّ «عَنِ الصَّلَاةِ فِي السَّفِينَةِ، فَقَالَ: إِنْ كَانَتْ مُحَمَّلَةً ثَقِيلَةً إِذَا قُمْتَ فِيهَا لَمْ تَسْحَرْكَ فَصَلَّ قَائِمًا، وَإِنْ كَانَتْ خَفِيفَةً تُكْفَأُ فَصَلَّ قَاعِدًا».

۱۳۲۷ - وَسَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي السَّفِينَةِ هَلْ يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَضَعَ الْحَصِيرَ عَلَى الْمَتَاعِ أَوِ الْقَتِّ وَالْتِبَنِ وَالْحِنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَغَيْرِ ذَلِكَ ثُمَّ يُصَلِّي عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ».

۱۳۲۸ - وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «إِذَا رَكِبْتَ السَّفِينَةَ وَكَانَتْ تَسِيرُ فَصَلَّ وَأَنْتَ جَالِسٌ وَإِذَا كَانَتْ وَاقِفَةً فَصَلَّ وَأَنْتَ قَائِمٌ».

۱۳۲۹ - وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِبَعْضِ أَصْحَابِهِ: «إِذَا عَزَمَ اللَّهُ لَكَ عَلَى الْبَحْرِ فَقُلِ الَّذِي قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرُئُهَا وَمُرْسِيهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ»

جانب که میگردد تونیز بگردد.

۱۳۲۶ - هارون بن حمزه غنوی از امام صادق علیه السلام در مورد نماز در کشتی سؤال کرد، آنحضرت فرمود: اگر کشتی پر بار و سنگین باشد بنحوی که وقتی در آن بنماز ایستی حرکت نکند و تورا تکان ندهد ایستاده نماز کن ولی اگر سبک باشد و احتمال تکان دارد، در این صورت نشسته نماز کن.

۱۳۲۷ - علی بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفر علیهما السلام در مورد شخصی که در کشتی باشد سؤال کرد که آیا جایز است این شخص بر روی کالا یا اسفست یا کاه و گندم و جوامثال این دانه های خوراکی که در کشتی است حصیر خود را بیاندازد و بر روی آن نماز کند؟ آنحضرت فرمود: اشکالی ندارد.

۱۳۲۸ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هرگاه سوار کشتی بودی و کشتی در آب روان بود نشسته نماز کن، و هرگاه کشتی باز ایستاده و بی حرکت بود ایستاده نماز کن.

۱۳۲۹ - امام جواد علیه السلام به یکی از اصحاب خود فرمود: هرگاه خداوند متعال در دلت واقع ساخت که تصمیم به سفر دریائی بگیری (یا پس از اینکه استخاره کردی تصمیم گرفتی با کشتی سفر کنی) پس همان کلام خداوند عز و جل را

فَإِذَا اضْطَرَّتْ بِكَ الْبَحْرُ فَأَتَكَ عَلَى جَانِبِكَ الْأَيْمَنِ وَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ اشْكُرْ بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَقَرِّ بِقَرَارِ اللَّهِ، وَاهْدَأْ بِإِذْنِ اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ».

۱۳۳۰- وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ أَبِي

عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْرَهُ الرُّكُوبَ فِي الْبَحْرِ لِلتَّجَارَةِ».

۱۳۳۱- وَسَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ رُكُوبِ الْبَحْرِ فِي

هَبْجَانِيهِ فَقَالَ: وَلَمْ يُغَرِّزِ الرَّجُلُ يَدَيْهِ».

۱۳۳۲- «وَنَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ رُكُوبِ الْبَحْرِ فِي هَبْجَانِيهِ».

(که به نوح علیه السلام در هنگام سوار شدن بر کشتی فرمود) بخوان: «بِسْمِ اللَّهِ مَجْرُئُهَا وَمُرْسُهَا إِنَّ رَبِّي لَغَفُورٌ رَحِيمٌ» (یعنی: بیاری خدا و نام خداست رفتن آن و ایستادن آن، همانا پروردگار من البته آمرزنده و بسیار مهربان است) و اگر تلاطم دریا تو را نگران و پریشان ساخت پس بر جانب راست خود تکیه کن و این دعا را بخوان «بِسْمِ اللَّهِ اشْكُرْ بِسَكِينَةِ اللَّهِ وَقَرِّ بِقَرَارِ اللَّهِ، وَاهْدَأْ بِإِذْنِ اللَّهِ، وَلَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ» (یعنی: با استعانت از خداوند و نام خداوند ای دریا با سکینه الهی از حرکت و تلاطم باز ایست و با آرامش خداوندی قرار بگیر، و به اذن خدا آرام شو، و هیچ گردش و حرکتی و توانی نیست مگر به خواست خداوند عز و جل).

① ۱۳۳۰- محمد بن مسلم از یکی از آن دو امام (باقر و یا صادق) علیه‌السلام روایت کرده که فرمود: پدرم سوار شدن بر کشتی و سفر دریائی را که بمنظور تجارت انجام شود مکروه میداشت.

شرح: «خبر در کافی از هر دو امام علیه‌السلام است و گوید: «انهما کرها رکوب البحر» یعنی هر دو امام رکوب بحر را مکروه می‌داشتند».

② ۱۳۳۱- و محمد بن مسلم از امام صادق علیه‌السلام در مورد سوار شدن بر کشتی در هنگام تلاطم و ناآرامی دریا سؤال کرد. آنحضرت فرمود: چرا باید شخص دین خود را در معرض تباهی و نابودی قرار دهد.

③ ۱۳۳۲- و رسول خدا صلی الله علیه و آله از سوار شدن بر کشتی در هنگام ناآرامی دریا نهی فرموده است.

۱۳۳۳ - وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا أَجْتَلَ فِي الظَّلْبِ مَنْ رَكِبَ الْبُخْرَ».

باب

* (صَلَاةُ الْخَوْفِ وَالْمُطَارَاةِ وَالْمُؤَاقَفَةِ وَالْمُسَافَةِ) *

۱۳۳۴ - رَوَى عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «صَلَّى النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِأَصْحَابِهِ فِي غَزَاةِ ذَاتِ الرِّقَاعِ فَفَرَّقَ أَصْحَابَهُ فِرْقَتَيْنِ، فَأَقَامَ فِرْقَةً يَازَا فِي الْعَدُوِّ وَفِرْقَةً خَلْفَهُ فَكَبَّرَ وَكَبَّرُوا فَقَرَأَ فَأَنْصَتُوا فَرَكَعَ وَرَكَعُوا فَسَجَدَ وَسَجَدُوا، ثُمَّ اسْتَمَرَّ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَائِمًا فَصَلُّوا لِأَنْفُسِهِمْ رَكْعَةً، ثُمَّ سَلَّمَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ، ثُمَّ خَرَجُوا إِلَى أَصْحَابِهِمْ فَقَامُوا يَازَا فِي الْعَدُوِّ، وَجَاءَ أَصْحَابُهُمْ فَقَامُوا خَلْفَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَكَبَّرَ فَكَبَّرُوا وَقَرَأَ فَأَنْصَتُوا وَرَكَعَ فَرَكَعُوا

۱۳۳۳ - و نیز آنحضرت فرمود: کسی که در طلب روزی سوار بر کشتی شود و بر دریا نشیند قناعت کار نبوده است.

باب

* (غَاظُ خَوْفٍ وَهَنْكَامُ حَمَلَةٍ دُشْمَنِ وَمُقَابَلَةٌ بِأَوْوَيْكَارٍ بِأَشْمِيرِ تَنْ بَتْنِ) *

۱۳۳۴ - عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، إِمام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله در جنگ (غزوه) ذات الرقاع (که یکی از غزوات معروف است و در سال چهارم یا پنجم هجری در غطفان از سرزمین نجد بوقوع پیوست) با اصحاب خود نماز کرد، و آن نماز باین ترتیب بود که رسول خدا صلی الله علیه وآله اصحابش را به دو دسته تقسیم فرمود، یک دسته را برای رویارویی با دشمن فرستاد، و دسته دیگر را به نماز در پشت سر خود نگه داشت، پس آنحضرت تکبیر احرام گفت و ایشان نیز تکبیر گفتند، و خود به قراءت پرداخت و آنان ساکت ماندند، پس آنحضرت به رکوع رفت و ایشان نیز برکوع رفتند و آنحضرت بسجده رفت و آنان بسجده رفتند. آنگاه رسول خدا صلی الله علیه وآله بپا ایستاد، و مأمومین برای خودشان یک رکعت نماز کردند (یعنی از آنحضرت جدا شده و یک رکعت گزاردند) آنگاه عده از ایشان بر جمعی دیگر سلام دادند و بعد از نماز جهت جایگزینی بسوی یاران خود رفته و بجای آنان در مقابل دشمن قرار گرفتند، پس یاران دیگر (دسته دوم) آمدند و پشت سر رسول خدا صلی الله علیه وآله بنماز ایستادند، و آنحضرت تکبیر

وَسَجَدَ فَسَجَدُوا ثُمَّ جَلَسَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلَهُ فَتَشَهَّدَ ثُمَّ سَلَّمَ عَلَيْهِمْ فَقَامُوا،
ثُمَّ قَضَوْا لِأَنْفُسِهِمْ رَكْعَةً ثُمَّ سَلَّمَ بَعْضُهُمْ عَلَى بَعْضٍ».

وَقَدْ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى لِتَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ فَأَقِمْ لَهُمُ
الصَّلَاةَ فَلْتَقُمْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا أَسْلِحَتَهُمْ فَإِذَا سَجَدُوا فَلْيَكُونُوا مِنْ وَرَائِكُمْ
وَلْتَأْتِ طَائِفَةٌ أُخْرَى لَمْ يُصَلُّوا فَلْيُصَلُّوا مَعَكَ وَلْيَأْخُذُوا حِذْرَهُمْ وَأَسْلِحَتَهُمْ وَذَ الَّذِينَ
كَفَرُوا لَوْ تَغفلُونَ عَنْ أَسْلِحَتِكُمْ وَأَمْتِعَتِكُمْ فَيَمِيلُونَ عَلَيْكُمْ مَيْلَةً وَاحِدَةً وَلَا جُنَاحَ عَلَيْكُمْ

گفت و آنان نیز تکبیر گفتند، و آنحضرت قراءت کرد و ایشان خاموش ماندند، و بعد
آنحضرت به رکوع رفت و ایشان نیز برکوع رفتند، پس بسجده رفت ایشان نیز چنین
کردند: آنگاه رسول خدا صلی الله علیه و آله نشست و تشهد خواند و بایشان سلام
داد، بعد آنان برخاسته و یک رکعت برای خودشان (جدا از پیامبر صلی الله علیه و آله)
بجا آوردند و به یکدیگر سلام دادند.

شرح: «با توجه به اینکه امام مجدداً تکبیر نمیگوید و نباید بگوید، بلکه
قراءت را طولانی میکند باندازه ای که دسته اول نماز را تمام کند و جای خود را به
گروه دوم بدهند آنگاه این گروه اخیر تکبیر الاحرام میگویند و اقتداء به امام
میکنند. پس در این خبر جمله «و کبر» بنظر زیاد شده می نماید، و در کافی و تهذیب
عبارت چنین است «وجاء اصحابهم فقاموا خلف رسول الله صلی الله علیه و آله، فصلی
بهم رکعة، ثم تشهد— تا آخر حدیث» و معلوم است که لفظ «و کبر» در لفظ این
کتاب سهواً آورده شده است».

(۱) و خداوند تعالی به پیامبر صلی الله علیه و آله این آیات «وَإِذَا كُنْتَ فِيهِمْ
فَأَقِمْ لَهُمُ الصَّلَاةَ— تا آخر آیات» را خطاب فرموده که معنی آن اینست: (ای پیغمبر
هرگاه در میان قشونی باشی که با دشمنان میجنگند و بخواهی که بر آنها نماز را برپا
داری پس سپاه را دو قسمت کن با یک بخش نماز کن یا یک قسمت از آنان باید با
تو نماز کنند در حالیکه اسلحه خود را همراه دارند، و در آن هنگام که بسجده میروند
آندسته دیگر باید پشت سر شما به مراقبت و محافظت بایستند (و یک رکعت که با تو
خواندند رکعت دیگر را فرادی کنند و بروند و جایگزین دسته دیگر شده) و گروه
دیگر که نماز نکرده اند بایند و با تو نماز کنند، و اینان نیز در هنگام نماز باید سپرو

إِنْ كَانَ بِكُمْ أَذًى مِنْ مَطَرٍ أَوْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَنْ تَضَعُوا أَسْلِحَتَكُمْ وَخُذُوا حِذْرَكُمْ إِنَّ اللَّهَ أَعَدَّ لِلْكَافِرِينَ عَذَابًا مُهِينًا فَإِذَا قَضَيْتُمْ الصَّلَاةَ فَادْكُرُوا اللَّهَ قِيَامًا وَقُعُودًا وَعَلَىٰ جُنُوبِكُمْ فَإِذَا اطْمَأْنَنْتُمْ فَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ إِنَّ الصَّلَاةَ كَانَتْ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ كِتَابًا مَوْقُوتًا» فَهَذِهِ صَلَاةُ الْخَوْفِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِهَا نَبِيَّهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ.

۱۳۳۵ - وَقَالَ: «مَنْ صَلَّى الْمَغْرِبَ فِي خَوْفٍ بِالْقَوْمِ صَلَّى بِالطَّائِفَةِ الْأُولَى

رَكْعَةً وَبِالطَّائِفَةِ الثَّانِيَةِ رَكْعَتَيْنِ.

وَمَنْ تَعَرَّضَ لَهُ سَبْعٌ وَخَافَ قُوَّةَ الصَّلَاةِ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَصَلَّى صَلَاتَهُ بِالْإِيمَاءِ فَإِنْ خَشِيَ السَّبْعَ وَتَعَرَّضَ لَهُ فَلْيُذَرِّمَعَهُ كَيْفَ دَارَ وَلْيُصَلِّ بِالْإِيمَاءِ.

کلاه خود و زره و سلاحهایشان را با خود نگه دارند. کافران دوست دارند که هرگاه شما از سلاحها و اسباب خود غافل شوید به یک حمله ناگهانی و هماهنگ بر شما یورش آورند. و اگر شما را آزاری و زحمتی از یاران رسد یا بیمار باشید با کسی نیست که اسلحه خود را بهنگام نماز بر زمین گذارید ولی وسائل خود مانند سپر و خود و جوشن را با خویشتن نگه دارید و نماز کنید البته خداوند برای کافران عذابی خوارکننده آماده ساخته است. و چون نماز را پایان رساندید پس ذکر خدا کنید بر پا ایستاده و نشسته و آنگاه که بر پهلو خفته اید در همه حال یاد خدا کنید، و چون از هراس دشمن و آسیب او ایمن شدید و اطمینان یافتید در وطن خود آنگاه نماز را با آداب کامل و تمام بپا دارید که نماز در وقتی معین بر مؤمنان مقرر و نوشته شده است).

اینست نماز خوفی که خداوند عز و جل پيامبرش را صلى الله عليه وآله بدان امر فرموده است.

(۱) ۱۳۳۵ - از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: هر کس نماز مغرب را با جماعت در خوف (بعنوان نماز خوف) بخواند، با گروه اول یک رکعت و با گروه دوم دو رکعت دیگر را بجا آورد.

و کسی که شیر یا حیوان درنده ای سر راهش آمده و از طرفی نیز نگران باشد که وقت نماز فوت شود رو بقبله کند و نمازش را با ایماء بخواند، و اگر از حیوان می ترسد که به او حمله کند، رو به حیوان داشته و بهر سوی که می گردد او نیز بگردد (یا پیوسته چشم از حیوان برندارد) و نماز را با ایماء (اشاره) تمام کند.

- ۱۳۳۶- و سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَلْقَاهُ الشَّيْءُ وَقَدْ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلَمْ يَسْتَطِعِ الْمَشْيَ مَخَافَةَ الشَّيْءِ، قَالَ: يَسْتَقْبِلُ الْأَسَدَ وَيُصَلِّي وَيُؤْمِي بِرَأْسِهِ إِيْمَاءً وَهُوَ قَائِمٌ، وَإِنْ كَانَ الْأَسَدُ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ».
- ۱۳۳۷- وَسَأَلَ سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَلْقَاهُ الشَّيْءُ وَقَدْ حَضَرَتِ الصَّلَاةُ فَلَا يَسْتَطِيعُ الْمَشْيَ مَخَافَةَ الْأَسَدِ؟ قَالَ: يَسْتَقْبِلُ الْأَسَدَ وَيُصَلِّي وَيُؤْمِي بِرَأْسِهِ إِيْمَاءً وَهُوَ قَائِمٌ وَإِنْ كَانَ الْأَسَدُ عَلَى غَيْرِ الْقِبْلَةِ».
- ۱۳۳۸- وَسَأَلَ سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَأْخُذُهُ الْمُشْرِكُونَ فَتَحْضُرُهُ الصَّلَاةُ فَيَخَافُ مِنْهُمْ أَنْ يَمْتَنِعُوهُ قَالَ: يُؤْمِي إِيْمَاءً».

- (۱) ۱۳۳۶- علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیهما السلام سؤال کرد در مورد شخصی که با شیر (یا درنده ای) روبرو شود. و وقت نماز فرا رسد و او از ترس آن حیوان نتواند حرکت کند (تا بجائی رود که از حمله آن حیوان در امان باشد) تکلیفش چیست؟ فرمود: رو به شیر کرده و همچنانکه ایستاده است به ایماء با سر خود نماز کند، هر چند شیر در جهتی غیر از قبله قرار گرفته باشد.
- (۲) ۱۳۳۷- و سماعة بن مهران از امام صادق علیه السلام سؤال کرد در مورد شخصی که شیری (یا حیوان درنده دیگری چون بهترین نمونه درندگان است و هیچکس احتمال رام بودن آنرا نمی دهد) در برابر او ظاهر شود و وقت نماز نیز برسد، و او از ترس حمله آن حیوان نتواند حرکت کند یا براه خود ادامه دهد (تا خود را بمحل امنی رساند) چه کند؟ آنحضرت فرمود: رو بشیر کرده و همچنان ایستاده به ایماء با سر خود نماز کند هر چند شیر در جهتی غیر از قبله قرار گرفته باشد.
- (۳) ۱۳۳۸- و باز سماعة بن مهران از امام صادق علیه السلام سؤال کرد در مورد شخصی که گرفتار و اسیر مشرکان شده باشد و هنگام نماز در رسد، و برسد که مشرکان او را از خواندن نماز منع کنند، چه کند؟ آنحضرت فرمود: با ایماء نماز کند.
- شرح: «بدیهی است با توجه به اهمیت و حساسیت انگیزه های اعتقادی و مذهبی در جنگهای واقعه میان مسلمین و مشرکان که صریحاً در حدیث ذکر شده بلکه دشمنان بطور مطلق و کافران- خواندن نماز در هنگام اسارت چون نشان دهنده پا بر جایی و اصرار شخص بر عقیده او است و از سوی دشمنان دهن کجی و ناچیز

۱۳۳۹- وَرَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ: صَلَاةُ الْخَوْفِ وَصَلَاةُ السَّفَرِ تُقْصَرَانِ جَمِيعًا؟ قَالَ: نَعَمْ، وَصَلَاةُ الْخَوْفِ أَحَقُّ أَنْ تُقْصَرَ مِنْ صَلَاةِ السَّفَرِ لِأَنَّ فِيهَا خَوْفًا».

۱۳۴۰- وَسَمِعْتُ شَيْخَنَا مُحَمَّدَ بْنَ الْحَسَنِ -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- يَقُولُ: «رُؤِيتُ أَنَّهُ سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَنْ تَقْصُرُوا مِنَ الصَّلَاةِ إِنْ خِفْتُمْ أَنْ يَفْتِنَكُمُ الَّذِينَ كَفَرُوا» فَقَالَ: هَذَا

شمردن معتقدات ایشان تلقی می شود، بدون شک اگر بهلاکت نیا انجامد حداقل شرائط اسارت را بسیار مشکل تر خواهد ساخت و آسیها و گزندها بدنبال خواهد داشت پس تنها احتمال منع سبب نشده که شخص بتواند با ایاء نماز کند. علیهذا با توجه بمراتب مذکوره و شرایطی که اسامی یک اسیر دارد بنظر میرسد که نیاز نیست حتماً دشمن او را از نماز منع کند و با احتمال خطر دیگر، حکم به ایاء مشکل نیست، آنچنانکه بعضی از علماء رضوان الله تعالى علیهم فرموده اند- والله تعالى یعلم-».

۱۳۳۹- و زراره از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده گوید: به آنحضرت عرض کردم: آیا نماز خوف و نماز سفر یا مسافر هر دو شکسته می شود؟ (یعنی همانگونه که سفر سبب قصر در نماز می شود خوف نیز سبب قصر میگردد یا خیر) حضرت فرمود: آری، و نماز خوف سزاوارتر است که در آن قصر شود از نماز سفر، زیرا خوف در آن است. (یا بنا بر نقل بعضی از نسخه های دیگر: زیرا در آن دیگری عادتاً خوف نیست).

۱۳۴۰- و من از شیخ و استادمان محمد بن الحسن - که خداوند از او راضی باشد - شنیدم که میفرمود: روایتی بمن رسیده که از امام صادق علیه السلام سؤال کردند در مورد تفسیر فرمایش خداوند عز و جل در آیه «وَإِذَا ضَرَبْتُمْ فِي الْأَرْضِ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ - الْآيَةُ » (که معنی آن اینست: و هرگاه روانه شدید و سفر کردید در زمین، حرجی بر شما نیست که نماز را شکسته بخوانید اگر میترسید که کافران بشما گزند و آسیب رسانند) آنحضرت فرمود: این آیه تقصیر دوم را بیان میفرماید (یعنی تقصیر اول برای سفر و تقصیر دوم برای خوف و آن بدین نحو است که شخص دو رکعت را (که

تَقْصِيرُ ثَانٍ وَهُوَ أَنْ يَرُدَّ الرَّجُلُ رَكَعَتَيْنِ إِلَى رَكَعَةٍ « وَقَدْ رَوَاهُ حَرِيزٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

١٣٤١- وَرَوَى عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي صَلَاةِ الرَّخْفِ قَالَ: تَكْبِيرٌ وَتَهْلِيلٌ يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: فَإِنْ خِفْتُمْ فِرْجَالًا أَوْ رُكْبَانًا».

١٣٤٢- وَرُوِيَ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ أَنَّهُ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنْ كُنْتَ فِي أَرْضٍ مَخُوفَةٍ فَخَشِثْ لِحْصًا أَوْ سَبْعًا فَصَلِّ الْفَرِيضَةَ وَأَنْتَ عَلَى دَائِكَ».

١٣٤٣- وفي رواية زُرارة عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الَّذِي يَخَافُ
الْمُصَوِّصَ يُصَلِّيْ إِيْمَاءً عَلَى دَائِيَّتِهِ».

١٣٤٤- وَقَدْ رُجِّصَ فِي صَلَاةِ الْخَوْفِ مِنَ السَّعْرِ «إِذَا خَشِيَ الرَّجُلُ عَلَى

نَفْسِهِ أَنْ يُكَبِّرَ وَلَا يُؤْمِي»، رَوَاهُ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ.

۱۳۴۵- وَ رَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «الَّذِي يَخَافُ

الْلَّصُوصَ وَالسَّبْعَ يُصَلِّي صَلَاةَ الْمُوَاقِفَةِ إِيْمَاءً عَلَى دَابَّتَيْهِ، قَالَ: قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ لَمْ يَكُنِ الْمُوَاقِفُ عَلَى وُضُوئِهِ كَيْفَ يَصْنَعُ وَلَا يَقْدِرُ عَلَى النَّزُولِ؟ قَالَ: يَتَيَمَّمُ مِنْ لَبْدِ دَابَّتَيْهِ أَوْ سَرَجِهِ أَوْ مَعْرَقَةٍ دَابَّتَيْهِ فَإِنْ فِيهَا غُبَارًا، وَيُصَلِّي وَيَجْعَلُ السُّجُودَ أَخْفَضَ مِنَ الرُّكُوعِ، وَلَا يَدُورُ إِلَى الْقِبْلَةِ وَلَكِنْ أَتَمًّا دَارَتْ دَابَّتُهُ، غَيْرَ أَنَّهُ يَسْقُبُ الْقِبْلَةَ بِأَوَّلِ تَكْبِيرَةٍ حِينَ يَتَوَجَّهَ».

درنده بر خویشتن بیمناک باشد در این صورت تکبیر گوید و ایماء نکند» این خبر را محمد بن مسلم از یکی از دو امام (حضرت باقر یا امام صادق) علیهما السلام روایت کرده است.

شرح: «توضیحاً متذکر میشود: نمازی که با ایماء می‌کنند احرام، و قراءت حمد و سوره، و تشهد و سلام دارد، فقط رکوع و سجود را با ایماء انجام میدهند. ولی نماز خوف از حمله درنده تکبیر است قراءت حمد و سوره و رکوع و سجود ندارد، بلکه بجای هر رکعت از نماز یکبار تسبیحات اربعه را می‌گویند).

(۱) ۱۳۴۵- زراره از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: کسیکه از حمله دزدان و درندگان بیمناک است بهمان حال که سوار بر چهار پای خویش است به ایماء نماز- که همان نماز مواقفه باشد- بجا آورد، زراره گوید: عرض کردم: چنین شخصی اگر وضو نداشته باشد و در عین حال از بیم دشمن نتواند از چهارپایش فرود آید چه کند، نظر شما در این خصوص چیست؟ حضرت فرمود: بر نمد چهارپای خود یا نمد زین یا یال اسبش که همواره غباری در آن است تیمم کرده و نماز میکند: بنحوی که سجده را فروتر از رکوع بجا آورده، و بهر طرف که چهار پا می‌گردد او بر نمی‌گردد که رو بجانب قبله کند (بلکه پیوسته رویش بهمان طرفی است که چهار پا حرکت میکند) و فقط هنگامیکه متوجه نماز می‌شود و شروع بنماز می‌کند رو به قبله تکبیر احرام می‌گوید.

شرح: «در مورد معنی مواقفه همانگونه که در عنوان همین باب گذشت منظور زمانی است که دو سپاه رو در روی یکدیگر قرار گرفته و در دو جبهه صف آرایی

۱۳۴۶- وَ رَوَى عُبَيْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيٍّ الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «صَلَاةُ الرَّحْفِ عَلَى الظَّهْرِ إِيمَاءٌ بِرَأْسِكَ وَتَكْبِيرٌ وَالْمُسَافِقَةُ تَكْبِيرٌ بَغَيْرِ إِيمَاءٍ، وَالْمُطَارَدَةُ إِيمَاءٌ يُصَلِّي كُلُّ رَجُلٍ عَلَى جِوَالِهِ».
 ۱۳۴۷- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَاتِ النَّاسُ مَعَ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ صِفِّينَ صَلَاةُ الظَّهْرِ وَالْعَصْرِ وَالْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ فَأَمَرَهُمْ فَكَبَّرُوا وَهَلَّلُوا وَسَبَّحُوا، رِجَالًا وَرُكْبَانًا».

کرده‌اند. و مواضع پیکارگری است که رویاروی دشمن قرار گرفته است».

۱۳۴۶- عبیدالله بن علی حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: نماز زحف (که جهت کارزار به دشمن نزدیک شده یا در منطقه جنگی قرار گرفته‌اند) بر پشت چهار پا انجام میشود و بدین نحو که با سر خود (ایماء) اشاره میکنی و تکبیر می‌گویی، و در مورد «مُساَفِقَة» (که از هر دو سو شمشیر کشیده شده و جنگ تن به تن در گرفته) تنها تکبیر است بدون ایماء و اشاره، و در مورد «مُطَارَدَة» (که یک گروه، گروه دیگر را میراند و وادار به عقب‌نشینی میکند) هر کس بهر صورت که برایش امکان‌پذیر است و در همانجایی که هست به ایماء نماز میکند.

شرح: «در هنگام جنگ با شمشیر و نیزه و تیر در گیر و دار تیرد نماز بحسب امکان است در حالی ایستادن یا راه پیمودن یا سواره در هر کدام از این صورتهای رو بقبله تکبیرة الاحرام گفته و نماز را باختصار و اقل واجب به دو رکعت پایان میرساند و اگر قادر بر رکوع و سجود نبود به اشاره سر و گفتن تکبیر قناعت میکند، و حتی الامکان روی از قبله نمی‌گرداند و در صورت عدم شناخت قبله بهر جانب که ممکن است رو می‌کند، و اگر سواره بتواند پیاده میشود و الا همانطور در حال سوارگی بر قربوس زین سجده میکند، و اگر نتوانست تنها تکبیر می‌گوید و رکوع و سجود را با اشاره برگزار میکند، و اگر اینها ممکن نشد فقط بجای هر رکعت تسبیحات اربعه را میگوید که عبارت از «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَ اللَّهُ أَكْبَرُ» است».

۱۳۴۷- و نیز آنحضرت (امام صادق علیه السلام) فرمود: در جنگ صِفِّین وقتی کارزار بالا گرفت نماز ظهر و عصر و مغرب و عشاء اصحاب امیرالمؤمنین علیه السلام فوت شد (یعنی نتوانستند آنرا بجماعت و در وقت مقرر بجا آورند) پس بنا

۱۳۴۸ - وفي كتاب عبد الله بن المغيرة «أن الصادق عليه السلام قال: أقل ما يجزي في حد المسابقة من التكبير تكبيرتان لكل صلاة إلا المغرب، فإن لها ثلاثاً [من التكبير]».

۱۳۴۹ - وسأله سماعة بن مهران «عن صلاة القتال، فقال: إذا التقوا فاقبلوا، فأنما الصلاة حينئذ تكبير، وإذا كانوا وقوفاً لا يقدرُونَ على الجماعة فالصلاة إيماء».

والغريان يصلي فأعداً ويضع يده على عورته، وإن كانت امرأة وضعت يدها على فرجها، ثم يؤمیان إيماء ويكون سجودهما أخفض من ركوعهما، ولا يركعان ولا يسجدان قبيحاً وما خلفهما ولكن إيماء برؤسهما.

بدستور آنحضرت تکبیر و تهلیل و تسبیح گفتند چه پیاده و چه سواره (و به ایشان امر فرمود نمازشان را اعاده کنند بلکه همین اذکار بجای نماز خوانده شد).

(۱) ۱۳۴۸ - و در کتاب عبدالله بن مغیره آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: کمترین مقدار تکبیر که در هنگام شمشیر کشیدن و در آو یختن در کارزار کافی است بعنوان نماز، دو تکبیر است برای هر نمازی، مگر نماز مغرب که آنرا سه تکبیر است.

شرح: «ظاهر خبر آنستکه بجای هر رکعت یک تکبیر کافی است، و چون نماز خوف دو رکعت بیش نیست جز نماز مغرب که سه رکعت باید خوانده شود لذا در آن سه تکبیر باید گفت».

(۲) ۱۳۴۹ - سماعة بن مهران از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) در مورد چگونگی نماز در هنگام کارزار سؤال کرد، آنحضرت فرمود: وقتی با هم برخورد کنند و به پیکار پردازند در چنین حالی نماز فقط تکبیر است، و چون رو در رو با دشمن باشند و مسلمین از بیم دشمن نتوانند بجماعت نماز کنند در این صورت نماز با ایماء انجام می شود.

و کسیکه برهنه باشد نشسته نماز می کند و دست خود را بر عورتش قرار میدهد، و اگر زن برهنه باشد دستش را نیز بر عورت خویش مینهد، آنگاه با ایماء نماز می کنند، بنحویکه سجده آنان فروتر از رکوعشان باشد، و رکوع و سجود صحیح بجا

وَإِنْ كَانُوا جَمَاعَةً صَلُّوا وُحْدَانًا. وَفِي الْمَاءِ وَالطِّينِ تَكُونُ الصَّلَاةُ بِالْإِيمَاءِ
وَالرُّكُوعُ أَخْفَضُ مِنَ الشُّجُودِ.

باب

*** (مَا يَقُولُ الرَّجُلُ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ) ***

۱۳۵۰ - قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ تَطَهَّرَ ثُمَّ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ بَاتَ

وَفِرَاشُهُ كَمَسَجِدِهِ، فَإِنْ ذَكَرَ أَنَّهُ لَيْسَ عَلَى وُضُوئِهِ فَلْيَتَيَمَّمْ مِنْ يَثَارِهِ [و] كَأَنَّهُ مَا
كَانَ لَمْ يَزَلْ فِي صَلَاةٍ مَا ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ».

۱۳۵۱ - وَرَوَى الْعَلَاءُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو جَعْفَرٍ

عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا تَوَسَّدَ الرَّجُلُ يَمِينَهُ فَلْيَقُلْ: «بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ

نمی آورند تا مبدا عورت ایشان از پشت سر نمایان گردد بلکه با سر ایما می کنند.
و اگر جماعتی برهنه باشند هر یک به تنهایی (بترتیبی که گذشت) نماز می کند
نه بجماعت. و در میان آب و گِل (کسی در گِل فرو رفته باشد) نماز با ایما خوانده
می شود، و در این صورت رکوع فروتر از سجود انجام می شود. (چون رکوع را می تواند تا
حدی خم شود ولی سجده را باید به ایما بجای آورد).

باب

*** (دربیان دعاها و ذکرهایی که شخص هنگام آرمیدن در بسترش میخواند) ***

۱۳۵۰ - (۱) امام صادق علیه السلام فرمود: هر کس طهارت داشته یا وضو
بسازد آنگاه به بستر خویش رود، شب را در حالی بصبح میرساند که بسترش همچون
مسجد او باشد. و اگر پس از رفتن در بستر بیاد آورد که وضو ندارد پس بر همان
روانداز خود تیمم کند، و بهر حال که باشد چه با وضو و چه با تیمم تا وقتی ذکر
خداوند عز و جل می کند، پیوسته در حال نماز محسوب می شود و ثواب آن را دارد.

شرح: «استحبَّ بِطَهَارَتٍ خَوَابِدِنَ رَا مِيتَوَانِ از آیه مبارکه «الَّذِينَ

تَتَوَقَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ: تَوَاسَّلَامُ عَلَيْكُمْ - الْآيَةُ» استفاده کرد.

۱۳۵۱ - (۲) و علاء از محمد بن مسلم روایت کرده که گفت: امام محمد باقر

علیه السلام بمن فرمود: هرگاه شخص دست راست خود را زیر سرش گذارد (که لزوماً
باید بر پهلوی راست بخسبد) این دعا را بخواند «بِسْمِ اللَّهِ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْلَمْتُ نَفْسِي

نَفْسِي إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْبَسْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ عَلَىكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ، لَا مَلْجَأَ وَلَا مَتَجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، أَقَمْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ وَرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ» ثُمَّ يُسَبِّحُ تَسْبِيحَ فَاطِمَةَ الزَّهْرَاءِ عَلَيْهَا السَّلَامُ. وَمَنْ أَصَابَهُ قَرْعٌ عِنْدَ مَنَامِهِ فَلْيَقْرَأْ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ الْمُعْتَوِّذَتَيْنِ وَآيَةَ الْكُرْسِيِّ.

۱۳۵۲- وَرَوَى الْعَلَاءُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «لَا يَدْعُ الرَّجُلُ أَنْ يَقُولَ عِنْدَ مَنَامِهِ: «أَعِيذُ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الثَّمَانِيَةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ غَيِّينَ لَأَمَّةٍ» فَذَلِكَ الَّذِي عَوَّذَ بِهِ

إِلَيْكَ، وَوَجَّهْتُ وَجْهِي إِلَيْكَ، وَفَوَّضْتُ أَمْرِي إِلَيْكَ، وَأَلْبَسْتُ ظَهْرِي إِلَيْكَ، وَتَوَكَّلْتُ عَلَىكَ رَهْبَةً مِنْكَ وَرَغْبَةً إِلَيْكَ. لَا مَلْجَأَ وَلَا مَتَجَا مِنْكَ إِلَّا إِلَيْكَ، أَقَمْتُ بِكِتَابِكَ الَّذِي أَنْزَلْتَ، وَرَسُولِكَ الَّذِي أَرْسَلْتَ» (معنی آن اینست: با استعانت از خداوند یا نام او و یاوری او، بارخدا یا من خود و جان خویش را بنو تسلیم می‌کنم، و روی خود را بسوی تو متوجه می‌سازم، و کار خود به تو وامیگذارم، و تو را پشت و پناه خویش میدانم، و بخاطر ترس از تو و میل و رغبت که بنو دارم بر تو توکل می‌کنم، که هیچ پناهگاهی و جای نجاتی از تو نیست مگر بسوی خودت، به کتابی که فرو فرستاده‌ای و به پیامبری که تو برانگیخته‌ای ایمان دارم) آنگاه تسبیح حضرت زهرا علیها السلام را می‌گوید. و کسی را که در وقت خواب یا در خواب ترسی دست دهد باید هنگامیکه به بستر میرود سوره قل أعوذ برب الناس و قل أعوذ برب الفلق و آیه الکرسی را بخواند.

① ۱۳۵۲- و علاء از محمد بن مسلم از امام باقر یا امام صادق علیهما السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: شایسته است که شخص هنگام خواب این دعا را فراموش نکند: «أَعِيذُ نَفْسِي وَذُرِّيَّتِي وَأَهْلَ بَيْتِي وَمَالِي بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الثَّمَانِيَةِ مِنْ كُلِّ شَيْطَانٍ وَهَامِيَةٍ وَمِنْ كُلِّ غَيِّينَ لَأَمَّةٍ» یعنی: (من خویش را و فرزندان و دودمان خود را و خانواده ام و دارائیم را در پناه اسماء اعظم الهی قرار میدهم از آسیب و شر هر شیطانی و هر گزنده‌ای و از آسیب هر چشم زخمی، یا هر چشمی که گزند رساند). و حضرت

جَبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ».

۱۳۵۳- وَرَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سَنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ لَهُ: «اقْرَأْ

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ عِنْدَ مَنَامِكَ فَإِنَّهَا بَرَاءَةٌ مِنَ الشِّرْكِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ نِسْبَةُ الرَّبِّ عَزَّ وَجَلَّ».

۱۳۵۴- وَرَوَى بَكْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ قَالَ حِينَ يَأْخُذُ

مَضْجَعَهُ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقْهَرَهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَقَّضَ فَخْبَرَهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقْدَرَهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» خَرَجَ مِنْ ذُنُوبِهِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ».

اضافه فرمود: این همان تعویذ آسمانی است که جبرئیل علیه السلام امام حسن و امام حسین علیهما السلام را بدان تعویذ کرد.

۱۳۵۳- عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت به او فرمود: در هنگام خواب دو سوره قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون را بخوان که سوره اخیر نشانگر بیزاری حسن و دوری از شرک، و سوره توحید بیانگر نسبت (شناسنامه) پروردگار عز و جل است.

۱۳۵۴- و بکر بن محمد از آنحضرت روایت کرده که فرمود: هر کس در هنگامیکه به بستر میرود یا پیش از خفتن سه بار این دعا را بخواند: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي عَلَا فَقْهَرَهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي بَقَّضَ فَخْبَرَهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي مَلَكَ فَقْدَرَهُ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُحْيِي الْمَوْتَى وَيُمِيتُ الْأَحْيَاءَ، وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ». (همه محامد مخصوص خداوند است که بلند مرتبه است و همه موجودات مقهور و مسخر اراده اوست، و جمله سپاسگزارها و شکرها مخصوص خداوند است که او مجرد بالذات است و آگاه از جمیع اسرار و هر آنچه پنهان و آشکار است، و همه ثناها و محامد مخصوص خداوندی است که پادشاه پادشاهان و پدیدآورنده همه موجودات و جمیع عالمیان است و بر همه چیز بملک و مُلک قادر است و جمله حمدها و شکرها مخصوص خداوندی است که مردگان را زنده میسازد و حیات زندگان باز می ستاند، و او است که بر هر چیزی توانا و قادر است) خواننده دعا از گناهان خود بکلی پاک شود همچون روزی که مادرش او را زاده است.

۱۳۵۵- وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ قَرَأَ هَذِهِ الْآيَةَ عِنْدَ مَنَامِهِ: «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ مِثْلُكُمْ يُوحَى إِلَيَّ أَنَّمَا إِلَهُكُمُ إِلَهُ وَاحِدٌ - إِلَى آخِرِهَا» سَطَعَ لَهُ نُورٌ إِلَى الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ حَتَّى ذَلِكَ النُّورِ مَلَائِكَةٌ يَسْتَغْفِرُونَ لَهُ حَتَّى يُصْبِحَ».

۱۳۵۶- وَرَوَى عَامِرُ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ جُذَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَقْرَأُ آخِرَ الْكَهْفِ حِينَ يَنَامُ إِلَّا اسْتَيْقَظَ مِنْ مَنَامِهِ فِي السَّاعَةِ الَّتِي يُرِيدُ».

۱۳۵۷- وَرَوَى سَعْدُ الْإِسْكَافِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ قَالَ هَذِهِ الْكَلِمَاتِ قَاتَا ضَامِنٌ أَنْ لَا يُصِيبَهُ عَقْرَبٌ وَلَا هَامَةٌ حَتَّى يُصْبِحَ: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الثَّمَانِيَةِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ

(۱) ۱۳۵۵- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کس این آیه را «قُلْ إِنَّمَا أَنَا بَشَرٌ - تا آخر آیه» که معنی اش اینست: (بگو ای محمد جز این نیست که من بنده ای همانند شمایم ولی بمن از خداوند متعال وحی میرسد، که البته خداوند شما خدائی است یکتا و هر کس که به لقاء پروردگارش امید می دارد پس باید کرداری شایسته پیشه کند و هیچکس را در پرستش پروردگارش شریک او قرار ندهد) در هنگام خفتن در بستر بخواند نوری از او تابیدن گیرد که تا مسجد الحرام پرتو افکند و در تابش آن فرشتگانی باشند که برای او تا بامدادان طلب آمرزش کنند.

(۲) ۱۳۵۶- عامر بن عبدالله بن جذاعه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هیچکس نیست از بندگان خدا که آیه آخرین سوره کهف (همان آیه مذکور در خبر پیشین - قُلْ إِنَّمَا أَنَا...) را بهنگام خواب تلاوت کند مگر اینکه هر ساعتی از شب که بخواهد از خواب برخیزد.

(۳) ۱۳۵۷- سعد اسکاف از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هر کس این دعا را شب هنگام بخواند من ضامنم که هیچ عقرب و گزنده ای به او آسیب نرساند تا صبح شود و آن دعا این است: أَعُوذُ بِكَلِمَاتِ اللَّهِ الثَّمَانِيَةِ الَّتِي لَا يُجَاوِزُهُنَّ بَرٌّ وَلَا فَاجِرٌ مِنْ شَرِّ مَا ذَرَأَ وَمِنْ شَرِّ مَا بَرَأَ وَمِنْ شَرِّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ» که معنی آن چنین است:

شَرُّ كُلِّ دَابَّةٍ هُوَ آخِذٌ بِنَاصِيَّتِهَا، إِنَّ رَبِّي عَلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ».

۱۳۵۸- وَ رَوَى مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا خِفْتُ الْجَنَابَةَ فَقُلْ فِي فِرَاشِكَ: اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِخْتِلَامِ، وَسُوءِ الْأَخْلَامِ، وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْبَقَّةِ وَالْمَنَامِ».

۱۳۵۹- وَ رَوَى الْعَبَّاسُ بْنُ هِلَالٍ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «لَمْ يَقُلْ أَحَدٌ قَطُّ إِذَا أَرَادَ أَنْ يَنَامَ: «إِنَّ اللَّهَ يُمِيسُكَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا [إِنَّ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعِيدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا]» فَسَقَطَ عَلَيْهِ الْبَيْتُ».

(پناه می برم به اسماء تاقه خداوند که وصف هیچ نیکوکار و زشتکاری بدان نرسد یا از آن درنگذرد، از شر و گزند آنچه خداوند سبحانه آفریده چه گزند گانی که زیر زمین و در خاک لانه دارند و چه آنها که روی زمین میخزند، و از شر هر جنبه ای که خداوند آنها را در قبضه قدرت خود دارد، همانا که پروردگار من بر راه درست و مستقیم است).

۱۳۵۸- (۱) مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ أَرَادَ أَنْ يَنَامَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتِ كَرْدَه كَه فَرَمُود: هَر گاه نگران بودی كه مبدا در خواب محتمل شوی، وقتی به بستر خواب رفتی این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَعُوذُ بِكَ مِنَ الْإِخْتِلَامِ، وَمِنْ سُوءِ الْأَخْلَامِ، وَمِنْ أَنْ يَتَلَاعَبَ بِي الشَّيْطَانُ فِي الْبَقَّةِ وَالْمَنَامِ» كه معنی آن اینست: (بار خدایا همانا كه من پناه بتو می آورم از محتمل شدن و از رویاهای بد و نامطلوب، و از اینکه شیطان مرا در بیداری و خواب بازیچه سازد).

۱۳۵۹- (۹) عَبَّاسُ بْنُ هِلَالٍ أَرَادَ أَنْ يَنَامَ رِضَا وَ أَحْضَرَتْ أَرَادَتْ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رَوَايَتِ كَرْدَه كَه فَرَمُود: هَر گز امكان ندارد كه كسی این آیه را «إِنَّ اللَّهَ يُمِيسُكَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا [إِنَّ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعِيدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا]» بخواند و خانه یا سقف خانه اش بر سر او فرود آید. معنی آیه اینست: (همانا خداوند متعال آسمانها و زمین را نگاه میدارد و اگر او نگاه ندارد و آنها زوال یابند هیچکس بعد از او نمی تواند آنها را نگاه دارد، همانا خداوند بردبار و بسیار بخشنده است).

باب

* (نَوَابِ صَلَاةِ اللَّيْلِ) *

۱۳۶۰ - تَزَلَّ جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ لَهُ: «يَا جِبْرِئِيلُ عِظْنِي فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ عِشْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مَيِّتٌ، وَأَحْبِبْ مَنْ شِئْتَ فَإِنَّكَ مُفَارِقُهُ، وَاعْمَلْ مَا شِئْتَ فَإِنَّكَ مُلَاقِيهِ. شَرَفَ الْمُؤْمِنِ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ، وَعِزُّهُ كَفُّ الْأَذَى عَنِ النَّاسِ».

۱۳۶۱ - وَرَوَى بَخْرُ السَّقَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ثَلَاثَةَ التَّهَجُّدِ بِاللَّيْلِ، وَإِفْطَارِ الصَّائِمِ، وَلِقَاءِ الْإِخْوَانِ».

۱۳۶۲ - وَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا مَا كَتَبْنَاهَا عَلَيْهِمْ إِلَّا ابْتِغَاءَ رِضْوَانِ اللَّهِ» قَالَ: صَلَاةُ اللَّيْلِ».

باب

* (دَرْيَانِ نَوَابِ خَوَانْدَنِ نَمَازِ شَبِّ) *

۱۳۶۰ (۱) - جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِرِيسَامِ خُدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَازِلِ گَرْدِيدِ، آنحضرت به او فرمود: ای جبرئیل مرا موعظه کن، جبرئیل گفت: ای محمد تو هر گونه که میخواهی زندگی کن (ولی بدان که ناگزیر) خواهی مرد، و هر کس را میخواهی دوست بدار ولی بالاخره روزی از او جدا خواهی شد، و هر چه میخواهی انجام ده که بالاخره آنرا ملاقات خواهی کرد، بدانکه شرف و بزرگی مؤمن نماز شب او است، و عزت و سرافرازی مؤمن خودداری او از آزار رسانیدن بر دمان است.

۱۳۶۱ (۲) - وَبِحَرِّ السَّقَاءِ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: از جمله نسیمهای رحمت خداوند عز و جلّ این سه چیز است: بیداری و اشتغال به عبادت در شب، و افطار کردن روزه دار، و ملاقات و دیدار برادران ایمانی.

۱۳۶۲ (۳) - امام کاظم علیه السلام در مورد تفسیر این آیه که خداوند عز و جلّ میفرماید: «وَرَهْبَانِيَّةً ابْتَدَعُوهَا... الْآيَةُ» (یعنی: و رهبانیتی که ایشان خود بدعت کردند و بر خویشان لازم گردانیدند ما بر آنان مقرر نکرده بودیم و این بدعت را جز بقصد رضای الهی نکرده بودند) فرمود: مراد از رهبانیت نماز شب است.

۱۳۶۳- وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ : «عَلَيْكُمْ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ، وَأَدَبُ الصَّالِحِينَ قَبْلَكُمْ، وَمُطَرَّةُ الدَّاءِ عَنْ أَجْسَادِكُمْ».

۱۳۶۴- وَ رَوَى هِشَامُ بْنُ سَالِمٍ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً» قَالَ: قِيَامُ الرَّجُلِ عَنْ فِرَاشِهِ يُرِيدُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، لَا يُرِيدُ بِهِ غَيْرُهُ».

۱۳۶۵- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَقُومُ النَّاسُ مِنْ فُرُشِهِمْ عَلَى ثَلَاثَةِ أَصْنَافٍ: صِنْفٌ لَهُ وَلَا عَلَيْهِ، وَصِنْفٌ عَلَيْهِ وَلَا لَهُ، وَصِنْفٌ لَا عَلَيْهِ وَلَا لَهُ، وَأَمَّا الصِّنْفُ الَّذِي لَهُ وَلَا عَلَيْهِ فَيَقُومُ مِنْ مَنَامِهِ فَيَتَوَضَّأُ وَيُصَلِّي وَتَذْكُرُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فَذَلِكَ الَّذِي لَهُ وَلَا عَلَيْهِ، وَأَمَّا الصِّنْفُ الثَّانِي فَلَمْ يَرَكَ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَذَلِكَ عَلَيْهِ

(۱) ۱۳۶۳- امام صادق علیه السلام فرمود: شما را به نماز شب سفارش می‌کنم که آن سنت پیامبر شما است و طریقه و شیوه صالحان و نیکوکاران پیش از شما، و برطرف کننده درد و ناخوشی از تن های شما است.

(۲) ۱۳۶۴- و هشام بن سالم از آنحضرت روایت کرده است که در مورد این آیه که خداوند عز و جل میفرماید: «إِنَّ نَاشِئَةَ اللَّيْلِ هِيَ أَشَدُّ وَطْأً وَأَقْوَمُ قِيلاً» (یعنی همانا ناشئه و عبادت شبانه از حیث قوئش (یا از حیث صدق قول) پایدارتر و باقومتر و استوارتر است) آنحضرت فرمود: مراد برخاستن شخص است از بسترش در حالیکه مقصودش از اینکار فقط رضای خداوند عز و جل باشد و هیچ چیز دیگر در نظر نداشته باشد.

(۳) ۱۳۶۵- امام صادق علیه السلام فرمود: مردم صبحگاهان که از بستر خود برمیخیزند به سه گروه دسته بندی شده اند یا جزء یکی از این سه گروه هستند: یک عده سود برده اند و ضرر نکرده اند، و یک گروه زیان دیده اند و بهره ای نیافته اند، و گروه آخر نه زیان دیده اند و نه سود برده اند، اما گروه اول که در طول شب سود برده اند و زیان ندیده اند کسانی هستند که از خواب برخاسته و وضو ساخته و نماز گزارند و به ذکر یاد خداوند عز و جل کنند این گروه همان کسانی هستند که سود برده و زیان نکرده اند، و اما گروه دوم کسانی هستند که شب را در معصیت خداوند

وَلَا لَهُ، وَأَمَّا الصَّنَفُ الثَّالِثُ فَلَمْ يَرَكَ نَائِمًا حَتَّى أَصْبَحَ فَذَلِكَ الَّذِي لَا عَلَيْهِ وَلَا لَهُ».

۱۳۶۶- وَسَأَلَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ «عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «سَيِّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ» قَالَ: هُوَ السَّهَرُ فِي الصَّلَاةِ».

۱۳۶۷- وَرَوَى عَنْهُ الْفَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ أَنَّ الْبُيُوتَ الَّتِي يُصَلِّي فِيهَا بِاللَّيْلِ بِتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ تُضِيءُ لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا تُضِيءُ نُجُومُ السَّمَاءِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ».

۱۳۶۸- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ الشَّيْئَاتِ» قَالَ: صَلَاةُ الْمُؤْمِنِ بِاللَّيْلِ تَذْهِبُ بِمَا عَمِلَ مِنْ ذَنْبٍ بِالنَّهَارِ».

عز وجل گذرانیده اند این همان گروه زیان دیده هستند که هیچ نفعی نبرده اند، و بالاخره گروه سوم شب را پیوسته در خواب گذرانیده تا صبحگاهان این گروه همان دسته است که نه زیان کرده و نه سود برده است.

۱۳۶۶- عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام سؤال کرد در مورد این آیه که خداوند عز وجل میفرماید: «سَيِّمَاهُمْ فِي وُجُوهِهِمْ مِنْ أَثَرِ السُّجُودِ» یعنی (سیما و علامت ایشان از اثر سجده در چهره هایشان پیدا است) فرمود: مراد بیداری و شب زنده داری برای نماز است.

۱۳۶۷- فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: همانا خانه هایی که در آن شب هنگام نماز خوانده می شود و در نماز تلاوت قرآن می کنند (یا بخاطر همان تلاوت قرآن)، روشنی و نوری به آسمان و ساکنان آسمان میدهد همانسان که ستارگان آسمان برای ساکنان زمین پرتوافشانی می کنند.

۱۳۶۸- و باز آنحضرت در تفسیر این آیه که خداوند عز وجل میفرماید: «إِنَّ الْحَسَنَاتِ يُذْهِبْنَ الشَّيْئَاتِ» یعنی (البته حسنات و نیکوکارها، زشتکارها را محو می سازد) فرمود: مراد از حسنات نماز شب است که مؤمن شب هنگام میخواند و بدان وسیله گناهایی را که در طول روز انجام داده محو میکند - و یا سبک می سازد - شرح: «بدیهی است منظور گناهان شخصی و فردی است نه آنها که نسبت به حقوق مردم و عمداً واقع شده، یا گناهایی که در پیکر جامعه مسلمین ایجاد جراحات کرده است - عَصَمَنَا اللَّهُ مِنْ قُبْحِ الرَّأْيِ وَشَيْئَاتِ الْعَمَلِ -».

وَمَدَحَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كِتَابِهِ بِقِيَامِ صَلَاةِ اللَّيْلِ فَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ سَاجِداً وَقَائِماً يَخْذُرُ الْآخِرَةَ وَيَرْجُو رَحْمَةَ رَبِّهِ» وَأَنَاءَ اللَّيْلِ سَاعَاتُهُ.

۱۳۶۹- وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ أَنْ يُصِيبَ أَهْلَ الْأَرْضِ بِعَذَابٍ قَالَ: لَوْلَا الَّذِينَ يَتَحَابُّونَ بِيَجَلِّي، وَيَعْمُرُونَ مَسَاجِدِي، وَيَسْتَغْفِرُونَ بِالْأَشْحَارِ لَوْلَاهُمْ لَأَنْزَلْتُ عَذَابِي».

۱۳۷۰- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ كَثُرَ صَلَاتُهُ بِاللَّيْلِ حَسُنَ وَجْهُهُ بِالنَّهَارِ».

۱۳۷۱- و «جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَشَكَى إِلَيْهِ الْحَاجَةَ فَأَقْرَظَ

و خداوند تبارک و تعالی در کتاب خود امیرالمؤمنین علی علیه السلام را بخاطر بر پا داشتن و پرداختن بنماز شب مدح و ستایش فرموده است. آنجا که میفرماید: **أَمَّنْ هُوَ قَانِتٌ آنَاءَ اللَّيْلِ...** تا آخر آیه که معنی آن اینست: (آیا آن کسی که به نماز و طاعت و قنوت و راز و نیاز در لحظه لحظه های شب می پردازد و گاه بسجده است و گاه در قیام و از آخرت بیمناک است و امید به رحمت پروردگار خویش میدارد با آنکس که عاری و غافل از این حالات است یکی است؟) و مراد از آناء شبانه ساعات شب است.

① ۱۳۶۹- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی هرگاه بخواهد زمینیان را عذاب کند به آنان خطاب میفرماید: اگر نبودند آن کسانی که به یکدیگر محبت می کنند با جلال من (یا بنابر نقل دیگری با امور حلالی که من بر آنان حلال کرده ام) و مسجدهای مرا آباد می کنند و رونق می دهند، و سحرگاهان استغفار و طلب آمرزش می کنند، اگر ایشان نبودند و بخاطر آنان نبود حتماً عذاب خود را بر سر زمینیان فرو میفرستادم.

② ۱۳۷۰- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هرکس نمازش در طول شب افزون باشد در روز نیکو رخصسار و خوش صورت خواهد بود.

③ ۱۳۷۱- مردی نزد امام صادق علیه السلام آمد و از نیازمندی خود نزد آنحضرت شکایت کرد، و در اظهار حاجتمندی چندان زیاده روی کرد که نزدیک

فِي الشَّكَايَةِ حَتَّى كَادَ أَنْ يَشْكُو الْجُوعَ، فَقَالَ لَهُ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا هَذَا أَتُصَلِّي بِاللَّيْلِ؟ فَقَالَ الرَّجُلُ: نَعَمْ، فَأَثَقَتْ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى أَصْحَابِهِ فَقَالَ: كَذَبَ مَنْ زَعَمَ أَنَّهُ يُصَلِّي بِاللَّيْلِ وَيَجُوعُ بِالنَّهَارِ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ضَمَّنَ صَلَاةَ اللَّيْلِ قُوَّةَ النَّهَارِ».

۱۳۷۲- وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ الْمُدَاعِبَ فِي الْجَمَاعَةِ يَلَا رَقَبَ، الْمُتَوَجِّدَ بِالْفِكْرِ، الْمُتَخَلِّي بِالْعِبَرِ، السَّاهِرَ بِالصَّلَاةِ».

۱۳۷۳- وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عِنْدَ مَوْتِهِ لِأَبِي ذَرٍّ - رَحِمَهُ اللَّهُ عَلَيْهِ -: «يَا أَبَا ذَرٍّ إِخْفِظْ وَصِيَّةَ نَبِيِّكَ تَلَفَعُكَ: مَنْ خُتِمَ لَهُ بِقِيَامِ اللَّيْلِ ثُمَّ مَاتَ فَلَهُ الْجَنَّةُ»

وَالْحَدِيثُ فِيهِ طَوِيلٌ أَخَذْتُ مِنْهُ مَوْضِعَ الْحَاجَةِ.

بود بگوید پیوسته گرمسینه ام، امام صادق علیه السلام به او فرمود: آیا نماز شب میخوانی جواب داد: آری، پس حضرت رو به اصحاب خویش کرده و فرمود: کسی که ادعا میکند نماز شب میخواند و روز گرمسنگی میکشد ادعای دروغین کرده است زیرا خداوند تبارک و تعالی بعنوان پاداش نماز شب قوت و روزی شخص را در روز تضمین کرده است، یا نماز شب را ضامن قوت روز قرار داده است.

(۱) ۱۳۷۲- امام محمد باقر علیه السلام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی دوست میدارد کسی را که در میان جمع شوخ طبعی کند و خوش مجلس باشد تا وقت دیگران باو خوش گردد (و بنابر تعبیرات دیگری که نقل کرده اند یعنی شوخی و مزاح کند وقتی که میخواهد نزدیکی کند و با خشونت و زور اینکار را نکند) اما چندان شوخی کند که به فحش نینجامد، و کسی را که تنهائی گزیند و به تفکر پردازد، و نیز کسی را که فارغ از هر اشتغالی خلوت کند و اندیشه خود را به عبرت گرفتن از احوال دنیا متوجه سازد، و شب زنده دار برای نماز شب، خداوند این افراد را محبوب میدارد.

(۲) ۱۳۷۳- پیامبر خدا صلی الله علیه وآله در هنگام وفات خود به ابوذر - که رحمت خداوند بر او باد - فرمود: ای ابادزر وصیت پیامبر خود را بخاطر بسیار که تورا سود بسیار رساند و از جمله اینکه: هر کس پایان کارهایش پیش از مرگ نماز شب

۱۳۷۴- وَ رَوَى جَابِرُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «أَنَّ رَجُلًا سَأَلَ عَلِيَّ بْنَ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قِيَامِ اللَّيْلِ بِالْقِرَاءَةِ فَقَالَ لَهُ: أُبَشِّرُ مَنْ صَلَّى مِنَ اللَّيْلِ عَشْرَ لَيَلَةٍ مُخْلِصًا إِيْتِنَاءَ ثَوَابِ اللَّهِ قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: اكْتُبُوا لِعَبْدِي هَذَا مِنَ الْحَسَنَاتِ عَدَدَ مَا أَتَيْتَ فِي اللَّيْلِ مِنْ حَبَّةٍ وَوَرَقَةٍ وَشَجَرَةٍ وَعَدَدَ كُلِّ قَضِيَّةٍ وَخُوصٍ وَمَرْعَى وَمَنْ صَلَّى تِسْعَ لَيَلَةٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ عَشْرَ دَعَوَاتٍ مُسْتَجَابَاتٍ وَأَعْطَاهُ اللَّهُ كِتَابَةً يَتِمُّنَ بِهَا. وَمَنْ صَلَّى ثَمَنَ لَيَلَةٍ أَعْطَاهُ اللَّهُ أَجْرَ شَهِيدٍ صَابِرٍ صَادِقِ النِّيَّةِ وَشَفِيعٍ فِي أَهْلِ بَيْتِهِ، وَمَنْ صَلَّى سَبْعَ لَيَلَةٍ خَرَجَ مِنْ قَبْرِهِ يَوْمَ يُنْفَخُ وَوَجْهُهُ كَالْقَمَرِ لَيْلَةَ الْبَدْرِ حَتَّى يَمُرَّ عَلَى الصِّرَاطِ مَعَ الْأَمْنَيْنِ، وَمَنْ صَلَّى مِائَةَ لَيَلَةٍ كُتِبَ فِي

باشد و آنگاه از دنیا برود بهشت بر او واجب است.

مؤلف - رحمه الله - گوید: این حدیث یا حدیث مربوط به این مورد طولانی است و من فقط بخشی را که بدان نیاز داشتم و منظورم بود از آن اختیار کرده و نقل نمودم.

۱۳۷۴- جابر بن اسماعیل از امام صادق و آنحضرت از پدرش علیهما السلام روایت کرده: مردی از امیرالمؤمنین علیه السلام سؤال کرد در مورد شب زنده داری به خواندن قرآن یا تلاوت قرآن در نماز، آنحضرت به او فرمود: بشارت باد تو را، هر کس یک دهم از شب را با اخلاص برای خداوند و تحصیل پاداش او نماز کند، خداوند تبارک و تعالی به فرشتگان خود گوید: به عدد آنچه از دانه و برگ و درخت و نیز به عدد هر شاخ و برگ خرما و هر چه از گیاهان که شب در چراگاهها میروید برای این بنده من (که یک دهم شب را نماز کرده) از حسنات ثواب و پاداش بنویسند و هر کس یک نهم شب را نماز کند، خداوند او را ده دعای اجابت شده و قبول یافته عطا فرماید، و در روز قیامت نامه اعمالش را بدست راست او دهد، و هر کس یک هشتم از شب را نماز کند، خداوند متعال ثواب و پاداش شهید صابری که با صدق نیت در راه خدا جهاد کرده باو عطا فرماید، همچنین شفاعتش را در مورد اهل بیت و خانواده اش بپذیرد، و هر کس یک هفتم شب را نماز کند، روز برانگیخته شدن در حالی از گور خود بیرون آید که چهره اش همچون ماه در شب چهارده زیبا و درخشان باشد تا اینکه همراه با کسانی که از عذاب و هول قیامت ایمن هستند از صراط

الأوابين و غفر له ما تقدم من ذنبه، ومن صلى خمسين ليلة زاحم إبراهيم خليل الرحمن في قُبَّته، ومن صلى رُبْعَ ليلة كان في أول الفائزين حتى يَمُرَّ عَلَى الصراط كالريح العاصف، وَيَدْخُلَ الْجَنَّةَ بِغَيْرِ حِسَابٍ، ومن صلى ثَلَاثَ لَيْلَةٍ لَمْ يَبْقَ مَلَكٌ إِلَّا غَبِطَهُ بِمَثَلَتِهِ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَقِيلَ لَهُ: أُدْخِلْ مِنْ أَيْ أَبْوَابِ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةَ شَيْئًا، وَمَنْ صَلَّى نِصْفَ لَيْلَةٍ فَلَوْ أُعْطِيَ مِنْهُ الْأَرْضُ ذَهَبًا سَبْعِينَ أَلْفَ مَرَّةٍ لَمْ يَغْدِلْ جَزَاءَهُ، وَكَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَفْضَلُ مِنْ سَبْعِينَ رَقَبَةً يَغْنَقُهَا مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ، وَمَنْ صَلَّى ثَلَاثِي لَيْلَةٍ كَانَ لَهُ مِنَ الْحَسَنَاتِ قَدَرُ رَمْلِ عَالِجٍ، أَذْنَاهَا حَتَّى أَثْقَلَ مِنْ جَبَلٍ أَحَدِ عَشَرَ مَرَّاتٍ، وَمَنْ صَنَعَ ثَلَاثَةَ تَامَّةٍ تَالِيًا لِكِتَابِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رَاكِعًا وَسَاجِدًا وَذِكْرًا أُعْطِيَ مِنَ الثَّوَابِ مَا أَذْنَاهُ يَخْرُجُ مِنَ الذُّنُوبِ كَمَا وَلَدَتْهُ أُمُّهُ وَيُكْتَبُ لَهُ عَدَدُ مَا خَلَقَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ مِنَ الْحَسَنَاتِ وَمِثْلَهَا ذُرَجَاتٍ، وَيَثْبُتُ الشُّورَى فِي قَبْرِهِ، وَيُنَزَّعُ الْإِثْمُ وَالْحَسَدُ

بگذرد، و هر کس یک ششم شب را نماز کند نام او را در زمره توبه کنندگان حقیقی نویسند و همه گناهان گذشته اش را بپامرزند، و هر کس یک پنجم شب را نماز کند در خیمه و بارگاه حضرت ابراهیم خلیل در بهشت همشین و انیس او باشد، و هر کس یک چهارم شب را نماز کند در صف اول رستگاران باشد تا وقتی که همچون تندبادی از صراط عبور کند، و بدون حساب وارد بهشت شود. و هر کس یک سوم شب را نماز کند فرشته ای نباشد مگر اینکه به منزلت و مقام او نزد خداوند عز و جل رشک برد و آنرا آرزو کند. و به او بگویند: از هر یک از درهای هشتگانه بهشت که خواهی وارد شو، و هر کس نیمی از شب را نماز کند اگر هفتاد هزار بار همه زمین را پر از طلا کرده و به او دهند بازهم با پاداش او برابری نخواهد کرد، و پاداشی که بواسطه عبادت شبانه اش نزد خداوند متعال دارد، بیش از ثواب آزاد کردن هفتاد بنده است که همگی از فرزندان اسماعیل باشند، و هر کس دو سوم شب را نماز کند پاداش او از حسنات بقدر ریگهای درهم فشرده بیابان است که کمترین آن حسنات ده بار سنگین تر از کوه احد باشد، و هر کس یک شب کامل نماز کند در حالیکه کتاب (قرآن) خداوند عز و جل را تلاوت کند و گاه در رکوع باشد و گاه در سجود و گاه به ذکر پردازد، چندان ثواب به او عطا کنند که کمترین آن این باشد که از گناهان

مِنْ قَلْبِهِ، وَيُجَارُ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ، وَيُعْطَى بَرَاءَةٌ مِنَ النَّارِ، وَيُتَعْتَقُ مِنَ الْآمِنِينَ، وَيَقُولُ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِمَلَائِكَتِهِ: يَامَلَائِكَتِي انظُرُوا إِلَى عَبْدِي أَخِيَا لَيْلَةً ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِي أَشْكُوهُ الْفِرْدَوْسَ، وَلَهُ فِيهَا مِائَةٌ أَلْفَ مَدِينَةٍ فِي كُلِّ مَدِينَةٍ جَمِيعُ مَا تَشْتَهِي الْأَنْفُسُ وَتَلَذُّ الْأَعْيُنُ، وَلَمْ يَخْطُرْ عَلَى بَالِ سِوَى مَا أَعَدَدْتُ لَهُ مِنَ الْكَرَامَةِ وَالْمَزِيدِ وَالْقُرَّةِ».

باب

(وَقْتُ صَلَاةِ اللَّيْلِ)

۱۳۷۵- رَوَى عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ فَلَمْ يُصَلِّ شَيْئاً حَتَّى يَنْتَهِيَفَ اللَّيْلُ».

خود بدر آید همچون روزی که مادرش او را زاده است و برای او به عدد مخلوقات خداوند عز و جل از حسنات منظور کنند و همانند آن درجاتش را نیز بالا برند، و در گور او چراغی برافروزند که پیوسته روشن باشد و گناه و حسد را از دل او جدا و بیرون کنند، و از عذاب قبر اینم گردد، و به او براقی دهند که از آتش دوزخ آزاد است، و در حالی که از عذاب آخرت اینم است از گور خود برانگیخته شود، و پروردگار تبارک و تعالی به فرشتگان خود فرماید: فرشتگان من بنده مرا بنگرید که بخاطر رضای من شبی را بیدار بوده و عبادت کرده است او را در فردوس جای دهید، و در آن بهشت صد هزار شهر باشد که در هر شهری همه آنچه که نفسها آرزو و خواهش آنها دارند و چشمها از دیدن آن لذت می برد و به خاطرها خطور نمی کند، در آنجا برایش فراهم باشد، و این جمله غیر از آن پاداشهایی است که نزد خود برایش مهیا ساخته ام از کرامتهای بیشمار و نعمتهای زیاده بر استحقاق و همچنین مرتبه و قرب و نزدیکی مقام.

(باب در بیان وقت نماز شب)

۱۳۷۵- عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وقتی نماز عشاء را بجا میآورد به بستر خویش میرفت و تا نیمه شب هیچ نماز دیگری نمیکرد.

۱۳۷۶- وقال أبو جعفر عليه السلام: «وَقْتُ صَلَاةِ اللَّيْلِ مَا بَيْنَ نِصْفِ اللَّيْلِ إِلَى آخِرِهِ».

۱۳۷۷- وقال عمر بن حنظلة لأبي عبد الله عليه السلام: «إِنِّي مَكُنْتُ ثَمَانِيَةَ عَشَرَ لَيْلَةً أَنُوي الْقِيَامَ فَلَا أَقُومُ أَفَأُصَلِّي أَوَّلَ اللَّيْلِ؟ قَالَ: لَا، اقْضِ بِالنَّهَارِ فَإِنِّي أَكْرَهُ أَنْ يُتَّخَذَ ذَلِكَ خُلُقًا».

۱۳۷۸- وَرَوَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ أَنَّهُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: «إِنَّ رَجُلًا مِنْ مَوَالِكَ مِنْ صَلَاحَتِهِمْ شَكََا إِلَيَّ مَا يَلْقَى مِنَ النَّوْمِ وَقَالَ لِي: إِنِّي أُرِيدُ الْقِيَامَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فَيَغْلِبُنِي النَّوْمُ حَتَّى أَصْبِحَ، فَرَبَّمَا قَضَيْتُ صَلَاتِي الشَّهْرِ الْمُتَابِعَ أَوِ الشَّهْرَيْنِ أَصْبِرُ عَلَى ثِقَلِهِ، فَقَالَ قُرَّةٌ عَيْنٍ وَآلُهَا قُرَّةٌ عَيْنٍ وَآلُهَا، وَلَمْ يُرَخِّصْ فِي الْوَتْرِ أَوَّلَ اللَّيْلِ فَقَالَ: الْقَضَاءُ بِالنَّهَارِ أَفْضَلُ».

(۱) ۱۳۷۶- امام محمد باقر علیه السلام فرمود: وقت نماز شب از نیمه شب تا آخر شب است.

(۲) ۱۳۷۷- عمر بن حنظله گوید: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من هیچگاه شب است که قصد میکنم برای نماز شب از خواب برخیزم ولی توفیق نمی یابم، آیا می توانم نماز شب را اول شب بخوانم؟ فرمود: نه، بلکه روز قضای آنرا بجا آور زیرا من دوست ندارم این عادت و رویه جاری شود (یا عادت کنی که نماز شب را پیش از وقت بخوانی).

(۳) ۱۳۷۸- از معاویه بن وهب روایت کرده اند که گفت: به آنحضرت (امام صادق علیه السلام) عرض کردم: یکی از شیعیان شما که از صلحا است نزد من از زحمتی که از دست خواب سنگین خود میکشد شکایت کرده و بمن گفت: من قصد میکنم که برای نماز شب از خواب برخیزم، ولی خواب بر من غلبه میکند تا صبح که بیدار می شوم چه بسیار اتفاق میافتد که یک ماه پی در پی یا دو ماه را قضا میکنم و بر من گران است اما بر این دشواری صبر و تحمل میکنم، آنحضرت فرمود: چشمش روشن باد بخدا. چشمش روشن باد بخدا، ولی رخصت خواندن نماز وتر در اول شب را به او نداد و فرمود: قضا کردن آن در روز بهتر و افضل است.

۱۳۷۹- و رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ مُسْكَانَ، عَنْ كَيْسِ بْنِ الْمُرَادِيِّ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا

عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي الصَّيْفِ فِي اللَّيَالِي الْقِصَارِ صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ نَعَمْ مَا رَأَيْتُ وَنِعْمَ مَا صَنَعْتُ» يَعْنِي فِي السَّفَرِ.

۱۳۸۰- وَقَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَخَافُ الْجَنَابَةَ فِي السَّفَرِ أَوْ فِي الْبُزْدِ

فَيُعَجِّلُ صَلَاةَ اللَّيْلِ وَالْوُتْرَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ، فَقَالَ: نَعَمْ».

۱۳۸۱- وَ رَوَى أَبُو جَرِيرٍ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ

عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: «صَلَّ صَلَاةَ اللَّيْلِ فِي السَّفَرِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ فِي الْمَحَلِّ، وَالْوُتْرَ، وَرَكَعَتَيْ الْفَجْرِ».

و كُلُّ مَا رَوَى مِنْ الْإِطْلَاقِ فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ فَإِنَّمَا هُوَ فِي السَّفَرِ

شرح: «از اینکه فرمود: قضا کردن آن در روز بهتر و افضل است معلوم میشود میتوان آنرا پس از نماز عشا بجای آورد لکن اگر میتواند آنرا قضا کند بهتر است که در اول شب بخواند».

۱۳۷۹- عبدالله بن مسكان از ابی بصیر روایت کرده که گفت: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم در مورد نماز شب که آیا در فصل تابستان و شبهای کوتاه می توان نماز شب را اول شب بجا آورد؟ فرمود: آری، و چه خوب بخاطرت رسیده و خوب میکنی که پیش از نیمه شب میخوانی.

مؤلف - رحمه الله میفرماید: یعنی در سفر خوب میکنی. (یعنی در حضر چنین رخصتی نداده اند).

۱۳۸۰- و باز گوید: از آنحضرت سؤال کردم در مورد شخصی که در سفر نگران است مباد محترم شود یا در سرمای سخت نتواند، پس هشت رکعت نماز شب و سه رکعت نماز وتر را در اول شب میخواند، درست است؟ فرمود: آری.

۱۳۸۱- ابوجریر بن ادريس از امام کاظم علیه السلام روایت کرده گوید: آنحضرت فرمود: وقتی در سفر هستی نماز شب را از همان آغاز شب در کجاوه بخوان، و همچنین سه رکعت نماز وتر و دو رکعت (نافله) صبح را می توانی بخوانی.

صدوق - رحمه الله - میفرماید: همه اخباری که بنحو اطلاق وارد شده و

لِأَنَّ الْمُفَسِّرِينَ الْأَخْبَارَ يَحْكُمُ عَلَى الْمُجْمَلِ.

۱۳۸۲- وَ رَوَى الْعَلَاءُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِيهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «لَيْسَ مِنْ عَبْدٍ إِلَّا وَهُوَ يُوقِظُ فِي لَيْلَتِهِ مَرَّةً أَوْ مَرَّتَيْنِ فَإِنْ قَامَ كَانَ ذَلِكَ، وَإِلَّا جَاءَ الشَّيْطَانُ فَبَالَ فِي أَذُنِهِ، أَوْ لَا يَرَى أَحَدَكُمْ أَنَّهُ إِذَا قَامَ وَلَمْ يَكُنْ ذَلِكَ مِنْهُ قَامَ وَهُوَ مُتَخَيِّرٌ ثَقِيلٌ كَسَلَانٌ».

۱۳۸۳- وَ رَوَى الْحَسَنُ الصَّقِيلُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِنِّي لَأَمُوتُ الرَّجُلَ يَأْتِنِي فَيَسْأَلُنِي عَنْ عَمَلِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَقُولُ: أَرِيدُ؟

إشعار دارد براینکه نماز شب را از اول شب می توان گذارد، همه محمول بر سفر است، زیرا مفسر که اخبار سفر باشد بر مجمل حکم میکند.

شرح: «چنانچه خبر شماره ۱۳۷۹ را که از لیث مرادی است بخوایم بظاهرش عمل کنیم - بدون حمل بر مسافر - دور نرفته ایم، و بسیار مشکل گشا و امیدبخش خواهد بود، زیرا اغلب مردم بخصوص جوانها بدلائل تنبلی در برخاستن از خواب شیرین خاصه در تابستان از قیام به نماز شب سر باز می زنند، و اگر بدین حدیث و نظیرش تمسک شود و جواز خواندن نماز شب پس از عشاء برای اینان تجویز شود، باب آشتی جوانان با نماز شب باز خواهد بود و مسلماً مؤثر و مفید خواهد افتاد، و رفته رفته همین افراد به خواندن نماز شب در وقت مقرر (پس از نیمشب) باز خواهند گشت».

① ۱۳۸۲- وَ عَلَاءُ از محمد بن مسلم و او از یکی دو امام باقر یا صادق علیهما السلام روایت کرده که فرمود: هیچ بنده ای نیست مگر اینکه در طول شب یکبار یا دوبار (فرشتگان) او را از خواب بیدار می کنند، اگر از بستر برخاست که توفیق نماز شب را یافته است، و اگر نه این بار شیطان بجای فرشتگان می آید، و در گوش او بول می کند، آیا ندیده اید که وقتی کسی صبح از خواب بر می خیزد اگر سحر به عبادت برخاسته باشد چقدر افسرده و سنگین و تنبل و کسل است؟!.

② ۱۳۸۳- حسن بن زیاد صیقِل از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: من دشمن میدارم کسی را که نزد من آید و از من درباره روش و عمل رسول خدا صلی الله علیه و آله سؤال کند و بعد گوید: من زیاده بر آن میکنم! (یا بنحو

كَأَنَّهُ يَرَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَصَرَ فِي شَيْءٍ وَ إِنِّي لَأَمُتُ الرَّجُلَ قَدْ قَرَأَ الْقُرْآنَ، ثُمَّ يَسْتَقِظُ مِنَ اللَّيْلِ فَلَا يَقُومُ حَتَّى إِذَا كَانَ عِنْدَ الصُّبْحِ قَامَ يُبَادِرُهُ بِصَلَاتِهِ». ۱۳۸۴- وَ رَوَى أَبُو حَزْمَةَ الثَّمَالِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَأْنَوِي عَبْدٌ أَنْ يَقُومَ آيَةً سَاعَةٍ نَوَى فَعَلِمَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى ذَلِكَ مِنْهُ إِلَّا وَكُلٌّ بِهِ مَلَكَئِينَ يُحَرِّكَانِي يَلُكُ السَّاعَةَ».

۱۳۸۵- وَ رَوَى عِيصُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا غَلَبَ الرَّجُلَ النَّوْمُ وَهُوَ فِي الصَّلَاةِ فَلْيَضَعْ رَأْسَهُ فَلْيَتِمَّ فَإِنِّي أَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ إِنْ أَرَادَ أَنْ يَقُولَ: اَللَّهُمَّ ادْخِلْنِي الْجَنَّةَ أَنْ يَقُولَ: اَللَّهُمَّ ادْخِلْنِي النَّارَ». ۱۳۸۶- وَ رَوَى زَكَرِيَّا الثَّقَافِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي قَوْلِ اللَّهِ غَرَّوَجَلٌ

استفهام گوید: زیاده بر آن می توانم انجام دهم؟! گوئی بنظرش میرسد رسول خدا صلی الله علیه وآله در موردی گوناومی فرموده باشد. و از طرفی نیز دشمن میدارم کسی را که قرآن خوانده باشد و از آن آگاه باشد، آنگاه شب از خواب بیدار شود ولی برای نماز شب قیام نکند تا آن هنگام که صبح شود، بی درنگ برخیزد و نماز صبح کند. (منظور امام علیه السلام اینست که افراط و تفریط هر دو موجب خشم من میشود). ۱۳۸۴- ابو حمزه ثمالی از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: هیچ بنده ای نیست که نیت کند و قصد داشته باشد در ساعتی که میخواهد از خواب بیدار شود، و خداوند تبارک و تعالی بداند که این برخاستن فقط بخاطر رضای او است، مگر اینکه دو فرشته را بر او گمارد تا در همان ساعت مورد نظر او را تکان دهند و از خواب بیدار کنند.

۱۳۸۵- عیص بن القاسم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هرگاه خواب بر شخص غلبه کند و او در حال نماز باشد باید سر بر بستر گذارد و بخسبد زیرا بر او بیمناکم و می ترسم اگر بخواهد بگوید: بار خدایا مرا داخل بهشت فرما، در حال خواب آلودگی و بی خبری بگوید: بار خدایا مرا به آتش جهنم داخل ساز.

۱۳۸۶- زکریای نقاص از امام باقر علیه السلام روایت کرده که در مورد

«لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» قَالَ: مِنْهُ سُكْرُ النَّوْمِ.

بَابُ

«(مَا يَقُولُ الرَّجُلُ إِذَا اسْتَيْقَظَ مِنَ النَّوْمِ)»

۱۳۸۷- كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَوَى إِلَى فِرَاشِهِ قَالَ:

«يَا سَمِيعَ اللَّهِ أَخِيَا وَيَا سَمِيعَ أَمُوتُ» فَإِذَا اسْتَيْقَظَ قَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ».

۱۳۸۸- وَرَوَى جَرَّاحُ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا قَامَ

أَحَدُكُمْ فَلْيَقُلْ: «سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، وَإِلَهُ الْمُرْسَلِينَ، وَرَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُخَيِّبُ الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» فَإِنَّهُ إِذَا قَالَ ذَلِكَ يَقُولُ اللَّهُ

فرمایش خداوند عز و جل که میفرماید: «لَا تَقْرَبُوا الصَّلَاةَ وَأَنْتُمْ سُكَارَى حَتَّى تَعْلَمُوا مَا تَقُولُونَ» (یعنی: وقتی در حال مستی و بی خبری هستی به نماز نزدیک نشوید تا هنگامیکه بدانید چه میگویند) آنحضرت فرمود: از جمله مستیها، بی خبری و مستی خواب است.

*(بَابُ دَعَاهَاتٍ كَمَا يَبْدَأُ بِهَا إِذَا اسْتَيْقَظَ مِنَ النَّوْمِ) *

۱۳۸۷- رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَرَّاهُ بِهَ بَسْرَ خَوِيشِ مِيرَفَتِ اَيْنِ دَعَا رَا مِيخَوَانْد: «يَا سَمِيعَ اللَّهِ أَخِيَا وَيَا سَمِيعَ أَمُوتُ» يَعْنِي: بَارِخْدَايَا بِنَامِ تُو زَنْدَهَام وَ بِنَامِ تُو جَانِ مِي سِيَارَم، وَ چُونِ اَزْ خَوَابِ بَرْمِيخَاسْتِ اَيْنِ دَعَا رَا مِيخَوَانْد: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَحْيَانِي بَعْدَ مَا أَمَاتَنِي وَإِلَيْهِ النُّشُورُ» يَعْنِي: هَمِّ حَمْدِهَاو سَتَايشِ هَا مَخْصُوصِ خَدَاوَنْدِ اسْتِ كِهْ مَرَا پَسِ اَزْ آنَكِهْ (بِخَوَابِ) اَزْ دُنْيَا بَرْدَه بُوَد دُو بَارَهْ زَنْدَكِي بَخْشِيد، وَ بَا زَكْشْتِ وَ رَسْتَاخِيَزِ بَسُوِي اَوْسْت.

۱۳۸۸- جَرَّاحُ الْمَدَائِنِيِّ اَزْ اِمَامِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتِ كَرْدَه كِهْ فَرَمُود: هَر گَاهْ كِهْ يَكِي اَزْ شَمَا دَرِ آخِرِ شَبِّ اَزْ خَوَابِ بَرخيزد بَايَدِ اَيْنِ دَعَا رَا بَخَوَانْد: «سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَ اِلَهَ الْمُرْسَلِينَ وَ رَبَّ الْمُسْتَضْعَفِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُخَيِّبُ الْمَوْتَى وَهُوَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ» يَعْنِي: (تَنْزِيَهْ مِيكَمْ وَ مَنْزَهْ مِيدَانِمِ خَدَاوَنْدِي رَا كِهْ پَرُورْدِ گَارِ جَلَهْ پِيَا مَبْرَانِ وَ خَدَايِ رَسُولَانِ وَ فَرَسْتَادِ گَانِ مَرْسَلِ اسْتِ، وَ هَمِ اَوْ

تَبَارَكَ وَتَعَالَى: صَدَقَ عَبْدِي وَشَكَرَ».

۱۳۸۹- وَرَوَى عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «كَانَ

إِذَا قَامَ آخِرَ اللَّيْلِ رَفَعَ صَوْتَهُ حَتَّى يَسْمَعَ أَهْلُ الدَّارِ [و] يَقُولُ: اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ الْمُطْلَعِ، وَوَسِّعْ عَلَيَّ الْمُضْجَعَ، وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ، وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ».

۱۳۹۰- وَفِي خَيْرِ آخِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا قُمْتَ مِنْ فِرَاشِكَ

فَانْظُرْ فِي أَفْقِ السَّمَاءِ وَقُلْ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي أَغْبَدُهُ وَأَحْمَدُهُ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُوَارِي مِنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ، وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ، وَلَا بَحْرٌ لَاجِئٌ يُدْلِجُ بَيْنَ يَدَيِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ. تَعْلَمُ خَائِنَتَهُ الْأَعْيُنُ

پروردگار مستضعفان است، و همه محامد مخصوص خداوند است که مردگان را زنده می‌سازد، و او بر هر چیزی توانا است). و چون شخص این دعا را بخواند خداوند تبارک و تعالی می‌فرماید: بنده من این سخن را براستی و از سر صدق گفت و شکرگزاری نمود.

① ۱۳۸۹- عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَجَّاجِ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که مرسوم و معمول آنحضرت چنین بود که: هرگاه آخرشب از خواب بربخیزد صدای خود را بلند میکرد چندانکه همه اهل خانه می‌شنیدند و این دعا را بصندای بلند میخواند: «اللَّهُمَّ أَعِنِّي عَلَى هَوْلِ الْمُطْلَعِ، وَوَسِّعْ عَلَيَّ الْمُضْجَعَ، وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا قَبْلَ الْمَوْتِ، وَارْزُقْنِي خَيْرَ مَا بَعْدَ الْمَوْتِ» یعنی: (بارخدا یا بر هراس و ترسی که در آغاز سفر قیامت مشرف شوم یاری فرما، و آرامگاه مرا گشاده و فراخ ساز، و آنچه خونی پیش از مرگست روزیم گردان، و نیز آنچه خونی که پس از مرگ است نصیبم ساز).

② ۱۳۹۰- و در خبر دیگری از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده‌اند که فرمود: هرگاه از بستر خویش برخاستی به اطراف آسمان نگاه کن و این دعا را بخوان: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي رَدَّ عَلَيَّ رُوحِي أَغْبَدُهُ وَأَحْمَدُهُ، اللَّهُمَّ إِنَّهُ لَا يُوَارِي مِنْكَ لَيْلٌ سَاجٍ وَلَا سَمَاءٌ ذَاتُ أَبْرَاجٍ، وَلَا أَرْضٌ ذَاتُ مِهَادٍ، وَلَا ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ، وَلَا بَحْرٌ لَاجِئٌ يُدْلِجُ بَيْنَ يَدَيِ الْمُدْلِجِ مِنْ خَلْقِكَ. تَعْلَمُ خَائِنَتَهُ الْأَعْيُنُ

وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ غَارَتِ النُّجُومُ وَنَامَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِلَيْهِ الْمُرْسَلِينَ وَخَالِقِ التَّيِّبِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ» ثُمَّ اقْرَأْ خَمْسَ آيَاتٍ مِنْ آخِرِ آلِ عِمْرَانَ. «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ - إِلَى قَوْلِهِ - إِنَّكَ لَا تَخْلِفُ الْمِيعَادَ».

وَعَلَيْكَ بِالسَّوَالِكِ فَإِنَّ السَّوَالَكَةَ قَبْلُ الْوُضُوءِ مِنَ السُّنَّةِ، ثُمَّ تَوَضَّأَ.

وَمَا تُخْفِي الصُّدُورُ، غَارَتِ النُّجُومُ وَنَامَتِ الْعُيُونُ وَأَنْتَ الْحَيُّ الْقَيُّومُ، لَا تَأْخُذُكَ سِنَةٌ وَلَا نَوْمٌ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِلَيْهِ الْمُرْسَلِينَ وَخَالِقِ التَّيِّبِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي وَارْحَمْنِي وَتُبْ عَلَيَّ إِنَّكَ أَنْتَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ».

(یعنی: حمد و سپاس آن خداوندی را که روح مرا بمن بازگردانید که او را پپرستم و حمد کنم، خداوند امانا شئی که پوشاننده همه چیز است با ظلمت خود چیزی را از تو غمی پوشاند، و آسمان نیز که مزین به کواکب است، و همچنین زمین که جایگاه آرامش یافتن مخلوقات است چیزی را بر تو غمی پوشاند، و نیز تاریکیها که پاره ای از آن بالای تکه های تاریکی دیگر انباشته شده، و نیز دریای ژرف و موج یا میان دریا که ظلمتی عمیق دارد هیچکدام چیزی را از تو غمی پوشاند، و تو خیانت چشمها و آنچه از اسرار که در دها نهانست همه را میدانی، ستارگان پس از درخشیدن آرام آرام از نور رفتند، و چشمهای خلائق بخواب رفت درحالیکه تو پیوسته زنده و پابرجائی و هرگز تورا چرت زدن و خواب نمیگیرد، تسبیح و تنزیه میکنم و بپاکی یاد می کنم خداوندی را که پروردگار عالمیان است، و خدای پیامبران مرسل و آفریننده پیغمبران است، و حمد و سپاس مخصوص خدایی است که خالق جهانیان است، بار خدایا مرا بپامرز و بر من رحمت آور و توبه ام را بپذیر، که همانا تو خود توبه پذیر و مهربانی).

آنگاه پنج آیه آخر سورة آل عمران را از «إِنَّ فِي خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ تَا لَا تُخْلِفُ الْمِيعَادَ» بخوان.

و بر توباد مسواک کردن دندانها که مسواک زدن در محرگاه و پیش از وضو سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله است، آنگاه وضو ساز.

۱۳۹۱- و رَوَى أَبُو عُبَيْدَةَ الْحَدَّاءُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ

عَزَّ وَجَلَّ: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ» فَقَالَ: لَعَلَّكَ تَرَى أَنَّ الْقَوْمَ لَمْ يَكُونُوا يَنَامُونَ؟ فَقُلْتُ: اللَّهُ وَرَسُولُهُ أَعْلَمُ، فَقَالَ: لَا بُدَّ لِهَذَا الْبَدَنِ أَنْ تُرِيحَهُ حَتَّى يَخْرُجَ نَفْسُهُ، فَإِذَا خَرَجَ النَّفْسُ اسْتَرَاحَ الْبَدَنُ وَرَجَعَتِ الرُّوحُ فِيهِ وَفِيهِ قُوَّةٌ عَلَى الْعَمَلِ، فَإِنَّمَا ذَكَرَهُمْ فَقَالَ: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ يَدْعُونَ رَبَّهُمْ خَوْفًا وَطَمَعًا» أَنْزَلَتْ فِي أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَتْبَاعِهِ مِنْ شِيعَتِنَا يَنَامُونَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فَإِذَا ذَهَبَ ثُلُثَا اللَّيْلِ أَوْ مَا شَاءَ اللَّهُ فَرَعُوا إِلَى رَبِّهِمْ، رَاغِبِينَ رَاهِبِينَ طَامِعِينَ فِيمَا عِنْدَهُ، فَذَكَرَهُمُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي كِتَابِهِ لِنَبِيِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَخْبَرَهُمْ بِمَا أَعْطَاهُمْ وَأَنَّهُ أَشْكَنَهُمْ فِي جَوَارِهِ

(۱) ۱۳۹۱- ابو عبیده حدّاء از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده در مورد تفسیر این آیه که خداوند عزّ و جلّ میفرماید: «تَتَجَافَى جُنُوبُهُمْ عَنِ الْمَضَاجِعِ» یعنی: پهلوهایشان از خوابگاه و بستر جدا و تهی میماند. آنحضرت فرمود: شاید تو گمان میکنی مراد اینست که آن گروه مورد بحث بکلی غمی خفتند؟ عرض کردم: خداوند و رسولش داناترند، حضرت فرمود: این بدن چنانست که ناگزیر باید آنرا استراحت و آرامش دهی تا روح از آن بیرون رود (یا از حرکت و جنب و جوش و دریافتهای جسی و تعقل و امثال آن بیفتد و در ظاهر همچون مردگان باشد) و چون جان از تن بیرون رفت، بدن استراحت می یابد و بعد روح به آن بازمیگردد و چون درون بدن رفت تن آدمی را قوّتی پدید میآید و نیروی کار می یابد، خداوند متعال آنان را یاد فرموده یا ایشانرا در آیه خاطر نشان شما میسازد و میفرماید: پهلوهایشان از خوابگاه تهی شود، و پروردگارشان را گاه از روی بیم و زمانی از سر امیدواری بخوانند و آیه دربارهٔ امیرالمؤمنین علیه السلام و پیروان آنحضرت که از شیعیان ما هستند نازل شده است که ایشان در آغاز شب می خسبند و چون دوسوم از شب یا اندکی بیش و کم چندانکه خدا خواهد بگذرد برخیزند و ملتمسانه به پروردگارشان توسّل جویند با حال و اشتیاق، و ترس از عذاب، و امیدواری و چشمداشت بدانچه از ثوابها که نزد اوست، پس خداوند عزّ و جلّ در کتاب خویش برای پیامبرش آنان را یاد میکند، و ایشانرا از آنچه به آنان عطا میفرماید آگاه میسازد و خبردارشان می کند که آنانرا در جوار

وَأَدْخَلَهُمْ جَنَّتهُ، وَآمَنَ خَوْفَهُمْ وَآمَنَ رَوْعَتِهِمْ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنْ أَنَا قُمْتُ فِي آخِرِ اللَّيْلِ أَيْ شَيْءٍ أَقُولُ إِذَا قُمْتُ؟ فَقَالَ: قُلْ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِلَهُ الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُخَيِّبُ الْمَوْتَى وَيَتَعَثَّ مَنْ فِي الْقُبُورِ» فَإِنَّكَ إِذَا قُلْتَهَا ذَهَبَ عَنْكَ رِجْزُ الشَّيْطَانِ وَوَسْوَاسُهُ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى».

باب

* (الْقَوْلُ عِنْدَ صُرَاخِ الدَّيْلِ) *

۱۳۹۲ - قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا سَمِعْتَ صُرَاخَ الدَّيْلِ فَقُلْ: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

خویش جای میدهد و داخل بهشت می‌کند و از بیم و هراس و خوف، ایشان را امین می‌سازد، راوی گوید عرض کردم: هدایت کردم اگر در آخر شب برای عبادت برخاستم هنگام برخاستن چه ذکر می‌بخوانم؟ فرمود: بگو: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَإِلَهُ الْمُرْسَلِينَ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي يُخَيِّبُ الْمَوْتَى وَيَتَعَثَّ مَنْ فِي الْقُبُورِ».

یعنی (حمد و سپاس مخصوص پروردگار عالمان و خدای پیامبران است و نیز حمد و ستایش از آن خداوندی است که مردگان را زنده می‌سازد و جمله خفتگان در گورها را برای حسابخواهی زنده می‌کند و برمی‌انگیزد).

و تو هنگامیکه این دعا را بخوانی خداوند پلیدی و وسوسه‌های شیطان را از تو دور خواهد ساخت إِنْ شَاءَ اللَّهُ.

باب

* (دربیان دعائی که در وقت شنیدن آواز خروس می‌خوانند) *

۱۳۹۲ - امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه صدای آواز خروس شنیدی این دعا را بخوان: «سُبُّوحٌ قُدُّوسٌ رَبُّ الْمَلَائِكَةِ وَالرُّوحِ، سَبَقَتْ رَحْمَتُكَ غَضَبَكَ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، سُبْحَانَكَ وَبِحَمْدِكَ، عَمِلْتُ سُوءًا وَظَلَمْتُ نَفْسِي فَاعْفِرْ لِي، إِنَّهُ لَا يَغْفِرُ الذُّنُوبَ إِلَّا أَنْتَ».

یعنی: ایاک و منزه است خداوند و پروردگار فرشتگان و روح القدس،

۱۳۹۳- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «تَعَلَّمُوا مِنَ الذِّبْكِ حَسَنَ خِصَالٍ: مُحَافَظَتُهُ عَلَى أَوْقَاتِ الصَّلَاةِ، وَالْغَيْرَةِ، وَالشَّخَاءِ، وَالشَّجَاعَةِ، وَكَثْرَةُ الظُّرُوقَةِ».

۱۳۹۴- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «تَعَلَّمُوا مِنَ الْغَرَابِ ثَلَاثَ خِصَالٍ: اسْتِتَارُهُ بِالسَّفَادِ، وَبُكُورُهُ فِي ظَلَبِ الرِّزْقِ وَحَذَرُهُ».

۱۳۹۵- وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ يَتُو تَبَارَكَ وَتَعَالَى مَلَكًا عَلَى صُورَةِ ذِيكَ أَبْيَضَ، رَأْسُهُ تَحْتَ الْعَرْشِ وَرِجْلَاهُ فِي نُحُومِ الْأَرْضِ السَّابِقَةِ، لَهُ جَنَاحٌ فِي الْمَشْرِقِ وَجَنَاحٌ فِي الْمَغْرِبِ، لَا تَصْبُحُ الذُّيُوبُ حَتَّى تَصْبَحَ، فَإِذَا صَاحَ خَفَقَ بِجَنَاحَيْهِ ثُمَّ قَالَ: «سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ» قَالَ:

خداوند رحمت تو همواره بر خشم تو پیشی گرفته است و معبودی جز تو نیست، تو را تنزیه و تسبیح می‌کنم و حمد تو می‌گویم، مرتکب بدی و گناه شده‌ام و بر خویشتن ستم کرده‌ام از گناه‌ام درگذر که هیچکس جز تو نیست که بتواند گناهانرا ببخشد.

۱۳۹۳- و نیز آنحضرت (امام صادق) علیه السلام فرمود: پنج صفت را از خروس بیاموزید: مراقبت و محافظت او بر اوقات نمازها (که چون نماز در رسد آواز بر میدارد) و غیرت، و سخاوت، و دلیری، و بالآخره بسیاری جماع.

۱۳۹۴- و نیز آنحضرت علیه السلام فرمود: از کلاغ سه خصلت را فرا گیرید: اول آنکه جماع را پنهان و پوشیده از چشم دیگران انجام میدهد، دوم: صبح زود بطلب روزی میرود، سوم: آنکه احتیاط فراوان بکار میبرد.

۱۳۹۵- امام باقر علیه السلام فرمود: خداوند تبارک و تعالی را فرشته‌ای است که بشکل خروس سفید است، سر او زیر عرش و پاهایش در منتهای زمین هفتم است. یک بال او در مشرق و بال دیگرش در مغرب است، تا آن خروس آواز بر ندارد هیچ خروسی نمیخواند، و چون او آواز برداشت بالهای خود را برهم میزند و سپس این ذکر را میخواند: سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ، سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ الَّذِي لَيْسَ كَمِثْلِهِ شَيْءٌ. یعنی منزّه است خداوند، منزّه است خداوند، منزّه است خداوند بزرگ که هیچ چیزی شبیه و همانند او نیست. آنحضرت فرمود: پس خداوند تبارک و تعالی او را پاسخ میدهد و میفرماید: کسی که گفته تو را بفهمد هرگز بدروع مر قسم نخورد.

فَيُجِيبُهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَيَقُولُ: لَا يَخْلِفُ بِي كَاذِبًا مَنْ يَعْرِفُ مَا تَقُولُ».

۱۳۹۶ - وَرَوَى: «أَنَّ فِيهِ نَزَلَتْ: «وَالظَّيْرُ صَافَاتٍ كُلُّ قَدْ عَلِمَ صَلَوتَهُ

وَتَشْبِيحَهُ».

۱۳۹۷ - وَرَوَى: «أَنَّ حَمَلَةَ الْعَرْشِ الْيَوْمَ أَرْبَعَةٌ: «وَاحِدٌ مِنْهُمْ عَلَى صُورَةِ

الدَّيْلِ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلظَّيْرِ، وَوَاحِدٌ عَلَى صُورَةِ الْأَسَدِ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ تَعَالَى

لِلسَّبَاحِ، وَوَاحِدٌ عَلَى صُورَةِ الثَّوْرِ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ تَعَالَى لِلْبَهَائِمِ، وَوَاحِدٌ مِنْهُمْ عَلَى صُورَةِ

آدَمَ يَسْتَرْزِقُ اللَّهُ تَعَالَى لِوُلَدِ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: فَأِذَا كَانَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ صَارُوا ثَمَانِيَةً، قَالَ

اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةً».

شرح: «اینگونه اخبار چنانچه بدون تصرف از امام معصوم علیه السلام

رسیده باشد، ظاهرش حتماً مراد نیست و اشاره و رمز از حقیقی است که شاید

فهمش برای عموم مشکل باشد. و ظاهرش مراد نیست چون خلاف اعتبار است و اگر

بنا باشد که آن خروس عرشی هرگاه بخواند دیگر خروسان فرشی با آواز درآیند پس

باید همه اوقات آن خروس عرشی بخواند، چون هر آن در جانی از کره زمین وقت نماز

است بحساب گردش آفتاب».

① ۱۳۹۶ - وَرَوَى كَرْدَه‌اند: این آیه که میفرماید: وَالظَّيْرُ صَافَاتٍ كُلُّ

قَدْ عَلِمَ صَلَوتَهُ وَتَشْبِيحَهُ» یعنی (و مرغانی که در هوا صف زده‌اند و پرواز می‌کنند

خداوند نماز و تسبیح هر کدام از آنان را میداند) درباره همین فرشته نازل شده است.

② ۱۳۹۷ - وَنِيز رَوَى كَرْدَه‌اند: حاملان عرش الهی امروز چهارند: یکی از

آنان بصورت خروس است و کارش اینست که برای مرغان هوا از خداوند عزَّ وَجَلَّ

طلب روزی میکند، یکی دیگر از آنها بصورت شیر است و برای درندگان از خداوند

تعالی روزی میطلبد، و دیگری بصورت گاو است و او برای چهار پایان اهلی از

خداوند تعالی طلب روزی میکند و بالاخره چهارمی بصورت آدمزاد است و او برای

فرزندان آدم علیه السلام از خداوند تعالی درخواست روزی می‌کند و چون روز رستخیز

فرا میرسد همین چهار موجود به هشت تن حاملان عرش تبدیل می‌شوند که خداوند

عزَّ وَجَلَّ در قرآن فرموده: «وَيَحْمِلُ عَرْشَ رَبِّكَ فَوْقَهُمْ يَوْمَئِذٍ ثَمَانِيَةً»، یعنی و در آن

باب

* (القول عند القيام إلى صلاة الليل) *

۱۳۹۸ - قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَقُومَ إِلَى صَلَاةِ اللَّيْلِ فَقُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِتَبِيَّتِكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَآلِهِ وَأَقْدَمُهُمْ بَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِي، فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِهِمْ وَلَا تُعَذِّبْنِي بِهِمْ وَاهْدِنِي بِهِمْ وَلَا تُضِلَّنِي بِهِمْ، وَارْزُقْنِي بِهِمْ وَلَا تُخْرِمْني بِهِمْ، وَأَقْضِ لِي حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ، وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

روز که قیامت واقع شود عرش پروردگارت را بر سر اهل محشر هشت فرشته حمل کنند.

باب

* (در بیان دعائیکه هنگام برخاستن برای نماز شب میخوانند) *

۱۳۹۸ - امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه خواستی بنماز شب بایستی این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَتُوجَّهُ إِلَيْكَ بِتَبِيَّتِكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ وَآلِهِ، وَأَقْدَمُهُمْ بَيْنَ يَدَيِ حَوَائِجِي، فَاجْعَلْنِي بِهِمْ وَجِهاً فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَمِنَ الْمُقَرَّبِينَ، اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي بِهِمْ وَلَا تُعَذِّبْنِي بِهِمْ، وَاهْدِنِي بِهِمْ وَلَا تُضِلَّنِي بِهِمْ، وَارْزُقْنِي بِهِمْ وَلَا تُخْرِمْني بِهِمْ، وَأَقْضِ لِي حَوَائِجِي لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ، إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ وَبِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ».

یعنی: (بارخدا یا من بسوی تو روی میآورم با متابعت و شفاعت پیامبرت که پیام آور رحمت است و خاندان او در حالیکه به آنان اقتدا کرده و حق ایشان را می شناسم و پیشاپیش حوائج خود آنانرا شفیع میگردانم، پس بواسطه ایشان و بحق ایشان مرا در دنیا و آخرت روسفید و آبرومند گردان و از مقربین ساز، بارخدا یا بحق آنان و مرتبه و مقام ایشان در پیشگاه خودت بر من ببخشای و از گناهانم درگذر، و بواسطه محروم شدن از شفاعت آنان یا مخالفت با ایشان مرا گرفتار مساز، و نیز مرا بوسیله آنان هدایت فرما و بسبب مخالفت ایشان و عدم پیروی از آنان گمراه مساز و ببرکت آنان مرا روزی عطا فرما و بواسطه آنان و بحق ایشان که مرا از لطایف خویش محروم و بی بهره مساز، و حوائج دنیوی و اخروی یا نیازهای مادی و معنوی مرا برآورده گردان که البته تو بر هر کاری توانا و از همه چیز آگاهی).

باب

* (الصلوات التي جرت السنة بالتوجه فيها) *

من السنة التوجه في ميت صلوات وهي أول ركعة من صلاة الليل،
والمفردة من الوتر، وأول ركعة من ركعتي الزوال، وأول ركعة من ركعتي
الإحرام، وأول ركعة من نوافل المغرب، وأول ركعة من الفريضة، كذلك ذكره
أبي - رضي الله عنه - في رسالته إلي.

* (باب صلاة الليل) *

قال الله تبارك وتعالى لئنبي صلى الله عليه وآله: «وَمِنَ اللَّيْلِ فَسُجِّدْ بِهِ نَافِلَةً

باب

* (در بیان نمازها بیکه سنت رسول صلی الله علیه وآله بر توجه) *

* (واهتمام نسبت به آنها جاری شده است) *

از سنت های پیامبر خدا صلی الله علیه وآله و از جمله مستحبات توجه نسبت به
شش نماز است و آنها عبارتست از رکعت اول نماز شب، و یک رکعت وتر، و رکعت
اول از دو رکعت اول (از هشت رکعت نافله پیشین) و رکعت اول از دو رکعت نافله
إحرام، و رکعت اول از نافله مغرب، و رکعت اول از همه نمازهای فريضة.

صدوق رحمه الله علیه - بدنبال نقل خبر میافزاید: و پدرم - که خدا از او
خشنود باد - در رساله خود که برایم فرستاده آنرا همین گونه ذکر کرده است.

شرح: «منظور از توجه همان تکبیرات افتتاحیه و قراءت این آیه است
«وَجْهَتُ وَجْهِي لِلَّذِي فَطَرَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ - قَا آخِر آيَةٍ -» و نیز شهید
- رضوان الله علیه - در الذکری فرموده: نزدیکتر آنست که استحباب آن هفت تکبیر
را در همه نمازها تعمیم دهیم. لکن علی بن بابویه - پدر مؤلف کتاب رحمه الله -
استحباب را مختص بهمان شش مورد یاد شده میداند.

* (باب در بیان چگونگی و ادعیه مربوط بنماز شب) *

خداوند تبارک و تعالی به پیامبر خود صلی الله علیه وآله فرموده است:
«وَمِنَ اللَّيْلِ فَسُجِّدْ بِهِ نَافِلَةً لَّكَ عَسَىٰ أَنْ يَبْعَثَكَ رَبُّكَ مَقَامًا مَّحْمُودًا» یعنی:

لَكَ عَسَى أَنْ يَتَغَنَّكَ رَبُّكَ مَقَاماً مَحْمُوداً» فصارت صَلَاةُ اللَّيْلِ فَرِيضَةً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَتَهَجَّدْ، وَهِيَ لِغَيْرِهِ مَسْئَةٌ وَنَافِلَةٌ.

۱۳۹۹- وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي وَصِيَّتِهِ يُعَلِّي عَنْهُ السَّلَامُ: «يَا

عَلِيُّ عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، [و] عَلَيْكَ بِصَلَاةِ النَّهْلِ [و] عَلَيْكَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ».

فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تُصَلِّيَهَا فَكَبِّرِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ سَبْعاً، وَاحْمَدْهُ سَبْعاً، ثُمَّ تَوَجَّهْ ثُمَّ صَلِّ رُكْعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدَ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَتَقْرَأُ فِي الثَّلَاثِ الرُّكْعَاتِ بِمَا أُخْبِيتَ إِنْ شِئْتَ طَوَّلْتَ وَإِنْ شِئْتَ قَصَّرْتَ.

۱۴۰۰- وَرُوِيَ «أَنْ مَنْ قَرَأَ فِي الرُّكْعَتَيْنِ الْأُولَتَيْنِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ فِي كُلِّ

و پاره‌ای از شب را به خواندن نماز شب به شب زنده‌داری پرداز که نماز شب از مختصات تو است، امید است پروردگارت تو را مقام و منزلتی پسندیده عطا فرماید) پس نماز شب بسبب فرمایش خداوند عز و جل که میفرماید فَتَهَجَّدْ (شب زنده‌داری کن) بر رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَرِيضَةٌ است، ولی برای دیگران همان نماز سنت و نافلة یا مستحب است.

① ۱۳۹۹- و پیامبر خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ضمن سفارشها و وصیتهای خود به امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ای علی بر تود باد مداومت و مراقبت بر نماز شب [و] بر تود باد مداومت بر نماز شب [و] بر تود باد مداومت بر نماز شب (یا تو را سفارش میکنم که مبدا هرگز نماز شب از توفوت شود).

و چون خواستی نماز شب بخوانی پس هفت بار تکبیر خداوند عز و جل بگو، و هفت بار حمد کن خداوند را، پس دعای تَوَجَّه (هفت تکبیر و سه دعای تَوَجَّه) را بخوان، آنگاه دو رکعت نماز کن که در رکعت اول الحمد و سوره قل هو الله أحد، و در رکعت دوم الحمد و سوره قل يا ايها الكافرون را میخوانی، و در شش رکعت دیگر هر سوره‌ای را که دوست داری میخوانی. اگر خواستی سوره‌های بلند و اگر خواستی سوره‌های کوتاه را بخوان یا چنانچه خواهی طولانی بخوان و اگر نه کوتاه کن.

② ۱۴۰۰- و روایت کرده‌اند (از امام صادق علیه السلام) که هرکس در دو

رَكْعَةٍ مِنْهَا الْحَمْدُ مَرَّةً وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ ثَلَاثِينَ مَرَّةً انْقُضَ وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَنْبٌ إِلَّا غُفِرَ لَهُ».

وَتَقْرَأُ فِي رَكْعَتَيْ الشَّفْعِ وَرَكْعَةِ الْوُتْرِ «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» وَأَفْصِلُ بَيْنَ الشَّفْعِ وَالْوُتْرِ بِسَلَامَةٍ.

۱۴۰۱- وَرُوي «أَنَّ مَنْ قَرَأَ فِي الْوُتْرِ بِالْمُعَوِّذَتَيْنِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، قِيلَ لَهُ أَبَشِّرْ يَا عَبْدَ اللَّهِ فَقَدْ قَبِلَ اللَّهُ وَتَرَكَ».

وَالْقُنُوتُ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ، وَالْقِرَاءَةُ بِهَا جَهَارًا.

وَالْقُنُوتُ فِي الْوُتْرِ قَبْلَ الرُّكُوعِ.

وَإِنْ قُمْتَ وَلَمْ تَكُنْ عَلَيْكَ مِنَ الْوَقْتِ بِقَدْرٍ مَا تُصَلِّي فِيهِ صَلَاةَ اللَّيْلِ عَلَى مَا تُرِيدُ فَصَلِّهَا وَأَدْرِجْهَا إِدْرَاجًا، وَالْإِدْرَاجُ أَنْ تَقْرَأَ فِي كُلِّ رَكْعَةِ الْحَمْدِ وَخَدَّهَا، فَإِنْ

رکعت اول نماز شب در هر کدام از آندو یکبار الحمد و سی مرتبه سوره توحید را بخواند وقتی از آن نماز فارغ شود میان او و خداوند عز و جل گناهی نباشد مگر آنکه خداوند بر او بخشیده باشد.

و در دو رکعت شفع و یک رکعت وتر قل هو الله احد را میخوانی، و میان دو رکعت شفع و یک رکعت وتر با سلامی فاصله بیفکن (یعنی بصورت نماز سه رکعتی بخوان).

① ۱۴۰۱- و نیز روایت کرده اند که هرکس در نماز وتر مُعَوِّذَتَيْنِ (قل أعوذ برب الفلق و قل أعوذ برب الناس) و سوره توحید را بخواند، (فرشتگان) به او گویند: ای بنده خدا تو را بشارت باد که خداوند سبحان نماز و تر تو را قبول کرد.

و قنوت در تمامی نمازها (نمازهای شب که دو رکعتی خوانده می شود) در رکعت دوم پیش از رکوع و پس از قرائت حمد و سوره است و قرائت را (در نماز شب) بلند باید خواند. و قنوت در نماز وتر پیش از رکوع است.

و اگر (برای نماز شب) از خواب برخیزی و چندان وقت نمانده باشد که بتوانی آنچنانکه میخواهی نماز شب را در آن مدت بجا آوری در این صورت نماز شب

خَشِيتَ طُلُوعَ الْفَجْرِ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ وَأَوْتِرْ بِالنَّائِلَةِ، وَإِنْ طَلَعَ الْفَجْرُ فَصَلِّ رَكَعَتَيِ الْفَجْرِ وَقَدْ مَضَى الْوَقْتُ بِهَا فِيهِ.

وَإِذَا صَلَّيْتَ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ مِنْ قَبْلِ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَأَتِمَّ الصَّلَاةَ طَلَعَ الْفَجْرُ أَوْ لَمْ يَطْلُعْ.

وَقَدْ رُوِيَ رُحُصَةً فِي أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ صَلَاةَ اللَّيْلِ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ الْمَرَّةَ بَعْدَ الْمَرَّةِ، وَلَا يَتَّخِذُ ذَلِكَ عَادَةً.

وَإِذَا كَانَ عَلَيْكَ قَضَاءُ صَلَاةِ اللَّيْلِ فَقُمْتَ وَعَلَيْكَ مِنَ الْوَقْتِ بِقَدَرِ مَا تُصَلِّيُ الْفَائِتَةَ وَصَلَاةَ لَيْلِكَ فَأَبْدُءْ بِالْفَائِتَةِ فَصَلِّ، ثُمَّ صَلِّ صَلَاةَ لَيْلِكَ، فَإِنْ كَانَ الْوَقْتُ بِقَدَرِ مَا تُصَلِّيُ وَاحِدَةً فَصَلِّ صَلَاةَ لَيْلِكَ لَيْلًا تَصِيرُ جَمِيعًا قَضَاءً، ثُمَّ اقْضِ الصَّلَاةَ الْفَائِتَةَ مِنَ الْغَدِ أَوْ بَعْدَ ذَلِكَ.

را بنحو ادراج و اختصار بجای آور، و ادراج اینست که در هر رکعت فقط «الحمد» را بخوانی، و اگر بیم داری که صبح بدمد پس دو رکعت بخوان (که نماز شب کرده باشی) و یک رکعت سؤم را بعنوان وتر بخوان (یا سه رکعت وتر را بخوان). و هرگاه صبح برسد پس دو رکعت نافله نماز صبح را بجای آور که شب رفته و وقت نماز شب گذشته است.

و هرگاه چهار رکعت از نماز شب را پیش از طلوع فجر خواندی در این صورت نماز شب را تا پایان ادامه بده خواه سرزده باشد و خواه سرنزده باشد. و نیز روایاتی چند وارد شده بر سبیل رخصت در مورد اینکه گاه گاهی شخص می تواند نماز شب را پس از طلوع فجر بخواند، ولی چنان نباشد که اینکار را عادت خود سازد.

و هرگاه قضاء نماز شب بر عهده داشته باشی و وقتی بقصد نماز شب از خواب برخاستی ببینی چندان وقت باقی است که نماز قضا و نماز همان شب هر دو را بتوان گزارد، پس ابتدا نماز شب قضا شده را بخوان و پس از آن نماز شب آداء را بجا آور، و اگر وقت بمقداری باشد که فقط یک نماز را بتوانی کرد، در این صورت نماز شب آداء را بخوان، میادا که هر دو قضا شود، آنگاه نماز قضا شده را فردا یا روزهای دیگر بجای آورد.

* (بَابُ دُعَاءِ قُنُوتِ النُّوْتِ) *

- ۱۴۰۲ - كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ فِي قُنُوتِ النُّوْتِ: «اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، وَبَارِكْ لِي فِيمَا أَعْظَيْتَ، وَفِي شَرِّمَا قَضَيْتَ، فَإِنَّكَ تَقْضِي وَلَا يُقْضَىٰ عَلَيْكَ، سُبْحَانَكَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ، وَأُؤْمِنُ بِكَ، وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ يَا رَحِيمٌ».
- ۱۴۰۳ - وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَطْوَلُكُمْ رَاحَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ فِي الْمَوْقِفِ».

باب

* (در بیان دعاهاائی که در قنوت نماز وتر خوانده می شود) *

- ۱۴۰۲ - پیامبر صلی الله علیه و آله در قنوت نماز وتر این دعا را میخواند: (۱)
«اللَّهُمَّ اهْدِنِي فِيمَنْ هَدَيْتَ، وَعَافِنِي فِيمَنْ عَافَيْتَ، وَتَوَلَّنِي فِيمَنْ تَوَلَّيْتَ، سُبْحَانَكَ رَبَّ الْعَالَمِينَ، أَسْتَغْفِرُكَ وَأَتُوبُ إِلَيْكَ، وَأُؤْمِنُ بِكَ وَأَتَوَكَّلُ عَلَيْكَ، لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِكَ يَا رَحِيمٌ».
- (یعنی: بار خدایا مرا به هدایت خاصه خویش هدایت فرما در سلک مقربان که آنان را هدایت فرموده ای، و مرا از بلاها عافیت عطا فرما جز آنانکه عافیت عطایشان فرموده ای، و امور مرا متولی باش و کفایت کن در سلک آن کسانی که متولی امورشان گشته ای و در آنچه بمن کرامت فرموده ای برکت و مبارکی و افزونی قرار ده، و مرا از شر آنچه از بلاها در قضای تو گذشته است حفظ فرما و در پناه خویش نگهدار، که تو خود حکم میکنی و کسی را بر توقضا و حکم نیست، تنزیه میکنم و منزّه میدانم تو را از آنچه درخور تو نیست ای پروردگار کعبه، از تو طلب بخشایش میکنم و بسوی تو باز میگردم و بتو ایمان آورده ام، و بتو توکل میکنم، نیست دگرگونی و گردشی و هیچ قوتی مگر به یاری و یاورى تو، ای خدای مهربان).

- ۱۴۰۳ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هر کدام از شما که در دنیا قنوتش طولانی تر است، روز قیامت که مردم را برای حسابخواهی باز می دارند راحتی او بیشتر خواهد بود. (۲)

۱۴۰۴- وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْقَنُوتُ فِي يَوْمِ الْجُمُعَةِ تَمْجِيدُ [اللَّهِ]

وَالصَّلَاةُ عَلَى نَبِيِّ اللَّهِ، وَكَلِمَاتُ الْفَرَجِ» ثُمَّ هَذَا الدُّعَاءُ.

الْقَنُوتُ فِي الْوَتْرِ كَقُنُوتِكَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، ثُمَّ تَقُولُ قَبْلَ دُعَايِكَ لِتَنْفِسِكَ: «اللَّهُمَّ
تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَبَسَطْتَ يَدَكَ فَأَعْظَيْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَعَظَّمْتَ
جَلْمَكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَجَهَّلَكَ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ وَجْهَتَكَ خَيْرَ الْجِهَاتِ
وَأَعْظَيْتَكَ أَفْضَلَ الْعَظِيَّاتِ وَأَهْنَوَهَا، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ
شِئْتَ، تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ الضَّرَّ وَتَشْفِي السَّقِيمَ وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ،

۱۴۰۴- و امام محمد باقر علیه السلام فرمود: قنوت در روز جمعه عبارتست از
تمجید و تعظیم [خداوند] و درود و صلوات بر پیامبر خدا، و خواندن کلمات فرج و
درخواست گشایش در امور، آنگاه خواندن این دعاء است (که میآید).

و قنوت در نماز وتر همانند قنوتی است که روز جمعه میخوانی، آنگاه پیش از
آنکه برای حوائج خود دعا کنی این دعا را میخوانی: «اللَّهُمَّ تَمَّ نُورُكَ فَهَدَيْتَ
فَلَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَبَسَطْتَ يَدَكَ فَكَلَّمَكَ الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَعَظَّمْتَ جَلْمَكَ فَعَفَوْتَ فَلَكَ
الْحَمْدُ رَبَّنَا، وَجَهَّلَكَ أَكْرَمَ الْوُجُوهِ، وَجْهَتَكَ خَيْرَ الْجِهَاتِ، وَأَعْظَيْتَكَ
أَفْضَلَ الْعَظِيَّاتِ وَأَهْنَوَهَا، تُطَاعُ رَبَّنَا فَتَشْكُرُ، وَتُعْصَى رَبَّنَا فَتَغْفِرُ لِمَنْ شِئْتَ،
تُجِيبُ الْمُضْطَرَّ وَتَكْشِفُ الضَّرَّ وَتَشْفِي السَّقِيمَ وَتُنْجِي مِنَ الْكَرْبِ الْعَظِيمِ، لَا يَجْزِي
بِأَلَايِكَ أَحَدٌ، وَلَا يُخْصِي نِعْمَاءَكَ قَوْلٌ قَائِلٍ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَبْصَارُ، وَنُقِلَتِ
الْأَقْدَامُ، وَمُدَّتِ الْأَعْنَاقُ، وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي، وَذُعِيتِ بِالْأَلْسُنِ وَإِلَيْكَ سِرُّهُمْ
وَنَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَافْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ
وَأَنْتَ خَيْرُ الْفَاتِحِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا عَنَّا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا
وَوُقُوعَ الْيَمِّ بَيْنَنَا، وَتَظَاهَرَ الْأَعْدَاءِ عَلَيْنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا، وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، فَارْجُ ذَلِكَ
يَا رَبِّ بِفَشْحِ مِثْكَ تُعَجِّلُهُ، وَنَضْرِ مِثْكَ تُعِزُّهُ، وَإِمَامٍ عَدِلٍ تَظْهِرُهُ، إِلَهَ الْحَقِّ
رَبَّ الْعَالَمِينَ»

(یعنی: بار خدایا نور تو تمام است، و همه عالمیان را بسوی خویش هدایت
فرمودی، پس حمد و سپاس تو را ای پروردگار ما (یا تویی پروردگار ما) و دست

لَا تَجْزِي بِالْآتِكَ أَحَدٌ وَلَا يُخْصِي نِعْمَتَكَ قَوْلُ قَائِلٍ، اللَّهُمَّ إِلَيْكَ رُفِعَتِ الْأَبْصَارُ
وَنُقِلَتِ الْأَقْدَامُ، وَمُدَّتِ الْأَعْنَاقُ وَرُفِعَتِ الْأَيْدِي، وَدُعِيَتْ بِالْأَلْسِنُ وَإِلَيْكَ سِرُّهُمْ
وَنَجْوَاهُمْ فِي الْأَعْمَالِ، رَبَّنَا اغْفِرْ لَنَا وَارْحَمْنَا وَافْتَحْ بَيْنَنَا وَبَيْنَ قَوْمِنَا بِالْحَقِّ وَأَنْتَ
خَيْرُ الْفَاتِحِينَ، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ غَيْبَةَ نَبِيِّنَا عَنَّا، وَشِدَّةَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا، وَوُقُوعَ الْفِتَنِ

توانای خویش باحسان و انعام بندگان و مخلوقات گشودی و نعمتهای بی حساب عطا فرمودی پس تورا است جمیع محامد ای پروردگار ما، و حلم تو بسیار بزرگ و فراگیر است پس بسبب آن گناهان بندگان را عفو کردی و میکنی پس حمد تورا است ای پروردگار ما، روی کرم تو از هر رویی کریمتر و بزرگوارتر است و جانب تو بهترین و برترین جهات است و بخششهای تو بالاترین و گواراترین بخششها است، بندگان تو را عبادت و اطاعت می کنند (که خود موجب تعالی آنان و بهره و فیض یابی ایشان است) ولی تو شکر آنان میفرمائی و ایشان را پاداش میدهی، و تو را نافرمانی می کنند ای پروردگار ما و باز تو آنانرا که خواهی می بخشی و میآمیزی، تو دعای بیچارگان و درماندگان را اجابت میکنی پس بلاها و زبانه را از آنان میگردانی و بیماران را شفا و نجات می بخشی، و بندگان را از غمها و تنگدلیهای سخت و بزرگ رهائی می بخشی، هیچکس نیست که بتواند نعمتهای تو را پاداش دهد، و کسی نیست که همه نعمتهای تو را برشمردن تواند، خداوندا چشمهای بندگان امیدوار بسوی تو نگران است، و گامها بسوی درگاه تو راه می پوید، و بجانب تو گردن می کشند، و دستها بسوی تو بدعا و نیاز برداشته می شود، و با همه زبانها تو را میخوانند، و اعمال پنهان و آنچه پوشیده نجوا می کنند، بسوی تو باز میگردد، ای پروردگار ما بر ما ببخشای و از گناهانمان درگذر و ما را مورد رحمت خود قرار ده و میان ما و قوممان حکم فرما بحق و راستی، و تو بهترین حکم کننده گانی، بار خدایا ما شکایت بدرگاه تو میآوریم از این حرمان که پیامبران در میان ما نیست و از نعمت و برکت وجود او محرومیم، و نیز از فشارها و سختیها که پیوسته زمانه بر ما روا میدارد، و از آن فتنه ها و گرفتاریها که بر سرمان فرو می ریزد و از اینکه دشمنانمان علیه ما دست به دست هم می دهند و از یکدیگر پشتیبانی می کنند، و از انبوهی دشمنانمان، و کم بودن تعدادمان و اندکی یارانمان ما از جمله این دردها بتو شکایت میآوریم و داد می خواهیم، ای پروردگار ما

بِنا، وَتُظَاهِرُ الْأَعْدَاءَ عَلَيْنَا، وَكَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَقِلَّةَ عَدَدِنَا، فَرَجْ ذَلِكَ يَا رَبِّ بِفَتْحِ مِثْكَ تَعَجِّلْهُ، وَنَصْرِ مِنْكَ تُعَرِّهُ، وَإِمَامٍ عَدِلٍ تُظْهِرُهُ إِلَهَ الْحَقِّ رَبِّ الْعَالَمِينَ» ثُمَّ تَقُولُ:
أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ - سَبْعِينَ مَرَّةً - وَتَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ النَّارِ.

۱۴۰۵ - وَرَوَى عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ قَالَ فِي وَتَرِهِ إِذَا أَوْتَرَ: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» - سَبْعِينَ مَرَّةً - وَوَأَظْبَعَ عَلَى ذَلِكَ حَتَّى تَمْضِيَ سِتَّةُ كُتُبَةٍ اللَّهُ عِنْدَهُ مِنَ الْمُسْتَغْفِرِينَ بِالْأَسْحَارِ، وَوَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ وَالْمَغْفِرَةُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

۱۴۰۶ - وَرَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَبِي يَعْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْوَتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً تَنْصِبُ يَدَكَ الْيُسْرَى وَتَعُدُّ بِالْيَمَنِى الْإِسْتِغْفَارَ. وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَسْتَغْفِرُ اللَّهَ فِي الْوَتْرِ سَبْعِينَ مَرَّةً وَ يَقُولُ :

گشایشی در این امور فراهم ساز با فتحی که بزودی از جانب خویش فرستی، و با یاری و نصرتی بزرگ از جانب خود، و به امام عادلی که او را ظاهر خواهی ساخت این مشکلات را از ما دور گردان، ای خداوند حق و پرورگار عالمیان).

آنگاه هفتاد بار میگوئی اَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ و بخداوند پناه می بری از آتش دوزخ و اینکار را بسیار تکرار میکنی، یا میگوئی: أَعُوذُ بِكَ مِنَ النَّارِ.

۱۴۰۵ - عمر بن یزید از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هر کس در رکعت آخر از سه رکعت نماز وتر هفتاد بار بخواند «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» و پیوسته این کار را انجام دهد و ترک آن نکند تا یکسال بگذرد، خداوند متعال نام او را در زمره استغفارکنندگان و آمرزش خواهان در سحرگاهها نزد خویش منظور فرماید، و بهشت بر او واجب گردد و نیز مغفرت و بخشایش گناهان از جانب خداوند عز و جل.

۱۴۰۶ - عبدالله بن ابی یعفور از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: در نماز وتر هفتاد بار استغفار کن بدین ترتیب که دست چپ خود را تا برابر صورت بلند کنی، و با دست راست دفعات استغفار را برشماری.

و رسول خدا صلی الله علیه و آله را رسم چنین بود که در نماز وتر هفتاد بار

هذا مقام العائذ بك من النار « سبع مرّات ».

۱۴۰۷ - وَ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «تَدْعُو فِي الْوُتْرِ عَلَى الْعَدُوِّ وَإِنْ شِئْتَ سَمَّيْتَهُمْ وَتَسْتَغْفِرُ وَتَرْفَعُ يَدَيْكَ فِي الْوُتْرِ جِبَالٌ وَجِهَكَ وَإِنْ شِئْتَ فَتَحْتَ ثَوْبَكَ».

۱۴۰۸ - وَ «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ سَيِّدَ الْعَابِدِينَ يَقُولُ: «الْعَفْوُ الْعَفْوُ» ثَلَاثِينَ مَرَّةً فِي الْوُتْرِ فِي السَّحَرِ».

۱۴۰۹ - وَ رَوَى مَعْرُوفُ بْنُ خَرْبُوذ عَنْ أَحَدِهِمَا - يَعْنِي أَبَا جَعْفَرٍ وَأَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ - قَالَ: قُلْ فِي قُنُوتِ الْوُتْرِ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ اللَّهُ زَيْنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ اللَّهُ خَلْقُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ اللَّهُ عِمَادُ

خداوند متعال را استغفار میکرد و این دعا را نیز هفت مرتبه میخواند «هذا مقام العائذ بك من النار» یعنی در پیشگاه تو در مقام آن بنده ای هستم که از آتش دوزخ بتو پناه می آورد.

(۷) ۱۴۰۷ - وَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: در نماز وتر دشمنان را می توان نفرین کرد، و اگر خواستی نام آنان را می توانی ببری، و استغفار میکنی و در وتر دستهایت را تا محاذی صورتت بالا می ببری، و چنانچه خواستی می توانی جامه ات را باز کنی یا بالا بگیری، (شاید مراد اینست که می توانی زیر جامه ات دست بدعا برداری یا جامه را باز و دستت را بلند کنی).

(۸) ۱۴۰۸ - امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام همیشه سحرگاهان در نماز وتر سیصد بار «الْعَفْوُ الْعَفْوُ» میگفت.

(۹) ۱۴۰۹ - معروف بن خربوذ از یکی از دو امام - یعنی امام باقر یا امام صادق علیهما السلام - روایت کرده است که فرمود: در قنوت وتر این دعا را بخوان: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ، وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ. اللَّهُمَّ أَنْتَ

السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ اللَّهُ قِوَامُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ اللَّهُ صَرِيحُ
الْمُسْتَظْهِرِينَ، وَأَنْتَ اللَّهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ، وَأَنْتَ اللَّهُ الْمُفَرِّجُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ،
وَأَنْتَ اللَّهُ الْمُرَوِّجُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، وَأَنْتَ اللَّهُ مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَأَنْتَ اللَّهُ إِلَهُ
الْعَالَمِينَ، وَأَنْتَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، وَأَنْتَ اللَّهُ كَاشِفُ السُّوءِ، وَأَنْتَ اللَّهُ بِكَ مُنْزَلُ
كُلِّ حَاجَةٍ، يَا اللَّهُ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا جُلْمُكَ، وَلَا يُنْجِي مِنْ عَذَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ،
وَلَا يُنْجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ يَا إِلَهِي رَحْمَةً تُغْنِيَنِي بِهَا عَنْ
رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ، بِالْقُدْرَةِ الَّتِي بِهَا أَخْيَيْتَ جَمِيعَ مَا فِي الْبِلَادِ، وَبِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ
الْعِبَادِ، وَلَا تُهْلِكُنِي غَمًّا حَتَّى تَغْفِرَ لِي وَتَرْحَمَنِي وَتَعْرِفَنِي الْإِسْتِجَابَةَ فِي دُعَائِي،
وَارْزُقْنِي الْعَافِيَةَ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، وَأَقِلْنِي غَثْرِي، وَلَا تُشِمْتَ بِي عَذْوِي، وَلَا تُمَكِّثْهُ
مِنْ رَقَبَتِي، اللَّهُمَّ إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي، وَإِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي
يَرْفَعُنِي، وَإِنْ أَهْلَكْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَحُولُ بَيْنَكَ وَبَيْنِي، أَوْ يَتَعَرَّضُ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ
أَمْرِي، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنْ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَلَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ، إِنَّمَا يُعْجِزُ مَنْ
يَخَافُ الْقُوَّةَ، وَإِنَّمَا يَخْتِجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ عَنْ ذَلِكَ يَا إِلَهِي
فَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا، وَلَا لِنِقْمَتِكَ نَصَبًا، وَمَهْلَنِي وَنَقْشِي وَأَقِلْنِي غَثْرِي، وَلَا
تُثْبِتْنِي بِلَاءٍ عَلَى أُنْزِلَاءٍ، فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَقِلَّةَ حِيلَتِي، أَسْتَعِذُّ بِكَ اللَّيْلَةَ فَأَعِذْنِي،

اللَّهُ نُورُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ اللَّهُ زَيْنُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ اللَّهُ جَمَاعُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ اللَّهُ عِمَادُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ اللَّهُ قِوَامُ
السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ، وَأَنْتَ اللَّهُ صَرِيحُ الْمُسْتَظْهِرِينَ، وَأَنْتَ اللَّهُ غِيَاثُ الْمُسْتَغِيثِينَ،
وَأَنْتَ اللَّهُ الْمُفَرِّجُ عَنِ الْمَكْرُوبِينَ، وَأَنْتَ اللَّهُ الْمُرَوِّجُ عَنِ الْمَغْمُومِينَ، وَأَنْتَ اللَّهُ
مُجِيبُ دَعْوَةِ الْمُضْطَرِّينَ، وَأَنْتَ اللَّهُ إِلَهُ الْعَالَمِينَ، وَأَنْتَ اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ، وَأَنْتَ
اللَّهُ كَاشِفُ السُّوءِ، وَأَنْتَ اللَّهُ بِكَ مُنْزَلُ كُلِّ حَاجَةٍ، يَا اللَّهُ لَيْسَ يَرُدُّ غَضَبَكَ إِلَّا
جُلْمُكَ، وَلَا يُنْجِي مِنْ عَذَابِكَ إِلَّا رَحْمَتُكَ، وَلَا يُنْجِي مِنْكَ إِلَّا التَّضَرُّعُ إِلَيْكَ،
فَهَبْ لِي مِنْ لَدُنْكَ يَا إِلَهِي رَحْمَةً تُغْنِيَنِي بِهَا عَنْ رَحْمَةِ مَنْ سِوَاكَ، بِالْقُدْرَةِ الَّتِي
بِهَا أَخْيَيْتَ جَمِيعَ مَا فِي الْبِلَادِ، وَبِهَا تَنْشُرُ مَيِّتَ الْعِبَادِ، وَلَا تُهْلِكُنِي غَمًّا حَتَّى

وَأَسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِي، وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ فَلَا تَحْرِمْ نِيَّ.

تَغْفِرْ لِي وَتَرْحَمْنِي، وَتَعْرِفْنِي الْإِسْتِجَابَةَ فِي دُعَائِي، وَارْزُقْنِي الْعَافِيَةَ إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، وَأَقِلْنِي عَثَرَتِي وَلَا تُشِمِّتْ بِي عَذْوِي، وَلَا تُمَكِّنْهُ مِنْ رَقَبَتِي، اَللّهُمَّ، إِنْ رَفَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَضَعُنِي، وَإِنْ وَضَعْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَرْفَعُنِي، وَإِنْ أَهْلَكَ كُنْتَنِي فَمَنْ ذَا الَّذِي يَحُولُ بَيْتَكَ وَبَيْتِي، أَوْ يَتَعَرَّضُ لَكَ فِي شَيْءٍ مِنْ أَمْرِي، وَقَدْ عَلِمْتُ أَنْ لَيْسَ فِي حُكْمِكَ ظُلْمٌ، وَلَا فِي نِقْمَتِكَ عَجَلَةٌ، إِنَّمَا يُعَجِّلُ مَنْ يَخَافُ الْفَوْتَ، وَإِنَّمَا يَخْتِاجُ إِلَى الظُّلْمِ الضَّعِيفُ، وَقَدْ تَعَالَيْتَ عَنْ ذَلِكَ يَا إلهي فَلَا تَجْعَلْنِي لِلْبَلَاءِ غَرَضًا، وَلَا لِنِقْمَتِكَ نَصَبًا، وَمَهْلَنِي وَنَفْسَتِي وَأَقِلْنِي عَثَرَتِي، وَلَا تُشَبِّعْنِي بِبَلَاءٍ عَلَى أَثَرِ بَلَاءٍ، فَقَدْ تَرَى ضَعْفِي وَقِلَّةَ جِلَّتِي، أَسْتَعِيزُ بِكَ اللَّيْلَةَ فَأَعِذْنِي، وَأَسْتَجِيرُ بِكَ مِنَ النَّارِ فَأَجِرْنِي. وَأَسْأَلُكَ الْجَنَّةَ فَلَا تَحْرِمْ نِيَّ.

معنی دعا اینست: نیست خدائی جز خداوند حلیم و کریم، نیست خدائی جز خداوند بلندمرتبه و بزرگ، منزّه است یا تسبیح و تنزیه می‌کنم خداوندی را که پروردگار هفت آسمان و هفت زمین است یا پروردگار آسمانهای هفتگانه و پروردگار زمینهای هفتگانه است، و نیز آنچه در آنها و مابین آنها و پروردگار عرش عظیم است، بارخدا یا تو همان خداوندی هستی که نور آسمانها و زمین است (یا نور آسمانها و زمین از تو است و تو با خلق انوار مادی و معنوی آنها را منور ساخته ای) و توئی آن خداوندی که آسمانها و زمین را زینت بخشیده و آراسته ای، و توئی آن خداوندی که شکوه و زیبائی آسمانها و زمین از توست و تو از جمال خویش آنها را جمیل گردانیده ای، و توئی آن خدائی که ستون و تکیه گاه آسمانها و زمین است و بقدرت خود آنها را بر پا نگاه داشته ای، و توئی آن خداوندی که بنیان هستی و بقای آسمانها و زمین از تو است و تو آن خدائی که فریادرس فغان کنندگان و مددخواهانی، و تو آن خدائی که پناه جوین و بی پناهانی، و توئی آن خداوندی که دلشنگان و اندوه گرفتگان را گشایش و رهائی می‌بخشی، توئی آن خداوندی که غمزدگان را از غم و گرفتاری راحت و آرامش میدهی، و توئی آن خدائی که اجابت کننده دعای درماندگان و بیچارگانی، و تو همان خداوند و معبود عالمیان هستی، تو آن خدای بخشاینده و بخشایشگری، و توئی آن خداوندی که بدیها و پیشامدهای بد و نامطلوب را از بندگان

برطرف می سازی، و تویی آن خدائی که هر حاجت و نیازی را فقط بدرگاه تو می آورند، خدایا خشم تو را جز حلم و شکیبائی تو چیز دیگری بازنیگرداند، و از عذاب تو هیچ چیز نجات نمی بخشد مگر رحمت تو، و از مؤاخذه و کیفر تو هیچ چیز نمی تواند رهایی بخشد مگر خاکساری آوردن و تضرع و زاری کردن بدرگاه تو، پس ای خدای من بر من ببخش و از درگاه خویش رحمتی عطا کن که بسبب آن مرا از رحمت دیگران و غیر خودت بی نیاز گردانی، با قدرت کامله خودت که همه موجودات را در تمامی شهرها و سرزمینهای عالم بدان زنده ساخته ای، و مردگان را در قیامت بدان زنده خواهی ساخت، و مرا با غم و اندوه هلاک مگردان تا آنگاه که مرا بیامرزی و مورد رحمت خویش قرار دهی، و بمن بشناسانی که دعایم را مستجاب کرده ای (راه استجاب و قبولی یافتن در دعاهایم را بمن بشناسانی)، و مرا تندرستی و عافیت در طول زندگی تا رسیدن اجل روزی فرما، و از لغزشهایم درگذر، و دشمنم را با گرفتاری من خوشحال مگردان (مرا دشمن شاد مکن)، و او را بر من مسلط نگردان، بار خدایا اگر تو مرتبه مرا بلند سازی کیست که مرا پست سازد؟ و اگر تو مرا پست و خوار سازی چه کسی تواند که مرا بلند گرداند؟ و اگر مرا هلاک سازی کیست که بتواند میان [خواست] تو و من قرار گیرد و تو را مانع شود؟ یا در موردی از کارهای من که اراده تو بر آن قرار گرفته با تو معارضه کند و تعرضی نماید، و من نیک میدانم که در حکم تو ستم نیست، و در عذابی که خواهی کرد شتابی نیست. اگر اکنون نکنی بالاخره در زمان مقرر خواهی کرد، زیرا کسی شتاب می کند که بیم داشته باشد اگر تأخیر کند مقصودش فوت شود، و تنها کسی نیاز به ظلم دارد که ضعیف باشد، درحالی که تو برتر و والاتر از آنی (که این گونه صفات بتو راه تواند داشت)، ای خدای من پس چنان مکن که من هدف تیر دشمنان گردم و در آخرت مرا نشانه تیر عذاب خویش نگردان، مرا مهلت ده و غم و اندوه مرا زایل ساز و از لغزشهایم درگذر، و مرا به بلاهای پیاپی گرفتار مساز، تو که ضعیف مرا می بینی و از بیچارگی من آگاهی، در این شب به تو پناه میبرم پس مرا در پناه خویش گیر، و بتو پناه میآورم از آتش دوزخ پس مرا در سایه خود امان ده، و از تو تقاضای بهشت دارم مرا از آن محروم نساز).

ثُمَّ ادْعُ اللَّهَ بِمَا أَحْبَبْتَ، وَاسْتَغْفِرِ اللَّهَ سَبْعِينَ مَرَّةً.

۱۴۱۰- و رُوِيَ عَنْ أَبِي حَمْزَةَ الثَّمَالِيِّ قَالَ: «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَقُولُ فِي آخِرِ وَتَرِهِ وَهُوَ قَائِمٌ: «رَبِّ أَسْأَلُكَ وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَبُسَسَ مَا صَنَعْتُ، وَهَذِهِ يَدَايَ جَزَاءُ بِمَا صَنَعْتُ» قَالَ: ثُمَّ يَبْسُطُ يَدَيْهِ جَمِيعاً قُدَّامَ وَجْهِهِ وَيَقُولُ: «وَهَذِهِ رَقَبَتِي خَاضِعَةٌ لَكَ لِمَا أَتَيْتُ» قَالَ: ثُمَّ يُطَأِطِئُ رَأْسَهُ وَيَخْضَعُ بِرَقَبَتِهِ ثُمَّ يَقُولُ: «وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ فَخُذْ لِنَفْسِكَ الرِّضَا مِنْ نَفْسِي حَتَّى تَرْضَى لَكَ الْعُتْبَى، لَا أُعُوذُ لَا أُعُوذُ لَا أُعُوذُ».

قال: وَكَانَ وَاللَّهِ إِذَا قَالَ: «لَا أُعُوذُ» لَمْ يَعُدْ.

پس از خواندن این دعا هر چه خواهی از خداوند درخواست کن و هفتاد بار از خدا به استغفار کردن غفران طلب نما.

۱۴۱۰- و از ابی حمزه ثمالی روایت کرده اند که گفت: امام زین العابدین علی بن الحسین علیهما السلام در رکعت آخر وتر درحالی که ایستاده بود این دعا را میخواند: «رَبِّ أَسْأَلُكَ وَظَلَمْتُ نَفْسِي وَبُسَسَ مَا صَنَعْتُ، وَهَذِهِ يَدَايَ جَزَاءُ بِمَا صَنَعْتُ» یعنی: پروردگارا من بد کرده ام و بر خویشتم ستم روا داشته ام، و بدرفتاری کرده ام یا آنچه کرده ام بسیار بد بوده است، اینک این دستهای من در برابر تو بکیفر آن بدیها که کرده است (با آنها هر چه خواهی کن، یا این دستهای گناه کار من که بخاطر بدیها که کرده اکنون بدرگاه تو برداشته است) راوی گوید: آنگاه آنحضرت دستهایش را باهم برابر روی خود می گشود یا جلو صورت خود بلند میفرمود و این دعا را میخواند: «وَهَذِهِ رَقَبَتِي خَاضِعَةٌ لَكَ لِمَا أَتَيْتُ» یعنی: و اینک این گردن من که بخاطر آنچه کرده با خضوع در برابر تو است) راوی گوید: آنگاه سر خود را بزیر میانداخت و گردنش را فرو میگرفت و بعد میخواند: «وَهَا أَنَا ذَا بَيْنَ يَدَيْكَ فَخُذْ لِنَفْسِكَ الرِّضَا مِنْ نَفْسِي حَتَّى تَرْضَى لَكَ الْعُتْبَى، لَا أُعُوذُ، لَا أُعُوذُ، لَا أُعُوذُ» یعنی: اکنون من در پیشگاه تو ایستاده ام هر چه میخواهی با من انجام ده تا خشنود شوی، که من از گناهان توبه کرده و بازگشته ام تا تو راضی شوی و بدان بازخواهم گشت و بازخواهم گشت، و بازخواهم گشت.

راوی گوید: بخدا قسم هرگاه میفرمود: بازخواهم گشت واقعاً باز نمی گشت.

۱۴۱۱- وَ رَوَى عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:
«الْقُنُوتُ فِي الْوُتْرِ اسْتِغْفَارٌ، وَ فِي الْفَرِيضَةِ الدُّعَاءُ».

۱۴۱۲- وَ كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَدْعُو فِي قُنُوتِ الْوُتْرِ بِهَذَا الدُّعَاءِ:
«اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي بِتَقْدِيرٍ وَتَدْبِيرٍ وَتَبْصِيرٍ بِغَيْرِ تَقْصِيرٍ، وَأَخْرَجْتَنِي مِنْ ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ، بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ أَحَاوِلُ الدُّنْيَا ثُمَّ أَزَاوِلُهَا، ثُمَّ أَزَايِلُهَا، وَآتَيْتَنِي فِيهَا الْكَلَاءَ وَالْمَرْعَى، وَبَصَّرْتَنِي فِيهَا الْهُدَى، فَتَنِعَمَ الرَّبُّ أَنْتَ وَنِعَمَ الْمَوْئَى، فَيَا مَنْ كَرَّمَنِي وَشَرَّفَنِي وَنَعَمَنِي، أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّقُومِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَمِيمِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقِيلٍ فِي النَّارِ بَيْنَ أَطْبَاقِ النَّارِ فِي ظِلَالِ النَّارِ يَوْمَ النَّارِ يَا رَبَّ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَقِيلًا فِي الْجَنَّةِ بَيْنَ أَنْهَارِهَا وَأَشْجَارِهَا وَيَمَارِهَا وَرِيحَانِهَا وَخَدَمِهَا وَأَزْوَاجِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ: رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ: سَخَطِكَ وَالنَّارِ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَوْفَكَ فِي جَسَدِي كُلِّهِ، وَاجْعَلْ قَلْبِي أَشَدَّ

۱۴۱۱- عبد الرحمن بن ابی عبد الله از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: قنوت در نماز وتر استغفار، و در نماز فريضة همان دعا است. (یعنی: در قنوت وتر تأکید بر استغفار بیشتر است تا سایر مطالب، و در نماز فريضة دعاى برای حوائج و سایر نیازها بیشتر از استغفار مورد تأکید است).

۱۴۱۲- امیرالمؤمنین علی علیه السلام در قنوت وتر این دعا را میخواند:
«اللَّهُمَّ خَلَقْتَنِي بِتَقْدِيرٍ وَتَدْبِيرٍ وَتَبْصِيرٍ بِغَيْرِ تَقْصِيرٍ، وَأَخْرَجْتَنِي مِنْ ظُلُمَاتٍ ثَلَاثٍ، بِحَوْلِكَ وَقُوَّتِكَ أَحَاوِلُ الدُّنْيَا ثُمَّ أَزَاوِلُهَا، ثُمَّ أَزَايِلُهَا، وَآتَيْتَنِي فِيهَا الْكَلَاءَ وَالْمَرْعَى، وَبَصَّرْتَنِي فِيهَا الْهُدَى، فَتَنِعَمَ الرَّبُّ أَنْتَ وَنِعَمَ الْمَوْئِلَى، فَيَا مَنْ كَرَّمَنِي وَشَرَّفَنِي وَنَعَمَنِي، أَعُوذُ بِكَ مِنَ الرَّقُومِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنَ الْحَمِيمِ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقِيلٍ فِي النَّارِ بَيْنَ أَطْبَاقِ النَّارِ فِي ظِلَالِ النَّارِ يَوْمَ النَّارِ يَا رَبَّ النَّارِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مَقِيلًا فِي الْجَنَّةِ بَيْنَ أَنْهَارِهَا وَأَشْجَارِهَا وَيَمَارِهَا وَرِيحَانِهَا وَخَدَمِهَا وَأَزْوَاجِهَا، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ الْخَيْرِ: رِضْوَانَكَ وَالْجَنَّةَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ الشَّرِّ: سَخَطِكَ وَالنَّارِ هَذَا مَقَامُ الْعَائِدِ بِكَ مِنَ النَّارِ - سه بار - اللَّهُمَّ اجْعَلْ خَوْفَكَ فِي جَسَدِي كُلِّهِ، وَاجْعَلْ قَلْبِي أَشَدَّ مَخَافَةً لَكَ مِمَّا هُوَ، وَاجْعَلْ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ حَقًّا وَنَجِيًّا»

مَخَافَةً لَكَ يَمَّا هُوَ، وَاجْعَلْ لِي فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْلَةٍ حَقًّا وَنَصيباً مِنْ عَمَلِي بِطَاعَتِكَ
وَاتِّبَاعِ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ مُنْتَهَى غَايَتِي وَرَجَائِي وَمَسْئَلَتِي وَظَلِّتَنِي، أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي
كَمَالَ الْإِيمَانِ، وَتَمَامَ الْيَقِينِ، وَصِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ، وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ، يَا سَيِّدِي
اجْعَلْ إِحْسَانِي مُضَاعَافاً، وَصَلَاتِي تَضَرُّعاً، وَدُعَائِي مُسْتَجَاباً، وَعَمَلِي مَقْبُولاً، وَسَعْيِي
مَشْكُوراً، وَذَنْبِي مَغْفُوراً، وَلِقْنِي مِنْكَ تَضَرُّعاً وَسُروراً وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

مِنْ عَمَلِي بِطَاعَتِكَ وَاتِّبَاعِ مَرْضَاتِكَ، اللَّهُمَّ أَنْتَ مُنْتَهَى غَايَتِي وَرَجَائِي وَمَسْئَلَتِي
وَظَلِّتَنِي، أَسْأَلُكَ يَا إِلَهِي كَمَالَ الْإِيمَانِ وَتَمَامَ الْيَقِينِ، وَصِدْقَ التَّوَكُّلِ عَلَيْكَ،
وَحُسْنَ الظَّنِّ بِكَ، يَا سَيِّدِي اجْعَلْ إِحْسَانِي مُضَاعَافاً، وَصَلَاتِي تَضَرُّعاً، وَدُعَائِي
مُسْتَجَاباً وَعَمَلِي مَقْبُولاً، وَسَعْيِي مَشْكُوراً، وَذَنْبِي مَغْفُوراً، وَلِقْنِي مِنْكَ تَضَرُّعاً
وَسُروراً، وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ».

یعنی: بارخدایا مرا باندازه و ترتیبی که تقدیر کرده و خواسته ای آفریدی، با
تدبیر و بینا به نیکبها و زشتیها؛ و از تو هیچ کوتاهی در امر من واقع نشد، و مرا با حول و
وقوه خویش از سه تاریکی بیرون آوردی (که گویند آن سه تاریکی: ظلمت بطن و
رحم و مشیمه است) آنگاه مرا از دنیای جنین به این دنیا آوردی پس بر آن نظر
افکندم و آنگاه آنرا طلب نمودم، و سپس از آن دوری گزیدم و مرا در دنیا روزی و
آب و علفزار دادی، و هدایت خود بینا ساختی و هدایت فرمودی، پس تو نیکو
پروردگاری هستی و تو خوب مولا و سرپرستی هستی، پس ای آنکه مرا مورد تکریم
خود قرار دادی و مکرم ساختی، و بشرافت خویش مشرف ساختی و ارزش بخشیدی
و نعمتها بمن عطا فرمودی، بتو پناه می آورم از زقوم (که خوراک دوزخیان است)، و نیز
بتو پناه می آورم از حمیم (که آشامیدنی دوزخیان است و فراهم آمده از چرک و رُم) و
باز بتو پناه می آورم از آنکه بستر و آرامگاهم در آتش دوزخ باشد، میان لایه ها و
خانه های آتش در سایه و کنار آتش در روزی که سراسر آتش می بارد ای صاحب و
خداوند آتش، بارخدایا: من از تو تقاضا می کنم برای خود استراحتگاهی در بهشت،
در میان جویبارهای بهشت و درختانش و میوه ها و گلهای آن و خدمتکاران مخصوص
و جفت های بهشتی، بارخدایا: من از تو بهترین خیرها را که رضای تو و بهشت است
میخواهم، و از تو پناه می جویم از بدترین شرها که همان غضب تو و آتش دوزخ

۱۴۱۳- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الْقَنُوتُ فِي كُلِّ رَكْعَتَيْنِ فِي التَّطَوُّعِ وَالْفَرِيضَةِ».

۱۴۱۴- وَ رَوَى عَنْهُ زُرَّارَةُ أَنَّهُ قَالَ: «الْقَنُوتُ فِي كُلِّ الصَّلَوَاتِ».

۱۴۱۵- وَ رَوَى أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ، عَنِ الْحَلْبِيِّ أَنَّهُ قَالَ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَسْتَبِي الْأَيِّمَةَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ فِي الصَّلَاةِ؟ فَقَالَ: أَجْمِلُهُمْ».

است، پس سه مرتبه میفرمود: اینجا که قرار دارم مقام و جایگاه بنده ایست که از آتش جهنم بتو پناه آورده است، بارخدایا: خوف از خود را در سراپای وجودم قرار ده، و خوف خود را که در دل من است از آنچه هست زیاده گردان، مرا در هر شبانه روز بهره و نصیبی قرار ده از عمل بطاعت خودت و پیروی از آنچه رضای تو را سبب شود، بارخدایا تو منتهای مقصود منی و غیر از رضای تو مقصودی ندارم و به غیر تو امیدوار نیستم، و از غیر تو چیزی نمی طلبم، ای خدای من از تو می خواهم بمن ایمان کامل و یقین تمام، و راستی و صدق در توکل بر تو، و امید نیک و خوش گمانی بر رحمت و مغفرت خودت را عطا فرمائی، ای خدای من احسان خود را بر من دوچندان گردان، و نیایشم را همه تضرع گردان، و دعایم را مستجاب ساز، و اعمالم را بپذیر، و کوشش مرا که در راه تو است پاداش ده، و گناهانم را بیامرزه و از جانب خود سرخوشی و خوشحالی و سرور نزد من (یا به استقبال من) فرست، و درود و صلوات خداوند بر محمد و آل محمد باد).

⑤ ۱۴۱۳- وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: قنوت در همه نمازها (در رکعت دوم) هست، چه نمازهای مستحبی و چه نمازهای واجب.

⑥ ۱۴۱۴- وَ زُرَّارَةُ نیز از آنحضرت روایت کرده که فرمود: قنوت در تمامی نمازها هست.

⑦ ۱۴۱۵- أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ از حلبی روایت کرده است که به امام صادق علیه السلام عرض کرد: آیا می توانم در نماز نام امامان علیهم السلام را ببرم؟ آنحضرت فرمود: به اجمال و مختصر نام ببر.

شرح: «یعنی بصلوات بر آنان اکتفا نما».

۱۴۱۶- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كُلُّ مَا نَاجَيْتَ بِهِ رَبَّكَ فِي الصَّلَاةِ فَلَيْسَ بِكَلَامٍ».

۱۴۱۷- وَرَوَى عَنْ أَبِي وَلَادٍ حَفْصِ بْنِ سَالِمٍ الْحَنَاطِيُّ أَنَّهُ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ رَكَعَتَيْنِ مِنَ الْوُتْرِ، ثُمَّ يَنْصَرِفَ فَيَقْضِي حَاجَتَهُ ثُمَّ يَرْجِعَ فَيُصَلِّيَ رَكَعَةً».

وَلَا بَأْسَ أَنْ يُصَلِّيَ الرَّجُلُ رَكَعَتَيْنِ مِنَ الْوُتْرِ ثُمَّ يَشْرَبَ الْمَاءَ وَيَتَكَلَّمُ وَيَتَكَلَّمُ وَيَقْضِي مَا شَاءَ مِنْ حَاجَةٍ وَيُخْدِثُ وَضُوءَ أَثَمَ يُصَلِّيَ الرَّكَعَةَ قَبْلَ أَنْ يُصَلِّيَ الْغَدَاةَ.

۱۴۱۸- وَسَأَلَ مُعَاوِيَةُ بْنُ عَمَّارٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الْقُنُوتِ فِي الْوُتْرِ، قَالَ: قَبْلَ الرُّكُوعِ، قَالَ: فَإِنْ نَسِيتُ أَقْبَلْتُ إِذَا رَفَعْتُ رَأْسِي؟ فَقَالَ: لَا».

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ: حُكْمُ مَنْ يَنْسَى الْقُنُوتَ حَتَّى يَرْكَعَ أَنْ يَقْبَلْتَ

(۱) ۱۴۱۶- امام صادق علیه السلام فرمود: هر سخنی که بوسیله آن در نماز با پروردگار خود مناجات کنی کلام محسوب نمی شود (که گفتن عمدی آن سبب بطلان نماز باشد).

(۲) ۱۴۱۷- از ابی ولاد حفص بن سالم حنطی روایت کرده اند که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: اشکالی ندارد که شخص دو رکعت از نماز وتر را بخواند، آنگاه برود و کاری را که پیش آمده انجام دهد (یا قضای حاجت کند) و سپس بازگردد و یک رکعت باقی مانده را بخواند (البته مراد از وتر دو رکعت شفع و یک رکعت وتر است که بطور کلی وتر می گویند).

و اشکالی ندارد که شخص دو رکعت از وتر را بخواند و بعد آب بنوشد، و سخن بگوید، و نزدیکی کند و هر کار دیگری می خواهد انجام دهد آنگاه وضو بسازد و پیش از آنکه نماز صبح کند آن یک رکعت وتر باقی مانده را بجا آورد.

(۳) ۱۴۱۸- معاویه بن عمار از امام صادق علیه السلام درباره قنوت در نماز وتر سؤال کرد آنحضرت فرمود: قبل از رکوع است، گفت: اگر فراموش کردم، آیا پس از آنکه از رکوع سر برداشتم بخوانم؟ فرمود: نه.

مصنف این کتاب - رحمه الله علیه - گوید: حکم کسی که قنوت را

إِذَا رَفَعَ رَأْسَهُ مِنَ الرَّكْعَةِ، وَإِنَّمَا مَتَعَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ مِنْ ذَلِكَ فِي الْوُتْرِ وَالْعَدَاةِ خِلَافاً لِلْعَامَّةِ لِأَنَّهُمْ يَقْتُلُونَ فِيهَا بَعْدَ الرَّكْعَةِ، وَإِنَّمَا أُطْلِقَ ذَلِكَ فِي سَائِرِ الصَّلَوَاتِ لِأَنَّ جُمْهُورَ الْعَامَّةِ لَا يَرَوْنَ الْقُنُوتَ فِيهَا، فَإِذَا فَرَعَ الْإِنْسَانُ مِنَ الْوُتْرِ صَلَّى رَكَعَتَيِ الْفَجْرِ.

۱۴۱۹- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَلِّ رَكَعَتَيِ الْفَجْرِ قَبْلَ الْفَجْرِ وَ عِنْدَهُ وَبُعَيْدَهُ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».

وَيُحْذَرُ لِلرَّجُلِ أَنْ يَخْشَوْهَا فِي صَلَاةِ اللَّيْلِ خَشَوْاً وَكُلَّمَا قَرُبَ مِنَ الْفَجْرِ فَهُوَ أَفْضَلُ، فَإِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ فَصَلِّ الْعَدَاةَ. وَافْصِلْ بَيْنَ رَكَعَتَيِ الْفَجْرِ وَبَيْنَ الْعَدَاةِ بِاضْطِحَاجٍ وَيُجْزِيكَ التَّسْلِيمُ.

فراموش می‌کند تا زمانی که به رکوع می‌رود اینست که هرگاه از رکوع سر برداشت آنرا بخواند، و امام صادق علیه السلام بخاطر مخالفت با عاقه از اینکار در نماز وتر و نماز صبح منع فرموده است، زیرا آنان در این دو نماز پس از رکوع قنوت می‌خوانند (پس چنانچه شخص پس از رکوع بخواند بعنوان قضا قنوت را بخواند شبیه به رفتار عاقه می‌شود) ولی اینکه در باقی نمازها شخص می‌تواند چنین کاری کند بدانجهت است که اکثر عاقه اعتقاد بقنوت در باقی نمازها ندارند. (پس احتمال تشبه به عاقه در میان نیست) و چون از قنوت وتر فارغ شود و نماز وتر را تمام کند دو رکعت نافله صبح را بجا

آوردم
۱۴۱۹- امام صادق علیه السلام فرمود: دو رکعت نافله صبح را قبل از صبح کاذب و هنگام دمیدن صبح کاذب و پس از آن (که صبح صادق باشد) بخوان. در رکعت اول الحمد و سوره قل یا ایها الکافرون، و در رکعت دوم الحمد و سوره قل هو الله أحد را بخوان.

و جایز است که شخص این دو رکعت را پس از نماز شب بخواند، و هر چه (نافله صبح را) نزدیکتر به صبح بخواند بهتر است و فضیلت بیشتری دارد، و چون صبح دمید نماز صبح را بخوان، و میان دو رکعت نافله صبح و نماز صبح با دراز کشیدن یا بپهلوی خوابیدن فاصله انداز و کافی است که بعنوان فاصله سلام بدهد.

۱۴۲۰- فَقَدْ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَيُّ قِطْعٍ أَقْطَعُ مِنَ التَّسْلِيمِ».

۱۴۲۱- وَرَوَى عَنْ سَعِيدِ الْأَعْرَجِ أَنَّهُ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنِّي أَكُونُ فِي الْوَتْرِ وَأَكُونُ قَدْ تَوَيْتُ الصَّوْمَ وَأَكُونُ فِي الدُّعَاءِ وَأَخَافُ الْفَجَرَ وَأَكْرَهُ أَنْ أَقْطَعَ عَلَى نَفْسِي الدُّعَاءَ وَأَشْرَبَ الْمَاءَ وَتَكُونُ الْقُلَّةُ أَمَامِي قَالَ: فَقَالَ لِي: فَاحْطُ إِلَيْهَا الْخُضُوعَ وَالْخُضُوعَيْنِ وَالثَّلَاثَ وَاشْرَبْ وَارْجِعْ إِلَى مَكَانِكَ وَلَا تَقْطَعْ عَلَى نَفْسِكَ الدُّعَاءَ».

۱۴۲۲- وَرَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا أَنْتَ انْصَرَفْتَ مِنَ الْوَتْرِ فَقُلْ: «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» ثَلَاثَ مَرَّاتٍ ثُمَّ تَقُولُ: «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا بَرُّ يَا رَحِيمُ، يَا غَنِيُّ يَا كَرِيمُ، ارْزُقْنِي مِنَ التِّجَارَةِ أَكْثَمَهَا فَضْلًا، وَأَوْسَعَهَا رِزْقًا، وَخَيْرَهَا لِي عَاقِبَةً، فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيمَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ».

۱۴۲۰- امام صادق علیه السلام فرموده است: برای فاصله انداختن میان نمازها چه چیزی بهتر و قاطع تر از سلام دادن است. (یا چه چیز بهتر از سلام نمازها را قطع میکند).

۱۴۲۱- از سعید اعرج روایت کرده اند که گفت: به امام صادق علیه السلام عرض کردم: فدایت گردم گاه پیش می آید که در حال نماز وتر هستم، و ضمناً قصد دارم که فردا را روزه بدارم، و در عین حال مشغول دعا خواندن هم هستم و می ترسم که صبح بدمد، ولی نمیخواهم و دوست ندارم که دعا را قطع کنم و آب بنوشم درحالی که سبوی آب مقابل من است چه کنم، گوید: آنحضرت در پاسخ فرمود: یک گام یا دو گام یا سه گام بردار و پیش برو و آب بیاشام و بجای خود بازگرد و دعایت را قطع نکن، (درحالی که روی از قبله نگردانی).

۱۴۲۲- و زراره از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: هر گاه از نماز وتر فارغ شدی سه بار این ذکر را بگو «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْمَلِكِ الْقُدُّوسِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ» آنگاه می گویی «يَا حَيُّ يَا قَيُّوْمُ، يَا بَرُّ يَا رَحِيمُ، يَا غَنِيُّ يَا كَرِيمُ، ارْزُقْنِي مِنَ التِّجَارَةِ أَكْثَمَهَا فَضْلًا، وَأَوْسَعَهَا رِزْقًا، وَخَيْرَهَا لِي عَاقِبَةً، فَإِنَّهُ لَا خَيْرَ فِيمَا لَا عَاقِبَةَ لَهُ». یعنی: ای زنده جاویدان که زوال در تو نیست و ای واجب الوجود که

باب

* (القول في الضجعة بين ركعتي الفجر وركعتي الغداة) *

اضطجع بين ركعتي الفجر وبين ركعتي الغداة على يمينك مستقبل القبلة وقل في ضجعتك «استمسكت بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها، واعتصمت بحبل الله المتين، وأعوذ بالله من شرفقة العرب والعجم، وأعوذ بالله من شرفقة الجن والإنس، سبحان رب الصبح فإني الإصباح، سبحان رب الصبح فإني الإصباح» ثم تقول: «بسم الله وضعت جنبي لله، فوضت أمري إلى الله أطلب حاجتي من الله، توكلت على الله، حسبي الله ونعم الوكيل» «ومن يتوكل على الله فهو حسبه إن الله بالغ أمره قد جعل الله لكل شيء قدراً» اللهم ومن أصبح وحاجته إلى مخلوق فإن حاجتي ورغبتي إليك» وتقرء خمس آيات من آخر آل عمران «إن في خلق السموات والأرض - إلى قوله: - إنك لا تخلف الميعاد». وصل على محمد وآله مائة مرة فإنه:

به ذات خود قائمی، ای نیک کردار و ای بخشنده، ای بی نیاز و ای کرم، مرا از تجارت آن روزی گردان که سودش بزرگتر و روزیش فراختر باشد، و عاقبتش برایم نیکوتر باشد، که برآستی آنچه عاقبتش نیکو نباشد خیری در آن نیست.

باب

* (در بیان آنچه باید در هنگام دراز کشیدن و به پهلو خفتن) *

* (میان دو رکعت نافله صبح و نماز صبح خواند) *

میان دو رکعت نافله صبح و نماز دو رکعتی فریضه صبح بر پهلو راست خود و رو بقبله بخواب و وقتی به پهلو خوابیدی این دعا را بخوان «استمسكت بعروة الله الوثقى التي لا انفصام لها، واعتصمت بحبل الله المتين، وأعوذ بالله من شرفقة العرب والعجم، وأعوذ بالله من شرفقة الجن والإنس، سبحان رب الصبح، فإني الإصباح، سبحان رب الصبح، فإني الإصباح».

یعنی: چنگ زده (یا میزیم) به ریسمان اطمینان بخش و محل اعتماد خداوند

۱۴۲۳- رُوِيَ أَنَّهُ «مَنْ صَلَّى عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ مِائَةَ مَرَّةٍ بَيْنَ رَكْعَتَيْ الْفَجْرِ وَرَكْعَتَيْ الْقَدَاةِ وَفَى اللَّهُ وَجْهَهُ حَرَّ النَّارِ. وَمَنْ قَالَ: مِائَةَ مَرَّةٍ «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» بَنَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ قَرَأَ إِحْدَى

که گسستی نیست، و می‌آویزم و دست می‌گیرم بر پسرمان محکم خداوند (و بعضی از بزرگان فرموده‌اند که مراد از عروه وثق و حبل متین همان کتاب خدا و ائمه هدی علیهم السلام یعنی ثقلین است - و الله تعالی أعلم بالصواب) و پناه می‌برم بخداوند از شر نابکاران عرب و غیرعرب، و پناه می‌برم بخدا از بدکرداران جن و انس، منزّه است پروردگار صبح، شکافنده صبح (که تاریکی را شکافته و صبح را پدید می‌آورد). آنگاه این دعا را می‌خوانی «بِسْمِ اللَّهِ وَضَعْتُ جَنْبِي لِلَّهِ، فَوَضَعْتُ أَمْرِي إِلَى اللَّهِ، أَطْلُبُ حَاجَتِي مِنَ اللَّهِ، تَوَكَّلْتُ عَلَى اللَّهِ، حَسْبِيَ اللَّهُ وَنِعْمَ الْوَكِيلُ، وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ، إِنَّ اللَّهَ بَالِغُ أَمْرِهِ، قَدْ جَعَلَ اللَّهُ لِكُلِّ شَيْءٍ قَدْرًا، اللَّهُمَّ وَمَنْ أَضْبَحَ وَحَاجَتُهُ إِلَى مَخْلُوقٍ، فَإِنَّ حَاجَتِي وَرَغْبَتِي إِلَيْكَ».

یعنی: استعانت می‌کنم از خداوند واجب الوجود و نام او و بیاد او پهلوی خود را بر زمین می‌نهم. و امور خود را بخداوند وا گذاشتم و حاجت خود را از خدا می‌خواهم، بر خداوند توکل می‌کنم، خدا مرا بس است و بدیگری نیاز نیست، و او نیکو و کبلی است و هر کس بخدا توکل کند خداوند او را بس است، همانا خداوند کار خود را به تمام و کمال میرساند، و برای هر چیز اندازه‌ای مقرر فرموده است، خداوند هر کس شبی بصبح میرساند حاجت خویش به مخلوق می‌برد و حاجت من و رغبت من بدرگاه توست. و پس از خواندن دعا پنج آیه آخر سوره آل عمران را از این فی خَلْقِ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضِ تَا آخِرَاتِكَ لَا تُخْلِفُ الْمِعَادَ می‌خوانی و بعد صد مرتبه بر محمد و آل او صلوات فرست. زیرا:

⑤ ۱۴۲۳- روایت کرده‌اند که: هر کس در میان دو رکعت نافله صبح و دو رکعت فریضه صبح صد مرتبه صلوات بر محمد و آل محمد فرستد خداوند متعال روی او را از آتش دوزخ حفظ فرماید، و هر کس صد بار بگوید: سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ، أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ یعنی تسبیح بگوید و استغفار کند، خدای متعال خانه‌ای برای او در بهشت بنا کند؛ و هر کس بیست و یک مرتبه سوره

وَعِشْرِينَ مَرَّةً «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» بِتَى اللَّهُ لَهُ بَيْتًا فِي الْجَنَّةِ قَبْلَ قَرَأَهَا أَرْبَعِينَ مَرَّةً غَفَّ اللَّهُ لَهُ».

باب

(المواضع التي يستحب أن يُقرأ فيها قل هو الله أحد و)

(قل يا أيها الكافرون)

۱۴۲۴- لا تدع أن تقرأ «قل هو الله أحد» و «قل يا أيها الكافرون» في سبعة مواطن: في الركعتين الأولىين من صلاة الليل، وفي الركعتين اللتين قبل الفجر، وركعتي الزوال، وفي الركعتين اللتين بعد المغرب، وركعتي الطواف وركعتي الإحرام، والفجر إذا أصبحت بها.

(باب أفضل التوافل)

قال أبي - رضي الله عنه - في رسالته إلي: أعلم يا بني أن أفضل التوافل ركعتا الفجر، وبعدها ركعة الوتر، وبعدها ركعتا الزوال، وبعدها نوافل المغرب، وبعدها تمام صلاة الليل، وبعدها تمام نوافل النهار.

قل هو الله بخواند نیز خداوند برایش خاتمه ای در بهشت بنا کند، و اگر آنرا چهل مرتبه بخواند خدای متعال گناهانش را بپارزد.

(باب در بیان مواضعی که خواندن قل هو الله أحد و قل یا)

(أيتها الكافرون در آنها مستحب است)

۱۴۲۴- در هفت موضع خواندن «قل هو الله» و «قل يا أيها الكافرون» را ترک مکن: در دو رکعت اول نماز شب، و در دو رکعت نافله صبح، و دو رکعت نافله ظهر، و دو رکعت اول نافله مغرب، و دو رکعت طواف، و دو رکعت احرام، و دو رکعت نماز صبح اگر بی خواندن نافله آن صبح کرده باشی.

(باب در بیان بالاترین و بهترین نافله ها)

۱- پدرم - رضي الله عنه - در رساله خود که آنرا بریم فرستاده گوید: فرزندان بدان که بهترین نافله ها دو رکعت نافله صبح است، و پس از آن دو رکعت از حیث فضیلت یک رکعت «وتر» است، و پس از آن دو رکعت نافله پیشین، و بعد از آن چهار رکعت نافله مغرب، و پس از آن تمام نماز شب، و بعد تمام نوافل روز است.

* (باب قضاء صلاة الليل) *

۱۴۲۵ - قال الصادق عليه السلام: «كُلُّ مَا فَاتَكَ بِاللَّيْلِ فَأَقِصِهِ بِالنَّهَارِ قَالَ اللهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً لِمَنْ أَرَادَ أَنْ يَذْكُرَ أَوْ أَرَادَ شُكُورًا».

یعنی آن یقضی الرجل ما فاتته باللیل بالنهار، و ما فاتته بالنهار باللیل. و اقض ما فاتك من صلاة الليل أي وقت شئت من لیل أو نهار ما لم تكن وقت فريضة وإن فاتتك فريضة فصلها إذا ذكرت فإن ذكرتها وأنت في وقت فريضة أخرى فصل التي أنت في وقتها ثم صل الصلاة الفائتة.

۱۴۲۶ - وقال الصادق عليه السلام: «قضاء صلاة الليل بعد الغداة وبعده العصر من سائر آل محمد المخزومين».

* (باب در بیان قضاء نماز شب) *

① ۱۴۲۵ - امام صادق علیه السلام فرمود: هر نمازی که در شب از تو فوت شده آنرا در روز قضا کن، خداوند تبارک و تعالی فرموده است «وَهُوَ الَّذِي جَعَلَ اللَّيْلَ وَالنَّهَارَ خِلْفَةً - الآية» یعنی: و خداوند شمامست آن خدائی که شب و روز را جانشین یکدیگر ساخت برای کسی که بخواهد متذکر شود یا بخواهد شکر الهی بجا آورد. مراد اینست که شخص هر نمازی را که در شب از او فوت شده قضای آنرا در روز بجا آورد، و آنچه از نمازها که در طول روز فوت شده شب قضا کند. و آنچه از نماز شب که از تو فوت شده هر وقت از شب یا روز که خواهی آنرا قضا کن، مادام که وقت نماز فریضه نباشد، و اگر نماز واجب از تو فوت شد هرگاه بیادت آمد آنرا بجا آور، و اگر زمانی بخاطرت رسید که در وقت فریضه دیگری بودی، پس ابتدا آن نمازی را که در وقت آن هستی بخوان و بعد نماز فوت شده را قضا کن.

② ۱۴۲۶ - و باز امام صادق علیه السلام فرمود: قضا کردن نماز شب فوت شده پس از نماز صبح و بعد از نماز عصر از جمله اسرار مخزونه آل محمد - صلوات الله عليهم اجمعین - است (عبارت سر مخزون آل محمد بدانجهت است که اهل سنت در این دو وقت خواندن نماز را جایز نمی دانند با وجود آنکه در بسیاری از اخبارشان چنانکه

وَقَدْ رَوَى نَهْيَ عَنِ الصَّلَاةِ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَعِنْدَ غُرُوبِهَا لِأَنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ بَيْنَ قَرْنَيْ شَيْطَانٍ وَتَغْرُبُ بَيْنَ قَرْنَيْ شَيْطَانٍ إِلَّا أَنَّهُ رَوَى لِي جَمَاعَةٌ مِنْ مَشَاهِينَا عَنْ:

۱۴۲۷- أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ أَنَّهُ وَرَدَ عَلَيْهِ فِيمَا وَرَدَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ مِنْ مُحَمَّدِ بْنِ عَثْمَانَ الْقُمِّيِّ - قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ - «وَأَمَّا مَا سَأَلْتُ عَنْهُ مِنَ الصَّلَاةِ عِنْدَ طُلُوعِ الشَّمْسِ وَعِنْدَ غُرُوبِهَا فَلَيْسَ كَانَ كَمَا يَقُولُ النَّاسُ إِنَّ الشَّمْسَ تَطْلُعُ بَيْنَ قَرْنَيْ شَيْطَانٍ وَتَغْرُبُ بَيْنَ قَرْنَيْ شَيْطَانٍ فَمَا أُرِغِمَ أَنْفُ الشَّيْطَانِ بِشَيْءٍ أَفْضَلَ مِنَ الصَّلَاةِ فَصَلِّهَا وَأَرِغِمَ أَنْفَ الشَّيْطَانِ».

۱۴۲۸- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَيَبْأِيهِ

روایت کرده اند رسول خدا (ص) در این دو وقت - پس از غار صبح و بعد از غار عصر - نماز میکرد. جواز آن آمده است).

و روایت کرده اند که نبی شده است از خواندن نماز بهنگام طلوع و غروب آفتاب، زیرا خورشید میان دو شاخ یا دو طرف سر شیطانی طلوع و میان دو شاخ شیطانی غروب میکند. لکن عده از استادان و مشایخ، برای من روایت کرده اند از: ۱۴۲۷- محمد بن جعفر اسدی - رضی الله عنه - که جزء پاسخ شواهدی او که از طریق محمد بن عثمان عمری - قدس الله روحه - رسیده بود (سؤالاتی که از امام زمان علیه السلام بعمل آمده و آنحضرت هر کدام را پاسخ فرموده بودند و وسیله نایب دوم آنحضرت بازگردانده شده بود در خصوص مسأله مورد بحث امام علیه السلام فرموده بودند): و اما آنچه در مورد نماز بهنگام طلوع خورشید و غروب آن پرسیده ای، اگر این چنین باشد که خورشید میان دو شاخ شیطانی طلوع و میان دو شاخ شیطانی غروب می کند در این صورت هیچ چیزی بهتر از نماز بینی شیطان را بخاک نمی مالد، پس در این دو وقت آنرا بخوان و بینی شیطان را بخاک بمال.

شرح: «عامة» پس از نماز عصر تا مغرب، و میان طلوع فجر تا طلوع خورشید پس از نماز صبح، خواندن هر نماز را بدعت می دانند».

۱۴۲۸- رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی البته نزد فرشتگان خود مباحثات میکند به آن بنده که قضای نماز شب را در روز انجام

مَلَانِجَتُهُ بِالْعَبْدِ يَقْضِي صَلَاةَ اللَّيْلِ بِالنَّهَارِ، فَيَقُولُ: يَا مَلَانِجَتِي انْظُرُوا إِلَى عَبْدِي يَقْضِي مَا لَمْ أَقْتَرِضْهُ عَلَيْهِ، أَشْهَدُكُمْ أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ».

۱۴۲۹- وَرَوَى بَرِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ الْعِجْلِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «أَفْضَلُ قَضَاءِ اللَّيْلِ فِي السَّاعَةِ الَّتِي فَاتَكَ آخِرُ اللَّيْلِ، وَلَيْسَ بِأَسْرَأُ أَنْ تَقْضِيَهَا بِالنَّهَارِ وَقَبْلَ أَنْ تَزُولَ الشَّمْسُ».

۱۴۳۰- وَرَوَى عَنْ مُرَازِمِ بْنِ حَكِيمٍ الْأَزْدِيِّ أَنَّهُ قَالَ: «كُنْتُ مَرِضْتُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ لَمْ أَضِلْ نَافِلَةً فِيهَا فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي مَرِضْتُ أَرْبَعَةَ أَشْهُرٍ لَمْ أَضِلْ نَافِلَةً، فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْكَ قَضَاءُ إِنْ الْمَرِيضُ لَيْسَ كَالصَّحِيحِ، كُلُّ مَا غَلَبَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَإِنَّهُ أَوْلَى بِالْعَذْرِ فِيهِ».

۱۴۳۱- وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ: رَجُلٌ مَرِضٌ فَتَرَكَ النَّافِلَةَ؟ فَقَالَ: يَا مُحَمَّدُ لَيْسَتْ بِفَرِيضَةٍ إِنْ قَضَاهَا فَهُوَ خَيْرٌ يَقَعْلُهُ،

دهد، و میفرماید: ای فرشتگان من به بنده من بنگرید که غازی را که بر او واجب نساخته ام قضا میکند، گواه باشید که من البته گناهان او را آمرزیدم.

۱۴۲۹- و نیز برید بن معاویه عجل از اما باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: بهترین زمان قضا نماز شب همان ساعتی است که از توفوت شده است در آخر شب، و باکی نیست که آنرا در روز قضا کنی و قبل از زوال خورشید (یا فرا رسیدن وقت نماز پیشین).

۱۴۳۰- و از مرازم بن حکیم ازدی روایت کرده اند که گفت: من مدت چهار ماه بیمار بودم و در این مدت نماز نافله نخواندم، پس به امام صادق علیه السلام عرض کردم: من چهار ماه بیمار بودم و هیچ نماز نافله در آن مدت نخواندم، چکنم؟ آنحضرت فرمود: قضا نافله ها بر تو واجب نیست زیرا بیمار مانند شخص تندرست نیست (و تکلیفش نیز متفاوت است) هر چه را یا در هر مورد که اراده خداوند بر بنده غلبه داشته و اختیار بنده را سلب نموده باشد پس خداوند خود در آن مورد سزاوارتر است که عذر پذیر باشد.

۱۴۳۱- و محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده گوید: به

و إِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ».

۱۴۳۲- وَ سَأَلَهُ سُلَيْمَانُ بْنُ خَالِدٍ «عَنْ قَضَاءِ الْوُتْرِ بَعْدَ الظُّهْرِ، فَقَالَ: إِقْضِهِ

وَتَرّاً أَبَداً كَمَا فَاتَكَ».

۱۴۳۳- وَ سَأَلَهُ حَمَّادُ بْنُ عُثْمَانَ فَقَالَ لَهُ: «أَصْبَحَ عَنِ الْوُتْرِ إِلَى اللَّيْلِ

فَكَيْفَ أَقْضِي؟ فَقَالَ: مِثْلًا بِمِثْلٍ».

۱۴۳۴- وَ رَوَى عَنْهُ حَرِيرٌ أَنَّهُ قَالَ: «كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ رُبَّمَا قَضَى

آنحضرت عرض کردم: شخصی بیمار شده است آیا می تواند نافله را ترک کند؟ آنحضرت در پاسخ فرمود: ای محمد نافله که واجب نیست (تا قضای آن واجب باشد) اگر آنرا قضا کرد کار نیکی است که انجام داده، و اگر قضا نکرد بر او چیزی نیست.

۱۴۳۲- و سلیمان بن خالد از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) سؤال کرد که قضای وتر را بعد از ظهر می توان کرد، آنحضرت فرمود: همیشه وتر را قضا کن (هر چند بعد از ظهر باشد) آنچنانکه از توفوت شده است.

۱۴۳۳- و حماد بن عثمان از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) سؤال کرد و گفت: گاه صبح میکنم یا صبح می شود و نماز وتر نکرده ام و تا شب نیز نمیتوانم قضا کنم، چگونه باید آنرا قضا کنم؟ آنحضرت فرمود: همان مقدار که قضا شده بخوان.

شرح: «منظور از چگونه قضا کنم اینست که وتر را سه رکعت قضا کنم یا چهار رکعت آنچنانکه عامه گویند و آنچنانکه در بعضی روایات آمده است که جلگی حمله بر تقیه شده است از جمله روایت کرده اند از ابی بصیر که از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: نماز وتر سه رکعت است تا وقت زوال یا نماز پیشین، و چون خورشید از نصف النهار (ظهر) گذشت پس چهار رکعت میشود. و در همین خصوص از کردویه همدانی روایت کرده اند که گفت: از ابی الحسن علیه السلام در مورد قضای وتر پرسیدم، آنحضرت فرمود: آنچه بعد از زوال قضا میکنی شفع است بصورت دو رکعت دو رکعت».

۱۴۳۴- و حریر بن عبدالله از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) روایت کرده است که فرمود: پدرم علیه السلام گاهی پیش می آمد که تا بیست وعده نماز وتر

عَشْرِينَ وَتَرَأَى لَيْلَةً».

۱۴۳۵- وَسَأَلَ عَبْدَ اللَّهِ بْنُ الْمُبَارِقِ أَبَا إِبْرَاهِيمَ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ
«عَنِ الرَّجُلِ يَقُوتُهُ الْوَتْرُ فَقَالَ: يَقْضِيهِ وَتَرَأَى أَبَدًا».

باب

*** (مَعْرِفَةُ الصُّبْحِ وَالْقَوْلِ عِنْدَ التَّظَرُّعِ إِلَيْهِ) ***

۱۴۳۶- رَوَى عَلِيُّ بْنُ عَظِيمَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «الْفَجْرُ هُوَ
الَّذِي إِذَا رَأَيْتَهُ كَانَ مُعْتَرِضًا كَأَنَّهُ بَيَاضُ نَهْرٍ سَوِيٍّ».

۱۴۳۷- وَرَوَيْتُ «أَنَّ وَقْتُ الْقَدَاقِ: إِذَا اعْتَرَضَ الْفَجْرُ قَاضَاءً حَسَنًا».

وَأَمَّا الْفَجْرُ الَّذِي يُشَبَّهُ ذُنْبَ السَّرْحَانِ فَذَلِكَ الْفَجْرُ الْكَاذِبُ، وَالْفَجْرُ
الصَّادِقُ هُوَ الْمُعْتَرِضُ كَالْقَبَاطِيِّ.

را در یک شب قضا می‌کرد.

(۱) ۱۴۳۵- عبدالله بن مغیره از امام کاظم علیه السلام سؤال کرد: شخصی نماز
وترش فوت می‌شود چه باید بکند؟ آنحضرت فرمود: بعنوان وتر همیشه قضا می‌کند
(هرچند بعد از زوال ظهر باشد).

باب

*** (دربیان تشخیص و شناختن صبح و آنچه) ***

*** (در هنگام نگرستن به آن می‌خوانند) ***

(۲) ۱۴۳۶- علی بن عطیه از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت
فرمود: فجر یا صبح صادق آنست که وقتی نگاه میکنی عرض افق روشن شده و
روشنی آن همچون سفیدی نهر سورا است.

(۳) ۱۴۳۷- و روایت کرده‌اند که وقت نماز صبح هنگامی است که سپیده
صبح در عرض افق پدیدار و خوب روشن شده باشد.

و اما آن فجرى که شبیه به دُم گرگ است همان صبح کاذب است، صبح
صادق آنست که عرض افق مانند قباطی روشن شده است (قباطی نوعی پارچه
نازک و مسدودى است که ازینبه تهیه می‌شده است).

۱۴۳۸- وَرَوَى عَمَّارُ بْنُ مُوسَى السَّابَّاطِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

«تَقُولُ إِذَا ظَلَعَ الْقَجْرُ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ، سُبْحَانَ [اللَّهِ] رَبِّ الْمَسَاءِ وَالصُّبْحِ، اللَّهُمَّ صَبِّحْ آلَ مُحَمَّدٍ بِبَرَكَهٍ وَغَافِيَةٍ وَسُرُورٍ وَفَرَّةٍ عَيْنٍ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُنَزِّلُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا تَشَاءُ، فَأَنْزِلْ عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَرَكَهٍ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رِزْقًا خَلَالًا ظَنِيًّا وَاسِعًا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

بَابُ

(كَرَاهِيَّةُ النَّوْمِ بَعْدَ الْغَدَاةِ)

۱۴۳۹- رَوَى الْعَلَاءُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِيهَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

«سَأَلْتُهُ عَنِ النَّوْمِ بَعْدَ الْغَدَاةِ فَقَالَ: إِنَّ الرِّزْقَ يُنْسَطُ تِلْكَ السَّاعَةَ فَأَنَا أَشْكُرُهُ أَنْ يَنَامَ الرَّجُلُ تِلْكَ السَّاعَةَ».

① ۱۴۳۸- عمار ساباطی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هنگامیکه صبح دمید این دعا را میخوانی «الْحَمْدُ لِلَّهِ فَالِقِ الْإِصْبَاحِ، سُبْحَانَ [اللَّهِ] رَبِّ الْمَسَاءِ وَالصُّبْحِ، اللَّهُمَّ صَبِّحْ آلَ مُحَمَّدٍ بِبَرَكَهٍ وَغَافِيَةٍ وَسُرُورٍ وَفَرَّةٍ عَيْنٍ، اللَّهُمَّ إِنَّكَ تُنَزِّلُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ مَا تَشَاءُ، فَأَنْزِلْ عَلَيَّ وَعَلَى أَهْلِ بَيْتِي مِنْ بَرَكَهٍ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضِ رِزْقًا خَلَالًا ظَنِيًّا وَاسِعًا تُغْنِينِي بِهِ عَنْ جَمِيعِ خَلْقِكَ».

یعنی: حمد و ستایش مخصوص خداوندی است که شب را شکافته و صبح پدید میآورد، منزّه است خداوند که پروردگار شامگاه و بامداد است، بارخدا یا این روز را بر آل محمد با برکت و تندرستی و خوشحالی و روشنی چشم صبح گردان، بارخدا یا تو در شب و روز هر چه خود بخواهی نازل فرمائی، پس بر من و خانواده ام از برکت آسمانها و زمین روزی حلال و پاک و فراخی فرو فرست و بدان روزی مرا از همه بندگان بی نیاز فرما.

بَابُ

(دربیان کراهت خواب پس از غماز صبح)

② ۱۴۳۹- علاء از محمد بن مسلم و او از یکی از دو امام (حضرت باقر یا حضرت صادق علیهما السلام روایت کرده گوید: از آنحضرت در مورد خواب پس از غماز صبح سوال کردم که چگونه است، فرمود: همانا روزی را در آن ساعت

۱۴۴۰- وَرَوَى جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ إِبْلِيسَ إِنَّمَا يَبُثُّ جُنُودَ اللَّيْلِ مِنْ حِينَ تَغِيبُ الشَّمْسُ إِلَى مَغِيبِ الشَّفَقِ وَيَبُثُّ جُنُودَ النَّهَارِ مِنْ حِينَ يَطْلُعُ الْفَجْرُ إِلَى مَطْلَعِ الشَّمْسِ. وَذَكَرَ أَنَّ نَبِيَّ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: أَكْثَرُ مَا ذَكَرَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ، وَتَعَوَّذُوا بِاللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ مِنْ شَرِّ إِبْلِيسَ وَجُنُودِهِ، وَتَعَوَّذُوا صِغَارَكُمْ فِي هَاتَيْنِ السَّاعَتَيْنِ فَإِنَّهَا سَاعَتَا غَفْلَةٍ».

۱۴۴۱- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «ثَوْمَةُ الْغَدَاةِ مَشْوُمَةٌ، تَطْرُدُ الرِّزْقَ، وَتُصْفِرُ اللَّوْنَ وَتُفَيِّحُهُ وَتُغَيِّرُهُ، وَهُوَ نَوْمٌ كُلُّ مَشْوُومٍ، إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُقَسِّمُ الْأَرْزَاقَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ فَإِنَّا كُمْ وَتِلْكَ الثَّوْمَةُ».

میگسترند پس من خوش نیدارم که شخص در آن ساعت که روزی مقدر میگردد
بخسید.

۱۴۴۰ (۱) و جابر از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: همانا ابلیس لشکریهای شب خود را از هنگام فرو رفتن آفتاب تا ناپدید شدن سرخی شفق بسیج کرده و باطراف و اکناف گسیل میدارد و میگسترد، و نیز لشکریهای روز خود را از هنگام دمیدن صبح تا طلوع خورشید گسیل داشته و میگسترد (تا بندگان را در این دو وقت با فضیلت از عبادت و اعمال خیر مشغول و بخواب وادارند) و نیز فرمود که پیامبر خدا صلی الله علیه و آله میفرمود: در این دو ساعت ذکر خداوند عز و جل بسیار کنید و بخدا پناه برید از شر ابلیس و لشکریانش، و کودکان خود را در این دو وقت تعویذ کنید با دعاها که آن دو ساعت وقت بی خبری و غافل شدن است (و شیطان بندگان را از یاد خدا غافل می سازد).

۱۴۴۱ (۵) امام صادق علیه السلام فرمود: خواب صبح نامبارک است، و روزی را پس میزند، و رنگ و روی را زرد و زار میکند، و شخص را نازیب و دگرگونه می سازد و آن خواب همه اشخاص نامبارک است، همانا خداوند تبارک و تعالی روزی ها یا روزی مخلوقات را در فاصله دمیدن صبح تا طلوع خورشید مقرر و تقسیم میفرماید پس زنهار از خواب در آن هنگام پرهیزید.

شرح: «بعید نیست که مراد آن باشد که پس از دعا و خواندن قرآن در آنساعت پی کار و فعالیت بروید چه از نظر هوا بهترین ساعات برای کسانیست که

۱۴۴۲- وَقَالَ الْبَاقِرُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «النُّومُ أَوَّلُ النَّهَارِ خُرْقٌ وَالْقَائِلَةُ نِعْمَةٌ، وَالنُّومُ بَعْدَ الْعَصْرِ حُمَقٌ، وَالنُّومُ بَيْنَ الْعِشَاءَيْنِ يَحْرِمُ الرِّزْقَ».

وَالنُّومُ عَلَى أَرْبَعَةٍ أَوْجِهٍ نَوْمُ الْأَنْبِيَاءِ عَلَى أَقْفُسِهِمْ لِمُنَاجَاةِ الْوَحْيِ، وَنَوْمُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَى أَيْمَانِهِمْ، وَنَوْمُ الْكَافِرِ عَلَى بَسَارِهِمْ، وَنَوْمُ الشَّيَاطِينِ عَلَى وُجُوهِهِمْ.

۱۴۴۳- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ رَأَيْتُمُوهُ نَائِمًا عَلَى وَجْهِهِ فَأَنْبَهُوهُ».

کامرقتی دارند، و روایات آینده این نظر را تا حدی تأیید می‌کند.

۱۴۴۲- امام باقر علیه السلام فرمود: خواب اول روز از کم عقلی و حماقت و موجب فقر است و خواب ظهر یا قبلوله نعمت یا موجب جلب نعمت است، و خواب پس از عصر حماقت است، و خواب میان مغرب و عشاء آدمی را از روزی محروم می‌سازد.

و خواب به چهار صورت است اول- خواب پیامبران خدا علیهم السلام که بر پشت می‌خوابند تا در مناجات و دریافت وحی باشند. دوم- خواب مؤمنان که بر پهلوی راست خود می‌خوابند. سوم- خواب کافران که بر پهلوی چپ می‌خوابند، و چهارم- خواب شیاطین که بر روی می‌خوابند.

شرح: «قسمت اخیر حدیث در خصوص انحاء خواب به احتمال قوی کلام مؤلف است نه ادامه قسمت اول خبری، که از مفاد دو حدیث دیگر گرفته شده است: یکی خبری که در عیون اخبار الرضا و خصال آنرا روایت کرده از حضرت رضا علیه السلام و آنحضرت از پدرانش و ایشان از امیرالمؤمنین علیهم السلام که آنحضرت فرمود: «خواب بر چهار صورت است- تا آخر» که در جواب مردی از اهل شام که در این خصوص سؤال کرده پاسخ فرموده است. و حدیث دیگر خبری است که مرحوم کلینی -ره- در کافی آنرا روایت کرده از احمد بن اسحاق و او از امام حسن عسکری علیه السلام نقل کرده گوید: به آنحضرت عرض کردم: سرور من برای ما از پدران بزرگوار شما روایت کرده‌اند در مورد نحوه خوابیدن که خواب پیامبران بر پشت است، و خواب مؤمنان بر پهلوی راست و خواب منافقان بر پهلوی چپ، و خواب شیاطین به روی، آیا چنین است؟ آنحضرت فرمود: آری همینطور است».

۱۴۴۳- امام صادق علیه السلام: کسی را که می‌بیند به رو خوابیده او را بیدار کنید (او را متذکر سازید که درست بخوابد).

۱۴۴۴- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «ثَلَاثَةٌ فِيهِنَّ الْمَقْتُ مِنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ نَوْمٌ مِنْ غَيْرِ

سَهَرٍ، وَضَحْكٌ مِنْ غَيْرِ عَجَبٍ، وَ أَكْلٌ عَلَى الشَّيْعِ».

۱۴۴۵- وَ «أَتَى أَعْرَابِيٌّ إِلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنِّي

كُنْتُ ذَكُوراً وَإِنِّي صِرْتُ نَسِيّاً، فَقَالَ: أَكُنْتَ ثَقِيلٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: وَتَرَكْتُ

ذَاكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: عُذُّ، فَعَادَ فَرَجَعَ إِلَيْهِ ذَهْنُهُ».

۱۴۴۶- وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «خَمْسَةٌ

لَا يَتِمُّونَ: الْهَامُ بِدَمٍ يَسْفِكُهُ، وَذُو الْمَالِ الْكَثِيرِ لَا أَمِينَ لَهُ، وَالْقَائِلُ فِي النَّاسِ الزُّورَ

وَالْبَهْتَانُ عَنْ الدُّنْيَا يَنَالُهُ. وَالْمَأْخُوذُ بِالْمَالِ الْكَثِيرِ وَلَا مَالَ لَهُ، وَالْمُجِبُّ حَبِيباً

(۸) ۱۴۴۴- و نیز آنحضرت فرمود: سه چیز است که در آنها خشم الهی است یا

خداوند عزوجل آن حالات را دشمن میدارد: اول- خوابی که در آن بیداری و یاد

خدا نباشد (بعبارت دیگر خوابهای بیخبری و مداوم که شخص ساعات طولانی بی خبر

و مدهوش در بستر میافتد) دوم- خندیدن بدون شگفتی (یا خنده عبث که بدون

اینکه چیزی شخص را به تعجب آورد و موجب خنده باشد بخندد). سوم- غذا

خوردن در حال سیری.

(۹) ۱۴۴۵- مردی بادیه نشین نزد پیامبر صلی الله علیه وآله آمد و عرض کرد:

ای رسول خدا من حافظه خوبی داشتم ولی اکنون فراموشکار و کم حافظه شده ام

چکنم؟ آنحضرت فرمود: آیا قبلاً خواب قیلوله میکردی؟ گفت: آری فرمود: و حال

آنرا ترک کرده ای؟ عرض کرد: آری، پیامبر فرمود: دوباره همان کار (خواب قیلوله)

را از سر بگیر، آن شخص چنان کرد و حافظه اش به حال سابق بازگشت.

(۱۰) ۱۴۴۶- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت

فرمود: پنج تن خواب خوش ندارند یا خواب ندارند (و اگر خوابشان ببرد همراه با

کابوس و ناراحتی است) اول- آنکه قصد ریختن خون کسی را دارد. دوم- صاحب

مال و ثروت فراوان که امینی برای نگهداری از اموالش نداشته باشد. سوم- کسی

که همت و سخن نازوا و افتراء بدیگران گفته باشد (خصوصاً در میانه جمع خواه خود

افتراء بندد و خواه افتراء و بهتان بدیگران را به جمعی نقل کند از حیث مفسده

يَتَوَقَّعُ فِرَاقَهُ».

۱۴۴۷- وَرَوِيَ «قِيلُوا فَإِنَّ اللَّهَ يُطْعِمُ الصَّائِمَ فِي مَنَامِهِ وَيَسْقِيهِ».

۱۴۴۸- وَرَوِيَ «قِيلُوا فَإِنَّ الشَّيْطَانَ لَا يَقِيلُ».

۱۴۴۹- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «نَوْمُ الْغَدَاةِ شَوْمٌ يَحْرِمُ الرِّزْقَ وَيُصْفِرُ اللَّوْنَ، وَكَانَ

الْمَنْ وَالسَّلَوَى يَنْزِلُ عَلَى بَنِي إِسْرَائِيلَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَمَنْ نَامَ تِلْكَ السَّاعَةَ لَمْ يَنْزِلْ نَصِيبُهُ، فَكَانَ إِذَا انْتَبَهَ فَلَا يَرَى نَصِيبَهُ اخْتِاجَ إِلَى الشُّوَالِ وَالظَّلْبِ».

۱۴۵۰- وَقَالَ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَالْمُقْسِمَاتِ

أَمْرًا» قَالَ: الْمَلَائِكَةُ تُقْسِمُ أَرْزَاقَ بَنِي آدَمَ مَا بَيْنَ طُلُوعِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ، فَمَنْ

انگیختن تفاوتی ندارد) و اینکار را بدانجهت که سودی دنیوی عاید او گردد. چهارم- کسی که مال بسیار از او می طلبند و محکوم به اداء آنست و او چیزی ندارد که پاسخگوی طلبکاران باشد. و پنجم- عاشقی که (گرچه در وصال است) ترسان و نگران جدائی باشد و چشم به روز مفارقت محبوب خویش داشته باشد.

۱۴۴۷- در روایات آمده است که: خواب قیلوله کنید، همانا خداوند متعال روزه دار را در خواب میخورد و می نوشاند.

شرح: «مراد آنستکه بخواب قیلوله ضعف و ناتوانی گرمسنگی و نشنگی صائم تا حدی رفع و برطرف می شود».

۱۴۴۸- و باز در بعضی روایات آمده: خواب قیلوله کنید که شیطان را خواب قیلوله نیست.

۱۴۴۹- و آنحضرت (امام صادق علیه السلام) فرمود: خواب بامداد نامبارک است و از روزی محروم میسازد، و رنگ و روی را زرد می کند، و آن من و سلوی (که طعام بهشتی بود) ما بین دمیدن صبح صادق تا دمیدن آفتاب از بهشت بر بنی اسرائیل نازل می شد، پس هر کس که در این وقت در خواب بود بی نصیب می ماند و بهره او نمیرسد و لاجرم وقتی از خواب برمیخاست و نصیب خود را نمی دید محتاج می شد با سوال و درخواست از دیگران خود را سیر کند.

۱۴۵۰- امام رضا علیه السلام در تفسیر این آیه که خداوند عز و جل میفرماید: «فَالْمُقْسِمَاتِ أَمْرًا» سورة ذاریات: ۴. فرمود: فرشتگان روزهای بنی آدم را در

يَنَامُ فِيهَا يَتَنَامُ عَنْ رِزْقِهِ».

۱۴۵۱- وَرَوَى مُعْمَرُ بْنُ خَلَادٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ - وَهُوَ بِخُرَاسَانَ - إِذَا صَلَّى الْفَجْرَ جَلَسَ فِي مُصَلَاةٍ إِلَى أَنْ تَطْلُعَ الشَّمْسُ ثُمَّ يُؤْتَى بِخَرِيقَةٍ فِيهَا مَسَاوِيكُ، فَيَتَشَاكُ بِهَا وَاحِدًا بَعْدَ وَاحِدٍ، ثُمَّ يُؤْتَى بِكُثْدَرٍ فَيَضَعُهَا ثُمَّ يَدْعُ ذَلِكَ قِيُوتِي بِالْمُضْحَفِ قِيَقَرُ فِيهِ».

۱۴۵۲- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «مَنْ جَلَسَ فِي مُصَلَاةٍ مِنْ صَلَاةِ الْفَجْرِ إِلَى طُلُوعِ الشَّمْسِ مَثَرَهُ اللَّهُ مِنَ النَّارِ».

* (بَابُ صَلَاةِ الْعَبْدَيْنِ) *

۱۴۵۳- رَوَى جَمِيلُ بْنُ ذُرَّاجٍ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «صَلَاةُ الْعَبْدَيْنِ قَرِيبَةٌ، وَصَلَاةُ الْكُفُوفِ قَرِيبَةٌ».

فاصله طلوع صبح تا دمیدن آفتاب قسمت می کنند، بنابراین هر کس در این هنگام بخوابد از روزی خود خواب مانده و محروم شده است.

۱۴۵۱- مُعْمَرُ بْنُ خَلَادٍ از امام رضا علیه السلام روایت کرده گوید: — هنگامیکه آنحضرت به خراسان تشریف آورده بود — رسم آنحضرت چنین بود که وقتی نماز صبح را میخواند همچنان تا طلوع خورشید در مصلائی خویش نشسته بود و به اذکار و ادعیه مشغول بود آنگاه کیسه ای را میآوردند که مسواک های ایشان در آن قرار داشت و او از یک یک مسواکها استفاده میفرمود، سپس کندر میآوردند و حضرت مقداری از آنرا میجوید و سپس اینکار را رها میکرد، آنگاه مصحف قرآنی میآوردند و ایشان از روی قرآن مشغول خواندن میشد.

۱۴۵۲- رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هر کس در مصلا یا جایگاه نمازش از نماز صبح تا طلوع خورشید بنشیند خداوند او را از آتش دوزخ بپوشاند و آتش با و نرسد.

باب

* (دربیان نماز عید فطر و عید قربان) *

۱۴۵۳- جمیل بن ذراج از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: نماز دو عید (عید فطر و قربان) واجب است، و نماز کسوف (نماز آیات)

یعنی آنها من صغائر الفرائض، وصغائر الفرائض سُنَّ، لروایة حریر:

۱۴۵۴- عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: صَلَاةُ الْعِيدَيْنِ مَعَ الْإِمَامِ

سُنَّةٌ وَلَيْسَ قَبْلُهَا وَلَا بَعْدُهَا صَلَاةٌ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِلَى الزَّوَالِ.

وَوُجُوبُ الْعِيدِ إِنَّمَا مُوقَّعٌ إِمَامٍ عَدْلٍ.

۱۴۵۵- وَرَوَى سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

«لَا صَلَاةَ فِي الْعِيدَيْنِ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ، وَإِنْ صَلَّيْتَ وَخَذَكَ فَلَا بَأْسَ».

۱۴۵۶- وَرَوَى زُرَّارَةُ بْنُ أَغْثَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا صَلَاةَ يَوْمَ

الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى إِلَّا مَعَ إِمَامٍ [عَادِلٍ].

۱۴۵۷- وَسُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ صَلَاةِ الْأَضْحَى وَالْفِطْرِ فَقَالَ:

صَلَّيْهَا رَكْعَتَيْنِ فِي جَمَاعَةٍ أَوْ فِي غَيْرِ جَمَاعَةٍ وَكَبَّرَ سَبْعًا وَحَمَّأَ».

بمناسبت گرفتن خورشید واجب است، و مؤلف - رحمه الله - میافزاید: یعنی این دو نماز از فريضه های صغیره است، و صغیره فرائض سنت هستند با توجه به روایت آیه از حریر:

۱۴۵۴- از زراره و او از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: نماز عیدین با امام سنت است، و قبل از آن دو، و پس از آن دو نماز دیگری در آن روز نیست تا هنگام نماز پیشین.

نماز عید وقتی واجب است که با امام عادل باشد.

۱۴۵۵- و سماعة بن مهران از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: در عید قربان و عید فطر هیچ نمازی نیست (یا نماز واجبی نیست) مگر با امام خوانده شود، و اگر به تنهایی بخوانی هم باکی نیست (البته در هنگامی که امام عادل نماز نکند).

۱۴۵۶- و زرارة بن أعین از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هیچ نماز واجبی در روز عید فطر و عید قربان نیست مگر با امام [عادل].

۱۴۵۷- از امام صادق علیه السلام در مورد نماز عید قربان و عید فطر سؤال کردند، آنحضرت فرمود: دو رکعت بخوان بجماعت یا غیر جماعت، و هفت تکبیر در

۱۴۵۸- وَرَوَى مَنْصُورُ بْنُ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَرِضٌ

أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْأَضْحَى فَصَلَّى فِي بَيْتِهِ رَكَعَتَيْنِ ثُمَّ صَحَّى».

۱۴۵۹- وَرَوَى جَعْفَرُ بْنُ بَشِيرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ لَمْ يَشْهَدْ جَمَاعَةَ النَّاسِ فِي الْعِيدَيْنِ فَلْيَغْتَسِلْ وَلْيَنْظِئْ بِمَا وَجَدَ، وَيُصَلِّي فِي بَيْتِهِ وَخِذْهُ كَمَا يُصَلِّي فِي جَمَاعَةٍ».

۱۴۶۰- وَرَوَى هَارُونُ بْنُ حِزَّةٍ الْغَنَوِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

«الْخُرُوجُ يَوْمَ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى إِلَى الْجَبَانَةِ حَسَنٌ لِمَنْ اسْتَطَاعَ الْخُرُوجَ إِلَيْهَا، قَالَ: فَقُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ كَانَ مَرِيضًا لَا يَسْتَطِيعُ أَنْ يَخْرُجَ يُصَلِّي فِي بَيْتِهِ؟ فَقَالَ: لَا».

رکعت اول و پنج تکبیر در رکعت دوم بگو (هفت تکبیر رکعت اول با تکبیرة الاحرام شروع و تکبیر هفتم برای رکوع، و پنج تکبیر رکعت دوم پنجمین تکبیر برای رکوع و بقیه تکبیرات در رکعت اول و دوم برای قنوت است).

(۱) ۱۴۵۸- منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: پدرم علیه السلام روز عید قربان بیمار شد و نماز عید را دو رکعت در خانه خود بجا آورد و قربانی کرد.

(۲) ۱۴۵۹- جعفر بن بشیر از عبدالله بن سنان و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: کسی که در عید قربان و عید فطر بنماز جماعت عید حاضر نمی شود یا نمی تواند شرکت کند در این صورت باید غسل کرده و بوی خوش بکار برده با هر خوشبوکننده ای که می یابد و مقدور است، و به تنهایی در خانه خود نماز کند بهمان ترتیبی که در جماعت میخواند.

(۳) ۱۴۶۰- و هارون بن حیزه غنوی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: بیرون رفتن از خانه در روز عید فطر و عید قربان به صحرا یا قبرستان برای کسی که بیرون آمدن برایش ممکن باشد کاری بسیار خوب است، گوید: عرض کردم: اگر شخص مریض باشد و نتواند از خانه بیرون برود نظر شما در این خصوص چیست؟ آیا نماز عید را در خانه خویش بخواند؟ آنحضرت فرمود: نه لازم نیست.

۱۴۶۱- وَرَوَى ابْنُ الْمُبَرِّقَةِ عَنْ الْقَاسِمِ بْنِ الْوَلِيدِ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ غُسْلِ الْأُضْحَى قَالَ: وَاجِبٌ إِلَّا بِمَنَى».

۱۴۶۲- وَرَوَى «أَنَّ غُسْلَ الْعِيتَيْنِ سُتَّةٌ».

۱۴۶۳- وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرَأَةِ غُثَّهَا غُسْلُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ وَالْفِطْرِ وَالْأُضْحَى وَيَوْمَ عَرَفَةَ؟ قَالَ: نَعَمْ عَلَيْهَا الْغُسْلُ كُلُّهُ».

وَجَرَّبَ السُّنَّةُ أَنَّ يَأْكُلَ الْإِنْسَانُ يَوْمَ الْفِطْرِ قَبْلَ أَنْ يَخْرُجَ إِلَى الْمُصَلَّى، وَلَا يَأْكُلُ فِي الْأُضْحَى إِلَّا بَعْدَ الْخُرُوجِ إِلَى الْمُصَلَّى.

۱۴۶۴- وَ «كَانَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَأْكُلُ يَوْمَ الْفِطْرِ قَبْلَ أَنْ يَغْدُوَ إِلَى الْمُصَلَّى، وَلَا يَأْكُلُ يَوْمَ الْأُضْحَى حَتَّى يَذْبَحَ».

۱۴۶۵- وَرَوَى حَرِيزٌ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا تَخْرُجْ

يَوْمَ الْفِطْرِ حَتَّى تَقْعَمَ شَيْئاً، وَلَا تَأْكُلَ يَوْمَ الْأُضْحَى شَيْئاً إِلَّا مِنْ هَدْيِكَ وَأَضْحِيَّتِكَ

۱۴۶۱- ابن المبرقه از قاسم بن ولید روایت کرده گوید: از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) در مورد غسل عید قربان سؤال کردم، فرمود: واجب است مگر در منحر. (شاید برای تعذر آب و کمی و نایابی آن بوده باشد).

۱۴۶۲- و روایت کرده اند که: غسل عیدین مستحب است.

۱۴۶۳- و حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده گوید: از آنحضرت سؤال کردم که غسل جمعه و فطر و قربان و روز عرفه بر زنان نیز هست؟ فرمود: آری، تمامی غسلها (که بر مردان مقرر شده) بر زنان نیز هست.

و سنت جاریه است که انسان در عید فطر پیش از خارج شدن از منزل و رفتن به مصلى چیزی بخورد، ولى در عید قربان چیزی نمىخورد مگر بعد از خارج شدن بسوى مصلى.

۱۴۶۴- و امیرالمؤمنین علیه السلام را معمول این بود که روز عید فطر قبل از رفتن بمصلى چیزی تناول میفرمود، ولى روز عید قربان چیزی نمىخورد تا وقتی که قربانی میکرد.

۱۴۶۵- حریر از زراره و او از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: روز عید فطر از خانه بیرون نرو تا اینکه چیزی بخوری، و در روز

[إِنْ قَوِيَتْ عَلَيْهِ] وَإِنْ لَمْ تَقْوِ قَمْعُذُورٌ. قَالَ: وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَأْكُلُ يَوْمَ الْأَضْحَى شَيْئاً حَتَّى يَأْكُلَ مِنْ أَضْحِيَّتِهِ، وَلَا يَخْرُجَ يَوْمَ الْفَيْطْرِ حَتَّى يَطْعَمَ وَيُوَدِّيَ الْفِطْرَةَ، ثُمَّ قَالَ: وَكَذَلِكَ نَحْنُ».

۱۴۶۶- وَرَوَى حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «السُّنَّةُ عَلَى أَهْلِ الْأَمْصَارِ أَنْ يَتَزَوَّا مِنْ أَمْصَارِهِمْ فِي الْعِيدَيْنِ إِلَّا أَهْلَ مَكَّةَ فَإِنَّهُمْ يُصَلُّونَ فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ».

۱۴۶۷- وَرَوَى عَلِيُّ بْنُ رِثَابٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا يَتَّبِعِي أَنْ تُصَلِّيَ صَلَاةَ الْعِيدَيْنِ فِي مَسْجِدٍ مُسْتَقْفٍ وَلَا فِي بَيْتٍ، إِنَّمَا تُصَلِّيْ فِي الصَّخْرَاءِ أَوْ فِي مَكَانٍ بَارِزٍ».

۱۴۶۸- وَرَوَى الْحَلِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ «كَانَ

عید قربان چیزی نخور مگر از گوشت قربانی خود [چنانچه توانائی و مکنیت آنرا داری] و اگر قدرت تمکن مالی برای قربانی کردن نداری در این صورت معذوری، و نیز (زراره) گوید: امام باقر علیه السلام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام را معمول چنین بود که روز عید قربان غذائی نیمخورد تا از گوشت قربانی خود غذائی تناول کند، و روز عید فطر از خانه بیرون نمی رفت تا وقتی که غذائی بخورد، و فطره مقرر را به اهلش رد کند. آنگاه امام علیه السلام فرمود: و ما نیز همینطور رفتار می کنیم.

۱۴۶۶- حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ از امام صادق علیه السلام و آنحضرت از پدر خویش امام باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: بر ساکنان و اهالی شهرها سنت است که در روزهای عید قربان و عید فطر برای اقامه نماز عید از شهرهایشان بیرون روند، (و نماز عید را بیرون از شهر و در صحرا بخوانند) جز اهل مکه (که حج در منی نیستند) ایشان در مسجد الحرام نماز عیدین میگزارند.

۱۴۶۷- عَلِيُّ بْنُ رِثَابٍ از ابی بصیر و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: شایسته نیست خواندن نماز عیدین در مسجد سر پوشیده یا خانه ای که سقف داشته باشد بلکه باید در صحرا و یا مکان باز و گشوده آنرا بجا آورند.

۱۴۶۸- وَحَلِيُّ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت از پدر

إِذَا خَرَجَ يَوْمَ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَىٰ أَبِي أَنْ يُؤْتَى بِطُفْئَةٍ يُصَلِّي عَلَيْهَا يَقُولُ: هَذَا يَوْمٌ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَخْرُجُ فِيهِ حَتَّى يَبْرُزَ لِأَفَاقِ السَّمَاءِ ثُمَّ يَضَعُ جَبْهَتَهُ عَلَى الْأَرْضِ».

۱۴۶۹- وَرَوَى إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَابِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ: أَرَأَيْتَ صَلَاةَ الْعِيدَيْنِ هَلْ فِيهَا أَذَانٌ وَاقَامَةٌ؟ قَالَ: لَيْسَ فِيهَا أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ، وَلَكِنْ يُنَادِي الصَّلَاةَ الصَّلَاةَ - ثَلَاثَ مَرَّاتٍ - وَلَيْسَ فِيهَا مِثْبَرٌ، الْمِثْبَرُ لَا يَحْرُكُ مِنْ مَوْضِعِهِ، وَلَكِنْ يُضْتَعُ لِلْإِمَامِ شِبْهُ الْمِثْبَرِ مِنْ طِينٍ فَيَقُومُ عَلَيْهِ، فَيَخْضُبُ النَّاسُ ثُمَّ يَنْزِلُ».

۱۴۷۰- وَرَوَى حَرِيرٌ، عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: لَا تَقْضِ وَتَرْلَيْلِكَ - يَعْنِي فِي الْعِيدَيْنِ - إِنْ كَانَ فَاتَكَ حَتَّى تُصَلِّيَ الزَّوَالَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ».

خویش امام باقر علیه السلام روایت فرموده که: پدرم وقتی در روز عید فطر و عید قربان جهت نماز عید در صحرا از خانه بیرون میرفت اجازه نمیداد برایش سجاده‌ای بیاورند که بر آن نماز بخواند و میفرمود: امروز روزیست که رسول خدا صلی الله علیه وآله در چنین روزی خارج می‌شد بجایی که در برابر آفاق آسمان آشکار باشد آنگاه پیشانی مبارکش را برای سجده بر خاک و روی زمین می‌نهاد (نه بر سجاده).

۱۴۶۹- اسماعیل بن جابر از امام صادق علیه السلام روایت کرده گوید: به آنحضرت عرض کردم: نظر شما در مورد نماز عیدین چیست؟ آیا در آن دو نماز اذان و اقامه هست؟ فرمود: نماز عیدین اذان و اقامه ندارد، لکن به آواز بلند سه مرتبه فریاد می‌کنند: الصَّلَاةُ الصَّلَاةُ، و در این دو نماز منبر در کار نیست، و منبر را از مسجد حرکت نمیدهند تا بصحرا ببرند، لکن چیزی شبیه منبر از گل برای امام می‌سازند که بر آن می‌ایستد و برای مردم خطبه ایراد می‌کند و بعد فرود می‌آید.

۱۴۷۰- حریر از زراره و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: نماز وتر را که در شب از توفوت شده در روز عید فطر و عید قربان قضا نکن تا ظهر شود و پس از زوال هر وقت که خواهی قضا کن (با اینکه سابقاً گذشت که قضا کردن پیش از زوال بهتر است لکن در دو روزیاد شده استثناء قضا

۱۴۷۱- وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ الْهَاشِمِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «رَكَعَتَانِ مِنَ السُّنَّةِ لَيْسَ تُصَلِّيَانِ فِي مَوْصِعٍ إِلَّا بِالْمَدِينَةِ وَتُصَلِّيَانِ فِي مَسْجِدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْعِيدَيْنِ قَبْلَ أَنْ يُخْرَجَ إِلَى الْمُصَلَّى، لَيْسَ ذَلِكَ إِلَّا بِالْمَدِينَةِ، لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَعَلَهُ».

۱۴۷۲- وَرَوَى إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنِ الصَّادِقِ، عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «كَانَتْ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ غَنَزَةٌ فِي أَسْفَلِهَا عُكَّارٌ يَتَوَكَّأُ عَلَيْهَا وَيُخْرِجُهَا فِي الْعِيدَيْنِ يُصَلِّي إِلَيْهَا».

۱۴۷۳- وَسَأَلَ الْحَلَبِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى إِذَا اجْتَمَعَا يَوْمَ الْجُمُعَةِ قَالَ: اجْتَمَعَا فِي زَمَانٍ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: مَنْ شَاءَ أَنْ يَأْتِيَنِي

نکردن نماز شب تا هنگام ظهر اول است).

۱۴۷۱- محمد بن فضل هاشمی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: دو رکعت نماز سنت است که در هیچ جایی خوانده نمی شود مگر در مدینه، و آن دو رکعت را در روز عید قربان و عید فطر در مسجد رسول خدا صلی الله علیه وآله قبل از رفتن بمصلی میخوانند و مخصوص مدینه است زیرا رسول خدا صلی الله علیه وآله این دو رکعت را قبل از رفتن بمصلی در مدینه (بترتیبی که گذشت) بجا آورد. (و البته این دو رکعت از حکم کلی مضمون خبر قبل مستثنی است).

۱۴۷۲- اسماعیل بن مسلم از امام صادق علیه السلام و آنحضرت از پدر بزرگوار خود روایت کرده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله عصائی داشت که نوک تیز بود (یا عصائی که در انتهای آن که بر زمین میگذاشت قطعه فلز نوک تیزی بود همانند نوک پیکان) که آنحضرت بدان تکیه میفرمود، در عید فطر و عید قربان آنرا بیرون میآورد و در قبله خود نهاده و بجانب آن نماز میکرد (و این بعنوان ستره بود که مستحب است در صحرا و در فضای باز و جایی که چیزی روبروی شخص نباشد در برابر قبله نصب کرده بدان جانب نماز کند. و حدیث سکونی در این خصوص سابقاً گذشت. - مترجم).

۱۴۷۳- حلبی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد در مورد عید فطر و عید قربان که اگر یکی از این روزها با روز جمعه برخورد کند چه باید کرد و چگونه میان

الْجُمُعَةِ قَلِيَّاتٍ، وَمَنْ قَعَدَ فَلَا يَضُرُّهُ وَلْيُصَلِّ الظُّهْرَ، وَخَطَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ خُطْبَتَيْنِ جَمَعَ فِيهِمَا خُطْبَةَ الْعِيدِ وَخُطْبَةَ الْجُمُعَةِ».

نمازهای آن دو جمع باید کرد؟

آنحضرت فرمود: در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام چنین شد یعنی روز عید با جمعه یکی شد آنحضرت خطاب به مردم فرمود: هرکس بخواند بنماز جمعه حاضر شود بیاید، و هر کس حاضر نشود نیز زیانی برایش ندارد، و باید نماز ظهر را بخواند بجای نماز جمعه، و امیرالمؤمنین علیه السلام دو خطبه ایراد فرمود که در آن دو خطبه عید و خطبه جمعه را باهم ایراد کرد.

شرح: «بنابر آنچه بعنوان توضیح در ذیل خبر هامش نسخه عربی و سیلة والد مکرم — حفظه الله تعالى — عنوان شده است: ظاهراً امام علیه السلام خطبه عید را به تأخیر انداخته تا زمانی که ایراد خطبه جمعه با آن ممکن باشد و ضمن خطبه مسائلی را که مربوط به خطبه عید فطر است و یا مطالبی که اصولاً در خطبه عید قربان عنوان می شود و مسائلی را که عادتاً در خطبه نماز جمعه مطرح می کنند هر دو را باهم عنوان فرموده است. صاحب شرایع فرموده: وقتی عید یا روز جمعه مصادف شود، هرکس در نماز عید شرکت کند محتر است که در نماز جمعه شرکت نکند یا نکند، و در این حال بر امام است که این موضوع را در خطبه خود متذکر شود و مردم را از حکم آن مطلع سازد. و نیز گویند: این رخصت مختص کسانی است که از اطراف شهرها آمده و در نماز عید شرکت کرده اند و برای برگشتن راه درازی را تا محل سکونت خود باید طی کنند، این رخصت بدانجهت به ایشان داده شده که برای بازگشت بمنزل خود دچار زحمت و مشقت نشوند.

و شیخ الطائفة در تهذیب خبری را (با ذکر سندش) از امام صادق علیه السلام و آنحضرت از پدر خود علیه السلام روایت فرموده که امیرالمؤمنین علیه السلام در این خصوص فرموده است: هرگاه دو عید در یک روز واقع شد (یعنی جمعه با عید فطر یا عید قربان مصادف شد) سزاوار است امام در خطبه اول خود بفرموده بگوید: امروز دو عید بر شما همزمان جمع شده است و من هر دو نماز را باهم خواهم خواند، پس هرکس که راهش دور است و خود میخواهد از نماز دیگر منصرف شود و

۱۴۷۴- وَسُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ

تَرَكَى» قَالَ: مَنْ أَخْرَجَ الْفِطْرَةَ، فَقِيلَ لَهُ: «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» قَالَ: خَرَجَ إِلَى الْجَبَانَةِ فَصَلَّى».

۱۴۷۵- وَفِي رِوَايَةِ السَّكُونِيِّ «أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلَهُ كَانَ إِذَا خَرَجَ

إِلَى الْعِيدِ لَمْ يَرْجِعْ فِي الطَّرِيقِ الَّذِي بَدَأَ فِيهِ، يَأْخُذُ فِي طَرِيقٍ غَيْرِهِ».

۱۴۷۶- وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا أُرِدْتَ

الشُّخُوصَ فِي يَوْمِ الْعِيدِ فَأَنْفَجِرْ الْفَجْرَ وَأَنْتَ فِي الْبَلَدِ فَلَا تُخْرِجْ حَتَّى تَشْهَدَ ذَلِكَ الْعِيدَ».

برود او را اجازه میدهم که برود.

و نیز مولی محمدتقی مجلسی - رحمه الله علیه - فرموده: ظاهراً امام علیه السلام

در این مورد بر دو خطابه اکتفا فرموده، زیرا خطبه عید پس از نماز عید است و خطبه جمعه قبل از نماز جمعه پس آنحضرت دو خطبه در پی هم ایراد فرموده است. و احتمال می‌رود مراد از جمع کردن میان دو خطبه این باشد که آنحضرت در هنگام زوال ظهر از خطبه عید فارغ شده و با آغاز زوال شروع به ایراد خطبه جمعه نموده است».

① ۱۴۷۴- از امام صادق علیه السلام تفسیر این آیه را که سؤال کردند که خداوند عز و جل می‌فرماید: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَرَكَى» (سوره اعلی: ۱۴) (بمعنی: رستگار شد کسی که زکات داد) آنحضرت فرمود: مراد کسی است که زکات فطره را از مال خود بیرون کرد. سؤال شد «وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى» (۱۵) (بمعنی: و ذکر نام پروردگار خود کند و نماز بجا آورد) مراد چیست؟ فرمود: آنکه به صحرا و دشت (ذکرگویان) بیرون شود و نماز عید کند.

② ۱۴۷۵- و در روایت سکونی آمده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله وقتی برای خواندن و برگزاری نماز عید بیرون آمده بصحرا میرفت پس از نماز از همان جاده یا راهی که آمده بود برمی‌گشت، بلکه راه دیگری را در پیش می‌گرفت.

③ ۱۴۷۶- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هرگاه در روز عید خواستی بسفری بروی یا قبلاً قصد کرده بودی بسفر روی و صبح شد و هنوز در شهر بودی در این صورت از شهر بیرون نرو تا در مراسم نماز عید

- ۱۴۷۷- وَرَوَى سَعْدُ بْنُ سَعْدٍ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي الْمُسَافِرِ إِلَى مَكَّةَ وَغَيْرِهَا هَلْ عَلَيْهِ صَلَاةُ الْعِيدَيْنِ الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى؟ قَالَ: نَعَمْ إِلَّا يَمْنَى يَوْمَ النَّحْرِ».
- ۱۴۷۸- وَرَوَى جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ سُؤَالَ نَادَى مُنَادٍ يَا أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ اغْدُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ، ثُمَّ قَالَ: يَا جَابِرُ جَوَائِزُ اللَّهِ لَيْسَتْ كَجَوَائِزِ هَؤُلَاءِ الْمُلُوكِ، ثُمَّ قَالَ: هُوَ يَوْمُ الْجَوَائِزِ».
- ۱۴۷۹- وَ«نَظَرَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى أَنَاسٍ فِي يَوْمٍ فِطْرٍ يَتَعَبُونَ وَيَضْحَكُونَ فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ وَالتَّفَتَ إِلَيْهِمْ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جَعَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ مَضْمَرًا لِخَلْقِهِ يَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ فَتَبَقَ فِيهِ قَوْمٌ قَفَازُوا، وَتَخَلَّفَ آخَرُونَ فَخَذَبُوا

حاضر شوی و نماز کنی (و پس از نماز عید بسفر روی). (بر حسب ظاهر این حدیث رفتن بسفر پیش از خواندن نماز عید جایز نیست بنابر مذهب مشهور که نهی از جهت حرمت است نه کراهت. بنابراین مذهب اگر شخص روانه سفر شده و پیش از رسیدن به حد ترخص اگر خورشید طلوع کند، با توجه به اینکه اول وقت نماز عید هنگام دمیدن آفتاب است براین شخص مسافر واجب میشود که بازگردد و نماز عید را بجا آورد- البته در هنگامیکه نماز عید واجب باشد- مترجم).

- ۱۴۷۷- سعد بن سعد از امام رضا علیه السلام روایت کرده است در مورد کسی که مسافر است و بجهت یا جای دیگر سفر میکند آیا نماز عیدین یعنی عید فطر و عید قربان بر او واجب است؟ آنحضرت فرمود: آری، مگر در منی در روز عید قربان.
- ۱۴۷۸- و جابر از امام باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: چون روز اول شوال فرا میرسد منادی فریاد می‌کند: ای مؤمنان در این صبحگاه بشنایید برای جوایزتان (که پیاداش عبادات رمضان میدهند) سپس فرمود: ای جابر جوایز خداوند متعال که مانند جوایز این پادشاهان نیست، آنگاه فرمود: امروز روز جایزه است.

۱۴۷۹- امام حسن مجتبی علیه السلام در روز عید فطر گروهی را دید که مشغول بازی و خنده بودند، پس در حالیکه به آنان اشاره میکرد به اصحاب خویش فرمود: همانا خداوند عز و جل ماه رمضان را میدان مسابقه برای بندگان خود قرار داده است تا با طاعت و عبادت خود برای رسیدن به رضوان و خشودی خداوند از

قَالَ عَجِبْتُ كُلَّ الْعَجَبِ مِنَ الصَّاحِبِ اللَّاعِبِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُثَابُ فِيهِ الْمُحْسِنُونَ وَيُخَيَّبُ فِيهِ الْمُقْصِرُونَ، وَأَيُّكُمْ اللَّهُ لَوْ كُشِفَ الْغِطَاءُ لَشَغَلَ مُحْسِنٌ بِأَحْسَانِهِ وَمُسيءٌ بِإِسَاءَتِهِ».

۱۴۸۰ - وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ لِلْمُسْلِمِينَ أَضْحَى وَلَا فِطْرٌ إِلَّا وَهُوَ يُجَدِّدُ فِيهِ لِآلِ مُحَمَّدٍ حُزْنَ، قِيلَ: وَلِمَ ذَلِكَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُمْ يَرَوْنَ حَقَّهُمْ فِي يَدِ غَيْرِهِمْ».

وَصَلَاةُ الْعِيدَيْنِ رَكْعَتَانِ فِي الْفِطْرِ وَالْأَضْحَى وَائِسَ قَبْلَهُمَا وَلَا تَعْدُ لَهَا شَيْءٌ وَلَا يُصَلِّيَانِ إِلَّا مَعَ إِمَامٍ فِي جَمَاعَةٍ، وَمَنْ لَمْ يُدْرِكْ الْإِمَامَ فِي جَمَاعَةٍ فَلَا صَلَاةَ لَهُ وَلَا قَضَاءَ عَلَيْهِ، وَائِسَ لَهَا أَذَانٌ وَلَا إِقَامَةٌ، أَذَانُهَا طُلُوعُ الشَّمْسِ، يَتَدَا الْإِمَامُ تَكْبِيرًا وَاحِدَةً، ثُمَّ يَقْرَأُ الْحَمْدَ وَسَبِّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى، ثُمَّ يُكَبِّرُ خَمْسًا وَيَقْرَأُ بَيْنَ كُلِّ تَكْبِيرَيْنِ ثُمَّ يَرْكَعُ

یکدیگر پیشی بگیرند، پس گروهی در این میدان تاختند و به خشنودی الهی فائز شدند، و عده ای دیگر عقب افتادند و تقصیر کردند و زیان دیدند، پس شگفتا و بسیار شگفتا از آنکه بخنده و بازی مشغول باشد در چنین روزی که نیکوکاران در این روز پاداش می یابند، و تقصیرکاران زیان می بینند، و قسم بخدا که اگر حجاب از میان برخیزد و پرده کنار رود بی تردید و حتماً نیکوکار مشغول نیکوکاری خود شود و بد کردار گرفتار زشتکاری خود باشد.

⑧ ۱۴۸۰ - امام باقر علیه السلام فرمود: هیچ عید قربان و عید فطری نمی آید مگر اینکه در آن روز غم و اندوه برای آل محمد تازه می شود، پرسیدند: چرا چنین می شود؟ آنحضرت فرمود: زیرا آل محمد می بینند که حقشان در دست دیگران است. و نماز عید فطر و عید قربان دو رکعت است و قبل و بعد از آن دو، تا هنگام زوال نماز نافله ای نیست، و این دو نماز خوانده نمی شود مگر با امام و جماعت، و اگر کسی در نماز جماعت به امام نرسد دیگر نمازی ندارد و نماز او نماز نیست اگر بغیر جماعت کند و قضاء آن هم بر او نیست، و با آن دو نماز اذان و اقامه نیست، اذان آن ها طلوع خورشید است، امام شروع می کند و یک تکبیر (تکبیر احرام) می گوید، آنگاه حمد می خواند و بعد سوره سَبِّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى را می خواند، سپس پنج تکبیر می گوید و در فاصله هر دو تکبیر قنوت می خواند، و با تکبیر هفتم که تکبیر رکوع است

بِالشَّابِعَةِ وَيَسْجُدُ سَجْدَتَيْنِ. فَإِذَا نَهَضَ إِلَى الثَّانِيَةِ كَبَّرَ وَقَرَأَ الْحَمْدَ وَالشَّمْسَ وَضَحَّهَا ثُمَّ كَبَّرَ تَمَامَ أَرْبَعِ تَكْبِيرَاتٍ مَعَ تَكْبِيرَةِ الْقِيَامِ، ثُمَّ رَكَعَ بِاخْتِمَاءٍ.

۱۴۸۱- وَقَدْ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ، عَنْ أَبِي الصَّبَاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ:

«سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ التَّكْبِيرِ فِي الْعِيدَيْنِ، فَقَالَ: اثْنَتَا عَشْرَةَ تَكْبِيرَةً، سَبْعٌ فِي الْأُولَى وَخَمْسٌ فِي الْأُخْرَى. فَإِذَا قُمْتَ فِي الصَّلَاةِ فَكَبِّرْ وَاحِدَةً وَقُلْ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، وَأَهْلُ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ، وَالْقُدْرَةِ وَالشُّلْطَانِ وَالْعِزَّةِ، أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدًا، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْرًا وَمَزِيدًا، أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَأَنْ تُغْفِرَ لَنَا وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ

به رکوع میرود و دو سجده میکند، و چون برای رکعت دوم برخیزد باز تکبیر میگوید، و حمد میخواند و سوره و الشمس و ضحی را میخواند آنگاه تکبیر تمام کردن چهار تکبیر (با تکبیر قیام) را میگوید، یعنی سه تکبیر دیگر میگوید که با تکبیر قیام رو به چهار تکبیر میشود، بعد تکبیر پنجم را میگوید و به رکوع میرود.

① ۱۴۸۱- و محمد بن فضیل از ابی الصباح کنانی روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره تکبیرهای نماز عید قربان و عید فطر سوال کردم. آنحضرت فرمود: دوازده تکبیر است باین ترتیب: هفت تکبیر در رکعت اول، و پنج تکبیر در رکعت دوم، و چون بنماز برخاستی یکبار تکبیر بگو و بعد این دعا را بخوان: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ — تا آخر دعائی که در متن آمده — وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِإِمْلَکَتِكَ —» و معنی آن اینست که: شهادت میدهم که هیچ معبودی حتی جز خداوند یکتا و بی انباز نیست، و گواهی میدهم که محمد صلی الله علیه و آله بنده او فرستاده اوست. بارخدا یا ای شایسته کبریا و بزرگی و شایسته جود و جبروت و قدرت و سلطنت و عزت در این روز که آنرا برای مسلمانان عید و برای محمد صلی الله علیه و آله اندوخته ای و شرف افزائی ساخته ای از تو میخواهم که بر محمد و خاندان او درود و تعیت فرستی و نیز بر فرشتگان مقرب خود و

وَالْأَمْوَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْتَ عِبَادَكَ الصَّالِحِينَ وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا
عَادَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلَصُونَ. اللَّهُ أَكْبَرُ أَوَّْلُ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرُهُ، وَبَدِيعُ كُلِّ شَيْءٍ
وَمُنْتَهَاهُ، وَعَالِمُ كُلِّ شَيْءٍ وَمَعَاذُهُ، وَمَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ وَمَرْؤَدُهُ، وَمُدَبِّرُ الْأُمُورِ
وَبَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، قَابِلُ الْأَعْمَالِ وَمُبْدِي الْحَقَائِقِ، وَمُعْلِنُ السَّرَائِرِ. اللَّهُ أَكْبَرُ
عَظِيمُ الْمَلَكُوتِ شَدِيدُ الْجَبَرُوتِ، حَتَّى لَا يَمُوتَ دَائِمٌ لَا يَزُولُ، إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّهَا يَقُولُ لَهُ
كُنْ فَيَكُونُ. اللَّهُ أَكْبَرُ خَشَعَتْ لَكَ الْأَصْوَاتُ وَغَسَتْ لَكَ الْوُجُوهُ وَحَارَتْ دُونَكَ
الْأَبْصَارُ وَكَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ عَظَمَتِكَ، وَالنَّوَاصِي كُلُّهَا بِيَدِكَ وَمُقَادِيرُ الْأُمُورِ كُلُّهَا
إِلَيْكَ لَا يَقْضِي فِيهَا غَيْرُكَ، وَلَا يَتِمُّ مِنْهَا شَيْءٌ دُونَكَ. اللَّهُ أَكْبَرُ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ
حِفْظُكَ وَقَهَرَ كُلَّ شَيْءٍ عِزُّكَ، وَنَفَذَ كُلَّ شَيْءٍ أَمْرُكَ، وَقَامَ كُلُّ شَيْءٍ بِكَ،

پیامبران مرسلت درود فرستی، و همچنین ما و تمامی مؤمنین و مؤمنات و مسلمان را از
مرد و زن چه آنانکه زنده‌اند و چه کسانی که درگذشته‌اند جمله را پیامرزی و
گناهانشان را ببخشانی. بارخدا یا من از تو درخواست و مسئلت میکنم از بهترین آن
چیزها که بندگان صالح و نیکوکار از تو خواسته (بمن نیز عطا فرمائی) و به تو پناه
می‌برم از بدترین چیزها که بندگان مخلص از آن بتو پناه برده‌اند، الله اکبر. او آغاز
هر چیز و پایان آن، و نوپدیدآورنده همه چیز و انتهای آن، و دانای هر چیز و مرکز
بازگشت آن است، و فرجام همه چیز و بازگشت آن بسوی او است، و او گرداننده
امور، و برانگیزنده خفتگان در گورهاست، و پذیرنده اعمال و پدیدآورنده اسرار، و
آشکارکننده سران و ضمائر است. الله اکبر، او قدرتش بسیار بزرگ و شوکتش بسیار
قوی است، و زنده‌ای است جاودان و پاینده‌ایست بی‌زوال، چون وقوع امری را تقدیر
کند فقط (کافی است) به او بگویند: باش تا موجود باشد. الله اکبر آوازه‌ها در برابر
جلال و شکوهت پست و خاموش گشته، و چهره‌های کبرآمیز مستکبران در آستان
صولت و شوکت بخاک زبونی و ذلت سوده شده، و چشمها در مقابل پرتو جلال و
هیبت خیره گشته، و زبانها تحت تأثیر عظمت کندی گرفته است، همه موجودات
در قبضه قدرت تواند، و مقدرات امور یکسره بدست توست چنانکه جز تو کسی
در باره آنها فرمان نمیراند، و چیزی از آنها بی‌مشیت تو با انجام نمی‌رسد، الله اکبر، حفظ

وَتَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِّعَظَمَتِكَ، وَذَكَ كُلُّ شَيْءٍ لِّعِزَّتِكَ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ لِّقُدْرَتِكَ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِّمُلْكِكَ. اللَّهُ أَكْبَرُ». وَتَقْرَأُ الْحَمْدَ وَسَبِّحَ اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى وَتُكَبِّرُ السَّابِعَةَ وَتَرْكَعُ وَتَسْجُدُ، وَتَقُومُ وَتَقْرَأُ الْحَمْدَ وَالشَّمْسِ وَضَحُّهَا وَتَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، تُبَسِّئُ كُلَّهُ كَمَا قُلْتَهُ أَوَّلَ التَّكْبِيرِ، يَكُونُ هَذَا الْقَوْلُ فِي كُلِّ تَكْبِيرَةٍ حَتَّى يَنْتَهِيَ خَمْسُ تَكْبِيرَاتٍ».

۱۴۸۲- وَخَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ الْفِطْرِ فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي

خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ وَجَعَلَ الظُّلُمَاتِ وَالنُّورَ ثُمَّ الَّذِينَ كَفَرُوا بِرَبِّهِمْ يَقْدِرُونَ، لَا نُشْرِكَ بِاللهِ شَيْئاً، وَلَا تَتَّخِذُ مِنْ دُونِهِ وَلِيّاً، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَهُ مَا فِي السَّمَوَاتِ وَمَا فِي

و حراست تو همه چیز را فرا گرفته، و قدرت همه چیز را مقهور خویش ساخته، و فرمانت درباره همه چیزها نافذ و روان گشته، و وجود همه موجودات بمدد تو پیا خاسته، و هر چیز در آستان عظمت به زانوی حضور افتاده، و همه هستی در برابر عزت خوار و پست شده، و همه چیز در برابر قدرت تسلیم گشته، و همه هستی خاضع و مطیع مالکیت تو شده است. الله اکبر، پس از خواندن دعا سوره حمد و سَبِّح اسْمَ رَبِّكَ الْأَعْلَى را میخوانی و تکبیر هفتم را میگوئی و به رکوع و سجود رفته، و پیا میایستی و الحمد و سوره و الشمس و ضحی را میخوانی و بعد میگوئی الله اکبر أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ - و تا آخر دعائی را که ترجمه آن گذشت و در متن آمده میخوانی همانطور که در تکبیر اول خواندنی - و خواندن این دعا پس از هر تکبیر تکرار می شود تا پنج تکبیر تمام شود.

۱۴۸۲- (۲) أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي رُزْ عِيدِ فِطْرِ بَخْطَبِهِ بِرِخَاسْتِ وَ چنین

فرمود: سپاس و ستایش خدائی را که آسمانها و زمین را آفرید، و تاریکیها و نور را برقرار ساخت، و با اینهمه آنانکه کافر شده اند از پروردگارشان روی برمی تابند، و به او شرک می ورزند، و ما چیزی را شریک و انباز خدا نگیریم، یاوری و مولائی بجای او نگزینیم. و حمد و سپاس که هر آنچه در آسمانها و زمین است از آن اوست.

الأرض، وله الحمد في [الدنيا و] الآخرة وهو الحكيم الخبير، يعلم ما يلج في الأرض وما يخرج منها، وما ينزل من السماء وما يعرج فيها وهو الرحيم الغفور، كذلك الله لا إله إلا هو إليه المصير، والحمد لله الذي يُمسك السماء أن تقع على الأرض إلا بإذنه إن الله بالناس لرؤوف رحيم، اللهم ارحمنا برحمتك واعمقنا بمغفرتك، إنك أنت العلي الكبير، والحمد لله الذي لا مقلوب من رحمته ولا مخلو من نعمته، ولا مؤسس من روجه، ولا مستكف عن عبادته، [الذي] بكلمته قامت السماوات السبع واستقرت الأرض اليها، وتبسط الجبال الرواسي. وجرت الرياح اللواقح وسار في جو السماء الشهاب، وقامت على حدودها البحار. وهو إله لها وقاهر، يذل له المتعززون، ويتضاءل له المتكبرون، ويتدين له ظوعاً وكرهاً العالمون، نحمده كما

(۱) و سپاس و ستایش اوراست در [دنیا و] آخرت، و او حکیم و خبیر است. و هر آنچه را که در زمین جای گرفته، و آنچه را که از زمین بیرون می‌آید، و آنچه را از آسمان فرو میریزد، و نیز آنچه را که در فضای آسمان بالا میرود، او میداند، و او مهربان و آمرزشگر است. اینچنین است خداوند که هیچ معبود حقی جز او نیست، و فرجام کار بسوی اوست. و سپاس و ستایش مخصوص خدائی است که آسمان را از اینکه بدون خواست او از هم بگسلد و پراکنده شود، و نیز از فرو افتادن آن بر زمین نگه میدارد (و یا مقدرات آسمانی و دیگر نزولات سماوی بدون اذن او فرو نمی‌آید) همانا که خداوند نسبت به مردم البته صاحب رأفت و رحمت است.

بارخدا یا با رحمت بی‌کرانت ما را مورد مرحمت خویش قرار ده، و (سایه) آمرزشت را بر ما بگستران زیرا که آن خداوند بلندمرتبه و بزرگ توانی. و سپاس و ستایش زیبنده آن خدائی است که از رحمتش هیچ نومیدی، و از نعمتش بی‌نصیبی، و از عدل و نصرتش بی‌بهره‌ای، و از عبادتش خویشتن‌دار کبرورزی نیست. خداوندی که با کلمه‌اش آسمانهای هفتگانه برپا شده، و زمین چون بستر آرامشی استقرار یافته، و کوههای راسخ استوار گشته، و بادهای بارورکننده وزیدن گرفته، و ابرها در فضای آسمان روان گشته، و دریاها بر حدود خود پابرجا مانده، و او معبود آنها، و قاهر و غالب بر آنها است، که مدعیان عزت در پیشگاه او بزانوی تذلل درمی‌آیند، و متکبران در برابرش حقیر و ناچیز می‌نمایند، و عوالم هستی خواه و ناخواه فرمانش را

حَمْدَ نَفْسِهِ وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ وَنَسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنَسْتَهْدِيهِ وَنَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، يَعْلَمُ مَا تُخْفِي الثُّنُوسُ، وَمَا تُجِنُّ الْبِحَارُ وَمَا تُوَارِي مِثْلُ ظُلْمَةٍ، وَلَا تَغِيبُ عَنْهُ غَائِبَةٌ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ مِنْ شَجَرَةٍ وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتٍ إِلَّا يَعْلَمُهَا، لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ وَلَا رُحْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ، وَيَعْلَمُ مَا يَعْمَلُ الْعَامِلُونَ وَأَنْتَ مَجْرَى يَجْرُونَ، وَإِلَى أَنْتِ مُسْقَلَبٌ يَنْقَلِبُونَ، وَنَسْتَهْدِيكَ اللَّهُ بِالْهُدَى، وَنَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَرَسُولُكَ إِلَى خَلْقِكَ، وَأَمِينُكَ عَلَى وَحْيِكَ، وَأَنْتَ قَدْ بَلَغَ رِسَالَتَ رَبِّكَ، وَجَاهَدَ فِي اللَّهِ الْمُحَابِدِينَ عَنْكَ، الْعَادِلِينَ بِهِ وَعَبَدَ اللَّهَ حَتَّى أَتَاهُ الْيَقِينُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ. أَوْصِيَكُمْ [عِبَادَ اللَّهِ] بِتَقْوَى اللَّهِ الَّذِي لَا تَبْرُحُ مِنْهُ نِعْمَةٌ وَلَا تَنْقُذُ مِنْهُ رَحْمَةٌ

گردن می نهند. او را چنان می ستایم که او خود، خویشتر را بدان گونه ستوده است. و همان سان که شایسته آن است، و از او یاری و آمرزش و هدایت می طلبیم، و شهادت می دهیم که هیچ معبود حقّی جز خداوند یکتای بی انباز نیست. او آنچه را که دلتها در خود پنهان میدارند، و دریاها در اعماق خود مستور می سازند، میداند، و هیچ پرده ظلمتی در برابرش حاجب نمی شود، و هیچ نهانی از او پوشیده نمی ماند، و هیچ برگگی از درختی فرو نمی افتد، و دانه ای در تاریکیها (نی خداک) وجود ندارد، مگر اینکه او نسبت به همه آنها آگاهی دارد.

معبود حقّی جز او نیست، و هیچ تر و خشکی وجود ندارد، مگر اینکه در کتاب مبین علم او برنوشته و مضبوط است. و او میداند که عمل کنندگان، چه کاری انجام خواهند داد، و در چه مسیری گام می سپارند، و بکدام فرجام بازخواهند گشت. و ما از خدا می طلبیم که براه راستمان هدایت فرماید، و شهادت می دهیم که محمد (صلی الله علیه و آله) بنده او و پیامبر او، و فرستاده اوست بسوی خلقش، و امین اوست بر وحیش، و نیز اینکه او رسالتهای پروردگارش را تبلیغ کرد، و در راه خداوند با آنان که از راه او منحرف شده اند، و دیگری را با او برابر گرفته اند، جهاد کرد. و خداوند را عبادت کرد تا آنگاه که لحظه یقین و پیوستنش بجوار رحمت ربّ العالمین فرا رسید. درود خدا بر او خاندانش باد.

ای بندگان خدا شما را به پروای خداوندی سفارش می کنم، که نعمتی از جانب او زوال نمی پذیرد، و رحمتی از سوی او منقطع نمی شود، و بندگان از او بی نیاز

وَلَا يَسْتَغْنِي الْعِبَادُ عَنْهُ، لَا يَجْزِي أَنْعَمُهُ الْأَعْمَالُ، الَّذِي رَغَّبَ فِي التَّقْوَى، وَزَهَّدَ فِي الدُّنْيَا، وَحَذَّرَ الْمَعَاصِي، وَتَعَزَّزَ بِالْبَقَاءِ، وَذَلَّ خَلْقَهُ بِالْمَوْتِ وَالْفَنَاءِ، وَالْمَوْتُ غَايَةُ الْمَخْلُوقِينَ، وَسَبِيلُ الْعَالَمِينَ، وَمَعْقُودُ بَنَوَاصِي الْبَاقِينَ، لَا يُعْجِزُهُ إِلَّا قُتْلُ الْهَارِبِينَ، وَعِنْدَ حُلُولِهِ يَأْسِرُ أَهْلَ الْهَوَى، يَهْدِمُ كُلَّ لَذَّةٍ، وَيُزِيلُ كُلَّ نِعْمَةٍ، وَيَقْطَعُ كُلَّ بَهْجَةٍ، وَالْدُّنْيَا دَارُ كَتَبَ اللَّهُ لَهَا الْفَنَاءَ، وَلِأَهْلِهَا مِثْقَالَ الْجَلَاءِ، فَأَكْثَرُهُمْ يَتَوَيَّ بَقَاءَهَا وَيُعْظِمُ بِنَاءَهَا، وَهِيَ حُلُوةٌ خَصِرَةٌ، وَقَدْ عُجِّلَتْ لِلصَّالِبِ، وَالتَّجَنَّبَتْ بِقَلْبِ النَّازِلِ وَيَصْرُ دُورُ التَّوَقُّعِ الضَّعِيفِ، وَيَخْتَوِيهَا الْخَائِفُ الْوَجِلُ فَارْتَجِلُوا مِثْقَالَ بَرَحْمَكُمُ اللَّهُ - بِأَحْسَنِ مَا يَحْضُرَتِكُمْ وَلَا تَطْلُبُوا مِثْقَالَ أَكْثَرِ مِنَ الْقَلِيلِ، وَلَا تَسْأَلُوا مِثْقَالَ فَوْقِ الْكَفَافِ، وَارْضَوْا بِهَا بِالتَّسِيرِ، وَلَا تَمُدَّنْ أَعْيُنَكُمْ مِثْقَالَ إِلَى مَا تُبْغِي الْمُشْرَفُونَ بِهِ وَاسْتَهَيُّوا بِهَا.

نمیگردند، و اعمال عاملان برای پرداخت بهای نعمتهایش کفایت نمیکند، خدائی که مردم را به پرهیزکاری ترغیب فرموده، و به زهد در دنیا فرا خوانده، و از ارتکاب معاصی برحذر داشته، و هو که ببقاء، عزت یافته، و خلق خود را بوسیله مرگ و هلاک زبون ساخته است، و مرگ سرانجام دنیای آفریدگان، و راه جهان و جهانیان، و نقش پیشانی بازماندگان است. گریز فراریان از مرگ آن را از دستیابی به ایشان ناتوان و درمانده نمی سازد. و بهنگام فرا رسیدنش هوی پرستان را به بند اسارت میکشد، و هرگونه لذتی را نابود میکند، و هر نعمتی را بزوال می سپارد، و رشته هر بهجت و شادمانی را میگسلد. با اینکه این دنیا سرائی است که خدا فنا را برایش رقم زده، و کوچ کردن از آن را برای اهل آن مقرر فرموده است. ولی بیشتر مردم سودای بقای آنرا در سر می پرورند، و بناء (ساختمانها) را محکم می سازند، و دنیا در کام اهلش شیرین و در چشمشان زیبا و خرم می نماید، و آن برای خواستارش آماده است. و محبتش با دل تماشاگر درآمیخته است. و ثروتمند کوتاه نظر بدان بخل می ورزد. و شخص خدا ترس و دل نگران زیستن در این سرا را خوش نمی دارد.

پس شما - که خدایان رحمت کند - با بهترین ره توشه ای که در اختیار دارید از این سرای کوچ کنید، و از دنیا بیش از اندکی برای رفع نیاز طلب نکنید، و از نعمتهای آن چیزی بیش از کفاف نخواهید، و به اندکی از آن راضی شوید، و بکامرانی کامرانان از نعمتهای این جهان چشم مدورید، و کار جهان گذران را آسان

وَلَا تُؤْطَوْنَهَا، وَأَصِرُوا بِأَنْفُسِكُمْ فِيهَا، وَإِنَّا كُمْ وَالتَّعْمِ وَالنَّهْيِ وَالْفَاكِهَاتِ فَإِنَّ فِي ذَلِكَ عَقْلًا وَاعْتِرَارًا.

أَلَا إِنَّ الدُّنْيَا قَدْ تَنَكَّرَتْ وَأَذْبَرَتْ وَاخْلَوَتْ وَأَذْنَتْ يَدَاعٍ، أَلَا وَإِنَّ الْآخِرَةَ قَدْ رَحَلَتْ فَأَقْبَلَتْ وَأَشْرَقَتْ وَأَذْنَتْ بِاطِّلَاعِ أَلَا وَإِنَّ الْبِضْمَارَ الْيَوْمَ وَالسَّبَاقُ غَدًا، أَلَا وَإِنَّ السُّبْقَةَ الْجَنَّةَ، وَالْغَايَةَ النَّارَ، أَلَا فَلَا تَأْتِبُ مِنْ حَظِيَّتِهِ قَبْلَ يَوْمِ مَبِيتِهِ، أَلَا عَامِلٌ لِنَفْسِهِ قَبْلَ يَوْمِ بُوْسِهِ وَفَقْرِهِ؟! جَعَلَنَا اللَّهُ وَإِنَّا كُمْ مِمَّنْ يَخَافُهُ وَيَرْجُو ثَوَابَهُ.

أَلَا وَإِنَّ هَذَا الْيَوْمَ يَوْمَ جَعَلَهُ اللَّهُ لَكُمْ عِيدًا، وَجَعَلَ كُمْ لَهُ أَهْلًا، فَادْكُرُوا اللَّهَ يَذْكُرْكُمْ، وَادْعُوهُ يَسْتَجِبْ لَكُمْ، وَادْعُوا فُطْرَتَكُمْ، فَإِنَّهَا سُنَّةُ نَبِيِّكُمْ وَفَرِيضَةٌ وَاجِبَةٌ

گیرید، و بدان دل مبنید، و در این جهان با شدت و دقت مواظب خود باشید، تا بدام هلاک آن گرفتار نشوید. و زهار که از کامرانی و سرگرمی و مطایبات احتراز کنید، که آن موجب غفلت و غرور است. آری دنیا ناآشنا شده، و چهره‌ای زشت بخود گرفته و روی برتافته، و سپری گذشته و اعلام وداع نموده، و هشیار باشید که آخرت زین بر مرکب نهاده، و بدینسو روی آورده، و مشرف شده، و اعلام ورود ناگهانی کرده است.

بهوش باشید که امروز وقت آماده شدن، و فردا روز مسابقه است. آگاه باشید که جائرة این مسابقه بهشت است، و پایان تلاش و کوشش تبهکاران آتش دوزخست.

پس آیا تائبی نیست که پیش از فرا رسیدن روز مرگش از گناه خود توبه کند؟ آیا عاملی نیست که پیش از رسیدن روز سختی و نیازمندی و فقرش عملی برای خود انجام دهد؟.

خداوند ما و شما را از کسانی قرار دهد که از حسابخواهی او بیم دارند، و بشوایش امیدوارند. بدانید امروز روزیست که خدا آنرا برای شما عید قرار داده و شما را اهل آن ساخته است، پس خدا را یاد کنید، تا شما را یاد کند، و او را بخوانید تا شما را اجابت فرماید، و زکات فطره خود را بپردازید، زیرا که آن سنت پیامبران، و فریضه واجبی از جانب پروردگار تانست، پس همیاید تا هریک از شما آنرا از جانب

مِنْ رَبِّكُمْ ، فَلْيُؤَدِّهَا كُلُّ اِمْرِئٍ مِّنْكُمْ عَنْهُ وَعَنْ عِيَالِهٖ ذِكْرِهِمْ وَانْثَاهُمْ ،
صَغِيرِهِمْ وَكَبِيرِهِمْ ، وَحُرِّهِمْ وَمَمْلُوكِيهِمْ ، عَنْ كُلِّ اِنْسَانٍ مِنْهُمْ صَاعًا مِنْ بُرٍّ اَوْ صَاعًا
مِنْ تَمْرٍ ، اَوْ صَاعًا مِنْ شَعِيرٍ ، وَاَطِيعُوا اللّٰهَ فِيمَا فَرَضَ اللّٰهُ عَلَيْكُمْ وَامْرُؤُكُمْ بِهٖ مِنْ اِقَامِ
الصَّلَاةِ ، وَاِيتَاءِ الزَّكَاةِ ، وَحُجِّ الْبَيْتِ ، وَصَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ ، وَالْاَمْرِ بِالْمَعْرُوفِ ،
وَالنَّهْيِ عَنِ الْمُنْكَرِ ، وَالْاِحْسَانِ اِلَى نِسَائِكُمْ وَمَا مَلَكَتْ اَيْمَانُكُمْ ، وَاَطِيعُوا اللّٰهَ فِيمَا
نَهَاكُمْ عَنْهُ مِنْ قَذْفِ الْمُخَصَّنَةِ ، وَاِثْبَانِ الْفَاجِشَةِ ، وَشُرْبِ الْخَمْرِ ، وَبَخْسِ الْمِكْيَالِ ،
وَنَقْصِ الْمِيزَانِ ، وَشَهَادَةِ الزُّوْرِ ، وَالْفِرَارِ مِنَ الرَّحْفِ ، عَصَمْنَا اللّٰهَ وَاِيَّاكُمْ بِالتَّقْوَى ،
وَجَعَلَ الْاٰخِرَةَ خَيْرًا لَّنَا وَلَكُمْ مِنَ الْاَوَّلِ ، اِنَّ اَحْسَنَ الْحَدِيثِ وَابْلَغَ مَوْعِظَةِ الْمُتَّقِينَ
كِتَابُ اللّٰهِ الْعَزِيزِ الْحَكِيمِ اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ . «بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ ،
قُلْ هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ . اللّٰهُ الصَّمَدُ . لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ . وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا اَحَدٌ» .
ثُمَّ يَجْلِسُ جَلِيسَةً كَجَلِيسَةِ الْعَجَلَانِ ، ثُمَّ يَقُومُ بِالْخُطْبَةِ الَّتِي كَتَبْنَاهَا فِي آخِرِ
خُتْبَةِ يَوْمِ الْجُمُعَةِ بَعْدَ جُلُوسِهِ وَقِيَامِهِ .

خود و از جانب همگی عاقله اش: مردان و زنان ایشان، و خرد و کلانشان، و آزاد
برده ایشان، بابت هر کدام از ایشان صاعی از گندم، یا صاعی از خرما، یا صاعی از
جو بپردازد؛ و خدا را در مورد آنچه بر شما واجب ساخته، و به انجام آن فرمان داده،
همچون اقامه نماز، و پرداختن زکات، و حج خانه خدا، و روزه ماه رمضان، و
امر معروف، و نهی از منکر، و احسان نسبت بزنانشان، و بردگانتان اطاعت کنید، و
در مورد آنچه شما را از آن نهی فرموده — از قبیل تهمت زدن بزنان باعفت، و ارتکاب
فحشاء، و شرابخواری، و کم گذاشتن از کیل — کمفروشی — و کاستن از وزن، و
شهادت باطل، و فرار از برابر حمله دشمن — اطاعت کنید خدا ما را و شما را بوسیله
تقوی محفوظ بدارد. و پایان کار ما و شما را از آغاز آن بهتر قرار دهد.
بیگمان بهترین حدیث و رساترین موعظه پرهیزگاران کتاب عزیز و حکیم
خداست.

آنگاه در ادامه افزود: اَعُوْذُ بِاللّٰهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ بِسْمِ اللّٰهِ الرَّحْمٰنِ الرَّحِيمِ قُلْ
هُوَ اللّٰهُ اَحَدٌ — تا آخر سوره توحید را قرائت فرمود. آنگاه اندکی نشست همانند کسی

۱۴۸۳- وَخَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي عِيدِ الْأَضْحَى قَقَالَ: «اللَّهُ

أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَلَهُ الشُّكْرُ فَمَا أَوْلَانَا وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْإِنْعَامِ».

۱۴۸۴- وَكَانَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَنْذِعُ بِالتَّكْبِيرِ إِذَا صَلَّى الظُّهْرَ مِنْ يَوْمِ النَّحْرِ،

وَكَانَ يَقْطَعُ التَّكْبِيرَ آخِرَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ عِنْدَ الْعِدَاةِ، وَكَانَ يُكَبِّرُ فِي ذُبُرِ كُلِّ صَلَاةٍ

فَيَقُولُ «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، وَلِلَّهِ الْحَمْدُ»، فَإِذَا انْتَهَى إِلَى

الْمُصَلِّي تَقَدَّمَ فَصَلَّى بِالنَّاسِ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَلَا إِقَامَةٍ، فَإِذَا فَرَغَ مِنَ الصَّلَاةِ صَعِدَ الْمِنْبَرَ،

ثُمَّ بَدَأَ فَقَالَ: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ زِينَةُ عَرْشِهِ وَرِضَى نَفْسِهِ وَغَذَّةُ قَطْرِ

سَمَائِهِ وَبَحَارِهِ، لَهُ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ حَتَّى يَرْضَى، وَهُوَ الْغَزِيرُ الْغَفُورُ،

که شتاب دارد، سپس بخطبه برخاست، و خطبه ای را که ما در آخر خطبه جمعه آوردیم پس از نشستن و برخاستن خود ایراد فرمود.

⑤ ۱۴۸۳- و امیرالمؤمنین علیه السلام در روز عید قربان بخطبه برخاست و چنین فرمود: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ - و بقیه دعای مندرج در متن را خواند - که معنی آن اینست: خدا را تکبیر میگوئیم بیاس آنکه ما را براه راست هدایت فرمود، و او را سپاس در مقابل نعمتهائی که بما عطا فرمود . و حمد خدا را بیاس چهار پایان (اشتران و گاوان و گوسفندان) که بقربانی روزی ما ساخت.

⑥ ۱۴۸۴- و نیز علی علیه السلام چون نماز ظهر یوم النحر (عید قربان) را میخواند، با این تکبیرات آغاز می نمود، و در آخر ایام تشریق (روزهای ۱۱ و ۱۲ و ۱۳ ذی الحجة) بهنگام صبح آنرا ترک میفرمود. و بدنبال هر نماز تکبیر میگفت، بدینگونه: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ پس چون بنماز گاه میرسید گام فرا مینهاد و بدون اذان و اقامه در جلوی مردم بنماز می ایستاد، و چون از نماز فارغ می شد، بالای منبر میرفت، و در آغاز سخن میگفت: اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ همسنگ عرش او و رضای خاطرش، و بشماره قطره های باران از آسمانش و دریاهایش، اسما حسی مخصوص او است، و سپاس و ستایش تقدیم به

اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا مُتَكَبِّرًا، وَإِلَهُا مُتَعَزِّزًا، وَرَحِيمًا مُتَحَنِّنًا يَغْفِرُ بَعْدَ الْقُدْرَةِ، وَلَا يَقْطَعُ مِنْ رَحْمَتِهِ إِلَّا الضَّالُّونَ، اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ حَتَانًا قَدِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ نَحْمَدُهُ وَنُسْتَعِينُهُ وَنَسْتَغْفِرُهُ وَنُسْتَهْدِيهِ، وَنَشْهَدُ أَنَّ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ، وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، مَنْ يُطِيعِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ اهْتَدَى، وَفَارَقَ رُؤُوسَ عَظِيمًا، وَمَنْ يَعْصِ اللَّهَ وَرَسُولَهُ فَقَدْ ضَلَّ ضَلَالًا بَعِيدًا، وَخَيْرَ خُسرَانًا مُبِينًا.

أَوْصِيَكُمْ عِبَادَ اللَّهِ بِتَقْوَى اللَّهِ وَكَثْرَةِ ذِكْرِ الْمَوْتِ وَالرُّهْدِ فِي الدُّنْيَا الَّتِي لَمْ يَسْمَعْ بِهَا مَنْ كَانَ فِيهَا قَبْلَكُمْ، وَلَنْ تَبْقَى لِأَحَدٍ مِنْ بَعْدِكُمْ، وَسَبِيلَكُمْ فِيهَا سَبِيلُ الْمَاضِينَ إِلَّا تَرَوْنَ أَنَّهَا قَدْ تَصَرَّغَتْ وَأَذْنَتْ بِانْقِصَاءٍ، وَتَنَكَّرَ مَعْرُوفُهَا، وَأَذْبَرَتْ حَدَاءَ فِيهَا تُخْبِرُ بِالْقَنَاءِ، وَسَاكِنُهَا يُخْدِي بِالْمَوْتِ، فَقَدْ أَمَرَ مِنْهَا مَا كَانَ حُلُوءًا، وَكَثِيرَ مِثْلِهَا

پیشگاه او چندان که راضی گردد. و او همان خدای مقتدر آمرزگار است. خداوند بالاتر و بزرگتر از آنست که بحد وصف درآید، درحالیکه باوج کبریا و تکبر برآمده، و در مقام معبودی مقتدر و رحیمی مهربان جای گرفته است، هم او که پس از قدرت بر کفر و انتقام عفو میکند، و جز گمراهان از رحمت او نومید نمی شوند. اللَّهُ أَكْبَرُ كَبِيرًا، وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ كَثِيرًا، وَسُبْحَانَ اللَّهِ حَتَانًا قَدِيرًا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ - تا آخر دعای متن او را سپاس میگزایم، و ستایش میکنیم و از او یاری می خواهیم، و آمرزش میجوئیم، و هدایت می خواهیم، و شهادت میدهم که هیچ معبود حقی جز او نیست، و محمد صلی الله علیه و آله بنده او و فرستاده او است. کسیکه از خدا و پیامبرش اطاعت کند، در حقیقت هدایت یافته و برستگاری بزرگی نائل گشته، و کسیکه خدا و پیامبرش را نافرمانی کند سخت گمراه شده، و بزیانی بس آشکار دچار گشته است. شما را - ای بندگان خدا - سفارش می کنم به تقوای خدا، و یاد کردن بسیار از مرگ، و زهد در دنیائی این چنین که مردم پیش از شما کامی از آن نگرفته، و طرفی از آن نبسته اند، و پس از شما نیز برای کسی باقی نخواهد ماند، و سرنوشت شما در این دنیا لاجرم همان سرنوشت گذشتگان است. آیا نمی بینید که دنیا سپری شده، و مدتش طی گشته، و اعلام زوال کرده، و آشنایش نا آشنا گشته. و خود (دنیا) شتابان روی برتافته، چنانکه از فنا خبر میدهد، و آهنگ مرگ بگوش ساکن آن

مَا كَانَ صَفْوًا، فَلَمْ يَبْقَ مِنْهَا إِلَّا سَمَلَةٌ كَسَمَلَةِ الْإِدَاوَةِ، وَجُرْعَةٌ كَجُرْعَةِ الْإِنَاءِ،
يَسْمَرُزُهَا الصَّدْيَانُ لَمْ تَتَقَعْ غُلَّتُهُ، فَأَزْمَعُوا عِبَادَ اللَّهِ بِالرَّحِيلِ مِنْ هَذِهِ الدَّارِ الْمَقْدُورِ
عَلَى أَهْلِهَا الزَّوَالِ، الْمَسْتَوْعِ أَهْلُهَا مِنَ الْحَيَاةِ، الْمُدَلِّلَةُ أَنْفُسَهُمْ بِالْمَوْتِ فَلَا حَيُّ يَنْقُضُ
فِي الْبَقَاءِ وَلَا نَفْسٌ إِلَّا مُدْعِنَةٌ بِالْمَوْتِ، فَلَا تَغْلِبَنَّكُمْ الْأَمَلُ، وَلَا يَنْظُرَنَّ عَلَيْكُمْ الْأَمَدُ،
وَلَا تَغْتَرُّوا فِيهَا بِالْأَمْوَالِ وَتَعْبُدُوا اللَّهَ أَيَّامَ الْحَيَاةِ، فَوَاللَّهِ لَوْ حَسَبْتُمْ حَسْبَ الْوَالِيَةِ الْعَجَلَانِ
وَدَعَوْتُمْ بِمِثْلِ دُعَاءِ الْأَنَامِ وَجَارْتُمْ جَوَارِ مُتَبَتِّلِ الرُّهْبَانِ، وَخَرَجْتُمْ إِلَى اللَّهِ مِنَ الْأَمْوَالِ
وَالْأَوْلَادِ التِّمَاسِ الْقُرْبَةِ إِلَيْهِ فِي ارْتِفَاعِ دَرَجَةٍ عِنْدَهُ أَوْ غَفَرَانِ سَيِّئَةٍ أَخْصَثَهَا كِتَابُهُ
وَحَفِظَتَهَا رُسْنُهُ لَكَانَ قَلِيلًا فَمَا أَرْجُو لَكُمْ مِنْ ثَوَابِهِ وَاتَّخَوْفُ عَلَيْكُمْ مِنْ أَلِيمِ عِقَابِهِ،
وَإِلَّا اللَّهُ لَوْ أَنَّمَا تَقْلُوبُكُمْ أُنْيَاثًا وَسَالَتْ غُيُوبُكُمْ مِنْ رَغْبَةٍ إِلَيْهِ وَرَهْبَةٍ مِنْهُ دَمًا، ثُمَّ عُصِرْتُمْ

سروده می شود، چندانکه شیرینهای آن تلخ شده، و آب زلال آن کدورت گرفته، تا
بجز قطراتی در ته مشربه ای، و جرعه ای همانند جرعه باقیمانده در ته ظرفی که تشنگی
تشنه کامی با مکیدنش فرو نمی نشیند از آن بجای نمانده است. پس ای بندگان خدا
برای کوچ از این سرای بسیج شوید، از این سرایی که فنا بر اهل آن مقدر شده، و
ساکتینش از بقاء ممنوع گشته اند، و جانهایشان بخواری مرگ کشیده شده است،
چنانکه هیچ زنده ای در بقاء طمع ننهد، و جانی نیست مگر آنکه فرمان مرگ را
گردد نهاده باشد. پس مبادا که آرزو بر شما چیره گردد، و پایان عمر و اجل را دور
بپندارید. و در دنیا فریفته آرزوها مشوید، و چند روزه زندگی را بعبادت خدا
پردازید. زیرا بخدا سوگند اگر شما در طلب قرب به ساحت قدس خدا در بالا رفتن
درجه ای نزد او یا آمرزیده شدن گناهی که نویسندگان او آنرا احصاء نموده اند و
فرشتگان موکل بر اعمال بندگان آنرا ثبت و ضبط کرده اند، همچون مادر سرگشته
غمزده فرزند از دست داده ای بنالید، و مانند خَلَّاق نوحه سر کنید، و فریاد تضرع و
استغاثه ای بسان راهبان تارک دنیا از دل برآورید، و از اموال و اولاد خود دل
برکنید، هر آینه این اعمال در برابر ثوابی که من از جانب او برای شما امید میدارم، و
نجات از عقاب دردناکی که از نزول آن بر شما می ترسم، بهائی اندک است. و بخدا
قسم اگر شما از سر شوق و از روی رغبت بسوی خدا، و بعزت بیم و هراس از او

فِي الدُّنْيَا مَا كَانَتْ الدُّنْيَا بَاقِيَةً مَا حَزَّتْ أَعْمَالُكُمْ وَلَوْ لَمْ تُبْقُوا شَيْئاً مِنْ جُهْدِكُمْ لِيَعْمِيَ
الْعِظَامُ عَلَيْكُمْ وَهَدَاهُ إِيَّاكُمْ إِلَى الْإِيمَانِ مَا كُنْتُمْ لَتَسْتَجِئُوا أَبَدَ الدَّهْرِ مَا الدَّهْرُ قَائِمٌ
بِأَعْمَالِكُمْ جَنَّتْهُ وَلَا رَحْمَتُهُ وَلَكِنْ بِرَحْمَتِي تُرَحَّمُونَ وَبِهَدَاهُ تَهْتَدُونَ، وَبِهِمَا إِلَى جَنَّتِيهِ
تَصِيرُونَ، جَعَلَنَا اللَّهُ وَإِيَّاكُمْ مِنَ التَّائِبِينَ الْعَابِدِينَ.

وَإِنَّ هَذَا يَوْمٌ حُرْمَتُهُ عَظِيمَةٌ وَبَرَكَتُهُ مَأْمُولَةٌ، وَالْمَغْفِرَةُ فِيهِ مَرْجُوءَةٌ، فَأَكْثِرُوا
ذِكْرَ اللَّهِ تَعَالَى وَاسْتَغْفِرُوهُ وَتَوَبُوا إِلَيْهِ إِنَّهُ هُوَ التَّوَّابُ الرَّحِيمُ، وَمَنْ ضَعَى بِكُمْ
يَجْذَعُ مِنَ التَّعْزِيقَانَةِ لَا يُجْزِي عَنْهُ، وَالْجَذَعُ مِنَ الضَّأْنِ يُجْزِي.

وَمِنْ تَمَامِ الْأُصْحِيَّةِ اسْتِشْرَافُ غَيْبِهَا وَأَذِنُهَا وَإِذَا سَلِمَتِ الْعَيْنُ وَالْأَذُنُ
تَمَّتِ الْأُصْحِيَّةُ، وَإِنْ كَانَتْ غَضَبَاءَ أَوْ تَجَرُّ بِرَجُلَيْهَا إِلَى الْمَشْكِ فَلَا تُجْزِي.

دلها تان گداخته و ذوب شود، و چشمها تان از شدت ترس و دهشت خون شود، و
بجای اشک خون بگرید و بر گونه هایتان روان گردد، و آنگاه تا دنیا باقی است در
فضای آن زندگی کنید، و سراسر عمرتان را به انقطاع و عبادت خدا بگذرانید، و در
برابر نعمتهای عظیمی که بشما ارزانی داشته، و اینکه شما را بسر منزل ایمان رهبری
کرده، منتهای کوشش خود را بکار برید، هرگز و تا جهان بر پا باشد بوسیله اعمالتان
استحقاق بهشت او و رحمت او را نخواهید یافت. ولی شما به برکت رحمت او مورد ترحم
واقع می شوید، و در پرتو راهنمایی او هدایت می یابید، و با مدد آن رحمت و هدایت
سراجمتان بسوی بهشت او خواهد بود. خداوند ما و شما را از تائبان و عابدان قرار
دهاد.

و امروز روزی است که حرمتی بس بزرگ دارد، و برکتش مورد امیدواری
است، و در این روز امید آمرزش گناهان میرود، پس خدا را بسیار یاد کنید و از او
آمرزش بخواهید، و بدرگاه او توبه کنید، زیرا که او توبه پذیری مهربان است.

و اگر کسی از شما بزرگاله ای را (در مقام قربانی حج) قربان کند کفایت
نخواهد کرد، ولی قربان کردن بزه ای کفایت میکند، و از شروط کمال قربانی معاینه
و بازرسی چشم و گوش آن است، و چون چشم و گوش آن سالم باشد قربان درست
و تمام است. و اگر شاخ آن شکسته باشد یا پای خود را در راه قربانگاه بزمین
بکشد. کفایت نمیکند (چون این عیوب ظاهری علامت بیماری حیوان است و بهمین

وَإِذَا ضَحَّيْتُمْ فَاكُلُوا وَاشْبَعُوا وَاتَّقُوا اللَّهَ إِنَّهُ بَارِئٌ عَنِ الشُّرَكِّاءِ وَأَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ وَأَخِصُّوا الْعِبَادَةَ، وَأَقِيمُوا الشَّهَادَةَ وَارْغَبُوا فِيهَا كُتِبَ عَلَيْكُمْ وَفُرِضَ مِنَ الْجِهَادِ وَالْحَجِّ وَالصَّيَامِ، فَإِنَّ ثَوَابَ ذَلِكَ عَظِيمٌ لَا يَنْقُضُ، وَتَرَكُهُ وَبَائٍ لَا يَبِيدُ، وَأَمُّوا بِالْمَعْرُوفِ، وَانْهَوْا عَنِ الْمُنْكَرِ، وَأَخِيفُوا الظَّالِمَ، وَانْصُرُوا الْمَظْلُومَ، وَخُذُوا عَلَى يَدِ الْمُرِيبِ. وَأَخِصُّوا إِلَى التَّسَاءِ وَمَا مَلَكَتْ أَيْمَانُكُمْ، وَاصْدُقُوا الْحَدِيثَ، وَأَدُّوا الْأَمَانَةَ، وَكُونُوا قَوَّامِينَ بِالْحَقِّ، وَلَا تَتَّبِعُوا فِي الْحَيَاةِ الدُّنْيَا وَلَا تَتَّبِعُوا نَفْسَ الْفَرَسِ، إِنَّ أَحْسَنَ الْحَدِيثِ ذِكْرُ اللَّهِ، وَأَبْلَغُ مَوْعِظَةٍ الْمُتَّقِينَ كِتَابُ اللَّهِ أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ. اللَّهُ الصَّمَدُ. لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ. وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ».

ملاحظه بهای آن کمتر است).

⑤ و چون مراسم قربانی را برگزار کردید، از گوشت قربانی بخورید، و هدیه بدهید، و خدا را پیاس این نعمت که گوشت شتران و گاووان و گوسفندان را روزی شما ساخته سپاسگزاری کنید، و غار را بپا دارید، و زکات را پردازید، و عبادت را کامل و نیکو بجا آورید، و گواهی را اقامه کنید (یعنی اکتما شهادت نکنید)، و در انجام کار جهاد و حج و روزه که بر شما واجب شده راغب باشید و اشتیاق نشان دهید، زیرا ثواب آن عظیم و فناپذیر است، و ترک آن و بای است که هرگز از میان نیرود، و امر معروف و نهی از منکر را بجا آورید، و چنان کنید که ستمکار بیعتناک و ترسان شود، و ستمدیده را یاری کنید، و آنکس که مردم را به شک و تردید دچار میکند ویرا از انتشار شک و ریب در عقاید مردم بازدارید، و با زنان و بردگان خوش رفتاری کنید، و در سخن گفتن صادق باشید، و امانت را بصاحبش بازگردانید، و پیادارندگان حق باشید، زندگانی دنیا و شیطان فریبنده شما را نفریب و از اطاعت خدا باز ندارد.

بیگمان بهترین سخن ذکر خدا، و رساترین موعظه پرهیزکاران کتاب خداوند عزیز و حکیم است. و سپس آنحضرت گفت: أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ - و سورة قل هو الله أحد را قراءت فرمود.

وَيَقْرَأُ قُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ - إِلَى آخِرِهَا - أَوْ أَهْيَكُمْ التَّكَاثُرُ - إِلَى آخِرِهَا - أَوْ
وَالْعَصْرِ، وَكَانَ مِمَّا يَدُومُ عَلَيْهِ قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، فَكَانَ إِذَا قُرَأَ إِحْدَى هَذِهِ السُّورَ جَلَسَ
جَلْسَةً كَجَلْسَةِ الْعَجَلَانِ، ثُمَّ يَنْهَضُ، وَلَهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ أَوَّلَ مَنْ حَفِظَ عَلَيْهِ الْجَلْسَةَ
بَيْنَ الْخُطْبَتَيْنِ ثُمَّ يَخْطُبُ بِالْخُطْبَةِ الَّتِي كَتَبْنَاهَا بَعْدَ الْجُمُعَةِ.

۱۴۸۵- و فِي الْعِلَلِ الَّتِي تُرَوَّى عَنْ الْفَضْلِ بْنِ شاذَانَ النَّيْشَابُورِيِّ
- رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - وَيَذْكُرُ أَنَّهُ سَمِعَهَا مِنَ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «إِنَّمَا يُجْعَلُ يَوْمُ الْفِطْرِ
الْعِيدَ لِيَكُونَ لِلْمُسْلِمِينَ مُجْتَمَعًا يَجْتَمِعُونَ فِيهِ، وَيُزَوِّجُونَ فِيهِ عَزَّ وَجَلَّ، فَيَسْتَجِدُّونَهُ عَلَى
مَا مَنَّ عَلَيْهِمْ، فَيَكُونُ يَوْمَ عِيدٍ، وَيَوْمَ اجْتِمَاعٍ، وَيَوْمَ فَضْرٍ، وَيَوْمَ زَكَاةٍ، وَيَوْمَ رَغْبَةٍ،
وَيَوْمَ تَضَرُّعٍ، وَلِأَنَّهُ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنَ السَّنَةِ يُجَلُّ فِيهِ الْأَكْلُ وَالشَّرْبُ لِأَنَّ أَوَّلَ شَهْرِ السَّنَةِ

و گاهی هم سوره قل یا ایها الکافرون یا اهیکم التکاثر و یا والعصر را تا آخر
میخواند. ولی آنچه بیشتر بر آن مداومت میفرمود سوره قل هو الله احد بود، و وقتی که
یکی از این سوره ها را میخواند، اندکی می نشست، بمقدار نشستن کسی که شتاب
دارد. آنگاه برمیخاست (و خطبه را ادامه میداد). و آنحضرت (پس از رسول خدا
صلی الله علیه و آله) اول کسی بود که نشستن در فاصله دو خطبه را بهیچوجه فراموش
نمیکرد. آنگاه خطبه ای را که بعد از خطبه جمعه (سابقاً) آورده ایم ایراد میفرمود.

(۱) ۱۴۸۵- و جزء علی که از فضل بن شاذن نیشابوری - رضی الله عنه -
روایت کرده اند و او یادآور شده که همه آنها را از امام رضا علیه السلام شنیده است
اینست که: روز فطر را بدانجهت عید کرده اند که مجتمع مسلمانان باشد و مسلمانان
در این روز گرد آیند و از شهر خارج شده دسته جمعی بصحرا روند و خداوند را به پاس
آنکه برایشان منت گذارده و نعمتها انعام فرموده (و پاداش و جایزه عباداتشان را عطا
میفرماید) سپاس گویند. پس روز عید قرار داده شد، و روز اجتماع و گرد آمدن
مسلمین که یکدیگر را ببینند، و از احوال یکدیگر باخبر باشند، و روزه ها را افطار
کنند و روزه نگیرند، و زکات تن خویش به مستحقان دهند، و روی بدرگاه خداوند
آورند، و روزی باشد که حوائج خود را بدرگاه خداوند متعال عرض کنند و التماس و
زاری و تضرع نمایند.

و نیز بدانجهت آنروز را عید قرار داده اند که نخستین روز از سال است که

عِنْدَ أَهْلِ الْحَقِّ شَهْرُ رَمَضَانَ فَأَحَبُّ إِلَهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَكُونَ لَهُمْ فِي ذَلِكَ مُجْتَمِعٌ يَحْمَدُونَهُ فِيهِ وَيُقَدِّسُونَهُ، وَإِنَّمَا جَعَلَ التَّكْبِيرَ فِيهَا أَكْثَرَ مِنْهُ فِي غَيْرِهَا مِنَ الصَّلَاةِ لِأَنَّ التَّكْبِيرَ إِنَّمَا هُوَ تَعْظِيمٌ لِلَّهِ وَتَمْجِيدٌ عَلَى مَا هَدَى وَعَافَى كَمَا قَالَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» وَإِنَّمَا جُعِلَ فِيهَا اثْنَتَا عَشْرَةَ تَكْبِيرَةً، لِأَنَّهُ يَكُونُ فِي [كُلِّ] رَكْعَتَيْنِ اثْنَتَا عَشْرَةَ تَكْبِيرَةً، وَجُعِلَ سَبْعٌ فِي الْأُولَى وَخَمْسٌ فِي الثَّانِيَةِ وَلَمْ يُسَوِّبْنَهَا لِأَنَّ السُّنَّةَ فِي الصَّلَاةِ الْفَرِيضَةِ أَنْ تُسْتَفْتَحَ بِسَبْعِ تَكْبِيرَاتٍ فَلِذَلِكَ بَدَأُ هَهُنَا بِسَبْعِ تَكْبِيرَاتٍ، وَجُعِلَ فِي الثَّانِيَةِ خَمْسُ تَكْبِيرَاتٍ لِأَنَّ التَّحْرِيمَ مِنَ التَّكْبِيرِ فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ خَمْسُ تَكْبِيرَاتٍ وَلِتَكُونَ التَّكْبِيرُ فِي الرُّكْعَتَيْنِ جَمِيعاً وَتَرَأً وَتَرَأً.

خوردن و آشامیدن در آن رواست زیرا نخستین ماه از سال نزد اهل حق ماه رمضان است پس خداوند عزوجل خواست که در آن برای مسلمانان مجمعی باشد که آنان گرد هم آیند و خدا را حمد کنند و تقدیس نمایند. و باز همین علت است که تکبیر در نماز عید بیش از سایر نمازها است زیرا جز این نیست که تکبیر برای بزرگداشت و تعظیم و تمجید الهی است پیاس آنکه بندگان را هدایت فرموده و عافیت بخشیده است، چنانکه خداوند عزوجل خود فرمود: «وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَى مَا هَدَاكُمْ وَلَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ» یعنی: تا خداوند خود را بزرگی یاد کنید براینکه شما را هدایت فرموده است، شاید شما شکر نعمتهای خداوندی را بجا آورید. و اما چرا این نماز دوازده تکبیر دارد، زیرا در هر نماز دو رکعتی دوازده تکبیر مقرر است هفت تکبیر در رکعت اول، و پنج تکبیر در رکعت دوم، و از حیث تعداد تکبیرات دو رکعت را همسان نساخته اند، زیرا در نماز فریضه سنت چنین است که با هفت تکبیر افتتاح نماز می کنند، بنابراین هفت تکبیر در رکعت اول مقرر ساختند، و در رکعت دوم پنج تکبیر مقرر شد زیرا که در پنج نوبت نمازهای فریضه شبانه روز پنج تکبیر از مجموع تکبیرها مخصوص تکبیر احرام است، بنابراین پنج تکبیر را در رکعت دوم قرار دادند، و وجه دیگر آنکه در هر یک از دو رکعت رقم تکبیرها طاق باشد، لذا وقتی از عدد دوازده که جفت است، هفت به رکعت اول داده شود، باقیمانده نیز که عدد پنج میشود طاق بوده و به رکعت دوم داده شده است.

۱۴۸۶- وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ «فِي صَلَاةِ الْعِيدَيْنِ إِذَا كَانَ الْقَوْمُ خَمْسَةً أَوْ سَبْعَةً فَإِنَّهُمْ يُجْمَعُونَ الصَّلَاةَ كَمَا يَصْنَعُونَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ، وَقَالَ: يُقْنَتُ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ، قَالَ: قُلْتُ: يَجُوزُ بِغَيْرِ عِمَامَةٍ؟ قَالَ: نَعَمْ وَالْعِمَامَةُ أَحَبُّ إِلَيَّ».

۱۴۸۷- وَرَوَى أَبُو الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: سَأَلْتُهُ عَنِ التَّكْبِيرِ فِي الْعِيدَيْنِ، فَقَالَ: اثْنَتَا عَشْرَةَ: سَبْعٌ فِي الْأُولَى وَخَمْسٌ فِي الْآخِرَى، فَأَذَا فَمَتَّ إِلَى الصَّلَاةِ فَكَبَّرَ وَاحِدَةً، ثُمَّ تَقَوَّلَ: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ، وَأَهْلُ الْجُودِ وَالْجَبَرُوتِ، وَالْقُدْرَةِ وَالسُّلْطَانِ وَالْمِعْزَةِ أَسْأَلُكَ فِي هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً، وَلِمُحَمَّدٍ صَلَوَاتِكَ عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَأَنْبِيَائِكَ الْمُرْسَلِينَ، وَأَنْ تَغْفِرَ لَنَا وَلِجَمِيعِ الْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ مِنْ خَيْرِ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ عِبَادُكَ الْمُرْسَلُونَ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا عَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ. اللَّهُ أَكْبَرُ أَوَّلُ كُلِّ شَيْءٍ وَآخِرُهُ، وَبَدِيعُ كُلِّ شَيْءٍ وَمُنْتَهَاهُ، وَعَالِمُ كُلِّ

① ۱۴۸۶- و حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: در نماز عیدین هرگاه افرادی که گرد آمده‌اند پنج تن یا هفت تن باشند در اینصورت نماز را بجماعت می‌کنند، همانگونه که در روز جمعه رفتار می‌کنند (وقتی پنج نفر یا هفت نفر قراهم آیند نماز جمعه واجب می‌شود) و نیز فرمود: در رکعت دوم قنوت می‌خوانند، راوی گوید: عرض کردم جایز است بدون عمامه نماز کردن؟ آنحضرت فرمود: بلی جایز است ولی عمامه بر سر داشتن نزد من خوشتر و محبوبتر است.

② ۱۴۸۷- و ابوالصباح کنانی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است و گوید: از آن حضرت پرسیدم تکبیرات عیدین را فرمود... (این خبر با تمام خصوصیاتش همان حدیث ۱۴۸۱ است و ترجمه آن در ص ۲۲۲ گذشت و تکرارش ضرور نبود بهمانجا مراجعه شود).

شَيْءٍ وَمَعَادُهُ، وَمَصِيرُ كُلِّ شَيْءٍ إِلَيْهِ وَمَرَدُّهُ، وَمُذَبِّرُ الْأُمُورِ، وَبَاعِثُ مَنْ فِي السُّبُورِ قَابِلُ الْأَعْمَالِ مُبْدِيُ الْخَفِيَّاتِ، مُعَلِّنُ السَّرَائِرِ. اللَّهُ أَكْبَرُ عَظِيمُ الْمَلَكُوتِ، شَدِيدُ الْجَبَرُوتِ، حَيٌّ لَا يَمُوتُ، دَائِمٌ لَا يَزُولُ، إِذَا قَضَى أَمْرًا فَإِنَّمَا يَقُولُ لَهُ كُنْ فَيَكُونُ. اللَّهُ أَكْبَرُ خَشَعَتْ لَكَ الْأَصْوَاتُ وَعَنَتْ لَكَ الْوُجُوهُ، وَحَارَتْ دُونَكَ الْأَبْصَارُ، وَكَلَّتِ الْأَلْسُنُ عَنْ عَظَمَتِكَ، وَالتَّوَّاصِي كُلُّهَا بِبَيْدِكَ، وَمُقَادِيرُ الْأُمُورِ كُلُّهَا بِإِيكَ، لَا يَقْضِي فِيهَا غَيْرُكَ، وَلَا يَتِمُّ مِنْهَا شَيْءٌ دُونَكَ. اللَّهُ أَكْبَرُ أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ بِحِفْظِكَ وَقَهَرَ كُلَّ شَيْءٍ بِعِزِّكَ، وَنَقَذَ كُلَّ شَيْءٍ بِأَمْرِكَ وَقَامَ كُلُّ شَيْءٍ بِكَ، وَتَوَاضَعَ كُلُّ شَيْءٍ بِعَظَمَتِكَ، وَذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ بِعِزَّتِكَ، وَاسْتَسَلَّمَ كُلُّ شَيْءٍ بِقُدْرَتِكَ، وَخَضَعَ كُلُّ شَيْءٍ لِمُلْكَتِكَ. اللَّهُ أَكْبَرُ» وَتَقْرَأُ الْحَمْدَ وَالشَّمْسِ وَضُحَاهَا وَتَرْكَعُ بِالسَّابِقَةِ، وَتَقُولُ فِي الثَّانِيَةِ: اللَّهُ أَكْبَرُ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ، وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ، اللَّهُمَّ أَنْتَ أَهْلُ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ.. تَبِعَهُ كَلِمَةً كَمَا قُلْتَ أَوْ تَوَكْبِيرًا. يَكُونُ هَذَا التَّقَوُّ فِي كُلِّ تَكْبِيرٍ حَتَّى تَبْعَ خُمُسَ تَكْبِيرَاتٍ».

وَالْحُطْبَةُ فِي الْعِيدَيْنِ بَعْدَ الصَّلَاةِ.

(بَابُ صَلَاةِ الْإِسْتِسْقَاءِ)

۱۴۸۸- رَوَى عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ كَثِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا فَشَتْ أَرْبَعَةٌ ظَهَرَتْ أَرْبَعَةٌ: إِذَا فَشَى الزَّيْلُ ظَهَرَتْ الزَّلَازِلُ، وَإِذَا أُمِيتَتِ الزُّكَاةُ هَلَكَتِ الْمَاشِيَةُ، وَإِذَا جَارَ الْحُكَامُ فِي الْقَضَاءِ أُمِيتَ الْقَقَرُ مِنَ الشَّيْءِ، وَإِذَا خُفِرَتِ الدِّمَةُ، نُصِرَ الْمُشْرِكُونَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ».

(بَابُ دَرِيَانِ چگونگی نماز مخصوص طلبیدن باران)

⑤ ۱۴۸۸- عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ كَثِيرٍ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هرگاه این چهار صفت گناه آمیز در جامعه و میان مردمی آشکار و همگانی شود چهار گرفتاری در پی آن ظهور خواهد کرد: اول- هر وقت زنا در میان مردم ظاهر و فراوان شود در پی آن زلزله بسیار شود، دوم- هرگاه مردم از پرداختن زکات خودداری کنند گله های چهار پایان اهل مثل گوسفند و گاو و شتر بسیار تلف شوند، سوم- هرگاه در جامعه ای حاکمان محاکم در قضاوت نسبت به دادخواهی

۱۴۸۹- وَرَوَى عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا غَضِبَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى أُمَّةٍ ثُمَّ لَمْ يُنْزِلْ بِهَا الْعَذَابَ غَلَّتْ أَسْعَارُهَا، وَقَصُرَتْ أَعْمَارُهَا، وَلَمْ يَرْبَحْ تَجَارُهَا، وَلَمْ تَرْكُ ثِمَارُهَا، وَلَمْ تَعَزَّزْ أَنْهَارُهَا، وَخَسِرَ عَنْهَا أَمْطَارُهَا، وَسُلِطَ عَلَيْهَا أَشْرَارُهَا».

۱۴۹۰- وَرَوَى حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ «إِنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ دَاوُدَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ خَرَجَ ذَاتَ يَوْمٍ مَعَ أَصْحَابِهِ لِيَسْتَشْفِيَ فَوَجَدَ نَمْلَةً قَدْ رَفَعَتْ قَائِمَةً مِنْ قَوَائِمِهَا إِلَى السَّمَاءِ وَهِيَ تَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنَّا خَلَقْنَا مِنْ خَلْقِكَ لَاغْنِي بِنَا عَنْ رِزْقِكَ فَلَا تُهْلِكْنَا بِذُنُوبِ بَنِي آدَمَ، فَقَالَ سُلَيْمَانُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِأَصْحَابِهِ: إِرْجِعُوا فَقَدْ

ستم کنند و رعایت حکم الهی نکنند باران از آسمان نبارد یا آسمان بر زمین بخیل گردد. و چهارم - هرگاه مسلمانان نسبت به اهل ذمه رعایت عهد نکنند مشرکان بر مسلمانان پیروز و چیره شوند.

(۱) ۱۴۸۹- از نبی اکرم صلی الله علیه و آله و سلم روایت کرده اند که فرمود: وقتی خداوند تعالی بر امتی خشم گیرد آنگاه عذاب خود را (به رعایت نیکان و اولیاء یا بر جهت دیگر) فرو فرستد و آنانرا بدان گرفتار نسازد، در اینصورت نرخ ها افزایش و گرانی یابد، و عمرهای آن مردم کوتاه شود، و تاجرانشان سود نبرند، و میوه های باغهایشان مطلوب و گوارا و بابرکت نگردد، و نهرها و جویبارهایشان هرگز پُر آب نشود بلکه خشک و بی برکت گردد و بارانها از ریزش بر آنها بازداشته شوند، و شروران بر آن مردم چیره و مسلط شوند.

(۲) ۱۴۹۰- حفص بن غیاث از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: روزی حضرت سلیمان علیه السلام با اصحاب خود برای طلبیدن باران و مراسم استسقاء از شهر بیرون رفت، و در راه خود مورچه ای را دید که دست (یا یکی از دست و پاهاى خود را) به آسمان برداشته و میگوید: بارخدایا ما آفریدگانی هستیم از میان موجوداتی که تو آفریده ای یا ما مورچگان مخلوق توئیم، و از روزی که تو عطاء میفرمائی بی نیاز نیستیم، و درمانده روزی توئیم، ما را بخاطر گناهانی که فرزندان آدم و انسانها مرتکب شده اند هلاک مکن، پس حضرت سلیمان علیه السلام به همراهان خود فرمود: باز گردید نیاز به استسقای ما نیست که شما را به

سُقِيتُمْ بِغَيْرِكُمْ».

۱۴۹۱- وَ رَوَى حَفْصُ بْنُ الْبَخْتَرِيِّ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِذَا أَرَادَ أَنْ يَنْفَعَ بِالْمَطَرِ أَمَرَ السَّحَابَ فَأَخَذَ الْمَاءَ مِنْ تَحْتِ الْعَرْشِ، وَإِذَا لَمْ يُرِدِ الثَّبَاتَ أَمَرَ السَّحَابَ فَأَخَذَ الْمَاءَ مِنَ الْبَحْرِ، قِيلَ: إِنَّ مَاءَ الْبَحْرِ مَالِحٌ، قَالَ: إِنَّ السَّحَابَ يَغْذِبُهُ».

۱۴۹۲- وَ رَوَى سَعْدَانُ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَا مِنْ قَطْرَةٍ تَنْثُرُ مِنَ السَّمَاءِ إِلَّا وَ مَعَهَا مَلَكٌ يَضَعُهَا الْمَوْضِعَ الَّذِي قَدَّرَتْ لَهُ».

۱۴۹۳- وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا أَتَى عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا يَوْمٌ وَاجِدٌ مُنْذُ خَلَقَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَّا وَالسَّمَاءُ فِيهَا تُمِطُّ فَيَجْعَلُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ ذَلِكَ حَيْثُ يَشَاءُ».

رعایت دیگران و استجابات دعای آنان میراب کنند.

① ۱۴۹۱- و حفص بن بختری از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) روایت کرده که فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی هرگاه اراده فرماید که بوسیله باران به مخلوقات خود نفع رساند ابر را فرمان می‌دهد و ابر آب را از زیر عرش برمی‌دارد، و هرگاه نخواهد که منتفع شوند از باران و چیزی نرود ابر را فرمان می‌دهد تا آب را از دریا برگیرد، گفتند: آب دریا شور است (پس چگونه آب باران شیرین است) آنحضرت فرمود: البته ابر آنرا شیرین می‌سازد.

② ۱۴۹۲- و سعدان (که از اصحاب اصول چهارصد گانه است) از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هیچ قطره بارانی نیست که از آسمان فرود آید مگر اینکه فرشته‌ای همراه آن است که آن قطره را در همان جایی که برایش مقدر ساخته‌اند قرار دهد.

③ ۱۴۹۳- پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: از آن زمان که خداوند عز و جل دنیا را آفریده تا کنون هیچ روزی بر مردم و اهل دنیا نیامده مگر اینکه در آن روز آسمان باریده باشد، و خداوند عز و جل آنرا در همانجا، که خود تقدیر فرموده فرود می‌آورد.

۱۴۹۴- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا خَرَجَتْ رِيحٌ قَطُّ إِلَّا بِمَكِيلٍ إِلَّا زَمَنَ عَادٍ فَإِنَّهَا عَثَّتْ عَلَى خُرَائِهَا فَخَرَجَتْ فِي مِثْلِ خَرَقِ الْإِبْرَةِ فَأَهْلَكَتْ قَوْمَ عَادٍ، وَمَانَزَلَ مَطَرٌ قَطُّ إِلَّا بِوَزْنٍ إِلَّا زَمَنَ نُوحٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَإِنَّهُ عَثَا عَلَى خُرَائِهِ فَخَرَجَ فِي مِثْلِ خَرَقِ الْإِبْرَةِ فَأَغْرَقَ اللَّهُ بِهِ قَوْمَ نُوحٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

۱۴۹۵- وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «السَّحَابُ غُرْبَانُ الْمَطَرِ، تَوَلَّى ذَلِكَ لِأَفْسَدَ كُلِّ شَيْءٍ وَوَقَعَ عَلَيْهِ».

۱۴۹۶- وَمَاتَ أَبُو بَصِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّعْدِ أَيُّ شَيْءٍ يَقُولُ؟ قَالَ: إِنَّهُ بِمَنْزِلَةِ الرَّجُلِ يَكُونُ فِي الْإِبِلِ فَيَزْجُرُهَا هَائِي هَائِي كَهَيْئَةِ ذَلِكَ، قَالَ: قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ فَمَا حَالُ الْبَرْقِ؟ فَقَالَ: تِلْكَ مَخَارِيقُ الْمَلَائِكَةِ تَضْرِبُ السَّحَابَ فَيَسُوقُهُ

۱۴۹۴- رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: هرگز بادی از مبداء و منشاء خود حرکت نکرده و نوزیده مگر بدان اندازه و مقدار که رحمت خداوندی است، جز در دوران قوم عاد که باد بر فرشتگان و مدبران امر و نگهبانان خاصه خود سرکشی کرد و به اندازه سوراخ سوزنی بیش از حد معمول و مقرر خارج گشته وزیدن گرفت و قوم عاد را هلاک کرد. و هرگز بارانی نیاریده مگر به وزن معین و مقدر (بمقدار نیاز) جز در زمان حضرت نوح علیه السلام که بر موکلین خود سرکشی نموده و باندازه سوراخ سوزنی بیش از مقدار معمول همیشگی بارید، و خداوند عز و جل قوم نوح را بدان وسیله غرق فرمود.

۱۴۹۵- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: ابرها غربال باران هستند (که آب بسیار را بصورت قطره قطره فرو می فرستند) و اگر نه چنین بود بر هر چیز که فرو می آمد حتماً آنرا از بین می برد و ضایع می ساخت.

۱۴۹۶- ابوبصیر از امام صادق علیه السلام سؤال کرد در مورد صدای رعد که چه میگوید، آنحضرت فرمود: آوای رعد همچون فریادی است که چوپانان و شتربانان برای راندن و بازداشتن شتران بصورت های های از گلو خارج می کنند، ابوبصیر گوید: عرض کردم: فدایت کردم برق چه حالتی دارد؟ فرمود: برق بمنزله تسمه و دوال فرشتگان است که با آن ابرها را میزنند و میرانند بجائی که خداوند عز و جل مقدر فرموده تا باران در آنجا فرو بارد.

إلى الموضع الذي قضى الله عز وجل فيه المطر».

۱۴۹۷- وقال عليه السلام: «الرعد صوت الملك، والبرق سوطه».

۱۴۹۸- وروى «أن الرعد صوت ملك أكبر من الذباب وأصغر من الزنبور

فَيَتَّبِعِي لِمَنْ سَمِعَ صَوْتَ الرَّعْدِ أَنْ يَقُولَ: سُبْحَانَ مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ».

۱۴۹۹- وقال الصادق عليه السلام: «جاء أصحاب فرعون إلى فرعون

فَقَالُوا لَهُ: غَارَ مَاءُ الْيَلِيلِ وَفِيهِ هَلَاكُنَا، فَقَالَ: انصَرِفُوا الْيَوْمَ، فَلَمَّا كَانَ مِنَ اللَّيْلِ تَوَسَّطَ

⑤ ۱۴۹۷- و نیز آنحضرت فرمود: رعد صدای فرشتگان و برق بجای تازیانه آنان است.

① ۱۴۹۸- و در روایات آمده است: رعد صدای فرشته ای است بزرگتر از مکس و کوچکتر از زنبور، و کسی که صدای رعد را می شنود شایسته است این ذکر را بخواند: «سُبْحَانَ مَنْ يُسَبِّحُ الرَّعْدُ بِحَمْدِهِ وَالْمَلَائِكَةُ مِنْ خِيفَتِهِ» یعنی: منزّه است و تنزیه میکنم خدائی را که رعد یا حمد او، تسبیح او می کند. یا تسبیح و تحمید او می کند و فرشتگان نیز از خشیت او تسبیح و تحمید میکنند.

شرح: «باید دانست که در این گونه روایات ظاهر لفظ مراد نیست بلکه من باب مثال و تشبیه گفته شده است، و نیز باید توجه داشت که صدوق علیه الرحمه هرکجای این کتاب که کلامی را بصورت «روى» آورده است چندان نظر بصحت آن نداشته، و صرفاً بعنوان اینکه خبری باین مضمون آمده، آورده است و چنانچه متضمن حکمی باشد با لفظ «روى» فهمانیده که بدان حکم فتوا نداده است، و نباید کسی اشتباه کند و بپندارد که حکم روایات مُسند این کتاب با حکم مواردیکه بصورت «روى» یا «وفى رواية» نقل شده یکی است و این امر بر جماعتی پوشیده بوده و لذا گاهی بصدوق - رحمه الله - اشکال کرده اند و یا اینکه بعنوان صحیح بدان تمسک نموده اند».

② ۱۴۹۹- امام صادق علیه السلام فرمود: یاران و لشکریان فرعون نزد او آمده و به او گفتند: آب نیل فرونشسته و اگر ادامه یابد همگی هلاک خواهیم شد، فرعون

النَّيْلَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ إِلَى السَّمَاءِ وَقَالَ: «اللَّهُمَّ إِنَّكَ تَعْلَمُ أَنِّي أَغْلَمُ أَنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَنْ يَجِيءَ بِالنَّيْلِ إِلَّا أَنْتَ فَجِئْنَا بِهِ» فَأَصْبَحَ النَّيْلُ يَتَذَفَّقُ.

وَلَا يُسْتَقَى إِلَّا بِالْبَرَارِيِّ حَيْثُ يُنْظَرُ إِلَى السَّمَاءِ، وَلَا يُسْتَقَى فِي شَيْءٍ مِنَ الْمَسَاجِدِ إِلَّا بِمَكَّةَ.

وَإِذَا أُحْبِبْتَ أَنْ تُصَلِّيَ صَلَاةَ الْإِسْتِسْقَاءِ فَلْيَكُنِ الْيَوْمَ الَّذِي تُصَلِّيَ فِيهِ الْإِثْنِينَ، ثُمَّ تَخْرُجْ كَمَا تَخْرُجُ يَوْمَ الْعِيدِ يَمْشِي الْمُؤَدُّونَ بَيْنَ يَدَيْكَ حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى

گفت: امروز بر کارهایتان بازگردید (من چاره آن خواهم کرد) هنگامیکه شب شد میان رود نیل رفت و دستهایش را بسوی آسمان بلند کرد و بدعا پرداخته گفت: بارخدایا تو خود نیک باخبری که من میدانم هیچکس جز تو نمی تواند آب نیل را بازآورد، پس تو خود ما را آب ده (و نیل را پُر آب گردان) چون صبح شد نیل لبالب از آب گردیده و امواج آن رو بهم می غلظید.

شرح: «نباید از مستجاب شدن دعای فرعون تعجب کرد، زیرا خداوند استجابات دعا را مقید به ایمان و عدالت شخص داعی نکرده است، بلکه فرموده «أَجِيبْ دَعْوَةَ الدَّاعِ إِذَا دَعَانِ» یعنی حاجت هر حاجتمند که مرا بخواند و از من بخواهد (در صورت مصلحت) برآورده می کنم، و لفظ «داع» بدون قید و شرط است».

استسقا و طلب باران نمی توان کرد مگر در صحراها جائی که آسمان را بتوان دید و اطراف آسمان در معرض دیدن باشد، و نیز در هیچ مسجدی از مساجد نماز طلب باران نمی توان کرد مگر در مکه معظمه.

شرح: «این مطلب چون اصل روایتش از ابی البختری است و وی ضعیف است و کذاب لذا فقهای عظام حکم را حل بر کراهت کرده اند، و مؤلف در مطلب بعدی دستوری برای امام جماعت میدهد».

و چون خواستی که نماز استسقا کنی باید روزی را که برای نماز تعیین می کنی و از شهر بیرون میروی روز دوشنبه باشد، آنگاه بهمان ترتیب و کیفیات که برای نماز عید بیرون می شدی از شهر خارج میشوی و مؤذنان پیشاپیش تو حرکت می کنند تا به مصلی برسی (البته مخاطب امام جماعت است) پس دو رکعت نماز بدون اذان و اقامه با مردم بجا میآوری و بعد از منبر بالا میروی و برای مردم خطبه میخوانی و ردای خود را

الْمُصَلِّي فَيُصَلِّي بِالنَّاسِ رَكَعَتَيْنِ بِغَيْرِ أَذَانٍ وَلَا إِقَامَةٍ ثُمَّ تَصْعَدُ الْمِنْبَرَ وَتُخْطِبُ وَتَقْلِبُ رِءَاكَ الَّذِي عَلَى يَمِينِكَ عَلَى يَسَارِكَ، وَالَّذِي عَلَى يَسَارِكَ عَلَى يَمِينِكَ، ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ الْقِبْلَةَ فَتُكَبِّرُ اللَّهَ مِائَةَ تَكْبِيرَةٍ رَافِعاً بِهَا صَوْتَكَ، ثُمَّ تَلْتَفِتُ إِلَى يَمِينِكَ فَتَسْبِّحُ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ رَافِعاً بِهَا صَوْتَكَ، ثُمَّ تَلْتَفِتُ إِلَى يَسَارِكَ فَتَهْلِلُ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ رَافِعاً بِهَا صَوْتَكَ، ثُمَّ تَسْتَقْبِلُ النَّاسَ بِوُجْهِكَ فَتُحَمِّدُ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ رَافِعاً بِهَا صَوْتَكَ، ثُمَّ تَرْفَعُ يَدَيْكَ فَتَدْعُو وَيَدْعُو النَّاسُ وَيَرْفَعُونَ أَصْوَاتَهُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ لَا يَخِيْبُكُمْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى.

۱۵۰۰- و «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا اسْتَسْقَى قَالَ: «اللَّهُمَّ اسْقِ

عِبَادَكَ وَبَهَائِمَكَ وَأَنْشُرْ رَحْمَتَكَ وَأَخِي بِلَادَكَ الْمَيْتَةَ - يُرَدِّدُهَا ثَلَاثَ مَرَّاتٍ -».

۱۵۰۱- وَخَطَبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْأَسْتِسْقَاءِ فَقَالَ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ

میگردانی چنانکه رداء شانه راستت به شانه چپت افتد و رداء شانه چپت بر شانه راست قرار گیرد، آنگاه رو بقبله میکنی و با آواز بلند صدبار تکبیر میگوئی، سپس رو به سمت راست خود میکنی و آواز به تسبیح بر میداری و به بانگ بلند صدم مرتبه سُبْحَانَ اللَّهِ میگوئی، آنگاه رو به سمت چپ میکنی و با صدای بلند لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ میگوئی، و بعد رو به جمعیت مأمومین میکنی و صد مرتبه الْحَمْدُ لِلَّهِ میگوئی و بدان ذکرها آواز بلند میکنی (و مردم نیز متابعت کرده و در مورد هر چهار ذکر همانند امام اذکار را میگویند البته ایشان رو بقبله و امام رو بجهاتی که مذکور گشت) آنگاه دستهایت را بسوی آسمان بر میداری و دعا میکنی، و مأمومین نیز دعا میکنند (در طلب باران از خداوند سبحان با آواز بلند که خداوند عزَّ و جلَّ شمارایی نصیب و بهره نخواهد گردانید.

① ۱۵۰۰- رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَرگاه (نماز) استسقاء میکرد این دعا را سه بار (یا بنا به نقل دیگر مکرر) میخواند: «اللَّهُمَّ اسْقِ عِبَادَكَ وَبَهَائِمَكَ، وَأَنْشُرْ رَحْمَتَكَ وَأَخِي بِلَادَكَ الْمَيْتَةَ» یعنی: بارخدا یا بندگان و حیوانات را یا آدمیان و چهار پایانی را که خود بدانها نعمت حیات بخشیده ای باران عطا فرما و میراب گردان و رحمت خویش را بگستر و فراگیر ساز. و شهرهائی مرده را که از آن تو است زنده گردان.

② ۱۵۰۱- و امیرالمؤمنین علیه السلام در طلب نزول باران بخطبه برخاست. و

سَابِغِ النِّعَمَ، وَمَفْرِجِ الْهَمَّ، وَبَارِئِ النَّسَمِ، الَّذِي جَعَلَ السَّمَاوَاتِ يُكْرِسِيهِ عِمَاداً
وَالْجِبَالِ لِلْأَرْضِ أَوْتَاداً، وَالْأَرْضِ لِلْعِبَادِ مِهَاداً وَمَلَايِكَتَهُ عَلَى أَرْجَائِهَا، وَحَلَّةَ الْعَرْشِ
عَلَى أَمْطَائِهَا، وَأَقَامَ بِعِزَّتِهِ أَرْكَانَ الْعَرْشِ، وَأَشْرَقَ بِضَوِّهِ شِعَاعُ الشَّمْسِ، وَأَجْبَأَ بِشُعَاعِهِ
ظُلُمَةَ الْغَطْشِ، وَفَجَّرَ الْأَرْضَ غُبُوناً، وَالْقَمَرَ نُوراً، وَالنُّجُومَ بُهُوراً، ثُمَّ عَلَا قَتَمَكُنَّ، وَخَلَقَ
فَأَنْقَرَنَ وَأَقَامَ فَتَهَيَّأَ فَخَضَعَتْ لَهُ نَحْوَةُ الْمُكَبِّرِ وَظَلَبَتْ إِلَيْهِ خَلَّةَ الْمُتَمَسِّكِ، اللَّهُمَّ
فَبِدَرَجَتِكَ الرَّفِيعَةِ، وَمَحَلَّتِكَ الْمَنِيعَةِ، وَفَضْلِكَ السَّابِغِ، وَسَبِيلِكَ الْوَاسِعِ أَسْأَلُكَ أَنْ
تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ كَمَا دَانَ لَكَ، وَدَعَا إِلَى عِبَادَتِكَ، وَوَفَّى بِعَهْدِكَ وَأَنْفَذَ
أَحْكَامَكَ، وَاتَّبَعَ أَعْلَامَكَ، عَبْدُكَ وَنَبِيُّكَ وَأَمِينُكَ عَلَى عَهْدِكَ إِلَى عِبَادَتِكَ، الْقَائِمِ
بِأَحْكَامِكَ، وَمُؤَيِّدِ مَنْ أَطَاعَكَ، وَقَاطِعِ عِذْرِ مَنْ عَصَاكَ، اللَّهُمَّ فَاجْعَلْ مُحَمَّدًا أَجْزَلَ

گفت: سپاس و ستایش خداوند را که گستراننده نعمتها و برطرف کننده غمها از
دلها، و آفریننده جان و روان انسانهاست. خدائی که آسمانها را پایه اورنگ عظمت
خود، و کوهها را میخهای استوارکننده زمین در برابر تنشها و فشار زلزلهها، و زمین
را برای بندگان خود مهد آسایش و بستر آرامش قرار داد، و فرشتگان خود را بر
جوانب آسمان و زمین، و حاملان عرش را بر بام آن دو بگماشت، و پایه های عرش را
بقدرت خویش بر پا داشت، و شعاع خورشید را بمدد نور خود تابناک ساخت، و
تاریکی شب تیره را با شعاع آن فرو پوشید، و از زمین چشمه ها، و از ماه نور، و از
ستارگان درخشندگی برآورد، و آنگاه بر عرش عظمت و جلال برآمد، و جایگزین
شد، و بکار آفرینش و اداره جهان پرداخت، آنرا متقن و محکم نهاد، و هر چیز را در
جای خود و در حوزه حفظ و هیمنه خود قرار داد، پس کبر و غرور هر متکبر در برابر
او بخضوع گرائید، و دست نیاز هر تهی دست بینوا بسوی او دراز گشت. بارخدایا
اکنون از تو بدرجه رفیع و منزلت منیع و احسان فراگیر و وسیعت مسألت می کنیم که
بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی، در برابر آنکه او طوق طاعت تو را بر گردن
نهاد، و خلق را بعبادتت فرا خواند. و به پیمان رسالتت وفا کرد، و احکامت را به
اجراء درآورد. و نشانه های رضای تو را دنبال کرد. همان بنده و پیامبر و امین تو بر
دین و رسالت تو بسوی بندگانت، و بیادارنده احکامت، و مؤید مطیعان و قاطع عذر

مَنْ جَعَلْتَ لَهُ نَصِيْباً مِنْ رَحْمَتِكَ، وَأَنْصَرَّ مَنْ أَشْرَقَ وَجْهُهُ بِسِجَالِ عَطِيَّتِكَ وَأَقْرَبَ
الْأَنْبِيَاءِ زُلْفَةً يَوْمَ الْقِيَامَةِ عِنْدَكَ، وَأَوْفَرَهُمْ حَقّاً مِنْ رِضْوَانِكَ، وَأَكْثَرَهُمْ صُفُوفَ أُمّةٍ
فِي جَنَانِكَ كَمَا لَمْ يَسْجُدْ لِلْأَحْجَارِ، وَلَمْ يَغْتَكِفِ لِلْأَشْجَارِ، وَلَمْ يَسْتَحِجِلْ الْيَبَاءَ وَلَمْ
يَشْرَبِ الدَّمَاءَ، اللَّهُمَّ خَرِّجْنَا إِلَيْكَ حِينَ أَجَاءَتْنا الْمُضَابِقُ الْوَعْرَةُ، وَالْجَائِئَةُ الْمُحَابِسُ
الْعُسْرَةُ وَعَصْنَتُنَا [الصَّعْبَةُ] عَلَائِقُ الشَّيْءِ، وَتَأَثَّلَتْ عَلَيْنَا لَوَاجِقُ الْمَيْمِ، وَاعْتَكَّرَتْ عَلَيْنَا
خَدَائِبُ السِّنِينَ، وَأَخْلَفْتُنَا مَخَايِلُ الْجُودِ، وَاسْتَظْمَنَّا لِصَوَارِخِ الْقَوْدِ، فَكُنْتُ رَجَاءَ
الْمُبْتَلِيِّسِ وَالْيَقَّةِ لِلْمُلْتَمِسِ، نَدْعُوكَ حِينَ قَنَطَ الْأَنَامُ، وَمُنِعَ الْقَمَامُ، وَهَلَكَ السَّوَامُ، يَا
حَيُّ يَا قَيُّوْمُ عَدَدَ الشَّجَرِ وَالنُّجُومِ، وَالْمَلَائِكَةِ الصُّفُوفِ، وَالْعَنَانِ الْمَكْنُوفِ، أَنْ

عاصیانست (هم او که گردنکشان و نافرمانان تو را عذری باقی نگذاشت)، خدایا پس
محمد را بر خوردارترین آن کسان قرار ده که از فیض رحمت بر خوردار ساخته ای، و هم
شکفته روی ترین کسی که از دریافت بهره سرشار عطیه ات شکفته روی گشته، و
نزدیکترین پیامبران ساز از جهت تقرب بخودت در روز قیامت، و بهره مندترین ایشان
از بهره خشنودیت، و پر جمعیت ترین ایشان از جهت صفوف امت در بهشت خویش
گردان، همانگونه که او در برابر بتها سجده نکرده، و در مقابل سنگها پیشانی بر زمین
نسود، و برای درختانی که مردم جاهلی می پرستیدند معتکف نشد، و شراب را حلال
نداشت، و از خونهای که مردم آن عصر تغذیه میکردند ننوشید. خدایا ما زمانی از
منازل و مساکن خود بسوی تو آمده ایم که فشارهای شدید به اضطرارمان کشیده، و
دشوارها و تنگناهای سخت زندگی بر این امر و ادارمان ساخته، و خصوصتهای زشت
بر اجتماعمان شدت گرفته، و پیامدهای دروغ و افتراء بر ما استوا گشته، و سالهای
بی برگ و بر قحط و غلاء همچون اشتران لاغر و نزار بر ما هجوم آورده و منظره ابرهای
باران را با ما خلف وعده کرده، و ناله و فریاد اشتران قرتوت و گوسپندان پیر ما را به
تشنه ماندن خودمان در صورت سیراب شدن آنها راضی ساخته است ولی در هنگامه
چنین گرفتاری و در میان امواج مصائب و شدائد بی شمار، تنها تو موضع دلگرمی...
امیدواران و مایه امید دها بوده ای. ما — ای خداوند زنده جاویدان، و ای مدبر امور
جهان و بیادارنده زمین و آسمان — بهنگام نومیدی مردمان، و دریغ کردن ابرها از
فرو ریختن باران، و هلاک شدن اشتران جوینده علف در چراگاهها، یا حی یا قیوم

لَا تَرُدُّنَا خَائِبِينَ وَلَا تُؤَاخِذْنَا بِأَعْمَالِنَا وَلَا تُحَاسِنَا بِذُنُوبِنَا، وَأَنْشُرْ عَلَيْنَا رَحْمَتَكَ
بِالسَّحَابِ الْمُشْتَقِ، وَالتَّيَّابِ الْمُؤْتَقِ وَأَمِّنْ عَلَى عِبَادِكَ بِتَنْوِيعِ الثَّمَرِ وَأَخِي بِلَادِكَ
بِبُلُوغِ الزَّهْرَةِ وَأَشْهَدْ مَلَائِكَتَكَ الْكَرَامِ السَّفَرَةَ، سُقْيَا مِنْكَ نَافِعَةً، دَائِمَةً غُزْرُهَا، وَاسِعَةً
دَرْهَا، سَحَاباً وَابِلاً سَرِيعاً عَاجِلاً تُحْيِي بِهِ مَاقَدِمَاتِ، وَتَرُدُّ بِهِ مَاقَدِفَاتِ، وَتُخْرِجُ بِهِ
مَآلِهَوَاتِ، اللَّهُمَّ اسْقِنَا غَيْثاً مُغِيثاً مُرْعَاطِبَ تَجْلِجِلاً مُتَابِعاً خُصُوفَهُ، مُتَبَجِّسَةً بُرُوقَهُ، مُرْتَجِسَةً
هُمُوعَهُ، وَسَيِّبَهُ مُسْتَدِرُّ، وَصَوْبَهُ مُسْتَبِيرٌ، لَا تَجْعَلْ ظِلَّةً عَلَيْنَا سُمُوماً، وَبَرْدَةً عَلَيْنَا
حُسُوماً وَضَوْءَةً عَلَيْنَا رُجُوماً، وَمَاءَهُ أَجَاجاً، وَتَبَاتَهُ رَمَاداً، اللَّهُمَّ إِنَّا نَعُوْذُ بِكَ مِنَ
الشَّرِكِ وَهَوَادِيهِ، وَالظُّلُمِ وَذَوَاهِيهِ، وَالْفَقْرِ وَذَوَابِعِهِ يَا مُعْطِي الْخَيْرَاتِ مِنْ أَمَّاكِينِهَا،
وَمُرْسِلِ الْبَرَكَاتِ مِنْ مَعَادِينِهَا، مِنْكَ الْغَيْثُ الْمَغِيثُ، وَأَنْتَ الْغِيَاثُ الْمُسْتَغَاثُ

بشماره درختان و گیاهان و فرشتگان صف بسته در اطاعت از فرمان و ابر ممنوع از
فرو ریختن باران تو را میخوانیم که ما را نومید بازنگردانی، و به کیفر اعمالمان نگیری،
و در برابر گناهانمان بمحاسبه در نیاوری (و بواسطه گناهانمان با ما محاصمت مفرما). و
تو ای خدای مهربان رحمت را بوسیله ابری سرشارکننده رودخانه ها و چشمه سارها
و سبزه های زیبا و طرب انگیز بر ما بگستران، و با پرورش میوه های گوناگون بر
بندگان منت گذار، و با شکفتن شکوفه سرزمینهای خود را خرم و سرزنده ساز و
فرشتگان کاتب و محاسبیت را شاهد و ناظر سقایتی از جانب خویش قرار ده که نافع و
دائم و پرمایه و دامنه دار باشد، بارانی پر بارش و تند و شتابان و زودرس که
سرزمینهای مرده را بدان وسیله زنده سازی، و آنچه را که از دست رفته است
بازگردانی، و آنچه را که آینده است برآوری. خدایا ما را بیبارانی رویاننده گیاه و
قحط زدا و فراگیر و پرطنین سقایت فرما که هیجان و تلاطمش پیایی، و برقهایش
دمان، و جریانش بسیار، و باریدنش توأم با غرش رعد، و بخشش و بارش آن بسیار،
و جریانش دامنه دار باشد. (و نیز خدایا) سایه آن ابر را برای ما موجب عذاب
مگردان و سردیش را نحوست زاء، و درخشش برق آن را سبب هلاک، و آبش را تلخ و
شور، و گیاهش را مست و تباه ساز. خداوندا ما از شرک و موجبات و مقدماتش، و
از ستمکاری و لوازم و پیامدهایش، و از فقر و علل و اسبابش بتوپناه می برم، ای
بخشنده خیرات از جایگاهها و مظاننش، و ای فرستنده برکات از منابع و معادنش.

وَنَحْنُ الْخَاطِئُونَ وَأَهْلُ الذُّنُوبِ وَأَنْتَ الْمُسْتَغْفِرُ الْعَقَّارُ، تَسْتَغْفِرُكَ لِلْجَمَاتِ مِنْ ذُنُوبِنَا، وَتَتُوبُ إِلَيْكَ مِنْ عَوَامِ خَطَايَانَا، اللَّهُمَّ فَأَرْسِلْ عَلَيْنَا دِيمَةً مِثْرَارًا، وَاسْقِنَا الْغَيْثَ وَاكِفًا مِغْزَارًا، غَيْثًا وَاسِعًا، وَبَرَكَهً مِنَ الْوَابِلِ نَافِعَةً يُدَافِعُ الْوَدْقُ بِالْوَدْقِ، وَيَتَلَوُّ الْقَطْرُ مِثْلَهُ الْقَطْرُ، غَيْرُ خُلْبٍ بَرَقَهُ وَلَا مُكْدَبٍ رَعْدُهُ، وَلَا عَاصِفٍ جَنَائِيَهُ بَلْ رِيًّا يُغْصُ بِالرِّيِّ رَبَابُهُ، وَفَاضٌ فَانْصَاعٌ بِهِ سَحَابُهُ وَجَرَى آثَارُ هَيْدِيهِ جَنَابُهُ، مُقِيًّا مِثْلَكَ مُخَيِّئَةً مُرَوِّبَةً، مُفْضِلَةً، زَاكِيًا نَبْهًا نَامِيًا زَرْعُهَا، نَاصِرًا غَوْثُهَا، مُمْرِغَةً آثَارَهَا، جَارِيَةً بِالْخَيْرِ وَالْخَصْبِ عَلَى أَهْلِهَا، تَنْعَشُ بِهَا الضَّعِيفُ مِنْ عِبَادِكَ، وَتَحْيِي بِهَا الْمَيِّتَ مِنْ بِلَادِكَ، وَتَنْعِمُ بِهَا الْمُسَوِّطَ مِنْ رِزْقِكَ، وَتُخْرِجُ بِهَا مِنْ رَحْمَتِكَ، وَتَنْعَمُ بِهَا مَنْ تَأْتِي مِنْ خَلْقِكَ، حَتَّى

باران رویاننده گیاه از سوی تو است. و یاری دهنده ای که درماندگان و گرفتاران به او پناه میبرند تویی، و ما همان خطاکاران و گناهکارانیم. ما بخاطر گناهان انبوهمان از تو آمرزش می طلبیم، و از همه خطاهامان بدرگاہت توبه میکنیم. بار خدایا اکنون بارانی آرام و بی رعد و برق و پیایی بر ما بفرست، و همچنین ما را با بارانی با قدرتی پیوسته و پرمایه و دامنه دار سیرابمان فرما. بارانی گسترده و فراگیر و برکتی از رگباری سودمند که قطرات درشت آن بر یکدیگر بغلتد و بارشی که در پی بارش دیگر درآید، آنچنانکه برقش فریب دهنده، و رعدش دروغین، و بادهای مخالف آن ویران کننده نباشد. بلکه بارانی باشد که ابرش شاداب و آبش فراوان و روان باشد، و آنگاه ابرش شتابان بازگردد، و دوباره بارندگی را از سر گیرد، و چون دامن کشان از این سو بگذرد، آثار برکت بارش در این ناحیه روان گردد. خداوند ما را بلطف بیکران و رحمت بی دریغ خود از سقایتی زندگی بخش، و سیراب کننده، و لبریز سازنده گودالها و آبگیرها و رودها و جویبارها، و مرطوب کننده دانه ها در دل خاکها برخوردار ساز چنانکه گلها و گیاههایش رشد و نمو کنند، و کشت و زرعش بالنده گردد، و بیشه ها و جنگلهایش سرسبز و خرم شود و صحرا و چمن و دشت و دمنش را انواع سبزه ها و ریاحین بیاراید، و خیر و برکت و فراوانی در زندگی مردمان آن سرزمین جریان یابد. سقایتی که بوسیله آن ضعیفان بندگان را سرزنده سازی، و زمینهای موات را ببرکت آن احیاء کنی، و خوان روزی گسترده ات را به بندگان

يُخَصِّبَ لِامْرَأَتِهَا الْمُجْدِبُونَ، وَيَحْيَا بِبَرَكَتِهَا الْمُسْتَوُونَ، وَتَشْرَعَ بِالْقَبْعَانِ عُذْرَانِهَا،
وَتُورِقَ ذُرَى الْأَكْمَامِ زَهْرَانِهَا، وَيَذْهَبَ بِذُرَى الْأَكَامِ شَجَرُهَا وَتَسْتَحِقَّ عَلَيْنَا بَعْدَ
الْيَاسِ شُكْرًا مِنْهُ مِنْ مِثْلِكَ مُجَلَّلَةً، وَنِعْمَةً مِنْ نِعَمِكَ مُفَضَّلَةً، عَلَى بَرِيَّتِكَ الْمُزْمَلَةِ،
وَبِلَادِكَ الْمُغْرِبَةِ وَبِهَائِيكَ الْمُعْمَلَةِ، وَوَحْيِكَ الْمُهْمَلَةِ. اللَّهُمَّ بِمِثْلِكَ ارْجَاؤُنَا، وَإِلَيْكَ
مَأْبَأُنَا، فَلَا تَخَيِّبْهُ عَنَّا لِيَتَبَطَّنِكَ سَرَائِرُنَا وَلَا تَوَاجِدْنَا بِمَا فَعَلَ الشُّفْهَاءُ مِنَّا، فَإِنَّكَ تُتْرَكُ
الْغَيْثَ مِنْ بَعْدِ مَا قَنَظُوا وَتَشْرُرُ رَحْمَتَكَ، وَأَنْتَ الْوَلِيُّ الْحَمِيدُ».

ثُمَّ بَكَى وَقَالَ: «سَيِّدِي سَاخَتْ جِبَالُنَا، وَاعْبَرَتْ أَرْضُنَا، وَهَامَتْ دَوَابُّنَا

وَقَنَظَ النَّاسُ مِنَّا أَوْ مِنْ قَنَظِ مِثْلِهِمْ، وَتَاهَتْ الْبِهَائِمُ وَتَحَيَّرَتْ فِي مَرَاتِعِهَا، وَعَجَبَتْ

انعام فرمائی، و رحمت و نعمتی را که در دل خاک اندوخته ای بدان وسیله برآوری، و
همگی مخلوقات دوردست خویش را مشمول آن رحمت قرار دهی، چندانکه گرفتاران
خشکسالی در اثر پدید آمدن سرمیزی از آن نعمت و خرمی برخوردار شوند، و
قحطزدگان بهرکت آن تجدید حیات کنند، و گودالهای دشتها و زمینهای پست آن
پر آب گردند، و کاکل غلاف شکوفه ها برگ برآورند، و درختان بیشه ها انبوه و
متراکم شوند. و تو - ای خداوند بخشنده - پس از آن دوران نومییدی و ایام بی برگی
که بر ما گذشته است حق شکرگزاری بر ما احراز کنی. و این حق در برابر احسانی
از انواع احسان فراگیر تو و نعمتی از نعمتهای تفضل شده از جانب تو بر مخلوقات
نیازمند بینوای تو و بر سرزمینهای دورافتاده تو و جانوران بکار گرفته تو، و حیوانات
وحشی بی سرپرست تو است. خدایا امیدواری ما از جانب تو است و بازگشت ما نیز
بسوی تو است، پس باران رحمت را بعلت علم و اطلاعات بر سران و ضماثر ما، از ما
باز مدار، و ما را به آنچه بیخردانان مرتکب شده اند بازخواست مکن، زیرا عادت
قدیم و سنت کریم تو چنین بوده است که پس از نومید شدن مردم باران را نازل
میکنی، و رحمت را بر خلق میگستری. راستی که تنها تویی آن مولای شایسته حمد و ثناء.
آنگاه امام بگریست و گفت: ای سرور و سالار من، اینک کوههای ما
از شدت تابش آفتاب شکافته شده، و زمین ما از بی بارانی غبارآلود گشته و
چهار پایانمان تشنه مانده اند، چندانکه مردمی از ما یا پاره ای از آنان از زندگی نومید
گشته، و چرندگان در چراگاهها سرگردان شده اند، و مانند مادران داغیده که در

عَجِيجَ الشُّكَايِ عَلَى أَوْلَادِهَا وَمَلَّتِ الدُّورَانَ فِي مَرَاتِعِهَا، حِينَ حُبِسَتْ عَنْهَا فَطَرُ السَّمَاءِ، فَذَقَ بِذَلِكَ عَظُمَهَا وَذَهَبَ لَحْمُهَا، وَذَابَ شَحْمُهَا، وَانْقَطَعَ دَرُّهَا، اللَّهُمَّ ارْحَمْ أَنْبِيَّ الْآلَةِ، وَحَنِينَ الْحَائَةِ، ارْحَمْ تَحِيْرَهَا فِي مَرَاتِعِهَا، وَأَبْنَتَهَا فِي مَرَاتِعِهَا».

۱۵۰۲- وقال أبو جعفر عليه السلام: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي لِلاِسْتِسْقَاءِ رَكَعَتَيْنِ وَيَسْتَشْقِي وَهُوَ قَاعِدٌ، وَقَالَ: بَدَأَ بِالصَّلَاةِ قَبْلَ الْخُطْبَةِ وَجَهَرَ بِالْقِرَاءَةِ».

۱۵۰۳- وَسَمِعَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ تَحْوِيلِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رِدَاءَهُ إِذَا اسْتَشْقَى، قَالَ: عَلَامَةٌ بَيْنَهُ وَبَيْنَ أَصْحَابِهِ تَحَوُّلُ الْجَذْبِ جُضْبًا».

۱۵۰۴- وَجَاءَ قَوْمٌ مِنْ أَهْلِ الْكُوفَةِ إِلَى عَلِيِّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالُوا لَهُ: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَدْعُ لَنَا بِدَعْوَاتٍ فِي الْإِسْتِسْقَاءِ قَدْ دَعَا عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَقَالَ: يَا حَسَنُ ادْعُ، فَقَالَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «اللَّهُمَّ هَبْجَ

عزای فرزند شیون میکنند بانگ و شیون سر کرده، و زمانیکه باران آسمان از آنان بازداشته شده، از گردش در مراتعشان خسته و ملول گشته اند و از اینرو استخوانهایشان نزار شده، و گوشتشان از میان رفته، و پیه و چربی بدنشان آب شده و شیرشان قطع شده است. خدایا بر ناله گوسپندان شیرده و زاری ماده اشتران شیرده رحمت آور، به سرگردانیشان در چراگاههایشان و نالیدنشان در آغلهایشان ترحم فرما.

۱۵۰۲- امام باقر علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله برای طلب باران دو رکعت نماز میکرد. و دعای استسقاء را نشسته میخواند (یعنی بعد از خطبه). و نیز امام علیه السلام (در ادامه موضوع) فرمود: آنحضرت نماز را پیش از خطبه میکرد. و در این نماز با صدای بلند قراءت را بجا میآورد.

۱۵۰۳- و از امام صادق علیه السلام در مورد علت گردانیدن رسول خدا صلی الله علیه و آله عبای خود را در هنگام استسقاء پرسیدند، فرمود: از این جهت که علامتی میان او و اصحابش باشد باینکه خشکسالی به فراخی مبدل شد.

۱۵۰۴- و گروهی از مردم کوفه نزد علی بن ابی طالب علیه السلام رفتند و گفتند: یا امیرالمؤمنین دعاهائی در طلب نزول باران برای ما بخوان. پس امیرالمؤمنین

لَنَا السَّحَابُ يَفْتَحُ الْأَبْوَابَ بِهَاءِ غِيَابٍ وَرِيَابٍ بِأَنْصِبَابٍ وَأَنْسِكَابٍ بِأَوْهَابٍ، وَاسْقِنَا مُنْبِقَةً مُعْدِقَةً مُنْقَعَةً، فَتَحْ أَغْلَاقَهَا وَسَهْلَ إِطْلَاقَهَا، وَعَجَلْ سِيَاقَهَا بِالْأَنْدِيَةِ فِي الْأُودِيَةِ يَا وَهَّابُ، بِصُوبِ الْهَاءِ يَا فَعَالَ اسْقِنَا مَقَرًّا قَطْرًا، طَلًّا مُنْبَلًّا، ظَنًّا مُنْبِقًّا، عَاقًا مُعِمًّا، رَهْمًا بَهْمًا رَحْمًا رَشَامِرَشًا وَاسِعًا كَافِيًا، عَاجِلًا طَيِّبًا مُبَارَكًا، سَلَاطِحَ بَلَاطِحَ، يُنَاجِحُ الْإِبَاطِحَ، مُعْدُودًا مُقْتَبِعًا مُعْرُورًا وَاسِقِي سَهْلَنَا وَجَبَلَنَا، وَبَدُونَنَا وَخَضِرَنَا حَتَّى تُرْخِصَ بِهِ أَسْعَارَنَا وَتُبَارِكَ بِهِ فِي صِبْغِنَا وَمُذِنَا، أَرِنَا الرِّزْقَ مُوجُودًا وَالْغَلَاءَ مُفْقُودًا آمِينَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ».

كُمُ قَالَ لِلْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَدْعُ فَقَالَ أَحْسِنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْهَيْهَ مُعْطِي الْخَيْرَاتِ مِنْ مَظَانِّهَا، وَمُنْزِلِ الرَّحْمَاتِ مِنْ مُعَادِنِهَا، وَمُجْزِي الْبَرَكَاتِ عَلَى أَهْلِهَا،

علی علیه السلام دو فرزند خود حسن و حسین علیهما السلام را طلب کرد و حسن را فرمود: دعا کن او علیه السلام چنین دعا کرد: اَللّهُمَّ هَبْ لَنَا - تا آخر دعا می: آمین یا رب العالمین - را خواند که ترجمه آن اینست: بار خدایا ابرها را بگشودن درهای رحمت بوسیله آبی سیل آسا و بادوام برانگیز، و ما را بوسیله بارانی فراگیر و دامن گستر و بهجت انگیز سیراب فرما. خدایا فرو بستگیهای ابرها را بگشای، و روان ساختنش را آسان گردان، و انگیزختن بارانش را در رودخانه ها و جویبارها شتابان ساز، ای خداوند بخشنده، ای خدای فعال مایشاء، ما را به فرو ریختن بارانی پرمایه سقایت فرما، هم از نرم بارانی فراگیر که بارانی دیگر بدنیاال خود آورد، و سراسر کوه و دشت را پر سازد، و منطقه را زیر دامن گیرد، و فیض خود را بر همه جا بگسترده، نرم بارانی پردوام، و ریزدانه، و تند، و افشان، و دامنه دار، و نقد و پاکیزه و بابرکت، و هم از رگباری پرخروش که مسیلهها و دره ها را زیر فشار قرار دهد، و قطراتش بی شمار باشد، و دشت و دَمَن را بپوشاند و زمین را مستغرق تلاطم امواج خود سازد. و نیز خدایا دشتهای ما و کوهها مان، و بیابانها مان، و شهرها مان را سیراب ساز، تا نرخها را بوسیله آن ارزان کنی، و مزارع و بلادمان را برکت بخشی. خداوند ارزاقمان را پیش چشمان فراهم آور. و گرانی را از محیط زندگیمان مفقود گردان. آمین یا رب العالمین. سپس امیرالمؤمنین علیه السلام فرزندش حسین علیه السلام را بدعا خواندن فرا خواند. و او گفت: خدایا، ای عطا کننده خیرات از مَظَان و مواطنش، و

مِنْكَ الْغَيْثُ الْمَغِيثُ، وَأَنْتَ الْغِيَاثُ الْمُسْتَعَاثُ، وَنَحْنُ الْخَاطِئُونَ وَأَهْلُ الذُّنُوبِ،
وَأَنْتَ الْمُسْتَعْفِرُ الْغَفَّارُ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، اللَّهُمَّ أَرْسِلِ السَّمَاءَ عَلَيْنَا دِيمَةً مِثْرَارًا، وَاسْقِنَا
الْغَيْثَ وَاكِفًا مِغْزَارًا، غَيْثًا مُغِيثًا، وَاسِعًا مُسْبِغًا مُهْطِلًا مُرَبِّيًا مُرَبِّعًا غَدَقًا مُغْدِقًا غُبَابًا
مُجَلِّجَلَّسًا سَحَابًا سَحَابًا، بَسًا بَسَامًا، مُسْبِلًا عَاقًا، وَدَقًا مُطْطَفِحًا يُدْفِعُ الْوَدْقَ بِالْوَدْقِ
دِفَاعًا وَيُظْلِعُ الْقَطْرَ مِنْهُ غَيْرَ خُلْبِ الْبَرْقِ، وَلَا مُكْذِبِ الرُّعْدِ، نَتَعَشُّ بِهِ الضَّعِيفُ مِنْ
عِبَادِكَ، وَتُخَيِّ بِهِ الْمَيِّتُ مِنْ بِلَادِكَ، مَتَا عَلَيْنَا مِنْكَ أَمِينَ [يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ].

فَاتَمَّ كَلَامُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ حَتَّى صَبَّ اللَّهُ الْمَاءَ صَبًّا، وَسُقِيَ سَلَمَانُ الْفَارِسِيُّ
— رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ — فَقَبِلَ لَهُ: يَا أَبَا عَبْدِ اللَّهِ هَذَا شَيْءٌ غَلِيظٌ؟ فَقَالَ: «وَيُحْكُمُ أَنْتُمْ
تَسْمَعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَيْثُ يَقُولُ: أُخْرِجَتِ الْحِكْمَةُ عَلَى لِسَانِ أَهْلِ
بَيْتِي».

ای نازل کننده رحمت از معادنتش، و ای روان کننده برکات بر مستحقانش، باران
فراگیر از جانب تو است، و یاری دهنده و مطلوب یاری طلبان توئی، و خصا کاران
مانیم، و مسئول آمرزش خواهان، و آمرزنده آمرزیدگان توئی که هیچ معبود حق جز تو
نیست. خدایا بارانی آرام و بی رعد و برق و بادوام بسوی ما بفرست، و ما را از بارانی
ریزدانه، و پرمایه، و عام، و گسترده و سیراب کننده و نزدیک بزمین و پایی، و
گوارا، و زمینه ساز سرشاری و فراوانی برخوردار ساز. و همچنین از بارانی درشت قطره، و
سرشار و سرشارکننده، و موج خیز و پرتین و سیال، و سیل انگیز، و دراز آهنگ، و
فراگیر و همگانی، و لبریزکننده آبگیرها بهره مندمان فرمای، که دانه های درشتش
برهم بخورد و نهرهای فراهم شده از آن بشدت و سرعت روان شوند، و سیلابی عظیم
از آن پدید گردد، و برقش فریب دهنده، و رعدش دروغین نباشد. بارانی که بندگان
ضعیف را بوسیله آن سرزنده سازی، و اراضی موات را ببرکت آن احیاء کنی. و این
نعمتی و منتی از جانب تو درباره ما است — آمین رب العالمین.

پس هنوز سخن او پایان نرسیده بود که خدا بارانی فراگیر فرو بارید.

و از سلمان فارسی — رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ — پرسیدند: یا ابا عبدالله آیا مضامین این
دعاها چیز است که به آن دو تعلیم داده اند؟ سلمان گفت: وای بر شما آیا سخن

۱۵۰۵- وُرُوِيَ عَنْ ابْنِ عَبَّاسٍ «أَنَّ عُمَرَ بْنَ الْخَطَّابِ خَرَجَ يَسْتَسْقِي فَقَالَ:
لِلْعَبَّاسِ قُمْ فَادْعُ رَبَّكَ وَاسْتَسْقِ وَقَالَ: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَتَوَسَّلُ إِلَيْكَ بِعَمِّ نَبِيِّكَ» فَقَامَ
الْعَبَّاسُ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدَكَ سَحَاباً وَإِنَّ عِنْدَكَ مَطَرًا
فَانْشُرِ السَّحَابَ وَأَنْزِلْ فِيهِ الْمَاءَ ثُمَّ أَنْزِلْهُ عَلَيْنَا، وَاشْدُدْ بِهِ الْأَصْلَ، وَأَطْلِعْ بِهِ الْفَرْعَ،
وَإُخِي بِهِ الزَّرْعَ، اللَّهُمَّ إِنَّا شَفَعَاءُ إِلَيْكَ عَمَّنْ لَا مَنَاطِقَ لَهُ مِنْ بَهَائِمِنَا وَأَنْعَامِنَا شَفَعْنَا فِي
أَنْفُسِنَا وَأَهَالِينَا، اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَدْعُو إِلَّا إِيَّاكَ، وَلَا نَرْغُبُ إِلَّا إِلَيْكَ، اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا وَادِعَا
نَافِعًا طَبَقًا مُجَلِّجًا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ جُوعَ كُلِّ جَائِعٍ وَغُرَى كُلِّ عَارٍ وَخَوْفَ
كُلِّ خَائِفٍ، وَتَغَبُّ كُلِّ سَاغِبٍ يَدْعُو اللَّهَ».

رسول خدا را نشنیده اید که فرمود: حکمت بر زبان اهل بیت من روان شده است.

(۱) ۱۵۰۵- و از ابن عباس روایت شده است که عمر بن الخطاب بقصد
استسقاء از شهر بیرون شد و عباس را گفت: برخیز و پروردگارت را بخوان و طلب
باران کن، و گفت: خدایا ما بوسیله عم پیامبرت بتو توسل میجوئیم. پس عباس بپا
خاست، و خدا را حمد و ثناء گفت. و آنگاه گفت: «اللَّهُمَّ إِنَّ عِنْدَكَ سَحَاباً وَإِنَّ
عِنْدَكَ مَطَرًا فَانْشُرِ السَّحَابَ وَأَنْزِلْ فِيهِ الْمَاءَ ثُمَّ أَنْزِلْهُ عَلَيْنَا، وَاشْدُدْ بِهِ الْأَصْلَ وَأَطْلِعْ
بِهِ الْفَرْعَ، وَإُخِي بِهِ الزَّرْعَ، اللَّهُمَّ إِنَّا شَفَعَاءُ إِلَيْكَ عَمَّنْ لَا مَنَاطِقَ لَهُ مِنْ بَهَائِمِنَا
وَأَنْعَامِنَا، شَفَعْنَا فِي أَنْفُسِنَا وَأَهَالِينَا، اللَّهُمَّ إِنَّا لَا نَدْعُو إِلَّا إِيَّاكَ، وَلَا نَرْغُبُ إِلَّا إِلَيْكَ،
اللَّهُمَّ اسْقِنَا سَقِيًّا وَادِعَا نَافِعًا طَبَقًا مُجَلِّجًا، اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ جُوعَ كُلِّ جَائِعٍ،
وَعُرَى كُلِّ عَارٍ وَخَوْفَ كُلِّ خَائِفٍ، وَتَغَبُّ كُلِّ سَاغِبٍ يَدْعُو اللَّهَ».

یعنی: بار خدایا همانا ابر و باران نزد تو و در اختیار توست، پس برای ما ابر
را بفرست و در آن آب را فرو فرست، و آنرا بر ما ببار و بدانوسیله تنه و ریشه
درختان را محکم ساز و شاخ و برگ و برگ درختان و گیاهان را بدان برویان و پر بار
ساز، و زراعت را بدان زنده گردان، بار خدایا ما در پیشگاه تو شفاعت کننده گانیم و
شفاعت می کنیم از جانب دامها و چهارپایان خود که زبان ندارند، شفاعت ما را
درباره خودمان و خانواده خانگیهایمان بپذیر، بار خدایا ما جز تو را نمی خوانیم و بکسی
جز تو روی نمی کنیم، خداوندا ما را بارانی عطا فرما و سیراب کن، بارانی وسیع و
پیایی و سودمند و فراگیر که سودش همه را در بر گیرد، بار خدایا، از گرسنگی هر

باب

* (صَلَاةُ الْكُسُوفِ وَالزَّلَازِلِ وَالرَّيَاحِ وَالظُّلُمِ وَعَلَيْهَا) *

۱۵۰۶ - قَالَ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «إِنَّ مِنْ آيَاتِ الَّتِي قَدَّرَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لِلنَّاسِ مِمَّا يَحْتَاجُونَ إِلَيْهِ الْبَحْرَ الَّذِي خَلَقَهُ اللَّهُ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، قَالَ: وَإِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ قَدَّرَ فِيهَا مَجَارِيَ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ وَالنُّجُومِ، وَقَدَّرَ ذَلِكَ كُلَّهُ عَلَى الْفَلَكَ، ثُمَّ وَكَّلَ بِالْفَلَكَ مَلَكًا مَعَهُ سَبْعُونَ أَلْفَ مَلَكٍ فَهُمْ يُدِيرُونَ الْفَلَكَ، فَإِذَا أَدَارُوهُ دَارَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مَعَهُ، فَتَرَكْتُ فِي مَنَازِلِهَا الَّتِي قَدَّرَهَا اللَّهُ تَعَالَى لِيَوْمِهَا وَلَيْلَتِهَا، فَإِذَا كَثُرَتْ ذُنُوبُ الْعِبَادِ وَأَحَبَّ اللَّهُ أَنْ يَسْتَعْتِبَهُمْ

گرسنه ای و برهنگی هر برهنه ای بدرگاه تو شکوه می آورم و نیز نزد تو شکایت می کنیم از بیم و هراس هر ترسانی و از رنج و گرمی و تشنگی هر تشنه ای و تشنه ای که درمانده و خدا را میخواند.

باب

* (دربیان چگونگی نماز گرفتن خورشید و ماه و زلزله و بادهای مهلک) *

* (و تاریکهای سخت و هولناک و علت آنها) *

۱۵۰۶ - امام سجاد علیه السلام فرمود: همانا از نشانه هایی که خداوند عز و جل برای مردم تقدیر فرموده از جمله چیزهایی که بدان نیازمندند (و جزء ضروریات زندگی طبیعی ایشان است) دریائی است که خداوند تعالی آنرا در میان آسمان و زمین آفریده است. امام علیه السلام بدنبال این مطلب فرمود: و البته خداوند تبارک و تعالی چنین مقدر فرموده است که حرکت یا مدار حرکت و مسیر خورشید و ماه و ستارگان از آنجا باشد و این جمله را همگی بر آسمان مقدر فرموده است (یعنی از طرف بالا و بسمت آسمان، یا شاید همین قوانین و سیستم بر همه عناصر فلکی حکومت می کند) آنگاه بر آسمان فرشته ای را که با او هفتاد هزار فرشته دیگر همکاری می کنند گماشته است که آنان دسته جمعی آسمان و افلاک را بچرخش درمی آورند، و چون آنان فلک را بگردش درمی آورند خورشید و ماه و ستارگان نیز هماهنگ با آن می گردند، و هر یک در شبانه روزی یکبار چنانکه خداوند متعال مقدر فرموده بجای خود میرود، و هرگاه گناه بندگان فزونی گیرد و خداوند بخواهد آنانرا با آیتی از آیات

بَايَةٍ مِنْ آيَاتِهِ أَمَرَ الْمَلَكَ الْمُوَكَّلَ بِالْفَلَكَ أَنْ يُزِيلَ الْفَلَكَ عَنْ مَجَارِيهِ، قَالَ: قِيَامُ الْمَلَكِ السَّبْعِينَ أَلْفَ الْمَلَكِ أَنْ أَزِيلُوا الْفَلَكَ عَنْ مَجَارِيهِ، قَالَ: فَيُرِيلُونَهُ فَتَصِيرُ الشَّمْسُ فِي ذَلِكَ الْبَحْرِ الَّذِي كَانَ فِيهِ الْفَلَكَ، فَيَنْظِمُ ضَوْوُهَا وَيَتَغَيَّرُ لَوْنُهَا، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُعْظِمَ الْآيَةَ غَمَسَتْ فِي الْبَحْرِ عَلَى مَا يُحِبُّ أَنْ يُخَوِّفَ عِبَادَهُ بِالْآيَةِ، قَالَ: وَذَلِكَ عِنْدَ انْكِسَافِ الشَّمْسِ، وَكَذَلِكَ يَقَعْلُ بِالْقَمَرِ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُجْلِيَهَا وَيَبْرِدَهَا إِلَى مَجْرَاهَا أَمَرَ الْمَلَكَ الْمُوَكَّلَ بِالْفَلَكَ أَنْ يَبْرِدَ الْفَلَكَ عَلَى مَجْرَاهُ فَيَبْرِدُ الْفَلَكَ وَتَرْجِعُ الشَّمْسُ إِلَى مَجْرَاهَا، قَالَ: فَتَخْرُجُ مِنَ الْمَاءِ وَهِيَ كَبِيرَةٌ وَالْقَمَرُ مِثْلُ ذَلِكَ قَالَ: ثُمَّ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أَمَا إِنَّهُ لَا يَقْرَعُ لِإِلَاقَتَيْنِ وَلَا يَرْهَبُ إِلَّا مَنْ كَانَ مِنْ شِيعَتِنَا، فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ مِنْهَا فَأَقْرَعُوا إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَارْجِعُوا.

خویش وادار به ترک گناه و معاصی نماید تا براه رضای او روند فرشته موکل بر فلک را فرمان دهد تا فلک را از حرکت و مسیرهای معمول خود بگرداند، پس آن فرشته سرکرده به هفتاد هزار فرشته مأمور دیگر دستور میدهد که فلک را از مسیر و حرکت همیشگی بگردانند، پس آنان مسیر آنها را منحرف می سازند و خورشید در مسیری معادی آن دریا و یا درون آن دریا که فلک در آن است قرار میگیرد، در این حال کسوف روی میدهد، و نور خورشید کم می شود و رنگش دگرگون میگردد. و هرگاه خداوند عز و جل بخواهد آن آیت را بزرگتر سازد آنها را در آن دریا فرو میکند بر حسب مقدار تخوینی که اراده فرماید اندک یا بسیار آن سیارگان را در دریای ذکر شده فرو می برد و این هنگامی است که خورشید را کسوف پدید می آید و همین رفتار را نسبت به ماه نیز معمول میفرماید و هرگاه خداوند عز و جل اراده فرماید که کسوف و خسوف را زایل فرموده و آنها به مسیر متعارفشان بازگرداند فرشته موکل بر افلاک را امر میفرماید تا آنها به مسیر و مجرای همیشگی برگرداند، در اینصورت فلک برمیگردد بحرکت سابق و خورشید نیز به مسیر پیشین باز میگردد پس آفتاب از آب آن دریا خارج میشود درحالیکه چند لحظه ای کدر و پریده رنگ است، و ماه نیز همین ترتیب است، راوی گوید: امام سجاد علیه السلام فرمود: بدانید که قزع و خوف در برابر این دو نشانه بزرگی الهی پیدا نمی کند مگر کسی که از شیعیان ما باشد، پس هرگاه کسوف

قال مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ: إِنَّ الَّذِي يُخْبِرُ بِهِ الْمُتَحَمِّلُونَ مِنَ الْكُسُوفِ قَسَتْفَقُ عَلَى مَا يَذْكُرُونَهُ لَيْسَ مِنْ هَذَا الْكُسُوفِ فِي شَيْءٍ. وَإِنَّمَا تَجِبُ الْفَرْغُ إِلَى الْمَسَاجِدِ وَالصَّلَاةِ عِنْدَ رُؤْيِيهِ لِأَنَّهُ مِثْلُهُ فِي الْمَنْظَرِ وَشَبِيهٌ لَهُ فِي الْمُشَاهَدَةِ، كَمَا أَنَّ الْكُسُوفَ الْوَاقِعَ مِمَّا ذَكَرَهُ سَيِّدُ الْعَابِدِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّمَا وَجِبَ الْفَرْغُ فِيهِ إِلَى الْمَسَاجِدِ وَالصَّلَاةِ لِأَنَّهُ آيَةٌ تُشَبِّهُ آيَاتِ السَّاعَةِ، وَكَذَلِكَ الزَّلَازِلُ وَالرِّيَّاحُ وَالظُّلُمُ وَهِيَ آيَاتٌ تُشَبِّهُ آيَاتِ السَّاعَةِ، فَأَمَرْنَا بِتَذَكُّرِ الْقِيَامَةِ عِنْدَ مُشَاهَدَتِهَا وَالرُّجُوعِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى بِالتَّوْبَةِ وَالْإِنَابَةِ وَالْفَرْغِ إِلَى الْمَسَاجِدِ الَّتِي هِيَ بُيُوتُهُ فِي الْأَرْضِ، وَالْمُسْتَجِيرُ بِهَا مَحْظُوظٌ فِي ذِمَّةِ اللَّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ.

۱۵۰۷- وَقَدْ قَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ الشَّمْسَ وَالْقَمَرَ آيَتَانِ مِنْ

آيَاتِ اللَّهِ يُخْبِرَانِ بِتَقْدِيرِهِ وَيُنْهِيَانِ إِلَى أَمْرِهِ وَلَا يَكْشِفَانِ لَمَوْتِ أَحَدٍ وَلَا لِحَيَاةِ أَحَدٍ فَإِذَا

یا خسوف واقع شد به پیشگاه خداوند تعالی پناه برید و به او باز گردید.

⑤ مصنف این کتاب گوید: آن کسوفی که ستاره شناسان و منجمان از پیش وقوع آنرا خبر میدهند و بدان صورت که پیش بینی می کنند واقع می شود هیچوجه از این دست کسوف و خسوف که در حدیث ذکر آن رفت نیست. اما بحکم شرع وقتی کسوف یا خسوف واقع شود باید به مسجد روند و نماز آنرا بجا آورند، زیرا این کسوف و خسوف از حیث صورت همانند آن بچشم می آید و در مشاهده شبیه به آنست. همچنانکه کسوفی که امام زین العابدین سجاد علیه السلام در خبر از آن یاد فرموده اند بدانجهت واجب است بمسجد روند و نماز آیات بخوانند که (وقوع آن) نشانه ایست شبیه به آیات و نشانه های قیامت و همچنین است زمین لرزه ها، و بادهای مهلک و محرب، و تاریکیها که واقع می شوند و همه اینها نشانه های شبیه به نشانه های قیامت هستند، پس در هنگام مشاهده این آیات و نشانه ها به ما دستور داده اند و مأموریم که قیامت را بباد آوریم و با توبه و انابه و التجا به مساجد که خانه های خدا در زمین است به خداوند تعالی بازگردیم، و هرکس بدانجا پناه برد در امان خداوند متعال از آسیبها محفوظ خواهد بود.

⑥ ۱۵۰۷- پیامبر اکرم صلی الله علیه وآله فرموده است: هرگز خورشید و ماه دو

انْكَسَفَتْ أَحَدُهَا قَبَادِرُوا إِلَى مَسَاجِدِكُمْ».

۱۵۰۸- وَ «انْكَسَفَتِ الشَّمْسُ عَلَى عَهْدِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَصَلَّى بِهِمْ

حَتَّى كَانَ الرَّجُلُ يَنْظُرُ إِلَى الرَّجُلِ قَدْ اِئْتَلَتْ قَلَمُهُ مِنْ عَرَقِهِ».

۱۵۰۹- وَسَأَلَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ، الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرِّيحِ،

وَالظُّلْمَةِ تَكُونُ فِي السَّمَاءِ وَالْكُسُوفِ؟ فَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صَلَّاهُمَا سَوَاءً».

نشانه از نشانه های خداوند متعال است، که بتقدیر او حرکت میکنند و فرمانبردار و مطیع امر خدای متعالند، و بسبب مردن و زندگی یا زنده شدن کسی منکسف نمی شوند و نمیگیرند، پس هرگاه یکی از آن دو (خورشید و ماه) گرفت، در این صورت وقت را از دست ندهید و برای خواندن نماز در رفتن بمساجد خود پیش دستی کنید. توضیح «حدیث فوق بخشی از خبر قریب بصحیح یا صحیحی است منقول از امام کاظم علیه السلام که فرمود: مقارن زمانی که ابراهیم فرزند رسول خدا صلی الله علیه وآله وفات یافت کسوفی واقع شد، و مردم پنداشتند که آفتاب بسبب وفات فرزند پیامبر (ص) گرفته است، پس آنحضرت (برای رفع این توهم خرافی و بیدار ساختن مردم) بمنبر رفته و پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم خورشید و ماه دو آیت از آیات الهی است - تا آخر حدیث و پس از اتمام سخنان خود آنحضرت از منبر فرود آمده و نماز کسوف را بجماعت بجا آورد).

(۱) ۱۵۰۸- در زمان امیرالمؤمنین علیه السلام کسوفی واقع شد، و آنحضرت با اصحاب خود نماز کرد و نماز را چندان طولانی ساخت که مأمومین به یکدیگر می نگرستند و می دیدند که پایشان از عرق مرطوب شده است. یا هرکس به دیگری که می نگرست متعجب می شد که پایش از عرق خیس شده یا زمین را مرطوب ساخته است.

(۲) ۱۵۰۹- عبدالرحمن بن ابی عبدالله از امام صادق علیه السلام سوال کرد درباره بادهای سهمگین و تاریکیهای مخوف که در آسمان پدید میآید و نیز کسوفی که واقع می شود نمازشان چگونه است؟ آنحضرت فرمود: نماز هر دو یکسان است (ظاهراً از حیث کیفیت وجوب).

۱۵۱۰- وفي العَلَلِ الَّتِي ذَكَرَهَا الْفَضْلُ بْنُ شاذَانَ - رَحِمَهُ اللهُ - عَنْ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: وَإِنَّمَا جُعِلَتْ لِلْكَسُوفِ صَلَاةٌ لِأَنَّهُ مِنْ آيَاتِ اللهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، لَا يُدْرِي أَلِرَّحْمَتِهِ ظَهَرَتْ أَمْ لِعَذَابٍ، فَأَحَبُّ النَّبِيِّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ تَفْرَغَ أَمْتُهُ إِلَى خَالِقِهَا وَرَاجِعِهَا عِنْدَ ذَلِكَ لِيَصْرِفَ عَنْهُمْ شَرَّهَا وَيَقْبِضَهُمْ مَكْرُوهَهَا، كَمَا صَرَفَ عَنْ قَوْمِ يُونُسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ حِينَ تَضَرَّعُوا إِلَى اللهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَإِنَّمَا جُعِلَتْ عَشْرُ رُكْعَاتٍ لِأَنَّ أَصْلَ الصَّلَاةِ الَّتِي نَزَلَتْ فَرَضُهَا مِنَ السَّمَاءِ أَوَّلًا فِي الْيَوْمِ وَاللَّيْلَةِ إِنَّمَا هِيَ عَشْرُ رُكْعَاتٍ فَجُمِعَتْ تِلْكَ الرُّكْعَاتُ هَهُنَا وَإِنَّمَا جُعِلَ فِيهَا السُّجُودُ لِأَنَّهُ لَا تَكُونُ صَلَاةٌ فِيهَا رُكُوعٌ إِلَّا وَفِيهَا سُجُودٌ، وَلِأَنَّ يَخْتِمُوا صَلَاتَهُمْ أَيْضًا بِالسُّجُودِ وَالْخُضُوعِ، وَإِنَّمَا جُعِلَتْ أَرْبَعُ سَجْدَاتٍ لِأَنَّ كُلَّ صَلَاةٍ تُقْصَرُ سُجُودُهَا مِنْ أَرْبَعِ سَجْدَاتٍ لَا تَكُونُ صَلَاةٌ لِأَنَّ أَقْلَ الْفَرَضِ مِنَ السُّجُودِ فِي الصَّلَاةِ لَا يَكُونُ إِلَّا أَرْبَعُ سَجْدَاتٍ، وَإِنَّمَا لَمْ يُجْعَلْ بَدَلُ الرُّكُوعِ سُجُودٌ لِأَنَّ

① ۱۵۱۰- و جزء علی که (برای احکام شارع) فضل بن شاذان - رحمه الله - از امام رضا علیه السلام روایت کرده آمده است که آنحضرت فرمود: و بدینجهت برای کسوف نماز مقرر گردیده که آن یکی از آیات خداوند تبارک و تعالی است و وقتی رخ میدهد معلوم نیست که برای رحمت پدیدار شده یا جهت عذاب، و پیامبر صلی الله علیه و آله خواست که وقتی این آیت و نشانه واقع می شود امتش به آفریننده و راحم خویش پناه برند که (اگر نشانه غضب الهی باشد) خداوند متعال بسبب تضرع و زاری ایشان شر آنها را از آنان بگرداند و از مکروه آن ایشان را حفظ فرماید و در پناه خویش گیرد همچنانکه قوم حضرت یونس علیه السلام وقتی بدرگاه خداوند عز و جل تضرع و زاری کردند آن عذاب را از ایشان بگردانید، و اما چرا ده رکوع در این نماز مقرر ساخته اند؛

زیرا اصل نماز که خداوند آنها واجب ساخته و از آسمان نازل فرمود در ابتدا در یک شبانه روز فقط ده رکعت بود (و ده رکوع داشت)، پس ده رکوع را در این نماز جمع کردند، و در این نماز (آیات) سجود قرار داده اند زیرا که هیچ نمازی نیست مگر اینکه در آن سجود نیز باشد، و علت دیگر هم اینکه نماز خود را به سجود و خضوع و خشوع پایان برند، و علت اینکه چهار سجده در آن مقرر گردیده اینست که هر نمازی

الصَّلَاةُ قَائِمًا أَفْضَلُ مِنَ الصَّلَاةِ قَاعِدًا، وَ لِأَنَّ الْقَائِمَ يَرَى الْكُسُوفَ وَالْأَعْلَى -
[الانجیل] وَالسَّاجِدُ لَا يَرَى، وَإِنَّمَا غَيِّرَتْ عَنْ أَصْلِ الصَّلَاةِ الَّتِي افْتَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ
لَأَنَّهُ تَصَلَّى لِغَلَّةٍ تَغَيَّرَ أَمْرُ مِنَ الْأُمُورِ وَهُوَ الْكُسُوفُ، فَلَمَّا تَغَيَّرَتِ الْغَلَّةُ تَغَيَّرَ الْمَعْلُولُ».

۱۵۱۱- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ ذَا الْقَرْنَيْنِ لَمَّا انْتَهَى إِلَى السِّدِّ
جَاوَزَهُ فَدَخَلَ فِي الظُّلُمَاتِ فَإِذَا هُوَ بِمَلِكٍ قَائِمٍ عَلَى جَبَلٍ طَوِيلٍ خُسْمَانِيَّةٍ ذِرَاعٍ فَقَالَ لَهُ
الْمَلِكُ يَا ذَا الْقَرْنَيْنِ أَمَا كَانَ خَلْقَكَ مِثْلَكَ؟ فَقَالَ لَهُ ذُو الْقَرْنَيْنِ: مَنْ أَنْتَ؟ قَالَ: أَنَا
مَلَكٌ مِنْ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَنِ مُوَكَّلٌ بِهَذَا الْجَبَلِ، وَلَيْسَ مِنْ جَبَلٍ خَلَقَهُ اللَّهُ إِلَّا وَ لَهُ عِرْقٌ
مُتَّصِلٌ بِهَذَا الْجَبَلِ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يُرْزِلَ مَدِينَةً أَوْحَى إِلَيَّ فَرَزَلْتُهَا».

که تعداد سجده هایش از چهار کمتر باشد آن نماز غاثر نیست؛ زیرا کمترین دفعات
سجده که در نماز واجب شده (یعنی نماز دو رکعتی) چهار سجده است و کمتر از آن
ممکن نیست، و بدانجهت بدل رکوع سجود را زیاد نکرده اند که نماز ایستاده فضیلتش
بیشتر از نماز نشسته است، چون شخص ایستاده می تواند کسوف و باز شدن یا بطور کلی
آسمان را ببیند درحالی که شخص سجده گزار که نشسته نمی تواند (و میدان دید او
فقرأ وسعت دید ایستاده را ندارد) و اقامت اینک این نماز از اصل نماز که خداوند
عز و جل آنرا مقرر فرموده تغییر یافته است که این نماز را بعلمت دگرگونی یافتن امری
از اموری طبیعی و خلاف عادت که همان کسوف باشد میخوانند، پس وقتی علت
تغییر یافت معلول آن نیز دگرگون میشود.

۱۵۱۱- (۵) امام صادق علیه السلام فرمود: همانا ذوالقرنین چون به سد رسید و
آنها ساخته و از آن گذشت و به درون جهان تاریکی و ظلمات رفت ناگاه فرشته ای
را دید که بر بالای کوهی ایستاده و بلندی آن تا آنجا پانصد ذراع بود، پس آن فرشته
به ذوالقرنین گفت: ای ذوالقرنین آیا هیچ راهی دیگر نداشتی که به اینجا پای
نهادی؟ ذوالقرنین از او پرسید: تو کیستی؟ گفت: من فرشته ای از فرشتگان خداوند
رحمن هستم که بر این کوه گماشته شده ام، و هیچ کوهی از کوهها نیست که خداوند
آنها آفریده باشد مگر اینکه رگی از آن به این کوه (که من مأمور آنم) متصل باشد، و
هرگاه خداوند عز و جل اراده فرماید که شهری را بلرزاند بمن وحی میفرماید و من آنرا
میلرزانم.

وقد تكون الزلزلة من غير ذلك.

۱۵۱۲- وقال الصادق عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ الْأَرْضَ فَأَمَرَ الْحُوتَ فَحَمَلَتْهَا، فَقَالَتْ: حَمَلْتُهَا بِقُوَّتِي، فَبَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ إِلَيْهَا حُوتًا قَدْرَ قُوَّتِهَا فَدَخَلَتْ فِي مِخْرِبِهَا فَاضْطَرَبَتْ أَرْبَعِينَ صَبَاحًا، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يُرْزَلُ أَرْضًا تَرَأَتْ لَهَا تِلْكَ الْحُوتَةُ الصَّغِيرَةُ فَرُزِلَتْ الْأَرْضُ فَرَقًّا»
وَقَدْ تَكُونُ الزَّلْزَلَةُ مِنْ غَيْرِ هَذَا الْوَجْهِ.

۱۵۱۳- و قال الصادق عليه السلام: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَمَرَ الْحُوتَ بِحَمْلِ الْأَرْضِ وَكُلِّ بَلَدٍ مِنَ الْبُلْدَانِ عَلَى قَلْبٍ مِنْ قُلُوبِهِ، فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ

مصنف کتاب - رحمه الله - فرماید: زلزله به ترتیب و علت دیگری (غیر از آنچه در این خبر آمد) نیز وقوع می یابد.

شرح: «اصل روایت گذشته در تهذیب با سندی مجهول نقل شده، و گاهی امام علیه السلام حقیقتی را با لفظی متناقض یا حد فکر و اندازه فهم مخاطب ذکر کرده است نه با لسان علمی».

۱۵۱۲- امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی وقتی زمین را آفرید به ماهی امر فرمود که زمین را بردارد و حمل نماید، پس ماهی با خود گفت: من زمین را با قدرت و نیروی خویش برداشتم (و بر خود غره شد) پس خداوند عز و جل ماهی کوچکی را با اندازه فاصله شست تا سپاه دست معمولی برانگیخت تا داخل بینی آن ماهی مغرور شد و چهل روز او را سرگشته و پریشان ساخت، و پس از آن هرگاه خداوند عز و جل اراده فرماید که جایی از زمین را بلرزه دچار سازد آن ماهی کوچک پیش چشم او یا بنظر او آمده و زمین از هراس بلرزه درمی آید.

و البته زلزله به علت دیگری غیر از آنچه در این خبر آمده نیز واقع می شود (که خواهد آمد).

۱۵۱۳- امام صادق علیه السلام فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی به ماهی امر فرمود که زمین را بر پشت خود برداشته و هر شهری از شهرها را بریکی از

يُزَلِّلُ أَرْضاً أَمَرَ الْحَوْتَ أَنْ يُحَرِّكَ ذَلِكَ الْفَلَسَ فُحَرِّكُهُ، وَلَوْ رَفَعَ الْفَلَسُ لَا تَقَلَّبَتْ الْأَرْضُ بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ».

وَالزَّلْزَلَةُ قَدْ تَكُونُ مِنْ هَذِهِ الْوُجُوهِ الثَّلَاثَةِ وَلَيْسَتْ هَذِهِ الْأَخْبَارُ بِمُخْتَلِفَةٍ.

۱۵۱۴ - وَ سَأَلَ سُلَيْمَانَ الدِّيلَمِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الزَّلْزَلَةِ

مَا هِيَ؟ فَقَالَ آيَةٌ، فَقَالَ: وَمَا سَبَبُهَا؟ قَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكَّلَ بِعُرْوَةِ الْأَرْضِ مَلَكاً فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ أَنْ يُزَلِّلَ أَرْضاً أَوْحَى إِلَى ذَلِكَ الْمَلَكِ أَنْ حَرِّكَ عِرْقَ كَذَا وَكَذَا، قَالَ: فُحَرِّكَ ذَلِكَ الْمَلَكُ عِرْقَ تِلْكَ الْأَرْضِ الَّتِي أَمَرَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، فَتَشَحَّرَكَ بِأَهْلِهَا، قَالَ: قُلْتُ فَإِذَا كَانَ ذَلِكَ فَمَا أَصْنَعُ؟ قَالَ: صَلِّ صَلَاةَ الْكُسُوفِ فَإِذَا فَرَعْتَ

فلس هایش حمل نماید پس هرگاه خداوند عز وجل بخواهد زمینی را بلرزاند به آن ماهی امر فرماید که همان فلس را (که شهر مورد نظر بر آن مستقر است) بحرکت درآورد، و ماهی نیز آنرا تکان میدهد و زمین میلرزد و اگر ماهی فلس خود را (بجای حرکت دادن) بلند میکرد حتماً زمین به اذن خداوند عز وجل واژگون و زیر و رو می شد.

(مصنف - رحمه الله علیه - میافزاید:) و زلزله بسبب یکی از این عوامل و اشکال سه گانه که گذشت پدید میآید، و این اخبار (با وجود اختلاف ظاهری) در واقع و معنی با یکدیگر تباین و اختلاف ندارند.

شرح: «چنانکه گفته شد از نحوه کلام خود پیداست که مطلبی مسلم را امام علیه السلام بصورتی که با درک مخاطب سازگار باشد فرموده است، و مسائلی که امروز برای بشر کشف شده در آن روزگار فهمش برای مردم میسر نبود لذا چون سؤال می شد امام پاسخی مناسب فهم سائل می فرمود».

۱۵۱۴ - سُلَيْمَانُ دِيلَمِيٌّ أَسْأَلَ إِمَامَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَأَلَ كَرْدَ زَلْزَلَةٍ چيست و چگونه پديده ايست؟ آنحضرت فرمود: آيتي (از خداوند متعال) است، پرسيد: سبب وقوع آن چيست؟ آنحضرت فرمود: همانا خداوند تبارک و تعالی فرشته ای را مأمور ساخته و بر رگها یا رگه های زمین گماشته است و هرگاه اراده فرماید که سرزمینی را یا بخشی از زمین را بلرزاند به آن فرشته مأمور وحی فرماید که رگ آن قطعه مورد نظر را بحرکت درآور، امام علیه السلام بسخن خود ادامه داده فرمود: پس آن فرشته رگ همان قطعه مورد نظر را که خداوند تبارک و تعالی امر فرموده می جنباند و زمین بحرکت

خَرَزَتْ لِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ سَاجِدًا، وَتَقُولُ فِي سُجُودِكَ: يَا مَنْ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا، يَا مَنْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ أَمْسِكْ عَنَّا السُّوءَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ».

۱۵۱۵- و رُوِيَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: «كَتَبْتُ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَشَكَوْتُ إِلَيْهِ كَثْرَةَ الزَّلَازِلِ فِي الْأَهْوَازِ وَقُلْتُ: تَرَى لِي التَّخْوِيلَ عَنْهَا؟ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا تَتَحَوَّلُوا عَنْهَا وَصُومُوا الْأَرْبَعَاءَ وَالْخَمِيسَ وَالْجُمُعَةَ وَاعْتَبِلُوا وَظَهَرُوا ثِيَابَكُمْ وَابْرُزُوا يَوْمَ الْجُمُعَةِ وَادْعُوا اللَّهَ فَإِنَّهُ يُرَفِّعُ عَنْكُمْ، قَالَ: فَفَعَلْنَا فَسَكَتَ

درآمده و ساکنانش را میلرزاند. راوی گوید: عرض کردم: وقتی زلزله آمد چه باید بکنم؟

فرمود: نماز کسوف (آیات) بخوان و چون فارغ شدی در برابر خداوند عَزَّ وَجَلَّ بحال سجده بخاک میافتی و در سجودت این دعا را میخوانی: يَا مَنْ يُمَسِّكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِنْ زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا، يَا مَنْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ أَمْسِكْ عَنَّا السُّوءَ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ (یعنی: ای (آن) کسی که آسمانها و زمین را نگاه داشته است از آنکه مبدا زایل شود و خلل پذیرد، و اگر زایل شود هیچکسی غیر از او آنها را نتواند نگاه داشت، بدرستی که خداوند شکیا و بسیار آمرزنده است، ای خدائی که آسمان را نگاه داشته است تا بر زمین فرو نیفتد مگر اینکه او خود اذن دهد، از ما پیش آمدهای بد و ناگوار را بازدار همانا که تو بر هر چیز توانائی).

⑤ ۱۵۱۵- از علی بن مهزیار روایت کرده اند که گفت: نامه ای به امام محمد تقی علیه السلام نوشتم و از بسیاری زلزله که در اهواز میآمد نزد آنحضرت شکوه کردم و نوشتم: در مورد اینکه از این شهر بشهر دیگری کوچ کنم رأی و نظر شما چیست؟ آنحضرت در پاسخ نوشت: از آن شهر به جای دیگر کوچ نکنید، بلکه روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیرید و (روز جمعه) غسل کنید و جامه پاکیزه و پاک بپوشید و بصحرا روید و بدرگاه خداوند متعال دعا کنید تا آن بلا را از شما بردارد. علی بن مهزیار گوید: ما چنانکه آنحضرت فرموده بود کردیم و زلزله ها به

الرَّلاَزِلُ».

۱۵۱۶- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ الصَّاعِقَةَ تُصِيبُ الْمُؤْمِنَ وَالْكَافِرَ،

وَلَا تُصِيبُ ذَا كِرٍّ».

۱۵۱۷- وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لِلرَّيْحِ رَأْسٌ وَجَنَاحَانِ».

۱۵۱۸- وَرَوَى عَنْ كَامِلٍ قَالَ: كُنْتُ مَعَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِالْعُرَيْضِ

فَهَبَّتْ رِيحٌ شَدِيدَةٌ فَجَعَلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُكَبِّرُ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ التَّكْبِيرَ يُرْذُ الرَّيْحَ».

۱۵۱۹- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ رِيحًا إِلَّا رَحْمَةً أَوْ عَذَابًا

فَإِذَا رَأَيْتُمُوهَا فَقُولُوا: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَهَا أَرْسَلْتَ لَهُ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ

شَرِّهَا وَشَرِّهَا أَرْسَلْتَ لَهُ» وَكَبِّرُوا وَارْقِعُوا أَصْوَاتَكُمْ بِالتَّكْبِيرِ فَإِنَّهُ يَكْبِرُهَا».

آرامش بدل گشت (یا زمین دیگر نلرزید و آرام گرفت).

(۱) ۱۵۱۶- امام صادق علیه السلام فرمود: همانا صاعقه به مؤمن و کافر میرسد یا آنرا صاعقه میزند ولی کسی را که بیاد خداوند تعالی باشد (یا مشغول ذکر الهی باشد) نمیزند.

(۲) ۱۵۱۷- و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: باد دارای سر و دو بال است.

(۳) ۱۵۱۸- از کامل بن علاء (یکی از اصحاب امام باقر علیه السلام) روایت کرده اند که گفت: من در خدمت امام محمد باقر علیه السلام در عریض بودم که باد شدیدی وزیدن گرفت و آن حضرت شروع کرد بتکبیر گفتن، آنگاه فرمود: همانا «الله اکبر» باد (یا شدت باد) را برطرف می سازد.

(۴) ۱۵۱۹- و نیز آنحضرت فرمود: خداوند عز و جل بادی را بحرکت در نمی آورد مگر از سر رحمت یا برای عذاب، پس هرگاه با آن برخورد کردید این دعا را بخوانید: اللَّهُمَّ إِنَّا نَسْأَلُكَ خَيْرَهَا وَخَيْرَهَا أَرْسَلْتَ لَهُ، وَنَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّهَا وَشَرِّهَا أَرْسَلْتَ لَهُ (یعنی: بارخدا یا ما از تو خیر این باد و نیکوترین آنچه را که این باد برای آن فرستاده شده درخواست می کنیم، و پناه می بریم بتو از شر آن و شر آنچه که این باد برای آن فرستاده شده است) و پس از دعا تکبیر بگویند و صدای تکبیرتان را بلند سازید که اینکار شدت و سورت باد را می شکند.

۱۵۲۰- و قال رسول الله صلى الله عليه وآله: «لا تَسُبُّوا الرِّيحَ فَإِنَّهَا مَأْمُورَةٌ،

وَلَا الْجِبَالَ وَلَا السَّاعَاتِ، وَلَا الْأَيَّامَ، وَلَا اللَّيَالِيَ فَتَأْتُمُوا وَتَرْجِعَ إِلَيْكُمْ».

۱۵۲۱- «ما خَرَجَتْ رِيحٌ قَطُّ إِلَّا بِمَكِيلٍ إِلَّا زَمَنَ عَادٍ فَإِنَّهَا عَثَّتْ عَلَى خَزَائِنِهَا

فَخَرَجَتْ فِي مِثْلِ خَرْقِ الْإِبْرَةِ فَأَهْلَكَتْ قَوْمَ عَادٍ».

۱۵۲۲- وَ رَوَى عَلِيُّ بْنُ رِثَابٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ

عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرِّيحِ الْأَرْبَعِ: الشَّمَالِ، وَالْجَنُوبِ، وَالصَّبَا، وَالذَّبُورِ وَقُلْتُ لَهُ: إِنَّ

النَّاسَ يَقُولُونَ: إِنَّ الشَّمَالَ مِنَ الْجَنَّةِ، وَالْجَنُوبَ مِنَ النَّارِ، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ جُنُودًا

مِنَ الرِّيحِ يَعَذِّبُ بِهَا مَنْ غَضَاهُ، مُوَكَّلٌ بِكُلِّ رِيحٍ مِنْهُمْ مَلَكٌ مُطَاعٌ فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ

عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَعَذِّبَ قَوْمًا بِعَذَابٍ أَوْحَى اللَّهُ إِلَى الْمَلَكِ الْمُوَكَّلِ بِذَلِكَ النَّوْعِ مِنَ الرِّيحِ

۱۵۲۰- رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: بادهای را ناسزا و دشنام مگویند

زیرا آنها از طرف خدا مأمورند، هفتین کوهها را، و ساعتها را، و روزها را، و شبها را دشنام ندهید که شما گناه می کنید و ناسزا بخودتان باز نمیگردد.

۱۵۲۱- و باز آنحضرت صلی الله علیه وآله فرمود: هرگز بادی از مبداء خود

خارج نشده مگر به اندازه و پیمانه مقدر و معین مگر در زمان عاد که بر مأموران و

خزانه داران خود سرکشی کرد و باندازه ای که در سوراخ سوزنی می گنجد بیش از

معمول و متعارف همیشگی بیرون آمد و قوم عاد را هلاک ساخت.

۱۵۲۲- و علی بن رثاب از ابی بصیر روایت کرده که گفت: از امام باقر

علیه السلام در مورد بادهای معروف چهارگانه یعنی: شمال، جنوب، صبا و دبور

سوال کردم و به آنحضرت عرض کردم: همانا مردم میگویند (یا در بین عامه مردم

شایع است) که باد شمال از بهشت، و باد جنوب از جهنم میآید نظر شما چیست؟

آنحضرت فرمود: همانا خداوند عز و جل را لشکریانی است از باد که هرکس را که

نافرمانی و معصیت خداوند کند بدان وسیله عذاب فرماید، و هر بادی را فرشته ای

گماشته شده که فرمانش را اجرا می کنند، پس هرگاه خداوند عز و جل اراده فرماید تا

قومی را به عذابی گرفتار سازد به فرشته ای که بدان نوع از باد گماشته شده که خدا

میخواهد بوسیله آن عذابشان نماید وحی میفرماید (که این اراده الهی را اجرا کند) و

آن فرشته نیز بنوبه خود به باد مورد نظر و تحت فرمان خویش دستور انجام آنرا میدهد و

الَّذِي يُرِيدُ أَنْ يُعَذِّبَهُمْ بِهِ، قَيَّامُهَا الْمَلَكُ فَتَهَيَّجُ كَمَا يَهَيَّجُ الْأَسَدُ الْمُغَضَّبُ، وَلِكُلِّ رِيحٍ مِنْهُمْ اسْمٌ، أَمَّا تَسْمَعُ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ» وَقَالَ عَزَّ وَجَلَّ: «الرَّيْحُ الْعَقِيمُ» وَقَالَ تَعَالَى: «فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ» وَمَا ذُكِرَ فِي الْكِتَابِ مِنَ الرِّيَّاحِ الَّتِي يُعَذِّبُ بِهَا مَنْ عَصَاهُ، وَلِلَّهِ عَزَّ وَجَلَّ رِيَّاحُ رَحْمَةٍ لَوَاقِحُ، وَرِيَّاحُ تَهَيَّجُ السَّحَابِ فَتُسَوِّقُ السَّحَابَ، وَرِيَّاحُ تَحْبِسُ السَّحَابَ بَيْنَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ، وَرِيَّاحُ تَقْصِرُهُ فَتُمْطِرُهُ بِإِذْنِ اللَّهِ، وَرِيَّاحُ تُفَرِّقُ السَّحَابَ وَرِيَّاحُ مَمَاعِدُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْكِتَابِ، فَأَمَّا الرِّيَّاحُ الْأَرْبَعُ فَإِنَّهَا أَسْمَاءُ الْمَلَائِكَةِ الشَّمَالُ وَالْجَنُوبُ وَالصَّبَا وَالذَّبُورُ، وَعَلَى كُلِّ رِيحٍ مِنْهُمْ مَلَكٌ مُوَكَّلٌ، بِهَا فَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَهْبِثَ شَمَالًا أَمَرَ الْمَلَكَ الَّذِي اسْمُهُ الشَّمَالُ فَهَبَّطَ عَلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ فَقَامَ

باد همچون شیر خشمگین و پرهیجان به جوش و خروش درمیآید (و اجرای امر می‌کند) هر بادی از بادهای را اسمی جداگانه است، مگر فرمایش خداوند عز و جل را نشنیده‌ای که میفرماید: إِنَّا أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمْ رِيحًا صَرْصَرًا فِي يَوْمِ نَحْسٍ مُسْتَمِرٍّ (یعنی: همانا ما برایشان باد صرصری فرستادیم در روز نحس که شومی آن پیوسته بود) و باز فرموده: «باد عقیم» برایشان فرستادیم، و باز خداوند تعالی فرموده: فَأَصَابَهَا إِعْصَارٌ فِيهِ نَارٌ فَاحْتَرَقَتْ (یعنی: پس آنها را بادی رسید که در آن آتش بود و آنها را سوخت) و نیز سایر بادهای که در قرآن از آنها یاد کرده و بوسیله آنها هرکس را که نافرمانی او کند عذاب فرماید. و خداوند عز و جل را بادهای رحمت است همچون لَوَاقِح (یعنی باد بهاری)، و بادهائیکه ابرهارا بحرکت درمیآورد و پیش میراند، و بادهائی که ابرها را در میان آسمان و زمین نگاه میدارند، و باز بادهای که ابرهارا میفشارند و به اذن خدا آنها را به ریزش باران وامیدارند، و باز بادهای ابرها را پراکنده می‌سازند، و بادهای رحمت دیگری که خداوند در کتاب خود آنها را نام برده و برشمرده است. و اما بادهای مشهور چهارگانه، همانا آنها نام فرشتگانی بهین اسمها است یعنی شمال، جنوب، صبا و دبور، و بر هر کدام از این بادهای فرشته‌ای گماشته شده است، و چون خداوند تبارک و تعالی اراده فرماید که باد شمال را بوزش درآورد، فرشته‌ای را که نامش شمال است فرمان میدهد (که اینکار را انجام دهد) و آن فرشته بر بیت الحرام فرود

عَلَى الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ فَضْرَبَ بِجَنَاحَيْهِ فَتَفَرَّقَتْ رِيحُ الشِّمَالِ حَيْثُ يُرِيدُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَتَّبِعَ الصَّبَا أَمَرَ الْمَلَكَ الَّذِي اسْمُهُ الصَّبَا فَهَبَّطَ عَلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ فَقَامَ عَلَى الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ فَضْرَبَ بِجَنَاحَيْهِ فَتَفَرَّقَتْ رِيحُ الصَّبَا حَيْثُ يُرِيدُ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَنْ يَتَّبِعَ جَنُوباً أَمَرَ الْمَلَكَ الَّذِي اسْمُهُ الْجَنُوبُ فَهَبَّطَ عَلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ فَقَامَ عَلَى الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ فَضْرَبَ بِجَنَاحَيْهِ فَتَفَرَّقَتْ رِيحُ الْجَنُوبِ حَيْثُ يُرِيدُ اللَّهُ فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ، وَإِذَا أَرَادَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَتَّبِعَ دُبُوراً أَمَرَ الْمَلَكَ الَّذِي اسْمُهُ الدَّبُورُ فَهَبَّطَ عَلَى الْبَيْتِ الْحَرَامِ فَقَامَ عَلَى الرُّكْنِ الْيَمَانِيِّ فَضْرَبَ بِجَنَاحَيْهِ فَتَفَرَّقَتْ رِيحُ الدَّبُورِ حَيْثُ يُرِيدُ اللَّهُ تَعَالَى فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ».

می‌آید و بر رکن یمانی می‌ایستد، و با هایش را برهم می‌زند و باد شمال پراکنده می‌شود در خشکیها و دریاها هر جا که خداوند عز و جل بخواهد، و هرگاه خداوند تبارک و تعالی اراده فرماید که باد صبا را بحرکت آورد، بدین منظور فرشته‌ای را که نامش صبا است امر می‌فرماید (که اینکار را انجام دهد) و او بر بیت الحرام فرود می‌آید و بر رکن یمانی می‌ایستد و با هایش را برهم می‌زند و باد صبا پراکنده می‌شود و در خشکی و دریا در هر کجا که خداوند متعال اراده فرموده باشد وزیدن می‌گیرد، و هرگاه خداوند اراده فرماید که باد جنوب را بحرکت آورد فرشته‌ای را که نامش جنوب است فرمان می‌دهد، و او بر بیت الحرام فرود می‌آید و بر رکن یمانی می‌ایستد و با هایش را برهم می‌زند و در نتیجه باد جنوب در خشکی و دریا در هر کجا که خداوند متعال اراده فرموده شروع به وزیدن می‌کند. و چون خداوند عز و جل اراده فرماید که دبور را به حرکت درآورد فرشته‌ای همین نام را فرمان می‌دهد و آن فرشته بر بیت الحرام فرود آمده و بر رکن یمانی می‌ایستد و با هایش را برهم می‌زند و باد دبور در هر کجا که خداوند تعالی اراده فرماید در خشکی و دریاها پراکنده شده وزیدن می‌گیرد.

شرح: «این خبر شریف از نظر سند صحیح و معتبر است و از نظر متن اشاره به مطلبی دقیق و عالی دارد و از جمله «مردم می‌گویند» پیدا است که اذهان توده مردم در این امور متوجه اسباب طبیعی بوده که عبارت از برودت و حرارت است، پس چون باد شمال دارای برودت است ناچار از بهشت می‌وزد و باد جنوب چون گرم است منشاء آن از دوزخ است.

۱۵۲۳ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَعْمُ الرِّيحُ الْجَنُوبُ، تَكْثِيرُ الْبَرْدِ عَلَى الْمَسَاكِينِ وَتَأْفِخُ الشَّجَرِ وَتَسِيلُ الْأَوْدِيَةَ».

۱۵۲۴ - وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الرِّيحُ خَمْسَةٌ مِنْهَا الْعَقِيمُ فَتَعُوذُ بِاللهِ مِنْ شَرِّهَا».

۱۵۲۵ - وَ «كَانَ النَّبِيُّ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا هَبَّتْ رِيحٌ صَفْرَاءُ أَوْ حُمْرَاءُ أَوْ سَوْدَاءُ تَغَيَّرَ وَجْهُهُ وَاصْفَرَّ لَوْنُهُ وَكَانَ كَالْخَائِفِ الْوَجِلِ حَتَّى تَنْزِلَ مِنَ السَّمَاءِ قَطْرَةٌ مِنْ مَقْلَرٍ فَيَرْجِعُ إِلَيْهِ لَوْنُهُ وَيَقُولُ: جَاءَ تَكْمٌ بِالرَّحْمَةِ».

۱۵۲۶ - وَ زَوَى زُرَّارَةُ وَمُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَا: «قُلْنَا

امام علیه السلام بر آن است که اذهان را از امور طبیعی منصرف و متوجه جنبه الهی این امور کند و همچنین آنچه از خیر و شرّ بر این امور مترتب است تا عموم مردم بدانند که همه عوامل طبیعی به مشیت الهی و اراده حق و جلگی مسخر امر او می باشند، چه هیچیک از نظامات کونیه از خود استقلالی ندارد و از جانب خداوند موکلی از فرشتگان بر آنها فرمانروا هستند. و شاید مراد از رکن، عرش الهی باشد و وصف به یمانی نیز بقرینه «وَالسَّمَوَاتُ فَطَوْرَاتٌ يَمِينُهُ» و آیات اینگونه، کنایه از قدرت کامله خداوند علیم و حکیم باشد.

۱۵۲۳ - امام صادق علیه السلام فرمود: باد یجنوب چه خوش بادی است، شدت و سورت سرما را از مستمندان می شکند و باز میدارد، و درختان و گیاهان را باردار می سازد، و آب را در رودخانه ها به سیلان و جریان می اندازد.

۱۵۲۴ - امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بادهای پنج گونه هستند که یکی از آنها باد عقیم است پس بخدا پناه می بریم از شرّ باد عقیم.

۱۵۲۵ - پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله هرگاه که باد زرد، یا باد سرخ، یا باد سیاه وزیدن میگرفت، رنگ روی مبارکش دگرگون شده و زرد میگردد، و مانند کسی میشد که ترسان و لرزان باشد تا آنگاه که از آسمان قطره ای باران بیارد، در این موقع بود که رنگ و روی آنحضرت بحال عادی برمیگشت و میفرمود: باد رحمت الهی را آورد یا باد با رحمت خداوند آمد.

۱۵۲۶ - زراره و محمد بن مسلم از امام باقر علیه السلام روایت کرده

لَهُ: أَرَأَيْتَ هَذِهِ الرِّيحَ وَالظَّلَمَ الَّتِي نَكُونُ هَلْ يُصَلِّيُ بِهَا؟ قَالَ: كُلُّ أَخَاوَيْفِ السَّمَاءِ مِنْ ظُلْمَةٍ أَوْ رِيحٍ أَوْ قَرَعٍ فَصَلِّ لَهَا صَلَاةَ الْكُسُوفِ حَتَّى تَسْكُنَ».

۱۵۲۷- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ بَرِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي-عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَا: «إِذَا وَقَعَ الْكُسُوفُ أَوْ بَعْضُ هَذِهِ الْآيَاتِ صَلَّيْهَا مَا لَمْ تَخَوْفْ أَنْ يَذْهَبَ وَقْتُ الْفَرِيضَةِ، فَإِنْ تَخَوَّفْتَ فَأَبْدَأْ بِالْفَرِيضَةِ، وَاقْطَعْ مَا كُنْتَ فِيهِ مِنْ صَلَاةِ الْكُسُوفِ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ الْفَرِيضَةِ فَارْجِعْ إِلَى حَيْثُ كُنْتَ قَطَعْتَ وَ اخْتَسِبْ بِهَا مَقْصِي».

۱۵۲۸- وَ رَوَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْفَضْلِ الْوَاسِطِيِّ أَنَّهُ قَالَ: «كُتِبَ: إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا انْكَشَفَتِ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَأَنَا رَاكِبٌ لَا أَقْدِرُ عَلَى التَّزَوُّدِ؟ فَكُتِبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيَّ: صَلِّ عَلَى مَرْكَبِكَ الَّذِي أَنْتَ عَلَيْهِ».

گویند: به آنحضرت عرض کردیم: نظر شما در مورد این بادهای که منی وزد و تاریکیهای که پیش میآید چیست آیا بخاطر آمدن آنها باید نماز خواند؟ آنحضرت فرمود: هر واقعه ترسناک و وحشت آور آسمانی که حادث می شود از تاریکی یا بادهایی ترس آور، برای آن باید نماز کسوف (آیات) خواند تا متوقف و برطرف شود (یا زمان ادای آن تا وقتی است که واقعه آسمانی یا ترس آور برطرف شود).

① ۱۵۲۷- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ وَ بَرِيدُ بْنُ مُعَاوِيَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ وَ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ رَوَايَتٌ كَرَّرَهَا أَنَّ هَذِهِ الْآيَاتُ (مِثْلُ زَلْزَلَةٍ) وَقَعَتْ فِي بَعْضِ الْفَرِيضَةِ حَاضِرَةً أَوْ غَائِبَةً، وَ إِنْ خَافَ أَنْ يَذْهَبَ وَقْتُ الْفَرِيضَةِ فَارْجِعْ إِلَى حَيْثُ كُنْتَ قَطَعْتَ وَ اخْتَسِبْ بِهَا مَقْصِي. (مانند زلزله) واقع شد این نماز (نماز آیات) را تا زمانی که بیم از دست شدن وقت فريضة حاضره نباشد میخوانی، و چنانچه مشغول نماز کسوف هستی و بیم فوت وقت فريضة داری در اینصورت آن نماز (آیات) را قطع کن و ابتدا نماز فريضة را بجا آور و چون از فريضة فارغ شدی به همانجا که نماز آیات را قطع کرده بودی بازگرد و دنباله نماز را تا پایان بخوان و آنچه را قبلاً کرده بودی بحساب آور و خوانده شده بگیری.

② ۱۵۲۸- عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْفَضْلِ الْوَاسِطِيِّ رَوَايَتٌ كَرَّرَهَا أَنَّ هَذِهِ الْآيَاتُ (مِثْلُ زَلْزَلَةٍ) وَقَعَتْ فِي بَعْضِ الْفَرِيضَةِ حَاضِرَةً أَوْ غَائِبَةً، وَ إِنْ خَافَ أَنْ يَذْهَبَ وَقْتُ الْفَرِيضَةِ فَارْجِعْ إِلَى حَيْثُ كُنْتَ قَطَعْتَ وَ اخْتَسِبْ بِهَا مَقْصِي. (مانند زلزله) واقع شد این نماز (نماز آیات) را تا زمانی که بیم از دست شدن وقت فريضة حاضره نباشد میخوانی، و چنانچه مشغول نماز کسوف هستی و بیم فوت وقت فريضة داری در اینصورت آن نماز (آیات) را قطع کن و ابتدا نماز فريضة را بجا آور و چون از فريضة فارغ شدی به همانجا که نماز آیات را قطع کرده بودی بازگرد و دنباله نماز را تا پایان بخوان و آنچه را قبلاً کرده بودی بحساب آور و خوانده شده بگیری.

۱۵۲۹- و رُوِيَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ وَ الْقَاضِي بْنِ يَسَارٍ أَنَّهَا قَالَا: «قُلْنَا لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيَقْضِي صَلَاةَ الْكُسُوفِ مَنْ إِذَا أَصْبَحَ فَعَلِمَ وَإِذَا أَمْسَى فَعَلِمَ؟ قَالَ: إِنْ كَانَ الْقَرَضَانِ اخْتَرَقَا كُلُّهُمَا قَضِيَتْ، وَإِنْ كَانَ إِذَا اخْتَرَقَ بَعْضُهُمَا فَلَيْسَ عَلَيْكَ قَضَاؤُهُ».

۱۵۳۰- وَ سَأَلَ الْحَلَبِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ صَلَاةِ الْكُسُوفِ- كُسُوفِ الشَّمْسِ وَالْقَمَرِ- قَالَ: عَشْرُ رَكَعَاتٍ وَ أَرْبَعُ سَجَدَاتٍ، تَرْكَعُ خُمُسًا ثُمَّ تَسْجُدُ فِي الْخَامِسَةِ، ثُمَّ تَرْكَعُ خُمُسًا ثُمَّ تَسْجُدُ فِي الْعَاشِرَةِ، وَإِنْ شِئْتَ قَرَأْتَ سُورَةَ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ، وَإِنْ شِئْتَ قَرَأْتَ نِصْفَ سُورَةٍ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ، فَإِذَا قَرَأْتَ سُورَةً فِي كُلِّ رَكَعَةٍ فَاقْرَأْ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَإِنْ قَرَأْتَ نِصْفَ سُورَةٍ أَجْزَاكَ أَنْ لَا تَقْرَأَ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ إِلَّا فِي أَوَّلِ رَكَعَةٍ

(۱) ۱۵۲۹- از محمد بن مسلم و فضیل بن یسار روایت کرده اند که گفتند: به امام محمد باقر علیه السلام عرض کردیم: کسی که وقتی صبح می شود از خسوف باخبر شود و یا وقتی شب می شود بداند در طول روز کسوف واقع شده و او پس از واقعه مطلع شود آیا باید قضای نماز آیات را بخواند؟
ب عبارت ساده تر تکلیف جاهل به واقعه چیست؟ آنحضرت فرمود: اگر قرص خورشید و ماه بکلی گرفته باشد قضا می کنی، و اگر فقط بخشی از آنها گرفته باشد (و بعداً باخبر شوی) قضاء آن بر تو نیست.

(۲) ۱۵۳۰- و حلبی از امام صادق علیه السلام سوال کرد در مورد نماز کسوف - گرفتن خورشید و ماه - که چگونه است؟ آنحضرت فرمود: ده رکوع و چهار سجده دارد، (در رکعت اول پس از قراءت) پنج رکوع می کنی و پس از رکوع پنجم بسجده میروی، آنگاه پنج رکوع دیگر را بجا آورده و پس از رکوع دهم بسجده میروی، و اگر بخواهی برای هر رکوعی سوره ای (پس از حمد) میخوانی، و اگر بخواهی نصف (یا قسمتی از) سوره را میخوانی، و اگر سوره ای برای هر رکوع خواندی در اینصورت باید برای هر کدام (از سوره ها که تمام می شود در رکوع بعدی) الحمد را بخوانی، ولی اگر نصف یا قسمتی از سوره را خواندی (مادام که سوره تمام نشده) تجدید الحمد لازم نیست مگر در اولین رکوع، مگر اینکه سوره دیگری را شروع کنی (در این صورت ابتدا الحمد می خوانی و بعد سوره دیگری را شروع می کنی) و هنگامیکه سر از رکوع

حَتَّى تَسْتَأْنِفَ أُخْرَى، وَلَا تَقُلْ سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ فِي رَفْعِ رَأْسِكَ مِنَ الرُّكُوعِ إِلَّا فِي الرُّكْعَةِ الَّتِي تُرِيدُ أَنْ تَسْجُدَ فِيهَا».

۱۵۳۱- وَ رَوَى عُمَرُ بْنُ أَدْبَنَةَ «أَنَّ الْقُنُوتَ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ ثُمَّ فِي الرَّابِعَةِ ثُمَّ فِي السَّادِسَةِ ثُمَّ فِي الثَّامِنَةِ ثُمَّ فِي الْعَاشِرَةِ».

وَإِنْ لَمْ تَقُتْ إِلَّا فِي الْخَامِسَةِ وَالْعَاشِرَةِ فَهُوَ جَائِزٌ لِرُودِ الْخَبَرِ بِهِ.

وَإِذَا فَرَغَ الرَّجُلُ مِنْ صَلَاةِ الْكُسُوفِ وَلَمْ تَكُنْ انْجَلَتْ فَلْيُعِيدِ الصَّلَاةَ وَإِنْ شَاءَ قَعَدَ وَمَجَّدَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ حَتَّى يَتَجَلَّى».

وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُصَلِّيَهَا فِي وَقْتِ فَرِيضَةٍ حَتَّى يُصَلِّيَ الْفَرِيضَةَ.

وَإِذَا كَانَ فِي صَلَاةِ الْكُسُوفِ وَدَخَلَ عَلَيْهِ وَقْتُ الْفَرِيضَةِ فَلْيَقْطَعْهَا وَلْيُصَلِّ

بر میداری سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ نگو مگر در رکوع آخر که پس از آن قصد رفتن بسجده داری (یعنی رکوعهای پنجم و دهم).

۱۵۳۱ (۷) - عمر بن اذینه روایت کرده است: قنوت (در نماز آیات) در رکعت دوم پیش از رکوع و بعد در رکوعهای چهارم و ششم و هشتم و دهم است.

و اگر قنوت را جز در پنجم و دهم بخوانی نیز جایز است بسبب اینکه در این خصوص حدیث وارد شده (و علماً بدان عمل کرده اند)

و شخص چون از نماز کسوف فارغ شود ولی گرفتگی باز نشده باشد، نماز را اعاده می‌کند، و اگر بخواند می‌نشیند و تمجید خداوند عز و جل می‌کند تا انجلاء صورت پذیرد.

و جایز نیست در وقت فریضه آن نماز را بخواند تا وقتی فریضه حاضره را بجا آورد.

شرح: «این خبر حمل بر کراهت شده است در صورتیکه وقت اداء کسوف یا خسوف باقی باشد، و ظاهراً آن نماز که فرصتش باقی است نباید برآنکه وقتش فوت می‌شود مقدم باشد الا اینکه نماز پنجگانه فریضه الله است، و نماز آیات سنت پیغمبر صلی الله علیه وآله و از اینجهت فریضه واجب بر سنت واجب مقدم است».

و هرگاه شخص مشغول نماز کسوف باشد و وقت فریضه فرا رسد، پس باید

الفريضة ثم يتي على ما صلى من صلاة الكسوف».

۱۵۳۲- وَرَوَى حَمَّادُ بْنُ عَثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «ذَكَرُوا

عِنْدَهُ انْكِسَافَ الْقَمَرِ وَمَا يَلْقَى النَّاسُ مِنْ شِدَّتِهِ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا تَجَلَّى مِنْهُ شَيْءٌ فَقَدْ انْجَلَى».

باب

* (صَلَاةُ الْحَبْوَةِ وَالتَّسْبِيحِ وَهِيَ صَلَاةُ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ (ع)) *

۱۵۳۳- رَوَى أَبُو حَمْزَةَ الثَّمَالِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ رَسُولُ

اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَجَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ: يَا جَعْفَرُ أَلَا أَمْتَحُكَ، أَلَا أُعْطِيكَ، أَلَا أُخْبِرُكَ أَلَا أُعَلِّمُكَ صَلَاةً إِذَا أَنْتَ صَلَّيْتَهَا لَوُكُنْتَ قَرَرْتَ مِنَ الزَّخْفِ وَكَانَ عَلَيْكَ مِثْلُ

انرا قطع کند و نماز فريضة را بخواند آنگاه به نماز کسوف برگردد و بنا را بر آنچه پیش از قطع خوانده گذارد و نماز کسوف را بپایان رساند.

(۱) ۱۵۳۲- حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام روایت کرده گفت: عده ای نزد آنحضرت سخن از گرفتن ماه گفتند و مشقتی را که مردم در هنگام خسوف می بینند یادآور شدند پس آنحضرت فرمود: هرگاه شروع به باز شدن کرد و مقداری از گرفتگی باز شد دیگر منجلی است (یعنی نیاز به اعاده نماز تا باز شدن کامل نیست).

باب

* (دربیان نماز حبوه یا عطیه و تسبیح آن که همان)

* (نماز جعفر بن ابی طالب علیه السلام است) *

(۲) ۱۵۳۳- أبو حمزة ثمالی از امام محمد باقر علیه السلام روایت کرده که آنحضرت

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله به جعفر بن ابی طالب علیه السلام فرمود: ای جعفر آیا تو را عطا نکنم (یا باصطلاح متداول فارسی: نمی خواهی تو را چیز عطا کنم) آیا تو را عطیه ای ندهم، آیا تو را چیزی نبخشم یا نمیخواهی تو را بخشی کنم، آیا نمازی بتویاد ندهم که اگر آنرا بخوانی، هر چند از جبهه جنگ گریخته باشی که گناه

رَقْعٍ عَالِجٍ وَزَبَدِ الْبَحْرِ ذُنُوباً غُفِرَتْ لَكَ؟ قَالَ: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: تُصَلِّي أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ إِذَا شِئْتَ إِنْ شِئْتَ كُلَّ لَيْلَةٍ، وَإِنْ شِئْتَ كُلَّ يَوْمٍ، وَإِنْ شِئْتَ فَمِنْ جُمُعَةٍ إِلَى جُمُعَةٍ، وَإِنْ شِئْتَ فَمِنْ شَهْرٍ إِلَى شَهْرٍ، وَإِنْ شِئْتَ فَمِنْ سَنَةٍ إِلَى سَنَةٍ، تَفْتَحُ الصَّلَاةَ ثُمَّ تُكَبِّرُ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، تَقُولُ: اللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، ثُمَّ تَقْرَأُ الْفَاتِحَةَ وَسُورَةَ وَتَرْكَعُ فَتَقُولُهُنَّ فِي رُكُوعِكَ عَشْرَ مَرَّاتٍ ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ فَتَقُولُهُنَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَخِرُّ سَاجِداً وَتَقُولُهُنَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ فِي سُجُودِكَ، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ فَتَقُولُهُنَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَخِرُّ سَاجِداً وَتَقُولُهُنَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ فَتَقُولُهُنَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَهْضُ فَتَقُولُهُنَّ خَمْسَ عَشْرَةَ مَرَّةً، ثُمَّ تَقْرَأُ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ وَسُورَةَ، ثُمَّ تَرْكَعُ فَتَقُولُهُنَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ فَتَقُولُهُنَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَخِرُّ سَاجِداً فَتَقُولُهُنَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ فَتَقُولُهُنَّ

آن بر تو باندازه ریگ بهم فشرده بیابان و بعدد کف های دریاها باشد همه این گناهان پیداش آن نماز بخشیده شود **جعفر** پاسخ گفت: بلی یا رسول الله (بفرمائید) آنحضرت فرمود: چهار رکعت نماز میکنی هرگاه بخواهی، اگر خواستی هر شب، و اگر خواستی هر روز، و اگر خواستی جمعه ای تا جمعه دیگر (هفته ای یکبار) و اگر خواستی ماه بماه، و چنانچه خواستی سالی یکبار آنرا میخوانی باین ترتیب که نماز را با تکبیر احرام شروع میکنی، آنگاه پانزده مرتبه میگوئی: اللَّهُ أَكْبَرُ وَسُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ سپس حمد و سوره میخوانی و به رکوع میروی، و در رکوع خود ده بار همان ذکرها را تکرار میکنی، و بعد از سر از رکوع بر میداری و باز همان ذکرها را ده بار دیگر میخوانی، و بسجود میروی و در سجدهات ده بار دیگر همان ذکرها را میخوانی، آنگاه سر از سجده برداشته و ده بار دیگر همان ذکرها را تکرار میکنی، و باز بسجده میروی و در هنگام سجود ده بار دیگر همان ذکر را میخوانی، آنگاه سر از سجده بر میداری و باز ده بار همان ذکر را میخوانی، سپس قیام میکنی و پانزده بار آن ذکر را میگوئی، بعد حمد و سوره را میخوانی و به رکوع میروی در رکوعت ده بار همان ذکر را میگوئی، آنگاه از رکوع سر بر میداری و آن ذکر را ده بار دیگر میخوانی، سپس بسجده میروی و در سجدهات ده بار همان ذکر را میگوئی، بعد سر از سجود بر میداری

عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَسْجُدُ فَتَقُولُهُنَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ مِنَ السُّجُودِ فَتَقُولُهُنَّ عَشْرَ مَرَّاتٍ، ثُمَّ تَشْهَدُ وَتُسَلِّمُ؛ ثُمَّ تَقُومُ وَتُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ الْخَرَاوِينَ تَضَعُ فِيهِمَا مِثْلَ ذَلِكَ ثُمَّ تُسَلِّمُ.

قال أبو جعفر عليه السلام: فذلك خمس وسبعون مرة في كل ركعة ثلاثمائة تسبيحة تكون ثلاثمائة مرة في الأربع ركعات ألف ومائتا تسبيحة يضاعفها الله عز وجل ويكتب لك بها اثنتي عشرة ألف حسنة، الحسنه مثل جبل أحد وأعظم». ۱۵۳۴ - وقد روي «أن التسبيح في صلاة جعفر بعد القراءة، وأن ترتيب التسبيح سبحان الله والحمد لله ولا إله إلا الله والله أكبر».

فبأي الحديثين أخذ المصلي فهو مصيب وجاز له. والفنوت في كل ركعتين منها قبل الركوع، والقراءة في الركعة الأولى الحمد

و باز ده مرتبه آن ذکر را تکرار میکنی، و سپس به سجده دوم میروی و در هنگام سجود ده بار دیگر همان ذکر را میخوانی، و سر از سجده بر میداری و ده بار دیگر همان ذکر را تکرار میکنی، آنگاه تشهد گفته و سلام نماز را میگوئی، سپس بر میخیزی و دو رکعت دیگر نماز میکنی و در این نماز بهمان ترتیب دو رکعت قبل عمل می کنی و سلام میدهی. امام باقر علیه السلام فرمود: در هر رکعت هفتاد و پنج بار تسبیحات گفته می شود که هر کدام چهار تسبیح است و جمعا سیصد تسبیح می شود در هر رکعتی، و رویم هزار و دویست تسبیح در چهار رکعت گفته می شود، و خداوند عز وجل آنها را مضاعف می سازد (و چنانکه وعده فرموده در برابر هر حسنه ده حسنه پاداش عطا میفرماید) بپاداش آنها برای تو دوازده هزار حسنه منظور می کنند که هر حسنه از آن در گرافی قدر مانند کوه احد و بزرگتر از آنست.

⑤ ۱۵۳۴ - و روایت کرده اند که در نماز جعفر تسبیح پس از قراءت است و نیز اینکه تسبیح آن باین ترتیب است: سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ و کسی که این نماز را میخواند مطابق هر کدام از دو روایت عمل کند درست رفتار کرده و برایش جایز است.

و قنوت در هر یک از دو نماز (دو رکعتی) پیش از رکوع خوانده می شود، و

وَإِذَا زُلْزِلَتْ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ وَالْعَادِيَاتُ، وَفِي الثَّالِثَةِ الْحَمْدُ وَإِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ، وَفِي الرَّابِعَةِ الْحَمْدُ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَإِنْ شِئْتَ صَلَّيْتُهَا كُلَّهَا بِالْحَمْدِ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ.

۱۵۳۵- وَفِي رِوَايَةِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ الْمُغْبِرَةِ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِقْرَأْ فِي صَلَاةِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ».

۱۵۳۶- وَرُوي عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ أَبِي الْبَلَادِ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ يَعْنِي مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَيُّ شَيْءٍ يَلْعَنُ صَلَاةَ جَعْفَرٍ؟ قَالَ: لَوْ كَانَ عَلَيْهِ مِثْلُ رَمْلِ عَالِجٍ وَزَيْدٍ الْبَحْرِ ذُنُوبًا لَغَفَرَهَا اللَّهُ لَهُ، قَالَ: قُلْتُ هَذِهِ لَنَا؟ قَالَ: فَلِمَنْ هِيَ إِلَّا لَكُمْ خَاصَّةٌ، قَالَ: قُلْتُ: فَأَيُّ شَيْءٍ أَقْرَأُ فِيهَا؟ قَالَ: وَقُلْتُ: أَغْتَرِضُ الْقُرْآنَ؟ قَالَ: لَا إِقْرَأُهَا إِذَا زُلْزِلَتْ، وَإِذَا جَاءَ نَصْرُ اللَّهِ، وَإِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ».

قراءت در رکعت اول حمد و سوره إذا زلزلت، و در رکعت دوم حمد و سوره والعاديات است، و در رکعت سوم (یا رکعت اول دو رکعت دوم) حمد و سوره إذا جاء نصر الله و در رکعت چهارم قراءت عبارتست از حمد و سوره توحید، و اگر بخواهی می توانی هر چهار رکعت را حمد و قل هو الله بخوانی.

⑦ ۱۵۳۵- و در روایت عبدالله بن مغیره از امام صادق علیه السلام آمده است که آنحضرت فرمود: در نماز جعفر علیه السلام سوره های قل هو الله احد و قل یا ایها الکافرون را بخوان.

⑧ ۱۵۳۶- و روایت کرده اند از ابراهیم ابی البلاد که به ابی الحسن یعنی موسی بن جعفر علیهما السلام گفت: چه پاداشی است برای کسی که نماز جعفر بخواند؟ گفت: اگر بعدد ریگهای درهم فشرده بیابان و به اندازه کفهای دریا گناه بر او باشد خداوند پاداش آن همه آنها را می بخشد گوید: عرض کردم: همه این ثوابها برای ما هست؟ فرمود: پس برای کیست جز اینکه مخصوص شما است، گوید: عرض کردم: چه سوره ای بخوانم در آن نماز؟ و نیز گوید: همچنین پرسیدم: هر سوره ای از قرآن که خواستم می توانم خواند؟ فرمود: نه، بلکه إذا زلزلت و إذا جاء

۱۵۳۷- و سئل أبو عبدالله عليه السلام «عَمَّنْ صَلَّى صَلَاةَ جَعْفَرٍ هَلْ يُكْتَبُ

لَهُ مِنَ الْأَجْرِ مِثْلُ مَا قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَعْفَرٌ؟ قَالَ: إِي وَآلِهِ».

۱۵۳۸- و رَوَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ الرِّيَّانِ أَنَّهُ قَالَ: «كَتَبْتُ إِلَى الْمَاضِي الْأَخِيرِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنْ رَجُلٍ صَلَّى مِنْ صَلَاةِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَكَعَتَيْنِ، ثُمَّ نَعَجَلَهُ عَنِ الرَكَعَتَيْنِ الْأَخِيرَتَيْنِ حَاجَةً أَوْ يَقْطَعُ ذَلِكَ لِحَادِثٍ يَحْدُثُ أَيْبُورُهُ أَنْ يُسَمِّيَهَا إِذَا فَرَغَ مِنْ حَاجَتِهِ وَإِنْ قَامَ عَنْ مَجْلِبِهِ أَمْ لَا يَحْتَسِبُ بِذَلِكَ إِلَّا أَنْ يَشَأَيْفَ الصَّلَاةَ وَيُضَلِّي الْأُرْبَعَ رَكَعَاتٍ كُلَّهَا فِي مَقَامٍ وَاحِدٍ؟ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: بَلَى إِنْ قَطَعَهُ عَنْ ذَلِكَ أَمُرُّ لَا بُدَّ لَهُ مِنْهُ فَلْيَقْطَعْ ثُمَّ لِيَرْجِعْ فَلْيَنْتِزِعْ عَلَى مَا بَقِيَ مِنْهَا إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

۱۵۳۹- وَ رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «صَلِّ صَلَاةَ

جَعْفَرٍ فِي أَيِّ وَقْتٍ شِئْتَ مِنْ لَيْلٍ أَوْ نَهَارٍ، وَإِنْ شِئْتَ حَسِبْتُهَا مِنْ نَوَافِلِ اللَّيْلِ وَإِنْ شِئْتَ

نَصْرُ اللَّهِ وَ إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ رَا بخوان.

① ۱۵۳۷- از امام صادق علیه السلام پرسیدند درباره کسی که نماز جعفر بخواند آیا همانند آن ثوابی را که رسول خدا صلی الله علیه و آله به جعفر فرمود برایش می نویسند؟ فرمود: آری بخدا قسم.

② ۱۵۳۸- از علی بن ریان روایت کرده اند که گفت: به امام علی النقی علیه السلام عریضه ای نوشتم و طی آن سؤال کردم در مورد کسی که دو رکعت از نماز جعفر علیه السلام را بخواند آنگاه کاری برایش پیش آید که از خواندن دو رکعت دیگر او را بازدارد یا حادثه ای واقع شود که اجباراً باید ترک نماز کند، آیا جایز است که پس فارغ شدن از کارش آن نماز را تمام کند هر چند از محل نمازش بلند شده باشد یا حساب آنچه را خوانده نداشته باشد مگر اینکه دوباره نماز را از سر بگیرد و هر چهار رکعت را یکجا بجا آورد؟ آنحضرت در پاسخ مرقوم فرمود: بلی در صورتیکه او را کاری پیش آمده باشد که ناچار باید بدان پردازد پس نماز را قطع کند و سپس برگردد و بنا را بر آنچه باقی مانده گذارد، ان شاء الله.

③ ۱۵۳۹- و أبو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: نماز جعفر را در هر وقتی از شب یا روز که خواهی بخوان، و اگر خواهی آنرا

حَسِبْتُهَا مِنْ نَوَافِلِ النَّهَارِ تُحْسَبُ لَكَ مِنْ تَوَافِلِكَ، وَتُحْسَبُ لَكَ مِنْ صَلَاةِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

۱۵۴۰- وَ رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا كُنْتَ مُسْتَعْجِلًا فَصَلِّ صَلَاةَ جَعْفَرٍ مُجَرَّدَةً، ثُمَّ أَقْضِ التَّسْبِيحَ».

۱۵۴۱- وَ فِي رِوَايَةِ الْحَسَنِ بْنِ عَجُوبٍ قَالَ: «تَقُولُ فِي آخِرِ سَجْدَةٍ مِنْ صَلَاةِ جَعْفَرِ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَا مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَالْوَقَارُ، يَا مَنْ تَعَلَّقَتْ بِالْمَجْدِ وَتَكْرَمَ بِهِ، يَا مَنْ لَا يَتَّبِعِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَكَ، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ، يَا ذَا النِّعْمَةِ وَالْقُدْرَةِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ، يَا ذَا الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ، أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ

جزء نوافل شب محسوب کن و چنانچه خواهی همان را جزء نوافل روز بحساب آور، که بحساب نوافل تو، و نیز نماز جعفر علیه السلام هر دو محسوب خواهد شد و هر دو ثواب عاید تو خواهد گشت.

۱۵۴۰- (۷) و أبو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: هرگاه شتاب و عجله داشتی پس نماز جعفر را تنها و بدون تسبیح بخوان و بعد تسبیحات را قضا کن.

۱۵۴۱- (۸) در روایت حسن بن عجب گوید: در سجده آخر نماز جعفر بن- ابی طالب علیه السلام این دعا را بخوان: «يَا مَنْ لَيْسَ الْعِزُّ وَالْوَقَارُ، يَا مَنْ تَعَلَّقَتْ بِالْمَجْدِ وَتَكْرَمَ بِهِ، يَا مَنْ لَا يَتَّبِعِي التَّسْبِيحُ إِلَّا لَكَ، يَا مَنْ أَحْصَى كُلَّ شَيْءٍ عِلْمُهُ، يَا ذَا النِّعْمَةِ وَالْقُدْرَةِ، يَا ذَا الْمَنِّ وَالْفَضْلِ، يَا ذَا الْقُدْرَةِ وَالْكَرَمِ، أَسْأَلُكَ بِمَعَاقِدِ الْعِزِّ مِنْ عَرْشِكَ وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَبِأَسْمِكَ الْأَعْظَمِ الْأَعْلَى وَكَلِمَاتِكَ النَّاقَاتِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا» (یعنی: ای خدائی که جامه عزت و وقار را بر کرده ای و این جامه مخصوص تست، ای خدائی که مجد و بزرگی را ردای خویش فرموده ای (یا مجد و شرف ردائی است که بالای تو سزاوار آنست)، ای خدائی که تسبیح و تنزیه جز برای او سزا نیست، ای آنکه علمش فراگیر همه چیز است، ای آنکه نعمتها و احسانها جمله از تو است ای خدائی که بر بندگان منت نهاده ای و مورد تفضلشان قرار داده ای، ای خدائی که قدرت و کرم از آن تست و قادر و مکرّم تنها تویی، از تو درخواست می کنم به عظمت آن جایگاهها از

وَمُنْتَهَى الرَّحْمَةِ مِنْ كِتَابِكَ وَيَا مُنِمْكَ الْأَعْظَمُ الْأَعْلَى، وَكَيْمَاتِكَ النَّاقَاتِ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَإِنْ تَقَلَّ بِي - كَذَا وَكَذَا -».

(بَابُ صَلَاةِ الْحَاجَةِ)

۱۵۴۲- رَوَى مُرَازِمٌ عَنِ الْعَبِيدِ الصَّالِحِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ:

«إِذَا فَدَحَكَ أَمْرٌ عَظِيمٌ فَتَصَدَّقْ فِي نَهَارِكَ عَلَى سِتِّينَ مَسْكِينًا، عَلَى كُلِّ مَسْكِينٍ [نِصْفُ] صَاعٍ بِصَاعِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ تَمْرٍ أَوْ بَرٍّ أَوْ شَعِيرٍ، فَإِذَا كَانَ بِاللَّيْلِ اغْتَسَلْتَ فِي ثَلَاثِ اللَّيْلِ الْأَخِيرِ ثُمَّ لَيْسَتْ أَدْنَى مَا يَلْبَسُ مَنْ تَعُولُ مِنَ الثِّيَابِ إِلَّا أَنْ عَلَيْكَ فِي تِلْكَ الثِّيَابِ إِزَارٌ، ثُمَّ تُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ تَقْرَأُ فِيهِمَا بِالتَّوْحِيدِ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، فَإِذَا وَضَعْتَ جَبِينَكَ فِي الرُّكْعَةِ الْأَخِيرَةِ لِلسُّجُودِ هَمَلْتَ اللَّهُ وَقَدْ شَتَّ وَعَظَمَتُهُ

عرشت که عظمت و عزت بسته بدانها است (یا آن خصلتهای ملکوتی و عرشی که عزت و شکوه آورد و بطور کلی بحق عزت و جلال عرشت) و بحق منتهای رحمت از کتابت (رحمت که به اوج رسیده و در لوح محفوظ یا قرآن تو متجلی شده است) و به اسم اعظم که بالاترین است، و بحق کلمات ناقهات که بر محمد و آل او درود فرستی و با من چنین و چنان کنی - که بجای چنین و چنان باید حاجت خود را بگوید -).

باب

(دربیان نماز حاجت)

(۱)

۱۵۴۲- مُرَازِمٌ از امام کاظم علیه السلام روایت کرده که فرمود: هرگاه مصیبت و گرفتاری بزرگی برایت پیش آمد یا گریبانگیرت شد در روز به شصت مستمند و بی نوا تصدق کن بدین نحو که بر هر بی نوائی یک [نیم] صاع برابر صاع پیامبر صلی الله علیه و آله از خرمای خشک یا گندم یا جو (صاع پیامبر صلی الله علیه و آله پنج مدّ و صاع معروف چهار مدّ خرما یا گندم یا جو می باشد) و چون شب شد در ثلث آخر شب غسل میکنی و کم ارزش ترین و خشن ترین لباسی را که خانواده ات معمولاً می پوشند بتن میکنی با این تفاوت که باید لنگی هم (بجای زیر جامه) با آن لباس به میان ببندی آنگاه دو رکعت نماز میکنی که (پس از حمد رکعت اول) سوره

وَمَجْدَتَهُ، ثُمَّ ذَكَرْتَ دُنُوبَكَ فَأَقْرَرْتَ بِمَا تَعْرِفُ مِنْهَا تُسْتَمِي، وَمَا لَمْ تَعْرِفْ أَقْرَرْتَ بِهِ جُمْلَةً، ثُمَّ رَفَعْتَ رَأْسَكَ فَإِذَا وَضَعْتَ جَبِينَكَ فِي السَّجْدَةِ الثَّانِيَةِ اسْتَخَرْتَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ تَقُولُ: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ» ثُمَّ تَدْعُو اللَّهَ بِمَا شِئْتَ مِنْ أَسْمَائِهِ وَتَقُولُ «يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُمَكِّنًا كُلِّ شَيْءٍ وَيَا كَائِنًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ أَفْعَلْ بِي — كَذَا وَكَذَا—» وَكُلَّمَا سَجَدْتَ فَأَفْضِ بِرُكْبَتِكَ إِلَى الْأَرْضِ وَتَرَفُّعِ الْإِزَارِ حَتَّى تَكْشِفَ عَنْهَا وَاجْعَلِ الْإِزَارَ مِنْ خَلْقِكَ بَيْنَ أَلْيَتَيْكَ وَبَاطِنِ سَاقَيْكَ، فَإِنِّي أَرْجُو أَنْ تُقْضَى حَاجَتُكَ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى، وَابْتَدَأْ بِالصَّلَاةِ عَلَى النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ».

۱

«قل هو الله» و در رکعت دوم سوره «قل یا ایها الکافرون» میخوانی، و چون در رکعت آخر پیشانی بر خاک نهادی در سجود تهلیل خداوند میکنی (یعنی کلمه لا اله الا الله میگوئی) و تقدیس او (با سُبْحَانَ اللَّهِ یا سُبْحُ قُدُّوسٌ میگوئی) و تعظیم و تمجید الله میکنی (با ذکر کلماتی نظیر «لَا حَوْلَ وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ الْعَلِيِّ الْعَظِيمِ» یا ذکرهای دیگر که مشتمل بر این قبیل اسماء و دعوات باشد) آنگاه گناهاست را ذکر میکنی و آنچه را که بیاد داری یکایک نام میبری، و آنچه را که در خاطر نداری یکجا بطور کلی بدان اقرار می کنی، سپس از سجده سر بر میداری وقتی پیشانی بر خاک نهادی در سجده دوم صد بار از خداوند طلب خیر برای خود می کنی بدین نحو که میگوئی: «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْتَخِيرُكَ بِعِلْمِكَ» (یعنی: بار خدایا من با احاطه علم تو بر همه چیز و بر احوال خویش از تو خیر خود را درخواست می کنم یا برآوردن حاجت مرا قرین خیر من سازی، و یا چنانچه خیر من در آنست آنرا برآورده سازی، آنگاه خداوند را به آنچه از اسماء الهی که خواهی میخوانی و چنین دعا میکنی: «يَا كَائِنًا قَبْلَ كُلِّ شَيْءٍ وَيَا مُكُونًا كُلِّ شَيْءٍ، وَيَا كَائِنًا بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ — أَفْعَلْ بِي...» (یعنی: ای آنکه پیش از پدید شدن هر چیزی وجود داشته ای و ای کسی که پدید آورنده و هستی بخش همه چیز تویی، و ای خدائی که پس از همه چیز وجود تو همچنان پاینده و پایدار خواهد بود با من چنین و چنان کن — که البته بجای چنین و چنان شخص خواسته و حاجت خود را از خداوند متعال درخواست می کند) و هر بار که بسجده میروی زانوهایت را بر زمین برسان و لنگ را از روی آنها بردار تا برهنه شوند و آنرا از

* (صَلَاةٌ أُخْرَى لِلْحَاجَةِ) *

۱۵۴۳ - روى موسى بن القاسم البجلي، عن صفوان بن يحيى؛ ومحمد بن سهل عن أشياخهم عن أبي عبد الله عليه السلام قال: «إِذَا حَضَرْتُ لَكَ حَاجَةٌ مُهِمَّةٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ فَصُمْ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مُتَوَالِيَةٍ: الْأَرْبِعَاءِ وَالْخَمِيسَ وَالْجُمُعَةَ، فَإِذَا كَانَ يَوْمَ الْجُمُعَةِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى فَاغْتَسِلْ وَابْتَسْ رُبَّاً جَدِيداً ثُمَّ اصْعِدْ إِلَى أَعْلَى بَيْتٍ فِي دَارِكَ وَصَلِّ فِيهِ رَكَعَتَيْنِ، وَارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ ثُمَّ قُلْ: «اللَّهُمَّ إِنِّي حَلَلْتُ بِسَاحَتِكَ لِمَعْرِفَتِي بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَصَمْدَانِيَّتِكَ وَأَنْتَ لَا قَادِرَ عَلَى حَاجَتِي غَيْرُكَ وَقَدْ عَلِمْتُ يَا رَبِّ أَنَّكَ كَمَا تَظَاهَرْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ اشْتَدَّتْ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَقَدْ طَرَفَنِي هُمٌ كَذَا وَكَذَا وَأَنْتَ بِكَشْفِهِ عَالِمٌ غَيْرُ مُعَلِّمٍ، وَاسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ، فَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى الْجِبَابِ فَسُيِّفَتْ وَوَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَانْشَقَّتْ، وَعَلَى النُّجُومِ فَانْتَشَرَتْ، وَعَلَى الْأَرْضِ

پشت پا میان زانوها و داخل ساقهایت ببندار، و من امیدوارم چنانچه این اعمال و اذکار را بجا آوری حاجت برآورده شود. ان شاء الله تعالی، و هنگامی که میخواهی شروع به این کار کنی نخست بر محمد و اهل بیت او صلوات الله عليهم اجمعین درود و صلوات فرست، و سپس دعا بخوان.

* (نماز دیگر برای حاجت) *

۱۵۴۳ - موسى بن قاسم بجلی از صفوان بن بحی و او از محمد بن سهل و ایشان هر دو از جمعی از استادان و مشایخ خود و آنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند که آنحضرت فرمود: هرگاه برای حاجت مهمی بدرگاه خداوند عز و جل پیش آمد پس سه روز متوالی روزه بگیر یعنی روزهای چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه، و چون روز جمعه فرا رسید غسل کن و لباس تازه گردان و به بالاترین نقطه پشت بام در خانه ات برو و آنجا (یعنی زیر آسمان) دو رکعت نماز کن و دست بسوی آسمان بردار و سپس این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنِّي حَلَلْتُ بِسَاحَتِكَ لِمَعْرِفَتِي بِوَحْدَانِيَّتِكَ وَصَمْدَانِيَّتِكَ وَأَنْتَ لَا قَادِرَ عَلَى حَاجَتِي غَيْرُكَ، وَقَدْ عَلِمْتُ يَا رَبِّ أَنَّكَ كَمَا تَظَاهَرْتَ نِعْمَتَكَ عَلَيَّ اشْتَدَّتْ فَاقَتِي إِلَيْكَ، وَقَدْ طَرَفَنِي هُمٌ كَذَا وَكَذَا وَأَنْتَ بِكَشْفِهِ عَالِمٌ غَيْرُ مُعَلِّمٍ، وَاسِعٌ غَيْرُ مُتَكَلِّفٍ، فَأَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي وَضَعْتَهُ عَلَى

فَسُطِحَتْ، وَأَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَالْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ - وَتَسْمِيَّتِهِمْ
إِلَى آخِرِهِمْ - أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي وَأَنْ تُبَسِّرَنِي غَيْبِيَّهَا،
وَتَكْفِيَنِي مُهِمَّتِي، فَإِنْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ الْحَمْدُ، غَيْرُ جَائِرٍ فِي
حُكْمِكَ وَلَا مُتَّهِمٍ فِي قَضَائِكَ وَلَا حَائِفٍ فِي عَذْلِكَ» وَتَلْصِقْ خَدَّكَ بِالْأَرْضِ وَتَقُولُ:
«اللَّهُمَّ إِنَّ يُونُسَ بْنَ مَتَّى عَبْدُكَ دَعَاكَ فِي بَطْنِ الْخُوبِ وَهُوَ عَبْدُكَ فَاسْتَجَبْتَ لَهُ وَأَنَا

الْجِبَالِ قَسِيْفَتْ، وَوَضَعْتَهُ عَلَى السَّمَاءِ فَانْشَقَّتْ وَ عَلَى الشُّجُومِ فَانْتَشَرَتْ، وَ عَلَى
الْأَرْضِ فَسُطِحَتْ، وَأَسْأَلُكَ بِالْحَقِّ الَّذِي جَعَلْتَهُ عِنْدَ مُحَمَّدٍ وَالْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ -
زَامِ هُمَ آتَانِ رَا بَرْمِشْمَارِي - أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَأَنْ تَقْضِيَ حَاجَتِي وَ
أَنْ تُبَسِّرَنِي غَيْبِيَّهَا، وَتَكْفِيَنِي مُهِمَّتِي، فَإِنْ فَعَلْتَ فَلَكَ الْحَمْدُ، وَإِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَلَكَ
الْحَمْدُ، غَيْرُ جَائِرٍ فِي حُكْمِكَ وَلَا مُتَّهِمٍ فِي قَضَائِكَ وَلَا حَائِفٍ فِي عَذْلِكَ».

(یعنی: بار خدایا برآستی من بر آسمانت وارد شده‌ام بسبب شناختی که به
یگانگی و بی‌نیازیت دارم و میدانم که خداوندی مخصوص ذات واجب الوجود تو
است و دیگران همه نیازمند تو اند، و نیک میدانم که جز تو هیچکس توانائی برآوردن
حاجتم را ندارد، و بخوبی دانسته‌ام ای پروردگار من که هر چه نعمت و احسان تو
بر من دهم فرو برد نیاز من نیز بتو شدیدتر می‌شود، و اکنون مرا گرفتاری چنین و
چنان رخ داده است (البته بجای کلمات چنین و چنان شخص باید گرفتاری و اندوه
خود را ذکر کند) و تو خود به برطرف ساختن آن بدون معلم و از کسی نیاموخته عالم
و آگاهی و بدون تحمل زحمت توانائی، پس از تو خواهش و درخواست می‌کنم بنام
مقدسست که چون بر کوهها بنهی از هم گسسته و فرو پاشند، و چون بر آسمانها
گذاری بترکند و تکه تکه شوند، و چون بر ستارگان گذاری فرو ریزند، و بر زمین
گذاری پس هوار شود، و از تو درخواست میکنم بدان حقی که آنرا نزد محمد و
امامان - صلوات و سلام بر آنان باد - قراردادی (و در اینجا نام امامان را یکایک
برشمار) که درود و رحمت فرستی بر محمد و اهل بیت او، و نیز حاجت مرا برایم
برآورده سازی، و دشواریش را برایم آسان سازی و مهم آنرا برایم کفایت کنی، و اگر
چنین کنی حمد و ستایش مخصوص توست، و اگر بر آورده سازی هم حمد و ستایش
مخصوص توست، که تو در حکم خود جائز نیستی و در قضائی که رانده‌ای (گمان)

عَبْدُكَ أَذْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي» ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَرَبَّيَا كَانَتْ الْحَاجَةُ لِي فَأَذْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فَأَرْجِعْ وَقَدْ قَضَيْتَ.

* (صَلَاةُ أُخْرَى لِلْحَاجَةِ) *

۱۵۴۴ - رَوَى سَمَاعَةُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنْ أَحَدُكُمْ إِذَا مَرِضَ دَعَا الطَّيِّبَ وَأَعْطَاهُ، وَإِذَا كَانَتْ لَهُ حَاجَةٌ إِلَى سُلْطَانٍ رَشَاءَ الْبَوَائِبِ وَأَعْطَاهُ، وَلَوْ أَنْ أَحَدُكُمْ إِذَا فَدَحَهُ أَمْرٌ فَرَعَ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى فَتَقَلَّهَرَّ وَنَصَّدَّقَ بِصَدَقَةٍ قَلَّتْ أَوْ كَثُرَتْ ثُمَّ دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَصَلَّى رَكْعَتَيْنِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى النَّبِيِّ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ إِنْ عَافَيْتَنِي مِنْ مَرَضِي، أَوْ رَدَدْتَنِي مِنْ سَفَرِي، أَوْ عَافَيْتَنِي مِنْ أَخَافٍ مِنْ كَذَا وَكَذَا» إِلَّا أَنَا اللَّهُ ذَلِكَ وَهِيَ الْيَمِينُ الْوَاجِبَةُ وَمَا جَعَلَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيْهِ فِي الشُّكْرِ.

اتهامی بر تو نیست و عدول از حق ننموده‌ای) آنگاه گویند و رخسار خود را بر خاک می‌گذارند و چنین می‌خوانند: «اللَّهُمَّ إِنْ يُوسِسَ بَنَ مَنِي عَبْدُكَ دَعَاكَ فِي بَطْنِ الْحَوِثِ وَهُوَ عَبْدُكَ فَاسْتَجِبْ لَهُ وَأَنَا عَبْدُكَ أَذْعُوكَ فَاسْتَجِبْ لِي» (یعنی: بار خدایا یونس ابن منی بنده تو در شکم ماهی بدرگاهت دعا کرد در حالیکه بنده تو بود و تو دعایش را اجابت کردی، اکنون من نیز بنده توام که تو را می‌خوانم پس دعای مرا استجابت فرما).

آنگاه امام صادق علیه السلام فرمود: چه بسا برای خود من حاجتی پیش می‌آید و با همین نماز و دعا خدا را می‌خوانم و چون (از دشت و یا نقطه بلند زیر آسمان) به‌خانه باز می‌گردم حاجتم برآورده شده است.

① ۱۵۴۴ - سَمَاعَةُ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: معمولاً وقتی یکی از شما بیمار می‌شود طبیبی را می‌خواند و باو پولی یا چیزی می‌دهد (تا او را درمان کند) و هرگاه کاری با سلطان داشته باشد دربان مخصوص را رشوه‌ای می‌دهد و او خواسته‌اش را برآورده می‌کند، حال هرگاه یکی از شما را گرفتاری و کار سختی پیش آمد با اگر بخداوند عز و جل پناه برد و توسل جوید و باین منظور خود را پاک سازد (طاهرأ یعنی وضو یا غسل کند) و صدقه‌ای بدهد کم یا

* (صَلَاةُ أُخْرَى لِلْحَاجَةِ) *

۱۵۴۵- «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا حَزَنَهُ أَمْرٌ لَيْسَ ثَوْبَيْنِ مِنْ أَعْلَظِ ثِيَابِهِ وَأَخْشَبَهَا، ثُمَّ رَكَعَ فِي آخِرِ اللَّيْلِ رَكَعَتَيْنِ حَتَّى إِذَا كَانَ فِي آخِرِ سَجْدَةٍ مِنْ سُجُودِهِ سَبَّحَ اللَّهَ مِائَةَ تَسْبِيحَةٍ، وَحَمْدَ اللَّهِ مِائَةَ مَرَّةٍ، وَهَلَّلَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ، وَكَبَّرَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ، ثُمَّ يَعْتَرِفُ بِذُنُوبِهِ كُلِّهَا مَا عَرَفَ مِنْهَا أَقْرَبَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى بِهِ فِي سُجُودِهِ وَمَا لَمْ يَذْكُرْ

زیاد (بسته بیل و توانائیش) آنگاه به مسجد رود، و دو رکعت نماز کند و حمد و ثنای الهی بجا آورد و بر پیامبر و اهل بیت آنحضرت علیهم السلام درود و صلوات فرستد، آنگاه چنین دعا کند: «اللَّهُمَّ إِنْ عَاقَبْتَنِي مِنْ مَرَضِي، أَوْ رَدَدْتَنِي مِنْ سَفَرِي، أَوْ عَاقَبْتَنِي بِمَا أَخَافُ....» بدنبال این دعا کسی یا چیزی را که از آن می ترسد نام ببرد-».

(ترجمه دعا اینست: بارخدایا اگر مرا از بیمارم شفا دهی (یا امید آن دارم و یا تو سزاواری به انجام این خواهرش که همواره تفضل فرموده ای، بهر حال جزای آن محذوف است و اغلب در این قبیل جملات شرطیه معنی اینست که اگر چنین و چنان میشد به منتهای خواسته ام رسیده بودم و دیگر اندیشه ای و خواسته ای نداشتم یا مرا از این سفر بسلامت برگردانی اگر برای سفر دعا می کند یا مرا حفظ کنی از شر و آسیب دشمنان که بیمناکم از فلان و بهمان (که نام آن شخص یا چیزی را می برد) چنانچه بترتیبی که گذشت عمل کند موردی نباشد مگر آنکه خداوند متعال خواسته او را به او اعطا فرماید و این استجاب است بسبب وعده او است که بیاس آن وعده واجب است که خداوند متعال حاجت او را برآورده سازد و نیز اینکه خدا این عمل را بشکر نعمت او قبول می فرماید (یا شاید این عمل شکر نعمت برآورده شدن حاجت است).)

* (نماز دیگری برای خواستن حاجت) *

۱۵۴۵- امام سجاد علیه السلام را معمول چنین بود که هرگاه پیشامدی ایشان را غمگین می ساخت آنحضرت دو جامه از زیباترین و خوشترین جامه هایشان را بتن میکرد. سپس در آخر شب دو رکعت نماز میکرد و چون بسجده آخر نماز میرفت صد بار «سُبْحَانَ اللَّهِ»، و صد مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و صد بار «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» و صد مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» میگفت و سپس به تقصیرهای خویش در عبادت (یا قصوری که

منها اعترف به جُمْلَةً ثُمَّ يَدْعُوهُ عَزَّ وَجَلَّ وَيَقْضِي بِرُكْبَتَيْهِ إِلَى الْأَرْضِ».

* (صَلَاةٌ أُخْرَى لِلْحَاجَةِ) *

۱۵۴۶- رُوِيَ عَنْ يُونُسَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ: «شَكَّوْتُ إِلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا كَانَ يُؤَذِّنِي، فَقَالَ: أَدْعُ عَلَيْهِ فَقُلْتُ: قَدْ دَعَوْتُ عَلَيْهِ، فَقَالَ: لَيْسَ هَكَذَا وَلَكِنْ أَقْلَعِ عَنِ الذَّنُوبِ وَصُمْ وَصَلْ وَنَصَّدِّقْ فَإِذَا كَانَ آخِرُ اللَّيْلِ فَأَسْبِغِ الْوُضُوءَ، ثُمَّ قُمْ فَصَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ قُلْ: «وَأَنْتَ سَاجِدٌ: «اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانًا بَيْنَ فُلَانٍ قَدْ آذَانِي اللَّهُمَّ أَسْقِمْ بَدَنَهُ، وَاقْطَعْ أَثَرَهُ وَانْقُصْ أَجَلَهُ، وَعَجِّلْ لَهُ ذَلِكَ فِي عَامِهِ هَذَا» قَالَ: فَفَعَلْتُ، فَمَا لَيْتَ أَنْ هَلَكَ».

گاه واقع شده بود چون آنحضرت معصوم بود و خداوند متعال او را از خطا و نسیان نگه میداشت) اعتراف می نمود، آنچه را بخاطر داشت در سجده اش یکایک برمیشمرد، و آنچه را بیاد نمیداشت یکجا و بطور کلی اعتراف میکرد آنگاه دعا میفرمود در حالیکه زانوهای خود را برهنه فرموده بر روی خاک می نهاد.

* (غماز دیگری برای حاجت) *

① ۱۵۴۶- از یونس بن عمار روایت کرده اند که گفت: از شخصی که مرا آزار میداد به خدمت امام صادق علیه السلام شکایت کردم آنحضرت فرمود: او را نفرین کن: عرض کردم: او را نفرین کرده ام (ولی کارگر نیفتاده) آنحضرت فرمود: اینطور نیست (که هر نفرینی مستجاب شود) لکن جهت استجاب دعا مدتی چند از گناهان بکلی دوری کن و روزه بدار و غماز کن و صدقه بده، و چون آخر شب شد وضوئی بتمام و کمال بساز (که همه دعاهاى مربوطه را بخوانی و هر عضورا دوبار آب بریزی و مستحبات را بجا آوری) آنگاه برخیز و دو رکعت (ایستاده) نماز کن و در حال سجود این دعا را بخوان: «اللَّهُمَّ إِنَّ فُلَانًا بَيْنَ فُلَانٍ (بجای این دو کلمه نام شخص مورد نظر را بگوید) قَدْ آذَانِي اللَّهُمَّ أَسْقِمْ بَدَنَهُ، وَاقْطَعْ أَثَرَهُ، وَانْقُصْ أَجَلَهُ، وَعَجِّلْ لَهُ ذَلِكَ فِي عَامِهِ هَذَا».

(یعنی: بار خدایا فلان پسر فلانی مرا می آزارد خداوند! تن او را به بیماری دچار ساز اثر او را قطع فرما که اثری از او نماند، و مهلتش را کم ساز و بزودی اجل او

* (صلاة أخرى للحاجة) *

۱۵۴۷- رَوَى عُمَرُ بْنُ أُذَيْنَةَ عَنْ شَيْخٍ مِنْ آلِ سَعْدٍ قَالَ: كَانَتْ بَنِي وَبَيْنَ رَجُلٍ مِنْ أَهْلِ الْمَدِينَةِ خُصُومَةٌ ذَاتُ نَحْطَرٍ عَظِيمٍ، فَدَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَذَكَرْتُ لَهُ ذَلِكَ، وَقُلْتُ: عَلِمْتَنِي شَيْئًا لَعَلَّ اللَّهَ يَرُدُّ عَلَيَّ مَظْلَمَتِي فَقَالَ: إِذَا أَرَدْتَ الْعَدُوَّ فَصَلِّ بَيْنَ الْقَبْرِ وَالْبَيْتِ رَكَعَتَيْنِ أَوْ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ وَإِنْ شِئْتَ فَيُبَيِّنْكَ، وَاسْأَلِ اللَّهَ أَنْ يُعَيِّنَكَ وَخُذْ شَيْئًا مِمَّا تَشْرَفُ فَتَصَدَّقْ بِهِ عَلَى أَوَّلِ مُشْكِينٍ تَلْقَاهُ، قَالَ: فَفَعَلْتُ مَا أَمَرَنِي فَقَضَى لِي وَرَدَّ اللَّهُ عَلَيَّ أَرْضِي.

* (صلاة أخرى للحاجة) *

۱۵۴۸- رَوَى زِيَادُ الْقَنْدِيُّ، عَنْ عَبْدِ الرَّحِيمِ الْقَصِيرِ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى

را در همین امسال برسان) یونس گوید: من اینکار را کردم و اندک زمانی نگذشته بود که هلاک شد.

* (نماز دیگری جهت حاجت) *

۱۵۴۷- عُمَرُ بْنُ أُذَيْنَةَ از پیرمردی از آل سعد روایت کرده که گفت: میان من و شخصی از اهل مدینه خصومتی پدید آمد که بسیار پرخطر بود (مثلاً احتمال قتل میرفت) بدینجهت خدمت امام صادق علیه السلام رسیدم و ماجرا را برای آنحضرت ذکر کردم و گفتم: بمن چیزی بیاموزید، باشد که خداوند متعال حق مرا بمن بازگرداند یا داد مرا بستاند و بمن رساند، آنحضرت فرمود: هرگاه قصد هلاک دشمنی داشتی میان قبر و منبر رسول خدا صلی الله علیه و آله دو رکعت یا چهار رکعت نماز کن، و اگر خواستی می توانی در خانه ات نماز کنی (وقتی در مدینه نیستی) و از خداوند درخواست کن که تو را یاری کند، و از آنچه تو را میسر شود چیزی بردار و به اولین مستمندی که به او برخوردی صدقه بده، گوید: من آنچه را امام علیه السلام فرموده بود انجام دادم، پس کارم درست شد یا خداوند چنان کرد که حقدار بودن من آشکار شد و خدا زمین مرا که به زور غصب کرده بودند بمن بازگردانید.

* (نماز دیگری جهت حاجت) *

۱۵۴۸- زِيَادُ الْقَنْدِي از عبد الرحيم قصير روایت کرده که گفت: خدمت

ابن عبد الله عليه السلام قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنِّي اخْتَرَعْتُ دُعَاءً، فَقَالَ: دَعْنِي مِنْ اخْتِرَاعِكَ إِذَا نَزَلَ بِكَ أَمْرٌ فَأَفْرَجْ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَصَلِّ رَكَعَتَيْنِ تَهْدِيَهُمَا إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قُلْتُ: كَيْفَ أَصْنَعُ؟ قَالَ: تَغْتَسِلُ وَتُصَلِّي رَكَعَتَيْنِ تَسْتَفْتِحُ بِهِمَا افْتِتَاحَ الْفَرِيضَةِ أَوْ تَشْهَدُ تَشَهُدَ الْفَرِيضَةِ فَإِذَا فَرَغْتَ مِنَ التَّشْهَدِ وَسَلَّمْتَ قُلْتَ: «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَنِّي السَّلَامَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأُثْنِي عَلَيْهِمَا مَا أُمَلْتُ وَرَجَوْتُ مِنْكَ وَفِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ» ثُمَّ تَخِرُّ سَاجِدًا وَقُولُ:

امام صادق علیه السلام رسیده و عرض کردم: فدایتان کردم من دعائی از خود ساختم، آنحضرت فرمود: برای من دعایت را (یا نوآوریت را) فروگذار و رها کن و دعای ساختگی و باصطلاح من درآوردی خود را عنوان نکن (و یا اینکه دعای جدید ساختن را بمن واگذار). هرگاه مشکلی برایت پیش آمد به رسول خدا صلی الله علیه و آله پناه ببر بدین نحو که دو رکعت نماز کن و آنرا هدیه رسول خدا صلی الله علیه و آله ساز، عرض کردم: چگونه اینکار را انجام دهم؟ فرمود: نخست غسل میکنی آنگاه دو رکعت نماز میخوانی بدین نحو که تکبیرات افتتاح آن را همانند افتتاح نماز واجب میکنی، و تشهد را نیز مانند نماز واجب میخوانی (طولانی و مشتمل بر آداب و اذکار واجب و مستحب، نه کوتاه) و چون از تشهد فارغ گشتی و سلام نماز را گفتی چنین دعایم کنی «اللَّهُمَّ أَنْتَ السَّلَامُ وَمِنْكَ السَّلَامُ وَإِلَيْكَ يَرْجِعُ السَّلَامُ. اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَبَلِّغْ رُوحَ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ عَنِّي السَّلَامَ، وَالسَّلَامُ عَلَيْهِمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ، اللَّهُمَّ إِنَّ هَاتَيْنِ الرَّكَعَتَيْنِ هَدِيَّةٌ مِنِّي إِلَى رَسُولِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَأُثْنِي عَلَيْهِمَا مَا أُمَلْتُ وَرَجَوْتُ مِنْكَ وَفِي رَسُولِكَ يَا وَلِيَّ الْمُؤْمِنِينَ». (یعنی: بار خدایا سلام و سلامت از همه عیب و نقص ها توئی و سلامتی از بدیها و بلاها موهبتی از جانب توست، و سلام بسوی تو بر میگردد، بار خدایا بر محمد و آل او درود و صلوات فرست و از جانب من به روح محمد و آل محمد سلام و درود رسان، و برایشان سلام باد و رحمت و برکات خداوند متعال. بار خدایا این دو رکعت نماز هدیه ای از من به رسول تو است پس مرا پاداش این دو رکعت ثواب عطا فرما آنچه را که آرزو دارم و در مورد

«یا حَیُّ یا قَیُّوْمُ، یا حَیُّ لا یَمُوتُ، یا حَیُّ لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ یا ذَا الْجَلالِ وَالْإِکرامِ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ» اَرْبَعینَ مَرَّةً، ثُمَّ تَضَعُ خَدَّكَ الْأَیْمَنَ عَلَی الْأَرْضِ فَتَقُولُهَا اَرْبَعینَ مَرَّةً، ثُمَّ خَدَّكَ الْأَیْسَرَ فَتَقُولُ ذَلِكَ اَرْبَعینَ مَرَّةً، ثُمَّ تَرْفَعُ رَأْسَكَ وَتَمُدُّ یَدَیْكَ وَتَقُولُ ذَلِكَ اَرْبَعینَ مَرَّةً ثُمَّ تُرَدُّ بِذَلِكَ إلی رَقَبَتِكَ وَتَلُوذُ بِسَبائِیْتِكَ اَرْبَعینَ مَرَّةً، ثُمَّ خُذْ یَحِیْثُکَ یَبِیْتُکَ الْیُسْرَى فَاَبْکُ أَوْتَباکَ وَقُلْ: «یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللَّهِ اشْکُو إلی اللَّهِ وَإِلَیْکَ حاجَتِی وَاشْکُو إلی أَهْلِ بَیْتِکَ الرَّاشِدِینَ حاجَتِی وَبِکُمْ اَتَوَجَّهْ إلی اللَّهِ فی حاجَتِی» ثُمَّ تَسْجُدُ وَتَقُولُ: «یا اللَّهُ یا اللَّهُ - حَتَّى یَنْقَطِعَ نَفْسُکَ - صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِنِی

رسولت آن (شفاعت) را که امید میدارم ای ولی مؤمنان) آنگاه بسجده میروی و چهل بار این دعا را میخوانی: «یا حَیُّ یا قَیُّوْمُ، یا حَیُّ لا یَمُوتُ، یا حَیُّ لا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، یا ذَا الْجَلالِ وَالْإِکرامِ، یا أَرْحَمَ الرَّاحِمِینَ».

یعنی: ای زنده ای که مرگ به ساحت راه ندارد و زوال در وجود تو نیست و همه چیز از تو موجود و بر پا گشته است، ای زنده همیشه جاوید که نیستی و مرگ ندارد، ای زنده که نیست خدائی جز تو، ای صاحب جلال و شکوه که عظمت و اکرام مخصوص تو است ای مهربانترین مهربانان) آنگاه آنگونه راست را بر خاک میگذاری و چهل مرتبه دیگر همان دعا را تکرار میکنی، و بعد گونه چپ را بر خاک نهاده و همان دعا را چهل مرتبه دیگر میخوانی، آنگاه سر خود را بلند میکنی و دستهایت را بر میداری و باز همان دعا را چهل بار میخوانی، آنگاه دست خود را برگردنت نهاده و چهل بار انگشت سیاهات را حرکت میدهی (یعنی بچپ و راست یا بالا و پائین حرکت میدهی) پس محاسنت را با دست چپ بگیر و به گریه پرداز و اگر نتوانستی خود را بحال گریه بدار و این دعا را بخوان: «یا مُحَمَّدُ یا رَسُولَ اللَّهِ اشْکُو إلی اللَّهِ وَإِلَیْکَ حاجَتِی، وَاشْکُو إلی أَهْلِ بَیْتِکَ الرَّاشِدِینَ حاجَتِی، وَبِکُمْ اَتَوَجَّهْ إلی اللَّهِ فی حاجَتِی» (یعنی ای محمد ای فرستاده خدا من حاجتم را بخدا و به تو شکوه میکنم، و نیز حاجتم را به اهل بیت تو که هدایت کنندگان براه راست اند شکوه می برم، و به آبروی و شفاعت شما به خداوند روی میآورم و حاجت خود را می طلبم) آنگاه بسجده میروی و میگوئی: «یا اللَّهُ، یا اللَّهُ - آنقدر تکرار میکنی تا نفس تمام

— کذا وكذا» قال أبو عبد الله عليه السلام: أنا الصائم على الله عز وجل أن لا يتبرح حتى تقضى حاجته».

(صلاة أخرى للحاجة)

قال أبي — رضي الله عنه — في رسالته إلي: إذا كانت لك يا بني إلى الله عز وجل حاجة فقم ثلاثة أيام الأربعاء والخميس والجمعة فإذا كان يوم الجمعة فابترز إلى الله تعالى قبل الزوال وأنت على غسل وصل ركعتين تقرأ في كل ركعة مئتما الحمد وخمس عشرة مرة قل هو الله أحد فإذا ركعت قرأتها عشراً، فإذا رفعت رأسك من الركوع قرأتها عشراً، فإذا سجدت قرأتها عشراً، فإذا رفعت رأسك من السجود قرأتها عشراً، فإذا سجدت ثانية قرأتها عشراً، فإذا رفعت رأسك من السجود الثانية

شود و میگوئی — صلّ علی محمد و آل محمد — یعنی بر محمد و آل او صلوات فرست و یا من چنین و چنان کن (بجای چنین و چنان دعا و حاجت را میگوئی) امام صادق علیه السلام اضافه فرمود: چنانچه شخص باین ترتیب عمل نماید من نزد خداوند عز و جل ضامنم که از جای خود حرکت نکرده باشد مگر آنکه حاجتش برآورده شده باشد (بعبارت دیگر آنقدر سریع به اجابت میرسد که شخص هنوز از جای خود بلند نشده حاجتش برآورده شده است).

(نماز دیگری برای حاجت)

① پدرم — که خداوند از او خشنود باد — در رساله اش که برایم فرستاده گوید: فرزندم هرگاه تو را در پیشگاه خداوند عز و جل حاجتی باشد برای به اجابت رسیدن آن سه روز یعنی چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه را روزه بگیر، و چون روز جمعه فرارسید در حالیکه غسل کرده باشی (که ظاهراً غسل جمعه کافی باشد یا بقصد هر دو بکند، و اگر دو غسل کند یعنی حاجت و جمعه نور علی نور باشد بنا بر آنچه بعضی از علماء — رحمهم الله — فرموده اند) پیش از زوال روز جمعه بصحرا (یا مکان باز و زیر آسمان) برای نماز بدرگاه خداوند تعالی بیرون رو، و دو رکعت نماز کن، که در هر رکعت الحمد و پانزده بار سوره «قل هو الله» را میخوانی، و چون برکوع رفتی ده نوبت دیگر میخوانی، و چون سر از رکوع برداشتی ده بار دیگر، و وقتی بسجده رفتی ده مرتبه

قَرَأْتُهَا عَشْرًا ثُمَّ نَهَضْتُ إِلَى الثَّانِيَةِ بِغَيْرِ تَكْبِيرٍ وَصَلَّيْتُهَا مِثْلَ مَا وَصَفْتُ لَكَ، وَاقُتْتُ فِي الثَّانِيَةِ قَبْلَ الرُّكُوعِ وَبَعْدَ الْقِرَاءَةِ.

فَإِذَا تَفَضَّلَ اللَّهُ عَلَيْكَ بِقَضَاءِ حَاجَتِكَ فَصَلِّ رُكْعَتِي الشُّكْرِ تَقْرَأُ فِي الْأُولَى الْحَمْدَ وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَفِي الثَّانِيَةِ الْحَمْدُ وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَتَقُولُ فِي الرُّكْعَةِ الْأُولَى فِي رُكُوعِكَ الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا وَفِي سُجُودِكَ شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا وَتَقُولُ فِي الرُّكْعَةِ الثَّانِيَةِ فِي الرُّكُوعِ وَالسُّجُودِ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى حَاجَتِي وَأَعْطَانِي مَسْأَلَتِي».

«(صَلَاةٌ أُخْرَى لِلْحَاجَةِ)»

۱۵۴۹- في كتاب محمد بن أحمد بن يحيى بن عمران الأشعري عن

إبراهيم بن هاشم، عن محمد بن سنان يرفعه إلى أبي عبد الله عليه السلام «في الرجل

دیگر «قل هو الله» و چون سر برداشتی ده بار دیگر همان سوره را میخوانی، و چون بسجده دوم رفتی باز ده بار، و وقتی سر از سجده برداشتی ده بار دیگر همان سوره را میخوانی، آنگاه برای رکعت دوم نماز بر میخیزی بدون گفتن تکبیر، و همانند رکعت اول رفتار میکنی، و قنوت را در رکعت دوم پس از قرائت و پیش از رکوع (همانند سایر نمازها) بخوان.

و چون خداوند تبارک و تعالی با بر آوردن حاجتت بر تو تفضل فرمود، دو رکعت نماز شکر بجا آور، بدین نحو که در رکعت اول الحمد و سوره «قل هو الله» و در رکعت دوم الحمد و سوره «قل يا ايها الكافرون» را میخوانی، و نیز در رکعت اول در رکوعت میگوئی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ شُكْرًا» یعنی حمد میکنم خداوند تعالی را بمنظور شکرگزاری، و در سجود میگوئی: «شُكْرًا لِلَّهِ وَحَمْدًا» و در رکعت دوم در رکوع و سجودت این دعا را میخوانی: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى حَاجَتِي وَ أَعْطَانِي مَسْأَلَتِي» (یعنی جمیع محامد مخصوص خداوند است پیاس آنکه حاجت مرا برآورد و خواسته مرا بمن عطا فرمود).

«(نماز دیگری برای حاجت)»

۱۵۴۹- در کتاب محمد بن احمد بن یحیی بن عمران اشعری بنقل از

ابراهیم بن هاشم، و او از محمد بن سنان که واسطه نقل را از امام صادق علیه السلام

يَخْرُجُهُ الْأَمْرُ وَيُرِيدُ الْحَاجَّةَ قَالَ: بُصِّلِي رَكَعَتَيْنِ وَيَقْرَأُ فِي إِحْدَيْهِمَا قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدُ أَلْفَ مَرَّةٍ، وَفِي الْأُخْرَى مَرَّةً ثُمَّ يَسْأَلُ حَاجَّتَهُ».

وَقَدْ أَخْرَجْتُ مَا رَوَيْتُهُ مِنْ صَلَوَاتِ الْحَوَائِجِ فِي كِتَابِ ذِكْرِ الصَّلَوَاتِ الَّتِي هِيَ سِتُّونَ الْخَمْسِينَ».

* (بَابُ صَلَاةِ الْإِسْتِخَارَةِ) *

۱۵۵۰ - رَوَى هَارُونُ بْنُ خَارِجَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ أَمْرًا قَلَا يُشَاوِرُ فِيهِ أَحَدًا مِنَ النَّاسِ حَتَّى يَتَذَاقِفُ شَاوِرَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى، قَالَ: قُلْتُ: وَمَا مُشَاوَرَةُ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى جُعِلَتْ قِدَاكُ؟ قَالَ: يَتَذَاقِفُ شَاوِرَ اللَّهِ فِيهِ أَوَّلًا ثُمَّ يُشَاوِرُ فِيهِ فَإِنَّهُ إِذَا بَدَأَ بِاللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَجْرَى لَهُ الْخَيْرَ عَلَى لِسَانِ مَنْ يَشَاءُ

میرساند، چنین آمده است که آنحضرت در مورد شخصی که مشکلی او را اندوهگین ساخته و حاجتی دارد فرمود: دو رکعت نماز میکند باین ترتیب که در رکعت اول (پس از حمد) هزار بار سوره «قل هو الله احد» را میخواند، و در رکعت دوم یک مرتبه همان سوره را میخواند آنگاه از خداوند حاجت خود را میخواهد.

آنچه از نمازهای حاجت که روایش بن رسیده در کتابی که بهمین عنوان تصنیف کرده ام غیر از پنجاه رکعت (یعنی نمازهای واجب و مستحب یومیه) همه را در آن کتاب ذکر کرده ام.

* (بَابُ نَمَازِ اسْتِخَارَةِ) *

۱۵۵۰. (۱) هَارُونُ بْنُ خَارِجَةَ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هرگاه یکی از شما (شیعیان) بخواهد کار مهمی (که نیاز به مشاوره دارد) انجام دهد، در اینصورت با هیچیک از مردم درباره آن مشورت و نظرخواهی نکند، تا نخست با خداوند تبارک و تعالی مشاوره نماید. راوی گوید: عرض کردم: فدایتان کردم مشاوره با خداوند تبارک و تعالی دیگر چیست؟! فرمود: نخست از خداوند متعال درخواست میکند که خیر او را در آن کار پیش آورد و کارش را درست کند (یا کلمه «اَسْتَخِيرُ اللَّهَ») را بگوید و اگر «بِرَحْمَتِهِ» را نیز اضافه کند بهتر است) آنگاه با دیگران به مشاوره پردازد، و هرگاه شخص با مشاوره خداوند تبارک

مِنَ الْخَلْقِ».

۱۵۵۱- وَ رَوَى مُرَازِمٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا أَرَادَ أَحَدُكُمْ شَيْئاً فَلْيُصَلِّ رَكْعَتَيْنِ ثُمَّ لِيَحْمِدِ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ وَلِيُسَبِّحَ عَلَيْهِ وَ لِيُصَلِّ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَ يَقُولَ: «اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ فَيَسِّرْهُ لِي وَ قُدِّرْهُ لِي وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي» قَالَ مُرَازِمٌ: فَسَأَلْتُ أَيُّ شَيْءٍ يُقْرَأُ فِيهَا، فَقَالَ: اقْرَأُ فِيهَا مَا شِئْتَ، إِنْ شِئْتَ قَافِرًا فِيهَا بِقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ، وَقُلْ يَا أَيُّهَا الْكَافِرُونَ، وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ تَعْدِلُ ثَلَاثَ الْقُرْآنِ».

۱۵۵۲- وَ سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ الْقُسْرِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الْإِسْتِخَارَةِ فَقَالَ: إِسْتَخِرِ اللَّهَ فِي آخِرِ رَكْعَتِهِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَأَنْتَ سَاجِدٌ مِائَةَ مَرَّةً وَ مَرَّةً، قَالَ: كَيْفَ أَقُولُ قَالَ: تَقُولُ: أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ، أَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ».

و تعالی کارش را آغاز کند، خداوند نیز خیر او را بر زبان هر یک از مردم که طرف مشورت او قرار گیرد جاری خواهد ساخت.

۱۵۵۱- و مرآزم از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هرگاه یکی از شما بخواهد کار مهمی انجام دهد باید دو رکعت نماز کند آنگاه حمد و ثنای خداوند عز و جل بجا آورد و بر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله صلوات فرستد و بعد این دعا را بخواند: «اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ هَذَا الْأَمْرُ خَيْرًا لِي فِي دِينِي وَ دُنْيَايَ فَيَسِّرْهُ لِي وَ قُدِّرْهُ لِي، وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَاصْرِفْهُ عَنِّي» (یعنی: بار خدا یا اگر این کار خیر دین و دنیای مرا در بردارد، پس انجام آن را برایم میسر و مقدر فرما، و اگر چنین نیست، پس آنرا از من برگردان و دور ساز) مرآزم گوید: از آنحضرت پرسیدم در آن دو رکعت چه میخوانند؟ فرمود: هر چه میخواهی بخوان، اگر خواستی «قل هو الله أحد»، و «قل یا ایها الکافرون» در آن دو رکعت بخوان. ولی «قل هو الله أحد» مُعَادِلِ یک سوّم قرآن است.

۱۵۵۲- محمد بن خالد قسری از امام صادق علیه السلام درباره استخاره سؤال کرد، آنحضرت فرمود: در رکعت آخر نماز شب (رکعت هشتم یا یازدهم) در حالیکه سر بر سجده نهاده ای صد و یک بار از خداوند استخاره کن (یا خیر خود را

۱۵۵۳- و رَوَى حَمَادُ بْنُ عُثْمَانَ النَّابُ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ فِي الاسْتِخَارَةِ: «أَنْ يَسْتَخِيرَ اللَّهُ الرَّجُلُ فِي آخِرِ سَجْدَةٍ مِنْ رَكَعَتَيِ الْفَجْرِ مِائَةَ مَرَّةً وَمَرَّةً، وَيَحْمَدَ اللَّهَ وَيُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ، ثُمَّ يَسْتَخِيرَ اللَّهَ خَمْسِينَ مَرَّةً، ثُمَّ يَحْمَدَ اللَّهَ وَيُصَلِّيَ عَلَى النَّبِيِّ وَآلِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَيُسَمِّيَ الْمِائَةَ وَالْوَاحِدَةَ».

۱۵۵۴- و رَوَى حَمَادُ بْنُ عِيسَى، عَنْ نَاجِيَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «كَانَ إِذَا أَرَادَ شِرَاءَ الْعَبْدِ أَوْ الذَّابِئَةِ أَوْ الْحَاجَةَ الْخَفِيفَةَ أَوْ الشَّيْءَ الْيَسِيرَ اسْتَخَارَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فِيهِ سَبْعَ مَرَّاتٍ، فَإِذَا كَانَ أَمْرًا جَسِيمًا اسْتَخَارَ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةً».

۱۵۵۵- و رَوَى مُعَاوِيَةُ بْنُ مَيْسَرَةَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَا اسْتَخَارَ اللَّهَ عَبْدٌ سَبْعِينَ مَرَّةً بِهَذِهِ الاسْتِخَارَةِ إِلَّا رَمَاهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ بِالْخَيْرِ يَقُولُ: «يَا أَبْصَرَ

درخواست کن) پرمسبد: چگونه یا با چه لفظی بگویم؟ فرمود: میگوئی: «اَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ، اَسْتَخِيرُ اللَّهَ بِرَحْمَتِهِ».

(۱) ۱۵۵۳- و حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت در مورد استخاره فرمود: ترتیب آن چنین است که شخص در سجده آخر دو رکعت نافله صبح صد و یک بار «اَسْتَخِيرُ اللَّهَ» بگوید، و حمد خدای متعال بخواند و صلوات بر پیامبر اکرم و آل او فرستد، آنگاه پنجاه بار لفظ استخاره از خداوند را بگوید، سپس حمد خداوند بخواند و صلوات بر پیغمبر و آل او صلی الله علیه و آله فرستد و صد و یکبار استخاره را تمام کند (یعنی ترتیب آن صد و یک بار چنین است که در دو نوبت یکبار پنجاه مرتبه و پس از حمد و صلوات پنجاه یکبار دیگر بگوید تا کامل شود).

(۲) ۱۵۵۴- و حماد بن عیسی از ناجیه و او از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت هرگاه قصد داشت بنده یا چهار پائی بخرد یا کار ساده یا حاجت مبکی داشت هفت بار استخاره میکرد یعنی اَسْتَخِيرُ اللَّهَ می گفت و از خداوند عز و جل طلب خیر مینمود، و هرگاه کار مهم و بزرگی داشت لفظ «اَسْتَخِيرُ اللَّهَ» (طلب خیر از خداوند متعال را) صد مرتبه میفرمود.

(۳) ۱۵۵۵- و معاویه بن میسره از امام صادق علیه السلام روایت کرده که

النَّاطِرِينَ وَيَا أَسْمَعَ السَّامِعِينَ، وَيَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَيَا أَهْكَمَ
الْحَاكِمِينَ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ وَخِرْ لِي فِي — كَذَا وَكَذَا».

وَقَالَ أَبِي — رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ — فِي رِسَالَتِهِ إِلَيَّ: إِذَا أَرَدْتَ يَا بُنَيَّ أَمْرًا فَصَلِّ
رَكْعَتَيْنِ وَاسْتَخِرِ اللَّهَ مِائَةَ مَرَّةٍ وَمَرَّةً قَدْ عَزَمَ لَكَ فَافْعَلْ، وَقُلْ فِي دُعَايِكَ: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، رَبِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ
وَخِرْ لِي فِي — كَذَا وَكَذَا — لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ».

آنحضرت فرمود: هیچ بنده ای نیست که باین استخاره هفتاد مرتبه از خداوند طلب
خیر کرده باشد مگر اینکه خداوند عز و جل او را خیر رساند و آن چنین است که
میگوید:

«يَا أَبْصَرَ النَّاطِرِينَ — يَا آخِرَ دُعَايَ مَن — كَذَا وَ كَذَا» .

یعنی: ای بیناترین نظرکنندگان، و ای شنواترین شنوایان، و ای سریعترین
حسابخواهانان، و ای مهربانترین مهربانان، و ای صحیح حکمترین حکمکنندگان
بر محمد و خاندان او درود فرست، و خیر مرا در این کار — و کارش را بگوید — پیش
آور و مقدر فرما.

و پدرم — رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ — در رساله ای که برایم فرستاده گوید: فرزندم هرگاه
خواستی کاری انجام دهی دو رکعت نماز بخوان و صد و یک بار استخیر الله بگو، پس
هر چه در خاطرت قرار گرفت به آن عمل کن و در دعایت بگو: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ
الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ، رَبِّ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِهِ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ
آلِهِ، وَخِرْ لِي فِي — كَذَا وَ كَذَا — لِلدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ خَيْرَةً فِي عَافِيَةٍ» (یعنی: هیچ خدائی
نیست مگر خداوند حلیم و کریم، نیست خدائی جز آن خداوند بلند مرتبه بزرگ و با
عظمت، پروردگار من بحق محمد و آل او بر محمد و آلش درود فرست، و خیر مرا در
فلان کار — که حاجت شخص است — خیر دنیا و آخرت، خیری که در عافیت
باشد مقدر فرما.

باب

* (ثَوَابِ الصَّلَاةِ الَّتِي يُسَمِّيهَا النَّاسُ صَلَاةَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ) *

* (وَيُسَمُّونَهَا أَيْضاً صَلَاةَ الْآوَابِينَ) *

۱۵۵۶ - رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ تَوَضَّأَ فَاسْتَبْعَ الْوُضُوءَ، وَافْتَتَحَ الصَّلَاةَ قَضَى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ يَفْصِلُ بَيْنَهُنَّ بِتَسْلِيمَةٍ، يَقْرَأُ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ فَاتِحَةَ الْكِتَابِ [مَرَّةً]، وَقُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ خَمْسِينَ مَرَّةً انْقَطَلَ حِينَ يَنْقُضُ وَلَا يَسْ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَنْبٌ إِلَّا غُفِرَ لَهُ».

۱۵۵۷ - وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ الْعِشَاشِيُّ - رَحِمَهُ اللَّهُ - فَقَدْ رَوَى فِي كِتَابِهِ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ السَّمَالِ، عَنْ ابْنِ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ صَلَّى أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ فَقَرَأَ فِي كُلِّ رُكْعَةٍ بِخَمْسِينَ مَرَّةً قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ كَانَتْ صَلَاةَ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ وَهِيَ صَلَاةُ

* (بَابِ ثَوَابِ نَمَازِ مَشْهُورِ بِهِ نَمَازِ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ يَا نَمَازِ آوَابِينَ) *

(توضیح: این نماز بین اصحاب و شیعیان به نماز امیرالمؤمنین علیه السلام مشهور است چنانکه در روایت مفصل آمده است - بنقل از والد معظم - مُدَّ ظِلُّهُ - ذیل عنوان باب).

① ۱۵۵۶ - عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هر کس وضو بسازد، و وضو را با رعایت آداب و کامل بسازد، و آغاز نماز کند، و چهار رکعت نماز گزارد، و در میانه (هر دو رکعت) سلام دهد، و در هر رکعت [یکبار] الحمد و پنجاه مرتبه سوره «قُلَّ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند از نماز فارغ شود در حالیکه میان او و خداوند عزَّ و جلَّ گناهی نمانده باشد مگر اینکه همه آمرزیده شده باشد.

② ۱۵۵۷ - وَأَمَّا مُحَمَّدُ بْنُ مَسْعُودٍ عِشَاشِيٌّ - رَحِمَهُ اللَّهُ - در کتاب خود روایت کرده است از عبدالله بن محمد، و او با چند واسطه از هشام بن سالم، و او از امام صادق علیه السلام که فرمود: هر کس چهار رکعت نماز کند، و در هر رکعت (پس از حمد) پنجاه بار سوره توحید را بخواند، این نماز، نماز فاطمه زهرا علیهما السلام است، و

الأوابين».

وكان شيخنا محمد بن الحسن بن الوليد - رضي الله عنه - يروي هذه الصلاة وثوابها إلا أنه كان يقول: إني لأعرفها بصلاة فاطمة عليها السلام، وأما أهل الكوفة فإنهم يعرفونها بصلاة فاطمة عليها السلام.

وقد روى هذه الصلاة وثوابها أبو بصير عن أبي عبد الله عليه السلام.

باب

*** (نواب صلاة ركعتين بمائة وعشرين مرة قل هو الله أحد) ***

۱۵۵۸ - في رواية ابن أبي عمير عن الصادق عليه السلام قال: «مَنْ صَلَّى رَكَعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ يَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ فِي كُلِّ رَكَعَةٍ سِتِينَ مَرَّةً انْقَلَبَ وَلَيْسَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذَنْبٌ».

همین نماز توبه کنندگان است (یعنی همین نماز بمنزله توبه باشد برای آمرزش گناهان). و استاد ما محمد بن حسن بن ولید - رضی الله عنه - همین نماز و ثوابش را روایت میکرد با این تفاوت که میفرمود: البته من این نماز را بعنوان نماز فاطمه زهرا علیها السلام نمی شناسم، و اما اهل کوفه آنان این نماز را نماز فاطمه علیها السلام میدانند.

این نماز و ثوابش را أبو بصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.

باب

*** (در بیان ثواب دو رکعت نمازی که صد و بیست بار) ***

*** (قل هو الله أحد در آن بخوانند) ***

۱۵۵۸ - در روایت محمد بن ابی عمیر از امام صادق علیه السلام نقل شده که آنحضرت فرمود: هر کس دو رکعت نماز سبک بخواند و در هر رکعت شصت بار سوره «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» را بخواند، از نماز فارغ شود در حالیکه هیچ گناهی میان او و خداوند باقی نمانده باشد. (یعنی همه گناهانش جز حقوق مردم بدان نماز آمرزیده شده باشد).

باب

* (ثَوَابُ التَّفَلُّ فِي سَاعَةِ الْغَفْلَةِ) *

۱۵۵۹ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «تَتَقَلَّوْا فِي سَاعَةِ الْغَفْلَةِ وَلَوْ بِرَكَعَتَيْنِ خَفِيفَتَيْنِ فَإِنَّهُمَا ثَوْرَانِ دَارِ الْكَرَامَةِ».

۱۵۶۰ - وَفِي آخِرِ «دَارِ السَّلَامِ» رَهِي الْجَنَّةُ، وَسَاعَةُ الْغَفْلَةِ بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ.

باب

* (ثَوَابُ الصَّلَاةِ) *

۱۵۶۱ - رَوَى بُكَيْرُ بْنُ أَعْيَنَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصُّحُفُ لَقَدْ».

۱۵۶۲ - وَرَوَى عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنُ الْمُخْتَارِ الْأَنْصَارِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

باب

* (دَرْيَانِ ثَوَابِ نَافِلَةِ دَرِ سَاعَتِ غَفْلَتِ) *

① ۱۵۵۹ - رَسُولُ خُدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ فَرَمُود: نَافِلَه بِخَوَانِید دَرِ سَاعَتِ غَفْلَتِ وَلَوْ دُو رَكَعَتِ نَمَازِ سَبَكِ بَاشَد، بِرَاسَتِی كِه هَمِین دُو رَكَعَتِ دَارِ الْكَرَامَةِ رَا نَصِیب مِیكُنَد (بَا سَبَبِ دُخُولِ بَه دَارِ الْكَرَامَةِ مِی شُود).

② ۱۵۶۰ - وَ دَرِ خَبَرِ دِیگَرِی آمَدَه كِه سَبَبِ دُخُولِ بَه «دَارِ السَّلَامِ» مِی شُود، كِه هَمَانِ بِهَشْتِ اسْت، وَ سَاعَتِ غَفْلَتِ زَمَانِ بَیْنِ مَغْرِبِ وَ عِشَاءِ اسْت.

باب

* (دَرْيَانِ احَادِیثِ نَادِرِه مَرْبُوطِ بَه نَمَازِهَا) *

③ ۱۵۶۱ - بِكَيْرِ بْنِ أَعْيَنَ عَنْ إِمَامِ بَاقِرِ عَلَیْهِ السَّلَامُ رَوَايَتِ كَرْدَه كِه فَرَمُود: رَسُولُ خُدا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ هَرْ كَرَزِ نَمَازِ چَاشْتِ (الصُّحُفِ) نَكْرَد.

شرح: «عَامَه نَمَازِی رَا بِنَامِ صَلَاةِ الْفُحُفِ ذَكْرِ مِیكُنند كِه دَرِ هَنگَامِ بَا لَا آمَدَن رُوزِ بَجَا مِی آوَرَنَد وَ دَرِ مَذْهَبِ اِمَامِیَّه آنِ يَدْعَتِ اسْت».

④ ۱۵۶۲ - عَبْدُ الْوَاحِدِ بْنِ مُخْتَارِ أَنْصَارِي عَنْ إِمَامِ مُحَمَّدِ بَاقِرِ عَلَیْهِ السَّلَامِ رَوَايَتِ

قال: سَأَلْتُهُ عَنْ صَلَاةِ الصُّحَى فَقَالَ: أَوَّلُ مَنْ صَلَّاهَا قَوْمُكَ، إِنَّهُمْ كَانُوا مِنَ الْغَافِلِينَ فَيُصَلُّونَهَا وَلَمْ يُصَلِّيَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَالَ: إِنَّ عَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ مَرَّ عَلَى رَجُلٍ وَهُوَ يُصَلِّيَهَا فَقَالَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا هَذِهِ الصَّلَاةُ؟ فَقَالَ: أَذْعُهَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَكُونُ أَنَّهُى عَبْدًا إِذَا صَلَّى».

۱۵۶۳- وَرَوَى زُرَّارَةُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَا صَلَّى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الصُّحَى قَطُّ، قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: أَلَمْ تُخَيِّرْنِي أَنَّهُ كَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُصَلِّي فِي صَدْرِ النَّهَارِ أَرْبَعَ رَكَعَاتٍ؟ قَالَ: بَلَى إِنَّهُ كَانَ يَجْعَلُهَا مِنَ السَّحَابِ الَّتِي بَعْدَ الظُّهْرِ».

۱۵۶۴- وَسَأَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الصَّلَاةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ: ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً بِهَا الْوُتْرُ، وَرَكْعَتَانِ قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ، كَذَلِكَ

کرده گوید: از آنحضرت درباره نماز چاشت سؤال کردم، فرمود: نخستین جمعی که نماز چاشت کردند قوم نوبودند (که ابوهیریه و پیروان او باشند) و ایشان از گمراهان و بیخبران بودند که آن نماز را خواندند در حالیکه رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز آن نماز را نیاورد. و نیز فرمود: همانا امیرالمؤمنین علیه السلام بر شخصی گذر کرد که نماز چاشت میخواند، پس علی علیه السلام پرسید: این چه نمازی است؟ آن شخص گفت: یا امیرالمؤمنین آیا رها کنم این نماز را؟ آنحضرت فرمود: آیا بنده ای را که نماز میگزارد من نمی میکنم؟ (یعنی اگر نماز تو صحیح بود که ممکن نبود من بنده در حال نماز را از نماز نمیکنم).

① ۱۵۶۳- زُرَّارَةُ از امام باقر علیه السلام روایت کرده که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله هرگز نماز چاشت نکرد، گوید: عرض کردم: آیا مگر شما بمن نفرمودید که آنحضرت در ابتدای روز یعنی هنگام چاشت چهار رکعت نماز میکرد؟ فرمود: آری، ولی آنحضرت بعنوان چاشت نماز نمیکرد بلکه گاهی که شغل یا مانعی پیش میآمد چهار رکعت نافله میکرد از هشت رکعت بعد از ظهر.

② ۱۵۶۴- وَ عَبْدِ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ از امام صادق علیه السلام درباره نماز نافله ماه مبارک رمضان سؤال کرد. آنحضرت فرمود: سیزده رکعت است که هشت رکعت از آنها نافله شب و سه رکعت وتر، و دو رکعت نافله صبح که پیش از نماز صبح است.

كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي وَلَوْ كَانَ فَضْلًا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَعْمَلَ بِهِ وَأَحَقُّ.

۱۵۶۵- وَسَأَلَهُ عُقْبَةُ بْنُ خَالِدٍ «عَنْ رَجُلٍ دَعَاهُ رَجُلٌ وَهُوَ يُصَلِّي فَسَهَا فَأَجَابَهُ بِحَاجَتِهِ كَيْفَ يَضَعُ؟ قَالَ: يَنْتَضِي عَلَى صَلَاتِهِ».

۱۵۶۶- وَرَوَى عِمْرَانُ الْحَلَبِيُّ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ «يَنْتَبِغِي تَخْفِيفُ الصَّلَاةِ مِنْ أَجْلِ الشَّهْرِ».

۱۵۶۷- وَرَوَى سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ «يَجُوزُ صَدَقَةُ الْغَلَامِ، وَعِثْقَةُ وَيَوْمُ الثَّانِي إِذَا كَانَ لَهُ عَشْرُ سِنِينَ».

رسول خدا صلی الله علیه وآله چنین نماز میکرد، و اگر فضیلتی می بود (در نماز تراویح) رسول خدا صلی الله علیه وآله پیش از دیگران بدان عمل میفرمود، و از هر کس دیگر سزاوارتر بود.

(۱) ۱۵۶۵- و عقبة بن خالد از آنحضرت (امام صادق علیه السلام) سؤال کرد: در مورد شخصی که مشغول نماز است و دیگری او را صدا میزند و میخواند، و او از روی سهو جوابش را میدهد، در اینصورت تکلیف او چیست و چه کند؟ آنحضرت فرمود: نمازش را ادامه میدهد و تمام میکند (یعنی کلامی که سهواً گفته شود نماز را باطل نمی کند).

(۲) ۱۵۶۶- و عمران بن حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که فرمود: (کسی که فراموشکار است) شایسته آنست که بمنظور دچار نشدن و پیشگیری از وقوع سهو، نماز را سبک گزارد (و طولانی نکند).

(۳) ۱۵۶۷- و سماعة بن مهران از آنحضرت روایت کرده است که فرمود: جایز است صدقه دادن پسر بچه نوباوه و بنده آزاد کردن او، و امامت (پیشنمازی) کردن جهت مردم، هرگاه پسر بچه ده ساله باشد. (در مورد تصدق و عتق اخبار بسیار است، ولی در مورد امامت همانگونه که قبلاً احادیث مربوط به آن گذشت پسر بچه امامت نمیتواند کرد مگر حمل شود بر امامت برای اطفال. باین ترتیب مفاد این خبر با اخباری که بلوغ را شرط لازم امامت میدانند، معارض است.

۱۵۶۸- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا صَلَّيْتَ مَعَهُمْ غُفِرَ لَكَ بَعْدَ مَنْ خَالَفَكَ».

۱۵۶۹- وَرَوَى عَنْهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا صَلَّيْتَ فَصَلِّ فِي نَعْلَيْكَ إِذَا كَانَتْ طَاهِرَةً فَإِنَّ ذَلِكَ مِنَ السُّتَةِ».

۱۵۷۰- وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا صَلَّيْتَ فِي السَّفَرِ شَيْئاً مِنَ الصَّلَوَاتِ فِي غَيْرِ وَقْتِهَا فَلَا يَصُرُّكَ».

۱۵۷۱- وَرَوَى عَنْ عَائِذِ الْأَحْمَسِيِّ أَنَّهُ قَالَ: «دَخَلْتُ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَأَنَا أُرِيدُ أَنْ أَسْأَلَهُ عَنِ الصَّلَاةِ، فَأَبْتَدَأَنِي مِنْ غَيْرِ أَنْ أَسْأَلَهُ، فَقَالَ: «إِذَا لَقِيتَ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ بِالصَّلَوَاتِ الْخَمْسِ الْمَفْرُوضَاتِ لَمْ يَسْأَلْكَ عَمَّا يَسْأَلُ ذَلِكَ».

۱۵۷۲- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْمُؤْمِنُ مُعَقَّبٌ مَا دَامَ عَلَى وُضُوءٍ».

- (۱) ۱۵۶۸- امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه با اهل تسنن و جماعت (یا مخالفان شیعه امامیه، و از روی تقیه یا به هیچ مدارا) نماز کنی، خداوند بعد از افرادی که مخالف مذهب تو هستند گناهانت را میآمرزد. (ابن حجر عسقلانی گذشت).
- (۲) ۱۵۶۹- و عبد الرحمن بن ابی عبدالله از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هرگاه خواستی نماز کنی در نعلین عرقی نماز کن مشروط بر اینکه پاک باشد که اینکار از سننهای رسول خدا صلی الله علیه و آله است.
- (۳) ۱۵۷۰- و حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده که آنحضرت فرمود: هرگاه در سفر بعضی از نمازها را در غیر وقت فضیلت بخوانی تو را زیانی ندارد.
- (۴) ۱۵۷۱- از عائد احمسی روایت کرده اند که گفت: بر امام صادق علیه السلام وارد شدم و میخواسم از آنحضرت درباره نماز سؤالاتی کنم. پیش از آنکه چیزی از آنحضرت بپرسم، ایشان خود سخن آغاز کرد و بمن فرمود: هرگاه خداوند عز و جل را ملاقات کنی در - «یکه نمازهای پنجگانه فریضه را تماماً بجا آورده باشی. نمازهای دیگر را از تو سؤال نخواهند کرد (یا برای نمازهای مستحبی تو را مواخذه نخواهند کرد).

(۵) ۱۵۷۲- امام صادق علیه السلام فرمود: مؤمن مادام که وضوء دارد، در

۱۵۷۳- وَ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ قَالَ: «قُلْتُ لَهُ: أَخْبِرْنِي عَنْ رَجُلٍ عَلَيْهِ مِنْ صَلَاةِ التَّوَاتُلِ مَا لَا يَذَرِي مَا هُوَ مِنْ كَثَرَتِهَا كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: فَلْيَصِلْ حَتَّى لَا يَذَرِي كَمْ صَلَّى مِنْ كَثَرَتِهَا، فَيَكُونَ قَدْ قَضَى بِقَدَرِ مَا عَلِمَهُ مِنْ ذَلِكَ ثُمَّ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْقَضَاءِ، فَقَالَ: إِنْ كَانَ شُغْلُهُ فِي ظَلَبٍ مَبِيشَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا أَوْ حَاجَةٍ لِأَخٍ مُؤْمِنٍ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ شُغْلُهُ لِيَجْمَعَ الدُّنْيَا وَالتَّشَاغُلَ بِهَا عَنْ الصَّلَاةِ فَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ وَإِلَّا لَقِيَ اللَّهَ وَهُوَ مُسْتَحِفٌّ مُتَهَاوِنٌ مُضَيِّعٌ لِحُرْمَةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، قُلْتُ: فَإِنَّهُ لَا يَقْدِرُ عَلَى الْقَضَاءِ فَهَلْ يَجْزِي أَنْ يَتَصَدَّقَ؟ فَسَكَتَ مَلِيًّا، ثُمَّ قَالَ: يَقْدِرُ طَوَّلَهُ وَأَذْنَى ذَلِكَ مُدٌّ لِكُلِّ مُسْكِينٍ مَكَانَ كُلِّ صَلَاةٍ، قُلْتُ: وَكَمْ

حال انجام تعقیبات نماز محسوب می شود و اجر دارد.

① ۱۵۷۳- عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام روایت کرده گوید: آنحضرت عرض کردم: بمن بفرمائید در موردی که شخص نماز نافله (قضا شده) بر عهده دارد چندانکه از شدت زیادتی، مقدار و تعداد آنها را نمیداند، با این ترتیب چه باید بکند؟ فرمود: باید چندان نماز کند تا جائیکه از بسیاری آنها نداند چقدر نماز کرده است. تا مقداری که قضا کرده با آنچه در علم سابقش بوده برابر شود، سپس گوید: به آنحضرت عرض کردم: او قادر به قضا کردن اینهمه نیست، چه کند؟ فرمود: اگر شغل و گرفتاری او (که موجب ترک نافله شده) برای کسب روزی بوده که ناگزیر از انجام آن بوده یا در جهت برآوردن حاجت برادر مؤمنی بوده، در این صورت قضای آنها بر عهده او نیست. و اگر اشتغال او برای جمع مال و زیادهای دنیائی بوده و او را از ادای نافله بازداشته باشد، قضای همه آنها بر عهده اوست و گرنه روز قیامت در پیشگاه خداوند در حالی ظاهر شود که نماز را کوچک شمرده و در انجام آن سستی ورزیده و حرمت رسول خدا صلی الله علیه و آله را زیر پا نهاده و تباه ساخته است (یا بنا بر نقل دیگری سنت رسول خدا صلی الله علیه و آله را ضایع و تباه ساخته است). راوی گوید: عرض کردم: برآستی او قادر به قضا کردن آنها نیست آیا می تواند بعوض آن صدقه دهد؟ آنحضرت متقی طولانی خاموش و متفکر ماند، آنگاه فرمود: پس باید تصدق کند و صدقه بدهد، عرض کردم: چقدر تصدق کند

الصَّلَاةُ الَّتِي يَجِبُ فِيهَا مُدٌّ لِكُلِّ مُسْكِينٍ؟ قَالَ: لِكُلِّ رَكْعَتَيْنِ مِنْ صَلَاةِ اللَّيْلِ مُدٌّ
وَلِكُلِّ رَكْعَتَيْنِ مِنْ صَلَاةِ النَّهَارِ مُدٌّ، فَقُلْتُ: لَا يَقْدِرُ، فَقَالَ: مُدٌّ إِذَا لِكُلِّ أَرْبَعِ رَكَعَاتٍ
مِنْ صَلَاةِ النَّهَارِ، قُلْتُ: لَا يَقْدِرُ، قَالَ: فَمُدٌّ إِذَا لِكُلِّ صَلَاةِ اللَّيْلِ وَمُدٌّ لِكُلِّ صَلَاةِ النَّهَارِ،
وَالصَّلَاةُ أَفْضَلُ، وَالصَّلَاةُ أَفْضَلُ، وَالصَّلَاةُ أَفْضَلُ».



مرکز تحقیقات کلامی و فقهی

فرمود: باندازه توانائی و تمکن مالیش، و کمترین مقدار آن اینست که بهر مسکینی
یک مُدّ طعام در ازاء هر نمازی بدهند، عرض کردم: یک مُدّ در ازاء چند نماز باشد؟
فرمود: بازاء هر دو رکعت از نماز شب یک مُدّ، و برای هر دو رکعت از نماز روز هم
یک مُدّ، عرض کردم: توانائی بر انجام اینکار ندارد، فرمود: در این صورت برای هر
چهار رکعت از نماز روز یک مُدّ بدهد، عرض کردم: باز هم نمی تواند، فرمود: پس
یک مُدّ برای همه نمازهای شب و یک مُدّ برای تمام نوافل روز بدهد. اما با همه این
صور نماز بهتر است، نماز بهتر است، نماز بهتر است.

والحمد لله أولاً و آخراً و ظاهراً و باطناً و صلى الله على محمد و آله الطاهرين
الطاهرين، محمد جواد غفاری.





تَمَّ كِتَابُ الصَّلَاةِ وَبَلَّيْهِ كِتَابُ الزَّكَاةِ وَالصِّيَامِ
وَاللَّهُ هُوَ الْمُعِينُ فِي الْبَدءِ وَالْخِتَامِ

لَمْ يَكُنْ عَلَيْهِ فِي ذَلِكَ غَيْبٌ وَذَلِكَ أَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَرَضَ لِلْفُقَرَاءِ فِي أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَكْتَفُونَ بِهِ، وَلَوْ عَلِمَ أَنَّ الَّذِي قَرَضَ لَهُمْ لَا يَكْفِيهِمْ لَزَادَهُمْ، وَإِنَّمَا يُؤْتَى الْفُقَرَاءَ قِيمًا أَنَا مِنْ مَتَاعِهِمْ حَقُّوقُهُمْ، لَا مِنَ الْقَرِيبَةِ».

۱۵۷۵- وَرَوَى مُبَارَكُ الْعَقْرُقُوفِيِّ، عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّمَا وَضِعَتِ الزَّكَاةُ قُوَّةً لِلْفُقَرَاءِ وَتَوْقِيرًا لِأَمْوَالِهِمْ».

۱۵۷۶- وَرَوَى مُوسَى بْنُ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: حَقِّبُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ».

۱۵۷۷- وَرَوَى حَرِيزٌ، عَنْ زُرَّارَةَ، وَمُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ أَنَّهُمَا قَالَا لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَرَأَيْتَ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ لِلْفُقَرَاءِ وَالْمَسَاكِينِ وَالْعَامِلِينَ عَلَيْهَا وَالْمَوْلَافَةَ قُلُوبُهُمْ وَفِي الرِّقَابِ وَالْغَارِمِينَ، وَفِي سَبِيلِ اللَّهِ وَابْنِ»

جهت است که خدای عزوجل مقدار تأمین نیازمندیهای فقرا را در اموال اغنیا مقدر و مقرر نموده است. و اگر میدانست که آن مقدار مفروض و معین ایشان را کفایت نمیکند، هر آینه آن را برای ایشان می افزود، و هرگونه تنگدستی و صعوبت معیشتی که متوجه فقرا شود، از جهت خودداری اغنیا از پرداخت حقوق ایشان است، نه از جهت مقدار زکات و نارسائی آن.

① ۱۵۷۵- و مبارک عَقْرُقُوفِي از امام ابوالحسن موسی بن جعفر عَلَيْهِمَا السَّلَام روایت کرده است که فرمود: همانا که زکات بعنوان روزی فقرا و افزایش اموال اغنیا برقرار شده است.

زکات مال بدر کن که فضلا زرا چو باغبان بزند بیشتر دهد انگور
② ۱۵۷۶- و موسی بن بکر از امام ابوالحسن موسی بن جعفر عَلَيْهِمَا السَّلَام روایت کرده است که فرمود: اموالتان را بوسیله زکات مَصُون بدارید.

③ ۱۵۷۷- و حریز از زرارہ، و محمد بن مسلم روایت کرده است که ایشان به امام صادق علیه السلام معروض داشتند: که درباره قول خدای عزوجل که فرمود: همانا که اموال زکات، مخصوص فقرا و مساکین و تحصیل داران زکات و تألیف قلوب و

السَّبِيلِ فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ» أَكُلُّ هَؤُلَاءِ يُعْطَى وَإِنْ كَانَ لَا يَعْرِفُ؟ فَقَالَ: إِنَّ الْإِمَامَ يُعْطَى هَؤُلَاءِ جَمِيعاً لِأَنَّهُمْ يَقْرُونَ لَهُ بِالطَّاعَةِ، فَإِنْ زُرَّارَةٌ، قُلْتُ: فَإِنْ كَانُوا لَا يَعْرِفُونَ؟ فَقَالَ: يَا زُرَّارَةُ لَوْ كَانَ يُعْطَى مَنْ يَعْرِفُ دُونَ مَنْ لَا يَعْرِفُ لَمْ يُوجَدْ لَهَا مَوْضِعٌ، وَإِنَّمَا يُعْطَى مَنْ لَا يَعْرِفُ لِيَرْغَبَ فِي الدِّينِ فَيَتَّبِعَ عَلَيْهِ، فَأَمَّا الْيَوْمَ فَلَا تُعْطَى أَنْتَ وَأَصْحَابُكَ إِلَّا مَنْ يَعْرِفُ، فَمَنْ وَجَدْتَ مِنْ هَؤُلَاءِ الْمُسْلِمِينَ عَارِفاً فَأَعْطِهِ دُونَ النَّاسِ، ثُمَّ قَالَ: سَهْمُ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ وَسَهْمُ الرِّقَابِ عَامٌّ وَالْبَاقِي خَاصٌّ، فَإِنْ قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ يُوجَدْوا؟ قَالَ: لَا تَكُونُ فَرِيضَةً فَرَضَهَا اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ [وَأَلَّا يُوجَدْ لَهَا أَهْلٌ، قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ تَسْعَهُمُ الصَّدَقَاتُ؟ قَالَ: فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ فَرَضَ

آزاد کردن بردگان، و انفاق در راه خدا و درماندگان در راه سفر، فريضة اى از جانب خداست، آيا نظر شما اين است كه به همگى نامبردگان، اگرچه عارف بحق شما نباشند، داده ميشود؟ فرمود: امام به همگى ايشان عطا مى كند، زيرا كه ايشان به طاعت او معترفند.

زراره گوید، گفتم: پس اگر عارف بحق شما نبوده باشند؟ امام فرمود: اى زراره اگر زكات را به كسانى ميدادند كه عارف بودند، و از غير ايشان باز ميداشتند، موردى براى اعطاي زكات يافت نميشد، و همانا كه زكات به افراد غير عارف داده ميشود، تا به دين راغب شوند، و در آن استوار بمانند. و اما امروز تو و يارانانت آنرا جز به افراد عارف ندهيد، و هر كه را از مسلمين يافتيد كه عارف بود به او عطا كنيد و به ساير افراد مردم عطا مكنيد.

سپس فرمود: سهم مربوط به «الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ» و سهم مخصوص آزاد کردن بردگان عام است، - يعنى هم اصناف كفار را شامل ميشود، و هم اصناف مسلمين را - و بقيه سهام، خاص است - يعنى به مردم عارف اختصاص دارد - . (يعني امامى مذهبى است) راوى گوید: گفتم: اگر افراد عارف يافت نشوند؟

امام فرمود: خدای عزوجل فريضة اى را فرض نميكند كه اهل آن يافت نشوند گفتم: اگر اموال زكات براى ايشان كفايت نكند؟ فرمود: خدای عزوجل به آن اندازه

لِلْفُقَرَاءِ فِي مَالِ الْأَغْنِيَاءِ مَا يَسَعُهُمْ، وَلَوْ عَلِمَ ذَلِكَ لَا يَسَعُهُمْ لَزَادَهُمْ، إِنَّهُمْ لَمْ يُؤْتُوا مِنْ قَبْلِ فَرِيضَةِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ، وَلَكِنْ أَتَوْا مِنْ مَنَعٍ مَنْ مَتَّعَهُمْ حَقَّهُمْ لَا مِمَّا قَرَضَ اللَّهُ تَعَالَى، وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَدُّوا حُقُوقَهُمْ لَكَانُوا غَائِثِينَ بِخَيْرٍ».

فَأَمَّا الْفُقَرَاءُ فَهُمْ أَهْلُ الزَّمَانَةِ وَالْحَاجَةِ، وَالْمَسَاكِينُ أَهْلُ الْحَاجَةِ مِنْ غَيْرِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ، وَالْعَامِلُونَ عَلَيْهَا هُمُ السَّعَاءُ، وَسَهْمُ الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ سَاقِطٌ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَسَهْمُ الرِّقَابِ يُعَانُ بِهِ الْمُكَاتِبُونَ الَّذِينَ يَعْجِزُونَ عَنْ آدَاءِ الْمُكَاتَبَةِ، وَالْغَارِمُونَ الْمُسْتَدِيثُونَ فِي حَقٍّ، وَسَبِيلُ اللَّهِ الْجِهَادُ، وَابْنُ السَّبِيلِ الَّذِي لَا مَأْوَى لَهُ وَلَا مَسْكَنَ، مِثْلُ الْمُسَافِرِ الضَّعِيفِ وَمَا رَأَى الطَّرِيقَ.

که برای فقرا کافی باشد در اموال اغنیا مقرر داشته است، و اگر میدانست که این اندازه برای ایشان کفایت نمیکند، هرآینه آنرا افزایش میداد، سختیا و تنگدستیهای که بفقرا میرسد ارتباطی بفریضه خدای عزوجل ندارد، بلکه این مشکلات از طرف کسانی به ایشان میرسد که از پرداختن حَقِّشان امتناع کرده اند، و اگر مردم حقوق فقرا را می پرداختند، هرآینه ایشان بخوبی و خوشی زندگی میکردند.

و اما فقرا (که از مستحقین زکات بشمار می آیند) اهل زَمَانَت^۱ و نیازمندانند. و مساکین نیازمندی از غیر اهل زمانتند. و عاملین بر زکات، تحصیل داران زکاتند.

و سهم «الْمُؤَلَّفَةِ قُلُوبُهُمْ» بعد از رسول خدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ ساقط است، و سهم متعلق به «الرِّقَابِ» در راه کمک به بردگانی صرف میشود که توانائی پرداختن مال المکاتبه را نداشته باشند، و «الْغَارِمِينَ» که در آیه آمده و امدارانی هستند که وام دریافتی خود را در راه حق و صحیح صرف کرده باشند، ولی کارشان به ورشکستگی کشیده باشد. و مقصود از «سَبِيلِ اللَّهِ» یا راه خدا جهاد است، و «ابْنُ السَّبِيلِ» که در آیه آمده کسی است که مَأْوَى و مسکن ندارد، بمانند شخص مسافر و راهگذری که ناتوان باشد.

(۱) زَمَانَت، به فتح اول، در لغت بمعنی بیماریهای باواگیر، یا نقص عضو، یا اثر کار افتادن نیروهای بدن

وَ لِصَاحِبِ الزَّكَاةِ أَنْ يَضَعَهَا فِي صِنْفٍ دُونَ صِنْفٍ مَتَى لَمْ يَجِدِ الْأَصْنَافَ كُلَّهَا.
 ۱۵۷۸ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِعَمَّارِ بْنِ مُوسَى السَّابَّاطِيِّ: «يَا عَمَّارُ
 أَنْتَ رَبُّ مَالٍ كَثِيرٍ؟ قَالَ: نَعَمْ جُعِلْتُ فِدَاكَ، قَالَ: فَتَوَدِّي مَا اقْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكَ مِنَ
 الزَّكَاةِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَتَخْرِجُ الْحَقَّ الْمَعْلُومَ مِنْ مَالِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَتَصِلُ
 قَرَابَتَكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَتَصِلُ إِخْوَانَكَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَقَالَ: يَا عَمَّارُ إِنَّ الْمَالَ
 يَقْنَى، وَالْبَدَنَ يُبْلَى، وَالْعَمَلَ يَبْقَى، وَالذِّيَانَ حَيٌّ لَا يَمُوتُ، يَا عَمَّارُ أَمَا إِنَّهُ مَا قَدَّمْتَ
 فَلَنْ يَسْبِقَكَ وَمَا أَخَّرْتَ فَلَنْ يَلْحَقَكَ».

۱۵۷۹ - وَفِي رِوَايَةِ أَبِي الْحُسَيْنِ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرِ الْأَسَدِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ
 عَنْهُ - عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ الْبَرْمَكِيِّ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ أَحْمَدَ، عَنِ الْفَضْلِ بْنِ -
 إِسْمَاعِيلَ، عَنْ مُعْتَبِ مَوْلَى الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ:
 «إِنَّمَا وَضَعَتِ الزَّكَاةُ اخْتِيَارًا لِلْأَغْنِيَاءِ وَمُعُونَةً لِلْفُقَرَاءِ، وَلَوْ أَنَّ النَّاسَ أَذَوْا زَكَاةَ

و صاحب زکات، در صورتیکه همگی اقسام مستحقین زکات وجود نداشته
 باشند، میتواند آنرا بقیسمی دون قیسمی تصرف کند.

① ۱۵۷۸ - و امام صادق علیه السلام به عمار بن موسی الساباطی فرمود:
 ای عمار، تو اموال بسیاری در اختیار داری؟ عمار گفت: آری فدایت شوم.
 فرمود: زکاتی را که خدا بر تو مقرر داشته است می پردازی؟ گفت: آری.
 فرمود: «حق معلوم» را از مال خود بیرون میکنی؟ گفت: آری.
 فرمود: به خویشاوندان خود رسیدگی مینمائی؟ گفت: آری.
 فرمود: به برادران اعتقادی خود میرسی؟ گفت: آری.
 آنگاه فرمود: ای عمار، آگاه باش که هرچه از پیش فرستادی از میان نخواهد
 رفت، و بدیگری تعلق نخواهد گرفت، و آنچه را که پس از خود به جای نهادی به تو
 نخواهد پیوست.

② ۱۵۷۹ - و در روایت ابوالحسن محمد بن جعفر اسدی - رضی الله عنه - از
 محمد بن اسماعیل برمکی، از عبدالله بن احمد، از فضل بن اسماعیل، از معتب مولاي امام

أَمْوَالِهِمْ مَا بَقِيَ مُسْلِمًا فَقِيرًا مُحْتَاجًا وَلَا مُسْتَغْنَىٰ بِمَا قَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُ، وَإِنَّ النَّاسَ مَا افْتَقَرُوا وَلَا اخْتَأَجُوا وَلَا جَاعُوا وَلَا عَرُوا إِلَّا بِذُنُوبِ الْأَغْنِيَاءِ، وَحَقِيقٌ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَنْ يَمُنَّعَ رَحْمَتُهُ مَنْ مَتَعَ حَقَّ اللَّهِ فِي مَالِهِ، وَأَقْسِمُ بِاللَّهِ خَلَقَ الْخَلْقَ وَبَسَطَ الرِّزْقَ إِنَّهُ مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَرْكِ الزَّكَاةِ، وَمَا صَيْدَ صَيْدٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَرْكِهِ التَّسْبِيحَ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَإِنَّ أَحَبَّ النَّاسِ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ أَشْخَاهُمْ كَفًّا، وَأَمْنَى النَّاسِ مَنْ أَدَّى زَكَاةَ مَالِهِ، وَلَمْ يَتَخَلَّ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ بِمَا اقْتَرَضَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ لَهُمْ فِي مَالِهِ».

۱۵۸۰ - وَكَتَبَ الرِّضَا عَلِيُّ بْنُ مُوسَى عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ فِيمَا كَتَبَ إِلَيْهِ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ: «إِنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قُوَّةِ الْفُقَرَاءِ، وَتَحْصِينِ

صادق علیه السلام آمده است که گفت: امام علیه السلام فرمود:

(۱) همانا که زکات برای آرمایش اغنیاء، و کمک بفقرا وضع شده است، و اگر مردم زکات اموال خود را می پرداختند، هیچ مسلمان فقیر و محتاج نمی ماند، و هر آینه با سهمی که خدای عزوجل برای او مقرر فرموده است مستغنی میشد، و مردم فقیر و محتاج و گرسنه و برهنه نشده اند مگر بعلت گناهان اغنیاء، و خدای عزوجل را سزاوار است که رحمت خود را از کسی که حق خدا در مال خود را بازداشته است بازدارد و به آن کسی که خلق را آفریده و خوان رزق را گسترده است قسم یاد میکنم که هیچ مالی در خشکی یا دریا تباه نمیشود مگر به علت ترک زکات، و هیچ صیدی در خشکی یا دریا شکار نمی شود مگر به علت ترک تسبیح در آن روز، و همانا که محبوبترین مردم نزد خدای عزوجل گشوده دست ترین ایشان است، و سخاوتمندترین مردم کسی است که زکات مالش را بپردازد، و درباره مؤمنین نسبت بحقی که خدای عزوجل برای ایشان در مال او مقرر داشته است بخل نوزد.

(۲) ۱۵۸۰ - و امام رضا علی بن موسی علیهما السلام به محمد بن سنان در جمله جوابهای مسائل او نوشت: علت تشریع زکات تأمین قوت فقرا، و حفظ و صیانت اموال اغنیاء است. زیرا خدای عزوجل تندرستان را به رسیدگی به حال دردمندان و مبتلایان

أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ كَلَّفَ أَهْلَ الصَّحَةِ الْقِيَامَ بِشَأْنِ أَهْلِ الزَّمَانَةِ وَالْبَلْوَى كَمَا قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: «لَتُبْنَوْنَ فِي أَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ» فِي أَمْوَالِكُمْ إخراج الزكاة وَفِي أَنْفُسِكُمْ تَوْطِينَ الْأَنْفُسِ عَلَى الصَّبْرِ مَعَ مَا فِي ذَلِكَ مِنْ أَدَاءِ شُكْرِ نِعَمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ وَالْقَطْمِ فِي الزِّيَادَةِ مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الزِّيَادَةِ وَالرَّافَةِ وَالرَّحْمَةِ لِأَهْلِ الضَّعْفِ، وَالْعَطْفِ عَلَى أَهْلِ الْمَسْكِنَةِ، وَالْحَثِّ لَهُمْ عَلَى الْمَوَاسَاةِ، وَتَقْوِيَةِ الْفُقَرَاءِ، وَالْمَعُونَةِ لَهُمْ عَلَى أَمْرِ الدِّينِ، وَهُوَ عِظَةُ لِأَهْلِ الْغِنَى، وَعِبْرَةٌ لَهُمْ، يَسْتَدِلُّوْنَ عَلَى فُقَرَاءِ الْآخِرَةِ بِهِمْ، وَمَا لَهُمْ مِنَ الْحَثِّ فِي ذَلِكَ عَلَى الشُّكْرِ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى - لِمَا خَوَّلَهُمْ وَأَعْطَاهُمْ، وَالذُّعَاءِ وَالتَّضَرُّعِ وَالْخَوْفِ مِنْ أَنْ يَصِيرُوا مِثْلَهُمْ فِي أُمُورٍ

مكلف ساخته است، چنانکه خدای تبارک و تعالی فرموده است: «هر آینه در اموالشان و نفوسشان آزمایش خواهید شد». و مراد از آزمایش در اموال اخراج زکات، و در نفوس توطین نفس بر صبر است، و اضافه بر این، پرداختن زکات ادای شکر نعمتهای خدای عزوجل، و امید بستن به آن فروزی است که در اثر شکر در مال پدید می آید، بعلاوه آن فروزی که از طبیعت زکات به مال عاید میشود (چنانکه قطع کردن شاخه های زیادتر رز موجب فروزی انگور میگردد) مضافاً به رأفت و رحمتی که از این رهگذر شامل حال ضعیفا میشود، و عطف و تفقدی که به اهل مسکنت می پیوندند، و به علاوه آنکه زکات تحریض و تشویق اغنیا به مواسات، و تقویت فقرا را در پی می آورد، و ایشانرا در کار دین نیرومند میسازد.

و زکات پندی و عبرتی برای اغنیا است، تا با ملاحظه حال فقرا و تهیدستان دنیا، حال پرملال تهیدستان و فقرای آخرت را به نظر آورند، و برای روبرو شدن با احوال آن روز با صرف مال خود در راه خیر، سرمایه عمل صالحی بیندوزند، و با مقایسه این احوال خدای تبارک و تعالی را در برابر نعمتی که به ایشان انعام فرموده و ثروتی که عطا کرده شکر گویند و دعا و تضرع بجا آورند، و از گرفتار شدن به وضعی مانند وضع فقرا بهراسند.

این امور که در اینجا بیان شد، در جمله امور بسیار دیگر علت تشریع زکات و

کثيرة في أداء الزكاة والصدقات، وصلة الأرحام، واضطناع المعروف».

۱۵۸۱ - وَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «مَنْ أَخْرَجَ زَكَاةَ

مَالِهِ تَامَّةً قَوَّضَهَا فِي مَوْضِعِهَا لَمْ يُسَأَلْ مِنْ أَثَرِ اكْتِسَابِ مَالِهِ».

۱۵۸۲ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّمَا جَعَلَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الزَّكَاةَ فِي

كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ دِرْهَمًا لِأَنَّهُ خَلَقَ الْخَلْقَ فَقَلَّمَ غَنِيَّهُمْ وَفَقِيرَهُمْ وَفَوَّيَّهُمْ

وَضَعِيفَهُمْ، فَجَعَلَ مِنْ كُلِّ أَلْفٍ خَمْسَةَ وَعِشْرِينَ مَسْكِينًا [و] لَوْلَا ذَلِكَ لَرَادَهُمُ اللَّهُ

لِأَنَّهُ خَالِقُهُمْ وَهُوَ أَعْلَمُ بِهِمْ».

* (بَابُ مَا جَاءَ فِي مَانِعِ الزَّكَاةِ) *

۱۵۸۳ - رَوَى حَرِيرٌ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَا مِنْ ذِي مَالٍ

ذَهَبَ أَوْ بَقِصَةٌ يَمْنَعُ زَكَاةَ مَالِهِ إِلَّا حَسَنَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقَاعٍ قَرَقَرٍ، وَسَلَّطَ

عَلَيْهِ شُجَاعًا أَقْرَعَ يُرِيدُهُ وَهُوَ يَجِدُ غَنَّهُ، فَإِذَا رَأَى أَنَّهُ لَا يَتَخَلَّصُ مِنْهُ أَمْسَكَتُهُ مِنْ يَدِهِ

ادای صدقات و صله ارحام و انجام اعمال خیر و خدا پسندانه است.

۱۵۸۱ - و امام ابو الحسن موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: کسیکه زکات

مال خود را بتمام اخراج کند، و آنرا در جای خود قرار دهد، مورد سوال واقع نمیشود که

مال خود را از کجا بدست آورده است. (چون چنین افراد کلاماً رعایت قانون را کرده اند)

۱۵۸۲ - و امام صادق علیه السلام فرمود: همانا که خدای عزوجل زکات را

در هر هزار درهم بیست و پنج درهم قرار داد، زیرا که او - عزوجل - خلق را بیافرید،

پس غنی و فقیرشان و قوی و ضعیفشان را بشناخت، پس از هر هزار نفر بیست و پنج

نفر را مسکین قرار داد، [و] اگر چنین نمیبود خدا ایشان را همی افزود، زیرا که او

خالق ایشان است و ایشان را بهتر میشناسد.

* (بَابُ أَنْجَهِ دَر بَارَةُ خَوِشْتَن دَارِ از اداء زکات آمده است) *

۱۵۸۳ - حریر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که آنحضرت

فرمود: هیچ صاحب زری یا سیم نیست که از ادای زکات مال خود امتناع کند، مگر

آنکه در روز قیامت خدای عزوجل او را در بیابانی صاف متوقف میسازد، و ماری از

فَقَضَّمَهَا كَمَا يُقَضَّمُ الْفُجْلُ، ثُمَّ يَصِيرُ طَوْقًا فِي عُنُقِهِ، وَذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخِلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» وَمَا مِنْ ذِي مَالٍ إِلَّا أَوْبَقِرَ أَوْ عَنِمَ يَمْنَعُ زَكَاةَ مَا فِيهِ إِلَّا حَبْسَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ بِقَاعٍ قَرَقَرٍ، يَظَاهُ كُلُّ ذَاتٍ ظِلْفَ بِظِلْفِهَا، وَيَتَنَهَشُهُ كُلُّ ذَاتٍ نَابٍ بِنَابِهَا. وَمَا مِنْ ذِي مَالٍ تَخَلَّى أَوْ كَرِمَ أَوْ رَزَعَ يَمْنَعُ زَكَاةَهُ إِلَّا طَوَّقَهُ اللَّهُ تَعَالَى رِيْعَةً أَرْضِيحًا إِلَى مَبْعِ أَرْضِينَ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

۱۵۸۴- وَرَوَى مَعْرُوفُ بْنُ خَرَبُودٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ

تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَرَنَ الزَّكَاةَ بِالصَّلَاةِ فَقَالَ: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» فَمَنْ أَقَامَ الصَّلَاةَ وَلَمْ يُؤْتِ الزَّكَاةَ فَكَأَنَّهُ لَمْ يُقِمِ الصَّلَاةَ».

نوع مخصوص را که از شدت زهر موی سرش ریخته باشد بر او مسلط میکند، که قصد جان او مینماید، و او از آن مار میگریزد، ولی چون دید که از شر آن خلاص نمیشود دستش را در اختیار آن قرار میدهد، تا آنرا به مانند جوییدن تری بخورد، و آنگاه بصورت طوق به گردن او می پیچد، و همین است معنی قول خدای عزوجل که فرمود: «آن چیزی را که از انفاق آن بخل کردند، روز قیامت طوق گردنشان خواهند ساخت». و هیچ صاحب شتر یا گاویا گوسفندی نیست که از دادن زکات مال خود امتناع کند، مگر آنکه خداوند در روز قیامت او را در بیابانی صاف متوقف میسازد، تا هر چهار پای سُم داری با سُم خود او را لگدمال کند، و هر حیوان نیش داری او را با نیش خود بدرد، و هیچ صاحب نخل یا تاک را زراعتی نیست که از اداء زکات امتناع کند، مگر آنکه خدای تعالی به روز قیامت پایه زمین او را تا طبقه هفتم آن، طوق گردن او بسازد.

⑤ ۱۵۸۴- و معروف بن خربوذ، از امام ابوجعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: خدای تبارک و تعالی زکات را مقرون نماز قرار داده، و در این باره گفته است: «أَقِيمُوا الصَّلَاةَ وَآتُوا الزَّكَاةَ» - یعنی نماز را بپا دارید، و زکات را بپردازید». پس کسیکه نماز را بپا دارد و زکات را نپردازد چنان است که نماز را بپا نداشته باشد.

۱۵۸۵ - وَ رَوَى أَيُّوبُ بْنُ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَانِعُ الزَّكَاةِ يُطْلَقُ بِحَيَّةٍ قَرَعَاءَ، تَأْكُلُ مِنْ دِمَاعِهِ، وَ ذَلِكَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۱۵۸۶ - رَوَى مُسْعَدَةُ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَا لَا يُرْكَنِي».

۱۵۸۷ - وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: مَا مِنْ عَبْدٍ مَنَعَ مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ شَيْئاً إِلَّا جَعَلَ اللَّهُ ذَلِكَ يَوْمَ الْقِيَامَةِ نُقْبَاناً مِنْ نَارٍ مُطَوَّقاً فِي عُنُقِهِ يَنْتَهَشُ مِنْ لَحْمِهِ حَتَّى يَقْرُعَ مِنَ الْحِسَابِ، وَ هُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ: «سَيُطَوَّقُونَ مَا بَخَلُوا بِهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ» يَعْنِي مَا بَخَلُوا بِهِ مِنَ الزَّكَاةِ.

۱۵۸۸ - وَ رَوَى عُثَيْبُ بْنُ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَا

(۱) ۱۵۸۵ - و ایوب بن راشد از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: کسیکه از پرداختن زکات امتناع کند، به روز قیامت ماری را که از شدت زهر موی بر سر نداشته باشد طوقی گردش میسازد که از مغز سرش میخورد، و همین است معنی قول خدای عزوجل که فرمود: «آن چیزی را که از انفاق آن بخل کردند، به روز قیامت طوقی گردششان خواهند ساخت».

(۲) ۱۵۸۶ - و مسعدة از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: ملعون است، ملعون است، مالی که زکاتش پرداخته نشود.

(۳) ۱۵۸۷ - و محمد بن مسلم از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هیچ بنده ای نیست که از اداء چیزی از زکات مالش امتناع کند، مگر آنکه خدا آن چیز را به روز قیامت به صورت اردهائی از آتش به گرد گردن او قرار میدهد که همچنان گوشتش را می گزد تا از حساب فارغ شود، و همین است معنی قول خدای عزوجل که فرمود: «آن چیزی را که از انفاق آن بخل کردند، به روز قیامت طوقی گردششان خواهند ساخت»، یعنی آن زکاتی که از اداء آن بخل کردند.

(۴) ۱۵۸۸ - و عبید بن زراره از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که

مِنْ رَجُلٍ يَمْتَنِعُ دِرْهَمًا فِي حَقِّهِ، إِلَّا أَنْفَقَ اثْنَيْنِ فِي غَيْرِ حَقِّهِ، وَمَا مِنْ رَجُلٍ يَمْتَنِعُ حَقًّا فِي مَالِهِ إِلَّا طَلَّقَهُ اللَّهُ بِحَيَّةٍ مِنْ نَارِ يَوْمِ الْقِيَامَةِ».

۱۵۸۹- وَرَوَى أَبَانُ بْنُ تَغْلِبٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «دَعَانِ فِي الْإِسْلَامِ حَلَالٌ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَا يَقْضِي فِيهِمَا أَحَدٌ حَتَّى يَتَعَثَّ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ، فَإِذَا بَعَثَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ قَائِمَنَا أَهْلَ الْبَيْتِ حَكَمَ فِيهِمَا بِحُكْمِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: الزَّانِي الْمُحْصَنُ يَرْجُمُهُ، وَمَانِعُ الزَّكَاةِ يَضْرِبُ عُقَّةً».

۱۵۹۰- وَرَوَى عَنْهُ عَمْرُو بْنُ جُمَيْعٍ أَنَّهُ قَالَ: «مَا أَدَّى أَحَدُ الزَّكَاةِ فَتَقَصَّتْ مِنْ مَالِهِ، وَلَا مَتَّعَهَا أَحَدٌ فَزَادَتْ فِي مَالِهِ».

۱۵۹۱- وَفِي رَوَايَةِ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ مَتَّعَ قِرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا مُسْلِمٍ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: حَتَّى إِذَا جَاءَ

فرمود: هیچ کس از انفاق دِرهمی در محل شایسته آن امتناع نمی‌کند، مگر آنکه دو درهم در محل ناشایسته آن انفاق میکند و هیچ کس حق را که به مالش تعلق گرفته است باز نمیدارد، مگر آنکه خدا به روز قیامت آنها را به صورت ماری آتشین طوق گردان او میسازد.

۱۵۸۹- و ابان بن تغلب از آن امام علیه السلام روایت کرده است که فرمود: دو خون در اسلام از جانب خدای تبارک و تعالی حلال است، که هیچکس درباره آن قضاوت نمی‌کند تا زمانی که خدای عزوجل قائم ما اهل بیت را مبعوث فرماید، پس چون خدای عزوجل قائم ما اهل بیت را مبعوث کرد، او درباره آن دو به حکم خدای عزوجل حکومت می‌کند: یکی زانی محصن است که او را سنگسار میسازد، و دیگر مانع الزکات است که گردنش را میزنند.

۱۵۹۰- و عمرو بن جمیع از آن امام علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هیچ زکات دهنده ای زکات را نپرداخته است که چیزی از مالش کاسته شده باشد، و از پرداختن آن امتناع نکرده است که چیزی در مالش افزوده شده باشد.

۱۵۹۱- و در روایت ابوبصیر از امام صادق علیه السلام آمده است که

أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ^۱». وَفِي رِوَايَةٍ أُخْرَى «وَلَا تُقْبَلُ لَهُ صَلَاةٌ».

۱۵۹۲- وَرَوَى ابْنُ مُسْكَانَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «بَيْنَمَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْمَسْجِدِ إِذْ قَالَ: قُمْ يَا فُلَانُ، قُمْ يَا فُلَانُ، قُمْ يَا فُلَانُ حَتَّى أَخْرَجَ خَمْسَةَ نَفَرٍ، فَقَالَ: اخْرُجُوا مِنْ مَسْجِدِنَا لَا تَصَلُّوا فِيهِ وَأَنْتُمْ لَا تَرُكُونُ».

۱۵۹۳- وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ مَنَعَ قِيرَاطًا مِنَ الزَّكَاةِ فَلَيْسَ بِمُؤْمِنٍ وَلَا مُسْلِمٍ، وَسَأَلَ الرَّجُلَةَ عِنْدَ الْمَوْتِ، وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «حَتَّى إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ».

فرمود: کسیکه قیراطی از زکات را بازدارد نه مؤمن است و نه مسلم، و او مصداق قول خدای عزوجل است که فرمود: «تا چون مرگ بسراغ یکی از ایشان آید مکرر گوید: پروردگارا مرا بازگردان تا مگر در مال یا عمری که پشت سر نهاده‌ام کارشایسته‌ای انجام دهم». و در روایت دیگر آمده است که: «و هیچ نمازی از او قبول نمی‌شود».

① ۱۵۹۲- و ابن مسکان از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «در آن میان که رسول خدا صلی الله علیه و آله در مسجد بود، ناگهان فرمود: به پا خیز ای فلان! به پا خیز ای فلان! به پا خیز ای فلان! تا آنکه پنج نفر را بیرون راند، و فرمود: از مسجد ما خارج شوید، و شما که زکات نمی‌پردازید در این مسجد نماز مگذارید».

② ۱۵۹۳- و ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: کسیکه از پرداختن قیراطی از زکات امتناع کند، نه مؤمن است و نه مسلم، و به هنگام مرگ نعمتای بازگشت می‌کند، و او مصداق قول خدای عزوجل است که فرمود: «تا چون مرگ بسراغ یکی از ایشان آید، گوید: «پروردگارا مرا بازگردانید تا مگر در مال یا عمری که پشت سر نهاده‌ام کارشایسته‌ای انجام دهم».

۱۵۹۴- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَلَاةٌ مَكْتُوبَةٌ خَيْرٌ مِنْ عِشْرِينَ حَجَّةً، وَحَجَّةٌ خَيْرٌ مِنْ بَيْتٍ مَمْلُوءٍ ذَهَباً يُتَصَدَّقُ بِهِ فِي بَرَحَتِي يَتَقَدَّ، ثُمَّ قَالَ: وَلَا أَفْلَحَ مَنْ ضَيَّعَ عِشْرِينَ بَيْتاً مِنْ ذَهَبٍ بِخَمْسَةِ وَعِشْرِينَ دِرْهَمًا، فَقِيلَ لَهُ: وَمَا مَعْنَى خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ [دِرْهَمًا]؟ قَالَ: مَنْ مَنَعَ الزَّكَاةَ وَقَفَّتْ صَلَاتُهُ حَتَّى يُرْكَبَ».

۱۵۹۵- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا ضَاعَ مَالٌ فِي بَرٍّ وَلَا بَحْرٍ إِلَّا بِتَضْيِيعِ الزَّكَاةِ، وَلَا يُصَادُ مِنَ الطَّيْرِ إِلَّا مَا ضَيَّعَ تَسْبِيحُهُ».

(بَابُ مَا جَاءَ فِي تَارِكِ الزَّكَاةِ وَقَدْ وَجِبَتْ لَهُ)

۱۵۹۶- رَوَى مَرْوَانُ بْنُ مُسْلِمٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ هِلَالٍ قَالَ: «سَمِعْتُ

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: تَارِكُ الزَّكَاةِ - وَقَدْ وَجِبَتْ لَهُ - مِثْلُ مَا يَمِيعُهَا وَقَدْ وَجِبَتْ عَلَيْهِ».

۱۵۹۴- و امام صادق عليه السلام فرمود: یک نماز واجب بهتر از بیست حج است، و یک حج بهتر از اتاقی آکنده از زر است که آنرا تا به آخر در خیرات و میراث صدقه کنند. سپس فرمود: و کامیاب نشده است کسیکه بیست اتاق زر را در برابر بیست و پنج درهم از کف بدهد، پس گفتند: معنی بیست و پنج درهم چیست؟ فرمود: کسیکه از پرداختن زکات امتناع کند، نمازش متوقف میشود تا آنگاه که زکات را بپردازد.

۱۵۹۵- و آن امام علیه السلام فرمود: هیچ مالی در خشکی و در دریا تباه نمیشود مگر بعلت تضييع زکات، و هیچ پرندۀ ای شکار نمیشود مگر بعلت فرو گذاشتن تسبیح خود.

(بَابُ أَنْجَهِ دِرْبَارَةُ تَارِكِ الزَّكَاةِ آمَدَهُ)

(اِسْتِ كِه زَكَاتِ بَرَاىِ اَوْ وَاجِبِ شُدِه اِسْتِ)

۱۵۹۶- مروان بن مسلم، از عبدالله بن هلال روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میگفت: آن کسیکه گرفتن زکات را ترک کند درحالیکه مستحق آن شده باشد، مثل کسی است که از پرداختن آن امتناع کند در صورتیکه بر او واجب شده باشد.

* (بَابُ الرَّجُلِ يَسْتَحْيِي مِنْ أَخَذِ) *

* (الزَّكَاةُ قَبْطُ عَلَى وَجْهِ آخَرِ) *

۱۵۹۷ - رَوَى عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الرَّجُلُ مِنْ أَصْحَابِنَا يَسْتَحْيِي أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ فَأَعْطِيهِ مِنَ الزَّكَاةِ وَلَا أَسْمِي لَهُ أَنَّهَا مِنَ الزَّكَاةِ؟» فَقَالَ: «أَعْطِهِ وَلَا تُسَمِّ لَهُ وَلَا تُذَكِّ الْمُؤْمِنَ».

* (بَابُ الْأَصْنَافِ الَّتِي تَحِبُّ عَلَيْهَا الزَّكَاةُ) *

۱۵۹۸ - رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَخْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَنْزَلْتُ إِلَيْهِ آيَةُ الزَّكَاةِ «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمَرَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مُنَادِيَةً فَنَادَى فِي النَّاسِ أَنَّ اللَّهَ

* (بَابُ كَسْبِكَ إِذَا غَرَفْتَ زَكَاتَ شَرْمٍ مِيكَدِ) *

* (وَلِذَا بِعُنْوَانِ دِيْغَرِ بَه اَو دَادِه مِيشود) *

۱۵۹۷ (۱) - عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ، از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: به امام ابوجعفر علیه السلام معروض داشتم: مردی از یاران ما شرم میکند از اینکه زکات بگیرد، آیا جایز است که آن را به او بدهم و نام زکات بر آن نهم؟ فرمود: همینگونه به او بده و نام زکات را نزد او بر آن مینه و مؤمن را خوار مساز.

* (بَابُ أَشْيَائِكَ، زَكَاتَ بِرَآنَهَا وَاجِبٌ مِيشود) *

۱۵۹۸ (۲) - حَسَنُ بْنُ مَخْبُوبٍ از عبدالله بن سنان روایت کرده است که گفت: امام صادق علیه السلام فرمود: آیه زکات: «خُذْ مِنْ أَمْوَالِهِمْ صَدَقَةً تُطَهِّرُهُمْ وَتُزَكِّيهِمْ بِهَا» در ماه رمضان بر او - یعنی رسول خدا صلی الله علیه وآله - نازل شد، پس رسول خدا صلی الله علیه وآله جارچی خود را فرمود تا در جمع مردم جار زد که خدای تبارک و تعالی زکات را بر شما فرض نموده است، همانطور که نماز را بر شما فرض کرده است، پس

تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَدْ قَرَضَ عَلَيْكُمْ الزَّكَاةَ كَمَا قَرَضَ عَلَيْكُمْ الصَّلَاةَ، فَقَرَضَ اللَّهُ عَلَيْكُمْ مِنَ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ وَالْإِبِلِ وَالْبَقَرِ وَالْغَنَمِ وَمِنَ الْحِجَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّيْتِ، وَنَادَى فِيهِمْ بِذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَعَفَا لَهُمْ عَمَّا سِوَى ذَلِكَ، قَالَ: ثُمَّ لَمْ يَتَعَرَّضْ لِشَيْءٍ مِنْ أَمْوَالِهِمْ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِمُ الْحَوْلُ مِنْ قَابِلٍ فَصَامُوا وَأَفْطَرُوا، فَأَمَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مُنَادِيَهُ فَنَادَى فِي الْمُسْلِمِينَ: أَيُّهَا الْمُسْلِمُونَ زَكُوا أَمْوَالَكُمْ تَقْبَلْ صَلَاتُكُمْ، قَالَ: ثُمَّ وَجَّهَ عُمَالَ الصَّدَقَةِ وَعُمَالَ الطُّسُقِ.

فَلَيْسَ عَلَى الذَّهَبِ شَيْءٌ حَتَّى يَبْلُغَ عِشْرِينَ مِثْقَالًا، فَإِذَا بَلَغَ عِشْرِينَ مِثْقَالًا فَفِيهِ نِصْفُ دِينَارٍ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ أَرْبَعَةَ عِشْرِينَ فَفِيهِ نِصْفُ دِينَارٍ وَعِشْرُ دِينَارٍ، ثُمَّ عَلَى هَذَا الْحِسَابِ مَتَى زَادَ عَلَى عِشْرِينَ أَرْبَعَةَ عِشْرِينَ، فَبِئْسَ كُلُّ أَرْبَعَةِ عِشْرِينَ إِلَى أَنْ يَبْلُغَ مِثْقَالًا، فَإِذَا بَلَغَ أَرْبَعِينَ مِثْقَالًا فَفِيهِ مِثْقَالٌ.

خدا زکات را از طلا و نقره و شتر و گاو و گوسفند، و از گندم و جو و خرما و مویز بر شما فرض فرموده است. این ندا را در ماه رمضان در جمع ایشان سرداد، و اشیاء دیگر را از زکات مُعاف داشت.

امام علیه السلام فرمود: آنگاه متعرض چیزی از اموال ایشان نشد، تا سال نو فرا رسید، و ایشان روزه گرفتند، و افطار کردند، پس مُنادی خود را فرمود تا در جمع مسلمین ندا داد که: آیا ای مسلمانان، زکات اموالتان را بپردازید، تا نمازتان قبول شود. و امام علیه السلام فرمود: سپس تحصیلداران زکات و عُمال «طُسُق» - یعنی عُمال خراج - را اعزام فرمود.

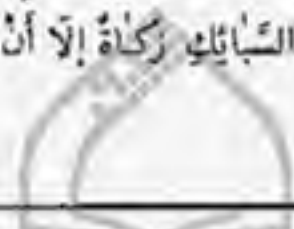
و کیفیت گرفتن زکات از طلا این است که چیزی بر آن تعلق نمیگیرد تا آنگاه که به بیست مثقال برآید، پس چون به این نصاب برآمد نصف دینار به آن تعلق میگیرد، تا زمانی که به بیست و چهار مثقال برآید، که در اینحال نصف دینار و یک دهم دینار به آن تعلق میگیرد، سپس بر همین حساب هر زمان که چهار چهار بر بیست افزوده شود، به هر چهار مثقال یک دهم تعلق میگیرد، تا به چهل مثقال برآید، پس چون به چهل مثقال برآمد یک مثقال به آن تعلق میگیرد.

وَلَيْسَ عَلَى الْفِضَّةِ شَيْءٌ حَتَّى يَبْلُغَ مِائَتِي دِرْهَمٍ فَإِذَا بَلَغَتْ مِائَتِي دِرْهَمٍ فَفِيهَا خُمُسُهُ دِرَاهِمٌ، وَمَتَى زَادَ عَلَيْهَا أَرْبَعُونَ دِرْهَمًا فَفِيهَا دِرْهَمٌ، وَلَيْسَ فِي التَّيِّبِ شَيْءٌ حَتَّى يَبْلُغَ أَرْبَعِينَ.

وَلَيْسَ فِي الْقُطْنِ وَالزَّعْفَرَانِ وَالْخَضِرِ وَالْيَمَارِ وَالْحُبُوبِ زَكَاةٌ حَتَّى تُبَاعَ وَيَتَحَوَّلَ عَلَى ثَمَنِهَا الْحَوْلُ.

فَإِذَا اجْتَمَعَتْ لِلرَّجُلِ مِائَتَا دِرْهَمٍ فَحَالَ عَلَيْهَا الْحَوْلُ فَأَخْرَجَ لِرِزْكَائِهَا خُمُسَهُ دِرَاهِمَ فَدَفَعَهَا إِلَى الرَّجُلِ فَرَدَّ دِرْهَمًا مِنْهَا وَذَكَرَ أَنَّهُ شَبَّهُ أَوْ زَيْفٌ فَلَيْسَتْ رَجْعٌ مِنْهُ الْأَرْبَعَةُ الدَّرَاهِمُ أَيْضًا، لِأَنَّ هَذِهِ لَمْ تَحِبَّ عَلَيْهَا الزَّكَاةُ لِأَنَّهُ كَانَ عِنْدَهُ مِائَتَا دِرْهَمٍ إِلَّا دِرْهَمٌ، وَلَيْسَ عَلَى مَا دُونَ مِائَتِي دِرْهَمٍ زَكَاةٌ.

وَلَيْسَ عَلَى السَّبَائِكِ زَكَاةٌ إِلَّا أَنْ تَفَرِّقَ بِهَا مِنَ الزَّكَاةِ، فَإِنْ فَرَزْتَ بِهَا فَعَلَيْكَ الزَّكَاةُ.



① و بر نقره زکاتی نیست تا به دویست درهم برآید، پس چون به دویست درهم برآمد زکات آن پنج درهم است، و چون چهل درهم برآن افزوده شود زکات آن چهل درهم، یک درهم است. و در مازاد آن زکاتی نیست تا به چهل برآید. و در پنبه و زعفران و سبزیجات و میوه‌ها و حبوبات زکاتی نیست تا فروخته شود، و سال بر بهای آن بگذرد.

پس زمانی که دویست درهم نزد کسی گرد آید، و سال برآن بگذرد، و پنج درهم زکات آن را اخراج کند، و آنرا به کسی بدهد و او یک درهم از آن را بازگرداند و بگوید که آن مغشوش است یا مردود است، در این صورت میباید چهار درهم دیگر را نیز باز پس دهد، زیرا ملاک تعلق زکات تحقق نیافته است، بدان جهت که صاحب آن دراهم، یک درهم از دویست درهم کم داشته است، و زکات به مبلغ کمتر از دویست درهم تعلق نمیگیرد.

و بر شمشها زکاتی نیست، مگر آنکه برای فرار از زکات بصورت شمش آنرا درآوری پس اگر بدینوسیله از زکات بگریزی زکات را بر دمه خواهی داشت.

وَلَيْسَ عَلَى الْخُلُيِّ زَكَاةٌ وَإِنْ بَلَغَ مِائَةَ أَلْفٍ، وَلَكِنْ تُعِيرُهُ مُؤِمْنًا إِذَا اسْتَعَارَهُ مِنْكَ فَهَذِهِ زَكَاةُهُ.

وَلَيْسَ فِي التَّقْيِيرِ زَكَاةٌ، إِنَّمَا هِيَ عَلَى الدَّائِيَةِ وَالذَّارِهِم.

۱۵۹۹- وَرَوَى زُرَّارَةُ؛ وَبُكَيرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَيْسَ فِي

الْجَوْهَرِ وَأَشْبَاهِهِ زَكَاةٌ وَإِنْ كَثُرَ».

وَلَيْسَ فِي نَقْرِ الْفِضَّةِ زَكَاةٌ، وَلَيْسَ عَلَى مَالِ الْيَتِيمِ زَكَاةٌ، إِلَّا أَنْ يُتَّجَرَ بِهِ،

فَإِنْ اتَّجَرَ بِهِ فَفِيهِ الزَّكَاةُ وَالرَّيْخُ لِلْيَتِيمِ، وَعَلَى التَّاجِرِ ضَمَانُ الْمَالِ، وَقَدْ رُوِيَ رُحُصَةً فِي أَنْ يُجْعَلَ الرَّيْخُ بَيْنَهُمَا.

وَقَالَ أَبِي -رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- فِي رِسَالَتِهِ إِلَيَّ: لَا يُخْزِي فِي الزَّكَاةِ أَنْ يُعْطَى

أَقْلٌ مِنْ يَصْفٍ دِينَارٍ.

و بر زینت آلات زکاتی نیست، اگر چه به صد هزار بالغ شود، مشروط به اینکه هرگاه مؤمنی آنرا به عاریت خواست در اختیار او بگذاری، زیرا همین عاریت دادن زکات آن است.

و بر نقیر زکاتی نیست، و تنها زکات بر شبکه های طلا و نقره است.

۱۵۹۹- و زراره و بُکیر از ابو جعفر علیه السلام روایت کرده اند که فرمود: بر گوهر و امثال آن ولو بسیار باشد زکات نیست.

و بر نقره خام زکات نیست، و همچنین بر مال یتیم نیز زکاتی نیست، مگر آنکه در جریان تجارت قرار گیرد، که در این صورت زکات به آن تعلق میگیرد، و سود تجارت از آن یتیم، و ضمانت مال برعهده تاجر است. و در روایتی آمده است که سود تجارت میان آن دو تقسیم میشود.

و پدرم -رضی الله عنه- در نامه ای که برای من فرستاده است گفته: نباید در

زکات کمتر از نصف دینار به مستحق زکات داده شود.

شرح: «در تهذیب از معاویه عمار و عبدالله بن بُکیر از امام صادق

علیه السلام فرمود: جایز نیست که مستحق کمتر از پنج درهم زکات داده شود».

۱۶۰۰- وَقَدْ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ الْجَبَّارِ «أَنَّ بَعْضَ أَصْحَابِنَا كَتَبَ عَلَى يَدَيَّ أَحْمَدَ بْنَ إِسْحَاقَ إِلَى عَلِيِّ بْنِ مُحَمَّدٍ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: أُعْطِيَ الرَّجُلُ مِنْ إِخْوَانِي مِنَ الزَّكَاةِ الدِّرْهَمَيْنِ وَالثَّلَاثَةُ؟ فَكَتَبَ: إِفْعَلْ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

وَقَدْ رُوِيَ فِي تَقْدِيمِ الزَّكَاةِ وَتَأْخِيرِهَا أَرْبَعَةُ أَشْهُرٍ وَسِتَّةُ أَشْهُرٍ إِلَّا أَنَّ الْمَقْصُودَ مِنْهَا أَنْ تَدْفَعَهَا إِذَا وَجِبَتْ عَلَيْكَ، وَلَا يَجُوزُ لَكَ تَقْدِيمُهَا وَلَا تَأْخِيرُهَا لِأَنَّهَا مَقْرُونَةٌ بِالصَّلَاةِ وَلَا يَجُوزُ تَقْدِيمُ الصَّلَاةِ قَبْلَ وَقْتِهَا وَلَا تَأْخِيرُهَا إِلَّا أَنْ تَكُونَ قَضَاءً، وَكَذَلِكَ الزَّكَاةُ فَإِنْ أَحْبَبْتَ أَنْ تُقَدِّمَ مِنْ زَكَاةٍ مَا لَكَ شَيْئًا تُفَرِّجُ بِهِ عَنْ مُؤْمِنٍ فَاجْعَلْهُ دَيْنًا عَلَيْهِ، فَإِذَا حَلَّتْ عَلَيْكَ فَاحْشِبْهَا لَهُ زَكَاةً لِيُحْسِبَ لَكَ مِنْ زَكَاةٍ مَا لَكَ وَيُكْتَبَ لَكَ أَجْرُ الْقَرْضِ.

۱۶۰۱- وَقَدْ رَوَى عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «يَنْعَمُ الشَّيْءُ»

① ۱۶۰۰- و محمد بن عبد الجبار روایت کرده است که یکی از یاران ما در نامه ای توسط احمد بن اسحاق به امام علی بن محمد عسکری علیهما السلام نوشت که: آیا جایز است که من به یکی از برادرانم دو درهم یا سه درهم از بابت زکات تقدیم دارم؟ پس امام علیه السلام نوشت: برای چگونه عمل کن *إِنْ شَاءَ اللَّهُ*. و درباره مقدم داشتن زکات و بتأخیر افکندن آن به چهار ماه یا به شش ماه روایتی آمده است، الا اینکه مقصود از آن روایت این است که چون زکات بر تو واجب شود آنرا پردازی و برای تو جایز نیست که آنرا مقدم داری یا بتأخیر افکنی، زیرا که آن قرین نماز است، و بجا آوردن نماز قبل از فرا رسیدن وقت یا بعد از سپری شدن وقت جایز نیست، مگر آنکه به عنوان قضا باشد، و زکات نیز همینگونه است، پس اگر خوش داشته باشی که چیزی از زکات مالت را به منظور گشایش کار مؤمنی پیش از وقت پردازی، آنرا به صورت وامی بر ذمه او پرداز، و چون زمان پرداختن زکات فرا رسد آنرا به عنوان زکات با او احتساب کن، تا هم در حساب زکات مالت محسوب شود، و هم ثواب وام دادن برایت نوشته گردد.

② ۱۶۰۱- و از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: خوب

الْقَرْضُ إِنْ أُيسِّرَ قَضَاكَ وَإِنْ أَعْسَرَ حَسَبْتُهُ مِنَ الزَّكَاةِ».

۱۶۰۲- وَرَوِي «أَنَّ الْقَرْضَ جَمِیُّ لِلزَّكَاةِ».

وَإِنْ كَانَ لَكَ عَلَى رَجُلٍ مَالٌ وَلَمْ يَنْتَهَئِ لَكَ قَضَاؤُهُ فَأَخْصِبْهُ مِنَ الزَّكَاةِ إِنْ

بُشِتَ.

وَلَا بَأْسَ أَنْ يَشْتَرِيَ الرَّجُلُ مَمْلُوكًا مُؤْمِنًا مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ قَبْعِيَّةً، فَإِنْ اسْتَفَادَ

الْمَمْتُوقُ مَالًا وَمَاتَ فَمَالُهُ لِأَهْلِ الزَّكَاةِ لِأَنَّهُ اشْتَرَى بِمَالِهِمْ.

وَإِنْ اشْتَرَى رَجُلٌ أَبَاهُ مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ فَأَعْتَقَهُ فَهُوَ جَائِزٌ.

وَإِذَا مَاتَ رَجُلٌ مُؤْمِنٌ وَأَخْبِثَ أَنْ تُكْفِيَهُ مِنْ زَكَاةٍ مَالِكَ فَأَعْطَاهَا وَرَثَتُهُ

يُكْفِيُونَهُ بِهَا، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَرَثَةٌ فَكْفِيَهُ وَأَخْصِبْهُ مِنَ الزَّكَاةِ، فَإِنْ أَعْطَى وَرَثَتُهُ قَوْمٌ

آخَرُونَ ثَمَنَ كَفَنِ فَكْفِيَهُ أَنْتَ وَأَخْصِبْهُ مِنَ الزَّكَاةِ إِنْ بُشِتَ وَيَكُونُ مَا أُعْطَاهُمُ الْقَوْمُ

چیز نیست وام دادن، اگر وامدار ممکن داشته باشد، آنرا به تو می پردازد و اگر دچار دست تنگی شود آنرا به عنوان زکات با او حساب میکنی.

۱۶۰۲- و روایت شده است که: «وام خود نگهدارنده مال و پشتیبان زکات است و اگر مالی بر ذمه کسی داشته باشی و امکان وصول آنرا نیابی، پس اگر بخواهی آنرا بابت زکات محسوب دار.

و با کسی نیست که شخص، برده مؤمنی را از محل زکات مال خود بخرد، و آزاد سازد، و در اینصورت اگر آن برده آزاد شده مالی بدست آورد و بمبرد، مال او متعلق به اهل زکات است، زیرا برده با صرف مال ایشان خریده شده است. و اگر کسی پدر خود را از زکات مالش بخرد و آزاد کند، عمل او جایز است.

و چون شخص مؤمنی بمبرد، و تو خوش داشته باشی که او را از محل زکات مالت کفن کنی پس آن زکات را به ورثه او عطا کن، تا او را با آن کفن کنند، و در صورتیکه وارثی نداشته باشد، تو خود او را کفن کن، و آنرا به حساب زکات بگذار، و اگر دیگران بهای کفنی را به ورثه او دادند، پس تو اگر خواستی او را کفن کن و آنرا

لَهُمْ، يُضْلِحُونَ بِهِ شُؤْنَهُمْ، وَإِنْ كَانَ عَلَى الْمَيِّتِ دَيْنٌ لَمْ يَلْزَمْ وَرَثَتُهُ قَضَاؤُهُ مِمَّا
أَعْظَمَتْهُمْ وَلَا مِمَّا أَعْطَاهُمُ الْقَوْمُ لِأَنَّهُ لَيْسَ بِمِيرَاثٍ وَإِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ صَارَ لَوَرَثَتِهِ بَعْدَ
مَوْتِهِ.

وَإِذَا كَانَ مَالُكَ فِي تِجَارَةٍ وَطَلِبَ مِنْكَ الْمَتَاعَ بِرَأْسِ مَالِكَ وَلَمْ تَبِعْهُ تَبَتَّعِي
بِذَلِكَ الْفَضْلَ فَقَلْبُكَ زَكَاةُ إِذَا حَانَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ، وَإِنْ لَمْ يُطْلَبْ مِنْكَ الْمَتَاعُ بِرَأْسِ
مَالِكَ فَلَيْسَ عَلَيْكَ زَكَاةُ.

وَإِنْ غَابَ عَنْكَ مَالُكَ فَلَيْسَ زَكَاةُ إِلَى أَنْ يَرْجِعَ إِلَيْكَ مَالُكَ وَيَحُولَ عَلَيْهِ
الْحَوْلُ وَهُوَ فِي يَدِكَ، إِلَّا يَكُونُ مَالُكَ عَلَى رَجُلٍ مَتَى أَرَدْتَ أَخْذَهُ مِنْهُ تَهَيَّأْ لَكَ فَإِنْ
عَلَيْكَ فِيهِ الزَّكَاةُ، فَإِنْ رَجَعَ إِلَيْكَ مَنَّفَعْتُهُ لَزِمَتْكَ زَكَاةُ.

وَإِنْ بَعَثَ شَيْئاً وَفُتِّصَتْ تَمَنَّتْ فَأَشْرَطْتَ عَلَى الْمُشْتَرِي زَكَاةَ سَنَةِ أَوْ سَنَتَيْنِ

در حساب زکات منظور کن، و در اینصورت آنچه دیگران به ورثه پرداخته باشند متعلق
به ایشان است، تا به وسیله آن امور زندگی خود را سامان دهند. و اگر شخص متوفی
وامی بر ذمه داشته باشد ورثه ملتزم نیستند که از آنچه تو یا دیگران به ایشان داده اید
وام او را بپردازند، زیرا این وجه، جزء میراث نیست، بلکه چیزی است که بعد از
وفات متوفی به ورثه او رسیده است.

و در صورتیکه مالی تو در جریان تجارت باشد، و خریداران از تو بخواهند که
آن کالا را به رأس المال خود بفروشی، و توبه امید تحصیل منفعتی آنرا نفروختی، و در
این حال، سال بر آن مال حلول کرد، زکات آن بر ذمه تو است. ولی اگر کسی آن
کالا را در برابر رأس المال از تو نخواست، در اینصورت زکات آن بر ذمه تو نیست.

و اگر مالت از تو غائب شود، (و درآمد آن هم به تو نرسد) در اینصورت زکات
آن بر تو نیست، تا وقتی که آن مال بتوبازگردد، و در آن حال که مال در دست تو
باشد سال بر آن حلول کند مگر آنکه مالی تو بر عهده کسی باشد که هر زمان اراده
کنی بتوانی آنرا بگیری، که در اینصورت زکات آن بر ذمه تو است. پس اگر منفعت آن
به توبازگردد زکات آن بر تو لازم است.

أَوْ أَكْثَرَ فَإِنَّ ذَلِكَ جَائِزٌ يُلْزَمُهُ مِنْ ذُنُوبِكَ.

وَإِنْ اسْتَعْرَضْتَ مِنْ رَجُلٍ مَالًا وَبَقِيَ عِنْدَكَ حَتَّى حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَإِنَّ عَلَيْكَ فِيهِ الزَّكَاةَ.

وَلَا تُعْطَى زَكَاةُ مَا لَكَ غَيْرَ أَهْلِ الْوَلَايَةِ، وَلَا تُعْطَى مِنْ أَهْلِ الْوَلَايَةِ الْأَبْوَيْنِ وَالْوَلَدَ وَلَا الزَّوْجَ وَلَا الزَّوْجَةَ وَلَا الْمَمْلُوكَ وَلَا الْجَدَّ وَلَا الْجَدَّةَ وَكُلُّ مَنْ يُجْبَرُ الرَّجُلُ عَلَى تَفَقُّيهِ، وَلَا بَأْسَ أَنْ يُعْطَى الْأَخُ وَالْعَمُّ وَالْعَمَّةُ وَالْخَالَ وَالْخَالَةُ مِنَ الزَّكَاةِ.

[صَدَقَةُ الْإِنْعَامِ]

۱۶۰۳- وَقَالَ زُرَّارَةُ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَجُلٌ عِنْدَهُ مِائَةٌ وَتِسْعَةٌ وَتِسْعُونَ دِرْهَمًا وَتِسْعَةٌ عَشَرَ دِينَارًا أَيْزَكِيهَا؟ فَقَالَ: لَا لَيْسَ عَلَيْهِ زَكَاةٌ فِي الدَّرَاهِمِ وَلَا فِي الدُّنَانِيرِ حَتَّى تَيْتَمَّ. قَالَ زُرَّارَةُ: وَكَذَلِكَ هُوَ فِي جَمِيعِ الْأَشْيَاءِ.

(N) و اگر چیزی را بفروشی و بهای آنرا دریافت کنی، و با مشتری شرط کنی که زکات یک سال یا دو سال یا بیشتر را بپردازد، این امر جایز است، و در این حال زکات بر ذمه او است نه بر ذمه تو. و اگر مالی را از کسی به وام بستانی، و آن مال نزد تو بماند تا سال بر آن حلول کند، زکات آن بر ذمه تو است.

و زکات مال خود را به غیر اهل ولایت مده، و در میان اهل ولایت نیز به پدر و مادر و فرزند و شوهر و زن و مملوک و جد و جدّه و هر کسی که واجب النفقه شخص باشد پرداخت مکن. ولی پرداختن زکات به برادر و خواهر، عم و عمّه، خالو و خاله بلامانع است.

[زکات انعام]

(۵) ۱۶۰۳- زراره گفت: به امام صادق علیه السلام معروض داشتم که: شخصی صد و نود و نه درهم و نوزده دینار دارد، آیا باید زکات آنرا بدهد؟ امام فرمود: نه. او نه از بابت دراهم زکاتی بر ذمه دارد، و نه از بابت دنانیر، مگر زمانی که به حدّ

قَالَ: وَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: رَجُلٌ كَانَتْ عِنْدَهُ أَرْبَعُ أَيْتِيٍّ وَتِسْعَةٌ وَثَلَاثُونَ شَاةً، وَتِسْعَةٌ وَعِشْرُونَ بَقَرَةً أُبْرَكِيهِنَّ؟ قَالَ: لَا يُرْكِي شَيْئاً مِنْهُنَّ لِأَنَّهُ لَيْسَ شَيْءٌ مِنْهُنَّ تَاماً فَلَيْسَ تَجِبُ فِيهِ الزَّكَاةُ».

۱۶۰۴ - وَرَوَى عُمَرُ بْنُ أَدِيْنَةَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَيْسَ فِيهَا دُونَ الْخُمْسِ مِنَ الْإِبِلِ شَيْءٌ، فَإِذَا كَانَتْ خُمُساً فِيهَا شَاةٌ إِلَى عَشْرِ، فَإِذَا كَانَتْ عَشْراً فِيهَا شَاتَانِ، فَإِذَا بَلَغَتْ خُمْسَ عَشْرَةٍ فَفِيهَا ثَلَاثٌ مِنَ الْغَنَمِ، فَإِذَا بَلَغَتْ عِشْرِينَ فَفِيهَا أَرْبَعٌ مِنَ الْغَنَمِ، فَإِذَا بَلَغَتْ خُمُساً وَعِشْرِينَ فَفِيهَا خُمْسٌ مِنَ الْغَنَمِ، فَإِذَا زَادَتْ وَاجِدَةً فِيهَا ابْنَةُ مَخَاضٍ إِلَى خُمْسٍ وَثَلَاثِينَ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ عِنْدَهُ ابْنَةُ مَخَاضٍ فَابْنُ لَبُونٍ ذَكَرٌ، فَإِذَا زَادَتْ عَلَى خُمْسٍ وَثَلَاثِينَ بِوَاجِدَةٍ

نصاب برسد، زرارہ گفت: و این حکم در مورد همگی اشیاء نافذ است.

راوی گفت: به امام صادق علیه السلام معروض داشتم که شخصی چهار ماده شتر و سی و نه گوسفند، و بیست و نه گاو دارد، آیا باید زکات آنرا بدهد؟ امام فرمود: از بابت هیچکدام زکاتی نمی پردازد، زیرا هیچیک از آنها به حد نصاب نرسیده است. و به همین جهت زکاتی در آن واجب نیست.

۱۶۰۴ - و عمر بن اذینه، از زرارہ، از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: به کمتر از پنج شتر چیزی تعلق نمیگیرد، پس چون به پنج رسید، یک گوسفند در آن واجب میشود، پس چون به ده شتر رسید دو گوسفند و چون به پانزده بالغ شد سه گوسفند در آن واجب می شود، و چون به بیست رسید چهار گوسفند و چنانچه به بیست و پنج رسید پنج گوسفند به آن تعلق میگیرد، هنگامیکه یک شتر بر این شمار افزوده شد «بنت مخاض»^۱ در آن لازم میآید تا به سی و پنج بالغ شود. پس اگر بنت مخاضی در اختیار نداشت «ابن لبون»^۲ نری بجای آن قرار میگیرد، و چون یک شتر بر سی و پنج شتر افزوده شد «بنت لبون» در آن لازم می آید تا به چهل و پنج برآید، پس چنانچه یک شتر بر آن افزوده شد، «حِقَّة»^۳ ای به آن تعلق میگیرد تا به

(۱) ال (۳) این صفحه و (۴) صفحه بعد نام شتر در سالهای زندگیش در حدیث ۱۶۰۶ آمده است.

فَفيها ابنة لبون إلى خمس وأربعين، فإذا زادت واحدة ففيها حقة (وإنما سويت حقة لأنها استحققت أن يركب ظهرها) إلى ستين فإن زادت واحدة ففيها جذعة إلى خمس وسبعين، فإن زادت واحدة ففيها ابنة لبون إلى تسعين، فإن زادت واحدة فحقتان إلى عشرين ومائة، فإن زادت على العشرين والمائة واحدة ففي كل خمسين حقة وفي كل أربعين بنت لبون.

وكل من وجبت عليه جذعة ولم تكن عنده حقة دفعها ودفع معها شاتين أو عشرين درهماً، ومن وجبت عليه حقة ولم تكن عنده جذعة دفعها وأخذ من المصدق شاتين أو عشرين درهماً، ومن وجبت عليه حقة ولم تكن عنده وكانت عنده ابنة لبون دفعها ودفع معها شاتين أو عشرين درهماً، ومن وجبت عليه ابنة لبون ولم

شصت برسد (و آن حقه نامیده شده از آن جهت که میتوان از او سواری گرفت). و چون یکی بر این شمار اضافه شود، دو بنت لبون در آن واجب می شود تا به نود شتر بالغ گردد و هنگامیکه یک شتر بر آن افزوده شد، باید دو حقه پرداخت شود تا شمار اشتران به یکصد و بیست برآید، پس اگر یک شتر بر این تعداد افزون شد، می باید از هر پنجاه شتر، حقه ای و از هر چهل شتر بنت لبونی به عنوان زکات تأدیه گردد.

⑤ و کسی که «جذعه» ای بر او واجب شود و آنرا در اختیار نداشته باشد و حقه ای نزد او باشد، همان حقه را پرداخته و دو گوسفند یا بیست درهم نقد همراه آن می سازد.

و کسیکه حقه ای بر او واجب گردد، و آنرا واجد نباشد، و به جای آن جذعه ای در اختیار داشته باشد، همان جذعه را تسلیم میکند، و از مأمور جمع آوری زکات دو گوسفند یا بیست درهم دریافت مینماید. و کسیکه حقه ای بر او واجب شود، و آنرا در اختیار نداشته باشد، و بجای آن واجد بنت لبونی باشد، همان بنت لبون را تأدیه میکند و دو گوسفند یا بیست درهم نقد ضمیمه آن میسازد، و کسیکه میباید بنت لبونی تأدیه کند، و واجد آن نباشد، و بجای آن حقه ای نزد او باشد همان حقه را تقدیم میدارد، و مأمور زکات دو گوسفند یا بیست درهم به او می پردازد. و کسیکه

تَكُنْ عِنْدَهُ وَكَانَتْ عِنْدَهُ حِقَّةٌ دَفَعَهَا وَأَعْطَاهُ الْمُصَدَّقُ شَاتَيْنِ أَوْ عَشْرَيْنِ دِرْهَمًا، وَمَنْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ ابْنَةُ لَبُونٍ وَلَمْ تَكُنْ عِنْدَهُ وَكَانَتْ عِنْدَهُ ابْنَةُ مَخَاضٍ دَفَعَهَا وَأَعْطَى مَعَهَا شَاتَيْنِ أَوْ عَشْرَيْنِ دِرْهَمًا، وَمَنْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ ابْنَةُ مَخَاضٍ وَلَمْ تَكُنْ عِنْدَهُ وَكَانَتْ عِنْدَهُ ابْنَةُ لَبُونٍ دَفَعَهَا وَأَعْطَاهُ الْمُصَدَّقُ شَاتَيْنِ أَوْ عَشْرَيْنِ دِرْهَمًا، وَمَنْ وَجَبَتْ عَلَيْهِ ابْنَةُ مَخَاضٍ وَلَمْ تَكُنْ عِنْدَهُ وَكَانَ عِنْدَهُ ابْنُ لَبُونٍ ذَكَرٌ فَإِنَّهُ يَقْبَلُ مِنْهُ ابْنُ لَبُونٍ وَلَيْسَ يَدْفَعُ مَعَهُ شَيْئًا.

۱۶۰۵ - وَرُوِيَ عَنْ رَجُلٍ مِنْ ثَقِيفٍ أَنَّهُ قَالَ: «اسْتَعْمَلَنِي عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى بَانِقِيَا وَسَوَادِ الْكُوفَةِ فَقَالَ لِي وَالنَّاسُ حُضُورٌ: «انْظُرْ خَرَجَكَ فَجِدْ فِيهِ وَلَا تَتْرُكْ مِنْهُ دِرْهَمًا، فَإِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَتَوَجَّعَ إِلَى عَمَلِكَ فَمُرِّي، قَالَ: فَأَتَيْتُهُ فَقَالَ لِي: إِنَّ الَّذِي سَمِعْتَهُ مِنِّي خُدْعَةٌ إِيَّاكَ أَنْ تَضْرِبَ مُسْلِمًا أَوْ يَهُودِيًّا أَوْ نَصْرَانِيًّا فِي

بنت لبونی بر ذمه دارد، و آنرا در اختیار نداشته باشد، و در عوض بنت مخاضی داشته باشد همان بنت مخاض را تسلیم میکند، و دو گوسفند یا بیست درهم به آن می افزاید، و کسیکه میباید بنت مخاضی تأدیه کند، و واجد آن نباشد، و در عوض بنت لبونی نزد او باشد، همان بنت لبون را تسلیم میکند، و دو گوسفند یا بیست درهم نقد از مأمور دریافت مینماید. و کسیکه به پرداخت بنت مخاضی ملزم است، و آن را واجد نیست، بلکه ابن لبونی دارد، همان ابن لبون از او پذیرفته میشود، و چیزی ضمیمه آن نمی سازد.

① ۱۶۰۵ - و از مردی از طایفه ثقیف روایت شده است که گفت: علی بن ابیطالب علیه السلام مرا به حکومت «بانقیّا»^۱ و بخشی از روستاهای کوفه بگماشت، و در حضور جمع مردمان مرا گفت: در خراج خود بنگر، پس درباره آن بکوش، و درهمی از آنرا وامگذار، و چون آهنگ سفر به محلّ مأموریتت کردی بر من بگذر، گفت: پس به نزد او شدم، و او مرا گفت: آنچه از من شنیدی تدبیری و بنا به مصلحتی بود، زنهار از آنکه مسلمانی یا یهودی یا نصرانی را در خصوص درهم خراجی

(۱) بانقیّا چنانکه قاموس گفته قریه ای از قراو کوفه است.

درهم خراج، أو تبیع دَابَّةَ عَمَلٍ فِي دِرْهَمٍ فَإِنَّا أَمَرْنَا أَنْ نَأْخُذَ مِنْهُ الْعَفْوَ».

۱۶۰۶- وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا تُبَاعُ الصَّدَقَةُ حَتَّى تُعْقَلَ».

قَالَ مُصَنَّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللَّهُ -: أَشْنَانُ الْإِبِلِ: مِنْ أَوَّلِ مَا تَقَرَّحُهُ أُمُّهُ إِلَى تَعَامِ السَّنَةِ حُورًا، فَإِذَا دَخَلَ فِي الثَّانِيَةِ سُمِّيَ ابْنُ مَحَاضٍ لِأَنَّ أُمَّهُ قَدْ حَمَلَتْ، فَإِذَا دَخَلَ فِي الثَّالِثَةِ سُمِّيَ ابْنُ لَبُونٍ، وَذَلِكَ أَنَّ أُمَّهُ قَدْ وَضَعَتْ وَصَارَ لَهَا لَبَنٌ، فَإِذَا دَخَلَ فِي الرَّابِعَةِ سُمِّيَ الذَّكَرُ جَعًا وَالْأُنْثَى حِقَّةً لِأَنَّهُ قَدِ اسْتَحَقَّ أَنْ يُحْمَلَ عَلَيْهِ، فَإِذَا دَخَلَ فِي الْخَامِسَةِ سُمِّيَ جَذَعًا، فَإِذَا دَخَلَ فِي السَّادِسَةِ سُمِّيَ ثَنِيًّا لِأَنَّهُ أَلْقَى ثَنِيَّتَهُ، فَإِذَا دَخَلَ فِي السَّابِعَةِ أَلْقَى رِبَاعِيَّتَهُ وَسُمِّيَ رِبَاعًا، فَإِذَا دَخَلَ فِي الثَّامِنَةِ أَلْقَى السِّنَّ الَّتِي بَعْدَ الرَّبَاعِيَّةِ وَسُمِّيَ سَدِيسًا، فَإِذَا دَخَلَ فِي التَّاسِعَةِ فَظَرَّ نَابَةً وَسُمِّيَ بَازِلًا

مضروب سازی! یا چهار پای وسیله کار کسی را برای دریافت درهمی بفروشی، زیرا که ما مأمور شده ایم که از مازاد نیازمندیهایش (زکات) دریافت کنیم.

۱۶۰۶- و امام علی علیه السلام فرمود: مال زکات پیش از آنکه دریافت گردد فروخته نمیشود.

مصنف این کتاب - رحمه الله - گوید: نام شتر در سالهای زندگی چنين است: شتر از نخستین زمانی که مادرش او را از خود جدا میسازد، تا پایان سال «حُور» نامیده میشود. پس چون به سال دوم درآمد ابن محاض نام دارد، زیرا که مادرش آبستن شده است. [و مؤنث آن بنت محاض یا ابنة محاض میباشد]. پس چون به سال سوم داخل شود، ابن لبون نام میگیرد و این بدان جهت است که مادرش وضع حمل کرده، و دارای شیر شده است آنگاه چون وارد سال چهارم گردد، نر آن حِقَّ و ماده اش حِقَّة نامیده میشود، زیرا که استحقاق و آمادگی سواری دادن و بار بردن را یافته است. و چون به سال پنجم درآمد، جَذَع خوانده میگردد. و پس از وارد شدن به سال ششم آنرا «ثَنِي» مینامند، زیرا که دندان «ثَنِيَّة» اش را انداخته است. و چون به سال هفتم داخل شود، دندان «رَبَاعِيَّة» اش را می اندازد و از اینجهت «رَبَاع» نامیده میشود. و با داخل شدن به سال هشتم دندان بعد از رُبَاعِيَّة را می افکند، و «سَدِيس» نام

فَإِذَا دَخَلَ فِي الْعَاشِرَةِ فَهُوَ مُخْلِفٌ وَ لَيْسَ لَهُ بَعْدَ هَذَا اسْمٌ.

وَالْأَشْنَانُ الَّتِي تَتَّخِذُ فِي الصَّدَقَةِ مِنْ ابْنِ مَخَاضٍ إِلَى الْجَذَعِ. وَ لَيْسَ عَلَى الْإِبِلِ الْعَوَامِلُ شَيْءٌ إِلَّا مَا ذَكَ عَلَى السَّائِمَةِ الرَّاعِيَّةِ، وَ فِي الْبُخْتِ السَّائِمَةِ مِثْلُ مَا فِي الْإِبِلِ الْقَرَبِيَِّّةِ.

وَ لَيْسَ عَلَى الْبَقَرِ شَيْءٌ حَتَّى يَبْلُغَ ثَلَاثِينَ بَقَرَةً، فَإِذَا بَلَغَتْ فِيهَا تَبِيعٌ حَوْلِيٌّ وَ لَيْسَ فِيهَا دُونَ الثَّلَاثِينَ بَقَرَةً شَيْءٌ، فَإِذَا بَلَغَتْ أَرْبَعِينَ بَقَرَةً فَفِيهَا مُسِنَّةٌ إِلَى سِتِّينَ فَإِذَا بَلَغَتْ سِتِّينَ فَفِيهَا تَبِيعَتَانِ إِلَى سَبْعِينَ، ثُمَّ فِيهَا تَبِيعَةٌ وَ مُسِنَّةٌ إِلَى ثَمَانِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ ثَمَانِينَ فَفِيهَا مُسِنَّتَانِ إِلَى تِسْعِينَ، فَإِذَا بَلَغَتْ تِسْعِينَ فَفِيهَا ثَلَاثُ تَبَايِعَ. فَإِذَا كَثُرَ الْبَقَرُ سَقَطَ هَذَا كُلُّهُ، وَ يُخْرَجُ صَاحِبُ الْبَقَرِ مِنْ كُلِّ ثَلَاثِينَ بَقَرَةً، تَبِيعًا وَ مِنْ كُلِّ أَرْبَعِينَ، مُسِنَّةٌ.

میگیرد. و چون به سالِ نهم درآید، نبشش ظاهر میشود، و «بازل» خوانده میشود. و زمانی که به سالِ دهم داخل شود «مُخْلِف» نامیده میگردد. و بعد از آن نامی ندارد و سالهائی که در زکاتِ شتر اخذ میشود از ابنِ مَخَاضٍ تا جَذَع است، و بر اشتران «عَوَامِل» - که در کشیدن آب و کارهائی از این قبیل مورد استفاده واقع میشوند - زکاتی نیست. بلکه احکامِ زکات بر اشترانی جاری است که از خاربنها و علفهای مراتع تغذیه میکنند. و احکامِ زکات در اشتران بُخْتِی - خراسانی - نیز همان است که در اشتران عربی تقریر شده است.

و گاو، زکاتی ندارد تا آنگاه که شمار آن به سی رأس برسد، پس چون به این نصاب رسید یک تبیع یعنی گوساله ای در سالِ اولِ زندگی اش به آن تعلق میگیرد، و در کمتر از سی گاو زکاتی نیست، و زکات آن از چهل گاو تا شصت رأس یک «مُسِنَّة» میباشد - یعنی گاوی که دندان برآورده باشد - و از شصت تا هفتاد، دو «تَبِيعه»، و از هفتاد تا هشتاد یک تبیع و یک مُسِنَّة، و از هشتاد تا نود، دو مُسِنَّة و از نود رأس سه تبیع است. پس چون شمار گاوها افزونی گیرد و تعدادشان به کثرت گراید، این احکام همگی ساقط میشود، و صاحب گاوها از هر سی رأس یک تبیع و از هر چهل

وَلَيْسَ فِي الْبَقَرِ الْعَوَامِلِ زَكَاةٌ إِنَّمَا الصَّدَقَاتُ عَلَى السَّائِمَةِ الرَّاعِيَةِ،
وَكُلُّ مَا لَمْ يَخْلُ عَلَيْهِ الْحَوْلُ عِنْدَ صَاحِبِهِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، فَإِذَا حَالَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَقَدْ
وَجَبَتْ عَلَيْهِ.

۱۶۰۷- وَ رَوَى حَرِيزٌ، عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ

لَهُ: فِي الْجَوَامِيسِ شَيْءٌ؟ قَالَ: مِثْلُ مَا فِي الْبَقَرِ».

وَلَيْسَ عَلَى الْغَنَمِ شَيْءٌ حَتَّى تَبْلُغَ أَرْبَعِينَ شَاةً فَإِذَا بَلَغَتْ أَرْبَعِينَ وَزَادَتْ
وَاحِدَةً فَفِيهَا شَاةٌ إِلَى عِشْرِينَ وَمِائَةٍ، فَإِنْ زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا شَاتَانِ إِلَى مِائَتَيْنِ، فَإِنْ
زَادَتْ وَاحِدَةً فَفِيهَا ثَلَاثُ شَيَاطٍ إِلَى ثَلَاثِ مِائَةٍ، فَإِذَا كَثُرَ الْغَنَمُ سَقَطَ هَذَا كُلُّهُ
وَ أَخْرَجَ مِنْ كُلِّ مِائَةٍ شَاةً.

وَيَقْصِدُ الْمُصَدِّقُ الْمَوْضِعَ الَّذِي فِيهِ الْغَنَمُ فَيُنَادِي: يَا مَعْشَرَ الْمُسْلِمِينَ هَلْ لَكُمْ

رأس یک مسنه تأدیه میکند.

① و در گاوهای عوامل - که در حبش زدن و آب کشیدن و امثال آن به کار
گرفته میشوند - زکاتی نیست، و زکات، تنها بر گاوهای است که از علفهای مراتع تغذیه
میکنند. و هر گاو که در حوزه صاحبش سال بر آن نگذاشته باشد چیزی بر آن نیست،
پس چون سال بر آن بگذرد مشمول وجوب زکات است.

② ۱۶۰۷- و حریز، از زراره، از امام ابوجعفر علیه السلام روایت کرده است،
که گفت: به آن امام عرض کردم: در گاومیشها چیزی - یعنی زکاتی - هست؟ فرمود:
بماند چیزی که در گاو است.

و بر گوسفند چیزی نیست تا به چهل عدد برآید، پس چون به چهل رسید، و
یکی بر آن بیفزود، زکات آن یک گوسفند است، تا آنگاه که به صد و بیست عدد
برآید، پس اگر یک رأس بر آن افزوده شد، زکات آن دو گوسفند است، تا آنگاه که به
دویست عدد برآید، پس اگر یک رأس بر آن افزوده شد، زکات آن سه گوسفند است،
تا آنگاه که به سیصد عدد برآید. پس چون شمار گوسفندان به کثرت گراید، این
احکام همگی ساقط میشود، و از هر صد رأس یک گوسفند تأدیه میکند.

عَزَّوَجَلَّ فِي أَمْوَالِكُمْ حَقٌّ؟ فَإِنْ قَالُوا: نَعَمْ أَمْرًا يُخْرَجُ إِلَيْهِ الْغَنَمُ، وَيُفْرَقُهَا فِرْقَتَيْنِ وَيُخَيَّرُ صَاحِبُ الْغَنَمِ إِحْدَى الْفِرْقَتَيْنِ وَيَأْخُذُ الْمُصَدَّقُ صَدَقَتَهَا مِنَ الْفِرْقَةِ الثَّانِيَةِ، فَإِنْ أَحَبَّ صَاحِبُ الْغَنَمِ أَنْ يَتْرُكَ الْمُصَدَّقُ لَهُ هَذِهِ، فَلَهُ ذَلِكَ وَيَأْخُذُ غَيْرَهَا فَإِنْ أَحَبَّ صَاحِبُ الْغَنَمِ أَنْ يَتْرُكَ هَذِهِ وَيَأْخُذَ هَذِهِ أَيْضًا فَلَيْسَ لَهُ ذَلِكَ، وَلَا يُفْرَقُ الْمُصَدَّقُ بَيْنَ غَنَمٍ مُجْتَمِعٍ وَلَا يَجْمَعُ بَيْنَ مُتَفَرِّقٍ.

۱۶۰۸ - وَ رَوَى عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ

قَالَ: «لَيْسَ فِي الْأَكِيلَةِ وَلَا فِي الرُّبَى - الَّتِي تَرْبِي الثَّنَائِينَ - وَلَا شَاوِلَيْنِ وَلَا فَحْلٍ الْغَنَمِ صَدَقَةٌ».

۱۶۰۹ - وَ فِي رِوَايَةِ سَاعَةَ قَالَ: «لَا تُؤْخَذُ الْأَكُولَةُ - وَالْأَكُولَةُ، الْكَبِيرَةُ

⑤ و ترتیب اخذ زکات و گوسفندان چنین است که عامل زکات به محلّ گرد آمدن آنها میرود، و بانگ بر می آورد که: ای گروه مسلمانان، آیا خدای عزوجل را در اموال شما حقی هست؟ پس اگر گفتند: آری، فرمان میدهد تا گوسفندان را بسوی او برآورند، و آنها را به دو دسته تقسیم میکند، و به صاحب آنها اختیار میدهد تا یکی از آن دو دسته را برای خود بگذارد، و عامل صدقات زکات خود را از دسته دوم میستانند. و در صورتیکه مالکی چهل رأس گوسفند در یک محلّ، و چهل رأس دیگر در محلّی دورتر داشته باشد، عامل زکات حق ندارد که از هر کدام آنها گوسفندی به رسم زکات بستاند، بلکه باید از مجموع آنها یک رأس بستاند - زیرا که هریک از آن دو دسته به نصاب دوم نرسیده است - و همچنین در صورتیکه گوسفندان دو مالک به هم آمیخته شوند، و مال هریک از آن دو به حدّ نصاب نرسد، و مجموع آنها به نصاب برسد، عامل زکات حق ندارد که از هر کدام آنها گوسفندی بستاند.

⑥ ۱۶۰۸ - وَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ حَجَّاجٍ از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: در گوسفند پروراری، و در آن گوسفند تازه زا - که دوبره را پرورش میدهد - و آن گوسفندی که آنرا برای استفاده از شیرش در خانه بسته اند، و در فحل گوسفندان زکاتی نیست.

مِنْ الشَّاةِ تَكُونُ فِي الْغَنَمِ - وَلَا وَالِدَ، وَلَا الْكَبِشُ الْفَحْلُ».

۱۶۱۰ - وَ سَأَلَهُ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ «عَنِ السَّخْلِ مَتَى تَجِبُ فِيهِ الصَّدَقَةُ؟

قَالَ: إِذَا أُجْذِعَ».

[ضَمَانُ الْمُرْكَمِ، وَزَكَاةُ النَّقْدَيْنِ، وَمُسْتَحِقُّ الزَّكَاةِ]

۱۶۱۱ - وَقَالَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ بَنِي تَغْلِبَ أَيْفُوا مِنَ الْجَزِيَّةِ وَسَأَلُوا

عُمَرَ أَنْ يُغْفِيَهُمْ فَخَشِيَ أَنْ يُلْحَقُوا بِالرُّومِ فَصَالَحَهُمْ عَلَى أَنْ صَرَفَ ذَلِكَ عَنْ رُؤُوسِهِمْ وَصَاعَفَ عَلَيْهِمُ الصَّدَقَةَ فَرَضُوا بِذَلِكَ فَقَعَبَهُمْ مَا صَالَحُوا عَلَيْهِ وَرَضُوا بِهِ إِلَى أَنْ يَظْهَرَ الْحَقُّ».

۱۶۱۲ - وَ سَأَلَهُ يَعْقُوبُ بْنُ شُعَيْبٍ «عَنِ الْعُشُورِ الَّتِي تُؤْخَذُ مِنَ الرَّجُلِ

۱۶۰۹ - و در روایت سماعه آمده است که فرمود: اگوله (پرورار) بابت زکات گرفته نمی‌شود - و مراد گوسفندی است که برای خوراک زمستانی می‌پرورانند) - و نیز گوسفند نر و قوچ را که در گله است نمی‌ستانند.

۱۶۱۰ - و اسحاق بن عمار از آن امام علیه السلام درباره سخل - یعنی بره - سؤال کرد که: چه وقت زکات بر آن واجب می‌شود؟ فرمود: زمانی که مبدل به «جذع» شود - یعنی به هفت ماهگی برسد و بنا به قول صاحب قاموس به سال دوم داخل شود -.

[ضمانت دریافت کننده زکات، و زکات نقدین و مستحق زکات]

۱۶۱۱ - و امام علی بن موسی الرضا علیهما السلام فرمود: قبیله بنی تغلب از ادای جزیه ابراء داشتند، و از عمر خواستند که ایشان را از دادن آن معاف دارد، چون عمر از آن ترسید که آن قبیله به دولت روم پیوندند، پس برای گونه با ایشان مصالحه کرد که جزیه را از افرادشان بازگرفت، و زکاتشان را مضاعف ساخت، و ایشان به این کار راضی شدند، پس حکم این مصالحه که آنرا پذیرفتند و به آن رضایت دادند بر ایشان نافذ است، تا زمانی که حق ظاهر گردد.

۱۶۱۲ - و یعقوب بن شعیب از آن امام علیه السلام سؤال کرد که: آیا آن

يَخْتِيبُ بِهَا مِنْ زَكَاةٍ؟ قَالَ: نَعَمْ إِنْ شَاءَ».

۱۶۱۳- وَ رَوَى الشَّكُونِيُّ عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ آبَائِهِ، عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: «مَا أَخَذَ مِنْكَ الْغَنَائِرُ فَطَرَحَهُ فِي كُوزِهِ فَهُوَ مِنْ زَكَاةِكَ، وَمَا لَمْ يَطْرَحْ فِي الْكُوزِ فَلَا تَحْسِبْهُ مِنْ زَكَاةِكَ».

۱۶۱۴- وَ رَوَى سَمَاعَةُ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: «الرَّجُلُ يُخَلِّفُ لِأَهْلِهِ نَفَقَةً ثَلَاثَةَ آلَافٍ دِرْهَمٍ نَفَقَةً سَنَتَيْنِ عَلَيْهِ زَكَاةٌ؟ قَالَ: إِنْ كَانَ شَاهِدًا فَقَلْبُهُ زَكَاةٌ وَإِنْ كَانَ غَائِبًا فَلَيْسَ فِيهَا شَيْءٌ».

۱۶۱۵- وَ سَأَلَهُ مُحَمَّدُ بْنُ الثُّغَمَانِ الْأَخْوَلُ «عَنْ رَجُلٍ عَجَلَ زَكَاةَ مَالِهِ، ثُمَّ أَيْسَرَ الْمُعْطَى قَبْلَ رَأْسِ السَّنَةِ؟ قَالَ: يُعِيدُ الْمُعْطَى الزَّكَاةَ».

۱۶۱۶- وَ سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ رَجُلٍ أُعْطِيَ زَكَاةَ مَالِهِ رَجُلًا وَهُوَ يَرَى

عشوری که از شخص میگیرند، از زکات او محسوب میشود؟ فرمود: آری، اگر بخواهد. (۱) ۱۶۱۳- و سکونی از امام جعفر بن محمد علیهما السلام، از پدرانش، از امام علی علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: چیزی که مأمور مالیات عشاریه از تو گرفت و آنرا در کوزه انداخت، از زکات تو است، و چیزی که در کوزه نینداخت آنرا از زکات خود به حساب میاور.

(۲) ۱۶۱۴- و سماعه از ابوبصیر روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام معروض داشتم که: شخصی سه هزار درهم برای هزینه امور معاش دو ساله خانواده اش اندوخته میسازد، آیا زکات بر ذمه او تعلق میگیرد؟ فرمود: اگر خود او حاضر بوده زکات بر ذمه دارد، و اگر غائب بوده زکاتی به آن اندوخته تعلق نمیگیرد.

(۳) ۱۶۱۵- و محمد بن نعمان احول درباره کسی از آن امام سؤال کرد که در پرداختن زکات مال خود شتاب کرده، و پس از آن کسیکه زکات به او داده شده پیش از فرا رسیدن سر سال به توانگری رسیده است - بنابراین حکم این مسأله چیست؟ -

امام علیه السلام فرمود: کسیکه زکات را به او داده از نو آنرا باز میپردازد.

(۴) ۱۶۱۶- و از آن امام علیه السلام درباره کسی سؤال کردند که زکات مال

أَنَّهُ مُعِيرٌ قَوَّجَهُ مُوسِرًا؟ قَالَ: لَا يُخْزِي عَنْهُ.

۱۶۱۷- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ لَهُ: «رَجُلٌ بَعَثَ بِزَكَاةٍ مَالِهِ لِيُقَسَّمَ فَضَاعَتْ، هَلْ عَلَيْهِ ضَمَانُهَا حَتَّى تُقَسَّمَ؟ فَقَالَ: إِذَا وَجَدَ لَهَا مَوْضِعًا فَلَمْ يَدْفَعْهَا فَهُوَ لَهَا ضَامِنٌ حَتَّى يَدْفَعَهَا، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ لَهَا مَنْ يَدْفَعُهَا إِلَيْهِ فَبَعَثَ بِهَا إِلَى أَهْلِهَا فَلَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانُهَا لِأَنَّهَا قَدْ خَرَجَتْ مِنْ يَدِهِ، وَكَذَلِكَ الْوَصِيُّ الَّذِي يُوصَى إِلَيْهِ يَكُونُ ضَامِنًا لَهَا دَفْعَ إِلَيْهِ إِذَا وَجَدَ رَبَّهُ الَّذِي أَمَرَ بِدَفْعِهِ إِلَيْهِ، فَإِنْ لَمْ يَجِدْ فَلَيْسَ عَلَيْهِ ضَمَانٌ».

۱۶۱۸- وَ رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا أَخْرَجَ الرَّجُلُ الزَّكَاةَ مِنْ مَالِهِ ثُمَّ سَمَّاها لِقَوْمٍ فَضَاعَتْ أَوْ أُرْسِلَ بِهَا إِلَيْهِمْ فَضَاعَتْ، فَلَا

خود را به شخصی داده که او را دست تنگ می پنداشته، ولی بعداً او را توانگر یافته است ؟

امام فرمود: آنچه به رسم زکات به او داده دمه اش را بری نمیسازد.

۱۶۱۷- وَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ رَوَى عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا أَخْرَجَ الرَّجُلُ الزَّكَاةَ مِنْ مَالِهِ ثُمَّ سَمَّاها لِقَوْمٍ فَضَاعَتْ أَوْ أُرْسِلَ بِهَا إِلَيْهِمْ فَضَاعَتْ، فَلَا خَرَجَ عَلَيْهَا».

در باره کسی سؤال کرده است که زکات مال خود را فرستاده است تا تقسیم شود، ولی در این میان تلف شده است. در این صورت آیا ضمانت آن تا مرحله تقسیم شدن برعهده او خواهد بود؟ امام فرمود: در صورتیکه موردی برای پرداختن زکات یافته است، و آنرا نپرداخته و بجای دیگر فرستاده است، ضامن است، ولی اگر کسی را نیافته است که به او بپردازد، و به این جهت آنرا برای اهل و مستحقینش فرستاده است ضامن نیست، زیرا در این صورت مال از دست او بیرون بوده است.

و همچنین شخص وصی که به او وصیت کنند که مالی را به کسی بدهد، هرگاه شخص مورد وصیت را بیابد و در دادن مال تعلل کند تا تلف شود ضامن است، ولی اگر او را نیابد ضامن نیست.

۱۶۱۸- وَ أَبُو بَصِيرٍ رَوَى عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا أَخْرَجَ الرَّجُلُ الزَّكَاةَ مِنْ مَالِهِ ثُمَّ سَمَّاها لِقَوْمٍ فَضَاعَتْ أَوْ أُرْسِلَ بِهَا إِلَيْهِمْ فَضَاعَتْ، فَلَا خَرَجَ عَلَيْهَا».

فرمود: هرگاه شخص زکات را از مال خود جدا کند، و آنگاه آنرا بنام قومی نامگذاری

شَيْءٌ عَلَيْهِ».

۱۶۱۹- وَ «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُقَسِّمُ صَدَقَةَ أَهْلِ الْبَوَادِي

فِي أَهْلِ الْبَوَادِي وَصَدَقَةَ أَهْلِ الْحَضَرِ فِي أَهْلِ الْحَضَرِ، وَلَا يُقَسِّمُهَا بَيْنَهُمْ بِالسُّوْتَةِ، إِنَّمَا يُقَسِّمُهَا عَلَى قَدَرٍ مَنْ يَخْضَرُهُ مِنْهُمْ وَمَا يَرَى، لَيْسَ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مُوقَّتٌ».

۱۶۲۰- وَ فِي رِوَايَةِ دُرُسْتِ بْنِ أَبِي مَثُورٍ قَالَ «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

فِي الزَّكَاةِ يَتَعَثُّ بِهَا الرَّجُلُ إِلَى بَلَدٍ غَيْرِ بَلَدِهِ، فَقَالَ: لَا بَأْسَ يَتَعَثُّ بِالثَّلَاثِ أَوْ الرَّابِعِ».

۱۶۲۱- وَ رَوَى عَنْهُ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - «فِي الرَّجُلِ يُعْطِي

الزَّكَاةَ يُقَسِّمُهَا أَلَهُ أَنْ يُخْرِجَ الشَّيْءَ مِنْهَا مِنَ الْبَلَدِ الَّتِي هُوَ بِهَا إِلَى غَيْرِهَا؟ قَالَ: لَا بَأْسَ».

۱۶۲۲- وَ سَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «عَنْ

کند، و در این میان تلف شود، یا آنکه آنرا برای ایشان بفرستد و تلف شود، غرامتی به او تعلق نمیگیرد.

(۱) ۱۶۱۹- و رسول خدا - صلی الله علیه و آله - زکات صحرائنشینان را میان صحرائنشینان و زکات شهرنشینان را میان شهرنشینان قسمت میکرد، و سهم مستحقین را بطور مساوی به ایشان نمی پرداخت بلکه به آنانکه حضور می یافتند، و به اندازه نیازشان می پرداخت، و مانند حقوق مبلغ معینی ندارد.

(۲) ۱۶۲۰- و در روایت دُرست بن ابی منصور آمده است که: امام صادق علیه السلام درباره فرستادن زکات شخص به شهری غیر شهر خودش فرمود: باکی نیست. یک ثلث یا یک ربع را میفرستد.

(۳) ۱۶۲۱- و در روایت هشام بن حکم - رحمه الله - درباره مردی از آن امام علیه السلام سؤال شده است که زکات نقدینه اش را تسعیر میکند، و زکات درهم را به دینار، و زکات دینار را به درهم می پردازد، آیا این کار رواست؟ آنحضرت فرموده است: باکی بر آن نیست.

(۴) ۱۶۲۲- و علی بن جعفر، از برادرش امام موسی بن جعفر علیهما السلام درباره

الرَّجُلِ يُعْطِي زَكَاتَهُ عَنِ الدَّرَاهِمِ دَنَانِيرَ وَعَنِ الدَّنَانِيرِ دَرَاهِمَ بِالْقِيَمَةِ أَيْحِلُ ذَلِكَ؟
قَالَ: لَا بَأْسَ بِهِ».

۱۶۲۳- وَكَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ الْبَرْقِيُّ إِلَى أَبِي جَعْفَرٍ الثَّانِي عَلَيْهِ السَّلَامُ:
«هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُخْرِجَ عَمَّا يَجِبُ فِي الْحَرْثِ مِنَ الْجِنَظَةِ وَالشَّعِيرِ وَمَا يَجِبُ عَلَى
الذَّهَبِ دَرَاهِمَ بِقِيَمَةِ مَا يُسَوَّى أَمْ لَا يَجُوزُ إِلَّا أَنْ يُخْرِجَ مِنْ كُلِّ شَيْءٍ مِمَّا فِيهِ؟
فَأَجَابَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَيْمًا تَيْسَرُ يُخْرِجُ».

۱۶۲۴- وَسَأَلَ عُمَرُ بْنُ يَزِيدَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ رَجُلٍ فَرَّ بِمَالِهِ مِنَ
الزَّكَاةِ فَاشْتَرَى بِهِ أَرْضًا أَوْ دَارًا أَعْلَيْهِ فِيهِ شَيْءٌ؟ فَقَالَ: لَا وَلَوْ جَعَلَهُ حُلِيًّا أَوْ نَقَرًا فَلَا
شَيْءَ عَلَيْهِ، وَمَا مَنَعَ نَفْسَهُ مِنْ فَضْلِهِ فَهُوَ أَكْثَرُ مِمَّا مَنَعَ مِنْ حَقِّ اللَّهِ الَّذِي يَكُونُ فِيهِ».

۱۶۲۵- وَرَوَى زُرَّارَةُ وَمُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ
قَالَ: «أَيْمًا رَجُلٍ كَانَ لَهُ مَالٌ وَحَانَ عَلَيْهِ الْحَوْلُ فَإِنَّهُ يُزَكِّيهِ، قِيلَ لَهُ: فَإِنْ وَهَبَهُ قَبْلَ

شخصی سؤال کرد که زکات نقدینه اش را شعیر میکند، و زکات درهم را به دینار، و
زکات دینار را به درهم میدهد، آیا این کار رواست؟ امام فرمود: با کسی بر آن نیست.

① ۱۶۲۳- و محمد بن خالد برقی طائی نامه ای از امام ابو جعفر ثانی علیه السلام
سؤال کرد که: آیا جایز است که بجای زکات محصولات زراعی از قبیل گندم و جو، و
زکات طلا، بهای آنها بصورت دراهم برابر با قیمت بازار پردازد؟ آنحضرت جواب داد
که: هر کدام را که میسر باشد پردازد.

② ۱۶۲۴- و عمر بن یزید از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کرد
که بقصد فرار از زکات مال خود را در خرید زمینی یا خانه ای به مصرف برساند، آیا در
اینصورت چیزی به او تعلق میگیرد؟ امام فرمود: نه. و اگر آنها بصورت زینت آلاتی یا
شمشی هم درآورد چیزی به آن تعلق نمیگیرد، ولی آن فضل و ثوابی که او خود را از آن
ممنوع ساخته بیشتر از آن حقی است که خدا در مال او داشته، و او با این حیل از ادای
آن امتناع کرده است.

③ ۱۶۲۵- و زراره و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام روایت کرده اند
که فرمود: هر آن کسی که مالی داشته و سالی بر آن گذشته، میباید زکات آنها پردازد.

حَوْلِهِ بِشَهْرٍ أَوْ يَوْمٍ؟ قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ إِذَا. وَرَوَى زُرَّارَةُ عَنْهُ أَنَّهُ قَالَ: إِنَّمَا هَذَا بِمَنْزِلَةِ رَجُلٍ أَفْطَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يَوْمًا فِي إِقَامَتِهِ، ثُمَّ يَخْرُجُ فِي آخِرِ النَّهَارِ فِي مَقَرٍّ وَأَرَادَ بِسَفَرِهِ ذَلِكَ إِنْطِاقَ الْكَفَّارَةِ الَّتِي وَجِبَتْ عَلَيْهِ.

۱۶۲۶ - وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي التَّيْسَةِ الْأَضَافِ إِذَا حَوَّلْتَهَا فِي السَّنَةِ فَلَيْسَ عَلَيْكَ فِيهَا شَيْءٌ».

۱۶۲۷ - وَ سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ وَأَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «عَنْ الرَّجُلِ لَهُ دَارٌ وَخَادِمٌ وَعَبْدٌ أَيْقَبِلُ الزَّكَاةَ؟ قَالَ: نَعَمْ إِنَّ الدَّارَ وَالْخَادِمَ لَيْسَا بِمَالٍ».

۱۶۲۸ - «وَقَدْ تَجَلَّى الزَّكَاةُ لِصَاحِبِ السَّبْعِمِائَةِ، وَتَحَرَّمَ عَلَى صَاحِبِ الْخُمَيْسِينَ إِذَا كَانَ صَاحِبِ السَّبْعِمِائَةِ لَهُ عِيَالٌ كَثِيرٌ فَلَوْ قَسَمَهَا بَيْنَهُمْ لَمْ تَكْفِهِ

گفتند: پس اگر یک ماه یا یک روز پیش از حلول سالش آنرا به کسی ببخشد؟ فرمود: در اینصورت چیزی بر ذمه او نیست.

و زراره از آن امام علیه السلام روایت کرده است که فرمود: این چنین کس عملش بمانند شخصی است که در ماه رمضان در شهر خود روزه خود را افطار کند، سپس برای فرار از کفاره روزه در آخر روز بقصد مسافرت از شهر خویش بیرون رود.

۱۶۲۶ - و امام ابو جعفر علیه السلام فرمود: در مورد نه قسم اشیائی که زکات به آنها تعلق میگیرد - یعنی غلات چهارگانه و نقدین و انعام سه گانه - هرگاه در ظرف سال آنها را به اشیائی که زکات به آنها تعلق نمیگیرد مبدل سازی از بابت آنها چیزی بر ذمه تو تعلق نمیگیرد.

۱۶۲۷ - و از امام ابو جعفر و امام صادق علیهما السلام درباره مردی سؤال کردند که خانه و خادم و غلامی دارد، آیا میتواند زکات را قبول کند؟ آن دو امام علیهما السلام فرمودند: آری. زیرا خانه و خادم مان نیستند.

۱۶۲۸ - و گاهی زکات برای صاحب هفتصد حلال است، و برای صاحب پنجاه حرام است، و این در صورتی است که صاحب هفتصد عیال بسیار داشته باشد،

قَلْبُغْفٍ عَنْهَا نَفْسُهُ وَلْيَأْخُذْهَا لِعِيَالِهِ، وَأَمَّا صَاحِبُ الْخَمْسِينَ فَإِنَّهُ تَحْرُمُ عَلَيْهِ إِذَا كَانَ وَحْدَهُ وَهُوَ مُخْتَرِفٌ يَعْمَلُ بِهَا وَهُوَ يُصِيبُ فِيهَا مَا يَكْفِيهِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ تَعَالَى».

وَلَا يَجُوزُ أَنْ يُعْطَى شَارِبُ الْخَمْرِ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْئًا.

۱۶۲۹- وَ رَوَى سَمَاعَةُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ

الزَّكَاةِ هَلْ تَصْلُحُ لِصَاحِبِ الدَّارِ وَالْخَادِمِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ إِلَّا أَنْ تَكُونَ دَارُهُ دَارَ غَلَّةٍ فَيَدْخُلُ لَهَا مِنْ غَلَّتِهَا مَا يَكْفِيهِ [لِنَفْسِهِ] وَعِيَالِهِ، فَإِنْ لَمْ تَكُنِ الْغَلَّةُ تَكْفِيهِ لِنَفْسِهِ وَعِيَالِهِ فِي طَعَامِهِمْ وَكَسْوَتِهِمْ وَحَاجَتِهِمْ فِي غَيْرِ إِشْرَافٍ فَقَدْ حَلَّتْ لَهَا الزَّكَاةُ، وَإِنْ كَانَتْ غَلَّتُهَا تَكْفِيهِمْ فَلَا».

۱۶۳۰- وَ سَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ لَهُ

ثَمَانِيَةَ دِرْهَمٍ وَهُوَ رَجُلٌ خِفَافٌ وَلَهُ عِيَالٌ كَثِيرٌ أَلَا أَنْ يَأْخُذَ مِنَ الزَّكَاةِ؟ فَقَالَ: يَا

به طوری که اگر آنرا میان ایشان قسمت کند، برای او کفایت نکند، از اینرو میباید خودش را از آن معاف دارد، و میباید آنرا برای عیالش بستاند، و اما صاحب پنجاه در صورتیکه تنها باشد، و شغل و حرفه‌ای داشته باشد، زکات بر او حرام است و میباید در آن حرفه کار کند، و بخواست خدای تعالی در اشتغال به همان حرفه چیزی که برای امرار معاشش کفایت کند بدست می‌آورد.

و جایز نیست که چیزی از مال زکات به شرابخواره داده شود.

۱۶۲۹- و در روایت سَمَاعَةَ آمده است که گفت: از امام صادق

علیه السلام سؤال کردم که: آیا زکات بشخصی دارای خانه و خادم میرسد؟ فرمود: آری، مگر آنکه خانه‌اش برای اجاره دادن باشد، و مال الاجاره‌اش برای تأمین معاش [خودش و] عیالش کفایت کند، پس اگر مال الاجاره برای تأمین طعام و لباس و نیازمندیهای خودش و عیالش کفایت نکند، زکات بر او حلال است، و اگر مال الاجاره آن خانه برای ایشان کفایت کند زکات برای ایشان حلال نیست.

۱۶۳۰- و ابوبصیر از امام صادق علیه السلام درباره‌ی مردی سؤال کرد که

هشتصد درهم در اختیار دارد، و شغلش کفشدوزی است، و عیال بسیار دارد، آیا حق

أَبَا مُحَمَّدٍ أَيْزَعُ فِي دَرَاهِمِهِ مَا يَقُوتُ بِهِ عِيَالَهُ وَيَقْضِي؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: كَمْ يَقْضِي؟ قَالَ: لَا أَذْرِي، قَالَ: إِنْ كَانَ يَقْضِي عَنِ الْقُوتِ وَمِقْدَارِ نِصْفِ الْقُوتِ فَلَا يَأْخُذُ الزَّكَاةَ، وَإِنْ كَانَ أَقَلَّ مِنْ نِصْفِ الْقُوتِ أَخَذَ الزَّكَاةَ، قَالَ قُلْتُ: فَعَلَيْهِ فِي مَالِهِ زَكَاةٌ تَلْزِمُهُ؟ قَالَ: بَلَى، قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ يَصْنَعُ؟ قَالَ: يُوسِّعُ بِهَا عَلَى عِيَالِهِ فِي طَعَامِهِمْ وَكِسْوَتِهِمْ وَيُبْقِي مِنْهَا شَيْئًا يُنَافِلُهُ غَيْرَهُمْ، وَمَا أَخَذَ مِنَ الزَّكَاةِ قَضَاهُ عَلَى عِيَالِهِ حَتَّى يُلْجِئَهُمُ بِالنَّاسِ».

وَيَجُوزُ لِلرَّجُلِ أَنْ يُعْطِيَ الرَّجُلَ الْوَاحِدَ مِنْ زَكَاتِهِ حَتَّى يُغْنِيَهُ، وَيَجُوزُ أَنْ يُعْطِيَهُ حَتَّى يَتَلَفَ مِائَةَ أَلْفٍ وَيُقْضَى الَّذِي لَا يَسْأَلُ عَلَى الَّذِي يَسْأَلُ».

۱۶۳۱- وَقَالَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَلَانَ السَّكُونِيُّ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

«إِنِّي رُبَّمَا قَسَمْتُ الشَّيْءَ بَيْنَ أَصْحَابِي أَصْلُهُمْ بِهِ فَكَيْفَ أُعْطِيهِمْ؟ فَقَالَ: أُعْطِيهِمْ عَلَى الْهَجْرَةِ فِي الدِّينِ وَالْفَقْرِ وَالْعَقْلِ».

دارد که چیزی از زکات بستانند؟ امام فرمود: ای اباعحمد، آیا در آن درهم ها که در اختیار دارد سودی چندان میبرد که قوت عیالش را تأمین کند، و چیزی اضافه بماند؟ گفتم: آری. فرمود: چه مبلغی اضافه میماند؟ گفتم: نمیدانم. فرمود: اگر به قدر نصف قوت بماند میباید از زکات نستانند، و اگر کمتر از نصف قوت بماند حق دارد که زکات بستانند، گفتم: آیا در اینصورت در مال او زکاتی لازم می آید؟ فرمود: آری. گفتم: تکلیف او چیست؟ و چه میباید بکند؟ فرمود: با استفاده از آن در طعام و لباس عیالش توسعه میدهد، و چیزی از آنرا باقی میگذارد تا به دیگران دهد، و آنچه را از زکات گرفته است میان افراد عائله اش توزیع میکند، تا ایشان را به سطح زندگی سایر مردم برآورد.

① ۱۶۳۱- وَعَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَجَلَانَ سَكُونِيٌّ، بِهِ إِمَامُ أَبُو جَعْفَرٍ بَاقِرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ

معروض داشت که: گاهی اتفاق می افتد که من چیزی را به رسم صلّه میان یارانم تقسیم میکنم، پس آنرا چگونه به ایشان بدهم؟ امام فرمود: آنرا به نسبت هجرتشان در دین و فقه و عقل به ایشان عطا کن.

[زکاة الغلات^۱]

وَلَيْسَ عَلَى الْجَنْظَةِ وَالشَّعِيرِ شَيْءٌ حَتَّى يَبْلُغَ خَمْسَةَ أَوْسَاقٍ، وَالْوَسْقُ مِائَتُونَ صَاعًا وَالصَّاعُ أَرْبَعَةُ أَمْدَادٍ، وَالْمُدُّ وَزْنُ مِائَتَيْنِ وَاثْنَتَيْنِ دِرْهَمًا وَنِصْفٍ، فَإِذَا بَلَغَ ذَلِكَ وَحَصَلَ بَعْدَ خَرَاكِ السُّلْطَانِ وَمَوْنَةِ الْقَرْيَةِ أَخْرَجَ مِنْهُ الْعُشْرُ إِنْ كَانَ سُقْيَ بِمَاءِ الْمَطَرِ أَوْ كَانَ سَبْحًا، وَإِنْ سُقِيَ بِالذَّلَاءِ وَالغَرْبِ فَفِيهِ نِصْفُ الْعُشْرِ، وَفِي التَّمْرِ وَالزَّيْبِ مِثْلُ مَا فِي الْجَنْظَةِ وَالشَّعِيرِ، فَإِنْ بَقِيَ مِنَ الْجَنْظَةِ وَالشَّعِيرِ بَعْدَ ذَلِكَ مَا بَقِيَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ شَيْءٌ حَتَّى يُبَاعَ وَيَحُولَ عَلَى ثَمَنِهِ الْحَوْلُ.

[الحج من مال الزكاة]

۱۶۳۲- وَسَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الصَّرُورَةِ أَيَحُجُّ

مِنَ الزَّكَاةِ؟ قَالَ: نَعَمْ».

[زکات غلات]

و گندم و جو زکاتی ندارد تا به پنج «وسق» برسد، و وسق شصت «صاع» و صاع چهار «مد» و وزن مد دویست و نود و دو درهم و نصف درهم است، پس چون بعد از پرداختن خراج سلطان، و تکالیف قریه، این مقدار بدست آید، اگر کشتزارش با آب باران آبیاری شده، یا از آب جاری بهره گرفته، یک عُشر از آن به عنوان زکات اخراج میشود، و اگر بوسیله دلوها و مشکها آبیاری شده نیم عُشر از آن اخراج میشود، و در خرما و مویز هم همین حکم جاری است. پس اگر بعد از آن بقیه ای بجای ماند، چیزی به آن تعلق نمیگیرد، تا آنگاه که فروخته شود، و سال بر بهای آن بگذرد.

[حج از مال زکات]

۱۶۳۲- و محمد بن مسلم از امام صادق علیه السلام درباره صروره سؤال کرد، که آیا میتواند با استفاده از مال زکات حج بجای آورد؟ امام علیه السلام فرمود: آری. شرح: «صروره آن کس است که تا کنون بحج نرفته باشد».

(۱) العنوان منا وليس في الاصل.

۱۶۳۳- وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَكُونُ عِنْدِي الْمَالُ مِنَ الزَّكَاةِ فَأُجِجُ بِهِ مَوَالِيَّ وَأَقَارِبِي؟ قَالَ: نَعَمْ لَا بَأْسَ».

[زكاه مال المملوك والمكاتب]

۱۶۳۴- وَ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلَهُ رَجُلٌ وَأَنَا حَاضِرٌ عَنْ مَالِ الْمَمْلُوكِ أَغْلِيهِ زَكَاةً؟ فَقَالَ: لَا وَلَوْ كَانَ لَهُ أَلْفُ أَلْفٍ دِرْهَمٍ، وَلَوْ اخْتِاجَ لَمْ يَكُنْ لَهُ مِنَ الزَّكَاةِ شَيْءٌ».

۱۶۳۵- وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: «مَمْلُوكٌ فِي يَدِهِ مَالٌ أَغْلِيهِ زَكَاةً؟ قَالَ: لَا، قَالَ: قُلْتُ: فَعَلَى سَيِّدِهِ؟ فَقَالَ: لَا لِأَنَّهُ لَمْ يَصِلْ إِلَى السَّيِّدِ وَآتَى هُوَ لِلْمَمْلُوكِ».

۱۶۳۶- وَ فِي رَوَايَةٍ وَهَبُ بْنُ وَهَبٍ الْقُرَشِيُّ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ

(۱) ۱۶۳۳- وَ عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ بِهِ إِمَامُ أَبُو الْحَسَنِ أَوَّلٌ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَعْرُوضٌ دَاسْتُ كِه: مَالِي اَز زَكَاتِ نَزْدِ مَنْ مَوْجُودِ اسْت، پَسِ آيَا مَيْتَوَانِمِ دُوسْتَانِ وَ خُوِيْشَانِمِ رَا بِوَسِيْلَتِ اَنْ بَه حَيِّجِ بَفَرَسْتَم؟ اِمَامَ فَرَمُود: آري، بَا كِي نِيَسْت.

[زكات مال مملوك ومكاتب]

(۲) ۱۶۳۴- وَ دَر رَوَايَتِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ آمَدَه اسْت كِه كَفْت: «دَر حَضُورِ اِمَامِ صَادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامِ بُوْدَم كِه مَرْدِي اَز اَنْ اِمَامِ دَر بَارَةِ مَمْلُوكِ سَوَالِ كَرْد، كِه آيَا زَكَاتِي بِرِ ذَمِّه دَارْد؟ فَرَمُود: نَه. اِگَر چِه هَزَارِ هَزَارِ دِرْهَمِ دَاسْتَه بَاشْد، وَ اِگَر مَحْتَاجِ شُود چِيْزِي اَز زَكَاتِ بَه او نَمِيْرسَد.

(۳) ۱۶۳۵- وَ دَر خَبَرِ دِيْگَرِ اَز عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ آمَدَه اسْت كِه كَفْت: بَه اَنْ اِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامِ مَعْرُوضِ دَاسْتَم: مَمْلُوكِي مَالِي دَر دَسْتِ دَارْد، آيَا زَكَاتِي بِرِ عَهْدَتِ او هَسْت؟ فَرَمُود: نَه. كَفْتَم: پَسِ آيَا بِرِ مَالِ كَشِ زَكَاتِي هَسْت؟ فَرَمُود: نَه. زِيْرَا كِه اَنْ مَالِ نَه بَه مَالِكِ رَسِيْدَه اسْت، وَ نَه مَتَعَلِّقِ بَه مَمْلُوكِ اسْت.

(۴) ۱۶۳۶- وَ دَر رَوَايَتِ وَهَبُ بْنُ وَهَبٍ قُرَشِيٍّ اَز اِمَامِ صَادِقِ اَز پَدْرَانِشِ اَز اِمَامِ

آبَائِهِ عَنْ عَلِيٍّ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: «لَيْسَ فِي مَالِ الْمَكَاتِبِ زَكَاةٌ».

* [مَا لَيْتَنِي هَاشِمٍ مِنَ الزَّكَاةِ]

۱۶۳۷- وَ رَوَى أَبُو خَدِيجَةَ سَالِمُ بْنُ مُكْرَمٍ الْجَمَالُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «أَعْطُوا الزَّكَاةَ مَنْ أَرَادَهَا مِنْ بَنِي هَاشِمٍ فَإِنَّهَا تَجِلُّ لَهُمْ، وَإِنَّمَا تَخْرُمُ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَعَلَى الْإِمَامِ الَّذِي بَعْدَهُ، وَعَلَى الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ».

۱۶۳۸- وَ رَوَى الْقَاسِمُ بْنُ سُلَيْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ صَدَقَاتِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَدَقَاتِ عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ تَجِلُّ لِبَنِي هَاشِمٍ».

۱۶۳۹- وَ رَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَنَّ فَاطِمَةَ عَلَيْهَا السَّلَامُ جَعَلَتْ صَدَقَاتِهَا لِبَنِي هَاشِمٍ وَبَنِي الْمُطَّلِبِ».

۱۶۴۰- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ قَالَ: «بَعَثْتُ إِلَى الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ».

علی علیهم السلام آمده است که فرمود: در مال مکاتب زکاتی نیست.

[آنچه از زکات که متعلق به بنی هاشم است]

۱۶۳۷- و ابو خدیجه سالم بن مکرم جمال از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: «زکات را به هر یک از بنی هاشم که خواست بدهید، زیرا که آن برای ایشان حلال است، و تنها بر پیامبر صلی الله علیه وآله، و بر امام بعد از او، و بر ائمه علیهم السلام حرام است. توضیح: «سند این خبر ضعیف و متشکک است».

۱۶۳۸- و قاسم بن سلیمان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: صدقات رسول خدا صلی الله علیه وآله و صدقات علی علیه السلام برای بنی هاشم حلال است.

۱۶۳۹- و حلبی از آن امام علیه السلام روایت کرده است که فاطمه علیها السلام صدقات خود را برای بنی هاشم و بنی المطلب قرار داد.

۱۶۴۰- و محمد بن اسماعیل بن بریغ در روایت خود گفت: دینارهایی را از

صَلَّوَاتُ اللَّهِ بِدَنَانِيرَ مِنْ قِیلِ بَعْضِ أَهْلِی وَ کَتَبْتُ إِلَیْهِ أَخْبِرُهُ أَنَّ فِیْهَا زَكَاةَ خَمْسَةِ وَ سَبْعُونَ وَ الْبَاقِ صَلَّةً، فَکَتَبَ عَلَیْهِ السَّلَامُ بِخَطِّهِ قَبَضْتُ، وَ بَعَثْتُ إِلَیْهِ بِدَنَانِيرَ لِي وَ لِيَغْیِرَی وَ کَتَبْتُ إِلَیْهِ أَنَّهَا مِنْ فِطْرَةِ الْعِیَالِ، فَکَتَبَ عَلَیْهِ السَّلَامُ بِخَطِّهِ: قَبَضْتُ.

وَ صَدَقَهُ غَیْرِ بَنِي هَاشِمٍ لَا تَحِلُّ لِبَنِي هَاشِمٍ إِلَّا فِی وَجْهَیْنِ إِذَا کَانُوا عِطَاشًا فَأَصَابُوا مَاءً فَشَرِبُوا، وَ صَدَقَهُ بَعْضُهُمْ عَلَی بَعْضٍ.

أَمَّا قَبْضُ الْإِمَامِ لِمَا قَبَضَهُ فَلَیْسَ لِتَقْبِیهِ وَ إِنَّمَا قَبَضَهُ لِغَیْرِهِ مِنْ أَهْلِ الْحَاجَةِ وَ الْمُسْكِنَةِ وَ هُوَ مُسْتَغْنٍ عَنِ أَمْوَالِ النَّاسِ بِکِفَايَةِ اللَّهِ إِيَّاهُ، مَتَى نَادَاهُ لَبَّاهُ، وَ مَتَى سَأَلَهُ أَعْطَاهُ، وَ مَتَى نَاجَاهُ أَجَابَهُ.

(بَابُ نَوَادِرِ الزَّكَاةِ)

۱۶۴۱- رَوَى [عَنْ] عَلِيِّ بْنِ يَحْقُطِينَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الْأَوَّلِ عَلَيْهِ -

طرف یکی از افراد خانواده ام برای امام رضا علیه السلام فرستادم، و برای آن امام نوشتم که هفتاد و پنج دینار زکات در میان آنها است، و بقیه صله است. پس امام به خط خود نوشت: دریافت کردم، و بار دیگر دینارهایی از آن خودم و غیر خودم را برای آن امام فرستادم، و نوشتم که این از بابت فطره عیال است. پس امام علیه السلام به خط خود نوشت: دریافت کردم.

و زکات غیر بنی هاشم برای بنی هاشم حلال نیست، مگر در دو صورت: یکی آنکه تشنه باشند، پس آبی بیابند و بنوشند. و دیگر صدقه بعضی از خودشان به بعض دیگر.

اما دریافت کردن امام - که در این خبر آمده - برای خود آن حضرت نبوده، بلکه امام آنرا برای نیازمندان و مسکینان دریافت فرموده است، و آن حضرت در کنف رعایت و کفایت خدا از اموال مردم مُسْتَغْنِی است: هر زمان که خدا را بخواند او را لَیْسَ میگوید، و هر چه خواهد عطایش کند هر وقت با او مناجات کند به نجوایش جواب میدهد.

(بَابُ نَوَادِرِ زَكَاةِ)

(۱) ۱۶۴۱- از علی بن یقطین روایت شده است که گفت: به امام ابوالحسن

السَّلامُ: « رَجُلٌ مَاتَ وَعَلَيْهِ زَكَاةٌ وَأَوْصَى أَنْ تُقْضَى عَنْهُ الزَّكَاةُ، وَوَلَدُهُ مُحَاوِيَجٌ إِنْ دَفَعُوهَا أَضَرَّ بِهِمْ ذَلِكَ ضَرَرًا شَدِيدًا، فَقَالَ: يُخْرِجُونَهَا فَيَعُودُونَ بِهَا عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَيُخْرِجُونَ مِنْهَا شَيْئًا فَيَدْفَعُ إِلَى غَيْرِهِمْ ».

۱۶۴۲- وَرَوَى إِسْمَاعِيلُ بْنُ جَابِرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلامُ: «يَجِلُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَأْخُذَ الزَّكَاةَ وَهُوَ يَخْتِاجُ إِلَيْهَا فَيَتَصَدَّقُ بِهَا؟ قَالَ: نَعَمْ، وَقَالَ: فِي الْفِطْرَةِ مِثْلُ ذَلِكَ».

۱۶۴۳- وَرَوَى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلامُ: «مَا عَلَى الْإِمَامِ مِنَ الزَّكَاةِ فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ أَمَا عَلِمْتَ أَنَّ الدُّنْيَا لِلْإِمَامِ يَضَعُهَا حَيْثُ يَشَاءُ وَيَدْفَعُهَا إِلَى مَنْ يَشَاءُ، جَائِزٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ لَهُ ذَلِكَ، إِنَّ الْإِمَامَ لَا يَبِيتُ لَيْلَةً أَبَدًا وَلِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي عُنُقِهِ حَقٌّ يَشَاءُ لَهُ عَنْهُ».

اول عليه السلام معروض داشتم كه: مردی وفات یافته است، و زكاتی بر ذمه داشته است، و وصیت کرده است كه آنرا از جانب او پردازند، و اولاد او محتاجند، و اگر آن را پردازند زیانی سخت بر ایشان وارد میشود، امام فرمود: آنرا به عنوان زكات خارج میکنند، و آنگاه به خودشان باز میگردانند. و چیزی از آنرا خارج میسازند و به غیر خودشان می پردازند.

۱۶۴۲- و اسماعیل بن جابر در روایت خود آورده است كه به امام صادق علیه السلام معروض داشتم: آیا برای کسیكه احتیاج به زكات ندارد جایز است كه آنرا بگیرد و به صدقه بدهد؟ امام علیه السلام فرمود: آری، و در خصوص فطره نیز به همینگونه فرمود.

۱۶۴۳- و از ابوبصیر روایت شده است كه گفت: به امام صادق علیه السلام معروض داشتم: آیا بر امام نیز زكات واجب است و چگونه و به چه کسی می پردازد؟ آنحضرت علیه السلام فرمود: ای ابامحمد، آیا ندانسته ای كه دنیا از آن امام است، آنرا در هر كجا بخواهد قرار میدهد، و به هر كه بخواهد می بخشد. و این كار از جانب خدای عزوجل برای او تجویز شده است. امام هرگز شی را روز نمیکند

* (بَابُ الْخُمْسِ) *

۱۶۴۴ - سَمِعَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «عَمَّا يُخْرَجُ مِنَ الْبَحْرِ مِنَ التُّرْبِ وَالْيَاقُوتِ وَزَبَرْجَدٍ، وَعَنْ مَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ هَلْ فِيهَا زَكَاةٌ؟ فَقَالَ: إِذَا بَلَغَ قِيَمَتُهُ دِينَاراً فَفِيهِ الْخُمْسُ».

۱۶۴۵ - وَسَأَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ عَلِيِّ الْحُلَيْبِيُّ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الْكَثْرِ كَمْ فِيهِ؟ فَقَالَ: الْخُمْسُ، وَعَنِ الْمَعَادِنِ كَمْ فِيهَا؟ فَقَالَ: الْخُمْسُ، وَعَنِ الرِّصَاصِ وَالصُّفْرِ وَالْحَدِيدِ وَمَا كَانَ مِنَ الْمَعَادِنِ كَمْ فِيهَا؟ فَقَالَ: يُؤْخَذُ مِنْهَا كَمَا يُؤْخَذُ مِنَ مَعَادِنِ الذَّهَبِ وَالْفِضَّةِ».

۱۶۴۶ - وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «لَيْسَ الْخُمْسُ إِلَّا فِي الْغَنَائِمِ خَاصَّةً».

در حالیکه حقی از حقوق خدای عزوجل را در گردن داشته باشد که درباره آن از او سؤال کند.

* (بَابُ الْخُمْسِ) *

① ۱۶۴۴ - از امام ابوالحسن موسی بن جعفر علیهما السلام درباره چیزهایی از قبیل مروارید و یاقوت و زبرجد که از دریا خارج میکنند و همچنین درباره معادن طلا و نقره سؤال کردند که آیا زکات به آنها تعلق میگیرد؟ و آن امام علیه السلام فرمود: وقتی که بهای آن به یک دینار برسد خمس در آن واجب میشود.

② ۱۶۴۵ - وعبیدالله بن علی حلی از امام صادق علیه السلام درباره گنج سؤال کرد که چه مبلغ در آن واجب است؟ امام فرمود: خمس. و نیز چون درباره معادن سؤال کرد، فرمود: خمس. و چون درباره سرب و روی و آهن و موادی که از معادن باشد، سؤال کرد، فرمود: به همان نسبت که از معادن طلا و نقره میگیرند از آنها نیز گرفته میشود.

③ ۱۶۴۶ - و حسن بن محبوب از عبدالله بن سنان روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میگفت: خمس جز در غنائم بالخصوص نیست.

۱۶۴۷- وَ رَوَى أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَبِي نَصْرِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَمَّا يَجِبُ فِيهِ الْخُمْسُ مِنَ الْكَثْرِ، فَقَالَ: مَا تَجِبُ الزَّكَاةُ فِي مِثْلِهِ فَفِيهِ الْخُمْسُ».

۱۶۴۸- وَ سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الْمَلَاخَةِ فَقَالَ: وَمَا الْمَلَاخَةُ فَقُلْتُ: أَرْضٌ سَبَخَةٌ مَالِحَةٌ يَجْتَمِعُ فِيهَا الْمَاءُ فَيَصِيرُ مِلْحًا، فَقَالَ: مِثْلُ الْمَعْدِنِ فِيهِ الْخُمْسُ، قُلْتُ: فَالْكِبْرِيتُ وَالتَّقَطُّ يُخْرَجُ مِنَ الْأَرْضِ؟ فَقَالَ: هَذَا وَ أَشْبَاهُهُ فِيهِ الْخُمْسُ».

۱۶۴۹- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَمَّا حَرَّمَ عَلَيْنَا الصَّدَقَةَ أَنْزَلَ لَنَا الْخُمْسَ، فَالْصَّدَقَةُ عَلَيْنَا حَرَامٌ، وَالْخُمْسُ لَنَا فَرِيضَةٌ، وَالْكَرَامَةُ لَنَا حَلَالٌ».

۱۶۵۰- وَ رَوَى عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ:

(۱) ۱۶۴۷- و احمد بن محمد بن ابی نصر، در روایت خود آورده است که از امام ابوالحسن رضا علیه السلام درباره گنج سوال کردم که: در چه مقدار از آن خمس واجب است؟ فرمود: هر چیزی که زکات در مثل آن واجب باشد خمس در آن واجب است.

(۲) ۱۶۴۸- و محمد بن مسلم گفت: از امام ابوجعفر علیه السلام درباره «ملاخه» سوال کردم، پس امام فرمود: ملاخه چیست؟ گفتم: زمین کویر شوره زاری است که آب در آن جمع میشود و مبدل به نمک میگردد. پس فرمود: همانند معدن حکم خمس در آن جاری است. گفتم: پس حکم کبریت و نفت که از زمین بیرون می آید چیست؟ فرمود: در این و نظائرش خمس تعلق میگیرد.

(۳) ۱۶۴۹- و امام صادق علیه السلام فرمود: «خدا، که معبودی جز او نیست، چون صدقه را بر ما حرام ساخت، خمس را برای ما نازل کرد، پس صدقه بر ما حرام، و خمس برای ما فرض است، و هدیه و تحفه و ارمغان و مانند آن برای ما حلال است.

(۴) ۱۶۵۰- و از ابوبصیر روایت شده است که گفت: به امام ابوجعفر علیه السلام معروض داشتم که: -خدا کارتان را به سامان داراد! و شما را در مقام

«أَصْلَحَكَ اللَّهُ مَا أَيْسَرَ مَا يَدْخُلُ بِهِ الْعَبْدُ النَّارَ؟ قَالَ: مَنْ أَكَلَ مِنْ مَالِ الْيَتِيمِ دِرْهَمًا وَنَحَرَ الْيَتِيمَ».

۱۶۵۱ - وَسَأَلَ زَكَرِيَّا بْنُ مَالِكٍ الْجُعْفِيُّ أَبَاعَبْدَ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» قَالَ: أَمَّا خُمُسُ اللَّهِ فَلِلرَّسُولِ يَضَعُهُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَأَمَّا خُمُسُ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَأَقْرَابِهِ، وَخُمُسُ ذِي الْقُرْبَىٰ فَهُمْ أَقْرَبَاؤُهُ، وَالْيَتَامَىٰ يَتَامَىٰ أَهْلِ بَيْتِهِ، فَجَعَلَ هَذِهِ الْأَرْبَعَةَ الْأَشْهُمَ فِيهِمْ. وَأَمَّا الْمَسَاكِينُ وَأَبْنَاءُ السَّبِيلِ فَقَدْ عَرَفْتُ أَنَا لَا نَأْكُلُ الصَّدَقَةَ وَلَا تَجِلُّ لَنَا، فَهِيَ لِلْمَسَاكِينِ وَأَبْنَاءِ السَّبِيلِ».

۱۶۵۲ - وَفِي تَوْقِيعَاتِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَىٰ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ الْهَمْدَانِيِّ «إِنَّ الْخُمْسَ بَعْدَ الْمَوْتِ».

شایسته اجتماعیتان قرار دهد - کمترین چیزی که بنده بعثت ارتکاب آن به دوزخ داخل میشود چیست؟ فرمود: خوردن درمی از مال یتیم، و مائیم آن یتیم.

① ۱۶۵۱ - وَزَكَرِيَّا بْنُ مَالِكٍ الْجُعْفِيُّ أَمَامَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَرِبَارَةً مَعْنَى قَوْلِ خَدَايَ عَزَّوَجَلَّ: «وَأَعْلَمُوا أَنَّمَا غَنِمْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَإِنَّ لِلَّهِ خُمُسَهُ وَلِلرَّسُولِ وَلِذِي الْقُرْبَىٰ وَالْيَتَامَىٰ وَالْمَسَاكِينِ وَابْنِ السَّبِيلِ» سَوَّال كَرَد. اِمَام عَلِيهِ السَّلَام فَرَمُود: اَمَّا سَهْمُ خُمُسِ خَدَا پَس مَتَعَلِّقُ بَه رَسُولِ اسْت، كَه آفَرَا دَر رَاهِ خَدَا صَرَف مِيكَنَد، وَ اَمَّا خُمُسُ رَسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ پَس مَتَعَلِّقُ بَه خَوِيشَانِ اَو اسْت، وَ خُمُسُ ذَوِي الْقُرْبَىٰ بَه خَوِيشَاوندانِ آن حَضَرَتِ تَعَلِّقُ دَارَد، وَ يَتَامَىٰ يَتِيمَانِ خَانْدَانِ اويند، پَس خَدَا اين چَهَار سَهْم رَا دَر آن خَانْدَانِ قَرَار دَادَه اسْت، وَ اَمَّا دَر خُصُوصِ مَسَاكِينِ وَ اَبْنَاءِ السَّبِيلِ: پَس چُون دَانَسْتِي كَه مَا صَدَقَه - يَعْنِي اَنْوَاعِ زَكَاتِ - نَمِي خُورِيم، وَ بَرَايِ مَا حَلَالِ نِيَسْت، اَز اين جَهَتِ آن سَهَامِ دَر عِوَضِ صَدَقَه وَ زَكَاتِ بَه مَسَاكِينِ وَ اَبْنَاءِ السَّبِيلِ مَا تَعَلِّقُ گَرَفْتَه اسْت.

② ۱۶۵۲ - وَدَر تَوْقِيعَاتِ اِمَامِ رِضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بَه اِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ هَمْدَانِي آمَدَه

۱۶۵۳- وَ رَوَى أَبُو عُبَيْدَةَ الْحَذَاءُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «أَيُّمَا ذِمِّي اشْتَرَى مِنْ مُسْلِمٍ أَرْضاً فَعَلَيْهِ الْخُمْسُ».

۱۶۵۴- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ أَشَدَّ مَا فِيهِ النَّاسُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ أَنْ يَقُومَ صَاحِبُ الْخُمْسِ فَيَقُولَ: يَا رَبِّ خُمُوسِي. وَقَدْ طَيَّبْنَا ذَلِكَ لِشِيعَتِنَا لِتَطْيِيبِ وَلَاذَنُهُمْ أَوْ لِيَتَرَكَوْا وَلَاذَنُهُمْ».

۱۶۵۵- وَ جَاءَ رَجُلٌ إِلَى أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: «يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَصَبْتُ مَالاً أَغْمَضْتُ فِيهِ أَقْلِي تَوْتَةً؟ قَالَ: انْتَبِي بِخُمُوسِهِ فَأَنَاءَهُ

است که: خمس بعد از آن احتساب میشود که مخارج سال برداشت شده باشد.

۱۶۵۳- (۷) و ابو عبیده حذاء از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هر اهل ذمه ای که زمینی را از مسلمانی بخرد خمس بر ذمه اش تعلق میگیرد.

شرح: «ظاهراً مراد خمس محصول اراضی مزروعی است که اگر در دست مسلمان بوده و عشریه میداده اکنون که بدست ذمی افتاده باید خمس یعنی دو برابر مسلمان صدقه پردازد، و مراد خمس اصطلاحی نیست بلکه مراد زکات است، و شیخ طوسی-رحمة الله علیه- در خلاف در کتاب زکات مسأله ۸۴ فرموده «إِذَا اشْتَرَى الذِّمِّيُّ أَرْضاً عَشْرِيَّةً وَجَبَ عَلَيْهَا فِيهَا الْخُمْسُ» اگر ذمی ارضی عشریه را بخرد واجب است بجای عشر خمس-یعنی دو برابر-زکات بدهد. و گفته است: در این مسأله کسی مخالف نیست و بعد به همین خبر تمسک نموده است، و بنابراین ایراد روایت در کتاب خمس نامناسب مینماید و درست آن بود که در کتاب زکات ذکر می شد».

۱۶۵۴- (۸) و محمد بن مسلم از امام باقر یا صادق علیهما السلام روایت کرده که فرمود: سخت ترین گرفتاری مردم در روز قیامت این است که صاحب خمس بپا خیزد و بگوید: خدایا خمس من! و ما آن را به شیعیانمان بخشیدیم، و ذمه ایشان را بری ساختیم، برای اینکه پاک زاده باشند یا ولادت اینان پاک باشد (یعنی تَكُونِ نَظْفَةً از غذای حلال باشد).

۱۶۵۵- (۹) و مردی به نزد امام امیرالمؤمنین علیه السلام آمد، و گفت: یا

بِخُمْسِهِ، فَقَالَ: هُوَ لَكَ إِنَّ الرَّجُلَ إِذَا تَابَ تَابَ مَالُهُ مَعَهُ».

۱۶۵۶- وَ سُئِلَ أَبُو الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَأْخُذُ مِنْهُ هَوْلًا زَكَاةَ مَالِهِ أَوْ خُمْسَ غَنِيمَتِهِ، أَوْ خُمْسَ مَا يَخْرُجُ لَهُ مِنَ الْمَعَادِنِ أَيْخُسِبُ ذَلِكَ لَهُ فِي زَكَاةِهِ وَخُمْسِهِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ».

۱۶۵۷- وَ رُوِيَ عَنْ أَبِي عَلِيٍّ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ الثَّالِثِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّا نُوْتِي بِالشَّيْءِ فَيُقَالُ: هَذَا كَانَ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِثْدَنَا، فَكَيْفَ نَصْنَعُ؟ فَقَالَ: مَا كَانَ لِأَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسَبَبِ الْإِمَامَةِ فَهُوَ لِي وَمَا كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ فَهُوَ مِيرَاثٌ عَلَى كِتَابِ اللَّهِ وَ سُنَّةِ نَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

۱۶۵۸- وَ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ بُكَيْرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: إِنِّي لَأَخُذُ مِنْ أَحَدِكُمْ الذَّرْعَمَ وَإِنِّي لَمِنْ أَكْثَرِ أَهْلِ الْمَدِينَةِ مَالًا مَا أُرِيدُ بِذَلِكَ إِلَّا أَنْ

امیرالمؤمنین، من مالی بدست آورده ام که در تحصیل آن سهل انگاری کرده ام - و مسائل حلال و حرام را بدقت منظور نداشته ام - پس آیا برای من توبه ای هست؟ فرمود: خمس آن را نزد من آور، پس آن مرد چنین کرد، آنگاه امام علیه السلام به او فرمود: آن مال از آن تو است، زیرا مرد چون تائب شود مال او نیز با او توبه میکند.

① ۱۶۵۶- و از امام ابوالحسن علیه السلام درباره کسی سؤال کردند که آن گروه - یعنی حکام جور - زکات مالش یا خمس غنیمتش را میگیرند، در اینصورت آیا آنچه از او گرفته شده بابت زکات و خمس او محسوب میشود؟ فرمود: آری.

② ۱۶۵۷- و از ابوعلی بن راشد روایت شده است که گفت: به امام ابوالحسن سؤم علیه السلام معروض داشتم که «چیزی نزد ما می آورند، و میگویند: این، از مال ابوجعفر علیه السلام است که نزد ما بوده است، پس در این میان تکلیف ما چیست و چه باید بکنیم؟ پس امام علیه السلام فرمود: هر چیزی که به مقتضای منصب امامت به پدرم علیه السلام تعلق داشته است، اکنون متعلق به من است، و چیزی که غیر از این باشد، به مقتضای کتاب خدا و سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله میراث است.

③ ۱۶۵۸- و عبدالله بُکیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که

نُظَّهُرُوا».

۱۶۵۹- وَ رُوِيَ عَنْ يُونُسَ بْنِ يَعْقُوبَ قَالَ: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ عَلَيْهِ رَجُلٌ مِنَ الْقَمَاطِينَ فَقَالَ: جُعِلْتُ فِدَاكَ تَقَعُ فِي أَيْدِينَا الْأَرْبَاحُ وَالْأَمْوَالُ وَتِجَارَاتُ نَعْرِفُ أَنَّ حَقَّكَ فِيهَا ثَابِتٌ وَإِنَّا عَنْ ذَلِكَ مُقَصِّرُونَ؟ فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَنْصَفْنَاكُمْ إِنْ كَلَفْنَاكُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ».

۱۶۶۰- وَ رُوِيَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَّارٍ أَنَّهُ قَالَ: «قَرَأْتُ فِي كِتَابٍ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى رَجُلٍ يَسْأَلُهُ أَنْ يَجْعَلَهُ فِي جِلٍّ مِنْ مَأْكَلِهِ وَمَشْرَبِهِ مِنَ الْخُمْسِ، فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحَقِّهِ: مَنْ أَغْوَرَهُ شَيْءٌ مِنْ حَقِّي فَهُوَ فِي جِلٍّ».

۱۶۶۱- وَ رَوَى أَبَانُ بْنُ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي الرَّجُلِ

فرمود: هر آینه من درمی را از یکی از شما میستانم، در صورتیکه خود از ثروتمندترین مردم مدینه‌ام. از این کار جز این نمی‌خواهم که شما پاک و پاکیزه شوید.

۱۶۵۹ (۷) - و از یونس بن یعقوب [بن قیس نجلی] روایت است که گفت: «من در محضر امام صادق علیه السلام بودم که مردی از قماطان^۱ به آن حضرت آمد، و گفت: فدایت شوم، سودها و ثروتها و تجارتائی بدست ما می‌افتد که می‌دانیم حق شما در آن ثابت است، و ما در آداء آن مقصریم. پس امام علیه السلام فرمود: اگر امروز - در این شرائطی که بر جامعه مسلمین حاکم است - ما شما را به ادای آن حقوق مکلف سازیم، درباره شما انصاف نداده‌ایم.

۱۶۶۰ (۸) - و از علی بن مهزیار روایت شده است که گفت: در نامه‌ای از امام ابو جعفر علیه السلام به مردی که از آن حضرت خواسته بود تا او را در خوردن و آشامیدنش از مال خمس بجل کند، به خط آن حضرت خواندم که نوشته بود: کسیکه به چیزی از حق من احتیاج شدید داشته باشد استفاده از آن برای او حلال است.

۱۶۶۱ (۹) - و ابان بن تغلب از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که

(۱) قماط - چنانکه زعفرانی در اساس البلاغه آورده - کسی است که گوسفند را از مرکز مخصوص آن میگیرد، و دست و پای آن را می‌بندد تا آنرا بر مشتری عرضه کند - و نصف قماط همان صنی است که بمناسبت جلب گوسفند آنرا جلاب نیز میگویند.

يَمُوتُ وَلَا وَارِثَ لَهُ وَلَا مَوْلَى لَهُ؟ فَقَالَ: هُوَ مِنْ أَهْلِ هَذِهِ الْآيَةِ: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ».

۱۶۶۲- وَ رَوَى عَنْهُ دَاوُدُ بْنُ كَثِيرٍ الرَّقِّيُّ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ النَّاسَ كُلَّهُمْ يَعْيشُونَ فِي فَضْلِ مَظْلَمَتِنَا إِلَّا أَنَا أَخْلَلْنَا شِيعَتَنَا مِنْ ذَلِكَ».

۱۶۶۳- وَ رَوَى حَفْصُ بْنُ الْبَحْتَرِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ جَبْرَيْلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَرَى بِرِجْلَيْهِ خَمْسَةَ أَنْهَارٍ وَلِسَانُ الْمَاءِ يَتَّبِعُهُ: الْفُرَاتُ، وَدِجْلَةُ، وَنَبِلٌ مِصْرَ، وَمِهْرَانٌ، وَنَهْرٌ بَلْخَ فَمَا سَقَتْ أَوْ سَقِيَ مِنْهَا فَلِلْإِمَامِ وَالْبَحْرِ الْمُطِيفِ بِالْأَنْفَالِ» وَهُوَ أَفْسِيكُون.

آن امام علیه السلام درباره مردی که میبرد، و وارثی و مولایی نداشته باشد، فرمود: او از اهل این آیه است که خدای تعالی فرمود: «يَسْأَلُونَكَ عَنِ الْأَنْفَالِ...» - یعنی وارثش امام است -، زیرا وارث کسی که وارث ندارد او است.

① ۱۶۶۲- و داود بن کثیر رقی از آن امام علیه السلام روایت کرده است که فرمود: مردم همگی در مازاد حقوق مغضوبه ما زندگی میکنند، الا اینکه ما شیعه خود را از آن بخل کردیم.

② ۱۶۶۳- و حفص بن البختری از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: جبرئیل با پای خود پنج نهر حفر کرد، در حالی که زبانه آب در پی او روان بود، و آن پنج نهر، فرات و دجله و نبل مصر و مهران و نهر بلخ است و هرچقدر آن آب زمینهای مزروع یا باغها را سیراب کند، متعلق به امام است و آن دریا که در همه جهان گردش دارد افسیکون میباشد.

شرح: «افسیکون همان آبسکون است و همان بحر خزر میباشد. کلینی - ره - این خبر را در کافی ذکر کرده بدون (افسیکون). و ظاهراً این بیان مؤلف رحمه الله است که بحر خزر را بحر محیط دانسته و مشهور است که بحر خزر شعبه ای از بحر محیط است - والعلم عند الله -».

* (بَابُ حَقِّ الْحَصَادِ وَالْجِذَازِ) *

قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَأَتُوا حَقَّهُ يَوْمَ حَصَادِهِ» وَهُوَ أَنْ تَأْخُذَ بِيَدِكَ الضَّيْثُ بَعْدَ الضَّيْثِ فَتُعْطِيَهُ الْمُسْكِينَ ثُمَّ الْمُسْكِينَ حَتَّى تَفْرُغَ مِنْهُ، وَعِنْدَ الصَّرَامِ الْحَفْنَةُ بَعْدَ الْحَفْنَةِ حَتَّى تَفْرُغَ مِنْهُ، وَمِنْ الْجِذَازِ الْحَفْنَةُ بَعْدَ الْحَفْنَةِ حَتَّى تَفْرُغَ مِنْهُ وَيُتْرَكَ لِلْحَارِسِ يَكُونُ فِي الْحَانِطِ أَجْرًا مَقْلُومًا، وَيُتْرَكَ مِنَ الثَّخَلَةِ مُعَافَاةً وَأَمُّ جُعْرُورٍ، وَيُتْرَكَ لِلْحَارِسِ الْعِدْقُ وَالْعِدْقَيْنِ وَالثَّلَاثَةُ لِيَحْفَظَهُ لَهُ. وَأَمَّا قَوْلُهُ تَعَالَى: «وَلَا تُسْرِفُوا إِنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ» فَالْإِسْرَافُ أَنْ تُعْطِيَ بِيَدَيْكَ جَمِيعًا.

۱۶۶۴- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا تَخْصُدُ بِاللَّيْلِ، وَلَا تَضْرِبُ بِاللَّيْلِ، وَلَا تَجُدُّ بِاللَّيْلِ، وَلَا تُصَجِّحَ بِاللَّيْلِ وَلَا تَبْذُرَ بِاللَّيْلِ لِأَنَّكَ تُعْطِي فِي الْبَذْرِ كَمَا تُعْطِي فِي الْحَصَادِ، وَمَتَى فَعَلْتَ ذَلِكَ بِاللَّيْلِ لَمْ يَخْصُرْكَ الْمَسَاكِينُ وَالسُّؤَالُ وَلَا الْقَانِعُ

* (بَابُ دُرُودِنِ زِرَاعَتِ وَجِيدِنِ مِيوِه) *

۷ خدای تعالی فرمود: «و حق آنرا در روز درودن آن اداء کنید»، و کیفیت آن چنین است که با دست خودت خوشه ها را، دسته ای از پس دسته ای برداری و به مسکینی از پی مسکینی بدهی، تا از ادای حق آن فراغت یابی. و به هنگام بریدن خوشه های خرما، مشتی پر از پی مشتی پر ببخشی تا از آن فارغ شوی، و همچنین از چیدن میوه مشتی پر از پس مشتی پر عطا کنی تا از آن فراغت یابی، و همی باید تا برای دشتبان و باغبانی که درون مزرعه و باغ سرگرم حفظ و حراست است، مزدی معلوم بجای نهد و از خرمابن معافاره و ام جعروور را - که از بدترین اقسام خرما است - وا گذاشت، و یک و دو و سه خرمابن با میوه اش را برای بوستان بان، به پاداش حفظ و حراستی که انجام داده است باقی گذار، و اما قول خدای تعالی: «وَلَا تُسْرِفُوا أَنَّهُ لَا يُحِبُّ الْمُسْرِفِينَ». پس مراد از اسراف در اینجا این است که با هر دو دست ببخشی.

۱۶۶۴- ۸ و امام صادق علیه السلام فرمود: شبانه درو مکن، و شبانه خوشه های خرما را مبر، و شبانه میوه را مچین، و شبانه قریانی مکن، و شبانه بذر میفشان، زیرا که تودر بذر افشاندن هم بمانند وقت درو همی ببخشی، و چون به هنگام

وَلَا الْمُعْتَرُّ.

۱۶۶۵- وَرَوَى عَنْ مُصَادِفٍ قَالَ: «كُنْتُ مَعَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَرْضٍ لَهُ وَهُمْ يَضْرِمُونَ، فَجَاءَ سَائِلٌ يَسْأَلُ، فَقُلْتُ: اللَّهُ يَرْزُقُكَ، فَقَالَ: مَهْ لَيْسَ ذَلِكَ لَكُمْ حَتَّى تُعْطُوا ثَلَاثَةً فَإِنْ أَغْظَيْتُمْ بَعْدَ ذَلِكَ فَلَكُمْ، وَإِنْ أَمْسَكْتُمْ فَلَكُمْ».

* (بَابُ الْحَقِّ الْمَعْلُومِ وَالْمَاعُونِ) *

۱۶۶۶- رَوَى سَمَاعَةُ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الْحَقُّ الْمَعْلُومُ لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ هُوَ الشَّيْءُ تُخْرِجُهُ مِنْ مَالِكَ إِنْ شِئْتَ كُلَّ جُمُعَةٍ، وَإِنْ شِئْتَ كُلَّ شَهْرٍ، وَلِكُلِّ ذِي فَضْلٍ فَضْلُهُ، وَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَإِنْ تُخْشَوْهَا وَتُؤْتِيهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ

شَبَّ بِهِ إِنْ كَارَ مِبَادَرَتِ كُنِيَ يَسْكِينَانِ وَ سَائِلَانِ وَ قَانِعٍ وَ مُعْتَرٍّ بِهِ نَزْدٌ تَوْ حَاضِرٍ نَمِشُونَ».

① ۱۶۶۵- واز مصادف [مولی ابی عبدالله علیه السلام] روایت شده است که در زمینی متعلق به امام صادق علیه السلام از فیض صحبت آن امام برخوردار بودم، و این در حالی بود که خوشه های خرمای آنرا میبردند، پس در این میان سائلی به مسألت فراز آمد، پس من در جواب او گفتم: «خدا بدهد!» در این هنگام امام علیه السلام فرمود: خاموش باش! این محصول از آن شما نیست مگر آنکه به سه کس از آن عطا کنید. و پس از آن تحت اختیار شما خواهد بود، تا اگر بخواهید ببخشید یا امساک کنید.

* (بَابُ حَقِّ مَعْلُومٍ وَمَاعُونِ) *

② ۱۶۶۶- سَمَاعَةُ عَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَيْتُ كَرْدَةً أَنَّكَ فَرَمَوْتَ: حَقُّ مَعْلُومٍ أَرْزَاقَاتٍ لَيْسَتْ. بَلَكَّةَ أُنْ، چِيزِي اسْتِ كِهْ أَكْرَ بَخَوَاهِي هَر جَمْعَه وَ أَكْرَ بَخَوَاهِي هَر مَاهِ أَرْ مَالِ خُودَتِ خَارِجِ مِيسَازِي، وَ فَضِيلَتِ هَر صَاحِبِ فَضِيلَتِي مُتَعَلِّقِ بَخُودِ أُو اسْتِ، وَ قَوْلِ خُدَايَ عَزَّوَجَلَّ: «وَإِنْ تُخْشَوْهَا وَ تُؤْتِيهَا الْفُقَرَاءَ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ»

(۱) در کافی ضمن خبری در این باب آمده است که راوی درباره معنی قانع و معتتر از امام سؤال میکند، و امام علیه السلام در جواب میفرماید: قانع کسی است که بهره به او عطا کنی قناعت میکند، و معتتر کسی است که پیرامون تو میگردد و از تو سؤال میکند.

خَيْرٌ لَّكُمْ» فَلَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ، وَالْمَاعُونُ لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ، هُوَ الْمَعْرُوفُ تَصْنَعُهُ، وَالْقَرْضُ تَقْرِضُهُ، وَمَتَاعُ الْبَيْتِ تُعِيرُهُ، وَصِلَةُ قَرَابَتِكَ لَيْسَ مِنَ الزَّكَاةِ وَقَالَ عَزَّوَجَلَّ: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ» فَالْحَقُّ الْمَعْلُومُ غَيْرُ الزَّكَاةِ وَهُوَ شَيْءٌ يَقْرِضُهُ الرَّجُلُ عَلَى نَفْسِهِ أَنَّهُ فِي مَالِهِ وَنَفْسِهِ، وَيَجِبُ لَهُ أَنْ يَقْرِضَهُ عَلَى قَدْرِ طَاقَتِهِ وَسَعْيِهِ.

* (بَابُ الْخَرَجِ وَالْجِزْيَةِ) *

۱۶۶۷- رُوِيَ عَنْ مُصْعَبِ بْنِ يَزِيدَ الْأَنْصَارِيِّ قَالَ: «اسْتَعْمَلَنِي أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى أَرْبَعَةِ رِسَالَتِي الْمَدَائِنِ الْبَهْقِازَاتِ، وَبَهْرَ سِيرٍ، وَنَهْرِ جَوْتَرٍ، وَنَهْرِ الْمَلِكِ وَأَمَرَنِي أَنْ أَضَعَ عَلَى كُلِّ جَرِيبٍ زَرْعَ غُلِيظٍ دِرْهَمًا وَيَضْفَأَ عَلَى كُلِّ جَرِيبٍ وَسَطَ دِرْهَمًا، وَعَلَى كُلِّ جَرِيبٍ زَرْعَ رَقِيٍّ ثَلَاثِي دِرْهَمٍ، وَعَلَى كُلِّ جَرِيبٍ كَرْمَ عَشْرَةِ دِرْهَمٍ، وَعَلَى كُلِّ جَرِيبٍ نَخْلٍ

- یعنی: و اگر آنرا پنهان کنید، و به فقراء دهید، پس برای شما بهتر است - این درباره زکات نیست، و همچنین «ماعون» یعنی عملی معروف از زکات نیست، بلکه عملی پسندیده‌ای است که انجام می‌دهی، و مالی که به قرض می‌دهی، و اثاث البیتی که به عاریت می‌سپاری، و آنچه در راه صِلَة ارحامت صرف می‌کنی از زکات نیست. و اینکه خدای عزوجل فرموده است: «وَالَّذِينَ فِي أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ مَّعْلُومٌ» پس حق معلوم غیر از زکات است، و آن چیزی است که شخص آنرا بر خود فرض می‌کند که آن در مال و جانش مقرر و مفروض شده است، و بر او واجب است که آنرا بقدر طاقتش و گنجایشش بر خود فرض کند.

* (بَابُ خَرَجِ وَجْزِيَةِ) *

۱۶۶۷- از مُصْعَبِ بْنِ يَزِيدِ أَنْصَارِيِّ روایت شده است که گفت: (۱) امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب علیه السلام مرا بعنوان عامل خود، بر چهار روستای مداین منصوب فرمود، و آن چهار ناحیه عبارتند از: بهقازات، و بهر سیر، و نهر جوتر، و نهر الملک. و امیرالمؤمنین علیه السلام مرا فرمود تا بر هر جریب از زراعت غلیظ یک

عَشْرَةَ دَرَاهِمَ، وَعَلَى كُلِّ جَرِيبِ الْبَسَانِیِّ الَّتِي تَجْمَعُ النَّخْلَ وَالشَّجَرَةَ عَشْرَةَ دَرَاهِمَ، وَأَمَرَنِي أَنْ أَلْقِيَ كُلَّ نَخْلٍ شَاذٍ عَنِ الْقَرْيَةِ لِمَا رَأَى الطَّرِيقَ وَأَبْنَاءَ السَّبِيلِ، وَلَا أَخَذَ مِنْهُ شَيْئًا، وَأَمَرَنِي أَنْ أَضَعَ عَلَى الدُّهَاقِیْنَ الَّذِیْنَ یُرْكَبُونَ الْبَرَادِیْنَ وَیَسْتَحْتَمُونَ بِالذَّهَبِ عَلَى كُلِّ رَجُلٍ مِنْهُمْ ثَمَانِيَّةً وَأَرْبَعِينَ دِرْهَمًا، وَعَلَى أَوْسَاطِهِمْ وَالتُّجَّارِ مِنْهُمْ عَلَى كُلِّ رَجُلٍ أَرْبَعَةٌ وَعِشْرِينَ دِرْهَمًا، وَعَلَى سِیْقَلِیَّتِهِمْ وَفُقَرَائِهِمْ عَلَى كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ اثْنِي عَشَرَ دِرْهَمًا، قَالَ: فَجَبَّيْتُهَا ثَمَانِيَّةً عَشَرَ أَلْفَ دِرْهَمٍ فِي سَنَةٍ.

۱۶۶۸ - وَرَوَى فَضِيلُ بْنُ عُثْمَانَ الْأَعْمُرِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ

قَالَ: «مَا مِنْ مَوْلُودٍ يُوَلَّدُ إِلَّا عَلَى الْفِطْرَةِ فَأَبَوَاهُ اللَّذَانِ يَهُودَانِ وَيُنَصْرَانِ وَيُمَجْسَانِ وَإِنَّمَا أُعْطِيَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الذِّمَّةُ وَقَبِلَ الْجِزْيَةَ عَنْ رُؤُوسِ أَوْلِيَاكَ

درهم و نیم، و بر هر جریب از زراعت متوسط یک درهم، و بر هر جریب از زراعت رقیق دو ثلث درهم، و بر هر جریب از تاکستان ده درهم، و بر هر جریب از نخلستان ده درهم، و بر هر جریب از بوستانهایی که نخل و سایر اشجار را باهم داشته باشد ده درهم خراج وضع کنم. و فرمود تا هر نخلی را که در اماکن متفرقه دهکده ها رسته باشد، برای راهگذاران و ابناء السبیل بگذارم، و خراجی از آن نستانم. و فرمود تا بر هر مردی از دهقانان - یعنی کشاورزان بزرگ مجوس - که بر اسب تاتاری «بردون» سوار میشوند، و انگشتی زرین بدست میکنند، چهل و هشت درهم، و بر هر مردی از طبقه متوسط و تجارشان بیست و چهار درهم، و بر تهیدستان و فقیرانشان دوازده درهم وضع کنم.

راوی گفت: پس من آن اموال خراج را به حساب هجده هزار هزار درهم در هر سال گرد آوردم.

(۱) ۱۶۶۸ - و فضیل بن عثمان اعمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است فرمود: هیچ مولودی نیست مگر آنکه بر فطرت توحید و اسلام متولد میشود، ولی والدینش همان کسانی هستند که او را یهودی و نصرانی و مجوسی میسازند، و همانا که رسول خدا صلی الله علیه و آله پیمان دمه را به ذمیان زمان خودش عطا فرمود، و جزیه

بِأَعْيَانِهِمْ عَلَى أَنْ لَا يُهَوِّدُوا أَوْلَادَهُمْ وَلَا يُتَّصِرُوا، وَأَمَّا أَوْلَادُ أَهْلِ الذِّمَّةِ الْيَوْمَ فَلَا ذِمَّةَ لَهُمْ».

۱۶۶۹- وَفِي رِوَايَةِ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ، عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَبْلَ الْجِزْيَةِ مِنْ أَهْلِ الذِّمَّةِ عَلَى أَنْ لَا يَأْكُلُوا الرِّبَا، وَلَا يَأْكُلُوا لَحْمَ الْخَيْزِرِ، وَلَا يَتَكَبَّحُوا الْأَخْوَابَ، وَلَا يَنْتَابِ الْأَجَّ، وَلَا يَنْتَابِ الْأُخْبَ، فَمَنْ فَعَلَ ذَلِكَ مِنْهُمْ [فَقَدْ] بَرِئَتْ مِنْهُ ذِمَّةُ اللَّهِ وَذِمَّةُ رَسُولِهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، وَقَالَ: لَيْسَتْ لَهُمُ الْيَوْمَ ذِمَّةٌ».

۱۶۷۰- وَرَوَى حَرِيزٌ، عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا حَدُّ الْجِزْيَةِ عَلَى أَهْلِ الْكِتَابِ؟ وَهَلْ عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مُوَظَّفٌ لَا يَتَّبِعِي أَنْ يَجُوزَ إِلَى غَيْرِهِ؟ فَقَالَ: ذَلِكَ إِلَى الْإِمَامِ يَأْخُذُ مِنْ كُلِّ إِنْسَانٍ مِنْهُمْ مَا شَاءَ عَلَى قَدْرِ مَالِهِ وَمَا يُطِيقُ، إِنَّمَا هُمْ قَوْمٌ قَتَلُوا أَنْفُسَهُمْ أَنْ لَا يُسْتَعْبَدُوا أَوْ يُقْتَلُوا، فَالْجِزْيَةُ يُؤْخَذُ مِنْهُمْ

سَرَّانَه را از خصوص همین جمع قبول کرد، مشروط به اینکه فرزندانشان را یهودی و نصرانی نکنند. و اما فرزندان امروزی اهل ذمه هیچگونه عهد و پیمانی ندارند.

۱۶۶۹- و در روایت علی بن رثاب از زراره آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله جزیه را بدان شرط از اهل ذمه قبول کرد که ربای و گوشت خوک نخورند، و خواهران و برادرزادگان و خواهرزادگانیشان را به نکاح خود درنیاورند، پس هر کدام از ایشان که یکی از این امور را مرتکب شد، ذمه خدا و ذمه پیامبرش از او بری است.

و امام علیه السلام فرمود: امروز ایشان ذمه ای و پیمانی ندارند.

۱۶۷۰- و حریر از زراره روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام معروض داشتم که: حد جزیه بر اهل کتاب چیست و آیا در این باره مبلغ معینی برعهده دارند که سزاوار نیست از آن بغیر آن تجاوز کنند؟ پس امام علیه السلام فرمود: این امر موکول بنظر امام است، و او از هر فردی از ایشان هر چه بخواهد، بقدر دارائیش و به اندازه طاقتش میگیرد، همانا که اهل ذمه گروهی هستند که جان خود را

عَلَى قَدَرِ مَا يُطِيقُونَ، لَهُ أَنْ يَأْخُذَهُمْ بِهِ حَتَّى يُسْلِمُوا، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ قَالَ: «حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» وَهُوَ لَا يَكْثُرُ بِمَا يُؤْخَذُ مِنْهُ حَتَّى يَجِدَ دَلَالًا لِمَا أَخَذَ مِنْهُ فَيَأْتَمَ لِذَلِكَ فَيُسْلِمَ».

۱۶۷۱- وَقَالَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَرَأَيْتَ مَا يَأْخُذُ هَؤُلَاءِ مِنْ هَذَا الْخُمْسِ مِنْ أَرْضِ الْجِزْيَةِ وَيَأْخُذُونَ مِنَ الدَّهَاقِينِ جِزْيَةَ رُؤُوسِهِمْ أَمَا عَلَيْهِمْ فِي ذَلِكَ شَيْءٌ مُوَظَّفٌ؟ فَقَالَ: كَانَ عَلَيْهِمْ مَا أَجَازُوا عَلَى نَفْسِهِمْ وَلَيْسَ لِلْإِمَامِ أَكْثَرُ مِنَ الْجِزْيَةِ، إِنْ شَاءَ الْإِمَامُ وَضَعَ ذَلِكَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ وَلَيْسَ عَلَى أَمْوَالِهِمْ شَيْءٌ، وَإِنْ شَاءَ قَلَى أَمْوَالِهِمْ وَلَيْسَ عَلَى رُؤُوسِهِمْ شَيْءٌ، فَقُلْتُ: فَهَذَا الْخُمْسُ؟ فَقَالَ: إِنَّمَا هَذَا شَيْءٌ كَانَ صَالِحَهُمْ عَلَيْهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

خریده اند، تا به بردگی درنیابند، یا کشته نشوند، و بنابراین جزیه به اندازه طاقتشان از ایشان گرفته میشود.

امام حق دارد که ایشان را مأخوذ به جزیه سازد، تا اسلام بیاورند، زیرا خدای عزوجل فرموده است: «حَتَّى يُعْطُوا الْجِزْيَةَ عَنْ يَدٍ وَهُمْ صَاغِرُونَ» - یعنی: تا جزیه را از دست خود بپردازند، درحالیکه پذیرای ذلت باشند - و شخص ذمی اهیقی به آنچه از او گرفته شود نمیدهد مگر زمانی که از جهت آنچه از او گرفته شده است احساس ذلت کند، و در اثر آن متالم شود و آنگاه اسلام بیاورد.

۱۶۷۱- و محمد بن مسلم گفت: به امام صادق علیه السلام معروض داشتم: آیا این خمس را که آنان (یعنی هیئت حاکمه) از زمین جزیه میگیرند، و جزیه سرانه ای را که از دهقانان میستانند می بینید؟ آیا در این باره چیز معین و مبلغ مشخصی برعهده اهل ذمه نیست؟ پس امام علیه السلام فرمود: ایشان همان چیزی را برعهده داشتند که خودشان بر خود روا داشته بودند، و امام حق دریافت چیزی افزون از آن را ندارد. اگر امام بخواهد آنرا بصورت سرانه برایشان وضع میکند، و در اینصورت براموالشان چیزی نیست، و اگر بخواهد براموالشان وضع میکند و بر سرانه ایشان چیزی نیست. گفتم:

۱۶۷۲- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي أَهْلِ الْجَزِيَّةِ «يُؤْخَذُ مِنْ أَمْوَالِهِمْ وَمَوَاشِيهِمْ شَيْءٌ سِوَى الْجَزِيَّةِ؟ قَالَ: لَا».

۱۶۷۳- قَالَ: وَسَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ صَدَقَاتِ أَهْلِ الذَّمِّ وَمَا يُؤْخَذُ مِنْ جَزِيَّتِهِمْ مِنْ ثَمَنِ خُمُورِهِمْ وَلَحْمِ خَنَازِيرِهِمْ وَمَيْتَتِهِمْ؟ فَقَالَ: عَلَيْهِمُ الْجَزِيَّةُ فِي أَمْوَالِهِمْ تُؤْخَذُ مِنْهُمْ مِنْ ثَمَنِ لَحْمِ الْخَنَازِيرِ أَوْ خَمْرٍ وَكُلُّمَا أَخَذُوا مِنْ ذَلِكَ قَوِّرُ ذَلِكَ عَلَيْهِمْ وَثَمَنُهُ لِلْمُسْلِمِينَ حَلَالٌ يَأْخُذُونَهُ فِي جَزِيَّتِهِمْ».

۱۶۷۴- وَ رَوَى طَلْحَةُ بْنُ زَيْدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «جَرَتِ النَّسَبَةُ أَنْ لَا تُؤْخَذَ الْجَزِيَّةُ مِنَ الْمُعْتَوَةِ، وَلَا مِنَ الْمُغْلُوبِ عَلَى عَقْلِهِ».

۱۶۷۵- وَ رَوَى حَفْصُ بْنُ غِيَاثٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّسَاءِ كَيْفَ سَقَطَتِ الْجَزِيَّةُ وَرُفِعَتْ عَنْهُمْ؟ فَقَالَ: لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

پس این خمس چیست؟ فرمود: همانا که این چیز است که رسول خدا صلی الله علیه وآله براساس آن با ایشان مصالحه کرده است.

(۱) ۱۶۷۲- و محمد بن مسلم در روایت خود راجع به اهل جزیه آورده است که از امام ابو جعفر علیه السلام سؤال کردم که آیا از اموال و مواشی ایشان چیزی بجز جزیه گرفته میشود؟ امام علیه السلام فرمود: نه.

(۲) ۱۶۷۳- همین راوی گفت: و از امام صادق علیه السلام درباره صدقات اهل ذمه و بهای انواع شراب و گوشت خوک و میده ای که بابت جزیه از ایشان اخذ میشود سؤال کردم، پس فرمود: جزیه بر آن گروه در اموالشان فرض شده است، و این جزیه از بهای گوشت خوک یا شراب گرفته میشود، و هر چه از اینگونه از ایشان بگیرند، و بال آن به گردن ایشان است، و بهای آن اشیاء که مسلمین آنرا به حساب جزیه دریافت میکنند برای مسلمین حلال است.

(۳) ۱۶۷۴- و طلحه بن زید از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: سنت بر این جریان یافته است که از شخص ناقص العقل و سفیه جزیه نگیرند.

(۴) ۱۶۷۵- و حفص بن غیاث - قاضی منی - گفت: از ابی عبد الله (علیه السلام)

نَهَى عَنْ قَتْلِ النِّسَاءِ وَالْوِلْدَانِ فِي دَارِ الْحَرْبِ إِلَّا أَنْ يُقَاتِلْنَ وَإِنْ قَاتَلَتْ أَيْضاً فَأَمْسِكَ عَنْهَا مَا أَمَكَنَّكَ وَلَمْ تَخَفْ خَلَاءً فَلَمَّا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ قَتْلِهِنَّ فِي دَارِ الْحَرْبِ كَانَ ذَلِكَ فِي دَارِ الْإِسْلَامِ أَوَّلَى وَلَوْ اِمْتَنَعْتَ أَنْ تُؤَدِّيَ الْجِزْيَةَ لَمْ يُمَكِّنْ قَتْلُهَا فَلَمَّا لَمْ يُمَكِّنْ قَتْلُهَا رُفِعَتْ الْجِزْيَةُ عَنْهَا وَلَوْ مَتَعَ الرِّجَالُ فَأَبَوْا أَنْ يُؤَدُّوا الْجِزْيَةَ كَانُوا نَاقِضِينَ لِلْعَهْدِ وَحَلَّتْ دِمَاؤُهُمْ وَقَتْلُهُمْ لِأَنَّ قَتْلَ الرِّجَالِ مُبَاحٌ فِي دَارِ الشَّرْكِ وَالذِّمَّةِ، وَكَذَلِكَ الْمُقْعِدُ مِنَ أَهْلِ الشَّرْكِ وَالذِّمَّةِ وَالْأَعْمَى وَالشَّيْخُ الْفَاقِي وَالْمَرْأَةُ وَالْوِلْدَانُ فِي أَرْضِ الْحَرْبِ مِنْ أَجْلِ ذَلِكَ رُفِعَتْ عَنْهُمْ الْجِزْيَةُ».

۱۶۷۶- وَرَوَى ابْنُ مُسْكَانَ عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: «سَأَلَ رَجُلٌ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْأَعْرَابِ أَعْلَيْهِمْ جِهَادٌ؟ فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِمْ جِهَادٌ إِلَّا أَنْ يُخَافَ عَلَى

در باره زنان سؤال کردم که: چگونه جزیه از ایشان ساقط و مرفوع شده است؟ پس فرمود: این بدان جهت است که رسول خدا صلی الله علیه وآله از کشتن زنان و کودکان در دارالحرب نهی فرموده است، مگر آنکه زنان در جنگ شرکت داشته باشند، و حتی در این مورد نیز فرموده است: وزن اگر چه در جنگ هم شرکت کند، چندان که برای تو ممکن باشد، و از جانب او بیم پدید آمدن خللی در جبهه مسلمین نداشته باشی از کشتنش خودداری کن. پس در صورتیکه رسول خدا صلی الله علیه وآله از کشتن زنان در دارالحرب نهی فرموده، این رعایت در دارالاسلام اولی است، و اگر زن از پرداختن جزیه امتناع کند کشتنش جایز نیست. پس چون قتل او ممکن نبوده جزیه از او برداشته شده است. و اگر مردها از پرداختن جزیه امتناع کنند، پیمان شکنند، و خونشان و قتلشان حلال است. زیرا کشتن مردها در دارالشک و الذمه مباح است، و همچنین از شخص زمینگیر از اهل شرک و ذمه و شخص نابینا و پیر فرتوت و زن و کودکان در دارالحرب جزیه برداشته شده است.

(۱) ۱۶۷۶- و ابن مسکان از حلبی روایت کرده است که گفت: مردی از امام

صادق علیه السلام درباره اعراب - یعنی عرب صحرائشین - سؤال کرد که آیا جهاد بر ایشان واجب است؟ پس فرمود: جهادی بر آنان نیست، مگر وقتی که خطری متوجه

الإسلام فِستَعَانُ بِهِمْ، فَقَالَ: فَلَهُمْ مِنَ الْجَزِيَةِ شَيْءٌ قَالَ: لَا».

۱۶۷۷- وَ سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ سِيرَةِ [الْإِمَامِ فِي الْأَرْضِ الَّتِي] فُتِحَتْ بَعْدَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: إِنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَدْ سَارَ فِي أَهْلِ الْعِرَاقِ بِسِيرَةٍ فِيهِ إِمَامٌ لِأَسَائِرِ الْأَرَضِينَ، وَقَالَ: إِنَّ أَرْضَ الْجَزِيَةِ لَا تُرْفَعُ عَنْهَا الْجَزِيَةُ وَإِنَّمَا الْجَزِيَةُ عَطَاءُ الْمُجَاهِدِينَ، وَالصَّدَقَاتُ لِأَهْلِهَا الَّذِينَ سَمَّى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِي كِتَابِهِ لَيْسَ لَهُمْ مِنَ الْجَزِيَةِ شَيْءٌ، ثُمَّ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا أَوْسَعَ الْعَدْلُ إِنَّ النَّاسَ يَسْتَعْنُونَ إِذَا عُيِدَ فِيهِمْ، وَتُنَزَّلُ السَّمَاءُ رِزْقَهَا، وَتُخْرِجُ الْأَرْضُ بَرَكَتَهَا بِإِذْنِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ».

۱۶۷۸- وَ الْمَجُوسُ تُوخِدُ مِنْهُمْ الْجَزِيَةَ لِأَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَالَ: «سُنُّوا بِهِمْ سُنَّةَ أَهْلِ الْكِتَابِ».

اسلام شود، که در این حال از ایشان کمک گرفته میشود. پس آن مرد گفت: آیا چیزی از جزیه به ایشان میرسد؟ فرمود: نه.

① ۱۶۷۷- و محمد بن مسلم از امام ابو جعفر علیه السلام درباره چگونگی سیره امام در سرزمینی که پس از رسول خدا صلی الله علیه وآله فتح شود سؤال کرد، امام فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام در اهل عراق با سیره ای سلوک فرموده است، و بنابراین همان سیره برای همگی مناطق زمین سرمشق و دستور العمل است. و فرمود: زمین جزیه جزیه از آن برداشته نمیشود، و همانا که جزیه عطیه مجاهدین است، و صدقات - یعنی زکوات - متعلق به اهل آن است که خدای عزوجل در کتاب خود از ایشان نام برده، و ایشان سهمی از جزیه ندارند.

سپس فرمود: چه وسیع و گسترده است عدل! بیگمان هرگاه عدالت در میان مردم اجراء شود همگی مستغنی میشوند، و آسمان رزقش را نازل میکند، و زمین برکتش را به فرمان خدای عزوجل برمی آورد.

② ۱۶۷۸- و از مجوس جزیه گرفته میشود، زیرا پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: به سنت اهل کتاب با ایشان رفتار کنید.

وَكَانَ لَهُمْ نَبِيٌّ اسْمُهُ دَامَسْبُ فَقَتَلُوهُ، وَكِتَابٌ يُقَالُ لَهُ جَامَسْبُ كَانَ يَقَعُ فِي اثْنَيْ عَشَرَ أَلْفَ جِلْدٍ ثَوْرٍ فَحَرَّقُوهُ.

۱۶۷۹ - وَ سَأَلَ أَبُو الْوَرْدِ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مَمْلُوكٍ نَصْرَانِيٍّ لِرَجُلٍ مُسْلِمٍ عَلَيْهِ جَزْيَةٌ؟ قَالَ: نَعَمْ، قَالَ: فَيُؤَدِّي عَنْهُ مَوْلَاهُ الْمُسْلِمُ الْجَزْيَةَ؟ قَالَ: نَعَمْ إِنَّمَا هُوَ مَالُهُ يَفْتَدِيهِ إِذَا أُخِذَ يُؤَدِّي عَنْهُ.

وَقَدْ أَخْرَجْتُ مَا رَوَيْتُ مِنَ الْأَخْبَارِ فِي هَذَا الْمَعْنَى فِي كِتَابِ الْجَزْيَةِ.

(بَابُ فَضْلِ الْمَعْرُوفِ)

۱۶۸۰ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «أَوَّلُ مَنْ يَدْخُلُ الْجَنَّةَ الْمَعْرُوفُ وَأَهْلُهُ وَأَوَّلُ مَنْ يَرِدُ عَلَيَّ الْحَوْضُ».

و ایشان پیامبری داشته اند، که نامش داماسب بوده، پس او را کشته اند، و کتابی داشته اند که آن را جاماسب میخوانده اند، و آن کتاب در دوازده هزار پوست گاو نوشته شده بوده، ولی ایشان آن را سوزانده اند.

(۱) ۱۶۷۹ - و ابو الورد از امام ابو جعفر علیه السلام سؤال کرد که: آیا برده نصرانی که مملوک مرد مسلمانی باشد، جزیه به او تعلق میگیرد؟ فرمود: آری. گفت: در اینصورت مالک مسلمانش جزیه را میپردازد؟ فرمود: آری. همانا که آن مملوک مال او است، بدین جهت از او حمایت میکنند، و جزیه را از بابت او میپردازد. و من اخباری را که در این معنی برایم روایت شده است در کتاب الجزیه آورده ام.

(بَابُ فَضْلِ مَعْرُوفٍ)

(۲) ۱۶۸۰ - رَسُولُ خُدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمودند: نخستین کسی که به بهشت داخل میشود معروف و اهل آنند، و هم ایشان نخستین کسانی هستند که در کنار حوض بر

(۱) شیخ طوسی - رضوان الله علیه - در «نهایه» فرموده است: «معروف اسمی جامع همگی امور شناخته شده، از طاعت خدای تعالی و تقرب به او و احسان به مردم و کلیه اعمالی است که شرع به آن دعوت کرده است، و گاهی به اعمالی اختصاص می یابد که اثر آن به دیگران برسد، و ظاهراً در اینجا مراد همین است. و اینکه فرموده است: «نخستین کسی که به بهشت داخل میشود معروف است» یا بنا بر اصل تجسم اعمال است، و یا بنا بر اینست که معروف سبب دخول بهشت است.

۱۶۸۱- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الدُّنْيَا أَهْلُ الْمَعْرُوفِ فِي الْآخِرَةِ».

و تَفْسِيرُهُ أَنَّهُ إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ قِيلَ لَهُمْ: هَبُوا حَسَنَاتِكُمْ لِمَنْ شِئْتُمْ وَادْخُلُوا الْجَنَّةَ.

۱۶۸۲- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كُلُّ مَعْرُوفٍ صَدَقَةٌ، وَالدَّالُّ عَلَى الْخَيْرِ كِفَاعِيلُهُ، وَاللَّهُ يُجِبُّ إِغَاثَةَ الْمُهْضَانِ».

۱۶۸۳- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «اصْنَعِ الْمَعْرُوفَ إِلَى كُلِّ أَحَدٍ، فَإِنْ كَانَ أَهْلُهُ وَإِلَّا فَانْتَ أَهْلُهُ».

۱۶۸۴- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَيُّمَا مُؤْمِنٍ أَوْصَلَ إِلَى أَخِيهِ الْمُؤْمِنِ مَعْرُوفًا فَقَدْ أَوْصَلَ ذَلِكَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

۱۶۸۵- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْمَعْرُوفُ شَيْءٌ سِوَى الزَّكَاةِ فَتَقَرَّبُوا إِلَى

من وارد میشوند.

① ۱۶۸۱- و نیز آن حضرت صلی الله علیه و آله فرمود: «اهل معروف در دنیا اهل معروف در آخرتند». و تفسیر این بیان این است که چون روز قیامت شود، به ایشان گویند: از سرمایه اعمال نیک خود به هر که خواهید ببخشید، و به بهشت درآید.

② ۱۶۸۲- و نیز فرمودند: هر عمل معروف صدقه است، و دلالت کننده بر خیر بمانند فاعل آنست، و خدا فریاد رسمی مظلوم مهموم را دوست میدارد.

③ ۱۶۸۳- و امام صادق علیه السلام فرمود: معروف را درباره همه کس بجا آور، زیرا اگر او اهل و شایسته آن باشد، معروف بجای خود واقع شده، و الا پس تو خود اهل و شایسته آئی.

④ ۱۶۸۴- و نیز آن امام علیه السلام فرمود: هر آن مؤمنی که معروف را به برادر مؤمن خود برساند، در حقیقت آنرا به رسول خدا صلی الله علیه و آله رسانده است.

⑤ ۱۶۸۵- و نیز آن امام علیه السلام فرمود: معروف چیزی غیر از زکات است،

الله عَزَّوَجَلَّ بِالْبِرِّ وَصِلَةِ الرَّحِمِ».

۱۶۸۶- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَأَيْتُ الْمَعْرُوفَ كَاسِيَهُ، وَلَيْسَ شَيْءٌ أَفْضَلَ مِنَ الْمَعْرُوفِ إِلَّا ثَوَابُهُ، وَذَلِكَ يُرَادُ مِنْهُ، وَلَيْسَ كُلُّ مَنْ يُحِبُّ أَنْ يَضَعَعَ الْمَعْرُوفَ إِلَى النَّاسِ يَضَعُهُ وَلَيْسَ كُلُّ مَنْ يَرْغَبُ فِيهِ يَقْدِرُ عَلَيْهِ، وَلَا كُلُّ مَنْ يَقْدِرُ عَلَيْهِ يُؤَدِّنُ لَهُ فِيهِ، فَإِذَا اجْتَمَعَتِ الرَّغْبَةُ وَالْقُدْرَةُ وَالْإِذْنُ فَهُنَالِكَ تَمَّتِ السَّعَادَةُ لِلطَّالِبِ وَالْمَطْلُوبِ إِلَيْهِ».

۱۶۸۷- وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَنَائِعُ الْمَعْرُوفِ تَقِي مَصَارِعَ السُّوءِ».

۱۶۸۸- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَفْضَلُ الصَّدَقَةِ صَدَقَةٌ عَنْ ظَهْرِ غِنًى وَابْتِدَاءَ بِمَنْ تَعُولُ، وَالْيَدُ الْعُلْيَا خَيْرٌ مِنَ الْيَدِ السُّفْلَى، وَلَا يَلُومُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى الْكَفَافِ».

پس بوسیله نیکوکاری و صله رحم - که از مصادیق معروفند - بخدای عزوجل تقرب جوئید.

① ۱۶۸۶- و نیز آن امام علیه السلام فرمود: معروف را همانند اسمش زیبا دیدم، و چیزی بهتر و برتر از معروف نیست، بجز ثواب آن، و منظور از معروف همین است، و نه چنین است که هرکس دوست بدارد که معروفی درباره مردم بجا آورد آنرا انجام دهد، و نه چنین است که هرکس در آن راغب باشد قدرت بر آن بیابد. و نه چنین است که هرکس قادر بر آن باشد در انجام آن مأذون شود. پس هر زمان که رغبت و قدرت و اذن فراهم شود، آنجا سعادت برای طالب و مطلوب کامل شده است.

② ۱۶۸۷- و امام ابو جعفر علیه السلام فرمود: نیکوکاریها، آدمی را از سقوط در مهالک نگاه میدارد.

③ ۱۶۸۸- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: بهترین صدقه آن است که از مازاد قوت عیال باشد، و چون قصد انفاق کنی به افراد عائله خودت آغاز کن، و دست برین - که صدقه میدهد - بهتر از دست زیرین است - که صدقه را میستانند - و خدای

۱۶۸۹- وَ قَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ الْبَرَكَاتَ أَسْرَعُ إِلَى الْيَتِيمِ الَّذِي يُمْتَارُ مِنْهُ الْمَعْرُوفُ مِنَ الشَّفَرَةِ فِي سَنَامِ التَّبَعِيرِ، أَوِ السَّبِيلِ إِلَى مُنْتَهَاهُ».

۱۶۹۰- وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لِكُلِّ شَيْءٍ ثَمَرَةٌ وَثَمَرَةُ الْمَعْرُوفِ تَعْجِيلُهُ».

۱۶۹۱- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَأَيْتُ الْمَعْرُوفَ لَا يَضْلُحُ إِلَّا بِثَلَاثِ خِصَالٍ تَصْغِيرُهُ وَشَرُّهُ وَتَعْجِيلُهُ، فَإِنَّكَ إِذَا صَغَّرْتَهُ عَظَمْتُهُ عِنْدَ مَنْ تَضَنُّعُهُ إِلَيْهِ، وَإِذَا شَرَّتَهُ تَمَمَّتْهُ وَإِذَا عَجَّلْتَهُ هَتَّأَتْهُ، وَإِنْ كَانَ غَيْرَ ذَلِكَ مَحَقَّتُهُ وَتَكَدَّتْهُ».

۱۶۹۲- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِلْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ: «يَا مُفَضَّلُ إِذَا أَرَدْتَ أَنْ تَعْلَمَ أَشَقِيَّ الرَّجُلِ أَمْ سَعِيدٌ فَانْظُرْ إِلَى مَعْرُوفِهِ إِلَى مَنْ يَضَنُّعُهُ، فَإِنْ كَانَ يَضَنُّعُهُ إِلَى مَنْ هُوَ أَهْلُهُ فَاعْلَمْ أَنَّهُ إِلَى خَيْرٍ، وَإِنْ كَانَ يَضَنُّعُهُ إِلَى غَيْرِ أَهْلِهِ فَاعْلَمْ أَنَّهُ لَيْسَ لَهُ عِنْدَ اللَّهِ

عزوجل کسی را به علت اندوختن رزق کافی برای عیال سرزنش نمیکند.

(۱) ۱۶۸۹- و نیز رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: برکت بسوی خانه‌ای که خوانِ معروف از آن بسوی مستحقین می‌برند از جنبشِ کاره‌تند و پهنِ مخصوص در گوشت نرم کوهان شتر، یا از خیزش سیل تا آخرین حدش، شتابنده‌تر است.

(۲) ۱۶۹۰- و امام ابو جعفر علیه السلام فرمود: هر چیزی را ثمری است، و ثمرِ معروف شتاب کردن در انجام آن است.

(۳) ۱۶۹۱- و امام صادق علیه السلام فرمود: در نظر من معروف جز با سه خصلت به صلاح نمی‌گراید: کوچک شمردنش، و پوشیده داشتنش، و شتابان انجام دادنش. زیرا چون کوچکش شماری در نظر طرفِ احسان بزرگش کرده‌ای، و چون پوشیده‌اش داری به کمالش رسانده‌ای، و چون در انجامش شتاب کنی گوارایش ساخته‌ای. و اگر جز این باشد آنرا تباه و بی‌مقدار کرده‌ای.

(۴) ۱۶۹۲- و آن امام علیه السلام به مفضل بن عمر فرمود: ای مفضل، اگر خواهی بدانی که مرد شقی است یا سعید، پس به معروف او بنگر که آنرا درباره‌ چه کسی بجا می‌آورد، پس اگر آنرا درباره‌ اهل آن بجا آورد، بدان که او رهسپار به

تَعَالَى خَيْرٌ».

۱۶۹۳ - وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّمَا أَعْطَاكُمْ اللَّهُ هَذِهِ الْفُضُولَ مِنَ الْأَمْوَالِ لِتُوجِّهُوهَا حَيْثُ وَجَّهَهَا اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ وَلَمْ يُعْطِكُمْوهَا لِتُكْنِزُوهَا».

۱۶۹۴ - وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ أَخَذُوا مَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ فَأَنْفَقُوهُ فِيمَا نَهَاَهُمْ عَنْهُ مَا قَبِلَهُ مِنْهُمْ، وَلَوْ أَخَذُوا مَا نَهَاَهُمُ اللَّهُ عَنْهُ فَأَنْفَقُوهُ فِيمَا أَمَرَهُمُ اللَّهُ بِهِ مَا قَبِلَهُ مِنْهُمْ حَتَّى يَأْخُذُوهُ مِنْ حَقٍّ وَيُثَبِّتُوهُ فِي حَقٍّ».

۱۶۹۵ - وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ أُيِّنِيَ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفُ فَلْيُكَافِ بِهِ وَإِنْ عَجَزَ فَلْيُشْنِ، فَإِنْ لَمْ يَفْعَلْ فَقَدْ كَفَرَ بِالْعِمَّةِ».

۱۶۹۶ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَعَنَ اللَّهُ قَاطِعِي سَبِيلِ الْمَعْرُوفِ، قِيلَ: وَمَا قَاطِعِي سَبِيلِ الْمَعْرُوفِ؟ قَالَ: الرَّجُلُ يُضَنِّعُ إِلَيْهِ الْمَعْرُوفَ فَيَكْفُرُهُ فَيَمْتَنِعُ

سرمنزل خیر است، و اگر آنرا در باره نااهل بجا آورد، پس بدان که نزد خدای تعالی ذخیره خیری ندارد.

(۱) ۱۶۹۳ - و نیز آن امام علیه السلام فرمود: همانا که خدا این مازاد اموال را بشما عطا فرموده است تا در آن راهی که خدای عزوجل توجیه نموده است صرف کنید، و برای آن نداده است که آنرا اندوخته سازید.

(۲) ۱۶۹۴ - و نیز آن امام علیه السلام فرمود: اگر مردم مالی را از راهی که خدا فرموده است کسب کنند، و در راهی که از آن نهی کرده است خرج نمایند، از ایشان قبول نمیکند، و اگر آنرا از راهی که خدا نهی کرده است بدست آورند و در راهی که امر فرموده خرج کنند، از ایشان قبول نمیکند، مگر آنکه از راه حق بدست آورند، و در راه حق خرج کنند.

(۳) ۱۶۹۵ - و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسیکه معروفی بسوی او آید، میباید تا آنرا پاداش دهد، و اگر از این کار فروماند، میباید تا صاحب معروف را ثنا گوید، پس اگر چنین نکند نعمت را کفران کرده است.

(۴) ۱۶۹۶ - و امام صادق علیه السلام فرمود: «خدا راهزنان معروف را لعنت

صَاحِبُهُ مِنْ أَنْ يَضْتَعَ ذَلِكَ إِلَى غَيْرِهِ».

*** (بَابُ ثَوَابِ الْقَرْضِ) ***

۱۶۹۷- قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَكْتُوبٌ عَلَى بَابِ الْجَنَّةِ: الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ، وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ».

۱۶۹۸- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ» قَالَ: الْمَعْرُوفُ الْقَرْضُ».

۱۶۹۹- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا مِنْ مُؤْمِنٍ أَقْرَضَ مُؤْمِنًا يَلْتَمِسُ بِهِ وَجْهَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ إِلَّا حُسِبَ لَهُ أَجْرُهَا بِحِسَابِ الصَّدَقَةِ حَتَّى يَرْجِعَ مَالُهُ إِلَيْهِ».

۱۷۰۰- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَرْضُ الْمُؤْمِنِ غَنِيمَةٌ وَتَعْجِيلُ خَيْرٍ، إِنْ أُيسِّرَ أَذَاهُ وَإِنْ مَاتَ اخْتِيبَ مِنْ زَكَائِهِ».

کناد! گفتند: راهزنان معروف کدامند؟ فرمود: راهزن معروف کسی است که درباره اش عمل معروفی بجا آورند و او آنها را کفران کند؛ و با این عمل خود، صاحب معروف را از انجام آن درباره دیگران باز دارد.

*** (بَابُ ثَوَابِ وام دادن) ***

① ۱۶۹۷- امام صادق علیه السلام فرمود: بر در بهشت نوشته است که: «ثواب صدقه ده برابر، و ثواب وام دادن، هجده برابر است».

② ۱۶۹۸- و آن امام در معنی قول خدای عزوجل: «لَا خَيْرَ فِي كَثِيرٍ مِنْ نَجْوَاهُمْ إِلَّا مَنْ أَمَرَ بِصَدَقَةٍ أَوْ مَعْرُوفٍ أَوْ إِصْلَاحٍ بَيْنَ النَّاسِ» فرمود: معروف وام دادن است.

③ ۱۶۹۹- و او علیه السلام فرمود: مؤمنی نیست که بقصد کسب خشنودی خدا عزوجل به مؤمنی وام بدهد، مگر آنکه اجر آن وام به حساب صدقه برای او محسوب میشود، تا وقتی که مالش به او بازگردد.

④ ۱۷۰۰- و آن امام علیه السلام فرمود: وام مؤمن غنیمتی و تعجیل خیری است. زیرا اگر گشایش و امکان مالی بیاید آنها باز پس میدهد، و اگر ببرد از زیابت

* (بَابُ ثَوَابِ انْتِظَارِ الْمُغِيرِ) *

۱۷۰۱ - صَعِدَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمُنْبَرَ ذَاتَ يَوْمٍ فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ وَصَلَّى عَلَى أَنْبِيَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ لِيُسَلِّحَ الشَّاهِدُ مِنْكُمْ الْغَائِبَ: مَنْ أَنْظَرَ مُغِيرًا كَانَ لَهُ عَلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي كُلِّ يَوْمٍ ثَوَابٌ صَدَقَةٍ بِمِثْلِ مَا لَهُ حَتَّى يَسْتَوْفِيَهُ. وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» (أَنَّهُ مُغِيرٌ) «فَتَصَدَّقُوا عَلَيْهِ بِمَا لَكُمْ فَهُوَ خَيْرٌ لَكُمْ».

۱۷۰۲ - وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «خَلُّوا سَبِيلَ الْمُغِيرِ كَمَا خَلَّاهُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى».

زکات او بحساب می آید.

* (بَابُ ثَوَابِ مَهَلْتِ دَادَنَ بِهِ وَامْدَارَ تَنگدست) *

(۱) ۱۷۰۱ - رسول خدا صلی الله علیه و آله روزی به منبر برآمد، پس خدای را حمد و ثنا گفت، و بر پیامبرانش علیه السلام درود فرستاد، و آنگاه فرمود: آیا ای مردم، همیاید تا حاضران به غائبان ابلاغ کند که: هرکس تنگدستی را مهلت دهد، در هر روز برای او ثواب صدقه ای برابر با اصل مالش بر عهده کرم خدای عزوجل است، تا زمانی که مال خود را دریافت کند.

و امام صادق علیه السلام فرمود: خدای عزوجل فرموده است: «وَإِنْ كَانَ ذُو عُسْرَةٍ فَنَظِرَةٌ إِلَى مَيْسَرَةٍ، وَأَنْ تَصَدَّقُوا خَيْرٌ لَكُمْ إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ». و معنی جمله «إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ» اینست که «إِنْ كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ أَنَّهُ مُغِيرٌ». یعنی اگر بدانید که او تنگدست است، پس با مال خودتان به او صدقه بدهید، زیرا که آن برای شما بهتر است. (و شک نیست که حفظ حیثیت و آبروی شخص مؤمن و آزاد کردن فکر او از اندیشه وام و بدهکاری برای شما نیز از دراهمی معدود سودمندتر است).

(۷) ۱۷۰۲ - و آن امام علیه السلام فرمود: شخص تنگدست را رها کنید، همانطور که خدای تبارک و تعالی او را رها کرده است.

۱۷۰۳- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ أَرَادَ أَنْ يُظِلَّهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ فَلْيَنْظُرْ مُعْبِراً أَوْ لِيَتَدَبَّرْ لَهُ مِنْ حَقِّهِ».

* (بَابُ ثَوَابِ تَخْلِيلِ الْمَيِّتِ) *

۱۷۰۴- قِيلَ لِلصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ لِعَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ سَيَابَةَ ذَنْباً عَلَى رَجُلٍ قَدْ مَاتَ وَكَلَّمْنَاهُ أَنْ يُحْلِلَهُ قَابِي، فَقَالَ: وَنَحَهُ أَمَا يَعْلَمُ أَنَّ لَهُ بِكُلِّ دِرْهَمٍ عَشْرَةَ إِذَا حَلَّلَهُ وَإِذَا لَمْ يُحْلِلْهُ فَإِنَّمَا لَهُ دِرْهَمٌ بَدَلُ دِرْهَمٍ».

* (بَابُ اسْتِدْقَامَةِ النِّعْمَةِ بِاخْتِمَالِ الْمَوْتِ) *

۱۷۰۵- قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ عَظُمَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ اشْتَدَّتْ مَوْتُهُ النَّاسِ عَلَيْهِ، فَاسْتَدْبِرُوا النِّعْمَةَ بِاخْتِمَالِ الْمَوْتِ، وَلَا تَعْرِضُوهَا لِلزَّوَالِ، فَقُلْ مَنْ زَالَتْ عَنْهُ النِّعْمَةُ فَكَادَتْ تَعُودُ إِلَيْهِ».

(۱) ۱۷۰۳- و آن امام علیه السلام فرمود: کسیکه بخواهد که خدای عزوجل در آن روز که هیچ سایه ای جز سایه او نیست، سایه بر او افکند، میباید تا تنگدستی را مهلت دهد، یا چیزی از حق خود را به او واگذارد.

* (بَابُ ثَوَابِ حَلَالِ كَرْدَنِ مَيِّتِ) *

(۲) ۱۷۰۴- به امام صادق علیه السلام گفتند: عبدالرحمن بن سیابه دینی بر ذمه مردی دارد که او وفات یافته است، و ما با او گفتگو کردیم که او را حلال کند، ولی امتناع کرد، پس امام علیه السلام فرمود: وای بر او! آیا نمیداند که چون او را حلال کند در برابر هر درمی ده درهم به او داده میشود، و اگر او را حلال نکند، درمی بجای درمی نصیب او خواهد شد؟!.

* (بَابُ طَلَبِ دَوَامِ نِعْمَتِ بَوْسِلَةٍ) *

* (تَحْمَلُ مَخَارِجِ زَنْدَگِیِ مَرْدَمِ) *

(۳) ۱۷۰۵- امام صادق علیه السلام فرمود: کسیکه نعمت خدا بر او عظیم گردد، تکالیف معاش مردم بر او سخت تر (و بار توقعاتشان بردوش او سنگین تر) میشود، پس نعمت را بوسیله تحمل تکالیف معاش مردم دوام ببخشید، و آنرا در معرض

۱۷۰۶ - وَ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَحْسِنُوا جَوَارَ نِعَمِ اللَّهِ وَ اخْذَرُوا أَنْ تَنْتَقِلَ عَنْكُمْ إِلَى غَيْرِكُمْ، أَمَا إِنَّهَا لَنْ تَنْتَقِلَ عَنْ أَحَدٍ قَطُّ فَكَادَتْ تَرْجِعُ إِلَيْهِ، وَ كَانَ عَلَيَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: قَلَّ مَا أَذْبَرَ شَيْءٌ فَأَقْبَلَ».

* (بَابُ فَضْلِ السَّخَاءِ وَ الْجُودِ) *

۱۷۰۷ - قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «خِيَارُكُمْ سَمَحَاؤُكُمْ وَ شِرَارُكُمْ بُخْلَاؤُكُمْ، وَ مِنْ خَالِصِ الْإِيمَانِ الْبِرُّ بِالْإِخْوَانِ، وَ السَّعْيُ فِي حَوَائِجِهِمْ، وَ إِنَّ الْبَارَّ بِالْإِخْوَانِ لَيَجِبُهُ الرَّحْمَنُ، وَ فِي ذَلِكَ مَرْغَمَةُ الشَّيْطَانِ، وَ تَرْخِيزُ عَنِ الْيَتْرَانِ، وَ دُخُولُ الْجَنَانِ، ثُمَّ قَالَ لِيَجْمِلِي: يَا جَمِيلُ أَخْبِرْ بِهَذَا غُرَرَ أَصْحَابِكَ، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ مَنْ غُرَّرَ أَصْحَابِي؟ قَالَ: هُمُ الْبَارُونَ بِالْإِخْوَانِ فِي الْعُسْرِ وَ الْيُسْرِ، ثُمَّ قَالَ: يَا جَمِيلُ أَمَا إِنَّ صَاحِبَ الْكَثِيرِ يَهْوَنُ عَلَيْهِ ذَلِكَ، وَ قَدْ مَدَحَ اللَّهُ غُرُوجَ فِي ذَلِكَ صَاحِبَ

زوال قرار ندهید. زیرا کمتر کسی است که چون نعمت از او زائل شود امید بازگشت آن بسوی او در میان باشد.

① ۱۷۰۶ - وَ آن امام علیه السلام فرمود: همسایگی نعمت خدا را نیکو بدارید، و از انتقال آن از سوی شما به دیگران حذر کنید. آگاه باشید که هرگز نعمت از سوی کسی انتقال نمی یابد که امید بازگشت آن بسوی او در میان باشد. و علی علیه السلام میفرمود: گم اتفاق افتاده است که چیزی چون روی برتافت رخ بنماید.

* (بَابُ فَضْلِ سَخَا وَ جُودِ) *

② ۱۷۰۷ - امام صادق علیه السلام فرمود: بهترین شما سخاوتمندانان، و بدترینتان بخیلاتانند. و نشان خلوص ایمان نیکی درباره برادران و سعی در برآوردن حوائج ایشان است، و خدا شخصی نیکوکار درباره دوستان و برادران را دوست میدارد، و این صفت موجب به خاک سودن بینی شیطان، و دور شدن از آتش آن جهان، و دخول در بهشت جاودان است. سپس فرمود: ای جمیل، این معنی را به اشراف اصحاب گزارش کن. گفتم: فدایت شوم، اشراف اصحاب کیانند؟ فرمود: آنان نیکوکاران درباره دوستان و برادران در سختی و رفاهند. آگاه فرمود: ای جمیل، آگاه

الْقَلِيلِ، فَقَالَ فِي كِتَابِهِ «وَيُؤْيِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ».

۱۷۰۸- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «شَابُّ سَخِيٍّ مُزْهِقٌ فِي الذُّنُوبِ أَحَبُّ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ شَيْخٍ عَابِدٍ بَخِيلٍ».

۱۷۰۹- وَدُرِّي «أَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ أَوْحَى إِلَى مُوسَى أَنْ لَا تَقْتُلِ السَّامِرِيَّ فَإِنَّهُ سَخِيٌّ».

۱۷۱۰- وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ أَذَى مَا اقْتَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ فَهُوَ أَسْخَى النَّاسِ».

۱۷۱۱- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ يَضْمَنُ لِي أَرْبَعَةً بِأَرْبَعَةِ آيَاتٍ فِي الْجَنَّةِ؟ أَتَفِيقُ وَلَا تَخَفُ فَقْرًا، وَأَنْصِفَ النَّاسَ مِنْ نَفْسِكَ، وَأَقْسِ السَّلَامَ فِي الْعَالَمِ، وَاتْرُكِ الْيَمْرَاءَ وَإِنْ كُنْتُ مُجِبًّا».

باش که صاحب اموال بسیار این حقیقت در نظرش بی اهمیت است، و خدای عزوجل صاحب مال اندک را در این باره ستوده است، و در کتاب خود فرموده است: و دیگران را بر خود مقدم میدارند اگرچه خود گرفتار گرمسنگی باشند، و کسانی که از بخل روان خود در امان بمانند ایشان همان رستگارانند.

(۱) ۱۷۰۸- و نیز آن امام فرمود: جوان سخاوتمندی شریر و تبهکار و غوطه ور در گناهان نزد خدای عزوجل از پیر عابدی بخیل محبوبتر است.

(۲) ۱۷۰۹- و روایت شده است: که خدای عزوجل به موسی علیه السلام وحی فرستاد که سامری را مکش، زیرا که او سخاوتمند است.

(۳) ۱۷۱۰- و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کسی که آنچه را خدا بر او فرض کرده است بجا آورد، سخی ترین مردم است.

(۴) ۱۷۱۱- و امام صادق علیه السلام فرمودند: کیست که چهار چیز را به بهای چهار خانه در بهشت برای من ضمانت کند؟ و آن چهار چنین است: اتفاق کن و از فقر مترس، و داد مردم را از خود بستان، و صلح و سلام را در جهان بر ملا ساز، و مجادله

۱۷۱۲- وَ قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «مَنْ أَيْقَنَ بِالْخَلْفِ سَخَتْ نَفْسُهُ بِالتَّفَقُّةِ».

وَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَمَا أَنْفَقْتُمْ مِنْ شَيْءٍ فَهُوَ يُخْلِفُهُ وَهُوَ خَيْرُ الرَّازِقِينَ».

۱۷۱۳- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ»، قَالَ: هُوَ الرَّجُلُ يَدْعُ مَالَهُ لَا يُتَّقِيهِ فِي طَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ بُخْلًا، ثُمَّ يَمُوتُ فَيَدْعُهُ لِمَنْ يَعْمَلُ فِيهِ بِطَاعَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ أَوْ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ، فَإِنْ عَمِلَ فِيهِ بِطَاعَةِ اللَّهِ رَأَى فِي مِيزَانٍ غَيْرِهِ قَرَأَهُ حَسْرَةً وَقَدْ كَانَ الْمَالُ لَهُ، وَإِنْ كَانَ عَمِلَ فِيهِ بِمَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ قَوَّاهُ بِذَلِكَ الْمَالِ حَتَّى عَمِلَ بِهِ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ».

۱۷۱۴- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَيْسَ الْبَخِيلُ مِنْ أَدَى

را، اگرچه برحق باشی، واگذار.

(۱) ۱۷۱۲- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسیکه به گرفتن پاداش یقین داشته باشد دلش در انفاق سخاوتمند میشود.

و خدای عزوجل فرموده است: و هرچه را که انفاق کنید خدا آنرا پاداش میدهد، و او بهترین روزی دهندگان است.

(۲) ۱۷۱۳- و امام صادق علیه السلام در معنی قول خدای عزوجل «كَذَلِكَ يُرِيهِمُ اللَّهُ أَعْمَالَهُمْ حَسَرَاتٍ عَلَيْهِمْ» فرمود: این همان کسی است که مال خود را بجا میگذارد، و در اثر بخل در راه طاعت خدای عزوجل انفاق نمیکند، و آنگاه میمیرد، و آن مال را برای کسی میگذارد که آنرا در طاعت خدای عزوجل یا معصیت خدا به کار می بندد، پس اگر آنرا در طاعت خدا به کار بست، مالدار بخیل مال خود را در میزان عمل دیگری می بیند، و آنرا بصورت حسرتی مینگرد، در صورتیکه مال متعلق به او بوده است. و اگر آنرا در معصیت خدای عزوجل بکار بست، درحقیقت این همان مالدار بوده است که او را بوسیله مالی خود نیرو بخشیده است تا آنرا در معصیت خدای عزوجل بکار برده است.

(۳) ۱۷۱۴- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود کسیکه زکات واجب را از

الرَّكَاءَةُ الْمَقْرُوضَةُ مِنْ مَالِهِ وَأَعْطَى الْبَائِثَةَ فِي قَوْمِهِ، إِنَّمَا الْبَخِيلُ حَقَّ الْبَخِيلِ مَنْ لَمْ يُؤَدِّ الرِّكَاءَةَ الْمَقْرُوضَةَ مِنْ مَالِهِ وَلَمْ يُعْطِ الْبَائِثَةَ فِي قَوْمِهِ، وَهُوَ يُنْذَرُ فِيمَا سِوَى ذَلِكَ».

۱۷۱۵- وَ رُوِيَ عَنِ الْفَضْلِ بْنِ أَبِي قُرَّةَ السَّمْنِيِّ أَنَّهُ قَالَ: «قَالَ لِي

أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَتَذَرِي مِنَ الشَّحِيحِ؟ قُلْتُ: هُوَ الْبَخِيلُ، فَقَالَ: الشُّعْ أَشَدُّ مِنَ الْبُخْلِ إِنَّ الْبَخِيلَ يَتَخَلَّ بِمَا فِي يَدِهِ، وَالشَّحِيحُ يَشُحُّ بِمَا فِي أَيْدِي النَّاسِ وَعَلَى مَا فِي يَدِهِ حَتَّى لَا يَرَى فِي أَيْدِي النَّاسِ شَيْئاً إِلَّا تَمَتَّى أَنْ يَكُونَ لَهُ بِالْحِلَالِ وَالْحَرَامِ، وَلَا يَقْنَعُ بِمَا رَزَقَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ».

۱۷۱۶- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا مَحَقَّ الْإِسْلَامَ مَحَقَّ الشُّعِّ

شَيْءٌ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ لِهَذَا الشُّعَّ ذَبِيحاً كَذَبِيبِ الثَّمَلِ، وَشُعْباً كَشُعْبِ الثَّرَدِ».

۱۷۱۷- وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا لَمْ يَكُنْ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ فِي

مال خود بهر دازد، و دست عطا در قوم خود بگشاید، بخیل نیست، بلکه بخیل «حقیقت بخیل» کسی است که زکات واجب را از مال خود نپردازد، و دست عطا در قوم خود نگشاید در حالیکه در موارد دیگر تذر کند.

(۱) ۱۷۱۵- و از فضل بن ابی قُرَّة سمندی روایت شده است، که گفت: امام صادق علیه السلام مرا فرمود: آیا میدانی شحیح کیست؟ گفتم: او بخیل است. امام فرمود: شح شدیدتر از بخل است، زیرا بخیل نسبت به چیزی که در دست خود دارد بخل میورزد، و شحیح هم به آنچه در دست مردم است، و هم به آنچه در دست خود او است بخل میکند، چندان که چیزی را در دست مردم نمی بیند مگر آنکه آرزو میکند که آن چیز چه از طریق حلال و چه از راه حرام متعلق به او باشد و به آنچه خدای عزوجل روزی او ساخته است قناعت نمیکند.

(۲) ۱۷۱۶- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ چیزی مانند شح - یعنی بخل شدید- اسلام شخص را تباه نمی سازد، سپس فرمود: همانا که این شح حرکت خفیف و نامحسوسی مانند حرکت مور، و انواع و شاخه های مانند انواع و شاخه های دام صیاد دارد.

الْعَبْدُ حَاجَةٌ ابْتِلَاءُ بِالْبُخْلِ».

۱۷۱۸ - «وَسَمِعَ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَجُلًا يَقُولُ: الشَّحِيحُ أَعْذَرُ مِنَ الظَّالِمِ فَقَالَ لَهُ: كَذَبْتَ إِنَّ الظَّالِمَ قَدْ يَتُوبُ وَيَسْتَغْفِرُ وَيَرُدُّ الظَّلَامَةَ عَلَى أَهْلِهَا، وَالشَّحِيحُ إِذَا شَحَّ مَتَعَ الزَّكَاةَ، وَالصَّدَقَةَ، وَصَلَةَ الرَّجَمِ، وَإِقْرَاءَ الضَّعِيفِ وَالثَّقَّةَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَأَبْوَابَ الْبِرِّ، وَحَرَامَ عَلَى الْجَنَّةِ أَنْ يَدْخُلَهَا شَحِيحٌ».

۱۷۱۹ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْمُنْجِيَاتُ إِطْعَامُ الطَّعَامِ، وَإِفْشَاءُ السَّلَامِ، وَالصَّلَاةُ بِاللَّيْلِ وَالنَّاسُ نِيَامٌ».

* [فَضْلُ الْقَضَاءِ]

۱۷۲۰ - وَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «مَا عَانَ امْرُءٌ

فِي اقْتِصَادٍ».

① ۱۷۱۷ - و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چون خدای عزوجل را به بنده ای کاری نباشد، او را گرفتار بخل میسازد.

② ۱۷۱۸ - و امیرالمؤمنین علیه السلام مردی را شنید که میگوید: «بخیل معذورتر از ظالم است. پس به او فرمود: دروغ گفתי، زیرا ظالم گاهی توبه میکند، و آمرزش میطلبد، و مال به ستم گرفته را به صاحبش بازمیگرداند، ولی شخص «شحیح» - یعنی مبتلا به بخل شدید - چون بخل شدیدش به جنبش آید از دادن زکات و صدقه، و صله رحم، و پذیرائی میهمان، و اتفاق در راه خدای عزوجل، و ابواب احسان امتناع میکند و حرام است بهشت را که شحیحی به آن داخل شود.

③ ۱۷۱۹ - و امام صادق علیه السلام فرمود: کارهای نجات بخش اطعام طعام و افشاء سلام، و اقدام به نماز در شب به هنگامی است که مردم در خواب باشند.

فَضْلُ مِیَانَهُ رَوِی

④ ۱۷۲۰ - و امام ابوالحسن موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: هیچ کس در روش اقتصاد دستخوش فقر نمیشود.

۱۷۲۱- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «ضَمِئْتُ لِمَنْ اقْتَصَدَ أَنْ لَا يَفْتَقِرَ». وَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «يَسْأَلُونَكَ مَاذَا يُنْفِقُونَ قُلِ الْعَفْوَ» وَالْعَفْوُ الْوَسْطُ. وَقَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَالَّذِينَ إِذَا أَنْفَقُوا لَمْ يُسْرِفُوا وَلَمْ يَقْتُرُوا وَكَانَ بَيْنَ ذَلِكَ قَوَامًا» وَالْقَوَامُ الْوَسْطُ.

(بَابُ فَضْلِ سَقْيِ الْمَاءِ)

۱۷۲۲- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَوَّلُ مَا يُبْدَأُ بِهِ فِي الْآخِرَةِ صَدَقَةُ الْمَاءِ - يَعْنِي فِي الْآخِرَةِ». ۱۷۲۳- وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى يُحِبُّ إِبْرَادَ الْكَبِيدِ الْحَرَّى، وَمَنْ سَقَى كَبِدًا حَرَّى مِنْ بَهِيمَةٍ أَوْ غَيْرِهَا أَظَلَّهُ اللَّهُ فِي ظِلِّ عَرْشِهِ يَوْمَ لَا ظِلَّ إِلَّا ظِلُّهُ». ۱۷۲۴- وَرَوَى مُعَاوِيَةُ بْنُ عَقَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ

① ۱۷۲۱- و امام صادق علیه السلام فرمود: من برای کسیکه اقتصاد پیشه سازد ضمانت میکنم که فقیر نشود. و خدای عزوجل فرموده است: «از نومی پرسند که چه چیز را انفاق کنند، بگو عفو را»، و عفو حد وسط است.

و خدای عزوجل فرموده است: «و کسانی که چون انفاق کنند سخت نگیرند، و اسراف نکنند، و انفاقشان در این میان قوام باشد» (فرقان ۶۷) و قوام حد وسط است.

(بَابُ فَضِيلَتِ نَوْشَانْدَنِ آبِ)

② ۱۷۲۲- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: نخستین چیزی که در آخرت به آن آغاز میکنند، صدقه آب است - یعنی درباره ثواب آن -.

③ ۱۷۲۳- و امام ابوجعفر علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی خنک ساختن جگر نشنه را دوست میدارد، و کسیکه جگری تشنه را سقایت کند، چه از جنس چهارپا باشد، و چه از غیر آن، در آن روز که سایه ای جز سایه او وجود ندارد او را در سایه عرش خود قرار خواهد داد.

سَقَى الْمَاءَ فِي مَوْضِعٍ يُوجَدُ فِيهِ الْمَاءُ كَانَ كَمَنْ أَغْتَقَ رَقَبَةً، وَمَنْ سَقَى الْمَاءَ فِي مَوْضِعٍ لَا يُوجَدُ فِيهِ الْمَاءُ كَانَ كَمَنْ أَحْيَا نَفْسًا، وَمَنْ أَحْيَا نَفْسًا فَكَأَنَّمَا أَحْيَا النَّاسَ جَمِيعًا».

* (بَابُ ثَوَابِ اضْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ إِلَى الْعَلَوَةِ) *

۱۷۲۵ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ صَنَعَ إِلَى أَحَدٍ مِنْ أَهْلِ بَيْتِي يَدًا كَافِيَتُهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۱۷۲۶ - وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنِّي شَافِعٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ لِأَرْبَعَةِ أَصْنَافٍ وَلَوْ جَاؤُوا بِذُنُوبٍ أَهْلِ الدُّنْيَا: رَجُلٌ نَصَرَ ذُرِّيَّتِي، وَرَجُلٌ بَذَلَ مَالَهُ لِذُرِّيَّتِي عِنْدَ الضُّيْقِ، وَرَجُلٌ أَحَبَّ ذُرِّيَّتِي بِاللِّسَانِ وَالْقَلْبِ، وَرَجُلٌ سَعَى فِي خَوَائِجِ ذُرِّيَّتِي إِذَا طُرِدُوا أَوْ شَرَّدُوا».

۱۷۲۷ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا كَانَ يَوْمُ الْقِيَامَةِ نَادَى مُنَادٍ:

(۱) ۱۷۲۴ - و معاویة بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: کسیکه در جانی آب بنوشاند که آب در آنجا یافت شود، همانند کسی است که بنده‌ای را آزاد کرده باشد، و کسیکه در جانی آب بنوشاند که آب در آنجا یافت نشود، همانند کسی است که نفسی را احیاء کرده باشد، و کسیکه نفسی را احیاء کند همانند کسی است که همگی مردم را احیاء کرده باشد.

* (بَابُ ثَوَابِ احْسَانِ دَرِبَارَةِ عَلَوِيَّانِ) *

(۲) ۱۷۲۵ - رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسیکه بیکی از خاندان من احسانی بجا آورد به روز قیامت احسانش را تلافی میکنم.

(۳) ۱۷۲۶ - و نیز فرمود: من به روز قیامت شفیع چهار صنف خواهم بود اگر چه گناه مردم دنیا را با خود آورده باشند. کسیکه ذریه‌ام را یاری کند، و کسیکه مالش را به هنگام تنگدستی به ذریه من بذل نماید، و کسیکه ذریه مرا به زبان و دل دوست بدارد، و کسیکه در حوائج ذریه من به هنگامیکه رانده و آواره شوند بکوشد.

(۴) ۱۷۲۷ - و امام صادق علیه السلام فرمود: چون روز قیامت فراز آید،

أَيُّهَا الْخَلَائِقُ أَنْصِتُوا فَإِنَّ مُحَمَّدًا يُكَلِّمُكُمْ، فَتَنَصَّيْتُ الْخَلَائِقُ، فَيَقُومُ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَيَقُولُ: يَا مَعْشَرَ الْخَلَائِقِ مَنْ كَانَتْ لَهُ عِنْدِي يَدٌ أَوْ مِئَةٌ أَوْ مَعْرُوفٌ فَلْيَقُمْ حَتَّى أَكْفِيَهُ، فَيَقُولُونَ: يَا أَبَانَا وَأُمَّهَاتِنَا وَأَيُّ يَدٍ وَأَيُّ مِئَةٍ وَأَيُّ مَعْرُوفٍ لَنَا، بَلِ الْيَدُ وَالْمِئَةُ وَالْمَعْرُوفُ لِلَّهِ وَلِرَسُولِهِ عَلَى جَمِيعِ الْخَلَائِقِ، فَيَقُولُ لَهُمْ: بَلَى مَنْ أَوَى أَحَدًا مِنْ أَهْلِ بَيْتِي أَوْ بَرَّهْمُ أَوْ كَسَاهُمْ مِنْ غُرِّي أَوْ أَشْبَعُ جَانِعَهُمْ فَلْيَقُمْ حَتَّى أَكْفِيَهُ، فَيَقُومُ أَنَاثُ قَدْ فَعَلُوا ذَلِكَ، فَيَأْتِي الشَّدَاءُ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: يَا مُحَمَّدُ يَا حَبِيبِي قَدْ جَعَلْتُ مَكَافَاتِهِمْ إِلَيْكَ، فَأَسْكِنُهُمْ مِنَ الْجَنَّةِ حَيْثُ تَشَاءُ، قَالَ: فَيُسْكِنُهُمْ فِي الْوَسِيلَةِ حَيْثُ لَا يُحْجَبُونَ عَنْ مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ».

منادی ای ندا در دهد که: آیا ای خلایق خاموش باشید و گوش فرا دارید، زیرا که محمد با شما سخن میگوید، پس خلایق خاموش میشوند و گوش فرا میدارند، و در این هنگام پیامبر صلی الله علیه و آله پیاپی میخیزد، و میگوید: ای گروه خلایق، هر که را که بر من نعمتی یا مئتی یا احسانی بوده است، پیاپی میخیزد، تا پاداشش را بدهم. پس مردم میگویند پدرانمان و مادرانمان فدای تو! کدام نعمت و کدام مئت و کدام احسان از جانب ما متوجه شما بوده است! بلکه نعمت و مئت و احسان از آن خدا و رسول او در باره همگی خلایق است. پس پیامبر صلی الله علیه و آله در خطاب به ایشان میگوید: آری، کسیکه یکی از خاندان مرا پناه داده، یا درباره ایشان احسان کرده، یا از برهنگیشان پوشانده، یا گرسنه ای از ایشان را سیر کرده است، پیاپی میخیزد، تا پاداشش را بدهم. پس جمعی از مردم که چنین خدماتی را انجام داده اند قیام میکنند، و در این هنگام از سوی خدای عزوجل ندا میرسد که: یا محمد، ای حبیب من، پاداش دادن ایشانرا به تو واگذاشتم، پس در هر کجا از بهشت که بخواهی ایشان را اسکان ده، فرمود:

پس ایشان را در منزلتی نزدیک بخودش جای میدهد، در آنجا که از دیدار محمد و خاندانش صلوات الله عليهم اجمعین محبوب ترند.

* (بَابُ فَضْلِ الصَّدَقَةِ) *

۱۷۲۸ - قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «أَرْضُ الْقِيَامَةِ نَارٌ مَا خَلَا ظِلُّ الْمُؤْمِنِ فَإِنَّ صَدَقَتَهُ تُظِلُّهُ».

۱۷۲۹ - وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْبِرُّ وَالصَّدَقَةُ يَنْفِيَانِ الْفَقْرَ، وَيَزِيدَانِ فِي الْعُمْرِ، وَيَدْفَعَانِ عَنْ صُلَاحِيهِمَا سَبْعِينَ مِثْقَالَ سَوْءٍ».

۱۷۳۰ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «دَاوُوا مَرْضَاكُمْ بِالصَّدَقَةِ، وَادْفَعُوا الْبَلَاءَ بِالْدُّعَاءِ وَاسْتَشْرُوا الرِّزْقَ بِالصَّدَقَةِ، فَإِنَّهَا تَفُكُّ مِنْ بَيْنِ لَحْيَيْ سَبْعِينَ شَيْطَانًا، وَلَيْسَ شَيْءٌ أَثْقَلَ عَلَى الشَّيْطَانِ مِنَ الصَّدَقَةِ عَلَى الْمُؤْمِنِ، وَهِيَ تَقَعُ فِي يَدِ الرَّبِّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى قَبْلَ أَنْ تَقَعُ فِي يَدِ الْعَبْدِ».

۱۷۳۱ - وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الصَّدَقَةُ بِالْيَدِ تَقِي مِثْقَالَ سَبْعِينَ نَوْعًا مِنَ أَنْوَاعِ الْبَلَاءِ وَتَفُكُّ عَنْ لَحْيَيْ سَبْعِينَ شَيْطَانًا كُلَّهُمْ يَا مُرَّةً أَنْ لَا يَقَعَلْ».

* (بَابُ فَضِيلَتِ صَدَقَةٍ) *

① ۱۷۳۸ - رَسُولُ خُدَا صَلَّی اللّٰهُ عَلَیْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ فرمود: زمین قیامت همگی آتش است، مگر سایه مؤمن، زیرا صدقه اش سایه بر او می افکند.

② ۱۷۳۹ - و امام ابو جعفر علیه السلام فرمود: نیکوکاری و صدقه فقر را از میان میبرند، و بر عمر می افزایند، و هفتاد احتمال مردن به وضع بد را از صاحبشان دفع میکنند.

③ ۱۷۳۰ - و امام صادق علیه السلام فرمود: بیمارانتان را با صدقه مداوا کنید، و بلا را با دعاء دفع نمائید، و نزول رزق را بوسیله صدقه بطلبید، زیرا که صدقه رزق را از میان دو فک هفتصد شیطان که همگی مانع وصول آنند رها میسازد، و هیچ چیز بر شیطان سنگین تر از صدقه بر مؤمن نیست. و صدقه پیش از آنکه در دست بنده واقع شود، در دست خدای تبارک و تعالی قرار میگیرد.

④ ۱۷۳۱ - و آن امام علیه السلام فرمود: صدقه دادن با دست خویش از مردن در شرائط و اوضاع بد حفظ میکند، و هفتاد نوع از انواع بلا را برطرف میسازد، و از

۱۷۳۲- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يُسْتَحَبُّ لِلْمَرِيضِ أَنْ يُعْطِيَ السَّائِلَ بِيَدِهِ، وَيَأْمُرَ السَّائِلَ أَنْ يَدْعُوهُ».

۱۷۳۳- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بَاكِرُوا بِالصَّدَقَةِ، فَإِنَّ الْبَلَايَا لَا تَتَخَطَّاهَا، وَمَنْ تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ أَوَّلَ النَّهَارِ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ شَرًّا مَا يَثْرُلُ مِنَ السَّمَاءِ فِي ذَلِكَ الْيَوْمِ، فَإِنْ تَصَدَّقَ أَوَّلَ اللَّيْلِ دَفَعَ اللَّهُ عَنْهُ شَرًّا مَا يَثْرُلُ مِنَ السَّمَاءِ فِي تِلْكَ اللَّيْلَةِ».

۱۷۳۴- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ اللَّهَ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ لَيَنْدَفِعَ بِالصَّدَقَةِ الدَّاءَ وَالذُّبِيلَةَ وَالْحَرَقَ وَالْغَرَقَ وَالْقَهْدَمَ وَالْجُثُونَ، وَعَدَّ عَلَيْهِ السَّلَامُ سَبْعِينَ بَابًا مِنَ الشَّرِّ».

۱۷۳۵- وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «صَدَقَةُ الشَّرِّ تُطْفِئُ غَضَبَ الرَّبِّ جَنَّ جَلَالُهُ».

۱۷۳۶- وَرَوَى عَمَّارُ بْنُ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ لِي يَا عَمَّارُ

میان دو فکت هفتاد شیطانی جدا میشود که همگی اقدام کننده به صدقه را به ترک آن فرمان میدهند.

(۱) ۱۷۳۲- و آن امام علیه السلام فرمود: برای شخص بیمار مستحب است که بدست خود صدقه را به سائل بدهد، و از سائل بخواهد که در باره اش دعا کند.

(۲) ۱۷۳۳- و آن امام علیه السلام فرمود: صدقه را در بامداد بگاه اجرا کنید، زیرا که بلايا از آن سد نمیگذرد، و کسیکه در اول روز صدقه ای بدهد، خدا هر شری را که در آن روز نازل میشود از او دفع میکند، پس اگر در اول شب صدقه بدهد، خدا هر شری را که در آن شب نازل میشود از او دفع مینماید.

(۳) ۱۷۳۴- و رسول خدا صلی الله علیه و آله وسلم فرمود: خدا، که معبود حقی جز او نیست، هر آینه درد را و طاعون و زخهای کشنده را و آتش سوزی و غرق شدن را و ویرانی و جنون را بوسیله صدقه دفع میکند. و رسول خدا صلی الله علیه و آله هفتاد باب از شر را همچنان برشمرد.

(۴) ۱۷۳۵- و نیز فرمود: صدقه پنهانی آتش خشم خدا جلّ جلاله را فرو مینشانند.

الصَّدَقَةُ وَاللَّهُ فِي السِّرِّ أَفْضَلُ مِنَ الصَّدَقَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ، وَكَذَلِكَ وَاللَّهُ الْعِبَادَةُ فِي السِّرِّ أَفْضَلُ مِنَ الْعِبَادَةِ فِي الْعَلَانِيَةِ».

۱۷۳۷- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِذَا طَرَقَكُمْ سَائِلٌ ذَكَرْ بِئِلَى فَلَا تَرُدُّوهُ».

۱۷۳۸- وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الصَّدَقَةُ بِعَشْرَةٍ وَالْقَرْضُ بِثَمَانِيَةِ عَشْرٍ وَصِلَةُ الْإِخْوَانِ بِعِشْرِينَ وَصِلَةُ الرَّجِيمِ بِأَرْبَعَةٍ وَعِشْرِينَ».

۱۷۳۹- وَسُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟» قَالَ: عَلَى ذِي الرَّجِيمِ الْكَاشِجُ».

۱۷۴۰- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا صَدَقَةَ وَذُو رَجِيمٍ مُخْتِاجٌ».

۱۷۴۱- قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ أَلْقَى كُلَّهُ عَلَى النَّاسِ مَلْعُونٌ مَلْعُونٌ مَنْ ضَيَّعَ مَنْ يَبْعَثُ».

① ۱۷۳۶- وعمار از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که: آن امام به من فرمود: ای عمار صدقه به خدا قسم در نهان از صدقه آشکار بهتر است، و همچنین به خدا قسم عبادت در نهان از عبادت آشکار بهتر است.

② ۱۷۳۷- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: چون سائلی شبانگاه در خانه شما را بکوبد او را رده نکنید.

③ ۱۷۳۸- و نیز فرمود: ثواب یک درهم صدقه ده درهم، و ثواب یک درهم قرض هجده درهم، و ثواب یک درهم صله اخوان بیست درهم، و ثواب یک درهم صله رحم بیست و چهار درهم است.

④ ۱۷۳۹- و از آن حضرت سؤال کردند که: کدام صدقه بهتر است؟ فرمود: صدقه بر خویشاوندی که دشمنی تو را در دل می پرورد.

⑤ ۱۷۴۰- و نیز فرمود: آنجا که خویشاوندی نیازمندی وجود داشته باشد جای صدقه دادن به دیگری نیست.

⑥ ۱۷۴۱- و نیز فرمود: ملعون است، ملعون است کسیکه بار گران امور زندگی

۱۷۴۲- وَ قَالَ أَبُو الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَتَّبِعِي لِلرَّجُلِ أَنْ يُوَسِّعَ

عَلَى عِيَالِهِ لِشَلَا يَتَمَنَّوْا مَوْتَهُ».

۱۷۴۳- وَ سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ السَّائِلِ يَسْأَلُ وَلَا يُدْرِي مَا هُوَ؟

فَقَالَ: أُعْطِيَ مَنْ وَقَعَتْ فِي قَلْبِكَ الرَّحْمَةُ لَهُ، وَقَالَ: أَعْطِيهِ دُونَ الدَّرْهِمِ، قُلْتُ: أَكْثَرُ مَا يُعْطَى؟ قَالَ أَرْبَعَةُ دَوَانِيقَ».

۱۷۴۴- وَ رَوَى الْوَصَّافِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ فِيمَا

نَاجَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِهِ مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنْ قَالَ: يَا مُوسَى أَكْرِمِ السَّائِلَ بِبَذْلِ يَسِيرٍ، أَوْ بِرَدِّ جَمِيلٍ إِنَّهُ يَأْتِيكَ مَنْ لَيْسَ بِإِنْسٍ وَلَا جَانٍ مَلَائِكَةٌ مِنْ مَلَائِكَةِ الرَّحْمَنِ يَثْلُونَكَ فِيمَا خَوَّلُوكَ وَيَسْأَلُونَكَ فِيمَا نَوَّلُوكَ فَانْظُرْ كَيْفَ أَنْتَ صَانِعٌ يَا ابْنَ عِمْرَانَ».

خود را بردوش مردم بیفکند! ملعون است، ملعون است کسیکه عائله اش را بی سر و سامان بگذارد.

۱۷۴۲- و امام ابوالحسن رضا علیه السلام فرمود: مرد را هنی سزد که زندگی عیالش را توسعه دهد، تا مرگش را آرزو نکنند.

۱۷۴۳- و از امام صادق علیه السلام درباره سائلی پرسیدند که سؤال میکند و حقیقت حال او معلوم نیست. امام فرمود: به سائلی که در دل خود نسبت به او احساس رحم کردی چیزی بده. و فرمود: پائین تر از درهم به او عطا کن. گفتم: بیشتر چیزی که عطا میشود چیست؟ فرمود: آن چهار دانق - یعنی چهارششم یک درهم - است.

۱۷۴۴- و وصافی از امام ابوجعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: از جمله اسراری که خدای عزوجل با موسی علیه السلام نجوی کرد این بود که: فرمود: ای موسی، سائل را با بذلِ قلیل یا با ردیِ جمیل محترم دار، زیرا بسا اتفاق می افتد که کسی نزد تومی آید که نه انس است و نه جن، بلکه فرشته ای از فرشتگان خدای رحمان است که ایشان تو را در آنچه من به تو عطا کرده ام می آزمایند، و از آن نعمتی که انعام نموده ام از تو سؤال میکنند. پس بنگر تا چه خواهی کرد، ای پسر عمران.

۱۷۴۵- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَعْطِ السَّائِلَ وَلَوْ عَلَى ظَهْرِ قَرَسٍ».

۱۷۴۶- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «لَا تَقْطَعُوا عَلَى السَّائِلِ مَسْأَلَةً، فَلَوْلَا أَنَّ الْفَسَاكِينَ يَكْذِبُونَ مَا أَفْلَحَ مِنْ [بَرٍّ] رَدَّهُمْ».

۱۷۴۷- وَرَوَى عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَجَاءَهُ سَائِلٌ فَأَعْطَاهُ، ثُمَّ جَاءَهُ آخَرُ فَأَعْطَاهُ، ثُمَّ جَاءَهُ آخَرُ فَأَعْطَاهُ، ثُمَّ جَاءَهُ آخَرُ فَقَالَ: وَسِعَ اللَّهُ غَلَبَتِكَ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا لَوْ كَانَ لَهُ مَاكَ يَبْلُغُ ثَلَاثِينَ أَوْ أَرْبَعِينَ أَلْفَ دِرْهَمٍ ثُمَّ شَاءَ أَنْ لَا يُبْقِيَ بِهَا شَيْئًا إِلَّا وَضَعَهُ فِي حَقِّ لَفْعَلٍ فَيَبْقَى لَا مَالُ لَهُ، فَيَكُونُ مِنَ الثَّلَاثَةِ الَّذِينَ يُرَدُّ دُعَاؤُهُمْ قَالَ: قُلْتُ: مَنْ هُمْ؟ قَالَ: أَحَدُهُمْ رَجُلٌ كَانَ لَهُ مَاكَ فَأَنْفَقَهُ فِي [غَيْرِ] وَجْهِهِ، ثُمَّ قَالَ: يَا رَبِّ ارْزُقْنِي، فَيَقُولُ الرَّبُّ عَزَّوَجَلَّ: أَلَمْ ارْزُقْكَ؟ وَرَجُلٌ جَلَسَ فِي بَيْتِهِ وَلَا يَسْعَى فِي طَلَبِ الرِّزْقِ، وَيَقُولُ: يَا

(۱) ۱۷۴۵- و آن امام علیه السلام فرمود: به سائل اگر چه بر پشت اسب تکیه زده باشد چیزی بده.

(۲) ۱۷۴۶- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: سؤال سائل را رد مکنید، زیرا اگر چنین نبود که مسکینان دروغ میگویند، کسیکه ایشان را رد میکرد رستگار

نمیشد. (۳) ۱۷۴۷- و از ولید بن صبیح روایت شده است که گفت: در محضر امام صادق علیه السلام بودم که سائلی بنزد آن حضرت آمد، پس چیزی به او عطا کرد، آنگاه سائلی دیگر درآمد، امام فرمود: خدا روزیت را وسعت دهد! سپس فرمود: هرگاه کسی صاحب مالی بالغ بر سی یا چهل هزار درهم باشد، و بخواهد که چیزی از آن را باقی نگذارد مگر آنکه در موضع شایسته ای قرار دهد، هر آینه میتواند چنین کند، ولی در اینصورت بدون هیچگونه مالی باقی خواهد ماند، و از جمله سه نفری خواهد بود که دعای ایشان رد میشود: گفتم آنان کیانند؟ فرمود: یکی از ایشان مردی است که مالی داشته و آنرا در [غیر] موردش انفاق کرده، و آنگاه گفته است: خدایا مالی را روزم ساز، پس خدای عزوجل میگوید: آیا آنرا روزیت نساختم؟ و دیگر مردی که در

رَبِّ ارْزُقْنِي، فَيَقُولُ الرَّبُّ عَزَّوَجَلَّ: أَلَمْ أَجْعَلْ لَكَ سَبِيلًا إِلَى طَلَبِ الرِّزْقِ؟ وَرَجُلٌ لَهُ امْرَأَةٌ تُؤْذِيهِ فَيَقُولُ: يَا رَبِّ خَلِّصْنِي مِنْهَا فَيَقُولُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: أَلَمْ أَجْعَلْ أَمْرَهَا بِيَدِكَ». ۱۷۴۸- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي السُّؤَالِ: «أَطْعِمُوا ثَلَاثَةً وَإِنْ شِئْتُمْ أَنْ تَرْدَادُوا فَارْزَادُوا وَإِلَّا فَقَدْ أَذَيْتُمْ حَقَّ يَوْمِكُمْ».

۱۷۴۹- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا أَغْطَيْتُمُوهُمْ فَلَقَّيْتُمُوهُمْ الدُّعَاءَ فَإِنَّهُ يُسْتَجَابُ لَهُمْ فِيكُمْ وَلَا يُسْتَجَابُ لَهُمْ فِي أَنْفُسِهِمْ».

۱۷۵۰- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي الرَّجُلِ يُعْطَى غَيْرُهُ الدَّرَاهِمَ يَتَّقِسُهَا، قَالَ: يَجْرِي لَهُ مِنَ الْآخِرِ مِثْلُ مَا يَجْرِي لِلْمُعْطَى وَلَا يَنْقُصُ مِنْ أَجْرِ شَيْءٍ، وَلَوْ أَنَّ الْمَعْرُوفَ جَرَى عَلَى سَبْعِينَ بَدَأَ لَا وَجِرُوا كُلُّهُمْ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَنْقُصَ مِنْ أَجْرِ صَاحِبِهِ شَيْءٌ».

خانه خود نشسته، و در طلب روزی نمیکوشد، و میگوید: خدایا روزم را برسان، پس خدای عزوجل میگوید: آیا برای تو راهی بسوی طلب روزی نگشودم؟ و آن دیگر مردی که زنی دارد که او را می آزارد، و او میگوید: خدایا مرا از دست او نجات ده، پس خدای عزوجل میگوید: آیا کار او را بدست تو نسپردم؟

(۱) ۱۷۴۸- و امام صادق علیه السلام درباره سائلان فرمود: - در هر روز سه نفر را اطعام کنید، و اگر بخواهید که بر آن بیفزائید میتوانید بیفزائید، و الا شما حق روز خود را اداء کرده اید.

(۲) ۱۷۴۹- و آن امام علیه السلام فرمود: چون به سائلان عطا کنید، دعا را به ایشان تلقین نمائید، زیرا که دعای ایشان درباره شما مستجاب میشود، ولی در حق خودشان به اجابت نمیرسد.

(۳) ۱۷۵۰- و امام صادق علیه السلام درباره کسی که در هر هائی را به کسی میدهد تا آن را میان اهل استحقاق قسمت کند، فرمود: برای او نیز اجری برابر با اجر بخشنده آنها جریان می یابد، بی آنکه چیزی از اجر بخشنده کاسته گردد، و اگر معروف بر هفتاد دست جاری شود، هر آینه همگی آنها مأجور میشوند بدون آنکه چیزی

۱۷۵۱- وَ سِئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَيُّ الصَّدَقَةِ أَفْضَلُ؟» قَالَ: جُهْدُ الْمُقِلِّ، أَمَّا سَمِعْتُ قَوْلَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَى أَنْفُسِهِمْ وَلَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ» هَلْ تَرَى هَهُنَا فَضْلًا.

۱۷۵۲- وَ قَالَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «ضَمِئْتُ عَلَى رَبِّي عَزَّوَجَلَّ أَنْ لَا يَسْأَلَ أَحَدٌ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ إِلَّا اضْطَرَّتْهُ الْمَسْأَلَةُ يَوْمًا إِلَى أَنْ يَسْأَلَ مِنْ حَاجَةٍ».

۱۷۵۳- وَ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِتَّبِعُوا قَوْلَ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِنَّهُ قَالَ: مَنْ فَتَحَ عَلَى نَفْسِهِ بَابَ مَسْأَلَةٍ فَتَحَ اللَّهُ عَلَيْهِ بَابَ فَقْرٍ».

۱۷۵۴- وَ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا مِنْ عَبْدٍ يَسْأَلُ مِنْ غَيْرِ حَاجَةٍ فَيَمُوتَ حَتَّى يُحَوِّجَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهَا وَ يَكْتُبَ لَهُ بِهَا النَّارَ».

از اجر صاحب معروف کاهش پذیرد.

(۱) ۱۷۵۱- و از امام صادق علیه السلام پرسیدند: کدام صدقه افضل است؟ فرمود: همان صدقه که شخص قلیل المال طاقت ادای آنرا داشته باشد. آیا قول خدای عزوجل را شنیده ای که فرمود: «و دیگران را بر خود مقدم میدارند اگر چه خود گرفتار احتیاج باشند». آیا در موضوع صدقه افضل از این بنظرت می آید؟

(۲) ۱۷۵۲- و امام علی بن الحسین علیهما السلام فرمود: من پروردگار خود عزوجل را ضامن میگیرم که هیچکس بی داشتن حاجتی سؤال نکند، مگر آنکه این سؤال کردن روزی او را مجبور کند که از روی احتیاج سؤال کند.

(۳) ۱۷۵۳- و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: سخن رسول خدا صلی الله علیه و آله را پیروی کنید که فرمود: کسیکه در سؤالی را به روی خود بگشاید، خدا دری از فقر را بر او میگشاید.

(۴) ۱۷۵۴- و امام صادق علیه السلام فرمود: هیچ بنده ای که بی حاجتی سؤال کند نمیمیرد، مگر آنکه خدای عزوجل او را به آنچه سؤال کرده است محتاج میسازد، و در برابر آن سؤال بی مورد جهنم را برای او واجب میکند.

۱۷۵۵- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى أَحَبُّ شَيْئًا لِنَفْسِهِ وَأَنْفَضُهُ لِحَلْفِهِ، أَنْفَضَ عَزَّوَجَلَّ لِحَلْفِهِ الْمَسْأَلَةَ، وَأَحَبُّ لِنَفْسِهِ أَنْ يُسْأَلَ، وَلَيْسَ شَيْءٌ أَحَبُّ إِلَيْهِ مِنْ أَنْ يُسْأَلَ، فَلَا يَسْتَحْيِي أَحَدُكُمْ أَنْ يُسْأَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ فَضْلِهِ وَلَوْ شِيعَ نَعْلٍ».

۱۷۵۶- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّا كُمْ وَسُؤَالُ النَّاسِ فَإِنَّهُ ذَلِكَ الدُّنْيَا وَفَقْرٌ تَتَعَجَّلُونَهُ، وَحِسَابٌ طَوِيلٌ يَوْمَ الْقِيَامَةِ».

۱۷۵۷- وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَوْ يَعْلَمُ السَّائِلُ مَا فِي الْمَسْأَلَةِ مَا سَأَلَ أَحَدًا أَحَدًا، وَلَوْ يَعْلَمُ الْمُعْطَى مَا فِي الْعَطِيَّةِ مَا رَدَّ أَحَدٌ أَحَدًا».

۱۷۵۸- وَ «جَاءَتْ فَخَذٌ مِنَ الْأَنْصَارِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَلَّمُوا عَلَيْهِ فَرَدَّ عَلَيْهِمُ السَّلَامَ فَقَالُوا: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَنَا إِلَيْكَ حَاجَةٌ، قَالَ: هَاتُوا

(۷) ۱۷۵۵- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تبارک و تعالی چیزی را برای خود دوست داشته، و برای خلق خود دشمن داشته است: برای خلق خودش سؤال را دشمن داشته، و برای خودش دوست داشته است که از او سؤال کنند، و هیچ چیز برای او خوشایندتر از این نیست که چیزی از او بخواهند پس هیچیک از شما شرم نکند که خدای عزوجل را از فضل و احسانش مسألت کند، اگر چه درباره چیزی کوچک و کم ارزش مانند- بند کفشی باشد.

(۸) ۱۷۵۶- و امام صادق علیه السلام فرمود: از سؤال مردم حذر کنید، زیرا که آن موجب ذلت دنیا، و فقری است که آنرا پیش انداخته اید، و موجب حساسی دور و دراز در روز قیامت است.

(۹) ۱۷۵۷- و امام ابوجعفر علیه السلام فرمود: اگر سائل آنچه را در سؤال کردن نهفته است میدانست هیچکس از کسی سؤال نمیکرد. و اگر بخشنده آنچه را که در بخشش نهفته است میدانست هیچکس کسی را رد نمیکرد.

(۱۰) ۱۷۵۸- و گروهی از انصار به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند و بر آن حضرت سلام گفتند، پس سلامشان را جواب گفت، آنگاه گفتند: یا رسول الله، ما را

حَاجَّتْكُمْ، قَالُوا: إِنَّهَا حَاجَةٌ عَظِيمَةٌ قَالَ: هَانُوا مَا هِيَ؟ قَالُوا: تَقْصُرُنَا عَلَى رَبِّكَ الْجَنَّةِ، فَتَكْسِرَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ رَأْسَهُ وَنَكَّتْ فِي الْأَرْضِ، ثُمَّ رَفَعَ رَأْسَهُ فَقَالَ: أَفَعَلْتُ ذَلِكَ بِكُمْ عَلَى أَنْ لَا تَسْأَلُوا أَحَدًا شَيْئًا، قَالَ: فَكَانَ الرَّجُلُ مِنْهُمْ يَكُونُ فِي السَّفَرِ فَيَسْقُطُ سَوْطُهُ فَيَكْرَهُ أَنْ يَقُولَ لِلنَّاسِ: نَاوِلْنِيهِ، فِرَارًا مِنَ الْمَسْأَلَةِ فَيَتَرَلَّ فَيَأْخُذُهُ، وَيَكُونُ عَلَى الْمَائِدَةِ وَيَكُونُ بَعْضُ الْجُلَسَاءِ أَقْرَبَ مِنْهُ إِلَى الْمَاءِ فَلَا يَقُولُ: نَاوِلْنِي حَتَّى يَقُومَ فَيَشْرَبَ».

۱۷۵۹- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «اسْتَغْنُوا عَنِ النَّاسِ وَلَوْ بِشَوْصِ الْيَوَالِقِ».

۱۷۶۰- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْمَنْ يَهْدِمُ الصَّنِيعَةَ».

۱۷۶۱- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِهَ

به شما حاجتی هست، فرمود حاجتتان را به میان آورید، گفتند: آن، حاجتی عظیم است. فرمود: بیاورید، آن کدامست؟ گفتند: حاجت ما این است که بهشت را برای ما نزد پروردگارت ضمانت کنی! پس سر به زیر افکند، و چنانکه رسم متفکران است، چند لحظه با سر انگشتان یا با اعضا آهسته بر زمین کوبید، و آنگاه سر برداشت، و فرمود: این کار را در حق شما میکنم مشروط به اینکه چیزی از کسی نخواهید و هیچگاه سؤال نکنید راوی این خبر گفت: پس چنین اتفاق می افتاد که مردی از آن جمع در سفر میبود، و تازیانه اش از دستش می افتاد، پس بعلت فرار از سؤال خوش نمیداشت که بازگرداندن آنرا از کسی بخواهد، و از اینرو از فراز چهار شتر بزر می آمد و آنرا برمیداشت، و گاهی چنین رخ میداد که در کنار سفره نشسته بود، و دیگری از همنشینانش به ظرف آب نزدیکتر بود، ولی به آن همنشین نمی گفت که: آن ظرف آب را به من ده، بلکه خود از جای برمیداشت و آب مینوشید.

(۱) ۱۷۵۹- و نیز فرمود: از مردم بی نیاز شوید اگرچه در شستن و تنظیف

مسواکی باشد.

(۲) ۱۷۶۰- و امام صادق علیه السلام فرمود: منت نهادن اساس احسان را ویران

میسازد.

يُ سِتَّ خِصَالٍ وَكَرِهَتُهُنَّ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِي وَأَتْبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي: الْعَبَثُ فِي الصَّلَاةِ وَالرَّفَثُ فِي الصُّومِ، وَالْمَنُّ بَعْدَ الصَّدَقَةِ، وَإِثْيَانُ الْمَسَاجِدِ جُثْبًا، وَالتَّقْلُعُ فِي الدُّورِ، وَالضُّحْكَ بَيْنَ الْقُبُورِ».

۱۷۶۲- وَرَوَى عَنْ مَسْعَدَةَ بِنِ صَدَقَةَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ «أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بَعَثَ إِلَى رَجُلٍ بِخَمْسَةِ أَوْسَاقٍ مِنْ تَمَرِ الْبَغْيِغَةِ وَكَانَ الرَّجُلُ مِمَّنْ يَرْجُوا تَوَافُلَهُ وَيَرْضَى نَائِلَهُ وَرِفْدَهُ وَكَانَ لَا يَسْأَلُ غَلِيًّا عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا غَيْرَهُ شَيْئًا، فَقَالَ رَجُلٌ لِأَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَاللَّهِ مَا سَأَلْتُكَ فَلَانًا شَيْئًا وَلَقَدْ كَانَ يُخْزِيهِ مِنَ الْخَمْسَةِ الْأَوْسَاقِ وَسَقٌ وَاحِدٌ، فَقَالَ لَهُ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا كَثُرَ اللَّهُ فِي الْمُؤْمِنِينَ ضَرَّتُكَ، أُعْطِيَ أَنَا وَتَبَخَّلَ أَنْتَ بِهِ إِذَا أَنَا لَمْ أُعْطِ الَّذِي يَرْجُونِي إِلَّا مِنْ بَعْدِ مَسْأَلَتِي ثُمَّ أَغْلَبْتُهُ بَعْدَ الْمَسْأَلَةِ فَلَمْ أُعْطِهِ

۱۷۶۱- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تبارک و تعالی شش خصلت را برای من ناپسند داشته است و من آن خصال را برای اوصیای از فرزندانم و برای اتباع ایشان بعد از من ناپسند میدارم، و آن شش خصلت عبارت است از: کار لغو در نماز، و مجامعت در روزه، و ممت نهادن بعد از صدقه، و آمدن به مساجد در حال جنابت، و اشراف و نگریستن در خانه مردم، و خندیدن در قبرستان.

۱۷۶۲- و در روایت مسعد بن صدقه از امام صادق علیه السلام از پدران آن امام علیهم السلام آمده است که: امیرالمؤمنین علیه السلام پنج وسق از خرمای «بغیغه» را برای مردی فرستاد، و آن مرد از کسانی بود که نیازمندان به عطایایش امید می بستند و از هدایا و انعام و صله اش خوشنود میبودند، و او از علی علیه السلام و از دیگران چیزی نمی خواست، پس مردی به امیرالمؤمنین علیه السلام گفت: به خدا قسم فلان شخص چیزی از تو نخواسته، و از آن پنج وسق یک وسق او را کفایت میکرد. پس امیرالمؤمنین علیه السلام به او فرمود: خدا مثل تو را در میان مسلمانان زیاد مکناد! من می بخشم، و تو به آن بخل میکنی! در صورتیکه من به کسی که امید به من دارد جز پس از سؤال کردنش عطا نکنم، و آنگاه پس از مسألتش به او عطا کنم، در اینصورت جز بهای

إِلَّا تَمَنَّ مَا أَخَذْتُ مِنْهُ، وَذَلِكَ لِأَنِّي عَرَضْتُ لِأَن يَبْذُلَ لِي وَجْهَهُ الَّذِي يُعْفِرُهُ فِي التُّرَابِ لِرَبِّي وَرَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ عِنْدَ تَعْبِيدِهِ لَهُ وَطَلَبِ حَوَائِجِهِ إِلَيْهِ، فَمَنْ فَعَلَ هَذَا بِأَخِيهِ الْمُسْلِمِ وَقَدْ عَرَفَ أَنَّهُ مُوَضَّعٌ لِصَلَاتِهِ وَمَعْرُوفُهُ فَلَمْ يَصْطَفِ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِي دُعَائِهِ لَهُ حَيْثُ يَتَمَنَّى لَهُ الْجَنَّةَ يَلْسَانِهِ وَيَتَخَلَّ عَلَيْهِ بِالْعُطَامِ مِنْ مَالِهِ وَذَلِكَ أَنَّ الْعَبْدَ قَدْ يَقُولُ فِي دُعَائِهِ: «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ» فَإِذَا دَعَا لَهُ بِالتَّغْفِيرَةِ فَقَدْ طَلَبَ لَهُ الْجَنَّةَ، فَمَا أَنْصَفَ مَنْ فَعَلَ هَذَا بِالْقَوْلِ وَلَمْ يُحَقِّقْهُ بِالْفِعْلِ».

(بَابُ ثَوَابِ صَلَاةِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ)

۱۷۶۳ - سُبُلُ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» قَالَ: نَزَلَتْ فِي صَلَاةِ الْإِمَامِ عَلَيْهِ السَّلَامُ».

چیزی را که از او گرفته‌ام، به او نداده‌ام. و این بدان جهت است که او را در معرض آن قرار داده‌ام که رویش را، که برای خدای عزوجل برای خدای من و خدای خودش عزوجل به هنگام عبادت او و طلب حوائجش از او، به خاک میساید، به من بذل کند. پس هرکس درباره برادر مسلمان خود چنین کند، درحالیکه دانسته باشد که او شایسته صله و معروف او است، در دعایش برای او به خدای عزوجل راست نگفته است، آنجا که با زبانش بهشت را برای او آرزو میکند، و از مالی فانی از اموال خود بر او بخل میورزد، زیرا بنده در دعای خود میگوید: «خدایا مردان مؤمن و زنان مؤمنه را پیامرز». پس چون آمرزش را برای او طلب میکند بهشت را برایش طلبیده است، پس کسیکه در مرحله قول چنین کند، و در مقام عمل آنرا تحقق نبخشد انصاف نداده است.

(بَابُ ثَوَابِ صَلَاةِ إِمَامٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ)

۱۷۶۳ - از امام صادق علیه السلام در معنی قول خدای عزوجل که فرمود: «مَنْ ذَا الَّذِي يُقْرِضُ اللَّهَ قَرْضًا حَسَنًا» سؤال کردند، امام علیه السلام فرمود: این آیه درباره صله امام نازل شده است.

(۱) صله در لغت به معنی جایزه و احسان و عطیه است، و در اینجا به معنی تقدیم اموال و هدایا است.

۱۷۶۴- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «دَرَهُمْ يُوَصَّلُ بِهِ الْإِمَامُ أَفْضَلُ مِنْ أَلْفِ أَلْفٍ دَرَهُمْ يُثَقَّقُ فِي غَيْرِهِ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ».

۱۷۶۵- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى صَلَاتِنَا فَلْيَصِلْ صَالِحِي شِيعَتِنَا، يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ صَلَاتِنَا، وَمَنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَى زِيَارَتِنَا فَلْيَرْزُ صَالِحِي مَوَالِينَا يُكْتَبَ لَهُ ثَوَابُ زِيَارَتِنَا».

* (كِتَابُ الصَّوْمِ) *

* (بَابُ عِلَّةِ فَرَضِ الصِّيَامِ) *

۱۷۶۶- سَأَلَ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ عِلَّةِ الصِّيَامِ فَقَالَ: «إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الصِّيَامَ لِيَسْتَوِيَ بِهِ الْغَنِيُّ وَالْفَقِيرُ، وَذَلِكَ أَنَّ الْغَنِيَّ لَمْ يَكُنْ لِيَجِدَ مَسَّ الْجُوعِ فَيَرْحَمَ الْفَقِيرَ لِأَنَّ الْغَنِيَّ كُلَّمَا أَرَادَ شَيْئًا قَدَرَ عَلَيْهِ فَأَرَادَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يُسَوِّيَ بَيْنَ خَلْقِهِ وَأَنْ يُذِيقَ الْغَنِيَّ مَسَّ الْجُوعِ وَالْأَلَمِ لِيَتَرَقَّ عَلَى

(۱) ۱۷۶۴- و آن امام علیه السلام فرمود: درمی که در راه صله امام صرف شود، از هزار هزار درمی که در غیر آن، در راه خدای عزوجل صرف شود افضل است. (۲) ۱۷۶۵- و نیز امام صادق علیه السلام فرمود: کسیکه قادر به صله ما نباشد، میباید افراد صالح از شیعیان ما را مورد صله قرار دهد، تا ثواب صله ما برایش نویسند، و هرکس قادر بر زیارت ما نباشد پس شایستگان پیروان ما را زیارت کند تا ثواب زیارت ما برای او نوشته شود.

کتاب الصوم

* (بَابُ عَلَّتْ وَجُوبِ صِيَامِ) *

۱۷۶۶- هِشَامُ بْنُ حَكَمٍ أَسْأَلَ إِمَامَ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ دُرْبَارَةً عَلَتْ رَوْزَهْ گِرَفْتَنِ سَوَّالِ کَرْد، آنحضرت فرمود: همانا که خدای عزوجل روزه را از آنرو واجب ساخت که غنی و فقیر بوسیله آن در یک سطح قرار گیرند. و این بدان سبب است که غنی چنان نبود که اثر گرسنگی را احساس کند، تا بر فقیر رحم آورد، زیرا غنی هر زمان که چیزی میخواست بر آن قادر بود، از این رو خدای عزوجل اراده کرد تا میان افراد خلقتش تساوی برقرار سازد، و رنج گرسنگی و درد را به غنی بچشاند، تا نسبت به

الْمُضْعِفِ فَيَرْحَمَ الْجَائِعَ».

۱۷۶۷- وَ كَتَبَ أَبُو الْحَسَنِ عَلِيُّ بْنُ مُوسَى الرُّضَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ فِيمَا كَتَبَ مِنْ جَوَابِ مَسَائِلِهِ: «عِلَّةُ الصَّوْمِ لِيَعْرِفَانِ مَسَّ الْجُوعِ وَالْعَقْشِ لِيَكُونَ دَلِيلًا مُشْكِنًا مَأْجُورًا مُخْتِيبًا صَابِرًا، وَيَكُونَ ذَلِكَ دَلِيلًا لَهُ عَلَى شِدَائِدِ الْآخِرَةِ، مَعَ مَا فِيهِ مِنَ الْإِتْكَسَارِ لَهُ عَنِ الشَّهَوَاتِ، وَاعْظَاءً لَهُ فِي الْعَاجِلِ، دَلِيلًا عَلَى الْآجِلِ لِيَعْلَمَ شِدَّةَ مَبْلَغِ ذَلِكَ مِنْ أَهْلِ الْفَقْرِ وَالْمَسْكِنَةِ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ».

۱۷۶۸- وَ كَتَبَ حَمْزَةُ بْنُ مُحَمَّدٍ إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «لِمَ قَرَضَ اللَّهُ الصَّوْمَ؟ قَوْرَةً فِي الْجَوَابِ لِيَجِدَ الْغَنِيُّ مَسَّ الْجُوعِ فَيَمُرَّ عَلَى الْفَقِيرِ».

۱۷۶۹- وَ رَوَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ بْنِ أَبِي طَالِبٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «جَاءَ نَفَرٌ مِنَ الْيَهُودِ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَسَأَلَهُ أَغْلُمُهُمْ عَنْ مَسَائِلَ فَكَانَ

ضعیف رقت کند، و بر گرسنه رحم آورد.

① ۱۷۶۷- و امام ابوالحسن علی بن موسی الرضا علیهما السلام ضمن جواب خود بر مسائل محمد بن سنان، برای او نوشت: علت تشریع روزه، شناختن اثر گرسنگی و تشنگی است، تا آدمی ذلیل و مضطرب و مأجور و اندوزنده ذخیره عمل صالح و صابر گردد، و این سختیها برای او دلیلی بر سختی و شدائد آخرت شود، و علاوه بر خاصیت شکستن صولت و سورت شهوات که در آن نهفته است، در عاجل دنیا برای او واعظی و بر آجل آخرت دلیلی باشد، تا از این رهگذر شدت تاثیر آن سختیها را بر اهل فقر و مسکنت بفهمد، و در دنیا و آخرتش مؤثر افتد.

② ۱۷۶۸- و حمزه بن محمد به امام ابومحمد علیه السلام نوشت: خدا روزه را براساس کدام حکمت فرض فرموده است؟ در جواب چنین آمد: برای آنکه غنی اثر گرسنگی را بیابد، و از اینرو دست احسان و انعام بر فقیر بگشاید.

③ ۱۷۶۹- و از امام حسن بن علی بن ابیطالب علیهما السلام روایت شده است، که فرمود: تنی چند از یهود به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمدند، پس دانشمندترین ایشان درباره مسائل از آن حضرت سؤال کرد، و از جمله سؤالهایش این بود که گفت:

فِيمَا سَأَلَهُ أَنَّهُ قَالَ لَهُ: «لَأَيِّ شَيْءٍ فَرَضَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الصَّوْمَ عَلَى أُمَّتِكَ بِالنَّهَارِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا، وَفَرَضَ اللَّهُ عَلَى الْأَمَمِ أَكْثَرَ مِنْ ذَلِكَ؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ لَمَّا أَكَلَ مِنَ الشَّجَرَةِ بَقِيَ فِي بَطْنِهِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا فَفَرَضَ اللَّهُ عَلَى ذُرِّيَّتِهِ ثَلَاثِينَ يَوْمًا الْجُوعَ وَالْعَطَشَ، وَالَّذِي يَأْكُلُونَهُ بِاللَّيْلِ تَقْضُلٌ مِنَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِمْ وَكَذَلِكَ كَانَ عَلَى آدَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَفَرَضَ اللَّهُ ذَلِكَ عَلَى أُمَّتِي، ثُمَّ تَلَاهِيهِ الْآيَةُ: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ» قَالَ الْيَهُودِيُّ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدُ، فَمَا جَزَاءُ مَنْ صَامَهَا؟ فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَا مِنْ مُؤْمِنٍ يَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ اخْتِسَابًا إِلَّا أَوْجَبَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لَهُ سَبْعَ خِصَالٍ، أَوَّلُهَا يَذُوبُ الْحَرَامُ فِي جَسَدِهِ، وَالثَّانِيَةُ يَقْرُبُ مِنْ رَحْمَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَالثَّالِثَةُ يَكُونُ قَدْ كَفَّرَ خَطِيئَةَ آدَمَ أَبِيهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَالرَّابِعَةُ يُهَوَّنُ اللَّهُ عَلَيْهِ سَكَرَاتِ الْمَوْتِ، وَالخَامِسَةُ أَمَانٌ مِنَ الْجُوعِ وَالْعَطَشِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَالسَّادِسَةُ يُعْطِيهِ

خدای عزوجل به چه منظور سی روز روزه در ساعات روز را بر امت تو واجب ساخته است و بر اتمهای دیگر پیش از این فرض فرموده است؟ رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: وقتی آدم علیه السلام از آن میوه درخت خورد، سی روز - اثر آن - در شکم او باقی ماند، از این جهت خدای سی روز گرسنگی و تشنگی را بر نسل او فرض فرمود، و آنچه در شب میخورند تفضلی از جانب خدای عزوجل درباره ایشان است. و کار بر آدم نیز بر همینگونه بوده است، و از اینرو خدا آنرا بر امت من واجب ساخته است. سپس این آیه را تلاوت فرمود: «كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَتَّقُونَ، أَيَّامًا مَعْدُودَاتٍ». مرد یهودی گفت: راست گفتی یا محمد، پس مزد کسیکه این ایام را روزه بدارد چیست؟ فرمود: هیچ مؤمنی نیست که ماه رمضان را بقصد قربت روزه بدارد، مگر آنکه خدای تبارک و تعالی هفت خصلت را بر او واجب میسازد: نخست آنکه حرام را در بدنش ذوب میکند، و دوم آنکه او را به رحمت خدای تبارک و تعالی نزدیک میسازد، و سوم آنکه با این عمل خطای پدرش آدم را جبران میکند، و چهارم آنکه فشارهای بیپوش کننده جان دادن را بر او آسان

اللَّهُ بِرَأَاةٍ مِنَ النَّارِ، وَالسَّابِغَةُ يُطْعِمُهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مِنْ طَيِّبَاتِ الْجَنَّةِ، قَالَ: صَدَقْتَ يَا مُحَمَّدٌ.

(بَابُ فَضْلِ الصَّيَامِ)

۱۷۷۰ - قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «بُنِيَ الْإِسْلَامُ عَلَى خَمْسَةِ أَشْيَاءَ: عَلَى الصَّلَاةِ، وَالتَّزَكَاةِ، وَالْحَجِّ، وَالصَّوْمِ، وَالْوَلَايَةِ».

۱۷۷۱ - وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الصَّوْمُ جُئْتُ مِنَ النَّارِ».

۱۷۷۲ - وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «الصَّائِمُ فِي عِبَادَةٍ وَإِنْ كَانَ نَائِمًا عَلَى فِرَاشِهِ مَا لَمْ يَغْتَسِبْ مُسْلِمًا».

۱۷۷۳ - وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «قَالَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: الصَّوْمُ لِي وَأَنَا أَجْزِي بِهِ، وَلِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: حِينَ يُفْطِرُ وَحِينَ يَلْقَى رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ، وَالَّذِي نَفْسُ مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِيَدِهِ لَخُلُوفٌ فِي الصَّائِمِ عِنْدَ اللَّهِ أَطْيَبُ مِنْ رِيحِ الْمِسْكِ».

میسازد، و پنجم آنکه او را از گرسنگی و تشنگی روز قیامت در امان میدارد، و ششم آنکه خدا برات آزادی از آتش جهنم را به او عطا میکند، و هفتم آنکه خدای عزوجل او را از غذاهای پاکیزه بهشت اطعام مینماید. گفت: راست گفتی، یا محمد.

(بَابُ فَضِيلَتِ وَثَوَابِ رُوزَةِ)

۱۷۷۰ - (۱) امام ابو جعفر علیه السلام فرمود: اسلام بر پنج اصل بنا شده است: نماز، زکات، حج، روزه و ولایت.

۱۷۷۱ - (۲) و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: روزه سپری در برابر آتش است.

۱۷۷۲ - (۳) و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: شخص روزه دار، همه وقت در حال عبادت است، و اگر چه در بستر خود خوابیده باشد، تا هر زمان که مسلمانی را غیبت نکند.

۱۷۷۳ - (۴) و نیز فرمود: خدای تبارک و تعالی فرموده است: روزه برای من است و من پاداش آن را میدهم، و روزه دار دوشادی دارد، یکی آنگاه که افطار

۱۷۷۴- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لِأَصْحَابِهِ: «أَلَا أُخْبِرُكُمْ بِشَيْءٍ إِنْ أَنْتُمْ فَعَلْتُمُوهُ تَبَاعَدَ الشَّيْطَانُ عَنْكُمْ كَمَا تَبَاعَدَ الْمَشْرِقُ مِنَ الْمَغْرِبِ؟ قَالُوا: بَلَى يَا رَسُولَ اللَّهِ، قَالَ: الصَّوْمُ يُسَوِّدُ وَجْهَهُ، وَالصَّدَقَةُ تَكْثِرُ ظَهْرَهُ، وَالْحُبُّ فِي اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَالْمُؤَازَرَةُ عَلَى الْعَمَلِ الصَّالِحِ يَقْطَعُ دَابِرَهُ، وَالِاسْتِغْفَارُ يَقْطَعُ وَتِيبَتَهُ، وَلِكُلِّ شَيْءٍ زَكَاةٌ وَزَكَاةُ الْأَبْدَانِ الصِّيَامُ».

۱۷۷۵- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِعَلِيِّ بْنِ عَبْدِ الْعَزِيزِ: «أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَصْلِ الْإِسْلَامِ وَفَرْعِهِ وَذُرْوَتِهِ وَسَنَامِهِ؟ قَالَ: بَلَى، قَالَ: أَصْلُهُ الصَّلَاةُ، وَفَرْعُهُ الزَّكَاةُ، وَذُرْوَتُهُ وَسَنَامُهُ الْجِهَادُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَلَا أُخْبِرُكَ بِأَبْوَابِ الْخَيْرِ؟ الصَّوْمُ جُئَةٌ مِنَ النَّارِ».

۱۷۷۶- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي قَوْلِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ

میکند، و دیگر آنگاه که به لقاء پروردگارش عزوجل نائل میشود، و به آن خدایی که جان محمد در قبضه قدرت او است، هر آینه بوی دهان شخص روزه دار، نزد خدا از بوی مشک خوشتر است.

۱۷۷۴- و رسول خدا صلی الله علیه و آله به اصحاب خود فرمود: آیا چیزی را به شما باز نگویم که اگر آن را بجا آورید، شیطان چنان از شما دور شود که مشرق از مغرب دور شده است؟ گفتند: بلی یا رسول الله، فرمود: روزه روی شیطان را سیاه میکند، و صدقه پشتش را میشکند، و دوستی در راه خدا و تعاون بر انجام عمل صالح او را ریشه کن میسازد، و استغفار رگ قلبش را قطع میکند. و هر چیزی را زکاتی است، و زکات بدنها روزه است.

۱۷۷۵- و امام صادق علیه السلام به علی بن عبدالعزیز فرمود: آیا تو را از اصل اسلام، و فرع آن، و قلّه و مرتفعترین نقطه آن باز نگویم؟ گفت: بلی. فرمود: اصل آن نماز، و فرع آن زکات، و قلّه و مرتفعترین نقطه آن جهاد در راه خدای عزوجل است. آیا تو را از ابواب خیر باز نگویم؟ روزه سپری در برابر آتش دوزخ است.

۱۷۷۶- و آن امام علیه السلام در معنی قول خدای عزوجل «وَأَسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ

وَالصَّلَاةُ» قَالَ: يَعْنِي بِالصَّبْرِ الصَّوْمُ.

۱۷۷۷- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا تَرَلَّتْ بِالرَّجُلِ النَّازِلَةُ أَوْ الشَّدَّةُ فَلْيَصُمْ، فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ».

۱۷۷۸- وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَكُلُّ مَلَائِكَةٍ بِالدُّعَاءِ لِلصَّائِمِينَ وَقَالَ: أَخْبَرَنِي جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَبِّهِ تَعَالَى ذِكْرُهُ أَنَّهُ قَالَ: مَا أَمَرْتُ مَلَائِكَتِي بِالدُّعَاءِ لِأَحَدٍ مِنْ خَلْقِي إِلَّا اسْتَجَبْتُ لَهُمْ فِيهِ».

۱۷۷۹- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَوْحَى اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى إِلَى مُوسَى عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا يَمْنَعُكَ مِنْ مُنَاجَاةِي؟ فَقَالَ: يَا رَبِّ اجْعَلْكَ عَنِ الْمُنَاجَاةِ يَخْلُوفُ قِمِّ الصَّائِمِ، فَأَوْحَى اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ إِلَيْهِ يَا مُوسَى لَخْلُوفُ قِمِّ الصَّائِمِ أَطْيَبُ عِنْدِي مِنْ رِيحِ الْجَسَدِ».

وَالصَّلَاةُ» (از صبر و نماز یاری جوئید) فرمود معنی صبر روزه است.

۱۷۷۷- و آن امام علیه السلام فرمود: چون مصیبتی بزرگ یا شدتی بر کسی فرود آید، هسی باید تا روزه بگیرد، زیرا خدای عزوجل میگوید: «وَاسْتَعِينُوا بِالصَّبْرِ وَالصَّلَاةِ».

۱۷۷۸- و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تبارک و تعالی فرشتگانی را مأمور به دعا برای روزه‌داران ساخته است و فرمود: جبرئیل مرا از پروردگارش - تعالی ذکره - خبر داد که او فرموده است: فرشتگانم را به دعا برای کسی مأمور نساخته‌ام، مگر آنکه دعای ایشان را درباره او به اجابت رسانده‌ام.

۱۷۷۹- و امام صادق علیه السلام فرمود: خدای تبارک و تعالی به موسی علیه السلام وحی فرستاد که چه چیز تورا از راز و نیاز با من باز میدارد؟ موسی گفت: پروردگارا تورا به علت بوی نامطبوع دهن روزه‌دار از گفتن راز و نیاز برتر میدارم، پس خدای عزوجل به او وحی فرستاد که: ای موسی هر آینه بوی دهان شخص روزه‌دار نزد من از بوی مشک خوشتر است.

۱۷۸۰- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لِلصَّائِمِ فَرْحَتَانِ: فَرْحَةٌ عِنْدَ إِفْطَارِهِ وَفَرْحَةٌ عِنْدَ لِقَاءِ رَبِّهِ عَزَّوَجَلَّ».

۱۷۸۱- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ صَامَ لِلَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَوْمًا فِي شِدَّةِ الْحَرِّ فَأَصَابَهُ ظَمَأٌ وَكَلَّ اللَّهُ بِهِ أَلْفَ مَلَكٍ يَمْسَحُونَ وَجْهَهُ وَيُبَشِّرُونَهُ حَتَّى إِذَا أَفْطَرَ، قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: مَا أَطْيَبَ رِيحَكَ وَرُوحَكَ، يَا مَلَأَيْكَ اشْهَدُوا أَنِّي قَدْ غَفَرْتُ لَهُ».

۱۷۸۲- وَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ الْأَوَّلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قِيلُوا فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُطْعِمُ الصَّائِمَ وَيَسْقِيهِ فِي مَنَامِهِ».

۱۷۸۳- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «نَوْمُ الصَّائِمِ عِبَادَةٌ، وَصَمْتُهُ تَسْبِيحٌ، وَعَمَلُهُ مُتَقَبَّلٌ وَدُعَاؤُهُ مُسْتَجَابٌ».

۱۷۸۰ (۱)- و امام صادق علیه السلام فرمود: روزه دار را دو شادی است: یک شادی هنگام روزه گشودنش، و شادی دیگر هنگام لقاء پروردگارش عزوجل.

۱۷۸۱ (۲)- و آن امام فرمود: کسیکه روزی را در شدت گرما، برای خدا روزه بدارد، و آنگاه تشنگی به او اصابت کند، خدا هزار فرشته را بر او می گمارد که دست مهر بر صورتش بایند و او را بشارت دهند، تا چون افطار کرد خدای عزوجل میگوید: چه خوش است بوی تو! و روح تو! ای فرشتگان من، گواه باشید که من او را آمرزیده ام.

۱۷۸۲ (۳)- و امام ابوالحسن اول علیه السلام فرمود: خواب قیلوله، کنید زیرا که خدای عزوجل روزه دار را در حال خوابش اطعام و سقایت میکند.

۱۷۸۳ (۴)- و امام صادق علیه السلام فرمود: خواب شخص روزه دار عبادت است و خاموشی اش تسبیح است، و عملش مقبول درگاه خداوند، و دعایش مستجاب است.

* (بَابُ وَجُوهِ الصَّوْمِ) *

۱۷۸۴ - رُوِيَ عَنِ الزُّهْرِيِّ أَنَّهُ قَالَ: قَالَ لِي عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَوْمًا: «يَا زُهْرِيُّ مِنْ أَيْنَ جِئْتَ؟ قُلْتُ: مِنَ الْمَسْجِدِ، قَالَ: فَفِيمَ كُنْتُمْ؟ قُلْتُ: تَذَاكُرْنَا أَمْرَ الصَّوْمِ فَأَجْتَمَعَ رَأْيِي وَرَأْيُ أَصْحَابِي عَلَيَّ أَنَّهُ لَيْسَ مِنَ الصَّوْمِ شَيْءٌ وَاجِبٌ إِلَّا صَوْمُ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقَالَ: يَا زُهْرِيُّ لَيْسَ كَمَا قُلْتُمْ، الصَّوْمُ عَلَى أَرْبَعِينَ وَجْهًا، فَعَشْرَةُ أَوْجُهٍ مِنْهَا وَاجِبَةٌ كَوُجُوبِ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَعَشْرَةُ أَوْجُهٍ مِنْهَا صِيَامُهُنَّ حَرَامٌ، وَأَرْبَعَةٌ عَشَرَ وَجْهًا مِنْهَا صَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ، وَصَوْمُ الْإِذْنِ عَلَى ثَلَاثَةِ أَوْجُهٍ، وَصَوْمُ التَّأْدِيبِ، وَصَوْمُ الْإِبَاحَةِ، وَصَوْمُ السَّفَرِ وَالتَّرَضُّ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَيَرْكُضُنَّ لِي.

قَالَ: أَمَّا الْوَاجِبُ فَصِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ لِمَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عَمْدًا مُتَعَمِّدًا، وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ، مُتَتَابِعَيْنِ فِي كَفَّارَةِ الظُّلْمِ قَالَ

* (بَابُ أَقْسَامِ رَوْزِهِ) *

① ۱۷۸۴ - از زهری روایت شده است که گفت: روزی علی بن الحسین علیهما السلام مرا گفت: ای زهری، از کجا آمده ای؟ عرض کردم: از مسجد. گفت: در چه کار بودید؟ گفتم: دربارهٔ روزه گفتگو می کردیم، پس رأی من و رأی اصحابم بر این محو گرد آمد که روزه واجب جز روزه ماه رمضان نیست. امام گفت: ای زهری چنین نیست که شما گفتید، زیرا روزه بر چهل قسم است، که ده قسم آن مانند روزه رمضان واجب است، و ده قسم آن حرام است، و چهارده قسم آن وابسته به اختیار آدمی است، اگر بخواهد روزه میدارد، و اگر نخواهد نمی دارد. و روزه اذن که بر سه قسم است، روزه تأدیب و روزه اباحه، و روزه سفر و مرض. گفتم: فدایت شوم آن اقسام را برای من تفسیر کن.

امام علیه السلام فرمود: اما واجب، پس عبارتست از ۱ - روزه ماه رمضان، ۲ - روزه دو ماه پیاپی برای کسی که یک روز از روزهای ماه رمضان را از روی

الله عَزَّوَجَلَّ: «وَالَّذِينَ يُظَاهِرُونَ مِنْ نِسَائِهِمْ ثُمَّ يَعُودُونَ لِمَا قَالُوا فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا ذَلِكَ كُمْ تَوْعَدُونَ بِهِ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ خَبِيرٌ» فَتَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَتَمَاسَا وَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي قَتْلِ الْخَطَايَا لَمْ يَجِدِ الْعِثْقَ وَاجِبٌ لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَمَنْ قَتَلَ مُؤْمِنًا خَطَاً فَتَحْرِيرُ رَقَبَةٍ مُؤْمِنَةٍ وَدِيَّةٌ مُسْلِمَةً إِلَىٰ أَوْلِيَاءِهِ - إِلَىٰ قَوْلِهِ تَعَالَى - فَتَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ»؛ وَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كَفَّارَةِ الْبَيْسِ وَاجِبٌ لَمْ يَجِدِ الْإِطْعَامَ، قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «فَتَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ ذَلِكَ كَفَّارَةُ أَيْمَانِكُمْ إِذَا حَلَفْتُمْ» فَكُلُّ ذَلِكَ مُتَتَابِعٌ وَلَيْسَ

عمد افطار کرده، ۳- روزه دو ماه پیاپی در کفاره «ظهار» که خدای عزوجل در باره آن فرموده است: و کسانی که در باره زنان خود سنت جاهلی ظهار را بکار بندند، (یعنی ایشان را در تحریم نسبت به خودشان به مادر خود تشبیه کنند) و پس از آن از گفته خود بازگردند و به خطای خود پی برند و دوام همسری خود را خوش داشته باشند میباید پیش از آنکه مقاربت کنند بنده ای آزاد کنند. این حکم که خدای مقرر داشته است پندی برای شما است تا بار دیگر به چنین کاری مبادرت نکنید، و خدا به آنچه شما بجا می آورید آگاه است. پس کسیکه دسترسی به اجراء این حکم نداشته باشد میباید پیش از مقاربت دو ماه پیاپی روزه بدارد. سوره مجادله: ۴ و ۳.

و ۴- روزه دو ماه پیاپی در قتل خطا برای کسیکه امکان آزاد کردن بنده را نداشته باشد. و این به مقتضای قول خدای عزوجل است که فرمود: و کسیکه مؤمنی را از روی خطا بکشد، پس میباید بنده مؤمنی را آزاد کند، و دیه ای به خانواده او بپردازد. تا قول خدای تعالی. پس کسیکه آن [مال] را نیابد میباید دو ماه پیاپی روزه بدارد. سوره نساء: ۹ و ۲.

و ۵- روزه سه روزه در کفاره قسم برای کسیکه امکان اطعام نداشته باشد، چنانکه خدای عزوجل فرموده است: پس کسی که دسترسی به اطعام یا کسوه ده مسکین یا آزاد کردن بنده نداشته باشد، میباید سه روز روزه بدارد، این کفاره قسمهای شما است، آنگاه که سوگند یاد کنید. پس همگی این روزه ها متوالی است، و متفرق نیست.

بِمُتَّفَرِّقٍ؛

وَصِيَامُ أَذَى حَلْقِ الرَّأْسِ وَاجِبٌ قَالَ عَزَّوَجَلَّ: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ بِهِ أَذَى مِنْ رَأْسِهِ فَفِدْيَةٌ مِنْ صِيَامٍ أَوْ صَدَقَةٌ أَوْ نُسْلٌ» فَصَاحِبُهَا فِيهَا بِالْخِيَارِ فَإِنْ صَامَ صَامَ ثَلَاثاً؛ وَصَوْمُ دَمِ الْمُثْعَةِ وَاجِبٌ لِمَنْ لَمْ يَجِدِ الْهَدْيَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «فَمَنْ تَمَتَّعَ بِالْعُمْرَةِ إِلَى الْحَجِّ فَمَا اسْتَيْسَرَ مِنَ الْهَدْيِ فَمَنْ لَمْ يَجِدْ فَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الْحَجِّ وَسَبْعَةٍ إِذَا رَجَعْتُمْ تِلْكَ عَشْرَةٌ كَامِلَةٌ» وَصَوْمُ جَزَاءِ الصَّيْدِ وَاجِبٌ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَمَنْ قَتَلَ مِنْكُمْ مَتَعَمَّداً فَجَزَاءٌ مِثْلُ مَا قَتَلَ مِنَ النَّعَمِ يَحْكُمُ بِهِ ذَوَا عَدْلٍ مِنْكُمْ هَدْياً بَالِغَ الْكَعْبَةِ أَوْ كَفَّارَةٌ طَعَامُ مَسَاكِينَ أَوْ عَدْلُ ذَلِكَ صِيَاماً».

(۱) و ۶- روزه آزار سر واجب است، که خدای عزوجل فرموده است: و کسی که محرم باشد، و موی سرش به علت مرضی یا وجود حشراتی او را بیازارد، باکی نیست که سرش را بتراشد، و در اینصورت میباید به رسم فدیة سه روز روزه بدارد، یا صدقه ای به شش مسکین بپردازد، یا گوسفند قربانی کند... و بنابراین بیان الهی چنین کسی میان روزه گرفتن، یا صدقه دادن، یا قربانی کردن مختار است، و اگر روزه را اختیار کرد میباید سه روز روزه بدارد. بقره: ۱۹۵.

۷- روزه عوض قربانی واجب در حج تمتع برای کسیکه قربانی بدست نیاورده باشد واجب است، چنانکه خدای تعالی فرموده است: «پس کسیکه عمره تمتع را بجا آورد تا موسم حج آن فرا رسد، می باید قربانی ای را که میسر باشد بگذرانند، پس کسیکه دسترسی به این کار نداشته باشد می باید سه روز در مکه و هفت روز در بازگشت به خانه و خانواده اش روزه بدارد، و این یک دهه کامل است. سوره بقره: ۱۹۵.

۸- و روزه کفاره صید واجب است، و خدای عزوجل در این باره فرموده است: و کسی از شما که آن صید را از روی عمد بکشد، پس میباید نظیر آنچه کشته است از شتر و گاو و گوسفند قربانی کند، و برای تعیین نظیر دو مرد عادل از جمع شما حکم می کنند، و گوشت آن قربانی میان فقرای حاضر در کنار کعبه تقسیم میشود، و یا

ثُمَّ قَالَ: أَوْ تَدْرِي كَيْفَ يَكُونُ عَدُّ ذَلِكَ صِيَاماً يَا زُهْرِي؟ قَالَ: قُلْتُ:
لَا أَذْرِي قَالَ: يُقَوَّمُ الصَّيْدُ قِيَمَةً ثُمَّ تَقْضَى تِلْكَ الْقِيَمَةُ عَلَى الْبَرِّ ثُمَّ يُكَالُ ذَلِكَ الْبَرُّ
أَصْوَاعاً فَيَصُومُ لِكُلِّ نِصْفِ صَاعٍ يَوْمًا؛ وَصَوْمُ النَّذْرِ وَاجِبٌ؛ وَصَوْمُ الْإِغْتِكَافِ
وَاجِبٌ.

وَأَمَّا الصَّوْمُ الْحَرَامُ: فَصَوْمُ يَوْمِ الْفِطْرِ؛ وَيَوْمِ الْأُضْحَى؛ وَثَلَاثَةِ أَيَّامِ
التَّشْرِيقِ؛ وَصَوْمُ يَوْمِ الشَّكِّ أَمْرًا بِهِ وَنَهْيًا عَنْهُ، أَمْرًا أَنْ نَصُومَهُ مَعَ شَعْبَانَ وَنَهْيًا
عَنْهُ أَنْ يَتَفَرَّدَ الرَّجُلُ بِصِيَامِهِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يَشْكُ فِيهِ النَّاسُ، فَقُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ
فِدَاكَ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ صَامٌ مِنْ شَعْبَانَ شَيْئًا كَيْفَ يَضَعُ؟ قَالَ: يَتَوَيَّ لَيْلَةَ الشَّكِّ أَنَّهُ

مساکنی را به رسم کفاره اطعام می نماید، و یا برابر با آن صید روزه می دارد. مانند: ۹۵.
(۸) آنگاه امام علیه السلام فرمود: ای زهری آیا میدانی که چگونه روزه معادل
صید میشود.

زهری گفت: گفتم: نمیدانم. فرمود: قیمت صید را برآورد میکنند، و آنگاه
قیمت بدست آمده را با گندم می منجهند، و پس از آن، آن گندم را بصورت صاعهایی
توزین مینمایند سپس کسیکه صید را کشته است در برابر هر نصف صاع یک روز
روزه می دارد.

و ۹- روزه نذر که واجب است ۱۰- و روزه اعتکاف که آن نیز واجب
است.

و اما روزه حرام پس عبارت است از ۱- روزه عید فطر، و ۲- روزه عید
اضحی، و ۳- روزه سه روزه ایام تشریق، و ۴- روزه یوم الشک که هم به گرفتن آن
امر شده ایم، و هم از گرفتنش نهی شده ایم: مأمور شده ایم که آن را با شعبان روزه
بداریم، و از روزه داشتن آن نهی گشته ایم، زیرا روزه گرفتن آن روز به معنی این است
که شخص در روزی که مردم در شگ بسرمی برند با این عمل خود از جمع جدا و
پراکنده شده است.

گفتم: فدایت شوم، اگر هیچ روزی از شعبان را روزه نداشته، باید چه کند؟

صَائِمٌ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَجْزَأَ عَنْهُ، وَإِنْ كَانَ مِنْ شَعْبَانَ لَمْ يَصُرْهُ، فَقُلْتُ لَهُ: وَكَيْفَ يُجْزَى صَوْمٌ تَطَوُّعٌ عَنْ صَوْمٍ فَرِيضَةٍ؟ فَقَالَ: تَوَأَّنْ رَجُلًا صَامَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ تَطَوُّعًا وَهُوَ لَا يَدْرِي وَلَا يَعْلَمُ أَنَّهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ عَلِمَ بَعْدَ ذَلِكَ أَجْزَأَ عَنْهُ، لِأَنَّ الْقَرَضَ إِنَّمَا وَقَعَ عَلَى الْيَوْمِ بِعَيْنِهِ؛ وَصَوْمُ الْوِصَالِ حَرَامٌ؛ وَصَوْمُ الصَّغِيَةِ حَرَامٌ؛ وَصَوْمُ نَذْرِ الْمُعْصِيَةِ حَرَامٌ؛ وَصَوْمُ الذَّهْرِ حَرَامٌ.

وَأَمَّا الصَّوْمُ الَّذِي يَكُونُ صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ فَصَوْمُ يَوْمِ الْجُمُعَةِ، وَالْخَمِيسِ، وَالْإِثْنَيْنِ؛ وَصَوْمُ الْبَيْضِ؛ وَصَوْمُ سِتَّةِ أَيَّامٍ مِنْ شَوَّالٍ بَعْدَ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَصَوْمُ يَوْمِ عَرَفَةَ، وَيَوْمِ عَاشُورَاءَ كُلُّ ذَلِكَ صَاحِبُهُ فِيهِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ. وَأَمَّا صَوْمُ الْإِذْنِ فَإِنَّ الْمَرْأَةَ لَا تَصُومُ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ زَوْجِهَا، وَالْعَبْدُ لَا يَصُومُ

فرمود: در ليله الشک نیت می‌کند که او از بابت شعبان صائم است، پس اگر معلوم شد که آن روز از ماه رمضان بوده همان روزه برای او کفایت میکند، و اگر معلوم شد که آن روز از ماه شعبان بوده برای او ضرری نداشته است.

گفتم: چگونه یک روزه تطوع - که عمل مستحب است - برای یک روزه واجب کفایت میکند؟ فرمود: اگر کسی روزی از ماه رمضان را بعنوان تطوع روزه گرفت درحالیکه نمی‌دانست که آن روز از ماه رمضان است، و بعد به این امر واقف شد همان روزه برای او کافی است، زیرا روزه گرفتن آن روز واجب بوده و این شخص هم آن روز را بخصوص روزه گرفته است.

۵- و روزه وصال حرام است. ۶- و روزه صمت - یعنی امساک در سخن گفتن - حرام است. ۷- و روزه نذر معصیت حرام است. ۸- و روزه دهر - یعنی همگی ایام عمر - حرام است.

و اما روزه‌ای که صاحبش درباره آن از اختیار برخوردار است، روزه جمعه و پنجشنبه و دوشنبه، و روزه بیض - یعنی سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم - و روزه شش روز شوال بعد از ماه رمضان، و روزه روز عرفه، و روز عاشورا است. که صاحب همگی اینها مختار است که روزه بدارد یا افطار کند.

و اما روزه اذن، پس زن جز با اذن شوهرش، و غلام جز با اذن مولایش، و

تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِ سَيِّدِهِ، وَالضَّيْفُ لَا يَصُومُ تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ، وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ نَزَلَ عَلَى قَوْمٍ فَلَا يَصُومُ تَطَوُّعاً إِلَّا بِإِذْنِهِمْ».

وَأَمَّا صَوْمُ التَّأْدِيبِ فَإِنَّهُ يُؤْمَرُ الصَّبِيُّ إِذَا رَافَقَ بِالصَّوْمِ تَأْدِيباً وَلَيْسَ بِفَرَضٍ؛ وَكَذَلِكَ مَنْ أَفْطَرَ لَيْلَةً مِنْ أَوَّلِ الثَّهَارِ ثُمَّ قَوِيَ بَعْدَ ذَلِكَ أَمْرُ بِالْإِمْسَاكِ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ تَأْدِيباً وَلَيْسَ بِفَرَضٍ؛ وَكَذَلِكَ الْمُسَافِرُ إِذَا أَكَلَ مِنْ أَوَّلِ الثَّهَارِ ثُمَّ قَدِمَ أَهْلَهُ أَمْرٌ بِالْإِمْسَاكِ بَقِيَّةَ يَوْمِهِ تَأْدِيباً وَلَيْسَ بِفَرَضٍ.

وَأَمَّا صَوْمُ الْإِبَاحَةِ فَمَنْ أَكَلَ أَوْ شَرِبَ نَاسِياً أَوْ تَقِيّاً مِنْ غَيْرِ تَعَمُّدٍ فَقَدْ أَبَاحَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ ذَلِكَ لَهُ وَاجْتَزَأَتْهُ صَوْمُهُ.

وَأَمَّا صَوْمُ السَّفَرِ وَالْمَرَضِ فَإِنَّ الْعَامَّةَ اخْتَلَفَتْ فِيهِ فَقَالَ قَوْمٌ: يَصُومُ وَقَالَ قَوْمٌ: لَا يَصُومُ، وَقَالَ قَوْمٌ: إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ، فَأَمَّا نَحْنُ فَتَقَوُّونَ: يُفْطِرُ فِي

میهمان جز با اذن میزبانش، روزه تطوع نمیگیرد. و رسول خدا صلی الله علیه وآله فرمود: کسی که بر قومی وارد شود، می باید جز با اذن ایشان روزه تطوع نگیرد.

① و اما روزه تأدیب از این قرار است که کودک چون به دوران مراغه - یعنی سالهای نوجوانی و نزدیک به بلوغ - رسید، او را به عنوان تأدیب به روزه گرفتن وامیدارند، و این روزه واجب نیست. و همچنین کسیکه از اول روز به علتی افطار کند، و پس از آن علت افطارش برطرف شود، در بقیه ساعات روز مأمور به امساک تأدیبی است، و این نیز واجب نیست. و همچنین مسافر چون از اول روز چیزی بخورد و پس از آن به خانه و خانواده اش وارد شود، مأمور است که بقیه ساعات روزش را به عنوان تأدیب امساک کند، و این نیز واجب نیست.

و اما در مورد روزه اباحه پس کسی که از روی فراموشی چیزی بخورد یا بیاشامد، یا بدون تعمّد استفراغ کند، خدای عزّوجلّ آن را برای او مباح ساخته، و آن را بجای روزه اش، پذیرفته، و مجزای و کافی قرار داده است.

و اما روزه سفر و مرض، پس عامه درباره آن اختلاف کرده اند، چنانکه گروهی گفتند: شخص در آن حال روزه نمیگیرد، و گروهی گفتند: روزه نمیگیرد، و

الْحَالَتَيْنِ جَمِيعاً فَإِنْ صَامَ فِي السَّفَرِ أَوْ فِي حَالِ الْمَرَضِ فَقَلَّيْهِ الْقَضَاءُ فِي ذَلِكَ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «فَمَنْ كَانَ مِنْكُمْ مَرِيضاً أَوْ عَلَى سَفَرٍ فَعِدَّةٌ مِنْ أَيَّامٍ أُخَرَ».

* (بَابُ صَوْمِ السَّنَةِ) *

۱۷۸۵- رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَخْبُوبٍ، عَنْ جَمِيلِ بْنِ صَالِحٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مَرْوَانَ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَصُومُ حَتَّى يُقَالَ: لَا يُفْطِرُ، وَيُقْطَرُ حَتَّى يُقَالَ: لَا يَصُومُ، ثُمَّ صَامَ يَوْماً وَأَفْطَرَ يَوْماً، ثُمَّ صَامَ الْإِثْنَيْنِ وَالْخَمِيسَ، ثُمَّ آتَى مِنْ ذَلِكَ إِلَى صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ: الْخَمِيسُ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ، وَارْتِعَاءً فِي وَسْطِ الشَّهْرِ، وَخَمِيسٌ فِي آخِرِ الشَّهْرِ، وَكَانَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَقُولُ: ذَلِكَ صَوْمُ الدَّهْرِ وَقَدْ كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَا مِنْ أَحَدٍ أَبْغَضَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِنْ رَجُلٍ يُقَالَ لَهُ: كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ

گروهی گفتند: اگر بخواد روزه می گیرد و اگر نخواهد نمی گیرد. ولی ما می گوئیم: در هر دو حال افطار می کند، و بنابراین اگر در سفر یا بیماری روزه بگیرد باید قضای آن را بجا آورد، زیرا خدای عزوجل می گوید: پس هر یک از شما که بیمار یا در سفر بود می باید چند روز از ایام دیگر را روزه بگیرد. بقره: ۱۸۷

* (بَابُ رُوزَةِ سَنَةٍ) *

①

۱۷۸۵- حسن بن محبوب از جمیل بن صالح از محمد بن مروان، روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که می فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چندان روزه می گرفت که می گفتند افطار نمی کند، و چندان افطار می کرد که می گفتند: روزه نمی گیرد، سپس یک روز روزه گرفت و یک روز افطار کرد، آنگاه دوشنبه و پنجشنبه را روزه گرفت، و پس از آن به روزه سه روز در ماه: پنجشنبه در اول ماه، و چهارشنبه در وسط ماه و پنجشنبه ای در آخر ماه بازگشت، و آن حضرت صلی الله علیه و آله می فرمود: این، روزه دهر- یعنی روزه همگی دوران زندگی- است. و پدرم علیه السلام می فرمود: هیچکس نزد خدای عزوجل مبعوض تر از آن کس نیست که به او بگویند: رسول خدا صلی الله علیه و آله چنین و چنان می کرد، و او

يَفْعَلُ كَذَا وَكَذَا فَيَقُولُ: لَا يُعَذِّبُنِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَى أَنْ أُجْتَهِدَ فِي الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ كَأَنَّهُ يَرَى أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ تَرَكَ شَيْئاً مِنَ الْفَضْلِ عَجْزاً عَنْهُ».

۱۷۸۶- وَ فِي رِوَايَةِ حَمَّادِ بْنِ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «صَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَتَّى قِيلَ: مَا يُفْطِرُ، ثُمَّ أَفْطَرَ حَتَّى قِيلَ: مَا يَصُومُ، ثُمَّ صَامَ صَوْمَ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمًا وَيَوْمًا، ثُمَّ قَبِضَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى صِيَامِ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ، وَقَالَ: يَتَعَدَّلُنْ صَوْمَ الذَّهْرِ وَيَذْهَبُنْ بِوَحْرِ الصَّدْرِ (وَقَالَ حَمَّادٌ: الْوَحْرُ الْوَسُوسَةُ) فَقَالَ حَمَّادٌ: فَقُلْتُ: وَآيُ الْأَيَّامِ هِيَ؟ قَالَ: أَوَّلُ خَمِيسٍ فِي الشَّهْرِ، وَأَوَّلُ أَرْبَعَاءَ بَعْدَ الْعَشْرِ مِائَةٍ، وَآخِرُ خَمِيسٍ فِيهِ، فَقُلْتُ: وَكَيْفَ صَارَتْ هَذِهِ الْأَيَّامُ الَّتِي تُصَامُ؟ فَقَالَ: لِأَنَّ مَنْ قَبْلُنَا مِنَ الْأُمَمِ كَانُوا إِذَا تَرَكَ عَلَى أَحَدِهِمُ الْعَذَابُ تَرَكَ فِي هَذِهِ الْأَيَّامِ فَصَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ هَذِهِ الْأَيَّامَ لِأَنَّهَا الْأَيَّامُ

بگوید: خدای عزوجل مرا به علت کوشش در نماز و روزه عذاب نمی فرماید! گوئی که او چنین می پندارد که رسول خدا صلی الله علیه وآله چیزی از فضیلت را به علت ناتوانیش از انجام آن ترک کرده است!

۱۷۸۶- و در روایت حماد بن عثمان از امام صادق علیه السلام آمده است، که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله چندان روزه گرفت، که گفتند: افطار نمی کند، سپس افطار کرد چندان که گفتند: روزه نمی گیرد، و آنگاه روزه داود را به آئین یک در میان بکار بست. و پس از آن در حالی به جهان قرب الهی فرا گرفته شد که سه روز در ماه را روزه می داشت، و فرمود: این روزه سه روزه معادل روزه تمام عمر و وحر دل را از میان می برند (و حماد گفت: وحر به معنی وسوسه است).

پس حماد گوید: گفتم: و این سه روز کدام روزها هستند؟ فرمود: نخستین پنجشنبه در ماه، و نخستین چهارشنبه بعد از ده روز از آن، و آخرین پنجشنبه آن. پس گفتم: و چگونه است که این ایام برای روزه اختصاص یافته است؟ امام فرمود: این بدان جهت است که اتمای قبل از ما چون یکی از ایشان مستوجب عذاب میشد، آن عذاب در همین ایام نازل می گشت، از اینرو رسول خدا صلی الله علیه وآله این ایام را

الْمَخُوفَةُ».

۱۷۸۷- وَ رَوَى الْفَضِيلُ بْنُ يَسَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا صَامَ أَحَدُكُمْ الثَّلَاثَةَ الْأَيَّامَ مِنَ الشَّهْرِ فَلَا يُجَادِلَنَّ أَحَدًا وَلَا يَجْهَلَ وَلَا يَسْرِعَ إِلَى الْحَلْفِ وَالْإِيمَانِ بِاللَّهِ، فَإِنْ جَهِلَ عَلَيْهِ أَحَدٌ فَلْيَحْتَمِلْ».

۱۷۸۸- وَ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ، عَنْ حَبِيبِ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَخْبِرْنِي عَنِ التَّطَوُّعِ، وَعَنْ هَذِهِ الثَّلَاثَةِ الْأَيَّامِ إِذَا أُجْتَنِبَتْ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ فَأَعْلَمْتُ أَنِّي قَدْ أُجْتَنِبْتُ فَأَنَا مُتَعَمِّدٌ حَتَّى يَنْفَجِرَ الْفَجْرُ أَصُومُ أَوْ لَا أَصُومُ؟ قَالَ: صُمْ».

۱۷۸۹- وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: صِيَامُ شَهْرِ الصَّبْرِ وَثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ يَذْهَبَنَّ بِنَبَائِلِ الصَّدِّيقِ وَصِيَامُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرِ صِيَامِ الدَّهْرِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ يَقُولُ: مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَثْمَالِهَا».

روزه گرفت، زیرا که آن، ایام سه‌مناک است.

۱۷۸۷- و فضیل بن یسار از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: چون یکی از شما آن سه روز از ماه را روزه ندارد، پس، همی باید تا با کسی مجادله نکند، و نادانی و خشونت بکار نبرد، و به سوگند خوردن و یاد کردن قسمها به خدا، شتاب نگیرد، و اگر کسی سفاقتی و خشونت نسبت به او کرد تحمل و بردباری

کند. ۱۷۸۸- و عبدالله بن مغیره از حبیب خثعمی روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام معروض داشتم که مرا از تطوع، و از این سه روز بازگویی که اگر از اول شب جنب شوم و بدانم که جنب شده‌ام، ولی از روی تعمد بخوابم تا فجر بدمد، در اینصورت آیا روزه بدارم، یا ندارم فرمود: روزه بدار.

۱۷۸۹- و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: روزه ماه صبر- یعنی ماه رمضان- و سه روز از هر ماه و سوسه‌های دل را برطرف میسازد، و روزه سه روز در هر ماه، روزه دهر- یعنی تمام عمر- است، زیرا خدای عزوجل میگوید: کسیکه کار نیکی بجا

۱۷۹۰- وَ فِي رِوَايَةِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ سُئِلَ عَنْ صَوْمِ خَمِيسَتَيْنِ بَيْنَهُمَا أَرْبَعَاءُ، فَقَالَ: أَمَّا الْخَمِيسُ فَيَوْمٌ تُعْرَضُ فِيهِ الْأَعْمَالُ، وَأَمَّا الْأَرْبَعَاءُ فَيَوْمٌ خُلِقَتْ فِيهِ النَّارُ، وَأَمَّا الصَّوْمُ فَجَنَّةٌ».

۱۷۹۱- وَ فِي رِوَايَةِ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّمَا يُصَامُ فِي يَوْمِ الْأَرْبَعَاءِ لِأَنَّهُ لَمْ تُعَذِّبْ أُمَّةٌ فِيهَا مَقْصِي إِلَّا يَوْمَ الْأَرْبَعَاءِ وَسَطَ الشَّهْرِ، فَيُسْتَحَبُّ أَنْ يُصَامَ ذَلِكَ الْيَوْمُ».

۱۷۹۲- وَ فِي رِوَايَةِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا كَانَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ خَمِيسَانِ فَصُمْ أَوَّلَهُمَا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ وَإِذَا كَانَ فِي آخِرِ الشَّهْرِ خَمِيسَانِ فَصُمْ آخِرَهُمَا فَإِنَّهُ أَفْضَلُ».

آورد، پس ده برابر آن برای او منظور خواهد شد.

(۱) ۱۷۹۰- و در روایت عبدالله بن سنان از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله را از حکمت روزه دو پنجشنبه که چهارشنبه ای در میان آن دو باشد، سؤال کردند، امام فرمود: اما پنجشنبه پس آن روزی است که اعمال مردم در آن روز عرضه میشود، و اما چهارشنبه پس آن روزی است که آتش - یعنی دوزخ - در آن روز آفریده شده است، و اما روزه، پس آن سپری - در برابر آتش - است.

(۲) ۱۷۹۱- و در روایت اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: همانا که در روز چهارشنبه از آن جهت روزه میدارند که هیچ امتی در قرون گذشته جز در روز چهارشنبه وسط ماه گرفتار عذاب نشده است، و از اینرو مستحب است که آن روز را روزه بدارند.

(۳) ۱۷۹۲- و در روایت عبدالله بن سنان آمده است که گفت: امام صادق علیه السلام مرا فرمود: هرگاه در اول ماه دو پنجشنبه باشد، پس نخستین آن دو را روزه بدار، زیرا که آن افضل است، و هرگاه در آخر ماه دو پنجشنبه باشد، پس

۱۷۹۳- وَ سَأَلَ عِيصُ بْنُ الْقَاسِمِ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَمَّنْ لَمْ يَصُمْ
الثَّلَاثَةَ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ وَهُوَ يَشْتَدُّ عَلَيْهِ الصَّيَامُ هَلْ فِيهِ فِدَاءٌ؟ فَقَالَ: مُدٌّ مِنْ طَعَامٍ فِي
كُلِّ يَوْمٍ».

۱۷۹۴- وَ رَوَى ابْنُ مُسْكَانَ عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ الْمُثَنَّى قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي-
عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي قَدْ اشْتَدَّ عَلَيَّ صَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي كُلِّ شَهْرٍ فَمَا يُجْزِي عَنِّي
أَنْ أَتَصَدَّقَ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ بِدِرْهَمٍ؟ فَقَالَ: صَدَقَةٌ دِرْهَمٍ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِ يَوْمٍ».

۱۷۹۵- وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَخْبُوبٍ، عَنِ الْحَسَنِ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: قُلْتُ
لِأَبِي جَعْفَرٍ أَوْ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «صَوْمُ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ فِي الشَّهْرِ أَوْ خَيْرُهُ فِي
الصَّيْفِ إِلَى الشِّتَاءِ فَإِنِّي أَجِدُهُ أَهْوَنَ عَلَيَّ، فَقَالَ: نَعَمْ فَاحْفَظْهَا».

آخرین آن دورا روزه بدار، زیرا که آن افضل است.

(۱) ۱۷۹۳- و عیص بن قاسم از امام صادق علیه السلام درباره کسی سؤال کرد
که سه روز از هر ماه را روزه نداشته، و او در شرائطی بسر می برد که روزه گرفتن
برایش دشوار است، ~~در اینصورت آیا فدیة ای در این باب مقرر شده است؟~~ امام فرمود:
فدیة آن برای هر یک روز مادی از طعام است.

(۲) ۱۷۹۴- و ابن مسکان از ابراهیم بن مثنیٰ روایت کرده است، که گفت: به
امام صادق علیه السلام معروض داشتم که: روزه سه روز در هر ماه بر من فشار وارد
میسازد، پس آیا به جبران این کار برای من کفایت نمی کند که به جای روزه هر روز
درمی صدقه بدهم؟ امام علیه السلام فرمود: صدقه دادن درمی از روزه یک روز
افضل است.

(۳) ۱۷۹۵- و حسن بن محبوب از حسن بن ابی حمزه روایت کرده است که
گفت: به امام ابوجعفر، یا به امام صادق علیهما السلام معروض داشتم که آیا جایز
است که روزه سه روز در ماه را از تابستان به زمستان افکنم، زیرا که من آن را بر
خویشتن آسان تر می یابم؟ فرمود: آری، پس آن را حفظ کن. هرگاه در تابستان به انجام
آن توفیق نیافتی در زمستان آن را جبران کن..

۱۷۹۶- وَ رَوَى ابْنُ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يَمْ جَرَتْ السُّنَّةُ مِنَ الصَّوْمِ فَقَالَ: ثَلَاثَةُ أَيَّامٍ مِنْ كُلِّ شَهْرٍ: الْخَمِيسُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ، وَالْأَرْبَعَاءُ فِي الْعَشْرِ الْأَوْسَطِ، وَالْخَمِيسُ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ، قَالَ: قُلْتُ: هَذَا جَمِيعُ مَا جَرَتْ بِهِ السُّنَّةُ فِي الصَّوْمِ؟ فَقَالَ: نَعَمْ».

۱۷۹۷- وَ رَوَى دَاوُدُ الرَّقِيقِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا فِطْرَكَ فِي مِثْرَلِ أَخِيكَ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِكَ سَبْعِينَ ضِعْفًا أَوْ ثَمَانِينَ ضِعْفًا».

۱۷۹۸- وَ رَوَى جَمِيلُ بْنُ دُرَّاجٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «مَنْ دَخَلَ عَلَى أَخِيهِ وَهُوَ صَائِمٌ فَأَفْطَرَ عِنْدَهُ وَلَمْ يُعْلِمْهُ بِصَوْمِهِ قَبْلَ ذَلِكَ، كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ سَنَةٍ».

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللَّهُ -: هَذَا فِي السُّنَّةِ وَالتَّطَوُّعِ جَمِيعًا.

وَ قَالَ أَبِي - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فِي رِسَالَتِهِ إِلَيَّ إِذَا أَرَدْتَ سَفَرًا وَ أَرَدْتَ أَنْ

(۱) ۱۷۹۶- و ابن بُکیر، از زراره روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که: سنت روزه داشتن به چه نحو جریان یافته است؟ فرمود: سه روز از هر ماه: پنجشنبه در دهه اول، و چهارشنبه در دهه وسط، و پنجشنبه در دهه آخر. گفت سؤال کردم که: آیا این همگی آن چیزی است که سنت در روزه بر آن جاری شده است؟ فرمود: آری.

(۲) ۱۷۹۷- و داود رقی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: شکستن روزه در منزل برادرت - بنا به خواهش او - هفتاد بار، یا نود بار از روزه داشتنت افضل است.

(۳) ۱۷۹۸- و جمیل بن دراج از آن امام علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: کسیکه به برادرش وارد شود، در حالیکه روزه دار باشد، پس نزد او روزه اش را بگشاید، و او را از روزه داشتنش آگاه نسازد که متی بر او بگذارد خدا ثواب یک سال روزه را به حساب او می نویسد.

مصنف این کتاب - رحمه الله - گفت: آنچه در اینجا آمده است همگی درباره سنت و تطوع است - یعنی درباره روزه مستحبی است - و پدرم - رضی الله عنه - در

تَقَدَّمَ مِنْ صَوْمِ الشَّعَةِ شَيْئًا قَصُومًا ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ لِلشَّهْرِ الَّذِي تُوجَدُ الْخُرُوجُ فِيهِ».

۱۷۹۹- وَرُوِيَ أَنَّهُ سُئِلَ الْعَالِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ خَمِيسَتَيْنِ يَتَفَقَّحَانِ فِي آخِرِ

الْعَشْرِ فَقَالَ: صُمِ الْأَوَّلَ فَلَعَلَّكَ لَا تَلْحَقُ الثَّانِي.

* (بَابُ صَوْمِ التَّطَوُّعِ وَثَوَابِهِ مِنَ الْأَيَّامِ الْمُتَفَرِّقَةِ) *

۱۸۰۰- سَأَلَ مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ؛ وَزْرَارَةُ بْنُ أَعْيَنَ أَبَا جَعْفَرٍ الْبَاقِرَ

عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَاشُورَاءَ، فَقَالَ: كَانَ صَوْمُهُ قَبْلَ شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَمَّا نَزَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ تَرَكَ».

۱۸۰۱- وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ

صَامَ يَوْمًا تَطَوُّعًا أَذْخَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ الْجَنَّةَ».

نامه ای که برای من فرستاد نوشت که: چون قصد سفر کنی، و بخواهی که چیزی از روزه سال را بجلو بيفکني - تا در طی سفر که گرفتن روزه مستحب مکروه است به گرفتن روزه نیاز پیدا نکنی - پس سه روز برای آن ماه که در ظرف آن قصد خروج به سفرداری، روزه بگیر.

(۱) ۱۷۹۹- وروایت شده است که از امام موسی بن جعفر علیهما السلام ملقب به عالم درباره دو پنجشنبه که در آخر دهه اتفاق می افتد سؤال کردند، وی فرمود: پنجشنبه اول را روزه بگیر، زیرا چه بسا که توبه پنجشنبه دوم نرسی.

* (بَابُ رُوزَةِ هَاي تَطَوُّعٍ مُتَفَرِّقَةٍ وَثَوَابِهَا) *

(۲) ۱۸۰۰- محمد بن مسلم و زرارة بن أعین از امام ابو جعفر محمد باقر علیه السلام درباره روزه روز عاشورا سؤال کردند، آنحضرت فرمود: روزه آن مربوط به قبل از ماه رمضان بود، پس چون آیات مربوط به روزه ماه رمضان نازل شد آن روزه متروک گشت.

(۳) ۱۸۰۱- و امام علی علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسیکه یک روز را به عنوان تطوع روزه بدارد، خدای عزوجل او را به بهشت داخل می سازد.

۱۸۰۲- وَ رَوَى جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ خَتِمَ لَهُ بِصِيَامِ يَوْمٍ دَخَلَ الْجَنَّةَ».

۱۸۰۳- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَنْ صَامَ يَوْمًا فِي سَبِيلِ اللَّهِ كَانَ يَعْدِلُ سَنَةً يَصُومُهَا».

۱۸۰۴- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ تَقَلَّبَ بِطَبِيبٍ أَوَّلَ النَّهَارِ وَهُوَ صَائِمٌ لَمْ يَفْقِدْ عَقْلَهُ».

۱۸۰۵- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا مِنْ صَائِمٍ يَخْضَرُ قَوْمًا يَطْعَمُونَ إِلَّا سَبَّحَتْ لَهُ أَعْضَاؤُهُ، وَكَانَتْ صَلَاةُ الْمَلَائِكَةِ عَلَيْهِ، وَكَانَتْ صَلَاتُهُمْ اسْتِغْفَارًا».

۱۸۰۶- وَ رُوِيَ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ صَامَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ عَشْرِ ذِي الْحِجَّةِ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ ثَمَانِينَ شَهْرًا، فَإِنْ صَامَ الْبَاقِيَ كَتَبَ اللَّهُ

① ۱۸۰۲- و جابر از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: کسیکه زندگانش به روزه یک روز پایدار باشد به بهشت داخل میشود.

② ۱۸۰۳- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: کسیکه یک روز خالصاً لوجه الله روزه بدارد، چنانکه نیتش حتی به طلب بهشت و فرار از دوزخ آلوده نشود. آن روزه او با یک سال که آنرا بروزه برگزار کند. ولی چنین خلوصی در نیتش نباشد. برابر است.

③ ۱۸۰۴- و امام صادق علیه السلام فرمود: کسیکه در حال روزه داشتن در اول روز خود را با عطری خوشبو سازد، عقل خود را از دست نمی دهد.

④ ۱۸۰۵- و رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: هیچ روزه داری نیست که به جمع گروهی در حال صرف طعام حاضر شود، مگر آنکه اعضایش برای او تسبیح می گویند، و درود فرشتگان بر او روان میشود، و درود ایشان طلب آمرزش است.

⑤ ۱۸۰۶- و از امام موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده است، که فرمود: کسیکه نخستین روز از دهه ذی الحجه را روزه بدارد، خدا روزه هشتاد ماه را

عَزَّوَجَلَّ لَهُ صَوْمُ الدَّهْرِ».

۱۸۰۷- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَوْمُ يَوْمِ التَّرْوِيَةِ كَفَّارَةٌ سَنَةٍ، وَيَوْمِ عَرَفَةَ كَفَّارَةٌ سَنَتَيْنِ».

۱۸۰۸- وَرَوَى «أَنَّ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ وَلِدَ إِبْرَاهِيمُ خَلِيلُ الرَّحْمَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ كَفَّارَةٌ سَنَتَيْنِ سَنَةً، وَفِي يَشَعٍ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ أَنْزَلَتْ تَوْبَةُ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ كَانَ كَفَّارَةً تِسْعِينَ سَنَةً».

۱۸۰۹- وَرَوَى عَنْ يَعْقُوبَ بْنِ شُعَيْبٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ قَالَ: إِنْ شِئْتَ صُمْتَ وَإِنْ شِئْتَ لَمْ تَصُمْ. وَذَكَرَ أَنَّ رَجُلًا أَتَى الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَوَجَدَ أَحَدَهُمَا صَائِمًا وَالْآخَرَ مُفْطِرًا، فَسَأَلَهُمَا فَقَالَا: إِنْ صُمْتَ فَحَسَنٌ وَإِنْ لَمْ تَصُمْ فَجَائِزٌ».

۱۸۱۰- وَرَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغْبِرَةِ، عَنْ سَالِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

برای اومی نویسد، پس اگر تا روز نهم را هم روزه بدارد، خدای عزوجل روزه دهر - یعنی تمام عمر - را برای اومی نویسد.

(۱) ۱۸۰۷- و امام صادق علیه السلام فرمود: روزه روز ترویه - یعنی هشتم ماه ذی الحجه - کفاره یک سال، و روزه روز عرفه کفاره دو سال است.

(۲) ۱۸۰۸- و روایت شده است که ابراهیم خلیل الرحمن علیه السلام در نخستین روز از ذی الحجه متولد شده است، پس کسیکه آن روز را روزه بدارد، روزه اش کفاره شصت سال است. و در نهم ذی الحجه توبه داود علیه السلام نازل گشته است، پس کسیکه آن روز را روزه بدارد، روزه اش کفاره نود سال است.

(۳) ۱۸۰۹- و از یعقوب بن شعیب روایت شده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره روزه روز عرفه سؤال کردم. فرمود: اگر خواهی روزه بگیر و اگر خواهی روزه نگیر. و گفته اند که مردی به نزد امام حسن و امام حسین علیهما السلام آمد، پس یکی از آن دو امام را روزه دار و دیگری را در حال افطار یافت، پس در این باره از ایشان سؤال کرد، آن دو در جواب گفتند: اگر روزه بداری کار نیکی است،

قَالَ: «أَوْصَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَى عَلِيٍّ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَخَدَّ، وَأَوْصَى عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَى الْحُسَيْنِ وَالْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ جَمِيعاً، وَكَانَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِمَامَهُ فَدَخَلَ رَجُلٌ يَوْمَ عَرَفَةَ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَتَغَدَّى وَالْحُسَيْنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَائِمٌ، ثُمَّ جَاءَ بَعْدَ مَا قُبِضَ الْحَسَنُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَدَخَلَ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَوْمَ عَرَفَةَ وَهُوَ يَتَغَدَّى وَعَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ صَائِمٌ، فَقَالَ لَهُ الرَّجُلُ: إِنِّي دَخَلْتُ عَلَى الْحُسَيْنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَهُوَ يَتَغَدَّى وَأَنْتَ صَائِمٌ، ثُمَّ دَخَلْتُ عَلَيْكَ وَأَنْتَ مُفْطِرٌ؟ فَقَالَ: إِنَّ الْحَسَنَ عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ إِمَاماً فَأَفْطَرَ لِسَلَاةٍ يَتَّخَذُ صَوْمَهُ سُنَّةً وَيَتَأَسَّى بِهِ النَّاسُ، فَلَمَّا أُنْ قُبِضَ كُنْتُ أَنَا الْإِمَامَ فَأَرَدْتُ أَنْ لَا يَتَّخَذَ صَوْمِي سُنَّةً فَيَتَأَسَّى النَّاسُ بِي».

۱۸۱۱- وَرَوَى حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ، عَنْ أَبِيهِ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ صَوْمِ يَوْمِ عَرَفَةَ

و اگر روزه نداری جایز است.

① ۱۸۱۰- و عبدالله بن مغیره، از سالم، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه وآله به علی علیه السلام به تنهایی وصیت کرد و علی علیه السلام به حسن و حسین هر دو وصیت کرد، و حسن علیه السلام امام او بود، پس مردی در روز عرفه بر حسن علیه السلام وارد شد، در حالیکه او صبحانه تناول میکرد، و حسین علیه السلام روزه دار بود. سپس بعد از آنکه حسن علیه السلام درگذشت، آن مرد بر حسین علیه السلام وارد شد، در حالی که صبحانه تناول می کرد، و علی بن الحسین علیهما السلام روزه دار بود، پس آن مرد با امام حسین علیه السلام گفت: من بر حسن علیه السلام وارد شدم در حالی که صبحانه تناول می کرد، و تو روزه دار بودی، و آنگاه بر تو وارد شدم در حالی که تو افطار کرده ای، - اکنون راز این کار چیست؟- پس امام حسین علیه السلام فرمود: حسن علیه السلام امام بود، از این رو افطار کرد، تا روزه داشتنش سستی نشود، که مردم به او تأسی کنند، پس چون او درگذشت من امام بودم، و از این رو خواستم تا روزه داشتنم به عنوان سستی اتخاذ نشود که مردم به من تأسی کنند.

② ۱۸۱۱- و حنان بن سدير، از پدرش روایت کرده است که گفت: از او

فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ إِنَّهُمْ يَرْعَمُونَ أَنَّهُ يَغْدِلُ صَوْمَ سَنَةِ؟ قَالَ: كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ لَا يَصُومُهُ، قُلْتُ: وَلِمَ جُعِلْتُ فِدَاكَ؟ قَالَ: يَوْمَ عَرَفَةَ يَوْمٌ دُعَاءٍ وَمَسْأَلَةٍ فَأَتَخَوْتُ أَنِّي بُضْعِفَنِي عَنِ الدُّعَاءِ وَأَكْرَهُ أَنْ أَصُومَهُ، وَأَتَخَوْتُ أَنْ يَكُونَ يَوْمَ عَرَفَةَ يَوْمَ الْأَضْحَى وَلَيْسَ بِيَوْمِ صَوْمٍ».

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللَّهُ -: إِنَّ الْعَامَّةَ غَيْرُ مُوَفِّقِينَ لِفِطْرِ وَلَا أَضْحَى وَإِنَّمَا كَرِهَ عَلَيْهِ السَّلَامُ صَوْمَ يَوْمِ عَرَفَةَ لِأَنَّهُ كَانَ يَكُونُ يَوْمَ الْعِيدِ فِي أَكْثَرِ السِّنِينَ وَتَصَدِّقُ ذَلِكَ:

۱۸۱۲- مَا قَالَهُ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَمَّا قُتِلَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَمَرَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَلَكًا فَنَادَى أَيْتُهَا الْأُمَّةُ الظَّالِمَةُ الْقَاتِلَةُ عَشْرَةَ نَبِيِّهَا لَا وَفَّقَكُمُ اللَّهُ تَعَالَى لِيَصُومَ وَلَا يَفْطِرَ».

۱۸۱۳- وَفِي حَدِيثٍ آخَرَ: «لَا وَفَّقَكُمُ اللَّهُ لِفِطْرِ وَلَا أَضْحَى».

- یعنی از امام ابوجعفر علیه السلام - درباره روزه روز عرفه سؤال کردم، و گفتم: فدایت شوم، مردم می پندارند که آن برابر با روزه یک سال است. امام فرمود: پدرم آن روز را روزه نمی داشت، گفتم: چرا فدایت شوم؟ فرمود: روز عرفه روز دعاء و مسألت است، لذا من بیم آن دارم که روزه مرا از دعا ناتوان سازد، و خوش ندارم که آنرا روزه بدارم، و بیم آن دارم که روز عرفه روز اضحی باشد، و آن، روز روزه داشتن نیست.

مصنف این کتاب - رحمه الله - گفت: عاقبه برای ادراک فطری و اضحائی ناموفقند، و علت اینکه آن امام علیه السلام روزه گرفتن در روز عرفه را ناخوشایند داشته این است که در بیشتر سالها همان عرفه روز عید میبوده است، و مؤید این امر، سخن امام صادق علیه السلام است که فرمود:

① ۱۸۱۲- زمانیکه حسین بن علی علیهما السلام به قتل رسید، خدای عزوجل فرشته ای را فرمود تا ندا در داد که: ایا ای امت ستمکار و قاتل عترت پیامبر خویش، خدای تعالی شما را به روزه ای و به فطری موفق مدارد!

② ۱۸۱۳- و در حدیث دیگر آمده است که: خدا شما را به فطری و اضحائی

وَمَنْ صَامَ يَوْمَ عَرَفَةَ فَلَهُ مِنَ الثَّوَابِ مَا ذَكَرْنَاهُ.

۱۸۱۴- وَرَوَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ الْوُشَاءِ قَالَ: «كُنْتُ مَعَ أَبِي وَأَنَا غُلَامٌ

فَتَعَشَيْنَا عِنْدَ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ لَيْلَةَ خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ فَقَالَ لَهُ: لَيْلَةُ خَمْسَةِ وَعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ وُلِدَ فِيهَا إِبْرَاهِيمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، وَوُلِدَ فِيهَا عِيسَى بْنُ مَرْيَمَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَفِيهَا دُجِيَّتِ الْأَرْضُ مِنْ تَحْتِ الْكَعْبَةِ فَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ كَانَ كَمَنْ صَامَ سِتِّينَ شَهْرًا».

۱۸۱۵- وَرَوَى «أَنَّ فِي تِسْعٍ وَعِشْرِينَ مِنْ ذِي الْقَعْدَةِ أَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ

الْكَعْبَةَ، وَهِيَ أَوَّلُ رَحْمَةٍ نَزَلَتْ فَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ كَانَ كَفَّارَةً سَبْعِينَ سَنَةً».

۱۸۱۶- وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ رَاشِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قُلْتُ:

جُعِلَتْ قِدَاكَ لِلْمُسْلِمِينَ عِيدَ غَيْرِ الْعِيدَيْنِ؟ قَالَ: نَعَمْ يَا حَسَنُ وَأَعْظَمُهُمَا وَأَشْرَفُهُمَا،

قَالَ: قُلْتُ لَهُ: فَأَيُّ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ: هُوَ يَوْمُ نُصِبِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَمًا

موفق مدارد! و کسیکه روز عرفه را روزه بدارد همان ثواب که ذکر کردیم برای او میباشد.

۱۸۱۴- و از حسن بن علی و شَاء روایت شده است که گفت: من در زمان

کودکی با پدرم در شب بیست و پنجم ذی القعدة شام را نزد حضرت رضا علیه السلام

صرف کردم، آنحضرت به پدرم فرمود: شب بیست و پنجم ذی القعدة شبی است که

ابراهیم و عیسی بن مریم علیهما السلام در آن شب متولد شده اند، و در آن شب زمین از زیر

کعبه گسترش یافته است، پس کسیکه روز آن را روزه بدارد، به مانند کسی است

که شصت ماه روزه داشته باشد.

۱۸۱۵- و روایت شده است که خدای عزوجل کعبه را در بیست و نهم

ذی القعدة نازل ساخته است، و آن نخستین رحمتی است که نازل شده است، پس

کسیکه آن روز را روزه بدارد، روزه اش کفاره هفتاد سال است.

۱۸۱۶- و حسن بن راشد روایت کرده است، که به امام صادق علیه السلام

معروض داشتم: فدایت شوم، آیا برای مسلمین جز آن دو عید عیدی هست؟ فرمود:

آری، ای حسن، و آن عید اعظم و اشرف از آن دو عید است. راوی گوید: به

آنحضرت عرض کردم: آن کدام روز است؟ فرمود: همان روزیکه امیرمؤمنان

لِلنَّاسِ، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَآيُ يَوْمٍ هُوَ؟ قَالَ: إِنَّ الْأَيَّامَ تَدُورُ وَهُوَ يَوْمٌ ثَعَانِيَّةٌ عَشَرَ مِنْ ذِي الْحِجَّةِ قَالَ: قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ وَ مَا يَتَّبِعُنِي لَنَا أَنْ نَضَعَهُ فِيهِ؟ قَالَ: تَصُومُهُ بِأَحْسَنٍ وَتُكْثِرُ فِيهِ الصَّلَاةَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَأَهْلِ بَيْتِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ، وَتَبَرَّءُ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ مِمَّنْ ظَلَمَهُمْ حَقُّهُمْ، فَإِنَّ الْأَنْبِيَاءَ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ كَانَتْ تَأْمُرُ الْأَوْصِيَاءَ بِالْيَوْمِ الَّذِي كَانَ يُقَامُ فِيهِ الْوَصِيُّ أَنْ يَتَّخِذَ عِيْدًا، قَالَ: قُلْتُ: مَا لِمَنْ صَامَهُ مِثَا؟ قَالَ: صِيَامُ سِتِّينَ شَهْرًا، وَلَا تَدْعُ صِيَامَ يَوْمٍ سَبْعَةٍ وَعِشْرِينَ مِنْ رَجَبٍ فَإِنَّهُ هُوَ الْيَوْمُ الَّذِي أَنْزَلَتْ فِيهِ النُّبُوَّةُ عَلَى مُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَثَوَابُهُ مِثْلُ سِتِّينَ شَهْرًا لَكُمْ».

۱۸۱۷- وَ رَوَى الْمُفَضَّلُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «صَوْمُ

يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ كَفَّارَةٌ لِسِتِّينَ سَنَةً».

وَأَمَّا خَبَرُ صَلَافِ يَوْمِ غَدِيرِ خُمٍّ وَ الثَّوَابِ الْمَذْكُورِ فِيهِ لِمَنْ صَامَهُ فَإِنَّ شَيْخَنَا

عليه السلام برای مردم بعنوان شاخص حق تعیین شد.

راوی گفت: گفتم: فدایت شوم، آن کدام روز است؟ فرمود: روزها گردش میکنند، و آن، روز هجدهم از ذی الحجه است، گفتم: فدایت شوم، در آن روز چه کاری برای ما سزاوار است که بجا آورم؟ فرمود: کار سزاوار این است که آن روز را روزه بداری، و صلوات بسیار بر محمد و اهل بیتش نثار کنی و از کسانی که در حق ایشان ستم کرده اند به سوی خدای عزوجل بیزاری بجویی، زیرا که پیامبران، اوصیاء خود را درباره روزی که وصی در آن روز منصوب میشد امر میکردند تا آن روز را عید بگیرند گوید: گفتم: اجر کسی از ما که آن روز را روزه بدارد چیست؟ فرمود: اجر شصت ماه روزه داشتن. و روزه روز بیست و هفتم رجب را وامگذار، زیرا که آن همان روزی است که نبوت در آن روز بر محمد صلی الله علیه وآله نازل شد و ثواب آن برای شما با شصت ماه برابر است.

① ۱۸۱۷- و مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که

فرمود: روزه روز غدیر ختم کفاره شصت سال است.

و اما خبر مربوط به نماز روز غدیر ختم و ثواب مذکور در آن، برای کسیکه

مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - كَانَ لَا يُصَحِّحُهُ، وَيَقُولُ: إِنَّهُ مِنْ طَرِيقِ مُحَمَّدِ بْنِ مُوسَى الْهَمْدَانِيِّ وَكَانَ كَذَابًا غَيْرَ يَقِيهِ وَكُلُّ مَا لَمْ يُصَحِّحْهُ ذَلِكَ الشَّيْخُ - قَدَّسَ اللَّهُ رُوحَهُ - وَلَمْ يَحْكَمْ بِصِحَّتِهِ مِنَ الْأَخْبَارِ فَهُوَ عِنْدَنَا مَتْرُوكٌ غَيْرُ صَحِيحٍ.

۱۸۱۸- «وَفِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنَ الْمُحَرَّمِ دَعَا زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ رَبَّهُ عَزَّوَجَلَّ

فَمَنْ صَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ اسْتَجَابَ اللَّهُ لَهُ اسْتَجَابَ لِمَنْ زَكَرِيَّا عَلَيْهِ السَّلَامُ».

۱۸۱۹- وَسَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الصَّائِمِ الْمُتَطَوِّعِ تَعَرَّضَ

لَهُ الْحَاجَةُ، قَالَ: هُوَ بِالْخِيَارِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَصْرِ، وَإِنْ مَكَثَ حَتَّى الْعَصْرِ ثُمَّ بَدَأَهُ [أَنْ يَصُومَ] وَلَمْ يَكُنْ نَوَى ذَلِكَ فَلَهُ أَنْ يَصُومَ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِنْ شَاءَ».

(بَابُ ثَوَابِ صَوْمِ رَجَبِ)

۱۸۲۰- رَوَى أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ، عَنْ كَثِيرِ النَّوَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

آنروز را روزه بدارد، پس شیخ ما: محمد بن حسن - رضى الله عنه - آن خبر را صحیح نپنداشت، و میگفت: که آن، از طریق محمد بن موسی الهمدانی است، و او دروغگو و ناموثق بوده است، و هر خبری که آن شیخ - قدس الله روحه - آنرا صحیح نداند، و به صحت آن حکم نکند، پس آن نزد ما متروک و نادرست است.

① ۱۸۱۸- و در نخستین روز از محرم زکریا علیه السلام خدای خود را عزوجل ندا داد و دعا کرد، پس کسیکه این روز را روزه بدارد، خدا دعای او را مستجاب میکند همانسان که دعای زکریا علیه السلام را مستجاب کرد.

② ۱۸۱۹- و ابوبصیر از حضرت صادق علیه السلام پرسید: کسی که میخواهد روزه مستحبی بدارد و به دلیل گرفتاری که داشته است نیت روزه نکرده و مفطری هم بجا نیاورده تا چه وقت فرصت نیت دارد؟ امام علیه السلام فرمود: تا عصر میتواند نیت روزه کند و اگر تا عصر نیت نکرد و سپس آهنگ روزه کرد، میتواند اگر خواست آن روز را روزه بدارد.

(بَابُ ثَوَابِ رُوزَةِ رَجَبِ)

③ ۱۸۲۰- أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ كَثِيرِ النَّوَاءِ^۱ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَيْتُ

(۱) نَوَاءُ فروشنده هفت خورما است.

قَالَ: «إِنَّ نُوحًا عَلَيْهِ السَّلَامُ رَكِبَ السَّفِينَةَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ رَجَبٍ فَأَمَرَ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَنْ مَعَهُ أَنْ يَصُومُوا ذَلِكَ الْيَوْمَ، وَقَالَ: مَنْ صَامَ ذَلِكَ الْيَوْمَ تَبَاعَدَتْ عَنْهُ النَّارُ مَسِيرَةَ سَنَةٍ، وَمَنْ صَامَ سَبْعَةَ أَيَّامٍ أَغْلِقَتْ عَنْهُ أَبْوَابُ النَّارِ السَّبْعَةَ، وَمَنْ صَامَ ثَمَانِيَةَ أَيَّامٍ فُتِحَتْ لَهُ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ الثَّمَانِيَةَ، وَمَنْ صَامَ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا أُعْطِيَ مَسْأَلَتَهُ، وَمَنْ زَادَهُ زَادَهُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ».

۱۸۲۱- وَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «رَجَبٌ نَهْرٌ فِي الْجَنَّةِ أَشَدُّ بَيَاضاً مِنَ اللَّبَنِ، وَأَخْلَى مِنَ الْعَسَلِ، فَمَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ سَقَاهُ اللَّهُ مِنْ ذَلِكَ النَّهْرِ».

۱۸۲۲- وَقَالَ أَبُو الْحَسَنِ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ: «رَجَبٌ شَهْرٌ عَظِيمٌ يُضَاعِفُ اللَّهُ فِيهِ الْحَسَنَاتِ، وَيَتَخَوَّفُ فِيهِ الشُّبُهَاتِ، مَنْ صَامَ يَوْمًا مِنْ رَجَبٍ تَبَاعَدَتْ عَنْهُ النَّارُ مَسِيرَةَ سَنَةٍ، وَمَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ».

کرده است، که فرمود: نوح علیه السلام در نخستین روز از رجب به کشتی سوار شد، پس همسفران خود را فرمود تا آن روز را روزه بدارند و فرمود: کسیکه آن روز را روزه بدارد، آتش دوزخ به اندازه طی کردن یکسال راه از او دور میشود، و کسیکه هفت روز روزه بدارد، درهای هفتگانه دوزخ به روی او بسته میشود، و کسیکه هشت روز روزه بدارد، درهای هشتگانه بهشت به روی او گشوده میگردد و کسیکه پانزده روز روزه بدارد، هر چه خواهد به او عطا میشود، و هر کس که بر آن بیفزاید خدای عزوجل بر آن می افزاید.

① ۱۸۲۱- و امام ابوالحسن موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: «رجب نهری در بهشت است که از شیر سفیدتر است، و از عسل شیرین تر است، پس کسیکه یک روز از رجب را روزه بدارد، خدا از آن نهر به او مینوشاند.

② ۱۸۲۲- و امام ابوالحسن موسی بن جعفر علیهما السلام فرمود: «رجب ماه عظیمی است، که خدا حسنات را در آن دوچندان میسازد، و گناهان را در آن محو میکند، و کسیکه یک روز از رجب را روزه بدارد، آتش دوزخ به اندازه طی کردن

وَقَدْ أَخْرَجْتُ مَا رُوِيَ فِي هَذَا الْمَعْنَى فِي كِتَابِ فَضَائِلِ رَجَبٍ.

*** (بَابُ ثَوَابِ صَوْمِ شَعْبَانَ) ***

۱۸۲۳- رَوَى أَبُو حَمْزَةَ الثَّمَالِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ صَامَ شَعْبَانَ كَانَ لَهُ ظَهْرًا مِنْ كُلِّ زَلَّةٍ وَوَضْعَةٍ وَبَادِرَةٍ، وَقَالَ: أَبُو حَمْزَةَ فَقُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا الْوَضْعَةُ؟ قَالَ: الْيَمِينُ فِي الْمَعْصِيَةِ وَالْثُّدُنُ وَلَا نَذْرَ فِي الْمَعْصِيَةِ، قُلْتُ: فَمَا الْبَادِرَةُ؟ قَالَ: الْيَمِينُ عِنْدَ الْغَضَبِ، وَالتَّوْبَةُ مِنْهَا التَّدَمُّ عَلَيْهَا».

۱۸۲۴- وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَخْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ مَرْحُومِ الْأَزْدِيِّ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: مَنْ صَامَ أَوَّلَ يَوْمٍ مِنْ شَعْبَانَ وَجَبَتْ لَهُ الْجَنَّةُ الْبَتَّةَ، وَمَنْ صَامَ يَوْمَيْنِ نَظَرَ اللَّهُ إِلَيْهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ وَلَيْقَهُ فِي دَارِ الدُّنْيَا وَدَاوَمَ نَظَرَهُ إِلَيْهِ فِي الْجَنَّةِ، وَمَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ زَارَهُ اللَّهُ فِي عَرْشِهِ مِنْ جَنَّتِهِ فِي كُلِّ يَوْمٍ».

یکسال راه از او دور می‌گردد، و کسیکه سه روز روزه بدارد بهشت بر او واجب می‌شود. و من آنچه را که در این باب روایت شده ام در کتاب «فضائل رجب» آورده ام.

*** (بَابُ ثَوَابِ رُوزَةِ شَعْبَانَ) ***

① ۱۸۲۳- ابو حمزه ثمالی از امام ابوجعفر علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: کسیکه شعبان را روزه بدارد، آن روزه او را از هرگونه لغزشی و وصمتی و بادره‌ای پاک کننده است. ابو حمزه گفت: پس به امام ابوجعفر علیه السلام گفتم: وصمت چیست؟ فرمود: قسم در معصیت، و نذر در معصیت، و هیچگونه نذری در معصیت تحقق نمی‌پذیرد. گفتم: پس بادره چیست؟ فرمود: بادره قسم به هنگام خشم است، و توبه آن پشیمانی از آن است.

② ۱۸۲۴- و حسن بن محبوب، از عبدالله بن مرحوم ازدی روایت کرده است، که گفت: امام صادق علیه السلام را شنیدم که می‌فرمود: کسیکه نخستین روز از شعبان را روزه بدارد البته بهشت بر او واجب می‌شود، و کسیکه دو روز روزه بدارد، خدا در هر روز و شب در دار دنیا به نظر لطف در او مینگردد، و در بهشت نگریستن بسوی او را دوام می‌بخشد، و کسیکه سه روز روزه بدارد، خدا در هر روز از عرش

قال مُصَنَّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللهُ - : زِيَارَةُ اللهِ زِيَارَةُ أَنْبِيَائِهِ وَحُجَجِهِ صَلَوَاتُ اللهِ عَلَيْهِمْ مَنْ زَارَهُمْ فَقَدْ زَارَ اللهَ عَزَّوَجَلَّ كَمَا أَنَّ مَنْ أَطَاعَهُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللهَ، وَمَنْ عَصَاهُمْ فَقَدْ عَصَى اللهَ، وَمَنْ تَابَعَهُمْ فَقَدْ تَابَعَ اللهَ عَزَّوَجَلَّ وَلَيْسَ ذَلِكَ عَلَى مَا يَتَأَوَّلُهُ الْمُشَبِّهَةُ، تَعَالَى اللهُ عَمَّا يَقُولُونَ غُلُوءًا كَبِيرًا.

۱۸۲۵ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «صَوْمُ [شَهْرِ] شَعْبَانَ وَشَهْرِ رَمَضَانَ شَهْرَتَيْنِ مُتَنَابِعَتَيْنِ تَوْبَةٍ وَاللهُ مِنَ اللهِ».

۱۸۲۶ - وَرَوَى عَمْرُو بْنُ خَالِدٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَصُومُ شَعْبَانَ وَشَهْرَ رَمَضَانَ يَصِلُهُمَا وَيَنْتَهِي النَّاسَ أَنْ يَصِلُوهُمَا، وَكَانَ يَقُولُ: هُمَا شَهْرُ اللهِ وَهُمَا كَفَّارَةٌ لِمَا قَبْلَهُمَا وَمَا بَعْدَهُمَا مِنْ

خود او را در بهشت خود دیدار میکنند.

مصنف این کتاب - رحمه الله - گفت: معنی دیدار کردن خدا دیدار پیامبران او و حجت‌های او - صلوات الله علیهم - است، که هرکس ایشان را دیدار کند، خدای عزوجل را دیدار کرده، همانطور که هرکس ایشان را اطاعت کند، خدا را اطاعت کرده است، و هرکس که ایشان را عصیان کند، خدا را عصیان کرده، و هرکس که پیروی ایشان کند، خدای عزوجل را پیروی کرده است. و معنی این دیدار بدانگونه که گروه «مشبهه» تأویل و توجیه کرده‌اند نیست. ۱ - «تعالی الله عما يقولون علواً کبیراً» خدا از آنچه این کژاندیشان میگویند بسیار بالاتر است.

① ۱۸۲۵ - و امام صادق علیه السلام فرمود: که روزه [ماه] شعبان و ماه رمضان به خدا قسم باب توبه‌ای از جانب خدا است که به روی خلق گشوده شده است.

② ۱۸۲۶ - و عمرو بن خالد از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله شعبان و ماه رمضان را پیوسته بیکدیگر روزه میداشت، و مردم را از پیوستن آن دو نهی میفرمود. و میفرمود: آن دو، ماه خدایند، و آن دو کفاره گناهان قبل و بعد خویشند.

(۱) بعید نیست که معنی دیدار با ایشان عطف توبه خدا نسبت به ایشان باشد.

الذَّنُوبِ».

قَوْلُهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَيَنْتَهَى النَّاسُ أَنْ يَصِلُوا هُمَا» هُوَ عَلَى الْإِنْكَارِ وَالْحِكَايَةِ لِأَعْلَى الْإِخْبَارِ وَكَأَنَّهُ يَقُولُ: كَانَ يَصِلُهُمَا وَيَنْتَهَى النَّاسُ أَنْ يَصِلُوا هُمَا، فَمَنْ شَاءَ وَصَلَ وَمَنْ شَاءَ فَصَلَ، وَتَصْدِيقُ ذَلِكَ:

۱۸۲۷- مَا رَوَاهُ زُرْعَةُ، عَنِ الْمُفَضَّلِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقْضِي مَا بَيْنَ شَعْبَانَ وَشَهْرِ رَمَضَانَ يَتَوْمُ، وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَصِلُ مَا بَيْنَهُمَا وَيَقُولُ: صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَابِعَيْنِ تَوْبَةً مِنَ اللَّهِ». وَقَدْ صَامَهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَصَلَهُ بِشَهْرِ رَمَضَانَ وَصَامَهُ وَفَصَلَ بَيْنَهُمَا وَلَمْ يَصُفِّهِ كُفْلُهُ فِي جَمِيعِ سِنِّيهِ إِلَّا أَنْ أَكْثَرَ صِيَامِهِ كَانَ فِيهِ.

۱۸۲۸- «وَكُنْ نِسَاءَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَ عَلَيْهِنَّ صِيَامٌ

فرمایش حضرت باقر علیه السلام که فرمود: «رسول خدا صلی الله علیه وآله مردم را از وصل کردن روزه دو ماه شعبان و رمضان نهی فرمود». استفهام انکاری است و بر سبیل اخبار نیست و مانند اینست که میفرماید: آبا او خود روزه می دارد و دیگران را نهی میکند؟! پس هرکس بخواهد وصل کند و هرکس بخواهد فصل (یعنی میان این دو ماه یک روز یا بیشتر روزه نگیرد یا افطار کند). و دلیل صدق آن:

① ۱۸۲۷- خبری است که زُرْعَةُ از مفضل از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: پدرم - علیه السلام - یک روز را میان شعبان و ماه رمضان فاصله قرار میداد، و علی بن الحسین علیهما السلام آنرا بهم وصل میکرد، و میگفت: روزه دو ماه پیایی توبه ای از جانب خداست.

و رسول خدا صلی الله علیه وآله نوبتی ماه شعبان را روزه داشت، و آنرا به ماه رمضان وصل فرمود، و نوبتی دیگر آن ماه را روزه داشت و میان آن دو ماه فاصله قرار داد، و همگی آن ماه را در جمیع سالهای زندگانی خود روزه نداشت، الا اینکه بیشتر روزه اش در آن ماه بود.

② ۱۸۲۸- و همسران پیامبر صلی الله علیه وآله چون روزه ای بر ذمه میداشتند،

أَخْرَجَ ذَلِكَ إِلَى شَعْبَانَ كَرَاهِيَةً أَنْ يَمْتَنِعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَاجَتُهُ، وَإِذَا كَانَ شَعْبَانُ صُومَ وَصَامَ مَعَهُنَّ، وَكَانَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: «شَعْبَانُ شَهْرِي».

۱۸۲۹ - وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ صَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ مِنْ آخِرِ شَعْبَانَ وَوَصَلَهَا بِشَهْرِ رَمَضَانَ كَتَبَ اللَّهُ لَهُ صَوْمَ شَهْرَيْنِ مُتَابَعَتَيْنِ».

۱۸۳۰ - وَرَوَى حَرِيزٌ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَا تَقُولُ فِي لَيْلَةِ النِّصْفِ مِنْ شَعْبَانَ؟» قَالَ: يَغْفِرُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهَا مِنْ خَلْقِهِ لَأَكْثَرِ مِنْ عَدَدِ شَعْرِ مِغْرَى كَلْبٍ وَيَنْزِلُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَلَائِكَتُهُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا وَإِلَى الْأَرْضِ بِمَكَّةَ».

وَقَدْ أَخْرَجْتُ مَا رَوَيْتُهُ فِي هَذَا التَّمْنَى فِي كِتَابِ فَضَائِلِ شَعْبَانَ.

* (بَابُ فَضْلِ شَهْرِ رَمَضَانَ وَثَوَابِ صِيَامِهِ) *

۱۸۳۱ - رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَخْبُوبٍ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ، عَنْ أَبِي الْوَرْدِ، عَنْ

آن را تا ماه شعبان بتأخیر می افکندند، زیرا خوش نداشتند که رسول خدا صلی الله علیه وآله را از حاجتش باز دارند، و چون شعبان فرا میرسد روزه میداشتند، و پیمبر صلی الله علیه وآله نیز با ایشان روزه میداشت. و میفرمود: شعبان ماه من است. ① ۱۸۲۹ - و امام صادق علیه السلام فرمود: کسیکه سه روز از آخر شعبان را روزه بدارد، و آنرا به ماه رمضان وصل کند، خدا روزه دو ماه پیاپی را برای او مینویسد.

② ۱۸۳۰ - و حریر از زراره روایت کرده است که گفت: به امام ابوجعفر علیه السلام معروض داشتم که درباره نیمه شعبان چه میفرمائید؟ امام فرمود: خدای عزوجل در آن شب بیشتر از موی بزهای طایفه کلب از خلق خود را می آمرزد، و خدای عزوجل فرشتگانش را به آسمان دنیا و به زمین مکه نازل میفرماید.

و آنچه را که در این معنی روایت شده ام در کتاب «فضائل شعبان» آورده ام.

* (بَابُ فَضِيلَتِ مَاهِ رَمَضَانَ وَثَوَابِ رَوْزَةِ دَاخِلِ أَنْ) *

③ ۱۸۳۱ - حَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ، از ابو ایوب، از ابوالورد از امام ابوجعفر علیه السلام

أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «نَخْطِبُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ النَّاسَ فِي آخِرِ جُمُعَةٍ مِنْ شَعْبَانَ فَحَمِدَ اللَّهُ وَأَثْنَى عَلَيْهِ، ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ قَدْ أَظْلَكَكُمْ شَهْرٌ فِيهِ لَيْلَةٌ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَهُ، وَجَعَلَ قِيَامَ لَيْلَةٍ فِيهِ كَمَنْ تَطَوَّعَ بِصَلَاةٍ سَبْعِينَ لَيْلَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَجَعَلَ لِمَنْ تَطَوَّعَ فِيهِ بِخَصَلَةٍ مِنْ خِصَالِ الْخَيْرِ وَالْبِرِّ كَأَجْرِ مَنْ أَدَّى فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، وَمَنْ أَدَّى فَرِيضَةً مِنْ فَرَائِضِ اللَّهِ كَانَ كَمَنْ أَدَّى سَبْعِينَ فَرِيضَةً فِيمَا سِوَاهُ مِنَ الشُّهُورِ، وَهُوَ شَهْرُ الصَّبْرِ وَإِنَّ الصَّبْرَ ثَوَابُهُ الْجَنَّةُ، وَهُوَ شَهْرُ الْمُوَسَّاتِ وَهُوَ شَهْرٌ يَزِيدُ اللَّهُ فِيهِ رِزْقَ الْمُؤْمِنِينَ، وَمَنْ فَطَّرَ فِيهِ مُؤْمِناً صَائِماً كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عِشْرَتُ رَقَبَةٍ وَمَغْفِرَةٌ لِذُنُوبِهِ فِيمَا مَضَى، فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ كُلُّنَا نَقْدِرُ عَلَى أَنْ نَفْطِّرَ صَائِماً، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِيمٌ يُعْطِي هَذَا الثَّوَابَ بِشُكْمٍ لِمَنْ لَمْ يَقْدِرْ إِلَّا عَلَى مَذَقَةٍ مِنْ

روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در آخرین جمعه شعبان مردم را خطبه کرد، پس خدای را حمد و ثنا گفت، و آنگاه فرمود: ایای مردمان همدان که ماهی بر شما سایه افکنده که شبی در آن ماه است که از هزار شب بهتر است، و آن، ماه رمضان است، که خدا روزه داشتنش را واجب ساخته، و پیاخاستن شبی در آن ماه را به مانند نماز هفتاد شب در ماههای دیگر قرار داده، و برای کسیکه در این ماه عملی از اعمال خیر و احسان را به قصد تقرب به خدا بجا آورد، اجری برابر با اجر کسیکه فریضه ای از فرائض خدای عزوجل را اداء کند مقرر داشته، و کسیکه در این ماه فریضه ای از فرائض خدا را به جا آورد، به مانند کسی است که هفتاد فریضه را در ماههای دیگر بجا آورده باشد، و این ماه، ماه صبر است، و صبر ثوابش بهشت است، و این ماه، ماه مواسات و همدردی است، و این ماهی است که خدا روزی مؤمنان را در آن می افزاید، و کسیکه در اینجا مؤمنی روزه دار را به افطار پذیرا شود ثواب آزاد کردن بنده ای را و آمرزش گناهان گذشته اش را به پاداش این عمل دریافت میکند.

۱) پس گفتند: یا رسول الله، همگی ما قدرت نداریم که روزه داری را به افطار فرا خوانیم، پس فرمود: خدای تبارک و تعالی کریم است، و به کسی از شما که قادر نباشد

لَبَنٍ يُفْطَرُ بِهَا صَائِمًا أَوْ شَرِبَهُ مِنْ مَاءٍ عَذْبٍ أَوْ تَمِيرَاتٍ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ، وَمَنْ خَفَّفَ فِيهِ عَنْ مَمْلُوكِهِ خَفَّفَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ عَلَيْهِ جَسَابَتَهُ، وَهُوَ شَهْرُ أَوَّلِهِ رَحْمَةً، وَوَسْطُهُ مَغْفِرَةً، وَآخِرُهُ إِجَابَةٌ وَالْعِشْقُ مِنَ النَّارِ، وَلَا غِنَى بِكُمْ فِيهِ عَنْ أَرْبَعِ خِصَالٍ: خَصْلَتَيْنِ تَرْضَوْنَ اللَّهَ بِهِمَا، وَخَصْلَتَيْنِ لَا غِنَى بِكُمْ عَنْهُمَا، فَأَمَّا اللَّتَانِ تَرْضَوْنَ اللَّهَ بِهِمَا فَشَهَادَةُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنِّي رَسُولُ اللَّهِ، وَأَمَّا اللَّتَانِ لَا غِنَى بِكُمْ عَنْهُمَا فَتَسْأَلُونَ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ فِيهِ حَوَائِجَكُمْ وَالْجَنَّةَ وَتَسْأَلُونَ اللَّهَ فِيهِ الْعَاقِبَةَ، وَتَتَعَوَّدُونَ بِهِ مِنَ النَّارِ».

۱۸۳۲- وَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَذَلِكَ فِي ثَلَاثِ بَقَعَيْنِ مِنْ شَعْبَانَ لَيْلَالٍ: «نَادِ فِي النَّاسِ فَجَمَعَ النَّاسُ ثُمَّ صَعِدَ الْمِنْبَرَ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ هَذَا الشَّهْرَ قَدْ حَضَرَكُمْ وَهُوَ سَيِّدُ

جز با جرعه شیر آمیخته با آب یا شربتی از آب گوارا یا دانه‌ای چند از خرما روزه‌داری را به افطار بخواند، و تمکنی افزون از این نداشته باشد، همین ثواب را عطا میکند، و کسیکه در این ماه بار نکالیف مملوک خود را مسک سازد، خدای عزوجل سؤال او را برایش سبک و آسان میسازد. و این ماهی است که اول آن رحمت، و وسطش مغفرت، و پایانش اجابت دعا و آزادی از آتش دوزخ است. و شما را در این ماه از چهار خصلت بی‌نیازی نیست: دو خصلت که بوسیله آن خدا را خشنود میسازید، و دو خصلت که خود از آن بی‌نیاز نیستید، اما آن دو خصلت که خدا را با آن خشنود میسازید، پس شهادت به این حقیقت است که معبود حقیقی جز الله نیست، و من رسول خدایم. و اما آن دو خصلت که شما از آن بی‌نیاز نیستید، پس این است که در این ماه حوائجتان را و بهشت را از خدای عزوجل بخواهید، و عاقبت را از او مسألت کنید، و از آتش دوزخ به او پناه برید.

(۱) ۱۸۳۳- و چون ماه رمضان فرا رسید، و آن به هنگامی بود که سه روز از شعبان باقی مانده بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله بلال را فرمود: در جمع مردمان ندا در ده، پس مردم گرد آمدند، و آنگاه پیامبر صلی الله علیه و آله به منبر برآمد، و خدای را

الشُّهُورِ، فِيهِ لَيْلَةٌ هِيَ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، تُغْلَقُ فِيهِ أَبْوَابُ النَّارِ، وَتُفْتَحُ فِيهِ أَبْوَابُ الْجَنَّةِ، فَمَنْ أَدْرَكَهُ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، وَمَنْ أَدْرَكَهُ وَالِدَيْهِ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ، وَمَنْ ذُكِرَتْ عِنْدَهُ فَلَمْ يُصَلِّ عَلَىِّ فَلَمْ يُغْفَرْ لَهُ فَأَبْعَدَهُ اللَّهُ».

۱۸۳۳- وَرَوَى جَابِرٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا نَظَرَ إِلَى هِلَالِ شَهْرِ رَمَضَانَ اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ بِوَجْهِهِ ثُمَّ قَالَ: «اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، وَالْعَافِيَةِ الْمُجَلَّلَةِ، وَالرِّزْقِ الْوَاسِعِ، وَدَفْعِ الْأَسْقَامِ، وَتِلَاوَةِ الْقُرْآنِ، وَالْعَوْنِ عَلَى الصَّلَاةِ وَالصِّيَامِ، اللَّهُمَّ سَلِّمْ لَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَسَلِّمْ لَنَا وَتَسَلِّمْ لَنَا حَتَّى يَتَقَضِيَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَدْ

حمد و ثنا گفت، سپس فرمود: «آیا ای مردمان، همانا که این ماه در محیط شما حاضر شده، و آن سرور ماهها است. در این ماه شبی هست که از هزار ماه بهتر است، درهای دوزخ در این ماه بسته میشود، و درهای بهشت در آن گشوده میگردد، پس کسیکه این ماه را درک کند، و آمرزیده نشود، خدا او را از رحمت خود دور کند! و کسی که در حیات والدین آمرزیده نشود خداوند از رحمت خود دور کند و کسیکه نام من نزد او برده شود و او صلوات بر من نفرستد، تا آمرزیده شود پس خدا او را از رحمتش دور کند!

شرح: «مراد آنست که هریک از این افراد اگر در این مواقع حساس بهره‌مقرر خویش را فراهم نکنند از رحمت خداوند دور است».

(۱) ۱۸۳۳- و جابر از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون به هلال ماه رمضان مینگریست روی خود را به سوی قبله میکرد، و آنگاه میگفت: «خدایا این هلال را با امن و ایمان، و سلامت از آفات، و تسلیم در برابر اوامر و نواهی خود، و توأم با عافیتی فراگیر، و رزقی گسترده، و دفع دردها و بیماریها، و با تلاوت قرآن، و یاری بر نماز و روزه در محیط ما طالع گردان، خدایا ما را در قیام به وظائف خود برای ماه رمضان و آن ماه را برای ما از اشتباه در روزهای آن سالم بدار، و عبادات ما در این ماه را از ما بپذیر تا ماه رمضان به

عَفَرْتُ لَنَا» ثُمَّ يُقْبَلُ بِوَجْهِهِ عَلَى النَّاسِ قِيَمُوكَ: يَا مَعْشَرَ النَّاسِ إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَهْرِ رَمَضَانَ غُلَّتْ مَرَدَّةُ الشَّيَاطِينِ وَفُتِحَتْ أَبْوَابُ السَّمَاءِ وَأَبْوَابُ الْجَنَانِ وَأَبْوَابُ الرَّحْمَةِ وَغُلِقَتْ أَبْوَابُ النَّارِ وَامْتَحِبَبَ الدُّعَاءُ، وَكَانَ لِلَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عِنْدَ كُلِّ فِطْرِ عِتْقَاءُ يُغْتَقُّهُمْ مِنَ النَّارِ، وَيُنَادِي مُنَادٍ كُلَّ لَيْلَةٍ هَلْ مِنْ تَائِبٍ؟ هَلْ مِنْ سَائِلٍ؟ هَلْ مِنْ مُسْتَغْفِرٍ؟ «اللَّهُمَّ أَعْطِ كُلَّ مُتَّقٍ خَلْفًا، وَأَعْطِ كُلَّ مُسِيءٍ تَلْفًا» حَتَّى إِذَا طَلَعَ هِلَالُ شَوَّالِ الْمُؤْمِنُونَ: أَنْ اغْدُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ فَهُوَ يَوْمُ الْجَائِزَةِ، ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَّا وَالَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ مَا هِيَ بِجَائِزَةِ الدَّنَائِيرِ وَالدَّرَاهِمِ.

۱۸۳۴- وَرَوَى زَرَّادُ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَنَّ النَّبِيَّ

صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ لَمَّا انْتَصَرَفَ مِنْ عَرَفَاتٍ وَسَارَ إِلَى مِثْنَى دَخَلَ الْمَسْجِدَ فَاجْتَمَعَ إِلَيْهِ النَّاسُ يَسْأَلُونَهُ عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ، فَقَامَ خَطِيبًا فَقَالَ بَعْدَ الشَّأْنِ عَلَى اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: أَمَّا بَعْدُ

حالی سپری شود که نوها را آمرزیده باشی.

سپس پیامبر صلی الله علیه وآله رو به مردم میکرد، و میفرمود: «ای گروه مردمان، چون هلال ماه رمضان طلوع کند، شیاطین سرکش به غل کشیده میشوند، و درهای آسمان و ابواب بهشت و درهای رحمت گشوده میشود، و ابواب دوزخ بسته میگردد، و دعا به اجابت میرسد، و خدای تبارک و تعالی را در هر عید فطری آزادشدگانی هست که ایشان را از آتش آزاد میسازد، و در هر شب منادی ندا میدهد که: آیا تائی هست؟ آیا سائلی هست؟ آیا آمرزش خواهی هست؟ [و آن منادی ندا میدهد که]

ای خدایا مُتَّقِینَ را دِهْ خَلْفَ وی خدایا مُسِکَانَ را دِهْ تَلَفْ تا چون هلال شَوَّال طلوع کند، به مؤمنان ندا میرسد که: بسوی جَوَائِزَتان بشتابید که امروز روز جائزه است.

سپس امام ابوجعفر علیه السلام فرمود: أَلَا بِهِ أَنَّ خُداَ که جان من در قبضه قدرت او است، این جائزه از قبیل دینارها و درهمها نیست.

① ۱۸۳۴- و زراره از امام ابوجعفر علیه السلام روایت کرده است، که پیامبر صلی الله علیه وآله چون از عرفات بازگشت، و به سوی مِثْنَى روان شد، به مسجد [خیف] درآمد، پس مردم پیرامون او گرد آمدند، به حالیکه درباره شب قدر از آن

فَإِنَّكُمْ سَأَلْتُمُونِي عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَلَمْ أَطُوبُهَا عَنْكُمْ لِأَنِّي لَمْ أَكُنْ بِهَا عَالِمًا يَعْلَمُوهَا
أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّهُ مَنْ وَرَدَ عَلَيْهِ شَهْرُ رَمَضَانَ وَهُوَ صَاحِحٌ سَوِيٌّ فَصَامَ نَهَارَهُ وَقَامَ وَرَدًا
مِنْ لَيْلِهِ وَوَاطَّابَ عَلَى صَلَاتِيهِ وَهَجَرَ إِلَى جُمُعَتِهِ وَغَدَا إِلَى عِيدِهِ فَقَدْ أَذْرَكَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ
وَفَازَ بِجَائِزَةِ الرَّبِّ عَزَّوَجَلَّ».

۱۸۳۵- وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَازُوا وَاللَّهِ بِجَوَائِزَ لَيْسَتْ كَجَوَائِزِ

الْعِبَادِ».

۱۸۳۶- وَقَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ لِجَابِرٍ: «يَا جَابِرُ مَنْ دَخَلَ عَلَيْهِ شَهْرُ

رَمَضَانَ فَصَامَ نَهَارَهُ وَقَامَ وَرَدًا مِنْ لَيْلِهِ، وَحَفِظَ قَرَجَهُ وَلِسَانَهُ، وَغَضَّ بَصَرَهُ، وَكَفَّ
أَذَاهُ، خَرَجَ مِنَ الذُّنُوبِ كَيَوْمِ وَلَدَتْهُ أُمُّهُ، قَالَ جَابِرٌ: قُلْتُ لَهُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ مَا
أَحْسَنَ هَذَا مِنْ حَدِيثٍ؟ قَالَ: مَا أَشَدَّ هَذَا مِنْ شَرِطٍ».

حضرت سوال می‌کردند، پس به خطبه برخاست، و پس از ثنا بر خدای عزوجل فرمود:
اما بعد، پس شما درباره شب قدر از من سوال کردید، و من آن را نه بدان جهت از شما
پوشیده داشتم که نسبت به آن عالم نبودم. *مرحمت کبریا*
بدانید ای مردمان که هرکس ماه رمضان بر او وارد شود، در حالیکه سالم و
پیراسته از عیب و مرض باشد، پس روز آن ماه را روزه بدارد، و بخشی از شب آنرا به
تلاوت قرآن و دعا بپا دارد، و بر نماز خود مواظبت کند، و به سوی جمعه آن هجرت
نماید، و به سوی عیدش بشتابد، پس در حقیقت شب قدر را درک کرده است، و به
جائزه پروردگار عزوجل دست یافته است.

(۱) ۱۸۳۵- و امام صادق علیه السلام فرمود: به خدا قسم که ایشان به جوایزی
دست یافته اند که مانند جوایز بندگان نیست.

(۲) ۱۸۳۶- و امام ابو جعفر علیه السلام به جابر فرمود: ای جابر، کسیکه ماه
رمضان بر او وارد شود، پس روزش را روزه بدارد، و بخشی از شبش را با تلاوت قرآن
و دعاء بپا دارد، و عضو تناسل و زبان خود را حفظ کند، و چشمش را از نامحرم و
مناظر زشت، فرو پوشد، و آزارش را از مردم باز دارد، بمانند روزی که از مادر متولد

۱۸۳۷ - وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَمَّا حَضَرَ شَهْرُ رَمَضَانَ قَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: أَيُّهَا النَّاسُ كَفَاكُمْ اللَّهُ عَذْوَكُمْ مِنَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ، وَقَالَ: «ادْعُونِي أَسْتَجِبْ لَكُمْ» وَوَعَدَكُمْ الْإِجَابَةَ، أَلَا وَقَدْ وَكَّلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ بِكُلِّ شَيْطَانٍ مَرِيدٍ سَبْعِينَ مِنْ مَلَائِكَتِهِ فَلَيْسَ بِمَخْلُولٍ حَتَّى يَتَقَضِيَ شَهْرُكُمْ هَذَا، أَلَا وَأَبْوَابُ السَّمَاءِ مُفْتَحَةٌ مِنْ أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْهُ، أَلَا وَالِدُعَاءُ فِيهِ مَقْبُولٌ».

۱۸۳۸ - وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عُمَّاءَ وَطُلُقَاءَ مِنَ النَّارِ إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَى مُسْكِرٍ، فَإِذَا كَانَ آخِرُ لَيْلَةٍ مِنْهُ أَغْتَقَ فِيهَا بِمِثْلِ مَا أَغْتَقَ فِي جَمِيعِهِ».

شده است از گناهان بیرون می آید.

جابر گفت: گفتم: فدایت شوم، این چه حدیث خوب و دلپذیری است! امام فرمود: این چه شرط دشواری است!

(۱) ۱۸۳۷ - وَ عَلِيٌّ عَلَيْهِ السَّلَامُ فرمود: چون ماه رمضان فرا رسید، رسول خدا صلی الله علیه و آله پیاخاست، و آنگاه خدا را حمد و ثنا گفت، سپس فرمود: آیا ای مردمان، خدا شر دشمنانتان از جن و انس را از شما بازداشت، و فرمود: «مرا بخوانید تا شما را اجابت کنم» و او شما را وعده اجابت داد، الا که خدای عزوجل بر هر شیطان سرکشی هفتاد فرشته از فرشتگانش را گمارده است، و از اینرو آن شیطان از بند مراقبت آن فرشتگان رها نمیشود تا این ماه شما سپری شود. الا و درهای آسمان از نخستین شب این ماه گشوده است. الا و دعا در آن پذیرفته است.

(۲) ۱۸۳۸ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ مَرْوَانَ، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: خدای تبارک و تعالی را در هر شب از ماه رمضان آزادشدگانی و رهاگشتگانی از دوزخ هستند، مگر کسیکه با مسکری اقطاع کند. پس چون آخرین شب آن ماه فرا رسد، در آن شب چندان گرفتاران عذاب را آزاد میسازد که در همگی شبها آزاد ساخته است.

۱۸۳۹- وَفِي رِوَايَةِ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ «إِلَّا مَنْ أَفْطَرَ عَلَى مُشْكِرٍ، أَوْ مُشَاجِرٍ، أَوْ صَاحِبِ شَاهِيْنٍ - وَهُوَ الشَّيْطَرْنَجُ -».

۱۸۴۰- وَ «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ شَهْرَ رَمَضَانَ أَطْلَقَ كُلَّ أَسِيرٍ وَأَعْطَى كُلَّ سَائِلٍ».

۱۸۴۱- وَ رَوَى هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُغْفَرْ لَهُ إِلَى قَائِلٍ إِلَّا أَنْ يَشْهَدَ عَرَفَةَ».

۱۸۴۲- وَ كَانَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ يُوصِي وَوَلَدَهُ وَيَقُولُ: «إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ فَاجْهَدُوا أَنْفُسَكُمْ فَإِنَّ فِيهِ تَقْسِمُ الْأَرْزَاقِ، وَتُكْتَبُ الْأَجَالُ، وَفِيهِ يُكْتَبُ وَفَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ يَتَذَوَّنُونَ إِلَيْهِ وَفِيهِ نَيْلَةُ الْعَمَلِ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ».

① ۱۸۳۹- و در روایت عمر بن یزید [در دنباله حدیث قبل] آمده است که: مگر کسیکه با مسکری افطار کند، یا بدعت گزاری، یا صاحب شاهینی - یعنی شیطرنج بازی -.

② ۱۸۴۰- و رسول خدا صلی الله علیه و آله چون ماه رمضان فرا می‌رسید، هر اسیری را آزاد می‌ساخت و به هر سائلی عطا می‌کرد.

③ ۱۸۴۱- و هشام بن حکم، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: کسیکه در ماه رمضان آمرزیده نشود، تا ماه رمضان آینده آمرزیده نمی‌شود، مگر آنکه در عرفه حاضر شده باشد.

شرح: «مراد آنستکه در آنسال بخت رود و روز عرفه خود در عرفات حاضر آید و دعا کند».

④ ۱۸۴۲- و امام صادق علیه السلام در توصیه به فرزنداناش میفرمود: چون ماه رمضان فرا رسد، خود را تا آخرین حدّ توان به کوشش وادارید، زیرا که در آن ماه ارزاق تقسیم میشود، و مدت‌های عمر مقرر میگردد، و در آن ماه نام حج کنندگان که به میهمانی خدا مشرف میشوند نوشته میشود، و در آن ماه شیء هست که انجام عملی در آن از عمل در هزار ماه بهتر است.

۱۸۴۳- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ عِدَّةَ الشُّهُورِ عِنْدَ اللَّهِ اثْنَا عَشَرَ شَهْرًا فِي كِتَابِ اللَّهِ يَوْمَ خَلَقَ السَّمَوَاتِ وَالْأَرْضَ»، فَغُرَّةُ الشُّهُورِ شَهْرُ اللَّهِ وَهُوَ شَهْرُ رَمَضَانَ وَقَلْبُ شَهْرِ رَمَضَانَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ، وَنَزَلَ الْقُرْآنُ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَاسْتَقْبِلِ الشَّهْرَ بِالْقُرْآنِ».

قال مصنف هذا الكتاب - رحمه الله - : تكامل نزول القرآن ليلة القدر.

۱۸۴۴- وَرَوَى سُلَيْمَانُ بْنُ دَاوُدَ الْمِثْقَرِيُّ، عَنْ حَفْصِ بْنِ غِيَاثٍ النَّخَعِيِّ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ لَمْ يَفْرِضِ اللَّهُ صِيَامَهُ عَلَى أَحَدٍ مِنَ الْأُمَمِ قَبْلُنَا، فَقُلْتُ لَهُ: فَقَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا كُتِبَ عَلَيْكُمُ الصِّيَامُ كَمَا كُتِبَ عَلَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِكُمْ» قَالَ: «إِنَّمَا فَرَضَ اللَّهُ صِيَامَ شَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى الْأَنْبِيَاءِ ذَوِي الْأُمَمِ فَفَضَّلَ بِهِ هَذِهِ الْأُمَّةَ وَجَعَلَ صِيَامَهُ فَرَضاً عَلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَعَلَى أُمَّتِهِ».

① ۱۸۴۳- و امام صادق علیه السلام فرمود: شماره ماهها نزد خدا در کتاب خدا آن روز که آسمان ها و زمین را بیافرید، دوازده ماه مقرر گشت پس نخستین آن ماهها، ماه خداست، و آن، ماه رمضان است، و قلب ماه رمضان شب قدر است، و قرآن در اولین شب از ماه رمضان نازل شده است، پس آن ماه را با قرآن استقبال کنید.

مصنف این کتاب - رحمه الله - گفت: نزول قرآن در شب قدر به کمال رسید.

② ۱۸۴۴- و سلیمان بن داود میثقاری از حفص بن غیاث نخعی روایت کرده است، که گفت: از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: خدا روزه ماه رمضان را بر هیچیک از امتهای پیش از ما واجب نساخته است، گفتم: پس قول خدای عزوجل که فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده اید، روزه داشتن بر شما واجب شده است، همانطور که بر امتهای پیش از شما واجب شده بود» چگونه توجیه میشود؟ امام فرمود: همانا که خدا روزه ماه رمضان را بر پیامبران واجب کرده بود، نه بر امتها، ولی این امت را بوسیله آن برتری بخشید، و روزه داشتن آنرا هم بر رسول خدا واجب

وَقَدْ أَخْرَجْتُ هَذِهِ الْأَخْبَارَ [الَّتِي رَوَيْتُهَا فِي هَذَا الْمَعْنَى] فِي كِتَابِ فَضَائِلِ
شَهْرِ رَمَضَانَ.

(بَابُ الْقَوْلِ عِنْدَ رُؤْيَةِ هِلَالِ شَهْرِ رَمَضَانَ)

۱۸۴۵- قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا رَأَيْتَ الْهِلَالَ فَلَا تَبْتَخِرْ وَقُلْ:
اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ هَذَا الشَّهْرِ، وَفَتْحَهُ وَنُورَهُ وَنَصْرَهُ وَبَرَكَتَهُ وَظَهْرَهُ وَرِزْقَهُ،
وَأَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا فِيهِ وَخَيْرَ مَا بَعْدَهُ، وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ شَرِّ مَا فِيهِ وَشَرِّ مَا بَعْدَهُ، اللَّهُمَّ
أَدْخِلْهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ وَالْإِسْلَامِ، وَالْبِرِّكَاتِ وَالتَّقْوَى، وَالتَّوْفِيقِ
لِمَا تُحِبُّ وَتَرْضَى».

۱۸۴۶- وَ «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَهَلَ هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ
اسْتَقْبَلَ الْقِبْلَةَ وَرَفَعَ يَدَيْهِ وَقَالَ: «اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ

ساخت و هم بر امتش.

و من این اخباری را که در این معنی برابیم روایت شده در کتاب «فضائل

شهر رمضان» آورده‌ام.

(بَابُ)

(دَعَائِي كَمَا بِهِ هِنْدَكَم دِيدَن)

(هَلَالِ مَاهِ رَمَضَانَ خَوَانْدَه مِبْشُود)

① ۱۸۴۵- امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: «چون هلال را ببینی پس از جای
خود مرو، و بگو: خدایا، من خیر این ماه، و فتح و نور و نصر و برکت و پاکی و
پاکیزگی و رزق آنرا از تو مسألت دارم، و خیر نهفته در آن و خیر بعد از آن را از تو
میخواهم، و از شر نهفته در آن، و شر بعد از آن بتو پناه میبرم. خدایا این ماه را با
ره آورد امن و ایمان، و سلامت و تسلیم در برابر تقدیر، و برکت و تقوی، و توفیق بر عمل
مورد محبت و رضای خود، بر ما وارد ساز.

② ۱۸۴۶- و رسول خدا صلی الله علیه و آله چون هلال ماه رمضان پدید میشد
روی خود را به سوی قبله میکرد، و هردو دست خود را به سوی آسمان بر میداشت، و
میگفت: خدایا، این هلال را با امن و ایمان، و سلامت از آفات، و تسلیم در برابر

وَالْإِسْلَامَ، وَالْعَافِيَةَ الْمُجَلَّلَةَ، وَالرِّزْقَ الْوَاسِعَ، وَدَفَعَ الْأَسْقَامَ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنَا صِيَامَهُ
وَقِيَامَهُ وَتِلَاوَةَ الْقُرْآنِ فِيهِ، وَسَلَامَةً وَسَلَامَةً مِنَّا وَمِنْكُمْ فِيهِ».

وَقَالَ أَبِي - رَحِمَهُ اللَّهُ - فِي رِسَالَتِهِ إِلَيَّ: إِذَا رَأَيْتَ هِلَالَ شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَا تُشِرْ
إِلَيْهِ وَلَكِنْ اسْتَقْبِلِ الْقِبْلَةَ وَارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَى اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَخَاطِبِ الْهِلَالَ تَقُولُ:
«رَبِّي وَرَبُّكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ، اللَّهُمَّ أَهْلُهُ عَلَيْنَا بِالْأَمْنِ وَالْإِيمَانِ، وَالسَّلَامَةِ
وَالْإِسْلَامِ وَالْمُسَارَعَةِ إِلَى مَا تُحِبُّ وَتَرْضَى، اللَّهُمَّ بَارِكْ لَنَا فِي شَهْرِنَا هَذَا، وَارْزُقْنَا
عَوْنَهُ وَخَيْرَهُ وَاصْرِفْ عَنَّا ضَرَّهُ وَشَرَّهُ وَبَلَاءَهُ وَفِتْنَتَهُ».

۱۸۴۷ - وَكَانَ مِنْ قَوْلِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عِنْدَ رُؤْيَةِ الْهِلَالِ:
«أَيُّهَا الْخَلْقُ الْمُطِيعُ الذَّائِبُ انْشَرِّعْ انْتَشَرْدُدْ فِي فَلَكَ التَّدْبِيرِ، الْمُتَصَرِّفُ فِي مَنَازِلِ
التَّقْدِيرِ، أَقْمِتْ بِمَنْ نُورَ بَكَ الظُّلُمَ، وَأَضَاءَ بِكَ الْبُهِمَ، وَجَعَلْكَ آيَةً مِنْ آيَاتِ

تقدیر، و عافیت فراگیر، و روزی گسترده، و رفع درد و بیماریها بر ما ظاهر ساز.
خدایا، روزه داشتن روزهایش و قیام به عبادت در شبهایش و تلاوت قرآن در
این ماه را روزی ما ساز، و چندان کن که هلال در اول و آخر این ماه از پوشیده شدن
در ابر و مشبیه شدن روزه و افطار، برای ما سالم بماند، و عبادت‌هایمان در این ماه را از ما
بپذیر، و ما را در این ماه از آفات و بلاها در سلامت بدار.

و پدرم - رحمه الله - در نامه اش برای من نوشت که: چون هلال ماه رمضان را
بینی به سوی آن اشاره مکن، ولی روی خود را به سوی قبله آور، و هردو دستت را به
سوی خدای عزوجل بردار، و در خطاب به هلال بگو: پروردگار من و پروردگار تو الله
رب العالمین است، خدایا آنها را با ره آوردی از امن و ایمان، و سلامت و اسلام، و شتافتن
به سوی آنچه تو آنها دوست داری و از آن خشنود گردی بر ما طالع ساز.

خدایا این ماه را بر ما مبارک فرمای، و یاری و خیر آنها روزی ما ساز، و ضرر
و شر و بلا و فتنه آنها از سوی ما بگردان.

۱۸۴۷ - و از سخنان امیرالمؤمنین علیه السلام به هنگام دیدن هلال این بود
که: ای آفریده فرمان بردار، و ای پوینده گرم رفتار آمد و شد کننده در فلک تدبیر، و

سُلْطَانِيهِ وَامْتَنَّتْكَ بِالزِّيَادَةِ وَالتَّقْصَانِ وَ الطُّلُوعِ وَ الْاَقْوَالِ، وَ الْإِنَارَةِ وَ الْكُشُوفِ،
 فِي كُلِّ ذَلِكَ أَنْتَ لَهُ مُطِيعٌ، وَ إِلَى إِرَادَتِهِ سَرِيعٌ، سُبْحَانَهُ مَا أَحْسَنَ مَا ذَبَّرَ وَ أَنْقَرَ مَا
 صَنَعَ فِي مُلْكِهِ وَ جَعَلَكَ اللَّهُ هِلَالَ شَهْرِ حَادِثٍ لِأَمْرِ حَادِثٍ، جَعَلَكَ اللَّهُ هِلَالَ أَمْنٍ
 وَ إِيمَانٍ وَ بِلَاقَةِ وَ إِسْلَامٍ، - هِلَالَ أَمْنَةٍ مِنَ الْعَاهَاتِ، وَ سَلَامَةٍ مِنَ السَّيِّئَاتِ - اللَّهُمَّ
 اجْعَلْنَا أَهْدَى مَنْ طَلَعَ عَلَيْهِ وَ أَرْكَى مَنْ نَظَرَ إِلَيْهِ، وَ صَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ [النَّبِيِّ]
 وَ آلِهِ، اللَّهُمَّ افْعَلْ بِي - كَذَا وَ كَذَا - يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

* (بَابُ مَا يُقَالُ فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ) *

۱۸۴۸ - رُوِيَ عَنِ الْعَبْدِ الصَّالِحِ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «أَدْعُ

بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُسْتَعْبِلَ دُخُولِ السَّنَةِ وَ ذَكَرَ أَنَّ مَنْ دَعَا بِهِ مُخْتَصِباً مُخْلِصاً

ای متصرف در منازل تقدیر. ایمان آوردم به کسی که تاریکی ها را بوسیله نور روشن
 ساخت، و مبهمات را در پرتو آشکار کرد، و تورا نشانه ای از نشانه های پادشاهی
 خود قرار داد، و در چنبر فروزی و کاستی، و طلوع و غروب، و تابندگی و گرفتگی
 مسخر ساخت. در همگی این احوال تو او را مطیع فرمان، و به سر منزل اراده اش
 شتابانی. منزّه است او! چه زیبا است آنچه او تدبیر کرده. و چه محکم است آنچه در
 مملکت خود ساخته است.

و خدا تورا هلال ماهی نوین برای امری نوین قرار داده.

خدا تورا هلال ایمنی و ایمان و سلامت و اسلام قرار دهد؛ هلال امنی از بلایا
 و آفات، و سلامت از سیئات.

خدایا ما را از هدایت یافته ترین کسانی قرار ده که این هلال بر ایشان طلوع
 کرده، و از پاکیزه ترین کسانی که به آن نگریسته است.

و خدای رحمت فرستد بر محمد [پیامبر] و آل او.

خدایا درباره من چنین و چنان کن، ای مهربانترین مهربانان.

* (بَابُ آن دَعَائِيْكَه در نخستین روز از ماه رمضان خوانده میشود) *

① ۱۸۴۸ - از عبد صالح امام موسی بن جعفر علیهما السلام روایت شده است،

لَمْ تُصِبْهُ فِي تِلْكَ السَّنَةِ فِتْنَةٌ وَلَا آفَةٌ فِي دِينِهِ وَ دُنْيَاهُ وَ بَدَنِهِ، وَ وَقَاهُ اللَّهُ شَرَّ مَا يَأْتِي بِهِ
 فِي تِلْكَ السَّنَةِ «اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِاسْمِكَ الَّذِي دَانَ لَهُ كُلُّ شَيْءٍ، وَ بِرَحْمَتِكَ
 الَّتِي وَسِعَتْ كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعِزَّتِكَ الَّتِي قَهَرَتْ بِهَا كُلَّ شَيْءٍ، وَ بِعَظَمَتِكَ الَّتِي تَوَاضَعُ
 لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَ بِقُوَّتِكَ الَّتِي خَضَعَ لَهَا كُلُّ شَيْءٍ، وَ بِجَبَرُوتِكَ الَّتِي غَلَبَتْ كُلَّ
 شَيْءٍ، وَ بِعِلْمِكَ الَّذِي أَحَاطَ بِكُلِّ شَيْءٍ، يَا نُورُ يَا قُدُّوسُ، يَا أَوَّلَ قَبْلِ كُلِّ شَيْءٍ،
 وَ يَا بَاقِي بَعْدَ كُلِّ شَيْءٍ، يَا اللَّهَ يَا رَحْمَنُ، صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ اغْفِرْ لِي
 الذُّنُوبَ الَّتِي تُغَيِّرُ النِّعَمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ التِّقْمَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ
 الَّتِي تَقْطَعُ الرَّجَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُدِيلُ الْأَعْدَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي
 تَرُدُّ الدُّعَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تُنْزِلُ الْبَلَاءَ، وَ اغْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَحْبِسُ

که فرمود: این دعا را در استقبال دخول سال بخوان و فرمود که هرکس این دعا را به
 قصد قربت و از روی اخلاص بخواند، در آن سال فتنه ای و آفتی در دین و دنیا و بدنش
 اصابت نمیکند، و خدا او را از شر حوادثی که در آن سال رخ میدهد مصون میدارد:

خدایا من تو را به آن نامت میخوانم که همه چیز در برابر آن به زانوی خضوع و
 اطاعت درآمده است، و به آن رحمت که همه چیز را فرا گرفته است، و به آن عزت که
 همه چیز را به نیروی آن مقهور ساخته ای، و به آن عظمت که همه چیز برای آن تواضع
 کرده است، و به آن نیرویت که همه چیز در مقابل آن خاضع شده است، و به آن ساطه
 و قدرت که بر همه چیز غالب گشته است، و به آن علمت که بر همه چیز احاطه نموده
 است.

ای نور و ای قدوس، ای اول پیش از هر چیز، و ای باقی پس از فنای همه چیز،
 یا الله، یا رحمن، بر محمد و آل محمد رحمت فرست، و آن گناهای را که تغییردهنده نعمتها
 است بر من بیامرز، و آن گناهای را که فرود آورنده کیفرها است بر من بیامرز، و آن
 گناهان را که امید را قطع میکند بر من بیامرز، و آن گناهان را که موجب پیروزی
 دشمنان میشوند بر من بیامرز، و آن گناهان را که علت رد شدن دعا میگردد بر من
 بیامرز، و آن گناهان را که بلا نازل میکنند بر من بیامرز، و آن گناهان را که باعث

غَيْثَ السَّمَاءِ، وَاعْفِرْ لِي الذُّنُوبَ الَّتِي تَهْتِكُ الْعِصَمَ، وَأَلِيسْنِي دِرْعَكَ الْحَصِينَةَ الَّتِي لَا تُرَامُ، وَعَافِنِي مِنْ شَرِّ مَا أَحَازِرُ بِاللَّيْلِ وَالنَّهَارِ فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ، اللَّهُمَّ رَبَّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبَّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبَّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ السَّبْعِ الْمَثَانِي وَالْقُرْآنِ الْعَظِيمِ، وَرَبَّ إِسْرَافِيلَ وَمِيكَائِيلَ وَجِبْرِئِيلَ وَرَبَّ مُحَمَّدٍ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَخَاتَمِ النَّبِيِّينَ، أَسْأَلُكَ بِكَ وَبِمَا تَسَمَّيْتَ بِهِ يَا عَظِيمُ أَنْتَ الَّذِي تَمُنُّ بِالْعَظِيمِ، وَتَدْفَعُ كُلَّ مَخْذُورٍ، وَتُعْطِي كُلَّ جَزِيلٍ، وَتُضَاعِفُ مِنَ الْحَسَنَاتِ الْكَثِيرَ بِالْقَلِيلِ وَتَفْعَلُ مَا تَشَاءُ يَا قَدِيرُ.

یا الله یا رَحْمَنُ صَلِّ عَلَی مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَآلِیْسْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ شَرِّكَ، وَأُضِیْءُ وَجْهِي بِنُورِكَ، وَأَخِيْنِي بِمَحَبَّتِكَ، وَبَلِّغْ بِي رِضْوَانَكَ وَشَرِیفَ كَرَامَتِكَ، وَجَسِمَ عَطَائِكَ مِنْ خَيْرِ مَا عِنْدَكَ، وَبِمِنْ خَيْرِ مَا أَنْتَ مُعْطِيهِ أَحَدًا مِنْ

محبوس گشتن باران آسمان میشوند بر من بیامرز، و آن گناهان را که پرده های ستاری را میدرند بر من بیامرز، و آن زره بازدارنده ات را که به علت شدت استحکامش، هیچ دشمنی خیال زیان رساندن به پوشنده آن را در مبر نمی پرورد بر من بیوشان، و مرا در شب و روز آینده این سالم از شر چیزی که از آن حذر میکنم محفوظ بدار.

۱) خدایا ای پروردگار آسمانهای هفتگانه، و ای پروردگار زمینهای هفتگانه و آنچه درون آنها و در میان آنها است، و ای پروردگار عرش عظیم، و ای پروردگار «سبع مثنای و قرآن عظیم» و پروردگار اسرافیل و میکائیل و جبرئیل، و پروردگار محمد سرور رسولان و خاتم پیامبران، از تو میخواهم به حق خودت، و به حق نامی که خود را به آن نامیده ای، ای عظیم.

تو آن کسی هستی که نعمت عظیم می بخشی، و هر مخذوری را برطرف می سازی و هر عطیه فراوان و بزرگ را عطا میکنی، و اندک را در حساب حسنات به بسیار مبدل مینمائی، و هر چه بخواهی انجام میدهی، ای خدای توانا.

یا الله، یا رَحْمَن، بر محمد و آل محمد رحمت فرست، و مرا در آینده این سالم در پرده ستاریت بیوشان، و چهره ام را به نور خودت روشن ساز، و مرا با محبت خودت زنده

خَلْقِكَ، وَ أَلْبَسَنِي مَعَ ذَلِكَ عَافِيَتَكَ، يَا مُوَضِّعَ كُلِّ شَكْوَى، وَ شَاهِدَ كُلِّ نَجْوَى
وَعَالِمَ كُلِّ خَفِيَّةٍ، وَيَا دَافِعَ مَا تَشَاءُ مِنْ بَلِيَّةٍ، يَا كَرِيمَ الْعَفْوِ، يَا حَسَنَ التَّجَاوُزِ
تَوَفَّنِي عَلَى مِلَّةِ إِبْرَاهِيمَ وَفِطْرَتِهِ، وَ عَلَى دِينِ مُحَمَّدٍ وَ سُنَّتِهِ، وَ عَلَى خَيْرِ الْوَفَاةِ فَتَوَفَّنِي
مُوَالِيًا لِأَوْلِيَائِكَ، مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ، اللَّهُمَّ وَجِّئْنِي فِي هَذِهِ السَّنَةِ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ قَوْلٍ أَوْ
فِعْلٍ يُبَاعِدُنِي مِنْكَ، وَ اجْلِبْنِي إِلَى كُلِّ عَمَلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ يُقَرِّبُنِي بِكَ فِي هَذِهِ
السَّنَةِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ، وَ ائْتِنِّي مِنْ كُلِّ عَمَلٍ أَوْ فِعْلٍ أَوْ قَوْلٍ يَكُونُ مِنِّي أَخَافُ سُوءَ
عَاقِبَتِهِ وَ مَقْتِكَ إِيَّايَ عَلَيْهِ حَذَرًا أَنْ تَصْرِفَ وَجْهَكَ الْكَرِيمَ عَنِّي وَ اسْتَوْجِبْ بِهِ نَقْصًا
مِنْ حَظِّي عِنْدَكَ يَا رَوْوْفُ يَا رَحِيمُ، اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي فِي مُسْتَقْبَلِ سَنَتِي هَذِهِ فِي حِفْظِكَ

بدان، و به خشنودی خود، و به جوائز شریف و عطای بزرگت، از بهترین چیزی که در
خزانة کرم تو است، و از خوبترین چیزی که به یکی از خلق خود بخشیده باشی نائل
ساز، و با اینهمه خلعت عافیت را بر پیکرم بیارای.

① ای موضع هر شکوی، و ای حاضر و ناظر هر نجوی، و ای دانای هر راز، و ای
دفع کننده هر بلائی که مشیت به آن تعلق گیرد، ای کسیکه به آسانی از گناهان
چشمپوشی میکنی، و ای غفاری که بخوی و مهربانی از خطاها درمیگذری، مرا به
آئین ابراهیم و فطرتش، و بر دین محمد و سنتش، و بهترین نوع وفات بمیران، درحالیکه
دوستدار دوستان تو و دشمن دشمنان تو باشم.

خدایا، و مرا در این سال از هر عمل یا قول یا فعلی که از ساحت قرب توام
دور سازد دور ساز، و بسوی هر عمل یا قول یا فعلی که در این سال به تو نزدیکم سازد
جلب فرما، ای مهربانترین مهربانان، و از هر عمل یا فعل یا قولی که سرزدنش از من
موجب بیم و هراسم از عاقبت آن شود، و باعث خشم تو بر من گردد بازم دار، زیرا که
من بیم آن دارم که تورو نکویت را از سوی من بگردانی، و من در اثر ارتکاب آن
عمل یا فعل یا قول مستوجب آن شوم که بهرام نزد تو کاهش پذیرد، ای خدای
رؤوف، و ای پروردگار رحیم.

خدایا مرا در آینده امسال در حفظ و پناه و حرز خودت قرار ده، و پوشش

وَ جَوَارِكَ وَ كَتِفِكَ، وَ جَلَنِي سِتْرَ عَافِيَتِكَ، وَ هَبْ لِي كَرَامَتَكَ، عَزَّ جَارُكَ، وَ جَلَّ ثَنَاؤُكَ وَ لَا إِلَهَ غَيْرُكَ.

اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي تَابِعاً لِصَالِحِي مَنْ مَضَى مِنْ أَوْلِيَائِكَ، وَ أَلِجْنِي بِهِمْ، وَ اجْعَلْنِي مُسْلِماً لِمَنْ قَالَ بِالْصِدْقِ عَلَيْكَ مِنْهُمْ، وَ أَعُوذُ بِكَ يَا إِلَهِي أَنْ تُحِيطَ بِي خَطِيئَتِي وَ ظُلْمِي وَ إِسْرَافِي عَلَى نَفْسِي وَ اتِّبَاعِي يُهْوَايَ وَ اشْتِغَالِي بِشَهَوَاتِي فَتُحَوِّلَ ذَلِكَ بَيْنِي وَ بَيْنَ رَحْمَتِكَ وَ رِضْوَانِكَ فَأَكُونَ مَثْبُتاً عِنْدَكَ مُتَعَرِّضاً لِسَخَطِكَ وَ نِقَمَتِكَ، اللَّهُمَّ وَ قِنِّي لِكُلِّ عَمَلٍ صَالِحٍ تَرْضَى بِهِ عَنِّي وَ قَرِّبْنِي إِلَيْكَ زُلْفَى، اللَّهُمَّ كَمَا كَفَيْتَ نَبِيَّكَ مُحَمَّدًا صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ هَوْلَ عَدُوِّهِ، وَ فَرَجْتَ هَمَّهُ، وَ كَشَفْتَ كَرْبَهُ، وَ صَدَّقْتَهُ وَعْدَكَ وَ أَنْجَزْتَ لَهُ عَهْدَكَ، اللَّهُمَّ فَبِذَلِكَ فَكُنِي هَوْلَ هَذِهِ السَّيِّئَةِ وَ آفَاتِهَا وَ أَسْقَامِهَا وَ فِتْنَتِهَا وَ شُرُورِهَا وَ أَحْزَانِهَا وَ ضَيْقِ الْمَعَاشِ فِيهَا، وَ بَلِّغْنِي

عافیت را بر من بگستر، و کرامت را به من ارزانی دار. نیرومند است پناهنده تو، و جلیل است ثنای تو، و معبود حق جز تو نیست.

(۷) خدایا مرا پیرو صالحان از دوستان که در اعصار گذشته می زیسته اند، قرار ده، و به ایشان ملحق ساز، و در برابر کسانی از ایشان که سحن صدق درباره تو گفته اند مطیع و منقاد فرما. و من به تو پناه میبرم - ای معبود من - از آنکه گناهم و ظلمم و اِسرافم درباره خودم، و پیروم از هوای دلم و سرگرمیم به شهواتم چندان بر من احاطه کند، که میان من و رحمت و رضوان تو حاجب و حائل گردد، و من در نتیجه این احوال از نظر لطف تو بیفتم، و در معرض خشم و انتقام تو واقع شوم.

خدایا، مرا به هر عمل شایسته ای که به وسیله آن از من خشنود شوی موفق دار. و منزلتم را به سوی خودت نزدیک ساز.

خدایا، همانگونه که پیامبرت محمد - صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَ آلِهِ - را از هول دشمنش بازداشتی، و ابرهای هم و غم را از آفاق زندگیش پراکنده ساختی، و گرفتاریش را برطرف کردی، و به وعده ات با او تحقق بخشیدی، و به عهد خود با او وفا کردی، خدایا، پس مرا نیز از هول این سال، و آفات، و دردها، و فتنه ها، و شرور و احزان آن،

بِرَحْمَتِكَ كَمَالَ الْعَافِيَةِ بِشَمَامٍ دَوَامِ النِّعَمِ عِنْدِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، أَسْأَلُكَ سُؤَالَ مَنْ
 أَسَاءَ وَظَلَمَ وَاسْتَكْبَانَ وَاعْتَرَفَ أَنْ تَغْفِرَ لِي مَا مَضَى مِنَ الذُّنُوبِ الَّتِي حَضَرَتْهَا
 حَفَظَتُكَ، وَأَخَصَّهَا كِرَامُ مَلَائِكَتِكَ عَلَيَّ وَأَنْ تَعِصِمَنِي اللَّهُمَّ مِنَ الذُّنُوبِ فِيمَا بَقِيَ
 مِنْ عُثْرِي إِلَى مُنْتَهَى أَجَلِي، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهْلِ بَيْتِ مُحَمَّدٍ
 وَآتِنِي كُلَّمَا سَأَلْتُكَ وَرَغِبْتُ إِلَيْكَ فِيهِ فَإِنَّكَ أَمَرْتَنِي بِالْدُّعَاءِ وَتَكَفَّلْتَ بِالْإِجَابَةِ يَا
 أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ»

۱۸۴۹- وَكَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ يَدْعُو بِهَذَا الدُّعَاءِ فِي شَهْرِ
 رَمَضَانَ «اللَّهُمَّ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَتْ فِيهِ الْقُرْآنُ، وَهَذَا شَهْرُ الصِّيَامِ، وَهَذَا
 شَهْرُ الْإِنَابَةِ، وَهَذَا شَهْرُ التَّوْبَةِ، وَهَذَا شَهْرُ الْمَغْفِرَةِ وَالرَّحْمَةِ، وَهَذَا شَهْرُ الْعِثْقِ مِنَ

و از صعوبت معاش کفایت فرما، و با مدد رحمت بوسیله کامل ساختن دوام نعمتها بر
 من تا پایان عمرم به کمال عافیت برسان.

① من به مانند سؤال کردن کسیکه بد کرده، و مرتکب ظلم شده، و به تضرع
 درآمده، و به گناهان خود معترف گشته است، از تو مسألت دارم که آن گناهان
 گذشته ام را که در حضور فرشتگان حافظ و ضابط تو سرزده، و فرشتگان کرام الکاتبین
 آنرا به حساب من نوشته اند، بیامرزی، و مرا، ای خدای من، در باقیمانده عمرم، تا
 پایان مدتم، از گناهان محفوظ داری. یا الله، یا رحمن، بر محمد و اهل بیت محمد رحمت
 فرست، و هرچه را که از تو مسألت کردم، و از سوی تو آرزو داشته ام، به من عطا
 فرما، زیرا که تو خود مرا به دعا فرمان داده ای، و اجابت آنرا عهده دار شده ای. ای
 مهربانترین مهربانان.

② ۱۸۴۹- و امام علی بن الحسین علیهما السلام در ماه رمضان این دعا را
 میخواند:

خدایا این ماه رمضان است که قرآن در آن نازل کرده ای، و این، ماه روزه
 داشتن است، و این ماه بازگشت به سوی تو است، و این ماه توبه در پیشگاه تو است،
 و این ماه مغفرت و رحمت است و این ماه آزادی از آتش دوزخ و دست یافتن به بهشت

التَّارِ وَالْفُوزِ بِالْجَنَّةِ، اللَّهُمَّ فَسِّلْهُ لِي، وَتَسَلِّمْهُ مِنِّي، وَأَعِنِّي عَلَيْهِ بِأَفْضَلِ عَوْنِكَ، وَوَفِّقْنِي فِيهِ لِمَطَاعَتِكَ وَفَرِّغْنِي فِيهِ لِعِبَادَتِكَ وَدُعَائِكَ وَتِلَاوَةِ كِتَابِكَ، وَأَعْظِمْ لِي فِيهِ الْبَرَكَاتِ، وَأَخْسِنْ لِي فِيهِ الْعَافِيَةَ، وَصَحِّحْ لِي فِيهِ بَدَنِي وَأَوْسِعْ فِيهِ رِزْقِي، وَاكْفِنِي فِيهِ مَا أَهْمَنِي، وَامْتَحِبْ فِيهِ دُعَائِي، وَبَلِّغْنِي فِيهِ رَجَائِي، اللَّهُمَّ أَذْهِبْ عَنِّي فِيهِ النَّعَاسَ وَالْكَسَلَ وَالسَّامَةَ وَالْفَقْرَةَ وَالْقَسْوَةَ وَالْغَفْلَةَ وَالْغَيْرَةَ، اللَّهُمَّ خَبِّبْنِي فِيهِ الْعِلَلَ وَالْأَشْقَامَ وَالْهُمُومَ وَالْأَحْزَانَ، وَالْأَعْرَاضَ وَالْأَمْرَاضَ، وَالْخَطَايَا وَالذُّنُوبَ، وَاصْرِفْ عَنِّي فِيهِ السُّوءَ وَالْفَحْشَاءَ، وَالْجَهْدَ وَالْبَلَاءَ، وَالتَّعَبَ وَالْعَنَاءَ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ، اللَّهُمَّ أَعِزَّنِي فِيهِ مِنَ الشَّيْطَانِ [الرَّجِيمِ] وَهَمَزِهِ وَلَمَزِهِ وَنَفْيِهِ وَنَفْخِهِ وَوَسْوَاسِيهِ وَكَيْدِهِ وَمَكْرِهِ وَخَلْبِهِ وَأَمَانِيهِ وَخَذَعِهِ وَغُرُورِهِ وَفِتْنَتِهِ وَخَبْلِهِ وَرَجْلِهِ وَشُرَكَائِهِ [وَأَخْرَاجِهِ] وَأَغْوَايِهِ وَاتِّبَاعِيهِ وَأَخْدَانِيهِ وَأَشْيَاعِيهِ

است. خدایا پس آن را برای من ماهی پیراسته از آفات، و بلاهای قرارده، و عباداتم در ایام و لیالیش بپذیر، و مرا برای قیام به وظائفش به بهترین نوع یاریت یاری فرمای، و بطاعتت موفق دار، و برای عبادتت و دعایت و تلاوت کتابت فراغت ببخش، و سهم مرا از برکت عظیم ساز، و بهره ام از عافیت را نیکو قرارده، و در این ماه بدغم را صحیح و سالم بدار، و روزم را گسترده نما، و مهماتم را کفایت کن، و دعایم را به اجابت برسان، و به آنچه امید به آن بسته ام ناظم فرما.

خدایا در این ماه خواب آلودگی، و کسالت و افسردگی، و مستی، و قسوت، و خشونت، و غفلت، و غرور را از من دور ساز. خدایا در این ماه از علتها و دردها، و هموم و احزان، و عوارض و امراض، و خطاها و گناهان، برکنارم دار، و خستگی و بلا و رنج و مشقت را از من بگردان، زیرا که شنونده و پذیرنده هر دعائی.

خدایا در این ماه مرا از شیطان رجیم، و تلقینهایش، و عیبجوئیش، و القاناتش، و دمیدنش، و وسواسش، و نیرنگش، و مکرش، و حيله هایش، و انگيختن آرزوهایش، و فریبش، و فتنه اش، و نیروی سواره و پیاده اش، و شرکایش، و [و

وَأُولِيَانِهِ وَجَمِيعَ كَنِيدِهِمْ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ تَمَامَ صِيَامِيهِ، وَبُلُوغَ الْأَمَلِ فِي قِيَامِهِ،
وَاسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ عَنِّي صَبْرًا وَإِيمَانًا وَبَقِينًا وَاحْتِسَابًا ثُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي
بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَالْأَجْرِ الْعَظِيمِ، اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الْجِدَّ وَالْإِجْتِهَادَ، وَالْقُوَّةَ
وَالنَّشَاطَ، وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ، وَالرَّغْبَةَ وَالرَّهْبَةَ، وَالْجَزَعَ وَالْخُشُوعَ وَالرَّقَّةَ
وَصِدْقَ اللِّسَانِ وَالْوَجَلَ مِنْكَ وَالرَّجَاءَ لَكَ وَالتَّوَكُّلَ عَلَيْكَ وَالثِّقَةَ بِكَ، وَالْوَرَعَ عَنْ
مَحَارِمِكَ مَعَ صَالِحِ الْقَوْلِ، وَمَقْبُولِ السَّعْيِ (وَاسْتِكْمَالَ مَا يُرْضِيكَ فِيهِ عَنِّي صَبْرًا
وَبَقِينًا وَإِيمَانًا وَاحْتِسَابًا، ثُمَّ تَقَبَّلْ ذَلِكَ مِنِّي بِالْأَضْعَافِ الْكَثِيرَةِ وَالْأَجْرِ الْعَظِيمِ
اللَّهُمَّ ارْزُقْنِي فِيهِ الْجِدَّ وَالْإِجْتِهَادَ وَالْقُوَّةَ وَالنَّشَاطَ وَالْإِنَابَةَ وَالتَّوْبَةَ وَالرَّغْبَةَ
وَالرَّهْبَةَ وَالْجَزَعَ وَالرَّقَّةَ) وَمَرْفُوعَ الْعَمَلِ وَمُسْتَجَابَ الدُّعَاءِ، وَلَا تَحُلْ بَيْنِي وَبَيْنَ
شَيْءٍ مِنْ ذَلِكَ بِعَرَضٍ وَلَا مَرَضٍ وَلَا هَمٍّ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

احزابش]، و یارانیش، و پیروانش، و مصاحبانش، و اشیا عیش، و دوستانش، و همگی
خداوند هاشان پناه ده.

① خدایا، در این ماه اکمال روزه اش، و رسیدن به دلخواه از قیامش، و کامل
ساختن صبر و ایمان، و یقین، و قصد قربتی که موجب خشودیت از من باشد را روزم
ساز، و پس از آن این عطایا را به صورت اضعاف کثیر، و در برابر اجر عظیم از من
بپذیر.

خدایا در این ماه جد و جهد و نیرو و نشاط و اذابه و توبه و امید و بیم و زاری و
خشوع و صدق زبان و وحشت و هراس از خودت، و امیدواری به خودت، و توکل
برخودت، و اطمینان به خودت، و پارسائی از محرمات را به ضمیمه گفتار شایسته، و
سعی پذیرفته، و عملی به اوج قبول ارتقاء یافته، و دعائی به اجابت رسیده نصیم فرما، و
در اثر عارضه ای، و مرضی، و اندوهی میان من و چیزی از آنها حائل قرار مده، به
رحمت تو ای مهربانترین مهربانان.

*** (بَابُ الْقَوْلِ عِنْدَ الْإِفْطَارِ كُلِّ لَيْلَةٍ) ***

*** (مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ أَوَّلِهِ إِلَى آخِرِهِ) ***

۱۸۵۰ - كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَفْطَرَ قَالَ: «اللَّهُمَّ لَكَ صُومُنَا، وَعَلَيْ رِزْقِكَ أَفْطَرْنَا فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا، ذَهَبَ الظَّمَأُ، وَابْتَلَّتِ الْعُرُوقُ، وَبَقِيَ الْآخِرُ».

۱۸۵۱ - وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «تَقُولُ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ الْإِفْطَارِ إِلَى آخِرِهِ: «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعَانَنَا قَصْمُنَا وَرَزَقَنَا فَأَفْطَرْنَا، اللَّهُمَّ تَقَبَّلْ مِنَّا وَاعْتِنَا عَلَيْهِ، وَسَلِّمْهُ مِنَّا فِي بُشْرِ مَنَّاكَ وَعَافِيَةِ الْحَمْدِ لِلَّهِ الَّذِي قَضَى عَنَّا يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ».

۱۸۵۲ - وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «يُسْتَجَابُ دُعَاءُ الصَّائِمِ عِنْدَ الْإِفْطَارِ».

*** (بَابُ دُعَايِ هَرِ شَبِّ از اوّل ماه رمضان) ***

*** (تا آخر آن به هنگام افطار) ***

۱۸۵۰ - رسول خدا صلی الله علیه و آله، چون روزه اش را می‌گشود، می‌گفت:

خدایا برای تو روزه داشتیم، و با رزق تو افطار کردیم، پس آنرا از ما بپذیر.

تشنگی از ما برطرف شد، و رگها رطوبت یافت، و اجر و ثواب به جای ماند.

۱۸۵۱ - و ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

در هر شب از شبهای ماه رمضان تا آخر آن به هنگام افطار می‌گوئی: «خدائی را ستایش و سپاس که ما را یاری کرد، تا روزه داشتیم، و روزی عطا کرد تا افطار کردیم.

خدایا از ما بپذیر، و ما را بر ادامه آن یاری فرمای، و در این ماه از کلیه

آفاتمان به سلامت دار، و عباداتمان را به سهولت و عافیتی از جانب خود پذیرا باش.

خدائی را ستایش و سپاس که ما را به انجام روزه روزی از روزهای ماه

رمضان موفق داشت.»

۱۸۵۲ - و آن امام علیه السلام فرمود: دعای روزه‌دار به هنگام افطار

مستجاب میشود.

*** (بَابُ آدَابِ الصَّائِمِ وَمَا يَنْقُضُ صَوْمَهُ وَمَا لَا يَنْقُضُهُ) ***

۱۸۵۳- رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا يَضُرُّ الصَّائِمَ مَا صَنَعَ إِذَا اجْتَنَّبَ أَرْبَعَ خِصَالٍ: الطَّعَامَ، وَالشَّرَابَ، وَالنِّسَاءَ، وَالْإِرْتِمَاسَ فِي الْمَاءِ».

۱۸۵۴- وَ فِي رِوَايَةِ مَنْصُورِ بْنِ يُونُسَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «إِنَّ الْكَذِبَ عَلَى اللَّهِ وَعَلَى الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ يُفْطِرُ الصَّائِمَ».

۱۸۵۵- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصَرُكَ وَشَعْرُكَ وَجِلْدُكَ، وَعَدِّدْ أَشْيَاءَ غَيْرِ هَذَا، وَقَالَ: لَا يَكُونُ يَوْمٌ صَوْمِيكَ كَيَوْمٍ فَطَرِكَ».

*** (بَابُ آدَابِ شَخْصِ رَوْزَه‌دارِ وَچیزهائی) ***

*** (که روزه‌اش را میشکند یا نمیشکند) ***

① ۱۸۵۳- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: روزه‌دار را هر کار بکند زیانی نمی‌رساند، در صورتیکه از چهار چیز اجتناب کند: از خوردنی، و نوشیدنی، و مقاربت زنان، و فرو رفتن در آب.

شرح: «اقتصار در این چهار مورد در مفطرات شاید از جهت مشکل بودن اجتناب از آن است هر چند از لفظ حصر فهمیده نمی‌شود، و اما دیگر مفطرات دلیل خاص دارد.»

② ۱۸۵۴- و در روایت منصور بن یونس، از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام آمده است که دروغ بستن بر خدا و بر ائمه علیهم السلام روزه را باطل می‌کند.

③ ۱۸۵۵- و محمد بن مسلم از آن امام علیه السلام روایت کرده است که فرمود: چون روزه گرفتی پس میباید گوش تو و چشمت، و مویت، و پوستت روزه بدارد، و امام علیه السلام چیزهائی غیر از این چند چیز را نیز برشمرد، و فرمود: روز روزه داشتنت مانند روز فطرت نیست. (نباید یکسان باشد)

۱۸۵۶- وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِهَ لِي سِتَّ خِصَالٍ وَكَرِهَتْهُمْ لِلْأَوْصِيَاءِ مِنْ وَلَدِي وَأَتْبَاعِهِمْ مِنْ بَعْدِي، أَحَدُهَا الرَّفَثُ فِي الصَّوْمِ».

۱۸۵۷- وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ الصِّيَامَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ وَحَدَهُ، إِنَّ مَرْيَمَ قَالَتْ: «إِنِّي نَذَرْتُ لِلرَّحْمَنِ صَوْمًا» أَيُّ صَمْتًا فَاحْفَظُوا أَلْسِنَتَكُمْ، وَعَضُوا أَبْصَارَكُمْ، وَلَا تَحَاسَدُوا، وَلَا تَنَازَعُوا، فَإِنَّ الْحَسَدَ يَأْكُلُ الْإِيمَانَ كَمَا تَأْكُلُ النَّارُ الْحَطَبَ».

۱۸۵۸- وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «عَلَيْكُمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِكَثْرَةِ الْأَسْتِغْفَارِ وَالِدُعَاءِ، فَأَمَّا الدُّعَاءُ فَيَدْفَعُ عَنْكُمْ الْبَلَاءَ وَأَمَّا الْأَسْتِغْفَارُ فَتُفْتحِي بِهِ دُلوْبَكُمْ».

۱۸۵۹- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا تُشَدِّ الشَّعْرَ بِلَيَالٍ وَلَا تُنْشِدُهُ فِي

۱۸۵۶- و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تبارک و تعالی شش چیز را برای من ناپسند داشت، و من آنها را برای اوصیایم از فرزندانم، و پیروان ایشان بعد از من ناپسند داشته‌ام، که یکی از آنها دشنام گفتن در حال روزه است.

۱۸۵۷- و ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: روزه دار کسی نیست که تنها از خوردنی و نوشیدنی امساک کند، زیرا مریم گفت: «من برای خدای رحمان روزه‌ای نذر کرده‌ام» یعنی سکوتی را، پس زبانهاشان را نگاه دارید، و چشمهاشان را فرو پوشید، و حسد به یکدیگر مبرید، و باهم نزاع مکنید، زیرا حسد چنان ایمان را میخورد که آتش هیزم را.

۱۸۵۸- و امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: بر شما باد در ماه رمضان به کثرت استغفار و دعا، اما دعا: پس بلا را از شما دفع میکند، و اما استغفار پس گناهانتان بوسیله آن محو میگردد.

۱۸۵۹- و امام صادق علیه السلام فرمود: در غیر ماه رمضان شعر را در شب بخوانید، و در ماه رمضان نه در شب بخوانید و نه در روز، پس اسماعیل گفت: اگر چه

شَهْرٍ رَمَضَانَ بَيْتِي وَلَا نَهَارٍ فَقَالَ لَهُ إِسْمَاعِيلُ: يَا أَبَتَاهُ وَإِنْ كَانَ فِينَا؟ قَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: وَإِنْ كَانَ فِينَا».

۱۸۶۰- وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «مَا مِنْ عَبْدٍ صَائِمٍ يُشْتَمُ فَيَقُولُ: إِنِّي صَائِمٌ سَلَامٌ عَلَيْكَ لَا أَشْتُمُكَ كَمَا تَشْتُمُنِي إِلَّا قَالَ الرَّبُّ تَبَارَكَ وَتَعَالَى: اسْتَجَارَ عَبْدِي بِالصَّوْمِ مِنْ شَرِّ عَبْدِي قَدْ أَجَرْتُهُ مِنَ النَّارِ».

۱۸۶۱- وَ «سَمِعَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ امْرَأَةً تَسُبُّ جَارِيَةً لَهَا وَهِيَ صَائِمَةٌ، فَقَدَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ بِطَعَامٍ فَقَالَ لَهَا: كُلِي، فَقَالَتْ: إِنِّي صَائِمَةٌ، فَقَالَ: كَيْفَ تَكُونِينَ صَائِمَةً وَقَدْ سَبَبْتَ جَارِيَتَكَ إِنَّ الصَّوْمَ لَيْسَ مِنَ الطَّعَامِ وَالشَّرَابِ فَهَقُّ».

۱۸۶۲- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا صُمْتَ فَلْيَصُمْ سَمْعُكَ وَبَصَرُكَ مِنَ الْحَرَامِ وَالْقَبِيحِ، وَادَّعِ الْمِرَاءَ، وَأَذَى الْخَادِمِ، وَلَيْكُنْ عَلَيْكَ وَقَارُ الصَّائِمِ، وَلَا

در مدح ما سروده شده باشد؟ فرمود: اگر چه در باره ما باشد.

(۱) ۱۸۶۰- و پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: «هیچ بنده روزه داری نیست که او را دشنام بگویند، و او بگوید: «من روزه دار هستم، سلام بر تو، من همانمید تو که دشنام میگوئی تو را دشنام نمیگویم» مگر آنکه پروردگار تبارک و تعالی میگوید: بنده من از شرّ - مشاجره و مبادله فحش با دیگر بنده ام - به روزه پناه برد، و از اینرو من او را از دوزخ پناه دادم.

(۲) ۱۸۶۱- و رسول خدا صلی الله علیه و آله زنی را شنید که کنیزش را دشنام میگفت در حالیکه روزه دار بود، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود تا طعامی حاضر کردند، و آن زن را فرمود: بخور، زن گفت: من روزه دارم، پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: چگونه روزه دار هستی در حالیکه کنیزت را دشنام گفتی؟! روزه تنها امساک از خوردنی و نوشیدنی نیست.

(۳) ۱۸۶۲- امام صادق علیه السلام فرمود: هرگاه روزه گرفتی گوش و چشم تو نیز باید از ارتکاب حرام و زشت روزه بدارد، و در اینحال از کشمکش و ناسزاگوئی و

تَجْعَلَ يَوْمَ صَوْمِكَ كَيَوْمِ فَضْرِكَ».

وَلَا بَأْسَ أَنْ يَخْتَجِمَ الصَّائِمُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ كَذَلِكَ رَوَاهُ:

۱۸۶۳- الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِنَّا إِذَا أَرَدْنَا أَنْ نَخْتَجِمَ

فِي شَهْرِ رَمَضَانَ اخْتَجَمْنَا بِاللَّيْلِ».

۱۸۶۴- قَالَ: «وَسَأَلْتُهُ أَيَخْتَجِمُ الصَّائِمُ؟ فَقَالَ: إِنِّي أَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ مَا

يَتَخَوَّفُ بِهِ عَلَى نَفْسِهِ، قَالَ: قُلْتُ: مَا [ذَا] تَتَخَوَّفُ عَلَيْهِ؟ قَالَ: الْغَشْيُ أَنْ تَتَوَرَّبَهُ

مِرَّةً، قُلْتُ: أَرَأَيْتَ إِنْ قَوِيَ عَلَى ذَلِكَ وَلَمْ يَخْشَ شَيْئاً؟ قَالَ: نَعَمْ إِنْ شَاءَ».

۱۸۶۵- وَ «كَانَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَكْرَهُ أَنْ يَخْتَجِمَ الصَّائِمُ خَشْيَةً

أَنْ يُغْشَى عَلَيْهِ فَيُفْطِرَ».

وَلَا بَأْسَ أَنْ يَكْتَحِلَ الصَّائِمُ بِكُحْلِ فِيهِ مَشْكٌ، وَلَا بَأْسَ أَنْ يَكْتَحِلَ

بِالْحُضُضِ، وَلَا بَأْسَ بَأَنْ يَشَاكَ بِالْمَاءِ أَوْ بِالْعُودِ الرُّطْبِ يَجِدُ طَعْمَهُ، أَيْ النَّهَارِ

آزار خدمتگار پرهیزی، و بر تو است که سنگینی و وقار روزه دار را داشته باشی، و
آبروزت با روزیکه روزه نداری یکسان نباشد.

و باکی نیست که شخص روزه دار در ماه رمضان حجامت کند، چنانکه

۱۸۶۳- حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: ما

چون بخواهیم که در ماه رمضان حجامت کنیم، به هنگام شب حجامت میکنیم.

۱۸۶۴- و از آن امام سؤال کردم که: آیا شخص روزه دار میتواند حجامت

کند؟ فرمود: من از آن چیز بر او میترسم که او از همان چیز بر خود میترسد. گفتم:

گفتم: آن چیز چیست که از آن بر او بیم داری؟ فرمود: عارض شدن حالت غش در اثر

طغیان، صفراء و سودا. گفتم: اگر توان مقاومت در برابر آن داشته باشد، و از چیزی

نترسد نظر شما چیست؟ فرمود: در این صورت اگر بخواهد جایز است.

۱۸۶۵- و امیرالمؤمنین علیه السلام خوش نمیداشت که شخص روزه دار

حجامت کند، زیرا بیم آن داشت که حال غشوه به او دست دهد و افطار کند.

و باکی نیست که شخص روزه دار از سرمه ای که مشک در آن باشد استفاده

شَاءَ».

۱۸۶۶- وَ رَوَى الْعَلَاءُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ

«سُئِلَ عَنِ الْقَلَسِ أَيْفَطَرُ الصَّائِمِ؟ فَقَالَ لَا».

وَلَا بَأْسَ بِالتَّمَضُّضِ وَالاِسْتِثْقَاءِ لِلصَّائِمِ، فَإِذَا تَمَضَضَ وَاسْتِثْقَى فَلَا

يَبْلُغُ رِيْقَهُ حَتَّى يَبْرُقَ ثَلَاثًا، وَإِنْ تَمَضَضَ فَدَخَلَ الْمَاءُ حَلَقَهُ فَإِنْ كَانَ ذَلِكَ لِيُضَوِّءَ الصَّلَاةَ فَلَا قَضَاءَ عَلَيْهِ.

۱۸۶۷- وَ سَأَلَ سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ رَجُلٍ عَثَّ

بِالْمَاءِ يَتَمَضَضُ بِهِ مِنْ غَطَشٍ فَدَخَلَ حَلَقَهُ، قَالَ: عَلَيْهِ قَضَاؤُهُ، فَإِنْ كَانَ فِي وُضُوءٍ فَلَا بَأْسَ بِهِ».

۱۸۶۸- قَالَ: «وَسَأَلْتُهُ عَنِ الْقَيْءِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ قَالَ: إِنْ كَانَ شَيْءٌ

کند، و باکی نیست که «حُضَضُ» را - نوعی غصاره از درختی معروف است - به چشم بکشد، و باکی نیست که با آب یا با چوب تری که مزه آنرا بچشد مسواک کند، هر ساعت از روز که بخواهد.

(۱) ۱۸۶۶- و علاء از محمد بن مسلم، از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است، که آن امام در جواب کسیکه پرسید که آیا غذا یا مایعی که از درون چهار گوارش به دهان باز می‌گردد روزه را می‌شکند؟ فرمود: نه.

و برای شخص روزه دار باکی نیست که مَضَضَه و استنشاق کند، ولی چون مَضَضَه و استنشاق کرد، باید آب دهانش را فرو نبرد، تا سه بار بزاق را بیرون کند، و اگر مَضَضَه کرد، و آب به حلقش داخل شد، اگر این مَضَضَه برای وضوی نماز باشد، قضائی بر ذمه او تعلق نمی‌گیرد.

(۲) ۱۸۶۷- و سماعة بن مهران از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کرد که در بازی با آب به قصد فرو نشان دادن تشنگیش مَضَضَه کند، و آب به حلقش داخل شود، پس امام فرمود: قضاء روزه را بر ذمه دارد، ولی اگر مَضَضَه برای وضو باشد باکی بر آن نیست.

(۳) ۱۸۶۸- همان راوی گفت: از آن امام درباره قیء در ماه رمضان سؤال

يَذَرُهُ فَلَا بَأْسَ، وَإِنْ كَانَ شَيْءٌ يُكْرِهُ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَقَدْ أَفْطَرَ وَعَلَيْهِ الْقَضَاءُ».

۱۸۶۹- وَ سَأَلَ أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنِ أَبِي نَصْرِ بْنِ زَنْطِيٍّ أَبَا الْحَسَنِ الرُّضَا

عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَحْتَقِنُ تَكُونُ بِهِ الْعِلَّةُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقَالَ: الصَّائِمُ لَا يَجُوزُ لَهُ أَنْ يَحْتَقِنَ».

وَلَا يَجُوزُ لِلصَّائِمِ أَنْ يَسْتَعِظَ وَلَا بَأْسَ أَنْ يَصُبَّ الدَّوَاءَ فِي أُذُنِهِ، وَلَا بَأْسَ أَنْ يَرْقِيَ الْقَرْخَ وَيَمَضْغَ الْخُبْزَ لِلرَّضِيعِ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَلَعَّ شَيْئًا وَلَا بَأْسَ بِأَنْ يَشُمَّ الطَّبِيبُ إِلَّا الْمَشْحُوقَ مِنْهُ فَإِنَّهُ يَضَعُهُ إِلَى دِمَاعِهِ، وَلَا بَأْسَ بِأَنْ يَذُوقَ الطَّبَّاحُ الْمَرْقَ وَهُوَ صَائِمٌ يَلْسَانَهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ يَتَلَعَّهُ لِيَعْرِفَ حُلُولَهُ مِنْ حَامِيضِهِ.

۱۸۷۰- وَ رُوِيَ عَنْ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ أَنَّهُ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الرَّجُلُ يَجْعَلُ التَّوَاتُةَ فِي فِيهِ وَهُوَ صَائِمٌ؟ قَالَ: لَا، قُلْتُ: فَيَجْعَلُ

کردم، فرمود: اگر چیزی باشد که بی اختیار به دهان او آید، باکی نیست، ولی اگر چیزی باشد که به زور آنرا به دهان آورد، روزه اش را شکسته است، و قضا را بر ذمه دارد.

(۱) ۱۸۶۹- واحد بن محمد بن ابی نصر بن زنتی از امام ابوالحسن رضا علیه السلام درباره مردی سؤال کرد که مبتلا به علقی باشد و در ماه رمضان تنقیه کند. پس امام فرمود: برای شخص روزه دار تنقیه جایز نیست.

و برای روزه دار استعمال انفیه جایز نیست، ولی باکی نیست که دوا را در گوش خود بریزد، و باکی نیست که برای غذا دادن جوجه ها آنرا در دهان خود آماده سازد، و نان را برای تغذیه کودک شیرخوار بجود، بی آنکه چیزی از آنرا مرو برد، و باکی نیست که عطر را ببوید، مگر سوده آنرا زیرا که آن به دماغ او صعود میکند، و باکی نیست که شخص آشپز در حال روزه شوربا را با زبانش بجشد، بی آنکه آنرا فرو برد، تا شیرینش را از ترشش باز بشناسد.

(۲) ۱۸۷۰- و از منصور بن حازم روایت شده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که در حال روزه هسته خرما را در دهان خود

الْحَاتَمُ؟ قَالَ: نَعَمْ».

وَمَنْ احْتَلَمَ بِالنَّهَارِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَيْسَ صِيَامُهُ وَلَا قَضَاءٌ عَلَيْهِ.

۱۸۷۱- وَرَوَى عَمَّارُ بْنُ مُوسَى السَّابَّاطِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

«فِي الصَّائِمِ يَنْتَرِضُ ضِرْسُهُ؟ قَالَ: لَا، وَلَا يُذْمَى قَمَتُهُ».

۱۸۷۲- وَرَوَى عَنِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ أَنَّهُ قَالَ: «كَانَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ

عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا صَامَ تَضَيَّبَ بِالْقَلْبِ وَيَقُولُ: الْقَلْبُ تَخَفَةُ الصَّائِمِ».

۱۸۷۳- وَرَوَى الْعَلَاءُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ

«سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ يَدْخُلُ الْحَمَامَ وَهُوَ صَائِمٌ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ مَا لَمْ يَخْشَ ضَعْفًا».

وَلَا بَأْسَ بِالْقُبْلَةِ لِلصَّائِمِ لِلشَّيْخِ الْكَبِيرِ، فَأَمَّا الشَّابُّ الشَّيْقُ فَلَا، فَإِنَّهُ لَا

يُؤْمَرُ أَنْ تَشَبَّهُ شَهْوَتَهُ.

میگذارد، آیا این کار جایز است؟ فرمود: نه. گفتم: انگشتی را میتواند در دهن بگذارد؟ فرمود: آری.

و کسیکه در روز ماه رمضان محتمل شود میباید روزه اش را پایان برد، و قضائی بر ذمه اش نیست.

(۱) ۱۸۷۱- و عمار بن موسی الساباطی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که آیا شخص روزه دار میتواند دندانش را بکشد؟ فرمود: نه. و میباید دهان خود را خونین نسازد.

(۲) ۱۸۷۲- و از حسن بن راشد روایت شده است که گفت: امام صادق علیه السلام چون روزه میگرفت، خویش را معطر میساخت، و میفرمود: عطر تخفه روزه دار است.

(۳) ۱۸۷۳- و علاء از محمد بن مسلم روایت کرده است که از امام ابوجعفر علیه السلام درباره کسی سؤال کردند که در حال روزه داشتن به حمام میرود، پس فرمود: باکی نیست، در صورتیکه از ضعف بیم نداشته باشد.

و برای پیر فرتوت بوسیدن بی مانع است، ولی برای جوان سرشار از شهوت نه.

۱۸۷۴- وَقَدْ سِئِلَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «عَنِ الرَّجُلِ يُقَبِّلُ امْرَأَتَهُ وَهُوَ صَائِمٌ؟ قَالَ: هَلْ هِيَ إِلَّا رَتْحَانَةٌ يَشُمُّهَا».

وَأَفْضَلُ ذَلِكَ أَنْ يَنْتَرَةَ الصَّائِمُ عَنِ الْقُبْلَةِ.

۱۸۷۵- فَقَدْ قَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَمَّا يَسْتَحْيِي أَحَدُكُمْ أَنْ لَا

يَضْبِرَ يَوْمًا إِلَى اللَّيْلِ، إِنَّهُ كَانَ يُقَالُ: إِنَّ بَدْءَ الْقِتَالِ الْيَطَامُ».

وَلَوْ أَنَّ رَجُلًا لَصِقَ بِأَهْلِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَذْفَقَ كَانَ عَلَيْهِ عِثْقُ رَقَبَةٍ.

۱۸۷۶- وَسَأَلَ رِفَاعَةُ بْنُ مُوسَى أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ رَجُلٍ لَا مَسَـ

جَارِيَّتَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَأَمْدَى، قَالَ: إِنْ كَانَ حَرَامًا فَلْيَسْتَغْفِرِ اللَّهَ اسْتَغْفَارَ مَنْ لَا يَعُودُ أَبَدًا وَيَصُومُ يَوْمًا مَكَانَ يَوْمٍ».

زیرا بیم آن میرود که شهوتش عنان از کفش برآید.

۱۸۷۴- و از پیامبر صلی الله علیه وآله درباره مردی که در حال روزه داشتن، همسرش را ببوسد سؤال کردند، فرمود: آیا آن همسر جر شاخه رحمانی است که مرد او را میبوسد؟

و بهتر آنست که شخص روزه دار از بوسه خودداری نماید.

۱۸۷۵- زیرا امیرالمؤمنین علیه السلام فرموده است: آیا یکی از شما شرم نمیدارد از اینکه روزی را تا فرا رسیدن شب صبر نمیکند. این حقیقتی است که گفته اند: آغاز جنگ سیلی زدن است. (یعنی همانطور سیلی کار را به جنگ میکشد، بوسه نیز کار را به جماع منتهی میسازد).

و اگر مردی در ماه رمضان به همسر خود بچسبد، و منی از او تراوش کند، میباید بنده ای را آزاد سازد.

۱۸۷۶- و رفاعه بن موسی از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کرد، که در ماه رمضان کنیز خود را لمس کند، تا «مندی» از او تراوش نماید. فرمود: اگر آن از طریق حرام باشد، پس میباید از خدا آمرزش بخواهد، آمرزش طلبیدن کسیکه هرگز چنین کاری را اعاده نمیکند، و به جای هر روز روزه را روزه بدارد.

۱۸۷۷ - وَ سَأَلَهُ سَمَاعَةُ «عَنِ الرَّجُلِ يَلْصَقُ بِأَهْلِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟ فَقَالَ: مَا لَمْ يَخَفْ عَلَى نَفْسِهِ فَلَا بَأْسَ».

۱۸۷۸ - وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْقَيْصِ التِّمِّيُّ، عَنِ ابْنِ رِثَابٍ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَتَهَيَّأُ عَنِ التَّرْجِسِ لِلصَّائِمِ، فَقُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ وَلَيْمَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُ رَتْحَانُ الْأَعَاجِمِ».

۱۸۷۹ - وَ «سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمُخْرِمِ يَشُمُّ الرَّتْحَانَ، قَالَ: لَا، قِيلَ: فَالصَّائِمُ؟ قَالَ: لَا، قِيلَ: يَشُمُّ الصَّائِمُ أَغَالِيَةَ وَالذُّخْنَةَ؟ قَالَ: نَعَمْ، قِيلَ: كَيْفَ حَلَّ لَهُ أَنْ يَشُمَّ الطَّيِّبَ وَلَا يَشُمُّ الرَّتْحَانَ؟ قَالَ: لِأَنَّ الطَّيِّبَ سُئُهُ، وَ الرَّتْحَانَ

(۱) ۱۸۷۷ - و سماعه از آن امام، درباره مردی سؤال کرد که در ماه رمضان به همسر خود بچسبد، پس فرمود: تا هر زمان که از وقوع در انزال و جماع بر خود نترسد باکی نیست.

(۲) ۱۸۷۸ - و محمد بن قیض تیمی، از ابن رثاب روایت کرده است که: از امام صادق علیه السلام شنیدم که روزه دار را از بوییدن نرگس نهی می فرمود، پس گفتم: فدایت شوم، چرا؟ فرمود: زیرا که آن ریحان عجمان است.^۱

(۳) ۱۸۷۹ - و امام صادق علیه السلام را درباره مخرم پرسیدند آیا جایز است که او ریحان را ببوید؟ فرمود: نه. گفتند پس شخص روزه دار آیا میتواند آنرا ببوید؟ فرمود: نه. گفتند آیا بوئیدن نافه مشک و دُخنه^۲ برای روزه دار جایز است؟ فرمود: آری. گفتند: چگونه است که بوئیدن عطر برای او حلال است، و بوئیدن ریحان

(۱) بعید مینماید که این سخن متعلق به امام علیه السلام باشد، زیرا این بیان حاکی از غصبیت ممقوت قومی، و حمایت قومیت عربی است، که اسلام در محو آن کوششی بسزا کرده است. بعلاوه این تنها نرگس نیست که به عجمان تعلق داشته، بلکه ایرانیان باستان در اوج تمدن مادی می زیسته اند، و از کلیه مظاهر خوشگذرانی و تجمل برخوردار بوده اند، و چون استفاده از رنگ و بو و زیبایی و صفای گلها و ریاحین از بارزترین مظاهر تجمل و خوشگذرانی است، ایشان از همگی اقسام آنها بهره می گرفته اند، و بهترین دلیل بر این واقعیت وجود نام گلهای بسیار در اشعار و آثار ادبی فارسی بویژه آثار قدمای شعرای ایران است، که شاید در آثار ادبی هیچ قوم دیگر نظیر آن یافت نشود. (مترجم)

(۲) دُخنه دانه هایی از قبیل اسفند و امثال آن که برای خوشبو کردن فضا به آتش می افشانند.

بَدْعَةٌ لِلصَّائِمِ».

۱۸۸۰- وَ «كَانَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِذَا صَامَ لَا يَشُمُّ الرَّيْحَانَ، فَسُئِلَ عَنْ ذَلِكَ فَقَالَ: أَكْرَهُ أَنْ أَخْلِطَ صَوْمِي بِلَذَّةٍ».

۱۸۸۱- وَ رُوِيَ «أَنَّ مَنْ تَطَيَّبَ بِصَبِّ أَوَّلَ النَّهَارِ وَهُوَ صَائِمٌ لَمْ يَكُذِّ يَفْقِدْ عَقْلَهُ».

۱۸۸۲- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «سَأَلَهُ عَنِ الرَّجُلِ يَجِدُ الْبِرَّةَ أَيْدُخُلُ مَعَ أَهْلِهِ فِي لِحَافٍ وَهُوَ صَائِمٌ؟ قَالَ: يَجْعَلُ بَيْنَهُمَا ثَوْبًا»

وَ قَدْ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ رُخْصَةً لِلشَّيْخِ فِي الْمُبَاشَرَةِ.

۱۸۸۳- وَ سَأَلَ حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الصَّائِمِ يَسْتَنْقِعُ فِي الْمَاءِ، قَالَ: لَا بَأْسَ وَلَكِنْ لَا يَغْمِسُ، وَالْمَرْأَةُ لَا تَسْتَنْقِعُ فِي الْمَاءِ»

برایش حلال نیست؟ فرمود: این بدان سبب است که برای روزه دار عطر مست است، و ریحان بدعت.

(۱) ۱۸۸۰- و امام صادق علیه السلام چون روزه میگرفت ریحان را نمیبوید، پس چون از حکمت این کار جويا شدند، فرمود: خوش نمیدارم که روزه ام را با لذت درآمیزم.

(۲) ۱۸۸۱- و روایت شده است که شخص روزه داری که در اول روز خود را معطر سازد، بیم آن میرود که عقلش را از دست بدهد.

(۳) ۱۸۸۲- و محمد بن مسلم روایت کرده است که از امام ابوجعفر علیه السلام درباره مردی سؤال کرده است که احساس سرما میکند، در اینصورت آیا جایز است که او در حال روزه داشتن با همسرش در یک بستر داخل شود؟ فرمود: باید میان خودش و همسرش قاشی را حائل سازد. و عبدالله بن سنان از آن امام روایت کرده است که پیر سالخورده میتواند بدون حجب و حائل با همسرش به یک لحاف داخل شود.

(۴) ۱۸۸۳- و حنان بن سدير از امام صادق علیه السلام درباره روزه داری سؤال

لِأَنَّهَا تَحْمِلُ الْمَاءَ بِقُبُلِهَا».

* (بَابُ مَا يَجِبُ عَلَى مَنْ أَفْطَرَ أَوْ جَامَعَ) *

* (فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا أَوْ نَاسِيًا) *

۱۸۸۴ - رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي رَجُلٍ أَفْطَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَمِّدًا يَوْمًا وَاحِدًا مِنْ غَيْرِ عَذْرِ، قَالَ: يُعْتِقُ رَقَبَةً، أَوْ يَصُومُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ، أَوْ يُطْعِمُ سِتِّينَ مِسْكِينًا فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ تَصَدَّقَ بِمَا يُطْلِقُ».

۱۸۸۵ - وَ رَوَى عَبْدُ الْمُؤْمِنِ بْنُ الْقَاسِمِ الْأَنْصَارِيُّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «أَنَّ رَجُلًا أَتَى النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: هَلَكْتُ وَاهْلَكْتُ فَقَالَ: وَمَا أَهْلَكَ؟ قَالَ: أَتَيْتُ امْرَأَتِي فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَأَنَا صَائِمٌ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: أَغْنَيْ رَقَبَةً، قَالَ: لَا أَجِدُ، قَالَ: فَصُمْ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ، قَالَ: لَا

کرد که در آب بنشیند، پس امام فرمود: با کی نیست، ولی میباید در آب فرو نرود، و برای زن جایز نیست که در آب بنشیند، زیرا که او با عضو پیشینش آب را حمل میکند.

* (بَابُ حَكْمِ كَسِيكَةٍ أَوْ رُويِ عَمْدٍ يَأْ بِهٖ عِلْتِ فَرَامُوشِي) *

* (مَاهُ رَمَضَانَ رُوزَه‌اش رَا بَغْشَايِد، يَأْ مَجَامَعَتِ كَنْد) *

۱۸۸۴ - حَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ، از عبد الله بن سنان روایت کرده است که امام صادق علیه السلام دربارهٔ مردی که در یک روز از ماه رمضان بدون عذری روزه‌اش را از روی عمد بشکند، فرمود: میباید بنده‌ای را آزاد کند، یا دو ماه پیاپی روزه بدارد، یا شصت مسکین را اطعام نماید، و اگر قادر به این امور نباشد میباید به اندازهٔ طاقتش صدقه بدهد.

۱۸۸۵ - وَ عَبْدُ الْمُؤْمِنِ بْنُ قَاسِمِ الْأَنْصَارِيِّ، از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است که: مردی نزد پیامبر صلی الله علیه و آله آمد، و گفت: هلاک شدم، و هلاک کردم، پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: کدام چیز تو را هلاک ساخته

أَطِيقُ، قَالَ: تَصَدَّقْ عَلَى سِتِّينَ مَسْكِينًا، قَالَ: لَا أَجِدُ قَاتِيَّ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَبْعَثُ فِي مِكَتَلٍ فِيهِ خَمْسَةُ عَشَرَ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ، فَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خُذْهَا فَتَصَدَّقْ بِهَا، فَقَالَ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا مَا بَيْنَ لَابَتَيْهَا أَهْلُ بَيْتٍ أَخْرَجَ إِلَيْهِ مِثًا، فَقَالَ: خُذْهُ فَكُلْهُ أَنْتَ وَ أَهْلُكَ فَإِنَّهُ كَفَّارَةٌ لَكَ».

۱۸۸۶- وَ فِي رِوَايَةِ جَمِيلِ بْنِ ذُرَّاجٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «إِنَّ الْمِكَتَلَ الَّذِي أُتِيَ بِهِ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ فِيهِ عِشْرُونَ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ».

۱۸۸۷- وَ رَوَى إِدْرِيسُ بْنُ هِلَالٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَتَى أَهْلَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، قَالَ: عَلَيْهِ عِشْرُونَ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ، فَبَذَلَكَ أَمَرَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الرَّجُلَ الَّذِي أَتَاهُ فَسَأَلَهُ عَنْ ذَلِكَ».

است؟ مرد گفت: من در ماه رمضان و در حال روزه داشتن با همسرم مقاربت کردم. پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: بنده ای را آزاد کن، گفت: توانائی آن را ندارم. فرمود: پس دو ماه پیاپی روزه بدار، گفت طاقت نمی آورم، فرمود به شصت مسکین صدقه بده. گفت سرمایه آن را ندارم. پس در این میان خوشه خرمائی در سبدی برای پیامبر صلی الله علیه و آله به هدیه آوردند، که پانزده صاع خرما در آن بود، پس پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود آنرا بردار و صدقه کن. مرد گفت: به آن خدای که تورا به حق مبعوث فرمود، در میان دو سنگستانی که مدینه را در بردارد، خانواده ای محتاج تر از ما به این خرما وجود ندارد! پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود: آنرا بردار و با خانواده ات بخور، که آن کفاره تو است!

① ۱۸۸۶- و در روایت جمیل بن ذرّاج آمده است، که سبدی که برای پیامبر صلی الله علیه و آله آوردند بیست صاع خرما درون آن بود.

② ۱۸۸۷- و ادريس بن هلال روایت کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردند که در ماه رمضان با همسرش مقاربت کند، امام فرمود: میباید بیست صاع خرما بپردازد، زیرا پیامبر صلی الله علیه و آله مردی را که نزد آن حضرت آمد و در این باره سؤال کرد به همین کار مأمور ساخت.

۱۸۸۸- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ النُّعْمَانِ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقَالَ: كَفَّارَتُهُ جَرِيَانٌ مِنْ طَعَامٍ وَهُوَ عَشْرُونَ صَاعًا».

۱۸۸۹- وَ فِي رِوَايَةِ الْمُفَضَّلِ بْنِ عُمَرَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي رَجُلٍ أَتَى امْرَأَتَهُ وَهُوَ صَائِمٌ وَهِيَ صَائِمَةٌ، فَقَالَ: إِنْ كَانَ اسْتَكْرَهَهَا فَقَلْبُهُ كَفَّارَتَانِ، وَإِنْ كَانَتْ طَاوَعَتْهُ فَقَلْبُهُ كَفَّارَةٌ وَعَلَيْهَا كَفَّارَةٌ، وَإِنْ كَانَ أَكْرَهَهَا فَقَلْبُهُ ضَرْبُ خَمْسِينَ سَوَاطٍ يَصِفُ الْحَدَّ وَإِنْ كَانَتْ طَاوَعَتْهُ ضَرْبُ خَمْسَةٍ وَعِشْرِينَ سَوَاطٍ».

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللَّهُ -: لَمْ أَجِدْ [شَيْئًا فِي] ذَلِكَ فِي شَيْءٍ مِنَ الْأَصُولِ وَإِنَّمَا تَفَرَّدَ بِرِوَايَتِهِ عَلِيُّ بْنُ إِبْرَاهِيمَ بْنِ هَاشِمٍ.

۱۸۹۰- وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مُحَمَّدٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ بُرَيْدِ الْعِجْلِيِّ قَالَ: «سُئِلَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ شَهِدَ عَلَيْهِ شُهُودٌ أَنَّهُ أَفْطَرَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ قَالَ: يُسَلُّ مَلَأَ عَلَيْكَ فِي إِفْطَارِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِيْمًا؟ فَإِنْ قَالَ:

(۱) ۱۸۸۸- و محمد بن نعمان روایت کرده است که از آن امام درباره مردی سؤال کردند، که روزه روزی از ماه رمضان را شکسته است، امام فرمود: کفاره او دو جریب از طعام است، و آن بیست صاع است.

(۲) ۱۸۸۹- و در روایت مفضل بن عمر از امام صادق علیه السلام درباره مردی آمده است که در حال روزه داشتن با همسر روزه دار خود مقاربت کند، پس امام علیه السلام فرمود: اگر همسرش را مجبور به این کار کند دو کفاره بر ذمه دارد، و اگر آن زن از او پیروی کند، هریک از آن دو کفاره ای بر ذمه دارند. و در صورت اول به پنجاه ضربه تازیانه برابر با نصف حد محکوم است، و در صورت دوم هریک از آن دو به بیست و پنج ضربه محکوم میشود.

مصنف این کتاب - رحمه الله - گفت: من در اصلی از اصول چیزی در این باره نیافته ام، و تنها علی بن ابراهیم بن هاشم آنرا روایت کرده است.

(۳) ۱۸۹۰- و حسن بن محبوب، از هشام بن سالم، از برید عجلی روایت کرده است، که گفت: از امام ابو جعفر علیه السلام درباره مردی سؤال کردند که شهودی

لَا فَإِنَّ عَلَى الْإِمَامِ أَنْ يَقْتُلَهُ، وَإِنْ قَالَ: نَعَمْ فَقَلَى الْإِمَامُ أَنْ يُشْهِكَهُ ضَرْباً».

۱۸۹۱- وَ فِي رِوَايَةِ سَمَاعَةَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ

رَجُلٍ أَخَذَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَقَدْ أَفْطَرَ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ وَقَدْ رُفِعَ إِلَى الْإِمَامِ ثَلَاثَ مَرَّاتٍ، قَالَ: فَيُقْتَلُ فِيهِ الثَّالِثَةُ».

۱۸۹۲- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ أَفْطَرَ يَوْماً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ خَرَجَ

رُوحُ الْإِيمَانِ مِنْهُ، وَمَنْ أَفْطَرَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَبِداً فَقَلْبُهُ كَفَّارَةٌ وَاجِدَةٌ وَقَضَاءُ يَوْمِ مَكَانَتِهِ وَأَنْتَى لَهُ بِمِثْلِهِ».

وَأَمَّا الْخَبَرُ الَّذِي رُوِيَ فِيمَنْ أَفْطَرَ يَوْماً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مُتَعَبِداً أَنَّ عَلَيْهِ

ثَلَاثَ كَفَّارَاتٍ فَإِنِّي أَقْتِي بِهِ فِيمَنْ أَفْطَرَ بِجَمَاعٍ مُحَرَّمٍ عَلَيْهِ أَوْ بِطَعَامٍ مُحَرَّمٍ عَلَيْهِ

علیه او شهادت بدهند که او سه روز در ماه رمضان روزه اش را شکسته است. امام علیه السلام فرمود: از او پرسیده میشود که: آیا در افطارت در ماه رمضان گناهی بر تو تعلق میگیرد؟ پس اگر بگوید: نه. بر عهده امام است که او را بکشد، و اگر بگوید: آری پس امام میباید او را بشدت مضروب سازد.

(۷) ۱۸۹۱- و در روایت سماعه، از امام صادق علیه السلام آمده است که گفت: از آن امام علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که در ماه رمضان دستگیر شده، درحالیکه سه بار روزه را شکسته است، و سه بار به محضر امام برده شده است، فرمود: پس در دفعه سوم کشته میشود.

(۸) ۱۸۹۲- و امام صادق علیه السلام فرمود: کسیکه روزه یک روز از ماه رمضان را بشکند روح ایمان از وجودش خارج میشود، و کسیکه در ماه رمضان از روی عمد روزه را بشکند یک کفاره و قضای یک روز بجای آن بر ذقه اش تعلق میگیرد، و کی و کجا این برای او آن روز را جبران خواهد کرد؟!.

و اما خبری که روایت شده است، دائر بر اینکه هر کس روزه روزی از ماه رمضان را عمداً بشکند، سه کفاره بر ذقه اش تعلق میگیرد، پس من به مقتضای آن درباره کسی فتوی میدهم که روزه خود را به وسیله جماعی حرام بر او، یا طعامی حرام

لِوُجُودِي ذَلِكَ فِي رِوَايَاتِ أَبِي الْحُسَيْنِ الْأَسَدِيِّ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فِيمَا وَرَدَ عَلَيْهِ مِنْ الشَّيْخِ أَبِي جَعْفَرٍ مُحَمَّدِ بْنِ عُثْمَانَ الْعُمَرِيِّ - قَدَسَ اللَّهُ رُوحَهُ - .

۱۸۹۳ - وَ رَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «سُئِلَ عَنْ رَجُلٍ نَسِيَ فَأَكَلَ وَ شَرِبَ، ثُمَّ ذَكَرَ، قَالَ: لَا يُغْطَرُ إِنَّمَا هُوَ شَيْءٌ رَزَقَهُ اللَّهُ فَلْيَتِمَّ صَوْمُهُ» .

۱۸۹۴ - وَ سَأَلَهُ عَمَّارُ بْنُ مُوسَى «عَنِ الرَّجُلِ يَتَسَّى وَ هُوَ صَائِمٌ فَجَامَعَ أَهْلَهُ قَالَ: يَغْتَسِلُ وَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ» .

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللَّهُ - : وَ ذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَ غَيْرِهِ وَلَا يَجِبُ فِيهِ الْقَضَاءُ هَكَذَا رَوَى عَنِ الْأَيْمَنِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ .

۱۸۹۵ - وَ رَوَى عَلِيُّ بْنُ رِثَابٍ، عَنْ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مَيْمُونٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا

بر او شکسته باشد. زیرا فقوای ابن فتوی را در روایت ابوالحسن آسیدی - رضی الله عنه - در آنچه از طرف شیخ ابوجعفر، محمد بن عثمان عمری - قدس الله روحه - به او رسیده است یافته ام .

(۱) ۱۸۹۳ - و حلبی روایت کرده است که از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردند که در اثر فراموشی خورده، و نوشیده، و آنگاه متذکر شده است. امام علیه السلام فرمود: روزه اش شکسته نمیشود، و همانا آنچه خورده و آشامیده چیزی است که خدا آنرا روزی او ساخته است. پس میباید روزه اش را به پایان برساند.

(۲) ۱۸۹۴ - و عمار بن موسی از آن امام علیه السلام درباره مردی سؤال کرد که از روی فراموشی در حال روزه با همسرش جماع کند. پس امام علیه السلام فرمود: او غسل بجا می آورد، و چیزی بر ذمه ندارد.

مصنف این کتاب - رحمه الله - گفت: و این حکم، هم مربوط به ماه رمضان است و هم غیر آن، و در این مورد قضا واجب نیست، چنانکه از ائمه علیهم السلام روایت شده است.

(۳) ۱۸۹۵ - و علی بن رثاب، از ابراهیم بن میمون روایت کرده است، که

عَبْدُ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يُجْنِبُ بِاللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، ثُمَّ يَتَسَوَّى أَنْ يَغْتَسِلَ حَتَّى يَمُضِيَ لَيْلُكَ جُمُعَةً أَوْ يَخْرُجَ شَهْرُ رَمَضَانَ، قَالَ: عَلَيْهِ قَضَاءُ الصَّلَاةِ وَالصَّوْمِ».

۱۸۹۶- وَرَوَى فِي خَيْرِ آخَرٍ «أَنَّ مَنْ جَامَعَ فِي أَوَّلِ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ نَسِيَ الْغُسْلَ حَتَّى خَرَجَ شَهْرُ رَمَضَانَ أَنْ عَلَيْهِ أَنْ يَغْتَسِلَ وَيَقْضِيَ صَلَاتَهُ وَصَوْمَهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ قَدْ اغْتَسَلَ لِلْجُمُعَةِ فَإِنَّهُ يَقْضِي صَلَاتَهُ وَصِيَامَهُ إِلَى ذَلِكَ الْيَوْمِ وَلَا يَقْضِي مَا بَعْدَ ذَلِكَ».

۱۸۹۷- وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ أَبِي نَصْرٍ، عَنْ أَبِي سَعِيدٍ الْقَمَاطِ أَنَّهُ «سُئِلَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَمَّنْ أَجَنَّبَ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَنَامَ حَتَّى أَصْبَحَ قَالَ: لَا شَيْءَ عَلَيْهِ وَ ذَلِكَ أَنَّ جَنَابَتَهُ كَانَتْ فِي وَقْتِ حَلَالٍ».

۱۸۹۸- وَ رَوَى ابْنُ أَبِي يَغْفُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ:

گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که در ماه رمضان شبانگاه جنب میشود، و آنگاه غسل را فراموش میکند، تا جمعه ای بر آن میگردد، یا ماه رمضان پایان میرسد، امام فرمود: میباید قضای نماز و روزه را بجا آورد.

① ۱۸۹۶- و در خبری دیگر روایت شده است که کسیکه در اول ماه رمضان جماع کند، و آنگاه غسل را از یاد ببرد تا ماه رمضان سپری گردد، مکلف است که غسل کند، و قضای نماز و روزه اش را بجا آورد، مگر آنکه در این میان برای جمعه غسل کرده باشد، که در اینصورت نماز و روزه تا آن روزش را قضا میکند، و ما بعد آن را قضا نمیکند.

② ۱۸۹۷- و در روایت ابن ابی نصر از ابوسعید قمط آمده است، که او از امام صادق علیه السلام درباره کسی سؤال کرد که در ماه رمضان در اول شب جنب شود، و پس از آن بخوابد، تا صبح فرا رسد، امام فرمود چیزی بر ذمه اش نیست، و این بدان جهت است که جنابت او در ساعتی حلال رخ داده است.

③ ۱۸۹۸- و ابن ابی یغفور در روایت خود گفت: از امام صادق علیه السلام در

«الرَّجُلُ يُجَنِّبُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ يَسْتَقِظُ، ثُمَّ يَنَامُ، ثُمَّ يَسْتَقِظُ، ثُمَّ يَنَامُ حَتَّى يُصْبِحَ؟ قَالَ: يُتِمُّ صَوْمَهُ وَيَقْضِي يَوْمًا آخَرَ، فَإِنْ لَمْ يَسْتَقِظْ حَتَّى يُصْبِحَ أَتَمَّ صَوْمَهُ وَجَازَلَهُ».

۱۸۹۹- وَ سَأَلَهُ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ «عَنِ الرَّجُلِ يَقْضِي شَهْرَ رَمَضَانَ فَيُجَنِّبُ مِنْ أَوَّلِ اللَّيْلِ وَلَا يَغْتَنِيْلُ حَتَّى يَجِيءَ آخِرُ اللَّيْلِ وَهُوَ يَرَى أَنَّ الْفَجْرَ قَدْ طَلَعَ، قَالَ: لَا يَصُومُ ذَلِكَ الْيَوْمَ وَيَصُومُ غَيْرَهُ».

۱۹۰۰- وَ سَأَلَهُ الْعِصْبُ بْنُ الْقَاسِمِ «عَنِ الرَّجُلِ يَنَامُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَحْتَلِمُ، ثُمَّ يَسْتَقِظُ ثُمَّ يَنَامُ قَبْلَ أَنْ يَغْتَنِيْلَ، قَالَ: لَا بَأْسَ».

۱۹۰۱- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ، عَنْ أَبِي الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيِّ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ صَامَ ثُمَّ ظَنَّ أَنَّ الشَّمْسَ قَدْ غَابَتْ وَفِي

باره مردی سؤال کردم که در ماه رمضان جنب میشود، و آنگاه بیدار میگردد، و بار دیگر میخوابد و باز بیدار میشود، و پس از آن میخوابد تا به صبح داخل میگردد. فرمود: روزه اش را پایان میدهد، و روزی دیگر به عنوان قضا روزه میدارد، ولی اگر بیدار نشد تا صبح دمید، روزه اش را پایان میدهد، و این روزه او را کفایت میکند.

① ۱۸۹۹- و عبدالله بن سنان از آن امام درباره مردی سؤال کرد، که روزه قضاء ماه رمضان را بجا می آورد، و از اول شب جنب میشود، و تا آخر شب غسل نمیکند و چنین می پندارد که فجر دمیده است. فرمود: آن روز را روزه نمیدارد، و روزی دیگر روزه میگیرد.

② ۱۹۰۰- و عیص بن قاسم از آن امام درباره مردی سؤال کرد، که در ماه رمضان میخوابد و محتلم میشود، و آنگاه بیدار میگردد، و بار دیگر پیش از آنکه غسل کند میخوابد، فرمود: باکی نیست.

③ ۱۹۰۱- و محمد بن فضیل، از ابوالصباح کنانی، روایت کرده است، که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که روزه گرفت، و آنگاه پنداشت که خورشید ناپدید شده است، و آسمان در آن حال ابری بود، و از اینرو افطار

السَّمَاءِ غَيْمٌ فَأَفْطَرَ، ثُمَّ إِنَّ السُّحَابَ انْجَلَىٰ فَإِذَا الشَّمْسُ لَمْ تَغِبْ، قَالَ: قَدْ تَمَّ صَوْمُهُ وَلَا يَقْضِيهِ».

۱۹۰۲- وَ رَوَى حَمَّادٌ، عَنْ حَرِيزٍ، عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «وَقْتُ الْمَغْرِبِ إِذَا غَابَ الْقُرْصُ فَإِنْ رَأَيْتَهُ بَعْدَ ذَلِكَ وَقَدْ صَلَّيْتَ أَعَدْتَ الصَّلَاةَ وَمَضَى صَوْمُكَ، وَتَكْفُ عَنِ الطَّعَامِ إِنْ كُنْتَ قَدْ أَصَبْتَ مِنْهُ شَيْئًا». وَ كَذَلِكَ رَوَى زَيْدُ الشَّحَامِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ. وَ يَهْدِيهِ الْأَخْبَارُ أَفْتِي، وَلَا أَفْتِي بِالْخَبَرِ الَّذِي أَوْجَبَ عَلَيْهِ الْقَضَاءُ لِأَنَّهُ رِوَايَةُ سَمَاعَةَ بْنِ مِهْرَانَ وَ كَانَ وَاقِفِيًّا.

* (بَابُ الْحَدِّ الَّذِي يُؤْخَذُ فِيهِ الصَّبِيَّانُ بِالصَّوْمِ) *

۱۹۰۳- قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الصَّبِيُّ يُؤْخَذُ بِالصَّبَامِ إِذَا بَلَغَ تِسْعَ

کرد، پس از آن ابر برطرف شد، و ناگهان دید که خورشید غروب نکرده است، فرمود: روزه او کامل است و آنرا قضا نمیکند.

(۱) ۱۹۰۲- و حماد از حریر، از زراره روایت کرده است که گفت: امام ابو جعفر علیه السلام فرمود: وقت مغرب زمانی است که قرص خورشید ناپدید شود، پس بعد از ناپدید شدن اگر آنرا دیدی، در صورتیکه نماز را خوانده باشی آنرا اعاده میکنی، ولی روزه ات صحیح و کافی است، و اگر چیزی از طعام خورده باشی از ادامه آن خودداری میکنی.

و زید شحام نیز همینگونه از امام صادق علیه السلام روایت کرده است. و من به مَذْلُولِ این اخبار فتوی میدهم، و به مَذْلُولِ خبری که قضا را بر او واجب ساخته است فتوی نمیدهم، زیرا که آن، روایت سماعة بن مهران است، و او «واقفی» بوده است.

* (بَابُ حَدِّی از عمر که کودکان چون به) *

* (آن حد برسند مجبور به روزه داشتن میشوند) *

(۲) ۱۹۰۳- امام صادق علیه السلام فرمود: کودک چون به نه سال رسید او را به

سِنِينَ عَلَى قَدَرِ مَا يُطِيقُهُ، فَإِنْ أَطَاقَ إِلَى الظُّهْرِ أَوْ بَعْدَهُ صَامَ إِلَى ذَلِكَ الْوَقْتِ، فَإِذَا غَلَبَ عَلَيْهِ الْجُوعُ أَوِ الْعَطَشُ أَفْطَرَ».

۱۹۰۴- وَرَوَى عَنْهُ إِسْمَاعِيلُ بْنُ مُسْلِمٍ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا أَطَاقَ الْعُلَامُ صَوْمَ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ مُتَتَابِعَةٍ فَقَدْ وَجِبَ عَلَيْهِ صِيَامُ شَهْرِ رَمَضَانَ».

۱۹۰۵- وَسَأَلَهُ سَمَاعَةُ «عَنِ الصَّبِيِّ مَتَى يَصُومُ؟» قَالَ: إِذَا قَوِيَ عَلَى الصِّيَامِ».

۱۹۰۶- وَفِي رِوَايَةِ مُعَاوِيَةَ بْنِ وَهَبٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي كَيْفِ يُؤْخَذُ الصَّبِيُّ بِالصِّيَامِ؟ قَالَ: مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ خُمْسِ عَشْرَةِ سَنَةٍ، أَوْ أَرْبَعِ عَشْرَةِ سَنَةٍ، فَإِنْ هُوَ صَامَ قَبْلَ ذَلِكَ فَدَعُهُ، وَلَقَدْ صَامَ ابْنِي فَلَانٌ قَبْلَ ذَلِكَ فَتَرَكْتُهُ».

۱۹۰۷- وَفِي خَبَرٍ آخَرَ: «عَلَى الصَّبِيِّ إِذَا اخْتَلَمَ الصِّيَامَ، وَعَلَى الْمَرْأَةِ إِذَا

اندازه طاقتش به روزه وامیدارند، پس اگر تا ظهر یا بعد از آن طاقت آورد، تا همان وقت روزه بگیرد، ولی چون گرسنگی یا تشنگی بر او چیره شد افطار میکند.

(۱) ۱۹۰۴- و اسماعیل بن مسلم از آن امام علیه السلام روایت کرده است که فرمود: زمانی که پسر طاقت روزه گرفتن سه روز پیاپی را بیاورد، روزه ماه رمضان بر او واجب شده است.

(۲) ۱۹۰۵- و سماعه از آن امام علیه السلام درباره کودک سؤال کرد که چه وقت باید روزه بگیرد؟ فرمود: زمانی که نیروی روزه گرفتن را بدست آورده باشد.

(۳) ۱۹۰۶- و در روایت معاویه بن وهب آمده است که گفت: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که کودک در چند سالگی میباید به روزه گرفتن گمارده شود؟ فرمود: زمانی که به سن پانزده سالگی و یا چهارده سالگی رسید، پس اگر قبل از این خود روزه گرفت او را بحال خود گذار، و پسر من فلانی پیش از این سنین روزه می گرفت و من او را بحال خود وامی گذاشتم.

۱۹۰۷- و در روایت دیگر پسر بعد از احتلام و دختر وقتی که خون حیض دید تکلیف روزه یافته و بر آن دو واجب شود.

حَاضَتِ الصَّيَّامُ»

وَهَذِهِ الْأَخْبَارُ كُلُّهَا مُتَّفِقَةٌ الْمَعَانِي، يُؤْخَذُ الصَّبِيُّ بِالصَّيَّامِ إِذَا بَلَغَ تِسْعَ سِنِينَ إِلَى أَرْبَعِ عَشْرَةِ سَنَةٍ أَوْ خَمْسَ عَشْرَةِ سَنَةٍ وَإِلَى الْإِحْتِلَامِ، وَكَذَلِكَ الْمَرْأَةُ إِلَى الْحَيْضِ، وَوُجُوبُ الصَّوْمِ عَلَيْهِمَا بَعْدَ الْإِحْتِلَامِ وَالْحَيْضِ، وَمَا قَبْلَ ذَلِكَ تَأْدِيبٌ.

* (بَابُ الصَّوْمِ لِلرُّؤْيَةِ وَالْفِطْرِ لِلرُّؤْيَةِ) *

۱۹۰۸- رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا رَأَيْتُمُ الْهَيْلَالَ فَصُومُوا وَإِذَا رَأَيْتُمُوهُ فَأَفْطِرُوا، وَلَيْسَ بِالرَّأْيِ وَالتَّظَنِّي، وَلَيْسَ الرُّؤْيَةُ أَنْ يَقُومَ عَشْرَةُ نَفَرٍ يَنْظُرُونَ فَيَقُولَ وَاحِدٌ مِنْهُمْ: هُوَذَا [هُوَذَا]، وَيَشْطُرُ تِسْعَةً فَلَا يَرَوْنَهُ، وَلَكِنْ إِذَا رَأَاهُ وَاحِدٌ رَأَاهُ أَلْفٌ».

۱۹۰۹- وَرَوَى الْفَضْلُ بْنُ عُثْمَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ: «لَيْسَ عَلَى أَهْلِ الْقِبْلَةِ إِلَّا الرُّؤْيَةُ، [و] لَيْسَ عَلَى الْمُسْلِمِينَ إِلَّا الرُّؤْيَةُ».

این اخبار همگی در معنی موافقتند، و پسر را بروزه وامیدارند چون بسن نه سالگی و یازمانیکه به سن چهارده سالگی یا پانزده سالگی بالغ شود، و تا زمانیکه محتمل گردد، و همچنین زن تا زمانیکه حائض شود، و وجوب روزه بر آن دو، بعد از احتلام و حیض و قبل از آن، [به جهت] تأدیب است.

* (بَابُ رُوزِهِ گرفتن و افطار کردن به هنگام رؤیت هلال) *

۱۹۰۸- مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: چون هلال را رؤیت کنید روزه بدارید، و باز چون هلال را رؤیت نمائید افطار کنید. و این کار وابسته به رأی و اعمال گمان نیست، و رؤیت این نیست که ده نفر به نظاره بایستند، پس یکی از ایشان بگوید: هلال این است! [هلال این است:] و نه نفر دیگر نگاه کنند، ولی آنرا نبینند، [این معنای رؤیت نیست] بلکه وقتی یک نفر آنرا دید هزار نفر [می توانند] آنرا ببینند.

۱۹۰۹- وَفَضْلُ بْنُ عُثْمَانَ از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که

۱۹۱۰- وَ فِي رِوَايَةِ الْقَاسِمِ بْنِ عُرْوَةَ، عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ الْفَضْلِ بْنِ-
عَبْدِ الْمَلِكِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الصَّوْمُ لِلرُّؤْيَةِ، وَالْفِطْرُ لِلرُّؤْيَةِ، وَلَيْسَ
الرُّؤْيَةُ أَنْ يَرَاهُ وَاحِدٌ وَلَا اثْنَانِ وَلَا خَمْسُونَ».

۱۹۱۱- وَ فِي رِوَايَةِ مُحَمَّدِ بْنِ قَيْسٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ
أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِذَا رَأَيْتُمُ الْهَيْلَالَ فَأَفْطِرُوا، أَوْ شَهِدَ عَلَيْهِ عَدْلٌ مِنَ
الْمُسْلِمِينَ، وَإِنْ لَمْ تَرَوْا الْهَيْلَالَ إِلَّا مِنْ وَسْطِ النَّهَارِ أَوْ آخِرِهِ فَأَتِمُّوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ،
فَإِنْ غَمَّ عَلَيْكُمْ فَعَدُّوا ثَلَاثِينَ لَيْلَةً ثُمَّ أَفْطِرُوا».

۱۹۱۲- وَ فِي رِوَايَةِ الْحَلْبِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَنَّ عَلِيًّا
عَلَيْهِ السَّلَامُ كَانَ يَقُولُ: لَا أُجِزُ فِي رُؤْيَةِ الْهَيْلَالِ إِلَّا شَهَادَةَ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ».

۱۹۱۳- وَ سَأَلَهُ سَمَاعَةُ «عَنِ الْيَوْمِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يُخْتَلَفُ فِيهِ قَالَ: إِذَا

فرمود: تکلیف اهل قبله [در شناخت حلول ماه رمضان و عید فطر] جز رؤیت نیست،
و تقوم و جدولهای حساب برای اثبات آن اعتبار ندارد. [و] تکلیف مسلمین جز
رؤیت نیست.

۱۹۱۰- و در روایت قاسم بن عروه، از ابوالعباس، فضل بن عبدالملک، از
امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: روزه بر مبنای رؤیت، و فطر بر مبنای
رؤیت است، (یعنی اول و آخر ماه) و رؤیت این نیست که یک نفر یا دو نفر یا پنجاه
نفر آن را ببینند.

۱۹۱۱- و در روایت محمد بن قیس از امام ابوجعفر علیه السلام آمده است،
که فرمود: امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: چون هلال را ببینید یا شهود عدلی از مسلمین
بر آن شهادت دهند، افطار کنید، و اگر هلال را جز از وسط یا آخر روز ندیدید، پس
روز را تا شب به اتمام برسانید، و اگر کار بر شما مبهم و دشوار شد، پس سی شب را
بشمارید، و آنگاه افطار کنید.

۱۹۱۲- و در روایت حلبی از امام صادق علیه السلام آمده است که علی
علیه السلام میفرمود: در مورد رؤیت هلال جز شهادت دو مرد عادل را تنفیذ نمیکنم.

۱۹۱۳- و سماعه درباره روزی در ماه رمضان که مورد اختلاف واقع شود،

اجْتَمَعَ أَهْلُ الْمِصْرِ عَلَى صِيَامِهِ لِلرُّؤْيَةِ فَاقْضِ إِذَا كَانَ أَهْلُ الْمِصْرِ خَمْسِمَائَةٍ
إِنْسَانٍ».

۱۹۱۴- وَقَالَ عَلِيُّ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا تُقْبَلُ شَهَادَةُ النِّسَاءِ فِي رُؤْيَةِ الْهِلَالِ
إِلَّا شَهَادَةُ رَجُلَيْنِ عَدْلَيْنِ».

۱۹۱۵- وَسَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «عَنِ
الرَّجُلِ يَرَى الْهِلَالَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَحَدَّهُ لَا يُبَصِّرُهُ غَيْرُهُ أَلَا أَنْ يَصُومَ؟ قَالَ: إِذَا لَمْ
يَشْكُ فَلْيُفِطِرْ، وَإِلَّا فَلْيَصُمْهُ مَعَ النَّاسِ».

۱۹۱۶- وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُرَازِمٍ، عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
«إِذَا تَطَوَّقَ الْهِلَالُ فَهُوَ لِلثَّلَاثِينَ، وَإِذَا رَأَيْتَ ظِلَّ رَأْسِكَ فِيهِ فَهُوَ لِثَلَاثِ لَيَالٍ».

۱۹۱۷- وَرَوَى حَمَّادُ بْنُ عَيْسَى، عَنْ إِسْمَاعِيلَ بْنِ الْحُرِّ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ
عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا غَابَ الْهِلَالُ قَبْلَ الشَّفَقِ فَهُوَ لِلثَّلَاثَةِ، وَإِذَا غَابَ بَعْدَ الشَّفَقِ

از آن امام سؤال کرد، فرمود: در صورتیکه اهل شهر بر روزه گرفتن آن روز، به علت
رؤیت هلال اجتماع کنند، تو نیز روزه بدار، و این در صورتی است که شمار اهل شهر
به پانصد نفر بالغ شود.

۱- ۱۹۱۴- و علی علیه السلام فرمود: شهادت زنان در رؤیت هلال قبول
نمیشود، و جز شهادت دو مرد عادل پذیرفته نیست.

۵- ۱۹۱۵- و علی بن جعفر از برادرش امام موسی بن جعفر علیهما السلام در باره
مردی سؤال کرد که هلال - شوال - را در ماه رمضان به تنهایی ببیند، و غیر از او کسی
آنها مشاهده نکند، آیا برای او جایز است که روزه بدارد؟ امام فرمود: در صورتیکه
در مورد رؤیت شک نکند باید افطار کند، و الا میباید آن روز را با مردم روزه بدارد.

۶- ۱۹۱۶- و محمد بن مرزوم، از پدرش، از امام صادق علیه السلام روایت کرده
است، که فرمود: «وقتی که هلال به صورت طوق درآید، پس آن، ماه دوشبه است، و
چون سایه سرت را در آن ببینی، پس آن ماه سه شبه است.

۷- ۱۹۱۷- و حماد بن عیسی، از اسماعیل بن حر، از امام صادق علیه السلام

فَهُوَ لِلثَّلاثِينَ».

۱۹۱۸- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا صَحَّ هِلَالٌ رَجَبٍ فَقَدْ تِسْعَةٌ وَخَمْسِينَ يَوْمًا وَصُمَّ يَوْمَ الثَّلاثِينَ».

۱۹۱۹- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِذَا صُمِّتَ شَهْرَ رَمَضَانَ فِي الْعَامِ الْمَاضِي فِي يَوْمٍ مَعْلُومٍ فَقَدْ فِي الْعَامِ الْمُسْتَقْبَلِ مِنْ ذَلِكَ الْيَوْمِ خَمْسَةَ أَيَّامٍ وَصُمَّ يَوْمَ الْخَامِسِ».

۱۹۲۰- وَرَوَى أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: «رَجُلٌ أَسْرَتْهُ الرُّومُ وَلَمْ يَصِحَّ لَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ وَلَمْ يَدْرِ أَيُّ شَهْرٍ هُوَ؟ قَالَ: يَصُومُ شَهْرًا يَتَوَخَّى وَيَخْشِبُ فَإِنْ كَانَ الشَّهْرُ الَّذِي صَامَهُ قَبْلَ شَهْرِ رَمَضَانَ لَمْ يُجْزِئْهُ، وَإِنْ كَانَ بَعْدَ شَهْرِ رَمَضَانَ أَجْزَأَهُ».

روایت کرده است، که فرمود: وقتی که هلال پیش از شفق ناپدید شود، پس آن ماه یک شبه است، و چون بعد از شفق ناپدید گردد، پس آن، ماه دوشبه است.

(۱) ۱۹۱۸- و امام صادق علیه السلام فرمود: وقتی که هلال ماه رجب به نحو صبح و بدون اختلاف رویت شد، پس پنجاه و نه روز را بشمار، و روز شصتم را روزه بدار.

(۳) ۱۹۱۹- و آن امام علیه السلام فرمود: چون در ماه رمضان سال گذشته در روز معینی روزه گرفتی، پس در سال آینده از تاریخ آن روزه پنج روز را بشمار، و روز پنجم را روزه بدار.

(۴) ۱۹۲۰- و ابان بن عثمان از عبدالرحمن بن ابی عبدالله، روایت کرده است، که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که رومیان او را اسیر کرده اند، و ماه رمضان برای او ثابت و مشخص نشده است، و نمیدانند که در چه ماهی بسر میبرد، بنابراین تکلیف او چیست؟ فرمود: پس از جستجو و حساب کردن یک ماه را روزه میدارد، پس اگر آن ماه که به روزه گذرانده قبل از ماه رمضان بود برای او کفایت نمیکند، ولی اگر بعد از ماه رمضان بود، برای او کافی است، و ذمه اش را بری میسازد.

۱۹۲۱- وَ سَأَلَهُ الْعِيصُ بْنُ الْقَاسِمِ «عَنِ الْهَلَالِ إِذَا رَأَاهُ الْقَوْمُ جَمِيعاً فَاتَّفَقُوا عَلَى أَنَّهُ لِلْبَيْتَيْنِ أَيْجُوزُ ذَلِكَ؟ قَالَ: نَعَمْ».

(بَابُ صَوْمِ يَوْمِ الشَّكِّ)

۱۹۲۲- «سُئِلَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْيَوْمِ الْمَشْكُوكِ فِيهِ، فَقَالَ: لِأَنَّهُ أَصُومُ يَوْماً مِنْ شَعْبَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَفْطِرَ يَوْماً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ».

فَيَجُوزُ أَنْ يُصَامَ عَلَى أَنَّهُ مِنْ شَعْبَانَ فَإِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَجْزَأَهُ، وَإِنْ كَانَ مِنْ شَعْبَانَ لَمْ يَقْصُرْهُ، وَمَنْ صَامَهُ وَهُوَ شَاكٌّ فِيهِ فَقَلْبُهُ قَضَاؤُهُ وَإِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ لِأَنَّهُ لَا يُقْبَلُ شَيْءٌ مِنَ الْفَرَائِضِ إِلَّا بِالْيَقِينِ، وَلَا يَجُوزُ أَنْ يَتَوَيَّ مَنْ يَصُومُ يَوْمَ الشَّكِّ أَنَّهُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.

۱۹۲۳- لِأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لِأَنَّهُ أَفْطِرَ يَوْماً مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَصُومَ يَوْماً مِنْ شَعْبَانَ أَرِيدُهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ».

(۱) ۱۹۲۱- وعیص بن قاسم از آن امام سوال کرد، که هرگاه مردم همگی هلال را ببینند، و متفق شوند که آن ماه دوشنبه است، آیا این رأی نافذ است؟ فرمود: آری.

(بَابُ رُوزَةِ يَوْمِ الشَّكِّ)

(۲) ۱۹۲۲- از امیرالمؤمنین علیه السلام درباره یوم الشک سوال کردند، پس فرمود: هر آینه اگر روزی از شعبان را روزه بدارم برای من خوشایندتر از آن است که روزی از ماه رمضان را افطار کنم.

بر او جایز است که آن روز را به عنوان یکی از روزهای شعبان روزه بدارد، پس در اینصورت اگر از ماه رمضان بود برای او کفایت میکند. و اگر از ماه شعبان بود زیانی به او وارد نمیسازد، و کسیکه آن روز را با شک و تردید روزه بدارد، باید قضای آن را بجا آورد، اگرچه معلوم شود که آن روز از ایام رمضان بوده است، زیرا هیچ فریضه‌ای جز با یقین قبول نمیشود. و برای کسیکه در یوم الشک روزه بگیرد جایز نیست که نیت کند که آن روز از ماه رمضان است.

(۳) ۱۹۲۳- زیرا امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر آینه اگر روزی از ماه رمضان

۱۹۲۴- وَ سَأَلَ بَشِيرُ النَّبَا أبا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ صَوْمِ يَوْمِ الشَّكِّ فَقَالَ: صُومُهُ فَإِنْ كَانَ مِنْ شَعْبَانَ كَانَ تَقْلُوعًا، وَإِنْ كَانَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ فَيَوْمٌ وَفِشَتْ لَهُ».

۱۹۲۵- وَ سَأَلَهُ عَبْدُ الْكَرِيمِ بْنُ عَمْرِو فَقَالَ: «إِنِّي جَعَلْتُ عَلَى نَفْسِي أَنْ أَصُومَ حَتَّى يَقُومَ الْقَائِمُ عَلَيْهِ السَّلَامُ، فَقَالَ: «لَا تَصُومُ فِي السَّفَرِ، وَلَا فِي الْعِيدَيْنِ، وَلَا [فِي] أَيَّامِ التَّشْرِيقِ وَلَا الْيَوْمِ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ».

وَ مَنْ كَانَ فِي بَلَدٍ فِيهِ سُلْطَانٌ فَالْصَّوْمُ مَعَهُ وَ الْفِطْرُ مَعَهُ لِأَنَّ فِي خِلَافِهِ دُخُولًا فِي نَهْيِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ حَيْثُ يَقُولُ: «وَلَا تُلْقُوا بِأَيْدِيكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ».

۱۹۲۶- وَقَدْ رُوِيَ عَنْ عِيسَى بْنِ أَبِي مَنْصُورٍ أَنَّهُ قَالَ: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي-عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُشَكُّ فِيهِ النَّاسُ فَقَالَ: يَا غُلَامُ اذْهَبْ فَانْظُرْ

را افطار کنم، برای من خوشایندتر از آن است که روزی از ماه شعبان را روزه بدارم، چنانکه آنرا بر ماه رمضان بیفزایم.

۱۹۲۴- (۱) وَ بَشِيرُ النَّبَا از امام صادق علیه السلام درباره یوم الشک سؤال کرد، و آن امام علیه السلام فرمود: آن روز را - به نیت استحباب - روزه بدار، پس اگر معلوم شد که آن روز از شعبان بوده است، روزه ای مستحبی بجا آورده ای، و اگر از ماه رمضان بوده است، پس به روزه روزی از آن ماه توفیق یافته ای.

۱۹۲۵- (۲) وَ عَبْدِ الْكَرِيمِ بْنُ عَمْرِو بِهِ آن امام معروض داشت که: من - فدایت شوم - برخود فرض کرده ام که تا قیام قائم علیه السلام روزه بدارم، در اینصورت وظیفه من چیست؟ امام فرمود: در سفر، و در عیدین، و [در] ایام تشریق، و آن روز که در مورد آن شک میکنند، روزه مگیر.

و کسیکه در شهری زندگی کند، که قدرت جائری در آن شهر باشد، میباید در روزه گرفتن و افطار کردن با او هماهنگی کند، زیرا مخالفت با او دخول در نهی خدای عز و جل است، آنجا که فرمود: «و خود را بدست خویش به مهلکه میفکنید».

۱۹۲۶- (۳) وَ از عیسی بن ابی منصور روایت شده است که گفت: من در آن

أَصَامَ الْأَمِيرُ أَمْ لَا؟ فَذَهَبَ ثُمَّ عَادَ فَقَالَ: لَا، فَدَعَا بِالْغَدَاةِ فَتَغَدَّيْنَا مَعَهُ.

۱۹۲۷- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَوْ قُلْتُ: إِنَّ تَارِكَ التَّقِيَّةِ كَتَارِكِ

الصَّلَاةِ لَكُنْتُ صَادِقًا».

۱۹۲۸- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا دِينَ لِمَنْ لَا تَقِيَّةَ لَهُ».

۱۹۲۹- وَرَوَى عَبْدُ الْعَظِيمِ بْنُ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيُّ عَنْ سَهْلِ بْنِ سَعْدٍ قَالَ:

«سَمِعْتُ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الصَّوْمُ لِلرُّؤْيَةِ، وَالْفِطْرُ لِلرُّؤْيَةِ، وَلَيْسَ مِنَّا مَنْ صَامَ

قَبْلَ الرُّؤْيَةِ لِلرُّؤْيَةِ وَأَفْطَرَ قَبْلَ الرُّؤْيَةِ لِلرُّؤْيَةِ، قَالَ: قُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ فَمَا

تَرَى فِي صَوْمِ يَوْمِ الشَّكِّ؟ فَقَالَ: حَدَّثَنِي أَبِي عَنْ جَدِّي عَنْ آبَائِهِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ قَالَ: قَالَ

أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لِأَنَّهُ أَصُومَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ شَعْبَانَ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أَفْطِرَ يَوْمًا

مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ».

روز که مردم در آن شک میکنند، در محضر امام صادق علیه السلام بودم، پس آن امام غلام خود را فرمود: برو و بنگر که آیا امیر روزه گرفته است یا نه؟ آن غلام رفت، و باز آمد، و گفت: نه. امام فرمود تا غذا حاضر کردند، و ما با آن حضرت غذا صرف کردیم.

① ۱۹۲۷- و امام صادق علیه السلام فرمود: اگر بگویم که ترک کننده تقیه مانند ترک کننده نماز است، هر آینه راست گفته‌ام.

② ۱۹۲۸- و آن امام علیه السلام فرمود: کسیکه تقیه ندارد دین ندارد.

③ ۱۹۲۹- و عبدالعظیم بن عبدالله حسنی، از سهل بن سعد، روایت کرده است که گفت: از امام رضا علیه السلام شنیدم که میفرمود: «روزه با رؤیت است، و افطار با رؤیت است، و کسیکه پیش از رؤیت با استناد به رؤیت کسی که هلال با رؤیت او ثابت نشده است روزه بگیرد، یا افطار کند، از ما نیست. سهل گفت: گفتم: یا ابن رسول الله، پس نظر شما دربارهٔ يوم الشك چیست؟ فرمود: پدرم از جدم از پدرانش علیهم السلام برای من حکایت کرد که امیرالمؤمنین علیه السلام فرمود: هر آینه اگر روزی از ماه شعبان را روزه بدارم، برای من خوشایندتر از آن است که روزی از

قَالَ مُصَنَّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللَّهُ -: وَهَذَا حَدِيثٌ غَرِيبٌ لَا أَعْرِفُهُ إِلَّا مِنْ طَرِيقِ عَبْدِ الْعَظِيمِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْحَسَنِيِّ الْمَدْفُونِ بِالرِّيِّ فِي مَقَابِرِ الشَّجَرَةِ وَكَانَ مَرْضِيًّا - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - .

(بَابُ الرَّجُلِ يُسَلِّمُ وَقَدْ مَضَى بَعْضُ شَهْرِ رَمَضَانَ)

۱۹۳۰ - «سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ أَسْلَمَ فِي النَّصَفِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ مَا عَلَيْهِ مِنْ صِيَامِهِ؟ فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِ أَنْ يَصُومَ إِلَّا مَا أَسْلَمَ فِيهِ، وَلَيْسَ عَلَيْهِ أَنْ يَقْضِيَ مَا قَدْ مَضَى مِنْهُ» .

۱۹۳۱ - وَرَوَى صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى، عَنِ الْعِيسِيِّ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْمٍ أَسْلَمُوا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَقَدْ مَضَى مِنْهُ أَيَّامٌ هَلْ عَلَيْهِمْ أَنْ

ماه رمضان را افطار كنم.

مصنف این کتاب - رحمه الله - گفت: و این حدیثی غریب است، که آنرا جز از طریق عبد العظیم بن عبد الله حسنی مدفون در ریی مقابر شجره نمیشناسم، و او - رضی الله عنه - مورد رضایت اهل بیت علیهم السلام بوده است.

شرح: «زیرا حضرت عبد العظیم از سادات حسنی است و اینان چندان مورد قبول اهل بیت علیهم السلام نبوده اند از این جهت که در آن روزگار عموماً پیرو و یا هوی خواه زیدیه بودند مگر اندکی که یک تن از آنان عبد العظیم حسنی رحمه الله علیه است و چون در رجال صریحاً توثیق نشده است صدوق به متفردات وی آسان فتوی نمی دهد» .

(بَابُ كَسِيكِهِ پَسِ از گذشت بخشی از ماه رمضان اسلام بیاورد)

① ۱۹۳۰ - از امام صادق علیه السلام درباره مردی پرسیدند که در نیمه ماه رمضان اسلام آورده، پس اکنون در خصوص روزه اش چه باید بکند؟ امام فرمود: جز در ایامی که اسلام را در آن اختیار کرده مکلف به روزه گرفتن نیست، و نسبت به گذشته مکلف به قضا نیست.

② ۱۹۳۱ - و صفوان بن یحیی از عیص بن قاسم روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره قومی سؤال کردم که در ماه رمضان پس از گذشت

يَصُومُوا مَا مَضَى مِنْهُ أَوْ يَوْمَهُمُ الَّذِي اسْتَلَمُوا فِيهِ؟ فَقَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِمْ قَضَاءٌ وَلَا يَوْمُهُمُ الَّذِي اسْتَلَمُوا فِيهِ إِلَّا أَنْ يَكُونُوا اسْتَلَمُوا فِيهِ قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ».

*** (بَابُ الْوَقْتِ الَّذِي يَحِلُّ فِيهِ الْإِفْطَارُ وَتَجِبُ فِيهِ الصَّلَاةُ) ***

۱۹۳۲- رَوَى عَمْرُو بْنُ شَمْرٍ، عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

«قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا غَابَ الْقُرْصُ أَفْطَرَ الصَّائِمُ وَدَخَلَ وَقْتُ الصَّلَاةِ».

وَقَالَ أَبِي - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ - فِي رِسَالَتِهِ إِلَيَّ: يَحِلُّ لَكَ الْإِفْطَارُ إِذَا بَدَتْ ثَلَاثَةُ

النُّجُومِ وَهِيَ تَطْلُعُ مَعَ غُرُوبِ الشَّمْسِ.

وَهِيَ رِوَايَةُ أَبَانَ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۱۹۳۳- وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «سُئِلَ عَنِ الْإِفْطَارِ

قَبْلَ الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَهَا؟ قَالَ: إِنْ كَانَ مَعَهُ قَوْمٌ يَخْشَى أَنْ يَخْبِسَهُمْ عَنْ عَشَائِهِمْ

چند روز از آن اسلام آورده اند، در این صورت آیا میباید قضای روزه های گذشته را بجا آورند، یا روز ورودشان به اسلام را روزه بدارند؟ امام فرمود: ایشان قضائی بر ذمه ندارند، و حتی به روزه گرفتن در روز اسلام آوردنشان نیز مکلف نیستند، مگر آنکه قبل از طلوع فجر آن روز اسلام آورده باشند.

*** (بَابُ وَقْتِ كِه افطار در آن حلال و نماز در آن واجب است) ***

① ۱۹۳۲- عمرو بن شمر، از جابر، از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: زمانی که قرص خورشید ناپدید شود، روزه دار افطار میکند، و وقت نماز داخل میشود.

و پدرم - رضی الله عنه - در نامه ای که برایم فرستاده نوشته است که: چون سه ستاره پدیدار شود - و آنها ستارگانی هستند که با غروب خورشید طلوع میکنند - در آن وقت افطار برای تو حلال است.

و این مطلب مضمون روایت ابان از زراره از امام ابو جعفر علیه السلام است.

② ۱۹۳۳- و حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از آن امام

فَلْيُفْطِرْ مَعَهُمْ وَإِنْ كَانَ غَيْرُ ذَلِكَ فَلْيُصَلِّ ثُمَّ لْيُفْطِرْ».

(بَابُ الْوَقْتِ الَّذِي يَحْرُمُ فِيهِ الْأَكْلُ وَالشَّرْبُ)

(عَلَى الصَّائِمِ وَتَحِلُّ فِيهِ صَلَاةُ الْغَدَاةِ)

۱۹۳۴ - رَوَى عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ لَيْثُ الرَّادِيِّ قَالَ: «سَأَلْتُ

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقُلْتُ: مَنْ يَحْرُمُ الطَّعَامُ عَلَى الصَّائِمِ وَتَحِلُّ الصَّلَاةُ - صَلَاةُ

الْفَجْرِ؟ فَقَالَ لِي: إِذَا اعْتَرَضَ الْفَجْرُ فَكَانَ كَالْقَبْطِيَّةِ الْبَيْضَاءِ فَتَمَّ يَحْرُمُ الطَّعَامُ عَلَى

الصَّائِمِ وَتَحِلُّ الصَّلَاةُ - صَلَاةُ الْفَجْرِ. قُلْتُ: أَفَلَسْنَا فِي وَقْتٍ إِلَى أَنْ يَطْلُعَ شُعَاعُ

الشَّمْسِ؟ قَالَ: هِيَ هَاتِئِنْ تَذَهَبَ بِكَ يَلُوكَ صَلَاةُ الصَّبِيِّانِ».

۱۹۳۵ - وَرَوَى أَبُو بَصِيرٍ، عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ:

«وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ»

سؤال کردند که: وقت افطار پیش از نماز است، یا بعد از آن؟ فرمود: اگر گروهی با شخص روزه دار باشند که از بازداشتن ایشان از صرف شام بیم کند، نخست با ایشان روزه را بگشاید، و اگر جز این باشد، نخست نماز بخواند و پس از آن روزه اش را بگشاید.

(بَابُ وَقْتِ كَيْفَ خُورْدَنِ وَأَشَامِيدَنِ بِرُوزِه دَارِ)

(حَرَامٌ مِيشُود، وَنَمَاز صَبِحِ دَرِ آن حَلَالٌ مِیگَرَدَدِ)

① ۱۹۳۴ - عَاصِمُ بْنُ حُمَيْدٍ، از ابوبصیر لئث مرادی روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که چه وقت طعام بر روزه دار حرام میشود، و نماز - نماز فجر - حلال میگردد؟ امام فرمود: زمانی که فجر در پهنای افق گسترش یابد، و به صورت قماش لطیف کتانیه سفید درآید، طعام بر روزه دار حرام میشود، و نماز - نماز فجر - حلال می شود. گفتم: مگر ما تا طلوع خورشید فرصت نداریم؟ فرمود: هیات تو را به کجا میبرند؟ - حواست کجاست - آنگونه نماز، نماز کودکانه است.

۱۹۳۵ - و ابوبصیر از یکی از آن دو امام علیهما السلام در تفسیر قول خدای

②

فَقَالَ: نَزَلْتُ فِي خَوَاتِ بْنِ جُبَيْرِ الْأَنْصَارِيِّ وَكَانَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْخَنْدَقِ وَهُوَ صَائِمٌ وَأَمْسَى عَلَى تِلْكَ الْحَالِ وَكَانُوا قَبْلَ أَنْ تَنْزِلَ هَذِهِ الْآيَةُ إِذَا نَامَ أَحَدُهُمْ حَرَّمَ عَلَيْهِ الطَّعَامُ فَجَاءَ خَوَاتٌ إِلَى أَهْلِيهِ حِينَ أَمْسَى فَقَالَ: عِنْدَكُمْ طَعَامٌ؟ فَقَالُوا: لَا تَنْتُمْ حَتَّى نَضَعْ لَكُمْ طَعَامًا فَاتَّكَى قَنَامًا، قَالُوا: قَدْ فَعَلْتَ؟ قَالَ: نَعَمْ، فَبَاتَ عَلَى تِلْكَ الْحَالِ وَأَصْبَحَ ثُمَّ عَدَا إِلَى الْخَنْدَقِ فَجَعَلَ يُغْشَى عَلَيْهِ، فَمَرَّ بِهِ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَمَّا رَأَى الَّذِي بِهِ أَخْبَرَهُ كَيْفَ كَانَ أَمْرُهُ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ».

۱۹۳۶- وَ سُيِّلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الْخَيْطِ الْأَبْيَضِ مِنَ الْخَيْطِ

الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ فَقَالَ: بَيَاضُ النَّهَارِ مِنْ سَوَادِ اللَّيْلِ».

عَزَّوَجَلَّ «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ». روایت کرده است که فرمود: این آیه در شأن خوات بن جبر انصاری نازل شد، و این در آن هنگام بود که خوات با پیامبر صلی الله علیه و آله در خندق فعالیت داشت، روزه داشت، و تا شامگاه بر همین حال می زیست، و مسلمانان پیش از نزول این آیه چنان بودند که اگر یکی از ایشان در شامگاه میخوابید طعام بر او حرام میشد.

پس خوات شامگاهان برای افطار به خانه خود رفت، و گفت: آیا طعامی نزد شما هست؟ گفتند: لختی بپای و به خواب مرو، تا طعامی برایت بسازیم، پس خوات تکیه زد و خواب او را در ربود، خانواده اش گفتند: آیا خوابیده بودی؟ گفت: آری، پس شب را در آن حال گذراند، و بامدادان به سوی خندق روان شد، و در آن میان حالت غشوه به او دست داد، پس رسول خدا صلی الله علیه و آله بر او بگذشت، و چون از حال و کار او پرسید، خوات ماجرا را با آن حضرت بازگفت. پس خدای عز و جل این آیه را نازل فرمود - و مفهوم آیه این است که: «و در شب رمضان بخورید، و بیاشامید، تا آنگاه که روشنی سپیده بمانند رشته ای سپید در سراسر افق پدید آید، و از رشته سیاه تاریکی باقیمانده شب جدا گردد».

۱۹۳۶- و از امام صادق علیه السلام درباره معنی رشته سفید فجر، از رشته

۱۹۳۷- وَقَالَ فِي خَبَرٍ آخَرَ «وَهُوَ الْفَجْرُ الَّذِي لَا شَكَّ فِيهِ».

۱۹۳۸- وَسَأَلَهُ سَمَاعَةُ بْنُ مِهْرَانَ «عَنْ رَجُلَيْنِ قَامَا فَتَنَظَرَا إِلَى الْفَجْرِ فَقَالَ أَحَدُهُمَا: هُوَذَا، وَقَالَ الْآخَرُ: مَا أَرَى شَيْئًا، قَالَ: فَلْيَأْكُلِ الَّذِي لَمْ يَتَبَيَّنْ لَهُ الْفَجْرُ وَلْيَشْرَبْ لِأَنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يَقُولُ: «وَكُلُوا وَاشْرَبُوا حَتَّى يَتَبَيَّنَ لَكُمُ الْخَيْطُ الْأَبْيَضُ مِنَ الْخَيْطِ الْأَسْوَدِ مِنَ الْفَجْرِ ثُمَّ أَتِمُوا الصِّيَامَ إِلَى اللَّيْلِ» قَالَ سَمَاعَةُ: وَسَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ أَكَلَ وَشَرِبَ بَعْدَ مَا طَلَعَ الْفَجْرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقَالَ: إِنْ كَانَ قَامَ فَتَنَظَرَ فَلَمْ يَرَ الْفَجَرَ فَأَكَلَ، ثُمَّ أَعَادَ النَّظَرَ فَرَأَى الْفَجَرَ فَلْيُسِّمْ صَوْمَهُ وَلَا إِعَادَةَ عَلَيْهِ، وَإِنْ كَانَ قَامَ فَأَكَلَ وَشَرِبَ، ثُمَّ نَظَرَ إِلَى الْفَجْرِ فَرَأَاهُ قَدْ طَلَعَ فَلْيُسِّمْ صَوْمَهُ وَيَقْضِي يَوْمًا آخَرَ، لِأَنَّهُ بَدَأَ بِالْأَكْلِ قَبْلَ النَّظَرِ فَعَلَيْهِ الْإِعَادَةُ».

سیاه سوال کردند، پس فرمود: مقصود سپیدی روز از سیاهی شب است.

(۱) ۱۹۳۷- ودر خبری دیگر فرمود: وآن فجرى است که شکی در آن نباشد.

(۲) ۱۹۳۸- وسماعه بن مهران از آن امام علیه السلام درباره دو مرد سوال کرد، که برخاستند و به آسمان نگاه کردند. یکی از آن دو گفت: اینک آن فجر است، و آن دیگر گفت: من چیزی نمی بینم. فرمود: پس آن یک که فجر بر او مبین و روشن نشده است میتواند بخورد و بیاشامد، زیرا خدای عزوجل میگوید: «و بخورید و بیاشامید، تا آنگاه که روشنی سپیده بماند رشته ای سپید در سراسر افق پدید آید، و از رشته سیاه تاریکی باقیمانده شب جدا شود، و آنگاه روزه را تا شب کامل بسازید». و سماعه گفت از آن امام درباره مردی سوال کردم که پس از طالع شدن فجر در ماه رمضان بخورد و بیاشامد، پس فرمود: اگر بپاخیزد، و نگاه کند، و فجر را نبیند و بخورد و پس از آن بار دیگر نگاه کند و فجر را ببیند، میباید روزه اش را کامل سازد، و اعاده آن بر ذمه اش نیست، ولی اگر بپاخیزد و بخورد و بیاشامد، و پس از آن به فجر بنگرد، و مشاهده کند که آن طلوع کرده است، میباید روزه اش را کامل سازد، و روزی دیگر نیز به عنوان قضا روزه بگیرد، زیرا که او پیش از تحقیق و نگریستن به افق به خوردن پرداخته، و از اینرو میباید روزه را اعاده کند.

۱۹۳۹- وَ رَوَى صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى، عَنِ الْعِصِيِّ بْنِ الْقَاسِمِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ خَرَجَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَأَصْحَابُهُ يَتَسَحَّرُونَ فِي بَيْتِهِ فَتَنَظَّرَ إِلَى الْفَجْرِ فَنَادَاهُمْ أَنَّهُ قَدْ طَلَعَ [الْفَجْرُ] فَكَفَّ بَعْضُ وَظَنَ بَعْضٌ أَنَّهُ يَسْخَرُ فَأَكَلَ، فَقَالَ: يُسَمُّ وَيَقْضِي».

۱۹۴۰- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَبِي عُمَيْرٍ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَارٍ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمْرُ الْجَارِيَةِ لِيَتَنَظَّرَ إِلَى الْفَجْرِ فَتَقُولَ: لَمْ يَطْلُعْ بَعْدُ، فَأَكُلُ ثُمَّ أَنْظُرُ فَأَجِدُهُ قَدْ كَانَ طَلَعَ حِينَ نَظَرْتُ؟ قَالَ: إِيضاً أَمَا إِنَّكَ لَوْ كُنْتَ أَنْتَ الَّذِي نَظَرْتَ لَمْ يَكُنْ عَلَيْكَ شَيْءٌ».

۱۹۳۹- و صفوان بن یحیی از عیسی بن قاسم روایت کرده است، که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سوال کردم که در ماه رمضان خارج شد، درحالیکه یارانش در خانه ای به صرف سحری مشغول بودند، پس به سوی فجر نظر کرد، و ایشان را ندا داد که [فجر] طلوع کرده است، پس بعضی از آن جمع از خوردن خودداری کردند، و بعضی گمان بردند که او ایشان را مسخره کرده است، و از اینرو به خوردن ادامه دادند، آنحضرت فرمود اینان میباید روزه را کامل سازند، و قضای آن را نیز بجا آورند.

۱۹۴۰- و محمد بن ابی عمیر از معاویه بن عمار روایت کرده است، که گفت: به امام صادق علیه السلام معروض داشتم که: چنان می افتد که کنیزک خود را امر میکنم که به سوی فجر بنگرد، پس او میگوید: هنوز طلوع نکرده است، و من با اعتماد بگفته او غذا میخورم، سپس چون به افق مینگریم متوجه میشوم که به هنگام نگرستن او فجر طلوع کرده بوده است.

امام علیه السلام فرمود: قضای آن را بجای آور، ولی در صورتیکه خودت به جای او نگاه کرده بودی چیزی بر ذمه نمیداشتی.

* (بَابُ حَدِّ الْمَرَضِ الَّذِي يُفْطِرُ صَاحِبَهُ) *

۱۹۴۱- رَوَى ابْنُ بُكَيْرٍ عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ مَا حَدُّ الْمَرَضِ الَّذِي يُفْطِرُ فِيهِ الصَّائِمُ وَيَدْعُ الصَّلَاةَ مِنْ قِيَامٍ؟ فَقَالَ: بَلَى الْإِنْسَانُ عَلَى نَفْسِهِ بَصِيرَةٌ [وَأَمَّا] هُوَ أَغْلَمُ بِمَا يُطِيقُهُ».

۱۹۴۲- وَرَوَى جَمِيلُ بْنُ دُرَّاجٍ، عَنِ الْوَلِيدِ بْنِ صَبِيحٍ قَالَ: «حُمِئْتُ بِالْمَدِينَةِ يَوْمًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَبَعَثَ إِلَيَّ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِقَصْعَةٍ فِيهَا خَلٌّ وَزَيْتٌ، وَقَالَ لِي: أَفْطِرْ وَصَلِّ وَأَنْتَ قَاعِدٌ».

۱۹۴۳- وَرَوَى بَكْرُ بْنُ مُحَمَّدٍ الْأَزْدِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلَهُ أَبِي وَأَنَا أَسْتَمِعُ عَنْ حَدِّ الْمَرَضِ الَّذِي يَثْرُكُ الْإِنْسَانُ فِيهِ الصَّوْمُ، قَالَ: إِذَا لَمْ يَسْتَطِيعَ أَنْ يَتَسَحَّرَ».

* (بَابُ حَدِّ مَرَضِي كَه صَاحِبِ أَنْ مَيْتَوَانِدِ افطار كند) *

① ۱۹۴۱- ابن بکیر از زراره روایت کرده است، که گفت: از امام صادق علیه السلام سؤال کردم که حد مرضی که شخص روزه دار میتواند در آن حد افطار کند، و نماز ایستاده را واگذارد چیست؟ پس امام [به رسم تمثیل به آیه ای از قرآن] فرمود: «بلکه انسان بر نفس خود بصیر است»^۱. و او بهتر میداند که به چه کاری و به چه اندازه طاقت دارد.

② ۱۹۴۲- و جمیل بن دراج، از ولید بن صبیح، روایت کرده است، که گفت: روزی در ماه رمضان در مدینه تب کردم، پس امام صادق علیه السلام کاسه ای که سرکه و زیت در آن بود، برای من فرستاد، و مرا فرمود: افطار کن، و نمازت را نشسته بخوان.

③ ۱۹۴۳- و بکر بن محمد ازدی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که گفت: پدرم، در حالیکه من میشنیدم، درباره حدی از مرض که انسان در آن حد روزه را ترک میکند سؤال کرد، پس امام فرمود: این در وقتی است که مریض توانائی صرف سحری نداشته باشد.

۱۹۴۴- وَ رَوَى سُلَيْمَانُ بْنُ عَمْرٍو عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «اشْتَكَيْتُ أُمَّ سَلَمَةَ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهَا - عَيْتَهَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَأَمَرَهَا رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنْ تَقْطِرَ وَقَالَ: عَشَاءُ اللَّيْلِ لِعَيْنَيْكَ رَدِيٌّ».

۱۹۴۵- وَ فِي رِوَايَةِ حَرِيزٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الصَّائِمُ إِذَا خَافَ عَلَى عَيْنَيْهِ مِنَ الرَّمَدِ أَفْطَرَ».

۱۹۴۶- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كُلْ مَا أَضْرَبِيهِ الصَّوْمُ فَإِنْ فُطِرَ لَهُ وَاجِبٌ».

(بَابُ مَا جَاءَ فِيهِمْ بِضَعْفٍ عَنِ الصَّيَامِ)

(مِنْ شَيْخِ أَوْ شَابٍ أَوْ حَامِلٍ أَوْ مُرْضِعٍ)

۱۹۴۷- رَوَى الْعَلَاءُ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ قَالَ: «سَمِعْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقُولُ: الشَّيْخُ الْكَبِيرُ وَالَّذِي بِهِ الْعُطَاشُ لَا حَرَجَ عَلَيْهِمَا أَنْ يُفْطِرَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَيَتَصَدَّقَ كُلُّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا فِي كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ طَعَامٍ وَلَا قَضَاءَ عَلَيْهِمَا،

① ۱۹۴۴- و سلیمان بن عمرو از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: ام سلمه - رضی الله عنها - از بیماری چشمش رنج میبرد، پس رسول خدا صلی الله علیه وآله او را فرمود تا افطار کند، و فرمود: غذای شب برای چشمانت مضر است.

② ۱۹۴۵- و در روایت حریر از امام صادق علیه السلام آمده است، که فرمود: روزه دار چون بیم آن کند که چشمانش مبتلا به رمَد گردد، باید افطار کند.

③ ۱۹۴۶- و آن امام علیه السلام فرمود: هر چیز که روزه به آن ضرر رساند، افطار برای آن واجب است.

(بَابُ أَنْجَهِ دِرْبَارَةُ آفَانِكُمْ تَابَ رُوزَهُ نَدَارَنْدَازِ)

(بَابُ رُوزِ وَ حَوَانِ وَ حَامِلِ وَ زَنِ شِرْدِه آمده است)

④ ۱۹۴۷- عَلَاءُ از محمد بن مسلم روایت کرده است که گفت: از امام ابو جعفر علیه السلام شنیدم که میفرمود: پیر بزرگسال، و بیمار مبتلا به تشنگی پایان ناپذیر، باکی بر ایشان نیست که در ماه رمضان افطار کنند، و هریک از آن دو

فَإِنْ لَمْ يَقْدِرَا فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِمَا».

۱۹۴۸- وَ رَوَى عَمَارُ بْنُ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي الرَّجُلِ بُصِيَّةُ الْعَطَشِ حَتَّى يَخَافَ عَلَى نَفْسِهِ، قَالَ: يَشْرَبُ بِقَدْرِ مَا يُمِصُّكَ رَمَقُهُ، وَلَا يَشْرَبُ حَتَّى يَزُولَ».

۱۹۴۹- وَ فِي رِوَايَةِ ابْنِ بُزَيْرٍ أَنَّهُ «سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ» قَالَ: عَلَى الَّذِينَ كَانُوا يُطِيقُونَ الصَّوْمَ ثُمَّ أَصَابَهُمْ كِبَرٌ أَوْ عَطَاشٌ أَوْ شِبْهُ ذَلِكَ فَعَلَيْهِمْ لِكُلِّ يَوْمٍ مُدٌّ».

۱۹۵۰- وَ رَوَى الْعَلَاءُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَمِعْتُهُ يَقُولُ: الْحَامِلُ الْمُقْرِبُ وَالْمُرْضِعُ الْقَلِيلَةُ اللَّبَنِ لَا حَرَجَ عَلَيْهِمَا أَنْ تَنْفَطِرَا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ لِأَنَّهُمَا لَا تُطَبَّقَانِ الصَّوْمَ، وَعَلَيْهِمَا أَنْ تَتَصَدَّقَ كُلُّ وَاحِدَةٍ

در هر روز مُدّی از طعام صدقه بدهند، و قضائی به ایشان تعلق نمیگیرد، و اگر قدرت پرداختن آنرا نداشته باشند چیزی بر ذمه ایشان نیست.

(۱) ۱۹۴۸- و عمار بن موسی روایت کرده است که امام صادق علیه السلام درباره مردی که به علت اصابت تشنگی بر جان خود بترسد، فرمود: میتواند به اندازه حفظ رمق خود، و نه به اندازه سیراب شدن بنوشد.

(۲) ۱۹۴۹- و در روایت ابن بکیر آمده است که از امام صادق علیه السلام درباره قول خدای عز و جل: «وَعَلَى الَّذِينَ يُطِيقُونَهُ فِدْيَةٌ طَعَامُ مِسْكِينٍ» سؤال کردند، امام فرمود: معنی آیه این است که: کسانی که طاقت روزه گرفتن داشته اند، و آنگاه پیری یا بیماری عطاش یا مانند آن به ایشان اصابت کرده است، در برابر هر روز مُدّی از طعام به ایشان تعلق میگیرد.

(۳) ۱۹۵۰- و علاء از محمد بن مسلم، روایت کرده است که گفت: از امام ابو جعفر علیه السلام شنیدم که میفرمود: زن باردار در شرف وضع حمل، وزن شیردهنده کم شیر، باکی بر ایشان نیست که در ماه رمضان روزه خود را بگشایند، زیرا که آن دو طاقت روزه را ندارند، و بر ذمه ایشان است که هر یک از آن دو برای هر روزی

مِنْهُمَا فِي كُلِّ يَوْمٍ تُفْطِرُ فِيهِ بِمُدٍّ مِنْ طَعَامٍ وَعَلَيْهِمَا قَضَاءُ كُلِّ يَوْمٍ أَفْطَرَا فِيهِ ثُمَّ تَقْضِيَانِهِ بَعْدَهُ.

۱۹۵۱- وَ سَأَلَ عَبْدُ الْمَلِكِ بْنُ عُثْبَةَ الْهَاشِمِيُّ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الشَّيْخِ الْكَبِيرِ وَالْعَجُوزِ الْكَبِيرَةِ الَّتِي تَضَعُفُ عَنِ الصَّوْمِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، قَالَ: يَتَصَدَّقُ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ حِنْطَةٍ».

*** (بَابُ ثَوَابِ مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا) ***

۱۹۵۲- رَوَى أَبُو الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «مَنْ فَطَّرَ صَائِمًا فَلَهُ أَجْرٌ مِثْلُهُ».

۱۹۵۳- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «دَخَلَ سَدِيرٌ عَلَى أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ لَهُ: يَا سَدِيرُ هَلْ تَدْرِي أَيَّ لَيَالٍ هَذِهِ؟ فَقَالَ لَهُ: نَعَمْ جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ هَذِهِ لَيَالِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَمَا ذَاكَ؟ فَقَالَ لَهُ أَبِي: أَتَقْدِرُ عَلَى أَنْ تُعْتِقَ كُلَّ لَيْلَةٍ مِنْ هَذِهِ اللَّيَالِي عَشْرَ رِقَابٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ؟ فَقَالَ لَهُ سَدِيرٌ: يَا أَبَا أَنْثٍ وَأُمِّي لَا يَتَلَعُ

که در آن افطار میکند، مَدی از طعام صدقه بدهد، و نیز میباید قضای هر کدام از آن ایام را بجا آورند.

(۱) ۱۹۵۱- و عبد الملک بن عثبہ هاشمی از امام ابوالحسن علیه السلام درباره پیرمردی فرتوت، و پیرزنی بزرگسال که از گرفتن روزه در ماه رمضان ناتوان باشد، سؤال کرد امام علیه السلام فرمود: برای هر روزی مَدی از گندم را صدقه میدهد.

*** (بَابُ ثَوَابِ كَسِيكَةِ رَوْزِهِ دَارِي رَا افطاري بدهد) ***

(۲) ۱۹۵۲- ابوالصباح کینانی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: کسیکه روزه داری را افطاری بدهد اجری برابر با او دارد.

(۳) ۱۹۵۳- و امام صادق علیه السلام فرمود: سَدیر در ماه رمضان بر پدرم علیه السلام وارد شد، پدرم به او فرمود: ای سَدیر، آیا میدانی که این چه شبهایی است؟ پس سَدیر گفت: آری، فدایت شوم، این شبهای ماه رمضان است، بفرما منظور چیست؟ پس پدرم به او فرمود: آیا میتوانی در هر شبی از این شبها ده بنده از اولاد

مَالِي ذَاكَ ، فَمَا زَالَ يَنْقُصُ حَتَّى بَلَغَ بِهِ رَقَبَةً وَاحِدَةً ، فِي كُلِّ ذَلِكَ يَقُولُ : لَا أَقْدِرُ عَلَيْهِ ، فَقَالَ لَهُ : أَفَمَا تُقَدِّرُ أَنْ تُفْطِرَ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ رَجُلًا مُسْلِمًا ؟ فَقَالَ لَهُ : بَلَى وَعَشْرَةٌ ، فَقَالَ لَهُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ : فَذَاكَ الَّذِي أَرَدْتُ ، يَا سَدِيرُ إِنَّ إِفْطَارَكَ أَخَاكَ الْمُسْلِمَ يَقْدِرُ عِثْقَ رَقَبَةٍ مِنْ وَلَدِ إِسْمَاعِيلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ .

۱۹۵۴ - وَ رَوَى مُوسَى بْنُ بَكْرٍ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ : «تَفْطِيرُكَ أَخَاكَ الصَّائِمَ أَفْضَلُ مِنْ صِيَامِكَ» .

۱۹۵۵ - وَ «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا كَانَ الْيَوْمَ الَّذِي يَصُومُ فِيهِ أَمَرَ بِشَاةٍ فَتَذْبَحُ وَتُقَطَّعُ أَغْضَاؤُهُ وَتُطْبَخُ ، فَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْمَسَاءِ أَكَبَ عَلَى الْقُدُورِ حَتَّى يَجِدَ رِيحَ الْمَرْقِ وَهُوَ صَائِمٌ ، ثُمَّ يَقُولُ : هَاتُوا الْقِصَاعَ اغْرِفُوا لِآلِ فُلَانٍ ، اغْرِفُوا لِآلِ فُلَانٍ ، ثُمَّ يُؤْنِي بِخُبْرٍ وَتَفْرِقُ كُونَ ذَلِكَ عَشَاؤُهُ» .

اسماعیل علیه السلام را آزاد سازی؟ سدید گفت: پدر و مادرم به فدایت، مال من به این کار نمیرسد. پس پدرم همچنان از شمار آن بندگان میکاست، تا به یک بنده رسید، و سدید در هر نوبت میگفت: توانائی آنرا ندارم. پس پدرم به او فرمود: آیا توان آنرا نداری که در هر شبی مرد مسلمانی را به افطار فراخوانی؟ گفت: آری، و ده مرد را. آنگاه پدرم علیه السلام به او فرمود: منظور من همین بود ای سدید، زیرا افطاری دادنت به برادر مسلمانیت با آزاد کردن بنده‌ای از اولاد اسماعیل علیه السلام برابر است.

۱۹۵۴ - وَ مُوسَى بْنُ بَكْرٍ عَنْ إِمَامِ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتٌ كَرَّمَهُ اللَّهُ ، أَنَّهُ قَالَ : «كَانَ عَلِيُّ بْنُ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِذَا كَانَ الْيَوْمَ الَّذِي يَصُومُ فِيهِ أَمَرَ بِشَاةٍ فَتَذْبَحُ وَتُقَطَّعُ أَغْضَاؤُهُ وَتُطْبَخُ ، فَإِذَا كَانَ عِنْدَ الْمَسَاءِ أَكَبَ عَلَى الْقُدُورِ حَتَّى يَجِدَ رِيحَ الْمَرْقِ وَهُوَ صَائِمٌ ، ثُمَّ يَقُولُ : هَاتُوا الْقِصَاعَ اغْرِفُوا لِآلِ فُلَانٍ ، اغْرِفُوا لِآلِ فُلَانٍ ، ثُمَّ يُؤْنِي بِخُبْرٍ وَتَفْرِقُ كُونَ ذَلِكَ عَشَاؤُهُ» .

۱۹۵۵ - وَ إِمَامُ عَلِيِّ بْنِ الْحُسَيْنِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ چُونِ رُوزِ رُوزِهِ دَاشْتَنَش فَرَا - مِیرَسِید ، مِیفرمود تا گوسفندی را ذبح میکردند، و اعضایش را تقطیع کرده و آنرا می پختند، پس شامگاهان به روی دیگها خُم میشد، تا در حالِ روزه داشتن بوی آنرا بیابد، و آنگاه میفرمود: کاسه‌ها را بیاورید، برای خانواده فلان از این غذا بکشید، برای خانواده فلان غذا بکشید، - تا همگی آن به پایان میرسید - پس آنگاه نانی و

۱۹۵۶- وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «مَنْ فَطَّرَ فِي هَذَا الشَّهْرِ مُؤِمِنًا صَائِمًا كَانَ لَهُ بِذَلِكَ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ عِشْقٌ وَرَقَبَةٌ وَمَغْفِرَةٌ لِمَا مَضَى مِنْ ذُنُوبِهِ، فَقِيلَ لَهُ: يَا رَسُولَ اللَّهِ لَيْسَ كُلُّنَا نَقْدِرُ عَلَى أَنْ نَفْطِرَ صَائِمًا، فَقَالَ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى كَرِيمٌ يُعْطِي هَذَا الثَّوَابَ مِنْكُمْ مَنْ لَمْ يَقْدِرْ إِلَّا عَلَى مَذَقَةٍ مِنْ لَبَنٍ يُفْطِرُ بِهَا صَائِمًا، أَوْ شَرِبَةٍ مِنْ مَاءٍ عَذْبٍ، أَوْ تُمْرَةٍ لَا يَقْدِرُ عَلَى أَكْثَرِ مِنْ ذَلِكَ».

* (بَابُ ثَوَابِ السَّحُورِ) *

۱۹۵۷- قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «السَّحُورُ بَرَكَةٌ، وَقَالَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: لَا تَدْعُ أُمَّتِي السَّحُورَ وَلَوْ عَلَى حَشْفَةٍ تَمْرٍ».

۱۹۵۸- وَسَأَلَ سَمَاعَةُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ السَّحُورِ لِمَنْ أَرَادَ الصَّوْمَ، فَقَالَ: أَمَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّ الْفَضْلَ فِي السَّحُورِ وَلَوْ بِشَرِبَةٍ مِنْ مَاءٍ، وَأَمَّا

خرمائی می آوردند، و شام آن امام همان بود.

۸- ۱۹۵۶- و پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: «کسیکه در این ماه مؤمن روزه داری را افطاری دهد، او را نزد خدای عزوجل ثواب آزاد کردن بنده ای، و برای گناهان گذشته اش آمرزشی خواهد بود، پس گفتند: یا رسول الله، همگی ما قادر بر افطاری دادن به روزه داری نیستیم، پس فرمود: خدای تبارک و تعالی چندان کریم است که به کسی از شما که نتواند جز با جرعه شیر آمیخته با آبی، یا شربت آب گوارائی، یا چند دانه خرما روزه داری را افطاری دهد و بر انفاق چیزی بیش از این قادر نباشد، همین ثواب را عطا میکند.

* (بَابُ ثَوَابِ صَرْفِ سَحَرِي) *

۲- ۱۹۵۷- رَسُولُ خِدا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فرمود: «سَحَرِي بَرَكْت است، و فرمود: أُمَّت من سَحَرِي را وانمیگذارد، اگر چه با خرمای خشکیده پوسیده ای باشد».

۳- ۱۹۵۸- وَ سَمَاعَةُ از امام صادق علیه السلام درباره طعام سَحَرِي برای کسی که بخواهد روزه بگیرد، سؤال کرد، آنحضرت علیه السلام فرمود: اَمَّا در ماه رمضان، پس استفاده از طعام سَحَرِي بهتر است، اگر چه با شربتی از آب باشد، و اما در روزه

فِي التَّقْلُوعِ فَمَنْ أَحَبَّ أَنْ يَتَسَحَّرَ فَلْيَقْعَلْ، وَمَنْ لَمْ يَقْعَلْ فَلَا بَأْسَ».

۱۹۵۹- وَ سَأَلَهُ أَبُو بَصِيرٍ «عَنِ السَّحُورِ لِمَنْ أَرَادَ الصَّوْمَ أَوْاجِبٌ هُوَ عَلَيْهِ؟ فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ لَا يَتَسَحَّرَ إِنْ شَاءَ، فَأَمَّا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَإِنَّهُ أَفْضَلُ أَنْ يَتَسَحَّرَ، أُجِبُ أَنْ لَا يُتْرَكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ».

۱۹۶۰- وَقَالَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: «تَعَاوَنُوا بِأَكْلِ السَّحُورِ عَلَى صِيَامِ النَّهَارِ، وَبِالنُّومِ عِنْدَ الْقِيلُولَةِ عَلَى قِيَامِ اللَّيْلِ».

۱۹۶۱- وَرَوَى عَنْ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: «إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَمَلَائِكَتُهُ يُصَلُّونَ عَلَى الْمُسْتَغْفِرِينَ وَالْمُسْحَرِينَ بِالْأَشْحَارِ فَلْيَتَسَحَّرْ أَحَدُكُمْ وَلَوْ بِشَرْبَةِ مِنْ مَاءٍ».

وَ أَفْضَلُ السَّحُورِ السَّوِيقُ وَالتَّمْرُ، وَمُطْلَقُ لَكَ الطَّعَامُ وَ الشَّرَابُ إِلَى أَنْ

مستحبی پس هرکس خوش داشته باشد، از طعام سحری استفاده میکند، و کسی هم که چنین نکند، باکی نیست.

① ۱۹۵۹- و ابو بصیر درباره سحری برای کسیکه اراده روزه گرفتن کند، از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که: آیا آن بر او واجب است؟ آنحضرت علیه السلام فرمود: اگر بخواهد باکی نیست که بدون سحری روزه بگیرد، و اما در ماه رمضان بهتر آن است که از سحری استفاده کند. من خوش دارم که آن در ماه رمضان ترک نشود.

② ۱۹۶۰- و پیامبر صلی الله علیه وآله فرمود: با خوردن سحری برای روزه روز و با خواب قیلوله برای شب زنده داری کمک بطلبید.

③ ۱۹۶۱- و از امیرالمؤمنین علیه السلام، از پیامبر صلی الله علیه وآله روایت شده است که فرمود: خداوند تبارک و تعالی، و فرشتگانش بر کسانی که در سحرها آمرزش میطلبند، و سحری تناول میکنند، درود میفرستند، پس هریک از شما را همی باید تا سحری تناول کند، اگرچه با شربتی از آب باشد.

و بهترین سحری سویق و خرما است، و خوردنی و نوشیدنی برای تو آزاد است، تا زمانی که یقین کنی که فجر طالع شده است.

تَسْتَقِينَ طُلُوعَ الْفَجْرِ.

۱۹۶۲- وَ سَأَلَ رَجُلٌ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: «أَكُلُ وَأَنَا أَشْكُ فِي

الْفَجْرِ؟ فَقَالَ: كُلْ حَتَّى لَا تَشْكُ».

۱۹۶۳- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَوْ أَنَّ النَّاسَ تَسَحَّرُوا ثُمَّ لَمْ يُفْطِرُوا إِلَّا

عَلَى الْمَاءِ لَقَدَّرُوا عَلَى أَنْ يَصُومُوا الدَّهْرَ».

* (بَابُ الرَّجُلِ يَتَقَطَّعُ بِالصَّيَامِ وَعَلَيْهِ شَيْءٌ مِنَ الْفَرَضِ) *

وَرَدَتْ الْأَخْبَارُ وَالْآثَارُ عَنِ الْأَيْمَةِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ أَنَّهُ لَا يَجُوزُ أَنْ يَتَقَطَّعَ

الرَّجُلُ بِالصَّيَامِ وَعَلَيْهِ شَيْءٌ مِنَ الْفَرَضِ، وَمِمَّنْ رَوَى ذَلِكَ الْحَلَبِيُّ وَأَبُو الصَّبَّاحِ

الْكِنَانِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

* (بَابُ الصَّلَاةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ) *

۱۹۶۴- سَأَلَ زُرَّارَةُ، وَمُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ، وَالْفَضِيلُ أَبُو جَعْفَرٍ الْبَاقِرُ

① ۱۹۶۲- و مردی از امام صادق علیه السلام سؤال کرد که: آیا میتوانم بخورم،

در حالیکه درباره فجر شک دارم؟ امام فرمود: بخور تا زمانی که شک نداشته باشی.

② ۱۹۶۳- و آن امام علیه السلام فرمود: اگر مردم سحری میخوردند، و آنگاه

جز با آب افطار نمیکردند، هر آینه میتوانند ابد الدهر روزه بگیرند.

* (بَابُ مُتَعَلِّقٍ بِهِ كَسِيكَةً مِنْ شَيْءٍ مِنْ رُوزَةٍ وَاجِبَةٍ) *

* (بِرِ ذَمِّهِ دَارِدٌ، وَ رُوزَةٌ مُسْتَحَبَّةٌ مِیْگِیرِدُ) *

③ از جانب ائمه اطهار علیهم السلام اخبار و آثاری وارد شده است، دایر بر اینکه

شخص چون چیزی از روزه واجب بر ذمه داشته باشد، جایز نیست که روزه مستحبی

بگیرد. و از جمله کسانی که از اینگونه اخبار روایت کرده اند، حلبی و ابوالصباح کینانی

از امام صادق علیه السلام میباشد.

* (بَابُ نَمَازٍ فِي مَهِ رَمَضَانَ) *

④ ۱۹۶۴- زراره، و محمد بن مسلم، و فضیل از امام ابوجعفر باقر، و امام صادق

علیهما السلام درباره نماز نافله شب در ماه رمضان به صورت جماعت سؤال کردند، آن

وَأَبَاعَبِدَ اللَّهُ الصَّادِقَ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «عَنِ الصَّلَاةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ نَافِلَةً بِاللَّيْلِ جَمَاعَةً، فَقَالُوا: إِنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ إِذَا صَلَّى الْعِشَاءَ الْآخِرَةَ انْصَرَفَ إِلَى مَنْزِلِهِ ثُمَّ يَخْرُجُ مِنْ آخِرِ اللَّيْلِ إِلَى الْمَسْجِدِ قَبْلُومُ فَيُصَلِّي، فَخَرَجَ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يُصَلِّي كَمَا كَانَ يُصَلِّي، فَاصْطَفَى النَّاسُ خَلْفَهُ فَهَرَبَ مِنْهُمْ إِلَى بَنِيهِ وَتَرَكَهُمْ فَفَعَلُوا ذَلِكَ ثَلَاثَ لَيَالٍ، فَقَامَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي الْيَوْمِ الثَّالِثِ عَلَى مِثْبَرِهِ فَحَمِدَ اللَّهَ وَأَثْنَى عَلَيْهِ ثُمَّ قَالَ: «أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّ الصَّلَاةَ بِاللَّيْلِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنَ النَّافِلَةِ فِي جَمَاعَةٍ بِدْعَةٌ، وَصَلَاةُ الصُّحَى بِدْعَةٌ، أَلَا فَلَا تَجْتَمِعُوا لَيْلًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ، وَلَا تُفَلُّوا صَلَاةَ الصُّحَى فَإِنَّ تِلْكَ مَعْصِيَةٌ، أَلَا فَإِنَّ كُلَّ بِدْعَةٍ ضَلَالَةٌ، وَكُلُّ ضَلَالَةٍ سَبِيلُهَا إِلَى النَّارِ، ثُمَّ نَزَلَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَهُوَ يَقُولُ: قَلِيلٌ فِي سُنَّةٍ خَيْرٌ مِنْ كَثِيرٍ فِي بِدْعَةٍ».

دو امام فرمودند: پیامبر صلی الله علیه وآله چون نماز عشا را بجا می آورد، به سوی منزل خود میرفت، و آنگاه در آخر شب به سوی مسجد روان میشد، و به نماز می ایستاد، پس در نخستین شب از ماه رمضان به مسجد رفت، تا بنا بر سنت پیشین نماز بگذارد، پس مردم پشت سرش صف بستند، در این هنگام پیامبر صلی الله علیه وآله از جلو ایشان به خانه اش فرار کرد، و ایشان را برجای گذاشت، ولی مردم تا سه شب چنین کردند. پس پیامبر صلی الله علیه وآله در روز سوم به منبر برآمد، و پس از حمد و ثنای خدا فرمود: «ایا ای مردمان، نماز نافله در شب ماه رمضان به صورت جماعت بدعت است، و نماز صُحی (یعنی هنگامی که آفتاب در سطح زمین فراگیر شود) بدعت است، آگاه باشید که شبانگاه در ماه رمضان برای نماز شب اجتماع نکنید، و نماز صُحی را بجا میاورید، زیرا که آن معصیت است، آگاه باشید که هر بدعتی گمراهی است، و هر گمراهی راهش به سوی آتش دوزخ است.

سپس از منبر به زیر آمد، درحالیکه میگفت: کار کمی در مسیر سنت از کار بسیار در مسیر بدعت بهتر است.

۱۹۶۵- وَ رَوَى ابْنُ مُسْكَانَ، عَنِ الْحَلَبِيِّ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، فَقَالَ: ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً مِنْهَا الْوُتْرُ وَرَكْعَتَا الصُّبْحِ قَبْلَ الْفَجْرِ كَذَلِكَ كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يُصَلِّي، وَأَنَا كَذَلِكَ أَصَلِّي، وَلَوْ كَانَ خَيْرًا لَمْ يَتْرُكْهُ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

۱۹۶۶- وَ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ الْمُغِيرَةِ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الصَّلَاةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقَالَ: ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً مِنْهَا الْوُتْرُ وَرَكْعَتَانِ قَبْلَ صَلَاةِ الْفَجْرِ وَلَوْ كَانَ فَضْلًا كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَعْمَلَ بِهِ وَأَحَقُّ».

وَ مِمَّنْ رَوَى الزِّيَادَةَ فِي التَّنَلُّعِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ زُرْعَةُ عَنْ سَمَاعَةَ وَهُمَا وَاقِفَيَانِ.

۱۹۶۷- قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ شَهْرِ رَمَضَانَ كَمْ يُصَلِّي فِيهِ؟ قَالَ: كَمَا يُصَلِّي فِي غَيْرِهِ إِلَّا أَنَّ لِشَهْرِ رَمَضَانَ عَلَى سَائِرِ الشُّهُورِ مِنَ الْفَضْلِ مَا يَتَّبِعِي لِقَعْبِدِ أَنْ يَرِيدَ فِي

① ۱۹۶۵- و ابن مسكان از حلبی روایت کرده است که می‌گفت: از امام صادق علیه السلام راجع به نماز در ماه رمضان سؤال کردم، پس فرمود: آن نماز سیزده رکعت است، که نماز وتر و دو رکعت صبح قبل از فجر از آن جمله است. رسول خدا صلی الله علیه و آله این چنین نماز می‌گزارد، و من نیز بر اینگونه نماز می‌گذارم. و اگر کاری بهتر از این می‌بود رسول خدا صلی الله علیه و آله آنرا وانمی‌گذاشت.

② ۱۹۶۶- و عبدالله بن مغیره، از عبدالله بن سنان روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره نماز در ماه رمضان سؤال کردم، پس فرمود: آن سیزده رکعت است، که نماز وتر و دو رکعت قبل از نماز فجر از آن جمله است، و اگر کاری بهتر از این می‌بود، رسول خدا صلی الله علیه و آله به آن کار عاملتر و سزاوارتر بود. و از کسانی که زیاده در نماز مستحب ماه رمضان روایت کرده اند، یکی زرعه از سماعه است، و این هر دو «واقفی» هستند.

③ ۱۹۶۷- (سماعه) گفت: از آن امام درباره چند و چون نماز در ماه رمضان

تَطَوُّعِهِ، فَإِنْ أَحَبَّ وَقَوِيَ عَلَى ذَلِكَ أَنْ يَرِيدَ فِي أَوَّلِ الشَّهْرِ إِلَى عِشْرِينَ لَيْلَةً كُلَّ لَيْلَةٍ عِشْرِينَ رَكْعَةً سِوَى مَا كَانَ يُصَلِّي قَبْلَ ذَلِكَ، يُصَلِّي مِنْ هَذِهِ الْعِشْرِينَ اثْنَتَيْ عَشْرَةَ رَكْعَةً بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعَتَمَةِ، وَثَمَانٍ رَكْعَاتٍ بَعْدَ الْعَتَمَةِ، ثُمَّ يُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ الَّتِي كَانَ يُصَلِّيهَا قَبْلَ ذَلِكَ، ثَمَانٍ وَالْوُتْرُ ثَلَاثُ يُصَلِّي رَكْعَتَيْنِ وَيُسَلِّمُ فِيهِمَا ثُمَّ يَقُومُ فَيُصَلِّي وَاحِدَةً، فَيَنْقُضُ فِيهَا هَذَا الْوُتْرَ، ثُمَّ يُصَلِّي رَكْعَتَي الْفَجْرِ حَتَّى يَنْشَقَّ الْفَجْرُ فَهَذِهِ ثَلَاثُ عَشْرَةَ رَكْعَةً، فَإِذَا بَقِيَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عَشْرُ لَيَالٍ فَلْيُصَلِّ ثَلَاثِينَ رَكْعَةً فِي كُلِّ لَيْلَةٍ سِوَى هَذِهِ الثَّلَاثِ عَشْرَةَ يُصَلِّي مِنْهَا بَيْنَ الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ اثْنَتَيْنِ وَعِشْرِينَ رَكْعَةً وَثَمَانٍ رَكْعَاتٍ بَعْدَ الْعَتَمَةِ، ثُمَّ يُصَلِّي صَلَاةَ اللَّيْلِ ثَلَاثَ عَشْرَةَ رَكْعَةً كَمَا وَصَفْتُ لَكَ، وَفِي لَيْلَةٍ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَثَلَاثَ وَعِشْرِينَ يُصَلِّي فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا إِذَا قَوِيَ عَلَى ذَلِكَ مِائَةَ رَكْعَةٍ سِوَى هَذِهِ الثَّلَاثِ عَشْرَةَ رَكْعَةً، وَلَيْسَ هُنَا فِيهِمَا

سؤال کردم، فرمود: همانگونه که در غیر این ماه نماز میگزاردند، الا اینکه ماه رمضان را بر سایر ماهها فضیلتی هست که بنده را میبزد تا در تطوع - واعمال مستحب - خود بیفزاید، پس اگر دوست بدارد، و قدرت داشته باشد، در اول ماه تا بیست شب علاوه بر نمازهایی که پیش از این میخوانده، هر شبی بیست رکعت اضافه کند، چنانکه دوازده رکعت از آن بیست رکعت را مابین مغرب و تاریک شدن هوا، و هشت رکعت دیگر را بعد از تاریک شدن هوا بجا آورد، و پس از آن نماز شبی را که پیش از این میخوانده طی هشت رکعت، و وتر را طی سه رکعت برگزار کند، به این ترتیب که دو رکعت بجا آورد، و سلام بگوید، و پس از آن بایستد و یک رکعت بجا دارد، و در این رکعت اخیر قنوت را بجا آورد، و این همان وتر است. سپس دو رکعت فجر را تا وقت شکافته شدن فجر برگزار کند، که مجموع آنها سیزده رکعت است. پس چون ده شب از ماه رمضان باقی بماند علاوه بر این سیزده رکعت، در هر شبی سی رکعت نماز بگذارد، چنانکه بیست و دو رکعت آن را در میان نماز مغرب و عشا، و هشت رکعت را بعد از تاریک شدن هوا بگذارد، و پس از آن سیزده رکعت نماز شب را بدانگونه که برای تو وصف کردم انجام دهد، و در شبهای بیست و یکم و بیست و سوم در صورتیکه قادر باشد، در هر یک از آن

حَتَّى يُصْبِحَ فَإِنَّ ذَلِكَ يُسْتَحَبُّ أَنْ يَكُونَ فِي صَلَاةٍ وَدُعَاءٍ وَتَضَرُّعٍ فَإِنَّهُ يُرْجَى أَنْ يَكُونَ لَيْلَةً الْقَدَرِ فِي إِحْدَهُمَا».

قال مصنف هذا الكتاب - رحمه الله -: إِنَّمَا أُورِدْتُ هَذَا الْخَبَرَ فِي هَذَا الْبَابِ مَعَ عُدُولِي عَنْهُ وَتَرْكِي لِاسْتِعْمَالِهِ لِيَتَعَلَّمَ النَّاظِرُ فِي كِتَابِي هَذَا كَيْفَ يَرَوِي وَمَنْ رَوَاهُ وَلِيَتَعَلَّمَ مِنْ اغْتِيصَادِي فِيهِ أَنِّي لَا أَرَى بَأْسًا بِاسْتِعْمَالِهِ.

* (بَابُ مَا جَاءَ فِي كَرَاهِيَةِ السَّفَرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ) *

۱۹۶۸- رَوَى عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَظْرَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْخُرُوجِ إِذَا دَخَلَ شَهْرُ رَمَضَانَ، فَقَالَ: لَا إِلَّا فِيمَا أَخْبَرَكَ بِهِ: خُرُوجٌ إِلَى مَكَّةَ، أَوْ غَزْوٌ فِي سَبِيلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَوْ مَالٌ تَخَافُ هَلَاكَهُ، أَوْ أَخٌ تَخَافُ هَلَاكَهُ وَإِنَّهُ لَيْسَ بِأَخٍ مِنَ الْأَبِ وَالْأُمِّ».

دو شب صد رکعت علاوه بر آن سیزده رکعت ادا نماید.

و میباید که در این دو شب تا صبح بیدار بماند، زیرا مستحب است که آن دو شب در دعا و تضرع سپری گردد، بدلیل اینکه امید میرود که شب قدر در یکی از آن دو شب باشد.

① مصنف این کتاب - رحمه الله - گفت: من این خبر را با آنکه از آن عدول کرده‌ام، و عمل کردن به آن را وا گذاشته‌ام، از آنرو در این باب آورده‌ام که ناظر در این کتاب من بداند که آن چگونه روایت میشود، و چه کسی آنرا روایت کرده، و برای آنکه اعتقاد من را درباره آن بداند، من مانعی برای عمل به آن نمی بینم.

* (بَابُ أَنْجَهِ دِرْبَارَةَ كَرَاهَتِ سَفَرٍ) *

* (در ماه رمضان آمده است) *

② ۱۹۶۸- و علی بن ابی حمزه از ابوبصیر روایت کرده است، که گفت: از امام صادق، علیه السلام سؤال کردم که: آیا با فرارسیدن ماه رمضان مسافرت جایز است؟ فرمود: نه. مگر در مواردی که آنها را با تو باز میگویم: مسافرت به مکه، یا به جنگ در راه خدای عزوجل، یا برای حفظ مالی که بیم فنا شدن آنرا داشته باشی، یا برادری که

۱۹۶۹- وَ رَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الرَّجُلِ يَدْخُلُ شَهْرَ رَمَضَانَ وَهُوَ مُقِيمٌ لَا يُرِيدُ بَرَّاحًا ثُمَّ يَتَذَوُّ لَهُ بَعْدَ مَا يَدْخُلُ شَهْرَ رَمَضَانَ أَنْ يُسَافِرَ فَسَكَتَ، فَسَأَلْتُهُ غَيْرَ مَرَّةٍ، فَقَالَ: يُقِيمُ أَفْضَلَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ لَهُ حَاجَةٌ لِابْتِدَاءِ لَهُ مِنَ الْخُرُوجِ فِيهَا، أَوْ يَتَخَوَّفُ عَلَى مَالِهِ».

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ - أَشْكَنَهُ اللَّهُ جَنَّتُهُ -: فَالْتَّهَيَّ عَنِ الْخُرُوجِ فِي السَّفَرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ نَهْيٌ كَرَاهِيَّةٌ لَا نَهْيٌ تَحْرِيمٌ، وَالْفَضْلُ فِي الْمَقَامِ لِشَلَا يُقَصِّرُ فِيهِ الصَّيَامَ.

۱۹۷۰- وَقَدْ رَوَى الْعَلَاءُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ سُئِلَ «عَنِ الرَّجُلِ يَغْرُضُ لَهُ السَّفَرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَهُوَ مُقِيمٌ وَقَدْ مَضَى مِنْهُ أَيَّامٌ، فَقَالَ: لَا بَأْسَ بِأَنْ يُسَافِرَ وَيُفْطِرَ وَلَا يَقُومَ».

از هلاک شدنش بترسی. و این برادری از پدر و مادر نیست بلکه دوست است. (۱) ۱۹۶۹- و حلبی روایت کرده است که از امام صادق علیه السلام دربارهٔ مردی سؤال کردم که به هنگام فرا رسیدن ماه رمضان مقیم بوده، و قصد سفری نداشته، آنگاه چون ماه رمضان فرا رسیده به فکر مسافرت افتاده، آنحضرت علیه السلام سکوت فرمود، تا من چند نوبت سؤال خود را تکرار کردم. پس فرمود: اقامتش افضل است، مگر آنکه حاجتی داشته باشد که در برآوردن آن ناگزیر از سفر باشد، یا از تلف شدن مالش بترسد.

مصنف این کتاب - أَشْكَنَهُ اللَّهُ جَنَّتُهُ - گفت: نهی از بیرون شدن به سفر در ماه رمضان، نهی کراهت است، نه نهی تحریم. و برتر بودن اقامت در وطن برای آن است که دربارهٔ روزه گرفتن کوتاهی نکند.

(۹) ۱۹۷۰- و علاء از محمد بن مسلم روایت کرده است، که از امام ابوجعفر علیه السلام دربارهٔ مردی سؤال کردند که در وطن خود مقیم است، و در ماه رمضان سفر برای اوریخ میدهد، و این درحالی است که چند روز از ماه سپری شده است. پس امام فرمود، باکی نیست که سفر کند، و افطار نماید، و روزه نگیرد.

وَقَدْ رَوَى ذَلِكَ أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

۱۹۷۱- وَ سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَخْرُجُ يُشَيِّعُ أَخَاهُ مَسِيرَةً يَوْمَيْنِ أَوْ ثَلَاثَةً، فَقَالَ: إِنْ كَانَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلْيُفْطِرْ، فَسُئِلَ أَيُّهُمَا أَفْضَلُ [يَقِيمُ وَ] يَصُومُ أَوْ يُشَيِّعُهُ؟ قَالَ: يُشَيِّعُهُ إِنْ أَلَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَضَعَ الصَّوْمَ عَنْهُ إِذَا شَيَّعَهُ».

۱۹۷۲- وَ رَوَى الْوَشَاءُ، عَنْ حَمَادِ بْنِ عُثْمَانَ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «رَجُلٌ مِنْ أَصْحَابِي قَدْ جَاءَنِي خَبَرُهُ مِنَ الْأَعْوَصِ وَذَلِكَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَتَلَقَّاهُ وَافْطَرُّ؟ قَالَ: نَعَمْ، قُلْتُ: أَتَلَقَّاهُ وَافْطَرُّ أَوْ أَقِيمُ وَاصُومُ؟ قَالَ: تَلَقَّاهُ وَافْطَرُّ».

* (بَابُ وَجُوبِ التَّقْصِيرِ فِي الصَّوْمِ فِي السَّفَرِ) *

۱۹۷۳- رَوَى يَحْيَى بْنُ أَبِي الْعَلَاءِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:

و این خبر را ابان بن عثمان از امام صادق علیه السلام روایت کرده است.

① ۱۹۷۱- و از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردند که برای مسیر دو روز یا سه روز به مشایعت برادرش راه می پیماید. پس فرمود: اگر این مشایعت در ماه رمضان بوده است میباید افطار کند. آنگاه سؤال کردند که کدام یک افضل است: [اقامت کند و] روزه بدارد، یا او را مشایعت نماید؟ فرمود: مشایعت او افضل است زیرا خدای عزوجل زمانیکه او به مشایعت برادرش برود روزه را از او برداشته است.

② ۱۹۷۲- وَ وَشَاءُ از حماد بن عثمان روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام معروض داشتم که: اطلاع یافته ام که مردی از یارانم به «أَعْوَص» وارد شده، و این در ماه رمضان است، آیا برای من جایز است که به استقبال او بروم، و افطار کنم؟ فرمود: آری. گفتم: به استقبال او بروم و افطار کنم، یا در شهر اقامت نمایم و روزه بدارم؟ فرمود: به استقبال او برو و افطار کن.

* (بَابُ وَجُوبِ تَقْصِيرِ دُرُوزِهِ دَرِ سَفَرِ) *

۱۹۷۳- یحیی بن ابی العلاء از امام صادق علیه السلام روایت کرده است

الصَّائِمُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي السَّفَرِ كَالْمُفْطِرِ فِيهِ فِي الْحَضَرِ، ثُمَّ قَالَ: إِنَّ رَجُلًا أَتَى رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ أَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ فِي السَّفَرِ؟ فَقَالَ: لَا، فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللَّهِ إِنَّهُ عَلَيَّ يَسِيرٌ، فَقَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى تَصَدَّقَ عَلَى مَرَضِي أُمِّي وَمُسَافِرِيهَا بِالْإِفْطَارِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، أُيْحَبُ أَحَدُكُمْ إِذَا تَصَدَّقَ بِصَدَقَةٍ أَنْ تُرَدَّ عَلَيْهِ».

۱۹۷۴ - وَ سَأَلَ عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» قَالَ: مَا أَبَيْتُهَا مَنْ شَهِدَ فَلْيَصُمْهُ وَمَنْ سَافَرَ فَلَا يَصُمْهُ».

۱۹۷۵ - وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ حُكَيْمٍ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَوْ أَنَّ رَجُلًا مَاتَ صَائِمًا فِي السَّفَرِ لَمَّا صَلَّيْتُ عَلَيْهِ».

۱۹۷۶ - وَ رَوَى حَرِيزٌ، عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَمِعْتُ

که فرمود: «روزه دار در ماه رمضان در سفر مانند افطارکننده در آن ماه در حضر است. آنگاه فرمود: مردی به نزد رسول خدا صلی الله علیه و آله آمد، و گفت: یا رسول الله، آیا برای من جایز است که ماه رمضان را در سفر روزه بدارم؟ فرمود: نه، مرد گفت: یا رسول الله، این کار برای من آسان است. پس رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: خدای تبارک و تعالی افطار در ماه رمضان را بر بیماران و مسافران امت من تصدق کرده، آیا کسی از شما دوست میدارد که چون صدقه ای داد آنرا به او رد کنند؟!»

① ۱۹۷۴ - وَ عُبَيْدُ بْنُ زُرَّارَةَ عَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ دَرِبَارَةَ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «فَمَنْ شَهِدَ مِنْكُمُ الشَّهْرَ فَلْيَصُمْهُ» سَوَّالٌ كَرَدَ، إِمَامٌ فَرَمُود: چِه رُوشَن اسْتِ مَعْنَى آن! كَسِيكِه حَاضِر دَر وَطَن بَاشَد مِيبَايَدِ آن مَاه رَا رُوزِه بَگِيرَد، وَ كَسِيكِه سَفَر كُنَد مِيبَايَدِ رُوزِه نَگِيرَد.

② ۱۹۷۵ - وَ مُحَمَّدُ بْنُ حُكَيْمٍ عَنْ إِمَامٍ صَادِقٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتٌ كَرَدَه اسْتِ كِه فَرَمُود: اِگَر مَرَدِي دَر حَالِ رُوزِه دَر سَفَر مِيبَرَد، هَر آيَنِه مَن بَرِ او غَازِغِي كُزَارَم.

③ ۱۹۷۶ - وَ حَرِيزٌ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ إِمَامِ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَايَتٌ كَرَدَه اسْتِ كِه

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ قَوْمًا صَامُوا حِينَ أَفْطَرُوا وَقَصَّرَ: الْعُصَاةَ، قَالَ: وَهُمْ الْعُصَاةُ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ، وَإِنَّا لَنَعْرِفُ أَتْنَاءَهُمْ وَأَتْنَاءَ أَتْنَائِهِمْ إِلَى يَوْمِنَا هَذَا».

۱۹۷۷- وَرَوَى الْعَيْصُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا

خَرَجَ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مُسَافِرًا أَفْطَرَ، وَقَالَ: إِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَرَجَ مِنَ الْمَدِينَةِ إِلَى مَكَّةَ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَمَعَهُ النَّاسُ وَفِيهِمُ الْمُشَاةُ فَلَمَّا انْتَهَى إِلَى كُرَاعِ الْغَمِيمِ دَعَا بِقَدَحٍ مِنْ مَاءٍ فِيمَا بَيْنَ الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ فَشَرِبَ وَأَفْطَرَ وَأَفْطَرَ النَّاسُ مَعَهُ وَنَمَّ أَنَسٌ عَلَى صَوْمِهِمْ فَسَمَّاهُمُ الْعُصَاةَ، وَإِنَّمَا يُؤْخَذُ بِأَمْرِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».

۱۹۷۸- وَرَوَى أَبَانُ بْنُ تَغْلِبَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ

رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: خِيَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ إِذَا سَافَرُوا أَفْطَرُوا وَقَصَرُوا، وَإِذَا

فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله گروهی را که به هنگام افطار کردن و تقصیر نمودنش روزه گرفتند «عُصَات» - یعنی نافرمانان - نامید، امام فرمود: و ایشان تا روز قیامت عُصَاتند، و هر آینه ما پسرانشان و پسران پسرانشان را تا زمان خودمان میشناسیم.

① ۱۹۷۷- و عیص بن قاسم از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: چون مرد در ماه رمضان به سفر رود میباید افطار کند، و فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماه رمضان از مدینه به سوی مکه روان شد، و مردم با او بودند، و در میان ایشان پیادگانی میبودند، پس چون در ساعتی مابین ظهر و عصر به سرزمین «کُرَاعُ الْغَمِيمِ» رسید، قدحی آب خواست، و نوشید، و افطار کرد، و مردم نیز با آن حضرت افطار کردند، ولی بعضی از مردم روزه خود را به پایان بردند، و از اینرو ایشان را «عُصَات» نامید، و هر شخص مسلمان را همیاید تا فرمان رسول خدا صلی الله علیه و آله را به کار بندد.

② ۱۹۷۸- و أبان بن تغلب از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله فرموده است: خوبان اُمت من کسانی هستند که

أَحْسَنُوا اسْتَبْشَرُوا، وَإِذَا أَسَاوُوا اسْتَغْفَرُوا، وَشِرَارُ أُمَّتِي الَّذِينَ وَلِدُوا فِي النِّعَمِ وَغَدُوا بِهَ، يَا كُلُّونَ طَيِّبِ الطَّعَامِ، وَبَلِّسُونَ لَيْنَ الثِّيَابِ، وَإِذَا تَكَلَّمْتُمْ لَمْ يَصْدُقُوا».

۱۹۷۹- وَ رَوَى ابْنُ مَجْهُوبٍ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ، عَنْ عَمَّارِ بْنِ مَرْوَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَمِعْتُهُ يَقُولُ: مَنْ سَافَرَ قَصَرَ وَأَفْطَرَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ رَجُلًا سَفَرَهُ إِلَى صَيْدٍ أَوْ فِي مَعْصِيَةِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، أَوْ رَسُولًا لِمَنْ يَعْصِي اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ، أَوْ طَلَبَ غَدُوًّا أَوْ شَخْنَاءَ، أَوْ سِعَايَةً، أَوْ ضَرَرٍ عَلَى قَوْمٍ مِنَ الْمُسْلِمِينَ».

۱۹۸۰- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا يُفْطِرُ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ إِلَّا بِسَبِيلِ

حَقٍّ».

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللَّهُ -: قَدْ أَخْرَجْتُ تَقْصِيرَ الْمُسَافِرِ فِي جُمْلَةِ أَبْوَابِ الصَّلَاةِ فِي هَذَا الْكِتَابِ، وَالْحَدِّ الَّذِي يَجِبُ فِيهِ التَّقْصِيرُ، وَالَّذِينَ يَجِبُ عَلَيْهِمُ التَّمَامُ.

چون سفر کنند افطار و تقصیر میکنند، و چون احسان کنند شاد میشوند، و چون بدی کنند، آمرزش میطلبند. و شروران اقتب من کسانی هستند که در آغوش نعمت متولد گشته اند، و با آن تغذیه شده اند؛ غذای خوب میخورند، و جامعه نرم میپوشند و به هنگام سخن گفتن راست نمیگویند.

① ۱۹۷۹- و ابن محبوب، از ابو ایوب، از عمار بن مروان، روایت کرده است که گفت: «از امام صادق علیه السلام شنیدم که میفرمود: «کسیکه سفر میکند میباید افطار و تقصیر کند، مگر آنکه مردی باشد که سفرش به قصد شکاری، یا در معصیت خدای عزوجل باشد، یا کسی که خدای عزوجل را معصیت میکند او را به سفر فرستاده باشد یا برای طلب و یافتن دشمن یا دشمنی با دیگران، و یا گزارش دادن بد از کسی به والی و حاکم یا به خاطر ضرر رساندن به مردمی از مسلمانان.

② ۱۹۸۰- و آن امام علیه السلام فرمود: شخص در ماه رمضان جز به راهی (مسافرتی) حق روزه اش را افطار نمیکند.

مصنف این کتاب - رحمه الله - گفت: تقصیر مسافر و حد و مسافتی را که تقصیر

فَأَمَّا صَوْمُ التَّطَوُّعِ فِي السَّفَرِ

۱۹۸۱- فَقَدْ قَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَيْسَ مِنَ الْبِرِّ الصَّوْمُ فِي

السَّفَرِ».

۱۹۸۲- وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ «سُئِلَ عَنِ الرَّجُلِ

يَخْرُجُ مِنْ بَيْتِهِ وَهُوَ يُرِيدُ السَّفَرَ وَهُوَ صَائِمٌ، فَقَالَ: إِنْ خَرَجَ قَبْلَ أَنْ يَنْتَصِفَ النَّهَارُ فَلْيُفِطِرْ وَلْيَقْضِ ذَلِكَ الْيَوْمَ، وَإِنْ خَرَجَ بَعْدَ الزَّوَالِ فَلْيَتِمَّ يَوْمَهُ».

۱۹۸۳- وَرَوَى الْعَلَاءُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

قَالَ: «إِذَا سَافَرَ الرَّجُلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَخَرَجَ بَعْدَ نِصْفِ النَّهَارِ فَقَلْبُهُ صِيَامُ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَيُعْتَدُّ بِهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَإِذَا دَخَلَ أَرْضاً قَبْلَ طُلُوعِ الْفَجْرِ وَهُوَ يُرِيدُ الْإِقَامَةَ

در آن واجب است و همچنین کسانی را که تمام بر ایشان واجب میباشد در ضمن ابواب صلاة در این کتاب ذکر کرده ام.

و اما روزه تطوع - یعنی مستحب - در سفر

⑤ ۱۹۸۱- پس امام صادق علیه السلام درباره آن فرموده است: روزه در سفر

از جمله اعمال پَر و مشروع نیست.

⑥ ۱۹۸۲- و حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که از آن امام

درباره مردی که در حال روزه داشتن از خانه اش به قصد سفر خارج میشود، سؤال کردند، امام فرمود: اگر پیش از آنکه روزه نیمه رسد خارج شده است، میباید افطار کند، و قضای آن روز را بجا آورد، و اگر بعد از زوال خارج شده، میباید روزه اش را تمام کند.

⑦ ۱۹۸۳- و علاء از محمد بن مسلم، از امام صادق علیه السلام روایت کرده

است که فرمود: چون مرد در ماه رمضان سفر کند، و بعد از نصف روز خارج شود، روزه آن روز را بر عهده دارد، و آن روزه به حساب ماه رمضان منظور میشود، و چون پیش از طلوع فجر به سرزمینی وارد شود، درحالیکه قصد اقامت در آن سرزمین داشته باشد، میباید آن روز را روزه بدارد، و اگر بعد از طلوع فجر به آنجا وارد شود، روزه ای

بِهَا فَعَلَّيْهِ صَوْمُ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَإِنْ دَخَلَ بَعْدَ طُلُوعِ الْفَجْرِ فَلَا صِيَامَ عَلَيْهِ، وَإِنْ شَاءَ صَامَ».

۱۹۸۴- وَ فِي رِوَايَةِ رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ رَجُلٍ يُقْبِلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مِنْ سَفَرٍ حَتَّى يَرَى أَنَّهُ سَيَدْخُلُ أَهْلُهُ ضَحْوَةً أَوْ ارْتِفَاعَ النَّهَارِ، قَالَ: إِذَا طَلَعَ الْفَجْرُ وَهُوَ خَارِجٌ لَمْ يَدْخُلْ فَهُوَ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ صَامَ وَإِنْ شَاءَ أَفْطَرَ».

۱۹۸۵- وَ رَوَى يُونُسُ بْنُ عَبْدِ الرَّحْمَنِ عَنْ مُوسَى بْنِ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «فِي الْمُسَافِرِ يَدْخُلُ أَهْلُهُ وَهُوَ جُنُبٌ قَبْلَ الزَّوَالِ وَلَمْ يَكُنْ أَكَلَ فَعَلَّيْهِ أَنْ يُتِمَّ صَوْمَهُ وَلَا قَضَاءَ عَلَيْهِ» قَالَ: يَعْنِي إِذَا كَانَتْ جَنَابَتُهُ مِنْ أَحْتِلَامٍ».

۱۹۸۶- وَ سَأَلَ عَبْدُ اللَّهِ بْنُ سِنَانٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَأْتِي جَارِيَّتَهُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ بِالنَّهَارِ فِي السَّفَرِ، فَقَالَ: مَا عَرَفْتُ هَذَا حَقَّ شَهْرِ رَمَضَانَ إِنَّ لَهُ فِي اللَّيْلِ مَنَاحًا طَوِيلًا قَالَ: قُلْتُ لَهُ: أَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَأْكُلَ وَيَشْرَبَ وَيُقْصِرَ؟ قَالَ: إِنْ

برعهده ندارد، و اگر بخواهد میتواند روزه بگیرد.

① ۱۹۸۴- و در روایت رِفَاعَةَ بْنِ مُوسَى آمده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که در ماه رمضان از سفر باز می آید، حتی اینکه گمان دارد که پس از طلوع خورشید یا بالا آمدن روزه به خانواده اش وارد میشود. امام علیه السلام فرمود: در صورتیکه فجر بدمد، و او در خارج باشد، و هنوز به خانه اش داخل نشده باشد، اختیار دارد که روزه بگیرد یا افطار کند.

② ۱۹۸۵- و یونس بن عبد الرحمن از امام موسی بن جعفر علیهما السلام روایت کرده است که فرمود: مسافری که قبل از زوال در حال جنابت به خانواده اش وارد شود، و هنوز چیزی نخورده باشد، میباید روزه اش را تمام کند، و قضائی بر ذمه اش تعلق نمیگیرد. - گفت: یعنی در صورتیکه جنابتش از احتلام باشد..

③ ۱۹۸۶- و عبدالله بن سنان، از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کرد که در ماه رمضان در مسافرت با کنیز خود مقاربت کند. پس امام علیه السلام

اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ رَخَّصَ لِلْمُسَافِرِ فِي الْإِفْطَارِ وَالْتَقْصِيرِ رَحْمَةً وَتَخْفِيفاً لِمَوْضِعِ التَّعَبِ وَالتَّصَبُّبِ وَوَعَيْتِ السَّفَرَ، وَلَمْ يُرَخَّصْ لَهُ فِي مُجَامَعَةِ النِّسَاءِ فِي السَّفَرِ بِالنَّهَارِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ، وَأَوْجِبَ عَلَيْهِ قَضَاءَ الصَّيَامِ وَلَمْ يُوجِبْ عَلَيْهِ قَضَاءَ تَمَامِ الصَّلَاةِ إِذَا آتَى مِنْ سَفَرِهِ، ثُمَّ قَالَ: وَالسُّنَّةُ لَا تُقَاسُ وَإِنِّي إِذَا سَافَرْتُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ مَا أَكَلْتُ كُلَّ الْقَوِيِّ وَمَا أَشْرَبْتُ كُلَّ الرَّيِّ».

وَاللَّهِ يُنْهِي عَنِ الْجُمَاعِ لِلْمُقْصِرِ فِي السَّفَرِ إِنَّمَا هُوَ نَهْيٌ كَرَاهَةٌ لَا نَهْيٌ تَحْرِيمٌ.

۱۹۸۷- وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: «رَجُلٌ صَامَ فِي السَّفَرِ فَقَالَ: إِنَّ كَانَ بَلَغَهُ أَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَهَى عَنْ ذَلِكَ فَقَعَلَهُ الْقَضَاءُ، وَإِنْ لَمْ يَكُنْ بَلَغَهُ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ».

فرمود: این مرد حقّ ماه رمضان را نشناخته است، زیرا که او در شب فرصت گسترده‌ای در اختیار داشته، گفت: گفتم: آیا برای او روا نیست که بخورد، و بیاشامد، و تقصیر کند؟ فرمود: خدای عزوجلّ به آئین رحمت و به منظور فرو کاستن خستگی و رنج و مشقت سفر، مسافر را رخصت افطار و تقصیر داده است، و رخصت مجامعت زنان در راه سفر به هنگام روز در ماه رمضان به او نداده است، و به هنگام مراجعت از سفر قضای روزه را بر او واجب ساخته، ولی قضای اتمام نماز را بر او واجب نکرده است و سنت به قیاس در نمی‌آید - یعنی نماز از جهت قضا با روزه قیاس نمیشود، چنانکه مجامعت نیز از جهت حلیّت با اکل و شرب مقایسه نمیگردد - و من چون در ماه رمضان سفر کنم غذای کامل نمی‌خورم، و تا حدّ سیراب شدن آب نمینوشم.

و نهی از جماع برای شخص مسافر نهی کراهت است، نه نهی تحریم. - و در این نهی جنبه اخلاقی و وجدانی بیشتر از جنبه تشریعی ملحوظ شده است. -

① ۱۹۸۷- و حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده و گفته است، که از آن امام درباره‌ی مردی سؤال کردم که در سفر روزه گرفته است، پس فرمود: اگر مطلع بوده است که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن نهی فرموده پس میباید قضای آنرا بجا آورد، و اگر از این نهی اطلاع نداشته است چیزی بر او نیست.

* (بَابُ صَوْمِ الْحَائِضِ وَ الْمُسْتَحَاضَةِ) *

۱۹۸۸- رَوَى أَبُو الصَّبَّاحِ الْكِنَانِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي امْرَأَةٍ أَصْبَحَتْ صَائِمَةً فَلَمَّا ارْتَفَعَ النَّهَارُ أَوْ كَانَ الْعِشَاءُ حَاضَتْ أَتَفْطِرُ؟ قَالَ: نَعَمْ وَإِنْ كَانَ قَبْلَ الْمَغْرِبِ فَلتُخْطِرُ، وَعَنِ امْرَأَةٍ تَرَى الطُّهْرَ فِي أَوَّلِ النَّهَارِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَلَمْ تَغْتَسِلْ وَلَمْ تَقْطَعْ كَيْفَ تَصْنَعُ بِذَلِكَ الْيَوْمَ؟ قَالَ: إِنَّمَا فِطْرُهَا مِنَ الدَّمِ».

۱۹۸۹- وَرَوَى عَنْ عَلِيِّ بْنِ مَهْزِيَارٍ قَالَ: كَتَبْتُ إِلَيْهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «امْرَأَةٌ ظَهَرَتْ مِنْ حَيْضِهَا أَوْ دَمٍ يَفَاسِيهَا فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ ثُمَّ اسْتَحَاضَتْ فَصَلَّتْ وَصَامَتْ شَهْرَ رَمَضَانَ كُلَّهُ مِنْ غَيْرِ أَنْ تَعْمَلَ مَا تَعْمَلُهُ الْمُسْتَحَاضَةُ مِنَ الْغُسْلِ لِكُلِّ صَلَاتَيْنِ هَلْ يَجُوزُ صَوْمُهَا وَصَلَاتُهَا أَمْ لَا؟ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: تَقْضِي صَوْمُهَا وَلَا تَقْضِي صَلَاتُهَا لِأَنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ كَانَ يَأْمُرُ الْمُؤْمِنَاتِ مِنْ نِسَائِهِ

* (بَابُ رُوزَةِ حَائِضٍ وَ مُسْتَحَاضَةٍ) *

۱۹۸۸- و أَبُو الصَّبَّاحِ كِنَانِي در روایت خود آورده است که به امام صادق علیه السلام معروض داشتم که: زنی سحر را در حال روزه داشتن صبح کرده، و چون روز بالا آمده، یا ساعاتی آخر روز فرا رسیده، حائض شده است. در اینصورت آیا باید افطار کند؟ فرمود: آری. و اگر قبل از مغرب بوده باید افطار کند.

همچنین درباره زنی سؤال کردم که در اول روز در ماه رمضان پاک شده و غسل نکرده است، و چیزی هم نخورده است، در اینصورت باید نسبت به آن روز چه کند؟ فرمود: روزه ای بر عهده ندارد، و باکی بر او نیست.

۱۹۸۹- و از علی بن مهزیار روایت شده است که گفت: به آن امام نوشتم که زنی در نخستین روز از ماه رمضان از حیض یا خون نفاس خود پاک شده، و پس از آن مستحاضه شده است، ولی در این حال نماز خوانده و همگی ایام ماه رمضان را روزه گرفته، بی آنکه وظیفه مستحاضه را دائر بر انجام غسل برای هر دو نماز بجا آورده باشد، در اینصورت آیا روزه و نماز او جایز است یا نه؟ پس امام علیه السلام در جواب او

بذلك».

۱۹۹۰- وَ رُوِيَ عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمُسْتَحَاضَةِ، قَالَ: تَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ إِلَّا الْأَيَّامَ الَّتِي كَانَتْ تَحِيضُ فِيهَا، ثُمَّ تَقْضِيهَا مِنْ بَعْدِهِ».

۱۹۹۱- وَ سَأَلَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ الْحَجَّاجِ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الْمَرْأَةِ تَلِدُ بَعْدَ الْعَصْرِ أَتَيْتُمْ ذَلِكَ الْيَوْمَ أَمْ تَقْطِرُ؟ فَقَالَ: تَقْطِرُ ثُمَّ تَقْضِي ذَلِكَ الْيَوْمَ».

۱۹۹۲- وَ رَوَى الْعَيْصُ بْنُ الْقَاسِمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَقْطِئُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ قَبْلَ أَنْ تَغِيْبَ الشَّمْسُ؟ قَالَ: تَقْطِرُ حِينَ تَقْطِئُ».

۱۹۹۳- وَ رَوَى عَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ، عَنْ أَبِي حَمْرَةَ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ امْرَأَةٍ مَرَضَتْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ عَلِمَتْ أَوْ سَافَرَتْ فَمَانَتْ قَبْلَ أَنْ

نوشت: قضای روزه اش را بجا می آورد، و نمازش را قضا نمی کند، زیرا رسول خدا صلی الله علیه وآله همسران مؤمنه خود را به همین کار امر میکرد.

① ۱۹۹۰- و از سماعه روایت شده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مستحاضه سؤال کردم، فرمود: ایام رمضان را روزه میدارد، به جز روزهایی که در آنها حائض میشده، و پس از ماه رمضان قضای آن روزها را بجا می آورد.

② ۱۹۹۱- و عبدالرحمن بن حجاج از امام ابوالحسن علیه السلام درباره زنی سؤال کرد که بعد از عصر وضع حمل میکند، در اینصورت آیا روزه آن روز را به پایان میبرد، یا افطار میکند؟ فرمود: افطار میکند، و قضای آن روز را بجا می آورد.

③ ۱۹۹۲- و در روایت عیص بن قاسم آمده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره زنی سؤال کردم که در ماه رمضان، قبل از غروب آفتاب حائض میشود، امام فرمود: در همان وقت که حائض شود افطار میکند.

④ ۱۹۹۳- و علی بن حکم از ابو حمزه روایت کرده است که گفت: از امام

يَخْرُجُ شَهْرُ رَمَضَانَ هَلْ يُقْضَى عَنْهَا؟ قَالَ: أَمَّا الظُّمْتُ وَ الْمَرَضُ فَلَا، وَ أَمَّا السَّقَرُ فَتَعَمَّ.

۱۹۹۴- وَ رَوَى ابْنُ مُسْكَانَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ جَعْفَرٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ امْرَأَتِي جَعَلَتْ عَلَى نَفْسِهَا صَوْمَ شَهْرَيْنِ فَوَضَعَتْ وَلَدَهَا وَ أَدْرَكَهَا الْحَبْلُ فَلَمْ تَقْدِرْ عَلَى الصَّوْمِ، قَالَ: فَلْتَصَدَّقْ مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ عَلَى مُسْكِينٍ».

(بَابُ قَضَاءِ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ)

۱۹۹۵- رَوَى عُقْبَةُ بْنُ خَالِدٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي رَجُلٍ مَرِضٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَمَّا بَرِيَ أَرَادَ الْحَجَّ كَيْفَ يَصْنَعُ بِقَضَاءِ الصَّوْمِ؟ قَالَ: إِذَا رَجَعَ فَلْيَصُمه».

۱۹۹۶- وَ سَأَلَهُ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ «عَنْ قَضَاءِ شَهْرِ رَمَضَانَ فِي ذِي

ابوجعفر علیه السلام در باره زنی سؤال کردم که در ماه رمضان بیمار شود یا حائض گردد، یا به سفر رود، و پیش از پایان یافتن ماه رمضان بمیرد، در اینصورت آیا میباید قضای روزه او را ادا کنند؟ فرمود: اما حیض و بیماری را نه، و اما سفر را آری.

(۱) ۱۹۹۴- و ابن مسکان از محمد بن جعفر روایت کرده است، که گفت: به امام ابوالحسن علیه السلام معروض داشتم که: همسر روزه دو ماه را بر خود فرض کرد، ولی کودکش را به دنیا آورد، و بار دیگر باردار شد و قدرت روزه گرفتن نداشت. فرمود: بابت هر روزی از آن دو ماه مدی طعام به مسکینی تصدق کند.

(بَابُ قَضَاءِ رَوْزَةِ مَاهِ رَمَضَانَ)

(۲) ۱۹۹۵- عُقْبَةُ بْنُ خَالِدٍ از امام صادق علیه السلام در باره مردی روایت کرده است که در ماه رمضان بیمار شود، و چون بهبودی یافت اراده حج کند، در اینصورت تکلیف او در باره قضای روزه چیست؟ فرمود: چون باز گردد آنرا بجا آورد.

(۳) ۱۹۹۶- وَ عَبْدُ الرَّحْمَنِ بْنُ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ از آن امام علیه السلام در باره قضای روزه ماه رمضان در ماه ذی الحجه و قطع آن سؤال کرد. فرمود: آنرا در ماه ذی الحجه

الْحَجَّةِ وَقَطْعِهِ قَالَ: أَقْضِيهِ فِي ذِي الْحِجَّةِ وَقَطْعُهُ إِنْ شِئْتُ».

۱۹۹۷- وَرَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا كَانَ عَلَى الرَّجُلِ شَيْءٌ مِنْ صَوْمِ شَهْرِ رَمَضَانَ فَلْيَقْضِهِ فِي أَيِّ شَهْرٍ شَاءَ أَيْاماً مُتَتَابِعَةً فَإِنْ لَمْ يَسْتَطِعْ فَلْيَقْضِهِ كَيْفَ شَاءَ، وَلْيُخَصِّ الْأَيَّامَ، فَإِنْ فُرِّقَ فَحَسَنٌ وَإِنْ تَابَعَ فَحَسَنٌ».

۱۹۹۸- وَسَأَلَ سُلَيْمَانُ بْنُ جَعْفَرٍ الْجَعْفَرِيَّ أَبَا الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ أَيْامٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ أَيْقُضُهَا مُتَفَرِّقَةً؟ قَالَ: لَا بَأْسَ بِتَفْرِيقِ قَضَاءِ شَهْرِ رَمَضَانَ، إِنَّمَا الصَّيَامُ الَّذِي لَا يُفَرِّقُ صَوْمَ كَفَّارَةِ الظُّهَارِ، وَكَفَّارَةِ الدِّمِّ وَكَفَّارَةِ الْيَمِينِ».

۱۹۹۹- وَرَوَى جَمِيلٌ، عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي الرَّجُلِ يَمْرُضُ فَيُذِرُكَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَيَخْرُجُ عَنْهُ وَهُوَ مَرِيضٌ فَلَا يَصِحُّ حَتَّى يُذِرَكَ شَهْرَ رَمَضَانَ آخَرَ، قَالَ: يَتَصَدَّقُ عَنِ الْأَوَّلِ وَيَصُومُ الثَّانِي، وَإِنْ كَانَ صَحَّ فِيمَا بَيْنَهُمَا

بجای آور، و اگر خواستی آنرا قطع کن.

① ۱۹۹۷- و حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هرگاه شخص، روزه ای از ماه رمضان بر ذمه داشته باشد، قضای آن را در هر ماه که بخواهد طی چند روز پیاپی بجای آورد، پس اگر نتواند، به هر نحو که بخواهد آنرا قضا کند، و روزها را بشمارد، پس چه بطور پراکنده انجام دهد، و چه پیاپی، هر دو وجه نیکو است.

② ۱۹۹۸- و سلیمان بن جعفر جعفری از امام ابوالحسن رضا علیه السلام در باره مردی سؤال کرد، که چند روز قضای ماه رمضان را بر ذمه دارد، اکنون آیا میتواند آنها را پراکنده قضا کند؟ فرمود پراکنده ساختن قضای ماه رمضان مانعی ندارد، و همانا روزه ای که میباید پراکنده نشود، روزه کفاره ظهار و کفاره خون و کفاره قسم است.

③ ۱۹۹۹- و جمیل از زراره روایت کرده است، که از امام ابوجعفر علیه السلام درباره شخص بیماری سؤال کرد که ماه رمضان او را دریابد و بر او بگذرد، و او همچنان در بیماری بسر برد، و بهبودی نیابد، تا ماه رمضان دیگر او را دریابد، امام

وَلَمْ يَصُمْ حَتَّى أَدْرَكَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ آخِرُ صَامَتَهُمَا جَمِيعاً وَتَصَدَّقَ عَنِ الْأَوَّلِ». وَمَنْ فَاتَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ حَتَّى يَدْخُلَ الشَّهْرُ الثَّلَاثُ مِنْ مَرَضٍ فَعَلَيْهِ أَنْ يَصُومَ هَذَا الَّذِي دَخَلَهُ وَتَصَدَّقَ عَنِ الْأَوَّلِ لِكُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ طَعَامٍ وَيَقْضِيَ الثَّانِي. ۲۰۰۰ - وَرَوَى ابْنُ مَحْبُوبٍ، عَنِ الْحَارِثِ بْنِ مُحَمَّدٍ، عَنْ بُرَيْدِ الْعِجْلِيِّ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي رَجُلٍ أَتَى أَهْلَهُ فِي يَوْمٍ يَقْضِيهِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، قَالَ: إِنْ كَانَ أَتَى أَهْلَهُ قَبْلَ الزَّوَالِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ إِلَّا يَوْمًا مَكَانَ يَوْمٍ، وَإِنْ أَتَى أَهْلَهُ بَعْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ فَإِنَّ عَلَيْهِ أَنْ يَتَصَدَّقَ عَلَى عَشْرَةِ مَسَاكِينَ لِكُلِّ مَسْكِينٍ مُدٌّ، فَإِنْ لَمْ يَقْدِرْ عَلَيْهِ صَامَ يَوْمًا مَكَانَ يَوْمٍ وَصَامَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ كَفَّارَةً لِمَا صَنَعَ». وَقَدْ رُوِيَ أَنَّهُ إِنْ أَفْطَرَ قَبْلَ الزَّوَالِ فَلَا شَيْءَ عَلَيْهِ، وَإِنْ أَفْطَرَ بَعْدَ الزَّوَالِ

عليه السلام فرمود: بابت رمضان اول صدقه میدهد، و بابت دوم روزه میدارد، و اگر در ما بین آن دو صحت بیابد، و روزه نگیرد، تا ماه رمضان دیگر او را دریابد، هر دورا روزه بدارد، و بابت ماه اول صدقه بدهد.

و کسیکه ماه رمضان از او فوت شود، تا ماه سوم در آید، آن کس که مریض بوده این ماه را که در آمده روزه بدارد، و از بابت ماه اول هر روزی مُدّی از طعام اتفاق کند، و بابت دوم روزه بدارد.

(۱) ۲۰۰۰ - و ابن محبوب، از حارث بن محمد، از بُرید عجلّی، از امام ابو جعفر علیه السلام در باره مردی سؤال کرده است که در روزی که قضای ماه رمضان را بجا می آورده با همسر خود مقاربت کرده، و امام در جواب او فرموده است: اگر قبل از زوال با همسر خود مقاربت کرده، چیزی بر ذمه اش نیست مگر روزه روزی به جای روزی، و اگر بعد از زوال شمس با همسرش مقاربت کرده، میباید به ده مسکین از قرار هر مسکین یک مُدّ صدقه بدهد، و اگر از عهده این کار بر نیاید، باید روزی به جای روزی روزه بدارد، و سه روز هم به عنوان کفاره کاری که کرده است روزه بدارد.

و در روایتی آمده است که اگر قبل از زوال افطار کند چیزی بر ذمه اش

فَعَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ مِثْلُ مَا عَلَى مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.

۲۰۰۱- وَرَوَى سَمَاعَةُ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمَرْأَةِ تَقْضِي شَهْرَ رَمَضَانَ فَيُكْرِهُهَا زَوْجُهَا عَلَى الْإِفْطَارِ؟ فَقَالَ: لَا يَتَّبِعُنِي أَنْ يُكْرِهَهَا بَعْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ».

۲۰۰۲- وَسَأَلَتْ سَمَاعَةُ «عَنْ قَوْلِهِ: «الضَّائِمُ بِالْخِيَارِ إِلَى زَوَالِ الشَّمْسِ» قَالَ: «إِنَّ ذَلِكَ فِي الْفَرِيضَةِ فَأَمَّا فِي النَّافِلَةِ فَلَهُ أَنْ يُفْطِرَ أَيَّ سَاعَةٍ شَاءَ إِلَى غُرُوبِ الشَّمْسِ».

۲۰۰۳- وَرَوَى ابْنُ فَضَالٍ، عَنْ صَالِحِ بْنِ عَبْدِ اللَّهِ الْخَثْعَمِيِّ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَتَوَي الصَّوْمَ فَيَلْقَاهُ أَخُوهُ الَّذِي هُوَ عَلَى أَمْرِهِ فَيَسْأَلُهُ أَنْ يُفْطِرَ أَيْفُطِرُ؟ قَالَ: إِنْ كَانَ تَطَوُّعًا أَجْزَأَهُ وَحُسِبَ لَهُ، وَإِنْ كَانَ قَضَاءً

نیست و اگر بعد از زوال افطار کند، کفاره ای برابر با کفاره افطار در روز رمضان به او تعلق میگیرد.

① ۲۰۰۱- و سَمَاعَةُ از ابوبصیر روایت کرده است، که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره زنی سؤال کردم که روزه قضای ماه رمضان را بجا می آورد، ولی شوهرش او را مجبور به افطار میکند، امام فرمود: سزاوار نیست که بعد از زوال شمس او را اکراه کند.

② ۲۰۰۲- و سَمَاعَةُ از آن امام درباره قول او که: روزه دار تا زوال شمس دارای اختیار است سؤال کرد، فرمود: این، درباره روزه واجب است، و اما در مورد روزه مستحب، میتواند در هر ساعتی که بخواهد تا غروب خورشید، افطار کند.

③ ۲۰۰۳- و ابن فضال از صالح بن عبدالله خثعمی روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که نیت روزه میکند، پس برادرش که هم مسلک و هم مذهب او است با او دیدار میکند، و از او میخواهد که افطار کند. آیا جایز است که افطار کند؟ فرمود: اگر روزه اش به قصد تطوع بوده همان مقدار برایش کفایت میکند و به حسابش محسوب میشود، و اگر قضای روزه واجبی

فَرِيضَةً قَضَاءً».

وَإِذَا أَصْبَحَ الرَّجُلُ وَلَيْسَ مِنْ يَتِيهِ أَنْ يَصُومَ ثُمَّ بَدَأَ لَهُ فَلَهُ أَنْ يَصُومَ.

۲۰۰۴ - وَ سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الصَّائِمِ الْمُتَطَوِّعِ تَعَرَّضَ لَهُ الْحَاجَةُ،

فَقَالَ: هُوَ بِالْخِيَارِ مَا بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْعَصْرِ، وَإِنْ مَكَثَ حَتَّى الْعَصْرِ ثُمَّ بَدَأَ لَهُ أَنْ يَصُومَ وَلَمْ يَكُنْ نَوَى ذَلِكَ فَلَهُ أَنْ يَصُومَ ذَلِكَ الْيَوْمَ إِنْ شَاءَ».

وَإِذَا ظَهَرَتِ الْمَرْأَةُ مِنْ حَيْضِهَا وَقَدْ بَقِيَ عَلَيْهَا بَقِيَّةُ يَوْمٍ صَامَتْ ذَلِكَ الْيَوْمَ

تَأْدِيًّا وَعَلَيْهَا قَضَاءُ ذَلِكَ الْيَوْمِ، وَإِنْ حَاضَتْ وَقَدْ بَقِيَ عَلَيْهَا بَقِيَّةُ يَوْمٍ أَفْطَرَتْ وَعَلَيْهَا الْقَضَاءُ.

وَإِذَا وَجِبَ عَلَى الرَّجُلِ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ قَصَامَ شَهْرٍ وَلَمْ يَصُمْ مِنْ

الشَّهْرِ الثَّانِي شَيْئاً فَقَلْبُهُ أَنْ يُعِيدَ صَوْمَهُ وَلَمْ يُجْزِئْهُ الشَّهْرُ الْأَوَّلُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ أَفْطَرَتْ

بوده باید قضای آنرا بجا آورد.

و اگر کسی شب را به صبح آورد، درحالیکه نیت روزه گرفتن نداشته باشد،

سپس این فکر برای او رخ دهد، میتواند آن روز را روزه بدارد.

① ۲۰۰۴ - وَ از آن امام علیه السلام درباره قاصد روزه مستحبی که حاجتی

برایش رخ داده و نیت نکرده سؤال کردند، پس فرمود: تا عصر وقت نیت دارد. و

چنانچه تا عصر مکث کرد و پس از آن به فکر افتاد که روزه بگیرد، با آنکه چنین

نیتی نداشته، اگر بخواهد میتواند آن روز را روزه بگیرد.

و زن چون از حیض پاک شود، درحالیکه بقیه ای از روز برایش باقی باشد،

همان مقدار بقیه را روزه تأدیی میگیرد، و قضای آن روزه را بر ذمه دارد، و اگر حیض

شود، درحالی که بقیه ای از روز برایش باقی باشد افطار میکند، و قضای آن روزه را بر

ذمه دارد.

و زمانی که روزه دو ماه متوالی بر مرد واجب شود، و یک ماه از آن دو ماه را

روزه بدارد، ولی چیزی از ماه دوم را روزه نگیرد، میباید روزه اش را اعاده کند، و

روزه ماه اول برای او کفایت نمیکند، مگر در صورتیکه به علت مرضی افطار کرده

لِمَرَضٍ فَلَهُ أَنْ يَتَنَبَّيَ عَلَى مَا صَامَ فَإِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ حَبَسَهُ، فَإِنْ صَامَ شَهْرًا وَصَامَ مِنْ الشَّهْرِ الثَّانِي أَيْامًا ثُمَّ أَفْطَرَ فَعَلَيْهِ أَنْ يَتَنَبَّيَ عَلَى مَا صَامَ.

۲۰۰۵- وَ رَوَى مُوسَى بْنُ بَكْرٍ، عَنِ الْفَضْلِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «فِي رَجُلٍ عَلَيْهِ صَوْمُ شَهْرِ فَصَامَ مِنْهُ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا ثُمَّ عَرَضَ لَهُ أَمْرٌ، فَقَالَ: إِنْ كَانَ صَامَ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا فَلَهُ أَنْ يَتَنَبَّيَ مَا بَقِيَ، وَإِنْ كَانَ صَامَ أَقَلَّ مِنْ خَمْسَةَ عَشَرَ يَوْمًا لَمْ يُجْزِئْهُ حَتَّى يَصُومَ شَهْرًا تَامًا».

۲۰۰۶- وَ رَوَى مَنْصُورُ بْنُ حَازِمٍ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «فِي رَجُلٍ صَامَ فِي ظَهَارِ شَعْبَانَ ثُمَّ أَذْرَكَهُ شَهْرُ رَمَضَانَ قَالَ: يَصُومُ شَهْرَ رَمَضَانَ ثُمَّ يَسْتَأْنِفُ الصَّوْمَ وَإِنْ هُوَ صَامَ فِي الظَّهَارِ فَرَأَدَ فِي النَّصْفِ يَوْمًا قَضَى بَقِيَّتَهُ».

۲۰۰۷- وَ رَوَى ابْنُ مَجْهُوبٍ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي

باشد، که در این صورت میتواند بقیه روزه را بر پایه روزه ای که گرفته است بنا کند، زیرا در این مورد خدای عزوجل او را از ادامه روزه بازداشته است، و اما اگر ماه اول را روزه بدارد، و چند روزی از ماه دوم را نیز بر اینگونه عمل کند، و پس از آن افطار نماید، میباید بقیه روزه را بر پایه همان روزه هایی که گرفته است بنا کند.

① ۲۰۰۵- و موسی بن بکر، از فضیل روایت کرده است، که گفت از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که روزه یک ماه را بر ذمه داشته، پس پانزده روز از آن را روزه گرفته، و آنگاه عارضه ای برای او رخ داده، امام فرمود: اگر پانزده روز روزه گرفته باشد، میتواند باقی مانده را بجا آورد، و اگر کمتر از پانزده روز روزه گرفته باشد، برای او کفایت نمیکند و میباید یک ماه تمام روزه بگیرد.

② ۲۰۰۶- و منصور بن حازم از آن امام علیه السلام روایت کرده است، که درباره مردی که ماه شعبان را به نیت کفاره ظهار روزه گرفته، و آنگاه ماه رمضان برای او فرا رسیده، فرمود: ماه رمضان را روزه میدارد، و پس از آن روزه را از سر میگیرد، و اگر در کفاره ظهار روزه گرفته، و یک روز بر نصف آن افزوده باشد، بقیه آن را برگزار میکند.

رَجُلٍ كَانَ عَلَيْهِ صَوْمُ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ فِي ظَهَارِ قِصَامَ ذَا الْقَعْدَةِ وَدَخَلَ عَلَيْهِ ذُو الْحِجَّةِ، قَالَ: يَصُومُ ذَا الْحِجَّةِ كُلَّهُ إِلَّا أَيَّامَ التَّشْرِيقِ، ثُمَّ يَقْضِيهَا فِي أَوَّلِ يَوْمٍ مِنَ الْمُحَرَّمِ حَتَّى يُتِمَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَيَكُونُ قَدْ صَامَ شَهْرَيْنِ مُتَتَابِعَيْنِ، قَالَ: وَلَا يَتَّبِعِي لَهُ أَنْ يَقْرُبَ أَهْلُهُ حَتَّى يَقْضِيَ ثَلَاثَةَ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ الَّتِي لَمْ يَصُمْهَا، وَلَا بَأْسَ إِنْ صَامَ شَهْرًا ثُمَّ صَامَ مِنَ الشَّهْرِ الَّذِي تَلِيهِ أَيَّامًا ثُمَّ عَرَضَتْ لَهُ عِلَّةٌ أَنْ يَقْطَعَهَا، ثُمَّ يَقْضِي بَعْدَ تَمَامِ الشَّهْرَيْنِ».

(بَابُ قَضَاءِ الصَّوْمِ عَنِ الْمَيِّتِ)

۲۰۰۸ - رَوَى أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ، عَنْ أَبِي مَرْثَمٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا صَامَ الرَّجُلُ شَيْئًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ مَرِيضًا حَتَّى مَاتَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاءٌ، وَإِنْ صَحَّ ثُمَّ مَرِضَ ثُمَّ مَاتَ وَكَانَ لَهُ مَا نَ تَصَدَّقَ عَنْهُ

① ۲۰۰۷ - و ابن محبوب، از ابویوب روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که روزه دو ماه پیاپی از بابت کفاره ظهار بر ذمه داشته، پس ماه ذی القعدة را به روزه برگزار کرده، و ماه ذی الحجه بر او وارد شده امام علیه السلام فرمود: ماه ذی الحجه را به استثنای ایام تشریق روزه میدارد، و آنگاه در نخستین روز محرم به مدت سه روز روزه را ادامه میدهد، و بر اینگونه دو ماه متوالی را روزه گرفته است و فرمود: برای چنین شخص روا نیست که پیش از قضای ایام تشریق که روزه نگرفته، با همسرش مقاربت کند، و در صورتیکه یک ماه را روزه بدارد، و از ماه بعد نیز چند روزی به روزه بگذراند، و آنگاه عارضه ای برای او رخ دهد، باکی نیست که آنرا قطع کند، و در فرصت دیگر روزه دو ماه را کامل سازد.

(بَابُ قَضَاءِ رَوْزَةٍ مِنْ طَرَفِ مَيِّتٍ)

① ۲۰۰۸ - أَبَانُ بْنُ عُثْمَانَ، عَنْ أَبِي مَرْثَمٍ الْأَنْصَارِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ رَوَى أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا مَرِضَ الرَّجُلُ مِنْ رَوْزَةٍ مِنْ رَمَضَانَ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ مَرِيضًا حَتَّى مَاتَ فَلَيْسَ عَلَيْهِ قَضَاءٌ، وَإِنْ صَحَّ ثُمَّ مَرِضَ ثُمَّ مَاتَ وَكَانَ لَهُ مَا نَ تَصَدَّقَ عَنْهُ

مَكَانَ كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ مَالٌ صَامَ عَنْهُ وَلِيُّهُ».

وَ إِذَا مَاتَ رَجُلٌ وَعَلَيْهِ صَوْمٌ شَهْرِ رَمَضَانَ فَقُلِيَ وَلِيُّهُ أَنْ يَقْضِيَ عَنْهُ، وَكَذَلِكَ مَنْ فَاتَهُ فِي السَّفَرِ وَالْمَرَضِ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَاتَ فِي مَرَضِهِ مِنْ قَبْلِ أَنْ يَبْصَحَ بِمَقْدَارِ مَا يَقْضِي بِهِ صَوْمُهُ فَلَا قَضَاءَ عَلَيْهِ إِذَا كَانَ كَذَلِكَ وَإِنْ كَانَ يَلْمِيتُ وَلِيَّانِ فَقُلِيَ أَكْبَرُهُمَا مِنَ الرِّجَالِ أَنْ يَقْضِيَ عَنْهُ، فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلِيٌّ مِنَ الرِّجَالِ قَضَى عَنْهُ وَلِيُّهُ مِنَ النِّسَاءِ.

۲۰۰۹- وَقَدْ رُوِيَ عَنِ الصَّادِقِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «إِذَا مَاتَ الرَّجُلُ وَعَلَيْهِ صَوْمٌ شَهْرِ رَمَضَانَ فَلْيَقْضِ عَنْهُ مَنْ شَاءَ مِنْ أَهْلِيهِ».

۲۰۱۰- وَكَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ الصَّفَّارُ- رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ- إِلَى أَبِي مُحَمَّدٍ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فِي رَجُلٍ مَاتَ وَعَلَيْهِ قَضَاءٌ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ عَشْرَةَ أَيَّامٍ

طعام به حساب او به رسم صدقه داده میشود، و اگر مالی نداشته باشد، ولیش از جانب او روزه میدارد.

و چون کسی بمیرد، و روزه ماه رمضان را بر ذمه داشته باشد، پس بر عهده پسر او است که قضای آنرا از جانب او ادا کند، مگر آنکه در بیماریش، پیش از بازیافتن صحت به اندازه‌ای که برای قضای روزه‌اش کافی باشد بمیرد، که در اینصورت قضای به او تعلق نمیگیرد. و اگر میت دو ولی داشته باشد، پس قضای روزه بر ذمه بزرگتر آن دو است. و اگر ولیّی از طبقه رجال نداشته باشد، زنی که وارث او محسوب میشود باید قضای روزه او را بجا آورد.

① ۲۰۰۹- و از امام صادق علیه السلام روایت شده است که فرمود: چون کسی بمیرد، و روزه ماه رمضان را بر ذمه داشته باشد، پس هریک از افراد خانواده‌اش که بخواهد قضای آنرا از جانب او بجای آورد.

② ۲۰۱۰- و محمد بن حسن صفار- رضی الله عنه- طیّ نامه‌ای از امام ابو محمد حسن بن علیّ علیهما السلام سؤال کرد که: مردی مُرده است، و قضای ده روز از ماه رمضان را بر ذمه داشته، و او دو ولیّ دارد، اکنون آیا جایز است که هریک از آن دو

وَلَهُ وَلَيَّانٍ هَلْ يَجُوزُ لَهُمَا أَنْ يَقْضِيَا عَنْهُ جَمِيعاً: خَمْسَةَ أَيَّامٍ أَحَدُ الْوَلِيِّينِ وَخَمْسَةَ أَيَّامٍ الْآخَرُ؟ فَوَقَّعَ عَلَيْهِ السَّلَامُ يَقْضِي عَنْهُ أَكْبَرُ وَلِيَّتِهِ عَشْرَةَ أَيَّامٍ وَلَاءٌ إِنْ شَاءَ اللَّهُ».

قال مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللَّهُ -: وَهَذَا التَّوْقِيعُ عِنْدِي مَعَ تَوْقِيعَاتِهِ إِلَى مُحَمَّدِ بْنِ الْحَسَنِ الصَّفَّارِ بِخَطِّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ.

* (بَابُ فِدْيَةِ صَوْمِ النَّذْرِ) *

۲۰۱۱- رَوَى أَحْمَدُ بْنُ مُحَمَّدٍ بْنُ أَبِي نَصْرِ بْنِ زَنْطِي عَنْ أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي رَجُلٍ نَذَرَ عَلَى نَفْسِهِ إِنْ هُوَ سَلِمَ مِنْ مَرَضٍ أَوْ تَخَلَّصَ مِنْ حَبْسٍ أَنْ يَصُومَ كُلَّ يَوْمٍ أَرْبَعَاءَ وَهُوَ الْيَوْمُ الَّذِي تَخَلَّصَ فِيهِ فَعَجَزَ عَنْ ذَلِكَ لِعِلَّةٍ أَصَابَتْهُ أَوْ غَيْرَ ذَلِكَ فَمَدَّ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ لِلرَّجُلِ فِي عُمُرِهِ وَاجْتَمَعَ عَلَيْهِ صَوْمٌ كَثِيرٌ مَا كَفَّارَةُ ذَلِكَ؟ قَالَ: تَصَدَّقَ لِكُلِّ يَوْمٍ مِثْلًا مِنْ جِلْطَةِ أَوْ بَيْضِ تَمْرٍ».

ولی قضای پنج روز آن را بجا آورد؟ آنحضرت در جواب نامه او توقیع فرمود که:
 ان شاء الله ولی بزرگوارده روز قضای او را به عنوان ولایت از جانب او بجا می آورد.
 مصنف این کتاب - رحمه الله - گفت: و این توقیع با سایر توقیعاتی که به خط آن امام علیه السلام به محمد بن حسن صفار صدور یافته نزد من موجود است.

* (بَابُ فِدْيَةِ رَوْزَةِ نَذْرِ) *

① ۲۰۱۱- در روایت احمد بن محمد بن ابی نصر بزنتی آمده است که گفت: از امام ابوالحسن رضا علیه السلام راجع به مردی سؤال کردم که درباره خود نذر کرد که اگر از مرضی شفا یابد، یا از حبسی خلاص گردد، هر روز چهارشنبه را، که خود در همان روز خلاص شده، روزه بدارد، ولی او به علت اصابتش یا به علتی دیگر از وفای به این نذر عاجز ماند، و خدای عزوجل عمر او را امتداد داد، و روزه ای بسیار بر ذمه او بار شد، اکنون کفاره آن چیست؟ امام فرمود: میباید برای هر روز مزی از گندم یا مزی از خرما صدقه بدهد.

۲۰۱۲- وَ فِي رِوَايَةِ إِدْرِيسَ بْنِ زَيْدٍ، وَعَلِيِّ بْنِ إِدْرِيسَ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «تَصَدَّقَ عَنْ كُلِّ يَوْمٍ بِمُدٍّ مِنْ حِنْطَةٍ أَوْ شَعِيرٍ».

* (بَابُ صَوْمِ الْإِذْنِ) *

۲۰۱۳- رَوَى الْمُضَيْلُ بْنُ يَسَارٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِذَا دَخَلَ رَجُلٌ بَلَدَهُ فَهُوَ ضَيْفٌ عَلَى مَنْ فِيهَا مِنْ أَهْلِ دِينِهِ حَتَّى يَرْحَلَ عَنْهُمْ، وَلَا يَتَّبِعِي لِلضَّيْفِ أَنْ يَصُومَ إِلَّا بِإِذْنِهِمْ لِئَلَّا يَعْمَلُوا شَيْئًا قَبِيحًا، وَلَا يَتَّبِعِي لَهُمْ أَنْ يَصُومُوا إِلَّا بِإِذْنِ الضَّيْفِ لِئَلَّا يَحْتَشِمَهُمْ وَيَشْتَهِيَ قَيْثُكَ لَهُمْ».

۲۰۱۴- وَ رَوَى تَشِيطُ بْنُ صَالِحٍ، عَنْ هِشَامِ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: مَنْ فَقِيَ الضَّيْفَ أَنْ لَا يَصُومَ تَقْطُوعًا إِلَّا بِإِذْنِ صَاحِبِهِ، وَمِنْ طَاعَةِ الْمَرْأَةِ لِزَوْجِهَا أَنْ لَا تَصُومَ تَقْطُوعًا إِلَّا بِإِذْنِهِ وَآمَرِهِ، وَمِنْ صَلاَحِ الْعَبْدِ وَطَاعَتِهِ وَنَصِيحَتِهِ لِمَوْلَاهُ أَنْ لَا يَصُومَ تَقْطُوعًا إِلَّا بِإِذْنِ

① ۲۰۱۲- و در روایت ادريس بن زيد و علی بن ادريس از امام رضا عليه السلام آمده است که بابت هر روز همدی از گندم یا جو صدقه بدهد.

* (بَابُ رَوْزَةِ الْإِذْنِ) *

② ۲۰۱۳- فضیل بن یسار از امام ابوجعفر عليه السلام روایت کرده است که فرمود: رسول خدا صلی الله عليه وآله فرمود: چون مردی به شهری وارد شود، تا آن زمان که از آن شهر خارج گردد میهمان همکیشان او است که در آن شهر سکونت دارند، و برای میهمان سزاوار نیست که جز با اذن آن میزبانان روزه بگیرد، تا کاری نکنند که آن فاسد شود، و همچنین سزاوار نیست که میزبانان جز با اذن میهمان روزه بگیرند، تا از ایشان شرم نکنند، و چیزی را که میخواهد به ملاحظه ایشان واگذارد.

③ ۲۰۱۴- وَ تَشِيطُ بْنُ صَالِحٍ، از هِشَامِ بْنِ حَكَمٍ، از امام صادق عليه السلام روایت کرده است که آن امام عليه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله عليه وآله فرموده است: از جمله علامات فهم و دانش میهمان این است که جز با اذن میزبانانش روزه مستحب نگیرد، و از جمله علامات اطاعت زن از شوهرش این است که جز با اذن او

مَوْلَاهُ، وَمِنْ بَرِّ الْوَلَدِ بِأَبَوَيْهِ أَنْ لَا يَصُومَ تَطَوُّعًا إِلَّا بِإِذْنِ أَبِيهِ وَأُمِّهِمَا، وَإِلَّا كَانَ الضَّيْفُ جَاهِلًا، وَكَانَتْ الْمَرْأَةُ عَاصِيَةً وَكَانَ الْعَبْدُ فَاسِدًا عَاصِيًا، وَكَانَ الْوَلَدُ عَاقًا».

(بَابُ)

(الْعُشْرُ فِي اللَّيَالِي الْمَخْصُوصَةِ فِي شَهْرِ)

(رَمَضَانَ وَمَاجَاءَ فِي الْعَشْرِ الْأَوَّلِ وَالْآخِرِ، وَفِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ)

۲۰۱۵- رَوَى الْعَلَاءُ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «يُنْتَسَلُ فِي ثَلَاثِ لَيَالٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، فِي بَتَعِ عَشْرَةٍ، وَإِخْدَى وَعِشْرِينَ، وَثَلَاثَ وَعِشْرِينَ، وَأُصِيبَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي بَتَعِ عَشْرَةٍ، وَقُبِضَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فِي إِخْدَى وَعِشْرِينَ، قَالَ: وَالْعُشْرُ فِي أَوَّلِ اللَّيْلِ وَهُوَ يُخْزِي إِلَى آخِرِهِ».

روزه مستحب نگیرد، و از جمله علامات صلاح و شایستگی غلام و اطاعت و یگانگی او نسبت به مولایش این است که جز با اذن مولایش روزه مستحب نگیرد، و از جمله علامات نیکی فرزند دربارۀ والدینش این است که جز با اذن و امر ایشان روزه مستحب نگیرد، و آلا میهمان نادان، و زن نافرمان، و غلام فاسد و عاصی، و فرزند عاق بوده است.

(بَابُ غَسْلِ دَرَشَبَاهِی مَخْصُوصِ دَرْمَاهِ رَمَضَانَ وَآخِبَارِی کِه)

(دَرِبَارَةُ دَهه هَایِ آخِرِ وَ دَر شَأْنِ شَبِ قَدْرِ آمَدِه است)

① ۲۰۱۵- و علاء از محمد بن مسلم، از یکی از دو امام علیهما السلام روایت کرده است، که فرمود: در سه شب از ماه رمضان: نوزدهم، بیست و یکم، و بیست و سوم غسل انجام میشود، و امیرالمؤمنین علیه السلام در نوزدهم مورد اصابت واقع شد، و در بیست و یکم به سوی مقام قرب الهی فرا گرفته شد و امام فرمود: و زمان غسل در اول شب است، و تا آخر شب را کفایت میکند.

۲۰۱۶- وَقَدْ رُوِيَ أَنَّهُ «يُغْتَسَلُ فِي لَيْلَةِ سَبْعِ عَشْرَةَ».

۲۰۱۷- وَرَوَى زُرَّارَةُ، وَفَضِيلٌ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الْغُسْلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ عِنْدَ وُجُوبِ الشَّمْسِ قُبَيْلَهُ، ثُمَّ يُصَلِّي وَيُفْطِرُ».

۲۰۱۸- وَرَوَى سَمَاعَةُ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا دَخَلَ الْعَشْرُ الْأَوَّلُ شَدَّ الْمِئْزَرَ وَاجْتَنَبَ النِّسَاءَ وَآخِثَا اللَّيْلِ وَتَفَرَّغَ لِلْعِبَادَةِ».

۲۰۱۹- وَرَوَى سُلَيْمَانُ الْجَعْفَرِيُّ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «صَلِّ لَيْلَةَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ، وَثَلَاثَ وَعِشْرِينَ مِائَةَ رَكْعَةٍ، تَقْرَأُ فِي كُلِّ رَكْعَةٍ الْحَمْدَ مَرَّةً وَقُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ عَشْرَ مَرَّاتٍ».

۲۰۲۰- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فِي لَيْلَةِ تِسْعِ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ التَّقْدِيرُ، وَفِي لَيْلَةِ إِحْدَى وَعِشْرِينَ الْقَضَاءُ، وَفِي لَيْلَةِ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ إِبْرَامُ مَا يَكُونُ

① ۲۰۱۶- و روایت شده است که در شب هفدهم غسل بجا می آورند.

② ۲۰۱۷- و زراره و فضیل از امام ابوجعفر علیه السلام روایت کرده اند، که فرمود: غسل در ماه رمضان اندکی قبل از غروب خورشید است، و آنگاه نماز خوانده میشود، و افطار انجام میگیرد.

③ ۲۰۱۸- و سماعه، از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله چون دهه اواخر ماه رمضان فرا میرسید، در سجده و دعا سخت میکوشید، و از زنان دوری میگزید، و شب را احیا میداشت، و یک سره به کار عبادت می پرداخت.

④ ۲۰۱۹- و سلیمان جعفری از امام ابوالحسن علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: در شبهای بیست و یکم، و بیست و سوم صد رکعت نماز بگزار، چنانکه در هر رکعتی الحمد را یک بار، و قل هو الله را ده بار قرائت کنی.

⑤ ۲۰۲۰- و امام صادق علیه السلام فرمود: در شب نوزدهم ماه رمضان تقدیر و در شب بیست و یکم قضا، و در شب بیست و سوم ابرام حوادث و وقایعی است که تا

فِي السَّنَةِ إِلَى مِثْلِهَا، وَبِاللهِ عَزَّوَجَلَّ أَنْ يَفْعَلَ مَا يَشَاءُ فِي خَلْقِهِ».

۲۰۲۱- وَرَوَى رِفَاعَةُ عَنْهُ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: لَيْلَةُ الْقَدْرِ هِيَ أَوَّلُ السَّنَةِ

وَهِيَ آخِرُهَا».

۲۰۲۲- «وَأَرَى رَسُولَ اللهِ صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي مَنَامِي بَنِي أُمِّيَّةَ يَضَعُدُونَ

مِثْبَرَهُ مِنْ بَعْدِي يُضِلُّونَ النَّاسَ عَنِ الْمِرَاطِ الْقَهْقَرِيِّ فَأَصْبَحَ كَثِيبًا حَزِينًا، فَهَبَّطَ عَلَيْهِ

جِبْرِئِيلُ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: يَا رَسُولَ اللهِ مَا لِي أَرَاكَ كَثِيبًا حَزِينًا؟ قَالَ: يَا جِبْرِئِيلُ

إِنِّي رَأَيْتُ بَنِي أُمِّيَّةَ فِي لَيْلَتِي هَذِهِ يَضَعُدُونَ مِثْبَرِي مِنْ بَعْدِي يُضِلُّونَ النَّاسَ عَنِ الصِّرَاطِ

الْقَهْقَرِيِّ فَقَالَ: وَالَّذِي بَعَثَكَ بِالْحَقِّ نَبِيًّا إِنَّ هَذَا لَشَيْءٌ مَا أَطْلَعْتُ عَلَيْهِ، ثُمَّ عَرَجَ

إِلَى السَّمَاءِ فَلَمْ يَلْبَثْ أَنْ نَزَلَ عَلَيْهِ بِآيٍ مِنَ الْقُرْآنِ يُؤَيِّسُهُ بِهَا: «أَفَرَأَيْتَ إِنْ مَتَّعْنَاهُمْ

سِنِينَ ثُمَّ جَاءَهُمْ مَا كَانُوا يُوعَدُونَ مَا أَغْنَى عَنْهُمْ مَا كَانُوا يُمْتَسِعُونَ» وَأَنْزَلَ عَلَيْهِ

چنین شبها از سال آینده رُخ میدهد. و خدای عزوجل قادر است که هر چه بخواهد در باره خلق خود انجام دهد.

(۱) ۲۰۲۱- و رِفَاعَةُ از آن امام علیه السلام روایت کرده است که فرمود: شب قدر اول سال و آخر آن است.

(۲) ۲۰۲۲- و در عالم رؤیای رسول خدا صلی الله علیه و آله بنی امیه را در حالی به او نشان دادند که بر منبرش بالا میروند، و مردم را از صراط هدایت به راه ضلالت واپس میبرند، از اینرو شب را اندوهگین و محزون صبح کرد، پس جبرئیل علیه السلام بر او نازل شد، و گفت: یا رسول الله، چرا تو را اندوهگین و محزون می بینم؟ فرمود: ای جبرئیل، من شب دوشین بنی امیه را دیدم که پس از من بر منبرم بالا میروند، و مردم را از صراط هدایت به راه ضلالت واپس میبرند، گفت: به آن خدائی که تو را برحق به نبوت مبعوث کرده است، این چیزی است که من اطلاع بر آن نداشتم، سپس به آسمان عروج کرد، و دیری نگذشت که با آیه ای از قرآن که پیامبر صلی الله علیه و آله را با آن دلگرم میساخت فرود آمد، و آن آیه این بود: «آیا در این باره اندیشیده ای که اگر ما سالها ایشان را از لذات حیات مُتَمَتِّع سازیم، و پس از آن عذاب موعود بر ایشان فرود

«إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ» وَمَا أَدْرَاكَ مَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ ۖ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ»
جَعَلَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ لِتَنْبِئَهُ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ مِنْ مُلْكِ بَنِي أُمَيَّةَ».

۲۰۲۳- وَسَأَلَ رَجُلٌ الصَّادِقَ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ: «أَخْبِرْنِي عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ كَانَتْ أَوْ تَكُونُ فِي كُلِّ عَامٍ؟ فَقَالَ تَوَرَّفَتْ لَيْلَةُ الْقَدْرِ لِرُفْعِ الْقُرْآنِ».

۲۰۲۴- وَسَأَلَ حُمْرَانُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» قَالَ: هِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَهِيَ فِي كُلِّ سَنَةٍ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ، وَلَمْ يَتَرَلِ الْقُرْآنُ إِلَّا فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ قَالَ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ» قَالَ: يُقَدَّرُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ كُلُّ شَيْءٍ يَكُونُ فِي بَلَدٍ الشَّيْءِ إِلَى مِثْلِهَا مِنْ قَابِلٍ مِنْ خَيْرٍ أَوْ شَرٍّ، أَوْ طَاعَةٍ أَوْ مَعْصِيَةٍ، أَوْ مَوْلُودٍ أَوْ أَجَلٍ أَوْ رِزْقٍ، فَمَا قُدِّرَ فِي بَلَدٍ اللَّيْلَةَ وَفُضِيَ فَهُوَ الْمَحْتُومُ وَاللَّهُ عَزَّوَجَلَّ فِيهِ الْمَيْمُونَةُ، قَالَ قُلْتُ لَهُ: لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرٌ

آید، آن برخورداری از طول عمر و خوشگذرانی چیزی از عذاب خدا را از ایشان دفع نمیکند. و همچنین سوره قدر را بر آن حضرت نازل کرد، که خدا در این سوره، شب قدر را برای پیامبرش بهتر از هزار ماه سلطنت بنی امیه قرار داد.

۲۰۲۳- و مردی در مقام سؤال از امام صادق علیه السلام گفت: مرا در خصوص شب قدر آگاه ساز، که آیا شبی بوده و سپری شده، یا در هر سال وجود دارد؟ پس امام علیه السلام فرمود: اگر شب قدر مرتفع شود هر آینه قرآن مرتفع شده است.

۲۰۲۴- و حمران از امام ابوجعفر علیه السلام درباره معنی قول خدای عزوجل: «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ فِي لَيْلَةِ مُبَارَكَةٍ» سؤال کرد، امام فرمود: آن شب مبارک شب قدر است، و آن هر سال در ماه رمضان در ده شب اواخر آن ماه است، و قرآن جز در شب قدر نازل نشده است، خدای عزوجل در این باره فرموده است: «فِيهَا يُفْرَقُ كُلُّ أَمْرٍ حَكِيمٍ». فرمود: در شب قدر هر چیزی از خیر یا شر، یا طاعت یا معصیت، یا مولود یا اجل یا رزق که در آن سال تا سال آینده و شب قدر بعد تحقق می یابد مقدر میشود، پس هر چیزی که در آن شب تقدیر شود و به امضای قضا برسد، آن چیز امری حتمی، و تخلف ناپذیر است، و خدای عزوجل را درباره آن مشیتی است. راوی گفت: گفتم معنی این بیان

مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ أَيْ شَيْءٌ عَنِ يَذْلِكَ؟ فَقَالَ: الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَلَوْلَا مَا يُضَاعَفُ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى لِلْمُؤْمِنِينَ مَا بَلَغُوا وَلَكِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ يُضَاعِفُ لَهُمُ الْحَسَنَاتِ».

۲۰۲۵ - وَ سُئِلَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ «كَيْفَ تَكُونُ لَيْلَةُ الْقَدْرِ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ؟ قَالَ: الْعَمَلُ الصَّالِحُ فِيهَا خَيْرٌ مِنَ الْعَمَلِ فِي أَلْفِ شَهْرٍ لَيْسَ فِيهَا لَيْلَةُ الْقَدْرِ».

۲۰۲۶ - وَ رَوَى عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «نَزَلَتِ التَّوْرَةُ فِي سِتِّ مَضَتِّ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ نَزَلَتِ الْإِنْجِيلُ فِي اثْنَتَيْ عَشْرَةَ مَضَّتْ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ نَزَلَتِ الزَّبُورُ فِي لَيْلَةِ ثَمَانَ عَشْرَةَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ، وَ نَزَلَتِ الْقُرْآنُ [الْفُرْقَانُ - خ ل] فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ».

۲۰۲۷ - وَ رَوَى عَنِ الْعَلَاءِ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنْ عَلَامَةِ لَيْلَةِ الْقَدْرِ؟ فَقَالَ: عَلَامَتُهَا أَنْ تَطْيِبَ رِيحُهَا

الهی که فرمود: «شب قدر از هزار شب بهتر است» چیست؟ فرمود: این آیه ناظر به عمل صالح در شب قدر است، و اگر نه آن بود که خدای تبارک و تعالی حسنات را برای مؤمنین مضاعف میساخت، ایشان به کمال فضیلت و ثواب نمیرسیدند، ولی خدای عزوجل حسنات را برای ایشان مضاعف میسازد.

① ۲۰۲۵ - و از امام صادق علیه السلام سؤال کردند که: چگونه شب قدر بهتر از هزار ماه است؟ امام علیه السلام فرمود: انجام عمل صالح در آن شب از انجام آن در هزار ماهی که شب قدر در آنها نباشد بهتر است.

② ۲۰۲۶ - و علی بن ابی حمزه، از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: تورات در شش شب از ماه رمضان گذشته نازل شد، و انجیل در دوازده شب از ماه رمضان گذشته نازل شد، و زبور در شب هجدهم ماه رمضان نازل شد، و قرآن [فرقان - خ ل] در شب قدر فرود آمد.

③ ۲۰۲۷ - و از علاء از محمد بن مسلم، از یکی از دو امام علیهما السلام روایت

وَإِنْ كَانَتْ فِي بَرْدٍ دَفِئَتْ وَإِنْ كَانَتْ فِي حَرٍّ بَرَدَتْ وَطَابَتْ».

۲۰۲۸- وَ سُئِلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ لَيْلَةِ الْقَدْرِ فَقَالَ: تَنَزَّلُ فِيهَا الْمَلَائِكَةُ وَ الْكِتَابَةُ إِلَى السَّمَاءِ الدُّنْيَا فَيَكْتُبُونَ مَا يَكُونُ فِي أَمْرِ السَّنَةِ وَمَا يُصِيبُ الْعِبَادَ، وَأَمْرٌ عِنْدَهُ عَزَّوَجَلَّ مَوْقُوفٌ لَهُ فِيهِ الْمَشِيشَةُ فَيَقْدِمُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَيُؤَخِّرُ مِنْهُ مَا يَشَاءُ وَيَمْحُو وَيُثَبِّتُ وَ عِنْدَهُ أُمُّ الْكِتَابِ».

۲۰۲۹- وَ رُوِيَ عَنْ عَلِيِّ بْنِ أَبِي حَمْزَةَ قَالَ: «كُنْتُ عِنْدَ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ فَقَالَ لَهُ أَبُو بَصِيرٍ: جُعِلْتُ فِدَاكَ اللَّيْلَةُ الَّتِي يُرْجَى فِيهَا مَا يُرْجَى أَيُّ لَيْلَةٍ هِيَ؟ فَقَالَ: فِي لَيْلَةٍ إِحْدَى وَعِشْرِينَ أَوْ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ، قَالَ: فَإِنْ لَمْ أَقْوِ عَلَى كِلْتَيْهِمَا؛ فَقَالَ: مَا أَيْسَرُ لَيْلَتَيْنِ فِيمَا تَقْلُبُ، قَالَ: فَقُلْتُ: رُبَّمَا رَأَيْنَا الْهَلَاقَ عِنْدَنَا وَجَاءَنَا مَنْ يُخْبِرُ بِخِلَافِ ذَلِكَ فِي أَرْضٍ أُخْرَى؟ فَقَالَ: مَا أَيْسَرُ أَرْبَعَ لَيَالٍ فِيمَا

شده است، که گفت: از آن امام درباره علامت شب قدر سؤال کردم، پس فرمود: علامت آن چنین است که باد آن شب لطیف و خوشبو است، و اگر آن شب در فصل سرما باشد، گرم میشود، و اگر در موسم گرما باشد سرد و خوش میشود.

۲۰۲۸- (۱) وَ از آن امام علیه السلام درباره شب قدر سؤال کردند، پس فرمود: در آن شب فرشتگان و نویسندگان به آسمان دنیا فرود می آیند، و همگی وقایعی را که در آن سال واقع میشود، و هر رویدادی را که به بندگان میرسد، و هر امری را که مشیت خدای عزوجل به آن تعلق گرفته است، مینویسند، پس خدای تبارک و تعالی هر چیز از آنها را که بخواهد مقدم میدارد، و هر چه را که بخواهد به تأخیر می اندازد، و محو میکند، و ثابت میدارد، و أم الكتاب در نزد او است.

۲۰۲۹- (۲) وَ از علی بن ابی حمزه روایت شده است که گفت: در محضر امام صادق علیه السلام بودم، که ابوبصیر به آن امام معروض داشت: فدایت شوم، آن شبی که امیدها را عرضه میدارند و خواستنی ها را میخواهند کدام شب است؟ پس امام علیه السلام فرمود: آنها را در شب بیست و یکم یا بیست و سوم عرضه میکنند، ابوبصیر گفت: پس اگر بر احیای هر دو شب قدرت نداشته باشم؟ آنحضرت علیه السلام

تَطْلُبُ فِيهَا، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ لَيْلَةُ ثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ لَيْلَةَ الْجَهَنِّي قَالَ: إِنَّ ذَلِكَ لَيَقَالُ، قُلْتُ: جُعِلَتْ فِدَاكَ إِنَّ سُلَيْمَانَ بْنَ خَالِدٍ رَوَى أَنَّ فِي تِسْعَ عَشْرَةَ يُكْتَسَبُ وَقَدْ الْحَاجُّ، فَقَالَ: يَا أَبَا مُحَمَّدٍ وَقَدْ الْحَاجُّ يُكْتَسَبُ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَالْمَنَآيَا وَالْبَلَايَا وَالْآزْرَاقُ وَمَا يُكُونُ إِلَى مِثْلِهَا فِي قَابِلٍ فَاطْلُبُهَا فِي إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَثَلَاثٍ وَعِشْرِينَ، وَصَلَّ فِي كُلِّ وَاحِدَةٍ مِنْهُمَا مِائَةً رَكْعَةً وَأَخِيهَمَا إِنْ اسْتَطَعْتَ إِلَى النُّورِ وَاغْتَسِلَ فِيهِمَا، قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ أَقْدِرْ عَلَى ذَلِكَ وَأَنَا قَائِمٌ؟ قَالَ: فَصَلَّ وَأَنْتَ جَالِسٌ، قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ أَسْتَطِيعَ؟ قَالَ: فَعَلَى فِرَاشِكَ، قُلْتُ: فَإِنْ لَمْ أَسْتَطِيعَ؟ فَقَالَ: لَا عَلَيْكَ أَنْ تَكْتَسِلَ أَوْ لَيْلِ يَشِيءُ مِنَ النَّوْمِ، إِنَّ أَبْوَابَ السَّمَاءِ تُفْتَحُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ وَتُصَفَّدُ الشَّيَاطِينُ وَتُقَبَّلُ الْأَعْمَالُ - أَعْمَالُ الْمُؤْمِنِينَ - يَغْتَمُ الشَّهْرُ شَهْرُ

فرمود: چه سهل است احیای دوشب در برابر آنچه تو میطلبی! راوی گفت: گفتم: بسا ساهل اتفاق افتاده است که ما در سرزمین خودمان ماه را دیده ایم، ولی کسی نزد ما آمده که خلاف آنرا در سرزمین دیگر به ما خبر میدهد، در اینصورت چه کنیم؟ فرمود: چه سهل است احیای چهار شب در برابر آنچه تو میطلبی! گفتم: فدایت شوم، شب بیست و سوم شب «جهنی» است؟ فرمود: چنین میگویند. گفتم: فدایت شوم، سلیمان بن خالد روایت کرده است که، در نوزدهم نام کسانی که مقدر است تا به حج روند نوشته میشود، امام فرمود: ای اباعحمد نام جمعیت واردین و وافدین حج و بلاها و مرگها و روزها و همگی حوادثی که تا شب قدر سال آینده اتفاق می افتد، در شب قدر نوشته میشود، پس آنها را در بیست و یکم و بیست و سوم طلب کن، و در هر یک از آن دو شب صد رکعت نماز بگزار، و اگر بتوانی آن دو شب را تا روشن شدن هوا احیا بدان و در آن دو شب غسل بجا آور، گفت: گفتم: اگر آن نماز را ایستاده نتوانم؟ فرمود نشسته بگزار، گفتم: پس اگر توان آنرا نداشته باشم؟ فرمود: به روی بستر بجا آور، گفتم: پس اگر نتوانم؟ فرمود: باکی بر تو نیست که در اول شب با اندکی خواب چشم خود را گرم کنی. زیرا در ماه رمضان درهای آسمان گشوده، و شیاطین به بند کشیده، و اعمال - اعمال مؤمنین - پذیرفته میشود، خوب ماهی است ماه رمضان، در زمان رسول خدا صلی الله علیه وآله این ماه را مرزوق مینامیدند.

رَمَضَانَ كَانَ يُسَمَّى عَلَى عَهْدِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ الْمَرْزُوقَ.

۲۰۳۰- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ حُمَرَانَ، عَنْ سُفْيَانَ بْنِ السَّمْطِ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي

عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْلَّيَالِي الَّتِي يُرْجَى فِيهَا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ؟ فَقَالَ: تِسْعَ عَشْرَةَ، وَ إِحْدَى وَعِشْرِينَ، وَ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ، قُلْتُ: فَإِنْ أَخَذْتُ إِنْسَانًا الْفِتْرَةَ أَوْ عِلَّةً مَا الْمُعْتَمَدُ عَلَيْهِ مِنْ ذَلِكَ؟ فَقَالَ: ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ».

۲۰۳۱- وَ فِي رِوَايَةِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ بُكَيْرٍ، عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَحَدِهِمَا عَلَيْهِمَا السَّلَامُ

قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ اللَّيَالِي الَّتِي يُسْتَحَبُّ فِيهَا الْغُسْلُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟ فَقَالَ: لَيْلَةُ تِسْعَ عَشْرَةَ وَ لَيْلَةُ إِحْدَى وَعِشْرِينَ وَ لَيْلَةُ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ. وَ قَالَ: لَيْلَةُ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ هِيَ لَيْلَةُ الْجَهَنِّي وَ حَدِيثُهُ أَنَّهُ قَالَ لِرَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: إِنَّ مَثْرَبِي نَاءٌ عَنِ الْمَدِينَةِ فَمُرْنِي بِلَيْلَةٍ أَدْخُلُ فِيهَا، فَأَمَرَهُ بِلَيْلَةِ ثَلَاثَ وَعِشْرِينَ».

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ (ره): وَ اسْمُ الْجَهَنِّي عَبْدُ اللَّهِ بْنُ أَنَيْسٍ الْأَنْصَارِيُّ.

(۱) ۲۰۳۰- و محمد بن حمران، از سفیان بن سمط روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره شبهای امیدواری در ماه رمضان سؤال کردم، امام فرمود آن شبها شب نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم است، گفتم: پس اگر رخصتی یا علقی دامنگیر انسانی شود، کدام یک از این سه شب میتواند مورد اعتماد باشد؟ امام فرمود: بیست و سوم.

(۲) ۲۰۳۱- و در روایت عبدالله بن بکیر، از زراره، از یکی از آن دو امام علیهما السلام آمده است که گفت: از آن امام درباره شبهای از ماه رمضان که غسل در آنها مستحب است، سؤال کردم، پس فرمود: شب نوزدهم، و شب بیست و یکم و شب بیست و سوم، و فرمود: شب بیست و سوم شب «جهنی» است، و حکایت آن چنین است که او به رسول خدا صلی الله علیه و آله معروض داشت که: منزل من از مدینه دور است، پس شبی را به من بفرمای تا به آنجا درآیم، پیمبر او را فرمود تا در شب بیست و سوم به مدینه درآید.

مصنف این کتاب (ره) گوید: و نام جهنی عبدالله بن انیس انصاری است.

باب

* (الدُّعَاءُ فِي كُلِّ لَيْلَةٍ مِنَ الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ) *

۲۰۳۲- فی نوادر محمد بن ابی عمیر آن الصادق علیه السلام قال: «تَقُولُ فِي الْعَشْرِ الْأَوَاخِرِ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ كُلَّ لَيْلَةٍ: «أَعُوذُ بِجَلَالِ وَجْهِكَ الْكَرِيمِ أَنْ يَنْقُضِيَ عَنِّي شَهْرُ رَمَضَانَ أَوْ يَطْلُعَ الْفَجْرُ مِنْ لَيْلَتِي هَذِهِ وَلَكَ قِتْلِي تَبَعَهُ أَوْ ذَنْبٌ تُعَذِّبُنِي عَلَيْهِ [يَا رَحْمَنُ يَا رَحِيمُ]».

الدُّعَاءُ فِي اللَّيْلَةِ الْأُولَى وَهِيَ لَيْلَةُ إِحْدَى وَعِشْرِينَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ «يَا مُوَلِّجَ اللَّيْلِ فِي النَّهَارِ وَمُوَلِّجَ النَّهَارِ فِي اللَّيْلِ، وَمُخْرِجَ الْحَيِّ مِنَ الْمَيِّتِ وَمُخْرِجَ الْمَيِّتِ مِنَ الْحَيِّ يَا رَازِقَ مَنْ يَشَاءُ بِغَيْرِ حِسَابٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ يَا اللَّهُ يَا رَحِيمُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبَرِيَاءُ وَالْآلَاءُ أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآهِلِ بَيْتِهِ، وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ، وَرُوحِي مَعَ الشُّهَدَاءِ، وَإِحْسَانِي فِي عِلِّيِّينَ وَإِسَاءَتِي مَغْفُورَةً، وَأَنْ تَهَبَ لِي

* (بَابُ دُعَايِ هَر شَبِّ از ده شب اواخر ماه رمضان) *

① ۲۰۳۲- در نوادر محمد بن ابی عمیر آمده است که امام صادق علیه السلام فرمود: در دهه اواخر ماه رمضان هر شبی میگوئی: (خدایا) به جلال ذات کریم تو پناه میبرم از اینکه ماه رمضان از من منقضى شود، یا فجر از همین شب من طلوع کند، در حالی که تو را بر گردن من مسئولیتی یا گناهی باشد، که مرا به علت آن عذاب فرمائی. [یا رَحْمَنُ یا رَحِيمُ].

دعای شبِ اول که شب بیست و یکم ماه رمضان باشد چنین است:
«ای داخل کننده شب در روز، و داخل کننده روز در شب، و برآورنده زنده از مرده، و برآورنده مرده از زنده، ای روزی دهنده بی دریغ به هر که بخواهی. یا اللَّهُ، یا رَحْمَنُ، یا اللَّهُ و یا رَحِيمُ، یا اللَّهُ، یا اللَّهُ، یا اللَّهُ، نامهای زیبا و مثلهای والا، و کبریا و نعمتها مخصوص تو است، از تو مسألت دارم که بر محمد و اهل بیت او درود و رحمت فرستی، و نام مرا در این شب در طومار سعدا، و روحم را با ارواح شهدا و اعمال نیکم

يَقِينًا تَبَاشِرُ بِهِ قَلْبِي، وَ إِيْمَانًا يَذْهَبُ بِهِ الشَّكُّ عَنِّي، وَ تَرْضِيَنِي بِمَا قَسَمْتَ لِي، وَ آتِنِي فِي الدُّنْيَا حَسَنَةً وَ فِي الْآخِرَةِ حَسَنَةً وَ قِنِي عَذَابَ النَّارِ وَ ارْزُقْنِي فِيهَا شُكْرَكَ وَ ذِكْرَكَ وَ الرَّغْبَةَ إِلَيْكَ وَ الْإِنَابَةَ وَ التَّوْبَةَ وَ التَّوْقِيقَ لِمَا وَفَّقْتَ لَهُ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ».

الدَّلِيلَةُ الثَّانِيَّةُ «يَا سَالِحَ النَّهَارِ مِنَ اللَّيْلِ قَبَاذًا نَحْرُ مُظْلِمُونَ، وَ مُجَرِّي الشَّمْسِ لِمُسْتَقَرِّهَا بِتَقْدِيرِكَ يَا عَزِيزُ يَا عَلِيمُ، وَ مُقَدِّرَ الْقَمَرِ مَنَازِلَ حَتَّى عَادَ كَالْعُرْجُونِ الْقَدِيمِ، يَا نُورَ كُلِّ نُوْرٍ، وَ مُنْتَهَى كُلِّ رَغْبَةٍ، وَ وَلِيَّ كُلِّ نِعْمَةٍ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، يَا قُدُّوسُ يَا أَحَدُ، [يَا وَاحِدُ] يَا فَرْدُ يَا صَمَدُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَ الْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَ الْكِبَرِيَاءُ وَ الْآلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ أَنْ تَجْعَلَ أَسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السُّعْدَاءِ - حَتَّى تَنْتَهِيَ إِلَى آخِرِ الدُّعَاءِ فِي أَوَّلِ لَيْلَةٍ -».

را در علیین، قرار دهی، و کارهای بدم را آمرزیده سازی و یقینی به من ارزانی داری که قلم را با آن دمساز کنی، و ایمانی که بوسیله آن زنگار شک را از خاطر من بزدایی، و مرا به آنچه قسمتم ساخته ای خشنود گردانی و مرا در دنیا بهره ای نیک و در آخرت بهره ای نیک عطا فرما، و از عذاب دوزخم بازدار، و در این شب شکر خود، و ذکر خود، و توجه به خودت، و انابه و توبه، و توفیق از آنگونه که محمد و آل او صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ - رابه آن موفق داشته ای نصیب ساز».

④ دعای شب دوم: «ای کسیکه نور روز را از شب بیرون می‌کشی و ما را در تاریکی وامی‌نهی و ای کسیکه خورشید را، با تقدیر خود، به سوی قرارگاهش روان می‌سازی، ای خدای توانا و دانا، و ای کسیکه ماه را در منازل تقدیر فرموده ای، تا پس از طی مراحل و منازل مقرر دوباره به شکل هلال درآید، و بصورت شاحه نازک زرد رنگ خشکیده نخل، در گوشه افق پدیدار گردد. ای نور هر نور، و ای منتهای هر شوق و رغبت، و ولی هر نعمت. یا اللَّهُ، یا رَحْمَنُ، یا قُدُّوسُ، یا أَحَدُ [یا وَاحِدُ] یا فَرْدُ، یا صَمَدُ، یا اللَّهُ ای خدا، ای خدا، نامهای زیبا و مثلهای والا و کبریا و نعمتها مخصوص تو است. از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی، و نام مرا در

الثَّلَاثَةُ الثَّالِثَةُ - وَهِيَ لَيْلَةُ الْقَدْرِ - «يَا رَبِّ لَيْلَةُ الْقَدْرِ وَجَاعِلُهَا خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرٍ، وَرَبِّ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ وَ [رَبِّ] الْجِبَالِ وَالْبَحَارِ، وَالظُّلَمِ وَالْأَنْوَارِ، وَالْأَرْضِ وَالسَّمَاءِ، يَا بَارِيَّ يَا مُصَوِّرُ، يَا حَنَّانُ يَا مَنَّانُ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، يَا اللَّهُ يَا قَيُّوْمُ، يَا اللَّهُ يَا بَدِيعُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَلْفَاظُ الْعُلْيَا وَالْكِبَرِيَاءُ وَالْآلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - وَأَنْ تَجْعَلَ اسْمِي فِي هَذِهِ اللَّيْلَةِ فِي السَّعْدَاءِ - إِلَى آخِرِهِ».

وَتَقُولُ فِيهَا: «اللَّهُمَّ اجْعَلْ فِيَّ مَا تُقْضِي وَفِيَّ مَا تُقَدِّرُ مِنَ الْأَمْرِ الْمَخْتُومِ وَفِيَّ مَا تُفَرِّقُ مِنَ الْأَمْرِ الْحَكِيمِ فِي لَيْلَةِ الْقَدْرِ وَفِي الْقَضَاءِ الَّذِي لَا يَرُدُّ وَلَا يُبَدِّلُ أَنْ تَكْتُبَنِي مِنْ حُجَّاجِ بَيْتِكَ الْحَرَامِ، الْمَبْرُورِ حُجَّتِهِمْ، الْمَشْكُورِ سَعْيَتِهِمْ، الْمَغْفُورِ ذُنُوبُهُمْ الْمُكَفَّرِ عَنْهُمْ سَيِّئَاتِهِمْ، وَاجْعَلْ فِيَّ [تُقْضِي وَ] تُقَدِّرُ أَنْ تُعَدِّي فِي عُمْرِي، وَأَنْ تُوَسِّعَ لِي فِي رِزْقِي، وَأَنْ تُفَكَّ رَقَبَتِي مِنَ النَّارِ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ».

وَتَقُولُ فِيهَا: «يَا مُذَبِّرَ الْأُمُورِ، يَا بَاعِثَ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا مُجَرِّي الْبُحُورِ، يَا

این شب در طومار سعدا قرار دهی، ... تا آخر دعای اول.

(۱) دعای شبِ سوم - شب قدر - ای خداوند شب قدر، و ای کسیکه آن را از هزار ماه بهتر ساختی، و ای خدای شب و روز و [خدای] کوهها و دریاها، و تاریکیها و روشنها، و زمین و آسمان. ای آفریننده جهان، و ای نقشبند آفریدگان، ای مهربان ای نعمت‌رسان، ای خدا، ای گسترنده رحمت بر همگان، ای خدا ای بیادارنده ملک وجود، ای خدا ای نوآورنده هر چه هست و هر چه بوده و هر چه خواهد بود. ای خدا، ای خدا، ای خدا، نامهای زیبا و مثلهای والا و کبریا و نعمتها مخصوص تو است. از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی، و نام مرا در این شب در طومار سعدا قرار دهی، ... تا آخر دعاء.

و در همان شب میگوئی: خدایا در آن امر قطعی و محتومی که در این شب بر لوح قضا و صحیفه قدر رقم میزنی، و در آن امر مجملی که در شب قدر آنرا مورد تفصیل و تشریح قرار میدهی، و در آن قضائیکه مردود نمیشود، و تغیر و تبدیل نمی‌پذیرد، نام مرا

مُلتَمِّينَ الْحَدِيدَ لِداوُدَ صَلَّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَافْعَلْ بِي - كَذَا وَ كَذَا - اللَّيْلَةَ
اللَّيْلَةَ، السَّاعَةَ السَّاعَةَ» وَارْفَعْ يَدَيْكَ إِلَى السَّمَاءِ. وَقُلْهُ وَأَنْتَ سَاجِدٌ وَرَاكِعٌ وَقَائِمٌ
وَ جَالِسٌ وَرَدَّدُهُ، وَقُلْهُ فِي آخِرِ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.

اللَّيْلَةُ الرَّابِعَةُ «يَا فَالِقَ الْإِصْبَاحِ يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ مَكْنَأً وَالشَّمْسِ وَالْقَمَرِ
حُسْبَاناً، يَا غَزِيرُ يَا غَلِيمُ، يَا ذَا النَّمْرِ وَالصَّوْبِ، وَالْقُوَّةِ وَالْحَوْلِ، وَالْفَضْلِ وَالْإِنْعَامِ،
يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ، يَا اللَّهُ يَا رَحْمَنُ، يَا اللَّهُ يَا فَزْدُ، يَا اللَّهُ يَا وَثَرُ، يَا اللَّهُ يَا ظَاهِرُ يَا بَاطِنُ،
يَا حَيُّ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبَرِيَاءُ وَالْآلَاءُ.

در طومار حُجَّاج بیت محترمت قرار ده: همان حُجَّاج که حَجَّشان مقبول، و سعیشان
مشکور، و گناهانشان مغفور، و سببانشان مستور است، و در آنچه در دیوان قضا و قدر
مقدر و مقرر میداری چنان کن که عمر مرا گسترده سازی، و روزم را وسعت بخشی،
و گردنم را از بند عذاب دوزخ برهائی ای مهربانترین مهربانان.

و در آن شب میگوئی: ای سامان دهنده امور، و ای برانگیزنده خفتگان در
قبور، ای روان سازنده دریاها، ای نرم کننده آهن برای داود، درود و رحمت فرست بر
محمد و آل محمد، و در همین شب! همین شب! همین ساعت! همین ساعت! حاجاتم را
روا فرما. و درباره ام چنین و چنان کن.

آنگاه هر دو دستت را به آسمان بردار و این دعا را در حال سجود و رکوع، و
قیام و قعود، تکرار کن، و همین دعا را در شب آخر ماه رمضان نیز بخوان.

(۱) دعای شب چهارم: ای کسیکه پرده های ظلمت شب را به نور صبح
بشکافتی، و ای کسیکه شب را برای آرامش، و خورشید و ماه را برای حساب برقرار
ساختی.

ای صاحب نعمت بی تکلف، و واهب فضل و عطا، و ای مالک قوت و
قدرت و تفضل و انعام، ای صاحب جلال و اکرام، ای خدا، ای صاحب رحمت
فراگیر، ای خدا ای منفرد در ذات و صفات، ای خدا ای خالق یکتای بی همتا، ای
خدا ای ظاهر در مجالی وجود و مرئی شهود، و ای باطن در سُرّادق غیب نامحدود، ای

أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ «ثُمَّ تُتِمُّهُ بِأَوَّلِ الدُّعَاءِ».

اللَّيْلَةَ الْخَامِسَةَ «يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ لِبَاسًا، وَالنَّهَارِ مَعَاشًا، وَالْأَرْضِ مِهَادًا، وَالْجِبَالِ أَوْنَادًا، يَا اللَّهُ يَا قَاهِرُ يَا جَبَّارُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبَرِيَاءُ وَالْآلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ تُتِمُّهُ إِلَى آخِرِهِ -».

اللَّيْلَةَ السَّادِسَةَ «يَا جَاعِلَ اللَّيْلِ وَالنَّهَارِ آيَتَيْنِ، يَا مَنْ مَخَّا آيَةَ اللَّيْلِ وَجَعَلَ آيَةَ النَّهَارِ مُبْصِرَةً لِيَتَّبِعَنِي فَضْلًا مِنْ رَبِّي وَأَرْضُونَا يَا مُفْضِلَ كُلِّ شَيْءٍ تَفْصِيلًا، يَا اللَّهُ يَا مَاجِدُ، يَا اللَّهُ يَا وَهَّابُ، يَا اللَّهُ يَا جَوَادُ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبَرِيَاءُ وَالْآلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ»

زنده ابدی و سرمدی، معبود حتی جز تو نیست. نامهای زیبا و مثلهای والا و کبریا و نعمتها مخصوص تو است.

از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی، سپس تا پایان دعای اول ادامه میدهی.

دعای شب پنجم: ای کسیکه اطلس مشکین شب را جامه آسایشی ساختی، و روز را جولانگاه تحصیل وسائل معاش مقرر داشتی، و زمین را مهد امن و امان، و کوهها را پایه استحکام آن قرار دادی، ای کسیکه همگی موجودات را به چنبر قهر و غلبه خود کشیدی، و ای قادری که همگان را در مسیر اراده خود روان کردی. ای خدا، ای خدا، ای خدا، نامهای زیبا و مثلهای والا و کبریا و نعمتها مخصوص تو است، از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی، و نام مرا در طومار سعادت قرار دهی - تا آخر دعای شب اول -.

دعای شب ششم: ای خدای قادری که شب و روز را دو نشانه از قدرت خود ساختی، ای کسیکه نشان شب را محو کرد، و نشان روز را روشن نمود، تا در پرتو آن فضلی و انعامی، از پروردگارمان طلب کنیم، و در مسیر خشنودی و رضامندی او گام بسپاریم، ای کسیکه اثر و خاصیت، و کیفیت و کمیت هر چیز را بطور کامل روشن و

أَنْ تَجْعَلَ لِي فِي السَّعَادَةِ - ثُمَّ تُتِمَّهُ إِلَى آخِرِهِ - .

الَّتِي السَّابِقَةِ «يَا مَاءَ الظِّلِّ وَلَوْ شِئْتَ لَجَعَلْتَهُ سَاكِناً وَجَعَلْتَ الشَّمْسَ عَلَيْهِ دَلِيلاً ثُمَّ قَبَضْتَهُ إِلَيْكَ قَبْضاً يَسِيراً، يَا ذَا الْجُودِ وَالظُّلْمِ وَالْكَبَرِيَاءِ وَالْآلَاءِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ يَا قُدُّوسُ يَا سَلَامُ يَا مُؤْمِنُ يَا مُتَّقِيْنَ يَا عَزِيزُ يَا جَبَّارُ يَا مُتَكَبِّرُ، يَا خَالِقُ يَا بَارِيُ يَا مُصَوِّرُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْآلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ تُتِمَّهُ [إِلَى آخِرِهِ] - .»

الَّتِي الثَّامِنَةِ «يَا خَازِنَ اللَّيْلِ فِي الْهَوَاءِ، وَخَازِنَ النُّورِ فِي السَّمَاءِ، وَمُنِيعَ

مبین ساخته ای، و مرز آنرا با سایر اشیا تعیین و تحدید نموده ای، ای خدا، ای صاحب عزت و رفعت، ای خدا، ای عطابخش، ای خدا، ای صاحب جود، ای خدا، ای خدا، ای خدا، نامهای زیبا و مثلهای والا و کبریا و انواع نعمتها مخصوص تو است، از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی، و نام مرا در طومار سعادت قرار دهی - تا آخر دعای شب اول - .

۱) دعای شب هفتم: ای کسیکه سایه را میگسترانی، و اگر بخواهی هر آینه آنرا ساکن میسازی، و خورشید را دلیلی بر آن قرار داده ای، و آنگاه به آرامی آن را به سوی خود فرا کشیده ای، ای صاحب جود و بخشندگی بی منت، و دارای عظمت و انواع نعمت معبود حق جز تو نیست، ای منزّه از هر عیب و نقصان، و ای مظهر صلح و سلم با بندگان، و ای بخشنده امنیت و تأمین کننده امان، و ای صاحب تسلط و سیطره بر جهان و جهانیان، و ای غالی که هیچ نیرومندی او را مغلوب نمیسازد، و ای قاهری که اراده خود را بر همه چیز و همه کس همگمارد، و ای جباری که بر استخوان شکسته ستمزدگان مرهم میگذارد، و ای کسیکه خرگاه بزرگیش بر سراسر جهان گسترده است، و ای آفریننده هر موجود، و ای نوپدید آورنده عوالم وجود، و ای صورتگر هر چیز به شکل و صورتی مخصوص. ای خدا، ای خدا، ای خدا، نامهای زیبا و مثلهای والا و کبریا و نعمتها مخصوص تو است.

از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی - تا آخر دعا -

دعای شب هشتم: ای خزانه دار شب در طبقات هوا، و گنجینه دار نور در

السَّمَاءِ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِكَ وَحَابِسَهُمَا أَنْ تَنْزِلَا، يَا عَظِيمُ يَا غَفُورُ، يَا دَائِمُ
يَا اللَّهُ [يَا دَائِمُ] يَا وَارِثُ، يَا بَاعِثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ
الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ - ثُمَّ تُبَيِّمُهُ - .»

اللَّيْلَةُ التَّاسِعَةُ «يَا مُكَوِّرَ اللَّيْلِ عَلَى النَّهَارِ، وَيَا مُكَوِّرَ النَّهَارِ عَلَى اللَّيْلِ،
يَا عَلِيمُ يَا حَلِيمُ يَا حَكِيمُ، يَا اللَّهُ يَا رَبَّ الْأَرْبَابِ، وَسَيِّدَ السَّادَاتِ، لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ، يَا مَنْ
هُوَ أَقْرَبُ إِلَيَّ مِنْ حَبْلِ الْوَرِيدِ، يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ
الْعُلْيَا وَالْكِبْرِيَاءُ وَالْآلَاءُ، أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ تُبَيِّمُهُ
بِأَوَّلِ الدُّعَاءِ - .»

اللَّيْلَةُ الْعَاشِرَةُ وَهِيَ لَيْلَةُ الْوِدَاعِ «الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي لَا شَرِيكَ لَهُ، الْحَمْدُ لِلَّهِ

آسمان و فضای بی انتها، و بازدارنده آسمان از آنکه بی اذن تو بر زمین فرود آید، و
نگهدارنده آندو از آنکه زوال پذیرند، و از مدار مقرر و فلک مقدر خود انحراف پذیرند،
ای خدای بزرگ، ای پروردگار آمرزنده، ای هستی جاودان، ای خدا ای وارث کون و
مکان، ای برانگیزنده در گورخفتگان، ای خدا، ای خدا، نامهای زیبا و
مثلهای والا و کبریا و انواع نعمتها مخصوص توست، از تو مسألت دارم که بر محمد و
آل محمد درود و رحمت فرستی ... تا آخر دعا - .

(۱) دعای شب نهم: ای که اطلس مشگین ظلمت شب را بر گستره روز در
می نوردی، و پرند سفید نور روز را بر نورد شب همی پیچی، ای دانای اسرار، ای
پروردگار بردبار، ای خالق حکمت شعار، ای خدا، ای ربّ ارباب، و سید سادات،
معبود حقّی جز تو نیست، ای کسیکه از رشته رگ گردن به من نزدیکتری، ای خدا،
ای خدا، ای خدا، نامهای زیبا و امثال والا و کبریا و انواع نعمتها مخصوص توست،
از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد، درود و رحمت فرستی ... تا پایان دعا - .

دعای شب دهم: - شب وداع - خدائی را ستایش و سپاس که هیچ شریکی مر
اورا نیست. ستایش و سپاس خدای را چنانکه شایسته کرامت ذات و عزّت جلال او

كَمَا يَنْبَغِي لِكَرَمِ وَجْهِهِ وَعِزِّ جَلَالِهِ، وَكَمَا هُوَ أَهْلُهُ، يَأْنُورُ بِأَقْدُوسٍ، يَأْنُورُ بِأَقْدُوسٍ
يَأْسُبُوحُ، يَأْمُتُّهَيَّ التَّشْبِيحُ، يَارْحَمُنْ يَأْفَاعِلِ الرَّحْمَةِ يَا اللَّهُ، يَا عَلِيمُ، يَا اللَّهُ، يَا لَطِيفُ
يَا اللَّهُ، يَا جَلِيلُ، يَا اللَّهُ، لَكَ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَى وَالْأَمْثَالُ الْعُلْيَا وَالْكَبَرِيَاءُ وَالْآلَاءُ،
أَسْأَلُكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ - ثُمَّ تُبَيِّتُهُ بِأَوَّلِ الدُّعَاءِ - .

* (بَابُ وِدَاعِ شَهْرِ رَمَضَانَ) *

۲۰۳۳ - رَوَى أَبُو بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «تَقُولُ فِي وِدَاعِ
شَهْرِ رَمَضَانَ «اللَّهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ فِي كِتَابِكَ الْمُتَرَلِّ عَلَى نَبِيِّكَ الْمُرْسَلِ - وَقَوْلِكَ
الْحَقُّ - «شَهْرُ رَمَضَانَ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ هُدًى لِلنَّاسِ وَبَيِّنَاتٍ مِنَ الْهُدَى
وَ الْفُرْقَانِ»، وَ هَذَا شَهْرُ رَمَضَانَ قَدْ انْقَضَ، فَأَسْأَلُكَ بِوَجْهِكَ الْكَرِيمِ وَ كَلِمَاتِكَ

است، و بدانگونه که او اهل آن و زینده آن است. ای نور و ای قدوس، ای نور و ای
قدوس، ای ذات منزّه از هر عیب و نقصان، و ای آخرین هدف تنزیه و
تنزیه کنندگان، ای صاحب رحمت گسترده بر دوستان و دشمنان، ای سازنده و پدید
آورنده رحمت بر همگان ای خدا، ای که به هر راز دانائی، ای خدا، ای که از دسترس
حواس برتری، و از دقایق امور باخبری، و در هدایت بندگان نرمش و لطف بکار
میبری. ای خدا ای بلند پایگاهی که طایر و هم از رسیدن به اوج جلال و عظمت فرو
میمانند، ای خدا، نامهای زیبا و مثلهای والا، و کبریا و انواع نعمتها مخصوص تو است.
از تو مسألت دارم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی... تا پایان دعاء..

* (بَابُ وِدَاعِ مَاہِ رَمَضَانَ) *

① ۲۰۳۳ - ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود:
در وداع ماه رمضان میگوئی: خدایا تو در کتاب منزل بر پیامبر مرسلت صلی الله علیه و آله
فرموده ای - و گفته توحق است - «و آن ایام که روزه داشتش بر شما واجب شده، ماه
رمضان است که قرآن به عنوان راهنما برای مردم، و به صورت آیات بینات از هدایت،
و جداسازی حق از باطل نازل شده است. و این ماه رمضان است که سپری گشته
است، پس تو را به حرمت ذات کریمت و کلمات تا قناتت (مخلوق کامل) مسألت
میکم، که اگر گناهی بر ذمه ام باقی مانده باشد که آنرا بر من نیامرزیده باشی، و

التَّائِبَاتِ إِنْ كَانَ بَقِيَ عَلَيَّ ذَنْبٌ لَمْ تَغْفِرْهُ لِي وَتُرِيدُ أَنْ تُحَاسِبَنِي بِهِ أَوْ تُعَذِّبَنِي عَلَيْهِ
 أَوْ تُقَاسِبَنِي بِهِ أَنْ يَطْلُعَ فَجْرُ هَذِهِ اللَّيْلَةِ أَوْ يَنْصَرِمَ هَذَا الشَّهْرُ إِلَّا وَقَدْ غَفَرْتَهُ لِي يَا أَرْحَمَ
 الرَّاحِمِينَ، اللَّهُمَّ لَكَ الْحَمْدُ بِمَحَامِيدِكَ كُلِّهَا، عَلَى نِعْمَائِكَ كُلِّهَا، أَوَّلِهَا وَآخِرِهَا،
 مَا قُلْتُ لِنَفْسِكَ مِثْلَهَا وَمَا قَالَهُ الْخَلَائِقُ الْحَامِدُونَ الْمُجْتَهِدُونَ فِي ذِكْرِكَ وَالشُّكْرِ
 لَكَ، الَّذِينَ أَعْتَنَتْهُمْ عَلَى آدَاءِ حَقِّكَ مِنْ أَصْنَافِ خَلْقِكَ مِنَ الْمَلَائِكَةِ الْمُقَرَّبِينَ
 وَالنَّبِيِّينَ وَالْمُرْسَلِينَ وَأَصْنَافِ النَّاطِقِينَ [وَأَ] الْمُسْتَجِبِينَ لَكَ مِنْ جَمِيعِ الْعَالَمِينَ
 عَلَى أَنَّكَ بَلَّغْتَنَا شَهْرَ رَمَضَانَ وَعَلَيْنَا مِنْ نِعَمِكَ وَعِنْدَنَا مِنْ قِسْمِكَ وَإِحْسَانِكَ
 وَتَظَاهِرِ امْتِنَانِكَ مَا لَا تُحْصِيهِ، فَلَكَ الْحَمْدُ الْخَالِدُ الدَّائِمُ الزَّائِدُ الْمُخَلَّدُ السَّرْمَدُ
 الَّذِي لَا يَنْقُذُ طَوْلُ الْأَبَدِ، جَلَّ ثَنَاؤُكَ أَعْلَنَّا عَلَيْهِ حَتَّى قَضَيْتَ عَنَّا صِيَامَهُ وَبَيَّأَهُ مِنْ

بخواهی که مرا به علت ارتکاب آن مورد محاسبه قرار دهی، یا مرا برای آن عذاب
 فرمائی، یا به تحمل درد ورنج گرفتار سازی، از تو می‌خواهم که پیش از طلوع فجر این
 شب، و سپری شدن کلی این ماه آن گناه را بر من ببخشی، ای مهربانترین
 مهربانان.

(۱) خدایا، تو را ستایش و سپاس به همگی انواع ستایشها و سپاسهایت، بر کلیه
 نعمتهایت، چه آن نعمتها که در آغاز انعام فرموده‌ای، و چه آنها که در آخر عطا
 کرده‌ای، چه آنها که خودت برای خود ذکر نموده‌ای و چه آنها که خلائق حامد و کوشا
 در ذکر و شکر تو بر زبان رانده‌اند، همان حامدان و شاکرانی از اصناف خلقت که تو
 خود ایشان را بر ادای حقت یاری داده‌ای، حمدگویان و سپاسگزارانی از فرشتگان
 مقرب و انبیاء و مرسلین و طبقات سخنگویان و تسبیح کنندگان برای تو، از همگی
 جهانیان.

اگرچه تو ما را در حالتی به این ماه رمضان رسانده بودی که چندان از
 نعمتهایت بر ما جریان داشت، و آن قدر از ارزاق و احسانت و توالی من و تراکم
 الطافت بر ما وارد شده بود که از شمارش آن ناتوان بودیم!

پس بر تو باد حمد جاوید دائم فزاینده ابدی سرمدی که در کشاکش درازنای
 زمان و طول ابدیت فنا نپذیرد.

صَلَاةٍ، فَمَا كَانَ مِنَّا فِيهِ مِنْ بَرٍّ أَوْ شُكْرٍ أَوْ ذِكْرٍ، اللَّهُمَّ فَتَقَبَّلْهُ مِنَّا بِأَحْسَنِ قَبُولِكَ وَتَجَاوُزِكَ وَعَفْوِكَ وَصَفْحِكَ وَغُفْرَانِكَ وَحَقِيقَةِ رِضْوَانِكَ حَتَّى تُظْفِرَنَا فِيهِ بِكُلِّ خَيْرٍ مَطْلُوبٍ، وَجَزِيلٍ عَطَاءٍ مَوْهُوبٍ، تُوَمِّنُنَا فِيهِ مِنْ كُلِّ مَرْهُوبٍ، أَوْ بَلَاءٍ مَجْلُوبٍ، أَوْ ذَنْبٍ مَكْشُوبٍ، اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِعَظِيمِ مَا سَأَلْتُكَ بِهِ أَحَدٌ مِنْ خَلْقِكَ مِنْ كَرِيمِ أَسْمَائِكَ وَجَمِيلِ ثَنَائِكَ وَخَاصَّةِ دُعَائِكَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ، وَأَنْ تَجْعَلَ شَهْرَنَا هَذَا أَكْثَمَ شَهْرِ رَمَضَانَ مَرَّةً عَلَيْنَا مُنْذُ أُنْزِلْنَا إِلَى الدُّنْيَا بِرَكَّةٍ فِي عِصْمَةِ دِينِي وَخُلَاصِ نَفْسِي، وَقَضَاءِ حَاجَتِي، وَتَشْفِيعِي فِي مَسَائِلِي، وَتَمَامِ التَّيَقُّنِ عَلَيَّ، وَصَرْفِ الشُّؤْرِ عَنِّي، وَلِبَاسِ الْعَافِيَةِ لِي، وَأَنْ تَجْعَلَ لِي بِرَحْمَتِكَ مِمَّنْ ادَّخَرْتَ لَهُ لَيْلَةَ الْقَدْرِ وَجَعَلْتَهَا لَهُ خَيْرًا مِنْ أَلْفِ شَهْرِ فِي أَكْثَمِ الْأَجْرِ، وَأَكْرَمِ الدُّخْرِ، وَأَحْسَنِ الشُّكْرِ، وَأَطْوَلَ

① شکوهمند و بلند بارگاه است کایخ ثنای تو! تو ما را بر قیام به وظائف این ماه یاری کردی، تا به گرفتن روزه اش و قیام به نمازش از سوی ما برگزار شد. پس هر کار نیکی یا هر شکری یا ذکری که در این ماه از جانب ما به وقوع پیوسته است - خدایا - آنرا به بهترین نوع قبولت و گذشتت و عفو و اغماضت و آمرزشت و بخشودی حقیقت از ما بپذیر، تا ما را به این وسیله به هر خیر دلخواه و عطای سرشار موهوبی نائل سازی که در پناه آن از هر پیشامد سهمگین، یا بلای دستاورد از معصیت، یا گناه خود کرده ای در امانان داری، خدایا تو را به آن نام عظیم از نامهای کریمت، و به آن ثنای جمیل و دعای مخصوصت، که یکی از آفریدگانت تو را به آن نام و به آن ثنا و به آن دعا خوانده است، مسألت میکنم که بر محمد و آل محمد درود و رحمت فرستی، و این ماه ما را از جهت برکت در نگهداری دینم، و رهایی جسم و جانم، و روا شدن حاجتم و پذیرفته شدن شفاعت در خواهشهایم و کامل شدن نعمت بر من، و برگرداندن بدیها از سوی من و پوشاندن خلعت عافیت بر من عظیمترین رمضانی قرار دهی که از آغاز فرود آمدن از سوی تو به این دنیا بر ما گذشته است. و از تو میخواهم که به رحمت خودت مرا از کسانی قرار دهی، که شب قدر را در عظیمترین اجر، و گرامیترین ذخیره، و بهترین شکر، و طولانیترین عمر، و برقرارترین رفاه، برای او اندوخته ای، و

الْعُمْرِ، وَأَذْوَمِ الشَّرِّ.

اللَّهُمَّ وَأَسْأَلُكَ بِرَحْمَتِكَ وَعِزَّتِكَ وَطَوْلِكَ وَعَفْوِكَ وَنِعْمَائِكَ وَجَلَالِكَ
وَقَدِيمِ إِحْسَانِكَ وَامْتِنَانِكَ أَنْ لَا تَجْعَلَهُ آخِرَ الْعَهْدِ مِنَّا لِشَهْرِ رَمَضَانَ حَتَّى تُبَلِّغَنَاهُ مِنْ
قَابِلٍ عَلَى أَحْسَنِ حَالٍ وَتُعَرِّفُنَا هِلَالَهُ مَعَ النَّاظِرِينَ إِلَيْهِ وَالْمُعْتَرِفِينَ لَهُ، فِي أَغْفَى
عَافِيَتِكَ وَأَنْتَ نِعْمَتِكَ وَأَوْسَعِ رَحْمَتِكَ، وَأَجْزَلِ قِسْمِكَ.

اللَّهُمَّ يَا رَبِّي الَّذِي لَيْسَ لِي رَبٌّ غَيْرُهُ لَا تَجْعَلْ هَذَا الْوِدَاعَ مِنِّي لَهُ وَدَاعَ
فَنَاءٍ، وَلَا آخِرَ الْعَهْدِ مِنِّي لِلِقَاءِ حَتَّى تُرَبِّبَنِي مِنْ قَابِلٍ فِي أَسْتَيْجِ النِّعَمِ، وَأَفْضَلِ
الرِّجَاءِ، وَأَنَا لَكَ عَلَى أَحْسَنِ الْوَفَاءِ، إِنَّكَ سَمِيعُ الدُّعَاءِ.

اللَّهُمَّ اسْمَعْ دُعَائِي وَارْحَمْ نَفْسِي وَتَذَلِّي لَكَ، وَاسْتِكَائِي وَتَوَكُّلِي
عَلَيْكَ، فَإِنَّا لَكَ مُسْلِمٌ، لَا أَرْجُو تَجَاحَا وَلَا مُعَافَاةً إِلَّا بِكَ وَبِثَّكَ، فَأَمُنْ عَلَى جَلِّ

آنرا برای او از هزار ماه بهتر ساخته ای. ^۱خدایا، و از تو مسألت دارم، به رحمت و عزتت
و بخشش بی منتت، و عفویت، و انواع نعمت، و جلالت قدر و علو منزلتت، و قدیم
احسان و سابق امتنانت، که این ماه را آخرین نوبت برخورد ما با ماه رمضان قرار
ندهی، تا در سال آینده، با بهترین حال، ما را به ملاقات آن برسانی، و هلال آنرا با
نگرندگان به سوی آن، و جستجوگران برای آن در کاملترین مراتب عافیتت، و
جامعترین انواع نعمتت، و گسترده ترین رحمتت، و سرشارترین قسمتت قرار دهی.

خدایا، ای آن پروردگار من که مرا جز او پروردگاری نیست، این وداع من با
آن ماه را وداع فنا، و آخرین عهدم به لقا قرار مده، تا با فرا رسیدن سال آینده، آنرا در
گسترده ترین نعمت، و برترین امید به من بنمایانی، درحالی که من در عهد خود با تو در
بهترین شرائط وفا باشم زیرا که توشنونده و اجابت کننده هر دعائی.

خدایا دعای مرا بنیوش، و برزاری، و اظهار خواری، و نگوئسارم در پیشگاه
تو، و تو کلم بر تو، رحمت آور، زیرا که من در برابر تو بر سر تسلیمم، و هیچ رستگاری و
کامیابی را جز بوسیله تو، و از جانب تو امید نمی دارم، پس ای خدائی که ثنای تو از حد
توصیف بالاتر است، و نامهایت در هاله ای از قداست قرار گرفته است، بر من منت
گذار، و مرا در حال عافیت از هر امر مکروه و محذوری به ماه رمضان دیگر برسان، و

تَنَاولُكَ وَتَقْدَسَتْ أَسْمَاؤُكَ، وَيَلْغِي شَهْرَ رَمَضَانَ وَأَنَا مُعَافَى مِنْ كُلِّ مَكْرُوهٍ
وَمَحْذُورٍ، وَجِئْتَنِي مِنْ جَمِيعِ الْبَوَائِقِ، الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي أَعَانَنَا عَلَى صِيَامِ هَذَا الشَّهْرِ
حَتَّى بَلَغْنَا آخِرَ لَيْلَةِ مِثْنَةٍ.

(بَابُ التَّكْبِيرِ لَيْلَةَ الْفِطْرِ وَتَوَقُّعُهُ وَمَا)

(يُقَالُ فِي سَجْدَةِ الشُّكْرِ بَعْدَ الْمَغْرِبِ)

۲۰۳۴- رَوَى سَعِيدُ النَّقَاشُ قَالَ: قَالَ لِي أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَمَّا إِنْ
فِي الْفِطْرِ تَكْبِيرًا وَلِكَيْتُهُ مَسْنُونٌ، قَالَ: قُلْتُ: فَأَيْنَ هُوَ؟ قَالَ: فِي لَيْلَةِ الْفِطْرِ فِي
الْمَغْرِبِ وَالْعِشَاءِ الْآخِرَةِ وَفِي صَلَاةِ الْفَجْرِ وَفِي صَلَاةِ الْعِيدِ - وَفِي غَيْرِ رِوَايَةٍ سَعِيدُ
وَفِي الظُّهْرِ وَالْعَصْرِ - ثُمَّ تَقَطَّعَ، قَالَ: قُلْتُ: كَيْفَ أَقُولُ؟ قَالَ تَقُولُ: «اللَّهُ أَكْبَرُ،
اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا،
وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا» وَهُوَ قَوْلُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ: «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ (بِعَنِ الصِّيَامِ)

از همگی شرور دور بدار.

ستایش و سپاس خدائی را که ما را به روزه گرفتن این ماه یاری کرد، تا به
آخرین شب آن دست یافتم.

(بَابُ تَكْبِيرِ شَبِّ فِطْرِ وَرُوزَانِ، وَأَنْجِهْ دَرِ)

(سَجْدَةُ شُكْرِ بَعْدَ از مغرب گفته میشود)

① ۲۰۳۴- سَعِيدُ نَقَاشٍ در روایت خود آورده است که امام صادق علیه السلام
مرا فرمود: در فطر تکبیری هست ولی آن «مسنون» است - یعنی مستحب است - گفتم:
پس وقت آن کدام است! فرمود: در شب فطر، در مغرب و عشاء، و در نماز فجر، و در
نماز عید است. و در غیر روایت سعید، در ظهر و عصر است. و آنگاه قطع میشود.
گفتم: چگونه آن را بگویم؟ فرمود: بگو: «اللَّهُ أَكْبَرُ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ،
اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ، اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَانَا». و این معنی قول
عَزَّوَجَلَّ است که فرمود: «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ (یعنی روزه را) وَ لِتُكْبِرُوا اللَّهَ عَلَى
مَا هَدَاكُمْ».

وَلِتُكَبِّرُوا اللَّهَ عَلَىٰ مَا هَدَاكُمْ».

۲۰۳۵- وَرَوَى أَنَّهُ «لَا يُقَالُ فِيهِ «وَرَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ» فَإِنَّ ذَلِكَ

فِي أَيَّامِ التَّشْرِيقِ».

۲۰۳۶- وَرَوَى الْقَاسِمُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ جَدِّهِ الْحَسَنِ بْنِ رَاشِدٍ قَالَ: قُلْتُ

لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ النَّاسَ يَقُولُونَ إِنَّ الْمَغْفِرَةَ تَثْرُكُ عَلَى مَنْ صَامَ شَهْرَ

رَمَضَانَ لَيْلَةَ الْقَدْرِ فَقَالَ: يَا حَسَنُ إِنَّ الْقَارِيجَارَ إِنَّمَا يُعْطَى أَجْرَتُهُ عِثَّةَ فَرَاغِهِ وَذَلِكَ

لَيْلَةُ الْعِيدِ، قُلْتُ: جُعِلْتُ فِدَاكَ فَمَا يَنْبَغِي لَنَا أَنْ نَعْمَلَ فِيهَا؟ فَقَالَ: إِذَا غَرَبَتِ

الشَّمْسُ صَلَّيْتَ الثَّلَاثَ مِنَ الْمَغْرِبِ وَارْقَعْتَ يَدَيْكَ وَقُلْتَ: «يَا ذَا الصَّلَوِّ، يَا ذَا الْحَوْلِ،

يَا مُصْطَفِي مُحَمَّدٍ وَنَاصِرَهُ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ، وَاعْفِرْ لِي كُلَّ ذَنْبٍ أَذْنَبْتُهُ

وَتَسِيئَتُهُ أَنَا وَهُوَ عِنْدَكَ فِي كِتَابِ مُبِينٍ» وَتَجَرَّ سَاجِدًا وَتَقُولُ مِائَةَ مَرَّةٍ: «أَتُوبُ إِلَيْكَ

(۱) ۲۰۳۵- و روایت شده است که در تکبیرات عید عبارت «وَرَزَقْنَا مِنْ بَهِيمَةِ

الْأَنْعَامِ» گفته نمیشود، زیرا که آن مربوط به ایام تشریق است.

(۲) ۲۰۳۶- و قاسم بن یحیی، از جدش، حسن بن راشد روایت کرده است که

گفت: به امام صادق علیه السلام معروض داشتم که مردم میگویند کسیکه ماه رمضان

را روزه بدارد، در شب قدر مغفرت الهی بر او نازل میشود، پس امام علیه السلام فرمود:

ای حسن، مزد کارگر را وقت فراغتش از کار می پردازند، و مغفرت مزدی در برابر

روزه است، و از اینرو آنرا در شب عید می بخشند. گفتم: فدایت شوم، پس برای ما

چه عملی در آن شب شایسته است؟ فرمود: چون خورشید غروب کند سه رکعت نماز

مغرب را به جای آور و هر دو دست را به سوی آسمان بردار، و بگو: ای صاحب تفضل

و عطاء، و ای مالک قدرت و قوت بی انتها، ای گزیننده محمد، و یار و یاور او، درود و

رحمت فرست بر محمد و آل محمد و هر گناهی را که مرتکب شده‌ام، و من آنرا از یاد

برده‌ام، در صورتیکه آن نزد تو در نامه‌ای بیان کننده محفوظ و مضبوط است. بر من

بیامرز.

سپس به سجده می افتی و صد بار می‌گویی: «أَتُوبُ إِلَى اللَّهِ» و در آن حال

الله» وَ أَنْتَ سَاجِدٌ وَ تَسْأَلُ حَوَائِجَكَ ».

(بَابُ مَا يَجِبُ عَلَى النَّاسِ إِذَا صَحَّ عِنْدَهُمْ)

(بِالرُّؤْيَةِ يَوْمَ الْفِطْرِ بَعْدَ مَا أَصْبَحُوا صَائِمِينَ)

۲۰۳۷- رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ قَيْسٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا شَهِدَ

عِنْدَ الْإِمَامِ شَاهِدَانِ أَنَّهُمَا رَأَيَا الْهِلَالَ مُنْذُ ثَلَاثِينَ يَوْمًا أَمَرَ الْإِمَامُ بِإِفْطَارِ ذَلِكَ الْيَوْمِ إِذَا كَانَا شَهِدًا قَبْلَ زَوَالِ الشَّمْسِ، وَإِنْ شَهِدَا بَعْدَ زَوَالِ الشَّمْسِ أَمَرَ الْإِمَامُ بِإِفْطَارِ ذَلِكَ الْيَوْمِ وَ آخَرَ الصَّلَاةِ إِلَى الْغَدِ فَيُضَلِّي بِهِمْ».

۲۰۳۸- وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ قَالَ: «إِذَا أَصْبَحَ النَّاسُ صِيَامًا وَلَمْ يَرَوْا الْهِلَالَ

وَ جَاءَ قَوْمٌ عَدُولٌ يَشْهَدُونَ عَلَى الرُّؤْيَةِ فَلْيُفْطِرُوا وَلْيُخْرِجُوا مِنَ الْغَدِ أَوَّلَ النَّهَارِ إِلَى عِيدِهِمْ».

وَ إِذَا رُئِيَ هِلَالُ شَوَّالٍ بِالنَّهَارِ قَبْلَ الزَّوَالِ فَذَلِكَ الْيَوْمُ مِنْ شَوَّالٍ، وَ إِذَا رُئِيَ

سجود بر آوردن حوائج را مسألت میکنی.

(بَابُ اموری که پس از ثبوت عید فطر بوسیله رؤیت)

(هلال بر کسانی که هنوز روزه داشته اند واجب میشود)

۲۰۳۷- محمد بن قیس از امام ابو جعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: زمانی که دو شاهد نزد امام شهادت دهند که سی روز پیش هلال را دیده اند و این شهادت ایشان قبل از زوال شمس باشد امام به افطار آن روز فرمان میدهد، و اگر شهادت ایشان بعد از زوال باشد، امام به افطار آن روز حکم میکند، ولی نماز را تا فردا به تأخیر می افکند و روز بعد با ایشان نماز میگزارد.

۲۰۳۸- و در خبر دیگر آمده است که فرمود: هرگاه مردم سحر را در حال روزه به روز آورند، و ماه را نبینند، و در آن میان جمعی از مردم عادل فراز آیند، و بر رؤیت هلال شهادت دهند، پس میباید افطار کنند، و روز بعد به هنگام بامداد پگاه برای انجام مراسم عیدشان خارج شوند.

و در صورتیکه هلال شوال به هنگام روز و قبل از زوال دیده شود، پس آن

بَعْدَ الزَّوَالِ فَذَلِكَ الْيَوْمُ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ.

* (بَابُ التَّوَادِرِ) *

۲۰۳۹- رَوَى الْحُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ، عَنِ ابْنِ فَضَالٍ قَالَ: «كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ أَسْأَلُهُ عَنْ قَوْمٍ عِنْدَنَا يُصَلُّونَ وَلَا يَصُومُونَ شَهْرَ رَمَضَانَ وَرُبَّمَا اخْتَلَجَتْ إِلَيْهِمْ يَخْصِدُونَ لِي فَإِذَا دَعَوْتُهُمْ لِلْحَصَادِ لَمْ يُجِيبُونِي حَتَّى أُطْعِمَهُمْ وَهُمْ يَجِدُونَ مَنْ يُطْعِمُهُمْ فَيَذْهَبُونَ إِلَيْهِمْ وَيَدْعُونَنِي وَأَنَا أَصِيحُ مِنْ إِطْعَامِهِمْ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِخَطِّهِ أَعْرِفُهُ: أَطْعِمَهُمْ».

۲۰۴۰- وَفِي رِوَايَةِ مُحَمَّدِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ حُذَيْفَةَ بْنِ مَنْصُورٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «شَهْرُ رَمَضَانَ ثَلَاثُونَ يَوْمًا لَا يَنْقُصُ أَبَدًا».

روز از ماه شوال است، و در صورتیکه هلال بعد از زوال دیده شود، پس آن روز از ماه رمضان است.

* (بَابُ تَوَادِرٍ وَ أَخْبَارٍ مُتَفَرِّقَةٍ) *

۲۰۳۹ (۱)- حُسَيْنُ بْنُ سَعِيدٍ از ابن فضال روایت کرده است که گفت: در نامه ای که برای امام ابوالحسن رضا علیه السلام نوشته بودم، درباره قومی از آن امام سؤال کردم که در جوار ما زندگی میکنند، و غاز را بجا می آورند، ولی روزه ماه رمضان را بجا نمی آورند، و بسا اتفاق می افتد که من به ایشان احتیاج پیدا میکنم، که برایم درو کنند، و چون ایشان را برای درو دعوت میکنم جز با تهیه طعام دعوت را نمی پذیرند و ایشان کارفرمایی را می یابند که طعام برای ایشان آماده میسازند، و بهمین جهت بطرف آنان میروند، و مرا وامیگذارند، و من اطعام ایشان در ماه رمضان را دشوار و ناپسند میدارم پس امام علیه السلام به خط شریف خودش که من آنرا میشناسم نوشت: ایشان را اطعام کن.

۲۰۴۰ (۲)- و در روایت محمد بن سنان از حذیفه بن منصور از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: ماه رمضان سی روز است که هیچگاه کاسته نمیشود.

۲۰۴۱- وَ فِي رِوَايَةِ حُذَيْفَةَ بْنِ مَتَصُورٍ عَنْ مُعَاذِ بْنِ كَثِيرٍ - وَيُقَالُ لَهُ: مُعَاذُ ابْنِ مُسْلِمٍ الْهَرَاءُ - عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «شَهْرُ رَمَضَانَ ثَلَاثُونَ يَوْمًا لَا يَنْقُصُ وَاللَّهُ أَبَدًا».

۲۰۴۲- وَ فِي رِوَايَةِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَعْقُوبَ، عَنْ شُعَيْبٍ عَنْ أَبِيهِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: قُلْتُ لَهُ: «إِنَّ النَّاسَ يَرَوْنَ أَنَّ النَّبِيَّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مَا صَامَ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ تِسْعَةً وَعِشْرِينَ يَوْمًا أَكْثَرُ مِمَّا صَامَ ثَلَاثِينَ قَالَ: كَذِبُوا مَا صَامَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِلَّا ثَامًا، وَلَا تَكُونُ الْفَرَائِضُ نَاقِصَةً إِنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى خَلَقَ السَّنَةَ ثَلَاثِمِائَةً وَسِتِّينَ يَوْمًا وَخَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ فَحَجَرَهَا مِنْ ثَلَاثِمِائَةٍ وَسِتِّينَ يَوْمًا فَالسَّنَةُ ثَلَاثِمِائَةٌ وَأَرْبَعَةٌ وَخَمْسُونَ يَوْمًا وَشَهْرُ رَمَضَانَ ثَلَاثُونَ يَوْمًا لِقَوْلِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ «وَلِتُكْمِلُوا

① ۲۰۴۱- و در روایت حذیفه بن منصور از معاذ بن کثیر - که او را معاذ بن مسلم هراء مینامند - از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: ماه رمضان سی روز است، که به خدا قسم هیچگاه نقصان نمی پذیرد.

② ۲۰۴۲- و در روایت محمد بن اسماعیل بن بریج، از محمد بن یعقوب، از شعیب، از پدرش، از امام صادق علیه السلام آمده است که آن امام معروض داشتیم که: مردم چنین روایت میکنند که روزه های بیست و نه روزه پیامبر صلی الله علیه و آله از بابت ماه رمضان از روزه های سی روزه آن حضرت افزون بوده است. امام علیه السلام فرمود: دروغ گفته اند، رسول خدا جز به نحو کامل و تمام روزه نگرفته است، و فرائض و واجبات ناقص نمیشود، زیرا خدای تبارک و تعالی سال را سیصد و شصت روز بیافرید، و آسمانها و زمین را در شش روز خلق کرد، و آنگاه سال را از دخول در این شمار بازداشت، و بنابراین سال سیصد و پنجاه و چهار روز است، و ماه رمضان سی روز است، زیرا خدای عزوجل درباره آن فرموده است: «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» و کامل به معنی تمام است، و شوال بیست و نه روز، و ذوالقعدة سی روز است، زیرا خدای عزوجل درباره آن فرموده است: «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً» و بنابراین ماه گاهی

الْعِدَّة» وَالْكَامِلُ تَامٌ وَشَوَّالٌ تِسْعَةٌ وَعِشْرُونَ يَوْمًا، وَذُو الْقَعْدَةِ ثَلَاثُونَ يَوْمًا يَقُولُ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: «وَوَاعَدْنَا مُوسَى ثَلَاثِينَ لَيْلَةً» فَالشَّهْرُ هَكَذَا ثُمَّ هَكَذَا أَيُّ شَهْرٍ تَامٌ وَشَهْرٌ نَاقِصٌ، وَشَهْرُ رَمَضَانَ لَا يَنْقُصُ أَبَدًا وَشَعْبَانَ لَا يَتِمُّ أَبَدًا».

۲۰۴۳ - وَ سَأَلَ أَبُو بَصِيرٍ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ قَوْلِ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» قَالَ: ثَلَاثِينَ يَوْمًا».

۲۰۴۴ - وَ رُوِيَ عَنْ يَاسِرِ الْخَدِمْ قَالَ: قُلْتُ لِلرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ: «هَلْ يَكُونُ شَهْرُ رَمَضَانَ تِسْعَةً وَعِشْرِينَ يَوْمًا؟» فَقَالَ: إِنَّ شَهْرَ رَمَضَانَ لَا يَنْقُصُ مِنْ ثَلَاثِينَ يَوْمًا أَبَدًا».

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ -: مَنْ خَالَفَ هَذِهِ الْأَخْبَارَ وَذَهَبَ إِلَى الْأَخْبَارِ الْمُوَافِقَةِ لِلْعَامَةِ فِي ضِدِّهَا أَتَقِي كَمَا يُتَقَى الْعَامَّةُ وَلَا يُكَلِّمُ إِلَّا بِالتَّقِيَّةِ كَأَيُّهَا مَنْ كَانَ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مُسْتَرَشِدًا فَيُرْشَدُ وَيُبَيِّنُ لَهُ فَإِنَّ الْبِدْعَةَ إِنَّمَا

بیست و نه روز و گاهی سی روز است، یعنی یک ماه تمام است و یک ماه ناقص است، و ماه رمضان هیچگاه ناقص نمیشود، و شعبان هیچگاه تمام نمیگردد.

(۱) ۲۰۴۳ - و ابو بصیر درباره معنی قول خدای عزوجل «وَلِتُكْمِلُوا الْعِدَّةَ» از امام صادق علیه السلام سؤال کرد، امام علیه السلام جواب فرمود: کمال عده سی روز است.

(۲) ۲۰۴۴ - و از یاسر خادم روایت شده است که گفت: از امام رضا علیه السلام سؤال کردم که: آیا ماه رمضان بیست و نه روز میشود؟ امام فرمود: ماه رمضان هیچگاه کمتر از سی روز نمیشود.

مصنف این کتاب - رضی الله عنه - گوید: هرکس برخلاف این اخبار عمل کرده و مطابق رأی اهل سنت فتوا داده است از وی باید تقیة نمود همچنانکه از اهل جماعت تقیة میکنیم و با وی سخنی نداریم مگر به تقیة هرکس که خواهد باشد. جز کسی که طلب راه صواب کند و حق را بجوید که در اینصورت باید برای او امر را روشن کرد، زیرا بدعت به ترک گفتگو درباره اش خود بخود از بین خواهد رفت.

شرح «این براساس عدم رؤیت است و در صورت رؤیت جای سخن و بحثی نیست»

تَمَاتٌ وَتَبْطُلُ بِرَّتْكِ ذِكْرُهَا وَلَا قُوَّةَ إِلَّا بِاللَّهِ.

۲۰۴۵- وَ رَوَى عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

عَنْ صِيَامِ أَيَّامِ التَّشْرِيقِ، قَالَ: إِنَّمَا نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَنْ صِيَامِهَا بِمَنَى، فَأَمَّا بِغَيْرِهَا فَلَا بَأْسَ»

۲۰۴۶- وَ نَهَى رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ «عَنِ الْوُصَالِ فِي الصَّيَامِ،

وَ كَانَ يُوَصِّلُ فَقِيلَ لَهُ فِي ذَلِكَ، فَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنِّي لَسْتُ كَأَحَدِكُمْ إِنِّي أَظَلُّ عِنْدَ رَبِّي فَيُطْعِمُنِي وَيَسْقِينِي».

۲۰۴۷- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الْوُصَالُ الَّذِي نَهَى عَنْهُ هُوَ أَنْ يَجْعَلَ

الرَّجُلُ عَشَاءَهُ سَحُورَهُ».

۲۰۴۸- وَ سَأَلَ زُرَّارَةُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ صَوْمِ الدَّهْرِ، فَقَالَ: لَمْ

يَزَلْ مَكْرُوهًا».

۲۰۴۹- وَقَالَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَا وَصَالٌ فِي صِيَامٍ وَلَا صَمْتُ يَوْمًا إِلَى

① ۲۰۴۵- و از معاویه بن عمار روایت شده است که گفت: از امام صادق

علیه السلام درباره روزه ایام تشریق سؤال کردم، امام علیه السلام فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله از روزه داشتن آن ایام در منی نهی فرموده است، و اما در غیر آن مانعی ندارد.

② ۲۰۴۶- و رسول خدا صلی الله علیه و آله از وصال در روزه نهی فرمود، در صورتیکه خود آن حضرت روزه وصال میگرفت. پس چون در این باره از آن حضرت سؤال کردند، فرمود: من همانند یکی از شما نیستم، زیرا که من در ضیافت پروردگارم بسر میبرم، و او مرا اطعام و سقایت میکند.

③ ۲۰۴۷- و امام صادق علیه السلام فرمود: روزه وصالی که از آن نهی شده این است که شخص غذای شامگاهی خود را به جای سحری قرار دهد.

④ ۲۰۴۸- و زرارہ از امام صادق علیه السلام درباره «صوم دهر» - یعنی روزه سراسر عمر - سؤال کرد، آنحضرت فرمود: چنین روزه داشتن همیشه مکروه بوده است

اللیل».

۲۰۵۰- وَرَوَى عَنِ الْبَزْطَطِيِّ، عَنْ هِشَامِ بْنِ سَالِمٍ، عَنْ سَعْدِ الْخَفَافِ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «كُنَّا عِنْدَهُ ثَمَانِيَةَ رِجَالٍ فَقَدْ كَرْنَا رَمَضَانَ فَقَالَ: لَا تَقُولُوا هَذَا رَمَضَانُ وَلَا ذَهَبَ رَمَضَانُ وَلَا جَاءَ رَمَضَانُ فَإِنَّ رَمَضَانَ اسْمٌ مِنْ أَسْمَاءِ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ، لَا يَجِيءُ وَلَا يَذْهَبُ إِنَّمَا يَجِيءُ وَيَذْهَبُ الزَّائِلُ وَلَكِنْ قُولُوا: شَهْرُ رَمَضَانَ، فَالشَّهْرُ مُضَافٌ إِلَى الْأَسْمِ وَالْأَسْمُ اسْمُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ وَهُوَ الشَّهْرُ الَّذِي أُنْزِلَ فِيهِ الْقُرْآنُ جَعَلَهُ اللَّهُ عَزَّوَجَلَّ مَثَلًا وَعِيدًا».

۲۰۵۱- وَرَوَى غِيَاثُ بْنُ إِبْرَاهِيمَ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، عَنْ أَبِيهِ، عَنْ جَدِّهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ قَالَ: قَالَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي طَالِبٍ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: «لَا تَقُولُوا: رَمَضَانُ وَلَكِنْ قُولُوا شَهْرُ رَمَضَانَ فَإِنَّكُمْ لَا تَذَرُونَ مَا رَمَضَانُ».

۲۰۵۲- وَقَالَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِ: «يُسْتَحَبُّ لِلرَّجُلِ أَنْ يَأْتِيَ

۲۰۴۹- و آن امام علیه السلام فرمود: وصال در روزه، و سکوت روزی تا به شب روا نیست.

۲۰۵۰- و از بزططی، از هشام بن سالم، از سعد خفاف، از امام ابوجعفر علیه السلام روایت شده است که گفت ما هشت نفر مرد در محضر آن امام بودیم، پس سخن از رمضان به میان آوردیم، آنحضرت علیه السلام فرمود: مگوئید: این رمضان است، یا رمضان رفت، یا رمضان آمد، زیرا رمضان نامی از نامهای خدای عزوجل است، که نه می آید، و نه میرود، بلکه این امر زوال پذیر است که می آید و میرود، بلکه بگوئید ماه رمضان، زیرا ماه اضافه به اسم است، و اسم اسم خدای عزوجل است، و آن ماهی است که قرآن در آن نازل شده است، و خدای عزوجل آنرا مثلی - یعنی حجتی - وعیدی قرار داده است.

۲۰۵۱- و غیاث بن ابراهیم از امام صادق علیه السلام از پدرش از جدش علیه السلام روایت کرده است که فرمود: علی بن ابیطالب - صلوات الله علیه - فرمود: مگوئید رمضان، بلکه بگوئید ماه رمضان، زیرا شما نمیدانید که رمضان چیست.

۲۰۵۲- و امیرالمؤمنین - صلوات الله علیه - فرمود: برای مرد مستحب است که

اَللّٰهُ اَوَّلَ لَيْلَةٍ مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ يَقُولُ اللهُ عَزَّوَجَلَّ: «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَامِ الرَّقْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ».

۲۰۵۳- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ الْفَضْلِ عَنِ الرَّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ يُنْعَضُ مَوَالِيهِ يَوْمَ الْفِطْرِ وَهُوَ يَدْعُو لَهُ: «يَا فُلَانُ تَقَبَّلَ اللهُ مِنْكَ وَ مِنَّا، قَالَ: ثُمَّ أَقَامَ حَتَّى كَانَ يَوْمُ الْأَضْحَى فَقَالَ لَهُ: يَا فُلَانُ تَقَبَّلَ اللهُ مِنْكَ وَ مِنَّا، قَالَ: فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللهِ قُلْتُ فِي الْفِطْرِ شَيْئًا وَ تَقُولُ فِي الْأَضْحَى شَيْئًا غَيْرَهُ، فَقَالَ: نَعَمْ إِنِّي قُلْتُ لَهُ فِي الْفِطْرِ تَقَبَّلَ اللهُ مِنْكَ وَ مِنَّا لِأَنَّهُ فَعَلَ مِثْلَ فِعْلِي وَ اسْتَوَيْتُ أَنَا وَ هُوَ فِي الْفِعْلِ، وَ قُلْتُ لَهُ فِي الْأَضْحَى: تَقَبَّلَ اللهُ مِنْكَ وَ مِنَّا لِأَنَّا يُمَكِّنُنَا أَنْ نُضَحِّيَ وَ لَا يُمَكِّنُهُ أَنْ يُضَحِّيَ فَقَدْ فَعَلْنَا غَيْرَ فِعْلِهِ».

۲۰۵۴- وَ رَوَى جَرَّاحُ الْمَدَائِنِيِّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِطْعَمْ يَوْمَ الْفِطْرِ قَبْلَ أَنْ تُصَلِّيَ وَ لَا تَطْعَمْ يَوْمَ الْأَضْحَى حَتَّى يَتَصَرَّفَ الْإِمَامُ».

در اولین شب از ماه رمضان با هسر خود مقاربت کند، زیرا خدای عزوجل فرموده است: «أَجَلٌ لَكُمْ لَيْلَةُ الصَّيَامِ الرَّقْتُ إِلَى نِسَائِكُمْ».

۲۰۵۳- و محمد بن فضیل از امام رضا علیه السلام روایت کرده است که در روز عید فطر در مقام دعا به یکی از دوستانش فرمود: ای فلان، خدا از تو و از ما قبول کند. سپس همچنان می بود تا روز عید اضحی فرا رسید، پس او را فرمود: خدا از ما و از تو قبول کند. من گفتم: یا ابن رسول الله، در روز عید فطر سخنی گفتم، ولی در عید اضحی سخنی غیر آن میگوئی. فرمود: آری. در فطر گفتم: خدا از تو و از ما قبول کند، زیرا که او در آن مورد کاری همانند کار من بجا آورده بود، و من در آن کار با او برابر بودم، ولی در اضحی او را گفتم: خدا از ما و از تو قبول کند، زیرا که ما امکان آنرا داریم که قربانی بگذاریم، ولی او امکان قربانی کردن ندارد، و از اینرو ما کاری بجز کار او انجام داده ایم.

۲۰۵۴- و جرّاح مدائنی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: در روز فطر قبل از آنکه نماز بخوانی اطعام کن، و روز اضحی اطعام مکن تا

۲۰۵۵- «كَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا أَتَى بِطَيْبٍ يَوْمَ الْفِطْرِ بَدَأَ

بِلِسَانِهِ».

۲۰۵۶- وَقَالَ عَلِيُّ بْنُ مُحَمَّدٍ التَّوْفَلِيُّ لِأَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنِّي

أَفْطَرْتُ يَوْمَ الْفِطْرِ عَلَى طَبْنِ الْقَبْرِ وَنَمْرٍ، فَقَالَ لَهُ: جَمَعْتَ [بَيْنَ] بَرَكَةٍ وَسُنَّةٍ».

۲۰۵۷- وَنَظَرَ الْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ إِلَى النَّاسِ فِي يَوْمِ فِطْرِ يَلْعَبُونَ

وَيَضْحَكُونَ فَقَالَ لِأَصْحَابِهِ وَالتَّحْتِ إِلَيْهِمْ: إِنَّ اللَّهَ عَزَّوَجَلَّ خَلَقَ شَهْرَ رَمَضَانَ مَضْمَاراً

لِخَلْقِهِ يَسْتَبِقُونَ فِيهِ بِطَاعَتِهِ إِلَى رِضْوَانِهِ فَسَبَقَ فِيهِ قَوْمٌ فَفَازُوا وَتَخَلَّفَ آخَرُونَ فَخَابُوا

فَالْعَجَبُ كُلُّ الْعَجَبِ مِنَ الصَّاحِبِ اللَّاعِبِ فِي الْيَوْمِ الَّذِي يُثَابُ فِيهِ الْمُحْسِنُونَ

وَيُخَيَّبُ فِيهِ الْمُقْصِرُونَ، وَأَيُّهُمُ اللَّهُ لَوْ كَشِفَ الْغِطَاءُ لَشِغِلَ مُحْسِنٌ بِإِحْسَانِهِ وَمُسيءٌ

بِإِسَاءَتِهِ».

آنگاه که امام علیه السلام از کار نماز پیردازد.

۲۰۵۵- ورسول خدا صلی الله علیه وآله را عادت بر این بود که اگر روز فطر

عطری برایش می آوردند نخست با آن افطار میکرد.

۲۰۵۶- وعلی بن محمد نوفلی به امام ابوالحسن علیه السلام معروض داشت:

من در روز فطر با گِلِ قبر- سید الشهداء علیه السلام- و دانه های خرما افطار کردم،

آنحضرت علیه السلام فرمود: میان برکت و سنت جمع کرده ای.

۲۰۵۷- و امام حسن بن علی علیهما السلام مردمان را نگرست که در روز

عید فطر بازی میکنند و می خندند، پس روبه یاران خود کرد و گفت: خدای عزوجل

ماه رمضان را میدان مسابقه ای برای خلق خود آفریده است که به وسیله طاعت او به

سوی خوشنودیش بر یکدیگر سبقت میجویند، پس گروهی از مردم سبقت گرفتند و

پیروز شدند، و گروهی دیگر واپس ماندند، و نومید و محروم گشتند، پس عجب است،

و بسیار عجب است از کسیکه در چنین روز که نیکوکاران و کوشندگان در آن روز

مثاب و مأجور میشوند، و کوتاهی کنندگان نومید و محروم میگردند، در کار خنده، و

سرگرم بازی باشد. و به خدا قسم که اگر پرده برداشته میشد، هرآینه هر نیکوکاری به

۲۰۵۸- وَ رَوَى حَنَانُ بْنُ سَدِيرٍ، عَنْ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ دِينَارٍ، عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «يَا عَبْدَ اللَّهِ مَا مِنْ عِيدٍ لِلْمُسْلِمِينَ أَضْحَى وَلَا فِطْرٌ إِلَّا وَهُوَ يُجَدِّدُ لَكَ لَيْلٍ مُحَمَّدٍ فِيهِ حُزْنٌ، قَالَ: قُلْتُ: وَلِمَ؟ قَالَ: لِأَنَّهُمْ يَرَوْنَ حَقَّهُمْ فِي يَدِ غَيْرِهِمْ».

۲۰۵۹- وَ رَوَى عَبْدُ اللَّهِ بْنُ لَطِيفٍ الْقَلْبِيسِيُّ، عَنْ رَزِينٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَمَّا ضُرِبَ الْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ بِالسَّيْفِ وَسَقَطَ ثُمَّ ابْتَدَرَ يُقَطِّعُ رَأْسَهُ نَادَى مُنَادٍ مِنْ بَطْنَانِ الْعَرْشِ أَلَا أَتَيْتُمَا الْأُمَّةَ الْمُتَحَيِّرَةَ الضَّالَّةَ بَعْدَ نَبِيِّهَا لَا وَفَّقَكُمُ اللَّهُ لِأَضْحَى وَلَا فِطْرٍ». وَ فِي خَيْرِ آخَرِ «لِصَوْمٍ وَلَا فِطْرٍ» قَالَ: ثُمَّ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «فَلَا جَرَمَ وَاللَّهِ مَا وَفَّقُوا وَلَا يُوقَفُونَ حَتَّى يَنْتَوِيَ ثَوْبُ الْحُسَيْنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ».

۲۰۶۰- وَ رَوَى عَنْ جَابِرٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَنْ أَبِيهِ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ:

افزودن در نیکوکاریش، و هر تبهکاری به جبران تبهکاریش می کوشید.

۲۰۵۸- و حنان بن سدير، از عبدالله بن دينار، از امام ابو جعفر عليه السلام روايت کرده است که فرمود: اي عبدالله، هيچ عيدي از اعياد مسلمين چه اضحی و چه فطر تجديد نمیشود، مگر آنکه در آن عيد حزنی برای آل محمد صلی الله عليه وآله تجديد میگردد گفتم: و چرا؟ فرمود: زیرا که ایشان حق خود را در دست ديگران می بینند.

۲۰۵۹- و عبدالله بن لطيف قلابیسی، از رزین روايت کرده است که گفت: امام صادق عليه السلام فرمود: زمانیکه حسين بن علي عليهما السلام را به ضربت شمشير از پا درآوردند، و برای جدا کردن سر مظهرش شتاب کردند، منادیي از درون عرش ندا داد که: الا ای ائمت سرگردان گمراه بعد از پیامبر خود، خدا شما را نه برای اضحائی توفيق دهد! و نه فطری. و در خبر ديگر: نه برای روزه ای و نه برای فطری.

پس امام صادق عليه السلام فرمود: پس لاجرم ایشان توفيق نيافته اند، و نخواهند يافت، تا زمانیکه منتقم خون حسين بن علي عليهما السلام قيام کند.

۲۰۶۰- و از جابر، از امام ابو جعفر از پدرش عليهما السلام روايت شده است

«إِذَا كَانَ أَوَّلُ يَوْمٍ مِنْ شَوَّالٍ نَادَى مُنَادٍ أَيُّهَا الْمُؤْمِنُونَ أَغْدُوا إِلَى جَوَائِزِكُمْ، ثُمَّ قَالَ أَبُو جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ: يَا جَابِرُ جَوَائِزُ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ لَيْسَتْ كَجَوَائِزِ هَؤُلَاءِ الْمُلُوكِ ثُمَّ قَالَ: هُوَ يَوْمُ الْجَوَائِزِ».

* (بَابُ الْفِطْرَةِ) *

- ۲۰۶۱- رَوَى ابْنُ أَبِي نَجْرَانَ؛ وَعَلِيُّ بْنُ الْحَكَمِ، عَنْ صَفْوَانَ الْجَمَّالِ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْفِطْرَةِ فَقَالَ: عَلَى الصَّغِيرِ وَالْكَبِيرِ وَالْحُرِّ وَالْعَبْدِ عَنْ كُلِّ إِنْسَانٍ صَاعٌ مِنْ جَنْطَةِ أَوْ صَاعٌ مِنْ تَمْرٍ أَوْ صَاعٌ مِنْ زَبِيبٍ».
- ۲۰۶۲- وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ خَالِدٍ، عَنْ سَعْدِ بْنِ سَعْدٍ الْأَشْعَرِيِّ عَنْ أَبِي- الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْفِطْرَةِ كَمْ تُدْفَعُ عَنْ كُلِّ رَأْسٍ مِنَ الْجَنْطَةِ وَالشَّعِيرِ وَالتَّمْرِ وَالزَّبِيبِ؟ قَالَ: صَاعٌ بِصَاعٍ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ».
- ۲۰۶۳- وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ أَحْمَدَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ جَعْفَرِ بْنِ إِبْرَاهِيمَ بْنِ مُحَمَّدٍ

که فرمود: چون اولین روز از ماه شوال فرا رسد، منادی ندا در دهد که: ایا ای مؤمنین بشتابید به سوی جوایزتان، سپس امام ابو جعفر علیه السلام فرمود: ای جابر، جوایز خدای عزوجل همانند جوایز آن پادشاهان نیست، آنگاه فرمود: آن روز، روز جوایز است.

* (بَابُ فِطْرَةِ) *

۲۰۶۱- ابن ابی نجران، و علی بن حکم، از صفوان جمال روایت کرده اند که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره فطره سؤال کردم، امام فرمود: بر هر یک از صغیر تا کبیر، و آزاد تا برده صاعی از گندم، یا صاعی از خرما، یا صاعی از مویز به عنوان فطره تعلق میگیرد.

۲۰۶۲- و محمد بن خالد از سعد بن سعد اشعری از امام ابوالحسن رضا علیه السلام روایت کرده است که گفت: از آن امام درباره فطره سؤال کرد که از هر سری چه مقدار از گندم و جو و خرما و مویز باید پرداخته شود؟ فرمود: صاعی به صاع پیامبر صلی الله علیه و آله.

۲۰۶۳- و محمد بن احمد بن یحیی، از جعفر بن ابراهیم بن محمد همدانی که با ما

الْهَمْدَانِيَّ وَكَانَ مَعَنَا حَاجَا قَالَ: «كَتَبْتُ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَلَى يَدِ أَبِي جُعَلْتُ فِدَاكَ إِنَّ أَصْحَابَنَا اخْتَلَفُوا فِي الصَّاعِ بَعْضُهُمْ يَقُولُ: الْفِطْرَةُ بِصَاعِ الْمَدَنِيِّ، وَبَعْضُهُمْ يَقُولُ: بِصَاعِ الْعِرَاقِيِّ، فَكَتَبْتُ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِلَيَّ: الصَّاعُ سِتَّةُ أَرْطَالٍ بِالْمَدَنِيِّ، وَتِسْعَةُ أَرْطَالٍ بِالْعِرَاقِيِّ، قَالَ: وَأَخْبَرَنِي أَنَّهُ يَكُونُ بِالْوَزْنِ أَلْفًا وَمِائَةً وَسَبْعِينَ وَزْنَةً».

۲۰۶۴- وَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «مَنْ لَمْ يَجِدِ الْحِنْطَةَ وَالشَّعِيرَ أَجْزَأَ غَنَّةُ الْقَمْحِ وَالسُّلْتُ وَالْعَلْسُ وَالذَّرَّةُ».

وَإِذَا كَانَ الرَّجُلُ فِي الْبَادِيَةِ لَا يَقْدِرُ عَلَى صَدَقَةِ الْفِطْرَةِ فَعَلَيْهِ أَنْ يَتَصَدَّقَ بِأَرْبَعَةِ أَرْطَالٍ مِنْ تَبْنٍ. وَكُلُّ مَنْ اقْتَنَاتْ قُونًا فَعَلَيْهِ أَنْ يُؤَدِّيَ فِطْرَتَهُ مِنْ ذَلِكَ الْقُوتِ.

۲۰۶۵- وَكَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ الْفَضْلِ الْبَصْرِيُّ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ

مسافر حج بود روایت کرده است، که گفت: در نامه ای به خط پدرم به امام ابوالحسن علیه السلام نوشتم: فدایت شوم یاران ما درباره صاع اختلاف کرده اند، چنانکه بعضی از ایشان میگویند فطره به صاع مدنی پرداخته میشود، و بعضی دیگر میگویند: به صاع عراقی احتساب میگردد، پس امام علیه السلام برای من نوشت: صاع شش رطل مدنی و نه رطل عراقی است، و راوی گفت که امام مرا خبر داد که صاع از نظر وزن هزار و صد و هفتاد وزنه است. و وزنه چنانکه از روایت دیگر مستفاد میشود یک درهم است.

① ۲۰۶۴- و امام صادق علیه السلام فرمود: و کسیکه گندم و جونیابد، «قمح» و «سُلْتُ» و «عَلْسُ» و «ذَرَّتْ» برای او کفایت میکند.^۱

و در صورتیکه شخص در بیابان باشد، و قدرت پرداخت صدقه فطره را نداشته باشد، میباید چهار رطل از شیر به رسم صدقه فطره بپردازد. و هر کس که به تغذیه خود از نوعی قوت عادت کرده باشد باید فطره خود را از همان جنس تأدیه کند.

② ۲۰۶۵- و محمد بن قاسم بن فضیل بن بصری، طی نامه ای از حضرت امام

(۱) قمح در لغت به معنی گندم است، ولی از عبارت این خبر معلوم میشود که این نوع پستی از آن است و سُلْتُ نوعی از جواست که پوست ندارد و شبیه گندم است، و عَلْسُ بر وزن علس نوعی از گندم است که دو دانه آن در یک پوست قرار دارد، و آن طعام اهل صنعا است.

الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِسْأَلِهِ «عَنِ الْوَصِيِّ يُزَكِّي زَكَاةَ الْفِطْرَةِ عَنِ الْبَتَامَى إِذَا كَانَ لَهُمْ مَا؟ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: لَا زَكَاةَ عَلَى يَتِيمٍ».

وَلَيْسَ عَلَى الْمُحْتَاجِ صَدَقَةُ الْفِطْرَةِ، مَنْ حَلَّتْ لَهُ لَمْ تَجِبْ عَلَيْهِ.

۲۰۶۶- وَ رَوَى سَبْفُ بْنُ عَمِيرَةَ، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: قُلْتُ لِأَبِي-

عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «الرَّجُلُ لَا يَكُونُ عِنْدَهُ شَيْءٌ مِنَ الْفِطْرَةِ إِلَّا مَا يُؤَدِّي عَنْ نَفْسِهِ وَخَدَهَا يُعْطِيهِ عَنْهَا أَوْ يَأْكُلُ هُوَ وَعِيَالُهُ؟ قَالَ: يُعْطِي بَعْضَ عِيَالِهِ، ثُمَّ يُعْطِي الْآخَرَ عَنْ نَفْسِهِ يُرَدِّدُونَهَا بَيْنَهُمْ فَتَكُونُ عَنْهُمْ جَمِيعاً فِطْرَةً وَاحِدَةً».

۲۰۶۷- وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَحْبُوبٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَرِيدٍ قَالَ: «سَأَلْتُ

أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الرَّجُلِ يَكُونُ عِنْدَهُ الضَّيْفُ مِنْ إِخْوَانِهِ فَيَخْضُرُ يَوْمَ الْفِطْرِ

ابوالحسن رضا علیه السلام درباره وصی سؤال کرده است که آیا در صورتی متمول بودن یتیمان پرداختن زکات فطره ایشان به عهده او تعلق میگیرد؟ آنحضرت در جواب نوشت: هیچگونه زکاتی بر یتیم تعلق نمیگیرد.

و صدقه فطره بر محتاج تعلق نمیگیرد، و کسیکه آن زکات بر او حلال باشد چنان زکاتی بر او واجب نمیشود.

(۸) ۲۰۶۶- و سیف بن عمیره از اسحاق بن عمار روایت کرده است، که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره کسی سؤال کردم که چیزی جز به قدر آنکه زکات فطره خودش به تنهایی را ادا کند در اختیار ندارد، در اینصورت آیا باید آن را به حساب زکات فطره پردازد، یا خود و عیالش از آن ارتزاق کنند؟ فرمود: آنرا به یکی از عیال خود به عنوان زکات فطره خود می دهد و او از جانب خود به دیگری و همینطور دستگردان کنند.

شرح: «فقیر میتواند فطره خود را به یکی از عیالاتش بدهد و او به عنوان فطره خود به دهنده فطریه بدهد و همچنین عمل کنند تا تمامی فطریه خود را داده باشند و آن سرپرست بار آخر به فقیری دیگر بدهد».

(۹) ۲۰۶۷- و حسن بن محبوب، از عمر بن یزید، روایت کرده است که گفت:

يُؤَدِّي عَنْهُ الْفِطْرَةَ؟ فَقَالَ: نَعَمْ، الْفِطْرَةُ وَاجِبَةٌ عَلَى كُلِّ مَنْ يَتَعَوَّلُ مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أُنْثَى، صَغِيرٍ أَوْ كَبِيرٍ، حُرٍّ أَوْ مَمْلُوكٍ».

۲۰۶۸- وَ رَوَى إِسْحَاقُ بْنُ عَمَارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا بَأْسَ أَنْ يُعْطِيَ الرَّجُلُ الرَّجُلَ عَنْ رَأْسَيْنِ وَثَلَاثَةً وَارْتَعَةً» - يَعْنِي الْفِطْرَةَ..

۲۰۶۹- وَ فِي خَبَرٍ آخَرَ قَالَ: «لَا بَأْسَ بِأَنْ تَدْفَعَ عَنْ نَفْسِكَ وَ عَنْ مَنْ تَعَوَّلُ إِلَى وَاحِدٍ».

وَلَا يَجُوزُ أَنْ تَدْفَعَ مَا يَلْزَمُ وَاحِدًا [أ] إِلَى نَفْسَيْنِ.

وَإِنْ كَانَ لَكَ مَمْلُوكٌ مُسْلِمٌ أَوْ ذِمِّيٌّ فَادْفَعْ عَنْهُ الْفِطْرَةَ.

وَإِنْ وُلِدَ لَكَ مَوْلُودٌ يَوْمَ الْفِطْرِ قَبْلَ الزَّوَالِ فَادْفَعْ عَنْهُ الْفِطْرَةَ اسْتِحْبَابًا، وَإِنْ

وُلِدَ بَعْدَ الزَّوَالِ فَلَا فِطْرَةَ عَلَيْهِ وَكَذَلِكَ الرَّجُلُ إِذَا أَسْلَمَ قَبْلَ الزَّوَالِ أَوْ بَعْدَهُ فَقَلَى هَذَا

از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که یکی از برادرانش را در ضیافت خود دارد، تا در این میان روز فطر فرا میرسد، در اینصورت آیا آن شخص مهماندار مکلف است که زکات فطره او را ادا کند امام علیه السلام فرمود: آری. پرداختن زکات فطره کلیه کسانی که امر معاش ایشان را برعهده دارد، اعم از مرد یا زن، کوچک یا بزرگ، آزاد یا برده، برعهده او است.

۲۰۶۸- و اسحاق بن عمار از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: باکی نیست که شخصی زکات فطره دو و سه و چهار نفر را به یک شخص بپردازد.

۲۰۶۹- و در خبر دیگر فرمود: باکی نیست که تو زکات فطره خود را و هر که را که تحت کفالت خود داری به یک نفر بپردازی.

و جایز نیست که مقدار لازم برای یک نفر را به دو نفر ادا کنی.

و اگر برده مسلمان یا ذمی داشته باشی زکات فطره آن را ادا کن.

و اگر در روز فطر نوزادی برای تو ولادت یابد، اگر ولادتش قبل از زوال

باشد، فطره او را به رسم استحباب ادا کن، ولی اگر ولادتش بعد از زوال باشد

وَهَذَا عَلَى الْإِسْتِحْبَابِ وَالْأَخْذِ بِالْأَفْضَلِ، فَأَمَّا الْوَاجِبُ فَلَيْسَتْ الْفِطْرَةُ إِلَّا عَلَى مَنْ أَدْرَكَ الشَّهْرَ.

۲۰۷۰- رَوَى ذَلِكَ عَلِيُّ بْنُ أَبِي حَمْزَةَ، عَنْ مُعَاوِيَةَ بْنِ عَمَّارٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي الْمَوْلُودِ يُؤَلَّدُ لَيْلَةَ الْفِطْرِ، وَالْيَهُودِيُّ وَالنَّصْرَانِيُّ يُسَلِّمُ لَيْلَةَ الْفِطْرِ؟ قَالَ: لَيْسَ عَلَيْهِمْ فِطْرَةٌ، لَيْسَ الْفِطْرَةُ إِلَّا عَلَى مَنْ أَدْرَكَ الشَّهْرَ».

۲۰۷۱- وَرَوَى مُحَمَّدُ بْنُ عَيْسَى، عَنْ عَلِيِّ بْنِ يِلَالٍ قَالَ: «كَتَبْتُ إِلَى الطَّبِيبِ الْعَسْكَرِيِّ عَلَيْهِ السَّلَامُ «هَلْ يَجُوزُ أَنْ يُعْطَى الْفِطْرَةُ عَنْ عِيَالِ الرَّجُلِ وَهُمْ عَشْرَةٌ أَقْلٌ أَوْ أَكْثَرُ رَجُلًا مُخْتِاجًا مُوَافِقًا؟ فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ: نَعَمْ، إِفْعَلْ ذَلِكَ».

۲۰۷۲- وَسَأَلَ عَلِيُّ بْنُ جَعْفَرٍ أَخَاهُ مُوسَى بْنُ جَعْفَرٍ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ «عَنِ الْمَكَاتِبِ هَلْ عَلَيْهِمْ فِطْرَةُ شَهْرِ رَمَضَانَ أَوْ عَلَى مَنْ كَاتَبَهُ وَتَجَوَّزُ شَهَادَتُهُ؟ قَالَ: الْفِطْرَةُ عَلَيْهِ وَلَا تَجُوزُ شَهَادَتُهُ».

فطره‌ای بر او نیست، و همچنین هرگاه مردی قبل از زوال یا بعد از آن مسلمان شود محکوم به همین حکم است، و این بنا بر استحباب و اخذ به افضل است. و اما فطره واجب جز به کسیکه ماه رمضان را درک کرده باشد تعلق نمیگیرد.

(۱) ۲۰۷۰- ابن معنی را علی بن ابی حمزه از معاویه بن عمار، از امام صادق علیه السلام بر اینگونه روایت کرده است که فرمود: مولودی که در شب فطر متولد میشود، و یهودی و نصرانی‌ای که در شب فطر به اسلام می‌گراید، فطره‌ای بر ذمه ندارد، و زکات فطره جز بر کسیکه ماه رمضان را درک کرده باشد تعلق نمیگیرد.

(۲) ۲۰۷۱- و محمد بن عیسی از علی بن یلال روایت کرده است که گفت: به امام عسکری علیه السلام نوشتم که: آیا جایز است که شخص زکات فطره عیالی خود را که شمار افراد آن به ده نفر یا بیشتر یا کمتر میرسد به یک مرد محتاج موافق - یعنی دارای مذهب امامی - بپردازد؟ پس آن امام علیه السلام نوشت: آری. این کار را بجا بیاور.

(۳) ۲۰۷۲- و علی بن جعفر از برادرش موسی بن جعفر علیهما السلام درباره شخص مکاتب سؤال کرد که آیا فطره ماه رمضان بر او تعلق می‌گیرد یا بر کسیکه با او

قال مُصَنَّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللهُ -: وَهَذَا عَلَى الْإِنْكَارِ لَا عَلَى الْإِخْبَارِ، يُرِيدُ بِذَلِكَ [أَنَّهُ] كَيْفَ تَجِبُ عَلَيْهِ الْفِطْرَةُ وَلَا تَجُوزُ شَهَادَتُهُ أَيْ أَنَّ شَهَادَتَهُ جَائِزَةٌ كَمَا أَنَّ الْفِطْرَةَ عَلَيْهِ وَاجِبَةٌ.

۲۰۷۳- وَ كَتَبَ مُحَمَّدُ بْنُ الْقَاسِمِ بْنِ الْفَضْلِ إِلَى أَبِي الْحَسَنِ الرِّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ «يَسْأَلُهُ عَنِ الْمَمْلُوكِ يَمُوتُ عَنْهُ مَوْلَاهُ وَهُوَ عَنْهُ غَائِبٌ فِي بَلَدٍ أُخْرَى، وَفِي يَدِهِ مَالٌ لِمَوْلَاهُ وَيَخْضُرُ الْفِطْرُ أَيْزَكِي عَنْ نَفْسِهِ مِنْ مَالِ مَوْلَاهُ وَقَدْ صَارَ لِلْيَتَامَى؟ فَقَالَ: نَعَمْ».

۲۰۷۴- وَقَالَ الصَّادِقُ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «لَأَنْ أُعْطِيَ فِي الْفِطْرَةِ صَاعًا مِنْ تَمْرٍ أَحَبُّ إِلَيَّ مِنْ أَنْ أُعْطِيَ صَاعًا مِنْ يَبَرٍ».

۲۰۷۵- وَ رَوَى عَنْهُ هِشَامُ بْنُ الْحَكَمِ أَنَّهُ قَالَ «الْتَمُرُ فِي الْفِطْرَةِ أَفْضَلُ

مکاتبه کرده؟ و آیا شهادت او جایز و نافذ است؟ امام علیه السلام فرمود: فطره بر عهده او است، ولی شهادتش جایز نیست؟

مصنف این کتاب - رحمه الله - گفت: این بیان امام علیه السلام بر سبیل انکار است، نه بر وجه اخبار، و مراد آن حضرت اینست که چگونه فطره بر او واجب باشد در حالیکه شهادتش جایز و نافذ نباشد. یعنی شهادتش جایز است، همانطور که فطره بر او واجب است.

۲۰۷۳- و محمد بن قاسم بن فضیل طی نامه‌ای از امام ابوالحسن رضا علیه السلام درباره مملوکی سؤال کرد که مولایش بمیرد، در حالیکه او غائب باشد، و در شهری دیگر دور از او بسر برد، و مالی از مولایش را در اختیار داشته باشد، و در این میان روز فطر فرا رسد، آیا در این حال میتواند فطره‌اش را از مال مولای خود که اکنون به یتیمان او تعلق گرفته است تأدیه کند؟ پس امام فرمود: آری.

۲۰۷۴- و امام صادق علیه السلام فرمود: هر آینه اگر در باب فطره صاعی از خرما ببخشم، برای من خوشایندتر از آن است که صاعی از زر و سیم عطا کنم.

۲۰۷۵- و هشام بن حکم از آن امام روایت کرده است، که فرمود: بخشیدن

مِنْ غَيْرِهِ لِأَنَّهُ أَسْرَعُ مَتَقَعَةً، وَذَلِكَ أَنَّهُ إِذَا وَقَعَ فِي يَدِ صَاحِبِهِ أَكَلَهُ مِنْهُ، قَالَ: وَتَزَكَّتِ
الزَّكَاةُ وَلَيْسَ لِلنَّاسِ أَمْوَالٌ وَإِنَّمَا كَانَتِ الْفِطْرَةُ».

۲۰۷۶- وَسَأَلَ إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنِ الْفِطْرَةِ،
فَقَالَ: الْجِيرَانُ أَحَقُّ بِهَا، وَلَا بَأْسَ أَنْ يُعْطَى قِيَمَةُ ذَلِكَ فَضَةً».

۲۰۷۷- وَسَأَلَ عَلِيُّ بْنُ يَقْطِينٍ أَبَا الْحَسَنِ الْأَوَّلَ عَلَيْهِ السَّلَامُ «عَنْ زَكَاةِ
الْفِطْرَةِ أَيَضْلَحُ أَنْ يُعْطَى الْجِيرَانُ وَالضُّوْرَةُ مِمَّنْ لَا يُعْرَفُ وَلَا يَنْصِبُ فَقَالَ: لَا بَأْسَ
بِذَلِكَ إِذَا كَانَ مُحْتَاجًا».

۲۰۷۸- وَرَوَى إِسْحَاقُ بْنُ عَمَّارٍ، عَنْ مُعْتَبِرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ
قَالَ: «إِذْهَبْ فَأَعْطِ عَنْ عِيَالِنَا الْفِطْرَةَ وَعَنِ الرَّقِيقِ وَاجْتَمِعُهُمْ وَلَا تَدْعُ مِنْهُمْ أَحَدًا
فَبَأْنِكَ إِنْ تَرَكْتَ مِنْهُمْ إِنْسَانًا تَخَوَّفْتُ عَلَيْهِ الْقَوْتَ، قُلْتُ: وَمَا الْقَوْتُ؟ قَالَ:

خرما در فطره بهتر از چیز دیگر است، زیرا که استفاده از آن دست به نقدتر است. زیرا
به مجرد آنکه در دست صاحبش قرار گرفت آنرا میخورد، و آیات متعلق به زکات از
آغاز کار درباره زکات فطره نازل شده است، زیرا مسلمین در آن روزگار اموالی که
زکات به آن تعلق گیرد نداشته اند.

(۱) ۲۰۷۶- و اسحاق بن عمار از امام ابوالحسن علیه السلام درباره فطره سؤال
کرد، آنحضرت فرمود: همسایگان نسبت به آن سزاوارترند، و باکی نیست که قیمت آن
را بصورت نقره بپردازند.

(۲) ۲۰۷۷- و علی بن یقطین از امام ابوالحسن اول علیه السلام درباره زکات فطره
سؤال کرد که آیا دادن زکات فطره به همسایگان و به زنان پرستار و دایه ای که با
مسائل مربوط به مذهب بیگانه باشند و ناصبی هم نباشند، شایسته است؟ آنحضرت
علیه السلام فرمود: در صورتیکه محتاج باشند باکی بر آن نیست.

(۳) ۲۰۷۸- و اسحاق بن عمار، از معتب از امام صادق علیه السلام روایت کرده
است که فرمود: برو و زکات فطره را از جانب عائله ما، و از جانب بردگان بپرداز، و
هیچیک از ایشان را بدون پرداختن زکات فطره اش وامگذار، و آنها را جمع بندی کن،

الْمَوْتُ».

۲۰۷۹- وَ رَوَى صَفْوَانُ، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ قَالَ: سَأَلْتُ أَبَا الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ يَتَّقِي عَلَى رَجُلٍ لَيْسَ مِنْ عِيَالِهِ إِلَّا أَنَّهُ يَتَكَلَّفُ لَهُ نَفَقَتَهُ وَيَكُونُهُ أَيْكُونُ عَلَيْهِ فِطْرَتُهُ؟ قَالَ: لَا إِنَّمَا يَكُونُ فِطْرَتُهُ عَلَى عِيَالِهِ صَدَقَةٌ ذُوْنَهُ، وَقَالَ: الْيَتَامَى الْوَلَدُ وَالْمَمْلُوكُ وَالزَّوْجَةُ وَأُمُّ الْوَلَدِ.

۲۰۸۰- وَ رَوَى صَفْوَانُ بْنُ يَحْيَى، عَنْ إِسْحَاقَ بْنِ عَمَّارٍ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْفِطْرَةِ، قَالَ: إِذَا عَزَلْتَهَا فَلَا يَقْصُرُكَ مَتَى مَا أُعْطِيَتْهَا قَبْلَ الصَّلَاةِ أَوْ بَعْدَهَا، وَقَالَ: الْوَاجِبُ عَلَيْكَ أَنْ تُعْطِيَ عَنْ نَفْسِكَ وَأَبِيكَ وَأُمِّكَ وَوَلَدِكَ وَامْرَأَتِكَ وَخَادِمِكَ».

۲۰۸۱- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَمَّا يَجِبُ عَلَى الرَّجُلِ فِي أَهْلِهِ مِنْ صَدَقَةِ الْفِطْرَةِ، قَالَ: تَصَدَّقْ عَنْ جَمِيعٍ مَنْ تَعُولُ

زیرا اگر یکی از ایشان را از قلم بیفکنی بر او بیم فوت دارم، گفتم: فوت چیست؟ فرمود: فوت موت است.

۲۰۷۹- و صفوان از عبدالرحمن بن حجاج روایت کرده است که گفت: از امام ابوالحسن علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که به فردی انفاق میکند که از افراد عائله اش نیست، ولی نفقه و کسوة او را برعهده خود گرفته است، در اینصورت آیا زکات فطره آن فرد به او تعلق میگیرد؟ امام فرمود: نه. زیرا تنها فطره عیال او بر ذمه او است، و عیال شخص: اولاد و برده، و همسر، و ام و ولد او است.

۲۰۸۰- و صفوان بن یحیی از اسحاق بن عمار روایت کرده است، که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره فطره سؤال کردم، فرمود: در صورتیکه آنرا از مال خود جدا نهاده باشی هر وقت که آنرا پردازی: چه قبل از نماز، و چه بعد از آن ضرری ندارد. و فرمود: آنچه بر تو واجب است این است که زکات فطره خودت و پدرت و مادرت، و اولادت، و همسرت و خادمت را تأدیه کنی.

۲۰۸۱- و محمد بن مسلم از امام ابوجعفر علیه السلام روایت کرده است، که

۲۰۸۳- وَ رَوَى مُحَمَّدُ بْنُ إِسْمَاعِيلَ بْنِ بَرِيعٍ قَالَ: «بَعَثْتُ إِلَى أَبِي-
الْحَسَنِ الرُّضَا عَلَيْهِ السَّلَامُ بِدِرَاهِمٍ لِي وَلِغَيْرِي وَ كَتَبْتُ إِلَيْهِ أَخْبِرُهُ أَنَّهَا مِنْ فِطْرَةِ
الْعِيَالِ، فَكَتَبَ عَلَيْهِ السَّلَامُ بِحِطَّةٍ: قَبَضْتُ».

۲۰۸۴- وَ فِي رِوَايَةِ السَّكُونِيِّ بِإِسْنَادِهِ أَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ:
«مَنْ أَدَّى زَكَاةَ الْفِطْرَةِ تَمَّمَ اللَّهُ لَهُ بِهَا مَا نَقَصَ مِنْ زَكَاةٍ مَالِهِ».

۲۰۸۵- وَ رَوَى حَمَّادُ بْنُ عِيسَى، عَنْ خَرِيزٍ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، وَ زُرَّارَةَ قَالَا:
قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «إِنَّ مِنْ تَمَامِ الصَّوْمِ إِعْطَاءَ الزَّكَاةِ- يَعْنِي الْفِطْرَةَ- كَمَا
أَنَّ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ مِنْ تَمَامِ الصَّلَاةِ لِأَنَّهُ مِنْ صَامٍ وَلَمْ يُوَدَّ
الزَّكَاةَ فَلَا صَوْمَ لَهُ إِذَا تَرَكَهَا مُتَعَمِّدًا، وَلَا صَلَاةَ لَهُ إِذَا تَرَكَ الصَّلَاةَ عَلَى النَّبِيِّ
صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، إِنَّ اللَّهَ عَزَّ وَجَلَّ قَدْ بَدَأَ بِهَا قَبْلَ الصَّلَاةِ قَالَ: «قَدْ أَقْلَعَ مَنْ تَرَكَ

شماره مالکان برابر باشد، هریک به قدر حصه خود زکاتشان را می پردازد و اگر سهم
هریک از ایشان از یک غلام کمتر باشد چیزی به ایشان تعلق نمیگیرد.

① ۲۰۸۳- و محمد بن اسماعیل بن بریج در روایت خود گفت: دراهمی را برای
امام ابوالحسن رضا علیه السلام فرستادم، و طی نامه ای به آن امام خبر دادم که آن
دراهم از بابت فطره عیال است، پس امام به خط خود نوشت: دریافت کردم.

شرح: «دریافت امام بعنوان رساندن به مستحق آن بوده است، نه برای
شخص خود».

② ۲۰۸۴- و در روایت سکونی به اسنادش آمده است که امیرالمؤمنین
علیه السلام فرمود: کسیکه زکات فطره را ادا کند، خدا به وسیله آن هرآنچه را که از
زکات مال او نقصان گرفته است کامل میسازد.

③ ۲۰۸۵- و حماد بن عیسی، از خریز، از ابوبصیر، و زراره روایت کرده است
که گفتند: امام صادق علیه السلام فرمود: همانا که از موجبات کمال روزه زکات
- یعنی فطره - است، همانطور که صلوات بر پیامبر صلی الله علیه و آله از موجبات کمال
نماز است، زیرا کسیکه روزه بگیرد و زکات نپردازد، در صورتیکه در این کار متعمد

وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى».

* (بَابُ الْإِعْتِكَافِ) *

۲۰۸۶ - رَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ أَنَّهُ قَالَ: «لَا إِعْتِكَافَ

إِلَّا بِصَوْمٍ فِي مَسْجِدِ الْجَامِعِ».

۲۰۸۷ - قَالَ: «وَكَانَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ إِذَا كَانَ الْعَشْرُ

الْأَوَّلُ اعْتَكَفَ فِي الْمَسْجِدِ وَضَرَبَتْ لَهُ قُبَّةٌ مِنْ شَعْرِ وَشَمَرِ الْيَمْرَزَةِ، وَطَوَى

فِرَاشَهُ، وَقَالَ بَعْضُهُمْ: وَاعْتَزَلَ النَّسَاءَ فَقَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: أَمَّا اعْتَزَالُ

النِّسَاءِ فَلَا».

قَالَ مُصَنِّفُ هَذَا الْكِتَابِ - رَحِمَهُ اللَّهُ -: مَعْنَى قَوْلِهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «أَمَّا

اعْتَزَالُ النَّسَاءِ فَلَا» هُوَ أَنَّهُ لَمْ يَتَّعِزْ مِنْ خِدْمَتِهِ وَ الْجُلُوسِ مَعَهُ فَأَمَّا الْمُجَامَعَةُ فَإِنَّهُ

باشد، روزه‌ای در نامه عملش منظور نمیشود، و در صورتیکه صلوات بر پیامبر
صلی الله علیه وآله را ترک کند نمازی برای او محسوب نمیگردد. و خدای عزوجل زکات
را بر نماز مقدم داشته، و فرموده است: «قَدْ أَفْلَحَ مَنْ تَزَكَّى. وَذَكَرَ اسْمَ رَبِّهِ فَصَلَّى»
- یعنی کسی در حقیقت رستگار شد که زکات پرداخت و نام خدای را خود یاد کرد،
و آنگاه نماز بجا آورد..

* (بَابُ اعْتِكَافِ) *

۲۰۸۶ - حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود:

اعتكاف جز با روزه داشتن در مسجد جامع تحقق نمی پذیرد.

۲۰۸۷ - امام علیه السلام فرمود: و رسول خدا صلی الله علیه وآله چون ده

روزه او را خرمایه فرامیرسید در مسجد اعتکاف میکرد، و خیمه‌ای مؤمنین برای او بپا

میکردند، و کمر بر عبادت می بست، و بستر خود را در می نوردید، و بعضی گفتند: و

از زنان کناره میگرفت، پس امام صادق علیه السلام فرمود: اما کناره گرفتن از زنان،

پس چنین نبود. - و حضرتش ایشان را از مکالمه و خدمت و همنشینی خود باز

نمیداشت..

مصنف این کتاب - رحمه الله - گفت: معنی قول امام علیه السلام: «أَمَّا كُنَارُهُ

امْتَنَعَ مِنْهَا كَمَا مَنَعَ وَ مَعْلُومٌ مِنْ مَعْنَى قَوْلِهِ: «وَطَوَى فِرَاشَهُ» تَرَكُ الْمُجَامِعَةَ.

۲۰۸۸- وَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: «كَانَتْ بَدْرُ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَلَمْ

يَعْتَكِفَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فَلَمَّا أَنْ كَانَ مِنْ قَابِلِ اعْتَكَفَ عَشْرِينَ، عَشْرًا لِعَامِهِ وَ عَشْرًا قَضَاءً لِمَا فَاتَهُ».

۲۰۸۹- وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَخْبُوبٍ، عَنْ عُمَرَ بْنِ يَزِيدَ قَالَ: «قُلْتُ لِأَبِي-

عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: مَا تَقُولُ فِي الْأَعْتِكَافِ بِبَغْدَادَ فِي بَعْضِ مَسَاجِدِهَا؟ قَالَ: لَا تَعْتَكِفُ إِلَّا فِي مَسْجِدِ جَمَاعَةٍ قَدْ صَلَّى فِيهِ إِمَامٌ عَدَلَ جَمَاعَةً، وَلَا تَأْسَ بِأَنْ يُعْتَكِفَ فِي مَسْجِدِ الْكُوفَةِ وَ الْبَصْرَةِ وَ مَسْجِدِ الْمَدِينَةِ وَ مَسْجِدِ مَكَّةَ».

۲۰۹۰- وَ قَدْ رُوِيَ «فِي مَسْجِدِ الْمَدَائِنِ».

۲۰۹۱- وَ رَوَى الْبِزْزَنْطِيُّ، عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ

گرفتن از زنان، پس چنین نبود» این است که ایشانرا از خدمت و همنشینی با او منع نمیکرد، و اما مجامعت امری است که از آن امتناع میکرد، همانطور که آنرا منع فرمود. و از جمله «و بستر خود را درمی نوردید» ترک مجامعت دانسته میشود.

۲۰۸۸- و امام صادق علیه السلام فرمود: کارزار بدر در رمضان بود، و رسول خدا صلی الله علیه و آله در آن ایام فرصت اعتکاف نیافت، پس چون رمضان سال بعد فرا رسید، بیست روز اعتکاف کرد، ده روز برای همان سال، و ده روز برای آنچه از او فوت شده بود.

۲۰۸۹- و حسن بن محبوب از عُمَرُ بن یزید روایت کرده است که گفت: به امام صادق علیه السلام معروض داشتم که نظر شما درباره اعتکاف در یکی از مساجد بغداد چیست؟ فرمود: جز در مسجدی که امام عادل در آنجا اقامه جماعت کرده باشد، اعتکاف مکن. و باکی نیست که در مسجد کوفه و بصره، و مسجد مدینه، و مسجد مکه اعتکاف کنی.

۲۰۹۰- و در روایتی آمده است «در مسجد مداین».

۲۰۹۱- و بزنطی، از داود بن سرحان از امام صادق علیه السلام روایت کرده

قَالَ: «لَا أَرَى الْإِعْتِكَافَ إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الْحَرَامِ، أَوْ مَسْجِدِ الرَّسُولِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أَوْ فِي مَسْجِدِ جَامِعٍ وَلَا يَتَّبِعِي لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ الْجَامِعِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا، ثُمَّ لَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ، وَالْمَرْأَةُ مِثْلُ ذَلِكَ».

۲۰۹۲- وَ فِي رِوَايَةِ عَبْدِ اللَّهِ بْنِ سِنَانٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الْمُعْتَكِفُ بِمَكَّةَ يُصَلِّي فِي أَيِّ بَيْتِهَا شَاءَ، سِوَاءَ عَلَيْهِ صَلَّي فِي الْمَسْجِدِ أَوْ فِي بَيْتِهَا».

۲۰۹۳- وَ فِي رِوَايَةِ مَنْصُورِ بْنِ حَازِمٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «الْمُعْتَكِفُ بِمَكَّةَ يُصَلِّي فِي أَيِّ بَيْتِهَا شَاءَ، وَالْمُعْتَكِفُ فِي غَيْرِهَا لَا يُصَلِّي إِلَّا فِي الْمَسْجِدِ الَّذِي سَاءَ».

۲۰۹۴- وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَخْبُوبٍ، عَنْ أَبِي وَلَادٍ الْحَنَاطِيُّ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ امْرَأَةٍ كَانَتْ رَؤُوسَهَا غَائِبًا فَقَدِمَ وَهِيَ مُعْتَكِفَةٌ بِإِذْنِ

است که فرمود: من جز مسجد الحرام، یا مسجد پیامبر صلی الله علیه وآله یا مسجد جامع را محلّ اعتکاف نمی‌دانم، و برای شخص معتکف سزاوار نیست که جز برای حاجتی ناگزیر، از مسجد جامع خارج شود، و در این حال نیز چون خارج شود میباید ننشیند تا بازگردد. وزن نیز بر همینگونه است.

(۱) ۲۰۹۲- و در روایت عبدالله بن سنان، از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: شخص معتکف در مکه در هر یک از خانه‌های آن شهر که بخواهد، نماز می‌گذارد، و برای او مساوی است که در مسجد نماز بگذارد، یا در خانه‌های آن.

(۲) ۲۰۹۳- و در روایت منصور بن حازم از امام صادق علیه السلام آمده است که فرمود: شخص معتکف در مکه در هر یک از خانه‌های آن که بخواهد نماز می‌گذارد، ولی معتکف در غیر مکه جز در مسجدی که برای اعتکاف خود نام برده است نماز نمی‌گذارد.

(۳) ۲۰۹۴- و حسن بن محبوب از ابی ولاد حنطاط روایت کرده است که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره زنی سؤال کردم که شوهرش غائب بوده، و چون

رَوْجِهَا فَخَرَجَتْ حِينَ بَلَغَهَا قُدُومُهُ مِنَ الْمَسْجِدِ الَّذِي هِيَ فِيهِ فَتَهَيَّأَتْ لِزَوْجِهَا حَتَّى وَاقَعَهَا، فَقَالَ: إِنَّكَ كَانَتْ خَرَجْتَ مِنَ الْمَسْجِدِ قَبْلَ أَنْ تَمُتِي ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ وَلَمْ تَكُنِ اشْتَرَطْتَ فِي إِعْتِكَافِهَا فَإِنَّ عَلَيْهَا مَا عَلَى الْمُظَاهِرِ».

۲۰۹۵- وَرَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَخْبُوبٍ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا يَكُونُ الْإِعْتِكَافُ أَقَلَّ مِنْ ثَلَاثَةِ أَيَّامٍ، وَمَنْ اعْتَكَفَ صَامًا، وَتَتَبَعِيَ لِلْمُعْتَكِفِ إِذَا اعْتَكَفَ أَنْ يَشْتَرِطَ كَمَا يَشْتَرِطُ الَّذِي يُخْرِمُ».

۲۰۹۶- وَرَوَى أَبُو أَيُّوبَ، عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ مُسْلِمٍ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا اعْتَكَفَ الرَّجُلُ يَوْمًا وَلَمْ يَكُنِ اشْتَرَطَ فَلَهُ أَنْ يَخْرُجَ وَأَنْ يَفْسَخَ إِعْتِكَافَهُ، وَإِنْ أَقَامَ يَوْمَيْنِ وَلَمْ يَكُنِ اشْتَرَطَ فَلَيْسَ لَهُ أَنْ يَفْسَخَ إِعْتِكَافَهُ حَتَّى تَمُتِي ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ».

بازگشته همسرش با اذن او معتكف بوده، پس چون از ورود شوهر خبر یافته، از مسجد محلّ اعتكاف خود خارج شده و برای پذیرائی شوهر آماده شده، تا مرد با او مقاربت کرده. پس امام علیه السلام فرمود: اگر پیش از گذراندن سه روز از مسجد خارج شده، و در اعتكاف خود مدتی را شرط نکرده، در اینصورت حکم او حکم شخص مظاهر است. یعنی کفاره ظهار به او تعلق میگیرد.

۲۰۹۵- و حسن بن محبوب، از ابویوب از ابوبصیر از امام صادق علیه السلام روایت کرده است که فرمود: اعتكاف کمتر از سه روز نمیشود، و کسیکه معتكف شود باید روزه بدارد، و برای معتكف سزاوار است که چون اعتكاف کند، شرطی بکار بندد همانگونه که شخصی که محرم میشود شرط میکند.

۲۰۹۶- و ابویوب از محمد بن مسلم، از امام ابوجعفر علیه السلام روایت کرده است که فرمود: هرگاه معتكف یک روز را به اعتراف بگذراند، و شرطی نکرده باشد، میتواند از محلّ اعتكاف خارج شود، و اعتكافش را فسخ کند، و اگر دو روز در اعتكاف بسر برد، و شرطی نکرده باشد، نمیتواند اعتكافش را فسخ کند، تا سه روز

۲۰۹۷- وَ رَوَى أَبُو أَيُّوبَ عَنْ أَبِي عُبَيْدَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: الْمُعْتَكِفُ لَا يَسْتَمُّ الْقَلْبَ، وَلَا يَتَلَذُّذُ بِالرَّيْحَانِ، وَلَا يُعَارِي، وَلَا يَشْتَرِي وَلَا يَبِيعُ، قَالَ: وَمَنْ اعْتَكَفَ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ فَهُوَ يَوْمَ الرَّابِعِ بِالْخِيَارِ إِنْ شَاءَ زَادَ ثَلَاثَةَ أُخْرَى وَإِنْ شَاءَ خَرَجَ مِنَ الْمَسْجِدِ، فَإِنْ أَقَامَ يَوْمَيْنِ بَعْدَ الثَّلَاثَةِ فَلَا يَخْرُجُ مِنَ الْمَسْجِدِ حَتَّى يُتِمَّ ثَلَاثَةَ أَيَّامٍ أُخَرَ».

۲۰۹۸- وَ رَوَى عَنْ دَاوُدَ بْنِ سِرْحَانَ قَالَ: «كُنْتُ بِالْمَدِينَةِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فَقُلْتُ لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ: إِنِّي أُرِيدُ أَنْ أَعْتَكِفَ فَمَاذَا أَقُولُ وَمَاذَا أَفْرُضُ عَلَى نَفْسِي؟ فَقَالَ: لَا تَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا وَلَا تَقْعُدْ تَحْتَ ظِلَالٍ حَتَّى تَعُودَ إِلَى مَجْلِسِكَ».

۲۰۹۹- وَ رَوَى الْحَلَبِيُّ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «لَا يَتَّبِعُنِي

بر آن بگذرد.

(۱) ۲۰۹۷- و ابویوب از ابی عبیده، از امام ابوجعفر علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: معتکف عطر را استشمام نمیکند، و از رائحة ریحان لذت نمیجوید، و بحث و مجادله نمیکند، و نه میخرد و نه میفروشد، و فرمود: کسیکه سه روز معتکف بود، روز چهارم اختیار دارد که سه روز دیگر بر آن بيفزاید، یا از مسجد خارج شود، پس اگر بعد از آن سه روز دور روز دیگر اقامت کرد، نمیباید از مسجد خارج شود تا سه روز دوم را به پایان رساند.

(۲) ۲۰۹۸- و از داود بن سرحان روایت شده است که گفت: در ماه رمضان در مدینه بودم، پس به امام صادق علیه السلام معروض داشتم: اراده آن دارم که معتکف شوم، پس چه بگویم؟ و چه کاری را بر خود فرض سازم؟ امام فرمود: جز در پی حاجتی که گزیری از آن نداشته باشی از مسجد خارج مشو، و در زیر سایه بانی منشین تا به جایگاه خود بازگردی.

(۳) ۲۰۹۹- و حلبی از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: برای معتکف روا نیست که جز برای حاجتی ضروری از مسجد خارج شود، و پس از

لِلْمُعْتَكِفِ أَنْ يَخْرُجَ مِنَ الْمَسْجِدِ إِلَّا لِحَاجَةٍ لَا بُدَّ مِنْهَا، ثُمَّ لَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ، وَلَا يَخْرُجَ فِي شَيْءٍ إِلَّا لِحَاجَةٍ أَوْ يَعُودَ مَرِيضاً وَلَا يَجْلِسُ حَتَّى يَرْجِعَ، قَالَ: وَاعْتِكَافُ الْمَرْأَةِ مِثْلُ ذَلِكَ».

۲۱۰۰- وَ فِي رِوَايَةِ صَفْوَانَ بْنِ يَحْيَى، عَنْ عَبْدِ الرَّحْمَنِ بْنِ الْحَجَّاجِ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «إِذَا مَرَضَ الْمُعْتَكِفُ أَوْ ظَمَّتِ الْمَرْأَةُ الْمُعْتَكِفَةَ فَإِنَّهُ يَأْتِي بَيْتَهُ ثُمَّ يُعِيدُ إِذَا بَرِيَ وَيَصُومُ».

۲۱۰۱- وَ فِي رِوَايَةِ السَّكُونِيِّ بِإِسْنَادِهِ قَالَ: «قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ: اعْتِكَافُ عَشْرِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ يُغْدِلُ حَجَّتَيْنِ وَعُمْرَتَيْنِ».

۲۱۰۲- وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ مَعْبُوبٍ، عَنْ عَلِيِّ بْنِ رِثَابٍ، عَنْ زُرَّارَةَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنِ الْمُعْتَكِفِ يُجَامِعُ؟ قَالَ: إِذَا فَعَلَ ذَلِكَ فَقَعَلَهُ مَا عَلَى الْمُظَاهِرِ».

وَ قَدْ رُوِيَ أَنَّهُ إِنْ جَامَعَ بِاللَّيْلِ فَقَعَلَهُ كَفَّارَةٌ وَاحِدَةٌ، وَ إِنْ جَامَعَ بِالنَّهَارِ فَقَعَلَهُ

آن میباید ننشید تا به مسجد بازگردد، و میباید تا برای کاری جز تشییع جنازه ای یا عیادت بیماری از مسجد بیرون نرود، و ننشیند تا بازگردد و فرمود: و اعتکاف زن بر همینگونه است.

۲۱۰۰- و در روایت صفوان بن یحیی، از عبدالرحمن بن حجاج، از امام صادق علیه السلام آمده است، که فرمود: چون مُعْتَكِف بیمار شود، یا زن حائض گردد، به خانه خود میرود، و چون شفا یافت و پاک شد، باز میگردد، و روزه میگیرد. ۲۱۰۱- و در روایت سکونی به اسنادش [از امام صادق علیه السلام و آباء کرام و اجداد عظامش علیهم السلام آمده است که] رسول خدا صلی الله علیه و آله فرمود: اعتکاف ده روزه در ماه رمضان با دوحج و دو عمره برابر است.

۲۱۰۲- و حسن بن محبوب، از علی بن رثاب، از زراره روایت کرده است، که گفت: از امام ابوجعفر علیه السلام سؤال کردم که آیا شخص مُعْتَكِف جماع میکند؟ فرمود اگر چنین کند کفاره شخص مُظَاهِر به او تعلق میگیرد.

كفارتان؛ روى ذلك :

۲۱۰۳ - مُحَمَّدُ بْنُ سِنَانٍ، عَنْ عَبْدِ الْأَعْلَى بْنِ أَعْيَنَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ رَجُلٍ وَطِئَ امْرَأَتَهُ وَهُوَ مُعْتَكِفٌ لَيْلًا فِي شَهْرِ رَمَضَانَ؟ قَالَ: عَلَيْهِ الْكَفَّارَةُ، قَالَ: قُلْتُ: فَإِنْ وَطِئَهَا نَهَارًا قَالَ: عَلَيْهِ كَفَّارَتَانِ».

۲۱۰۴ - وَ رَوَى ابْنُ الْمَعْبُورِ، عَنْ سَمَاعَةَ قَالَ: «سَأَلْتُ أَبَا عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ عَنْ مُعْتَكِفٍ وَقَعَ أَهْلُهُ، فَقَالَ: هُوَ بِمَنْزِلَةِ مَنْ أَفْطَرَ يَوْمًا مِنْ شَهْرِ رَمَضَانَ».

۲۱۰۵ - وَ رَوَى دَاوُدُ بْنُ الْحَصَنِ، عَنْ أَبِي الْعَبَّاسِ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «اِغْتَسَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ فِي شَهْرِ رَمَضَانَ فِي الْعَشْرِ الْأُولَى، ثُمَّ اغْتَسَكَ فِي الثَّانِيَةِ فِي الْعَشْرِ الْوُسْطَى، ثُمَّ اغْتَسَكَ فِي الثَّالِثَةِ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ، ثُمَّ لَمْ يَزَلْ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ يَغْتَسِكُ فِي الْعَشْرِ الْآخِرِ».

و در روایتی آمده است که اگر او به هنگام شب مجامعت کند یک کفاره بر او لازم می آید، و اگر در روز جماع کند، دو کفاره به او تعلق میگیرد. این روایت را (۱) ۲۱۰۳ - محمد بن سنان، از عبد الاعلی بن اعین بر اینگونه آورده است که از امام صادق علیه السلام درباره مردی سؤال کردم که در حال اعتکاف به هنگام شب، در ماه رمضان با همسر خود مقاربت کرده است، امام علیه السلام فرمود: کفاره بر او لازم می آید. گفتم: پس اگر به هنگام روز با او جماع کرده باشد؟ فرمود: دو کفاره بر ذمه دارد.

(۲) ۲۱۰۴ - و ابن المغیره، از سماعه روایت کرده است، که گفت: از امام صادق علیه السلام درباره معتکفی سؤال کردم که با همسرش مقاربت کند، فرمود عمل او برابر با عمل کسی است که روزی از ماه رمضان را افطار کرده باشد.

(۳) ۲۱۰۵ - و داود بن حصین، از ابوالعباس، از امام صادق علیه السلام روایت کرده است، که فرمود: رسول خدا صلی الله علیه و آله در ماه رمضان در دهه اول اعتکاف کرد، سپس در دوم در دهه وسط، و آنگاه در سوم در دهه اوایل اعتکاف

۲۱۰۶- وَ رَوَى ابْنُ مَجْزُوبٍ، عَنْ أَبِي أَيُّوبَ، عَنْ أَبِي بَصِيرٍ، عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ «فِي الْمُعْتَكِفِ إِذَا طَمِثَتْ قُلَّةٌ: تَرْجِعُ إِلَى بَيْتِهَا فَإِذَا طَهَّرَتْ رَجَعَتْ فَقَضَتْ مَا عَلَيْهَا».

۲۱۰۷- وَ رَوَى الْحَسَنُ بْنُ الْجَهْمِ عَنْ أَبِي الْحَسَنِ عَلَيْهِ السَّلَامُ قَالَ: «سَأَلْتُهُ عَنِ الْمُعْتَكِفِ يَأْتِي أَهْلَهُ؟ قَالَ: لَا يَأْتِي امْرَأَتَهُ لَيْلًا وَلَا نَهَارًا وَهُوَ مُعْتَكِفٌ».

۲۱۰۸- وَ رَوَى عَنْ مَيْمُونِ بْنِ مِهْرَانَ قَالَ: «كُنْتُ جَالِسًا عِنْدَ الْحَسَنِ بْنِ عَلِيٍّ عَلَيْهِمَا السَّلَامُ فَأَتَاهُ رَجُلٌ فَقَالَ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ إِنَّ فُلَانًا لَهُ عَلَيَّ مَالٌ وَ يُرِيدُ أَنْ يَخْبِسَنِي، فَقَالَ: وَاللَّهِ مَا عِنْدِي مَالٌ فَأَقْضِيَ عَنْكَ، قَالَ: فَكَلِمَتُهُ، قَالَ: فَلَيْسَ عَلَيْهِ السَّلَامُ نَعْلُهُ فَقُلْتُ لَهُ: يَا ابْنَ رَسُولِ اللَّهِ أَنْسَيْتَ اغْتِكَافَكَ؟ فَقَالَ لَهُ: لَمْ

کرد، سپس رسول خدا صلی الله علیه و آله همچنان در ده روزه اواخر اعتکاف می کرد.

۲۱۰۶- و ابن محبوب از ابویوب، از ابوبصیر، از امام صادق علیه السلام درباره زن معتکفی که حائض شده باشد، روایت کرده است که فرمود: به خانه اش باز می گردد، پس چون پاک شد به سوی اعتکاف باز می آید، و آنچه را که بر ذمه دارد برگزار می کند.

۲۱۰۷- و حسن بن جهم، از امام ابوالحسن علیه السلام روایت کرده است، که از آن امام درباره معتکفی که به سراغ همسر خود آید سؤال کردم؟ امام علیه السلام فرمود: در حال اعتکاف می باید نه شب به سراغ همسرش بیاید، و نه روز.

۲۱۰۸- و از میمون بن مهران روایت شده است، که گفت: در حضور امام حسن بن علی علیه السلام نشسته بودم که مردی نزد آن حضرت آمد، و گفت: ای فرزند رسول خدا، فلان شخص مالی بر ذمه من دارد، و می خواهد مرا به زندان افکند امام علیه السلام فرمود: به خدا قسم مالی در اختیار ندارم که دین تو را بپردازم، گفت: پس در این باره با او گفتگو کن. حضرت علیه السلام موزه اش را بر پا کرد، گفتم:

أَنْسَ وَلَكِنِّي سَمِعْتُ أَبِي عَلَيْهِ السَّلَامُ يُحَدِّثُ عَنْ [جَدِّي] رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ أَنَّهُ قَالَ: مَنْ سَعَى فِي حَاجَةِ أَخِيهِ الْمُسْلِمِ فَكَأَنَّمَا عَبْدُ اللَّهِ عَزَّوَجَلَّ يَسْعَى أَلْفَ سَنَةٍ، صَائِمًا نَهَارَهُ قَائِمًا لَيْلَهُ».

تَمَّ الْجُزْءُ الثَّانِي مِنْ كِتَابٍ مَنِ لَا يَحْضُرُهُ الْفَقِيهُ وَيَلِيهِ كِتَابُ الْحُجَّ فِي الْجُزْءِ
الثَّالِثِ إِنْ شَاءَ اللَّهُ.



یا ابن رسول الله آیا اعتکاف را فراموش کرده ای؟ فرمود: فراموش نکرده ام، ولی از پدرم علیه السلام شنیدم که از [جدّم] رسول خدا صلی الله علیه وآله روایت میکرد که فرمود: کسیکه در راه برآوردن حاجت برادر مسلمانش بکوشد، چنان است که نه هزار سال خدا را با صیام روز و قیام شب عبادت کرده باشد.

پایان مجلد دوم

فهرست

موضوع	صفحه
نماز بیمار و مدهوش و ناتوان و سالخورده	۴
سلام کردن بر نمازگزار در حال نماز	۱۶
نمازگزاریکه درنده یا دزد بدو حمله کند	۱۷
اگر برای نمازگزار در حال نماز کاری ضروری پیش آید؟	۲۰
آداب زن بهنگام نماز	۲۲
چگونگی فارغ شدن زن از نماز	۲۷
نماز جماعت و فضل آن	۲۷
نماز جمعه و احکام و آداب آن	۸۰
نمازیکه در همه اوقات میتوان بخواند	۱۰۹
نماز مسافر و احکام قصر و اتمام	۱۱۰
چرا نماز مغرب مسافر تمام است	۱۳۶
علت اینکه نماز مسافر شکسته است	۱۳۷
کیفیت نماز در کشتی و هواپیما و امثال آن	۱۴۰
نماز خوف	۱۴۴
دعائیکه هنگام خواب می خوانند	۱۵۳
ثواب نماز شب	۱۵۸
وقت نماز شب	۱۶۵
دعای برخاستن از بستر	۱۷۰
دعای شنیدن آواز خروس	۱۷۴
دعائیکه هنگام برخاستن برای نماز شب میخوانند	۱۷۷
نمازهاییکه با تکبیرات افتتاحیه شروع میشود	۱۷۸

صفحه	موضوع
۱۷۸	ادعیه نماز شب و آنچه مربوط بدان است
۱۸۲	دعای قنوت وتر
۱۹۷	استحباب استراحت میان نافله و فريضه صبح
۱۹۹	موارد استحباب سورة توحيد در نماز و بهترين نافله ها
۲۰۰	قضاء نماز شب
۲۰۴	وقت نماز صبح و تشخيص آن و دعایش
۲۰۵	کراهت خواب بين الطلوعين
۲۱۰	نماز عيدین (قربان و فطر)
۲۳۷	نماز استسقاء (طلبیدن باران)
۲۵۳	نماز آیات
۲۷۰	نماز جعفر طيار عليه السلام
۲۷۶	نمازهای حاجت
۲۸۸	نماز استخاره
۲۹۲	نماز فاطمه عليها السلام يا اوابين
۲۹۳	نماز یکصد و بیست قل هو الله و ثواب آن
۲۹۴	نماز غفيله و احادیث نوادر

کتاب زکات

۳۰۱	علت وجوب زکات
۳۰۸	آنچه درباره مانع الزکات آمده است
۳۱۴	شرم نمودن از گرفتن زکات و متعلق زکات
۳۲۷	زکات انعام ۳۲۱، و زکات نقدین
۳۲۷	زکات غلات، و حج از مال زکات
۳۳۸	زکات مال مملوک و مکاتب
۳۳۹	حق بنی هاشم در مورد زکات
۳۴۰	نوادر زکات

صفحه	موضوع
۳۴۲	باب خمس
۳۵۰	حق فقراء در هنگام درو و چیدن میوه، و معلوم و ماعون
۳۵۱	خراج اراضی و جزیه
۳۵۸	برتری معروف (کار خیر و نیکوکاری)
۳۶۳	ثواب دادن قرض الحسن
۳۶۴	ثواب مهلت دادن بدهکار تهی دست
۳۶۵	ثواب بخشودن میت مقروض نادار
۳۶۵	کمک بستمندان در مخارجشان
۳۶۶	فضل سخا و تمندی و بخشش
۳۷۰	فضل اقتصاد در معیشت
۳۷۱	ثواب آب نوشاندن به تشنه
۳۷۲	احسان درباره سادات و ثواب آن
۳۷۴	ثواب صدقه و فضل آن
۳۸۴	ثواب هدیه به امام علیه السلام
	کتاب صوم
۳۸۵	علت وجوب روزه در ماه رمضان
۳۸۸	فضیلت روزه داشتن
۳۹۲	اقسام روزه از حلال و حرام و مکروه و مندوب
۳۹۸	روزه سنت
۴۰۴	ثواب روزه ایام متفرقه در ایام سال
۴۱۱	ثواب روزه ایام ماه رجب
۴۱۳	ثواب روزه ایام ماه شعبان
۴۱۶	فضیلت روزه ماه رمضان و ثواب آن
۴۲۷	دعای روز نخستین ماه رمضان
۴۳۵	دعای هر شب اول افطار در ماه رمضان
۴۳۶	آنچه روزه را می شکند و آداب روزه دار

صفحه	موضوع
۴۴۶	کفاره خوردن روزه و شکستن آن با مجامعت
۴۵۳	کودک را در چه سنی بروزه و می دارند؟
۴۵۵	ثبوت ماه رمضان و سؤال برؤیت هلال
۴۵۹	یوم الشک
۴۶۲	کافری که در ایام ماه رمضان ایمان آورد
۴۶۳	وقت افطار و وقت سحر
۴۶۸	حدّ مرضی که روزه را میتوان عقب انداخت
۴۶۹	حکم کسانی که طاقت گرفتن روزه را ندارند
۴۷۱	ثواب افطاری دادن و خوردن سحری
۴۷۵	نمازهای مستحب در ماه رمضان
۴۷۹	حکم مسافر و مسافرت در ماه رمضان
۴۸۸	قضاء روزه ماه رمضان
۴۹۶	قضاء روزه از جانب میت
۴۹۸	فدیة روزه نذر، و روزه اذن
۵۰۱	غسل های شبهای قدر
۵۰۸	دعاهای شبهای قدر
۵۱۵	وداع ماه رمضان
۵۲۰	احکام شب عید فطر و روز آن
۵۲۲	باب نوادر
۵۴۰	باب اعتکاف و احکام آن

